تذکره نویسی فارسی

در هند و پاکستان

متضمن

شرح تذکره‌های شعرائی که در هند وپاکستان بتألیف درآمده است و نام تذکره‌های فارسی که درخارج ار هند وپاکستان تألیف شده و تذکره‌های صوفیه وعلماء وامراء وغیره وکتب تاریخ که درآنها د کر شعرا رفته است

نگارش

دکتر سید علیرضا نقوی

۱۳۴۷ هجری شمسی

۱۹۶۸ میلادی

مؤسسه مطبوعاتی علمی

چاپ علی‌اکبر علمی

تهران

اهداء

بملت شریف ونجیب ومهمان نواز ایران

سپاسگزاری

نگارنده از الطاف و عنایات آیه مهر و محبت و نمونه کامل اخلاق ستوده ایرانی، آقای دکتر حسین گوبیلی، سرپرست دانشجویان خارجی و مدیر کل بازرسی دانشگاه تهران صمیمانه تشکر مینماید که در طی اقامت اینجانب در ایران از هیچ نوع کمك و مساعدت و راهنمائی دریغ نفرمودند الحق وجود شریف ایشان برای دلگرمی و تشویق دانشجویان خارجی دانشگاه تهران بسیار مغتنم است.

فهرست مندرجات

موضوع	سال تألیف	صفحه
تقریظ از استادوالا مقام آقای دکتر پرویز خانلری		یك
پیشگفتار		هفده
مقدمه		۱
فصل اول قبل از تیموریان هند (از ابتدای سلطنت مسلمانها در هند تا تأسیس حکومت تیموریان هند در ۹۳۲ھ)		
ملاحظات عمومی بر فصل اول		۵۱
۱ـ لباب الالباب سدیدالدین محمدعوفی تقریباً ۶۱۸ھ		۵۹
فصل دوم تیموریان هند (۹۳۲ـ۱۲۷۴ھ)		
قسمت اولـ از زمان بابر تا شاهجهان	(۹۳۲-۱۰۶۸ھ)	
ملاحظات عمومی بر فصل دوم قسمت اول.		۸۵
۲ـ روضة السلاطین ـ مولانا سلطان محمد فخری هروی	۹۳۵ـ۹۶۱ھ	۹۱
۳ـ جواهر العجائب مولانا سلطان محمد فخری هروی	۹۶۳ھ	۹۶
۴ـ نفایس المآثر ـ میرعلاءالدوله کامی قزوینی ۹۷۳ـ۹۷۹ھ		۱۰۰

موضوع	سال تألیف	صفحه
۵- مجمع الفضلا-محمد عارف بقائی	۹۹۶-۱۰۰۰ه	۱۰۹
۶- بزم آرای سیدعلی بن محمود الحسینی	۱۰۰۰ه	۱۱۴
۷- هفت اقلیم-امین احمدرازی	۱۰۰۲ه	۱۱۶
۸- خلاصة الاشعار وزبدة الافکار تقی الدین ذکری کاشی	۹۸۵-۱۰۱۶ه	۱۲۴
۹- خلاصة الشعرا (منتخابه) مولانا محمد صوفی مازندرانی وعبداللطیف گجراتی	۱۰۱۰-۱۰۲۱ه	۱۳۴
۱۰- عرفات العاشقین تقی الدین محمدتقی اوحدی	۱۰۲۲-۱۰۲۴ه	۱۵۱
۱۱- تذکره حرامات ؟	۱۰۱۰-۱۰۲۵ه	۱۶۳
۱۲-میخانه(عشاق) عبدالنبی خان فخرالزمانی عزتی وسی قزوینی	۱۰۲۸ه	۱۶۷
۱۳- تاریخ جهانگیری -مطربی سمرقندی	۱۰۳۴-۱۰۳۵ه	۱۸۶
۱۴-مجمع الشعرای جهانگیری - قاطعی	۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ه	۱۸۷
۱۵- مجمع الشعرای جهانگیری - محمدصادق	۱۰۴۶ه	۱۸۹
۱۶- خزینه گنج الهی - میر عمادالدین محمود الهی همدانی	۱۰۴۲-۱۰۵۲ ه	۱۹۱
قسمت دوم از زمان اورنگ زیب تا آغاز سلطنت انگلستان درهند (۱۱۱۹-۱۲۷۴ه)		
ملاحظات عمومی برقسمت دوم فصل دوم		۱۹۷
۱۷-لطایف الخیال- شیخ معید محمد بن محمد عارف شیرازی دارابی	۱۰۷۸ه	۲۰۲
۱۸-کلمات الشعرا- میان محمد افضل سرخوش	۱۰۹۳ه	۲۱۰
۱۹- مرآت الخیال-شیرخان لودی	۱۱۰۲ه	۲۲۰
۲۰- همیشه بهار- کشن چند اخلاص	۱۱۳۶ه	۲۲۹

موضوع	سال تالیف	صفحه
۲۱ـ سفینه بیحر. میرعظمت اله بیحر	۱۱۴۱ھ	۲۳۱
۲۲ـ مقالات الشعرا ـ قیام الدین حیرت	۱۱۴۴ھ	۲۳۶
۲۳ـ سفینه خوشگوی ـ بندرابن داس خوشگو	۱۱۳۷ـ۱۱۴۷ھ	۲۳۸
۲۴ـ ید بیضا. میر غلام علی آزاد بلگرامی	۱۱۴۵ـ۱۱۴۸ھ	۲۵۵
۲۵ـ تذکره ندرت ـ علی فطرت عطاءالله ندرت	۱۱۴۹ھ	۲۷۳
۲۶ـ گلدسته عبدالوهاب عالمگیری	۱۱۵۵ھ	۲۷۴
۲۷ـ بهارستان سخن ـ میرعبدالرزاق صمصام الدوله	۱۱۶۰ھ	۲۷۵
۲۸ـ ریاض الشعرا ـ علیقلی خان واله داغستانی	۱۱۶۰ـ۱۱۶۱ھ	۲۹۳
۲۹ـ منتخب الاشعار ـ میرزا کاظم ملقب به مرزا علی خان مبتلا	۱۱۶۱ھ	۳۱۰
۳۰ـ منتخب حاکم ـ ملاعبدالحکیم حاکم لاهوری	۱۱۶۱ھ	۳۱۵
۳۱ـ تذکره حسینی ـ میرحسین دوست حسینی سنبهلی	۱۱۶۳ھ	۳۱۷
۳۲ـ مجمع النفایس ـ شیخ سراج الدین علیخان آرزو	۱۱۶۳ـ۱۱۶۴ھ	۳۲۲
۳۳ـ تذکرة المعاصرین ـ شیخ محمدعلی حزین	۱۱۶۵ھ	۳۴۱
۳۴ـ سفینه علی حزین ـ شیخ علی محمدعلی حزین	؟	۳۷۴
۳۵ـ تحفة الشعرا. میرزا افضل بیگ قاقشال اورنگ آبادی	۱۱۶۵ھ	۳۷۸
۳۶ـ سرو آزاد. میرغلام علی آزاد بلگرامی	۱۱۶۶ھ	۳۸۳
۳۷ـ سفینة الشعرا ؟	۱۱۷۰ھ	۳۹۰
۳۸ـ تذکره بینظیر ـ میرعبدالوهاب افتخار دولت آبادی	۱۱۷۲ھ	۳۹۳
۳۹ـ باغ معانی. نقش علی	۱۱۷۴ھ	۳۹۶
۴۰ـ تذکره شاعرات ـ؟	۱۱۷۴ھ	۳۹۹
۴۱ـ مقالات الشعرا ـ میرغلام علی شیر قانع تتوی	۱۱۶۹ـ۱۱۷۴ھ	۴۰۱
۴۲ـ سفینه عشرت ـ درگاداس عشرت	۱۱۷۵ھ	۴۱۴

موضوع	سال تالیف	صفحه
٤٣- مردم‌دیده - ملاعبدالحکیم حاکم لاهوری	١١٧٥ھ	٤١٥
٤٤- حزانه عامره - میر غلام‌علی آزاد بلگرامی	١١٧٦ھ	٤٢٥
٤٥- تذکره الشعرا ؟	١١٧٠-١١٨٠ھ	٤٣٧
٤٦- گل رعنا- لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی	١١٨١-١١٨٢ھ	٤٤٥
٤٧- شام غریبان - لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی	١١٨٢ھ	٤٤٥
٤٨- تذکره یوسف علیخان - یوسف‌علیخان	١١٨٤ھ	٤٤٦
٤٩- مجموعه عشق یا چهارچمن یا باغ گلهای حسن- شیخ غلام محی‌الدین مبتلا وعشق قریشی	١١٨٧ھ	٤٤٧
٥٠- لب‌لباب- قمرالدین علی	١١٩٤ھ	٤٤٧
٥١- انیس الاحباب- موهن لعل انیس	١١٩٧ھ	٤٥٠
٥٢- خلاصة الکلام- علی ابراهیم خان خلیل	١١٨٧-١١٩٨ھ	٤٥٦
٥٣- عقد ثریا - شیخ غلامعلی همدانی مصحفی امروهوی	١١٩٩ھ	٤٦٣
٥٤- تکملة الشعرای جام جمشید مولوی محمد قدرت‌الله شوق	بعد از ١١٩٩ھ	٤٦٨
٥٥- صحف ابراهیم- علی ابراهیم خان خلیل	١٢٠٥ھ	٤٧١
٥٦- خلاصة الافکار - ابوطالب‌خان اصفهانی	١٢٠٧ھ	٤٧٧
٥٧- تذکره نوبهار- محمد رفیع الدین نقشبندی	١٢١٦ھ	٤٨٩
٥٨- مخزن الغرایب- شیخ احمدعلی هاشمی سندیلوی	١٢١٨ھ	٤٩٤
٥٩- سفینه‌هندی- بهگوان‌داس سمل وهندی	١٢١٩ھ	٥٠٠
٦٠- طبقات سخن- شیخ غلام محی‌الدین قریشی	١٢٢٢ھ	٥١١
٦١- تذکره کاتب- میرزا محمدعلی کاتب صفوی	١٢٢٥ھ	٥١٨
٦٢- ریاض الوفاق- ذوالفقار علی‌مست	١٢٢٩ھ	٥١٤
٦٣- نشتر عشق - آقاحسینقلی‌خان عاشقی عظیم آبادی	١٢٢٤-١٢٣٣ھ	٥١٥

موضوع	سا' تالیف	صفحه
٦٤ـ ابیس العاشقین ـ کنوردتن‌سگه رحمی	١٢٣٩ یا ١٢٤٥ھ	٥٢١
٦٥ـ گلدسته کرناتك ـ علام‌علی موسی		
رصا رایق	١٢١٠-١٢٤٤-١٢٤٨ھ	٥٢٧
٦٦ـ محك شعرا ـ محمدصالح شاملوی‌حراسانی	١٢٥٢ھ	٥٢٩
٦٧ـ معراج‌الحیال ـ وریرعلی عبرتی عطیم آبادی	١٢٥٧ھ	٥٣٦
٦٧ـ صبح وطن ـ بواب‌محمد عوث حـاں‌اعظم	١٢٥٦-١٢٥٨ھ	٥٤٥
٦٩ـ نتایج‌الافکار ـ محمد قدرت‌اله حاں قدرت		
گوپاموی	١٢٥٦-١٢٥٧ھ	٥٥٢
٧٠ـ نعمه عندلیب ـ محمدرصا نحم‌طباطبائی	١٢٦١ھ	٥٥٩
٧١ـ حدایق‌الشعرا ـ میرزاامیربیك‌امیر سارس	١٢١١ ١٢٦٢ھ	٥٦٢
٧٢ـ حرینة الشعرا ـ سیدعلی‌کبیر المدعو محمد		
میر نحاں اله‌آبادی	١٢٦٠-١٢٦٥	٥٦٣
٧٣ـ اشارات بیش ـ سید مرتصی بیش	١٢٦٥ھ	٥٦٥
٧٤ـ گلرار اعظم ـ بواب محمدغوث‌حاں اعظم	١٢٦٩ھ	٥٧٠
فصل سوم ارآعار سلطنت انگلستان درهند(١٢٧٤ھ) تا ١٣٤٩ھ		
ملاحطات عمومی برفصل سوم		٥٧٩
٧٥ـ ریاص الفردوس ـ مولوی محمدحسین‌حاں	١٢٧٤ھ	٥٨٢
٧٦ـ شمع محفل‌سحں ـ سید عبداللطیف الطاف حسینی	؟	٥٨٤
٧٧ـ هفت‌آسمان ـ آقا احمدعلی احمد	١٢٨٥ھ	٥٨٥
٧٨ـ شمع انحمں ـ بواب‌سیدصدیق حسں حاں بواب	١٢٩٢ھ	٥٩٢
٧٩ـ نگارستاں سحں ـ بواب سید بورالحسں حاں		
طیب وبور	٣-١٢٩٢ھ	٦٠٢
٨٠ـ صبح گلشں ـ بواب‌سیدمحمدعلی حسں‌حاں سلیم	٥-١٢٩٤ھ	٦٠٨
٨١ـ روزروشں ـ محمد مطفرحسیں صبا گوپاموی	٦-١٢٩٥ھ	٦١٢
٨٢ـ احتر تاباں ـ ابوالقاسم محتشم	١١٩٩ھ	٦١٧
٨٣ـ تدکرة الحواتیں ـ میرزا محمد رفیع		

موضوع	سال تالیف	صفحه
ملك الکتاب شیرازی	۱۳۰۶ھ	۶۶۲
۸۴- تکمله مقالات الشعراء محمد ابراهیم مسکین و خلیل	تقریباً در ۱۳۰۹ھ	۶۲۵
۸۵- حدیقه عشرت - کنوردرگا پرشاد مهرسندیلوی ۱۳۱۱ھ		۶۴۰
۸۶- تذکرة الشعرا - محمد عبدالغنی موفرح آبادی ۱۳۲۸ھ		۶۴۳
۸۷- سخنوران چشم‌دیده- مولوی ترك علیشاه ترکی قلندر نور محلی	۱۳۳۲ھ	۵۴۷
فصل چهارم از سال ۱۳۴۹- ه تا حال		
ملاحظات عمومی بر فصل چهارم	۴۷۵	۶۵۹
۸۸- سخنوران ایران درعصر حاضر - الحاج دکتر محمد اسحق	۱۳۵۱-۱۳۵۵ھ	۶۲۲
۸۹- شعرای عصر پهلوی- دشاحی بهائی ایرانی	۱۳۵۲ھ	۶۷۷
۹۰- ایران صغیر یا تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر- دکتر خواجه عبدالحمید عرفانی	۱۳۷۵ھ	۶۷۸
۹۱- تذکره شعرای فارسی زبان پیشاور- دکتر ندیر حسن میرزا برلاس	۱۳۷۷ھ	۶۸۵
ملحقات		
۹۲- تذکره شعرای یزد - اردشیر خاضع	۱۳۸۲ھ	۶۹۹
ضمائم		
ضمیمه اول - نام تذکره‌های فارسی که در هند و پاکستان تألیف شده است ولی شرح آن در این کتاب نیامده است		۷۰۹
ضمیمه دوم - نام تذکره‌های فارسی که خارج از شبه‌قاره هند و پاکستان تألیف شده است		۷۱۳
ضمیمه سوم - نام تذکره‌های شعرای فارسی و کتب دیگر که بزبان اردو در شبه‌قاره هند و پاکستان تألیف شده است و احوال بعضی شعرای فارسی را بیرشامل است		۷۳۵

ضمائم

صفحه

ضمیمه‌چهارم ـ نام تذکره‌های شعرای اردو که در هند و پاکستان بزبان فارسی تألیف‌شده است و اکثر این شعرا بفارسی هم شعر میسروده‌اند ۷۳۷
ضمیمه پنجم ـ نام تذکره های اولیا وصوفیه که بسیاری از آنان شعر می سروده اند. ۷۴۲
ضمیمه ششم ـ نام تذکره‌های علما و فضلا و ملوك و خطاطان‌وغیره که‌گاهی ذکرکسانی راکه شعر می‌سرودند نیز شاملست ۷۶۴
ضمیمه هفتم ـ نام‌کتب‌عمومی‌که ذکر شعرای‌فارسی‌را هم‌دارد ۷۷۳
ضمیمه‌هشتم ـ نام‌کتب تاریخ‌که‌درآن ضمناً ذکر بعضی‌شعرا هم‌آمده‌است ۷۷۷
ضمیمه‌نهم ـ توضیح درباره کتابهائی‌که بعضی‌گاهی آنرا اشتباهاً جزو تذکره شعرا حساب‌کرده اند ۷۸۴

اضافات

برگزیده ازپارسی سرایان‌کشمیر ـ دکتر گ ـ ل ـ تیکو بسال ۱۳۴۲ش ۷۸۹

فهرست‌منابع

الف ـ کتب فارسی ۷۹۹
ب ـ کتب اردو ۸۱۱
ج ـ کتب عربی ۸۱۳
د ـ کتب‌ترکی ۸۱۳
هـ ـ کتب هندی ۸۱۳
و ـ کتب انگلیسی وفرانسه وآلمانی وروسی وترکی (بخط لاتین) وغیره ۸۱۴
فهرست‌کتب ورجال واماکن ۸۲۹

علامات اختصاری که دراین کتاب بکار رفته است

ج	جلد
ح	حاشیه
ر ک.	رجوع کنید به
س	سطر
ش	هجری شمسی ـ شماره
ص	صل الله علیه و آله وسلم
ع	علیه السلام
ف	-
م	میلادی ـ متوفی (سال)
ه	هجری قمری
ه ـ ق	هجری قمری

تقریظ

از

استاد والامقام جناب آقای دکتر پرویز ناتل خانلری
وزیر محترم سابق فرهنگ و استاد ارجمند دانشکدهٔ ادبیات تهران

ایران با سرزمین کهنی که سراسر آن تا حدی پیش هندوستان خوانده میشد پیوندی کهن دارد این پیوند از روزگاری آغاز میشود که افراد خانوادهٔ هند و ایرانی ازهم جدا شدند و گروهی در خاك ایران و گروه دیگر در هندوستان جا گرفتند سپس در دوران هخامنشیان قسمتی از شمال شرقی آن سرزمین به شاهنشاهی ایران پیوست و در روزگار ساسانیان نیز همین پیوند دوام یافت اما در این زمان رابطهٔ علمی و فرهنگی میان دو کشور استوار نشد و برای آنکه در این باب سخن دراز نشود همین قدر میگوئیم که داستان برزویهٔ طبیب و رفتن او به هندوستان در طلب کتاب بیدپای که همان کلیله و دمنهٔ معروف است درحکم مثالی است برای نشان دادن شوق و علاقه‌ای که ایرانیان به کتب دانش هندی و افزودن آن به گنجینهٔ فرهنگ ملی خود داشته‌اند

با این حال باید گفت که رابطهٔ فرهنگ ایران با هندوستان پس از اسلام بیش

ازپیش‌محکم‌شده‌است دراین زمان بود که شریعت اسلامی ازراه ایران و بتوسط ایرانیان درآن سرزمین‌انتشار یافت. بسیاری‌ازسلسله‌های ایرانی،یا ایرانی‌شده ، درولایتهای آن اقلیم فرمانروائی کردند

گروهی بیشمار ازدانشمندان وسخنوران ایران در دربارآن پادشاهان پناه جستند زبان وادبیات فارسی درآن سرزمین‌رواج و انتشار یافت تاآنجا که گاهی زبان ادبی‌ورسمی ودرباری شمرده شد

صدها سخنور فارسی زبان بدربار پادشاهان هند روی آوردند یا درآن دستگاه پرورش‌یافتند که نام‌بعضی ازبزرگترین گویندگان و نویسندگان ادبیات فارسی‌درمیان‌ایشان‌دیده میشود ازمسعودسعدسلمان وابوالفرج‌رونی وسنائی‌غزنوی ونصرالله بن‌عبدالحمید وامیرخسرو و خواجه حسن وعرفی‌تاصائب و کلیم وطالب وبیدل این سلسله همواره پیوسته بوده‌است و در زمانهای اخیر بزرگانی از آن سرزمین برخاسته‌اند که بر افتخارات ادبیات پرمایهٔ فارسی افزوده‌اند و از آن جمله تنها ذکر نام غالب دهلوی و اقبال لاهوری برای اثبات مدعا کفایت میکند

باین طریق تاریخ‌فرهنگ‌وزبان وادبیات ایران وهندوستان‌باهم‌آمیخته‌است واین پیوند معنوی‌هرگز گسستنی نیست البته باگفته باید گذاشت که مهمترین قسمت‌رابطهٔ ایران همواره بامسلمانان هندوستان بوده است و پس از تقسیم آن سرزمین به دو کشورهندوپاکستان ، کشور اخیر ازاین پیوندآشنائی دیرین سهمی بسیار بزرگتریافته‌است

اماازگزارشیوهٔ خاص شعر فارسی که در آن دیار پرورش یافت بگذریم ، نویسندگان فارسی زبان هندوپاکستان‌دردوزمینه برادیبان‌ایران برتری‌یافته‌اند؛ یکی‌درامر تدوین‌فرهنگنامه ولغت وقواعد زبان فارسی ودیگری درتتبع احوال و اخبارشاعران فارسی زبان ایرانیان‌خود باین دو امر توجه شایانی نداشته و دربارهٔ آن‌کارچندانی نکرده‌اند وحتی میتوان گفت که تا این اواخرازکوششهای

برادران هندی وپاکستانی خود دراین دو رشته آگاهی کافی نداشته‌اند

استقلال آن سرزمین وخصوصاً استحکام روابط مودت میان ایران وپاکستان، گذشته ازفوایدمهم دیگر، این فایدهٔ عظیم را دربرداشته‌است که پیوند فرهنگی دو کشورمحکم‌ترشده وبا آمدن جوانان دانشمند ودانش‌پژوه پاکستانی به ایران، ادیبان‌این کشور بیشتر توانسته‌اند ازعلائق دیرین‌فرهنگی که ما را به‌هم مربوط میکند آگاه‌شوند.

نمونه وبرهان صریح‌این معنی‌همین کتاب‌است که‌اکنون‌بدست‌خوانندگان میرسد .مؤلف فاضل این کتاب آقای سیدعلی رضا نقوی که ازچند سال پیش درداشکدهٔ ادبیات تهران‌لذت صحبت وآشنائی‌با ایشان را یافته‌ام بااین تألیف گرانبها ثابت کرده‌اند که هنوزدرمیان برادران پاکستانی ما کسانی هستند که میتوانند خدمتهای شایسته‌ای بزبان وادبیات فارسی‌انجام‌دهند

این کتاب جامع که باشوق و کوشش فراوان تدوین‌شده وهمهٔ نکات‌دقیق علمی درتدوین آن مراعات گردیده‌است برای همه محققان و علاقه‌مندان به تاریخ ادبیات‌فارسی‌سودمند ومغتنم است ومن‌خودازآن بهرهٔفراوان‌برده‌ام وبراین مقدمهٔکوتاه‌اگرنکته‌ای باید بیفزایم‌قدردانی ازهمت ودقت وفضل واحاطهٔمؤلف دانشمند برموضوع کتاب‌است.

آرزو میکنم که‌این‌محقق دقیق و پرمایه توفیق بیابدکه در آینده آثار گرانبهای دیگر نیز دربارهٔزبان وادبیات فارسی که میراث مشترك دو کشورایران وپاکستان‌است به‌پژوهندگان‌دانش وادب عرضه دارد

دکتر پرویز ناتل خانلری

استاددانشکدهٔ ادبیات تهران

۱۴ر۱۲ر۱۳۴۲

پیشگفتار

کتاب حاضر اصلا رساله‌ای بود که نگارنده بعنوان پایان نامه دورهٔ دکترای زبان وادبیات دانشگاه تهران براهنمائی استاد ارجمند جناب آقای دکتر پرویز ناتل خانلری در سال ۴۱ــ۱۳۴۰ تألیف کرد

علاقه بزبان فارسی که ازاوان کودکی درنهاد اینجانب بودیعه نهاده شده بود، دائماً مرا بر آن میداشت که درراه تحصیل این زبان توجه کافی وسعی وافی مبذول دارم، اما بعللی تامدتی نتوانستم دراین راه توفیق حاصل نمایم درسال ۱۹۴۹ میلادی یك هیأت فرهنگی ازشوروی وارد پاکستان شد ویکی ازاعضای آن بنام تورسون زاده شاعر معروف آن کشور در چندین دانشکده ومرکز فرهنگی سخرانیها ایراد و شعرهائی بزبان شیرین فارسی انشاد کرد بحسب اتفاق اینجانب نیز در بعضی ازاین جلسات شرکت داشتم و با کمال خوشوقتی پی بردم که مطالب آن سخرانیها را بتمام و کمال درك میکنم همین احساس مرا بر آن داشت که اطلاعات وسیعتری در این زبان کسب نمایم

دراثر شوق وذوق فراوان که برای کسب زبان فارسی داشتم، توانستم درمدت نسبتهٔ کوتاهی درامتحان « منشی فاضل » که مستلزم داشتن اطلاعات وسیعی درزبان وادبیات فارسی است موفقیت شایان توجهی بدست آورم همچنین بعلت دلبستگی فراوان

زبان وادبیات فارسی درسال ۱۹۵۵ میلادی درامتحان فوق‌لیسانس فارسی دانشگاه کراچی درمیان کلیهٔ دانشجویان فارسی باحرازمقام اول نائل گردیدم

موفقیتهای متوالی در امتحانهای فارسی طبعاً موجب شد که عشق من نسبت باین زبان افزوده گردد واندیشه‌ای راکه از دوران کودکی برای مسافرت طالب علمی بایران، یعنی سرزمین فردوسی وسعدی وحافظ، در محیله خود میپروراندم بمرحله حقیقت نزدیک سازم درهمان اوان دانشگاه تهران به پیشنهاد آقای دکتر روستائیان وابسته اسبق فرهنگی ایران درپاکستان موافقت خودرا درمورداعطای بورس تحصیلی باینجانب اعلام نمود وبدین ترتیب نگارنده فرصتی بدست آورد که آرزوهای خودرا درمورد تحصیلات عالی دررشته زبان وادبیات فارسی جامه‌عمل بپوشاند وپس از گذراندن امتحانات مربوط در صدد تهیه رساله دکترای فارسی دانشکده ادبیات برآمد

خوشبختانه برادر گرامی، آقای دکتر شهریار نقوی، روزی ضمن صحبت فرمودند که مرحوم پروفسور شیرانی دانشمند معروف پاکستان را عقیده بر این بود که خدمات دانشمندان هند وپاکستان درزمینه زبان وادبیات فارسی مخصوصاً درقسمت تألیف فرهنگ وتذکره و تاریخ جنانکه باید وشاید بایرانیان شناسانده نشده‌است بنابراین افرادی که بایران اعزام میشوند موظفند که این وظیفه خطیر را تا حد امکان انجام دهند

ازآنجا که آقای دکتر شهریار نیزرساله دکترای خودرا درباره « فرهنگ نویسی فارسی درهند و پاکستان »[1] تهیه کرده بودند در انجام این سفارش وتحقق آرزوی مرحوم پروفسور شیرانی اینجانب نیز موضوع رساله دکترای خود را «تذکره نویسی فارسی درهند وپاکستان» انتخاب نموده برای تهیه مدارك ومواد آن درسال ۱۳۳۵ ش بپاکستان رفتم وباندتی منابع ومآخذی را که درکتابخانه‌های آن دیارموجود بود مطالعه نموده بایران بازگشتم

۱. این کتاب درسال ۱۳۴۱ ش ازطرف وزارت فرهنگ ایران بچاپ رسیده‌ا

اتفاقاً درهمان ایام، استاد دانشمند، جناب آقای دکتر محمد باقر، رئیس محترم قسمت فارسی دانشگاه پنجاب لاهور، که درهنگام مسافرت اینجانب بپاکستان درراه تهیه، مدارک برای این تألیف همه گونه مساعدت وراهنمائی فرموده بودند، بایران تشریف آوردند و نظر به مراتب کوشش اینجانب در تحقیق و تتبع که شخصاً درپاکستان شاهد آن بودند وهمچنین اهمیت موضوع رساله فوق توصیه فرمودند که مانند آقای دکتر شهریار رساله خود را بجای دکترای دانشکده ادبیات برای دکترای زبان وادبیات دانشگاه تهران تهیه کنم وبنابراین پس از گذراندن امتحانات مربوط درراه تکمیل وتهیه مدارک رساله خود کوششهای پی گیر بعمل آوردم ودرمدت هفت سال دوبار بپاکستان مسافرت کرده کلیه تذکره هائی را که در کتابخانه های آن سامان موجود بود بمطالعه درآوردم همچنین از کتابخانه های ایران وهند اطلاعات مورد لزوم را بدست آورده رساله ای در موضوع فوق تنظیم نمودم که اینك باتغییرات واضافات لازم بعلاقمندان ادبیات فارسی تقدیم میگردد

در کتاب حاضر نگارنده حتی المقدور سعی کرده است که اطلاعات دست اول را از مآخذ ومنابع موجود بدست آورد ودرصورت عدم دسترسی این اقدام را بوسیله رفقا که درنقاط خارج از ایران اقامت داشتند انجام دهد ودرمواقعی که باطلاعات خارج ازحد امکان موجود نیاز بود، این احتیاج را بوسیله فهرست کتابخانه ها و کتابهای دیگر برطرف کرده است این کتاب به یك مقدمه و چهار فصل تقسیم شده است. چنانکه ازشرح تذکره های هرفصل برمیآید، فصول چهارگانه ازلحاظ اهمیت و کیفیت مطالب تذکره ها وانواع و سبك نگارش آن بایکدیگر متفاوت و مختلفند

درآغازهرفصل ازوضع سیاسی واجتماعی وادبی آن دوره باجمال سخن رفته ومختصراً سبك اشعار وارزش واهمیت آن دوره تشریح گردیده وسپس بشرح تذکره های هردوره پرداخته شده است

قبل از ورود ببحث راجع بمطالب ومحتویات تذکره ها بشرح حال و آثار

نویسندگان از کتب معتبر وغالباً معاصر آنان پرداخته شده وسعی گردیده است که این اطلاعات هرچه کاملتروجامع‌تر گردآوری‌شودودیگر احتیاجی برجوع بکتب مختلف تذکره وتاریخ وغیره نباشد وباوجود آنکه شرح حال و آثار بعضی از این تذکره‌نویسان مانند آرزو وآزاد و حزین ووالهٔ بدرازا کشیده اما این مطلب ارزش آنرا داشته است که هرچه بیشتر ومفصل‌تردرباره آن بحث‌وگفتگو بشود تا اهمیت ومقام هریک‌را درادبیات فارسی چنانکه شایسته وبایسته‌است نشان داده‌و حق‌مطلب را تا آنجائی که امکانات موجود اجازه میداد ادا شود

درموقع بحث درباره تذکره‌ها کوشش شده است که محتویات هرتذکره باختصار بیان گردد و مخصوصاً اسامی کسانی که اشعار وشرح‌حال آنان در این تذکره‌ها مفصل آمده است ذکرشود وبمقام وارزش واقعی هرتذکره‌اشاره وبانظر بیطرفی‌دربارهٔ آن قضاوت‌شود

در پایان بحث هرتذکره سعی شده‌است که صورت اسامی کتابخانه‌هائی که حاوی نسخ خطی تذکره مزبور میباشند ذکر ودرصورتی که آن تذکره‌چاپ‌شده باشدمحل‌وسال‌چاپ آن‌مرقوم گردد همچنین منابع ومآخذ شرح‌حال هر نویسنده رادرپایان‌هرمقال بیان‌داشته‌واگراسامی شعرای آن تذکره درفهرست کتابخانه‌ای موجود نبود بذکرنام آن‌فهرست اقدام شده‌است‌ودرصورتی که‌اسامی‌شعرای تذکره موردبحث‌درهیچ کتابی یافهرستی نیامده‌باشدنگارنده‌شخصاً یا بوسیله‌دوستان‌ارجمند آنراتهیه ودرپایان بحث آن تذکره ضمیمه نموده ولی درصورتی که‌فهرست‌اسامی تذکره‌ای خیلی مفصل بوده ازذکرآن صرفنظر شده است همچنین در آخر کتاب به‌ضمیمه بقرارذیل آمده‌است

ضمیمه‌اول نام تذکره های فارسی که‌درهندوپاکستان تألیف شده است‌ولی شرح آن دراین کتاب‌نیامده‌است

ضمیمه‌دوم نام تذکره‌های‌شعرای‌فارسی که خارج‌ازشبه‌قاره‌هندوپاکستان تألیف‌شده‌است

ضمیمه سوم نام تذکره های شعرای فارسی و کتب دیگر که بزبان اردو درشبه قاره هند و پاکستان تألیف شده است واحوال بعضی شعرای فارسی را شامل نیز است

ضمیمه چهارم نام تذکره های شعرای اردو که در هند و پاکستان بزبان فارسی تألیف شده است و اکثر این شعرا بفارسی هم شعر میسروده اند

ضمیمه پنجم نام تذکره های اولیاء وصوفیه که بسیاری از آنان شعر هم میسروده اند

ضمیمه ششم نام تذکره های علما وفضلا وملوك وخطاطان وغیره که گاهی ذکر کسانی را که شعر میسرودند نیز شامل است

ضمیمه هفتم نام کتب عمومی که ذکر شعرای فارسی را هم دارد

ضمیمه هشتم نام کتب تاریخ که در آن ضمناً ذکر شعرا هم آمده است

ضمیمه نهم توضیح درباره کتابهائی که بعضی گاهی آن را اشتباهاً جزو تذکره شعرا حساب کرده اند

درخاتمه بایسته میدانم که از استادان وسروران گرانقدری که مرا در این کار عظیم رهنمائی ویاری فرموده اند سپاسگزاری کنم

نخست از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر پرویز ناتل خانلری که با راهنمائی بی ارج اینجانب را مشمول عنایات خود فرموده و با کمال گشاده روئی کتابخانه نفیس خودرا دراختیارمن قرار دادند

دوم از استاد گرامی جناب آقای دکتر ذبیح الله صفا رئیس محترم دانشکده ادبیات که درهمه کارها مرا یاری فرموده اند و دیگر از کلیه اولیاء امور دانشگاه تهران که موجبات اعطای بورس تحصیل و اقامت مرا در ایران فراهم اورده اند

سوم از استادان گرامی آقایان دکتر محمدباقر رئیس قسمت فارسی دانشگاه

پنجاب لاهور ود کتر علام سرور رئیس قسمت فارسی دانشگاه کراچی ودانشمند والامقام جناب آقای پیر حسام الدین راشدی که ازهمه گونه راهنمائی لازم در مورد این کتاب دریغ نفرموده‌اند

چهارم از استادان معظم جناب آقای سعید نفیسی ود کتر محمد معین و آقای مجتبی مینوی وادیب محترم آقای احمد گلچین معانی که نه تنها درمواردومواقع مختلف به اینجانب ارائه طریق فرموده‌اند بلکه با کمال خوشروئی اجازه دادند که از کتابخانه های گرانبهای ایشان استفاده کنم

پنجم ازتمام استادان محترم دانشکده ادبیات که نگارنده ازمحضر پر برکتشان کسب فیض نموده است

ششم ازبرادران عزیز آقایان پروفسور سیدحسن استاد اداره تحقیقات عربی وفارسی پتنه هند و دکتر ضیاء الدین دیسائی رئیس اداره باستانشناسی ناگپورهند و دکتر محمد مرسلین استاد دانشکده ادبیات دهلی که درتهیه اطلاعات مورد لزوم ونقل قسمتی ازتذکره‌ها از کتابخانه‌های هند همکاری وهمگامی فرموده‌اند

هفتم ازدوستان دانشمند آقایان دکتر حسن سادات ناصری وعلیقلی محمودی بختیاری و خلیل دوستخواه ومرتضی صرافی وخانم مهوش سرخوش و خانم مهین حاجیاپور که درتکمیل بعضی مطالب این کتاب بذل لطف فرموده‌اند

هشتم ازدانشمندان معظم آقایان محمدتقی دانش‌پژوه وعلینقی منزوی که درموارد مختلف اینجانب را راهنمائی فرموده‌اند وهمچنین رؤسا وسایر کارمندان کتابخانه‌های مجلس وملی وملك و دانشکده ادبیات وحقوق و مرکزی دانشگاه تهران که دراستفاده از کتابخانه‌های مزبور باینجانب کمك فرموده‌اند

نهم ازآقای علی‌اکبر علمی که وسایل چاپ این کتاب را فراهم نموده‌اند همچنین از کارمندان چاپخانه علی‌اکبر علمی مخصوصاً از آقای هدایتی که درچاپ این کتاب نهایت مجاهدت را بعمل آورده‌اند

درپایان از ایزدمتعال مسألت دارم که در راه خدمت بیشتر بزبان و ادبیات فارسی و معرفی فرهنگ ایران مرا موفق گرداناد واین سعادت روزی کناد که تاحد امکان بتوانم حق احسانات و عنایات مردم بزرگوار ایران را اداکنم و درتشبید روابط ناگسستنی فرهنگی دوملت بزرگ و برادر پاکستان و ایران روز بروز کوشاتر باشم

سیدعلیرضانقوی

مقدمه

معانی کلمه تذکره

الف-معانی کلمه تذکره در زبان عربی

کلمه تذکره در زبان عربی بمعنی «یاد کردن و یاد آوری و یاد کرد و یادگار و گذرنامه»[1] آمده است و هیچوقت بمعنی کتابی در شرح حال و آثار رجال بکار نرفته است چنانکه حاجی خلیفه در کشف الظنون جلد اول[2] هشتاد و هفت کتاب عربی را که اسم آنها به کلمه تذکره شروع میشود ذکر نموده است اما هیچکدام راجع به ترجمه احوال رجال نیست و همه جا بمعنی «یاد آوری و یادگار» بکار رفته است

باید توجه داشت که در زبان عربی برای کتبی که در ترجمه احوال باشد اصطلاحات ذیل بکار میرود

۱) **طبقات** ـ اگر شرح حال رجال در کتابی از روی طبقه به طبقه و نسل به نسل و قرن بقرن باشد آنرا «طبقات» میگویند مانند طبقات الادباء تألیف کمال الدین ابی البرکات

۱ـ ر ک «فرهنگ تازی بپارسی» بخش نخست چاپ وزارت فرهنگ در چاپخانه فرهنگستان سال ۱۳۱۹ش باهتمام استاد بدیع الزمان فروزانفر

۲ـ ر ک «کشف الظنون» طبع وکالت المعارف ۱۳۶۰ه/۱۹۴۱ تالیف مصطفی بن عبدالله الشهیر به حاجی خلیفه و به کاتب حلبی جلد۲ ص۳۸۳ـ۳۹۳ حاجی خلیفه در ذیل کلمه تذکره اسم نه کتاب ترکی را هم ذکر کرده است که یکی از آنها تذکرة الاولیاء تالیف خواجه پاشا (م۸۹۱) و بقیه هشت کتاب تذکرة الشعرا میباشد البته از میان آنها هیچ کتاب با کلمه تذکره شروع نمیشود اما در هر حال معلوم میشود که در ترکی بمثل فارسی کلمه تذکره بمعنی کتابی در ترجمه احوال بکار رفته است

عبدالرحمن متوفی ۵۷۷ ه وطبقات الاولیاء تألیف شیخ سراج الدین عمر متوفی ۸۰۳ ه و طبقات الشعراء ابی هفان البصری واسمعیل بن یحیی الیزیدوغیره[1]

۲) انسابـ اگر کتابی شرح حال رجال را ازروی نسبتها و بلدان داشته باشد آن را انساب میگویند مانند انساب سمعانی[2].

۳) معجمـ اگردر کتابی ترجمه احوال رجال ازروی الفباء باشد آن را معجم میگویند مانند معجم الادباء تألیف یاقوت حموی درقرن هفتم ومعجم المؤلفین تألیف عمررضا کحاله[3]

معانی کلمه تذکره درزبان فارسی

کلمه تذکره درفرهنگهای فارسی بمعانی ذیل آمده است

یادداشت ویادآوردن وبیاددادن (فرهنگ آنندراج) کتاب تاریخ حالات واشعار شعرا (فرهنگ نظام) یادگارویادداشت وچك مسافر (گذرنامه) و کتابی که در آن احوال شعرا نوشته باشد (فرهنگ نفیسی ناظم الاطباء)

در تمام کتب ادبی فارسی (غیرازتذکره دولتشاه) قبل از زمان صفوی کلمه تذکره بمعنی یادگار ویادداشت ویادآوری بکاررفته است وبتدریج درزمان صفویه بمعنی کتابی درشرح حال وآثارشعرا پیدا کرده است

اکنون درباره تحول معنی این کلمه درزبان فارسی مختصراً بحث میشود

اولین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه «تذکره» شروع میشود «تذکرة الاولیاء» تألیف شیخ اجل فریدالدین عطار دراوایل قرن هفتم هجری است که شیخ در مقدمه آن

۱ـ برای ۳۶ کتاب طبقات عربی رجوع کنید بکشف الظنون ج ۲ ص ۱۰۹۵ ـ ۱۱۰۸ و برای ۲۹ کتاب طبقات دیگر ر ك ایضاح المکنون ج ۲ ص ۷۸ـ۸۰

۲ـ برای ۳۶ کتاب انساب عربی رجوع کنید به کشف الظنون جلد ۱ صفحه ۱۷۸ـ۱۸۰ و برای سه کتاب دیگر انساب عربی ر ك ایضاح المکنون ج ۱ ص ۱۳۲

۳ـ برای ۱۱ کتاب معجم عربی رجوع کنید به کشف الظنون جلد ۲ صفحه ۵۰۸ـ۵۰۹ و برای ۱۳ کتاب دیگر معجم عربی ر ك ایضاح المکنون ج ۲ ص ۵۰۸ـ۵۰۹

مینویسد

«دیگر باعث آن بود که چون دیدم که روزگاری پدید آمده است که الخیر شر و اشرار الناس اخیار الناس را فراموش کرده اند تذکرهٔ ساختم اولیاء را این کتاب را تذکرة الاولیاء نام نهادم تا اهل خسران روزگار اهل دولت را فراموش نکنند و گوشه ــ نشینان و خلوت گرفتگان را طلب کنند و با ایشان رغبت نمایند تا در نسیم دولت ایشان به سعادت ازلی پیوسته گردند[1]

دومین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه تذکره شروع میشود رساله ای بنام «تذکره» در آغاز و انجام تألیف شیخ نصیر الدین طوسی (۵۹۷ــ۶۷۲ه) است که مشتمل است بر بیست فصل[2] اینجا هم کلمه تذکره بمعنی یادآوری و پند دادن بکار رفته است

سومین کتاب فارسی که اسم آن با کلمه تذکره شروع میشود و در متن آن نیز کلمه تذکره بکار رفته است کتاب تذکرة الشعرا تألیف امیر دولتشاه سمرقندی سال ۸۹۲ه است که مؤلف در مقدمه کتاب مزبور مینویسد

«علمای دین داد آثار و اخبار داده اند و ابواب قصص انبیاء بر رخ خلق گشاده اند شیخ عطار که مرقد او ریاحین انوار معطر باد در تذکرة الاولیاء ید بیضاء نموده و مورخان دانا در تواریخ و مقامات سلاطین نوابا مجلدها پرداخته اند و کتابها ساخته اند و همچنین در بلاد و مصلحت عباد آنچه بایستنی است فضلا در آن کار جهد نموده اند و یادگاری گذاشته اند بیت

آنچه مجهول مانده در عالم ذکر تاریخ و قصه شعر است

جهت آنکه علماء با وجود کمال و فضل بدین افسانه شعر قلم رنجه نکرده و سر همت فرو نیاورده اند و دیگران اوقات مساعدت نکرده و بلکه بضاعت آن نداشته اند القصه تاریخ و تذکره و حالات این طایفه را هیچ آفریده از فضلا ضبط ننموده اگر سطری

[1] ــ رجوع کنید به «تذکرة الاولیاء» چاپ چاپخانه مرکزی تهران ۱۳۲۲ش باهتمام محمد قزوینی ص ۵ و ۶

[2] ــ این کتاب از طرف دانشگاه تهران سال ۱۳۳۵ چاپ شده است

بروجه صواب درین ابواب نموده آید حقاً که بروجه صلاح خواهد بود ـ این شکسته چون از خازن گنجینه معنی این رموز استماع نمودم و دانستم که این صید از قید صیادان این صناعت جسته و این در بر روی ارباب طلب بسته است از آنچه شکسته بسته در مده العمر دیده و از آن خوشه که از خرمن کرام چیده بودم از تواریخ معتبره و اردو اوین استادان ماضی و اشعار متقدمین و متاخرین و از رسایل متفرقه و کتب سیر و غیر ذلك تاریخ و مقامات و حالات شعرای بزرگ که ذکر دواوین واشعار ایشان در اقالیم مشهور و مذکور است جمع نمودم و از عهد اسلام الی یومنا هذا به ترتیب شمه ای از تواریخ سلاطین بزرگ که شعرای نامدار بروزگاران طایفه بوده اند در این تذکره بقلم آوردم و از منشئات اکابر و لطایف اعاظم و تحقیق معرفت بلغاء آنچه توانستم بقدر الوسع والامکان در این تذکره بایراد رسانیدم»[1]

چنانکه از سطور فوق برمیآید دولتشاه کلمه تذکره را بمعنی یادگار و کتابی در شرح حال شعرا بکار برده است

در زمان صفوی و تیموریان هند نیز کلمه تذکره بمعنی «یادگار و تذکر» و کتابی درشرح حال و نمونه اشعار شعرا هر دو بکار رفته است ـ مثلا در کتب زیر کلمه تذکره بمعنی یادگار آمده است

۱) تذکره شاه طهماسب صفوی که شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ـ۹۸۴ه) در این کتاب شرح حال و بعضی وقایع زمان سلطنت خود را از ابتدای جلوس در روز دوشنبه ۱۹ رجب ۹۳۰ ه تا زمان تألیف کتاب (؟) ذکر کرده است و در مقدمه کتاب می نویسد

«بخاطر شکسته خطور کرد که از احوالات و سرگذشت خود تذکره ای بقلم آورم که از ابتدای جلوس الی یومنا هذا احوالم بچه نوع گذشته است تا از من بر سبیل یادگار در روزگار بماند و دستورالعمل اولاد امجاد و احفاد شود»[2]

[1] ... اعداد ... شاه سمرقندی چاپ کتابفروشی بارانی تهران باهتمام محمد

[2] ... تری؛ چاپ برلن چاپخانه کاویانی ۲۵ محرم ۱۳۴۳ه

۲) تذکرهٔ همایون و اکبر که بایزید بیات بفرمایش اکبرشاه (۹۶۳ـ۱۰۱۴ هـ) در ۹۹۹هـ تالیف کرده و آن کتاب مشتمل است بر وقایعی از ۹۴۹ تا ۹۹۹ هـ از زمان همایون شاه (۹۳۶ـ۹۶۳هـ) و اکبرشاه [1]

۳) تذکرة الملوک تألیف در حدود سال ۱۱۳۸هـ مشتملست بر «دستور العمل هر یک ارباب مناصب درگاه معلی موافق ازمنه سلاطین صفویه.

۴) تذکرهٔ آنندرام مخلص ـ در تاریخ جنگ بین محمدشاه پادشاه هند (۱۱۳۱ـ ۱۱۶۱ هـ) و نادرشاه افشار پادشاه ایران (۱۱۴۸ـ۱۱۶۰هـ) میباشد »

۵) تذکرة الملوک تألیف یحیی خان میرمنشی فرخ‌سیر پادشاه هند (۱۱۲۴ـ۱۱۳۱هـ) که تاریخ عمومی هند از زمان فتح هند بدست مسلمانان تا ۱۱۴۹هـ میباشد [2]

۶) تذکرة الخواتین تألیف میردوستی سال ۹۵۵هـ که مشتملست بر اشعار شعرا

۷) تذکرهٔ نصرت یا منتخب لطایف الخیال که میرزا محمدصالح حسینی در ۱۱۰۴هـ تألیف کرده است و آن نیز مشتملست بر اشعار شعرا .

در این قبیل کتب کلمهٔ تذکره بمعنی یادگار و یادآوری بکار رفته است

در تذکرهٔ «تحفهٔ سامی» تألیف سام میرزا صفوی در ۹۵۷هـ نیز کلمهٔ تذکره بمعنی ذکر و یادآوری آمده است چنانکه مؤلف در مقدمهٔ آن مینویسد

«محجوب نماند که این نسخه هرجا که صاحبقران مغفور مذکور میگردد مراد حضرت شاه ماضی است و هر کجا که صاحبقران مرقوم میشود غرض شاه عالم پناه گیتی ستان است که بمقتضای ذکری السلطان نزل الامان « تذکره » ایشان مستلزم آمال و امانیست و سرمایه سعادت دو جهانی [3]

اما در «تذکرهٔ نصرآبادی» تألیف محمدطاهر نصرآبادی در ۱۰۸۳ هـ کلمهٔ تذکره بمعنی کتابی در شرح حال و نمونه اشعار و شعرا بکار رفته است و مؤلف در مقدمه

۱ـ این کتاب در هند از طرف رایل ایشیاتک سوسایتی آف بنگال سال ۱۳۶۰هـ/۱۹۴۱م چاپ شده است

۲ـ ر ک اته ش ۴۰۹

۳ـ ر ک تحفهٔ سامی چاپ مطبعهٔ ارمغان تهران ۱۳۱۴ش

مکرر بمعنی تذکرة الشعرا یعنی کتابی که حاوی شرح حال و نمونه اشعار شعرا باشد آورده است مثلا در مقدمه میگوید

« هنوز در عجم «تذکره» جامع این اشعار (نیست) و کس بر این همت نکرده »[1]

(۳) در ریاض العارفین نیز هدایت کلمه «تذکره» را بمعنی یادگار ومجموعه احوال واشعار شعراء هردو بکار برده است چنانکه درمقدمه کتاب مذکور مینویسد

«بعضی از اصحاب زاهره احباب این فقیرضعیف بی مقدار را ترغیب و تحریص فرمودند که چه باشد که «تذکره» بجهت تبصره اهل بصیرت مشتمل بر ادوار و اشعار وسلسله طریقت و فواید حقیقت این طبقه شریفه جمع نماید که طالبان وراغبان طریقه حقه طریقت را از حالات این قوم استحضار و اعتباری و آیندگان را تذکاری از خاکسار حاصل آید»[2]

(٤) همچنین در تذکره نشاط تألیف نشاط اصفهانی وتذکره عبدالرزاق بیک دنبلی وتذکره درویش نوای کاشانی وتذکره محمدشاهی نواب بهمن میرزا وتذکره اختر وتذکره دلگشا وتذکرة السلاطین وتذکره صاحبقران یا بوستان خیال تألیف میرمحمد تقی حسین ۱۲۷۹ ه و تذکره طلعت تألیف طلعت اعتمادمقدم عفا چاپ تهران ۱۳۲۹ ش و کتب دیگر تذکرة الشعرا کلمه« تذکره» بمعنی تذکرة الشعرا بکار رفته است

خلاصه امروز کلمه تذکره درادبیات فارسی ایران بمعنی« کتابی محتوی شرح حال و نمونه اشعارشعرا» بکارمیرود

اما باید توجه داشت که کلمه تذکره درشبه قاره هندوپاکستان دراین دوره بمعنی کتابی درشرح حال رجال نیز بکاررفته است مانند تذکرة الامرا کیول رام و تذکره علمای هند تألیف احمدعلی وتذکره خوشنویسان تألیف مولانا غلام محمد

۱ـ ر ك مجمع الفصحا چاپ تهران

۲ـ ر ك ریاض العارفین چاپ تهران

هفت‌قلمی دهلوی که به ترتیب درشرح‌حال امراءوعلماء وخوشنویسان میباشد ولی‌در این‌دوره درشبه‌قاره‌هندوپاکستان نیز تنها کلمه«تذکره»بمعنی‌تذکره الشعرا بکاررفته‌است ومیرود

تعریف تذکره و منظور از کلمه تذکره در این کتاب

چنانکه درسطورفوق توضیح‌داده‌شد طبق اصطلاح‌ادبی که اززمان زندیه وقاجار غلبه‌یافته است‌تذکره کتابیست که درآن‌شرح‌حال وآثارشاعری‌یاعده‌ای ازشعرا آمده باشد ـ دراین کتاب تذکره‌نگار نه‌تنها اشعار شعرا را نقل میکند بلکه‌شرح‌حال آنهاراهم‌مینویسد وگاهی اسم آثاروتألیفات هرشاعررادر ذیل‌شرح حال وی ذکر نموده درباره آن منحصراً بحث میکند وهمچنین در موقع نقل اشعار شعرا گاهی درباره آن نظر خود و دیگران را درباره گوینده آن نیز ذکر میکند

اگر کتابی‌فاقد شرح‌حال‌شعرا باشد وتنها به‌نقل‌نمونه اشعارشعرا محدود باشد آن‌راطبق اصطلاح ادبی تذکره‌نمیگویند بلکه«بیاض»یا «جنگ» یا «سفینه» میگویند(رجوع‌شود به «بعضی‌اصطلاحات‌مربوط به تذکره»درسطور ذیل)

نظر به تعریف‌فوق در این‌رساله کلمه «تذکره»بمعنی تذکرةالشعرا یعنی کتابی که حاوی‌شرح‌حال‌ونمونه‌اشعار شعرا باشد بکاررفته‌است

بعضی اصطلاحات‌مربوط به‌تذکره

درادبیات فارسی‌بعضی‌اصطلاحات بکار رفته است که بطورمستقیم‌یاغیرمستقیم مربوط به‌تذکره‌میباشد وبنابراین لازم‌میدانند که درباره‌آن توضیح مختصری در اینجا داده شود

(۱) **بیاض**ـ فرهنگ‌نویسان‌فارسی این کلمه‌را بمعنی‌ذیل آورده‌اند «ازسواد به‌بیاض‌آورده وصاف کرده‌شده (فرهنگ آنندراج) نوشتن‌با خط واضح‌ از روی مسوده ـ کتاب‌مستطیلی که درآن ادعیه‌یا اشعارومطالب‌متفرقه‌نوشته یانوشته ـ کتابچه‌ای که‌جهت یاد داشت درنقل

گذارند» (فرهنگ نفیسی) .

خلاصه بیاض دفترچه سفیدی است که در آن نویسنده خاطرات خود و ادعیه واحادیث ومراثی و نوحه‌ها وماده تاریخ ها ومطالب دیگر مذهبی وادبی و غیر ادبی که برای وی جالب باشد مینویسد این کتاب را که ازطول باز میشود. معمولا از کاره‌های کاغذ درست کرده بصورت دفتر بغلی برای یادداشت مطالب مختلف بکار میبرند گاهی در بیاض تنها یك کتاب را نقل میکرده‌اند .

بیاض اصطلاحیست که نویسندگان ایران و فارسی نویسان کشورهای دیگر چه درقدیم وچه امروز معمول داشته‌اند . اسم بعضی از بیاض‌ها که مجموعه اشعار شعرا بوده جزو مآخذ تذکره های فارسی ذکر شده است مانند بیاض صائب (که بعضی آن را اساساً تذکره صائب نوشته‌اند و آن جزو مآخذ تذکره هائی مانند مخزن الغرایب بوده است) و بیاض میرمعزخان فطرت بنام گلشن فطرت [1] و بیاض محمدعلی ماهر و بیاض محمدزمان راسخ (که هرسه کتاب اخیر الذکر از مآخذ کلمات الشعرا سرخوش بوده است) و بیاض داراشکوه (ازمآخذ مخزن الغرایب) و بیاض میر آزاد بلگرامی (ازمآخذ نگارستان سخن) و امثال آن

(۲) جنگ ــ فرهنگ های فارسی معانی این کلمه را به قرار زیر ضبط کرده اند

جنگ بضم اول شتری را گویند که هنوز آن را بهزیر بار نکشیده باشند و بمعنی کشتی وجهاز بزرگ هم هست و باین معنی با جیم فارسی نیز آمده است و بیاض بزرگ راهم گفته‌اند ــ و نوعی از قمار نیز هست (برهان قاطع) کشتی بزرگ و کلان و بیاض بزرگ که اشعار گوناگون دارد ــ سفینه بزرگ و دیوان الشعراء و تذکره آنان (آنندراج). کتاب یا دفتری که در آن مطالب مختلفه (به) خصوص اشعار از

---

[1] درمخزن الغرایب اسم این بیاض «گلزار فطرت» آمده است ــ ر ك مآخذ مخزن الغرایب در این کتاب

شعرای متقدم نوشته شده باشد در ترکی این لفظ بمعنی کشتی بزرگ و ریسلو و چیز ضخیم است (فرهنگ نظام) بیاض بزرگ که اشعار گوناگون ومسائل و حکایات مختلف و پراکنده در آن نویسند (فرهنگ نفیسی)

در «یادداشتهای قزوینی» در ذیل جنگ عبارت زیر آمده است .

« جنگ - بحرکات نامعلوم وشاید جنگ به هندی یا دراصطلاح هندوستانیها به معنی سفینه بزرگ است «سفاین بزرگ که آنرا جنگ گویند» (وصاف ٣٠١ درمقام صحبت ازهند). پس احتمال قوی دارد کـه جنگ معروف (برفرض مضموم بودن اول کلمه مذکور دروصاف) بمعنی سفینه اشعار نیز ازهمینجا یعنی ازاصطلاح هند آمده باشد کـه دراینصورت جنگ باین معنی سفینه نعین همین معنی مجازی خواهد بود درپشت ابن شاکرهم چیزی ازاین مقوله یاد داشت کرده ام»[١]

باید توجه داشت که کلمه جنگ بصورت « جنك » [٢] درزبان چینی بمعنی کشتی بزرگ آمده است وجنگ واجنگ[٣] درزبانهای مالایائی وجاوائی (اندونزی) بمعنی کشتی یا کشتی بزرگ میباشد [٤].

ظاهراً این کلمه براه هند وارد زبان فارسی شده است وبه اصطلاح ادبی فارسی بمعنی کتابیست مثل بیاض که درآن مطالب مختلفی مخصوصاً ادبی وعادتا آثار نظم ونثر ادبا یـاد داشت میکنند . واین کتابها بعلت مستطیل بودن و دربر داشتن همه نوع مطالب مانند کشتی که طویل ودربردارنده همه نوع کالا ومردم میباشد اصطلاحاً «جنگ» نامیده میشود

١ــ ر.ك . یادداشتهای قزوینی چاپ دانشگاه تهران ١٣٣٤ ش جلد ٢ ص ١٧٩

٢ـ Junk ٣) Ajong , Jong

٤ــ ر.ك. کتاب هابسن جابسن چاپ لندن ١٩٠٣

Hobson Jobson by Col · Henry Yule And A ·C Burnell – John Murray , Albemarle St · London

این اصطلاح ظاهراً سست به بیاض تازه‌تر است و بهمان معنی بیاض باشد باین فرق که لازم نیست جنگ مانند بیاض ازطول بازشود

باید اذعان کرد که این اصطلاح بمعنی مجموعه اشعار و آثار ادبا وغیره تنها درایران معمول بوده ودرشبه قاره هند ویا کستان نه درقدیم هند و نه امروز هیچوقت معمول نبوده است وبنابراین درآن سرزمین مجموعه‌ای بنام « جنگ » ترتیب داده نشده است

جنگهای متعددی در کتابخانه هـای ایـران مانند کتابخانه‌های دانشکده ادبیات ومرکزی ومدرسه سپهسالار ومجلس وجود دارد کـه غالبا مجموعه اشعارو اخبارواحادیث وحکایات وغیره میباشد

(۳) **سفینه** ــ این کلمه را درفرهنگهای فارسی به معانی ذیل نوشته‌اند «درعرف بیاض را گویند کـه قطعش طولانی باشد و انفتاح آن درجهت طول بوددرحق طول وشبیه بود به کشتی ازعالم تسمیة الشیئی باسم مشبه به(فرهنگ آنندراج). دفتری که درآن منتخبات اشعارشعرای متعدد باشد کـه نامهای دیگرش جنگ و بیاض شعراست ـ دیوان شعرا راهم سفینه شعر گویند چنانچه حافظ گوید :

درین زمانه رفیقی که خالی ازخلل است

صراحی می ناب وسفینه غزل است

وجه تسمیه کتاب شعر به سفینه شاید ازاین بوده کـه دفتراشعارمنتخب عموماً مستطیل بوده بشکل کشتی وازطول بازمیشده چنانچه جنگ هم درترکی بمعنی کشتی است ودرمعنی دفترنظم ونثرمنتخب استعمال شده ممکنست وجه تسمیه این باشد که دفتراشعارمنتخب تشبیه به کشتی شده که درآن هرقسم مال التجاره هست (فرهنگ نظام)[1]

درادبیات قدیم فارسی کلمه سفینه بمعنی مجموعه اشعارو آثارادبی درچندین کتاب آمده است . اولین کتابی کـه بمارسیده ودرآن کلمه سفینه بکاررفته دیوان

۱ــ فرهنگ نفیسی این کلمه را ندارد .

کمال الدین اسمعیل (متوفی۶۳۵هـ) است که‌شاعر درقطعه‌ای دروصف سفینه شعر، کلمهٔ «سفینه»رادرابیات زیر بکاربرده است ٠

دراین سفینه بگه کن بچشم معنی بین کی[۱] رشك لعبتها ىو صورت چینست
سفینه چیست ؟ غلط میکنم کی[۲] دریائیست
کی[۱] دست عقل راطراف آن گهرچینست. .
سفینها را در بحر دیده‌اند بسی سفینهٔ که درو بحرها بود اینست

همچنین در کتاب « المعجم فی‌معائیراشعارالعجم » تألیف شمس قیس رازی (میان سالهای ۶۲۳ و۶۲۸ هـ) درعبارات زیر کلمه سفینه بکاررفته است

(۱) « بعضی اشعار خویش بر«سفینه» کی بجهت او کرده بود می‌نوشت روزی گفت خواجه امام حق نعمت تو بشناخته بود وترا بد بسیار گفته (است) و هجوها کرده بر«سفینه» من بوشته . گفتم «سفینه» بیار تاسترم » [۳]

(۲) « وفایده نصیحتی کی از روی شفقت بااو گفته‌ام این بود کی هجو (و دشنام) من درعراق وخراسان (بر) گوشه «سفینه‌ها» مثبت مانده است» [٤]

همچنین دربیت زیرحافظ که درسطورفوق درذیل‌معنی کلمه «سفینه» ازفرهنگ نظام نقل شده نیز این کلمه بکاررفته است ٠

دراین زمانه رفیقی که خالی ازخلل است صراحی می‌ناب وسفینه غزل است

ظاهراً برعکس آنچه درفرهنگ نظام آمده است اینجا کلمه سفینه به همان معنی «مجموعه اشعار» بکاررفته است نه بمعنی دیوان‌اشعار

خلاصه سفینه که مانند جنگ معنی‌لغوی آن « کشتی» است درادبیات‌فارسی

۱ــ دربعضی کتب قدیم « که» بصورت« کی»مینوشته‌اند مثلا ر٠ك المعجم فی‌معاییراشعار العجم چاپ دانشگاه تهران باهتمام استاد مدرس رضوی ۱۳۳۵ ش

۲ــ ر٠ك٠ مجموعه ده دیوان چستربیتی (Chester Beaty) چاپ دبلین ایرلند باهمکاری استاد محترم آقای مجتبی مینوی

۳ــ ر٠ك٠ المعجم چاپ دانشگاه ۱۳۳۵ش، صفحه ٤۵۱

درست بمعنی «جنگ» بکاررفته است

این اصطلاح درایـران وسه قاره هندوپاکستان و کشورهای دیگرفارسی زبان بمعنی فـوق بکار رفته است . سفینه‌های متعددی در کتابخانه های ایـران و پاکستان موجود است البته گاهی نویسنده آن‌یك دوجمله درمعرفی گوینده‌اشعار نیزمیآورد مانند سفینه علی حزین(بـرای اطلاعات بیشتردرباره این کتاب‌رجوع شود به‌بحث مفصل آن در کتاب‌حاضر)

باید توجه داشت که درهندوپاکستان‌تذکره‌هائی‌بنام سفینه نوشته شده‌است که‌البته‌منظور نویسندگان‌آن اصطلاح مخصوص‌ادبی‌سفینه نبوده بلکه تنها بمناسبت معنوی لغوی‌آن که کشتی باشد ودارای همه نـوع اشیاء ومردم است بمعنی کتابی بکاررفته که در آن ذکراشعاروشرح حال شعرای مختلف میباشد مانند سفینه بیخبر وسفینه الشعراء وسفینه خوشگو[1]

(٤) **مرقع**ـ درفرهنگ‌های‌فارسی‌معانی‌این کلمه را بدینقرارضبط کرده‌اند.

کتاب‌تصویروخرقه دلق درویشان چه که این هردوچیز رقعه‌رقعه و پاره‌پاره‌باهم جمع کرده‌شده باشد(فرهنگ‌آنندراج) قطعه‌های‌تصویر که‌بشکل کتاب‌جمع کرده شده‌باشد مجازا قطعه های خوش نویسی که بشکل کتاب جمع‌شده باشد (فرهنگ نظام) ساخته‌شده ازپاره‌پاره‌های به هم جمع کرده وخرقه و دلق درویشان و کتاب تصاویر و کتابی کـه‌از قطعه های خطوط مختلف ترتیب داده‌شده باشد (فرهنگ نفیسی)

خلاصه‌مرقع کتابیست البوم‌مانند که‌درآن‌اشعار وتصاویرشعراوآیات‌قرآن وپاره‌های‌نثر به‌خط‌خوب نوشته باشند گاهی‌مرقع‌را بااشعاری یاپاره‌ها نثرتوسط گویندگان و نویسندگان آن‌ترتیب‌داده عکس آن‌هارانیز درآن میگذارند معمولا مرقع‌مربوط‌به کارهای‌هنری مانندنمونه‌های خطخوشنویسان میباشد که‌آن‌را از

۱ـ ر.ك بحث درباره این‌کتابها دراین کتاب

نظر شهرت خطاطان و بعضی آثار ادبی شعرا و نویسندگان بخط خوب تهیه کرده گاهی حروف و حاشیه آن را تذهیب و تزئین میکنند مانند مرقعی که رکن الدین طغرل بن ارسلان از اشعار شعرا بخط زین الدین و تصویر آنها بقلم جمال نقاش اصفهانی در ۵۸۰ هـ ترتیب داده بود و راوندی ذکر آن را در «راحة الصدور» آورده است[1] همچنین مرقعی که طغرخان ترتیبی متخلص به احسن در زمان نظامت کابل ترتیب داده بود و سرخوش آنرا اشتباهاً تذکره نوشته است چنانکه مینویسد

«تذکره اشعار سخنوران که باوی ربط آشنائی داشته مثل صائب و کلیم و سلیم و قدسی و دانش و میر صیدی و سالك یزدی و سالك قزوینی و غیرهم که در آن زمان کوس سخنوری مینواختند امتحان هر کدام بخط او نویسانیده بر پشت ورق صورت آن معنی سنج نیز ثبت کرده بود یك ورق که بر او شبیه کلیم بود فقیر پیش عیان دیده و صورتش را زیارت کرده ام»[2]

همچنین رجوع کنید به مرقعی که خوشگو از شعرای مختلف ترتیب داده بود (رجوع شود به آثار خوشگو در ذیل «سفینه خوشگوی» در این کتاب)

بعضی اسامی دیگر از این نوع مجموعه ها **کشکول** است مانند کشکول شیخ بهائی که مجموعه ای از آثار در موضوعات ادبی و عرفانی و تاریخی میباشد و کشکول بهرامی که آثاری در موضوعات متنوع دارد اما جنبه مذهبی آن بیشتر است و **مخلات** بمعنی توبره مانند مخلات شیخ بهائی و **کراسه** بمعنی مجموعه کوچك مانند کراسة المعی و غیره نیز هست که هریك از آنها مجموعه آثار ادبی و عرفانی و تاریخی و مذهبی و مسائل دیگر میباشد و هیچ نوع تخصیصی از لحاظ موضوع در آنها رعایت نشده است

اهمیت ادبی بیاض و جنك و سفینه و غیره

باید توجه داشت که بیاض و جنگ و سفینه و غیره نیز مانند تذکره در زنده نگهداشتن بسیاری از آثار نثر ادبا و اشعار و شعرای فارسی نقش بسیار مهمی را باری

۱ــ ر ك پایان بحث درباره اولین تذکره فارسی درهمین مقدمه

۲ــ ر ك کلمات الشعرا چاپ لاهور ص ۵ و چاپ مدراس صفحه ۷

کرده اند ومیتوان گفت که اگر امروز بیاض وجنگ ومجموعه های دیگر ادبی وجود نداشت دنیای ادب فارسی ازوجود بسیاری از آثار گرانبهای ادبی فارسی محروم میشد و همچنین اسم عده ای از نویسندگان و گویندگان آن بکلی در پرده خفا میماند

اما تنها نقص بزرگ این قبیل مجموعه ها اینست که گردآورندگان در باره زندگی نویسندگان آن آثار هیچ نوع شرحی نداده اند ودر نتیجه غیر از اسم آنها اطلاع دیگری بدست خواننده نمیرسد والبته خواننده ای که بمطلب جالب ومهمی در این قبیل مجموعه ها برمیخورد علاقه پیدا میکند که اطلاعات بیشتری در باره نویسنده یا گوینده آن را بدست آورد و چه بسا گردآورنده چنین مجموعه ها که با نویسندگان و شعرائی که آثار آنان در این مجموعه ها آمده است معاصر وهمزمان وحتی گاهی از نزدیک آشنا بوده ویا وسایل کافی دیگر برای شناساندن ومعرفی آنها را در اختیار داشته است اما بعلت تساهل یا عدم توجه باین نکته مهم هیچ شرحی در باره این شعراء و نویسندگان نداده است. البته در اکثر موارد این نقیصه با مراجعه به تذکره ها و تواریخ رفع میگردد اما در مورد شعرا و نویسندگانی که ذکر شان در هیچ تذکره و تاریخ نیامده خواننده بکلی بی اطلاع میماند

اولین تذکره فارسی

قدیمترین کتابی در ترجمه احوال و نمونه اشعار شعرا که ما امروز در باره آن اطلاع داریم لباب الالباب تألیف سدیدالدین محمد عوفی است وخود عوفی نیز در پایان فصل دوم مقدمه الکتاب ادعا کرده است که لباب الالباب اولین کتاب در طبقات شعرای فارسی میباشد چنانکه میگوید.

«شك نیست که در این شیوه در طبقات شعرای عرب چند تألیف ساخته اند .. ولکن در طبقات شعرای عجم هیچ تألیف مشاهده نیفتاده وهیچ مجموعه در نظر نیامده است»

اما باید توجه داشت که دو کتاب دیگر شبیه به تذکره قبل از لباب الالباب عوفی تألیف شده است یکی مناقب الشعراء تألیف ابی طاهر الخاتونی که در اواخر

قرن پنجم واوایل قرن ششم هجری میزیسته است ودیگر چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی که درحدود ۵۰۵ هـ تألیف شده است .

مرحوم پروفسور براون عقیده داشت که قبل از لباب الالباب چند تذکره دیگر نیز به فارسی نوشته شده وا ینکه «مناقب الشعرا» کتاب تذکره شعرا بوده است چنانکه در مقدمه مجلد دوم لباب الالباب (مقدمه مصحح) درذیل بحث درباره این کتاب مینویسد

«عزت این کتاب لباب الالباب در این است که در این فن تقریباً یادگار وحید است اگرچه قبل از این چند تذکره های دیگر دراحوال ومآثر شعرای فرس نوشته شده از قبیل مناقب الشعراء ابوطاهر خاتونی وغیره ولی اکثر آنها دستخوش حوادث وپایمال مرورزمان گشته الاکتاب چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی که در اوایل قرن سادس نوشته شد ودر ۱۳۰۵ دردارالخلافه طهران مطبوع گردید ــ در آن کتاب هم اگرچه ضمناً از گروهی از مشاهیر شعرای متقدمین ذکری رفته است ولی مقصود اصلی مؤلف غیراز آن بوده است بخلاف کتاب لباب الباب که اصل مرام مؤلف همین بوده است که حتی المقدور ازشعرای مشهور ذکری واز افکار ابکار ومنتخب اشعار ایشان برسبیل نمونه یادگاری درصحایف کتاب بجا گذارده»[1]

اما باید اذعان کرد که مناقب الشعراء تذکره الشعرا نبوده است وتا آنجا که ما اطلاع داریم هیچ کتاب قبل از لباب الباب دراین موضوع یعنی شرح حال و نمونه اشعار شعرا نوشته نشده است

دولتشاه که لباب الالباب را ندیده بود وازوجود آن نیز اطلاعی نداشت (و در این هیچ شکی نیست چون اگر وی لباب الالباب رادیده بود اقلا میتوانست ازمطالب آن استفاده کند وتذکره او نیز ازاغلاط و اشتباهات مختلف که تذکره عوفی از آن پاك است نمیشد) درمقدمه تذکره خود ادعامیکند که تاریخ وتذکره و حالات شعرای فارسی را هیچ آفریده ازفضلا ضبط ننموده است باید توجه داشت که خود دولتشاه دردو مورد از «مناقب الشعراء» نقل کرده است ــ بنابراین اگرمناقب الشعراء

۱ــ ر ك لباب الالباب چاپ لیدن ۱۹۰۳ میلادی مقدمه مصحح

تدکره شعرا بود دولتشاه این ناقص واصح را بین قول وفعل خود مرتکب نمیشند طاهراً مناقب الشعراء مجموعه حکایات ادبی راجع به محاصرات ومشاعرات شعـرا و منتخباتی ازاشعار آنان بوده است

کتاب دیگر شبیه به تدکره یعنی چهارمقاله نظامی عروضی نیز کتاب تذکره نبوده است چنانکه قول پروفسور براون در بـاره آن در سطور فوق نقل گـردید اولامقصود مؤلف بیان دستورالعمل رفتارچهار طایفـه ازخواص بادشاه یعنی طرز کار دبیروشاعر ومنجم وطبیب وجمع آوری حکایات حالـی درباره دبیران و شعرا و منجمان وطبیبان بوده نه دکراحوال زندگی شعرا ونقل منتخبات اشعار آنان که شرط اول تدکره الشعرا میباشد، نایاً ازجمله چهار مقاله کتاب مـؤلف تنها یـک مقاله (مقاله دوم)را برای دکر «علم ماهیت شعر وصلاحیت شاعر» وحکایاتی راجع به بعضی شعرا مخصوص کرده است واین حکایات تنها به بعضی احوال زندگـی شعرای مدکور اشاره میکند وشرح حال این شعرا را کاملا بیان نمیکند چنانکه یکـی از لوازم تدکرة الشعرا میباشد .

دراینجا باید اضافه کرد که عوفی در پایان مقدمه باب دوازدهم (جلـد دوم) اشاره بکتابی کرده است که ممکن است بـرای خواننده موجب اشتباه گردد چنانکه مینویسد

«تمامت این افاضل را اجل محترم مجدالدوله والدین سیدالافاضل والکتاب دام فضله دردیوان دکر کرده است واشعارایشان بتمام وکمال آورده».

اما این «دیوان» مجدالدوله نیز حتماً کتاب تدکرة الشعرا بوده و محتملا مستمل بر منتخبات اشعارشعرا بوده است چون اگر موضوع این کتاب ترجمه احوال شعرا ونمونه اشعار آنان بوده عوفی درمقدمه کتاب خود (چنانکه در سطور فوق گذشت) ادعا نمیکرد که لباب الالباب دراین موضوع بفارسی اولین کتابست

همچنین محمدبن علی بن سلیمان راوندی در «راحة الصدور» درذیل سبب تألیف کتاب خود مینویسد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲ ـ درمورد شرح حال شعرا غالباً تنها مأخذ اطلاع ما تذکره ها میباشد چون اکثر مورخین درموقع شرح وقایع سیاسی زمان سلاطین و پادشاهان و کارهای نمایان که آنها انجام داده اند در کتاب تاریخ یا اصلا ذکری از شعرای معاصر سلاطین و پادشاهان مذکور نیاورده یا تنها به ذکر اسامی شعرا با چند بیت یا قصیده ای که آنها در مدح سلاطین سروده و یا در مواقع مخصوص ساخته بودند اکتفا کرده اند و بندرت شرحی درباره گوینده چنین اشعار در کتب خود آورده اند. البته نباید فراموش کرد که بعضی از کتب تاریخ درضمن وقایع زمان سلاطین نه تنها اشعار شعرای معاصر آنها را نقل کرده بلکه حتی گاهی شرح حال عده ای از آنها را در فصل علیحده ای آورده اند مانند مآثر رحیمی و منتخب التواریخ وسیر المتأخرین وغیره

۳ ـ بعضی تذکره های عمومی اشعار شعرای متقدم ومتأخر هر دوره را شامل است و با مراجعه به این تذکره ها خواننده میتواند اطلاعات مفیدی درباره سیر و تحول شعر فارسی را از قدیم تا زمان تألیف کتاب بدست آورد این قبیل تذکره ها برای تدوین و ترتیب تاریخ شعر فارسی بسیار لازم میباشد مانند لباب الالباب و عرفات العاشقین و خلاصة الاشعار و ریاض الشعراء ومخزن الغرایب و انیس العاشقین و گل رعنا و خلاصة الافکار و امثال آن

٤ـ گاهی برخی از تذکره نگاران درذیل شرح حال شعرا درضمن بیان وضع سیاسی دوره شان به بعضی وقایع مهم تاریخی نیز اشاره میکنند یا بشرح آن وقایع میپردازند که بعلل مختلف از قلم مورخین افتاده یا در کتب تاریخ باین شرح و بسط ذکر نشده است وچون آن وقایع را تذکره نگار بچشم خود دیده و در تذکره خود ثبت مینماید بنابراین ارزش و اعتبار آن بیانات فوق العاده زیاد میباشد. مثلا اطلاعاتی که میر غلام علی آزاد در «خزانه عامره» درذیل شرح حال بعضی از امرای معاصر آورده است یکی از مآخذ اصیل و فوق العاده مفید برای پی بردن به وضع تاریخی وسیاسی آن دوره میباشد وهمچنین حزین در «تذکرة الاحوال» و واله در «ریاض الشعراء» درضمن شرح حال خود بعضی وقایع سیاسی زمان خود را بیان کرده اند که از حیث تاریخی از مآخذ اصیل و بسیار

مفیدمیباشد

۵) بعضی تذکره‌ها درذیل سرح حال سعرا اساره بوصع احتماعی زمان ایشان میکنند وهمچنین بعضی ارحکایات ولطایفی که درتذکره‌ها آمده است گوشه‌ای ار آداب و رسوم آن دوره را بیان میدارند وحتی بعضی نکات محهول ومبهم اجتماعی آنعهد راروسن میسازند

۶) بعضی ار تذکره‌ها بدست ادبای نام‌آور وسعرای ماهر تالیف سده که در ضمن شرح حال یا نقل اشعار برخی ارسعرا درباره مقام ادبی آنها یا اهمیت بعضی اسعارشان اظهار نظرمیکنند واین قبیل عقاید ونظریات درتعیین مایه علمی و ادبی سعرای مذکورخیلی کمك وراهنمائی میکند مثلا آررو که یکی ار نوابع دوره آخر تیموریان هند بوده درتذکره «مجمع النفایس» نظرهائی درباره شعرا یا اشعار آنان داده است که ارلحاظ نقد ادبی خیلی مفید وارزنده میباشد

۷) گاهی برخی ارتذکره نگاران درضمن نقل اسعارساعری بعضی اراسعار شاعری را شرح داده اند و نظر باینکه بعضی ارایـن نویسندگان نه تنها سعرمیسروده بلکه دردرك معانی ومطالب اسعار نیزدارای استعدادکافـی بوده اند این قبیل سرح اسعار بعضی نکات مبهم را روس واسکالات آنرا مرتفع میسازد(مثلا رجوع شود بـه «خزانه‌عامره»)

۸) بعضی تذکره نگاران صاحب ذوق سرتاسردیوان بعضی شعرا را با دقت مطالعه کرده واشعارخوب آنها را انتخاب نموده وگاهی هزاران بیت این سعرا را درتذکره خود ثبت کرده‌اند بنابراین کسانیکه تنها اسعارخوب شعرا را میخواهند دیگراحتیاج به دیوان سعرا ندارند وتنها بمطالعه تذکره‌های مزبورا کتفامینمایند مانندخلاصة‌الاسعارتقی کاسی وخلاصة السعرا (= میخانه ألبی‌محمدصوفی مازندرانی)

۹) غالب تذکره نویسان اسعاروسرح حال مفصل خودرا درتذکره‌های خود آورده‌اند بطوریکه سرح حال مفصل اکثرسان را نمیتوان ارکس دیگر بدست آورد ... مان خود بوده‌و بنابراین اگر تذکره‌های آنها امروز

بجا نمانده بود ما نه تنها از اشعار و شرح حال بسیاری از شعرائی که در این تذکره‌ها ذکر شده محروم میشدیم بلکه حتی نمیتوانستیم شرح حال و نمونه آثار مفصل نویسندگان آنها را هم از جای دیگر بدست آوریم

۱۰) بعضی از تذکره نگاران در موقع نقل اشعار و شرح حال شعرا از بعضی کتب تاریخ و تذکره و دیوان و غیره استفاده کرده اند که امروز از بین رفته است مانند تذکره حیات الشعراء متین کشمیری از مآخذ گل رعنا و خزانه عامره و نگارستان سخن و اختر تابان و تذکره منیر لاهوری از مآخذ صحف ابراهیم و شام غریبان از مآخذ اختر تابان و نگارستان سخن و سایح الافکار و آفتاب عالمتاب و جواهر زواهر و خریطهٔ جواهر و تذکره باغ ارم و تذکره (جوهر) پی زری و نشر عم از مآخذ اختر تابان و امثال آن بنابراین تذکره‌هائیکه مطالبی از این کتابها نقل و اقتباس نموده اند برای خوانندگان امروز که بهیچوجه دسترسی به مآخذ از میان رفته آنها ندارند دارای اهمیت و ارزش فراوان میباشد

۱۱) عده‌ای از تذکره نویسان بر بعضی اشعار شعرا ایراد گرفته یا آنها را اصلاح نموده اند ـ اگر این ایرادات صحیح و خالی از غرض و تعصب باشد در سخن شناسی مقام ادبی شعرای مزبور اهمیت خاصی دارد (مثلا رجوع شود به «مجمع النفایس» آرزو و «خزانه عامره» آزاد و «معدن الجواهر» مولوی محمد مهدی واصف و «گلزار اعظم» نواب اعظم)

۱۲) برخی از تذکره نگاران اشعار شعرائی را با اشعار دیگران مقایسه نموده و همچنین در موقع نقل اشعارشان اشعاری را که شعرای دیگر در همان معنی یا ردیف و قافیه سروده اند نیز نقل کرده اند (مثلا رجوع شود به خزانه عامره و سفینه خوشگوی و تکمله مقالات الشعراء و گلزار اعظم وغیره)

۱۳) در بعضی تذکره‌ها نویسندگان آن حکایات جالبی در باره شعرا و ملوك و امرا نقل کرده اند که غالباً در کتب تاریخ و غیره بیان شده است این حکایات بعضی گوشه‌های زندگی این شعرا و ملوك و امرا را روشن میسازد که در صورت نبودن این حکایات تاریك و مبهم میماند (مثلا رجوع شود به خلاصة الاشعار و تذکره حسینی و سفینه

خوشگوی ومجالس العشاق وغیره).
در اکثر موارد این حکایات از جای دیگر اقتباس شده است اما نویسندگان غالباً مآخذ اطلاعات خود را ذکر ننموده اند بنابراین در مورد شعرای قدیم تر نمیتوان باقوال تذکره نگاران اطمینان کرد، مثلاً اکثر حکایات «خلاصة الاشعار» تقی کاسی (ومجالس-العشاق تألیف سلطان حسین بایقرا) درباره عشق وعاشقی شعرا نامعتبر وظاهرا مجعول میباشد اما حکایاتی که آنها درباره معاصرین خود آورده اند باعتبار نسبتاً بیشتری دارد و میتوان این بیانات وروایات را قبول کرد

۱۴ــ چون بعضی مردم صاحب ذوق تنها باداشتن مجموعه‌ای از اشعار خوب شعرا با شرح حال مختصر گویندگان آن علاقمند میباشند[1] واکثرشان فرصت کافی برای مطالعه دیوان شعرا ندارند یا دیوان شعرا در دسترسشان نیست، بنابراین غالب تذکره‌ها وسایل سرگرمی آنها را فراهم میآورد و احتیاج آنان را رفع میسازد

شرایط تذکره نگاری

تذکره نگاری مستلزم شرایطی است که در ذیل خلاصه میشود
۱ــ اولین شرط تذکره نگاری ذوق واستعداد علمی وادبی نویسنده وعلاقه او بشعر است، وارزش واهمیت ومرغوبیت هر تذکره منحصر به ذوق ادبی وپایه علمی ووسعت مطالعه نویسنده آن میباشد

۲ــ تذکره نگار باید فرصت کافی ووسایل لازم برای تألیف تذکره داشته باشد

۱ــ یکی از مقاصد مهم تذکره‌ها تهیه اشعار منتخب خوب ازشعرا باشرح حال مختصرشان بوده است چنانکه آذر در تذکره آتشکده در مورد منظور خود از تالیف این تذکره میگوید
(تا) هروقت دل را شوق سخنان هریك از متقدمین غالب گردد تماشای این گلزار بیخار کرده از نفحات ریاحین گفتار این مشام جان را رشك ساحت گلشن سازد و هرگاه خاطر مصاحبت هریك از معاصرین را طالب باشد ملاحظه این گنج پر بها نموده از لمعات جواهر کلام آن گوش دل را غیرت وادی ایمن سازد ــ دمی بایاری مشتاق الفتی بی نفاق دارد ونفسی بادوستی دمساز صحبتی بی اسار بجای آرد (ر ك آتشکده چاپ تهران ۱۳۳۷ ش باهتمام سید جعفر شهیدی ص ٤)

چون درصورت نبودن فرصت و فقدان وسایل لازم نمیتواند از عهده این کار خطیر بر آید .

۳ـ نویسنده باید در ذیل شرح حال هر شاعر اطلاعات زیر را بهم رساند

(۱) اسم و کنیه و تخلص و القاب و نسب شاعر (۲) سال و محل و تولد شاعر (۳) وضع اجتماعی و سیاسی زمان او (٤) دوره تحصیلات و شاگردی و اسم استادانی که شاعر شاگرد آنها بوده (٥) تاریخچه مشاغل شاعر (٦) آثار شاعر و بحث مختصری در باره آن (۷) اسامی فرزندان و شاگردان او (۸) نظر نویسنده و دیگران درباره مقام و پایه ادبی شاعر و همچنین دلایل و مدارك در تأئید و اثبات عقیده نویسنده

٤ـ نویسنده باید شرح حال شعرا را از مآخذ معتبر تهیه کند. بهترین ومعتبرترین مأخذ برای این منظور خود صاحب ترجمه میباشد اگر نویسنده بخود شاعر دسترس نداشته یا صاحب ترجمه قبلا فوت کرده باشد باید برای کسب اطلاعات لازم به کسان و نزدیکان و دوستان صاحب ترجمه مراجعه کرد

درمورد شعرای گذشته شرح حالشان را باید از کتب تاریخ و تذکره معتبر اقتباس و نقل کرد و قبل از قبول هر مطلبی جهت تحقیق لازم به مآخذ معتبر رجوع کرد و درصورت اختلاف بیانات و روایات بین تذکره نویسان و مورخین باید اقوالشان را مورد تجزیه و تحقیق قرارداده قول معاصرین ودوستان و نزدیکان صاحب ترجمه را بر قول دیگران ترجیح داد

٥ـ تذکره نگار در موقع انتقادی باید انصاف و عدالت را از دست ندهد و از روی تعصب و گروه بندی به تعریف و تقبیح کسی نپردازد و همیشه باید محاسن واقع نگاری را در نظر داشته از مبالغه و دروغ بافی خودداری کند

٦ـ تذکره نگار باید از «اطناب ممل و ایجاز مخل» و عبارت آرائی بی حاصل بپرهیزد و تنها مطالبی را در تذکره خود جا دهد که برای موضوع آن مفید و بااررش باشد

۷ـ نویسنده باید سعی کند که حتی المقدور اشعار هر شاعر را شخصاً انتخاب کند

وارتذکره‌های دیگر نقل نکندچون درصورت‌اخیر خواننده نمیتواندذوق ومعیار صحیح‌خودتذکره‌نگاررادرك کند

۸ـ نویسنده‌بایداشعار هرشاعری‌را طوری انتخاب کندکه مقام وپایه ادبی واقعی گوینده آن‌درنظرخواننده‌روشن‌وظاهر گردد وهمچنین اشعاروآثار اورامورد نقدوسنجش‌قرارداده خوب‌وبدآنرابی کم وزیاد نشان بدهد

۹ـ تذکره‌نگاربایدتنهااشخاصی‌را درتذکره‌خود ذکر کند که حقیقتاً شاعربوده‌اند نه‌اینکه احوال‌وآثارهر کس وناکسی‌را که یك‌دوشعرسروده‌است‌در تذکره‌خودجادهد

معایب ومحاسن تذکره‌های فارسی

بادرنظرداشتن‌شرایط تذکره‌نگاری که درسطور فوق ذکرشد میتوان گفت که‌هیچکدام ازتذکره‌نگاران‌فارسی درکتاب‌خود نتوانسته‌اندکلیه‌شرایط فوق را رعایت کنند . معایب‌ومحاسن‌تذکره‌های فارسی(مخصوصاً ازهندوپاکستان)ازروی شرایط سابق‌الذکریکایك درذیل‌خلاصه میگردد

۱ـ درمیان‌تذکره‌نگاران فارسی(مخصوصاً ازهندوپاکستان) بسیاری از ایشان‌صاحب‌ذوق‌شعر واهل‌علم‌وادب‌بوده وغالبشان شعر میسروده‌اند همچنین‌عده کثیری‌ازآنان‌صاحب‌فضل‌ودانش‌بوده‌اندوبنابراین ازلحاظ ذوق و استعداد علمی شایستگی‌ترتیب‌دادن تذکره‌راداشته‌اند، مانند عوفی وفخری هروی و صوفی مازندرانی وعبدالنبی‌ومیرعماد الهی‌وسرخوش‌وآزاد بلگرامی وسراج‌الدین‌علیخان آرزو ومیرعلیشیرقانع تتوی وعلی‌ابراهیم‌خان خلیل ومصحفی‌امروهوی و نواب صدیق‌حسن‌ودکترمحمداسحق‌ودکترعرفانی

باید توجه‌داشت که انتخاب‌اشعار اساساًمنحصر به‌ذوق تذکره نگارمیباشد و اگروی دارای ذوقی‌خوب باشد اشعاری‌را که ازشاعران‌انتخاب میکندطبعاًخوب نخواهد بود اما درعکس‌اگر تذکره‌نگارذوق‌ادبی واستعدادسنجش‌شعررا داشته

باسدا نتخاب اوحال حواهد بود

سیاری ازتد کره نویسان فارسی سعی کرده اند تنها اشعاری را که دارای صنایع وبدایع ومضامین دقیق ومعانی مشکل وافکار صعب الفهم باشد انتخاب کنند و کمتر به روانی وشیرینی وفصاحت ومحاسن دیگر شعر توجه داشته اند، مثلاعوفی که لباب الالباب، اولین تذکره فارسی، راتألیف نموده است بهمین مرض مشکل پسندی وعلاقه بفراوانی صنایع وبدایع مبتلا بوده چنانکه درتذکره وی اکثر اشعار منتخب فاقد لطف و عذوبت اما پر از تراکیب غریب وعجیب واستعارات وتشبیهات بارد میباشد. [1]

ازلحاظ حسن انتخاب اشعار «میخانه» عبدالنبی و«خلاصة الشعرا» (= «منتخبه» تألیف محمد صوفی مازندرانی) و«سخنوران ایران درعصر حاضر» بهترین تذکره های فارسی میباشد

۲ ـ برخی ازآنها فرصت کافی ووسایل لازم برای تألیف تذکره نداشتندچنانکه ابوطالب تبریزی مؤلف «خلاصة الافکار» درمقدمه کتاب خود ازنداشتن فرصت ووسایل کافی گله وشکوه کرده واعتراف نموده است که اگروی مجال بیشتری و کتب لازم رادراختیارداشت میتوانست تذکره ای بمراتب بهتر وجامع تر ترتیب دهد. همچنین واله مؤلف «ریاض الشعرا» در کتاب خود درباره نداشتن فرصت کافی وجمعیت خاطر تذکر داده است وحزین مؤلف «تذکرة المعاصرین» کتاب خودرا ازروی محفوظات خاطرخود بدون داشتن یادداشتها و کتب لازم در مدت بسیار کوتاه (؟) تألیف نموده وحتی مجال نکرده است که دراین تذکره دوباره نظر کند چنانکه یك نفر بنام مخبر نهاوندی را عیناً در تحت دوعنوان مکرر ودوشماره متوالی (۷۵ و۷٦) ذکر نموده است

۳ـ غالب تذکره نویسان درتهیه شرح حال شعرا دقت وتلاش لازم را بعمل نیاورده وحتی درموردمعاصرین ودوستان خود و کسانیکه شخصاً با آنها ملاقات کرده بودند اطلاعات کاملی درتذکره های خود نیاورده اند وظاهراً اکثر آنها بلزوم این موضوع توجه نکرده و باهمیت آن پی نبرده اند چنانکه عوفی مؤلف «لباب الالباب»

---

۱ ـ ر.ك بحث درباره «لباب الالباب» دراین کتاب

باوجود اینکه بسیاری ازصاحبان ترجمه را شخصاً ملاقات کرده بود معذلك در باره زندگی آنها اطلاعات لازم را بدست نداده است (رجوع شود به بحث درباره «لباب الالباب» در این کتاب) .

همچنین موهن لعل انیس مؤلف «انیس الاحبا» که تذکره استاد خود وشاگردان او را ترتیب داده است اصلا به اهمیت ذکر احوال مفصل صاحبان ترجمه توجه نکرده و حتی در ذکر شرح حال خود اطلاعات لازم درباره زندگی خود نیاورده و غالباً به شکسته نفسی بیهوده و عبارت پردازی بیمعنی اکتفا کرده است

اکثر تذکره نویسان غالباً اسم آثار شعرا را ذکر نکرده و بندرت درباره آنها بحث کرده اند همچنین در بسیاری از تذکره های فارسی نویسندگان آن نظر خود و دیگران را درباره شعرا ذکر نکرده وغالباً به تعیین مقام و پایه ادبی علمی شعرا نپرداخته اند مثلا علاء الدوله قزوینی مؤلف «نفائس المآثر» بر گفته های هیچکس ایراد نگرفته وهمین امر موجب انتقاد علیه او از طرف بداونی مؤلف «منتخب التواریخ» شده است .

٤ـ برخی از تذکره نگاران سعی کرده اند شرح حال واشعار شعرا را از خودشان یا اقوام و خویشاوندان آنها یا منابع معتبر دیگر بدست آورند اما اکثر نویسندگان تذکره های فارسی باین نکته مهم توجه نداشته اند. ازاین لحاظ بهترین تذکره های فارسی «میخانه» تألیف عبدالنبی قزوینی و «سخنوران ایران در عصر حاضر» تألیف دکتر محمد اسحق میباشد که نویسندگان آن در تهیه شرح حال شعرا تلاش لازم نموده و جدیت فراوان بخرج داده وهرچه در کتاب خود درباره شعرا ذکر نموده اند بعد از تحقیق وتتبع لازم نموده اند

همچنین آزاد بلگرامی مؤلف یدبیضا وسرو آزاد وخزانه عامره وخوشگو مؤلف سفینه خوشگوی (مخصوصاً دفترسوم) شرح حال بعضی ازشعرا را از خودشان گرفته و درمورد دیگران ازمنابع معتبر نقل واقتباس نموده اند

٥ـ همچنین کسانیکه نظر خود را درباره شعرا داده اند کمتر از روی انصاف و

واقعیت بوده است بعضی از آنها مانند تقی اوحدی در تعریف هر کس و ناکس راه مبالغه پیموده و حتی شعرای بسیار ناچیز و بیمایه را هم بطور اغراق آمیزی ستوده اند.

غالب تذکره نویسان از دوستان خود خیلی تعریف کرده اند باوجود اینکه گاهی اکثر آنان مستحق آن نبودند مثلا رجوع شود به انیس الاحبا (و آتشکده آذر) و تذکرة المعاصرین حزین و سخنوران چشم دیده و گلزار اعظم و شمع انجمن تألیف نواب صدیق و دو تذکره دیگر تألیف فرزندان او

برخی از نویسندگان درموقع انتقاد بر شعرا گاهی از حدود عدالت تجاوز نموده و مرتکب بی عدالتی و تعصب شده اند مثلا رجوع شود به مجمع النفایس آرزو (و آتشکده آذر) و گلزار اعظم

باید اذعان کرد که در چنین مواقع اکثر ایرادات علیه شعرا راجع به اشتباه در استعمال بعضی اصطلاحات و غیره بوده است و همچنین در مواقع تعریف و تمجید از شعرا یا تقبیح از ایشان غالباً بصحت استعمال اصطلاحات و دقت مضامین و تازگی افکار و بلندپروازی تخیل شاعر و اجتناب از تکرار مضامین دیگران و فراوانی صنایع و بدایع و تازگی تراکیب بوده و کمتر کسی از نویسندگان تذکره های فارسی بروانی و لطافت زبان توجه داشته و از لحاظ عذوبت و فصاحت و بلاغت اشعار شعرا را مورد سنجش قرار داده است مثلا رجوع شود به مجمع النفایس و خزانه عامره و گلزار اعظم

البته برعکس این تذکره نگاران بندرت بعضی تذکره نویسان جنبه فصاحت و روانی زبان شاعر را هم در نظر داشته اند مانند آتشکده که مخصوصاً بر گویندگان سبک هندی سختی و تندی تاخته و بر اشعار آنان بعلت فقدان محاسن فوق شدیداً انتقاد نموده است اما گاهی او نیز اشعار سست و کم ارزش شعرا را انتخاب نموده وسعی کرده است پایه و مقام شعر آنان را در نظر خواننده کمتر از آنچه بوده جلوه دهد

۶ـ اکثر تذکره نویسان فارسی درموقع تعریف شعرا مخصوصاً از استادان و مربیان خود راه اطناب و عبارت پردازی پیموده اند. مثلا رجوع شود به انیس الاحبا همچنین گاهی مطالبی را در تذکره خود آورده اند که باصل موضوع کتاب مربوط نبوده است

مثلارجوع‌شود به‌مرآت‌الخیال‌شیرخان‌لودی (رجوع‌شود به‌بحث درباره‌این تذکره دراین کتاب).

۷ـ غالب‌تذکره‌نویسان‌فارسی مخصوصاً متأخرین‌اشعارشعرای گذشته وحتی گاهی‌اشعار معاصران‌راازتذکره‌هائیکه قبل‌ازآنهادیگران تألیف کرده‌اند اقتباس ونقل کرده وخودشان کمتر زحمت انتخاب اشعاررا بخودداده‌اند بنابراین‌اشعاری‌را که‌درتذکره خودازشعرا نقل کرده‌اند محدوداست‌باشعاری که‌درتذکره های‌سابق ضبط‌شده‌است مثلارجوع‌شود به‌بزم آرای وهفت اقلیم وسفینه خوشگوی (دفتراول‌ودوم) و گل‌رعناوانیس‌العاشقین‌و نشترعشق‌وریاض الشعرا ومخزن‌الغرایب وبهارستان سخن‌و گلدسته‌وتذکره کاتب وشمع انجمن‌وصبح گلشن‌وروزروشن.

امابعضی ازتذکره‌نگاران‌تقریباً تمام‌اشعارشعرارا خودشان انتخاب کرده و درتذکره خودضبط‌نموده‌اند‌مانند لباب‌الالباب‌وخلاصة‌الاشعار (مخصوصاً خاتمه) و خلاصة الشعرا (میخانه تألیف‌محمدصوفی‌مازندرانی) ومیخانه‌وسروآزاد وتذکره المعاصرین‌حزین وتکمله‌مقالات‌الشعراوتذکره‌بی‌نظیروانیس‌الاحباء و محك شعرا وسخنوران چشم‌دیده وهفت‌آسمان‌وگلدسته کرناتك واشارات‌بینش‌وصبح وطن و گلزاراعظم وسخنوران‌ایران‌درعصرحاضر وشعرای عصر پهلوی

۸ـتذکره‌نویسان‌فارسی غالباًدرموقع‌انتخاب‌اشعار شعراسعی کرده‌انداشعار خوب‌آنهاراانتخاب‌نموده ودرتذکره‌های‌خود ثبت کنند وچون‌این تذکره هافاقد اشعار کم‌ارزش‌این‌شعرا میباشد نمیتوان تنها بوسیله اشعارنقل شده مقام واقعی‌این شعرارا تعیین‌نمود. برخی ازآنهامانندآذردرتذکره خوداردوستان و آشنایان خود اشعار خوب‌را انتخاب کرده و از کسانیکه درباره آنها نظرخوب نداشته‌اند "عمداً اشعاربیمزه وبی‌ارزش‌را انتخاب کرده‌اند وبنابراین درچنین‌موارد مقام‌واقعی‌شاعر رانمیتوان تنهاازاین تذکره‌ها درك کرد

۹ـ اکثرتذکره‌های‌عمومی‌فارسی دارای یك نقص بزرگ‌دیگری‌هم میباشد که گاهی‌تذکرشعرای بیمایه‌وبی‌ارزش هم می‌پردازند که‌ازروی انصاف ونقد واقعی

شعر نمیتوان آنها را جزو شعرا حساب کرد واین امر را جامعیت کتاب دانسته‌اند.
اکثر این شعرا چند شعر بیشتر سروده‌اند و آن هم از لحاظ سنجش شعر هیچ ارزش ندارد.
مثلا رجوع شود به کتاب لباب الالباب وجواهر العجایب وعرفات العاشقین وریاض الشعرا
وخلاصة الافکار ومخزن الغرایب وانیس العاشقین و گل رعنا و مقالات الشعراء قانع و
مجمع النفایس وشمع انجمن ونگارستان سخن وصبح گلشن وروز روشن.

بعضی از این تذکره نگاران درثبت اسامی واشعار برخی ازشعرای بیمایه نظری داشته‌اند چون شعرای مزبور جزو دوستان وآشنایان وشاگردان آنها بوده وبدینوسیله خواسته‌اند حق دوستی وشاگردی واستادی را ادا کرده باشند مثلا رجوع شود به انیس الاحباء وسخنوران چشم دیده

اشکالات درراه تذکره نگاران قدیم

امروز باید فراموش کرد که اشکالاتی هم درراه تذکره نگاران قدیم وجود داشت وعمده اشکالات نبودن وسایل کافی رفت و آمد ومکاتبه وفقدان وسایل طبع ونشر کتاب ونداشتن کتابخانه‌های عمومی وقلت فرصت بعلت گرفتاری نویسندگان در مشاغل روزانه خودمیباشد

در نتیجه اختراع وسایل جدید وسریع ماشینی امروز مسافرت از یك نقطه کشور بلکه از یك نقطه دنیا بنقطه دیگر بآسانی انجام میگیرد ووسایل مسافرت وتماس بامردم ومراجعه بکتابخانه‌ها که جزو لوازم کار تحقیق وتتبع میباشد برای مردم امروزه جهان (بشرط تحمل مخارج مربوطه) کاملا میسراست

اما در قدیم مسافرت از یك نقطه به نقطه دیگر کشوری هفته‌ها و گاهی ماهها طول میکشید و نه تنها وسایل جدیدومجهز رفت و آمد در آن ایام وجود نداشت بلکه چنین مسافرتها خطرجانی هم در برداشت وچه بسا مسافران وقافله هائی که در راه بدست راهزنان افتاده اسیریا کشته شدند وهیچوقت نتوانستند بمقصدخودبرسند.

برعکس امروز، درقدیم کتابخانه‌های مجهز ومرتب عمومی وجود نداشت ومعمولا کتابخانه‌ها درملکیت یکنفر امیر یا پادشاه بود و بنابراین استفاده از آن کتابخانه‌ها

غالباً برای سایرین مقدور نبود. اکثر این کتابخانه‌ها اصلا فهرست مرتبی نداشت و اگر احیاناً فهرستی هم داشت مثل امروز چندین نسخه تهیه ودر اختیار علاقمندان قرار نمیگرفت. بنابراین دیگران معمولا از ذخایر آن بی اطلاع بودند و اگر اتفاقاً کسی بوسیله شخصی درباره وجود نسخه‌ای از کتاب دریکی از این کتابخانه ها اطلاع پیدا میکرد رسیدن او بدان کتابخانه ومراجعه به نسخه مطلوب کتاب مستلزم تحمل چندین نوع اشکالات وسختی ها بود .

همچنین بعلت نبودن وسایل خوب ومرتب مکاتبه وارتباط، قبل از اختراع وسایل جدید مانند پست وتلگراف وتلفن، اگر کسی کتابی یا توضیح مطلبی را از دیگری میخواست تنها راه مراجعه شخصی یا فرستادن کسی نزد آن دیگری بود

چنانکه درسطور فوق گذشت یکی از اشکالات مهم دیگر در قدیم فقدان وسایل چاپ کتاب بود و نسخه برداری کتب تنها بادست صورت میگرفت و بهمین علت نسخه‌های هر کتاب از معدود چند تجاوز نمیکرد و بنابراین تهیه نسخه‌ای از کتابی برای مردم عادی کار بسیار مشکلی بود

همچنین گرفتاری ومشغولیت مردم در کارهای روزانه بآنها کمتر مجال میداد که سالهائی از عمر خود را صرف تألیف وتصنیف کتاب نمایند

نظر باشکالات سابق الذکر و نامساعد بودن اوضاع عمومی نویسندگان درقدیم اگر کسی در تألیف وترتیب کتابی مانند تذکره توفیق پیدا میکرد این امر خود نشانه عشق وعلاقه فراوان وی به آن موضوع بوده و باید از طرف مردم امروزی مورد تحسین و آفرین واقع شود

انگیزه های تذکره نگاری

انگیزه‌هائیکه معمولا موجب بوجود آمدن تذکره‌های فارسی بوده است در سطور ذیل بطور خلاصه بیان میگردد

۱) **آرزوی کسب شهرت جاوید**- اولین انگیزه ای درهر کار تحلیقی معمولا شهرت شخصی میباشد هر کس میخواهد دردنیا مشهور و معروف گردد

واینکه در آینده نیز اسم او را به نیکوئی ببرند این آرزوی جاویدماندن در نهاد آدم سرشته شده است وهمین اصل درمورد تذکره نگاری هم صدق میکند .

۲) **ذوق ادبی** ـ انگیزه مهم دیگر که موجب بوجود آمدن کلیه آثار ادبی میباشد ذوق ادبی مؤلف آنست. اکثر تذکره نگاران اشعاری را که ازخواندن لذت میبرده اند جمع آوری نموده وسپس شرح حال گویندگان آن اشعار را تهیه نموده بصورت تذکره در آورده اند .

۳) **رقابت وجوابگوئی** ـ بعضی تذکره ها در نتیجه رقابت بوجود آمده است ودر جواب تذکره های دیگر تألیف شده است مانند «مردم دیده» که حاکم درجواب مجمع ـ النفایس آرزو ترتیب داد وصبح «وطن که» نواب اعظم در جواب گلدسته کرناتك و «گلزار اعظم» که نواب مر بور در جواب معدن الجواهر تألیف مولوی محمد واصف ترتیب داده است

٤) **گروه بندی** ـ بعضی تذکره نگاران تذکره هائی در ذکر دوستان و آشنایان وشاگردان واستادان خود تهیه نموده وطی آن صاحبان ترجمه را بطور اغراق آمیزی تعریف کرده اند مانند «انیس الاحبا» که درذکر فاخر مکین (استادمؤلف) واستادو شاگردان او میباشد و «گلدسته کرناتك» درذکر شعرای مدارس که اکثرشان بامؤلف دوست و آشنا بوده میباشد ومؤلف بعضی ازشعرای مدارس را که درباره آنها نظر خوبی نداشت یا آنها جزو دوستان وی نبودند در کتاب خود ذکر نکرده است

«اشارات بینش» که درذکر شعرای کرناتك است واکثرشان درانجمن ادبی بنام محفل مشاعره اعظم که نواب اعظم تأسیس نموده بود ومؤلف هم جزو اعضای آن بود شرکت داشتند و «صبح وطن» که درجواب گلدسته کرناتك است درذکر شعرائی است که با نواب اعظم مؤلف این تذکره آشنا بودند واکثرشان در گلدسته کرناتك ذکر نشده بودند و «گلزار اعظم» تذکره شعرائیست که اکثرشان عضو انجمن مزبور بنام «محفل مشاعره اعظم» بودند و «مردم دیده» که درجواب مجمع النفایس آرزو تألیف شده است درذکر شعرائیست که مؤلف با آنها دوست بوده و بعضی از آنها را آرزو در تذکره خود ذکر نکرده

بودو«تذکرة المعاصرین»حرین تذکره رفقا و آشنایان مؤلف است که همه آنها سیعه بودند و مؤلف با آنها ملاقات کرده بود .

۵) **تشویق پادشاهان و امرا** ـ گاهی نویسندگان در نتیجه تشویق پادشاهی یا امیری به تألیف کتاب پرداخته اند و یا بامید بدست آوردن انعام و اکرام از پادشاهی یا امیری دست باین کار میزده اند. بسیاری از تذکره ها بنام سلاطین و امراء تألیف شده است امادر باره اینکه آیا نویسندگان بوسیله عنوان کتاب بنام سلاطین و امرا از آنها انعام و اکرام گرفته اند یا به هیچ اطلاعی در دست نیست البته بعید نیست عنوان کتاب بنام پادشاهی یا امیری موجب تشویق و تقدیر بیشتری در حق نویسنده از طرف کسی که تذکره بنام او تألیف شده، گردیده باشد .

کتب تاریخ و تذکره از قصه های انعام و اکرام پادشاهان و امرای ایران و شبه قاره هند و پاکستان که آنها در حق طایفه شعرا و ادبا معمول داشته مشحون است. همین تشویق و قدردانی سلاطین و امرا موجب بوجود آمدن بسیاری از آثار فارسی از جمله تذکره و تاریخ میباشد شعرا و ادبای فارسی نه تنها در مدح پادشاهان و امرای دربار آنان شعر میسروده بلکه در باره کارهای نمایان آنها و اجداد و اسلافشان کتب تاریخ تألیف و برای ذکر شعرای دربار و قصه های فیض وجود سلاطین بزرگ و امرای مقتدر تذکره هائی ترتیب میداده اند مثلاً «مآثر رحیمی» نه تنها تاریخ وقایع سیاسی زمان تیموریان هند را ضبط کرده بلکه ذکر شعرائیکه از خوان انعام و اکرام عبدالرحیم خان خانان سپهسالار معروف ادب پرور اکبر شاه مستفیض میگردیده اند بطور مفصل آورده است و «تاریخ جهانگیری» ذکر شعرای زمان اکبر و جهانگیر و «مجمع الشعرای جهانگیری» ذکر شعرائیکه در مدح جهانگیر شعر سروده اند و «طبقات شاهجهانی» ذکر شعرای زمان تیموریان و پادشاهان تیموری تا عهد شاهجهان و «اسرار غیبی» و « گلدسته کرناتك» و «صبح وطن» و « گلزار اعظم» ذکر بسیاری از شعرائیکه از خوان نعمت نواب اعظم و پدر او بهره ور میشده اند آورده است و غالب تذکره هائی که در بهوپال تألیف شده است مانند «شمع انجمن» و «نگارستان سخن» و غیره ذکر شعرا و ادبائی را در بر دارد که از طرف نوابان

بهوپال مورد لطف و تشویق واقع شده اند .

همچنین بسیاری از نویسندگان بامید تشویق و تقدیر از زحمات خود و برای جلب توجه بیشتر پادشاهان و امرا آثار خود از جمله کتب تذکره را بنام آنها آراسته اند چنانکه «لباب الالباب» عوفی بنام عین الملک فخر الدین وزیر ناصر الدین قباچه و «جواهر العجایب» را فخری بنام ماهم دایه اکبر شاه و «بزم آرای» را سید علی حسینی بنام مربی خود بنام عبد الرحیم خانخانان و «خلاصة الاشعار» را تقی کاشی اول بنام شاه طهماسب صفوی اول و سپس بنام شاه عباس بزرگ صفوی و در آخر بنام ابراهیم عادل شاه سلطان بیجاپور عنوان کرده و «خلاصة الشعرا» را عبد اللطیف گجراتی بنام خواجه ابو الحسن مشهدی ملقب به لشکرخان و «مجمع الشعرای جهانگیری» را قاطعی و «عرفات العاشقین» را تقی کاشی بنام جهانگیرشاه و «خلاصة الافکار» را ابوطالب اصفهانی بنام مربی خود آصف الدوله نواب وزیر اوده و «انیس العاشقین» را زین سنگه زخمی بنام نصیر الدین حیدر پادشاه اوده و «نتایج الافکار» را قدرت بنام نواب اعظم و «اختر تابان» را ابو القاسم محتشم و «تذکرة الخواتین» را ملک الکتاب شیرازی بنام شاهجهان بیگم والیه بهوپال آراسته است •

مختصری درباره تربیت شعرا و ادبای فارسی از طرف پادشاهان و امرای هند

پادشاهان قدیم شبه قاره هند مخصوصاً سلاطین غوری و خلجی و تیموری و امرای دربارشان در ترویج و اشاعه زبان و ادبیات فارسی در آن سرزمین خدمات بسیار گرانبهائی را انجام داده اند و چون در سطور فوق صحبت از تشویق و تقدیر پادشاهان و امرای هندوستان بمیان آمده است لازم میدانند مختصری درباره این موضوع اینجا توضیح داده شود

الف . از ابتدای سلطنت غزنویان تا زمان تیموریان

زبان فارسی در زمان سبکتگین و محمود غزنوی وارد هند شد ، اما تنها در آخر زمان غزنویان چون لاهور مرکز سلطنت آنها شد پادشاهان این سلسله به سرپرستی شعرای

هندی‌الاصل‌مانند ابوالفرج رونی‌ومسعود سعدسلمان لاهوری همت گماشتند بعداز غزنویان‌سلاطین غوری وامرای آنها (که‌غلام‌سلاطین‌مزبور بودند) مانند ناصرالدین قباچه‌وشمس‌الدین ایلتتمش‌همواره‌در تربیت و پرورش‌ادبامیکوشیدند وآنهارا تحت سایه‌عطوفت‌خود میگرفتند درزمانیکه مغولان برایران‌حمله کرده بسیاری‌ازشهرها وبلاد آباداین مملکت راآتش زده‌وبخاك یکسان کردندهـزاران‌نفر ازاهالی‌این سرزمین‌بهندوستان مهاجرت کرده ودر آن کشور ازدست‌مغولان‌وحشی‌پناه‌بردند.در میان‌این مهاجرین‌بعضی‌اهل‌علم وادب هم‌وجودداشتند مانندعوفی‌مؤلف‌لباب‌الالباب ومنهاج‌سراج مؤلف‌طبقات‌ناصری وازطرف‌پادشاهان‌وامرا ووزرای‌هندمورد‌حمایت وتربیت‌واقع‌شده بمناصب ومراتب‌عالی رسیدند غالب‌این‌ادباء کتاب‌های‌خودرا به نام‌پادشاهان وامرای‌مزبور آراسته‌اند چنانکه عوفی‌تذکره‌خودرا بنام‌عین‌الملك ـ فخرالدین‌حسینی‌وزیر ناصرالدین‌قباچه وترجمه‌فارسی‌الفرج بعدالشدة رابنام‌ناصر الدین‌قباچه وجوامع‌الحکایات‌را بفرمایش‌ناصرالدین‌قباچه شروع‌وسپس‌بفرمـایش نظام‌الملك‌قوام‌الدین‌جنیدی‌وزیرالتتمش‌تمام وبنام‌اوعنوان کـرده‌است

همچنین‌پادشاهان دهلی‌وامرای دربار آنان‌عده کثیری ازاهل‌ادب وهـنررا تربیت‌میکرده‌اند چنانکه‌دربارامیرخجو‌وشاهزاده محمدقـاآن‌وسلطان علاالدین خلجی‌مرکزاهل فضل‌وهنروارباب‌شعروادب‌بوده وشعرائی‌مانند امیرخسرووخواجه حسن دهلوی جزوندمای‌خاص آنان‌بودند.

ب . تیموریان هند

درباره‌تشویق وتربیت اهل‌علم‌وادب ازطرف‌شاهان‌تیموری‌هندوامرای آنـها تاریخ‌نویسان‌وتذکره‌نگاران‌فارسی‌مفصل سخن گفته‌اند.درمیان پـادشاهان‌تیموری اسم اکبروجهانگیروشاه‌جهان ودرمیان‌امرای‌ایشان‌اسم‌بیرم خان‌وفرزنداوت پرور اوعبدالرحیم‌خانخانان وشاهزاده‌داراشکوه و برهان‌الملك‌سعادت‌خان نیشابـوری قابل‌ذکرند‌ودربار آنهامرکزومجمع‌شعرا وادباواهل‌هنر بوده چنانکه کتب‌تاریخ وتذکره وآثارشعرا ازداستانهای‌انعام واکرام آنها مشحونست‌مثلا صاحب«میخانه»

(درصفحه۲۵) مینویسد:

«این مثل میان عالمیان اشتهار سرشاری دارد که هر کس یك نوبت گشت هند نمود و بهره از این ملك فیاض برداشت وقتی که به ایران رفت اگر در راه این سرزمین و این بلاد نمیرد البته در آرزوی این خاك مرادمیمیرد»

همین علت بود که شعرا و دانشمندان ایرانی در زمان تیموریان هند گروه گروه بهندوستان مهاجرت کرده وازخوان نعمت آنها مستفیض میشده اند.

غلامعلی آزاد بلگرامی راجع به پرورش و تربیت اهل علم و فضل در دربار تیموریان هند در «خزانه عامره» در ذیل آرزو(ص۱۱۷-۱۱۶)چنین مینویسد

«در عهد ایشان هیچ خاندان عمده در ایران و توران نماند که در هندوستان نیامده و بدولتی و جمعیتی نرسید چون اینها مرکز دولت را دائره وار احاطه کردند و در حسن مردم ولایت (ایران) حکم مقناطیس بهم رسانیدند هر عامی و سوقی به توقع منصب هفت هزاری جانب هند دوید تا به شعرا و ارباب کمال چه رسد از آنجمله فرقه شعرا مثل غزالی مشهدی، عرفی شیرازی و ثنائی مشهدی و نظیری نیشابوری و نوعی خبوشانی و مشفق بخاری و حکیم رکنا کاشی و طالب آملی و ابوطالب کلیم همدانی و قدسی مشهدی و میرزا عنایت اصفهانی و دیگر جماعت لاتعد ولاتحصی که تاریخ نامها مفصل تصریح میکند از هندوستان زادان (یعنی هندوستان نژادان) در عهد اکبری شیخ فیضی لوای شاعری برافراخت و بخطاب ملك الشعرائی سرمایه افتخار اندوخت و معاصرین شیخ فیضی ملاشیری کوکوائی و شاهی کالپوی و ضمیری بلگرامی و در عصر جهانگیری و شاهجهانی سیدا و منیر که هر کدام صاحب لکه بیت (صد هزار بیت) است و شیخ محمد محسن فانی کشمیری و محمد طاهر غنی کشمیری و اقران ایشان برمسخن چیده دوغاره تازه بر روی این شاهد رعنا مالیدند و در عهد خلدمکان با وصف عدم توجه پادشاه شعر غلو کرد و از هر گوشه شاعری برخاست و هم در این عهد ناصر علی و میرزا بیدل طرح سخن به آئین تازه انداختند».

ج . اززمان تسلط انگلیسهاتا حال

بایدتوجه‌داشت که‌قبل ازتسلط انگلیس‌ها برشبه‌قاره‌هندوپاکستان زبان فارسی‌زبان‌درباری ورسمی وادبی آن کشور بودوحتی‌تامدتی بعداز تسلط انگلیس‌ها باوجود کوشش وجدیت آنها برای برکندن ریشه‌فارسی ازآن‌سرزمین هنوز فارسی زبان‌ادبی‌هندوستان بوده وشعرائی‌مانندآرزو و غالب غیر از اردو بزبان فارسی هم شعرمیسرودند وحتی‌دیوانهائی بزبان‌فارسی ترتیب‌داده و باشعارفارسی‌خودافتخار میکرده‌اندچنانکه‌غالب‌دهلوی میگوید .

فارسی بین تا بینی نقش هـای رنگ رنگ
بگذر از مجموعه اردو که بیرنـگ من است

بعدازتسلط انگلیسهادر۱۸۵۷میلادی مطابق۱۲۷٤ه بتدریج‌زبانهای انگلیسی واردو وهندی‌جای‌فارسی‌را گرفتند اماتامدتی هنوردر بعضی‌نواحی‌نیم مستقل شمع شعروادب‌فارسی روشن‌بوده‌است مراکز مهم‌ادب‌فارسی دراین‌دوره اود ومدراس و حیدرآباد دکن‌وبهوپال بود که‌درابرتسویق‌حکام این‌نواحی نویسندگـان فارسی کتبی‌بفارسی تألیف‌میکرده‌وشعرا بزم‌سخن‌آراسته گاهی بترتیب دیوانهای فارسی می‌پرداخته اند

پادشاهان اود که اصلاایرانی‌بودنداهل علم‌وادب‌راتشویق‌میکرده‌اند وحتی دراین‌زمان‌نیز بعضی‌ایرانی‌ها ازایران‌مهاجرت کرده در لکهنو توطن میجستند . ازجمله کتب فارسی که‌دراود دراین‌زمان تألیف‌شده‌است«انیس‌الاحبا»تألیف موهن لعل‌انیس و«خلاصه‌الافکار»تألیف ابوطالب‌اصفهانی‌است که اول‌الذکر تنها شعرای معاصرلکهنوونواحی آنراذکرمینماید واخیرالذکر بنام آصف الدوله پادشاه اود میباشدوضمناً شعرای معاصرلکهنوومضافات آنرا ذکرمیکند ازاین‌دوتذکره‌میتوان پی‌برد که هنوردر لکهنوونواحی دیگرهندوستان کسانی‌بودند که بفارسی شعر میسروده‌وباین‌زبان کتابهائی‌تألیف میکرده‌اند

کن‌ومدراس هم‌دراین‌دوره ازمراکز مهم‌ادب فار

ای فارسی که بعضی‌ازآنها اصــلا ایرانی‌بودند درایـن

نواحی‌درسایه تربیت‌حکام بسر برده وبرخی بفارسی کتابهائی تألیف مینموده‌اند و عده‌ای بایں‌زبان شعرمیسروده‌اند حکام‌دکن‌مانند نظام دکن ادبا و فضلائی را تربیت کرده‌اند که بعضی‌از آنها کتاب‌های‌مهمی بزبان فارسی‌تألیف‌نموده‌اند مانند داعی‌الاسلام که درحیدرآباد دکن «فرهنگ نظام» رابفارسی تهیه کرده است دراین ایام‌نیز عده‌ای ازخاندان‌های‌ایرانی‌ازایران مخصوصاًازخراسان به‌حیدرآباد رفته وآنجاسکونت گزیده‌اند

درمدراس‌حکام کرناتک مخصوصاً نواب اعظم بتربیت ادباء همت گماشته‌و درراه‌احیای ادب‌فارسی کوشش وجدیت مینموده‌اند چنانکه نواب اعظم انجمن ادبی‌بنام محفل‌مشاعره اعظم راتأسیس نموده وبسیاری‌ازشعرای مدراس و نواحی آن‌را دراین‌انجمن جمع کرده‌ومشاعره ها ومباحثه‌های ادبی‌ترتیب‌میداده است. تذکره‌های اشارات‌بینش و گلدسته کرناتک و نتایج‌الافکار از تألیفات همین شعرا میباشد وصبح‌وطن‌و گلزار اعظم که ذکر شعرای‌مدراس‌راشاملست نیز نشان‌میدهد که استان‌مدراس وحکام‌ونویسندگان آن‌ناحیه چقدر سهم‌بزرگی‌دراحیای‌زبان و ادب‌فارسی درسه‌قاره هند داشته‌اند عده‌ای ازاین شعرا دیوان فارسی‌داشته و دیگران کتبی درموضوعات مختلفی بزبان‌فارسی ترتیب داده‌اند مثلاًبنها تذکره گلزاراعظم اسم ۲۲ نفررا ذکر نموده‌است که‌بزبان‌فارسی دیوان‌داشته و همچنین تقریباً بیست نفردیگررا نیزذکر کرده است که آثار دیگربزبان فارسی تألیف نموده اند .

همچنین‌حکام بهوپال‌درزمان تسلط انگلیس‌ها خدمات‌ارزنده‌وبرجسته‌ای به ادبیات‌فارسی‌انجام‌داده‌اندمخصوصاًدرزمان حکومت نواب شاه‌جهان بیگم و نیابت نواب‌صدیق حسن‌خان بعضی‌کتاب‌های گرانبهائی بزبان‌فارسی تألیف‌شده است از جمله تذکره‌های‌شمع‌انجمن ونگارستان‌سخن وصبح گلشن‌را خودنواب‌صدیق‌ودو فرزند اوتذکره روزروشن‌را محمدمظفر حسین‌صبا گوپاموی که ظاهراً جزو کارمندان‌ریاست بهوپال‌بود ترتیب داده و اخترتابان را آقای‌ابوالقاسم محتشم و

تذکرة الخواتین را ملك الکتاب شیرازی بنام نواب شاه جهان بیگم والیه بهوپال عنوان کرده اند . همچنین کتاب های دیگر نیز بزبان فارسی در بهوپال در موضوعات مختلف تألیف شده که اکثر آن را خود نواب صدیق حسن تألیف نموده یا دیگران به فرمایش و کمك نواب مزبور و شاه جهان بیگم تألیف نموده اند

درپایان باید تذکر داد که هنوز در هند و پاکستان ذوق ادبی فارسی بکلی از بین نرفته است و مخصوصاً درمیان مسلمانهای هند و پاکستان کسانی وجود دارند که بادبیات فارسی علاقه دارند و گاهی بفارسی شعر هم میسازند و بعضی کتاب هائی را به فارسی تألیف و منتشر میکنند اما امروز دیگر کسی از حکام و امراء آنها را مورد تشویق و تقدیر قرار نمیدهد بلکه این کار را منحصراً بعلت علاقه و عشقی که نسبت بادبیات فارسی دارند انجام میدهند

اجزای ترکیبی تذکره های فارسی

اکثر تذکره ها مشتمل بر اجزای ذیل میباشد

۱. مقدمه ـ معمولا مشتمل بر حمد و نعت و منقبت صحابه و ائمه و مدح پادشاه وقت و امیر و مربی مؤلف و سبب و سال تألیف و گاهی قطعه تاریخ تألیف کتاب می باشد (مثلا رجوع شود به عرفات العاشقین و سرو آزاد) گاهی در مقدمه قطعه تاریخ تألیف کتاب را از دیگران میآورند (مثلا رجوع شود به تحفة الشعراء) حال این است که حتی در تذکره هائی که نویسنده آن هندو بوده حمد و نعت آمده است مانند گل رعنا و انیس العاشقین و سفینه هندی اما در تذکره هائی که بعد از سال ۱۹۳۰ میلادی مطابق ۱۳٤۹ هـ تألیف شده است حمد و نعت و منقبت و مدح پادشاهی یا امیری نیامده و تنها سبب و سال تألیف ذکر شده است

همچنین بسیاری از تذکره نگاران در مقدمه ضمناً بحثی درباره ابتدای شعر و آغاز شعر فارسی و تحول آن و سند شعر گوئی از قرآن و احادیث و همچنین اقسام نظم و نثر بحث کرده اند مثلا رجوع شود به لباب الالباب و خزانه عامره و سرو آزاد و بهارستان سخن و خلاصة الافکار و گاهی درباره عروض و قوافی و صنایع و بدایع حروف و غیره بحث

میکند. مثلارجوع شود به بهارستان سخن

۲ - اصل تذکره - این قسمت اصل تذکره میباشد وطی آن مؤلف شرح حال و نمونه اشعار شعرا را میآورد

۳ - خاتمه - دراین قسمت نویسنده گاهی ذکر بعضی شعرا مخصوصاً از معاصرین خودرا که ذکرشان دراصل تذکره نیاورده باشد میآورد مثلارجوع شود به بهارستان سخن وخلاصة الافکار و گاهی شرح حال و نمونه اشعارخودوذکر بعضی ازاهل خاندان خودرامیآورد مثلارجوع شود به مردم دیده گاهی سال اتمام کتاب را در خاتمه ذکر نموده قطعه ای یاقطعاتی را درتاریخ اتمام آن ازخودمیآورد. مثلارجوع شود به میخانه ومرآت الخیال وریاض الشعراء ومنتخب الاشعار وتذکره حسینی همچنین برخی ازنویسندگان قطعه تاریخ تألیف کتاب راازدیگران نیزدرخاتمه نقل میکنند مثلارجوع شود به شمع انجمن وصبح گلشن ونگارستان سخن وروزروشن

تقسیم بندی فصول و ترتیب اسامی شعرا در تذکره های فارسی

(الف)- تقسیم بندی فصول

بعضی تذکره نگاران فارسی درموقع تقسیم بندی فصول دراسم گذاری عنوان این فصول دست بابتکاری زده اند عنوان های جالبی که تذکره نگاران هندوپاکستان در تذکره ها برای فصول کتاب خود آورده اند درذیل بیان میگردد .

نفایس المآثر مشتملست بر «مطلع» درحمد ونعت وسبب تألیف وغیره و شرح حال واشعارشعرا در ۲۸ «بیت» (هربیت مخصوص برای یك حرف) وسپس یك «قطعه» راجع به تاریخ گجرات و «مقطع» در تاریخ بابرو همایون واکبرشاه در سه مطلب

عرفات العاشقین ذکرشعرارا در ۲۸ «عرصه» آورده و هرعرصه مشتمل است برسه «عرفه» بترتیب درذکرشعرای متقدم ومتوسط ومتأخر

تذکره ندرت مشتمل است بردو «چمن» برای شعرای قرن ۳ و ٤ و هفت

«گلشن» برای شعرای قرن ۵ تا ۱۱ ه و یك «حدیقه» در ذکر سعرای معاصر از قرن ۱۲ ه

گلدسته مشتمل است بر ۲۸ «حرف» و هر حرف به سه رکن «حابی» و «مابی» و «دیابی» بترتیب در ذکر شعرای متقدم ومتوسط ومتأخر.

ریاض الشعرا ذکر شعرا را بترتیب الفبا در ۲۸ «روصه» (هر روصه برای یك حرف) آورده است

تذکرة الشعرا (تألیف ۱۱۷۰-۱۱۸۰ ه) مشتملست بر ۳ «گلسن» برای سعرای متقدم ومتوسط ومتأخر و گلشن سوم دو «چمن» دارد درذکر شعرای ۱) ایران و توران و ۲) هندوستان

انیس الاحبا ذکر شعرای معاصر را در ذیل «افتتاح» و «فتح الباب» و «فصل» و «فاصله» و «اختتام» و «حسن خاتمه» آورده است

خلاصة الافکار مشتملست بر ۲۸ «حدیقه» (هر حدیقه برای یك حرف) و یك «ذیل» و یك خاتمه

معراج الخیال ذکر سعرا را در ۲۸ «انجمن» (هر انجمن برای یك حرف) آورده است

نغمه عندلیب مشتملست بر دو «روصه» و روصه اول مشتملست بر ۵ «بهار». بهار پنجم در ذکر شعرا و روصه دوم مشتمل بر دو «حدیقه» در موسیقی یونانی وهندی است

حدایق الشعرا مشتملست بر ۳۰ «شجره» در القاب ملوك وشعرا و ۳۰ «دوحه» در اسامی و تاریخ ملوك و هفت «نحله» درذکر هفت زبان محلی ایران و ۳۰ «نتیجه» در اشعار شعرا بترتیب ردیف

هفت آسمان اصلا مشتملست بر ۷ «آسمان» (هر آسمان برای یك بحر از ۷ بحر مثنوی فارسی) اما ظاهراً مؤلف تنها یك «آسمان» را که درذکر مثنویهای بحر سریع است
اه...

ب ـ ترتیب اسامی شعرا

تذکره‌های فارسی ترتیب اسامی شعرا بچندین طریق آورده‌اند . در تذکره‌های هندوپاکستان ترتیب اسامی شعرا با نواع ذیل آمده است

(۱) **الفبائی** ـ اکثر تذکره نویسان اسامی شعرارا بترتیب الفبائی ازروی حرف اول اسم یاتخلص شاعر آورده‌اند درتذکره‌های ذیل اسامی شعرا بترتیب الفبائی آمده است نفایس المآثروتذکره حرابات و عرفات العاشقین [1] و خزینه گنج الهی وکلمات الشعرا وهمیشه بهار و سفینه بیخبر و مقالات الشعراء حیرت و یدبیضا و گلدسته [1] وریاض الشعرا ومنتخب الاشعار وتذکره حسینی ومجمع النفایس وسفینه علی حزین و سفینة الشعرا و تذکره بیطیر و باغ معانی وتذکره شاعرات ومقالات الشعراء قانع وسفینهٔ عشرت ومردم دیده [2] و منتخب حاکم وخزانه عامره وتذکرة الشعرا (تألیف ۱۱۷۰ـ ۱۱۸۰ هـ) و گل رعنا [2] ولب لباب وخلاصة الکلام وعقد ثریا وصحف ابراهیم و خلاصة الافکار و تذکره نوبهار ومخزن الغرایب و سفینه هندی وتذکره کاتب وریاض الوفاق و نشتر عشق و انیس العاشقین و اشارات بینش و گلدسته کرناتك ومعراج الخیال وصبح وطن و نتایج الافکارو نغمه عندلیب وحدایق الشعرا و گلزار اعظم وشمع انجمن و نگارستان سخن وصبح گلشن و روز روشن و اخترتابان و تذکرة الخواتین و تکمله مقالات الشعرا و حدیقه عشرت و تذکرة الشعرای عنی وسخنوران چشم دیده و سخنوران ایران درعصرحاضر .

(۲) **تاریخی** ـ درتذکره‌های ذیل اسامی شعرا ترتیب تاریخی یعنی ازروی سال وفات ورمانسان آمده‌است

خلاصة الاشعار (غیر ارخانمه) و خلاصة الشعرا ومیخانه و تاریخ جهانگیری

۱ ـ در ذیل هرحرف ترتیب تاریخی مراعات‌شده است

۲ـ در هرباب اسامی شعرا بترتیب الفبائی آمده‌است

تقسیم بندی تذکره های هند و پاکستان

تذکره‌های هند وپاکستان‌را میتوان بطریق ذیل طبقه بندی کرد .
اولا ازلحاظ عمومی وخصوصی بودن تذکره‌ها .
ثانیاً ۰ ازلحاظ اصالت مطالب تذکره‌ها .

تقسیم بندی از لحاظ عمومی وخصوصی بودن تذکره‌ها

بعضی تذکره‌های هند وپاکستان مخصوص بزمانی یا کشوری یا ناحیه‌ای یا گروهی یا نوعی ازشعر بوده‌است و برعکس تذکره‌های دیگر مخصوص بزمانی یا کشوری یا ناحیه‌ای یا گروهی‌یا نوعی ازشعر نبوده وذکر شعرای متقدم‌ومتأخررا شاملست وحتی بعضی شعرای کم‌مایه وغیر معروف راهم‌ذکر نموده‌است .

اینك تذکره‌های هند و پاکستان از لحاظ تقسیمات فوق ، یعنی عمومی و خصوصی، طبقه‌بندی میگردد

۱ـ **عمومی** ـ درمیان تذکره‌های هند وپاکستان تذکره‌های‌ذیل‌مخصوص بزمانی یا کشوری یا گروهی یانوعی ازشعر نبوده است۰لباب‌الالباب وبزم‌آرای و هفت اقلیم وخلاصة‌الاشعار وعرفات العاشقین وخزینه گنج الهی و لطایف الخیال و مرآت‌الخیال وسفینه خوشگوی ویدبیضا وتذکره نذرت و گلدسته وبهارستان‌سخن ورياض‌الشعرا و منتخب‌الاشعار و تذکره حسینی و مجمع النفائس وسفینة‌الشعرا وسفینه عشرت و خزانه عامره و تذکرة‌الشعرا(تألیف۱۱۷۰ـ ۱۱۸۰ه) و تذکره یوسف علیخان ولب‌لباب وتذکرة‌الشعرای جام جمشید وصحف ابراهیم وخلاصة‌ـ الافکار وتذکره نوبهار ومخزن‌الغرایب وتذکره کاتب ونشترعشق وانیس‌العاشقین ومعراج‌الخیال ونتایج‌الافکار ونغمه عندلیب وحدایق‌الشعرا وریاض‌الفردوس‌وشمع محفل سخن وشمع انجمن وصبح گلشن و روزروشن وتذکرة‌الشعرای‌غنی .

(۲) **خصوصی** ـ درمیان تذکره‌های‌هندوپاکستان‌تذکره‌های‌ذیل‌مخصوص بزمانی یا کشوری‌یاناحیه‌ای‌یا گروهی یانوعی‌ازاشعار بوده است اسامی‌این‌تذکره ازلحاظ همین‌تقسیمات در ذیل ذکر میگردد .

الف ـ تذکره‌های محصوص برمانی که آن هم مشتملست برطبقات ذیل ·

۱ـ معاصرین مؤلف ـ نفایس المآثر وسخنوران چشم دیده‌وسفینه هندی و طبقات‌سخن ومحك شعراوسخنوران ایران درعصر حاضر وشعرای‌عصرپهلوی ·

۲ـ متأخرین ـ تذکره‌خرابات‌ومقالات‌الشعرا وسفینه علی‌حزین وریاض‌ـ الوفاق ونگارستان سخن

۳ـ شعرائی که درزمان‌پادشاهان محصوص‌میزیسته‌اند ـ«تاریخ‌جهانگیری» درذکرشعرای‌زمان اکبروجهانگیر «وطبقات‌شاهجهانی»درذکرشعرای‌زمان‌تیمور تا شاهجهان و«کلمات الشعرا» در ذکرشعرای‌زمان‌جهانگیر و شاهجهان واورنگزیب و« همیشه بهار» درذکر شعرای زمان‌جهانگیرتاجلوس محمد شاه و «سفینه بیخبر» درذکرشعرای‌زمان جهانگیرتاتألیف کتاب(۱۱٤۱هـ) و«سروآزاد » در ذکرشعرای از۱۰۰۰هـ تا ۱۱٦٦هـ و«تذکره بینظیر»درذکرشعرای‌از ۱۱۰۰هـ تا ۱۱۷۲هـ و «باغ معانی » (نسخه بانکی پور) درذکـرشعرای ازقرن ۹ تا ۱۱۷٤ هـ و«عقد ثریـا» در ذکرشعرای اززمان محمدشاه تا شاه عالم ·

ب ـ تذکره‌های محصوص به‌کشوری یا ناحیه‌ای و آن مشتمل است بر طبقات زیر ·

۱ـ تذکره‌های محصوص بکشوری «سروآزاد»در ذکرشعرائی که ازسنه ۱۰۰۰هـ تا ۱۱٦٦هـ درهند متولد شدند یا بهندآمدند و « گل رعنا» درذکرشعرای هندوستان و«سخنوران‌ایران‌درعصرحاضر»و«شعرای‌عصرپهلوی»هردودرذکرشعرای معاصر ایران

۲ـ تذکره‌های محصوص بناحیه‌ای «تحفة‌الشعرا» درذکرشعرای معاصر دکن‌و«مقالات‌الشعراء»تألیف‌قانع‌درذکرشعرای سند‌و«ریاض‌الوفاق»درذکرشعرای معاصر کلکته وبنارس و«اشارات بینش»و«گلدسته کرناتك» در ذکرشعرای‌متاخر کرناتك و«صبح وطن» درذکرشعرای‌مدراس«و گلزاراعظم» درذکرشعرای متاخر کرناتك‌و«تکمله مقالات الشعرا» درذکرشعرای‌متأخرسند وشعرای فارسی زبان کشمیر درذکر شعرای کشمیر

تقسیم بندی ازلحاظ اصالت مطالب

الف ــ تذکره‌های اصیل ــ تذکره نگاران کتب ذیل، تقریباً تمام مطالب خودرا ازخود نوشته وازتذکره‌های دیگر نقل واقتباس نکرده‌اند

لباب‌الالباب وجواهر العجایب ونفایس‌المآثر ومیخانه وکلمات‌الشعرا وخلاصة‌ الاشعار (خاتمه) وتذکره خرابات وتاریخ جهانگیری ومجمع الشعرای جهانگیری وتذکرة‌المعاصرین حزین وسفینه علی حزین وتحفة‌الشعرا ومنتخب خاکم وانیس‌ الاحبا وسفینه هندی وریاض‌الوفاق واشارات بینش وگلدسته کرناتك ومحك شعرا وصبح وطن ونگارستان سخن وسخنوران‌چشم دیده وشعرای‌عصر پهلوی‌وسخنوران ایران درعصر حاضر

ب ــ تذکره‌های‌غیراصیل ــ تذکره‌هائیکه نویسندگان‌آن مطالب‌خودرا از جای دیگر نقل کرده‌اند وآن مشتملست برطبقات زیر .

١ ــ تذکره‌هائی که نویسندگان آن تقریباً تمام مطالب را از تذکره‌های دیگر نقل کرده اند بزم آرای وخلاصه‌الاشعار (غیر ازخاتمه و انتخاب اشعار) و خلاصة‌الشعرا (غیر ازاشعار که مؤلف بتخانه‌محمد صوفی مازندرانی انتخاب کرده است) و گلدسته ومجموعه عشق ولب‌لباب (خلاصه ریاض‌الشعرا) وحدیقه عشرت و تذکرة‌الشعرای غنی وتذکره‌شعرای کشمیر .

٢ ــ تذکره‌هائی که نویسندگان‌آن اکثرمطالب‌راازخودنوشته وبعضی‌مطالب راازتذکره‌های دیگرنقل کرده‌اند سفینه بیخبر وتذکرهٔ بینظیر و گلزار اعظم .

٣ ــ تذکره‌هائیکه درآن اکثر مطالب‌ازتذکره‌های دیگرنقل‌شده و بعضی مطالب‌را نویسنده خود اضافه کرده‌است روضة السلاطین‌وهفت اقلیم و ــ زینه گنج الهی ولطایف‌الخیال وهمیشه بهار ومقالات الشعرای حیرت و سفینه خوشگوی و یدبیضاوتذکره نذرت‌وبهارستان‌سخن وریاض‌الشعرا ومنتخب‌الاشعار وتذکره‌حسینی و مجمع‌النفائس وسفینه الشعرا وباغ معانی‌وتذکره شاعرات‌ومقالات‌الشعرا وسفینه عشرت‌ومردم دیده‌وتذکرة‌الشعرا (١١٧٠ــ١١٨٠هـ) وگل‌رعناوشام‌غریبان‌وتذکره یوسف علیخان‌وخلاصة‌الکلام وهفت آسمان

٤ـ تذکره‌هائی که نویسندگان آن بعضی مطالب‌را ازجای دیگر نقل کرده وبعضی دیگررا ازخود آورده‌اند : عرفات العاشقین وطبقات شاهجهانی ومرآت الخیال و سرو آزاد و خزانه عامره

سبك انشای تذکره‌های فارسی درشبه‌قاره‌هند و پاکستان

ازلحاظ سبك انشاء تذکره‌های فارسی‌را که در شبه‌قاره‌هند و پاکستان تألیف شده‌است میتوان به‌پنج قسمت ذیل تقسیم نمود

۱ـ تذکره‌هائی که بسبك مصنوع تألیف‌شده است ـ دراین تذکره‌ها معمولا سجع وجناس واستعاره وتشبیه ومراعاة‌النظیر وبعضی‌صنایع وبدایع دیگر بکار رفته است . اولین تذکره که باین سبك نوشته شده است لباب الالباب عوفی [۱] است که اتفاقاً اولین تذکره فارسی هم میباشد وبعدازآن تذکره بزم آرای [۱] است که مؤلف آن اکثر مطالب را عیناً ازلباب‌الالباب نقل کرده است وبنابراین کاملا تحت نفوذ سبك انشای عوفی در لباب‌الالباب قرار گرفته و کتاب خود را بسبك انشای همان کتاب عوفی تألیف نموده‌است.همچنین شمع انجمن ونگارستان سخن وصبح گلشن وروز روشن واختر تابان وتذکرة‌الخواتین و حدیقه عشرت [۱] بهمین سبك مصنوع تألیف‌شده است .

۲ـ تذکره‌هائی که غالباً بسبك وانشای مصنوع تألیف شده است ـ اولین تذکره‌ای که باین سبك نوشته شده جواهرالعجایب فخری هروی است [۱] سپس انیس‌الاحبا ومحك شعرا و معراج‌الخیال [۱] نیز بهمین سبك تألیف‌شده است

۳ـ تذکره‌هائی که بنثرمشکل تألیف شده‌است ودرآن کلمات‌عربی بفراوانی بکاررفته است مانند مجمع‌النفایس ومقالات‌الشعراء قانع وعقدثریا [۱]

٤ـ تذکره‌هائی که غالباً بسبك‌انشای ساده نوشته شده است اما درمقدمه و خاتمه ودر موقع تعریف‌شعرا ودربعضی‌موارد دیگرنویسندگان‌آن بسبك مصنوع پرداخته اند مانند خلاصة‌الاشعار و عرفات العاشقین و لطایف الخیال و مرآت ـ

۱ـ رجوع شود به‌بحث درباره این تذکره‌ها دراین‌کتاب

الخيال و تذكرة المعاصرين وسرو آزادوخزانه عامره و نشترعشق وصبح وطن و گلزار اعظم وغیره [۱]

در بعضی از این تذکره ها برای عبارت «فوت شد» و «اینك اشعاراو» جمله هائی مصنوع آمده است مثلا رجوع شود به سرو آزاد و تذکره بینظیر و خزانه عامره وصبح وطن و گلزار اعظم [۱]

همچنین نویسندگان این تذکره ها گاهی القاب توصیفی شعرا را بنثر مسجع آورده و گاهی بمناسبت اسم وتخلص اخلاص بکار برده اند مثلا رجوع شود به عرفات العاشقین وانیس الاحباو گلزار اعظم [۱]

۵- تذکره هائی که سبك انشای ساده تألیف شده وهیچ نوع صنعت لفظی و معنوی در آنها بکار نرفته است مانند هفت آسمان وتذکرة الشعرای غنی وسخنوران ایران در عصر حاضر وشعرای عصر پهلوی وتذکره شعرای پارسی زبان کشمیر و تذکره شعرای فارسی زبان پیشاور [۱]

ورود کلمات اردو و هندی به نثر فارسی

در تذکره های فارسی هندوستان از زمان اورنگزیب به بعد کلمات اردو و هندی بچشم میخورد وعلت اساسی آن تألیف این تذکره ها بدست کسانی است که اصلا هندی بودند وزبان مادری آنان غالباً اردویاهندی بوده وبنابراین درموقع نوشتن فارسی گاهی کلمات زبان خودراطی آثارشان بکار میبرده اند

باید توجه داشت که از ابتدای دوره اسلام تازمان شاهجهان (یعنی از زمان محمود غزنوی تا۱۰٦٨هـ) درمیان یازده تذکره فارسی که درشبه قاره هندوستان تألیف شده است تنهادوتذکره را نویسندگان هندی الاصل نوشته وبقیه تمام تذکره ها را نویسندگان ایرانی که بهندمهاجرت کرده تألیف نموده اند. همچنین نویسندگان هندی الاصل دردوره مذکور برزبان فارسی تسلط کامل داشتند وبنابراین درموقع نوشتن آن زبان هیچوقت احتیاج باستعمال واژه های زبان خودنداشته اند .

۱- رجوع شود به بحث درباره این تذکره ها در این کتاب

اما از زمان اورنگزیب بعد زبان اردو وهندی در نقاط مختلف هند بیشتر رواج پیدا کرده وبتدریج رواج زبان فارسی کمتر میشده است. همچنین تسلطی که نویسندگان هندی‌الاصل فارسی در اول بر فارسی داشته در این دوره نداشته‌اند و بنابراین گاهی اضطراراً کلمات زبانهای اردو و هندی‌را در تألیفات فارسی‌خود بکار میبرده‌اند مثلا جاگیر وچبوتره (رجوع شود بحث در باره سفینه خوشگوی وسرو آزاد و خزانه عامره ومردم دیده و گل رعنا وسفینه هندی در این کتاب)

گاهی کلمات اردووهندی واسامی شهرهای هند را باملای اردو آورده‌اند (رجوع شود به خزانه عامره وسفینه خوشگوی وسفینه‌هندی) .

همچنین برخی از نویسندگان این‌دوره گاهی بعلت عدم تسلط بر زبان فارسی بعضی اصطلاحات راخودشان وضع میکرده‌اند مانند هندوستان‌را بمعنی هندوستان زاده وغیره (رجوع شود به بحث در باره سفینه خوشگوی وسفینه‌هندی در این کتاب) وحتی گاهی در املای بعضی کلمات اشتباه‌میکرده‌اند (مخصوصاً رجوع شود به بحث در باره سفینه هندی در این کتاب)

رواج سبک انشای ساده در شبه‌قاره هند وپاکستان

باید اذعان کرد که سبک ساده نویسی جدید که در ایران از اواسط دوره قاجار معمول شده است در شبه قاره هندو پاکستان تا اواخر زمان انگلیسها معمول نشده بود وعلت آن، عدم تماس وارتباط بین اهالی هند وایران تا اواخر دوره سلطنت انگلیسها میباشد . بالاخره چون از اواخر دوره مزبور رفت و آمد بین این دو کشور دوباره شروع شد مردم هندوستان باتحول زبان فارسی که در ایران رخ داده بود وقوف پیدا کردند وبتدریج سبک خودرا مطابق سبک جدید فارسی تغییر داده کتابهائی باین سبک تألیف نمودند، چنانکه کلیه تذکره‌هائی که در این‌دوره (۱۳۴۹ه تاحال) بفارسی تألیف شده‌است بسبک فارسی جدید میباشد تمام این تذکره‌ها بنثر ساده نوشته شده وهیچ نوع تصنع در آن بکار نرفته‌است .

فصل اول

قبل از تیموریان هند

از ابتدای سلطنت مسلمانها درهند تا تأسیس
حکومت بابریان در ۹۳۲ه

ملاحظات عمومی بر فصل اول

اوضاع سیاسی واجتماعی از تسخیر هندوستان بدست مسلمانها تا ۹۳۲ه

بعد از تسخیر ایران در زمان خلیفه دوم عربها تا سرحد هندوستان رسیده بودند اما در زمان خلفا هیچوقت از طرف مسلمانها اقدام جدی برای فتح هندوستان بعمل نیامد وتنها یك دفعه بامر حضرت عثمان خلیفه سوم (۲۳-۳۵ه) سرداری سوی نقاط سرحدی هندوستان اعزام شد اما نظر بگزارش عجیبی [1] که وی درباره این سرزمین

۱- در فتوح البلدان (فتوح السند) تألیف ابوالحسن بلادری آمده است که چون عثمان بن عفان خلیفه شد وعبدالله بن عامر بن کریز را والی عراق کرد بوی نوشت که کسی را بسرحد هندوستان بفرستد تا اطلاعات لازم درباره این سرزمین بدست آورد عبدالله حکیم بن جبلة العبدی را اعزام کرد وچون وی از آنجا برگشت اورا پیش خلیفه فرستاد حکیم پیش خلیفه گفت من آن سرزمین را خوب شناخته‌ام ودرباره آن تحقیقات لازم بعمل آورده‌ام خلیفه گفت که تعریف کن وحکیم چنین پاسخ داد ماء ها وشل وثمرها دقل ولصها بطل ان قل الجیش فیها ضاعوا وان کثروا جاعوا (آب آن سرزمین کم ومیوه بد و دزدان قوی اند اگر تعداد لشکر در آنجا کم باشد آنها تلف میشوند واگر زیاد باشد از گرسنگی میمیرند) خلیفه چون این گزارش را شنید گفت آیا تو خبر میدهی یا عبارت پردازی میکنی. حکیم پاسخ داد که البته خبر میدهم (ر.ك. فتوح البلدان چاپ مصر ۱۳۵۰ ه / ۱۹۳۲ م باهتمام رضوان محمد رضوان ص ۴۲۰ - ۴۲۱)

بحلیفه مر بور داد دیگر تا مدتی عربها باین سرزمین توجه نکردند [1]

سپس بعد ارتسخیر هرات در زمان معاویه مسلمانها بفرمانداری مهلب بن ابی‌صفره درسال ٤٤ ه بطرف کابل پیش‌راندندووارد سرزمین هندشده تاشهرملتان رسیدند اما این حمله برهندوستان صورت تصرف دائمی‌پیدانکرد . بعدار آن نیز عربها مکرر به سرحدهند حمله کردند اما جردربعضی نقاط مرزی نتوانستند کار خودراپیش‌برند تااینکه‌درزمان ولیدبن‌عبدالملك(۸٦ـ۹٦ ه) درسال ۹۲ه محمد بن‌قاسم نواده‌حجاج‌بن‌یوسف حاکم‌عراق‌با بها نه‌ای‌بحاك‌سند حمله کردوراجا داهر آنجا را شکست داده ولایت سندرا از سواحل آن تا حوالی ملتان تسخیر نمود باوجود اینکه عربها تاقریب دوقرن برایالت سندحکومت کردند اما هیچوقت در صدد پیشرفت و توسعه حدود مستعمرات خود در هندبر نیامدند وحتی تسخیر بقیه نقاط هندوستان بتوسط مسلمانها ارراه سند صورت‌نگرفت بلکه ارطریق‌افغانستان انجام پذیرفت

بعد ار حمله محمد بن قاسم امیر سبکتکین (۳٦٦ - ۳۸۷ه) اولین سردار مسلمان بود که بسرزمین هند حمله کرد وبعضی قبایل راجپوت‌را مغلوب‌ساخته و شهرونواحی‌پیشاور را تحت‌تسلط خویش درآورد بعد اروی پسراوسلطان محمود غزنوی (۳۸۸ - ٤۲۱ه) در میان سالهای ۳۹۲ ه و ٤۱۵ ه دوازده باربهندوستان حمله کرد وبتدریج قسمت شمال‌غربی آن کشور راتا لاهور بتصرف خوددرآورد و حاکمی ازطرف خوددرلاهور مقرر کرد سپس چون بهرامشاه بن مسعودغزنوی

۱ــ درآخر سال ۳۸ ه واوایل سال۳۹ه درزمان خلافت علی‌بن‌ابیطالب حارث‌بن مرةالعبدی باجازه حضرت علی‌بسرحد هند اعزام‌شد ودرجنگی‌که‌کرد پیروزشد ومال‌غنیمت واسیران زیادبدست آورد وتنها در یکروز هزار رأس اسب بین‌سربازان قسمت‌کرد سپس در٤۲ه وی وهمراهانش در سرزمین قیقان‌که در بلاد سند در نزدیکی خراسان واقعست کشته شدند و تنها عده کمی از آنها توانستند جان بسلامت ببرند (ر . ك . فتوح ـ البلدان چاپ مصر ص ٤۲۱ .)

(٥١١ـ ٥٤٨هـ) از دست سیف الدین غوری شکست خورد و منهزم گشت مدتی بهندوستان پناهنده شد و بعد از آن دوباره چون از دست علاء الدین غوری شکست خورد بهند گریخت. اما دوباره بغزنین مراجعت کرد طولی نکشید که ترکان غز در ٥٥٥ هـ غزنی را از خسروشاه بن بهرامشاه غزنوی (٥٤٨ ـ ٥٥٥ هـ) گرفتند و خسروشاه بهند گریخت از آن تاریخ بعد سلاطین غزنوی که خسروملك بن خسروشاه (٥٥٥ ـ ٥٨٢هـ) آخرین پادشاه آن سلسله بود منحصراً بر (قسمت شمال غربی) هندوستان سلطنت کردند و غزنی و قسمت های دیگر سلطنت خود را برای همیشه از دست دادند .

سلطنت غزنویان لاهور راه برای معز الدین (شهاب الدین) محمد بن سام غوری (٥٦٩ـ ٦٠٢هـ) و جانشینان وی که بنام سلاطین دهلی معروفند برای تصرف تمام شمال هند و انتشار اسلام در آن نواحی باز نمود . در ٥٨٢ هـ سلسله غزنویان از هندوستان نیز بدست معز الدین محمد غوری برچیده شد و سراسر هند شمالی تحت تسلط غوریان در آمد بعد از فوت معز الدین غلام وی قطب الدین ایبك از طرف سلطان غیاث الدین محمود غوری (٦٠٢-٦٠٧ هـ) بحکومت هندوستان منصوب شد و تا سال ٦٠٧هـ حکومت کرد و بعد از وی غلام او سلطان شمس الدین التتمش (٦٠٧ـ٦٣٣هـ) بر هندوستان حکومت کرد وی رقیب خود ناصر الدین قباچه حاکم سند را در ٦٢٥ هـ شکست داد و قباچه خود را در رود سند انداخت و جان داد و در نتیجه تمام مال و مملکت او بتصرف التتمش در آمد

بالاخره جلال الدین فیروز خلجی، آخرین پادشاه سه ساله خاندان غلامان یا شمسیه را در ٦٨٩هـ از تخت معزول کرده خودش را سلطان هند (٦٨٩ ـ ٦٩٦هـ) اعلام کرد و بدین ترتیب بنیان سلطنت خاندان خلجی را در هند نهاد

در مین خاندانهائی که بعد از خلجیان (٦٨٩ـ ٧٢٠ هـ) بر هندوستان حکومت کردند تغلقیه (٧٢٠ـ ٨١٧هـ) و سادات خضر خان و مبارك شاه وغیره (٨١٧ـ٨٥٥ هـ) ولودیان (٨٥٥ـ٩٣٠هـ) بر قسمت اعظم هندوستان فرمانروائی کرده اند همچنین در همین ایام بعضی سلسله های مستقل دیگر مانند سلاطین بنگاله و شرقی جونپور و

مالوه و گجرات و کشمیروخاندیش وبهمنی بر نواحی مختلف هندوستان حکومت داشتند که بعداً درزمان بابریان از بین رفتند

ظهیرالدین بابر در ۹۳۲هـ برهندوستان حمله کرد وابراهیم لودی، آخرین پادشاه سلسله لودی راشکست داد وبدین ترتیب سلطنت لودیان را برانداخته بنیان سلطنت بابریان را درهند نهاد (که ذکر زمان آنها درفصل دوم این کتاب میآید) .

وضع زبان وادب فارسی دراین دوره

ظاهراً زبان فارسی اززمان سبکتکین درپیشاورو نواحی آن ودرزمان سلطان محمودغزنوی درقسمت شمال غربی هندوستان واردهند شده وبرای اولین دفعه زبان رسمی وادبی این نواحی شده است بعضی اهل فضل و ادب فارسی در همین زمان ازاین سر زمین برخاسته اند که درمیان آنها ابوالفرج بن مسعود رونی (متوفی بین سالهای ۴۹۲ـ ۵۰۸ هـ) ومسعود بن سعد بن سلمان لاهوری (متوفی ۵۱۵هـ) ازهمه معروفتر بوده وهردو معاصر ابراهیم بن مسعود غزنوی ومسعود بن ابراهیم غزنوی بوده اندواولی درمدح آنها قصیده ها ساخته ودومی بامر آنها مدت هجده سال صعوبت زندان کشیده و در بازده سال آخر عمر کتابدار سلاطین غزنوی بوده است .

درزمان سلاطین دهلی، ناصرالدین قباچه حاکم سندار مربیان معروف اهل علم و فضل بوده ودربارِوی مجمع ومرکز اهل ادب وهنر بوده وفضلائی مانند محمد عوفی مؤلف لباب الالباب ومنهاج سراج مؤلف طبقات ناصری جزو درباریان وی بودند باید توجه داشت که عوفی الفرج بعدالشده را بنام ناصرالدین قباچه بفارسی ترجمه کرد وبفرمایش وی تالیف جوامع الحکایات راشروع کرد و لباب الالباب را بنام وزیر او عین الملک فخرالدین الحسین الاشعری تألیف نمود

بعدازمرگ قباچه فضلاوعلمای دربار وی مانند عوفی ومنهاج سراج وعین الملک اشعری وبرادرش بهاءالملک حسین بخدمت شمس الدین التتمش پیوستند و التتمش و

امرای او آنها را سرپرستی کردند چنانکه عوفی جوامع الحکایات خود را (که بفرمایش قباچه شروع کرده بود) بامر نظام الملك قوام الدین محمد حمیدی وزیر التتمش بپایان رسانید و بنام وی عنوان کرد

درمیان خلجیان معروف ترین پادشاه ادب پرور سلطان علاء الدین خلجی (۶۹۶-۷۶۵ھ) بود که تمام مصاحبین وی اهل فضل و هنر و ادب بودند [1] و شعرائی مانند امیر خسرو و حسن دهلوی از شعرای دربار او بودند.

از زمان سلسله تغلق ببعد بعلت هرج و مرج سیاسی و جنگ های داخلی کمتر کسی به شعر و ادب توجه نموده است و بهمین علت ما از وجود کسی از نویسندگان یا شاعران معروف سراغ نداریم که در این عهد زیسته باشد و تنها امیر خسرو در اوایل حکومت تغلق بدربار آنها مربوط بود

نقش صوفیه در تبلیغ اسلام و ترویج فارسی در هند

باید اذعان کرد که صوفیه در تبلیغ اسلام و ترویج و اشاعه فارسی در سرزمین هندوستان سهم بسیار بزرگ دارند چون آنها از نزدیك با مردم آن کشور تماس داشته و به تبلیغ دین می پرداختند پیروان آنها به نقاط مختلف هندوستان مسافرت کرده و پیغام اسلام را بمردم میرسانیدند و گاهی غیر از تقریر بتألیف کتاب هائی بفارسی نیز می پرداخته اند صوفیان معروف که در این دوره در هندوستان می زیسته اند بقرار زیر می باشند ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی مؤلف «کشف المحجوب» متوفی بعد از ۴۲۵ھ و خواجه معین الدین چشتی متوفی ۶۳۳ھ و شیخ بهاء الدین ذکریای ملتانی متوفی ۶۶۷ھ و شیخ فریدالدین گنج شکر متوفی ۶۶۴ ھ و قاضی حمید الدین ناگوری متوفی ۶۹۵ ھ و شیخ ابوعلی قلندر (شیخ شرف الدین پانی پتی) متوفی ۷۲۵ھ و شیخ نظام الدین اولیاء دهلوی متوفی ۷۲۵ ھ و شیخ نصر الدین چراغ دهلی متوفی ۷۵۷ھ

[1] ۱- برای اسامی فضلا و هنرمندانی که به دربار علاء الدین مربوط بودند رجوع شود به تاریخ فرشته ص ۹۰ و شعر العجم جلد دوم در ذیل امیر خسرو دهلوی

وشیخ جلال محدوم حهان گشت متوفی ۷۹۰ه و شیخ نور قطب عالم متوفی ۸۰۸ه ومحدوم شاه نعی متوفی ۸۲٤ه وشیخ محمد گیسو درار متوفی ۸۲۵ ه

اکثر صوفیان مذکور اصلاهندی بودند ولی زبان مادری آنها فارسی بوده و بنا بر این کتاب هائی که می نوشته یا شعرهائی که می سروده اند به فارسی بوده است

اهمیت این دوره ازلحاظ تدکره نویسی فارسی

در تاریخ تدکره نویسی فارسی این دوره دارای اهمیت فوق العاده ای می باشد ، حون تذکره نویسی درزبان فارسی ازهمین دوره شروع می شود ازحیث تعداد تدکره ها این دوره نمی تواند باادوار دیگر تذکره نویسی فارسی رقابت کند حون تنها دو تدکره شعرا تا سال ۹۳۲ه بنام لباب الالباب وتدکره الشعرا دولتشاه سمرقندی نربان فارسی درهندوستان وایران تألیف شده است اما از لحاظ این که همین تدکره ها درآینده برای تدکره نگاران نقش راهنما را باری کرده ونخستین نمونه ها برای نویسندگان آینده بوده وهمچنین ازنظر این که تنهامأخذ اصیل در مورد شعرای قرن سوم تاهفتم همین دوتذکره بوده وتذکره نویسان بعدی تمام اطلاعات خودرا راجع به شعرای قرون فوق از همین دوتدکره اقتباس نموده اند می توان باهمیت این دوره پی برد

لباب الالباب و تدکره دولتشاه

اینجا باید تدکرداد که لباب الالباب نه تنها اولین تدکره فارسی است و تقریبا سه قرن قبل ازتدکره السعراء دولتشاه سمرقندی تألیف شده بلکه ازلحاظ صحت مطالب کتاب وصداقت بیانات مؤلف نیز بر تدکره السعرا رجحان و برتری دارد حنان که اکثر اطلاعاتی که دولتشاه مخصوصاً درباره شعرای متقدم آورده مجعول و بی اساس و برخلاف حقایق تاریخی بوده ودر مقابل آن کلیه مندرجات وحکایات لباب الالباب قابل اطمینان و معتبر بوده است

همچنین باید توجه داشت که لباب الالباب تنها مأخذ معتبر برای آیندگان در مورد شعرای زمان صفاری وسامانی وغزنوی بوده و شرح حال و حکایاتی که راجع به این شعرا در تذکره دولتشاه ذکر شده پر از اغلاط تاریخی و مطالب بی اساس می باشد

نواقص عمده لباب الالباب

لباب الالباب تنها تذکره ایست که دراین دوره درشبه قاره هند ویاکستان تألیف شده است باوجود همه مزایائی که این کتاب دارد (ودرباره آن درذیل این کتاب نسبتاً مفصل بحث شده) این تذکره دارای بعضی نقائص اساسی و مهمی هم می باشد که ذیلا ذکر می گردد

اولاعوفی مؤلف لباب الالباب توجهی باهمیت شرح حال شعرا نداشته وباوجود اینکه امروز از کلیه مآخذ او اطلاع نداریم اما می توان گفت که بسیاری از کتبی که در تألیف این کتاب از آنها استفاده نموده است امروز ازمیان رفته است اگرعوفی به اهمیت شرح حال و آثار شعرا کاملا پی برده بود حدوداطلاعات وذخایر معلومات ما درباره شعرای متقدم بمراتب بیشتر از آنچه که امروز هست می بوده، اماحیف که وی به این نکته مهم توجه نکرده ودرذیل ذکر اکثر شعرا وفضلا به عبارت پردازی و تعریف بیهوده پرداخته است وحتی درذیل شعرائی که معاصر وی بودند ویا او شخصاً با آنها ملاقات کرده ومدتی با آنها مربوط ومحشور بوده راجع بزندگانی آنها هم اطلاعات کافی بهم نرسانیده است

ثانیاً اشعاری که عوفی ازشعرا انتخاب ودرتذکره خود ضبط نموده است غالباً طبق ذوق اوپرازصنایع وبدایع وترکیب غریب وعجیب می باشدوظاهراً همان ذوق شعرای زمان او بوده است چنانکه اشعاری که وی ازشعرای بعدازرمان سلجوقیان آورده

است ازصنایع وبدایع مختلف مشحون و ازقوافی وردایف مشکل و تراکیب غریب مملو است

سبك انشای تذکره نگاران این دوره

سبك انشاء عوفی مؤلف لباب الالباب (که تنها تذکره ایست که در این دوره درشبه قاره هندوپاکستان تألیف شده است) دراین تذکره بسیارمصنوع است وعالباً در آوردن صنایع وبدایع بسیارسعی وجدیت نموده وبرعکس جوامع الحکایات (اثر دیگر خود) این تذکره را باصطلاح بنثر فنی نوشته است عوفی دراکثرموارد دراین کتاب بجای آوردن مطالب واطلاعات مفید راجع به زندگانی شعرا توجه بخصوص بافراط دراستعمال کلمات وتراکیب مشکل عربی وصنایع وبدایع لفظی ومعنوی مخصوصاً استعارات وتشبیهات وتسجیعات وتجنیسات وغیره داشته وحتی المقدور سعی نموده هرچه بیشتر صنایع رادر شرح خود بکار برد ویکی ازعلل مهم فقدان اطلاعات مفصل و مفیدی درباره زندگانی شعرادر لباب الالباب همین سبك عوفی است واین سبك نه تنها توجه وی را بسوی عبارت پردازی وصنعت گری معطوف کرده بلکه ازآوردن شرح حال مفصل این شعرا بار داشته است

☆☆☆

اکنون درباره لباب الالباب که تنها تذکره ایست که دراین دوره در شبه قاره هندوپاکستان تألیف شده است، بتفصیل بحث می کنیم

لباب الالباب [1]

ابتدا «در توحید که صدف معرفتش جوهریان فصاحت بضاعت و حاصل اعتراف بلغاء آن بوده که قوله تعالی لاعلم لنا الا ما علمتنا انك انت العلیم الحکیم»[2].

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمد و اسم پدرش نیز محمد است چنانکه خودش در مقدمه لباب الالباب جلد اول (ص۱) اسم خود را چنین نوشته است «محمد (بن) محمد عوفی» همچنین در جوامع الحکایات که تألیف دیگر مؤلف است نیز اسم خود را محمد ذکر کرده است [3]

۱ ـ ظاهراً این تذکره تا مدتی در هند و ایران شهرت پیدا نکرده است چنانکه تقریباً سه قرن بعد از تألیف این کتاب موقعی که دولتشاه سمرقندی تذکره خود را تالیف می کند وی طبق اعتراف خودش هیچ اطلاعی از وجود لباب الالباب ندارد و همچنین تقریباً چهار قرن بعد از تألیف لباب الالباب در ۱۰۰۰ هـ علی بن محمود الحسینی تذکره ای به نام بزم آرای تألیف کرده و اکثر مطالب لباب الالباب را عیناً در آن کتاب بدون ذکر اسم مأخذ نقل و آن را به نام سپه سالار معروف ادب پرور اکبرشاه عبدالرحیم خانخانان عنوان می کند اگر لباب الالباب در آن ایام معروف بود مؤلف بزم آرای جرأت نمی کرد مطالب آن کتاب را بدون ذکر اسم آن نقل کند اما حالا این است که دو سال بعد از تألیف بزم آرای در ۱۰۰۲ هـ مؤلف هفت اقلیم برای اولین دفعه اسم لباب الالباب را در کتاب خود ذکر کرده و بعضی مطالب را از آن نقل کرده است

۲ ـ ر ك لباب الالباب جلد اول ابتدای جلد دوم لباب الالباب بدین قرار است .

« شکر و سپاس و حمد بیقیاس مر قادر حاکم و صانع قدیم را که لباس هستی در بر موجودات بلندی و پستی افکند و عقل قیاس را وزیر قریشی شاه روح گردانید ».

۳ ـ ر ك نسخه موزه بریتانیا ش ۴۳۹۲ ص ۸۷ الف چنانکه علامه قزوینی در مقدمه لباب الالباب چاپ لیدن (ج ۱ ص ب) متذکر شده است

مؤلف ازاولاد عبدالرحمن بن عوف ازمشاهیر صحابه رسول است و بهمین جهت شهرت وی عوفی بوده است. جدمؤلف قاضی امام شرف الدین سید المحدثین ابوطاهر یحیی بن طاهر بن عثمان العوفی از مشاهیر علمای ماوراء النهر و «درعلم حدیث ومعرفت انساب عرب واسامی رجال وجرح وتعدیل مشار الیه بالبنان» بوده است .

درمورد لقب عوفی درمیان نویسندگان اختلاف رأی بوده است و بعضی از آنها لقب اورا «سدیدالدین»[1] و بعضی دیگر «نورالدین»[2] وبندرت «جمال الدین»[3] نوشته اند امانظر بدلایلی که آقای دکتر نظام الدین درمقدمه جوامع الحکایات[4] و چنانکه آقای دکتر معین درمقدمه «جوامع الحکایات» (بخش اول)[5] ذکر نموده اند این امر

۱ــ ر.ك. مقدمه جوامع الحکایات تألیف سدیدالدین محمد العوفی از محمد نظام-الدین چاپ لندن ۱۹۲۹ میلادی ص ۴۳ ومقدمه جوامع الحکایات (بخش اول) چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ ش بتصحیح واهتمام آقای دکترمحمدمعین ص ۲ــ۵ .

۲ــ ر.ك. مقدمه منتخب جوامع الحکایات « چاپ فرهنگ ۱۳۲۴ش صفحه ب و مقدمه لباب جلداول چاپ لیدن باهتمام وتصحیح محمد قزوینی ج ۱ ص یب مرحوم علامه محمد قزوینی درحاشیه مقدمه کتاب مذکور بعنوان مآخذ بکتب ذیل استناد کرده است
تاریخ گزیده تألیف سال ۷۳۰ ه وتاریخ نگارستان تألیف سال ۹۵۷ه وتاریخ جهان آرا تألیف سال ۹۷۲ ه (که هردو ازمؤلفات قاضی احمد غفاری است) وحبیب السیر تألیف سال ۹۳۰ه جزوچهارم ج۲ وتاریخ فرشته تألیف سال ۱۰۱۵ه .

۳ ــ ر . ك تاریخ مرآة الادوار تألیف مصلح الدین محمد اللاری بسال ۹۷۴ ه و (کشف الظنون) حاجی خلیفه ج ۲ ص ۵۱۰ ومقدمه لباب الالباب چاپ لیدن باهتمام محمد محمد قزوینی ج۲ (ص۲۰) .

۴ــ ر.ك. حاشیه ۱ فوق

تعریباً ثابت شده است که لقب عوفی «سدیدالدین» بوده و لاغیر[۱]

حال عوفی سیدالحکماء ملك الاطباء شرف الزمان مجدالدین محمد ضیاء الدین عدنان سرخکتی [۲] درسلك خدمت سلطان قلج طمغاج خان ابراهیم بن حسین ماقبل آخرین ملوك خانیه ما وراء النهر [۳] منخرط وازاطباء خاص او بوده است .

۱ــ عوفی درباب یازدهم لباب ج۲ درذیل سعدالدین مسعود دولتیار مینویسد «وقتی بردیك این داعی قطعه فرستاد

قطعه

صانعی که تصاویر کائنات حدوث ／ زکلك صنع بیك قطره آب میبندد

چونعل مه را در آتش شفق انداخت ／ سپهر را بخط حکم جواب میبندد

کمال عزت او از جلال استغنا ／ کسوف وحشت بر آفتاب میبندد

که دست و ... رای جمال دولت ودین ／ مرا بهر مژه‌ای در باب میبندد » .

مرحوم علامه قزوینی درمقدمه لباب الالباب جلد ۲ ص ۲۰ مینویسد « دراین قطعه که شاعری معاصر عوفی درباره او گفته است لقب اورا جمال الدین (جمال دولت ودین) آورده است پس لقب اوحتماً «جمال الدین» بوده است نه «نورالدین» یا «سدیدالدین».

اما اولا معلوم نیست که قطعه فوقرا شاعرمذکوردرباره عوفی گفته باشدوثانیاً اگر این قطعه درباره عوفی باشد وبنابراین مسلم شود که لقب وی «جمال الدین» بوده احتمال دیگر این است که وی دولقب داشته است «جمال الدین» و«سدیدالدین» چون دراینکه لقب اوسدید الدین بوده هیچ شك وتردیدی نیست چنانکه درخودرمان اودرچهار موردلقب اوسدیدالدین آمده است (ر.ك. مقدمه جوامع الحکایات ــ بخش اول ــ باهتمام آقای دکتر معین و مقدمه جوامع الحکایات چاپ لندن باهتمام محمد نظام الدین) واگر بازمسلم شود که وی لقب جمال الدین هم داشته است لاجرم باین نتیجه میرسیم که او این هردو لقبرا داشته است

۲ــ برای ترجمه حال او ر.ك. لباب چاپ لیدن ج۱ ص۲۰۰ و۳۰۰ ــ ۳۰۱ .

۳ــ برای ترجمه حال او ر.ك. لباب الالباب چاپ لیدن ج۱ ص۲۰۰ و۳۰۰ ــ ۳۰۱

تاریخ ملوك تركستان (حاشیه) [1] بنام قلج طمغاج خان مذکور و کتابی درخواص اشیاء که قطعه‌ای از هر کدام را عوفی درجوامع الحکایات نقل کرده است از تألیفات اوست

عوفی در بخارا متولد گشته چنانکه درجوامع الحکایات[2] خودرا محمدبن محمد عوفی بخاری می‌خواند اما سال تولدوی معلوم نیست[3] دوره اول تحصیلات خودرا دروطن خود باتمام رسانید وسپس درطلب علم وملاقات مشایخ از آنجا سفر کرد و غالب بلاد ماوراءالنهر وخراسان و بعضی از بلاد هندوستان را ازقبیل سمرقند و آموی وخوارزم و مرو ونیشابور وهرات واسفرا رواسفراین وسهرنو وسجستان وفره وغزنین ولاهور و کنبایت ونهرواله ونهکرودهلی بقدم سیاحت پیموده و بخدمت فضلای هرسرزمین رسیده واز بسیاری ازایشان اجازه روایت احادیث حاصل نموده است ودرضمن همواره بشغل ذکر ووعظ قیام نموده است و بدین وسیله بخدمت ملوك وامرای وقت تقرب جسته واز فواید دنیاوی‌شان محظوظ و برخوردارمیگردیده است

علماء ومشایخی که عوفی خدمتشان رسیده واقتباس فواید ازایشان نموده جمعی

۱ـ صاحب فهرست کتابخانه لیدن ج۳ص۹ خطای نامه تألیف سید علی اکبر ملقب به خطائی راکه‌وی بنام سلطان سلیم خان (۹۱۸ـ۹۲۶) تألیف کرده‌است بتاریخ ملوك ترکستان اشتباه کرده است وآن سهو واضح است

۲ ـ ر ك. نسخه‌ش 4392 صفحه 87a

۳ ـ دراین خصوص می‌توان بقراین داخلی وخارجی حدودتقریبی‌را تثبیت نمود در سال۵۹۷ه موقعی که‌عوفی ازوطن خود بخارا به‌سمرقندمی‌رود ما اورا مردی برومند وفاضلی کامل می‌یابیم وطبیعی‌است که‌پس ازتحصیلات طولانی خوددربخارا می‌بایست بسن۲۵ـ ۳۰ سالگی رسیده باشد وبنابراین می‌توان تولدوی را بین سال‌های ۵۶۷و۵۷۲ه دانست (ر ك مقدمه جوامع الحکایات چاپ دانشگاه تهران مصحح آقای دکتر معین(ص ۹ـ۸)

کثیرند. از مشاهیر آنها امام برهان الاسلام تاج الدین عمر بن مسعود بن احمد[١] از معاریف آل برهان است[٢] که عوفی بعضی تحصیلات ابتدائی خود را نزد وی در بخارا نموده است و دیگر امام رکن الدوله مسعود بن محمد امامزاده از کبار علمای ماوراء ـ النهر است که عوفی در بخارا در خدمت او تلمذ نموده و وی در ٦١٧ هـ در وقت فتح بخارا بدست مغول کشته شد و همچنین شیخ مجدالدین شرف بن المؤید البغدادی عارف مشهور و از کبار تلامذهٔ شیخ نجم الدین کبری که بین ٦٠٦ و ٦١٦ هـ شهید شد و عوفی در خوارزم بخدمت وی رسیده و بعضی از اشعار وی را بلاواسطه از او شنیده است و مولانا قطب الدین سرخکتی که عوفی نزد او تحصیل کرده است[٣].

ظاهراً بعد از تحصیلات در بخارا اولین سفری که عوفی بسال ٥٩٧ هـ بخارج نموده در طلب روزی و معاش به سمرقند بوده و ظاهراً با کمک و توصیهٔ خال خود مجدالدین

---

١ ـ ر. ك. لباب الالباب چاپ لیدن ج ١ ص ٢١١.

٢ ـ برای شرح حال او ر. ك. لباب الالباب چاپ لیدن ج ١ ص ١٧٤ – ١٦٩ و ٣٣٥ و ٣٢٦

٣ ـ آل برهان که ایشان را بنی ماره نیز گویند از خانواده‌های جلیل الشأن و شریف بوده‌اند و در بخارا ریاست شعبهٔ حنفیه که مذهب عامهٔ ماوراءالنهر بوده پشت در پشت بعهدهٔ ایشان بوده است و در اواخر دولت قراختائیان در ماوراءالنهر ایشان از جمله ملوك بخارا محسوب می‌شدند و بقراختائیان باج می‌گذاردند. این خاندان تا زمان سلطنت اولجایتو (٧٠٣-٧١٦ هـ) بر جای و به ریاست حنفیه باقی بوده است و بعد از آن از حال آنها اطلاعی در دست نیست (ر. ك. لباب الالباب مصحح استاد سعید نفیسی ص ٥٩٥ که آنجا ایشان این عبارت را از تعلیقات علامه قزوینی نقل کرده‌اند)

محمدبن عدىان که از خواص ملازمان پادشاه‌قلج طمغاج خان‌ابراهیم[1] بوده به خدمت پسر آن پادشاه قلج ارسلان خاقان نصرة الدین عثمان بن ابراهیم مشهور به‌سلطان السلاطین[2] که در آنوقت ولیعهدبوده تقرب جسته متصدی‌دیوان انشای‌این‌شاهزاده‌شده‌و گاهی باوی‌محاضراتی بیرداشته‌است[3]

مدت اقامت عوفی دردربار سلطان نصرةالدین‌عثمان چندان طولی نکشید و وی برودی‌درحدود ٦٠٠ھ ازماوراءالنهر به‌بلادخراسان هجرت نمود چنانکه در ٦٠٠ هجری وی در نسا بود وسپس چندین‌سال در بلاد مختلف خراسان وسیستان وخوارزم سفر کرده وازفواید ادبی‌ومادی‌علمای آن بلاد بهره‌مند گردیده است در ٦٠٣ ھ

---

١ ـ جلال‌الدین‌قلج‌طمغاج‌خان ابراهیم بن‌حسین‌ماقبل‌آخرین‌ملوك خانیه‌ماوراء ـ النهر است ایشان‌را خاقانیه وایلك‌خانیه وآل‌افراسیاب نیزمی‌گویندومدت‌سلطنت‌ایشان در ماوراءالنهر بعدار سامانیه وقبل‌ازمغول قریب‌دویست‌وسی‌سال است از حدود ٣٨٠ ھ تا ٦٠٩ھ که‌بدست سلطان علاءالدین‌محمد خوارزمشاه منقرض‌شدند واکنون‌هیچ‌تاریخ‌مستقلی درباره این‌سلسله‌موجودنیست ودرهیچ تاریخی ذکری‌ازاین‌قلج‌طمغاج خان‌ابراهیم‌نیامده است وفات‌وی‌درحدود ٦٠٠هجری‌بوده است «سندبادنامه»تالیف محمدبن‌علی‌الظهیری السمرقندی (که‌نسخه‌ای ازآن‌در موزه بریتانیاموجود است ر ك ریوص٧٤٨ ونیزباهتمام وتصحیح آقای‌احمدآتش‌در استانبول‌درچاپخانه وزارت‌فرهنك ترکیه در ١٩٤٨م به طبع رسیده‌است) وهمچنین‌تاریخ ملوك خانیه تألیف مجدالدین محمدبن عدنان سرخکتی خال عوفی که‌قطعه‌ای ازآن‌را عوفی درجوامع‌الحکایات نقل‌کرده است وظاهراً‌ازمیان‌رفته به‌نام این‌پادشاه است (ر ك لباب‌الالباب مصحح‌استادسعید نفیسی‌ص ٤٢و٥٧١ ـ٥٧٢ ومقدمه‌آن کتاب‌صفحه بیست ویك وبیست‌ودو)

٢ـ آخرین‌ملوك خانیه ماوراء النهر است وجلوس وی در حدود سال ٦٠٠ هجری بوده ودر٦٠٩ھ سلطان محمدخوارزمشاه اورا باخردیکانش کشت وخانیه‌رادرماوراءالنهر منقرض نمود . (ر.ك. لباب مصحح استادنفیسی حاشیه صفحه بیست‌وسه)

٣ـ مثلا ر.ك. لباب الباب چاپ‌لیدن‌ج١ص٤٤ـ٤٥ وجوامع الحکایات نسخه‌موزه بریتانیا ش Add 16862 صفحه378a ومقدمه جوامع‌الحکایات مصحح دکتر معین ص١٧ـ١٨ که آنجا بعضی از محاضرات عوفی‌بااین‌شاهزاده ذکرشده‌است .

در نیشابور بوعظ وتذکیر مشغول شدو در ۶۰۷ه در اسفرار بود.

عوفی در لباب الالباب در ذیل ترجمه حال علاء الملک ضیاء الدین ابو بکر احمد الجامعی میگوید «در آن وقت که مؤلف این مجموعه در اسفرار بخدمت او رسید داعی را کمال تربیت او بپایمردی کرد تا درخدمت او بماند. وقتی در خلوت میفرمود که مرا پیوسته آرزو آن بود که ائمه ماوراء النهر وخراسان را ببینم ومجلس وعظ ایشانرا استماع کنم تا اتفاق سفر خطا افتاد ودر بلادساغون رفتم. ..»

مقصود جامجی اینجا سفری است که در رکاب سلطان محمد خوارزمشر لبه باخطا کردوما بین خوارزمشاه وتاینگو سردار قراخطا در طراز جنگی عظیم واقع شدو تاینگو شکست خورده اسیر گردید [1] وچون این جنگ بسال ۶۰۷ه اتفاق افتاد پس واضح است که اقامت عوفی در اسفرار درخدمت ضیاء الدین ابوبکر جامجی ناگزیر بعد ارسال مذکور بوده است [2]

در اثناء مسافرت اسفرار راهزنان «اسباب وامتعه» عوفی را بغارت بردند و وی پیاده و بی برگ ماند. بروایت عوفی چون وی بشهر نو که ما بین استرآباد وخوارزم بود رسید وخواست بخدمت نصرة الدین کبودجامه [3] رسد ممکن نشد چون شب و

۱ــ ر.ك. وتعلیقات لباب الالباب چاپ لیدن ج۱ ص ۳۲۱-۳۲۲

۲ــ رك مقدمه لباب چاپ لیدن ج۱ ص «یر» الی «یح»

۳ــ کبودجامه نام حشمی است که درمیانه استرآباد وخوارزم می نشسته اند وشهری داشته اند موسوم به شهر نو نصرة الدین پادشاه آن طایفه بود که بدست سلطان علاء الدین محمد خوارزمشاه (درحدود ۶۰۰ه) کشته شد ولهذا برادرزاده وی رکن الدین کبودجامه در وقت خروج مغول بکین عم خویش بدیشان پیوست ووقتیکه علاء الدین محمد خوارزمشاه ازمقابل لشکر مغول فرار کرد وبالاخره درقریه ای در کنار بحر خزر پناه جسته بود رکن الدین مذکور باجماعتی ازمغول ناگهان برسر اوتاختند اما سلطان فوراً در کشتی نشسته فرار نمود وایشان کشتی اورا تیرباران نمودند ولی بخود او نرسیدند (رجوع شود به سیرت جلال الدین منکبرنی تألیف نسوی ص۴۶) نصرة الدین شعرهم میگفته است (رك لباب چاپ لیدن ج۱ ص ۲-۵۱)

درباره خاندان کبودجامه نیز رجوع شود به «تاریخ کبودجامگان» نوشته طاهری شهاب درسالنامه کشور ایران سال دهم ۱۳۳۵ش

روز نصرةالدین مزبور «بمغازله ملاح ومعاقره اقداح راح» میگذشت عوفی این رباعی را بخدمت وی فرستاد

ای شاه بدل بحر وکانی دگری ^۱ — درقالب ملك وعدل جانی دگری

زان روی کبود جامه میخواهدست — کز رفعت وقدر آسمانی دگری

چون نصرالدین این رباعی را خواند بسیار تحسین نمود وپیغام فرستاد که فرصت استماع وعظ وتذکیر ندارم ملتمس چیست عوفی درجواب این بیت را فرستاد

هرچند که بر بساط شطرنج هنر — امروز بهم، پیاده می باید رفت

نصرةالدین اسبی باساز و یراق نزد عوفی فرستاد و وی از آنجا سوار شده پی کار خود رفت ^۲

عوفی تا بعد از ۶۰۷ه در بلاد خراسان بوده وبعد از آن ظاهراً در اوایل انتشار خروج مغول قبل از ۶۱۷ه خود را ببلاد سند انداخت وبخدمت ناصرالدین قباچه ^۳

۱ـ آقای دکتر معین درمقدمه جوامع الحکایات چاپ دانشگاه تهران مصراع اول این رباعی را در ص۱۹ بهمین شکل وسپس در ص۳۳ بدین شکل آورده اند «ای شاه بلطف بدل کان دگری» ودرمصرع دوم وچهارم بجای «جان دگری» و«آسمانی دگری» جان دگری و آسمان دگری نوشته اند

۲ـ رك لباب الالباب چاپ لیدن ج۱ص۵۱

۳ـ ناصرالدین قباچه(متوفی۶۲۵ه) ازممالیك سلطان شهاب الدین غوری پادشاه دهلی بود وقباچه مذکور ازسال ۶۰۲ه در بلاد سند وملتان سلطنت کرد وی یکی از «اجواد واجاد» عالم بوده است ودر فتنه مغول بسیاری از اکابر واشراف خراسان وغور وغزنه بحضرت او پیوستند واو ازهمه ایشان نگهداری کرد ودر حق همگان انعام واکرام وافر فرمود(رك طبقات ناصری ص ۱۴۳)

درسال ۶۲۵ه سلطان شمس الدین التتمش(۶۰۷ـ۶۳۳ه) که مانند قباچه ازغلامان غوریه بود ودرسال۶۰۷ه بنای سلطنت خاندان غلامان نهاد(که آنرا خاندان شمسیه نیز گویند وآنها تا۶۸۹ه درهند حکومت کرده اند) بقصد محاربه باقباچه بسند لشکر کشید وسرانجام در ۱۹ جمادی الثانی ۶۲۵ه ناصرالدین قباچه خود را ازقلعه بهکر دررود خانه انداخت ومرد

پیوست که از ممالیك سلطان شهاب‌الدین غوری سلطان دهلی (۵۹۹-۶۰۲ﻫ) بوده‌است چون عوفی سال ۶۱۷ﻫ درملازمت او بوده امامعلوم نیست چه‌موقع بدان درگاه متصل گردید

عوفی در هند نیز بتذکیر و وعظ مشغول بود چنانکه در لباب[1] درذکر بهاءالدین جامجی می گوید: « وداعی‌دولت درخطبه روزعید درشهورسنه‌سبع عشرة وستمایة این‌معانی‌رادرج کردوفصلی درمعنی‌قهرخصمان وضبط ولایت‌وموا تات‌اقبال ودولت وممایلت ملوك اطراف‌ببندگی حضرت‌ناصری تضمین کرد. »

طبق‌یادداشتی‌ازکاتب ترجمه‌فارسی«الفرج‌بعدالشدة» که‌عوفی‌بنام‌قباجه کرده بودواصل‌عبارت آن‌درذیل‌بحث‌درباره‌لقب‌عوفی‌درمقدمه«جوامع‌الحکایات»(بخش‌اول)[2] آمده‌است‌کاتب‌مزبور که‌ازمعاصرین‌عوفی‌بوده‌جزوالقاب‌عوفی«قاضی»و«واعظ‌الملوك والسلاطین»نوشته‌ومتذکرشده که‌عوفی‌رادرکنبایت ملاقات کرده‌است‌واینکه عوفی روزی‌چند آنجااقامت ساخته بود بعیدنیست در آنوقت عوفی قاضی‌آن‌شهر باشد چون کنبایت جزوملکت‌ناصرالدین‌قباجه‌بوده‌است

وی‌تاسال ۶۲۵ﻫ در«اچه»[3] مقرناصرالدین‌قباچه بسر میبرد ودر این مدت «لباب‌الالباب»تذکره‌موردبحث‌را بنام‌وزیراوعین‌الملك‌فخرالدین‌الحسین‌اشعری[4] تألیف

۱ـ رك‌لباب‌چاپ‌لیدن‌ج۱ص۱۱۵

۲ـ رك «جوامع‌الحکایات »بخش‌اول چاپ‌دانشگاه تهران۱۳۳۵ش باهتمام‌آقای دکترمعین ص ۲تا۵

۳ـ «اچه»شهریست بمسافت هفتاد میل‌درجنوب غربی‌ملتان درپاکستان‌غربی‌فعلی

۴ـ عین‌الملك‌فخرالدین الحسین بن‌شرف‌الملك رضی‌الدین‌ابی‌بکرالاشعری ازاولاد ابوموسی اشعری یکی‌ازحکمیین معروف صفین‌است درابتداوی وزیرناصرالدین‌قباچه‌بود وبعدازمرگ‌قباچه‌جزو جزاین‌وبقایای‌حشم‌او که‌ازجمله‌آنها عین‌الملك‌وبرادرش بهاءالملك حسن‌وعوفی ومنهاج سراج صاحب طبقات‌ناصری‌بودند بخدمت التتمش پیوستند ، التتمش عین‌الملك راوزیرپسرخودرکن‌الدین‌فیروزشاه (۶۳۳-۶۳۴ﻫ) مقررنمود وبعدازآن تاریخ (۶۲۵ﻫ) چیزی‌ازاحوال اومعلوم‌نیست ـ (رك‌طبقات ناصری چاپ‌کلکته ۱۸۶۴م، ص۱۴۴ و ۱۷۲-۱۷۴)

وعمروی اندکی کمتر از ٦٠ سال قمری میباشد [1] اما ممکنست عوفی بین ٥٧٢ و ٦٤٠ھ زندگی کرده باشد ودر آنصورت سن وی درموقع وفات ٦٨ سال بوده است.

آثار مؤلف: - آثارمؤلف بدین قراراست.

١- لباب الالباب- تذکره مورد بحث

٢- جوامع الحکایات ولوامع الروایات ــ درچهارجلد وهرجلدی بیست وپنج باب دارد وهرجلدی باندازه یك جلد لباب الالباب یااندکی کوچکتراست این کتاب مشتمل است برمتجاوز ازدوهزار حکایت عوفی تألیف این کتاب رابفرمایش ناصر-الدین قباچه شروع کرداما تامرگ اودر ٦٢٥ھ و این کتاب راناتمام برسانیده بودو سپس بامر نظام الملك قوام الدین محمدبن ابی سعیدجنیدی این کتاب را بپایان رسانیدو بعداز ٦٢٨ھ آن رابنام وی عنوان کرد این کتاب بامقدمه سیارمعیدی باهتمام دکتر نظام الدین بسال ١٩٢٩م «مطابق ١٣٤٨ھ» درلندن بطبع رسیده است همچنین انتخابی از آن باهتمام ملك الشعراء بهار ازطرف وزارت فرهنگ ایران بسال ١٣٢٤ش وبخش اول آن بتصحیح واهتمام ومقدمه آقای دکتر محمدمعین ازطرف دانشگاه تهران بسال ١٣٣٥ش چاپ شده است

٣- ترجمه فارسی کتاب «الفرج بعدالشدة» تألیف قاضی ابی الحسن بن علی-التنوخی متوفی ٣٨٤ھ- اغلب حکایات آن درجوامع الحکایات مندرج است نصف آخر این کتاب در کتابخانه اندیا آفس موجوداست (ر ك اته ش ٧٣٧و٧٣٨) این کتاب را عوفی در ٦٢٠ھ بنام ملك ناصرالدین قباچه ترجمه کرده است

٤- مدایح السلطان- اسم این کتاب راعوفی درباب دوازدهم ازقسم اول جوامع الحکایات جزومؤلفات خود آورده است که بروزن وروش حدیقه حکیم سنائی بوده ولی اکنون هیچ نسخه ای ازاین کتاب دردست نیست وتنها چهاربیت از آن درمورد فوق درباب مذکور گردیده است

١- ر ك مقدمه جوامع مصحح دکتر معین ص٩

عوفی شاعر هم بوده است چنانچه بعضی اشعار خود را در تألیفات خود مانند لباب الالباب و جوامع الحکایات نقل کرده است[۱] اما معلوم نیست که این اشعار را بصورت کتابی یا دیوانی ترتیب داده است یا خیر .

☆☆☆

تبصره بر این کتاب

عوفی «لباب الالباب» را در حدود سال ۶۱۸هـ تألیف نموده است و دلائل آن به قرار زیر است.

در ذیل بهاء الدوله والدین علی بن احمد جامجی دو بار سنه ۶۱۷هـ را ذکر میکند (رک لباب ج۲ باب۶ ص۱۴) از این مستفاد می شود عوفی این کتاب را بعد از سنه ۶۱۷هـ تألیف نموده است

همچنین در ذیل «الامیر ناصر الدین عثمان بن حرب السجزی» می نویسد: ودر آن وقت که مؤلف این ترتیب سجستان بود امیر ناصر الدین برحمت ایزدی پیوست و ولیعهد او ملک عز الدین بهرام شاه بود که این ساعت ممالک سجستان در ضبط است» و چون مدت حکمرانی ملک عز الدین بهرام شاه مزبور از سنه ۶۱۲ تا ۶۱۸هـ بوده است لذا معلوم می شود که تألیف این کتاب موخر تر از سنه ۶۱۸هـ بوده است

نیز در ذیل سلطان علاء الدنیا والدین محمد (بن) السلطان تکش خوارزمشاه را این طور دعا میکند «اعلی الله شانه» و وفات محمد خوارزمشاه در سنه ۶۱۸هـ اتفاق افتاد امادر آن ایام بسبب هرج و مرج و فتنه و فساد بدست مغول تامدت مدید بعد از فوت سلطان محمد خوارزمشاه حال او باغلب مردم مشتبه بود و کسی نمی دانست وی کجا است و زنده یا مرده ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه می گوید که تا هفت سال بعد از مرگ

۱ - برای نمونه اشعار عوفی ر ک «لباب» چاپ لیدن ج ۱ ص ۴-۵ و ۵۹ - ۱۵۹ و ۱۶ - ۱۷ و ۶۲ - ۶۳ و ۱۶۳ - ۱۶۴ و جلد ۲ ص ۴۲۸ - ۴۳۱ و «جوامع» مصحح دکتر معین ص ۱۲۸ .

محمدحوارزمشاه غالب مردم یقین داشتند که وی زنده است ومتواری است. بنابراین معلوم می‌شود که عوفی نیز بهمین اعتقاد بوده ودعای مر بوردلیل تاریخی بر زنده بودن محمدحوارزمشاه نیست .

راجع بسبب تألیف عوفی درمقدمه چنین توضیح داده است .

«چون حادم دعاوباشر ثنا محمدعوفی روی ازهمه جهان گردانیده وبهمه جهان آورده است یعنی حضرت رفیع ودرگاه فلك پناه . خواست که حضرت عالیه را هم از سیوه صناعت وسرمایه بضاعت خود خدمتی کند وتحفه‌ای آرد که تاقیامت دست بلا بدامن آن نرسد درطبقات شعرای عجم این مجموعه پرداخت. . واین مجموعه را لباب الالباب نام نهاد »

درباره مآحد کتاب مؤلف دردیباچه هیچ توضیحی نداده ولی درمتن کتاب اسم کتاب های زیر را آورده است واز آنها در تألیف این تذکره استفاده نموده

١ ــ یتیمة الدهر تألیف مستوفی (ر ك میمندی)

٢ــ تاریخ ناصری (ر ك طاهری چغانی)

٣ ــ حماسة الظرفاء تألیف ابو محمد عبدالکافی زوزنی (ر ك . شهید بلخی)

٤ ــ عرب نامه تألیف ابوالقاسم باخرزی

٥ ــ دیوان اشعار عربی موسوم به «الاحسن فی شعرعلی بن حسن تألیف ابوالقاسم باخرزی

٦ ــ رقیة القلم (ر ك اتابك جوینی)

همچنین بعضی روایات رااز اشخاص زیر شنیده ونقل کرده است

رکن الدین لوهوری (ر ك ملکشاه) وعمادالدین دبیر (ر ك آتسز) وشهاب الدین مسعود (ر ك تکش) وامام ادیب رشیدالدین (ر ك امیرناصرالدین عثمان

سجری) وامام‌همام‌عالم الدین کرمانی(ر ك امیر فخرالدین‌مسعود کرمانی)وقاضی شرف‌الدین‌محمد کرکوئی (ر ك. نظام‌الملك‌نصیرالدین محمود) وسعدالدین‌ابن‌مسعود(ر ك اتابك‌جوینی) وشیخ‌الاسلام‌زکی‌الدین (ر.ك شهاب الدین‌محمد)و منتخب‌الدین(ر ك مؤیدالدین‌ابوبکر ترمذی) وحمیدقهندری (ر ك بهاءالدین جامجی) وپسر عمادالدین کاتب (ر ك عمادالدین‌کاتب) و فخرالدین مستعد (ر ك فخرالدین‌عزیز فرید) وامام‌شرف‌الدین‌عبسری (ر ك شهاب‌الدین‌محمدبن‌همام) و کمال‌مغزی‌سمرقندی‌وحمیدالدین‌سجزی(ر.ك. بهاءالدین‌اوسی)وپسر امام‌مجدالدین نسوی(ر ك امام مجدالدین)و شیخ رکنی(ر.ك. فریدالدین محمود هروی)

اما گاهی‌اسم‌را وی‌نیاورده‌وتنها اینطور نوشته است

«از بزرگی‌شنیدم » (ر ك. نظام‌الملك‌نصیرالدین‌محمود وغیره)

«شنیدم‌از نغمه‌ای » (ر ك. اختیارالدین‌زوزنه‌وغیره)

این تذکره‌شامل‌شرح‌حال و آثار سیصدشاعر [1] می‌باشد درابواب کتاب‌غالباً طبقه‌بندی‌ازروی استان‌وشهرهای شعراست و نیز تقدیم‌وتأخیرشان ازروی‌زمان‌مرعی داشته‌است یعنی‌شعرای‌متقدم را قبل‌ازشعرای متأخر ذکرنموده است چنانکه‌در سطورفوق گذشت عوفی‌این کتاب‌را بنام‌عین‌الملك فخرالدین‌الحسین‌اشعری نوشته است(ر ك دیباجه‌جلددوم) والقاب‌توصیفی‌وی‌رادرمقدمه کتاب‌مفصلا(درهشت‌سطر) آورده‌است

این کتاب‌مشتمل‌بردوجلد بقرارزیر

جلد اول– درتذکره‌ملوك‌ووزراء وفضلاء وعلمائی است که گاهی شعرهم می‌سروده‌اند این‌جلدبا «امیرمنتصربن نوح‌بن منصورسامانی شروع‌شده تا«شمس–

---

۱ – درجلددوم این‌کتاب نعداد خاقانی اشعار مجیرالدین (بیلقانی) آمده است ولی اسمش‌ظاهراً ازدست‌ناسخ‌افتاده است بدین‌جهت عده کل شعرای این‌کتاب سیصد وعده شعرای‌جلد دوم‌هفتاد میباشد

الدین حاجی السنی» تمام می‌شود ومشتمل است بر ذکر صدوسی نفر وحاوی ابواب وفصول زیر می‌باشد

باب اول - در فضیلت شعر وشاعری.

باب دوم - درمعنی شعر ازلطافت .

باب سوم - درمعنی اول کسیکه شعر گفت .

باب چهارم - درمعنی اول کسیکه شعر پارسی گفت.

باب پنجم - درلطایف اشعار ملوک کبار وسلاطین نامدار (کل ۲۷ تن).

باب ششم - » » وزرای عالی رتب وصدور سامی منزلت (کل ۳۲ نفر)

باب هفتم در ذکر صدور وعلماء وفضلا است درچهار فصل بدین ترتیب:

فصل اول ـ در ذکر ائمه وعلمای ماوراالنهر واستادان صنعت (۱۳ تن) .

فصل دوم ـ در ذکر علماء خراسان بدینقرار

الف ـ در ذکر فضلای بلخ ومضافات آن (۷ نفر)

ب ـ » علمای حضرت مرو »(۵ نفر)

ج ـ » نیشابور »(۱۲ نفر)

د ـ » ائمه وعلمای هرات ومضافات فراه وسیستان(۷ نفر)

فصل سوم ـ در ذکر صدور وافاضل عراق(۹ نفر).

فصل چهارم ـ درلطایف اشعار علمای بلاد حال وحضرت غزنین ولوهور وتوابع آن (۷ نفر)

جلد دوم ـ در تذکره شعرائی است که کارشان شاعری بوده است (غیر از فصل چهارم از باب یازدهم وباب دوازدهم که در ذکر فضلای غزنین ولوهور می‌باشد) ومشتمل است بر ابواب و فصول زیر

باب هشتم در ذکر لطایف اشعار شعرائی است که در عهد آل لیث وآل طاهر وآل

سامان بوده اند .

در ذیل این باب اول مؤلف حنظله بادغیسی و فیروز مشرقی و ابوسلیك گرگانی را که شعرای عهد آل لیث و آل طاهر بودند آورده است و سپس یك فصل در ذکر شعرای آل سامان آورده است (کل ۲۸ شاعر)

باب نهم در ذکر شعرای آل ناصر (۲۰ شاعر)

سپس مؤلف «ذکر شعرای آن طبقه که نام و نسب ایشان معلوم نیست» (کل ۹ شاعر) آورده است.

باب دهم ـ در ذکر لطایف شعرای آل سلجوقی[1] (کل ۲۲ شاعر)

فصل دوم ـ در ذکر شعرای ماوراء النهر (۷ شاعر)

فصل سوم ـ » » عراق و نواحی آن (۱۰ شاعر).

فصل چهارم ـ » فضلای غزنین و لوهور (۹ نفر)

باب یازدهم ـ در ذکر لطایف شعرائی است که در این قرن بوده اند بعد از عهد معزی و سنجری[2] (کل ۲۳ شاعر)

فصل دوم ـ در ذکر شعرای ماوراء النهر (۱۵ شاعر)

فصل سوم ـ در ذکر » عراق و مضافات آن (٦ شاعر)

فصل چهارم ـ » » غزنین و لوهور (۹ شاعر) .

باب دوازدهم ـ در ذکر لطایف اشعار صدور و افاضل که بدین حضرت مخصوصند و بدین دولت موسوم (٤ نفر)

تنها شرح حال افراد زیر را مفصل نقل کرده است

(الف) ملوك ـ محمود بن سبکتکین و اتسز

(ب) وزراء ـ اتابك جوینی و ضیاء الدین و بهاء الدین علی جامحی

---

۱ ـ ظاهراً این قسمت فصل اول از باب دهم است

۲ ـ ظاهراً این قسمت فصل اول از باب یازدهم است

ج ـ علما وفضلا ـ قطب الدین سرحکتی ومحمود بن احمد بیشابوری.
شرح حال بهاءالدین علی حامحی را مفصل‌تر ارهمه (در ۳ صفحه) آورده اسب

تنها اشعار افراد ریررا مفصل آورده اسب ولی شرح حالشان رامختصر نقل کرده اسب

(الف) ملوك ـ ابوالمطفر طاهرحعابی وطغانشه و پیعوملك و احتیار الدین رور به سیبابی. در این قسمب اشعار بیعوملك را مفصل تر ارهمه (در حهار صفحه) آورده اسب

(ب) وزرا ـ اشعارچهارده نفررا نسبتاً مفصل‌تر آورده اسب مخصوصاً اسعار نبا کوکو کمال الدین بحاری ومحمد بن مؤید بغدادی (هریك درسه صفحه) وفحر الدین‌مبارکشاه(در ۱/۲ ۳ صفحه) ووطواط (درچهارصفحه) .

در این قسمت اشعاروطواط رامفصل‌تر از همه(درچهارصفحه) آورده‌است.

(خ) علما و فضلا ـ اشعار بیسـوسه نفررا نسبتاً مفصل‌ومحصوصاً اشعاررضی‌ـ الدین بیشابوری‌وسمس‌الدین رابی(هر کدام درسه صفحه) ورین‌الدین سحری (در چهار صفحه)وسرف‌الدین شفروه(۱/۲ ٤صفحه) رامفصل‌تراردیگران آورده‌است

دراین‌قسمب اشعارسرف‌الدین شفروه‌راارهمه مفصل‌تر آورده‌است.

(د) شعرا ـ اشعار هفتادویك ساعررا نسبةً مفصل ومحصوصاً اشعارمحمدبن ناصر علوی وابوبکر روحابی ومحمد یمیبی‌کاتب وشهاب‌الدین‌سمرقندی(هر کدام درسه‌صفحه)وجوهری‌هروی‌وحالدمکی‌طولابی‌وسوربی‌وقطران تبریزی‌وعبدالرافع هروی وابوعلی مروری و رکبی مراغه‌ای(هر کدام‌در ۱/۲ ۳ صفحه)وکسائی مروری وابوالمعالی‌رازی وابوالفرج رونی‌ومسعود سعد سلمان‌وشهاب‌الدین‌ابی‌رحاغرنوی (هر کدام ۱/۲ ۵صفحه) وعمعق بحارائی (در٦صفحه) وانوری‌و روحی ولوالجی(هر کدام‌در۷صفحه) ومعری‌بیشابوری (در نه صفحه) وازرقی هروی(در ۱/۲ ۹صفحه) را حیلی مفصل آورده اسب

دراین قسمت اشعار معزی وازرقی هروی رامفصل تر ازدیگران آورده است.

رویهمرفته دراین تذکره اشعار ازرقی هروی را مفصل تر ازهمه(در ۹ ۱/۲ صفحه) نقل کرده است .

اشعاروشرح حال هردورا درذیل افراد زیر نسخهٔ مفصل نقل کرده است.

(ب) وزرا ـ نظام الملک ابوعلی الحسن و ابوالقاسم علی باخرزی وشرف الدین فرید کافی و مجدالدین عزیزی

(ج) علما ـ تاج الدین عمر و نظام الدین محمد الدین سرخکتی و بهاء الدین اوسی وحمیدالدین عمر بلخی ودقایقی مروزی

(د) شعرا ـ رودکی سمرقندی ومعزی نیشابوری وازرقی هروی

گاهی درذیل بعضی شعرا شرح حالسان راخیلی مختصر (در دوسه سطر) آورده ولی اشعارشان رامفصل نقل کرده است مانند زینتی علوی ولبیبی ادیبی ومسرور طالقانی ومنشوری سمرقندی .

عجب ایست که اشعار و شرح حال شعرای معروفی مانند فردوسی و نظامی گنجه‌ای را خیلی مختصر آورده است ولی شرح حال بعضی شعرای نسخه غیرمعروف مانند محمود ابن احمد نیشابوری واشعار شعرائی مانند محمد ابن عمر فرقدی ودهقان شطرنجی وروحی ولوالجی را نسخهٔ خیلی مفصل آورده است .

گاهی درذیل بعضی شعرا اشعارعربی را نیز از ایشان نقل کرده است مانند ابومحمد بن یمین الدوله وابوالقاسم میمندی و نظام الدین محمد وشهید بلخی وغیره

درذیل نام شعرای زیر اسم تألیفاتشان را نسخهٔ مفصل نقل کرده است فخرالدین محمد نیشابوری و مجدالدین احمد سجاوندی

تنها تاریخ وفات افرادزیر راذکر نموده است .

(ب) وزرا ـ ابوالقاسم علی باخرزی (مقتول در ٤٤٨ھ) وابوالعلاعطا معروف بساکوک (متوفی ٤٩١ھ) وشهاب الدین محمد بن رشیدالرئیس(متوفی ٥٩٨ھ) .

در قسمتهای ملوک و علما و شعرا تاریخ وفات هیچکدام از آنها راضبط

نکرده‌است

درذیل تراجم افراد زیرمؤلف تصریح نموده‌است که باایشان ملاقات کرده است وبدیهی است مطالبی که درباره آنهادراین کتاب آورده‌است بیشترمورداعتماد و اعتبار میباشد

ضیاءالدین جامحی وبهاءالدین جامحی‌وصدرالدین نیشابوری ومهذب‌الدین اسفراری و مجدالدین‌شرف الکتاب وشرف‌الدین‌سغی‌وتاج‌الدین عمرو نظام‌الدین عمرو شمس‌الدین داعی‌سغی وصدرالدین خرمابادی و محمدابن مؤید بغدادی و فریدالدین‌جاجرمی‌ومحمدبن بدیع نسوی وفخرالدین‌خطاط‌هروی‌وبدرالدین‌هروی وشرف‌الدین فراهی‌وابوعلی‌مروزی‌ونجم‌سحری‌ومبارکشاه سجزی‌وقوامی‌خوافی وسعدالدین مسعود دولتیاروا شرفی سمرقندی‌وشهابی‌عرالی خخندی .

مؤلف گاهی دراین کتاب حکایات مبتذل نقل کرده‌است چنانکه‌درذیل‌حکیم ازرقی‌هروی‌وزوحی ولوالجی آورده‌است

همچنین از بعضی شعرا طبق ذوق آن دوره‌اشعارخیلی مبتذل آورده‌است مثلا رجوع‌شود به شمسی بخاری

لباب‌الالباب‌در احوال‌شعرا اغلب‌معلومات‌را بهم نمی‌رساندومخصوصاًسال‌ولادت ووفات افرادمذکوررا که خیلی مهم‌است‌غالباً ازروی جهل‌یاغفلت‌ذکر نکرده‌است. همچنین‌ازاکثرشعرا اشعارخوب انتخاب ننموده‌است بلکه‌اغلب اشعارسست‌ازآنها نقل کرده است و بنابراین از روی این منتخبات نمیتوان سبك و اسلوب وپایه اکثر شعرا پی‌برد

اکثر اشعاریکه مؤلف ازشعرا انتخاب نموده است غیرجالب و تا اندازه‌ای نامطبوع است ودر انتخاب اشعار مؤلف تنها باین امر توجه داشته است که اشعار منتخب‌دارای‌ترکیبات‌وقوافی‌وردایف‌مشکل‌وغیرمعروف‌باشندوبس،چنانکه مثالهای زیر به‌ثبوت میرساند.

قصیده وطواط باردیف آتش‌وقافیه‌های‌جهان وجان‌وغیره

قصیده کمال بخاری باردیف بادو حاك وقافیه‌های سرو خسرو غیره

» شرف الدین سفی· باردیف بسکند وقافیه‌های هنجار وزار وغیره

قطعه بهاء الدین اوشی· باردیف بشکند وقافیه‌های جوبجوار و گهربار وغیره

قصیده ازهری مروری باردیف چشم وقافیه‌های حشم سار وحمار وغیره

» » » دل » هزار و بیمار وغیره

قصیده محمد بن بدیع نسوی باقافیه‌های نسخ وفخ وسخ؛ بخ و بخ بخ وسخ و فرفخ و باچخ واصلخ ومسلخ وآدخ وزخ ومجخ وغیره

قصیده‌های زین الدین سحری· باردیف چشم وقافیه‌های هزار واسوار وغیره ورديف آراسته وقافیه‌های آفتاب ونقاب وغیره وردیف شکسته وقافیه‌های آفتاب و صواب وغیره.

قصیده شرف الدین فراهی باردیف وفاو قافیه‌های جمال وسمال ومنال وحال و گوشمال ورال وغیره

قصیده سوزنی باقافیه‌های بطك و کلك وحك وعلك وغیره

ترکیب بند قطران تبریزی باقافیه‌های گوهر بار بار و تار تار و رنگ رنگ ورنگ رنگ وروی روی وحوی حوی و کشمیر میرو تاحیر حیرو دور دور وسور سور و بهرام رام و باکام کام واقبال بال و آمال مال و آباد باد و آراد راد

قصیده محمد بن عمر فرقدی باردیف تیغ وقلم و قافیه‌های یادگار و شهریار وغیره

قصیده محمد بن علی سراجی باردیف بس وقافیه‌های نقاب وحجاب وغیره

» عجبی حجندی » بسکند » خار و یار وغیره

حسنی دیبا » گوهر » جوار و حروار و غیره.

» » » لعل » زمان واسخوان وغیره

» » زمرد » خار ولالا و غیره

» » پیاله » سکر و بر وغیره

قصیده حتی بیا باردیف نحندید وقافیه استخوان‌ودهان وغیره
» » بنفشه » لاله‌زار و بهار »
» شیح احمدبن محمد المیم با قافیه‌های مفرقی ومروقی و مطرقی و مستقی وعیره

ار انتحاب اشعار فوق که‌در لباب‌الالباب آمده‌است معلوم می‌شود که بعضی شعرا مخصوصاً بعدازعهد سلجوقی حیلی سعی میکرده‌اند دراشعار خود صنایع و بدایع به‌فراوانی بکار برند وقوافی وردایف مشکلی را برای طبع آزمائی انتحاب میکرده‌اند ولی این قبیل اشعار حز علامت فضل فروشی آنها چیز دیگر نبود . الحق شعر گفتن در آن سبك بسیار مشکل و پر زحمت و ار کندن کوه و آوردن حوی شیر کمتر نبود ولی این اشعار که مملو از صنایع و بدایع لفظی ومعنوی بوده دارای همه‌چیز بود حز روح شعر وردایف بارد و قوافی بی‌مزه آنها از لطف وتازگی شعر میکاسته است

عجب‌تر اینست که عوفی از چنین اشعار بطور اغراق آمیزی تعریف و تمجید کرده است و بعقیده وی بعضی از گویندگان این قبیل اشعار بهتر ازرودکی وعنصری بوده‌اند، چنانکه‌در ذیل رفیع‌الدین مرزبان فارسی‌مینویسد «ولطایف سحن او بساط نظم عنصری و رودکی درنوشته » چنین عقاید، خود آینهٔ ذوق مؤلف وار جمله علل کم بودن اشعار لطیف وشیرین در لباب‌الالباب میباشد

سبك مؤلف بسیار مصنوع است وغالباً بتکرار استعارات سمج وتشبیهات بارد و تسجیعات متکلف وثقیل و جناسات مصنوعی وغیرمطبوع وافراط دراستعمال کلمات و تراکیب مشکل عربی فهم ودرك مطالب برای خواننده حیلی دشوار و پر زحمت شده است و گاهی نثروی بقدری مصنوع است که بعضی عبارات بصورت چیستان درآمده و فهمیدن آن مصداق « کوه کندن وکاه بر آوردن » میباشد

باوصف ایرادات فوق این کتاب ازحیث تاریخی وادبی دارای اهمیت بسیار است

چنانکه میر غلامعلی آزاد بلگرامی در مقدمه «خزانه عامره» می نویسد: «جمیع تذکره نویسان متأخر در تحریر احوال شعرای اقدم القدماء عیال اویند»[1] و در حقیقت اگر لباب الالباب بدست ما نرسیده بود اکثر شعرای متقدم در پرده خفا می رفتند در تذکره دولتشاه که بگمان مؤلف آن اولین تذکره ایست که بفارسی نوشته شده از اغلب شعرای متقدم مخصوصاً معاصرین صفاریه وسامانیه وغزنویه که در لباب الالباب از آنان یاد شده ذکری نرفته است وحتی دولتشاه اسم آنها را هم نشنیده بود وشرح احوال شعرای متقدمی که در تذکره خود آورده است اکثر مشوب به حکایات بی مأخذ و افسانه ها واکاذیب و مجعولات است.

اهمیت اصلی این کتاب در آنست که این قدیم ترین کتابیست منحصراً در ترجمهٔ احوال شعرای فارسی که بدست ما رسیده است و برای آیندگان تنها مأخذ مهم و بمثابه شمع راه بوده است[2]

برای **شرح حال عوفی** رجوع شود بمقدمه جوامع الحکایات چاپ لندن ۱۹۲۹م باهتمام دکتر نظام الدین ومقدمه جوامع الحکایات (بخش اول) چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ش باهتمام و تصحیح آقای دکتر محمد معین ومقدمه منتخب جوامع الحکایات چاپ وزارت فرهنگ ایران ۱۳۲٤ش باهتمام ملك الشعراء بهار ومقدمه لباب الالباب چاپ لندن ۱۹۰۳ و۱۹۰٦م باهتمام دکتر براون و مرحوم علامه محمد قزوینی ومقدمه لباب الالباب چاپ تهران ۱۳۳۵ش با تصحیح و تعلیقات استاد سعید نفیسی

نسخ خطی

۱ ـ اشپرنگر ص۱

۲ـ برلن ص٦۳۷ (ناقص ـ قرن ۱۵ م)

۳ـ لندریا نا ص۱۲٤ ص ۳۰۸ (قرن ۱٦ یا ۱۷م)

۱ ـ ر ك خزانه عامره صفحه ٦

۲ ـ برای بحث مفصل درباره این موضوع رجوع شود به مقدمه کتاب حاضر در ذیل عنوان «اولین تذکره فارسی»

چاپ

حلداول ــ مرتبه‌دکتر براون‌لندن ولیدن ۱۹۰۳م

جلددوم ــ مرتبه‌دکتر براون‌ومیررا محمدقرویبی ــ لندن‌ولیدن۱۹۰۶م

حلــد اول و دوم - با تصحیح و تعلیقــات از استاد سعید نفیسی ــ تهران اسفند ۱۳۳۵ ش

تصحیح لباب‌الالباب

ارمرحوم وحیددستگردی - رجوع‌شود به‌مجله ارمعان ح ۱۱ص۶-۳۳۵ و ٤ - ۶۵۲و۵۲-۷٤۷وجلد ۲۲ص٤-۷٤۳

فهرست اسامی شعرا رحوع شودبه‌اشپرںگر ش ۱ (اما آں فهرست کامل بیست)

تدکر هیچکدام‌ارںسخ سابق‌الدکر کامل بیست‌ودر بعصی موارد افتادگیها هم دارد بی‌محــل ںحواهد بــود اگــر شمه‌ای درباره این افتادگی ها توصیح داده شود

دردیل‌معری عربوی‌درقطعه‌آحر چهاربیت‌باقص‌آمده است وبقول‌استادسعید بفیسی«درحاهای‌دیگر که این‌قطعه‌را آورده‌اند تنها ںنح‌بیتی که‌تمامست‌نقل کرده‌اند وپیداست‌که ںسحه‌ای که‌مؤلفین سلف‌ارلباب‌الالباب دردست‌داشته‌اند‌همین افتادگیها راداشته است »[1]

دردیل‌شعرای ریر اشعارشان‌در ںسح کتاب باقص‌آمده‌است

معری (چهار بیت‌درقطعه آحر چنان که‌درسطور فوق‌دکرشد)وحسروی (سه بیت)وحمیدالدین‌مسعود (یك‌بیت‌آحر) وشهاب‌الدین‌محمودبن‌علی صابع (۲ بیت) و نحیب‌الدین‌ترمدی حطاط (۳رباعی)وصیاءالدین کابلی (یك رباعــی) و محمدکاتب بلحی(۶ بیت)وشاعرشماره ۱۶۸ ح ۲ (٤ بیت)وصیــاءالدین‌سحری (سه‌بیت) همحبین

---

۱ ــ ر ك حاشیه ص۵٤۰ ح ۲لباب‌الالباب مصحح استاد سعید بفیسی

در قصیدهٔ مؤلف که در پایان کتاب ضبط شده ده بیت شعر ناقص آمده است
شرح حال شعرای ذیل در نسخ لباب الالباب ناقص آمده است
شیخ احمد بن محمد المیم و کمال الدین افتخار حاجب و ضیاء الدین محمود کابلی و شعرای ش ۲۶۶ و ۲۶۸ (جلد ۲) و ضیاء الدین سحری
در جلد ۱ باب ۶ در ذیل ش ۴۲ و ۴۳ اسم افراد مذکور در کتاب نیامده است اولش دیوان سلطان خسروشاه و دومین وزیر بهرامشاه بوده است در این مورد نه علامه قزوینی و نه استاد سعید نفیسی در تعلیقات خود هیچ توضیحی نداده اند
اسم و تخلص شعرای ش ۱۶۶ و ۱۶۸ در جلد ۲ کتاب ذکر شده و نیز شرح حال شان (چنان که در سطور فوق گذشت) ناقص آمده است . این مطالب ظاهراً در هیچ نسخه لباب الالباب امروز پیدا نیست استاد سعید نفیسی در این مورد توضیحات بیشتری در تعلیقات لباب الالباب داده اند[1]

۱ . ر ك. تعلیقات استاد سعید نفیسی بر مجلد دوم لباب الالباب ص ۷۶۰–۷۶۵

فصل دوم

تیموریان هند یا بابریان (۹۳۲-۱۲۷۴ه)

قسمت اول

از آغاز سلطنت بابریان (۹۳۲ه) تا پایان سلطنت شاه جهان (۱۰۶۸ه)

ملاحظات عمومی بر فصل دوم (قسمت اول)
(۹۳۲-۱۰۶۸ھ)

اوضاع سیاسی و اجتماعی و ادبی این دوره

ظهیرالدین بابر در ۹۳۲ھ ابراهیم لودی، آخرین پادشاه سلسله لودیان هند، را در جنگ پانی پت شکست داد و سلطنت خاندان لودی را در هندوستان برانداخت و سلطنت بابریان یا تیموریان هند را درهند تأسیس کرد

نسب بابرشاه (۹۳۲-۹۳۷ھ) ازطرف پدر به امیر تیمور و ازطرف مادر به چنگیز خان میرسد و بنابراین وی اصلا ترك بوده به معمول اما بعضی تاریخ نویسان او را اشتباهاً مغول نوشته اند. بعد از شکست دادن ابراهیم لودی بابر بر تمام شمال هند ارسد تا سواحل بنگال دست یافت باوجود اینکه زبان مادری بابر ترکی بود اما وی بفارسی هم شعر میسرود چنانکه اشعاری از وی در تذکره های فارسی ضبط شده است

بعد از بابر شاه پسر وی ناصرالدین همایون (۹۳۷-۹۶۲ھ) جانشین پدر شد اما قبل از اینکه نقشه تسخیر بقیه نواحی شمال هند مانند گجرات و مالوه را عملی سازد در ۹۳۶ ھ بدست شیرشاه سوری سردار افاغنه بنگال شکست خورد و مجبور شد از دهلی فرار کرده ابتدا مدتی در سند و بعد با یران پناهنده شود بعد از پانزده سال بعزم تسخیر ممالك از دست رفته خود بهند مراجعت کرد و بالاخره در ۹۶۱ ھ سلطنت دهلی را مجدداً بدست آورد و سال بعد فوت کرد

باید توجه داشت که بابر و همایون بعلت جنگ و جدالی که در تمام عمر مشغول آن بودند نتوانستند بتربیت و تشویق شعرا وادبا بپردازند و تنها از خود یک شاعر معروف سراغ داریم بنام شیخ جمالی (متوفی ۹۴۲ھ) مؤلف سیر العارفین که در زمان آنها در هندوستان میزیسته است. باگفته نماند که همایون شاه نیز مانند پدرش بفارسی شعر می سروده و اشعار وی در تذکره های فارسی ثبت شده است

بعد از همایون پسروی جلال الدین محمد اکبر شاه (۹۶۲ــ ۱۰۱۴ھ) در سن چهارده سالگی جانشین پدر شد و بیرم خان خانخانان سردار با تدبیر همایون تا ۹۶۸ھ وظایف خود را بعنوان اتالیق (سرپرست) و نایب السلطنه با کمال خوبی انجام داد و بالاخره بامر اکبر شاه که در ۹۶۸ ھ زمام کلیه امور سلطنت را بدست خود گرفت عازم حج شد اما در راه بدست یکی از افغانها کشته شد بعد از بیرم خان پسروی عبدالرحیم خان خانان بجای پدر سپه سالار اکبر شاه شد و تا آخر عمر همین سمت را در دست داشت

باید تذکر داد زبان و ادبیات فارسی از زمان اکبر شاه در سراسر شبه قاره هندوستان رونق گرفت و بعلت تشویق پادشاه و امرای وی مانند عبدالرحیم خانخانان شعر و ادب فارسی در آن سرزمین پهناور فوق العاده ترقی و شیوع پیدا کرد و میتوان گفت در زمان هیچیک از پادشاهان هند و ایران عدهٔ شعرا و نویسندگان فارسی باندازه زمان اکبر شاه نبوده

بیرم خان و عبدالرحیم خانخانان هردو شاعر و ادب پرور بودند چنانکه اشعار هردو آنها در کتب تذکره و تاریخ ذکر شده است عبدالباقی نهاوندی مؤلف مآثر رحیمی در خاتمه کتاب خود ذکر شعرائی را آورده است که بدربار عبدالرحیم خانخانان مربوط بودند. همچنین کتب تاریخ مانند اکبرنامه و دربار اکبری و منتخب التواریخ و تذکره هائی مانند نفایس المآثر و بزم آرای و خلاصه الاشعار وغیره ذکر شعرای زمان اکبر شاه را بتفصیل آورده اند

بعد از اکبر پسروی نورالدین محمد جهانگیر (۱۰۱۴ــ۱۰۳۷ھ) دومین پادشاه سلسله بابریان بود که در زمان وی شعر و ادب فارسی خیلی رونق داشت و شرح مفصل

[illegible]

توسعه ممالك بهمنی مستلزم تقسیم آنها بولایاتی شد و همین تقسیم راه برای تجزیه سلطنت دکن باز کرد چنانکه یوسف عادلشاه در ۸۹۵ه در بیجاپور و احمد بن نظامشاه در ۸۹۶ه در احمدنگر و عمادالملك فتح الله در ۸۹۰ه در برار و قاسم در ۸۹۷ه در بیدرو سلطان قلی قطبشاه در ۹۱۸ه ولایات خود را مستقل اعلام کردند.

سلاطین بهمنی که با ادب و هنر علاقه فراوانی داشتند در دکن بنیان فرهنگ ایران را نهادند و در میان آنها بعضی سلاطین بفارسی شعر میسرودند مانند سلطان محمدشاه دوم بهمنی (۷۸۰–۷۹۹ه) و سلطان فیروزشاه بهمنی (۸۰۰–۸۲۵ه) و سلطان سکندر بهمنی (ظاهراً سلطان محمود شاه بهمنی ۸۸۷–۹۲۴ه)

بعد از سلاطین بهمنی در زمان عادلشاهیان (۸۴۱–۱۰۹۵ه) و قطبشاهیان (۹۲۴–۱۰۹۸ه) بیشرفت فرهنگ و ادبیات فارسی در دکن بکمال رسید. اکثر سلاطین این دو سلسله بفارسی شعر میسرودند و دربارشان مرکز و مجمع فضلا وادبای ایرانی بوده است.

در میان عادلشاهیان اسامی و اشعار یوسف عادلشاه (۸۹۵–۹۱۶ه) و اسمعیل عادلشاه (۹۱۶–۹۴۱ه) و ابراهیم عادلشاه ثانی (۹۸۸–۱۰۳۸ه) و از میان قطبشاهیان اسامی و آثار یارقلی جمشید قطبشاه (۹۵۰–۹۵۷ه) و سلطان محمدقلی قطبشاه (۹۸۸–۱۰۲۰ه) و سلطان محمد قطبشاه (۱۰۲۰–۱۰۳۵ه) در کتب تذکره و تاریخ ذکر شده است

باید توجه داشت که سلاطین عادلشاهی و قطبشاهی اصلا ایرانی و مذهباً شیعه بودند و غالب آنها جای پادشاهان تیموری هند شاهان ایران را بعنوان پادشاه خود میشناختند و همین موضوع یکی از علل اساسی برچیده شدن آنها بدست تیموریان هند بوده است[۱].

۱– برای شرح حال و آثار سلاطین بهمنی و عادلشاهی و قطبشاهی رجوع شود به برهان مآثر تألیف علی بن عزیز الله طباطبائی سال ۱۰۰۰ه و تاریخ فرشته تألیف ۱۰۱۵ه و تذکرة الملوك تألیف میر رفیع الدین ابراهیم شیرازی سال ۱۰۱۷ه و تاریخ سلطان محمد قطبشاه سال ۱۰۲۶ه

بقیه در صفحه بعد

تذکره‌نگاری دراین دوره

این‌دوره‌در تاریخ تذکره‌نویسی دارای‌اهمیت‌فراوانی میباشد‌چون‌در تذکره‌های این دوره نه‌تنها‌ذکر تمام‌شعرای‌زمان تیموریان‌هند‌آمده است بلکه بعضی تذکره هاشعرای‌متقدم‌را هم‌شاملست(رجوع‌شود به‌بزم‌آرای وهفت‌اقلیم و خلاصة‌الشعراء‌و عرفات‌العاشقین‌وخزینه گنج‌الهی) وبنابراین‌تذکره‌های‌این‌دوره نه‌تنها‌در‌تدوین‌شعر فارسی‌درزمان‌تیموریان‌هند مأخذومنبع بسیار مفیدی‌است‌بلکه تاحدی آینه‌تطور و تحول‌شعر‌فارسی اززمان‌قدیم‌تازمان‌تیموریان‌بزرگ هند میباشد .

دراین‌دوره‌دو تذکره‌بسیارمهم ازلحاظ‌انتخاب اشعارشعرا تألیف شده‌است‌بنام بتخانه(خلاصه‌الشعرا) وخلاصة‌الاشعار که‌نویسندگان آن‌دیوان‌شعرای‌بزرگ‌متقدم فارسی‌رادرتذکره‌های‌خود خلاصه‌نموده واکثر اشعارخوب آنانرادر تذکره‌های خود آورده‌اند‌وبنابراین کسیکه‌باشعارخوب شعرای‌متقدم‌علاقمنداست دیگراحتیاج نداشتن‌دیوان آنها ندارد .

همچنین‌دراین‌دوره بعضی‌تذکره‌هاازلحاظ‌شرایط ولوازم‌تذکره‌نگاری‌بسیار مهم بوده‌است‌ازجمله میخانه عبدالنبی وخلاصة الأشعار ازحیث شرح‌حال وانتخاب اشعارو‌بتخانه(خلاصة‌الشعراء)ملاصوفی‌مازندرانی‌را ازحیث‌حسن‌انتخاب‌اشعارشعرا میتوان‌جزو بهترین‌تذکره های‌فارسی‌حساب کرد.

اکثر‌تذکره‌های‌این‌دوره بنام‌یکی ازسلاطین‌هندیاامراء‌وحکام‌یا منسوبین آنها

بقیه در صفحه قبل

(مؤلف؟) وحدیقة‌السلاطین‌تألیف میرزانظام‌الدین‌احمدشیرازی بسال ۱۰۴۵هـ و حدایق‌السلاطین‌تألیف‌علی‌بن‌طیفور بسطامی‌سال۱۰۹۲هـوتاریخ‌قطب‌شاهی‌تألیف‌قادرخان‌منشی‌بیدری سال۱۲۴۵هـ وبساطین‌السلاطین‌تألیف‌میرزاابراهیم زبیری(سال؟) ومحبوب‌الزمن (اردو) تألیف مولوی‌عبدالجبار خان‌ملکاپوری چاپ حیدرآباد سال۱۳۲۰هـ وکلام‌الملوک (اردو) تألیف‌میرسعادت‌علی‌رضوی سال ۱۳۵۷هـ.

تألیف شده است چنانکه روضة السلاطین بنام ابوالفتح شاه حسن ارغون حاکم سند و تته و خواهر العجائب بنام ماهم دایهٔ اکبر شاه و بزم آرای بنام عبدالرحیم خانخانان و خلاصة الاشعار (اول بنام شاه طهماسب صفوی و سپس بنام شاه عباس بزرگ صفوی و در آخر) بنام ابراهیم عادلشاه سلطان بیجاپور و مجمع الشعرای جهانگیری بنام جهانگیر شاه عنوان شده است

تقریباً تمام تذکره های این دوره را کسانی که بهند مهاجرت کرده یعنی از ایران و افغانستان و ترکستان روسی فعلی بهندوستان رفته و آنجا سکونت داشته بودند تألیف نموده اند چنانکه فخری هروی مؤلف روضة السلاطین و جواهر العجائب و علاء الدوله قزوینی مؤلف نفایس المآثر و سید علی بن محمود الحسینی مؤلف بزم آرای و امین احمد رازی مؤلف هفت اقلیم و تقی کاشی مؤلف خلاصة الاشعار و ملا محمد صوفی مازندرانی مؤلف بتخانه (قسمت اشعار خلاصة الشعراء) و مؤلف تذکره خرابات (که ظاهراً از اهل هرات بوده است) و تقی اوحدی مؤلف عرفات العاشقین و عبدالنبی مؤلف میخانه و مطربی سمرقندی مؤلف تاریخ جهانگیری و قاطعی مؤلف مجمع الشعرای جهانگیری و میر عماد حسینی مؤلف خزینه گنج الهی از سرزمین ایران و افغانستان و ترکستان روسی فعلی بهند مهاجرت کرده بودند

درمیان تذکره نویسان فارسی این دوره تنها دو نفر بنام عبداللطیف گجراتی مؤلف خلاصة الشعراء و محمد صادق مؤلف طبقات شاهجهانی از اهالی هند بوده اند

تذکره های ذیل تقریباً تماماً در ذکر شعرای دربار تیموریان هند میباشد نفایس المآثر و تاریخ جهانگیری و مجمع الشعرای جهانگیری و طبقات شاهجهانی

درمیان تذکره های این دوره تنها یک تذکره بنام روضة السلاطین فقط ذکر سلاطینی را آورده است که شعر میسروده اند و تذکره خرابات تنها ذکر شعرای معاصر مؤلف را آورده است

ازمیان تذکره های این دوره تنها میخانه درباره شعرائیست که «ساقی نامه» سروده اند (البته در یک فصل کتاب ذکر بعضی شعرائی را هم آورده است که تا موقع تألیف میخانه ساقی نامه سروده بودند) و بقیه تذکره ها در موقع انتخاب اشعار هیچ نوع

تحصیص بیکی ار اصناف سحن قایل شده‌اند

سبک این دوره

تقریباً تمام تدکره‌های این دوره بزبان ساده بوده و تنها در مقدمه محصوصاً درموقع حمد و نعت و منقبت و مدح پادشاه و امیر یا ممدوحان دیگر مؤلف و همچنین درموقع تعریف شعرا بزبان مصنوع پرداخته‌اند تنها کتابی که در این دوره بسبک مصنوع نوشته شده است بزم آرای است که مؤلف آن تحت نفوذ سبک عوفی قرار گرفته و کتاب خود را بهمان سبک عوفی تألیف کرده است باید توجه داشت که مؤلف بزم آرای اکثر مطالب را عیناً از لباب الالباب عوفی نقل کرده است

اینک بشرح تذکره‌هائیکه در شبه قاره هند و پاکستان در دوره اول تیموریان هند تألیف شده است میپردازیم .

روضة السلاطین

ابتدا

ای کوی تو روضه سلاطین جهان	وی سوی تو دلها همه پیدا و نهان
رویافت بتو کسی که وارست ز خود	یک لطف کن و مرا ز خود باز رهان

سپاس و ستایش بی‌قیاس پروردگاری را که روضه اقبال سلاطین عالم را بریاحین عدل و احسان مزین و معطر گردانیده

شرح حال مولف

اسم مؤلف این تذکره مولانا سلطان محمد متخلص بفخری هروی ابن امیری است اما بعضی در ذکر اسم او اشتباه کرده‌اند در نسخه لطایف نامه[1] متعلق به موزه بریتانیا (رجوع شود به ریوص ۳۶۵) نام مؤلف آن اشتباهاً فخری بن سلطان محمد امیری ذکر شده ولی در نسخه دیگر از همان کتاب که متعلق به کتابخانه شخصی حاجی محمد نخجوانی است این عبارت آمده است که اسم صحیح مؤلف را نشان میدهد «تراب اقدام جرعه

۱- ر ک آثار مؤلف در ص ۹۴ کتاب حاضر

بوشان‌جام‌الفقر فخری‌سلطان‌محمد بن امیری» که‌ظاهراً در این‌عبارت کلمه فخری سهواً یا عمداً برای احتراز از تکرار حذف‌شده‌است[۱]

الهی تحت نام‌فخری مینویسد «سلطان‌محمد امیری‌متخلص به‌فخری یکی از ارباب بودتازمان‌طهماسب‌میزیست ومادح آن‌ملک بوده ومجالس‌النفایس میرعلی شیر ازترکی بفارسی‌ترجمه کرد بعضی تراجم شعرای دوره دوم اضافه کرد. کتاب دیگری بنام «بستان‌خیال» نیز تألیف کرد که مطلع های غزل‌ها از شعرای مختلف زمانش‌دارد».

وجای‌دیگر درذیل‌نام فخری‌میگوید . «فخری‌هروی رفیق‌میرعلی شیر بود بعضی گویند که‌این‌فخری‌همانست که ذکرش گذشت»

و باردرصفحه ۲۶۳ همان کتاب (تذکره‌الهی) عبارت زیر آمده‌است «فخری سلطان محمد پسرامیری‌بود مجالس‌النفائس را ترجمه کرده به لطایف نامه موسوم کرد»

مؤلف خلاصة‌الافکار اسم‌مترجم مجالس النفایس‌را مولانا‌سلطان‌محمدامیری آورده‌است ومیگوید «منجمله آثارمیرعلی‌شیر مجالس‌النفایس‌است که‌اودر زبان ترکی‌نوشت‌مولانا‌محمد سلطان محمد امیری آن‌را بفارسی ترجمه کرد ودر آخر یك‌مجلس‌اضافه‌نمود این کتاب‌شعراءوفضلا اززمان‌شاهرخ‌تازمان شاه‌اسمعیل‌دارد»

شمس‌الدین سامی مؤلف‌قاموس الاعلام‌ترکی راهم‌اشتباه روی‌داده‌است و وی‌فخری‌را باامیری‌خلط کرده وتألیف لطایف نامه و بوستان خیال رابجای‌فخری به‌امیری نسبت داده است چنانکه میگوید

امیری ازشعرای ایران‌بوده‌ودرزمان شاه‌طهماسب صفوی زیسته است منظومه بنام بوستان خیال وچند مثنوی واشعاردیگردارد وهمچنین‌تذکرة‌الشعراء میرعلی

۱ـ ر ك مقدمه‌مصحح‌مجالس‌النفایس(دوترجمه آن‌ازقرن‌دهم) باهتمام‌استادعلی‌اصغر حکمت‌چاپ‌تهران۱۳۲۳ش

شیر نوائی موسوم بمحالس النفایس را ارحعتائی بفارسی ترحمه کرده است [۱].

درهمان کتاب (قاموس الاعلام ترکی) در دیل احوال مولانا فحری بن محمد امیری نیرشرح حال محتصری آمده است که بقرار زیر است [۲] :

«(مولانا فحری بن محمد امیری) ار اهالی هرات بود بعد ار ایفاء مراسم حج درزمان ساه طهماسب حسینی بصوب سد عریمت کرد و مورد الطاف حاکم آنحا عیسی ترکحان (ترحان) واقع گردید در اواحر قرن دهم هحری بدرود ر ندگی گفت. تدکرة الشعرائی بنام «حواهر العحائب» ودو اتر دیگر موسوم به تدکرة النساء [۳] و تحفة الحبیب ار او بیادگار مانده است باشعار او دسترس پیدا نکردم».

در کتاب «لطایف نامه» که مستمل بر ترجمه فارسی مجالس النفایس علی شیر نوائی میباشد فحری اشاراتی نکرده که درمورد احوال زندگی مؤلف مفید وقابل استفاده باسد تنها ار حلال سطور این ترحمه (لطایف نامه) برمیآید که فحری برد حواحه حبیب الله ساوحی وریر حراسان شان ومقامی داشته و آن ترحمه حود را بنظر او میرسانیده است و ار او به «ولی النعمی» تعبیر میکند و بعضی اشعار را در آن کتاب برحسب اوامر او اضافه میکرده است [٤] .

والهٔ داغستانی در تدکره « ریاض الشعراء» مینویسد

«مولانا فحری دررهد و ورع یگانه رمان ودر تصوف نادره دوران است. چند مثنوی درسلك نظم کشیده وارمعاصرین شاه طهماسب معفور ماضی بوده »

در «تاریح معصومی» شرح بسیار محتصری ار وی آمده است ومطالب مهمی درمورد زندگانی او ار آن کتاب بدست نمیآید مؤلف تاریح معصومی مینویسد .

۱ـ ر ك. قاموس الاعلام ح۲ چاپ استامبول

۲ـ ایضاً ح ٥

۳ـ تدکرة النساء تألیف فحری بن امیری همان حواهر العحایب است ولا غیر

٤ـ ر ك ترحمه محالس النفایس مصحح استاد علی اصغر حکمت چاپ تهران ۱۳۲۳ هص ۲۱.

«مولانا فخری هروی مردی خوش طبع و اکابر بوده و شعر نیز میگفته بعضی تصنیفات دارد در صنایع و بدایع وعروض و قوافی»[١]

مؤلف مدتی در دربار شاه حسن ارغون حاکم سندوتته (٩٣٠-٩٦١ه) بوده ودو کتاب خودرا بعنوان صنایع الحسن وروضه السلاطین را بنام وی تألیف کرده است

بقیه احوال زندگی مؤلف بدست نرسیدو معلوم نیست که وی کجا و بچه سالی فوت کرده است

آثار مؤلف

کتب مختلفی که ذکری از فخری هروی آورده اند اسم کتابهای زیر را از جمله آثاروی نوشته اند

١- تحفة الحبیب - اسم این کتاب را مؤلف درمقدمه جواهر العجایب آورده است (رجوع شود به سبب تألیف آن کتاب) این کتاب مجموعه غزلیاتیست که فخری از شعرای مختلف ترتیب داده و بنام حبیب الله ساوجی وزیر ملقب به آصف عنوان کرده است نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه بانکی پور موجوداست (رجوع شود به فهرست کتاب خانه بانکی پور، تکمله اول، ص٢٣٣ س١٩٩٣)

٢- لطایف نامه - ترجمه فارسی تذکره مجالس النفایس علی شیر نوائی که اصلا بزبان ترکی است مؤلف این ترجمه را نیز مانند تحفة الحبیب بنام حبیب الله ساوجی وزیر عنوان کرده است این کتاب با ترجمه دیگر فارسی به اهتمام استاد علی اصغر حکمت در تهران در ١٣٢٣ش چاپ شده است

٣- صنایع الحسن - درصنایع و بدایع است که مؤلف بنام شاه حسن ارغون حاکم سندو تته تألیف کرده است امروز نسخه‌ای از این کتاب موجود نیست

٤- بستان خیال - این کتاب مجموعه ایست ازمطلع غزل‌های شعرای مختلف معاصر مؤلف

٥- جواهر العجایب - تذکره دیگر مؤلف (رجوع شود به جواهر العجایب

---

١ ر ك. تاریخ معصومی ص٢٠٦

در کتاب حاصر)

۶ـ روصة السلاطین ـ تذکره مورد بحث[1].

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بنام ابوالفتح شاه حسن عاری طاهراً شاه حسین ارغون حاکم سندوتته (۹۳۵ـ۹۶۱ه) تألیف کرده است این کتاب مشتملست برذکر بعضی پادشاهانی که شعر سروده اند وحاوی هفت باب است بقرار زیر

باب اول (ص ٤ب) ـ «در بیان وجه تسمیه شعر واحوال بهرام گور وابتدای نظم فارسی واحوال سلطان سنجر ماضی وطغرل بیك سلجوقی که گاهی بنظم التفات میفرموده اند»

باب دوم (ص ۹ الف) ـ «در بیان احوال پادشاهان چغتائی اوزبیك (اوزبك) وسلاطین ایشان که اشعار خوب گفته اند ودرمیان مردم شهرت تام وارد نموده اند»

باب سوم (ص ۱۱ الف) ـ «در بیان احوال پادشاهان چغتائی ازاولاد امجاد امیر تیمور صاحب قران که درسمرقند وخراسان بوده وابیات واشعار نیك فرموده اند و دیوان غزل ترتیب داده اند»

باب چهارم (ص ۲۱ب) ـ «در بیان احوال پادشاهان عراق وروم که نظم گفته اند»

باب پنجم (ص ۲٦ب) ـ «درذکر سلاطین وملوك هندوستان که بنظم میل کرده اند»

باب ششم (ص ۲۸ب) ـ «در بیان احوال امرای عالیشان پادشاه نشان (که) سر اطاعت

۱ـ مؤلف «تاریخ معصومی» کتابی بنام روصة السلاطین بنام یکنفر دیگر آورده است چنانکه

«شاه حسین تکردی [که درضمیمه بکردی تصحیح شده است] درسلك امرای میرزا شاه حسن انتظام داشت بحدت طبع وجودت ذهن ومکارم اخلاق ومحاسن آداب سرآمد فضلای زمان خود بوده اودرفن شعر وتاریخ مهارت کامل داشت وروصة السلاطین ازجمله مصنفات اوست (ر ك استوری ص۷۹٦ ح۱) روصة السلاطین مزبور یا کتابی غیر ازروصة السلاطین هروی است یا به معصومی اشتباه رخ داده است

بهر کس فرو بیاورده اند[1] و ابیات خوب دارند».

باب هفتم ـ «در ذکر جمال حضرت نواب و ختم کتاب» .

در پایان کتاب قصیده ای در مدح شاه حسین مذکور آورده است که مطلعش بقرار زیرا

دلم سرمست جام عشق و عقل کل زبان داش   بگوید بشنود هر دو جز ار توحید پر داش

نسخ خطی

۱ـ برلن ش ٦٤٤

۲ـ بلوشه ح ۲ ش ۱۱٤۲ (قرن ۱۷م) و ش ۱۱٤۲ (اواخر قرن ۱۷م)

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به تذکره الهی و خلاصة الافکار واشپرنگر (ح ۱ ش ۵) و تاریخ معصومی و ریاض الشعراء و قاموس الاعلام ترکی تألیف شمس الدین سامی ج ۲ و ۵ چاپ استامبول و ریو واستوری ح ۱ ص ۷۹٦ و ترجمه مجالس النفایس (لطایف نامه فخری) باهتمام استاد علی اصغر حکمت چاپ تهران ۱۳۲۳ ش، مقدمه مصحح

فهرست اسامی شعرا ـ در هیچ کتاب یا فهرس کتب فارسی کتابخانه ها ذکر نشده است

جواهر العجایب

ابتدا

خود راز خودی بهر تو غایب دیدم   فارغ ز همه غم و مصایب دیدم

کردم نظر و فرش حریم حرمت   چون عرش جواهر عجایب دیدم

جواهر عجایبی که زیور گوش پرده نشینان سراوقات سلطان عقل و هوش تواند بود حمد و ثنای قادریست که دست معمار قدرتش قبه لاجوردی فلک دوار را بدرهای شاهوار انجم ثوابت و سیار مزین و محلی گردانیده[2]

---

۱ ظاهراً بیاورده اند .

۲ اشپرنگر ابتدای این کتاب را بدین قرار آورده است

سخن جا نست و دیگر گفتگو جانان ز من بشنو   اگر هر لحظه جان تازه میخواهی سخن بشنو

اما این محققاً اشتباه است چون بیت فوق در ابتدای «کلمات الشعراء» آمده است نه «جواهر العجایب».

اسم مؤلف این تذکره مولانا سلطان محمد مخلص به فخری هروی است (برای شرح حال او رجوع شود به بحث درباره روضة السلاطین در صفحات قبل).

تبصره بر کتاب

مؤلف در مقدمه مختصر این کتاب در مورد سبب تألیف چنین توضیح داده است که وی در زمان شاه طهماسب حسین صفوی (۹۳۰- ۹۸٤ ه) برای زیارت «حرمین شریفین» رفت (در اینجا در دو بیت از آن پادشاه مدح گفته است) گذرش بملک سند افتاد و آنجا چندی اقامت کرد تا اکبرشاه (۹۶۳ - ۱۰۱٤ه) قدم برسریر همایون نهاد (اینجا مؤلف قصیده‌ای در مدح اکبرشاه آورده است) بخاطر مؤلف رسید که باید هدیه‌ای لایق مجلس آن پادشاه تهیه کند مدتی در این اندیشه بود. آخر شبی مجموعهٔ «تحفة الحبیب»[1] را مطالعه میکرد و «بر اشعار دلپذیر محادیم» میگذشت. ناگاه نظرش بر غزلی از مسماة مهری افتاد که مطلعش بدین قرار است

حل هر نکته که بر پیر خرد مشکل بود　　　آزمودیم بیک جرعه می حاصل بود

«آخر بعد از مشاهده بسیار بدلم چنان تافت و بر خاطرم قرار یافت که جهت انبساط خاطر آن بلقیس نشان (یعنی ماهم دایهٔ اکبرشاه) آنچه از طایفه اناث در لباس نیکو سخن نظم ظاهر شده جمع سازم که بغایت غریب است پس بترتیب این مختصر کوشیده فراهم آوردم چون چنین جواهر لطیف از معادن طبع ایشان محل تعجب بود این نسخه را بس از اتمام «جواهر العجایب» نام کردم».

مؤلف این کتاب را بنام ماهم دایهٔ اکبرشاه که اشاره باسم او در سطور فوق گذشت تألیف نموده است ودر پایان کتاب (ص۲۲) قصیده‌ای در مدح «ماهم» بمطلع زیر آورده

ای شکوه حضرت تاج سرا برا افتخار　　　گشتن از رای تو خسرو خسروان روزگار

ودر بیت زیر اسم ماهم را ذکر کرده است

کامگار بخت و دولت ماهم بلقیس قدر　　　آنکه شد پرورده او را در شاهی بر کنار

[1] ر ك آثار مؤلف در ذیل بحث درباره روضة السلاطین در صفحات قبل

بعقیده اشپرنگر فخری این کتاب را در دربار محمد عیسی خان ترخان (متوفی ــ ۹۷۴ھ) که آنوقت حاکم سند بود نوشته است[1]

این تذکره زنان شاعر است و مشتمل است بر نمونه اشعار و شرح حال بسیار مختصر بیست و سه شاعره که مؤلف در ذکر اسامی آنان هیچ قاعده مخصوص را مراعات نکرده

بروایت اشپرنگر مؤلف این کتاب را بسال ۹۴۷ھ تألیف کرده است و بیت زیر را در اثبات عقیده خود آورده است که بقول او سال تألیف کتاب را میرساند

خود را خور خود بهر تو عایب دیدم　　تاریخ زهمه غم ومصایب دیدم

سپس اشپرنگر مصرع دوم بیت فوق را بدینصورت تغییر داده است «تاریخ همه غم و مصایب دیدم» و گفته که چون از اعداد همه غم (۱۰۹۰) اعداد مصایب را (۱۴۳) منها کنیم عدد ۹۴۷ بدست میآید که سال تألیف این کتاب را میرساند

اما باید توجه داشت که بیت فوق در ابتدای نسخه خطی این کتاب (چنانکه در سطور فوق گذشت) بدینقرار آمده است

خود را از خودی بهر تو غایب دیدم　　فارغ زهمه غم ومصایب دیدم

و چنانکه معلوم است بیت فوق بیت اول رباعی است که این کتاب با آن شروع میشود و بنابراین باحتمال قوی اشپرنگر اشتباهاً کلمه «فارغ» را «تاریخ» خوانده است

درهرحال سال تألیف این کتاب درست معلوم نیست اما چنانکه مؤلف در ذیل مقدمه کتاب توضیح داده است وی این کتاب را بعد از جلوس اکبر شاه (۹۶۳ ھ) تألیف نموده است وظاهراً هنوز مدت زیادی بجلوس اکبر شاه نگذشته بود که فخری دست بتدوین این کتاب زده است

این کتاب با «مهستی» شروع شده با «مسماة بثانی» ختم میشود و تذکره بسیار مختصری است و مشتمل بر بیست و سه صفحه است که طی آن مؤلف بیست و سه شاعره را

۱ــ رك اسپرنگر ج ۱ ص ۵

ذکر نموده است از این جمله دو شاعره بنام مسماة معول خانم و مسماة تردی ترك زبان هستند که مؤلف از آنان شعار ترکی نقل کرده است

در آغاز کتاب مؤلف حکایت بهرام گور و محبوبه وی «دلآرام» و ابتدای «چهار-گانه» را آورده است سپس بعنوان سند سعر گوئی حکایت حضرت رسول و حضرت عایشه را نقل میکند و در ذیل آن بیتی عربی از حضرت عایشه نقل کرده است که وی درحضور حضرت رسول خوانده و حضرت آنرا اصلاح نموده بود سپس یکی از ابیاتی که حضرت فاطمه در موقع وفات رسول انشاد کرده بود آورده است بعد از آن بیتی عربی از زلیخا نقل کرده است که وی برای حضرت یوسف ساخته بود

سپس مؤلف شرح احوال و نمونه اشعار شعرا که اصل موضوع کتاب است

مؤلف در این کتاب غالباً اطلاعات مهمی راجع به زندگانی شاعره‌ها نیاورده و حتی سال ولادت و وفاتشان را نیز ذکر نکرده است تنها از حکایاتی که در ذیل بعضی شاعره‌ها نقل کرده و طی آن نام امرای زمان آنان و غیره اشاره نموده است میتوان زمان آنها را بی تردد الاحتی تعیین عهد اکثر آنان هم از این تذکره مقدور و ممکن نیست

در انتخاب اشعار نیز مؤلف ذوق خوب نشان داده است و طبق ذوق آن وقت از بعضی شاعره‌ها اشعاری مبتذل نقل کرده است مثلا رجوع شود به مسماة مهری و مسماة نجه و مسماة ضعیفی در این تذکره

با وجود اینکه اشعاری که مؤلف از شاعره‌ها آورده است اکثر فاقد عذوبت و لطف میباشد معذلك گاهی در تعریف آنها راه اغراق پیموده و آنان را «بی نظیر» و غیره نوشته است مثلا

در ذیل نام خانزاده مینویسد «در خوش طبعی نظیر نداشت»

مسماة نجه منجمه مینویسد «ظریفه و عارفه و نادره ایام بود خصوصاً در علوم نجوم که مثل او نبود»

سبك انشای مؤلف عالباً مصنوع و پر تکلف است و مؤلف گاهی نثر مسجع هم نوشته‌است

روی‌همرفته «جواهرالعجایب» تذکره‌ای ناچیز و کم ارزشی است چه از حیث انتخاب اشعار شاعره‌ها و چه از حیث شرح حالشان چندان اهمیت ندارد اما باوصف این ایرادات چون این کتاب اسم و اشعار بعضی شاعره‌ها را شامل است که در کتب سابق ذکر نشده‌است نمیتوان بکلی منکر اهمیت آن شد در هر حال این حقیقت غیرقابل تردیداست که مؤلف در تألیف آن کتاب بخودزیاد زحمت نداده و حتی شرح حال بعضی شاعره‌ها را که ظاهراً معاصراو بودند نیز بطور مفصل و مفیدی نیاورده‌است

نسخ خطی

۱ ـ بادلین ش ۳۶۲ ـ ظاهراً خلاصه این تذکره است در ۸ صفحه مورخ ۱۱۸۵ھ

۲ـ بانکی‌پور ج۹ ش۱۰۹۸ »	» در ٤ صفحه مورخ قرن ۱۸ م
۳ـ بوهارس ٤۸۲ (۱) »	» ۱٦ » » » ۱۹ م
٤ـ اشپرنگر ج۱ ص۵	

چاپ

این تذکره بسال ۱۸۷۳م (= ۱۲۹۰ھ) درمطبع نولکشور لکهنو هند بطبع رسیده‌است

برای **فهرست اسامی** رجوع شود به اشپرنگر ج۱ ص۱۱ (فهرست اسامی ۲۳ شاعره)

نفایس المآثر

ابتدا

« بسم‌الله الرحمن الرحیم	مطلع انوار کلام قدیم
زیب دیباجه ام‌الکتاب	زیب‌ده نامه فصل‌الخطاب »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرعلاءالدوله متخلص به‌کامی است که از خانواده معروف علمی وادبی قزوین بوده و صیت‌شهرت این خانواده ازایران تا هندوستان رسیده‌بود اسم پدرش میریحیی بن عبداللطیف السیفی الحسنی[1] قزوینی(متوفی ٩٦٢هـ) است که ازمورخین بزرگ آن‌عهد بود وحافظه‌او اینقدرقوی‌بود که اکثروقایع‌مهم تاریخی اززمان رسول تازمان‌معاصرخود حفظش بود هنگامیکه همایون‌شاه (٩٣٦-٩٦٣هـ)در٩٥٥هـ ازهندوستان فرار کرده بقزوین بامشاهده‌سداریحیی بعضی‌سؤالات‌تاریخی پرسید وازپاسخ گوئی وی که ارتجالا وبداهة‌داده‌چنان‌خوشحال‌شد که گفت یکی ازفوایدمسافرت من بعراق (عجم) ملاقات بایحیی میباشد[2]

یحیی ازحیث‌مورخ‌خیلی‌شهرت‌ومعروفیت‌داشت حیرتی‌ازشعرای‌معاصر وی دراین‌باره میگوید

قصه تاریخ از او باید شنید

کس در این تاریخ مثل او ندید

غیراز رسایل مختلف یحیی تاریخی بنام «لب التواریخ»[3] نوشته است این کتاب را وی بفرمایش ابوالفتح بهرام‌میرزا (متوفی ٩٥٦هـ)تألیف‌نمود تاریخ‌مذکور حاوی وقایعی از زمان قدیم تاسال ٩٤٨ هـ میباشد (که ظاهراً سال تألیف این کتاب است)

یحیی شاعرهم بود و علاءالدوله بیتی چند درنفایس المآثر ازوی نقل کرده

دراوایل‌یحیی مورداحترام شاه‌طهماسب‌صفوی (٩٣٠-٩٨٤هـ) بوده‌وشاه‌مزبور

١- استوری‌درجلد١ص٨٠٠ حسینی‌نوشته است

٢- ر ک نفایس‌المآثر نسخه علیگره برگ ٣٢٥ الف .

٣- برای نسخ خطی‌این‌کتاب ر ک استوری ج ١ص ١١١

وی‌را (یحیی معصوم) میگفت ولی بعداً در آخر عمرستاره یحیی برگشت وویرا بامر شاه‌طهماسب دستگیر کرده باصفهان بردند و وی در آنجا درزندان بسال۹۶۲ هـ در گذشت[1]

استوری مینویسد[2] که موقعیکه شاه طهماسب حکم دستگیری میریحیی و خانواده‌اش‌را بسال ۹۶۰ هـ بعلت سنی بودن آنها بآذربایجان فرستاد علاءالدوله که بروایت بداونی[3] درآن وقت در آذربایجان بودبپدرش خبر کرد ولی بدرنتوانست فرار کند ودستگیرشده‌درزندان‌جان‌سپرد اما میرعبداللطیف برادرعلاءالدوله‌موفق شد بکوههای گیلان فرار کند همایون پادشاه هندوستان اورا بهندوستان دعوت کرد ووی عازم‌هندوستان شد ولی بعدازفوت همایون درسال‌اول سلطنت اکبرشاه (۹۶۳هـ)[4] بهندرسید بروایت بداونی عبداللطیف از ایران فرار کرده در دربار همایون‌شاه راه جست وهمایون اورا اتالیق (استاد وسرپرست) ولیعهدخود اکبر منصوب کرد وی‌بسال ۹۸۱هـ در هندوستان فوت کرد[5]

میریحیی بدرمؤلف‌طاهر‌ اسه پسرداشت بنام‌میرعبداللطیف وقاضی‌صفی‌الدین‌عیسی ومیرعلاالدوله ازاین‌جمله‌ذکرعبداللطیف[6] درسطور فوق گذشت قاضی‌صفی‌الدین عیسی برادردوم علاءالدوله که درسن ازوی بزرگتر بود مانند پدر خودعالم وشاعر بودودرسال۹۷۶هـ واردهندوستان گشته ودرخانواده شاهی‌سمت منشی گری‌راداشت و

1- ر ك نفایس‌المآثر نسخه علیگره برگ۲۱۱ ب - درنسخه رامپور سال‌وفات‌وی ۹۷۲هـ ذکرشده است

2- مآخذ استوری برای‌این‌روایت (چنانکه خودش ذکر کرده است) اکبرنامه ج۲ ص ۳۵ و بداونی‌ج۱ص ۳۰ میباشد

3- ر ك بداونی ج۳ص۹۸

4- ر ك بداونی ج ۳ص۹۸ بداونی اینجا مینویسد «پادشاه‌پیش‌ایشان‌سبقی‌چند ازدیوان‌خواجه‌وغیرآن خوانده‌اند» نیزدرمآثرالامرا ج ۳ ص۸۱٤ عبارت‌زیردراین‌باره آمده‌است «درسال دوم بمعلمی عرش‌آشیانی افتخاراندوخت»

5- ر ك نفایس المآثر برگ۲۲۲الف

6- برای عبداللطیف.ر ك بداونی ج۳ص۸ - ۹۷ وآئین‌اکبری وتزك جهانگیری و مآثرالامرا ج۳ص۵ - ۸۱۳و رحمن علی ص۱۳۲وغیره

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

علاءالدوله بامدهب اسلام علاقه ریادی داشت ودر تدکره خوددرمواردی بسیار اشاراتی بآیات قرآن واحادیث رسول آورده اسب همچین دوق عرفان وتصوف هم داشت وهمیشه درتدکره خوداسم صوفیه را بااحترام میآورد

علاءالدوله شعرهم میسروده است ولی چنانکه ازاشعارش که دراین تدکره آورده است پیداست دراین فن چندان مهارت ومعروفیت نداشته است معدلك قطعه های تاریخ که وی سروده است ار حیث تاریخ خالی ار اررش و اهمیت نیست چون اغاب این قطعه هادرتاریخ تولد یاوفات بعضی ارمعاصرین وی یا بعضی وقایع مهم رمان وی بوده اسب

سال وفات مؤلف معلوم نیست ولی درموقع تألیف منتخب التواریخ (۱۰۰٤ه) هنور درقیدحیات بود

آثار مؤلف

علاءالدوله ارآثار خود اسم کتابهای ریررادر نفایس المآثر آورده است

۱ـ صحیفةالارقام ـ رساله ای درفن خطاطی

۲ـ رساله ای در صنایع شعر

۳ـ بعضی رسایلی که مؤلف درذیل نام صوفی کشمیری بآن اشاره نموده است ولی شرح آن معلوم نیست وفهرست یا نسخ این رسایل درهیچ کتابخانه موجود نیست

٤ـ نفایس المآثر ـ تدکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

برای پی بردن باررش این تدکره باید به نکات ریر توجه داشت

۱ـ علاءالدوله برادرعبداللطیف قزوینی استاد اکبرشاه بود وبنابراین ظاهراً دردربارشاهی خیلی نفوذداشت وبااکثر شعرای دربارشخصاً آشنائی داشت لذا اطلاعاتی که وی راجع بشعرای معاصرخوددراین تدکره آورده است خیلی مهم وباارزش ومورد اعتمادواعتباراست

۲ـ قسمت آخراین تدکره مشتمل است بروقایع تاریخی عهد بابروهمایون و

اکبر پادشاهان تیموری هند در این قسمت وقایعی که مربوط بعهد اکبرشاه است حیلی اهمیت وارزش دارد چون اکثر این وقایع را مؤلف با چشم خود دیده یا از اشخاص معتبر وموثق آن عهد شنیده بود

۳ـ هیچ کتاب دیگر باندازه نفایس المآثر شرح حال شعرای زمان اکبرشاه را نیاورده است ملاعبدالقادر بداونی قسمت شعرای عهد اکبری را در جلد سوم «منتخب التواریخ» از همین تذکره نقل کرده است [1] وبعقیده مستشرقین تاریخ مزبور معدن اطلاعاتی است درباره شعرا ومشاهیر عهد اکبری

۴ـ مؤلف در این کتاب اشعار وشرح حال اکثر اشخاص را از طبقات مختلف مردم از قبیل سلاطین وامرا و فضلا وشعرا که در عهد بابرشاه تا عهد اکبرشاه بفارسی شعر میسرودند در این کتاب نقل کرده است

۵ـ ضمناً این کتاب شرح حال وآثار بعضی شعرای بعید العهد مانند مسعود سعد سلمان وخسرو وظهیر فاریابی وجامی وغیره را بردارد بعضی از آنها را بهمان اندازه در این تذکره ذکر نموده است ولی درمورد بعضی دیگر نتایج تحقیق خود را در این کتاب شرح داده است

۶ـ برای ادراك ذوق ادبی وعلمی خاندان تیموری هند وامرای دربار آنها از زمان بابر تا زمان اکبر هیچ مأخذی بهتر ومفصل تر از این کتاب وجود ندارد

۷ـ درمورد شعرای متقدم غیر از تذکره های دولتشاهی وعلیشیر نوائی وغیره از کتب تاریخ وجغرافی نیز استفاده نموده است ودر ذیل شرح حال شعرا گاهی اطلاعات مفید جغرافیائی نیز بهم رسانیده است

۱ـ بداونی در ج ۳ «منتخب التواریخ» درقسمت شعرا عنوان زیر را آورده است «ذکر شعرای عصر اکبرشاهی درنفایس المآثر مذکوراند که مأخذ این عجاله است ومشهور به تذکره میرعلاءالدوله است» ولی بسیاری از این شعرا را اشپرنگر در فهرست اسامی این تذکره درذیل نفایس المآثر ذکر نکرده است واز این معلوم میشود که نسخه بداونی موخرتر یا مفصل تر از نسخه اسپرنگر بوده است

این تذکره مشتمل است بر شرح حال و آثار سیصد و پنجاه شاعر بترتیب الفبائی از روی حرف اول اسم یا تخلص آنها اکثر این شعرا در زمان اکبرشاه درهندوستان میزیسته‌اند.

چنانکه مؤلف دیباچه دراین کتاب توضیح داده است اسم آن «نفایس المآثر» سال تألیف آن (۹۸۳ه) را میرساند ولی از قطعه‌ایکه در آخر کتاب آورده است معلوم میشود که سال ۹۷۳ه سال آغاز تألیف این تذکره و سال ۹۷۹ که آن قطعه متضمن آن تاریخ میباشد سال اتمام این کتابست اومر عبارت «تحت علی بدیه» = ۹۷۹ بطور تاریخ اتمام این کتاب ذکر نموده است[1]

علاوه براین مؤلف درمتن کتاب بعضی مطالب را آورده است که بسال‌های ۹۷۹ ه تعلق دارد همچنین قسمت تاریخی این کتاب درسال ۹۸۲ تمام میشود ور گردآورندهٔ فهرست موزه بریتانیا عقیده دارد همین سال اتمام این تذکره است[2] اما درمتن این کتاب بعضی شواهدی وجود دارد که از آن میتوان استنباط نمود که باوجود اینکه تألیف اصل این کتاب سال ۹۸۲ه تمام شده بود ولی مؤلف تا سال ۹۹۸ه دراین کتاب اضافه نموده است چنانکه از وقایع زیر که دراین کتاب ذکر شده است معلوم وظاهر میگردد

(۱) درسنه ۹۹۸ه عتابی درقلعه گوالیار زندانی شد

(۲) درمحرم ۹۹۸ه سیدعلی عحکی یکی از خوانندههای دربار شاهی فوت کرد

نسخه خطی این تذکره که درعلیگره موجود است مشتمل بر قسمت‌های زیر میباشد

(۱) **مطلع** که حاوی مطالب زیر است

الف ـ حمد و نعت

ب ـ بحث مفصل درباره قدامت شعر و فضیلت آن به نثر

ج ـ سبب تألیف کتاب

د ـ تعریف اکبرشاه

۱ـ ر ک اومر ص ۳ تن ۳

۲ـ ر ک ریو ج ۲ ص ۱۰۲۲ ب

ه ـ بحث درباره اصناف سخن

(۲) **احوال شعرا** ـ دراین قسمت شرح حال و آثار شعرای معاصر و قریب العهد و بعضی بعید العهد را آورده است و در ذیل اکثر شعرا در ضمن شرح حالشان اشاره باشعار و اطلاعات جغرافیی و تاریخی در مورد وطن و زمان نشان کرده است

(۳) **مطالب** ـ این قسمت مشتمل بر وقایع تاریخی است بترتیب زیر

الف ـ شرح حال بابر شاه (۸۹۹-۹۳۷ه) و اشعار منتخب وی و وقایع تاریخی عهد او

ب ـ » همایون شاه (۹۳٦-۹٦۳ه) » » » »

ج ـ » اکبر شاه (۹٦۳-۱۰۱٤ه) » » » »

مؤلف در قسمت آخر این کتاب ذکری از خوانندگان معروف در باری نیز آورده است

اما نسخه مونیخ(۱) شامل قسمتهای زیر میباشد

۱ ـ **مطلع** ـ مشتمل بر دو مصرع بدین ترتیب

مصرع اول «در کیفیات صدور شعر»

مصرع دوم «در تعریف و تقسیم شعر»

۲ ـ شرح حال و اشعار تقریباً ۳۵۰ شاعر مخصوصاً از قرن دهم هجری بترتیب الفبا در بیست و هشت «**بیت**» (هر بیتی مخصوص برای یک حرف الفبائی)

۳ ـ یك قطعه راجع بتاریخ گجرات از ۹۸۰ تا ۹۸۵ه

٤ ـ **مقطع** که مشتمل است بر تاریخ عهد بابر و همایون و اکبر در سه «مطلب»[۲]

این تذکره (قسمت شعرا) با «آشوب نطنزی» شروع شده با «یوسفی نرشادی (نصرآبادی)» تمام میشود

علاءالدوله طبعاً آدم سخت گیری بوده است و در این کتاب سعی نموده است در گفته‌های هیچکس ایرادی نگیرد و بر روش هیچکس انتقادی نکند و بهمین علت

---

۱ ـ ر ك فهرست کتابخانه مونیخ ص ۳ ش ۳

۲ ـ باید اذعان کرد که «مطلع و مصرع و بیت و قطعه و مقطع و مطالب» هریك در این تذکره بمعنی قسمت و باب است نه معنی اصطلاحی آن و اسم گذاری ابواب کتاب بدین طریق و طرز «متکرانه و شاعرانه» بمنظور تسهیل در تفریق ابواب و تقسیم کتاب بوده است

بداونی بر طرز روش وی انتقاد کرده است[1]

نسخ خطی

۱ـ کتابخانه دانشگاه علیگره (ذخیره سبحان‌الله) ـ نسخهٔ کاملی است مورخ ۱۰ ربیع‌الاول سنه ۱۰۸۵ هـ . بعضی اوراق آن کرم خورده و آب رسیده است

۲ـ کتابخانه رامپور ـ نسخه ناقص‌الاخر است ولی قسمت تاریخی آن کامل است و مانند نسخه موزه بریتانیا است

۳ـ موزه بریتانیا ـ این نسخه که مورخ قریب ۱۸۶۰ م است تنها ۹۵ برگ این کتاب دارد که مشتمل بر مقدمه و فهرست مضامین و خاتمه و قسمت تاریخی تا جمادی الثانی ۹۸۶ هـ از عهد اکبرشاه و شرح حال نامربوط و پریشان بعضی شعرا است (رجوع شود به ریوج ۳ ص ۱۰۲۲ الف)

٤ـ فهرست نسخ خطی ازبکستان شرقی ـ نسخه‌ای ناقص دارد که ظاهراً در سده نوزدهم استنساخ شده است

۵ـ اوم فهرست کتابخانه مونیخ ـ ۳۳۵ برگ و صفحه‌ای ۱۷ سطر دارد مورخ ۹۸۹ هـ (رجوع شود به اوم فهرست مونیخ ص ۳ س ۳)

۶ـ کتابخانه دانشگاه لاهور ـ ذخیره مرحوم پروفسور سراج‌الدین آذر ـ بعضی اقتباسات از این نسخه پروفسور محمد شفیع در اورینتل کالج مگزین لاهور چاپ کرده است

۷ـ کتابخانه موتی محل لکهنو ـ نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه شاهی اود بود و اشپرنگر شرح آنرا در فهرست خود آورده است (رجوع شود به اشپرنگر ص ۱۰)

۸ـ راس ـ براون ص ۲٤۷ (۲) مورخ قریب ۱۸۶۲ م

۹ـ زخاتشک ص ۱۶۹ ش ۱٤۷

۱ـ ر ک بداونی ج ۳ صفحات ۲۳۷۷ و ۲۷۳ و ۲۷۸

مجمع الفضلا

ابتدا

«سپاس بیعایب وستایش بی‌نهایت آفریدگاری‌را حل حلاله و عم‌نواله که ار کمالات موحودات در دریای وحود شحصی اسانی سفینه‌پردفیه پرداحت»

شرح حال مؤلف *

مولف این‌تدکره محمد عارف‌بقائی [1] است. وی بقول حودش در بحارا بدنیا آمد و ارشاگردان ملامشفقی بحارائی [2] بود ومدتی درماوراءالنهر درملازمت سلاطین ار بکیه بسر برد [3] وی سال ۹۷۹ه وارد هندوستان گردید و چندی درولایت اوریسه و بنگاله گدرانید سپس بدارالحلافه آگره رفته آنجا تدکره خودبنام «عارف الآثار» را تألیف کرد و بعد ارآن بدکن روی آورد و آنجا درحدمت عبدالرحیم حانحانان بسر برد ومدتی باملك قمی بود وی با «انشاء وشعروحط» آشنائی‌داشت ودرزمان اقامت حود در دکن مثنوی «گلشن اشعار»را بورن‌شاهنامه درمدح عبدالرحیم حانحانان سروده است [4]

سپس بقائی‌بگجرات رفت وآنجا بامیرزا نظام‌الدین احمد [5] (مولف طبقات اکبری) بسر برد وی دراول مشغولی تحلص میکرد ولی به‌پیشنهاد میرزای مربور تحلص بقائی‌را احتیار کرد

۱ـ مؤلف مآثررحیمی «حواجه عارف‌بقائی» نوشته است رجوع شود به‌مآثررحیمی حلد سوم حاتمه ـ قسم دوم دراحوال شعرا ش۹۵.

۲ـ برای شرح حال مشفقی بحاری رجوع شود به «مجمع الفضلا» شاعر اول در فرقه سوم

۳ـ بقائی این اطلاعات راجع بزندگانی حود را بروایت مولف مآثر رحیمی در تدکره«عارف‌الاثار»دکر نموده است.

۴ـ ر ك مآثررحیمی ج۳ قسم دوم ش۹۵

۵ـ برای شرح حال نظام‌الدین احمد ر ك به مآثرالامراء جلد۱ صفحه ۶۶۰ـ۶۶۴

نقائی درزمان تألیف منتخب‌التواریخ بداونی ملازمت خانخانان‌را ترک گفته به آگره رفت [۱] این‌واقعه ظاهراً قبل از تألیف «مجمع‌الفضلا» صورت گرفته است چون از قرائن معلوم‌میشود که وی درموقع تألیف این کتاب به خدمت خانخانان مربوط بوده است [۲]

بقیه احوال زندگی نقائی بدست‌نیامد ومعلوم نیست که وی درچه سالی‌فوت کرده است [۳] اما وی تاتألیف مآثررحیمی (۱۰۲۵ه) در قید حیات بوده چنانکه ذکر اودرآن تاریخ درجلد سوم خاتمه‌آمده است

تبصره براین‌کتاب

مؤلف چنانکه خودش در مقدمه توضیح داده است تالیف این کتاب را در ۹۹۶ه در اندگان (اندجان) آغاز و درسنه ۱۰۰۰ه در قصبه ورنر نور [۴] بپایان رسانیده است

در مورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه مینویسد « در زمانیکه (مؤلف) به‌تتبع

۱ـ ر ک منتخب‌التواریخ بداونی ج۳ص۱۹۶

۲ـ بداونی درمنتخب‌التواریخ ج۳ ص۱۹۶ درپایان شرح‌حال نقائی اضافه میکند « و اکنون از ملازمت خانخانان جدا شده میگویند که درآگره آمد وقصد لاهور دارد » منتخب‌التواریخ درسال۱۰۰٤ه بپایان رسیده است اما ظاهراً بداونی این‌قسمت شرح‌حال نقائی‌را قبل‌ازسال۱۰۰۰ه نوشته‌است چنانکه بسیاری ازقسمت‌های دیگرآن‌کتاب‌را نیزقبل از۱۰۰۰ه نوشته است

۳ـ نیز درجلد۳ ص۱۰۸٦ب مینویسدکه نقائی در زمان جهانگیرفوت‌کرده است

٤ـ در هندوستان درآن زمان دومحل بنام ورنرپور وجود داشت یکی در سرکار بارنک‌آباد در صوبه (استان) بنگاله و دیگری در سرکارآگره و صوبه‌آگره بوده است (رجوع شود به‌آئین اکبری ج۲چاپ نولکشورلکهنو ص ۵۹ ستون۲ وص ۸٦ ستون ۲) اما باحتمال قوی منظورمحل اخیرالذکراست چون مولف درموقع تالیف این کتاب درآگره بود

اسعار بعضی ار فصلا وشعرا توجه میمود ابیات متبرکـه ایشانرا مع احوالات و کیفیات درقلم آورده اسامی آنها که درمیان مردم مشهور و در کتب تواریخ مسطور بود احتیارمیمود که حمله فاصل رورگار بودند و هریك در برد حواقین معظم و سلاطین مکرم وامرای عالیهم بردیك ومحترم بودند و بعضی کـه احوال ایشان طاهر وهویدا بود ار دیده و شیده مرقوم فی کتب و بعد ارحمع کردن آن بحاطر این فقیرحقیر حان رسید که علی الترتیب به بیاض برده و درتحریر آورد واحوال و کیفیات و لطایف ایسان را گاهی تفصیلا و گاهی احمالا بیان گرداند بنا براین حرأت بموده بندی ار مسودات بیحاصل وشطری ار مرقومات باطل که املای آن اتفاق افتاده بود درتحریر آورد »

مولف این کتاب را بنام بواب ابو الفتح سلطان اسفندیار بن سلطان حسرو بن سلطان یارمحمد بن سلطان حانی بیگ [1] عنوان کرده است [2]

---

(۱) شرح حال ابوالفتح سلطان اسفندیار ارهیچ مأحذی بدست نیامد درشجره نامه امرای شیبانی که در «طبقات سلاطین اسلام» تألیف استانلی لین پول وترحمه مرحوم عباس اقبال درصفحه ۲۴٤ بنام «حانی بیگ» برمیحوریم اما چنانکه ارآن شجره نامه پیداست وی «سلطان» نبوده و بهدراولاد اوکسی بنام «یارمحمد» نبوده است همچنین درذیل اسامی «شعبه امرای بخارا» درهمان کتاب درصفحه ۲۴۳ اسم یارمحمد که در۹۵۷ ه حلوس کردودرذیل اسامی «شعبه امرای سمرقند» اسم حسروسلطان که در ۹٦۸ ه حلوس کرد بچشم میحورد اما معلوم نیست که اینها باهم چه نسبتی داشته اند در هرحال اسم ابوالفتح سلطان اسفندیار نه در شجره نامهها و نه در فهرست امرای ماوراء النهر ذکر نشده است و تنها اسم يك نفر «اسفندیار» که در ۱۰۳۲ ه حلوس کرده است درفهرست اسامی حانان حیوه سابق الذکر درصفحه ۲۵۰ ذکر شده است که بعللی چند نمیتواند ازاولاد امرای بخارا وسمرقند باشد ارحمله اینکه حانان حیوه غالباً باامرای بخارا درجنگ بودند (رجوع شود به طبقات سلاطین اسلام ص ۲٤۹) درهرحال هویت کامل ابوالفتح اسفندیارمزبورمعلوم نشد اما باحتمال قوی وی ار امرایااولادامرای بخارا ونواحی دیگرماوراءالنهر بوده است چون خودعارف بقائی اصلا اهل آن نواحی بوده واین تذکره را در۹۹٦ ه در«اندجان» شروع کرده است

۲ـ مؤلف مآثر رحیمی مینویسد « وتصنیف دیگر که مجمع الفضلا نام کرده وآن بر مبنی بر مدح این نامدار است » امامولف درمقدمه کتاب آنرا صریحاً بنام «سلطان ابوالفتح اسفندیار» عنوان کرده است

این کتاب مستملست برمقدمه و سه «ورقه» و خاتمه حـاوی ذکر [1] ساعر میباشد که ذکر این‌سعرا درهرفرقه بترتیب زمان آمده‌است مؤلف درمقدمه بعداز حمد و بعت وم مس صحابه وحضرت امام‌حسین مختصراً ذکرفصحای عرب‌را آورده است سپس درسه «فرقه» وخاتمه‌مطالب زیررا ذکر نموده است

فرقه اولــ «دراحوال و کیفیات فضلا وشعرا که‌ازابتدای‌ظهور استادرودکی تازمان‌ظهورخامی کوس ساعری زده‌اند» میباسدوبا«ابوالحسن رودکی» سروع‌شده با«مولانا محمودبرسه» تمام‌میسود ومشتملست بر ذکر۱۳۰ ساعر

فرقه دوم ــ در ذکر احوال سعرای‌زمان مولانا جامی و فضلای آن روز گار تازمان‌مولانا مشفقی و با«مولانا نورالدین‌جامی»سروع‌سده با«مولاناساعدی»تمام میسود ومسملست بر ذکر احوال۱۲۰ساعر

فرقه‌سومــ«دردکرواوصاف مولوی مسفقی واحوال ومقامات‌اکابر که‌الیوم بوستان‌خرد بزیور فضل وبلاغت ایشان آراسته» است میباسد وبا «مولانا مشفقی» سروع‌سده‌با « [2] » تمام‌میسود ومسملست بر ذکر [3] ساعر

خاتمه ــ« درذکر وبیان مجانین ودیوانگان جنون‌آئین وهزال‌ومسخره‌ها و اهل خبط و طلبه که بسبب علبه جفاف و قصور فطرت از فواید علمی بی بهره مانده‌اند ومباحثات ایشان ومسعرات‌ناموزون وم تطمان اوزون‌بزون ولطایف کور وکران ونقلیات سیرین واعلاط عام وامثال آنها »

سرح‌حال ونمونه‌اشعار شعرای زیررامفصل آورده است **فرقه‌اول** فردوسی طوسی و خواجه ابوالعلا گنجوی وسعدی سیرازی و ساه‌قاسم‌انوار **فرقه‌دوم** مولانا جامی (در۹ ص) وظهیرالدین محمدبابر وناصرالدین محمدهمایون وساه‌بیگ‌خان

۱ــ نسخه دانشگاه‌لاهور که مورد استفاده نگارنده این کتاب قرارگرفته است‌ناقص‌الآخرمیباسد وباذکر «یمانی» درورقه سوم‌تمام‌میشود وذکرتنها ۴۱۰ساعررادارد

۲ــ ر ك حاشیه اوىق

۳ــ ورقه‌سوم درنسخه دانشگاه لاهور ذکر۱۴۰ساعررا دارد .

وعليشير (نوائی) وخواجه آصفجاهی آصفی ودیوانه حسامی و بابافغانی ومولانا هاتفی وفخرالدین علی و ثنائی ورضائی ومولانا حیدر واهلی شیرازی ومیرم سیاه (؟) وخواجه ابوالبرکه وامیدی تهرانی وهلالی استرآبادی و خواجه ایوب و خواجه هاشمی و مولانا کوکبی وخواجه حسن شاه شاعر وعزالی مشهدی وواصفی وزیرکی ورحمی و آگهی و شهودی وواصلی **فرقه سوم** مشفقی ومیرزا قاسم (در ۷ صفحه) وقدسی و نویدی ودرویش بهرام ومیرزا ابراهیم واشترلب و محمد شریف وعالم کابلی و حافظ سلطان علی (درصفحه ۵) وخواجه حسن ودیوانه محتشی و بیرام خان و مولانا رعدی وملک قمی وسعید خواری ومیرزا قاسم وحافظ ابراهیم ومحمد رحیم (عبدالرحیم) خانخانان وفیضی و جعفر آصفخان وشکیبی و نوعی وعرفی وثنائی .

شرح حال فضلا وشعرای زیر را مفصل ولی نمونه اشعارشان رامختصر آورده است .

فرقه دوم سلطان حسین بهادر وشاهزاده بدیع الزمان وفریدون حسین میرزا ومحمد مؤمن میرزا وشاه اسمعیل وخواجه عبدالله مروارید وامیرحسین وعمادفضل اله **فرقه سوم** مظفرسلطان ومیربدیع ومیرزاقاسم ترخان

سبک انشای مؤلف ساده است اما درمقدمه ودرموقع تعریف شعرا گاهی نثر مصنوع پرداخته است وقبل از اسم بعضی شعرا القاب توصیفی آورده است که گاهی بااسم یا تخلص شاعر تناسب دارد مانند افصح الفصحا امیر معزی ومقبول الملوک نظامی عروضی (عروضی) سمرقندی وفصیح البیان فصیح جرجانی و بکر دوفنون مولانا جنونی وطوطی گلستان شیرین مقالی مولانا هلالی

سالها را بالفاظ عربی آورده و گاهی بعضی عبارات عربی را بکار برده است مانند «وکان ذلك فی شهور سنه ثمان وتسعین وتسعمایه» (عرفی)

نسخه خطی این تذکره

نسخه منحصر بفرد این تذکره درداشتگاه لاهور موجود است . این نسخه

ناقص‌الآخراست وباد کریمایی درفرقه‌سوم تمام‌میشود ۱

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به‌مآثر رحیمی ج ۳ خاتمه قسم دوم دراحوال‌شعرا ش۷۵ومنتخب‌التواریخ بداونی ج۳ ص۱۷٦ وشمع انجمن ص ۸۱(که تمام‌مطالب رااز منتخب‌التواریخ بداونی اقتباس کرده است) و طبقات شاهجهانی و بلاند ص ١٦٦ وریوح ۳ص۱۰۸٦ ب

فهرست اسامی شعرا - درهیچ کتاب ذکر نشده است .

تذکر -اسم‌این‌تذکره درفهرست‌استوری‌ذکر نشده و وی‌از وجوداین کتاب اطلاع نداشته است

بزم آرای

ابتدا -« شکروسپاس وستایش بیقیاس‌وحمد وبیحدوثنای بیعد مرقادرحکیم‌و صانع‌قدیم را که‌لباس‌هستی درسرموجودات بالاوپستی‌افکند».

مؤلف-اسم مؤلف سیدعلی‌بن محمود الحسینی‌است .

تبصره بر کتاب

مؤلف‌این کتاب راسال‌یکهزار(۱۰۰۰هـ) بنام‌مربی‌خود‌عبدالرحیم‌خانخان‌بن بیرم‌خان تألیف‌نموده است در خاتمه این کتاب عبارت زیر آمده است

«اتمام واختتام این‌مجموعه که مسمی بتذکرةالشعراست وقتی‌اتفاق‌افتاد که تاریخ‌هجری بهزار رسیده‌بود»

اکثرمطالب‌این‌تذکره ازلباب‌الالباب‌عوفی عیناً نقل‌شده‌است اماچون بعضی مطالب را مؤلف بدان‌اضافه نموده است بنابراین میتوان این را تذکره مستقلی قلمداد کرد

البته این تذکره عالباً فاقد اهمیت تاریخی‌است چون دراکثر موارد در ذیل شرح حال‌شعرا که غالباً مختصر است سالها رادکر نکرده‌است‌واکثرمطالب‌را به‌نثر مصنوع نوشته است

این کتاب مشتمل‌است برمقدمه‌وهفت‌فصل‌وخاتمه(اما نسخه‌ری‌مقدمه‌ندارد).

۱- آقای‌عبدالحی حبیبی دانشمندفاضل معاصرافغانی نسخه‌ای از روی‌این نسخه برای کتابخانه‌شخصی‌خوداستنساخ‌واز‌روی‌آن نسخه‌، نسخه‌دیگر برای‌استادسعیدنفیسی تهیه کرده‌اند

درمقدمه مؤلف تنها تذکره دولتشاه وسام میرزا را ذکر نموده است وبا کمال بی انصافی وبیشرمی اسم لباب الالباب را که اکثر مطالب این کتاب را از آن نقل نموده است اصلا نبرده است. وی تعریف جلال الدین اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ هـ) را بعنوان پادشاه عصر کرده و این کتاب را بنام عبدالرحیم خانخان مزبور عنوان کرده است

هفت فصل کتاب بدینقرار است

فصل اول ـ درحسن شعر

فصل دوم ـ درمعنی شعر

فصل سوم ـ درآغاز شعر .

فصل چهارم ـ دراول کسیکه شعر فارسی گفت

فصل پنجم ـ درذکرملوك وسلاطین که شعرسروده اند ازسامانیان شروع شده باملك اختیارالدین شیبانی معاصرسلطان سنجر تمام میشود

فصل ششم ـ درذکر وزرا وصدور واعاظم دیگر که شعر میسروده اند باابوالقاسم احمدبن الحسن میمندی شروع شده با شیخ ابوسعید ابوالخیر تمام میشود .

فصل هفتم ـ درذکرشعرا از زمان سامانیان تا زمان سلطان محمود . این قسمت آخر که قسمت اعظم کتاب را تشکیل میدهد تا اندازه‌ای بترتیب تاریخی است وباابوالحسن شهیدبلخی وابوعبدالله بن محمد رودکی و کسائی مروزی وعنصری و فرخی وعسجدی واطهری وابوالفتح بستی واسدی طوسی وفردوسی وغیره شروع شده باقاسم خنابادی معاصرشاه طهماسب تمام میشود

خاتمه کتاب درذکرسلاطین وامراوفضلاوشعرائی که درزمان اکبرمیزیسته‌اند وبعضی ازآنها بامؤلف آشنا بودند میباشد دراوایل این قسمت ذکرعبدالرحیم خانخان و سلطان ابراهیم بن بهرام صفوی وخان احمد(حاکم) گیلان و درآخر آن ذکرمیرزی اصفهانی زدوائی سبزواری و روئی ساوجی آمده است .

دراول این کتاب فهرست اسامی شعرا (درهشت صفحه) آمده است .

سبك انشاء مؤلف مانند سبك عوفی در لباب الباب مصنوع است چون سیدعلی مؤلف بزم آرای اکثر مطالب را از لباب الالباب عوفی عیناً نقل کرده است و بنا براین تحت نفوذ سبك عوفی در کتاب مزبور قرار گرفته است .

نسخه خطی

رجوع شود به ریودیل ش۱۰۶ ص۷۳ الف

فهرست اسامی شعرا

درهیچ فهرست یا کتاب دیگر نیامده است .

هفت اقلیم

ابتــدا

خرد هر کجا گنجی آرد پدیــد
بنام خــدا سازد آنرا کلیــد ....

حمد مر خدایرا جل جلاله که عندلیب زبان در قفس دهان بذکر او رطب اللسان است وطوطی بیان در شکرستان شکر او شیرین زبان

شرح حال مولف

اسم مؤلف امین بن احمد رازی است . وی در شهر ری متولد شد [۱] پــدرش خواجه میرزا احمد که از ندمای شاه طهماسب بود مدتی کلانتر شهر ری بوده وخواجه محمد شریف رازی (متوفی ۹۸۴ھ) وزیر که (بترتیب) حاکم خراسان ویزد واصفهان بوده عموی امین بود واعتمادالدوله غیاث بیك بن محمد شریف پدر نورجهان بیگم که در زمان اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ھ) بر مراتب عالی فائز ووزیر جهانگیرشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ھ) بود عموزاده او بود . امین احمد رازی در موقع تألیف « هفت اقلیم »

(۱) ـ مؤلف میگوید «شهرری که مولد ومنشای این فقیر است » ر ك .هفت اقلیم نسخه بمبئی ص۷۲ .

درهندوستان سکوت داشت [1]

نقیه شرح‌حال مؤلف بدست‌نرسید .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۰۰۲ ه تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که دردیباچه کتاب آورده‌است‌میرساند :

این نسخه که هست همچو فردوس نکو
تا مو نشوی در او نه نشکفی‌مو
گر از تو سؤال تاریخ کند
تصنیف امین احمد رازی گو

اما چنانکه اته درفهرست‌اند یاآفس تذکرداده‌است مولف‌درفهرست‌اسامی سلاطین عثمانی‌اسم محمدثالث‌را نیزذکرکرده‌است که نشان‌میدهد که قسمتی‌ازاین کتاب بعدازسال۱۰۰۲ه تألیف شده‌است ولی‌درهرحال‌بیان پروفسور (براون)مبنی براینکه سال‌تألیف‌این کتاب ۱۰۲۸ه است [2] صحیح‌نیست

مؤلف دردیباچه کتاب درموردست تألیف کتاب چنین توضیح داده‌است ،

«(مؤلف)همیشه‌اوقات‌خودرادرتحقیق‌احوال ابراروا خبارا خیارمصروف‌میداشت واشعه انوارعوایدایشان (را) اعتراف واقتباس‌مینمودتا آخربنابر وفورخواهش‌خود واشاره بعضی دوستان خاطربدان قرارگرفت که تذکره (ای) جمع سازدازنظم و نثرتا زمان حال . وبعدازشش سال که لیل ونهاربدان مواظبت نموده شد کتابی بحصول پیوست مملوازاشعار وحکایات وآثار» .

مؤلف اسم‌مآخذ رادردیباچه یاخاتمه کتاب‌نیاورده‌است اما درذیل شرح‌حال

۱ ــ در هفت اقلیم بعضی بیانات واشاراتی‌باکبرشاه وشعرای دربار او آمده است که حاکی‌ازاین‌است‌که مولف درموقع تألیف این‌کتاب درهندوستان اقامت‌داشته‌است‌مثلا درذیل نام طارقی ساوجی مینویسدکه اودرحدود پانزده سال «ملازم این‌درگاه» بوده‌است (برای طارق‌ساوجی ر . ك. بداونی ج۳ص ۲۳۳)

۲ــ ر . ك. تاریخ ادبیات براون ج٤ص٤٤٨

کتابهای زیررا آورده است که درتألیف این کتاب از آنها استفاده کرده

مجمع الانساب (رجوع شود به دیباچه) .
نزهت القلوب (رجوع شود به ابرقوه و کرمان وغیره) .
عجایب البلدان (رجوع شود به بغداد ولاهوروغیره) .
لب التواریخ (رجوع شود به بغداد) .
تذکرة الاولیا (ی عطار) (رجوع شود به معروف کرخی وجنید وغیره)
تاریخ اعثم کوفی (رجوع شود به کوفه) .
نفحات الانس (رجوع شود به شیخ ابوبکر کتانی وغیره) .
- طبقات محمودشاهی (رجوع شود به ابویوسف بن ابراهیم وغیره)
مناظرة الانسان (رجوع شود به ابویوسف یعقوب بن ابراهیم وغیره)
- تاریخ بناکتی (رجوع شود به دارابجرد)
- تاریخ الفی (رجوع شود به مصر وغیره)
- عجایب مخلوقات (رجوع شود به بابل ولاهوروغیره)
- تاریخ جهان آرا (رجوع شود به لار)
- غرایب الاسرار (رجوع شود به مصر)
- جامع التواریخ (رجوع شود به برمکیان تخت بلخ)
- تاریخ گزیده (رجوع شود به کرمان وقزوین وغیره)
- چهارمقاله (رجوع شود به عنصری وفردوسی وغیره)
- ظفرنامه تألیف شرف الدین علی یزدی (رجوع شود به کشمیروغیره) .
- تاریخ میرزاحیدر (رجوع شود به کشمیر)
- حبیب السیر (رجوع شود به عمادفقیه ومصروبلخ وغیره)
- جواهر الاسرار تألیف شیخ آذری (رجوع شود به فلکی وعمادفقیه وغیره)
- تاریخ مبارکشاهی (رجوع شود به قندهار وقزوین وغیره)
- تذکره عوفی (رجوع شود به عثمان بن محمد مختاری و تاج الکتاب

و غیره) .

۲۴ ـ طبقات اکبری (رجوع شود به آگره)

۲۵ ـ رساله‌درعجایب وغرایب‌هندتألیف‌میرمحمدیوسف (رجوع‌شودبه‌کالپی)

۲۶ ـ اساس‌العجایب (رجوع‌شود به‌مصر)

۲۷ ـ بهارستان (جامی) (رجوع‌شود به عبدالواسع‌جبلی)

۲۸ ـ آثارالبلاد (رجوع شود به مصروقم وهمدان)

۲۹ـ تاریخ قدیم‌هرات (رجوع‌شود به هرات)

۳۰ ـ تاریخ‌هرات (رجوع‌شود به‌خواف)

۳۱ ـ نهایت‌الادراك (رجوع‌شود به قسطنطنیه)

۳۲ ـ تاریخ رشیدی (رجوع‌شود به‌ختن)

۳۳ ـ طبقات فقها (رجوع‌شود به‌محمدبن‌علی‌بن‌اسمعیل القفال)

۳۴ ـ تاریخ‌یافعی (رجوع شود به ابن‌المقفع)

۳۵ ـ تذکره دولتشاه (رجوع‌شود به شیخ‌آذری)

۳۶ ـ جامع رشیدی (رجوع‌شود به خواجه نصیرالدین‌طوسی) .

۳۷ ـ مجالس النفائس (رجوع‌شود به‌درویش‌دهکی).

۳۸ ـ نظام التواریخ (رجوع‌شود به خاقانی)

۳۹ ـ روضة‌الصفا (رجوع‌شود به بیلقان وسمرقند) .

این کتاب مشتمل‌است برمطالب‌جغرافیی وتاریخی ودرذیل بلادمختلف‌مؤلف ذکرهزارویانصدوشصت تن[1] ازشعراو عرفاوفضلاوامراوملوکی‌راکه‌شعرسروده‌اند آورده‌ا

طبق عقیده قدیم مؤلف هم«ربع مسکونی» را درهفت اقلیم قسمت کرده و اطلاعات فوق‌راتحت‌هفت‌اقلیم‌آورده‌است بدین‌قرار

اقلیم اول ـ شامل ذکریمن وبلادالزنج ونوبیه وچین

---

۱ ـ رك فهرست‌انڈیاآفس ج ۱ ص ۷۲۴ که‌آنجا فهرست اسامی این ۱۵۲۰ تن ذکر شده است

اقلیم دوم ـ درد کر مکه ومدینه ویمامه وهرمرو د کن (اینجامؤلف تاریخ سلاطین دکن رااز قدیم تاسال ۹۹۹ﻫ آورده‌است) واحمدنگرو دولت‌آباد و گولکنده واحمدآباد وسورت و بنگال وپاریسه و کوچ

اقلیم‌سوم ـ درد کر عراق و بغداد و کوفه و نجف وغیره و بصره‌ویزدوفارس و سیستان وقندهار وغزنین‌ولاهورودهلی (اینجا مؤلف‌تاریخ‌هندوستان‌ازقدیم تازمان اکبرود کر فضلای دهلی‌را آورده‌است)وسوریه ومصر

اقلیم چهارم ـ خراسان وبلخ‌وهرات‌وجام ومشهدونیشابور وسبزواروواسفراین وغیره واصفهان‌وکاشان‌وقم‌وساوه‌وهمدان وری‌وتهران ودماوند واسترآبادوطبرستان ومازندران و گیلان وقزوین وآذربایجان وتبریزواردبیل ومراغه .

اقلیم پنجم ـ شروان و گنجه وخــوارزم و ماوراءالنهر و سمرقند وبخارا و فــرغنه .

اقلیم ششم ـ تر کستان وفاراب ویار کند وغیره‌وروسیه وقسطنطنیه‌وروم .

اقلیم هفتم ـ بلغار وسقلاب ویاجوج وماجوج .

گاهی راجع به‌بلادو کشورهای مختلف بعضی اطلاعات جالب ومفیدی‌را آورده است مثلادرذیل کالپی « انواع میوه‌هــای هندوستان وبعضی‌عجایب‌آنجا»را مخصوصاً درباره جو گیان (درویشان‌هندو) شرح‌داده است

گاهی درذیل نام‌بعضی شعرا وفضلانمونه‌هائی نثرهم ازآنها نقل کرده است مثلارجوع‌شود به عبیدزاکانی

مؤلف اکثرسعی کرده‌است نثرمصنوع بنویسدچه‌درمقدمه کتاب وچه‌درذیل شرح‌حال شعرا وحتی گاهی سوشش نثرمسجع نیز پرداخته است

گاهی بعضی کلمات توصیفی را هم قافیه با اسم یا تخلص شاعرآورده است مانند

«سیدذوالفقار شاعرپا کیزه روز گار نیکو گفتاربود ».

همچنین در بعضی‌القاب و کلمات‌توصیفی‌رعایت‌اسم یاتخلص‌شاعرجناس‌آورده است‌مثلا

فصولی «درفضل ودانش بربسیاری ازهمگان فایق بوده ودرفهم وذکا براقران سابق »

مولانا شرف الدین علی . « درعصرخود اشرف فضلای ایران و الطف علمای دوران بود» .

افصح الدین فلکی « فلک جهان بلاغت وقمر آسمان فصاحت بوده» .

در ذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصنوع در معنی « فوت شد » آورده است مثلا .

در ذیل مولانا احمد مینویسد «تامعمارقضا ابواب زندگانیش را (به) بلاد اجل برآورد»

سالهارا همه جا باالفاظ عربی آورده است .

رویهمرفته این کتاب نه‌تنها ازحیث جغرافی وتاریخ بلکه ازحیث تذکره شعرا وفضلا دارای اهمیت وارزش زیادمیباشد و مخصوصاً برای شعرای زمان‌ا گرشاه این کتاب جزومنابع اصیل میباشد . .

نسخ خطی

۱ ــ قاهره ۵۰۹ ــ کتابخانه خدیویه مصرص۱۰ــ۵۰۹ دارای ۳۱۸ برگ صفحه‌ای۲۳سطر مورخ ذوالحجه۱۰۵۲ه

۲ ـ ادبیات تهران ش٤ــب (ازآغازتااقلیم ششم) وش۵۲ ــ ب (مورخ ۵ صفر ۱۲۵۱ه) وش۱/۳ــج (مورخ۲۲دی۱۳۱۹ش/۱۵ذوالقعده۱۳۵۹ـجلداول ازآغازتاسید محمد دارای۵۹۵ص)وش۲/۳ــج (همان نسخه ــ جلددوم تاپایان کتاب ازص۵۹٦ تا ص ۱۱۲۸)

۳ ــ مرکزی تهران ـ ش۲۷۵٦مورخ۱۱۳۹ ه

٤ ــ ملک تهران ـ ش۴۳۱۳ مورخ۱۰۳۰ه

۵ ــ H.Kh. (ج-ج) ج٦ص۵۰۱ ش ۱٤٤۱۱

٦ ــ سپهسالار ج۲ص٤۸۵ش ۱۱۲۳ مورخ۱۰۲۵ وش۱۱۲٤مورخ۱۰۷۱ ه و

۱۱۲۵(اوایل قرن ۱۱ ه ـ چند برگ از آن افتاده است) .

۷ـ بادلین ٤۱٦(مورخ ۱۰۳۹ ه)ش ٤۱۷(مورخ ۱۰۷۵ ه)وش ٤۱۸(مورخ ۱۱۹۹ ه) و ٤۱۹(تنها اقلیم ۳ و ۵ بدون تاریخ) ٤۲۰(تنها اقلیم ٤ بدون تاریخ) نسخ فارسی ـ ۲٤(C) (مورخ ۱۰۵۲ ه)

۸ـ اکسفورد ۲۰ (ناقص ـ بدون تاریخ) .

۹ـ لنینگراد ۱۱۳٤(مورخ ۱۰٦٦ ه) و ۱۱۵٤ ه .

۱۰ ـ بلوشه ٦٤۲ مورخ ۱۰٦۸ ه و ٦٤۳ مورخ ۱۰۹٤ ه

۱۱ ـ بانکی پور ح ۷ ش ٦۳٦ (قرن ۱۷ م)

۱۲ـ ریو ح ۱ ص ۳۲۵ ب (قرن ۱۷ م)ص ۳۳٦ ب(۱۵۰۹ ه)ص ۳۳۷ الف(قرن ۱۷ م) ۳۳۷ ب (دو سوم اول کتاب ـ قرن ۱۷ م) ح ۳ ص ۹۷۰ الف (۱۲٦۱ ه) ذیل ش ۱۳۸ (قرن ۱۷ م)

۱۳ـ آصفیه ح ۳ ص ۱٦۲ س ۱۹۰(قرن ۱۷ م)ح ۱ ص ۲۳۲ ش ٤٦۵

۱٤ـ لندزیانا ص ۱۱۳ ش ۷۱۲ (اوراق پریشان ـ درحدود ۱۷۵۰ م)

۱۵ ـ ایوانو ۲۸۲ (۱۱٦٦ ه) ۲۸۳(۱۸۷۱ م)ایوانو ـ کرزن ۸۰٦(قرن ۱۹ م)

۱٦ـ مجلس ٤۵٦ (۱۲۷۳ ه) ۱۷ بوهار ۱۰۰ (قرن ۱۷ م) .

۱۸ ـ دانشگاه بمبئی ۳٦(قسمتی از کتاب شامل شعرای ش ۹۸۵ـ۱۵۵۸ (رجوع شود به اته) .

۱۹ـ براون نسخ فارسی ۱۱۰ .

۲۰ـ براون ذخیره (K)ش ۵(۱۳)(= هوتم شنیدلر ش ۳۹)

K س ٤(= اندیا آفس ش ۱ ٤۵٤ ـ رجوع شود به ۲۱ زیر).

۲۱ ـ اندیا آفس ٤۵٤۱[1] (۱۰۰٦ یا ۱۱۰۷ ه ؟)

۲۲ ـ آتن ۵٦ (ناتمام)

۱ ـ این نسخه در فهرست اته ذکر شده است ر ك استوری ح ۱ ق ۱ ص xvi در ذیل علامت I.O

۲۳ـ کپورتهلا ش۴۹(رحوع‌شودبه OCM ح۳ ش۴اوت۱۹۲۷م)

۲۴ - دانشگاه‌لاهور- دونسحه (رحوع‌سودبه OCM ج ۳ش۱ نوامبر۱۹۲۶م ص۶۸)

۲۵-اته ش۷۲۴و۸۳۵ (۱۰۸۹ه)و ش۷۲۶ (ناقص‌الاول- ازاقلیم سوم‌تاآحر ۱۰۹۳ه)

چاپ

۱ ـ حلداول کلکته ۱۹۱۸۱ م و حلددوم ۱۹۲۷۲ م و حلد سوم ۱۹۳۹۳ م (تاپرتوی‌شیرازی‌ش۲۶۰ رحوع‌شودبه‌فهرست‌اسامی‌اته)

۲ ـ تهران کتابفروشی‌ادبیه ناصرحسرو ـ ۱۳۴۰ش (چاپ پر از اغلاطی

۳ - کلکته‌ـباهتمام‌دکتراسحق در۵۰۰صفحه دردست چاپست .

انتخاب

انتحاب هفت‌اقلیم ـ فیض‌اللههمت‌انصاری حونپوری‌بنام وحیه‌الدین‌علی‌خان بهادر (رحوع شودبه‌اته ش۷۲۷)

همچنین بعضی‌ها اقتباسات و ترحمه‌آن را در اوقات مختلف در اروپا وغیره به‌زبانهای فرانسه وآلمانی وانگلیسی چاپ کرده‌اند - (رحوع‌شود به‌استوری‌ح ۱ ص ۷۱-۱۱۷۰)

برای **شرح‌حال‌مؤلف** رجوع شود به‌هفت اقلیم و استوری ح ۱ص۱۱۷۰.

فهرست اسامی شعرا

رحوع شودبه فهرست اندیاآفس ح۱ش ۷۲۴ص۴۹۹ـ ۳۸۱ (کل۱۵۶۰نفر شاعر وغیره)

خلاصة الاشعار و زبدة الافکار

ابتدا

« حواهر حمد و ثنای که مفرح قلوب اصحاب دین و مفتاح صدور ارباب عشق متین تواند بود سراوار جمیلیست که تحلیات صفات خودرا در آینه اسانی بحکم ان اله خلق الانسان علی صورته طاهر گردانید» .

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب تقی الدین محمد و تحلص او ذکری است و او معروف به تقی کاشی بوده. اسم پدرش شرف الدین علی الحسینی[1] الکاشانی است مؤلف در کاشان در ۹۵٦ ه بدنیا آمد وی ازشاگردان محبوب محتشم کاشی بوده چنانکه در زمان بیماری خود در ۹۹٦ه که منجر بمرگ محتشم شد وی از این شاگرد خواهش کرد که دیوان اشعار اورا جمع و تدوین کند و ذکری چنین کرد و مقدمه‌ای بر آن دیوان افزود[2] مؤلف اکثر اوقات زندگانی خود را در ایران در کاشان بسر برده امادر آخر عمر بهند رفته در سال ۱۰۱٦ه تذکره خودرا بنام ابراهیم عادلشاه ثانی سلطان بیجاپور (۹۸۸ـ۱۰۳۷ه)[3] عنوان و تقدیم نمود . مؤلف صحف ابراهیم « درذیل نام تقی الدین محمد کاشانی ذکری تحلص» مینویسد «اگرچه برخی اشعار خودش را نیز در آخر تذکره اتمام نمود امادر نظر دریافت قدر نظم را ندارد و هرچند تفتیش بکار رفت تذکره نویسان که مؤخر از زمان او بوده اند نام و اشعار اورا در مجموعه‌های خود ذکر نکرده اند».

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب را اول در چهار جلد در سنه ۹۸۵ه تألیف کرد سپس در ۹۹۳ه جلد پنجم بآن اضافه نمود چنانکه قطعه زیر میرساند .

١ـ ازروی نسخه برلن «الحسنی» (ر.ك برلن ش ٦٤٧ص ٦١٠)

٢ـ نسخه‌ای از این دیوان با مقدمه ذکری در موزه بریتانیا موجود است (ر ك ریو ج۲ص ٦٥٥)

٣ـ درفهرست برلن ۹۵۷ـ۱۰۳٦ ه و دراستوری ۹۸۷ـ۱۰۳۵ه ذکر شده است اما «درکلام الملوك» تذکره سلاطین دکن چاپ هند ۱۳۵۷ه باهتمام میرسعادت علی رضوی سال جلوس ابراهیم عادلشاه ثانی ۹۸۸ه و تاریخ وفات وی محرم ۱۰۳۷ه ذکر شده است و همین صحیح است.

چون پنح کتاب تقی تدکره‌سنح　　در مخرن جلدحا گرفتند چو گنح
تا هریك را درست باشد تـاریح　　برپىح کتاب تقـی افرودم پنح
(=۹۹۳ه)

سپس‌مؤلف باوقات‌مختلفی باین کتاب‌مطالبی‌رااضافه‌مینمودتا ایکه‌در۱۰۱۶ه ازتألیف آن بکلی فراعت حاصل‌نمود و بعدار آن‌طاهراً هیچوقت باین کتاب‌اضافه‌ای نکرد بیت‌زیرتاریح اتمام‌محلدآحراین کتاب‌رامیرساند

تاریح نگارر آن‌ست گفت　　شدست مجلدات‌لارم=(۱۰۱۶ه)

درمورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی‌بعداز مدتی مدیدحلاصه‌ای‌ازاشعارا کثرشعرای متقدم ومتأحررا ترتیب‌نموده واردیوان آنها انتحاب‌ردوشرح عسق‌آنهارا بیان کرده اوراق این‌مجموعه‌را باغرراحادیث و روایات بیاراست‌بالاحره‌دراوایل‌سنه ۹۹۶ه ایـن‌نسحه‌صورت اتمام‌پذیرفـت‌ومؤلف آنرا بنام پادشاه وقت شاه عباس بزرگ صفوی الحسینی (۹۹۷ - ۳۸ ۱ه)مزین ساحت

این‌تدکره بسیار مفصل است وارحیث حجم کتاب میتوان آنرا مفصل‌تـر ارسایرتدکره‌ها گفت این‌تدکره‌مشتمل‌بر مقدمه وچهارفصل‌وچهاررکن و دو حاتمه‌ویك‌اصل‌دیگرو ذیل .

درابتدای مقدمه مدح شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ه) را (در۳ص) و در بعضی نسخ (رجوع‌شودبه برلن‌وبلاند)مدح‌ابراهیم‌عادلشاه سلطان بیجاپور (۹۸۸-۱۰۳۷ه) را آورده‌است مقدمه کتاب‌مشتملست بر «سبب جمع‌اشعار وموجب‌انتخاب دواوین‌شعرای آفاق‌والتماس عدم اعتراض‌ازبینندگان‌این اوراق»و بیان‌عشق‌ومحبت وشرایط آن‌درچهار فصل واحتیارات(منتحبات) اشعـار حضرت‌علی‌باترحمه بشعر و شرح آن‌بفارسی ارحودمؤلف (در۱۶ص) وسپس‌مؤلف سند شعر گوئی ازآیات‌قرآن واحادیث‌رسول‌وابتدای‌شعر ومختصری‌درباره تاریخ‌شعرفارسی را (در۲ص) آورده

چهار فصل فوق الذکر در بیان عشق و محبت بقرار ذیل است

فصل اول ـ در بیان ایجاد عشق و معرفت آنکه عشق ازلیست و این محبت ارجانب الهی است بحکم منطوق آیه یحبهم ویحبونه

فصل دوم ـ در تعریف وفضیلت عشق و مذمت کسانیکه مذاق را عشق نام نهاده اند

فصل سوم ـ در تقسیم عشق بمجاز وحقیقت وشرایط محبت [1] ازجانب محب و نصیحت جماعتی که منکر بند مودت را

فصل چهارم ـ درشرایط محبت [2] ازطرف محبوب مجاز ومذمت جماعتی که معشوق را بدانسته اند

سپس تحت یک «لاحقه» بحثی درباره نظم و نثر واقسام نظم آورده است

رکن اول ـ «و آن مرتبست بر تذکره شعرای متقدمین اززمان آل سبکتکین ازقصیده گویان و بیان حالات عشق ایشان باانتخاب دواوین هریک درضمن آن دراین رکن پنجاه فاصل ببسته بترتیب تاریخ وفوت فاول ثم الاول واین دومجلد است» ـ مجلد اول با «ملک الشعراء استاد عنصری» شروع شده و با «سلطان السعراء امیر افضل الدین خاقانی» تمام میشود ومشتملست بر ذکر ۲۲ شاعر ومجلددوم با « زبدة الشعرا ظهیرالدین فاریابی» شروع شده با «خواجه افضل الدین کاشانی» تمام میشود ومشتملست برذکر ۲۸ شاعر

رکن دوم (= مجلدسوم) ـ «و آن مشتملست برذکر غزلسرایان متقدمین و بعضی

۱ـ اینجا مولف هفت شرط را بیان کرده است

۲ـ اینجا مولف چهار شرط راآورده است

۳ـ ر ک. نسخه مجلس ش ۱۹۳۵ ازکتب اهدائی شاهزاده محمد فیروز ـ در نسخه بلاند اسم شاعر آخرمجلد اول «قوامی گنجوی» است

ازقصیده گویان که با ایشان معاصر بوده‌اند ودرین رکن زیاده ازچهل [1] کامل مذکور شده بترتیب مذکور» (یعنی بترتیب تاریخ فوتشان) و این رکن با « شیخ مصلح الدین سعدی» شروع شده با «شاه شجاع کرمانی» تمام میشود.

مؤلف این رکن را بنام شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ه) عنوان کرده و ما صدر رکن اول اینجا نیز از او مدح و ثنا گفته است [2]

رکن سوم (= مجلد چهارم) ـ «آن نیز مشتملست بر ذکر غزل گویان و بعضی از قصیده گویان متأخرین ودرین رکن زیاده از چهل [3] کس نام برده شد» . این رکن با «خواجه شمس الدین محمد حافظ» شروع شده با «مولانا فغانی» تمام میشود

در آغاز این رکن مؤلف در باره سه طبقه صوفی «واصلان وسالکان ومقیمان» بحث کرده است [4]

رکن چهارم (= مجلد پنجم) ـ «و آن مشتملست بر حالات شعرای زمان سلطان حسین میرزا الی زمان هذا التألیف ودرین رکن زیاده از [5] . صاحب دیوان مسطور گشته» این رکن با « مولانا عبدالرحمن جامی» شروع شده با « مولانا غزالی مشهدی » تمام میشود

خاتمه (اول) ـ «و آن مشتملست بر ذکر بسیاری از شعرای عصر و زمان تألیف این نسخه خیر مآل و ترتیب آن بر دوازده شهر [6] داده شده » در نسخه بلاند در قسمت «خاتمه»

۱ـ اما در متن نسخه مجلس ش ۱۹۳۵ از کتب اهدائی شاهزاده فیروز و اشپرنگر ۴۲ و در نسخه بلاند ۴۴ شاعر ذکر شده‌اند

۲ـ رك نسخه بلاند

۳ـ اما در متن نسخه مجلس وق ۴۵ و در نسخه بلاند ۴۹ شاعر آمده‌اند

۴ـ رك نسخه بلاند.

۵ـ در متن نسخه مجلس ش ۱۹۳ مذکور ۱۰۲ شاعر ذکر شده‌اند نسخه بلاند رکن چهارم ندارد اما در اول آن عدد ۱۰۱ شاعر ذکر شده است

۶ـ نسخه اشپرنگر سیزده اصل دارد و آنجا اصل سیزدهم در ذکر شعرای خراسان میباشد

چهارصدویازده‌شاعر ذکرشده‌اند.

در نسخه‌ش ۳۳٤ ـ مجلس (مورخ ۲۳رجب ه‍) مؤلف توضیح داده‌است که خاتمه کتاب خلاصة‌الاشعار را بعدد بروج آسمان بردوازده‌اصل قسمت نموده و باز هر اصلی‌را بدو فصل تقسیم کرده بدین ترتیب

فصل‌اول ـ دردکرسخنورانی که‌الیوم بازار فصاحت بدرر الفاظ ایشان آراسته‌است ودکان بلاغت بغرر معانی ایشان پیراسته»

فصل‌دوم ـ در ایراداشعار سخنورانی که بعضی‌از آن‌قبیلند که‌بنده بیمقدار بخدمت ایشان‌درصغرسن رسیده وفیض بی‌نهایت ازنظر کیمیااثرایشان یافته والحال‌درعرصه فناساکنند وجمعی‌دیگر ازیشان را ندیده و بملازمت نرسیده»

دوازده «اصل» این‌تذکره بقرارزیر است [1]

اصل‌اول ـ درذکرشعرای‌کاشان اصل‌دوم ـ درذکرشعرای اصفهان

اصل‌سوم ـ « « قم‌ونواحی‌آن اصل‌چهارم ـ « « ساوه‌ونواحی‌آن

اصل‌پنجم ـ « « قزوین اصل ششم ـ « « گیلان

اصل‌هفتم ـ « « تبریزوآذربایجان اصل‌هشتم ـ « « یزد و کرمان

اصل‌نهم ـ « « شیراز اصل دهم ـ « « همدان‌و نواحی‌آن

در اینجادرذیل سه «لاحقه» شعرای‌زیررا آورده‌است

لاحقه اول ـ شعرای بغداد لاحقه دوم ـ شعرای جرباذقان لاحقه سوم ـ شعرای خوانسار

اصل یازدهم ـ درذکر شعرای‌ری و استرآباد اصل دوازدهم در ذکر شعرای خراسان

خاتمه‌دوم [2] که‌در نسخه‌ثانی این‌تذکره آمده‌است‌تنها اصحاب اشعار شعب

۱ـ ر ك اته نسخه ش٦٦۷ وبرلن‌ش٦٤۷ الف ـ درنسخه اشپرنگرشعرای‌اصفهان تحت دواصل (دوم وسوم) و «شعرای‌ری‌واسترآباد ومضافات آن» تحت‌اصل‌دوازدهم‌وشعرای خراسان تحت‌اصل‌سیزدهم آمده‌است

۲ـ ر ك نسخه بلاند و اشپرنگر

شاعر معاصر را (بدون شرح حال آنها) دارد که قبلا از نظر مؤلف افتاده بود و وی از دیوان ایشان اطلاع نداشت مؤلف علت افزودن این خاتمه دوم را چنین توضیح داده است که بعد از تکمیل تذکره بعضی شعرا بمؤلف اجازه دادند که وی دیوانشان را مطالعه کند مخصوصاً شعرایی که درهمان اوان شعر گوئی را آغاز کرده بودند چون تعداد زیادی از نسخه‌ها از روی این تذکره در عراق و خراسان استنساخ شده بود و دیگر ممکن نبود که این اشعار و مطالب را با آنها اضافه نماید بنابراین مؤلف مجبور شد (در این نسخه ثانی) یك خاتمه دیگر را بافزاید اسامی شعرا را بترتیب الفبائی از روی حرف اول تخلص یا اسم آنان آورده است

اصل در نسخه برلن (س ٦٤٨ الف) بعد از «خاتمه» (اول) اصل دوازدهم « در ذکر شعرای خراسان» یك «اصل» دیگر آمده است که مشتمل بر شرح حال و نمونه اشعار ۱٦۲ شاعر بترتیب الفباء از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با « مولانا ابوالحسن ابیوردی» شروع شده با «میرزا همیر متخلص به یمین» تمام میشود و در این قسمت مؤلف شرح حال خودرا نیز در ذیل « تقی‌الدین محمد الحسینی بذکری » در ردیف «ذ» آورده است.

ذیل[1] در نسخه بانلد در پایان «خاتمه دوم» مؤلف یك «ذیل» را اضافه کرده است در این قسمت عقیده خود را درباره این کتاب اظهار نموده و بمناسبت اتمام این کتاب از خودش خیلی تعریف و تمجید نموده است

در آخر مؤلف میگوید که چون در اثر اضافه کردن ذکر عده زیادی از شعرا این تذکره خیلی ضخیم گردیده و سیصد و پنجاه هزار بیت شد لذا وی مجبور شد یك مجلد دیگر بر پنج مجلد سابق اضافه کند و بالاخره این کتاب را در ۱۰۱٦ﻫ باتمام رسانیده از کار تذکره نگاری دست کشید و از آن بعد ذکر و اشعار هیچ شاعری را باین تذکره نیافزود

۱ـ در ك نسخه بانلد و نیز اشپرنگر مینویسد که یك ذیل مختصری شامل شرح حال شعرا و بدون اشعارشان در نسخه کتابخانه موتی محل لکهنؤ (هند) موجود بود ر ك اشپرنگر ش ۹۹۸

درهمین قسمت مؤلف تذکر داده است کـه تألیف این کتاب به سی سال طول کشید

درنسخ ریو ذیل ش۱۰۵ وبرلن س۶۴۷ واتـه س۶۶۷ و لندریا با س۳۱۲ (نسخه بلاند) درابتدامدح شاه طهماسب صفوی آمده است مؤلف این نسخه هارا مجمعاً قبل از۹۸۴ه نوشته است درنسخه ریوش۱۰۵ مؤلف بعداً این تذکره را بنام شاه عباس عنوان کرده ودرپایان این نسخه میگوید که این تذکره را دراوایل۹۹۶ه باتمام رسانیده است . امادرنسخه بلاند رکن دوم بنام شاه عباس صفوی شروع میشود ولی درابتدای این نسخه اسمی ازشاه طهماسب یاشاه عباس صفوی برده نشده بلکه بجای آن مؤلف این تذکره رادر۱۰۱۶ه بنام ابراهیم عادلشاه ثانی سلطان بیجاپور(۹۸۸-۱۰۳۷ه) عنوان کرده است

شرح حال ونمونه اشعارا کثرشعرا دراین تذکره خیلی مفصل آمده است وحتی درمورد بسیاری ازشعرا مؤلف از آنها بیش از یک هزار شعر نقل کرده است مانند عنصری (۲۰۰۰) اثیرالدین اخسیکتی (۲۳۰۰) رکن الدین هروی (۱۱۰۰) وجامی(۳۳۰۰) وخواجه فضل‌الله فارسی(۱۳۰۰) وبهاءالدین بر بدق(۳۰۰۰) وعصمت بخاری (۱۵۰۰) واسرفی سمرقندی(۲۰۰۰) وضیاءالدین خجندی(۱۳۰۰) وکاتبی نیشابوری (۲۷۰۰) ومولانا لطف‌الله سیراری (۱۱۰۰) ومولانا حیربی(۲۳۰۰) ورستم سطامی (۱۳۰۰) و غزالی مشهدی(۲۰۰۰) ومیرحاج اسی (۱۳۰۰) وبابافغانی(۱۶۰۰) ومولانا سائی (۱۷۰۰) وامیرخسرو(۲۳۰۰) وسعدالدین هروی(۱۲۰۰) وحکیم زراری قهستانی (۳۵۰۰) وابوالفرج رونی(۱۵۰۰) وعبید زاکانی (۱۲۰۰) [1]

ازحیث عده اشعارمنتخب هیچ تذکره دیگرغیر از «بتخانه» (رجوع شود به خلاصة الشعرا) اشعارشعرا را باندازه این تذکره مفصل نیاورده است

اما برعکس اصحاب اشعارسرح حال اکثرشعرا را بسیار مختصر آورده است و غالباً درذیل شرح حال شعرا بحث‌ها وحکایات مفصل درباره عشق آنها ودیگران آورده

۱ـ ر ک نسخه دانشکده ادبیات تهران ش۱۰۴ـ ب

[illegible]

هما نا اصلی ندارد » چنانکه درسطور فوق گدشت مؤلف دردیباچه (در ۳۳ صفحه) در باره‌عشق بحث نموده اسب وسپس‌درذیل بسیاری ازشعرا بحث های مفصل در باره عشق ومحسـ واشعار شعرای دیگررا آورده اسب که غالباً بعلت نامربوط و حارح ازموصوع بودن‌این بحث‌ها ازلطف مطالبـ میکاهد

سك انشای مؤلف غالباً ساده اسب و گاهی مؤلف نثر مصنوع و حتی نثر مسجع را بکار برده اسب اما نثراو درهیچ حادرحین موارد بی‌مره وحالی ازلطف نیست و ناوجود این تصنع نثر اوغالباً شیرین وروان میباشند. مؤلف‌درمقدمهٔ کتاب ودرموقع تعریف شعرا نثر مصنوع نوشته‌اسب

درذیل بعصی‌شعرا چندلقب‌تعریفی قبل‌و بعدازاسم‌وتخلص آنان آورده‌اسب‌مانند « ملك‌الامراوالشعرا ابوالقاسم‌حسن‌حکیم‌عنصری‌مقدم‌سخن سرایان گلستان فصاحب ومکرم‌صیرفیان جواهر بلاغت‌و براعسب»یا «عمدة‌الشعراءمولانا بنائی‌قدوه فضلاومهندسان زمان ومرجع‌شعراومعماران دوران‌بوده» یا«استاد الشعرا ابولفرج رونی‌مقتدای‌صنادید شعرای‌جهان‌وپیشوای‌اکابروافاضل‌جهان‌بوده »

سالها را برپان‌عربی‌ذکر نموده اسب

گاهی‌احادیث‌رسول وآیات‌قرآن‌وضرب‌المثلها واقوال بزرگان رابعربی آورده اسب مثلا (درمقدمه) (ان‌الله خلق‌الانسان علی صورته - کنت کنزامخفیا فاحبب ان‌اعرف‌فخلقت‌الخلق‌لاعرف - لی‌مع‌الله‌وقت‌لایسعنی‌فیه‌ملك‌مقرب‌ولانبی مرسل - انامدینهٔ العلم وعلی‌بابها - (فصل‌اول) من عرف نفسه فعرف ربه - لاتنظر الی‌من‌قال و انظرالی ماقال - المجازقنطره الحقیقة وغیره

همچنین درموقع تعریف‌ازممدوح‌خود بعضی‌جمله‌هارا بعربی نوشته‌اسب‌مانند الذی‌نصب‌سرادق الامن‌والامان ... (رجوع‌شود به‌مقدمه درذیل تعریف‌شاه طهماسب صفوی)

مؤلف «صحف‌ابراهیم» درذیل نقی‌الدین‌محمدکاشانی‌ذکری‌تخلص»مینویسد « مؤلف‌تذکره موسوم‌بخلاصه الاشعار وزبده الافکار اسب وآن کتابیست در کمال

[illegible]

(Dorn)

[illegible]

۱۱۱۱ ه) ۸ ـ لندریانا ص ۲۲۳س۳۱۲ (نسخه‌خلاصهٔ‌نشده بدون رکن چهارم مورخ ۹ـ ۱۰۳۸ه ـ نسخه بلاند) ۹ـ برلن‌ش ٦٤۷(نسخه خلاصه‌سده مورخ قرن ۱۹م) وس٦٤۷الف (تنها‌خاتمه وخاتمه‌دوم و دیل مورخ قرن ۱۹ با فهرست ۱٦۲ شاعردر«اصل» بعدارخاتمه‌اول) ۱۰ـ ایوانو ـ دیل‌بانی ـ ش۹۳۲(قسمتی ارمجلدچهارم ـ رکن‌سوم مشتمل برد کرشعرائی که دراشپرنگردردیل شماره‌های ۱٦ـ ۱۰۹ آمده‌اند، مورخ حدود ۱۸۷۲ م = ۱۲۹۰ه)

۱۱ـ دانشکده‌ادبیات‌تهران ـ س۱۰٤ ـ ب (نسخه‌اصل‌مؤلف‌است که قسمتی‌ار آن بخط‌مؤلف است‌مستمل برد کر ٤۷ شاعرونمونه اشعارشان نسخه‌ناتمامی‌است مورخ قرن۱۰ه وش ۵۹[1] (نسخه ناقص‌است‌ارخاتمه‌ومشتمل‌برد کراحوال‌ونمونه اشعار۲۱۲شاعرارأصل اول وپنجم وششم‌وهفتم‌وهستم ونهم ودهم ـ این‌نسخه‌ارمقدمه ناقص‌الاول واشعارقصده مخمسم کاسی‌شروع‌میشود مورخ قرن ۱۱ه)

(۱۲) کتابخانه ملی تهران (سیارناقص‌وناتمام).

برای **شرح‌حال‌مؤلف** رجوع سود به «اصل»بعدارخاتمه (اول) در نسخه برلن ش٦٤۷ الف‌دردیل«د کری» وریوح ۲ص٦٦۵ وصحف‌ابراهیم‌دردیل‌تقی‌الدین محمد کاسانی‌د کری‌تخلص‌وبلاند JRAS ج۹(۱۸٤۸م)ص۲ـ۱۳۱

فهرست اسامی شعرا ـ رجوع سود بهاشپرنگرس ۹ (نسخه بانی) وانه ش٦٦۷ (بقیه‌اسامی سعرا که ارفهرست‌اسپرنگرافتاده‌است)

خلاصة الشعرا (وبتخانه)

ابتدا ـ الله سبحانه تعالی و تقدس و عنده مفاتیح (الغیب لایعلمها الاهو تعالیه)[2]

۱ـ این‌نسخه درپاریس دردست‌مرحوم عباس‌اقبال بوده وعلامه قزوینی‌نیز آنرا دیده ویادداشتهائی‌بخط خود برآن‌نوشته است برای فهرست اسامی شعرای این نسخه ر ك مجله دانشکده ادبیات تهران‌سال ۸ ش ۱مورخ مهرماه۱۳۳۹، ص ۲۱۹ ـ۲۲۳

۲ـ عبارت درقوسین درنسخه‌مجلس نیامده ونیز بعدازاین‌عبارت درآن نسخه بجای «خزانه» «کلمه» «خزاین» آمده است

حرانه دانش بقبضه قدرت کامله وسرپنجه تقدیر شامله اوست ودفاین بی منتهای سحر ودیعه درج جان انسان به محض حکمت بالغه وعین رحمت واسعه او» .

این کتاب اصلا تألیف دونفر است اول مولانا محمد مازندرانی[1] عبداللطیف در ۱۰۱۰ه مجموعه‌ای بنام «بتخانه» ترتیب داد مشتمل بر چهل وپنج هزار بیت وسپس عباسی گجراتی در ۱۰۲۱ه سرح حال شعرا را بآن اضافه نموده آنرا بصورت تذکره‌ای در آورد

بنا براین شرح حال هردومؤلف اینجا مسطور میگردد

شرح حال مولانا صوفی

مولانا محمد صوفی[2] مازندرانی متخلص بصوفی (و محمد[3]) ومعروف به ملاصوفی در آمل متولد شد درایام جوانی سوق سیاحت دردلش افتاد چون بعراق (عجم) رفت آنجا با اصحاب تصوف آمیزش واختلاط پیدا کرد وی نیز سالك وادی عرفان وتصوف گشت و بریاضت وتهذیب نفس پرداخت وهمچنین شعر گوئی را آغاز نمود و بعلت ذوق عرفان شعر عارفانه وصوفیانه میسرود . بهرشهری که میرفت عده‌ای صوفی مذهب وقلندر مشرب دوراوجمع میشدند وازصحبت وی کسب فیض مینمودند اماچون خیلی آزاده منش بود عده‌ای برمخالفت وی کمر بستند و بنا براین بعدار سیاحت

۱ــ بعقیده اته میرزاحسن بیگ خاکی نیز در ترتیب «بتخانه» با ملا صوفی مازندرانی همکاری داشته است (ر ك بادلین ش ۳٦٦) اما این صحیح نیست چون درمقدمه «خلاصة الشعرا» بصراحت آمده است که ملاصوفی مازندرانی «بتخانه» را «بحسن خواهش وتوجه قدردان اهل معنی . میرزاحسن بیگ خاکی» ترتیب داده است

۲ــ به عقیده اشپرنگر و عبدالمقتدر گرد آورنده فهرست بانکی پور تخلص ملاصوفی «محمد» بوده چنانکه آنها در دیوان وی دیده‌اند اما تذکره نویسان وی را درردیف «ص» در ذیل تخلص «صوفی» آورده‌اند بلاندبنا بروایت مولف «صحف ابراهیم» مینویسد که ملا صوفی «محمد وصوفی» هردو تخلص داشته است

۳ــ عبدالمقتدر میگوید که تذکره نویسان چندین شاعر را با تخلص «صوفی» و نسبتهای مختلف مانند مازندرانی وشیرازی وکرمانی واردستانی وهمدانی وآملی واصفهانی وکاشمری ذکر نموده‌اند اما بعضی ازآنها همان محمد صوفی مازندرانی رامکرر با نسبتهای مختلفی آورده‌اند چون اشعاری که درذیل این شعرا نقل کرده اند اشعاریست که در دیوان ملاصوفی مازندرانی (نسخه کتابخانه بانکی پور) موجود است

بلاد آذربایجان و عراق (عجم) ملا بفارس رفت و مدتی مدید در شیراز اقامت نمود. غالب مردم آنجا اصحاب سیر و سلوک بودند ولذا از وی پذیرائی گرمی بعمل آوردند و ملا اکثر اوقات خود را در مدارس آنجا بین مریدان و معتقدان خود بسر میبرد

آب و هوای سرزمین فارس در ترتیب ذوق و شعر در او کمک بسزائی نمود اما دیری نپائید که او را «طرفه حالتی دست داد» که درمیان علما و فضلا بسوء اعتقاد و زندقه و روش الحاد متهم گشت و بنابراین مجبور شد با دیگران ظاهراً ترک تعلق و مخالطت نماید چون هر کس که باوی رفت و آمد داشت باوجود اختلاف عقیده بکفر و زندقه متهم میگشت و بعلت این بدنامی و خوف مخاطرات از طرف پادشاه ملا نتوانست مدت بیشتری در شیراز بماند و آنجا را ترک گفته بسیاحت بلاد دیگر پرداخت

مؤلف تذکره «لطایف الخیال» میگوید که ملاصوفی مدتی در کازرون اقامت داشت و بصحبت شیخ المحققین ابوالقاسم مشرف شده و در مدح وی قصیده ای بردیف «سخن» سرود و شیخ مزبور نیز در جواب آن قصیده ای در مدح ملا سرود

بالاخره در اوایل سلطنت شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶ ـ ۱۰۳۸ ﻫ) و در زمان اکبرشاه (۹۶۲ ـ ۱۰۱۴ ﻫ) ملا متوجه هندوستان شد و مدتی در احمدآباد گجرات سکونت داشت

تقی اوحدی مؤلف «عرفات» میگوید که ملا «همیشه اوقات خود را بانتخاب شعر و فراغت و سیر و نرد و کمانداری و کتابت میگذراند و اینکه وی مکرر بخدمت ملا در گجرات میرسید ملا بلباس فقر و روش اهل سلوک بوده و هیچ سایه غرور و نخوت نداشت

مولف «مآثر الامرا» در ذیل میر سید جلال صدر مخلص برضائی بخاری که از اعاظم آن عهد و ساکن احمدآباد بوده و در زمان شاه جهان پادشاه هند بمنصب سپهداری و در ۱۰۵۲ ﻫ صدارت دهلی یافته (متوفی ۱۰۵۷ ﻫ) مینویسد که ملامحمد صوفی مازندرانی

درحوالی از ایران آمده اکثر ممالک هندوستان را بعزم سیر و سیاحت پیموده در احمد ـ آباد رنگ سکونت ریخت (اقامت گزید) و میر (سید جلال صدر) تعلق خاطر بهم رسانیده تعلیم او مینمود . سیف خان صوبه دار (استاندار) گجرات اعتقادی باملا داشت [1]

درزمان اقامت ملاصوفی در گجرات میرزا غازی ترخان [2] متخلص به وقاری (متوفی ۱۰۲۱ه) که از طرف جهانگیر شاه حاکم تته و قندهار بود ملا را از گجرات بقندهار دعوت کرد و وی بعذر کبر سن و دوری راه از قبول دعوت خان ادب پرور سر باز زد و جوا

ان عزیز ... ورود گار سازگار استماع اخلاق و اطوار و اوضاع ایشان تخم محبت در دل محمد (ملامحمد صوفی) کشته بود و رسیدن نامه گرامی چون آفتاب بحمل و باران بمحل آن را بکمال رسانید اکنون شوق دیدار عالی بسو لیکن مسافت بعد اند ... باعث ناتوانی فرو گرفته . [1]

ملاصوفی (درحدود ۱۰۲۲ه) باجمیر رفت و مؤلف «میخانه» اورا آنجا ملاقات کرده و تحت تأثیر علم و اخلاق وی قرار گرفت چنانکه در تذکره خود از علم و اخلاق وی بسیار تعریف نموده است مؤلف «میخانه» میگوید که میرصوفی بوی گفت که او دوازده سال در مکه معظمه توطن نموده و در آن ایام هر سال یکبار بزیارت مدینه میرفت و بعد از زیارت رسول بمکه معاودت می کرد و اینکه کمتر جائی در دنیا مانده که وی آنجا را ندیده باشد وی گجرات را وطن خود قرار داده و گاهی بقصد گردش و سیاحت باطراف و اکناف آن شهرستان میرفت و بقول خودش باجمیر مخصوصاً برای زیارت قطب المحققین خواجه معین الدین چشتی مسافرت کرد

۱ـ رک مآثرالامرا ج۳ ص٤٤٧ ـ ٤٥١

۲ـ برای شرح حال او رجوع شود به تورک جهانگیری ص۱۱۰ و میخانه ص٤ ـ ۲۹۰

۳ـ رک بیاض شماره ۲۳۷ مجلس شورای ملی تهران ص۲۰۳ مورخ ۱۰۵۹ه بخط محمد صالح برادرزاده اسکندر بیک منشی مولف تاریخ عالم آرای عباسی که در «میخانه» که باهتمام آقای گلچین معانی چاپ شده است (در حاشیه ص٤٧٨) نیز ذکر شده است

درهمان اثناء جهانگیرشاه بالشکر خود باجمیر آمد و برای مدت دست کم سه سال (۵ شوال ۱۰۲۲ تا اول ذوالقعده ۱۰۲۵ھ) در آن شهر اقامت نمود ملا هیچکدام از اعیان شاه را مطابق ذوق خود ندید ولی در نتیجه اصرار واشتیاق بزرگ اهلی برای مدتی زلّ وی رفت اما آنجا کمتر شگفته و بارمیسد و کمتر بگفت و سیدمیپرداخت و خره بکلبه درویشی خود برگشت وچون در آن شهر عده مریدان وطالبان وی بسیار ست بامقتضای طبیعت خلوت پسند خود تصمیم گرفت آن شهر را ترك گفته بگجرات ودت نماید

درموقع تألیف عرفات دوسال بود تقی اوحدی ازخدمت ملاصوفی جدا شده بود. درعرفات مینویسد که دراول بین صوفی ونظیری دوستی نزدیکی وجود داشت و هی آنها بمناظره و مباحثه میپرداختند اما درآخر ملاصوفی ازنظیری رنجیده شد. ظاهراً علت رنجش ملا این بیت کنایت آمیز نظیریست که ضمن غزلی درباره گفته است [1].

یش برون چه کنی پشم گوسفند   گرگی که در درون ست ترا گوسفند کش

بنابراین موقعیکه نظیری برای آخرین بار مریض شد ملاصوفی برای عیادت نرفت اما چون نظیری فوت کرد سرجنازه وی حاضر شد

تقی اوحدی ملاصوفی را دوباره در ۱۰۲۵ھ در گجرات ملاقات کرد

بروایت مؤلف «مآثرالامراء» جهانگیر ملا راپیش خود احضار نمود وسیف خان ندار گجرات که باملا علاقه وارادت فراوانی داشت باچار ملا را بخدمت پادشاه فرستاد ملاصوفی درراه (درسرهند) فوت کرد [2] ودر آن حالت این رباعی سرود

---

۱ ـ این بیت درمیخانه ص ۷۹۷ وکلیات نظیری مطبوعه لکهنو ۱۸۷٤ م، ص ۲٤۹ ۱ آمده است

۲ ـ درتذکرة الشعرای غنی (ص ۱۲۲) آمده است که ملامحمدصوفی مازندرانی (متوفی ۱۰ھ) با ابوحیان وملاحسن یزدی بهند آمد و درکشمیر توطن گزید وبخواهش جهانگیر لی رفت و در سرهند فوت کرد صاحب تذکره آتشکده لقبش را تخلص دانسته اورا هائی خوانده . . . » اما توطن ملا در کشمیر ورفتن وی بدهلی بخواهش جهانگیر ق ومسلم نیست

ای شاه سه تحت و به نگین میماند ار بهر تو یك دو گز زمین میماند
صندوق حسود و کاسه درویشان را حالی کن و پر کن که همین میماند
چون پادشاه سید سیارمتأثر وملول گشت

مؤلف « صحف ابراهیم » سال فوت ملاصوفی را۱۰۳۲ ه و خوشگو۱۰۳۵ ه نوشته است وروایت اخیرالذکر اصح است چنانکه این مصرع ماده تاریخ فوت ملارا میرساند

محردانه یکی شد بحق محمد صوفی (= ۱۰۳۵ ه)

آثار ملاصوفی

آثار ملاصوفی بدین قرار است

۱ ـ بتخانه ـ مجموعه اشعار منتخب ازقدما بقول عبداللطیف گجراتی چهل و پنج هزار بیت و بروایت مؤلف میخانه (ص۴۷۸) شصت هزار بیت دارد. برای نسخه رجوع شود به بادلین س ۳٦٦

۲ ـ دیوان اشعار ـ بقول مؤلف میخانه (ص ۴۷۹) « هزار بیت و کسری دارد». برای نسخ خطی آن رجوع شود به بانکی پور ح۲ س۳۰۱ وهامبورگ ح۴ ش۱۹۱ و مونیخ س ۱۸ (٦) واسپرنگر س ۳۸۲

۳ ـ ساقی نامه ـ برای نسخ آن رجوع شود به بانکی پور ج۳ ص۲٦۲ و ح ۹ ص۱۳۹ و برلن ش۱۸ ح۲ و ۱۰ الف وهامبورگ ش۱۹۱ (۴) ومونیخ ۱۸ (۳) واشپرنگر ۱۸۷ ـ این ساقی نامه درمیخانه ص۴۷۹-۴۹۱ وانیس العشاق شیخ احمد سندیلوی وسفینه‌ای خطی متعلق بآقای فرخ خراسانی (که آقای گلچین در تصحیح وتکمیل ساقی نامه ملاصوفی درمیخانه ازآن استفاده نموده است) آمده است

۴ ـ اشعار متفرقه ـ که دردیوان وی نیست ـ سه هزار بیت ـ (رجوع شود به میخانه ص ۴۷۹)

شرح حال عبداللطیف

مآخذی که دردست داریم اطلاعات زیادی درباره وقایع زندگانی عبداللطیف

حراتی نمیرساند وحتی اطلاعاتی درباره سال تولدو آمورس و تعلیم و اوضاع دیگر اوایل زندگی اودردست نیست

عبداللطیف عباسی گجراتی در گجرات متولد شد محمد صالح کنبوه مؤلف «عمل صالح» اورا اهل گجرات نوشته وعبدالحمید لاهوری مؤلف «پادشاه نامه» نیز قول اورا تائید نموده است عبداللطیف در مقدمه خلاصة الشعرا وطن خودرا احمد آباد نوشته است واینکه در ۱۰۱۰ ﻫ وقتیکه مولانا محمدصوفی مازندرانی ترتیب «بتخانه» را باتمام رسانید وی دراحمدآباد بود

عبداللطیف مدتی درخدمت لشکرخان مشهدی بوده است واین کتاب را نیز بنام عنوان کرده است

لشکرخان درزمان جهانگیرشاه دیوان کابل ودرزمان شاه جهان شاه صوبه‌دار (استاندار) کابل بود

عبداللطیف وقایع نگار لشکرخان بودوخدمتی نامه نام خانخان و آصفخان و مهابتخان ودیگران ازطرف لشکرخان نوشته است [1] طبق توضیحی که عبداللطیف درمقدمه خلاصة الشعرا داده است لشکرخان اورا «جهت تفحص محاسبات دیوانی کل صوبه (استان) بنگال واودیسه تنها گذاشته خودش عازم دربارجهانگیرشاه شد وسپس بعداز مدتی عبداللطیف نیز رهسپار دارالخلافه آگره شده ودرراه فرصتی بدست آورده درکار تدوین این کتاب توفیق حاصل نمود

مؤلف « بادشاه‌نامه » مینویسد که عبداللطیف در ۸ جمادی الاول ۱۰۴۲ ﻫ وارد خدمت شاهی شد ودرسال پنجم جلوس شاه جهان (= ۱۰۴۲ ﻫ) بسمت دیوانی (وزارت مواجب) بجای زاهدی داس منصوب گشت ودر ۱۰ شعبان ۱۰۴۵ ﻫ شاه جهان اورا نزدحاکم گولکنده اعزام نمود باید توجه داشت که سلاطین گولکنده همیشه با شاه جهان مناسبات خوبی داشتند ومخصوصاً درایامی که وی علیه پدرخوددست بطغیان زده بود بوی کمک کردند وموقعیکه شاه جهان برای فرونشاندن شورش خان، جهان لودی

---

۱ ــ مجموعه‌ای بادرازاین نامه ها درانجمن آسیائی بنگال ذخیره کرزن (ش۳۶٤) موجوداست و مجموعه دیگر از این نامه‌ها درکتابخانه شرقی تیپوسلطان میسورهم موجود بود (ر ك ش ١٤ فهرست کتابخانه تیپوسلطان)

[illegible] (KOS) [illegible] (SOK) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مراجعت نمود. وچهل لك[1] نقد و مقدار زیادی از تحایف قیمتی همراه خود آورد[2] و در ازای این موفقیت شاهجهان عبداللطیف را لقب عقیدت خان اعطا نمود[3] و منصب یکهزار پیاده و چهارصد سوار منصوب کرد[4] اما بعلت بیماری عبداللطیف قادر باجرای وظایف خود نبود و بنابراین در ۵ ذوالقعد ۱۰۴۷ ه اورا از سمت دیوانی تن معزول نموده این سمت را بجای او بدویانت رای محول کردند[5]

متأسفانه تاریخ دقیق وفات عبداللطیف معلوم نیست اما این قدر حتمی است که وی در سال ۱۲ سلطنت شاهجهان (یعنی ۴۹-۱۰۴۸ ه) فوت کرده است[6]

آثار عبداللطیف

عبداللطیف آثار بسیاری داشته است اما تنها بعضی از آنها از دستخوش حوادث روزگار بجا مانده است

مؤلف «عمل صالح» مینویسد که عبداللطیف برای تألیف تاریخ سلطنت شاهجهان مورد گشت امادر نتیجه حسادت رفقا از آن مأموریت برکنار شد

بعضی از آثار عبداللطیف بقرار زیر است

(۱) خلاصة الشعرا (تذکره مورد بحث)

(۲) رقعات یا انشاء عبداللطیف

(۳) شرح مثنوی مولانا رومی (شروع در سال ۱۰۲۴ ه و اتمام در ۱۰۳۸ ه)

(٤) نسخه ناسخه مثنویات سقیمه شامل شرح وضمایم مثنوی مولانا رومی و شرح

۱ ــ یعنی چهار میلیون (یك لك = صد هزار)

۲ ــ ر.ك منتخب اللباب ج ۱ ص ۳

۳ ــ ر ك پادشاه نامه ج۳ ص ۱۲

٤ ــ عمل صالح ج ۱ ص ٤۳۸

۵ ــ پادشاه نامه ج ۲ ص ۹۲

٦ ــ حقیقت الحقیقت ــ مرتبه ج ــ استفنس (ر . ك . فهرست موزه بریتانیا ج ۳ ص ۵۸۹)

اسعار مشکله‌مثنوی (آغاردر۱۰۳٦ھ) سح این کتاب در کتابخانه‌های اندیا آفس وداشگاه کمبریج‌وبادلین وموزه‌بریتانیا وایشیاتك سوسائتی بنگال(دخیره کرزن) موحوداست

(٥) لطایف‌اللغات یافرهنگ‌لغات مثنوی‌رومی (تألیف‌بین ۱۰۳۲و۱۰۳۸ ھ) سح‌این کتاب‌در کتابخانه‌های‌ایشیاتك‌سوسائتی‌بنگال‌وموزه بریتانیاواندیا آفس و دانسکده اتن Eton وگلاسگو وبانکی پور موجود است ودر ۱۸۸۷ م در لکهنو (نولکشور)ودر ۱۹۰٥درکانپور بطبع رسیده‌است

(٦) لطایف‌المعنوی من حقایق المثنوی در سرح مثنوی مولانا رومی که عبداللطیف درحدود ۱۰۳۷ ھ تألیف‌نموده‌است سح‌خطی این کتاب در کتابخانه های ایسیاتك‌سوسائتی‌بنگال و موزه بریتانیا و دانسکده بمبئی و بادلین‌موجوداست‌و درکتابخانه شهوادبیرموجود بود (رجوع‌سودبه اشپرنگر) در۱۸٦٦م درلکهنوودر ۱۸۷٦ م‌درکانپور(هند)بطبع‌رسیده‌است

(۷) مرآت‌المثنوی ـ سرح‌دیگر برمثنوی‌مولانارومی ـ برای نسخه رجوع شود به‌اته س ۱۱۰۲

(۸) لطایف الحقایق من نفایس الدقایق ـ عبداللطیف تألیف این کتاب را در۱۰٤۰ھ آغازودر۱۰٤۱ھ باهمکاری میرعمادالدین‌محمودالهی باتمام رسانید . این کتاب‌درشرح‌حال‌حدیقه‌سنائی‌است وشامل سرح‌ومتن‌مثنوی‌حدیقه‌میباشد سح‌این کتاب درکتابخانه‌های اندیا آفس و دانسگاه ادنبرگ ودانسگاه پنجاب لاهور و دانشگاه‌علیگرو بوهار وبانکی‌پور موجوداست و نولکشورلکهنو آن‌را در ۱۸۸٦ م بچاپ‌رسانیده‌است.

(۹) سرح‌حدیقه ـ این کتاب‌نیزدرسرح حدیقهٔ سنائی است اما‌متن‌مثنوی را ندارد عبداللطیف آن‌را در۱۰٤٤ ھ تألیف‌نموده‌است سح آن درکتابخانه های اندیاآفس‌وانجمن آسیائی‌بنگال(دخیره کرزن)موجوداست

تبصره بر کتاب

عبداللطیف این کتاب (خلاصة الشعرا) را در ١٠٢١ هـ تألیف نموده است چنانکه مصرع فرد «فهرست لطیف بس عجیب است» که در مقدمه آمده است میرساند

درمورد سبب تألیف کتاب عبداللطیف در مقدمهٔ خلاصة الشعرا چنین توضیح میدهد که مولانا محمد صوفی بخواهش میرزا حسن بیگ خاکی وزیر مجموعه ای بنام «منتخانه» ترتیب داد مشتمل بر چهل و پنج هزار بیت از سی و شش دیوان در سبب بود شاعر دیگر که صاحب دیوان بود ولی دیوانشان بنظر او نرسیده و اشعارشان در مجموعه های دیگر ثبت شده بود و همچنین اشعار شعرای دیگر که «صاحب دیوان نیستند و اشعار متفرقه شان در میان است تیمناً از چهار لك (یعنی چهارصد هزار) بیت بر گزیده و درسنه عشر و الف (١٠١٠ هـ) موافق سنه و اربعین (٤٩) جلوس اکبری جهانبانان را از جمع نمودن دواوین و نسخ شعری بی نیاز گردانید

ولی در آن وقت التفاتی بآن ننمود که عنوان کتاب را بدساخته شری دلپذیر مزین دارد. و اسامی شعرا این کتاب را هم خواه موافق تقدیم و تأخیر زمان و خواه مطابق رتبه و حال سخن ایشان ترتیبی دهد و سلك فهرست آنها را نظمی بخشد که فی الفور طالبان علم (و) سخن بروهی بی شعر و منتخب هر کس برند

(درهر حال شده) عبداللطیف ابن عبدالله العباسی که از باریافتگان کنار بساط آن عارف یعنی بود و خود را از زمره ریزه چینان خوان آن نعمت بیدریغ میشمرد و در استکتاب و مقابله آن کتاب مستطاب بقدر (ی) دخلی داشت و در اصل ترتیب این نسخه در بلده طیبه احمد آباد گجرات   که وطن مجاری این اقل العباد صورت انعقاد پذیرفته بر ذمه حق گذاری و سپاسداری لازم داشت جند کلمه بر سبیل یادگار بگاشته قلم شکسته رقم گرداند . . . تا هر کس بمطالعهٔ این کتاب فایز گردد بداند که جامع این نسخه کیست و در چه وقت و زمان ترتیب یافته و هر شاعری کی بوده واسم

او کجا نوشته شده و ممدوحش که بوده است و بطفیل این بزرگان نام گمنام این کمترین نیز . . مذکور السنه و افواه ارباب فضل و کمال گردد . .

«سپس خاطرم رسید که احوال شعرائی که اشعارشان در این کتاب منتخب شده بر سبیل اجمال نوشته شود تا خوانندگان آن از رجوع بتذکره های شعرا نیز مستغنی گردند و سابراین مجمل احوال شعرا حاوی اطلاعاتی راجع بزمان وفات آنها و عهد سلاطین که آنها در آن عصر زندگی میکردند و بعضی مطالب لازم دیگر با یجاز و اختصار بنویسد گرچه علت وسبب تألیف این امر همین دیباجه نتجانه بود ولی در ضمن تتبع احوال شعرا جمعی دیگر از اکابر که داخل نتجانه نیستند هم بنظر آمد که ترك آنها مناسب ندانسته همه را مجملا «موافق طبقات سعد فلکی» (یعنی در هفت طبقه) نوشت و آن را موسوم بخلاصة الشعرا ساخت و آنچه به نتجانه نسبت داشت بر فوق این نسخه نوشت »

درمورد ترتیب اسامی شعرا عبداللطیف در دیباچه چنین توضیح میدهد «اسامی شعرای این نسخه را آنچه تاریخ وفاتشان مشخص بنظر در آمد موافق تقدیم و تأخیر زمان ایشان و آنچه تاریخ فوت آنها مشخص نیافت بقیاس تاریخ فوت ممدوح و معاصران آنها نوشت »

عبداللطیف درمقدمهٔ کتاب اسامی کتابهای زیر را آورده است که از آن در تألیف این تذکره استفاده کرده است

١ - تذکره دولتشاه سمرقندی

٢ - نفایس المآثر علاء الدوله قزوینی

٣ - تذکره عوفی

٤ - منتخب التواریخ - میرزا حسن بیگ خاکی

٥ - روضة الصفا

٦ - حبیب السیر

٧ - مجمل فصیحی

۸ - تاریخ ابن‌حلکان

۹ - تاریح حهانگشای عطاملك حوینی

۱۰ - تاریخ‌رشیدی - مررا حیدر کشمیری گورکان

۱۱ - اکبرنامه ابوالفضل

۱۲ - تاریح نطام‌الدین احمد نحشی (طبقات اکبری)

۱۳ - تاریح‌فیروزشاهی (صیاء الدین برنی)

۱۴ - طبقات ناصری

۱۵ - تاریح ساکتی

۱۶ - نفحات الانس

۱۷ - تاریح‌جهان‌آرا احمد عفاری

۱۸ - تاریح بیهقی

مؤلف مینویسد که عیر ار کتب فوق‌وی ار «حندین‌تدکره وتاریح معتبر» دیگر نیر استفاده نموده‌است

جنانکه‌عبداللطیف‌در مقدمهٔ کتاب توصیح‌داده‌است این کتاب را نام حواجه ابوالحسن‌مشهدی‌المحاطب(ملقب) نه‌لشکرحان‌عنوان کرده‌است

این‌تدکره‌مشتمل است بردوحلد حلداول‌آن‌با «ابوالفرح رونی» شروع شده‌با «نجیب‌حرنادقانی» تمام‌میشود وحلددوم با «انتحاب دیوان عنصری» شروع شده‌با«رکی‌مراعه‌ای (ناقص‌الاحر) »تمام‌میشود ومشتمل است برمقدمه‌وشرح‌حال شعرا[1] وفهرست‌اسامی‌شعراواشعارمنتحب ار دیوان۳۶ شاعرریر

۱ - ابوالفرح‌رونی	۲ - حکیم اررقی
۳ - محیرالدین بیلقانی	۴ - جمال‌الدین عبدالرراق

---

۱ - مولف ارجمله‌شعرا شرح‌حال‌تنها ۶۸شاعررا دراین‌کتاب‌آورده است.

۵ - کمال الدین اسمعیل

٦ - رشید وطواط

۷ - حسن اشرفی سمرقندی

۸ - ابوالمجد محدود سائی عزنوی

۹ - حسن عزنوی

۱۰ - مسعود سعدبن سلمان

۱۱ - اوحد الدین انوری

۱۲ - ناصر حسرو اصفهانی

۱۳ - افضل‌الدین حاقانی

۱٤ - ادیب صابر

۱۵ - رضی الدین نیشابوری

۱٦ - نجیب الدین جربادقی

۱۷ - حکیم‌عصری

۱۸ - اثیر اومانی

۱۹ - امیر احسیکتی

۲۰ - اوحدی مراغه‌ای اصفهانی

۲۱ - امیرمعزی هروی

۲۲ - سعدی سیرازی

۲۳ - فخر الدین عراقی

۲٤ - عمر حیام

۲۵ - مجدالدین همگر سیرازی

۲٦ - حلال عضد یزدی

۲۷ - عبدالواسع جبلی

۲۸ - عمادی سهریاری عزنوی

۲۹ - عثمان مختاری عزنوی

۳۰ - مطهر

۳۱ - قاسم انوار

۳۲ - مولانای روم بلخی

۳۳ - فریدالدین عطار

۳٤ - شیخ معربی تبریزی

۳۵ - ظهیر فاریابی

۳٦ - امیر حسرو دهلوی

سپس اشعاری از ۹۰ ساعر را تحت عنوان (عریبلر) آورده است که اول آنها

«بهاءالدین بغدادی» و آخرشان سیح روزبهان» میبد. و درباره آنها مؤلف خبر

توضیح میدهد که اگرچه بعضی از این اکابر صاحب

دیوانشان بطرعارف الهی مولانا محمد(صوفی) نرسیده واشعاری که در م

تسبود انتخاب شد اما از این شعرا اشعار منتخب از دیوان « عمادالدین شهریاری»

رامؤلف به نام « عمادی شهریاری عرنوی » در قسمت اول درذیل شماره ۲۸ آورده

سپس اسعار متفرق ارقریب ۶۲ شاعر آورده است که اولشان رودکی و آخرشان رکی مراغه ای [1] است .

اسم بعضی ار این شعرا رامکرر آورده است چنانکه اشعار خواجه نصرالدین طوسی را اول درذیل شماره ٤٤ آورده است وسپس دوباره اشعاردیگر درذیل شماره ۵۹ نقل کرده است همچنین اشعارعین القضاة را درذیل شماره های ۲۰ و۶۲ نقل کرده

رویهمرفته این تذکره مشتمل است برشرح حال ۶۷ شاعر و اشعار منتخب ار قریب به صدوهستاد وهشت (۱۸۸) شاعر [2] .

مؤلف درضمن شرح حال شعرا تاریخ وفات سلاطین و بعضی اولیاء و اکابری که اسمشان آنجا ذکر شده نیز قید کرده است تا علاوه براحوال شعرا تاریخ سلاطین و مشایخ واثمه رمان این شعرا نیز آشکار گردد .

شرح حال شعرای زیررا مفصل آورده است

کمال الدین اسمعیل ورشید وطواط وسنائی وحسن غزنوی ومسعود سعد بن سلمان واحدالدین انوری و ناصرخسرو وخاقانی وادیب صابر و اوحدی مراغه ای و معزی هروی وسعدی شیرازی وفخرالدین عراقی و قاسم انوار ومطهر (ار مداحان سلطان فیروزشاه ۷۵۲ ــ ۷۹۰ ﻫ) ومولانا رومی بلخی وامیر خسرودهلوی ورویهمرفته شرح حال سنائی (در ۱½ ص) و ناصرخسرو وامیر خسرو (هر کدام در ۲½ ص) را مفصل تر ارسایرین آورده است .

---

۱ ــ نسخه مجلس ناقص الاخر است وآنجا اسم شاعر آخر رکی مراغه ای آمده است

۲ ــ درفهرست بادلین ش ۳۶۶ اسامی ۱۲۰ شاعر آمده است (ص ۱۹۷ الف تا ۲۰۳ ب) که اول آنها ابوالفرج رونی وآخرشان شیخ مهستی است اما چون اسم نصیر طوسی در ذیل شماره های ۹۲ و ۱۰۷ واسم مسعود بن سعد درذیل شماره های ٤ و ۱۱۱ مکرر آمده است بنابراین عده کل شعرا ارروی نسخه بادلین ۱۱۸ میباشد .

همچنین اشعار منتخب ازدیوان ۳٦ شاعر را که اسامی آنها درسطور فوق گذشت نیز خیلی مفصل آورده است . امادر قسمت آخر کتاب اشعار شعرا راغالباً مختصر نقل کرده است .

مؤلف در ذیل نام ابوالفرح رونی اصل ویرا از سیستان ومداح بوعلی سیمجور نوشته ومیگوید که وی درزمان ابراهیم بن مسعود بن محمود در رجب ٤۹۲ھ در گذشته است واز این جهت معلوم میشود که وی ابوالفرج رونی را با ابوالفرج سیستانی [1] اشتباه کرده است ، بروایت تقی کاشانی ابوالفرج رونی در ٤۸۹ھ و بروایت «تاریخ نادر الزمانی» (ص ۲٦٥ ش ۱٦۸) در ٤۸۲ھ یکسال بعد از فوت ابراهیم بن مسعود بن محمود در گذشته است همچنین سال وفات رودکی را بجای « ۳۲۹ ھ » سال ٤۰۷ ھ آورده است

ازجمله شعرای مذکور این تذکره مؤلف تجاذبه (ملامحمد صوفی) ادعا کرده است که ذکر مطهر که اشعار منتخب ازدیوان او وشرح حال وی در این تذکره بطور مفصل آمده است درهیچ تذکرهٔ دیگری نیامده است .

روی همرفته این تذکره ازحیث انتخاب اشعار دارای اهمیت بسیار میباشد مخصوصاً چون ملاصوفی که این اشعار را انتخاب نموده است دارای ذوق عالی بوده و هرچه انتخاب کرده است نغز ولطیف و آینه قریحه ظریف وی میباشد

این تذکره مشتمل است بر همه طبقه و هر طبقهٔ آن احوال واشعار چندین شاعر مشهور واشعار منتخب و گاهی نادر آنرا شامل است شرح حال شعرا اگرچه غالباً خیلی مختصر است اما گاهی اطلاعات مفیدی را درباره بعضی از آنها میرساند که درهیچ تذکره دیگر یافت نمیشود مؤلف اکثر کتب خیلی معتبر وموثق را مأخذ خود قرار داده و بقول خودش با چندین تذکره وتاریخ معتبر تطبیق وتلفیق نموده واختلاف روایات واحوال آنان را نیز در این تذکره قید کرده است وهمچنین میگوید « درآنچه

---

۱ ــ رك اسپرنگر ص ۳۰۸ و ریو ج ۲ ص ٥٤۷

لازمه تفتیش و تحقیق است دقیقه فرو گذاشت نگشته» اما گاهی مرتکب بعضی اسماهات بزرگی شده است چنان که در مورد ابوالفرج رونی و رودکی در سطور فوق

سبک انشای مؤلف در مقدمه بسیار مصنوع است اما شرح حال شعرا را به نثر ساده نوشته است

نسخ خطی خلاصه الشعرا

۱ ـ بادلین ص۳٦٦ (ناقص الاخر و نیز بعضی صفحات از دیوان منتخب از این افتاده و همچنین رباعیات عمر خیام و اشعار ادیب صابر را اصلا ندارد)

۲ ـ مجلس ص ۱۲۰ و ۱۳۲ از کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (در دو جلد که تنها در آخر آن چند صفحه افتاده است جلد اول آن مشتمل بر ۷۱۵ ص صفحه‌ای ۲۱ سطر و جلد دوم مشتمل بر ٦۱۷ ص و صفحه‌ای ۲۱ سطر میباشد)

برای **شرح حال و آثار ملاصوفی مازندرانی** رجوع شود به خلاصه ـ الاشعار و میخانه (ص ۸۰ ـ ٤۷٦) و عرفات العاشقین و لطائف الخیال و مآثر الامراء ج ۳ ص ٤٤٤ ـ ٤٥۱ (در ذیل ترجمه میر سید جلال صدر) و بیاض شماره ۲۳۷ مجلس تهران مورخ ۱۰۵۹ هـ بخط محمد صالح برادرزاده اسکندر بیگ منشی مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی و خلاصه الشعرا (مقدمه) و صحف ابراهیم و خوشگو و اسپرنگر و فهرست بانکی‌پور ج ۳ ص ٦۱

برای **شرح حال و آثار عبداللطیف عباسی** رجوع شود به عمل صالح ج۳ تألیف محمد صالح کنبوه و پادشاه نامهٔ ج۱ تألیف عبدالحمید لاهوری و خلاصة الشعرا (مقدمه) و منتخب اللباب ج۱ ص ۵۲۳ و حقیقت الحقیقت مرتبه ج استفنسن

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شود به فهرست بادلین ص۱۹۷ الف الی ص۲۰۳ ب [1]

---

۱ ـ در این فهرست تنها اسم ۱۲۰ (بلکه ۱۱۸) شاعر ذکر شده است اما در نسخه مجلس در فهرست کتاب اسم ۱۲٦ شاعر و اشعار قریب ٦۲ شاعر دیگر آمده است

عرفات العاشقین

ابتدا

« بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم - ومن دخل کان امنا. رباعی

ای آنکه ترا درحرم‌دل بار است گر باحجرالاسودعشقت کاراست

احرام‌طواف‌معرفت‌بسته درآی کاینجا عرفات کعبه دیدار است

تیمناً و تبرکاً افتتاح کلام در این مقام بنام احدیست قدیم صمدی واجب التعظیم جل شأنه و عظم مکانه

شرح حال مولف

مؤلف‌این کتاب تقی‌الدین‌محمدالحسینی‌الاوحدی الدقاقی‌البلیانی‌ثم‌الصفاهانی متخلص به «تقی» است (چنانکه اشپرنگر وایوانوف ذکر کرده‌اند و در تذکره‌مخزن الغرایب ودیگر تذکره‌ها تقی‌اوحدی ذکرشده‌واکثر آنهاذکراورا تحت‌حرف «ت» آورده‌اند) اماعبدالمقتدر درفهرست‌بانکی‌پور تخلص‌وی‌را «اوحدی» مینویسد که‌محققاً اشتباه‌است اسم پدرمؤلف معین‌الدین محمد ابن سعدالدین محمد [1] است و نسبش بهفت واسطه‌بشیخ‌المشایخ‌اوحدالدین عبدالله‌الفارسی‌البلیانی [2] میرسد وبچندواسطه بشیخ ابوعلی‌دقاق [3] وازوی بچندواسطه بامام موسی‌کاظم میرسد

بلیان که‌وطن اجدادمؤلف‌قریه‌ایست ازتوابع‌کازرون فارس بروایت‌مؤلف اجداد وی‌اهل‌علم‌وفضل وصاحب «خرقه وسجاده بلکه‌هادی‌ومهدی زمان ودوران» خودبوده‌اند پدرمؤلف‌درزمانیکه‌ازاصفهان‌بفارس‌رفته‌بودهمانجافوت کردومؤلف اصلااورا ندیده بود امادر«مخزن‌الغرایب»درذیل‌شیخ‌معین‌الدین‌محمداوحدی‌آمده است که‌او والدمولانا‌تقی‌الدین‌اوحدی‌صاحب‌تذکره‌عرفات‌است‌ودرقزوین گاهی‌شاه

۱ - رک استوری ج۱ص۸۰۸

۲ - برای شرح‌حال شیخ اوحدالدین رک نفحات‌الانس ص۲۱۹و سفینة الاولیا ص ۱۸۰

۳ - برای‌شرح‌حال‌ابوعلی‌دقاق‌متوفی۴۰۵ یا۴۰۶ ه رجوع‌شودبه تذکرةالاولیا ج۱ ص۱۸۷-۲۰۱ و نفحات‌الانس ص۳۲۸-۳۳۱وسفینةالاولیاص۱۵۹

طهماسب صفوی در مجلس وی حضور نمییافت و شیخ معین الدین از قزوین بشیراز و از آنجا به هندرفت ودردکن در ۹۷۹ ه فوت کرد و قول آخر صاحب مخزن الغرایب با گفته خود تقی اوحدی منافیست و اختلاف دارد چون وی میگوید که پدرش در فارس فوت کرده است

مؤلف در عصر چهارشنبه ۳ محرم ۹۷۳ ه در اصفهان بدنیا آمد و بیت زیر از قطعه ایکه مؤلف در شرح حال خود آورده است سال تولد وی را میرساند

زانکه تاریخ سال مولودم طلب شاه نعمت الله است (=۹۶۳ه)

تقی اوحدی هنوز دوازده ساله بود که مادرش هم بدورحیات گفت و او از پدرومادر هردو محروم شد

مؤلف در کوچکی بعد از ختم قرآن فرا گرفتن صرف و نحو و منطق و ریاضی را شروع کرد وسپس بتحصیل حکمت واخلاق مشغول گشت اما بمقتضای سن کوچک خود زودی از تحصیل حکمت و اخلاق دست کشید

وی از کوچکی بمطالعه شعر میپرداخت و از سن ده سالگی شعر میسرود ولی چون مادرش اورا از گفتن شعر منع میکرد وی در زمان حیات مادر از شعر گوئی منصرف شد چون سانزده ساله شد پا در عرصه تصوف و عرفان نهاد و در گوشه عزلت نشست

مؤلف با دوازده سالگی در اصفهان « نشو و نما » یافت و بعد از آن برای یکسال در یزد بزد خویشاوندان و اقارب خود سر برده و سپس باصفهان مراجعت نمود و تا سیزده سالگی در آن شهر سکونت داشت

سپس بفارس رفت و آنجا تا چهار سال « بخدمت عرفا و ظرفا و علما و شعرای محققین ومدققین » بوده وهمانجا با دختر مولانا منرفاری که پسر عموی پدر او بوده ازدواج کرد

در سن بیست سالگی از شیراز بعراق رفت و در ۹۹۵ه هنگامیکه در اصفهان هرج ومرج عظیمی روی داد وی در اردوی سلطان محمد خدابنده صفوی (۹۸۵-۹۹۶ه) بود بالاخره چون شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶ ۱۰۳۸ه) از خراسان بقزوین رفت تقی

اوحدی باتفاق امرای دربار صفوی از اصفهان بسیر کاشان و قم رفته و بالاخره واردِ اردوی شاه عباس صفوی شد و یکسال را آنجا بسر برده از راه اصفهان بشیراز رفت و آنجا پنج سال اقامت داشت

در سنه ۱۰۰۰ هـ موقعیکه عبدالله خان اوزبك در مشهد دست بقتل عام زد و شاه عباس صفوی بطرف مشهد شتافت تقی اوحدی از فارس بعراق رفت و چون خبر فتح و مراجعت پادشاه ایران بعراق رسید باصفهان برگشت و چون سبب در جشن فتح و نصرت پادشاه چراغان کردند مؤلف مناسب آن موقع رباعی سرود و پیش شاه گذرانید

سپس مؤلف با اردوی شاهی از اصفهان بقزوین رفت و آنجا مقدار زیادی شعر سرود و ظاهراً بعداً باصفهان مراجعت کرد و هنگامیکه اردوی شاهی از اصفهان کوچ میکرد مؤلف بعلت بیماری و ضعف عظیم از «دولت ملازمت» استعفا کرده و یکسال در اصفهان اقامت نمود و در موقعیکه آثار طاعون در آن شهر پیدا شد وی به یزد و جرد رفته یکسال آنجا توقف نمود و دوباره بوطن خود اصفهان برگشت و تا سال ۱۰۰۵ هـ در عراق عجم سکونت داشت سپس بقصد زیارت عتبات عالیه عراق عرب رفت و آنجا چهار سال اقامت داشت و در سنه ۱۰۰۸ هـ از راه همدان زادگاه خود اصفهان مراجعت کرد و آنجا تا آخر سال ۱۰۱۴ هـ سکونت داشت

در اول رجب ۱۰۱۵ هـ مؤلف باتفاق جمعی از دوستان عازم هندوستان شد و از عراق عجم بشیراز و از آنجا بکرمان و قندهار و از آنجا به لوهاور (لاهور) رفت در راه خبر فوت اکبرشاه[1] و جلوس جهانگیرشاه (۱۰۱۴ هـ) را شنید[2] یکسال و نیم در لاهور توقف نمود و سپس همراه اردوی جهانگیرشاه عازم آگره شد و بعد از یکسال و کسری

۱ــ مولف مخزن الغرایب درذیل اسم تقی اوحدی مینویسد درعهد اکبرشاه و نورالدین جهانگیر بهندوستان جنت نشان آمده . » که با قول مولف اختلاف دارد

۲ــ مولف درذیل شرح حال خود بتعریف و توصیف زیادی از جهانگیرشاه سترمصوع پرداخته است

بگجرات رفت درسال ۱۰۲۰ه تصمیم گرفت بحجاز عزیمت نماید اما عملی نشد و بالاخره باگره مراجعت کرد درموقع تألیف کتاب عرفات یکسال و نیم بود که در آگره اقامت داشت وسن مؤلف درحدود چهل و نه سال بود

سپس مؤلف باحمدآباد گجرات رفت چون درسال ۱۰۳٦ه کتاب «کعبه عرفان» را دراحمدآباد انتخاب و ترتیب داد چنانکه در نسخه کعبه عرفان متعلق بکتابخانه بانکی پور توضیح ذیل آمده است

«این نسخه که کعبه عرفان است ازعرفات دراحمدآباد گجرات (درسنه) ۱۰۳٦ه منتخب شد»

مؤلف تاسال ۱۰۳۹ه در قید حیات بود چنانکه در نسخه خطی ش ۷۳۳ فهرست ایوانو اشعاری مورخ ۱۰۳۸ و ۱۰۳۹ را از خودش نقل کرده است

بقیهٔ احوال مؤلف بدست نرسید و سال فوت وی بروایت تذکرهٔ الشعراء غنی ۱۰۵۰ه است[1] اما مأخذ اصلی این روایت معلوم نشد

آثار مولف

آثار مؤلف چنانکه خودش درعرفات و کعبه عرفان ذکر کرده بقرار زیر است

الف . شعر

۱ـ مثنوی یعقوب ویوسف مشتمل بر ۲۲۲۲ بیت

۲ـ ساقی نامه موسوم به نشاروخمار[2] ـ مشتمل بر سیصد بیت

۳ـ کعبه دیدار ـ مشتمل بر سه هزار بیت

٤ـ سفینة السفینه ـ مشتمل بر سه هزار بیت

۵ ـ کعبة الحرمین ـ مشتمل بر چهارهزار بیت

۱ـ ر ك تذکرة الشعراء غنی چاپ استی تیوت پرس علیگر ص ۳۳
۲ـ نسخه بانکی پور ش ٦۸۵ ح ۸ نشاء نیخمار
۳ـ ایضا نصرة العارفین

٦ـ لوح محفوط

٧ـ قلم قدرت

٨ـ تبصرة العارفين ـ ديوان قصايد ومدح وقدح

٩ـ تدكرة العاشقين ـ ديوان عرل مستمل بر به هرار بيب ـ سحه ناقص ار اين ديوان در كلكته موحود اسب (رحوع شود به ايوانو ش٧٢٣). طاهراً اين ديوان و كتاب «ديوان عرليات» كه در مدراس (ش٧) موحود اسب يكيسب

١٠ـ رباعيات اوصافيه ورباعيات اصافيه كه بقول مؤلف «بروش بحوم اروى فال گرفته ميسود»

١ـ مثنوى شر گربه (رحوع سود به رياض السعرا)

١٢ـ ديوان مقطعات ومطائبات واهاجى ورباعيات اصافيه واوصافيه

١٣ـ عين الحيات «مبى در آنجه درهند گفته شده»

١٤ـ فردوس خيال اوحدى ـ اين كتاب را مؤلف درعرض شش سال در بين راه سيرار و گجر ـ ترتيب داده و آن مسمل بود بر اسعار منتخب ار شعراى محتلف كه در ١٠٢٠هـ باتمام رسيد اما بعداً يكى ار امراى دربار جهانگيرساه در آگره وى را وادار كر كه در اين كتاب تجديد نظر نموده وشرح حال شعرا را باين كتاب اضافه نمايد ومولف در نتيجه كتاب مستقلى ترتيب داد بنام تذكره عرفات العاشقين (تذكره مورد بحث).

١٥ـ ديوان اميدآباد درجواب اشعار اميدى

١٦ـ ديوان آدميت

١٧ـ ديوان جواهر رواهر

١٨ـ ديوان دررو غرر «كه قصايد محض اند»

١٩ـ كعبه عرفان (رحوع شود به خلاصه تذكره عرفات در پايان اين بحث)

٢٠ـ انتخاب كعبه عرفان (رحوع سود به خلاصه تذكره عرفات در پايان اين بحث)

٢١ـ كليات ـ طاهراً مجموعه مثنويهاى كوچك مؤلف بود كه نسخه‌اى از آنرا

اشپرنگر درفهرست خود (در ص۵۷٦) ذکر کرده است.

ب ـ نثر (و نظم)

۱ـ سرمه سلیمانی- در لغات فرس است مؤلف برهان قاطع درموقع تألیف کتاب خود از این فرهنگ استفاده کرده است نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه لینن گرا موجود است (رجوع شود به فهرست زالمان زورن ص۱٦ س۱۷٤)

۲ـ رساله کافیة القافیه در علم قافیه وروش سخن است که مؤلف در آن ششصد بیت بطور استشهاد آورده است

۳ـ رساله مصباح مفاتیح وغیبیه ـ در تصوف است که مؤلف طی آن سه‌هزار بیت بطور استشهاد آورده است و بقول مؤلف «فوق سته» (از شش رقمه)

٤ـ تذکره عرفات العاشقین ـ تذکره مورد بحث که بقول مؤلف قریب بپنجاه وشصت هزار بیت در آن جمع نموده است

۵ـ جفر اوحدی

علاوه بر کتب سابق الذکر مؤلف یک دیوان شعر داشت که شامل قریب وارده هزار بیت بود ودر فروش گم شد

تبصره بر کتاب

تقی اوحدی تألیف عرفات را در ۱۰۲۲ھ در آگره شروع کرد و همانجا در ۱۰۲٤ ھ آنرا باتمام رسانید چنانکه در مقدمه کتاب مینویسد «وحالت التحریر که ۱۰۲۳ است یکسال و نیم شد که در آگره واقعم ودر اتمام این نسخه شرف برسر حدوجهد آمده درسعی بلیغ مهما امکان تقصیر نمی‌نمایم» و همچنین درمقدمه این کتاب قطعه‌ای آورده است که بیت زیر آن تاریخ اتمام این کتاب (۱۰۲٤ھ) را بطریق معمی میرساند

هر که تاریخ جویدش گویم ... بدو سال این نوی تمام شده

درمورد دست تألیف مؤلف درمقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که درزمانیکه وی عازم هندوستان بوددر اوایل آن مسافرت یکی از یاران جانی ودوستان جاودانی وی

بنام حیدر لعبی همدانی از وی التماس نمود که بطور یادگار برای او مجموعه‌ای از اشعار متقدم و متاخر بسازد و بنا بر خواهش آن دوست مؤلف هرچه اشعاری از شعرای مختلف در عرض سی سال مسافرت از سیر از بلاد گجرات هندوستان جمع آوری نموده بود بصورت مجموعه‌ای بنام «فردوس خیال اوحدی» (که هم نام کتاب است و هم ماده تاریخ تألیف آن) ترتیب داد سپس در سال ۱۰۲۶ ه که در دارالسلطنت آگره اقامت داشت «یکی از اجله اعیان زمان که اصدق اصدقا احب احبا دوستی صمیمی قدیمی» مؤلف بود از وی فرمایش کرد که کتاب «فردوس خیال» شری بیرا تصمیم نموده آنرا بصورت تذکره‌ای در آورد و بنا براین مؤلف شرح حال «اکابر و اصاغر از اساطین سلاطین و وزرا و شعرا و عرفا و فضلا و علما و ملوک و ظرفای» قدیم و جدید هر کس که شعر سروده بود اگر از اشعار وی یک بیت هم بدست آمد در این تذکره آورده و اسم آنرا «عرفات و عرصات عاشقین و عرصات عارفین» گذاشت

مؤلف اسم مآخذ کتاب را در مقدمه یا خاتمه کتاب نیاورده است اما در ذیل شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را ذکر کرده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده نموده است

۱ـ لب الالباب (لباب الالباب) عوفی ـ در شرح حال اکثر شعرای متقدم از این کتاب استفاده کرده است

۲ـ مجالس النفائس ـ در شرح حال اکثر شعرای متوسط از این کتاب استفاده کرده است

۳ـ تذکرة النساء (رجوع شود به نام دختر قاضی سمرقندی)

۴ـ چهار مقاله سمرقندی (رجوع شود به نام ابی رجاء الغزنوی وغیره)

۵ـ نفحات الانس (رجوع شود به نام ابویزید بسطامی وغیره)

۶ـ سیرنامه (رجوع به نام شیخ ابوعبد لله شیرازی)

۷ـ تاریخ صفویه (رجوع شود به نام شاه اسماعیل وغیره)

۸ـ حبیب السیر (رجوع شود به نام معمائی و خواند میر وغیره)

۹ـ طبقات ناصری منهاج سراج (رجوع شود نام امیرچاؤش)
۱۰ـ تذکرة العارفین (رجوع شود به نام مولانا خواجه خان خوافی وغیره)
۱۱ـ تاریخ همایونی (رجوع شود به نام ساماں وغیره)
۱۲ـ تاریخ شاهرخی (رجوع شود به نام ملك شمس الدین وغیره)
۱۳ـ (نزهة القلوب) حمداله مستوفی (رجوع شود بنام کمال الدین اصفهانی)
۱۴ـ تاریخ بیهقی (رجوع شود نام محمود غزنوی)
۱۵ـ نظام التواریخ (رجوع شود نام ملکشاه وغیره)
۱۶ـ مقالة الابرار (رجوع شود نام نجم الدین محمود)

این تذکره مشتمل بر ذکر ۳۱۹۵ شاعر[1] بترتیب الفبا[2] از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «استاد ابوالحسن رودکی» شروع شده با «میرزا یوسف خان» تمام میشود وحاوی ذکر شعرای متقدم ومتوسط ومتأخر میباشد که ذکرشان را در بیست و هشت «عرصه» آورده است وهر «عرصه» مخصوص است برای یك حرف. هر «عرصه» مشتمل است بر سه «غرفه» بترتیب برای ذکر شعرای متقدم ومتوسط ومتأخر

مؤلف بقول خودش حتی المقدور اشعار صوفیانه وعاشقانه را از دواوین شعرا انتخاب نموده و در این تذکره ثبت کرده است

وی در مقدمه کتاب ادعا نموده است که در مورد هیچکس تعصب وجانبداری نکرده است واین قول مؤلف مبنی برحقیقت میباشد چنانکه مؤلف درسراسر کتاب از هیچکس انتقادی نکرده وهیچکس را مورد تقبیح وتشنیع قرار نداده است و از این حیث این تذکره دارای نقص بزرگی است چون فاقد نقد و نظر صحیح مؤلف درباره شعرای مذکور میباشد و عبارت تعریف و توصیف حتی از شعرای درجه سوم و چهارم چیزی ندارد وبنابراین تعریف مؤلف را بهیچوجه نمیتوان اعتباری گذاشت

۱ـ استوری تقریباً سه هزار شاعر (.ر ك استوری ج ۱ ص ۸۱۰)

۲ـ اما گاهی در ترتیب اسامی اشتباه کرده است چنانکه مولانا ربدی کاشی را بجای عرصه «را» درعرصه «نون» واسمعیل بن نوح را بجای عرصه «الف» درعرصه «میم» آورده است

اشعار وشرح‌حال اکثر شعرای متقدم ومتوسط را مفصل آورده‌است امادرذیل نام شعرای متاخرشرح‌حالشان رادوسه‌جمله‌واز آنان‌در دو سه بیت نقل کرده‌است

ازجمله ۳۱۹۵ شاعرمؤلف‌درذیل‌نام۱۳۶ شاعر اشعارشان‌را مفصل اما شرح حالشان را مختصر آورده است مانند ابوالفرج رونی و ابوسعید ابوالخیروغیره. همچنین در ذیل نام ٦٨ شاعر شرح حال آنهارا مفصل اما نمونه اشعارشان را مختصر آورده است مانند سلطان‌محمد جلایر و شاه اسمعیل صفوی . تنها در ذیل نام ۲۱٦ شاعر اشعار و شرح حالشانرا مفصل آورده است مانند ابوبکر ازرقی الهروی و شیخ امین‌الدین بلیانی و غیره

اشعاروشرح حال بقیه شعرا رامختصر آورده است

درذیل نام‌شعرای ذیل اشعارشان را ازسایرین مفصل‌تر نقل کرده‌است محمود شبستری و مسیح کاشانی (هرکدام در۵ص) وفرخی (در۱/۲ ۵ص) ونظامی گنجوی (در٦ص) ونظیری (در۷ص) و مسعودبن سعدسلمان در (۱/۲ ۷ص) وتقی اوحدی (در۸ص)

رویهمرفته اشعارخودش‌را ازهمه مفصل‌تر آورده‌است

همچنین رویهمرفته شرح حال‌خودرا نیز ازهمه مفصل‌تر (اول در ۱/۲ ٦ ص در مقدمه وسپس در ۱/۲ ۱ ص تحت « تقی‌اوحدی »)آورده‌است

گاهی‌درذیل‌نام‌بعضی شعرا جمله‌ای برای معرفی آنها آورده است اما اشعار آنانرا مفصل نقل‌کرده است‌مانند قاضی عثمان‌قاضی‌وغیره

گاهی در مورد بعضی شعرا ازآنها خیلی تعریف وتوصیف نموده است امـا شرح‌حال آنها رادریك دوجمله آورده و از آنها یك‌دوبیت نقل کرده است مثلا رجوع شود به نام‌اختری ترشیزی وملااخری یزدی

بعضی کلمات واصطلاحات مشکلی را که دراشعارشعرا بکاررفته‌است درموقع نقل آن اشعارشرح داده است‌مثلا رجوع شود به نام‌فخرالدین مبارکشاه

درذیل شرح‌حال‌اشخاص‌مذکوره‌ذیل آثارشان‌را نسبةمفصل ذکر نموده‌است.

شیخ ابوعلی‌سینا وتقی‌اوحدی (مؤلف) وجامی

گاهی درذیل شرح حال شعرا بعضی حکایات خالی را نقل کرده است مثلا رجوع شود به‌سمائی‌وفردوسی‌ولسانی

درذیل نام‌رفیع‌الدین مرزبان الفارسی شرح‌حال‌اورا اصلا ننوشته‌ونُه‌ادر ننج سطر از او تعریف و تمجید بیخود کرده‌است که منظور از آن غیر از عبارت پردازی خیر دیگر منظر نمیآید چون طی آن پنج‌سطر هیچ‌اطلاعی درباره زندگانی شاعر نداده

همچنین درذیل نام‌شیخ‌الاولیا شیخ مختارالدین‌صفی بن‌محمود شرح‌حال‌اورا اصلا ننوشته وتنها اشعاراورا (در ۱/۲ص) نقل کرد است

درذیل‌شرح‌حال اکثرشعرامؤلف بطور اغراق‌آمیزی‌از آنها تعریف وتوصیف کرده‌است امامقصود مؤلف‌از آن‌جز عبارت آرائی‌خیر دیگر نبوده چون‌ازاین‌عبارات طویل‌هیچ مطلبی‌بدست‌خواننده نمیرسد (مثلارجوع شود به نام‌اهلی‌خراسانی و اهلی‌شیرازی)

درذیل شرح حال اکثرشعرا مؤلف سال ولادت و وفات و وقایع مهم دیگر از زندگانی آنها رانقل‌نکرده است

همچنین‌درذیل نام‌بعضی‌ازشعرا تعریف‌وتوصیف آنها رادرجملات‌مقفی بطوراغراق‌آمیزی‌آورده اما باوجود آن‌هیچ اطلاعی‌درباره زندگانی آنها درسراسر شرح‌حال‌بهم‌نرسانیده است (مثلارجوع شود به نام‌ابوسعید صالح بن‌محمدالهروی‌و ابوسعیدسعادت‌بن مسعودسلمان)

سبک‌مؤلف‌دراین کتاب غالباًمصنوع و پرتکلف‌است‌وحتی‌درنوشتن نثرمصنوع مؤلف سعی بلیغ نموده است ومخصوصاً درموقع تعریف و توصیف ازشعرا غالباًنثر مسجع بکاربرده است

غالباًقبل‌ازاسم‌وتخلص‌شاعرالقاب توصیفی آورده است که‌آخر آن غالبا بااسم وتخلص‌شاعرهم قافیه میباشد مانند .

«استادالشعرا امیرالبلغا امیرالفصحا اعجوبةالعصر حکیم المعروف المکنوف ابوعبدالله الرودکی» یا «السیدالسندالفاضل الکامل مرشد الدهر مفتی عمدة الزمان زبدةالدوران صورت مرایای جلی وخفی شمس الداعی السفلی» یا «شاه سریر بی نیازی داعی کلمات حقیقی ومجازی آفتاب عالم سرافرازی شاه داعی اله شیرازی»

گاهی این القاب توصیفی را خیلی مفصل آورده است (مثلا رجوع شود به نام شیخ ابوالحسن خرقانی و میرباقر داماد و فردوسی).

گاهی بمناسبت اسم یا تخلص شاعر در موقع نقل القاب توصیفی جناس میاورد مانند

«غواص محیط اختصاص ابومحمد غواص» یا «اشرف شرفای معانی گلبن گلستان سخندانی حکیم اشرف گلستانی»

از لحاظ جامعیت وتفصیل مطالب تا زمان تألیف عرفات هیچ تذکره‌ای نمیتواند با آن کتاب برابری کند واگر از عبارت آرائی بیمعنی و تعریف و توصیف بیجود از شعرا صرفنظر کنیم این تذکره تا زمان خود جامع ترین و بهترین تذکره فارسی بوده و حتی میتوان آنرا از جمله بهترین تذکره‌های فارسی محسوب داشت

آرزو در «مجمع النفایس» درباره تذکره «عرفات العاشقین» مینویسد «کتابی باین جامعیت دیده نشده»

اما واله در «ریاض الشعرا» راجع به تقی اوحدی مؤلف عرفات چنین اظهار نظر کرده است .

«تذکره مسمی بعرفات که هر حرفش بسیار در آن درج کرده تألیف نموده مشتمل بر هشتاد هزار بیت و بعد از آن تذکره دیگر انتخاب کرده است مسمی بکعبه عرفان که اگر بنظر نکته سنجان دقیقه یاب برسد مایه مولف را از آن در مییابند»[1] ولی حال این است که واله در تألیف ریاض الشعرا تذکره عرفات را اساس خود قرار داده و مطالب را از آن کتاب نقل کرده است اما اکثر سعی نموده است بر قول تقی اوحدی انتقاد

---

[1] ــ ر ک ریاض الشعرا در ذیل نام تقی اوحدی .

نمایدو گاهی بی‌علت بروی تاخته‌است . حتی اسم عرفات را درمقدمه کتاب حرومآخذ خودذ کر نکرده‌است درصورتیکه در تألیف تذکره خود ازهیچ کتاب دیگر باندازه تذکرهٔ عرفات استفاده نموده است و این امر شاهد تعصب و بی عدالتی واله میباشد

نسخ خطی

ناگفته نماند که نسخ کامل این تذکره بسیار نادر بوده‌است . آزاد در«خزانه عامره»(ص۷) مینویسد که وی نسخه‌ای ازاین کتاب دیده بود که تنها ازحرف «ص» تاحرف «ی» داشته امادرموقع تألیف خزانه‌عامره هیچ نسخه‌ای ازاین کتاب دردست او نبود

آرزوهم همین گله داشت که نسخه ناتمامی ازاین کتاب داشت و نسخه کتابخانه ایوان هند شرقی [۱] که ملاند در دست داشت نیز تا نیمه‌شم در حرف «ق» بودو بقیه کتاب ازآن نسخه افتاده بود

نسخی که‌امروزدر کتابخانه‌ها ازاین کتاب محفوظ است بقرارزیر است

۱ ــ کتابخانه ملك ش فیش ۵۳۲٤ مورخ قرن ۱۱ ه ·

۲ ــ آصفیه ج۳ص ۱٦٤ ش ۲۰۹

۳ ــ اندیاآفس ش ۳٦٥٤ [۲] (= لندزیانا ص ۲۲۳ ش ۳۱۳ مورخ تقریباً ۱۷٦۰م /۱۱۷٤ ه)

٤ ــ بانکی‌پور ج۸ش٦ ــ٦۸۵ (این نسخه ظاهراً کاملست غیرازاینکه عرفه دوم و سوم درعرصه «ح» مشتمل بر۱۳۸شاعر را ندارد) مورخ۱۰۵۰ ه

خلاصه عرفات

۱ ــ **کعبه عرفان**- مؤلف در ۱۰۳٦ ه خلاصه‌ای از کتاب عرفات بنام « کعبه

۱ ــ East India House Library

۲ ــ این نسخه درفهرست اته ذکرشده است ر ك استوری ج ۱ ص xvi درذیل I O.

عرفان» دراحمدآباد گجرات ترتیب داد که هرحرف آن مشتملست برسه قسمت بعنوان جنانی ومانی ودیانی بترتیب راجع به شعرای متقدم ومتوسط ومتاخر ومجموعاً قریب بهشتاد هزار بیت دارد

۲ ـ **انتخاب کعبه عرفان** ـ خلاصه کعبه عرفانست که مؤلف بفرمایش جهانگیر شاه درسه «رکن» مشتمل برشعرای متقدم و متوسط ومتاخر ترتیب داده است .

۳ـ **گلدسته** ـ عبدالوهاب عالمگیر بن سیدمنصورخان در ۱۱۵۵ ه تذکره‌ای بنام گلدسته ترتیب داد که اکثر اشعار را از انتخاب «کعبه عرفان» انتخاب ونقل کرده است (رجوع شود به بحث درباره «گلدسته» دراین کتاب)

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به عرفات العاشقین[1] ومخزن الغرایب و فهرست بانکی پور واستوری ج۱ ص۸۱۱ وریاض الشعرا وتذکره طاهر نصرآبادی و مجمع النفایس وبلاند درمجله انجمن همایونی آسیائی ج۹ص۶-۱۳۴ واشپرنگر ص۹۵ و گلدسته

فهرست اسامی شعرا درهیچ کتاب یافهرست کتابخانه نیامده است

تذکره خرابات

ابتدا : (نسخه کتابخانه ملك تهران که تنها نسخه این کتاب است با «تتمه غزلیات جامی» شروع میشود)

شرح حال مولف

اسم مؤلف دراین کتاب ذکر نشده است وشرح حال خودرا نیز دراین کتاب نیاورده است اما اطلاعات زیردرباره آن ازمحتویات کتاب بهم میرسد :

۱ ـ مؤلف بخان احمدمیرزا حاکم گیلان فوق العاده ارادت داشته وشرح حال اورا خیلی مفصل ودقیق نوشته است وظاهراً وی ازخوان نعمت خان مزبور برخوردار بوده است

[1] ـ شرح حال مولف درعرفات العاشقین مفصل‌تر ازسایر کتب آمده

٢ ـ مؤلف در کودکی درهرات بوده و آنجا با خواجه حسین ثنائی ملاقات کرده‌است (رجوع‌شودبه‌شرح‌حال خواجه حسین‌ثنائی)

٣ ـ مؤلف‌باشعرای زیرملاقات کرده‌است :

(١) خواجه حسین ثنائی چنانکه درذیل نام اومینویسد :

«فقیرحقیر راقم این‌مجموعه‌موسوم‌به‌خرابات درهرات‌درکودکی در خدمت ایشان مشرف شدم »

(٢) رضاکاشی چنانکه درذیل نام مینویسد

«درایام‌نواب مرحوم علیقلی‌خان شاملو ازکاشان بهرات‌آمد وبنده درآن‌ایام بخدمت او رسیدم ودرتاریخ ٩٩٥ھ درقتل‌عام هرات بدست عساکر عبدالله ازبك شهید شد»

(٣) میررضای مشهدی چنانکه درذیل شرح‌حال اومینویسد ·

« درشهورسنه ٩٩٠ درداراالسلطنه بخدمت او رسیدم»

(٤) شاه‌روحی همدانی چنانکه در ذیل شرح حال اومینویسد ·

« بخدمت اورسیدم فی‌شهورسنه ٩٩٦ ھ .»

٤ ـ چنانکه در ذیل نام رضاکاشی درسطور فوق گذشت مؤلف درایام نواب علیقلی‌خان شاملودرهرات بوده امامعلوم نیست در٩٩٥ ھ در ایام قتل‌عام هرات هم درآنجا بوده‌است یاخیر؟

٥ ـ از شرح حال مولانا تاجری و باقرخورده کاشی ومیرتشبیهی اصفهانی و ابیسی شاملو و میر ابوالبقا معلوم میشود که ازسال ١٠١٠ ھ تا ١٠٢٥ ھ در هند بوده‌است.

٦ ـ درمحرم ١٠١٩ ھ در برهانپور هند بود (رجوع شودبه‌شرح حال ابیسی شاملو) .

٧ ـ درذیل نام میرابوالبقا «نواب‌حسین‌خان میرزا» را ولی‌نعمت‌خود نوشته

تبصره بر این کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ۱۰۱۰ ه شروع کرده ودر ۱۰۲۵ ه هنوز مشغول تألیف این تذکره بوده است چنانکه درذیل نام مولانا تاجری مینویسد «الحال که تاریخ ۱۰۱۰ ه است درهنداست» . همچنین درذیل نام باقر خرده کاشی و تشبیهی اصفهانی وامیر المعالی کاشی وایسی شاملو ومولانا اصح کرمانی و میر ابوالبقای بقائی بترتیب سالهای ۱۰۱۴ و۱۰۱۵ و۱۰۱۸ و۱۰۱۹ و۱۰۲۱ و۱۰۲۵ ه را سالهای جاری نوشته است .

مؤلف درمآخذ خود تنها اسم مجالس النفایس راذکر کرده است (رجوع شود به نام درویش دهکی)

این کتاب که ناتمام مانده است با «جامی» (تتمه غزلیات) شروع شده با «مولانا رمانی» تمام میشود ومشتملست برذکر دویست و نود ویك (۲۹۱) شاعر متأخر و ترتیب اسامی شعرا غالباً الفبائی است ومؤلف خواسته است این تذکره (ناتمام) را بترتیب الفبائی بنویسد چنانکه تعداد اشعار جامی که درابتدای کتاب آمده است غالباً ترتیب اسامی شعرا الفبائی است

درذیل ۱۲۹ شاعر تنها یك دوبیت از ایشان نقل کرده ودر اکثر موارد تنها بذکر اسامی آنها اکتفا کرده وهیچ شرح حالی از آنها نیاورده است مثلا (رجوع شود به زینتی حنابدی وزینتی مشهدی) .

همچنین شرح حال اکثر شعرا را در نیم سطر یا یك سطر آورده است .

شرح حال شعرای زیر رامفصل تر از سایرین آورده است .

خواجه حسین ثنائی (دریك ص) نواب خان احمد میرزا (در ۲ ص) وجامی (در $\frac{1}{4}$ ۳ ص)

همچنین اشعار شعرای زیر رامفصل تر ازهمه آورده است نواب احمد خان میرزا ومولانا حیرتی (هر کدام در ۲ ص) ومیرزا جعفر خان مشهور به آصف خان ومولانا هلالی (هر کدام در $\frac{1}{2}$ ۲ ص) وامیر المعالی وامیری رازی (در ۳ ص) وجامی ($\frac{1}{2}$ ۱ + ۵ ص) حیدر تیلوه (۷ ص) وحضری خوانساری (۱۶ ص) وایسی شاملو (۱۸ ص) وخواجه

حسین ثنائی(۴۵۱ ص).

محصوصاً درذیل نام حواجه حسین ثنائی انتخاب مفصلی ارقصاید وغرلیات و مقطعات ورباعیات ومثنوی او آورده است وروبهمرفته اشعاراورا مفصلتر ارسایرین نقل کرده است.

درذیل نام مولانا جامی ومولانا جلال الدین دوانی اسم آثارشان رامفصل نقل کرده است .

مؤلف میگوید که شعرای زیردرموقع تألیف این کتاب درقید حیات بوده‌اند نواب خان احمد میرزا (حاکم گیلان) وامیرابوالمعالی کاشی ومیرابوالحسن تفرشی مشهور بغراهانی وابوتراب بیگ کاشی و مولانا امی، ومولانا پروی ساوجی و محمد حسین ثنائی ومیرابوالنمای ثنائی وتابعی خوانساری وداعی خراسانی و نواب رستم میرزا وزاری ورامینی

گاهی درضمن شرح حال شعرا حکایات حالبی رانقل کرده است (مثلارجوع شود به شرح حال امیرخان انسی)

سبک انشای مؤلف غالباًساده است اما گاهی نثرمصنوع وحتی نثرمسجع هم نوشته است . مخصوصاً درذیل شرح حال اهلی شیرازی واهلی ترشیزی بنثرمسجع پرداخته است .

گاهی جمله‌ای مصنوع بمعنی «فوت کرد» آورده است چنانکه

درذیل نام اهلی خراسانی منویسد «آنجا رخت زندگانی بخانه جاودانی کشید »

درذیل خواجه (میرزا) جلال اسیر مینویسد « مستوفی قضااوراق حیات اورا باطل ساخت »

رویهمرفته این تذکره درباره شعرای معاصرمؤلف بعضی اطلاعات مفیدی را بهم میرساند وحاوی ذکر بعضی شعرای اوایل قرن یازدهم میباشد که درتذکره‌های دیگراصلاذکری ازآنها نرفته است وچون مؤلف با کثرآنان معاصر بوده وبا بعضی

ار آنان ملاقات کرده‌است بنا براین بیان اودرباره آنها قابل اعتباروا‌عتماد میباشد.

نسخه خطی

سخه منحصر بفرد این‌تذکره که قسمتی ار آن حتماً بخط مؤلف است در کتابخانه ملك تهران موحود است ومؤلف هنوز آنرا ناتمام رسانده‌است وظاهراً هیچوقت فرصت این‌کاررا نداشته واین‌سخه راهمینطور ناتمام گذاشته است درذیل نام بعضی‌ازشعرا جای خالی برای‌نوشتن اشعار گداشته‌است(مثلارجوع شود به دم اهلی‌شیرازی وشیح‌بهاء الدین محمد) وهمچنین جای خالی برای شرح حال شعرا گذاشته است (مثلارحوع کنید به نام‌اسیری ترتی‌وحیدرتیلوه) . گاهی مطالب را اصلاح‌نموده وبعضی راباطل کرده است چنانکه درذیل نام «بهاری قمی» اشعاراورا حط کشیده ویادرذیل‌نام نواب رستم میر رامینویسد . «چون‌آن‌حضرت‌فدوی‌تخلص کرده‌اند اشعارشان درردیف «فا» طرح باید کرد»

این‌سخه بعضی‌اضافه‌هائی بحط دونفردیگر نیردارد که یکی‌ارآنها «محمد طیب» است چنانکه وی گاهی باین اسم امضاء کرده است

تذکر

اسم این تذکره درهیچ کتاب دیگرذکر نشده وحتی‌استوری هم اروجود آن بی‌حبر بوده است

میخانه (عشاق)

انتدا

کسی کوشودمست ارجام دوست	تر اودرهرموی اونام دوست .
اراو حوش درجـم میخانه هـا	وروشور در مغز دیوانه هـا

ادای‌حمدارزبان‌دل‌سرمستان‌شراب‌جام‌ارلی‌ودکر سائی‌ارصمیم‌قلب‌نیر گیران باده وحدت لم‌یزلی سزاوارمالك الملکی‌است کـه سرابرده عظمتش برترارساحت موفورالمساحه کون ومکانست»

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب درپایان «مرتبه دوم» میخانه احوال زندگی خودرا بتفصیل بیان کرده است وهمچنین درموارد دیگر نیزدراین کتاب راجع بخودش اشاره‌هائی نموده است بااستفاده ازاقوال مؤلف شرح حال اودیلادرج میگردد

اسم ولقب مؤلف عبدالنبی‌خان فخر الزمانی وتخلص وی عزتی و نبی‌است اسم‌پدرش‌خلف‌بیگ است که هیچوقت شعر نگفته ومردی‌درویش نهادوصوفی‌مشرب بود واوقات خودرا درقزوین بتجارت میگذراند اما بعد ازادای حج چون بوطن مراجعت کرد دیگرتارك دنیاشده ودرویشی‌اختیار کرد وبقیه عمرخودرا بدرویشی‌و خدا پرستی گذراند تادراواخرسال۱۰۰۱ه درقزوین طبق پیشگوئی‌خودش بمرض طاعون‌در گذشت

جد مؤلف فخرالزمان نام داشت و بهمان نسبت مؤلف خود را فخرالزمانی میگوید. فخرالزمان مزبور«درفصیلت وموزونیت سرآمدروزگارخود بود»ومنصب قضای‌قزوین راداشت نسب وی‌بخواجه عبدالله انصاری(متوفی درهرات بسال۴۸ بسن ۸٤ سالگی [۱]) میرسد

عبدالنبی بسال ۹۹۸ ه [۲]در قزوین چشم بجهان گشود و همانجا بسن‌رشد و تمیزرسید ازاوایل عمرذوق وشوق شعر گوئی داشت واکثراوقات خودرادرصحبت شعرا میگذرانید ودرآنزمان عزتی‌تخلص‌میکرد مانندشعروی بداستان سرائی هم علاقه فراوانی‌داشت وحافظه اوبقدری‌قوی‌بود که قصه امیرحمزه رایك بارشنید وحفظ کرد واگردرمحفلی کسی حدیث پیش‌اومیخواند قریب به هفتادخان‌حفظ اومیشد که بخانه‌آمده همه رایادداشت میکرد

۱ـ ر ك مزارات هرات ص۵۰

۲ـ چنانکه درسطورآینده میآید مؤلف درنوزده سالگی بمشهدرفت و آنجا یکماه توقف نموده ودر۱۰۱۷ه ازراه قندهاربه لاهوررسید بنابراین تولد وی در۹۹۸ ه اتفاق افتاد

در نورده سالگی نعرمزیارت امام رضا (ع) نمشهد مقدس رفت وقریب بیك ماه در آ شهر اقامت داشت دررمان اقامت وی درمشهد بعضی از تجار و کسانیکه بهندوستان رفت و آمد داشتند پیش اوچندان تعریف هندوستان کردند که اشتیاق فراوان برای مسافرت بآن سرزمین درقلب او ایجاد گردید وتقریباسه سال بعداز جلوس جهانگیر شاه مؤلف درآخر سال ۱۰۱۸ ه بیمارو بر ارازراه قندهار بلاهور رسید[1] وچهار ماه در آن شهر توقف نمود تاخستگی سفر بکلی رفع شدوسپس در سال ۱۰۱۸ ه بدار الخلافه آگره رسید[2]

چون بآگره رسید خود را بخدمت یکی از خویشاوندان خود میرزا نظامی قزوینی رسانید که در آن ایام بواقعه نویسی در گاه جهانگیری اشتغال داشت[3]. میرزای مزبور شنیدن قصه امیر حمزه خیلی علاقه داشت وبنابراین مؤلف بسبب تمرین و ممارست در اندك مدت درفن داستان سرائی کمال مهارت را بدست آورد. اما دراین ایام بعلت اشتغال بقصه گوئی نتوانست بگفتن شعر بپردازد

درسال ۱۰۲۲ ه چون موکب ولشکر جهانگیر شاه بجانب اجمیر حرکت کرد مؤلف نیز همراه میرزا نظامی عازم آنشهر شد و آنجا اتفاقا بیکی ازهموطنان خود بنام مسیح بیك برخورد کرد وی درخدمت زمانه بیگ مهابتخان بوده ومهابت خان اورامدار المهام پسر خود میرزا امان الله خان مقرر کرده بود روزی مسیح بیگ عبدالنبی را بخدمت میرزا امان الله مزبور برد وچون حسب الامروی عبدالنبی فصلی از داستان (امیر حمزه) بیان کرد میرزا چنان مشعوف شد که نگذاشت وی بمنزل بر گردد بلکه بجمعی از غربان که معتمدان خاص او بودند اورا سپرد وتا پانزده روزوی در نظر آن

۱ـ ر.ك میخانه ص ۷۶۱ س ۱۱ ۲ـ ایضا س ۱۷

۳ـ اودرموقع تألیف میخانه (۱۰۲۸ ه) دیوان صوبه (استان) بهار بود باید توجه داشت که او غیراز نظام الدین احمد مؤلف طبقات اکبری است اما خوشحال چند در تاریخ محمد شاهی معروف به نادر الزمانی عبدالنبی را ازاقربای این نظام الدین اخیر الذکر نوشته است که اشتباه است

ماند اماروزشانردهم اتفاقا خان مزبور باتفاق دونفرازه
ومسیحیك بتفریحی ذکرعبدالنبی را بمیان آوردوخان مزبور مؤلف را
خودخواند. اتفاقا خان مزبور که بشعرعلاقه فراوان داشت مصرع زیر گفت
نون چشمه نور نیست جایی بحضور
عبدالنبی بداهه مصرع دیگر آن گفت
وجش فوجیست گوئی ازغمره حور
چون این مصرع مورد پسندخان واقع شدبا اجازه اود ومصرع دیگرذیل را
نته از آن رباعی ساخت.
، گل خورشیدجهان آراشد هر خار که رست از لب چشمه نور
خان مزبور باشنیدن این رباعی چنان خوشوقت شد که مصرعی ازامیرخسرو
ده پیشنهاد کرد که مصاحبین غزلی بر آن مصرع سازند وچون مؤلف روز
، غزلی راپیش خان خواند مورد تشویق و تقدیرخان واقع شد و دیری
که خان مزبور عبدالنبی را بکتابداری سرکار خود مقرر نمود .
. آن به بعدمؤلف هم فرصت خوبی برای مطالعه کتب بدست آورد وضمن مطالعه
خوب ازمصنفات ومؤلفات متقدمین ومتاخرین اعم ازنثر و نظم انتخاب مینمود
ایام بخاطر او گذشت که دوسه تألیف به نثرونظم ترتیب دهد تا در صفحه
ر او یادگار بماند وبنابر این طرحی برای تألیف سه کتاب بنام دستور
نوادر الحکایات یا بحرالنوادر و میخانه[1] ریخت و بحسب بتألیف میخانه
گردید .
نور تألیف این کتاب بپایان نرسیده بود که مؤلف « بیواسطه خط نفسانی و
ت مساس جسمانی» گرفتارمرض بادفرنگ[2] شد وازترس رسوائی وبدنامی و

۱ـ برای شرح بیشتراین کتابها رجوع شود به آثارمؤلف در سطور آینده
۲ـ جوششی بغایت سوزان ودردناك وربك آن بزردی مایل وصاحب این مرض بیشتر
احرارت وتب میباشد وعلاج آنرا بچیزهای سردمیباید کرد (فرهنك آنندراج)

قهروعصب خان بتوسط ارکان‌دولتش اروی احازه مراجعت بولایت(ایران) گرفت وفوراً کتابهای ناتمام راهمراه‌خود برداشته درلباس‌فقراراحمیر بر آمدوارراه ناربول روانه‌لاهورشد این‌واقعه دراواسط۱۰۲۴ه اتفاق افتاد مؤلف درراه‌بایکی‌ازرفقای خود (بنام محمود بیك‌تر کمان)[1] برخورد وبتوصیه وی‌لباس درویشی رادر آورده باتفاق اوعازم‌شهرمدکور گردید

چون در سال ۱۰۲۵ه بلاهوررسید وبا در آن شهر شایع بودولذا ازترس آن بلافاصله روانه کسمیرشد وقریب بدوسال درآن‌سرزمین درخدمت میرزا نظام الدین احمد (نظامی قروینی) که دیوان و بخشی‌آن ولایت بود بسر برد و کتاب «دستور الفصحاء» راآنجا باتمام رسانید

درأواخرسال۱۰۲۶ه حسب‌الطلب درگاه پادشاهی میرزای مربور به «ماندو» رفت ومؤلف نیزهمراه اورفت. قریب بیك‌ماه درآن شهراقامت نمود وچون میرزا بدیوانی‌صوبه (استان) بهار منصوب شد عبدالنبی‌نیزهمراه او به بهاررفت ودرسال ۱۰۲۷ه به سهرپتنه مرکزآن استان رسیده[2] ظاهراً چندی نزد میرزای مربور اقامت داشت

درزمان اقامت درپتنه درسال۱۰۲۸ه نزد سردارخان خواجه یادگار[3] برادر عبدالله‌خان فیرورجنگ تقرب‌یافت‌وخان موصوف به‌عبدالنبی‌آنقدراحسان کرد که اومیخانه رابنام وی موشح‌ساخت وساقی‌نامه‌خود راهم درپتنه بنام‌خان‌مربور باتمام رسانید دراین ساقی‌نامه وی‌نبی‌تخلص کرده‌است

عبدالنبی در۱۰۲۹ه درپتنه بود که خانه‌وی آتش گرفت ومقداری مسودات اوطعمه حریق‌شد[4] .درهمان‌سال‌وی‌باگره‌هم‌رفت چنانکه ازکتاب‌نوادرالحکایات

۱ــ برای ترجمه‌حال‌او ر ك میخانه مرتبه سوم‌ص۶-۸۸۳

۲ــ ر ك میخانه ص۹۱۸ س۴

۳ــ برای دکراو ر ك تورك‌جهانگیری‌ص۱۱۷س۵و ص۲۷۳س۱۷

۴ــ ر ك میخانه ص۴۳۰س۲۰و ص۸۸۶ س۲

معلوم‌است . بعدارآں ارحال‌وی اطلاعی ارهیچ‌مأخذی‌دردست نیست‌بجر اینکه‌او در۱۰٤۱ھ هنورزنده بودودرهمان‌سال دیباچه نوادرالحکایات‌را نوشته‌است[1].

مؤلف درساقی‌نامه‌خود آرزوی‌بار گشت‌بایران‌را باجوش وخروش بیان کرده است اما‌معلوم‌نیست که این آرزوی او تحقق یافت یاخیر . تاریخ وفات مؤلف نیر ازهیچ‌مأخذی‌بدست‌نیامد

مؤلف راجع‌به مذهب‌خویش‌بالصراحه‌ذکری نکرده‌است‌اما‌باحتمال‌قوی‌وی مذهب شیعه امامیه داشت و رفتن بزیارت‌مشهد مقدس‌درعنوان شباب وجمع آوری اشعارساقی‌نامه‌ها درمدح ساقی کوثرحضرت‌علی وامام رضا علیهما‌السلام و سیاری ازقصص شعرا که ازحضرت‌علی استمداد کرده بودند ودرمیخانه ذکرشده‌است این گمان برتشیع‌اورا‌تائید میکند همچنین‌درساقی‌نامه‌حضرت‌علی وامام‌رضارا بطریق شیعیان مدح نموده و ازآنها استمداد کرده و اصلاذکری واسمی ار حلفای ثلاثه رادرسراسر کتاب نیاورده است اماوی نظاهر تعصب‌مذهبی نداشت

آثارمولف

مؤلف درذیل ترجمه حال‌خودش متذکرشده است که علاوه برداستانسرائی ارآغارذوق وشوق‌شعر داشت وی در«میخانه» ساقی‌نامه دویست شعری درج کرده ودرهمین کتاب بطورپراکنده بیست‌یا بیست وپنج‌شعرارخودنقل کرده‌است‌وعلاوه بر این اومیگوید که تا سال ۱۰۲۸ھ غیر ار ساقی‌نامه هرار وپانصد بیت شعرساخته است[2] اما بجراشعاری که در میخانه محفوظ مانده درجای دیگرشعری ازاو دیده نشده است.

من حیث‌المجموع‌وی‌شاعرمعمولی وصافگوی است واسم اووتألیفاتش‌عموماً درمعرض‌خفاماندەومعلوم نیست که وی‌دیوانی‌هم ترتیب‌داده بودیاخیر

قسمت مهم دوره تألیف‌عبدالنبی‌اززمان کتابداری میرزاامان‌الله خان شروع

۱ــ ر ك فهرست‌ریوص۱۰۰٤
۲ــر ك میخانه‌ص۷۷۱س۱۰

میشود چون در ا ن ایام وی فرصت حوبی برای مطالعه کتب بدست آورده وار این موقعیت حیلی استفاده کرده است دیری نگدشت که وی باین نکته پی برد که تنها شعر وسیله شهرت او نمیشود وفقط ممکنست «اخبار ارباب دولت» و« ادکار اصحاب طبیعت» و کلام آنها ذریعه شهرت او نشود و بنا بر این دوق و شوق تألیف و تصنیف در وی ایحاد شد و چنانکه درسطور فوق گدشت در زمان کتابداری وی طرح تألیف سه کتاب دیل را ریحت غیر از این سه کتاب اثر دیگری در دست نیست

۱ـ **دستور الفصحا** ـ در فن داستان گوئی ومؤلف دستور العملی برای داستان حوانان درست کرده است . مؤلف تاریخ اتمام این کتاب را «دستور باتمام رسیده» دکر کرده است[۱] که ار آن ۱۰۴۱ استخراج میشود اما از قرینه عبارت معلوم میشود که این کتاب در ۱۰۲۵ یا ۱۰۲۶ ه بپایان سیده است وعلاوه بر این در فاصله ۱۰۲۹ تا ۱۰۴۱ ه هیچ واقعه‌ای در میحانه دکر نشده ودر سخه کتابحانه رامپور که در ۱۰۳۹ ه استنساخ گردیده این عبارت همینطـور درج است و بنابر این نظاهر این ماده تاریخ اتمام کتاب درست نیست سخه‌ای ازاین کتاب امروز نحا نمانده است .

۲ ـ **نوادر الحکایات** یا **بحر النوادر**[۲] ـ در این کتاب مولف « حکایـات شیرین ونقلهای رنگین» حمع کرده است و نظاهر در ۱۰۴۱ ه تکمیل رسیده است (چون مؤلف دیباچه این کتاب را سال ۱۰۴۱ ه نوشته است) .

۳ ـ **ساقی نامه** ـ مؤلف این ساقی نامه را نام سردارخان که دکرش درسطور فوق گذشت سروده است قریب به دویست بیت ار آن درمیحانه آمده است و معلوم نیست که آن ساقی نامه اشعار بیشتری هم داشته یا حیر

٤ ـ **قصایدوغزلیات واشعار متفرقه** ـ ظاهراً مولف هیچوقت بترتیب دیوان حود نپرداخته وچنانکه درسطور فوق مدکور شد غیر از بیست یا بیست و پنج بیت شعر

۱ـ ر ك میحانه ص ۷۷۰ س ۱۱

۲ـ این کتاب اصلا در پنج حلد بوده اما امروز تنها یك حلد ار آن درموزه بریتانیا موحود است (ر.ك ریو ص ۱۰۰٤ ب).

که درمیخانه آمده است اشعار دیگری درهیچ کتاب دیگر نیامده است .

۵ ــ **میخانه** ــ تذکره مورد بحث .

تبصره بر کتاب

مؤلف درباره سبب تألیف کتاب در مقدمه چنین شرح میدهد «این ضعیف در دار الاماره هندوستان بخاطر رسانید که تألیفی چند از سخنان اکابر بر سبیل یادگار ترتیب داده بر صفحه روزگار بگذارد اول رای بر آن قرار گرفت که ساقی نامه های متقدمین ومتأخرین آنچه بدست آید تمام جمع کرده با احوال خیر مآل قائلان آن اشعار در بیاض برده نام آنرا «میخانه» قرار داده»

طبق توضیح مؤلف نخستین کار او تألیف وتکمیل کتاب «میخانه» بوده است [1] «چون طبع هنرمندان این حرف و رمز را ساقی نامه راغب تر دید» [2] و بنابراین غالباً در ۱۰۲۱ یا ۱۰۲۴ درزمانیکه وی در اجمیر مقیم بود بتألیف این کتاب پرداخت [3] درمدت یکماه او با برده ساقی نامه با شرح حال گویندگان آنرا ترتیب داد درهمین اثناء وی دچار بیماری خطرناکی شد ومجبور شد بکشمیر برود وظاهراً در کشمیر نیز برای جمع آوری مواد لازم برای این کتاب دست وپا میزد. وچون در ۱۰۲۸ ه به پتنه رفت با موادی که درعرض پنج سال فراهم آورده بود کتابی ترتیب داد ودرهمان حال این کتابرا مکمل کرد چنانکه قطعه ایکه درخاتمه کتاب در تاریخ اتمام کتاب آورده است معلوم میشود بیت اول وآخر آن بقرار زیر است

در جهان ازجمع ساقی نامها — ساختم میخانه رندانه یی .
عقل آورد از پی تاریخ آن — **باده** درمیخانه **رندانه یی**

۱۲ + ۱۰۱۶ (== ۱۰۲۸ه)

امادر ۱۰۲۹ه مؤلف دوساقی نامه دیگر ازمیرملکی وفغفور (از آخر الذکر

۱ــ رك میخانه ـ مقدمه ص۲ س ۲۰
۲ــ رك میخانه شرح حال مولف ص۷۶۹ س۱۰
۳ــ ایضاً س۱۲

ترجیع بندی)[1] اضافه کرد وبظاهردرمقامات دیگر بیز تبدیل وتعییری داده‌است . ازملاحظه نسح حطی متعلق بکتابحانه آقای بیات‌وملك تهران ومقابله آن بامیخانه چاپ لاهور معلوم میشود که مؤلف بعدار ۱۰۲۸ھ که سال ختم کتاب‌است تحدید نظری درتألیف‌حود کرده وتعییراتی در آن داده است ـ دراین تجدیدنظر که تاریخ آن‌معلوم بیست مؤلف هیحده‌ترحمه دیگر بکتاب افروده وبعضی ار ساقی‌نامه‌ها را که در وهله‌اول بتخلیص واختصار آورده‌بود بطورکامل ثبت کرده وهمچنین بعضی ارساقی‌نامه‌هارا که بعلت سوختن خانه‌وی درپتنه از بین‌رفته‌بود بعداً بدست آورده و بالتمام درح کرده است

مؤلف در میخانه بمآحد حود حابحا اشاره کرده است اگر چه در همه جا دراین‌موردتصریح نشده‌است امادراکثر موارد اسم مآحد ومنابع‌خودراذکر بموده است که بقرارزیرمیباشد

۱ ــ **مخزن‌اخبار** تألیف میرمختار[2]

۲ ــ **تذکره‌دولتشاه** (رحوع‌شود به‌ترحمه‌نظامی صفحه ۱٤۸).

۳ ــ **جواهرالاسرار آذری** (رحوع‌شود به‌ترحمه‌حال‌خسرو دهلوی‌ص۶۲)

٤ــ **بهارستان جامی** (رجوع‌شود به‌ترحمه‌حال‌نظامی‌ص۱٤وخسرو ص۶۹)

۵ ــ **نفحات الانس حامی** (رحوع شود به‌ترحمه حال نظامی ص۱٤).

همچنین ارتوافق بعضی‌عبارات معلوم‌میشود که‌مؤلف میخانه از کتب‌ذیل نیز استفاده کرده است

۶ ــ **تحفه سامی** تألیف سام‌میرزا

۷ ــ **نفایس‌المآثر** تألیف علاءالدوله قزوینی .

۸ ــ **دیباچه‌دیوان‌عراقی**(رحوع‌شود به‌ترجمه حال‌عراقی ص۲۹س۹)

(۱) ر.ك میخانه ص۶۸۷ س۱٤ .

(۲) دربیان‌حالات شعرائیکه پیش‌ارعهد اکبری‌بودند دربه‌مقام اراین‌کتاب استفاده کرده‌است مثلار.ك نظامی ص ۱۲ و خسرو ص۶۲و۶۳

۹ـ **دیباچه‌عزة‌الکمال**(رجوع شودبه‌ترحمه حال‌حسرو ص۶۱س۱۰)

۱۰ـ **دیباچه‌دیوان‌حسین ثنائی**(رحوع‌شودبه‌شرح‌حال‌ثنائی ص۱۹۹ س۲۰)

۱۱ـ**دیباچه‌دیوان فیضی**(رحوع‌شودبه شرح حال فیصی ص ۲۴۷ س ۹)

گاهی‌ار کلام‌شعرا باحوال آبان‌ومعاصر ایشان پی‌برده‌اسب مثق‌رحوع سودبه ترحمهٔ‌حال اقدسی‌ص۲۲۷ ومیرراعاری ص۲۹۰وصحیفی‌ص۳۱۶وعیره

مؤلف بعضی حالات سعرای دیل‌راار حـودشان تحقیق و درمیحانه مندرح کرده‌اسب

۱ـ شکیبی(ص۳۰۳س۳)

۲ـمحـمدصوفی (ص۴۷۶ س۱۷)

۳ـشابور رازی (ص۵۲۹ س۱۲)

۴ـعارف ایگی(ص۶۲۹س۱۹)

۵ـوصلی (۶۶۹س۴)

۶ـ کامل جهرمی (ص ۷۰۵ س۳)

۷ـ عسکری‌کاشانی(ص۷۲۰ س۱۴)

همچنین‌ظاهر حالاب حکیم رکناو مرشدبروحردی وطالب‌آملی وملکی و قروینی راوحی واحوال اکثریا تمام‌شعرای مرتبه‌سوم‌راارحودشان گرفته‌اسب‌چون تقریباً باهمهٔ‌آنان‌ملاقات‌کرده اسب

احوال شعرای دیل‌را ار بردیکان ودوستان و ساگردان و حـادمان ایشان تحقیق کرده ونوسته اسب

۱ـ وحشی ۲ـ عرفی ۳ـغیاثا ۴ـ سحر ۵ ـ ملک‌قمی

۶ـفرقتی ۷ـ فعفور ۸ـصوفی ۹ـفصیحی ۱۰ـدوسی‌سمرقندی

۱۱ـ عروری

این تدکره که مؤلف آنرا «حاصل‌عمر »حود میداند و میحواسته اسب که مجموعـه احبارو بیاض سحن » « قرار دهـد[1] چه ار حیث شرح حال و چه رحیب اشعار شعرا از بهرس تدکره های فارسی‌اسب ومستمل‌اسب بردکـر ۹۰

۱ـ رك میحانه ص ۹۲۴

شاعر[1] که ساقی نامه (یا ترکیب و ترجیع بند بطرز ساقی نامه) سروده اند ومؤلف ذکرشان رادرسه مرتبه ذیل آورده است

۱- **مرتبه اول** - دردکر (بیست و نه)[2] نفر از «سخنورانی است که قبل از تألیف داعی حق را لبیك اجابت گفته اند وسردر نقاب تراب تیره کشیده». این قسمت باشیخ نظامی (م ۶۱۱ھ) شروع شده بافصل خان (م۱۰۲۸ھ) تمام میشود. مؤلف ذکر این شعرا ترتیب سنین وفات آنها آورده است بجز اینکه ذکر حکیم برتوی را که بتصور او بعداز امیدی فوت کرده است مقدم بر ذکر امیدی آورده است ازجمله شعرای مرتبه اول مؤلف تنها باسکیبی ملاقات کرده است

۲ - **مرتبه ثانی** - دردکر بیست و سه[3] نفر شاعر ازسخنورانی است که تا زمان تألیف میخانه درقید حیات بوده «واسهار سرشاری» داشته وساقی نامه سروده اند. این مرتبه با «محمد صوفی مازندرانی» شروع شده با «عبدالنبی فخر الزمانی» (مؤلف کتاب) تمام میشود غالب شعرای این مرتبه را مؤلف ملاقات کرده است

۳ - **مرتبه سوم** - دردکر سی وهشت[4] نفر شاعراز سخنورانی است که تا هنگام ملاقات بامؤلف ساقی نامه ای نگفته ومؤلف با آنها ملاقات کرده است اما مؤلف درذیل بعضی ازاین شعرا ذکر ملاقات خودرا با آنها نیاورده است ازچهارتن از آنان یعنی مولانا ذهنی کشمیری و صیائی موسحی ودیری کابلی واحولی سیستانی مؤلف

۱- دراین تعداد میرزا جعفر آصف خان ومیر حیدر معمائی شامل نیستند چون ترجمه آنان درذیل دیگران مذکور شده به طور مستقل میخانه چاپ لاهور تنها ذکر ۷۴ شاعر را دارد.

۲- درمیخانه چاپ لاهور ذکر ۲۶ نفر آمده است

۳- میخانه چاپ لاهور ۲۰ شاعر

٤ - ایضاً ۲۵ شاعر - همچنین درنسخه چاپی لاهور ذکر آقاصفی صفاهانی درمرتبه سوم آمده است امادرنسخه چاپ تهران درمرتبه اول قرار دارد علت این اختلاف اینست که مؤلف میخانه بعداز ختم کتاب ساقی نامه کامل وتاریخ فوت آقاصفی (۱۰۲۸ ھ) رابدست آورده وناچار جای ترجمه اورا ازمرتبه سوم کتاب بمرتبه اول تغییر داده است .

اشعار ساقی‌نامه آنهارا نقل کرده‌است .

بعضی ازخصوصیات ممتازمیخانه بقرارذیل‌است .

۱ ـ مؤلف احوال شعرا رامفصل‌تر ازتذکره‌های دیگر آورده است و غالباً درذکرتراجم‌شعرا نکات‌زیررا درمدنظرداشته‌است

نام‌ونسب وتخلص‌شاعر واطلاعات‌راجع بآباءواجداداو واستعداد علمی‌ومقام شعرا و سیروسیاحت شاعر ودرخدمت کدام‌شاه یاامیر بوده واینکه نامؤلف ملاقات کرده‌است یا نه واینکه اطلاعات درباره‌زندگانی شاعررا ازخـود او بدست‌آورده یاازدوستان وکسان وی واینکه درووقت‌ملاقـات بامؤلف سن‌شاعردرچه حدود بود وآیا دیوانی‌ترتیب‌داده‌بودیانه و تفصیل‌منظومات‌شاعر باذکرتعداد ابیات واینکه مؤلف آن‌منظومات‌رادیده است یاخیر و تاریخ وفات‌ومدفن‌شاعرونمونه‌ساقی‌نامه یا کلام‌منظوم دیگرشاعر .

کمترتذکره‌ای وجوددارد که‌درضبط‌احوال‌شعرا این‌اهتمام کرده‌باشد

۲ ـ میخانه درنوع‌خوداولین کتابست وملاعبدالنبی‌اول کسی‌است که‌ساقی‌نامه‌های فارسی‌راجمع‌آوری نموده‌است .البته بعداراو چندنفردیگرنیز این‌کاررا تعقیب‌نموده‌اند مانند کوکب‌مؤلف‌مجمع‌المضامین و همت خان[1] که بقول‌سرخوش صدوبیست ساقی نامه‌را جمع کرده‌است[2] .

۳ ـ مؤلف‌میخانه‌تحقیق دقیق‌راهمیشه منظورنظرداشته‌است چنانکه‌درهمین کتاب (ص۱۸۱ ص۱۰)خودرا «محقق‌اخبار»میگوید درتمهیدمقدمه‌ثانی (ص٤٧٤ س۱۱) میگوید که حالات‌شعرای‌مرتبه اول‌را «ازروی اسنادارباب‌خرد وازقوم‌مردم معتبر» نقل کرده‌است ودرمرتبه‌دوم ودرمورد شعرائیکه آنهارا دیده‌است‌حالاتشان راازقول خودشان نقل کرده ودرمورد کسانیکه با آنهاملاقات‌نکرده است‌حالاتشان راازکسان ودوستان ایشان گرفته ودراین کتاب آورده‌است

۳ـ ر.ك کشف الظنون ج۲ ص۱۸ ح۲ .

٤ ـ ر.ك. کلمات الشعرا در ذیل نام‌طهوری .

درمورد شعرای مرتبه‌سوم تقریباً باهمه‌آنها شخصاً ملاقات کرده و با ایشان صحبت داشته است [۱] و بنابراین میتوان فرض کرد که مآخذ احوال شعرای این‌مرتبه خود این‌شعرا هستند

۴ ـ چنانکه ازفهرست مآخذ ومنابع این کتاب برمیآید مؤلف درتدوین احوال وجمع‌آوری اشعارشعرا ازمآخذ معتبر وقابل اعتماد ازجمله‌خود شعرا و دوستان وخویشاوندان آنها وهمچنین ازمقدمه‌های‌دیوان این‌شعرا وديگران‌تحقیق نموده‌است واز کتب ومنابع معتبر برای این‌منظور استفاده کرده‌است وچون باهمه این‌شعرا قریب‌العهد یامعاصربوده وسایل‌این‌کار برای‌او میسربوده است (رجوع شود بفهرست مآخذ کتاب درسطور فوق)

۵ ـ مؤلف‌هزارها شعرفارسی را درمیخانه محفوظ کرده است . علاوه‌بر اشعارمتفرق متن‌پنجاه و سه‌ساقی‌نامه (چهل‌ویك‌مثنوی وهشت ترجیع بند وچهار ترکیب‌بند [۲] رامفصل درج کرده [۳] و از ساقی نامه‌های چهارشاعر (دیری‌وذهنی وصیائی ووصلی) اقتباسات‌مختصری‌آورده‌است

۶ ـ بعضی ساقی‌نامه ها تنها برصفحات میخانه ثبت گردیده ودر هیچ کتاب دیگری ضبط‌نشده

۱ـ ر ك میخانه ص۷۸٤ س۵

۲ ـ میخانه چاپ‌لاهور سی‌ودو ساقی‌نامه وپنج ترجیع یاترکیب‌بند

۳ـ دربعضی‌موارد مولف‌میخانه اشعاری راازساقی‌نامه‌هاحذف‌کرده‌است‌مثلا ازساقی نامه محمدصوفی مازندرانی تنها ۲۱۸ بیت‌نقل‌کرده‌است درصورتیکه ساقی‌نامه‌وی بروایت حاجی خلیفه (کشف الظنون ج۲ ص۱۸) مشتمل بر ۲۸۵ بیت‌بوده واز ساقی‌نامه ظهوری فقط ۸۳۳ بیت‌آورده‌است درصورتیکه بقول‌ریو (ج۱ ص۶۷۹) این ساقی نامه مشتمل بر ٤۵۰۰ بیت‌است حاجی‌خلیفه تعداد ابیات این‌ساقی‌نامه‌را ۸۰۵میگوید (ر.ك کشف ـ الظنون ج ۲ ص۱۸) همچنین‌تعداد ابیات‌ساقی‌نامه حافظ بقول‌حاجی خلیفه ۱۲۹ است‌اما درمیخانه ۱٤۷ بیت نقل‌شده است .

۷ ـ ترجمه احوال بعضی شعرا تنها درمیخانه آمده ودر هیچ کتاب دیگر دیده نشده است مانندوصلی شیرازی وملکی قروینی وعسکری کاشانی وصفائی تبریزی و حریفی مصنف ومیرعبدالله مژه وصیائی موشحی ومولانا رامی [1]

۸ ـ مؤلف میحانه شرح حال بعصی شعرائی را که چندان مشهور بودند نیز نسبة بتفصیل ذکر کرده است مخصوصاً احوال شعرای ذیل را مفصل آورده است . پرتوی و غیاثا وشاپور رازی وفرونی استرآبادی وغروری کاشی وکامل جهرمی واوحی کشمیری وشرازی همدانی وموزون الملك (لطفی تبریزی) [2] .

۹ ـ مؤلف درذیل بعصی شعرا درباره وضع احتماعی آن دوره هم اشاره هائی نموده ودرباره قدردانی شاهان وامرای معاصر هند ودکن وایران ازشعروشعرا واضحاً یا تلویحاً ذکر کرده است ومخصوصاً برخلاف بعضی تذکره نگاران متأخرمانندحزین ووالة ازسرزمین هندوستان واخلاق مردم وشاهان وامرای آنکشور بسیار تعریف و توصیف نموده است ودراکثر موارد برای هندوستان لفظ «دارالامان» بکار برده است

باوجود این همه مزایا و خوبیها این تذکره عشرعشیر شهرتی که سزاوار آن بوده نیافته است و حتی اته که در گروندریس [3] اسم ۵۱ تذکره وتاریخ وغیره را که در آنها حالات شعرا مندرج است ذکر نموده است نام این کتاب راهم نمیدانسته و درهیچکدام فهرست کتابخانه های پاکستان وهند وایران واروپا نامی از این تذکره برده نشده است بجز اینکه درفهرست موبیح (ص۳۷) دریك نسخه خطی دیوان عرفی

۱ـ درمقدمه گردآورنده میخانه چاپ لاهور اسم دوستی سمرقندی ودرویش جاوید و مولفهم ذکرشده است امادکراولی درعرفات ومآثر رحیمی وذکردومی در عرفات وذکر مولف درتاریخ محمدشاهی هم آمده است .

۲ـ برای اطلاعات بیشتری راجع باین شعرا که آقای گلچین از مآخذ مختلفی گرد آورده است ر ك حواشی میخانه چاپ تهران درذیل نام این شعرا.

۳ـ Grundriss ـ برای ترجمه آن ر ك «تاریخ ادبیات فارسی» تألیف هرمان اته ترجمه اردکتررضازاده شفق چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران ۱۳۳۷ شمسی (ص۴ـ۱۲) .

شیرازی «احوال عرفی شیرازی» از «میخانه عشاق عبدالنبی» نقل شده است و همچنین درهیچ تذکره یا تاریخی اسم این کتاب یا مؤلف آن ذکر نشده است بجز تاریخ محمد - شاهی معروف بنادر الزمانی تألیف خوشحالچند که درچند سطر آن ذکر عبدالنبی مؤلف میخانه اجمالاً آمده و دوبیت ازساقی نامه او نیز نقل شده است (واوهم عبدالنبی رااشتباهاً ازاقربای نظام الدین احمد مؤلف طبقات اکبری نوشته است [1])

اول کسیکه اسم میخانه راذکر نموده است مرحوم مولانا شبلی نعمانی است که درجلداول شعرالعجم توجه خوانندگان را باین کتاب جلب نموده ودر ترجمه احوال خواجه حافظ شیرازی وطالب آملی (شعرالعجم ج۲) ازاین تذکره استفاده کرده است وپروفسور براون هم بوسیله شعرالعجم از بعضی مضامین ومطالب میخانه اطلاع حاصل کرده واز آن استفاده نموده است

مؤلف شرح حال تقریباً کلیه شعرا را مفصل آورده است وتنها در ذیل شعرای مندرج ذیل شرح حالشان را نسبةً مختصر آورده است ۰ مولانا وجودی وشرمی قزوینی و مظفر کاشی و عبداله مژه و دهنی کشمیری و عصری وصیائی موشحی و مولانا رامی

همچنین اشعار اکثرشعرا را نیزمفصل آورده است وتنها درذیل شعرای زیر اشعارشانرا مختصر نقل کرده است . میرعبداله مژه و عصری ومولانا رامی (از هر کدام یك بیت) وموزون الملك وانور لاهوری (ازهر کدام دوبیت) وحیاتی گیلانی ورونقی همدانی وباقیای مصنف ومولانا وجودی وابراهیم فارسی ودرویش جاوید (از هر کدام سه بیت) وشیرازی همدانی وقدسی مشهدی ونادم گیلانی و کیفی نومسلمان وصالح تبریزی و دهنی کشمیری وعارفی موسوی وصیائی موشحی (از هر کدام چهار بیت) ومولانا طبعی ومیر تشبیهی کاشی وشرمی قزوینی ومظفر کاشی ومولانا صفائی (از هر کدم پنج بیت) و حریفی مصنف (۶ بیت)[2]

۱ـ ر ك ـ ص۱۶۹ ج۳ کتاب حاضر

۲ـ این تعداد ابیاتی راکه مولف درشرح حال این شعرا از آنان نقل کرده است نیز شامل است.

اما باید توجه داشت که مؤلف در اکثر موارد فوق در موقع نقل اشعار سعی کرده است تنها اشعاری را که «مناسب سیاق این اوراق» داشته یعنی در تعریف شراب یا ساقی گفته شده است نقل نماید. البته در بعضی موارد اگر ارشاعری شعری باین مضمون پیدا نکرده است اشعاری را در مضامین دیگر نقل کرده است.

در ذیل شعرای زیر اشعار آنها را مفصل تر آورده است طالب آملی (۳۲٤ بیت) و نوعی خبوشانی (۳٤۳ بیت) وسنجر کاشی (٤۹۸ بیت) وطهوری ترشیری (۹۲۵ بیت) رویهمرفته اسعار ترشیری را ارسایر شعرا مفصل تر نقل کرده است

بعقیدهٔ مؤلف میخانه ساقی نامه پرتوی بهتر ارهمه ساقی نامه ها است چنانکه در ذیل پرتوی میگوید:

«تکلف برطرف درساقی نامه دادسخوری داده و آنچه لازمه شعر و شاعری باشد دراشعار آن بجا آورده است باعتقاد این بی بضاعت معلوم نیست که تا الغایت کسی باین خوبی ساقی نامه بنظم آورده باشد»[1]

سبك انشای مؤلف اکثر ساده وروان است اما درمواقع تعریف ارشعرا وامرا و پادشاهان مؤلف بنثر مصنوع پرداخته است وحتی گاهی درچنین موارد نثر مقفع هم نوشته است مثلا رجوع شود به جملهٔ اول درد کر شیخ نظامی وحافظ شیرازی وصوفی مازندرانی ور کنا کاشی وفصیحی وعارف ایگی ونظام دست غیب وفروبی استرآبادی و اوحی کشمیری واسد بیگ قروینی ونطیری نیشابوری وطغی وشمیمی ودیری وصالح تبریزی وسرقی قروینی ومطهر کاشی وابراهیم فارسی ومحمد طنبوره ودرویش جاوید همچنین قبل ارا سم و تخلص کلیه شعرای **مرتبه اول** نحو میرزا اشرف جهان قروینی

۱ــ بعقیده سرخوش مولف «کلمات الشعرا» بهترین ساقی نامه را طهوری سروده است چنانکه در ذیل نام طهوری میگوید «کلام کسی بپایه طهوری نمیرسد مگر ساقی نامه فقیر سرخوش ناری پهلورد» (کلمات الشعرا چاپ مدراس ص۱۲٤) ـ اما خوشگو ساقی نامه نوعی خبوشانی را بهترین ساقی نامه قرار داده است چنانکه در ذیل نام نوعی مینویسد «باعتقاد فهم ناقص فقیر خوشگو (ساقی نامه نوعی) برجمیع ساقی نامه ها چرب افتاده»

ومیرزا ابوتراب بیگ فرقتی وافضل‌خان‌دکنی وتمام‌شعرای، **رتبهٔ‌دوم** غیرازدوستی سمرقندی ومؤلف ودر**مرتبه سوم** درذیل‌نام‌شراری همدانی‌وحصالی یك‌یاچند لقب توصیفی آورده است. درا کثرموارد این‌القاب باتخلص یا سبت‌شاعرهم‌قافیه‌آورده است‌مانند: «شیخ‌نامی گرامی حصرت شیخ‌نظامی ومطلع‌انوار ربانی وکاشف اسرار سبحانی فخرالدین‌ابراهیم همدانی‌المشتهر بعراقی» وغیره

گاهی‌این‌القاب توصیفی‌راخیلی مفصل آورده است چنانکه‌درذیل نام حافظ (که آنجااین‌القاب‌ازهمه‌مفصل‌تراست)مینویسد «عندلیب‌دلفریب‌انجمن‌سخنوری وبلبل داستانسرای چمن‌نکته‌پروری قطب‌مرکزفصاحت وبلاغت مقبول طبیعت اصحاب‌ارادت طوطی‌بوستان‌سخن‌پرداری خواجه‌حافظ‌شیرازی».

همچنین‌درذیل‌نام بعضی شعرا درموقع تعریف آنها بعضی کلمات‌را بمناسبت ورعایت‌تخلص شاعرآورده‌است مثلادرذیل‌نام‌فصیحی مینویسد: آن‌زبدة‌المتاخرین وآن‌**افصح** المتکلمین سرآمد مستعدان این حرو رمانست و **فصیح‌**ترین شعرای خراسان ».

رویهمرفته این‌تذکره‌چه‌ازحیث شرح‌حال‌شعرا وچه‌ازلحاظ ذکر اشعارشان جزوبهترین تذکره‌های‌فارسی‌است مؤلف‌بافن‌بیوگرافی‌وقوف‌کامل‌داشت‌وهمچنین دارای‌ذوق عالی شعر بوده‌است چنانکه اشعاری‌که مؤلف ازشعرا انتخاب نموده نشان می‌دهد

نسخ‌خطی

۱- **کتابخانه‌رامپور** (هندوستان) مورخ۱۰۳۹ه (رجوع شود به‌نذیر احمد ش۹۶)-ازاین‌نسخه یك‌یانصف ورق درشروع کتاب‌افتاده‌است وچندبرگ‌دیگر نیز ضایع‌یادروقت صحافی‌بی ترتیب ونامنظم‌شده‌است.

۲- **کتابخانه‌شخصی‌پرفسورشفیع**- تاریخ کتابت ندارد - ناقص الاول‌است ومتن‌وحاشیه هم‌بعضی‌جاهاناقص‌است ازاول‌تاآخر با احتیاط تصحیح شد.

درمرتبه سوم‌حالات‌نظیری‌وقدسی‌وطربیگ‌قمشه‌ای وباقیادر

۳ـ **کتابخانه شخصی آقای عبدالحسین بیات** ـ این نسخه سابقاً متعلق به مرحوم سیدعبدالرحیم خلخالی بود از دیباچه این نسخه صفحه ساقط است (مورخ ۱۹ ذی‌قعده ۱۰۷۱ هـ) در آغاز این نسخه ترجمه احوال میرعبدالهادی ملهم کاشانی و ساقی‌نامه او بعلم مریدوشاگردوی معصوم کاشی ودردنبالهٔ آن ساقی‌نامه میررضی آرتیمانی بفاصله کمی از تاریخ اصل نسخه بخط و کاغذ جداگانه‌ای الحاق گردیده و پس از آن بخط تازه‌تری سحر حلال اهلی شیرازی نوشته شده است (چون ملهم ورضی معاصر صاحب میخانه بود ترجمه و ساقی‌نامهٔ آن دوشاعر درمیخانه چاپ تهران بعنوان «ملحقات» ضمیمه شده است ولی چون سحر حلال اهلی شیرازی ساقی‌نامه نبود بنابراین آن منظومه درچاپ تهران جزو ملحقات چاپ نشده است (رجوع شود به «میخانه» مقدمه مصحح ص سه چاپ تهران)

٤ـ **کتابخانه ملی ملک تهران ش ۴۲۵۸** ـ این نسخه سیزده صفحه از اول و شش صفحه از آخر را فاقد است و جز یکی دو صفحه دیگر که از اواسط آن افتاده است دیگر نقصی ندارد و با «نظامی گنجوی» (ناقص اول) شروع شده با «احولی سیستانی» (ناقص الآخر) تمام میشود درحدود اواخر قرن ۱۱ یا اوایل قرن ۱۲ هـ استنساخ شده است

۵ـ **کتابخانه نور عثمانیه استانبول** ش ٤۳۲۸ مورخ تقریبا ۱۲۰۰ هـ

چاپ میخانه

۱ـ لاهور سال ۱۹۲٦م/ ۱۳٤۵ هـ باهتمام پروفسور محمد شفیع ـ ابتدای آن ناقص است و نواقص دیگرهم دارد که درچاپ تهران رفع گردیده است

۲ـ تهران سال ۱۹٦۱م/ ۱۳٤۰ ش = ۱۳۸۱ هـ باهتمام آقای احمد گلچین معانی ـ دراین چاپ غالب نقایص چاپ لاهور مخصوصاً فقدان ابتدای کتاب باستفاده از نسخ نورعثمانیه و آقای بیات وملک تهران مرتفع گردیده است و نسبت بچاپ لاهور اضافات ومزایای ذیل دارد

تراجم احوال ۱۸ نفر ازشعرا که درچاپ لاهور نبوددراین چاپ اضافه شده و

حندین صدبیت از ساقی نامه های شعرا که درچاپ لاهور ناتمام و ناقص آمده بود نیز تکمیل گردیده وساقی نامه (وترجیع وترکیب بد)عتابی وحکیم رکنا وحکیم شفائی وطالب آملی و باقرخرده و نظام دست غیب واسد بیگ قزوینی درمتن کتاب وترکیب بدنطیری وساقی نامه حیاتی گیلانی وترجیع بند قدسی مسهدی در حواشی کتاب که هیچکدام ازاینها درچاپ لاهور نبوده وهمچنین ترجمه های تفصیلی و تکمیلی درحواشی کتاب در۵۹ مورد وتراجم مختصر وتواریخ در۱۳٦ موردو توضیحات واظهار نظرها در ۱٦۸ مورد واشعارمنتخب ازدواوین وسعاین دوهزار وششصد بیت ومعرفی شهرها و دیه ها و سرح لغات و اصطلاحات وفهرست رحال و کتب و نام نغمات و آلات موسیقی ومتعلقات آن وساقی نامه ها دراین چاپ اضافه شده است

ذیل میخانه

چون بعدازتألیف میخانه بسیاری ازشعرای فارسی نیز ساقی نامه سروده اند وهمچنین بعضی ساقی نامه ها بدست صاحب میخانه نرسیده بود بنابراین آقای احمد گلچین معانی تصمیم گرفتند ذیلی بر میخانه تألیف نموده بقیه ساقی نامه ها را که در میخانه نیامده دراین کتاب باشرح حال گویندگان آن جمع نمایند و قسمت عمده مسوده آن کتاب به تکمیل رسیده است (الحق این اقدام بسیار مفید و مغتنمی است و نگارنده موفقیت آقای گلچین را دراین راه نیك خواستار است)

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به میخانه (ذکر مؤلف کتاب در ص ۷۵۸ - ۷۷۱) وتاریخ محمدشاهی معروف به نادرالزمانی تألیف خوشحالچند ومقدمه مصحح میخانه چاپ لاهور وترجمه آن مقدمه درمیخانه چاپ تهران

فهرست اسامی شعرا رجوع شود به میخانه چاپ تهران ص ۹ - ۱۰ (اسم ۹۰ شاعر)

تاریخ جهانگیری

ابتدا

ای نام تو افتتاح هر دیوانی ور نام تو آرایش هر عنوانی
در کنه کمال تو کی اندیشه رسد در راه تو عقل کل بود حیرانی

بعدازحمد تذکره صمدالهی تعالی وتعظیم و پس ازتبصره نعمت رسالت پناهی صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم میگوید بنده کمتر از هر کم مطربی الاصم . . . . »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب معلوم نیست اما تخلص او مطربی واصل او از سمرقند ب و وی در ۹٦٦ ه بدنیا آمد و تا سال ۱۰۳۷ ه که به بلخ رفت در قید حیات بود [1] ــ

تبصره بر کتاب

مؤلف تالیف این کتاب را دررجب ۱۰۳٤ ه بسن ٦٨ سالگی [2] آغاز نموده است وخاتمه این کتاب رادرجمادی الثانی ۱۰۳٦ ه آغاز نموده است وقبل از ۱۰۳۷ه که به بلخ رفت باتمام رسانیده است .

این تذکره مشتملست برذکر شعرائی که درزمان اکبرشاه (۹٦۲ــ۱۰۱٤ه) وجهانگیرشاه(۱۰۱٤ــ۱۰۳۷ه)دردربار مغولان هند یاسلاطین اوزبك واولاد واحفاد چنگیزخان میزیسته اند مؤلف دراین تذکره ذکر شعراو افاضلی را که تا۱۰۳٤ه با آنها ملاقات کرده آورده است.

این کتاب مشتملست برقسمتهای زیر

(۱) ر.ك نسخه اته ص ۱۹۰ الف سطر ۹۸

(۲) مؤلف اینجا سن تقریبی خودرا هفتادسال ذکرکرده است (ر.ك. اته ص۲ ب سطر ۵) .

سلسله‌اول ــ «دردکر سلاطین‌چعتائی و شعرای بلاغت‌شعاری که در زمـان ایشان حلعت طهور واشتهارپوشیده و دیوان‌اشعارایشان درماوراءالنهر متداولست.»

سلسله‌دوم ــ «دردکر سلاطیں‌اوربکیه و افاضلی که در ایـام دولت ایشاں حلعت ظهور و اشتهارپوشیده‌اند»

و ایں‌سلسله مشتمل بردوطبقهٔ دیل‌است

طبقه اول ــ «دردکر سلاطین که سبب‌پیوستگی بایں‌حاىدان‌دارندوافاضلی که درایام‌دولت ایشان بوده‌اند»

طبقه‌دوم ــ «دردکر سلاطیں که نسبت مبارك ایشان بپادشاه عظیم‌الشأں چنگیرحان میرسد و افاضلی که درایام ایشاں حلعت‌اشتهار پوشیده‌اند».

خاتمه ــ« دردکرملازمت حلیعه الهی طل‌الهی‌و وقایع‌وارده درایام‌ملازمت و لیالی طی سبیل التفات واصح و لائح‌باشد خاتمه در این اوراق الحـاقی است سبب آنکه بعدارتحریر کتاب‌مکتوب گردید»

درحاتمه مؤلف دکر بعضی شعرا راکه قبلا دکر شده‌اند آورده‌است

چون مؤلف بااکثر شعرا و افاصلی که دراین کتاب دکرشان آمده است شخصاً ملاقات کرده‌است وشرح‌حال زندگی‌شان را خودش نوشته و ازجای دیگر نقل یا اقتباس ننموده‌است بنابراین ازحیث اصالت مطالب‌این‌تدکره دارای‌اهمیت فراوانی می‌باشند

نسخهٔ خطی ــاته ح ۲ ش ۳۰۳۳(مورح۲۳ شهرالنبی(شعبان)۱۰۷۵ه).

فهرست اسامی شعرا ــ درهیچ کتاب دکر نشده‌است

مجمع‌الشعرای جهانگیری[۱]

ابتدا

با همه محتاجی و عجز و نیاز ساحتم از بسمله مفتاح راز

۱ــ استوری در ح ۱ ص ۸۱۳ اسم این‌کتاب را «مجمع‌الشعرای جهانگیرشاهی» دکرکرده است تدکره مجمع‌الشعرای جهانگیری جزو مآحد «حزانه عامره» آزاد بلگرامی میباشد (ر.ك. مآحد«حزانه عامره» دراین کتاب)

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب معلوم نیست اما تخلص وی قاطعی است. این کتاب را مؤلف سن پیری نوشته است (رجوع شود به نسخه بادلین ص ۵ الف) و استاد یا مرشد او مولانا قاسم بود (ایضاً ـ ص ۵ الف). وی میگوید که برخلاف شعرائیکه تمام عمر خودرا صرف همان فن شعر می کنند وی اکثر اوقات خود را صرف اکتساب هنر کرده است.

تبصره بر کتاب

این کتاب ظاهراً دفتر سوم یک کتاب بزرگتری است چون در فهرست این تذکره (نسخهٔ بادلین ص ۳ ب ۴) این عبارت آمده است: «فهرست اسامی شعرا که دراین دفتر ثالث تذکرة الشعرا ایراد نموده شد درمدح و مذاکره حضرت خلافت پناه ظل الله نورالدین محمد جهانگیر پادشاه عادل»

درذکر اسامی شعرا هیچ ترتیب مخصوصی را رعایت ننموده است و درباره تقدیم و تأخیر اسامی شعرا دراین تذکره (در ص الف) این عبارت آمده است

«تقدیم و تأخیر دراین مجمع الشعرای جهانگیری دراسامی واقع شده باشد بی وجوه نخواهد بود یا ازرهگذر سیادت یا ازرهگذر منصب پادشاهی وعزت آن و یا تأخیر الزمان یا تأخیر جامعیت هرجا تقدیم و تأخیر شده باشد شرف المکان بالمکین است. براهل عرفان معلوم وهویدا است اگر سهو کاتب یا سهوی که لازمه پیری است واقع شده باشد بدیل عفو ومرحمت خواهند پوشید و اصلاح خواهند فرمود».

این تذکره مشتملست برذکر ۱۵۱ شاعری که درمدح جهانگیر شاه شعر سروده اند. مؤلف درذیل سرحال شعرا درباره زندگانی آنها خیلی کم اطلاعات بهم رسانیده است اما اشعارشان را گاهی خیلی مفصل آورده است

بعد از هر حرف دعائی برای شاه آورده است که از « الهی . »
شروع میشود

نسخه خطی

رجوع‌شود به‌بادلین ش۳۷۱ (این‌نسخه بخط مؤلف‌است وناقص‌الاخر میباشد چون ظاهراً دوسه صفحه ازقسمت‌آخر که درذکر مؤلف‌بوده ندارد).

فهرست اسامی شعرا ــ رجوع‌شود به‌نسخهٔ بادلین ش۳۷۱

طبقات شاه‌جهانی

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمدصادق است استوری عقیده‌دارد که محمد صادق مؤلف شاه‌جهانی ومحمدصادق‌همدانی مؤلف کلمات‌الصادقین ومولانا محمد صادق کشمیری که اسم‌او در تاریخ محمدی آمده است اسامی مختلف یکنفر است [1].
مؤلف درسال ۱۰۰۰ھ بدنیا آمد و اکثر اوقات زندگی خودرا در دهلی گذراند و پیش شیخ‌فیضی (متوفی ۱۰۲۲ھ) تحصیل علوم‌متداوله نمود نیز ارشاگردان رشید شیخ عبدالحق دهلوی‌بود [2]

باید ادعان کرد که مؤلف‌کلمات‌الصادقین (که باحتمال قوی همین محمد صادق‌است) شیخ‌عبدالحق‌دهلوی‌را حضرت‌مخدومی می‌نویسدونیز تذکرمیدهد که جد وی (مؤلف) حاجی‌محمد همدانی‌بود که‌بملتان رفت وبالاخره‌دردهلی سکونت گزید و همانجا درسال ۱۰۰۶ ھ درگذشت . اینجا مؤلف اسم کتاب دیگر خود بنام سلسلة‌الصادقین‌را نیز آورده‌است وهمچنین‌میگوید که امیدواراست کتابی‌بنام مآثر جهانگیری تألیف کند. ولی امروز ازوجود چنین کتابی اطلاعی‌نداریم

تبصره بر کتاب

مؤلف سال تألیف طبقات شاه جهانی را در این کتاب ذکر ننموده است اما درطبقه‌دوم کتاب سال۱۰٤٦ھ راسال جاری نوشته‌است

۱ــ ر . ك استوری ج ۱ ق ۲ ص ۱۱۷۱ ۲ــ ر ك ریو ج۳ ص۱۰۰۹ ب

این کتاب مشتملست برده طبقه وهرطبقه ذکرشعرائی‌راشاملست که بترتیب دررمان سلاطین زیرمیزیسته‌اند:

۱ـ تیمور(۷۷۰ ـ ۸۰۷ ه) ۲ـ میرانشاه وشاهرخ (۸۰۷ ـ ۸۵۰ه)

۳ ـ میرزا سلطان محمد والغ بیگ (۸۵۰ ـ ۸۵۳ ه)

٤ـ ابوسعید (۸۵٤ ـ ۸۷۳ ه) ۵ ـ عمرشیخ (۸۷۳ ـ ۸۹۹ ه)

٦ـ بابر (۹۰۰ ـ ۹۳۷ه) ۷ـ همایون (۹۳۸ ـ ۹٦۳ ه)

۸ـ اکبر (۹٦۳ ـ ۱۰۱٤ه) ۹ـ جهانگیر (۱۰۱٤ـ ۱۰۳۷ه)

۱۰ ـ شاهجهان (۱۰۳۷ه تازمان تألیف کتاب =۱۰٤٦ه)

هرطبقه این کتاب مشتملست برسه باب بقرار ذیل ·

باب اولـدرذکرسادات وعرفا

باب دوم ـدرذکرعلما وحکما وفضلا

باب سوم ـدرذکرشعرا

نسخ خطی

۱ـ آصفیه ج ۱ص ۲٤٦ ش۷۲۱ (مورخ قبل از۱۱۵٦ه)

۲ـ اته ش۷۰۵ (تاریخ استنساخ ندارد)

۳ـ ریو ج۳ ص ۱۰۰۹ب (قرن ۱۹میلادی)

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به طبقات شاه جهانی و کلمات الصادقین و تاریخ محمدی وریو ج ۳ ص ۱۰۰۹ب و استوری ج ۱ص ۲ـ۱۱۷۱.

فهرست اسامی شعرا

درهیچ فهرست کتابخانه یا کتاب دیگرذکر نشده است .

خزینه گنج الهی

ابتدا : «صاحب مقطعات موعظت آئین امیر محمود مشهور با بن امین (یمین)»

شرح حال مؤلف

این کتاب میرعماد الـدین محمود حسینی است وتخلص وی الهی است . اسم پدرش بروایت اشپرنگر رحمت الدین و بقول مؤلف منتخب الاشعار رحمت‌الله است . وی اصلا ازسادات اسدآباد نزدیك همدان بود [1] .

مؤلف «همیشه‌بهار» مینویسد کـه اسمش میرصدرالدین محمد علی ابن محمد شیرازی است ووی اهل همدان بوده ودرسال ۱۰۱۰ﻫ بهندآمده دردربارشاهی خیلی عزت واحتشام یافت وبرای علم طب اورامسیح الزمان لقب دادند

امایا این قول راجع بکس دیگراست یامؤلف «همیشه‌بهار» اینجااشتباه کرده است چون الهی دراین کتاب میگوید کهوی درسال ۱۰۱۰ﻫ بقصدتحصیل باصفهان [2] رفت و در آنجـا سه سال ونیم اقامت کرد وبعد میگوید که درسال ۱۰۱۵ بـرای همین منظوربشیرازرفت .

مؤلف «کلمات الشعراء» مینویسد کـه میرالهی همدانی درعهد جهانگیرشاه (۱۰۱۴ـ ۱۰۳۷ﻫ) ازولایت همدان به هندوستان آمد.

اماقبل ازاینکه بهندوستان بیاید بکابل رفت ومدتی آنجـا اقامت داشت . در آن زمان ظفرخان احسن که خودش هم شاعربود وشعرا راتربیت میکرداستاندار کابل بود وی این سمت رابه نیابت پدرخودخواجه ابوالحسن تربیتی از۱۰۳۳ﻫ مطابق سال نوزدهم سلطنت جهانگیرشاه تا۱۰۳۷ﻫ [3] مطابق سال اول سلطنت شاه جهان داشت وپدرش رسماً استاندارکابل بوده ولی شخصاً در آن ایام درکابل اقامت نداشت.

۱ـ ر ك . تذکره طاهرنصرآبادی وآتشکده

۲ـ اشپرنگر اشتباها شیراز نوشته است(ر ك . پرتش فهرست برلن)

۳ ـ مولف پادشاه نامه مینویسد که بعد از وی لشکرخان مشهدی حاکم کابل شد (ر. ك پادشاه نامه ج ۱ ق۱ ص۱۲۰)

در۱۰۳۳ﻫ میر الهی قصیده‌ای بنام ظفرخان سروده است[۱] مؤلف « بادشاه نامه » مینویسد که الهی در۱۰۴۰ﻫ در کابل باحکیم حاذق ملاقات کرد که آدم خیلی مغرور و بد طبع بود[۲]

بعد از آن ظاهراً الهی بهندوستان آمد و بعد از چندسال که وی در دربار جهانگیر شاه و شاه جهان(۱۰۲۷-۱۰۶۸ﻫ) بوده در سنه۱۰۴۲ﻫ بهمراهی ظفرخان بکشمیر رفت[۳] ظفرخان در اوایل ۱۰۴۲ﻫ به نیابت پدرخود که رسماً حاکم کشمیر بود به کشمیر رفت و بعد از مرگ پدر در رمضان ۱۰۴۲ﻫ خودش بحکومت کشمیر منصوب گشت[٤] و در۱۰۴۸ﻫ معزول شد[٥] و در۱۰۵۱ﻫ دوباره بحکومت کشمیر منصوب گشت[٦] و در کشمیر تا زمان وفات اقامت داشت

سال وفات الهی از روی «واقعات کشمیر»۱۰۶۳هجری است که در قطعه‌ای که بر لوح مزار وی کنده شده مذکور است در این قطعه «بود سخن آفرین»(=۱۰۶۳ﻫ) سال وفات وی را میرساند

اما اسپرنگر مینویسد که از روی قطعه تاریخ که غنی سروده است الهی در۱۰۵۲ﻫ فوت کرده است ولی ابوطالب در «خلاصة الافکار» وفات وی را در ۱۰۶۰ﻫ ذکر کرده است در «مرآت جهان نما» سال وفات الهی ۱۰۵۷ﻫ آمده است و سراج الدین آرزو ۱۰۶٤هجری ذکر نموده است

آثار مولف

آثار مولف حالیکه بدست رسیده است بدین قرار است

(۱) تذکره خزینه گنج الهی ـ تذکره مورد بحث

۱ـ ر ک ریو ج ۲ ص ٦۸۷ ب

۲ـ ر ک پادشاه نامه ج ۱ق ۱ص ۳۱۸

۳ـ ر ک ریو مأخذ این قول ریو « واقعات کشمیر» است

٤ـ ر ک پادشاه نامه ج ۱ ق ۱ ص ٤۷۲

٥ـ ایضا ص ۱۲٥

٦ـ ایضا ص۲۸۳

(۲) دیوان

۱ـ نسخه‌ای از این دیوان مورخ ۱۰۴۲ ه در کتابخانه موزه بریتانیا موجود است (ر ک ریوج ۲ص ۶۸۷ب)

۲ـ نسخه‌دیگر مورخ۱۰۵۲ه در کتابخانه اوده موجود بود (ر ك. اشپرنگر ش ۲۷۷)

۳ـ نسخه‌ای مورخ ۱۰۵۲ه در برلن موجود است که ظاهراً همان نسخه اشپرنگر است یا از روی آن استنساخ شده است(ر ك برلن س۹۳۹)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بین سالهای۱۰۴۲و۱۰۵۲یا۱۰۶۳و۱۰۶۴ه تألیف کرده است.

این تذکره مشتمل بر ذکر قریب چهارصد شاعر[1] متقدم ومتأخر بترتیب الفبا ازروی حرف أول اسم یاتخلص شاعر ومؤلف درتألیف این کتاب از کتب زیر استفاده کرده است

۱ـ تذکره دولتشاه سمرقندی ۲ـ تحفه سامی

۳ـ مجالس النفایس میرعلیشیر نوائی ٤ ـ عرفات العاشقین تقی اوحدی .

۵ ـ جواهر العجایب فخری ٦ـ تذکره خواجه امین الدین حسن نثاری (مذکر الاحباب)

۷ ـ مقالة الابرار (تذکره صوفیه) ۸ ـ مجالس عبدالقادر مراغه‌ای

این تذکره با «امیرمحمود ابن یمین» شروع شده با «همایون پادشاه» تمام میشود ومخصوصاً مشتمل برذکر شعرای متوسط (ازقرن نهم ودهم) میباشد وشرح حال وآثار بعضی شعرای قرن هشتم را نیز شامل است که از دولتشاه نقل کرده است

۱ـ نسخه اشپرنگر هم بخط مولف است ودراین نسخه مولف بعضی جاهارا خالی گذاشته وگاهی تنها اسم شاعر را نوشته وبعدا جابرای شرح حالش خالی گذاشته وفقط اشعار منتخب راازروی آورده است گاهی تنها شرح حال شاعری را نوشته وجابرای اشعاراوخالی گذاشته است غالبا درحاشیه اضافه‌هائی داردکه بخط کسی دیگراست

این تذکره هیچ دیباچه وخاتمه ندارد وچنانکه اشپرنگر گفته است هیچوقت باتمام نرسیده وبنابراین کاملا غیرمعروف مانده است

نسخ خطی

۱- اشپرنگر ش۱۱ (۱) ۲-برلن ش۶۲۶-نسخه ناتمام بخط مولف

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به منتخب الاشعار مثلا ش٤٦ وعمل صالح ح ۳ص ۱٦-٤۱۵ (که اطلاعات زیادی درباره وی نمیرساند) وتذکره طاهر نصرآبادی ص ٦- ۲۵۵ وکلمات الشعرا ومرآت الخیال ش۷٤ وهمیشه بهارو واقعات کشمیر ص ۱۵۳ وریاض الشعرا (که دیوان منتخب الهی دارد) وآتشکده ش۵۹۸ و خلاصه الافکار ش۳٦ ومخزن الغرایب ش۱۱۳ و ریاض الافکار (ر ك بانکی پور دیل ح۱ص ۵۰)وهفت آسمان ص۷-۱٤٦وفهرست ریو ح۲ص ٦۸۷ ب وح۳ص ۱۰۹۱ ب واستوری ج۱ق ۲ص ۸۱٦)

فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به اشپرنگر ص ٦۷-۸۷

فصل دوم

قسمت دوم

ازجلوس اورنگزیب عالمگیر شاه (۱۰۶۸ھ) تاآغاز سطلت انگلستان

(۱۸۵۷م/ ۱۲۷۴ھ)

ملاحظات عمومی
بر
قسمت دوم فصل دوم
(۱۰۶۸ - ۱۲۷۶ ه)

وضع سیاسی واجتماعی این دوره

این دوره در تاریخ هند دوره هرج و مرج سیاسی و انحطاط اجتماعی میباشد اورنگزیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ه) آخرین پادشاه بزرگ تیموریان مرد بسیار خشک و مذهبی افراطی و مسلمان متعصبی بود و بر عکس رسم اسلاف خود نه تنها ادباء و شعراء را تربیت نمیکرد بلکه حتی از شعرا اظهار انزجار و نفرت داشت . در درباری که همیشه در زمان پادشاهان مسلمان هند تا قبل از اورنگزیب مرکز اهل فضل و مجمع اهل هنر بوده در زمان این پادشاه تقریباً بکلی از وجود علما و فضلا محروم گشت واگر در زمان او بعضی از ادبا مانند نعمت خان عالی هنورحرو درباریان او بوده اند علت وجود آنها در دربار شاهی غیر از ذوق شعر و ادب آنان بوده است .

در زمان اورنگزیب مخصوصاً در آخر عهد او اکثر حکام دست بشورش زده بتدریج رشته اطاعت خودرا از دولت مرکزی گسسته و بالاخره موفق بتأسیس حکومتهای مستقلی شدند بخصوص بعد از فوت اورنگزیب (در ۱۱۱۹ه) جانشینان وی نتوانستند حتی بقیه اجزای کشوررا که تحت تسلط تیموریان هند مانده بود از تجزیه نگهدارند و

این پادشاهان که تقریباً اسماً پادشاه هند بودند همواره مشغول فرونشاندن شورشهای داخلی بودند که در نواحی مختلف کشور بروز میداد وحتی در بار آنها نیز مرکز توطئه وسازش علیه یکدیگر بود. خلاصه هیچکدام از جانشیان اورنگزیب نتوانستند مملکت را از شر شورشیان پاك کرده ویك دولت قوی مرکزی برای سراسر هندوستان تشکیل دهند.

در آخر این دوره بلائی دیگر بسر مردم هند آمد و آن توسعه نفوذ انگلیسها و توفیق آنها در تشکیل دولتهای دست نشانده خود بود که بتدریج منجر به تأسیس حکومت انگلستان درهند گردید.

انگلیسها بوسیله توطئه چینی و کمك بعضی از حکام خاین و کوتاه بین و نمك ــ نشناس هندوستان بتدریج یکایك رقبای خارجی خود مانند فرانسویها وپرتقالیها را ازمیدان خارج کرده ودشمنان داخلی مانند سلاطین میسور واود وحکام سند ودر آخر خود سلطنت مرکزی تیموریان هند را از بین برده توانستند نقشه های خود مبنی بر تجزیه مملکت هند وتضعیف دولت مرکزی آن کشور وبالاخره تشکیل حکومت انگلستان درهند را عملی سازند

وضع ادبی این دوره

باوجود نامساعدی اوضاع و کسادو بی قدری فضل وهنر در این دوره هنوز در بعضی نقاط هندوستان ادبیات فارسی رواج داشت

در این دوره مخصوصاً بعد از اورنگزیب برخی از سلاطین دهلی مانند بهادرشاه ثانی متخلص به ظفر (۱۲۵۳ــ۱۲۷۵ه) غافل از نقشه های دامنه دار انگلیسها برای برانداختن سلطنت تیموری هند ودامهائیکه برای تضعیف وخاتمه این دولت وتشکیل حکومت خود در سراسر هندوستان گسترده بودند هنوز مشغول عیش وعسرت بوده و گاهی بزم شعر وادب را برپامیکردند با وجود اینکه دراین دوره شعر اردو بیش از پیش در سراسر هندوستان رونق گرفت اما بسیاری از شعرا از جمله شعرای اردو مانند غالب و آزرو ومصحفی هنوز بفارسی هم شعر میسروده و کتابهائی باین زبان نوشته اند.

هنوز طرح انگلیسها برای کندن ریشه زبان وادب فارسی ازسرزمین هندوستان کاملا بمرحله اجرا در نیامده بود ودر بعضی نواحی هندوستان مانند دهلی ومدراس و حیدرآباد دکن واودوسند که بتدریج تحت نفوذ وتسلط انگلیسها در آمد مردم هنوز بزبان فارسی شعر میسروده و کتابهائی باین زبان تألیف مینموده اند چنانکه تنها مؤلف «تذکره اعظم» اسم ۲٤ نفراز شعرای مدراس را ذکر کرده است که بزبان فارسی دیوان شعرداشته وتقریباً اسم ۲۰ نفررا که آثاردیگری باین زبان تهیه نموده بودند نیز آورده است

همچنین ازتعداد شعرای معاصری که درتذکره‌های این دوره ذکر شده‌است میتوان درك کرد که هنوزدرسرزمین هندعده کثیری ازشعرای هندوستان بفارسی شعر میسروده‌اند مثلا تذکره‌های ذیل که درذکرشعرای این‌دوره میباشد تعدادشعرا را بدین‌قرار ذکر نموده‌اند

کلمات‌الشعرا : درحدود ۲۰۰ شاعر ومقالات‌الشعرای حیرت ۱۵۰ شاعر وسفینه خوشگوی (دفترثالث) ۲٤۵ شاعر وتحفة الشعرا . ٦۲ شاعر متاخردکن وتذکره بینظیر ۱٤۹ شاعر ومردم‌دیده ٦۱ ساعر وانیس‌الاحباء ۵۰ شاعر وعقدثریا . ۱۳۷ شاعر وسفینه‌هندی ۳۳۵ شاعر وریاض‌الوفاق ۱٤۲۰ شاعر کلکته‌وبنارس‌واشارات‌بینش ۷۷ شاعر کرناتك وگلدسته کرناتك ۷۰ شاعر کرناتك وصبح وطن ۹۲ شاعر مدراس وخزینةالشعرا . ۱۹۰ شاعر وگلزاراعظم ٤۳۲ شاعر کرناتك .

مختصات تذکره‌نگاری این دوره

نویسندگان این‌دوره‌مانند‌دوره سابق که‌در آن‌بسیاری ازتذکره‌های‌عمومی تألیف شده‌است تذکره های ذیل رادر ذکر شعرای متقدم ومتأخرومعاصر ترتیب داده‌اند

لطایف‌الخیال ومرآت‌الخیال وسفینه خوشگوی و یدبیضا وتذکره ندرت و گلدسته وبهارستان سخن وریاض‌الشعرا ومنتخب‌الاشعاروتذکرۀ حسینی ومجمع ـ النفایس و سفینة الشعرا وسفینه عشرت و خزانه عامره و گل رعنا (تنها در ذکر

شعرای هند) وتذکره یوسف علی‌خان وصحف ابراهیم و خلاصه الافکارومخزن‌العرایب وتذکره کاتب و سترعشق وانیس العاشقین ومعراج الخیال ونتایج الافکار و نعمه عندلیب

باوجوداینکه نویسندگان این‌تذکره‌ها شرح‌حال و نمونه‌اشعارشعرای‌متقدم وحتی گاهی بعضی‌شعرای متاخر را ازتذکره‌های سابق نقل کرده‌اند معذلک گاهی اشعار بعضی‌شعرای متقدم ومتاخررا ازدیوان آنها انتخاب‌نموده درتذکره‌های خود آورده‌اند

همچنین شرح‌حال ونمونه‌اشعار شعرای معاصرخودرا غالباً مفصل آورده‌اندو بنابراین‌غالب این‌تذکره‌ها برای تدوین تـاریخ شعرفارسی بسیار مفید میبـاشدو بعضی‌ازآنها تا اندازه‌ای سیرتکامل شعرفارسی راازابتدای‌آن‌تازمان تألیف‌تذکره روشن میسازند .

برعکس دو دوره سابق‌الذکردراین دوره‌تقریباً تمام تذکره های فارسی را که‌درهند تألیف شده‌است خودنویسندگان هندترتیب داده‌اند ودرمیان پنجاه و نه (۵۹) تذکره‌تنها شش(٦)تذکره راتذکره نگاران ایرانی‌تالیف‌نموده‌اند که‌بقرار زیراست

لطایف‌الخیال تالیف‌شیخ مفید شیرازی وریاض‌الشعرا تألیف علی‌قلیخان‌واله وتذکره المعاصرین وسفینه علی‌حزین هردوتألیف شیخ محمدعلی‌حزین وتذکره کاتب تألیف میرزا محمدعلی‌کاتب صفوی و محک شعرا تألیف محمد صالح‌شاملوی خراسانی

ازجمله شش تذکره نگاران فوق حزین وواله بعلت هرج ومرج سیاسی و نا مساعدی اوضاع ایران از آن کشور بهند مهاجرت نموده و در هندوستان پنـاه آورده بودند

سبک‌نگارش‌تذکره‌نویسان‌این دوره

سبک انشای تذکره‌نگاران این دوره اکثرسـاده‌بوده اماانیس‌الاحباومحک

شعرا و معراج الخیال غالبا بسبک مصنوع نوشته شده است همچنین نویسندگان بعضی تذکره‌ها مانند تذکرة المعاصرین وسترعشق وصبح وطن و گلزاراعظم درموقع تعریف شعرا بنثر مصنوع پرداخته‌اند

برای اولین دفعه درتاریخ تذکره نگاری شبه قاره هند دراین دوره بعضی نویسندگان کلمات زبان اردو وسندی را بکاربرده اند (رجوع شود به سفینه خوشگوی ویدبیضا ومقالات الشعرای قانع وسرو آزاد ومردم دیده وخزانه عامره و گل رعنا وسفینه هندی)

برخی ازاین نویسندگان کلمات اردو واسامی شهرهای هند را بجای فارسی باملای اردو نوشته‌اند (رجوع شود به سفینه خوشگوی وید بیضا وسرو آزادوخزانه عامره وسفینه هندی)

دراین دوره مخصوصا سبک سفینه خوشگوی وسفینه هندی خیلی جالب است چون نویسندگان هردو آنها نه تنها کلمات اردو رابفراوانی بکاربرده‌اند بلکه حتی بعضی اصطلاحات راازخود ساخته‌اند وحتی گاهی، دراملای بعضی کلمات اشتباه کرده‌اند (رجوع شود به بحث درباره سبک انشای این دو کتاب دراین رساله)

نکته جالب دیگردرمورد سبک انشای این دوره استعمال بعضی القاب تعریفی قبل یا بعداز اسم وتخلص وهمچنین جملات مصنوع بمعنی « فوت شده » و« ایک اشعار او» میباشد که در بسیاری از تذکره‌های این دوره بکاررفته است (رجوع شود به کلمات الشعرا وسفینه خوشگوی وبهارستان سخن ورياض الشعرا ومنتخب الاشعار وتذکره حسینی ویدبیضا وسرو آزاد وتذکره بی نظیروخزانه عامره و گل رعناوصبح وطن و نتایج الافکارو گلزاراعظم)

همچنین در بعضی تذکره‌ها کلمات واصطلاحات عربی بفراوانی بکاررفته و گاهی بعضی عبارات بعلت استعمال کلمات مشکل وغیر معروف عربی برای خوانندهای عادی خیلی مشکل شده است (رجوع شود به مجمع النفایس وتذکرة المعاصرین ویدبیضا وسرو آزاد وخزانه عامره ومقالات الشعرا وانیس الاحبا وعقدثریا ونشتر

عشق ومحك‌شعرا).

رویهمرفته تذکره‌های این دوره نشان‌میدهد که دراین دوره شعرفارسی‌سیر نزولی‌خود را طی کرده وشیرینی وروانی‌وجاذبیت سابق خودراازدست داده بود و اکثرشعراهمان‌مضامین‌وافکارشعرای‌پیشین‌راجامه‌نواماارزان‌وکم‌ارزش‌میپوشاندند وحتی ابتکارمضامین وتازگی فکر که ازمختصات عمده سبك هندی بوده‌درشعراین دوره بندرت بچشم میخورد .

همچنین نثراین دوره بیرسست بنثردوره‌های سابق بیمره تروسست‌ترشده و عناصر خارجی بیشتردرآن‌رخنه کرده وبسیاری ازکلمات زبانهای‌اردودرنثرفارسی هند وارد شد.همچنین‌استعمال اصطلاحات غریب‌وعجیب که اکثرمحصول سرزمین هندبود ویا خود نویسندگان‌هنددرموقع نوشتن فارسی بعلت عدم تسلطشان‌براین زبان ازخود میساختند ازلطف‌نثرفارسی این دوره‌کاسته و آنرا برای خوانندگان ایرانی غریب‌ونامفهوم تر گردانیده‌بود

اکنون درباره تذکره‌هائیکه دردوره‌دوم‌تیموریان هنددرآن‌سرزمین‌بفارسی نوشته‌شده بطورمفصل بحث‌میکنیم.

لطایف‌الخیال

ابتدا «لسان سخنان‌فصاحت‌آفرینی‌معزدماغ فکرت‌حقیقت گزینی‌صدف گوهر گنجینه راز مسلم‌الثبوت دشوارپسندان عراق‌وحجاز . (حافظ)»

شرح حال مولف

اسم مولف این کتاب شیخ مفیدشیرازی(محمدبن محمدعارف‌شیرازی‌دارابی)

معروف به شاه محمد[۱] است که ارتلامده وشاگردان شیخ بهائی است . شرح حال مفصل وی بدست نرسیده ولی ازشرح حال شعرای دیگر که در این تذکره مرقوم نموده است بعضی اطلاعاتی درباره زندگانی وی بهم میرسد ازآنجا معلوم میشود که وی بسال ۱۰۶۲ھ درشهر دولت آباد هندبود درآن شهرتا دیرماند (رجوع کنید به ذکرمیر برهان ابرقوئی) ودردوران اقامت درهند درسورت واحمدآباد بوده ودرسورت بامیرزا محمدحسین حاذری اصفهانی ودراحمدآباد با پسران میرفائض الحسینی نطنزی[۲] ملاقات کرد وهمچنین دراحمدآباد بامیرزایوسف قزوینی برادرمیرزاطاهر وحید[۳] ملاقات کرده است

درسال ۱۰۶۷ھ مولف ازهندوستان بایران مراجعت کردومینویسد که دراین مسافرت سالك قزوینی واو باهم دریك کشتی بودند درایران غالب اوقات خودرا درشیراز واصفهان گذرانده ودرشیراز با نظمی تبریزی وحکیم رکنا کاسی[٤] ملاقات کرد

۱ـ از روی یادداشتی که در ابتدای نسخه منتخب تذکره لطایف الخیال متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شماره ۲۹۵۱ آمده است اسم مولف تذکره لطایف الخیال «شیخ معید شیرازی محمدبن محمد شیرازی دارابی الموعود بشاه محمد» است. پروفسور اقبال درمقاله ای درباره «لطایف الخیال» که دراورینتل کالج مگزین مورخ نوامبر ۱۹۳٤م (قسمت اول) با وجود ندانستن اسم مولف این تذکره تالیف آنرا به محمد الداوابی نسبت داده است واستوری هم این عقیده را تصدیق نموده است و در نسخه این تذکره که متعلق به کتابخانه ملك است اسم مولّف محمدبن محمدعارف شیرازی ذکر شده است. درپایان جلد اول این نسخه شرح احوال مختصری به نثر بسیارمصنوع آمده است ونگارنده آن شرح حال یك کسی بنام اسمعیل است که ازمولف وکتابش خیلی تعریف کرده ونوشته است که بعد از سعی بسیار دیوان مولف را بدست آورده واشعاری چندازآن انتخاب نموده دراین کتاب آورده است

۲ـ مخزن الغرایب ماموریلیس محمی ومنظورنظرجهانگیرپادشاه بوده

۳ـ ر.ك. به آتشکده آذر بتصحیح آقای حسن سادات ناصری ج ۳ ص ۱۲۲۱

٤ـ سال وفات رکناکاشی درتذکره ها ۱۰٦٦ھ آمده است ولی مولف « لطایف الخیال » مینویسد که وی رکنا را در ۱۰٦۷ھ درشیراز ملاقات نموده است وازاین معلوم میشود که رکنا تاسال ۱۰٦۷ھ هنوزدرقیدحیات بوده است برای شرح حال حکیم رکنا کاشی ر. ك میخانه چاپ تهران ص ٤۹۳ وخلاصة الاشعار تقی کاشی ومجمع الخواص و اکبرنامه وعرفات تقی اوحدی وتوزك جهانگیری وعمل صالح وسروآزاد وخزانه عامره .

ودراصفهان رفاقت مفصلی با صائب وشاه مجدای تهرانی و صادقا پسرشیخ مومن اصفهانی[1] بوی دست داد . درباره صائب مینویسد که او برمولف خیلی لطف و شفقت میفرمود ومولف ازصحبت وی خیلی استفاده کرد.

مولف دوباره بهندوستان رفت (ولی معلوم نیست درچه سال) وتالیف این تذکره (لطایف الخیال) رادرسال ۱۰۷٦ھ درحین اقامت درهند شروع کرد چنانکه درذیل نام میرمحمد باقر داماد پسر میرزا صادق شیرازی مینویسد . « دربعضی جنگل هندوستان که حقیر تالیف این مجموعه مینمود ازاشعارایشان این بیت درخاطر بسبیل اموزج بصفحه اوراق نقل نموده . بیت .

با این دو روزه عمر که آید بدست ما با مایه قلیل چه سودا کند کسی

مولف بهمراهی میرزا قاسم خلف میرزامحسن متخلص به تاثیر بزیارت نجف اشرف و کربلای معلی رفت اماسال این مسافرت معلوم نیست .

شعرای دیگر که مولف باایشان ملاقات کرده بدین قرارند

۱ـ میرتقی شاگرد میرزا جلال اسیر که مولف درباره وی مینویسد که درموقع تالیف این تذکره میرتقی درجهانگیر نگر (دهاکه) بوده ودیوان خود را ترتیب میداد وخیلی مشتاق ملاقات باو بود

۲ـ میرصابر حسینی که بامولف صحبتی داشت مولف مینویسد که میرمربور در برهانپور درسال ۱۰٦٤ھ فوت کرد

۳ـ مولانا واهب همدانی[2] که بقول مولف درحیدرآباد بسال ۱۰۷٤ فوت کرد

٤ ـ میرزا صادق کاشی که مولف اورا درذیل شعرای نوجوان معاصرحساب

۱ـ مخزن الغرایب شیخ مومن درخدمت جهانگیرپادشاه و ازرفقای تقی اوحدی (مولف عرفات العاشقین) بوده .

۲ـ مخزن الغرایب برادرمولانا رونقی همدانی

کرده است .

درباره بقیه احوال زندگانی مولف اطلاعاتی دردست نیست .

آثار مولف

طبق یادداشتی بعنوان « توصیح » کـه درآخر نسخه «منتخب تذکره لطایف الخیال» متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران آمده است ملاشاه محمد(مولف تذکره لطایف الخیال) « تصانیف مفیده بسیاردارد ازآن جمله است شرح صحیفه سجادیه موسوم بریاض العارفین»[1]

این تذکره هیچ مقدمه وخاتمه ندارد وظاهراً هیچوقت بپایان نرسیده است وبنابراین سال تالیف وسبب تالیف وغیره راندارد . اما ازمتن کتاب معلوم میشود که مولف تالیف این کتاب رابسال ۱۰۷۶ هـ آغازنموده است چنانکه درذیل نام میرمرتضی مینویسد «درحین تالیف این مجموعه که سنه ست وسبعین (والف یعنی سنه ۱۰۷۶ هـ) است درجهانگیرنگر ترتیب دیوان لطافت بیان که سه هزاربیت است داده اند».

همچنین درذیل باقرای عصارشیرازی ومیرزا صائب سال (آغـاز) تالیف را ۱۰۷۶ هـ ذکرنموده است

مولف ظاهراً تاسال ۱۰۷۸ هـ درتالیف این کتاب مشغول بوده است چنانکـه درپایان شرح حال میرزا اسمعیل مینویسد : « تاسنه هزاروهفتاد وهشت هجری که تاریخ تالیف لطایف الخیالست ...» اماچون بعدازا ۱۰۷۸ هـ سالی دراین کتاب ذکر نشده بنابراین میتوان باین نتیجه رسید که بعلت مرگ مولف یا بعلل دیگرکارتالیف این تذکره ناتمام مانده است .

درمتن کتاب اسم هیچ کتـاب دیگری رابعنوان مـأخذ ذکرنکرد

۱ـ این یادداشت امضاء یااسم نویسنده ندارد اما ظاهراً بخط آقای باستانی رادست که سابقاً این نسخه متعلق بکتابخانه وی بوده وبعضی یادداشتها باین خط وبامضای وی درحواشی وابتدای کتب دیگر نیز که سابقاً متعلق بکتابخانه وی بوده واکنون متعلق بکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است دیده شده است .

بنابراین معلوم نیست که در تالیف شرح حال شعرای قدیم چه کتابهائی جزو منابع مولف بوده است . البته شرح حال شعرای معاصر را غالباً از خود نوشته است .

تبصره بر کتاب

طبق فهرست اسامی شعرا که در ابتدای نسخه دانشگاه لاهور آمده است عده شعرا چهارصد و پنجاه وچهار است اما نسخه دانشگاه لاهور که تنها جلد اول این تذکره را دارد شامل ذکر صد و نابرده[1] شاعر است و در نسخهٔ کتابخانهٔ ملک تهران که هردو جلد این تذکره دارد تنها سیصد و پنجاه وچهار ذکر شده است

مؤلف شعرا را از روی استان و شهرهای آنان طبقه بندی کرده است بدین قرار

۱ ـ فارس و شبانکاره ۲ ـ توابع فارس ۳ ـ اصفهان ٤ ـ توابع اصفهان ٥ ـ کاشان وتوابع آن ٦ ـ دارالمؤمنین قم ۷ ـ قزوین وساوه و نواحی آن ۸ ـ ری و تهران وتوابع آن ۹ ـ همدان ۱۰ ـ توابع همدان ۱۱ ـ اردبیل آذربایجان ۱۲ ـ تبریز ۱۳ ـ توابع آذربایجان ۱٤ ـ شوشتر ۱٥ ـ طبرستان و گیلان ۱٦ ـ مازندران ۱۷ ـ استرآباد ۱۸ ـ یزد و توابع آن ۱۸ ـ کرمان وتوابع آن ۲۰ ـ خراسان و توابع آن ۲۱ ـ نیشابور ۲۲ ـ مشهد مقدس ۲۳ ـ هرات وتوابع آن ۲٤ ـ بلاد متفرقه از خراسان ۲٥ ـ قندهار و سیستان ۲٦ ـ ماوراء النهر ۲۷ ـ هندوستان وتوابع آن ۲۸ ـ روم وتوابع آن و نجف اشرف و کربلای معلی

این تذکره شامل ذکر بعضی از شعرای متقدم ومتأخر است که تا سال ۱۰۷۸ هجری میزیسته اند و با «حافظ» شروع شده با «قدسی کربلائی» تمام میشود .

مؤلف درذیل نام اکثر شعرا شرح حال آنها را مختصر ولی اشعار آنها را مفصل آورده است

تنها درذیل نام شعرا واشخاص زیر شرح حال آنها نسبةً مفصل آمده است

---

۱ ـ درمقاله ایکه پروفسور اقبال دراورینتل کالج مگزین مورخ نوامبر ۱۹۳٤م (قسمت اول) راجع به «لطایف الخیال» نوشته است عده شعرای این نسخه تذکره را دویست وچهارده ذکر نموده است .

نظام دست‌غیب و کمال‌الدین‌اسمعیل اصفهانی وصمیری وشیخ‌بهاءالدین‌محمد ومیرزا صایب وشیخ صفی و شاه صفی‌الصفوی وشاه‌عباس‌ثانی و ابوطالب تبریزی و فارغ وشمس الدین شوشتری ونورالله شوشتری ومیر سیدعلی وتقی‌الدین محمد و طالبای آملی و نصیرالدین‌طوسی وسیدحسینی ومولاناجامی وهلالی‌وانوری‌واصفی

رویهمرفته شرح حال نورالله شوشتری مفصل تر ازهمه (در چهار صفحه) آورده است .

اشعـارقریب‌به‌صدوبیست وپنج‌شاعررا نسبة مفصل واشعار شعرای‌زیررا خیلی مفصل‌آورده است

شیخ بهاءالدین‌محمد (۲٤ص) ومیرزا حلال اسیر (۲۰½ص) و میرزا صایب (۲۲ص) وزلالی‌خوانساری(۵۱ص)وعارف‌شیرازی(مؤلف۱۷ص)وطالبا آملی(۱۸ص) و وحشی یزدی (۲۵½ ص) و طهوری ترشیزی (٤۷ ص) .

رویهمرفته‌اشعارزلالی خوانساری‌را مفصل‌ترازهمه (۵۱ ص) آورده است و ازاقسام شعر اشعارمنتخب ازساقی‌نامه طهوری ترشیزی [1] رامفصل‌ترازهمه(٤۲ص) آورده است

درذیل‌نام‌شیخ‌بهاءالدین محمداسم آثاروی رامفصلاذکر کرده است .

رباعیات نام‌میرزا وهمچنین‌رباعیات سنائی غزنوی (نعدازحسن دهلوی) و اشعار منتخب‌فیضی رابدون شرح‌حال آنان‌آورده است (وظاهراً فرصت‌نکرده است شرح‌حال آنان رابنویسد)

درذیل‌نام اکثرشعرا یك سطر برای معرفی و چندبیت ازآنان آورده است

۱ـ برای‌نسخه‌کامل ساقی‌نامه‌طهوری ر ك ساقی‌نامه طهوری چاپ‌کانپور ۱۸۷٦ م که درحدود چهارهزار وپانصدبیت‌محشی‌دارد . این‌کتاب درکتابخانه‌شخصی‌آقای‌گلچین معانی‌درتهران موجوداست و مشارالیه درموقع تصحیح انتخاب ساقی‌نامه طهوری که درمیخانه‌عبدالنبی‌آمده‌است این‌کتاب‌را پیش‌نظرخودداشته است(ر ك میخانه‌چاپ تهران باتصحیح وتحشیه‌آقای گلچین ص۳٦۵ حاشیه ۱) .

مانند مجرد شیرازی وشریف وباقی نهاوندی

سبک انشای مؤلف غالباً خیلی مصنوع است و گاهی نثر مسجع هم بکار برده است مخصوصاً در موقع تعریف وتمجید از شعرا

همچنین قبل از اسم وتخلص شعرا غالباً چند لقب توصیفی نثر مسجع آورده است مانند « سالک مسالک عرفان در دریای ایمان مرکز دایره حقیقت وصواب رسی شیخ سعدی فارسی» گاهی این القاب توصیفی خیلی مفصل آمده است چنانکه در ذیل نام حافظ ومیرزا اسمعیل .

رویهمرفته این تذکره درمورد شعرای زمان اورنگزیب عالمگیر شاه(۱۰۶۸ــ ۱۱۱۹ه) وشعرای معاصر مؤلف دارای اهمیت بسزائی میباشد وچون مؤلف با اکثر شعرای معاصر خود شخصاً ملاقات کرده است بنابراین مطالبی که درباره زندگانی آنان دراین تذکره نوشته است مورد اعتبار و اعتماد میباشد اما چون این تذکره بعللی نامعلوم ناتمام مانده است ومؤلف در بسیاری ازموارد نتوانسته است شرح حال شعرارا باتمام برساند بنابراین نمیتوان این مطالب را کامل حساب کرد واگر مؤلف فرصت بیشتری داشت حتماً بعضی مطالب را بر آن میافزود

درهر حال این تذکره چنانکه امروز بدست مارسیده است دارای ارزش واهمیت فراوان میباشد وباید آنرا در ردیف تذکره‌هائی مانند عرفات ومیخانه وخلاصة الاشعار که بسیاری از شعرای مذکور در لطایف الخیال دراین تذکره‌ها ذکر شده است حساب کرد اما چون مؤلف لطایف الخیال فرصت نکرده دراین تذکره دوباره نظر کند و مطالب آنرا اصلاح واضافه نماید بنابراین تذکره برعکس کتب مذکور بصورت کامل در نیامده و ناتمام مانده است

نسخه خطی

(۱) دانشگاه لاهور ــ «باحافظ شروع شده » «باحکیم زکنا مسیح ور کنی » تمام میشود وشامل شعرای شش طبقه از فارس تا کاشان است وقسمت کاشان نیز ناتمام است چون از جمله سی ودو تن شاعر مذکور در فهرست اسامی شعرا که دراول این نسخه تحت عنوان

«کاشان و توابع آن» آمده‌است تنها کرسه شاعر در این نسخه آمده اسـ   ین نسخه مقدمه و خاتمه هم ندارد

(۲) کتابخانه ملک تهران شماره فیش ۴۳۲۵ ـ نسخه مؤلف است در دو جلد و لی از بعضی لحاظ ناقص است چون

۱ ـ این نسخه نه فهرست دارد و نه دیباچه و خاتمه (از مؤلف)

۲ ـ از جمله سی و دو تن از شعرای کاشان و توابع آن تنها پنج شاعر دارد

۳ ـ شعرای قم تا توابع همدان را ندارد (رجوع شود به ترتیب اسامی که در سطور فوق ذکر شده است)

۴ ـ در ذیل محمدحسین افسر شیرازی و معید گیلانی و شمس طبسی و میر عاری نیشابوری و ملهمی عربوی تنها اسمشان آمده و جا برای شرح حال و آثارشان خالی گذاشته شده است

۵ ـ در ذیل شیخ روزبهان شیرازی و نظام استرآبادی و رای منوهر برای ثبت اشعار آنان جا خالی گذاشته شده است

۶ ـ بعد از اهلی شیرازی بجای عنوان اسم «عرفی» نوشته شده است و در وسط آن سه بیت از مثنوی اهلی شیرازی که در ذیل اهلی شیرازی سابقاً نوشته شده مکرر آمده است

هر دو نسخه فوق با حافظ شروع میشود و ابتدا و دیباچه و خاتمه ندارد

نسخه کتابخانه ملک قبل از جلد دوم مقدمه‌ای دارد که بعبارت زیر شروع میشود

«چمن طرازی که رنگ رخسار گل تسه آبیاری فیض اوست نام کدام الفاظ برشته معنی چهره نمایش توان افروخت و گلشن پردازی که هم هوایش بر هر گل زمین دل نهال ناله بیراست سرح روئی کدام مضمون شعشعه بیشانی قندیل آفتاب بر بارگاه احمدش تواند سوخت

فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به نسخه خطی دانشگاه لاهور

کلمات الشعرا

ابتدا

«سخن جانست و دیگر گفتگو جانان زمن بشنو
اگر هر لحظه جان تازه می خواهی سخن بشنو

بعد حمد سخن آفرینی که حقیقت انسان را بشرف امتیاز نطق اشرف مخلوقات ساخته و نعت سخن‌ آرایی که نوک قلم از غایت تیز شق القمر برداخته»

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب میرزا میان محمدافضل متخلص به سرخوش و بقول اشپرنگر معروف به «خیلا» است

اسم جدش میر لعل بیگ است که اصلا اهل بدخشان بود و اسم پدرش محمدزاهد است که در سرکار عبدالله خان زخمی[1] سمت میرسامانی را داشت بعد از وفات عبدالله خان چون مردم او وارد خدمت شاهی شدند هر پنج پسر محمدزاهد در زمره منسلکین درگاه عالمگیری منخرط شدند از آنجمله میان سرخوش که پسر دوم محمدزاهد بود نیز جزو نوکران شاهی گشت

سرخوش در سال ۱۰۵۰ ه بعهد شاهجهان (۱۰۳۷–۱۰۶۸) در کشمیر متولد شد و میر معز «افضل اهل زمانه» تاریخ تولد او گفته است

نصرآبادی او را لاهوری نوشته است و نیز میگوید که سرخوش در سال ۱۰۸۳ ه در لاهور سکونت داشت ولی خوشگو این قول نصرآبادی را تکذیب نموده است سرخوش میگوید که در موقع تألیف این کتاب (۱۰۹۳ ه) در دهلی در گوشهٔ خلوت انزوا نشسته بود

اگرچه سرخوش در کشمیر متولد شد ولی در سرهند بزرگ شد وی از خردسالی بشعر گوئی علاقمند بود و با ناصرعلی سرهندی رفیق بود در شعر اول ساگرد برادر

۱- برای شرح حال عبدالله خان زخمی ر ك مآثرالامرا ج۳ ص۹۲

بزرگ خود بود و بعدشاگردمیرزا محمدعلی ماهر شد .

همچنین در خردسالی در خدمت معلم خاک شیرازی هم مشق سخن میکرد و از صحبت میرمعز موسوی خان (متخلص به فطرت) استفاده مینمود خان آرزو درباره سرخوش مینویسد .

«هرچندشاگردمحمدعلی ماهراست اما استفاده تمام درخدمت میرمعز فطرت المخاطب (معروف) بهموسوی خان نموده» ومیرمعز راجع به سرخوش چنین عقیده داشت

« درهندسهشاعردیدم غنی و ناصرعلی وسرخوش»

سرخوش اول در سرکار (خدمت) عبدالله خان زخمی شاهجهانی درخدمات بعضی کارخانجات بوده و بعدازفوت خان مزبور درخدمت شاهی درآمد در سال ۱۰۸۷ ه درجشن ابدال بسمت «مشرفی عدالت» منصوب شدچنانکه خودش تاریخ آنرا «اشراف عدالت» (=۱۰۸۷ه) گفته است

درآخرعمر بهمنصب تحویلداری اخراس مدرس صوبه (استان) سرافرازشد وبدارالخلافه رفت ودرخوک سعدالله خان حویلی (منزل) ساخت ودرآنجااقامت گزید وروی هردوتخته درمنزل خودایں دوفقره (جمله) بخط جلی نوشته بودکه تا زمان تألیف سفینه خوشگو خوانده میشد « اگر بیائی درباز است واگر نیائی حق بی نیاز است »

بقول خوشگو روزی پیش شاه گلشن رباعی زیر را خواند

چار اندر تحقیق کماهی آگاه

بی اول شان در افواه

پس مولوی و سنائی و ملا شاه

پنجم سرخوش عزیز الله

شاه گلشن از این «وجریههای بیمزه» سرخوش مدتی ازوی قهر بودولی در انجیگری یکی از آشنایان سرخوش دوباره باوی آشتی کرد.

سرحوش ازاول طبع درویشانه داست وهمیشه بدریافت حقایق تصوف توجه تمام داشت وخودش نیز به جماعت صوفیه تعلق داشت در آخر عمر گوشه انزوا گرفت ولی بکلی تارک دنیا نشد ووظایف دنیاوی خودرا کما فی السابق انجام میداد سرحوش تاریخ خلافت وسجاده نشینی خودرا نیز گفته است

از جمله شاگردان وی معروف تر ازهمه بندر ابن داس خوشگو مؤلف «سفینه خوشگوی» است

غیر ازاو سرحوش اسامی شاگردان زیر را درکلمات الشعرا ذکر نموده است

حافظ محمد جمال بلاس ونعیم بیراگی (که مثل خوشگو هندو بود) وشیخ سعدالله گلشن وعبدالرحیم کم گو کشمیری وحکم چند ندرت (که نیز هندو بود)

مؤلف درمادهٔ تاریخ گوئی یدطولائی داشت وماده تاریخ وفات بعضی شعرا را که خودش گفته است درکلمات الشعرا آورده است مانند ماده تاریخ وفات راسخ ملا مفید و صائب وناصر علی سرهندی ومحمد علی ماهر ومیر معز فطرت

سرحوش سن هفتادوشش سالگی درزمان فرخ سیر پادشاه هند (۱۱۲۴-۱۱۳۱ه) درسال ۱۱۲۶ه [1] دردهلی فوت کرد وهمان جا مدفون شد

خوشگو درسفینه خود شرح فوت سرحوش را چنین آورده است که درسلخ محرم هزاروصدو بیست وشش درحالت بیماری سخت که محتضر شده بود این رباعی سرود وبدست میان فضل اله خوشتر پسر میانه خود که خطاط بود داد و گفت که این رباعی را بر کفن من بخط درشت بنویسید

سرحوش کار الله فضل و کرم است   از معصیت و سیاه کاری چه غم است

رخشیدن برق بین و خوش باش   رحمت چه فزون معصیت بسیار کم است

1 – درکلمات الشعرا چاپ دانشگاه مدراس سال وفات سرحوش ۱۱۲۷ه آمده است وآذر ۱۱۲۵ه و مولف صحف ابراهیم ۱۱۲۷ه ومولف تاریخ محمدی (برگ ۳۱۴) آخر محرم ۱۱۲۵ه ذکر کرده است (برای تاریخ محمدی ر ک ریوح ۳ ص ۱۰۸۶ الف) .

سپس رو به طرف یاران کرد که آن وقت حضور داشتند و گفت چون من به جهان دیگر میرسم ازمن سئوال میکنند که سرخوش ازجهان چه آوردی ؟ جواب میدهم که این رباعی بعنوان هدیه و نذر آورده ام اگر بخشید بهتر و الا میگویم که شعرفهمی عالم بالا معلوم شد

بعد ازیك پاس ازاین حالت سن هفتادوشش سالگی آزادانه جان بجان آفرین سپرد ومتصل قدم رسول (؟) مدفون گشت»

لاله سکه راج متخلص به سعد ماده تاریخ وفات وی را «افضل دهور» (یا «آه افضل دهر») یافته و حکم چند ندرت یکی ازشاگردان وی «درجهان رفت آه عارف یارك» گفته است

سرخوش در کلمات الشعرا راجع به پسری عجب کرده است وتاریخ ولادت وی را « اکمل محمد افضل » (= ۱۰۹٤ه) آورده است و خان آرزو اسم پسر دیگر را از سرخوش ذکر نموده که بقول وی «بعدازو (بعدازسرخوش) شعر میگفت وهم تخلص مینمود ودرعین شباب جهان گذران را وداع نمود » ـ مؤلف گل رعنا وسفینه خوشگو تخلص فضل اله را خوشترواورا بسرمیانه نوشته اند

آثار مولف

(الف)ـ شعر .

۱ ـ دودیوان ـ بقول مؤلف « گل رعنا» شامل شعر قدیم وجدید بود « وحاوی قصاید وغزلیات و رباعیات ونظمهای مختلف» واز بی احتیاطی و غفلت فرزندان سرخوش تلف شد[1] ـ راجع بدیوان سرخوش گردآورنده «سرو آزاد» درحاشیه آن نوشته است که درکلکته بطبع رسیده است اما گمان میرود که آن دیوان میرزا یحیی خان سرخوش باشد که شاعر ایرانی ومعاصر مظفرالدین شاه قاجار است و دیوانش بسال ۱۹۰٦ م در چاپخانه حبل المتین کلکته چاپ شده ا

۲ ـ کلیات سرخوش ـ بقول خوشگو کلیات سرخوش مشتمل برچهل وپنج هزا

۱ـ «اما حیف که بسبب کم توجهی و بی پروائی صاحبزاده ها شهرت کم یافته» رك سفینه خوشگو چاپ پتنه هند ص ۷۷

بیت است و در نسخهٔ بانکی ج۸ ص۹۳ و بلاندش ۱۸٤۸ ص ۱٦۹ عده این اشعار چهل هزار ذکر شده است

۳- مثنوی نورعلی نور بتقلید رومی که مطلعش اینست .

شیشه ازقلقل حکایت میکند عمره ساقی روایت میکند

٤ ـ ساقی نامه که مطلعش اینست

ساقی نامه نشاة بخش ادا که به سرکند جام حمد خدا

۵ مثنوی حسن وعشق ـ درداستان عشق سسی پنون [1] که مطلعش اینست

الهی سورش در دم فرون کن نمك دانی بداغم سرنگون کن

٦ ـ مثنوی قضا وقدر

۷ ـ مثنوی دربعضی خصوصیات هندوستان .

۸ ـ مثنوی جنگ نامه محمد اعظم شاه [2]

۹ ـ مثنوی درتعریف خسخانه [3]

(ب) ـ نثر

۱ ـ رساله «رایح» درتتبع وتقلید لوایح جامی

۲ ـ خوش وخروش

۳ ـ تذکرهٔ کلمات الشعرا ـ تذکرهٔ مورد بحث

٤ ـ دیباچه‌ها بر دیوان میرمعز و ناصرعلی سرهندی که سرخوش آنها را ترتیب وتدوین نموده و این دیباچه‌ها را بسبك ظهوری نوشته است

---

۱ ـ داستان عشق «سسی وپنون» افسانهٔ عشقی است که به سند (سابق) پاکستان غربی تعلق دارد و بعضی شعرا آنرا بشعر فارسی وسندی بیان کرده‌اند

۲ ـ بقول خوشگو کلیات سرخوش مثنویهای ش۳ تا ۸ را نیز شامل بود .

۳ ـ «خسخانه» اطاق یا زیرزمینی رامیگویند که درتابستان جلوی پنجره یا درهای آن چیزی کرکره مانند از بوته مخصوصی که آنرا «خس» میگویند درست کرده میگذارند وروی آن گاهگاهی آب میپاشند و بدین ترتیب هوا که ازشکاف سوراخهای این بوته‌ها میگذرد خنك شده وفضای داخل اطاق را خنك میسازد

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۰۹۳ ه تألیف نموده است و اسم این کتاب «کلمات الشعرا» از روی ابجد سال تألیف آن را میرساند اما بعضی وقایعی که در این کتاب ذکر شده به سال ۱۱۱۵ ه تعلق دارد

درمورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توضیح داده است

«پوشیده نماند عزیزانی که پیشتر (قبل از این) بتألیف و ترتیب تذکرة الشعرا پرداخته اند ابتدا از احوال واشعار رودکی کرده تا بسخنوران عهد خویش رسانده اند اکثر تواریخ و تذکره که تا زمان عرش آشیان اکبرشاه رقمی گشته (یعنی نوشته شده است) در هر تاریخ احوال ایشان مسطور است و در هر تذکره ذکر همین ها مرقوم. بخاطر فاتر گذشت که از روی نوشته یکدیگر سواد برداشتن و نقل نویسی لطفی ندا

مکرر گر چه سحر آمیز باشد　　طبیعت را ملال انگیز باشد

مناسب چنان مینماید که چون در این ایام رواج سخنان رنگین خیالان و معنی تازه یابان بسیار است و (از) اشعار جواهر عیار ایشان بیاضی بر روی کار، اگر ترتیب احوال و تدوین اقوال ایشان سعی نموده آید بر جا است لهذا شمه (ای) از احوال و اقوال سحرسنجان عصر نورالدین جهانگیرشاه تا نازک خیالان عهد عالمگیرشاه که پایه معنی یابی را بمعراج کمال رسانده و فقیر سر جوش فیض صحبت اکثری (از آنان را) دریافته و با بعضی نسبت همعصری داشته آنچه بگوش خورده کم و بیش موافق ترتیب حروف تهجی بقید قلم و ضبط رقم در آورده به «کلمات الشعرا» موسوم گردانید و تاریخش نیز از نام (آن تذکره) بر آورده (است) »

این تذکره مشتمل است بر ذکر در حدود دویست شاعر بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «میر الهی» شروع شده با « میر یحیی کاشی » تمام میشود و شامل شعرائی است که در عهد جهانگیرشاه و شاه جهان و اورنگزیب عالمگیر شاه (یعنی میان سالهای ۱۰۱۴ ه و ۱۱۱۹) میزیسته اند

شرح‌حال‌سعرا که مؤلف دراین‌تدکره آورده‌اسب اکثرارحود مؤلف است و ارحای‌دیگر بعل‌نکرده‌اسب امادرتألیف این کتاب ارنیاص میرمعرموسوی حاں موسوم به گلشں «فطرت»و بیاض محمدعلی‌ماهر و بیاص‌محمدرماں‌راسخ بیراستفاده کرده‌اسب وطاهراًاشعاربعضی‌شعرارا ارآنحا بعل و اسحاب بموده‌اسب

چون اکثرشعرای‌این‌تدکره معاصرمؤلف‌بودند ومؤلف‌باعالب آبان‌ملاقات کرده یاباآنان‌رفیق بوده‌است‌بنابراین‌بیانات واطهارات وی‌درباره آبان‌قرین‌اعتبار واعتمادمیباشد

دررمانیکه‌شعرا اربی‌اعتنائی وعدم‌توحه‌امرا وپادشاهان‌وقت در گوشه‌عرلت ربدگی بسرمیکردند مؤلف‌باتألیف‌این‌تدکره وحمع‌آوری اشعارآبان‌دراین کتاب ثابب کرده اسب که حبی درآن دوره که بارار سحن کساد بوده با این وصف بعضی شعرای‌حوبی درسررمیں هندوستان میریسته‌اند ومحفل سعروسحن فارسی را گرم نگهداشته‌اند

باوجودایںکه مؤلف بااکثرسعرای مدکوراین تدکره‌معاصر بوده وبااکثر آبان ملاقات بموده‌وبنابراین موقعیب وفرصب حوبی برای بدست‌آوردن اطلاعات لارم راحع بزندگانی‌شان مانندسال ولادت ووفاب وسرح تحصیلات وآثارآنان‌را داشته‌اما متاسفانه‌مولف‌ارایں‌فرصت‌حوب کماحقه‌استفاده ننموده‌و‌درذیل‌شرح‌حال‌شعرا اکثراطلاعات‌مهم‌راحع بزندگی‌آبان را بهم‌برسانیده و بحای‌آن بوشتن حکایات بامعتبروبی اررش پرداخته اسب

مؤلف درپایان دیباچه‌کتاب طی بیت‌زیر ادعای عحیبی کرده اسب

داحل‌اهل سحن‌بیست به پیش دانا   هرکه نامش نه بوددرکلمات‌الشعرا

البته مقصود وسطور مؤلف شعرائی‌اسب که ار رمان حهانگیرشاه تا رمان عالمگیر شاه‌میزیسته‌اند حون این تدکره تنها در دکرسعرای همان‌دوره‌میباشد .

شرح‌حال‌شعراراخیلی‌مختصر آورده‌اسب وحتی درذیل‌نام‌شعرای‌زیر که‌شرح حالشان راسبة مفصل آورده اسب اکثراطلاعات مهم‌راحع بزندگانی شان بداده

ملاجامی و بیخودلاهوری و بیدل وجهانگیرشاه وخانخان ورفیع و راسخ و سرخوش وملاشیدا وشوکت بخاری وصائب ومیرصیدی وطالب آملی وظهوری وعرفی وعبی وقدسی ونظیری وناجی ووحید وواعظ .

سال تولد یاوفات هیچ شاعری را ذکر نکرده است وتنها درموردشعرای زیر «ماده تاریخ» وفاتشان را که دیگران سروده اند آورده است

ملاجامی و بیخود لاهوری ومیان ناصرعلی وابوطالب کلیم ومیرزامعزالدین موسوی ومیرزا محمدعلی ماهر وملامفید بلخی ومیرزاقطب الدین مایل

وتنها درذیل نام میرزا معزالدین موسوی «ماده تاریخ تولد» اورا که خودش گفته آورده است

چون مؤلف خودش با «ماده تاریخ گوئی» علاقه فراوانی داشته بنابراین درذیل نام شعرائی که این هنر را داشته اند مخصوصاً باین نکته اشاره نموده است مانند ملاجامی و بیخود لاهوری وغیره

درذیل نام اکثرشعرا معرفی آنهارا دریک جمله کرده واز آنان سه چهار بیت شعر نقل کرده است وحتی درمورد بعضی شعرا که اشعار آنان را نسبة مفصل آورده است غالباً درجمله ای آنهارا معرفی نموده است مانند حیران ودستورو رمانا وغیره .

ازجمله دویست شاعرقریب به هفتاد نفر که دراین تذکره ذکرشان آمده است کسانی میباشند که به هیچوقت مشهور نبودند و نه دیوانی داشته اند مانند «امانی وآصف قمی ومحمد صادق القا وغیره » وبلکه اکثرشعرای مذکوراین تذکره غیرمعروف بودند واشعارشان نیزغیرمهم وبی ارزش بوده است

درذیل نام شعرای زیر بعضی حکایات جالب نوشته است

آشنا و بیدل وملاجامی و بیخودلاهوری وخانخان وصایب وظهوری وصاحب و دارا شکوه وموسوی وماهر .

برعکس روش اکثرتذکره نگاران سابق شعرا رافقط مورد تعریف یانکوهش قرار نداده بلکه در اکثرموارد برای انتقادوایرادخود دلایلی آورده است

مثلا رجوع شود به نام بینش کشمیری وملارصوان

درذیل نام بعضی شعرا برحی اشعارشان را با اشعار دیگران معایسه نموده است چنانکه بعضی اشعارموسوی خان را با اشعار ناصرعلی وصائب وغیره مقایسه ومقابله کرده است

درذیل نام شعرای زیر اشعار خودرا که درجواب بعضی اشعار آنان یادرهمان معنی گفته است نقل کرده است

اعجاز و بدل وخانخان وراسخ وطالع وموسوی وماهر ومعید ومنصف وواثق درویش واله .

سبك انشای مؤلف در اکثرموارد ساده وسلیس است و مؤلف حتی الامکان ازعبارت پردازی احترازنموده ومطالب خودرا باختصار وایجاز بیان کرده است اما گاهی بوسیله طرق زیر بعضی عبارات رامزین ومصنوع ساخته است

۱ ـ قبل ازاسم یا تخلص بعضی شعرا بعضی کلمات تعریفی را آورده است که بااسم یا تخلصشان جناس دارد مانند

«بکمالات صوری ومعنوی ممتازمولوی محمداعجاز » یا «بحر بی ساحل میرزا عبدالقادر بیدل» .

یا «آراسته باطن وظاهر میرزا محمدعلی ماهر»

۲ ـ برعایت اسم یا تخلص بعضی شعرا یك دوجمله درتعریف آنان نوشته است چنانکه درذیل نام حیران مینویسد «میخواست که بتقلید ناصرعلی راه رود . راه اصلی خودهم گم کرده حیران است »

یادرذیل نام رما مینویسد «درمعنی یابی یگانه زمانه بود»

همچنین درذیل نام تلاش ودستوروشوقی وشرروفصیحی وقادر وقانع و کلان ومشهوروبارکی وناطق ونصیب وهمه یك دوجمله برعایت تخلص آنان در تعریفشان آورده است

نسخ خطی

۱ - اشپرنگر ش ۱۳

۲ - ایوانو ش ۲۲۱و۲۲۲ (هردوتنها قسمتی از کتاب رادارد) .

۳ - ایوانو ذخیره کرزن ش۱۵ (مورخ ۱۱۱۱ ﻫ) و ش ۵۲ (ناقص‌الاخر مورخ‌قرن ۱۸م) و۵۳ (قرن۱۹م) و۵٤ (ناقص‌الاخر قرن ۱۹م) .

٤ - رامپور ش۸۸ (۱۱۲۹ﻫ - مصور)

۵ - مدراس ش ٤٤۱ (۱۱۵٤ﻫ) وش ۳-٤٤۲ .

٦ - اته ش٦۷۰ (۱۱۵٤ﻫ) و٦۷۱ (تاریخ ندارد) و٦۷۲ (قسمتی از کتاب) ح۲ س ۳۰۲٤ (۱۲۷۰ ﻫ)

۷ - اندیا آفس‌دی‌بی- ش۷۰۹ (e) [1](۱۱٦٤ ﻫ) و٤۰٤٦ (ناقص-۱۳۳۷ﻫ[1]).

۸ - ریو ح۱ص ۳٦۹ الف (۱۱۵٦ﻫ) ،

۹ - اکسفورد - مؤسسه هند(مورخ ۱۱۵۷ﻫ)

۱۰ - لندریانا ص ۲۱٦ س ۳۲۲ (تقریباً ۷٦۰ ام) .

۱۱ - بلوشه‌ح۲وش۱۱٤۹ (قرن ۱۸ م) ش ۱۱۵۰ (۱۱۷۹ﻫ)

۱۲ - برلن ش ٦۵۰ (۱) (مورخ ۱۲٤۲ﻫ) و ش٦۵۱(۷۷٤ ام) .

۱۳ - آصفیه ح۱ص۳۱۸ ش۱٤ (۱۲۲۲ﻫ) وص۳۲۲ ش ۵۱ (تقریباً۱۹۱۲م)و ش۵٤ (تقریباً۱۹۱۲م) وش ۹۷ (درحدود ۱۹۱۲م)

۱٤ - بانکی‌پور ح۸ش٦۸۸ (قرن۱۹م) .

۱۵ - بانکی‌پورتکمله ح ۲ش۲۱۷۵ (قرن ۱۹م)

۱٦ - بوهار - ش ۹۱ (قرن۱۹م)

۱۷ - براون - تکمله - ش ۲۹٦

۱ - این‌نسخه‌ها درفهرست اته ذکرشده است - ر.ك استوری ح ۱ق۱ص xvi در ذیل‌علامت Ω I .

۱۸ - پیشاور ش۱۴۱۳

چاپ کتاب

۱ ـ لاهور سال ۱۹۴۲ م

۲ ـ دانشگاه مدراس ۱۹۵۱م

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به‌اشپرنگر ص ۱۰۹ـ۱۱۵ .

برای **شرح حال مؤلف**

رجوع شود به‌تذکره نصرآبادی ص۴۵ وکلمات‌الشعرا واشپرنگر ص۱۰۸ و ریو ج۱ص۳۶۹ ومرآت‌الخیال ش ۱۰۶ وهمیشه بهار (اشپرنگر ص۱۲۳) وسفینه خوشگو چاپ پتنه‌ص۷۱ـ۷۶ ومنتخب‌الاشعار ش۳۱۷ ودیوان‌منتخب‌سراج(اشپرنگر ص۱۵۰) وخزانه عامره ش۶۰ص۲۶۳-۲۶۴وگل‌رعنا وفرحت‌الناظرین (رجوع‌شود به اوریئنتل‌کالج مگزین ج ۴ ش۴ مورخ اوت ۱۹۲۸ ص۹۵) و صحف‌ابراهیم و خلاصة‌الافکار ش ۱۳۵ ومخزن‌الغرایب ش ۱۰۳۴ نشترعشق واستوری ج ۱ق ۲ ص ۸۲۳

مرآت الخیـــال

ابتـــدا

ای ز تو بند بر زبان نطق سخن سرای را
فکر تو باعث جنون عقل گره گشای را

گلدسته محمدت ایزدی برطاق ایوان رفیع‌السیابی اتفاق نیفتاده که‌اگر منشیان‌روزگار را برسرهرا نگشتی مانند چنارهزاران دست برآید گلی ازآن رشك بهارستان معنی تواندچید وجواهرولاآلی‌سای کبریای‌صمدانی به‌آن مایهٔ گران‌بار واقع‌شده که اگر کنورفکروخزاین استعداد مستعدان عالم امکان درمقابل آن بمیزان انصاف سنجند درآینه کمهاش صورت‌اعلی واسفل نتوانند دید»

[illegible]

کامیابی دارد»[1] .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در سال ۱۱۰۲ھ تألیف نموده است چنانکه قطعه‌ایکه در خاتمه آورده است بطور غیرمستقیم میرساند

این چمن‌زاریکه مرآت‌الخیالش خوانده‌ام
دارد از حسن معانی یك جهان رنگ کمال
صورت تاریخ انجامش توان بی پرده دید
گر تأمل پرده بردارد ز مرآت‌الخیال
(مرآت‌الخیال - پرده = ۱۳۱۳-۲۱۱ = ۱۱۰۲ھ)

مؤلف اسم مآخذ کتاب را در دیباچه یا خاتمه نیاورده است اما در ذیل شرح حال شعرا اسامی کتابهای زیر را ذکر نموده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده نموده

۱ ـ تذکره دولتشاه سمرقندی (رجوع شود به شرح حال ناصرخسرو)
۲ ـ نفحات‌الانس جامی (رجوع شود به شرح حال خاقانی وسعدی)
۳ ـ مجمل فصیحی (رجوع شود به شرح حال سنائی)

این کتاب مشتمل است بر ذکر ۱۳۰ (صدوسی)[2] شاعر (صدو بیست ساعر و ده شاعره) از متقدمین ومتاخرین بترتیب تاریخی یعنی اول شعرای متقدم و بعد شعرای متاخر را ذکر نموده است

در دیباچه مؤلف درباره نظم و نثر بحث کرده و بین آنها مقایسه نموده وفضیلت

---

۱ ـ ر.ك مرآت‌الخیال چاپ بمبئی ص۱۲۰ ـ در نسخه لنین گراد عبارت فوق بقرار زیر آمده است :

« بتقریب فوجداری در شهر جهان آباد (شاه‌جهان آباد = دهلی) ونواحی آن کامروائی وکامیابی دارد» (ر ك. موسسه روزن ص۱۶۳ (Rosen Institute – Page163)

۲ ـ عده شعرا (وشاعره‌ها) از روی نسخهٔ ریو ۱۳۱ است (ر ك. ریو ج۱ ص۳۷۰) و استوری «تقریباً ۱۳۶» نوشته است (ر.ك. استوری ج۱ق ۲ ص۸۲٤) .

نظم بر نثر اشان داده است همچنین برای اثبات شعر شواهدی را ارقرآن واحادیت آورده اسب

سپس در مورد ابتدای شعر فارسی واقسام آن وبیان حط واقسام آن و بیان حروف والفاط واعراب بحث کرده است .

شش قسمت شعرا بقرار زیر اسب .

قسمب اول ــ مشمل بر ذکر پنجاه وهشب تن [۱] ارشعرای متقدم که بارودکی شروع شده با آصفی (معاصر جامی) تمام میشود

قسمت دوم ــ مشتمل است بـر ذکر هشت تن ار شعرای معاصر که با میر حلال اسیر [۲] شروع شده بامولانا سحابی نجفی تمام میشود .

قسمت سوم ــ مشتمل است بر بیست وهفت تن [۳] ار شعرای عهد شاه جهان که با محمدخان قدسی شروع شده بایوسف بیگ شایق [٤] تمام میشود

قسمت چهارم ــ مشتمل است بر ذکر یازده تن ارشعرای زنده که با نواب عاقل خان (رازی) شروع شده با احمدعزت تمام میشود

قسمب پنجم ــ مشتمل است بر ذکر یازده تن [۵] ارشعرای زنده که صیب شهرت آنان با یران و توران رسیده است و باشیخ ناصر علی شروع شده باشیخ محمدامین وحشت [۶] تمام میسود

قسمب ششم ــ مشتمل است بر ذکر یازده زن شاعر که بامهری هروی شروع شده باهمدمی تمام میشود .

۱ ــ ارروی نسخه ریو ٦٠ تن

۲ ــ ریو «میرزا» نوشته است وهمان صحیح است

۳ ــ ریو ۲۸

٤ ــ در نسخه ریو قسمت سوم با امیرمعز فطرت تمام میشود ویك شاعر اضافه دارد

۵ ــ ارروی نسخه ریو ۹ تن

٦ ــ نسخه ریو با «شیخ عبدالقادر» تمام میشود ودوشاعر کسر دارد

بقول ریو مؤلف این تذکره را بنام شاه جهان آراسته است[1] اما این مجمعاً صحیح نیست چون شاه جهان شاه در ۱۰٦۸ھ بدست پسر خود اورنگزیب از تخت معزول شده و بزندان افتاد و درسال ۱۰۷۵ ھ فوت کرد. بنابراین مرآت الخیال که تألیفه ۱۱۰۲ھ میباشد بیست و نه سال بعداز فوت شاه جهان تألیف شده است مؤلف این کتاب را بنام هیچکدام از «ملوك وخواص» عنوان نکرده است چنانکه درمقدمه کتاب در ذیل عنوان «تمهید» (ص ۲۰) مینویسد

«بعضی عزیزان درسوابق ایام تذکره ها بنام پادشاهان نوشته اند ودرضمن احوال شعرا ذکر ملوك وحالات آنها درج نموده اگرچه آن تألیفات بیرحالی ازفایده نیست و همان فواید که از کتب تاریخ حاصل آید از آن رسایل متصور است ولیکن چون راقم حروف را ازتحریر وترتیب این گلدسته بهارستان خیال مقصدی دیگر درپیش است و شایبه مدحت ملوك وخواتین پیرامون خاطر این عرض راه ندارد »

شرح حال شعرای قسمت اول را ازتذکره های دیگر نقل کرده است ولی بقول خود مؤلف قسمتهای دیگر را خودش نوشته است و ازجای دیگر بر نداشته است چنانکه خودش بعدازذکر خواجه آصفی (آخرین شاعر قسمت اول) چنین توضیح میدهد

«آنچه دراوراق صدر برزبان وقلم گذشته ازتذکره ها وکتب تواریخ بود بعد از این هرچه ثبت میگردد نتیجه کلك مؤلف این اوراق است والتکلان علی الملك المنان » .

وتنها احوال وآثار نقیه پنجاه وهفت نفر شاعر را مؤلف خودش نوشته است

۱ ـ ر ك. ریو جلداول ص ۳۷۰ ـ ظاهراً این اشتباه ازعبارت ذیل سرچشمه گرفته است که درتقریظ میرزا محمدخان ملك الکتاب (ناشر تذکره مرآت الخیال درسال ۱۳۲٤ھ ازبمبئی) در ص ۳٤٤ آمده است «ازآنجمله کتاب مستطاب گلدسته بهارستان کمال تذکره مرآت الخیال که دراین باب امیر الامرا امیر شیر علی خان لودي درعهد سلطنت شاه جهان پادشاه هندي تالیف ساخته است ».

این کتاب (چاپ بمبئی) مشتمل بر سیصد و چهل و دو صفحه اما دیباچه و شرح حال و نمونه اشعار شعرا و خاتمه یعنی مطالبی که بتذکره تعلق دارد در صد و هفتاد و سه صفحه آمده است و در بقیه صد و شصت و نه صفحه مؤلف بحثهای مبسوط و مفصلی راجع بموضوعاتی خارج خارج از موضوع تذکره آورده است و بنابراین حجم کتاب در نتیجه اضافه شدن این مطالب از موضوع تقریباً دو برابر شده است با وجود اینکه این مطالب مهم و مفید است اما چون خارج از موضوع تذکره است بهتر بود اگر مؤلف در یک یا چند رساله جدا آن

تنها یک مطلب که مؤلف در ضمن شرح حال بعداز ذکر بعضی شعرا آورده است با اندازه‌ای بموضوع کتاب مربوط است و آن بحثی است درباره علم عروض و قوافی که مؤلف در دو باب بعداز ذکر ملاشیدا در ۲۴ صفحه آورده است که در باب اول آن پنج فصل در ۱۲ صفحه و در باب دوم سه فصل در ۱۲ صفحه آمده است

اما مطالب خارج از موضوع کتاب بقرار زیر است

۱ ـ بعداز «ناظم (هراتی)» درباره علم نفس در یک «اشاره» و چهار « دقیقه » در سی صفحه بحث کرده است

۲ ـ بعداز شرح حال «ملا شاه» توضیح در بیان معنی تفسیر و تأویل و تفریق میان اینها در ۷ صفحه داده است (و حال آنست که بعداز آن اشعار ملاشاه را نقل کرده است !!)

۳ ـ بعداز «روشن ضمیر» درباره موسیقی در ۱۰ صفحه بحث کرده است

۴ ـ بعداز «شیخ محمدسعید قریشی» درباره علم [illegible] در دیباچه و دو اصل در ۲۹ صفحه بحث کرده است و اصل اول را در ۱۲ [illegible] در ۲۲ صفحه و اصل دوم را در سه [illegible] صفحه آورده است

۵ ـ بعداز «میرزا محمد بیگ حقیقی» درباره وحدت وجود [illegible] در یک «فایده» در ۶ صفحه بحث کرده است

۶ ـ بعداز «شیخ عبدالعزیز [illegible]» راجع به عشق در [illegible] صفحه بحث کرده

است واشعاروحکایات مختلفی در این باره نقل کرده است (وسپس ساقی نامه بوسر فرار را آورده است¹).

۷ ـ بعدار «شایق» درباره خمر وغیره درده «وجه» بحث کرده و بعضی اشعار «خمریه» رادرهشت صفحه شرح داده است

۸ ـ بعدار «حکیم فیض علی» بحث های مفصلی راجع بعلم طب دردو صفحه و اقالیم سبعه درشش صفحه و «کلیم گوش که ازتخم فا بیل آدم اند» در۸ سطر ولطایف المعنوی درهشت سطر ورباح دریك صفحه وجبال درپنج صفحه وبحرها درپنج صفحه وعرایب عالم در ۷½ صفحه و عجایب دریا در۲ صفحه آورده است .

۹ ـ بعدار «وحشت» راجع بعلم اخلاق درسه « مقاله» و چند «شعبه» و « نوع» در۲٤ صفحه بحث مفصلی آورده است

همچنین درذیل نام مولانا لطف شرح حال امیر تیمور گورکان و درذیل نام سید نعمت الله شرح حال شاهرخ بن امیر تیموررا آورده است که هردو ظاهراً هیچوقت شعر نسروده اند

درذیل نام دوشاعر زیرعز ازنمونه اشعار چند نمونه نثررا نیز ازآنها نقل کرده

۱ـ درذیل نام شکرالله خان دو نامه ازناصرعلی وجواب آن ازطرف شکرالله

۲ـ در ذیل نام خلیل خراسانی یك رقعه او (نامه او) درتهنیت عیدالفطر

مؤلف شرح حال اکثرشعرارا مختصر آورده است ولی غالبا اطلاعات مهم راجع بزندگانی آنان مانندسال تولدووفات وغیره را بهم رسانیده است اما چون اقلا بنجاه و هفت شاعر ازجمله شعرای مذکور معاصرمؤلف بودندومؤلف ظاهراً باسیاری از آنان ملاقات هم کرده بود حیف است که شرح حال آنهارا باین ایجازواختصار آورده است چون حق این بود که شرح آنان را مفصل تروبسوط ترمیآورد

همچنین اشعارشعرا راهم غالباً مختصر آورده است ولی میتوانست مفصل تر بیاورد چون اشعار آنان دردسترس وی بودند وحتماً مؤلف دواوین بعضی ازشعرای مذکوررا

(چه آنهائی که فوت کرده بودند وچه آنهائیکه هنوز درقید حیات بودند) دیده بود و بنابراین میتوانست از دواوین آنها اشعار بیشتری را انتخاب نماید درهر حال معلوم نیست علت این اختصار وایجاز عدم فرصت بیشتری بوده یاعدم توجه خود مؤلف باین موضوع

رویهمرفته اگر از بعض اختصار فوق العاده صرفنظر کنیم ازحیث اصالت مطالب این تذکره جزو بهترین تذکره های دوران اورنگزیب عالمگیرشاه (۱۰۶۸-۱۱۱۹) میباشد

گاهی آثار منثور شعرا را نیز بطور نمونه آورده است مثلا رجوع شود بشرح حال شاه نعمت الله و شکرالله خان و میرزا خلیل خراسانی وناصرعلی[1] و بیدل[2]

مؤلف شرح حال شعرای زیر را نسبتاً مفصل آورده است

رودکی وامیرخسرو وخواجه حسن وعبدالرحمن جامی وظهوری وعرفی وصائب وطاهر کشمیری و محسن فانی وشیخ عبدالعزیز نوشرفرار (هر کدام دریک صفحه) و عبدرا کاتی و فیضی وقدسی و ناظم هراتی وحیدر بهان وملافطرت و بیدل (هر کدام در ۱½ صفحه) وفردوسی و شیدا و شاه نعمت اله ومحمدعلی ماهر و نواب عاقل خان وشکرالله خان (هر کدام در ۲ صفحه) ومحمدسعید قریشی (در ۳ صفحه) وملاشاه (در ۳½ صفحه)

رویهمرفته شرح حال ملاشاه را ازهمه مفصل تر آورده است

هر کدام مؤلف نمونه اشعار شعرای زیرا نسبة مفصل آورده است کمال الدین اسمعیل قدسی وشیدا ومیرزا فطرت ومحسن فانی (هر کدام دریک صفحه) و شاه نعمت اله و بیدل (هر کدام در ۱½ ص) ومحمدسعید قریشی (در ۲ صفحه) وشیخ عبدالعزیز نوشر- فرار (در ۲½ ص) رویهمرفته نمونه اشعار نوشرفرار را از همه ...

گاهی بعضی اصطلاحات واشعار را شرح داده است (رجوع شود به ... وحافظ)

---

۱ ـ دردیل نام او رقعه‌ای (نامه‌ای) را ازخودهم نقل کرده است

۲ ـ دردیل نام او دو رقعه (نامه) را ازناصرعلی نقل کرده است

در ذیل نام فیض‌علی‌حلیم اشعار عربی را هم از او نقل کرده است
سبک انشای مؤلف غالباً ساده و غیرمصنوع است اما در موقع تعریف شعرا بعضی جمله‌ها را به نثر مصنوع و گاهی نثر مسجع آورده است

نسخ خطی

۱ - اشپرنگر ش ۱۴

۲ - نادلی س ۳۸۴ (۱۱۳۳هـ) و س ۳۷۵ (۱۲۱۳هـ).

۳ - بلوشه ج۲ س ۱۱۵۲ (اوایل قرن ۱۸م) و س ۱۱۵۵ (اواسط قرن ۱۸م)

۴ - بانکی‌پور ذیل ج۱ س۱۷۸۵ (مورخ ۱۱۴۱هـ)

۵ - ایوانو س۲۲۳ (مورخ ۱۱۴۱هـ) و ش۲۲۴ (اواخر قرن ۱۸م)

۶ - اته ش ۶۷۳ (۱۱۴۷هـ) و س ۶۷۴ (قسمت شاعره ها ندارد و تاریخ هم ندارد)

۷ - ریو ج۱ ص۳۶۹ب (قرن ۱۸م) و ص۳۷۱الف (۱۱۸۳هـ) و ص ۳۷۱ الف (ناقص‌الآخر - قرن۱۸م)

۸ - آصفیه ج ۱ ص ۳۲۴ س ۲۵ (۱۱۲۱ هـ) س۶۲ (تاریخ ندارد) ص ۱۷۰ س ۲۴۳

۹ - لندن انا ص ۲۲۲س ۳۱۶ (در حدود ۱۸۰۰م)

۱۰ - اومر س۴ (۱۲۲۰هـ)

۱۱ - برلن س۶۵۰ (۲) (تقریباً ثلث چهارم اول کتاب - ۱۲۴۲هـ)

۱۲ - دانشگاه لاهور (ناقص‌الاول و آخر - رجوع شود به اورینتل کالج مگزین لاهور ج ۸ س ۱ مورخ نوامبر ۹۲۶ م ص۷۴)

۱۳ - مؤسسه روزن س۳۲

۱۴ - بخارا فهرست سمونوف س ۱۰۴

۱۵ - پیشاور س۱۴۷۱

چاپ کتاب

۱ ـ کلکته ۱۲٤٦ ﻫ .

۲ ـ دیلی ۱۲٦۲ﻫ (رجوع‌شود به اشپرنگرص١٤)

۳ ـ بمئی مطبع مظفری١٣٢٤ ﻫ

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به بادلی ستونهای ۲۰۷ـ ۲۱۱

برای **شرح حال مولف :**رجوع‌شودبه مرآت‌الخیال‌واستوری ج۱ق۲ص۸۲٤

تذکر

کتابی بهمین‌نام (مرآت‌الخیال) از تألیفات تلسی‌رام بن‌دوبی چند است که داستان عشقی است به نثر(برای نسخه‌آن رجوع شود به‌اندیاآفس ج۲ص۳۰٦۹) .

همیشه بهـار

ابتدا

« ای‌ذکر تو گلفروش بازار سخن
رنگین ز تـو برگ برگ گلزار سخن
اوصاف تو دیباجه مجموعه حسن
تـوصیف تـو مشاطـه رخسار سخن »

سبحان‌الله زهی‌رتبهٔ سخن که اگراورا میوه‌بیش رس بوستان مظاهرتجلیات گوناگون خوانم‌بجاست واگرباعث‌نشوونمای اشجارروصاف انفس‌وآفاقی موافق امر کن گویم سزا»

شرح حال مولف

مؤلف‌این کتاب کشن‌چند متخلص‌به اخلاص است بتصدیق‌در« گل‌رعنا» او را جهان آبادی (دهلوی) مینویسد اسم پدرش اجل‌داس دهلوی است که مرشد وی

مر کز فضلا بود و وی در شعر شاگرد میرزا عبدالغنی قبول کشمیری بود[1] وی از قوم کهتری بود و پدرش مشرب درویشی داشت و غالباً در صحبت فقرای صاحب کمال بسر میبرد[2]

اخلاص در زمان حیات پدرش کارداری (که بزبان اردو پهکیهتی گویند) یاد گرفت بعد از آن بشعر گوئی متوجه و مایل شد وی در زمان احمدشاه (۱۱۶۰-۱۱۶۷ه) فوت کرد[3]

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۱۳۶ه تألیف کرده است چنانکه بقول خودش عدد اسم آن «همیشه بهار» (=۵۶۸) دو برابر کرده سال تألیف کتاب را میرساند

این تذکره مشتمل است بر شرح حال و نمونه آثار سیصد و هفت شاعر[4] بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «امیر خان انجام»[5] شروع شده با «احمد یار خان یکتا» تمام میشود این تذکره درباره شعرائی است که از زمان جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ه) تا جلوس محمد شاه (۱۱۳۱ه) میزیسته اند و همچنین بعضی شعرا که در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ه) بودند نیز در این تذکره مذکور ند

مؤلف شرح حال ملا شیدا را (در شش صفحه) و اشعار کلیم کاشانی را (در چهار صفحه) مفصل تر از همه آورده است

سبک انشای مؤلف در دیباچه مصنوع و گاهی مسجع است ولی شرح حال شعرا را نسبةً بزبان ساده تر نوشته است

۱ ـ ر ک گل رعنا در ذیل نام «اخلاص جهان آبادی» .
۲ـ ر ک گل رعنا در ذیل نام «اچل داس»
۳ ـ ر ک ریوح ٤ ص ۱۰۸٦
٤ ـ استوری تقریباً دویست شاعر (ر ک استوری ج ۱ ص ۸۲٦)
۵ ـ نسخه «خدا بخش» (بانکی پور) با «میرزا جلال اسیر» شروع میشود و «انجام» آنجا شاعر هشتم است و در نسخه اندیا آفس «امیر الهی» شاعر اول است و «انجام» آنجا شاعر دوم است ولی در نسخه اشپرنگر «انجام» شاعر اول است .

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

در ۱۰۵۳ه بدنیا آمدو بعد از عنفوان شباب درخدمت اکثر علمای دین واصحاب یقین رسیده و از صحبت آنها کسب فیض نموده چندی درسر کار جات سمت سپاهگیری گذرانید واز جمله چهل تن که بجوهر جلادت ومردانگی اشتهار داشتند بود بسن بیست ودوسالگی از دنیا قطع تعلق نموده بجستجوی حق بر آمدتا اینکه در بلده برهانپور بخدمت شاه برهان شطاری رسیده چندی در خانقاه وی ماندهوازصحبت پرفیض وی استفاده کرد (بعداز مرگ شاه برهان) بخدمت میر عبدالجلیل (بلگرامی) رسیده تسکین قلب رسانید سپس درخدمت میر سیداحمد کالپی رسیده ودست ارادت بدامن تربیت وی زد (احمدی تخلص بمناسبت اسم همین پیر اوست) بعدازمرگ سیداحمد بوروی بلگرام وطن اصلی خود مراجعت نموده قریب شصت سال در گوشه عزلت بذوق وشوق گذرانید وبسن نود سالگی شب سه چهارم جمادی الاول سنه ۱۱۴۳ه داعی حق را لبیك گفت

بیخبر آدم خوش ذوقی بودودرشعر «تلاشهای رنگین» داشتودر تصوف نیز دستگاهی بهمرسانیده وچندرساله درتوحیدوتصوف تألیف نمود شعروی جنبه موحدانه وصوفیانه داشتهووی چندمثنوی نیز درهمین موضوع (تصوف وعرفان) سروده بود وی بسیار خوش صحبت وجدی ومحبوب مردم بود وبا کمال ادب وحسن خلق با مردم رفتار میکرد

بیخبر خط شکسته خوب مینوشت وشعرهم خوب میگفت وباشعرای معروف زمان خود صحبتها داشت مخصوصاً میرزا بیدل ازصحبت وی بسیار محظوظ میشد مؤلف درسفینه خودمجلس خودرا بامیرزا بیدل بیان کرده است

مؤلف باموسیقی وفنون دیگر نیز آشنائی کامل داشت

خوشگو نقل میکند که بیخبر درجستجوی کار بآگره رفته بود اتفاقاً محمد عاشق همت درخدمت صوبه دار (سابدار) که لشکریهارا استخدام مینمود حضور داشت چون بیخبر دیر رسیده بودعاشق این مصرع ناصرعلی را برای وی خواند

«بیخبر دیر رسیدی درمنزل بستند»

آزاد در «سروآزاد» مینویسد که در ۱۱۳۴ه بیخبرو اوازبلگرام تاشاهجهان-

آباد (دهلی) همسفر بودند

در آخر عمر بدهلی رفت آزاد در «مآثر الکرام» مینویسد که در وقت احتضار مردم از وی استفسار کردند که اگر حکم شود نعش را به بلگرام بفرستیم یا در این شهر (دهلی) جائی را انتخاب بفرمائید تا مطابق آن عمل کنیم وی فرمود که این مشت خاک را هر جائی که خواسته باشید بیاندازید

همچنین در حین احتضار شخصی که او را در مسأله وحدت وجود با بیخبر راه سخن بود پرسید حالا چه می‌فرمائید بیخبر جواب داد سخن مردان یکی است

وفات بیخبر روز دوشنبه چهارم ذوالقعده ۱۱۴۲ه یکسال قبل از فوت پدر در دهلی اتفاق افتاد و در همان شهر در جوار مرقد سلطان المشایخ نظام الدین اولیا بر سر شاهراه متصل بدیوار شرقی باغ دریاخان لقای اعظم شاه بن سلطان اورنگزیب بخاك سپرده شد

آزاد بلگرامی قصیده‌ای (مرثیه‌ای) بر وفات بیخبر انشاد کرد که هر مصرعش تاریخ فوت بیخبر را میرساند

مطلع و بیت بعد از آن اتفاقاً دو قافیتین شده است. این قصیده دوازده بیت دارد که بیت اول آن بقرار زیر است

می‌زند جوش تلاطم بار عمان الم

۱۱۴۲

اشك می‌ریزد بروی روح مژگان قلم

۱۱۴۲

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱ ــ سفینه بیخبر ــ کتاب مورد بحث

۲ـ چند رساله در توحید و تصوف

۳ ـ کلیات که مشتمل است بر پانزده هزار بیت[1] از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی

تبصره در کتاب

مؤلف در مورد سبب تألیف در مقدمه این کتاب چنین توضیح داده است که طلب سخن بر هر کس واجب است بنابراین مؤلف خواست که بعضی اشعار را از شعرای متقدم و متأخر در سفینه خود با ذکر اسامی و موطن آنها ثبت نماید بعضی از دوستان وی باو گفتند که هر گاه که قید نام و نشان شعرا در میان آمد این کتاب بصورت تذکره میشود ولذا بهتر آنست که که این نسخه بجای خود علیحده باشد و مؤلف هم طبق توصیه آنها عمل کرد اما اشعار متقدمین را جهت تطویل نسخه از اینجا جدا کرده تا با آن اشعار مجموعه جداگانه ای درست کند و در این سفینه تنها اشعار شعرای متأخر از زمان جهانگیر شاه و شاه عباس صفوی بعد از عرفی و ثنائی تا زمان مؤلف که عصر محمدشاه و محمود شاه افغان بوده آورده است

این کتاب سال ۱۱٤۱ه[2] تالیف شد و شامل احوال و آثار مختصر (؟) شاعر متأخر به ترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص آنان میباشد

این سفینه با احمدی (پدر مولف) شروع شده با احمدیارخان یکتا تمام میشود مؤلف خودش در مقدمه اعتراف کرده است که در این مجموعه بعضی شعرائی هستند که از ده بیست بیشتر نگفته اند وحتی بعضی ها کسانی هم هستند که جز یك بیت دیگر نگفته اند ولی طبق این شعر

بیك بیت دعوی مسلم بود اگر مصرعش مصرعی هم بود

اسم آنها را هم در این سفینه آورده است

این سفینه مشتمل است بر ۱٤۱ صفحه و شرح حال و اشعار اکثر شعرا بسیار مختصر

---

۱ ر ك سفینه خوشگو ـ ولی در «نشتر عشق» هشت هزار بیت ، در «سرو آزاد» قریب به هشت هزار بیت آمده است .

۲ ـ ر ك مقدمه خزانه عامره که در آنجا آزاد در ضمن اسامی ماخذ آن کتاب سال تالیف سفینه بیخبر را ۱۱٤۱ه ذکر کرده است

است و عالباً مؤلف چند کلمه برای معرفی اسم و تخلص شاعر و یک دو بیت از او نقل کرده است

شرح حال کلیه شعرا بسیار مختصر است (مثلا رجوع شود به احمدی و ادهم و میرزا اسیر و بیخبر (مؤلف) وغیره)

اشعار بعضی شعراء را مفصل ولی شرح حالشان را بسیار کوتاه آورده است بلکه عالباً در یک دو جمله و گاهی در چند کلمه آنها را معرفی کرده است مانند اوحی والهی وایجاد و شاپور تهرانی وغیره

اشعار شعرای زیر را از دیگران مفصل تر آورده است · میرزا اسیر و بیخبر (مؤلف) و ناصر علی سهرندی (سرهندی) و وحید قزوینی

سبک انشای مؤلف ساده و عاری از تصنع است و در سراسر کتاب مؤلف زبان ساده و آسانی بکار برده و از تکلف و عبارت پردازی احتراز ورزیده است

رویهمرفته این کتاب از این حیث که مجموعه مختصری از اشعار شعرای آن دوره است دارای اهمیت و ارزش میباشد ولی چون فاقد اطلاعات مهم درباره زندگانی شعرا است نمیتوان آنرا جزو تذکره‌های خوب و سودمند حساب کرد

البته مؤلف در انتخاب اشعار ذوق خوبی نشان داده و در این مجموعه مختصر اشعار خوبی را برگزیده است

نسخ خطی

نسخه‌ای از این کتاب در دانشگاه لاهور موجود است که ظاهراً تنها نسخه ایست از این کتاب که امروز بجا مانده است

برای **شرح حال مولف**

رجوع شود به سفینه بیخبر وسرو آزاد ص۳۱۵ و۳۲۵ و مآثر اکرام ج اول ص۶-۱۱۵ وخزانه عامره وسفینه خوشگو و تذکره بینظیر و نشتر عشق

تذکر

اسپرنگر اسم این تذکره را در فهرست خود نیاورده است و از وجود این سفینه اصلا اطلاع نداشته است

مقالات الشعراء

ابتدا «گلشن گلهای حمدو ثنا بیارحمان عالی‌محیدسحن آفرین»

اسم‌مؤلف این کتاب‌شیخ‌قیام‌الدین متحلص به‌حیرت واسم پدرش سیح‌امان‌الله اکبرآبادی‌است

مؤلف درورق۲۸ (نسخه‌متعلق به کتابخانه‌رامپور) مینویسد که وطن آبائی‌او اکبرآباد(آگره) است‌وپدروی بکارهای‌حروی‌مامور بود حیرت‌سی‌سال‌عمر خودرا در لهوولعب تلف کرد و بالاحره حندماه‌پیش ازتألیف‌این کتاب (در۱۱۷۳ه) همراه دیوان کشنحی بوده ودیوان‌مر بوردرخدمت بهاکر سورحمل مقام‌طبا سراداست

تبصره بر کتاب

حیرت‌این‌تذکره را سال ۱۱۷۳ه تألیف کرده است حانکه اسم‌این کتاب «مقالات‌الشعراء» ازروی حروف‌ابجد میرساند

مؤلف درمقدمه کتاب اسم‌کسانیرا که درتألیف‌این تذکره‌مورد استفاده وی‌بودند ذکر کرده است .

۱ـ تذکره واله

۲ ـ تذکره‌آرزو

۳ ـ تذکره شوق (تذکره شعرای اردو)

این‌تذکره مشتملست بر ذکرصدوپنجاه شاعرمتاخر به‌ترتیب‌الفبا که‌اززمان اورنگ زیب شاه (۱۰۶۸ـ۱۱۱۹ه) تا زمان عالمگیر ثانی (۱۱۶۸ـ۱۱۷۳ه) میزیسته‌اند وبا «آرزو» شروع‌شده با «محمداشرف یکتا کشمیری» تمام‌میشود

شرح‌ابواب این تذکره ازروی الفبا بقرارزیراست

برگ ۳ باب الف ـ ازسراج‌الدین آرزو تا میرزا ازحمدآزاد (۱۴شاعر)

برگ ۱۱ باب الباء ازمیرزا مهدی‌بیان تاخواجه حسن‌الدین‌بیان (۸شاعر)

برگ ۱۵ باب التاء ـ ار محمدتقی تعظیم تاسیدرضا تمکین (۳شاعر)
برگ ۱۶ باب الثاء ـ ازمحمدافضل ساعدتاراجه جگل کشورثروت (٤شاعر)
برگ ۱۷ باب الجیم ـ ار میرمحمدجعفر تاملاطغرعلی جرأت (۳شاعر)
برگ ۱۹ باب الحاء ـ ارحاجی محمد گیلانی تامیان محمدحیات (۱۰شاعر)
برگ ۳٤ باب الخاء ـ ار بدراس داس خوسگو تاخوشتر (٥ شاعر)
برگ ۳٥ باب الدال ـ ار میرزا هاشم دل تاخواجه میردرد (٤ شاعر)
برگ ۳۸ باب الذال ـ عبدالله ذره (۱ شاعر)
برگ ۳۸ باب الراء ـ ار میرمحمدرضا تا محمدرحیم خان (٦ شاعر)
برگ ٤۰ باب السین ـ ار ساطع کشمیری تا خدیجهٔ سلطان بیگم (٦ شاعر)
برگ ٤۲ باب الشین ـ ازمیرزاکاظم شرر تا رای تنکرای شوق (۹شاعر)
برگ ٤۷ باب الصاد ـ ار میرزا صمیر تاخدایب علیخان صمیر (۲شاعر)
برگ ٤۸ ب باب الطاء ـ عبدالباقی طبیب (یك شاعر)
برگ ٤۸ ـ باب العین ـ ار سیدمرتضی علم تا سگهم لعل عرت (۱۲شاعر)
برگ ٥۲ باب الغین ـ غافل و غیرت (۲شاعر)
برگ ٥٤ باب الفاء ـ ازمیرزا سیدمحمد فدائی تا فایز (۹شاعر)
برگ ٥٦ باب القاف ـ ار عبدالغنی قبول تا مشتاق رای قدرت (۳شاعر)
برگ ٥۸ باب الکاف ـ ار عصمت‌الله کامل تامیرزا گرامی (٤ شاعر)
برگ ٥۹ باب اللام ولمیم ـ ارلطفعلیخان تا میرتقی میر (۱٥ شاعر)
برگ ۷۳ باب النون ـ ار نورالله بیگ نرعب تا نیاز (۱۲شاعر)
برگ ۷٦ ب باب الواو ـ ازمیرزامبارك‌الله واضح تا واله داغستانی (۷شاعر)
برگ ۸۰ باب الهاء ـ ابرعلی هاتف (یك شاعر)
برگ ۸۰ ب باب الیاء ـ اراحمدیارخان یکتا تامحمداشرف یکتا (٤شاعر)

این تذکره مشتمل بر ذکر شعرای متاخر میباشد و اکثر مطالب آن از تذکره‌های دیگر که اسم آنها در سطور فوق گذشت ماخوذ ومقتبس است وبنابراین نمیتوان

برای این تدکره اهمیت زیادی قائل شد

درهرحال بعضی مطالب راجع به شرح برخی شعرا ازمؤلف ازخودش هم اضافه کرده است و بنا براین نمیتوان بکلی ارزش آن را انکار کرد

نسخ خطی

۱ - اسپرنگر ش ۳۱

۲ - رامپور - مورخ ۲۵ جمادی الاخری ۱۲۲۸ه (رجوع شود به مجله اورینتل کالج لاهور ج۶ س۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰م ص ۱۰۶-۱۴)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اشپرنگر ص ۶۰-۱۵۳

برای **شرح حال مولف :**

رجوع شود به مقالات الشعراء حسرت و مجله اورینتل کالج لاهور ج ۶ س ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰م

سفینه خوشگو

ابتدا (دفتراول) (۰)

دفتردوم - «الحمدلله والمنت که بتوفیق (او) ازسوید دفتر اول سفینه خوشگوی فراغ حاصل شد »

دفتر سوم - « احوال متاخرین ازدفتر ثالث سفینه خوشگو مشتمل برذکر معاصرین است که با بعضی از آنها نسبت همعصری داشته »

(نسخه «آب آورد»)

« در این زمانه رفیقی که خالی ازخلل است

صراحی می ناب وسفینه غزل است

«کشتی حیات را ناخدا خداوندیست که بنی نوع انسان را از بحر عدم بکناره وجود کشانیده و سفینهٔ نجات را معلم نعت خاتم الانبیائیست که کشتی شکستگان دریای ضلالت را ساحل رستگاری و خدایت رسانیده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب بندرابن‌داس متخلص به خوشگو است وی در سفینه خود هیچ جا شرح حال خود را ننوشته وتنها در ذیل بعضی شعرا اشاره هائی برمیخوریم که بعضی وقایع زندگانی وی را روشن میسازد و برای شرح حال مفصل وی ناچار باید بکتب دیگر مراجعه نمود خوشگو در سفینه خود در ذیل شیورام داس متخلص به حیا مینویسد که پدرش با پدر شیورام در زمان عالمگیر در لشکر شاهی خدمت داشت و عموی وی بنام بهاری‌داس متخلص به تکلف در خدمت «حرم» اعظم‌شاه در سرکار قدسیه جهان زیب بانو بیگم بود

شفیق مؤلف «گل رعنا» در فصل دوم آن کتاب در باره اسم خوشگو چنین توضیح داده است که بندرابن اسم محلی است در متهرا و داس در زبان هندی غلام را گویند یعنی غلام بندرابن بلا تسمیه مثل محمد علی چون بندرابن) متهرا موطن کشن (کرشن) است که از رهبران قدیم مذهب هندو بوده است.

شفیق میگوید که خوشگو از اهالی متهرا[1] و از فرقه بیس[2] بود اما مؤلف

۱ـ متهرا شهریست در شمال هند در اتر پردیش امروز در ۳۰ میل طرف شمال غرب شهر آگره خوشگو در ذیل شرح حال عموی خود بهاری‌داس بی‌تکلف وطن خود را لکهنوتی (سهارنپور) نوشته است و از این بعضی گمان میکنند که خوشگو هم اصلا اهل لکهنوتی بوده و بعداً در متهرا توطن گزیده است. اما در همان کتاب در ذیل نام «بیکس» خوشگو مینویسد «دو سه مرتبه در متهرا که وطن فقیر است دیده شد» (ر ك دفتر سوم ص ۲۴۷) و بنا بر این وطن خوشگو متهرا بوده نه شهری دیگر

۲ـ در بین هندوها چهار طبقه یا فرقه بزرگ وجود دارد برهمن (اهل مذهب) کهتری (اهل جنگ و اسلحه) ویش یا بیس (بازرگانان و کشاورزان وغیره ـ اهل حرفه) و سودر (طبقه پائین ـ کفاشان و سپوران وغیره) این چهار فرقه بزرگ از زمان قدیم بعد از ورود آریائی‌ها در هند معمول بوده ا.

«روزروس» حوسگو را سدراین داس «دهلوی» نوسته است که صریحاً اسماه است قیام الدین حیرت در مقالات الشعراء میویسد که حوشگو از قوم هندو بقال بود و اشپرنگر (ص ۱۵۵) میویسد که حیرت درباره حوشگو نوشته است که وی دیا بود ارسارس وارشاگردان بیدل بود باید توجه داشت که . . او بقال هردو یک معنی است وسعه ایست ازفرقه بیس اما اینکه حوسگو اهل دمارس بود صحیح بیست همچنین مؤلف مخزن الغرایب » میویسد که حوسگوار طایفه بیس راحپوت نرد هگوان داس هندی در «سفینه هندی» نیز این قول را تأیید نموده است ومیگوید که حوسگو ارطایفه بیس است که «فرقه ایست ازقوم را حپوت بیواره من مصافات اوده و سلسله انساب ایشان بسال باهن که سنه اش مثل سه راجه بکرماجیت (ا بکرماجیت) در کتاب تاریخ میرسد » اما ظاهراً را حپوت از قوم کهتری بوده نه بیس

سال تولد حوسگو معلوم نیست اما حوشگو درسفینه خود که در بین سالهای ۱۱۳۷و۱۱٤۷ ه تألیف شده است درذیل شرح حال بیدل مینویسد «عمر در این مدت عمر که پنجاه وشش مرحله طی کرده »[1] بنا براین تولد حوسگو در بین سالهای ۱۰۷۸ ـ ۱۰۸۸ ه اتفاق افتاده است

حوسگو درسفینه خود درباره استادان خود اشاره هائی کرده است درذیل نام حکیم خدیدرت مینویسد «این وفقیر باهم ربط معنوی داشته و باتفاق بخدمت مؤلوی محمدعابد اخلاق ناصری میخواندیم و در جناب حضرت سر خوش میکده سخن مشق میگدرانیده هم مشق وهم طرح بودیم»

همچنین در ذیل شرح حال میان صادق الفا(ص۲۰۹) مینویسد

« درعهد بادرساه سق (درس) از مخزن اسرار درخدمتش خوانده و این فدر شاگردی موسوم است » و در ذیل شرح حال بهوپ رای نعم بیراگی (ص ۱۰۱) مینویسد « عمر چهارده سالگی از خدمت او استفاده معنوی میکرد(م) »ودرذیل ترجمه حال حاتم بیگ حاتم (ص۹۰) مینویسد «فقیر حوسگو

---

۱ ـ رك سفینه حوسگو دفترسوم ص ۱۱۸

بر تعلیم بوشته‌اومشق کرده»

حوسگو درشعر شاگرد محمد افضل سرحوش (متوفی ۱۱۲٦ه) بودچنانکه حودش درذیل شرح‌حال‌سرحوش میبویسد که‌درحهارده سالگی اشعار حودرا بنظر اصلاح وی می گذرانید و همچنین می گوید که سر حوش تحلص وی‌را خوشگو گذاشت «همان … ار اروی کمال تحلص حوشگوعنایت فرمودو گفت لفظ خوش ار تحلص خود بر آورده بحشیده‌ام »

قیام‌الدین حیرت در«مقالات‌الشعرا» میبویسد که‌حوشگو در اول مشق‌سحن پیش مرزا بیدل ومحمد افضل سرحوش وسعدالله گلسن‌بموده و حان‌آرزو میبویسد که‌حوسگوارشاگردان او بوده‌چنانکه درمجمع‌النفایس‌می گوید «حالادرعطیم‌آباد وسارس میباشد و گاه‌گاهی حطوط (نامه‌ها) با اشعار حود پیش فقیرمی فرستد » و حای دیگر میبویسد که حوشگو تابیست وسی‌سال مصاحب دائمی‌وی بوده است وقول آرزو مبی بر صحت میباشد چنانکه نه تنها آرزو شعرحوشگورا اصلاح میمود بلکه حتی درسفینه خوشگوهم چندین مرتبه‌نظر کرده ودرچندین‌موارد عباراتی‌را بدست‌حود اضافه نموده‌است

پروفسور عطاءالرحمن (گردآورنده سفینه حوشگوچاپ پتنه) میبویسد که حوسگو شاگردمحمدافضل سرحوش وسراج‌الدین علیخان‌آرزوولاله‌سکهراج‌سبقت وبهویسرای بیراگی بیعم‌ومصاحب دائمی شاه سعدالله گلشن ومرزا عبدالقادر بیدل بود وروابط دوستانه بامرزا مطهر وآبرووشعرای‌دیگر معاصر حود داشت

حوشگو درمساعره‌ها (محافل ادبی) که در منزل مرزا بیدل و گلشن برپا میشدحضورمی‌یافت وایں‌قبیل اجتماعات‌را درمنزل‌حودهم تشکیل میداد وارشعرای معروف آنوقت دعوت نموده وارآنهاپذیرائی گرمی بعمل‌میآورد

حوشگو ارهمه بیشتر با بیدل ارادت داشت حنانکه درذیل سرح حال بیدل میبویسد که مؤلف هرروز بحدمتس میرسید (ص۱۰۹) و« درعمرزیاده‌ازهزارمرتبه بحدمتش مستفیدسده باشم» (ص۱۱۸).

بقول آرزووشفیق خوشگو سفینه خودرا بنام عمدةالملك امیرخان متخلص به انجام ناظم صوبه (استان) الهٰ آباد عنوان کرده است و نواب مزبور روزی دو روپیه برمحصول (مالیات) تمام الهٰ آباد برای او مقرر نمود و این مستمری تا موقعیکه نواب عمدةالملك در قید حیات بود بخوشگو میرسید

همچنین خوشگو درسلك ملازمین لاله کهرت چند دیوان هیبت جنگ نیز منسلك بوده ولاله مزبور خوشگورا در زمان اقامت وی در پتنه و بنارس تربیت و کمك مینمود ودرمواقع دیگر نیز از وی مواظبت و پشتیبانی میکرد خوشگو در سفینه خود درذیل نام راجه رام نراین متخلص به موزون مینویسد «واسطه ملازمت نواب هیبت جنگ شهید(۱۱) وتقرر وجه معاش ازسرکار ایشان او بوده»

خوشگو مدت ده سال یعنی از ۱۱۳۷ه تا ۱۱٤۷ه در تألیف سفینه خود مشغول بود اما بعداً بعلت حمله نادرشاه (۱۱۵۱ه) نتوانست نسخه خوشنویس آن کتاب را پاکنویس کند چون در نتیجه این حمله مجبورشد با تفاق لشکر شاهی به کوت کانگره برود [1] ودر آنجا در حدود هفت یا هشت سال اقامت داشت ولی در ۱۱۵۵ه بدهلی مراجعت نمود [2] وسفینه خودرا باستاد خود سراج الدین علیخان آرزو دادتا در آن نظر کرده آنرا اصلاح نماید و آرزو سرحال بعضی شعرا ومقدمه را بر آن افزود [3]

درموقع تألیف «مجمع النفایس» (۱۱۶۱ه) خوشگو در عظیم آباد و بنارس زندگی میکرد [4]

---

۱ ـ ر.ك اشپرنگر ص ۱۳۰

۲ـ اگر این روایت اسپرنگر صحیح باشد که خوشگو در ۱۱۵۵ه بدهلی مراجعت نمود پس وی ظاهراً درحدود چهارسال (۵۵ـ ۱۱۵۱) درآنجا اقامت داشته است نه هفت یا هشت سال یا اینکه وی قبل ازحمله نادرشاه وبعد ازاتمام سفینه خود در ۱۱٤۷ه به پنجاب رفته است

۳ ـ ر ك اسپرنگر ص ۱۳۰

٤ـ آرزو درمجمع النفائس مینویسد «حالا درعظیم آباد وبنارس میباشد » این عبارت قبلا گذشت .

حوشگو اول حدمت میکردولی بالاحره ترك دنیا کرد بلباس فقراء درآمد اول کسیکه صحبت وی حوشگورا بامذاق عرفان آشنا کردسداسد بی تکلف عموی حوشگو بود [1] وهمان لذت بعداً اوراوادار کرد که ازلذاید دنیادست کشیده در گوشه انزوا بریاضت بپردازد

حوشگو بعدازترك دنیا اول درالهٔ آباد وبنارس وعطیم آباد بسرمیبرد وایام آخر زندگانی را دراله آباد گدرانیده بالاحره درعطیم آباد (پتنه) درسال ۱۱۷۰ ه از این دارفانی بسوی ملك جاودانی شتافت قدرت‌الله شوق در «تکملة‌الشعرا» در باره حوشگو مینویسد «آحر درقصبه سدر ابن رفته فوت شد» اما شفیق در «گل رعنا» مینویسد «درعشره سابع بعدمایة والف (۱۱۷۰ه) درعطیم آباد پتنه بیکر عنصری وا گذاشت»

حوشگو درباره شاگردان حوددرسفینه اشاره‌ای نکرده وتنها در «سفینه هندی» اسم نورالعین واقف بعنوان شاگردحوشگوذکرشده است چنانکه مؤلف «سفینه هندی» مینویسد

«نورالعین واقف درابتدامشق سخن نزد وی (حوشگو) میکرد»

آثار مؤلف

آثارمؤلف بدین قراراست

۱ـ سفینه حوشگو ـ تذکره موردبحث

۲ـ مرقع ـ حوشگوموقعی ترتیب داده و درآن اشعار و نمونه آثار شعرای معاصررا تحط حودشان جمع آوری نموده بود اما حیف که امروز اثری از آن مرقع بجا نمانده است

۳ـ ملفوظات بیدل ـ حوشگو درذیل شرح بیدل مینویسد که وی «ملفوظات بیدل را ترتیب داده بود چون هزارها باردرحدمت وی حضورداشته امامتأسفانه امروز ازاین کتاب هم هیچ نسخه‌ای باقی نمانده است

۱ـ ر ك. سفینه حوشگو دفترسوم ، شرح حال «سداسد بی تکلف».

تبصره بر کتاب

چنانکه درسطور فوق گذشت مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۱۳۷ ه آغاز نموده و بسال ۱۱٤۷ه باتمام رسانید و در سال ۱۱۵۵ه خان آرزو به‌شرح‌حال بعضی شعراو دیباچه‌ای به‌این کتاب اضافه کرد. بیت زیر آغاز و اتمام این کتاب را میرساند:

آغازش در **سفینه‌خوشگوی** بود   انجامش در **سفینه‌خوشگوی** است

۱۱۳۷   ۱۱٤۷

ترتیب اسامی این‌تذکره روی تاریخ تولد یا فوت شعرا است

این کتاب مشتمل است بر سه دفتر دفتر اول شامل ذکر ۳٦۲ شاعر متقدم است و با «رودکی» شروع شده با «کافی» تمام میشود دفتر دوم مشتمل بر ذکر ۸۱۱ شاعر[1] متوسط و متأخر و با «جامی» شروع شده با «سگوبی» (متوفی درحدود ۱۰٦۰ ه)تمام میشود دفترسوم شامل ذکر ۲٤۵ شاعر معاصر مؤلف است و با «فطرت» شروع شده و با «میسی سربسکه خاکستر» تمام میشود[2]

برای شرح دفتر اول این کتاب رجوع شود به نسخه‌ای بانکی پور ش ٤۰۲۳

تبصره بر نسخه «آب آورد»

نسخه‌ای از «سفینه خوشگو» که دری شوستری در ۱۲٤۱ه از روی نسخه‌ای «آب آورد» دوباره استنساخ کرده و بعضی مطالب را بر آن افزوده شامل بعضی قسمتهای دفتر دوم و سوم میباشد و مشتمل است بر ذکر تقریباً ۱۱۰۲ تن شاعر[3] بترتیب الفبا مؤلف درشرح حال شعرا اسم کتابهای زیر راذکر نموده است که از آن در تألیف

۱- نسخه بادلین شامل ذکر ۸۱۱ شاعر است اما نسخه اشپرنگر ذکر تنها ۵٤ شاعر داشت (رك اشپرنگر ص ۱۳۰)

۲- رك نسخه بانکی پور - این نسخه با عبارت زیر شروع میشود «تراجم بعضی موزونان فصل دوم تذکره سفینه بنداربن داس خوشگو تخلص» وازاین عبارت معلوم میشود که این نسخه ناقص الاول است و فصل اول از آن افتاده است همچنین دراین نسخه شرح حال شاعر اول «فطرت» اصلا نیامده و مؤلف تنها اشعار اورا نقل کرده است .

۳- رك نسخه مرکزی تهران ش ۲٦۵۵

ین کتاب استفاده نموده است

۱ـ کلمات الشعرای سرخوش[۱] ـ رجوع شود به نام محمد باقر هندی وغیره

۲ـ مجمع النفایس آرزو ـ رجوع به جلال اسیر وغیره.

۳ـ تذکره ملاطاهر نصرآبادی[۱] رجوع شود به نصر همدانی وغیره

٤ـ سفینه صائب[۱] (یا انتخاب صائب) ـ رجوع شود به جلال اسیر و غیره

۵ـ بیاض آرزو ـ رجوع شود به نام میر رازی وغیره ـ

٦ـ کتاب دبستان ـ رجوع شود به نام حکیم سرمد

۷ـ مرآت العالم ـ رجوع شود به نام حسین آشوب

۸ـ مجمع الصنایع تألیف محمد صالح رجوع شود به نام حسین آشوب.

۹ـ هفت اقلیم[۱] ـ رجوع شود به نام نورالعین نوری وغیره.

۱۰ـ طبقات شاهجهانی ـ رجوع شود به نام حالتی وغیره

۱۱ـ طبقات اکبری تألیف میرزا نظام الدین بخشی ـ رجوع شود به نام حالتی.

۱۲ـ مآثر رحیمی[۱] ـ رجوع شود به نام صرفی و نظیری وغیره

۱۳ـ عالم آرا ـ رجوع شود به مولانا هلاکی

۱٤ـ اقبالنامه جهانگیری تألیف معتمدخان بخشی ـ رجوع شود به نام جهانگیر

وغیره

۱۵ـ جهانگیرنامه ـ رجوع شود به نام جهانگیر

۱٦ـ منشآت ملاطغرای مشهدی ـ رجوع شود به نام الهی همدانی

۱۷ـ ظفرنامه شاه عباس ـ رجوع شود به نام الهی قمی

۱۸ـ تاریخ عبدالقادر بداونی (منتخب التواریخ) ـ رجوع شود به نام ملا شیری

۱۹ـ مسودات مجدالدین قوسی ـ رجوع شود به نام درویش دهکی

۲۰ـ (اکبرنامه) تألیف شیخ ابوالفضل ـ رجوع شود به نام عتابی

۱ـ مؤلف از این کتابها در تألیف این کتاب خیلی استفاده کرده است

۲۱- منتحبات حصرت گلشن- رجـوع شود به‌نام‌میر الهی. -
سرح حال شعرای زیررا نسبة مفصل آورده-اسب
اکبر پادشاه وجلال‌اسیروادهم ترکمان‌واییسی کتابداروبیرم‌خان‌وجهانگیر پادشاه ومیرزاجعفر آصفخانی وجمالی کسوه ورلالی خواساری وسرخوش وسقف سکهراج وشکیبی ونعمت خان عالی وشیخ عطاروغنی کشمیر وعنی تفرشی وقادری داراشکوه ومولانامایلی‌ومحمد ماهرومنیرلاهوری‌ونصیر همدانی (هر کدام دریك صفحه) وحکیم همدانی ومولانامحتشم‌ومعینی جوینی وهمایون پادشاه (هر کدام‌در ½ ۱ص) وسرمدونطیری (هر کدام در۲ص) و صائب (در ½ ۲ ص) و خانخانان وملاشیدا(هر کدام‌در۳ص)وبیدل(در و ½ ۹ ص) .
رویهمرفته شرح حال بیدل‌رامفصل‌ترازهمه‌آورده اسب .
همچنین اسعار شعرای‌زیررا نسبه‌مفصل آورده‌است.
میررا جلال اسیرومیر سحرکاشی‌وشکیبی ونعمت‌خان‌عالی و عنی کشمیری وعیاثاحلوائی‌وقدسی‌وکلیم‌همدانی‌ومشرفی ومیر لاهوری‌ونظام دست‌عیب ونطیری ودررویش‌واله (هر کدام‌دریك ص -تعریباً ۳۰ بیت) وحیرتی‌تونی‌وطرزی وعرفی وفوحی(هر کدام ½-۱ص) وسالك یردی و سالك قروینی و سعائی و صائب وطغری مشهدی(هر کدام‌در۲ص)ورصی‌دانش (در ½ ۲ص) ودارا (در ½ ۳ص)
رویهمرفته اشعار دارا مفصل‌ترازهمه‌آورده است
درذیل‌نام بعضی شعرااشعاری‌را که مورد پسندخان آررو بوده‌نقل کرده‌اسب مثلا رحوع‌شود به‌آشنا واستعنا وابیس و الهی قمی و ابوتراب انجدانی و میرالهی ومحمد باقر اشراق وامان‌الله‌امانی وباقی‌نهاوندی وحربی‌ومیررانظام دست عیب و سالك قرویبی‌وسالك‌یزدی‌ومحمدهاشم سحر ومحمد قلی سلیم‌وفریدون‌شایق‌وشأنی تکلو وملاشیداوعرفی‌شیرازی وعنایت‌اله سیرازی وروزبهان صبری وطاهر وحید و محمد طاهروملاطغری وعیاثای‌حلوائی‌وفصیحی هروی ومیررا رستم فدائی وفیضی ونورالدین محمد قراری‌وقدسی‌ولسانی شیرازی‌ومیرزاقلی‌میلی‌ومیرزاملك‌مشرقی

ونصیر همدانی وملانادم وامیرهمایون ودرویش واله .

درذیل شرح حال بعضی شعرامخصوصاً اشتباهات تذکره نصرآبادی را بیان کرده است رجوع شودبه طاهروحید وحکیم سعیدومیر کفری وعلی داش حاوید وحسین آشوب وسید مرتضی رمی .

بعضی اقوال را ازدیگران نقل کرده است مثلا رجوع شودبه نام ملاشیدا که درذیل او قول شاه گلشن را نقل کرده وهمچنین درذیل شرح حال ناجی وحسن بیك گرامی وملافاصل قول آرزو را آورده است

تخلص میرزاحاجی راغرلی فکر کرده ذکرش را درردیف « غ » آورده است درحالیکه تخلص وی «عرتی» بوده واین عرتی را کسی غیرازمیرزاجابی قلمداد نموده وی رادرردیف «ع» بنام ملا عرتی شیرازی آورده است (ظاهراً این اشتباه بذری که سفینه خوشگورا دوباره ترتیب وتنظیم نموده رخ داده است)

درذیل شرح حال حضرت میرمشاه حکایتی راجع به شکستن ابریق ورباعی گفتن وی وروسیاه شدن وباررباعی دیگر گفتن او ودرنتیجه دوباره روسفید شدن وی که دراکثر تذکره‌ها وکتب به خیام نیشابوری منسوب است (والله اعلم بالصواب) مؤلف آنرا به میرمشاه نسبت داده است

ذکردو میرزا بنام «شاه مراد خوانساری» آورده است که ظاهراً هردو یکی بوده وآنرا مکرر آورده است همچنین ذکرضیاء کاشی راهم مکرر آورده است (ص ۲۲۹ و۳۳۲)

درذیل شرح حال ملاسابق مینویسد « برادر ملا سعید اشرف که ذکرش دردفترچهارم خواهدآمد» که ظاهراًاشتباه است چون این تذکره سه دفتر بیشتر ندارد دری گردآورنده این نسخه«آب آورد» بعضی قسمتها رادراین تذکره اضافه نموده است مثلا رجوع شود بقسمت آخر شرح حال ابوالقاسم فندرسکی ومیرزااشراق و میرزا برقی و حمادی (درذیل نام حمالی) وخسرودهلوی ودارا قاجار .

همچنین ذکر لامع (میرزا نورای لامع) رادرذیل حرف «لا» بعدازحرف «ها»

آورده‌اسب !! اما حرف«لا» درهیچ تدکره‌دیگر دیده‌نشده‌است

درذیل نام‌شعرای زیر توصیح‌داده‌است که با آنها ملاقات کرده‌است ۰فیصان‌و جودت.

این رباعی بابا طاهر را بنام ملا احسنی خوندساری (ظ خوانساری) نوشته است .

ندشت خاطرم جرعم بروید
رخاکم جز گل ماتم بروید

بصحرای دل بی حاصل من
گیاه ناامیـدی هم برویـد

درذیل شرح‌حال«بیحسر»مینویسد «درتدکره غلام‌علی آزادمسطوراست که میرزا بیحسر در کتاب «بیحسرنامه»تدکره‌حقیقت‌محلس خودرا بامیرزا بیدل‌متصل نوشته‌است اما در«سروآزاد» اسم‌این‌تدکر سفینه بیحسرآمده‌است‌وبه«بیحسر نامه» (رحوع‌شود به‌سروآزاد ص۳۱۵)

درذیل حسن‌بیگ اسن‌مینویسد «تدکره السعرائی‌نوسته طاهرا‌تمام‌نیافته وبنطرهم نیفتاده»امااسم تدکره‌حسن‌بیگ اسنی درجای‌دیگر دیده‌نشده‌است

هم‌چنین دری گرد آورنده نسخه «آب آورد» درذیل نام طرزی مینویسد ،حقیر دری درتدکره ملافرویدون فمی) که بتدکرفریدونی مسهوراست‌احوال‌ملا طرزی راچنین‌دیدم »

سبك انشای‌مولف .

درنسخه‌آب‌آورد سبك‌انشای مؤلف غالباً ساده‌است امادرموقع تعریف شعرا نثرمصنوع‌برداخته‌است

گاهی القاب توصیفی قبل‌یابعد اراسامی‌شعرا آورده‌است مانند

«ابوالولای‌تاره گویان‌حضرت‌میرزا محمدعلی صائب سریری استادالاستاتده روزگار وسرآمد معنی‌سدان نادره کار »یا« سر کرده شهرستان گمف و شنیدنواب وحیدالزمانی میرزاطاهر وحید »

هم‌چنین گاهی جمله‌ای مصنوع درمعنی «فوت شد»آورده‌است مانند

میرزا تسکین   بعهد عالمگیری از کشمکش روزگار تسکین یافت .

تبصره بر دفتر سوم سفینه خوشگوی

اکنون دفتر سوم این سفینه (نسخهٔ بانکی‌پور چاپ پتنه ۱۳۷۸ھ / ۱۹۵۹م) اینجا مورد بررسی و بحث قرار میگیرد

مؤلف در دفتر سوم اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده نموده است

۱ ــ **کلمات الشعرای سرخوش** ــ رجوع شود به شرح حال شاه ناصرعلی و راسخ و اشرف

۲ ــ **حمله نامه** ــ رجوع شود به شرح حال اعظم .

۳ ــ **تذکره نصرآبادی** ــ رجوع شود به نام ناصرعلی و اشرف .

٤ ــ **تذکره غلامعلی آزاد** ــ رجوع شود به نام مشرب

٥ ــ **ید بیضا** ــ رجوع شود به شرح حال ثابت .

٦ ــ **همیشه بهار** ــ رجوع شود به شرح حال حجت .

۷ ــ **تذکره علی قلیخان واله** ــ رجوع شود به ایمن

شرح حال شعرای زیر را مفصل‌تر از دیگران آورده است : شاه ناصرعلی و مخلص (هر کدام در ۳ص) و شاکر (در ½ ۳ص) و گلشن (در ٤ ص) و سرخوش (در ٥ ص) و بیدل (در ۲۱ص) .

در ذیل نام مظهر (جانجانان) و سراج الدین علیخان آرزو و شرح حالی که خودشان برای خوشگو فرستاده اند نقل کرده است (رجوع شود به شرح حال مظهر ص ۳۰۲ و آرزو ص ۳۲۳)

اشعار شعرای زیر را مفصل‌تر از سایرین آورده است   شاه ناصرعلی و اشرف و محمد اعظم و نعمت خان عالی (هر کدام در ۳ص) و مخلص و حضوری و حیا و آفرین (هر کدام در ٤ص) و مظهر و سرخوش (هر کدام در ٥ص) و آرزو (در ۱۰ص) و بیدل (در ۲۳ ص) .

اشعارشعرای زیرراطبق پسندآررو نقل کرده‌است شاه‌ناصرعلی و غنیمت و وحشت وسالم وا تیارخان خالص ومحمدامین مطلع وصداف .

هم‌چنین اشعار«بیراگی» رااررو ی پسند سرحوش نقل کرده‌است(رجوع‌شود به ص۱۰۲) .

شعرای ذیل‌اشعارشان رابخط خود برای‌خوشگوفرستاده‌اند وخوشگوآنهارا دراین‌سفینه شامل کرده‌است : رواج واشتیاق واحتر وبی‌ریا ورفعت وتمکین وقابل ومست وحشمت ومتین ومخلص وسابق وبیکس وشورش وانشای‌داس مخلص

مؤلف اشعاربیدل را ازبیاضی که وی‌بامضای خودش بمؤلف داده‌بود انتخاب ونقل کرده‌است (رجوع‌شود به‌صفحه ۱۲۵)

مؤلف دیوان شعرای‌زیررا دیده واشعارشان راازآنجا انتخاب‌نموده است ۰ راسخ ومائل واشرف وسیادت ومیرنجابت ولامع وبیرنگ وعاشق ونعمت‌خان‌عالی وفیضان ووحدت وسرحوش وجنون وعالی وواضح وبی‌تکلف وتأثیر وحیاورائج و ثابت وحسرت وحزین والفت.

روی‌همرفته شرح‌حال بیدل (در۲۱ص) واشعار اورا (در۲۳ص) ازهمه‌مفصل‌تر نقل کرده‌است‌ودرذکر بیدل اکثرآثاروی ووقایع مهم‌زندگانی وسراپای‌اوورو ابطه او باامرا و ملوک معاصر وفوت وی وحکایات مختلف راجع بادوار مختلف‌زندگی وی‌رابیان کرده وچون‌مؤلف اکثر درخدمت بیدل‌بوده بنابراین بیانات او درباره بیدل مورداعتماد وموثق‌ترازتذکره‌نویسان دیگرمیباشد و میتوان گفت که‌درباره بیدل‌هیچ کتابی غیرازتألیفات خودبیدل معتبرتر ازاین کتاب وجود ندارد

درذیل شرح‌حال بعضی‌شعرا برخی‌حکایات رابدون ذکر مأخذ نوشته است رجوع‌شود به‌شرح‌حال ملاساطع (ص۲۳۶) وغیره

درذیل شرح‌حال شعرای زیرتصریح نموده‌است که باآنهاملاقات کرده‌است میان شاه‌ناصرعلی وحفظ‌اله خان حفظی وفیضان وجودت وسرحوش وتلاش ومحمدعلی مطلع وحاتم‌بیگ حاتم وذوالقدر و تمکین وبیراگی وبیدل وقبول و

سبقت و گلاب رای‌مخلص وشاه گلشن وعاقل وحیا وفایز وآبرو وشهرت وبرهت و اشتیاق وپیام وقابل وسامان وتابت وتجرید واختر ومرزا گرامی ورافع وشاعر و بیکس وتمنا ورفعت وتمکین‌وجواد وآگاه وشاه‌میم وعظیم وسامع وواقف و حشمت ومتین وحزین وسر ، گوپال‌تمیز ومخلص وخلف وابنای‌داس‌مخلص و بابو بال‌مکند وحصوری وحکم چند ندرت وراحه‌رام‌برایس موزون ومنشی‌سرب سکه‌خاکستر

در ذیل نام تجرید، نامه‌ای که وی‌بآرزو فرستاده بود بطور نموده‌نقل کرده است (ص۸ ـ ۲۲٦)

اکثرحکایات را که درضمن شرح‌حال شعرا بیان کرده است ازمنابع موثق وغالباً باذکراسم منابع‌خودنقل کرده‌است مثلا

درذیل شرح‌حال ناصرعلی حکایاتی ازشاه گلشن و بهگوبت رای‌قلندر .

» اشرف حکایتی‌ازکلمات‌الشعرا

» همت « میان علی‌عظیم پسرهمت .

» نعمت خان عالی « میرزا بیدل

» میرزاداودمشهدی نقل‌قول ازحزین

» رائــج الهیار (ازرفقای رائج)

درذیل شرح‌حال بعضی‌شعرا بعضی بیانات تذکره نویسان دیگررا در بـاره آنها تکذیب نموده و حقیقت امر را چنانکه خودش تحقیق کرده است نوشته رجوع‌شود به‌شرح‌حال ناصرعلی وسرخوش و بیدل که آنجاقول‌طاهر نصرآبادی را تکذیب واصلاح نموده‌است .

گاهی باعتراضاتی که شعرای دیگر بر اشعار شعرای مــذکور این سفینه گرفته‌اند جواب‌داده و سندآنرا از اشعار دیگران آورده است رجوع شود به نام ناصرعلی واشرف

اما گاهی بربعضی اشعار شعرا خودش ایراد گرفته است رجوع شودبه نام آزاد (ص۲٦۹) وواقف(ص۲۸۷ و۲۸۸) .

مؤلف با «ماده تاریخ گوئی» هم علاقه داشت و ماده تاریخ فوت شعرا که دیگران سروده اند در ذیل شرح حال آنها آورده است : رجوع شود به شرح حال ناصرعلی و سرخوش و بیدل و محمداعظم و مرزا حاتم بیگ وحدت و منعم و میر بیگ و میر الف

سبک انشاء مؤلف در دفتر سوم

در دفتر سوم سفینۂ خوشگو نیز سبک انشای مؤلف اکثر ساده است اما در موقع تعریف از شعرا مخصوصاً در ذیل نام بیدل و آرزو نثر مصنوع و گاهی نثر مسجع بکار برده است

گاهی بعضی اصطلاحات و عبارات عربی را بکار برده است مثلا در ذیل ناصرعلی مینویسد   درشاعری «کوس انا ولاغیری» نواخته (ص۳) .

«خودان   «   •   دعوی «انا ولاغیری» نموده (ص۲۸۰)

«سامی   «   .   «ومن ادعی فعلیه البینه» (ص۲۳۲)

« عار   «   «و کان ذالك فی شهر الف و مأة و خمسین» (ص۲۱۰)

همچنین بعضی کلمات اردو (که بعضی از آنها اصلا فارسی است) بکار برده است قابو بمعنی قوت وطاقت (رجوع شود بهشرح حال محمدزمان راسخ ص۸) گولـی بمعنی گلوله (رجوع شود به نام اعظم ص۴۳) چند گهری بمعنی ساعت (سخا ـ ص۱۹۵) کچهری بمعنی داد گاه (شاه گلشن ص ۱۶۶ ومنعم ص۵۳) خطوط بمعنی نامه ها (عاشق ص۵۷) خط بمعنی نامه (تجرید ص ۲۲۶) پوره بمعنی کامل و تمام (مشرب ص۸۲) چلم بمعنی سرقلیان گلی (بیدل ص ۱۱۲) بالکی بمعنی تخت روان (بیدل ص۱۱۲) چبوتره بمعنی سکو (بیدل ص ۱۲۱) پله ترازو بمعنی کفه ترازو (بیدل ص۱۲۳) بلاناغه بمعنی مرتب و بدون تعطیل (بیدل ص ۱۲۰)

املای بعضی کلمات را طوری نوشته که یا اصلا غلط است و یا امروز فرق کرده است :

مسنوی بجای مثنوی (لامع ص ٥٤) سیسه بجای شیشه بمعنی بوه و بواده (عاشق ص۵۷) بست بجای بیست (ریاض ص۱۹۲)

بعضی اصطلاحات را خودش درست کرده و بکار برده است.

صائبانه = بطرز صائب (ناجی ص ۷۱) ظهوریانه = بطرز ظهوری (سرخوش ص ۷۷) هندوستان را بجای هندوستان راه (رسائی ص ۱۸۹ و تمنا ص ۲۴۹) نهایت نهایت محظوظ گشت = بی نهایت محظوظ گشت (سخا ص ۱۹۵)

بعضی افعال را استعمال کرده که امروز فرق کرده است

برگردید بمعنی برگشت (ناصرعلی ص ۲) آرید بمعنی آورد (رجوع شود به حیا — ص ۱۸۴) نویسانیده = متعدی از نوشتن (نیرا گی ص ۱۰۳ و بیدل ص ۱۱۲ و ۱۲۳)

گاهی جمله‌ای مصنوع درمعنی «فوت شد» بکار برده است مثلا

در ذیل شرح حال سالم مینویسد   از بار عنصری سبکدوش شد

در ذیل شرح حال رسا مینویسد   بر عجوزه شوهرکش دنیا طلاق گفت.

فیضان ازاین تنگنای فانی بفضای جاودانی آهنگ نمود

قبول   دعوت حق را لبیک اجابت گفت

همچنین گاهی جمله‌ای مصنوع درمعنی «متولد شد» بکار برده است مثلا

در ذیل نام بیدل مینویسد   قدم بساط گاه شهود گذاشت

روی‌همرفته این تذکره ازحیث جامعیت و تحقیق درباره بعضی مطالب راجع بزندگانی شعرا خوبست مخصوصاً دفتر سوم این تذکره از حیث اصالت مطالب بسیار مهم است چون مؤلف با اکثر شعرا ملاقات نموده و اکثر اطلاعات را از روی علم خود آورده است   مؤلف با بسیاری از شعرای معاصر خود از نزدیک آشنائی داشته و بنابراین بیانات وی درباره این شعرا مورد اطمینان و با ارزش میباشد   مؤلف سال وفات یا «تاریخ» وفات شعرائی که قبل از تألیف این کتاب فوت کرده بودند آورده است که بسیاری از آنها در کتب دیگر ذکر نشده   همچنین اشعار خوبست

خلاصه دفتر سوم این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره‌های فارسی شمرد.

نسخ خطی

الف –۱– اندیا آفس۴۰۲۳ (دفتراول)[1] ۲– اشپرنگر ۳۳۰ = برلن۳-۶۵۲ (دفتراول و دوم، ناقص)

۳– مجلس ش۴۰۳ (دفتردوم-۱۲۶۸ه)۴- بادلین۳۷۶ (دفتردوم)

۵–دانشگاه لاهور(دفتردوم- ناقص شامل ذکر۷۷۵شاعر ازحامی تامرزاراری) = بادلن ش۷۷۹

۶– بانکی پور ج۸ص۸۳-۱۱۵ [2] دفتر سوم(ظاهراً ناقص- بخط آزادبلگرامی مورخ۱۱۸۲ه) دیل ج۱ص ۱۷۸۶ (دفتردوم ناقص- ازحامی تاسروری) = بادلین- ۶۳۶ (قرن ۱۹م) .

ب – نسخه «آب آورد «که» دری »درحدود ۱۰۴۳ه درشوشترازروی اوراق پراکنده و آب خورده دوباره ترتیب واستنساخ نموده است

۱– سپه‌سالار ج۲ش۴۹۰و۱۱۱۶ ۲- ملك تهرا_ ۴۳۰۵ (قرن۱۳ه)

۳ - ریودیل ش ۱۱۱ (۱۲۵۲ه) ۴- مرکزی تهران ۲۶۵۵ (۱۲۴۷ه -

۱– این نسخه درفهرست اته ذکر نشده است ر ك استوری ج۱ق۱ ص X۰ I که آنجا استوری علامت O I راشرح داده است

۲– این نسخه دوقسمت دارد- قسمت اول در «تراجم بعضی موزونان ازفصل دوم تذکره سدرابن دلس خوشگو تخلص »میباشد ومشتملست بر ذکرشعرای زیر ، ۱- فطرت۲– حسینی ۳– بابامحمدعلی اصفهانی ٤– شاه اسمعیل ذبیحی بذبیح ۵– قدیرا متخلص به عرفان ۶– میرزا نظام‌الدین احمد ۷– سراجا متخلص به نقاش اصفهانی ۸– میرزا محمد طاهر متخلص به طاهر ۹– میرزا بدیع‌الزمان متخلص به اقدس ۱۰ –حاجی عبدالواسع متخلص به اقدس ۱۱– میرمحمدهاشم متخلص به مضمون۱۲- محمد ابراهیم متخلص به انصاف۱۳– میرجمیل متخلص به سوری۱٤ – میرزااسمعیل متخلص به حجاب ۱۵ – محمد اسحق متخلص به شوکت بخارائی ۱۶– مخلص کاشی۱۷– شیعامتخلص به اثر وقسمت دوم بعنوان «قسم سوم» مشتملست برشعرای معاصر که مؤلف با بعضی ازآنان آشنا بوده وبا «میان شاه نصیر متخلص به علی» شروع شده با «منشی سرب سکه متخلص به خاکستر» تمام میشود – دراین نسخه فهرست اسامی شعرا درچهارصفحه آمده است .

دراین نسخه آقای حسیعلی باستانی راد
مالك سا ق این سحه بعضی حواشی
اصافه کرده است) .

چاپ کتاب

دفترسوم پتنه ۱۳۷۷هر۱۹۵۸م باهتمام پرفسور سیدشاه عطاءالرحمن .
برای **شرح حال مؤلف** رحوع شود به سفینه خوشگو (که درذیل نام برخی شعرا اشاره هائی کرده که بعضی وقایع رندگی اوراروشن میسارد) ومقالات الشعراء حیرت و گل رعنا ومحمع النفایس ومخرن الغرایب ش ۷۳۶ واشپرنگر ص ۱- ۱۳۰ وتکملة الشعرای سوق وسفینه هندی ش ۹۷ وروزروشن ص ۲۰٦ وادبیات فارسی مین هندوون کاحصه (اردو) اردکترسیدعبداله ص ۱۱٤و۱۱۵و۱۷۷و۱۷۸ و فهرست بانکی پور و دیباحه انگلیسی وفارسی سفینه حوشگو چاپ پتنه ازپروفسورعطاء الرحمن

فهرست اسامی شعرا

۱- دفتراول- درهیج کتاب نیامده است
۲- دفتردوم- رحوع شود به بادلین ستونهای ۲۱۲ - ۲۳۹
۳- دفترسوم- رحوع شود به بانکی پور ج ۸ ص ۸٦-۱۱۵ .

ید بیضا [۱]

ابتدا : - بحمد من نظم الاشیاء وعلم الادم الاسماء

شرح حال مولف

اسم مؤلف میرغلامعلی متخلص به آزاد است وی نسباً حسینی [۲] واصلا واسطی

۱- درفهرست کتابخانه آصفیه ج ۳ ص ۱٦۲ ش ۱۸٦ اسم این تذکره بدیقرار آمده است تذکره یدبیضا موسوم به «صبح خندان»

۲- آزاد را نسباً اگر «زیدی» نگوئیم صحیح ترخواهد بود چون وی ازاولاد موتم الاشبال ... زیدشهید بوده چنانکه درسطور آینده میآید

ووطنا بلگرامی دمذهبا حنفی و طریقة حشتی است نسبش به موتم الاشبال بن زید شهید بن امام زین العابدین میرسد چنانکه خودش درباره آن گفته است

گرچه باشد موتم الاشبال عیسی جد من عیسی جان بخش شیرانم بامداد نفس

آزاد میگوید که معنی «موتم الاشبال» یتیم کننده شیر بچها است وچون وی اکثر شکار میکرد بنابراین باین لقب ملقب شده بود همچنین دیگر جای آزاد باین امر که وی از اولاد زید شهید است اشاره کرده است چنانکه میگوید

مرا به تیغ ستم کشت و گشت ارسرِ بار چراغ دوده زید شهید روشن شد

آزاد روز یکشنبه ۲۵ صفر ۱۱۱۶ ھ قمری در محله میدانپوره در قصبه بلگرام از توابع صوبه (استان) اود متولد شد وی نزد پنج استاد تحصیل نمود . اولا نزد میرطفیل احمد اترولوی بلگرامی علوم درسی وثانیاً نزد میرعبدالجلیل جد مادری خود[1] لغت وحدیث وسیر نبوی وفنون ادب وثالثاً پیش میرسید محمد دائی خود[1] عروض وقوافی و بعضی ازفنون ادب ورابعاً نزد شیخ محمد حیات سندهی در مدینه صحیح بخاری و «صحاح سته وسایر مفردات» وخامساً نزد شیخ عبدالوهاب طنطاوی درمکه «بعضی فوائدعلم حدیث» راخواند آزاددر بانزده سالگی فارغ التحصیل شد وی در سنه ۱۱۳۰ ھ بدست قدوة العارفین میرسید لطف الله بلگرامی که ذکرش را درمآثرالکرام وسرو آزاد آورده است در طریقه چشتیه بیعت کرده و بدان طریقه مسلك ومربوط شد

مؤلف بقول خود درتمام عمر سه بار[4] ازوطن بمسافرت خارج رفت اول

۱ــ ر ك «سخنوران بلندفکر» (اردو) درذیل نام آزاد

۲ــ آزاد ومؤلف سخنوران بلندفکر «سه بار» نوشته بد ولی این درست نیست چون بعد ازحج آزاد به اورنگ آباد رفت وازآنجا چندین بار باتفاق امرائی مانند صمصام الدوله برای سیر وسیاحت دکن وشهرهای دیگر رفت اما اگر گفته شود که بوطن خود سه مسافرت کرد درآن صورت این قول صحیح خواهد بود چون ظاهراً آزاد بعد از مسافرت سوم هیچوقت بوطن خود (بلگرام) مراجعت نکرد .

در۱۱۳٤ ه باتفاق میر عظمت‌اله بیخبر بلگرامی برای دیدن جدمادری خودمیر ــ عبدالجلیل بشاه‌جهان آباد (دهلی) رفت و آنجا دوسال اقامت‌داشته و از صحبت جد مادری خود استفاده نموده دوباره به بلگرام وطن خود بر گشت

مسافرت دوم وی در ذی‌الحجه ۱۱٤۲ ه اتفاق افتاد موقعیکه وی از راه شاه‌ـ جهان آباد ولاهور وملتان به‌سیوستان یاسهوان از بلادسند درخدمت خال(دائی) خود میرسیدمحمد بلگرامی رفت میر سیدمحمد مزبور ازطرف پادشاه دهلی میر بخش و وقایع نگار آنجا بود آزاد روز دهم ربیع الاول ۱۱٤۳ سیوستان رسید . میر سید محمد آزاد را برای‌مدت چهارسال به‌نیابت خوددرهر دوخدمت مذکور مقرر کرده خودش به‌بلگرام رفت و بعدازچهارسال به‌سیوستان مراجعت نمود آزاد در۱۱٤۷ ه ازهمان راهی که به‌سیوستان رفته‌بود بشاه‌جهان آباد رفت.

دراین مسافرت آزاد باحزین در ۱۱٤۷ ه درشهر بهکر ملاقات کرد وحزین برخی ازاشعار خودرا بخط خودبطور یادگار بوی داد و چون آزاد باعجله سوی دهلی میرفت وی حزین رادرهمان‌شهر گذاشته خود بسوی منزل مقصود راه افتاد[1] همچنین درحین‌مراجعت موقعیکه ازراه لاهور بشاه جهان آباد میرفت بوالـه در۱۱٤۷ه درلاهورملاقات کردوهردوتاشاه‌جهان آباد باهم مسافرت کردند بعداز ورودبه دهلی آزاد درآنشهر یکهفته توقف نموده سوی اله‌آباد رهسپار شد و واله دردهلی ماند وهماجا رحل اقامت افکند[2]

چون سایراعضای خانواده آزاد درآن‌زمان درشهراله‌آباد اقامت‌داشتند وی نیز ازدهلی خودرا به اله‌آبادرسانید ودرآنشهر سه‌سال اقامت کرد ولی دراین مدت دوبار بوطن خود بلگرام رفته وهربار به‌اله‌آباد برگشت

مسافرت سوم آزاد دررجب ۱۱۵۰ ه روی‌داد موقعیکه وی‌از بلگرام به‌حجاز بقصد حج رفت این آخرین مسافرت آزاد بود چون دیگر وی هیچوقت بوطن

---

۱ ــ ر ك خزانه‌عامره ص۱۹٤

۲ ــ ایضاًص ٤۸ ، ٤۲ .

خود(بلگرام) بر نگشت . آراد وقتی که ارالهآباد در سال ۱۱۵۰ ھ به بلگرام رفت شوق زیارت حرمین و احتیار تحرید (ا برو ا) که ار مدتی در قلب وی موح میرد یکبارگی هجوم آورد و درنتیحه وی درسوم رحب ۱۱۵۰ھ ار بلگرام عازم حجاز شد.« سعرخیر» سال تاریح آں (۱۱۵۰ ھ) را میرسا ند .

حالب اینست کهدر بارهعرم وقصدحود بههیچکس اطلاع بدادوحتی حویشاو بداں و بر دیکاں وی بیر سهرور بعدار رفتں وی اراین موصوع باحبر شد بدو برادرش تاسهمرل عقب وی رفب ولی چون اورا هیچ جا بیافت با کام بوطن بر گشت علت این بود که آزاد ارراه غیرمعروفی رفته بود آراد تامالوه بردیك گحرات پیاده رفب . اتفاقاً در آں ایام لشکر بواب آصفحاه (۶۱ - ۱۱۱۳ ھ) در مالوه چادر رده بود . یکی ار افرادلشکر بواب ارآراد پدیرائی گرمی بعمل آورد

دردوم شعباں (۱۱۵۰ ھ) آراد درحدمب بواب مر بور حصور بهم رسا بیده ور باعی ریررا پیش وی حواند وطی آں ار بواب تقاصای کمك بمود

ای حامی دین محیط حود و احساں
حق داد تـرا حطاب آصـف شایاں
او بحب بدرگـاه سلیمـاں آورد
تـو آل نـبی را بـدر کعبه رساں

راجع باین رباعی که آراد صریحاً جهت تملق آصفجاه واستمداد ار وی سروده بود در«خرا به عامره» (ص۱۲۶) چىں توضیح داده اسب

« درحقیقب نظم این رباعی برای تحقیق مضموں آیه کریمه وعلی الناس حج - البیت من اسطاع الیه سبیلا به برای حلب حطام دبیوی بوده »

درهر حال با گفته بماند که غیر ار این رباعی آراد در تمام عمر حود هیچ وقب شعری دیگر بمدح پادساهی یا امیری ساحته اسب

حلاصه بواب مربور حرح سفر را بآراد داد و وی ارمالوه به بدر سورت رفت و ار آنحا رور ۲۴ دوالقعده(۱۱۵۰ھ)سوار کشتی شده رور ۱۸ محرم ۱۱۵۱ھ وارد بندر جده

شدو آنجا چهل روز توقف نموده روز ۲۹ محرم وارد مکه شد. چون بمکه رسید هنوز مدت زیادی بموقع حج مانده بود وبنابراین سه روز در مکه اقامت داشته وبعدازطواف بیت‌الله وزیارت عتبات عالیه بمدینه رفت وعیدفطر را آنجا گذرانیده روز ۱٤ شوال دوباره بمکه مراجعت نمود و آنجا مناسك حج را بجا آورد

«عمل اعظم» (= ۱۱۵۲ﻫ) بتاریخ بجا آوردن حج را میرساند. چنانکه درسابق گذشت درمدینه نزدشیخ محمد حیات سندهی صحیح بخاری خواند وسندبقیه صحاح سته را ازوی گرفت ودرمکه پیش شیخ عبدالوهاب طنطاوی درس حدیث گرفت

درربیع‌الاول ۱۱۵۲ بطایف رفت وبعد دوباره بمکه برگشت ودرعشره آخر همان ماه عازم هندوستان شد ودر۳ جمادی‌الاول درجده سوار کشتی شده در هشت روز به مخامبن رسید وازآنجا بزیارت علی بن عمرشادلی مشرف شد و چهارروز آنجا توقف نموده روز بیست و نهم درسره سروره پیاده شدوروز۲ جمادی‌الثانی واردبصره شد و (بقول اسوری) پنج ماه در بصره بودو بروایت «سحبوران بلندفکر» روز ۲ جمادی الثانی بسورت رسیدو آنجا پنج ماه اقامت داشت (که ظاهراً صحیح نیست) ودر۱۱ دوالقعده ازآنجا حرکت نموده روز۲۷ آن ماه باورنگ آباددکن رسید «سفر بخیر»(= ۱۱۵۲ﻫ) تاریخ مراجعت وی بهندوستان ومهاجرت بدکن را میرساند

در اورنگ آباد آزاد در تکیه شاه مسافر غجدوانی (متوفی ۱۱۲٦ﻫ) رحل اقامت افکند

در۱۱۵٤ﻫ برای سیاحت حیدرآباد وبیدررفت وبعدازچندروزدوباره به تکیه مزبورمراجعت نمود

مؤلف «سحبوران بلندفکر» مینویسد که چون در ۱۱۵۸ نواب نظام‌الدوله ناصر جنگ شهید حاکم حیدرآباد(۱۱٦۱–۱۱٦٤ﻫ) ازطرف پدرخود نواب آصفجاه بصوبه‌داری (استانداری) اورنگ آباد مأمور گشت وی آزاد را بدربارخود دعوت نمود و ازوی خیلی احترام وتجلیل نمود وچنان مجذوب اخلاق آزاد گشت که وی را مصاحب و مقرب خود مقرر کرده وتا زنده بود هیچوقت اورا ازچشم خوددور نمیکرد نواب

مربور در شعر از آراد اصلاح میگرفت.

درهمان سال(۱۱۵۸ه) نواب مربور برای سیاحت و گردش بکرناتك رفت و آزاد راهم همراه خود برد و با تفاق وی آراد درغره ماه صفر ۱۱٦۱ ه باورنگ آباد مراجعت کرد. آراد درهمان سال (۱۱٦۱ه) به اتفاق نواب به برهانپور رفت و چندرور بعد دوباره باورنگ آباد بر گشت روز ۱٤ شوال بهمراهی نواب مربور بارکات رفت ویکسال وچندماه درمسافرت بود درهمین مسافرت در محرم سنه ۱۱٦٤ه نواب ناصر جنگ کشته شد و بعد از کشته شدن نواب آزاد ۱۵ رجمادی الاول ۱۱٦٦ه باورنگ آباد مراجعت نمود. شمس اله قادری مؤلف «قاموس العلوم» (اردو) مینویسد که آراد از طرف نواب ناصر جنگ مستمری می گرفت اما هیچوقت مقامی یا خدمتی را قبول نکرد

در ۹ رجب ۱۱۷٤ه آراد بدعوت صمصام الدوله شاهنوار خان وزیر اعظم به حیدر-آباد رفت و چندماه بعد روز ۱۹ دوالقعده دوباره باورنگ آباد مراجعت نمود و چندرور در تکیه شاه مسافر سابق الذکر توقف نمود

در ۱۱٦۷ه نواب امیرالممالك صلابت جنگ خلف آصفجاه حاکم حیدرآباد (۷۵ ــ ۱۱٦٤) نواب صمصام الدوله را بسمت وکالت خود منصوب کرده و به حیدر-آباد دعوت نمود نواب صمصام الدوله با کمال اشتیاق آراد را پیش خود دعوت نمود وچون آراد به حیدر آباد رسید نواب نظام علیخان آصفجاه ثانی (۱۱۱۸ ــ ۱۲۷۵) نیروی را مورد تعظیم و تحلیل قرارداد. در ۱۱۷۰ه صمصام الدوله معرول شد اما در نتیجه مساعی رفقای صمیمی خودمانند آراد دوباره بمقام خود بر گشت ولی درسال بعد (۱۱۷۱ه) ۳ر رمضان در نتیجه توطئه‌ای صمام الدوله کشته شد ومنرل وی را بغارت بردند دراین دستبردوغارتگری [1] نسخه با تمام مآثر الامرا تألیف صمصام الدوله نیز گم شد. اما آراد بعدازتلاش بسیار موفق شد اکثر اوراق پریشان آنرا پیدا کرده «وخطبه وتمهید» وشرح حال مؤلف و برخی دیگررا اضافه نموده بصورت یك کتاب

۱ــ برای شرح این واقعه رك بهارستان سخن شرح حال مؤلف (صمصام الدوله)

در آورد[۱]

سه سال بعد از فوت آصفجاه ثانی در ۱۱۷۸ه[۲] (؟) آزاد باورنگ آباد مراجعت نموده دوباره در تکیه‌شاه مسافر مذکور در گوشه عزلت وا نشست و بقیه زندگی خود را همانجا بسر آورد

آزاد در خزانه عامره تألیف ۱۱۷۷ه (ص ۱۲۵) مینویسد چندبار بتماشای اطراف ملك دکن بر خاستم اکنون (در شصت و سه سالگی) در دارالامن اورنگ آباد گوشه گیرم

بقول مؤلف «سخنوران بلند فکر» آزاد در سال ۱۱۹۵ه در «روضه»[۳] (خلد آباد) دراطراف مزار شاه برهان‌الدین غریب قطعه‌ای زمین را خریداری نموده واسم آنجا را «عاقبت‌خانه» گذاشت و آنجا قبری برای خود درست کرد سپس ضیافت بزرگی ترتیب داده بعضی از مشایخ و شعرا و امرا را دعوت نمود و بعد از صرف غذا بهمه مهمانان دستداد و گفت «این ضیافت تودیعی بود هذا فراق بینی و بینك»[٤] بعد از آن تا دم

۱ــ بسیاری از نسخ این کتاب که آزاد ترتیب داده و دارای شرح حال ۲۶۰ تا ۲۹۰ نفر میباشد در بعضی کتابخانه‌ها موجوداست باگفته نماند که چندی بعد در ۱۱۹٤ه صمصام‌الملك میرعبدالحی فرزند صمصام‌الدوله این کتاب را دوباره ترتیب داده و عده امرای مذکور این کتاب راتقریباً ۷۳۰ نفر رسانید این کتاب در کلکته در سال ۹۱ ــ ۱۸۸۷م درسه جلد بطبع رسیده است

۲ــ در «محبوب الزمن» (اردو) سال ۱۱۶۸ه ذکر شده است

۳ــ روضه یا خلد آباد بمسافت هفت میل از دولت آباد واقعست برای شرح مفصل این گورستان بزرگ که قبر اورنگ زیب عالمگیر و ابوالحسن قطب شاه و آصفجاه و بعضی سلاطین احمد نگر وعده زیادی از عرفای معروف آنجاست رجوع شود بکتاب «آثار مهم تاریخی دکن» (بانگلیس) ــ تألیف هیگ چاپ اله آباد ۱۹۰۷م صفحات ۸ــ۵۶
(Historical Landmarks of the Deccan – T W Haig – Allahabad.1907)

٤ــ اصل عبارت در تذکره «سخنوران بلند فکر» بزبان اردو بدینقرار است یه وداعی ضیافت تهی ـ هذا فراق بینی و بینك» .

مرگ در گوشه‌عزلت نشست

پنج‌سال بعد ازضیافت مزبور درسنه۱۲۰۰ ه [۱] بسن ۸٤ سالگی فوت کرد شاعری‌تاریخ وفات وی‌را چنین گفته‌است «آه‌علام‌علی آزاد» [۲] (= ۱۲۰۰ه)

وجیه‌الدین‌اشرف‌در«بحرذخار» مینویسد که آزاددر۲۱ذوالقعده‌سال ۱۲۰۰ ه فوت کردودر «روضه» یا « خلدآباد » دفن شد [۳] ومؤلف « نتایج الافکار» مینویسد که‌وی‌در «روضه» پائین مزارحضرت حسن دهلوی‌مدفون‌شد

اینک‌عقاید وآرای‌تذکره نویسان ودیگران درباره اخلاق وپایه‌علمی آزاد نقل‌میشود

تقریباً همه‌تذکره‌نویسان معاصر آزادبعلم وفضل او اعتراف کرده‌اند آرزو در«مجمع‌النفایس» تألیف (۱۱٦۳ ه) مینویسد که‌آزادمردی‌عالم‌وفاضل‌است‌و بحج رفته وچندوقتست که در اورنگ آباد اقامت‌دارد وصوبه‌داران (استانداران) دکن درتعظیم وتوقیر (احترام) وی‌میکوشند وخدمت او را برای خود سعادت محسوب میدارند بنامن اخلاص وآشنائی‌غائبانه دارد و بوسیله حواله ستی یکبار اشعار وشرح حال من را خواسته وبار دیگر اشعار و شرح حال خود را فرستاد گویند تذکرةالشعرائی [٤] نوشته ودراین ایام‌در آن تجدیدنظر مینماید

حاکم در«مردم‌دیده» (تألیف۱۱۷۵ ه)مینویسد که‌وی‌آزاد راقریب‌به‌سی‌سال

۱ــ شفیق در«چمنستان‌شعراء»(اردو)مینویسد که‌آزاد در۱۱۵۲ه وارد اورنگ‌آبادشد وهفت‌سال را درتکیه باباشاه مسافر بسر برد و رویهمرفته چهل‌وهشت سال از عمر خود را دردکن‌بسر بردوهمانجافوت‌کرده ودرخلد آبادمدفون گشت(ر ک «چمنستان شعرای»چاپ انجمن ترقی اردو، ص ٤)

۲ــ ر.ک سخنوران بلند فکر تحت‌نام«آزاد»

۳ــ ر ک نسخه«بحرذخار » متعلق به‌موزه بریتانیاص۳۱۵ که در فهرست ریو ج۳ ص۹۷٦ب ذکر شده وریو درباره این‌مطلب درج۱ ص۳۷۳ب اشاره کرده است

٤ ــ مراد «یدبیضا» تذکره‌مورد بحث است.

پیش [1] درحدمت شاه آفرین لاهوری استادخود در لاهور دیده بود وهنگامیکه بقصد ریارت حرمین دراواخررحب (۱۱۷۵ ھ) به اورنگ آباد رسید چندین بار بخدمت آراد رسیداماچون (حاکم) عرم مسافرت بحار داشت بیش ار سه چهار روز در اورنگ آباد توقف نمود وسپس چون در ۱۵ حمادی الاول بعدازحج باورنگ آباد مراجعت نمود مکرر بحدمت آراد میرسید [2]

سپس مینویسد که همه اعضای حانواده آراد اهل فصل و کمال بوده اند و آزاد دیوانی داردبعربی که من ارفهم آن قاصرم عرلیات فارسی وی حیلی شیرین است. تدکره های یدبیضا، حرانه عامره [3] بی تصنع (است) وارسیاری ارتدکره های دیگر گوی سبقت برده بااین همه علم وفضل هیچ غرور و تکبر ندارد بامردم با کمال تواضع و گشاده پیشانی رفتار میکند وعربا وفقرارامرهون احسان حود میسارد چند نسحه ارتدکره حود بمن و بورالعین واقف لطف کرده است وارمامرتب پذیرائی کرده ومارا ممنون ومرهون مروت وحسن احلاق حود میگرداند تاسال تحریر (مردم دیده) که یکهرارویکصدوهفتادوپنح هحریست درهمین شهر (اورنگ آباد) بحوبی وحوشی میگدراند وحمیع اکابر اعم ارصوبه دار (استاندار) ومرتبه داران دیگر وعموم مردم همه معتقد کمال واحلاق این عریر بزرگ میباشند [4]

هیگ در کتاب «آثارمهم تاریحی دکن» (انگلیسی) در صفحه ۵۸ در باره معروفیت آراد بعدارمرگ اوچنین مینویسد «صیت وشهرت علم وفصل این شاعر (آراد) باندازه ایست که والدین بحه های حود را بمراروی میبرند تا آنها دانه ای

۱ـ حاکم آرادرا در ۱۱۴۷ ھ موقعیکه او ارسیوستان بطرف دهلی میرفت وچندی درلاهورتوقف نموده بوددیده است (ر. ك مسافرت دوم مؤلف درسطورقبل)

۲ـ ر ك «مردم دیده» ص۳۴

۳ـ ازاین معلوم میشود که حاکم حرانه عامره تألیف ۱۱۷۶ ھ را قبل ار اتمام آن در ۱۱۷۵ ھ دیده بود

۴ـ ر ك مردم دیده ص ۳۴ـ۳۵

قند را با لبهای خود از قبر بردارند و در نتیجه هم صاحب ذوق علم شوند و هم صاحب توفیق واستعداد برای تحصیل آن »[۱]

همچنین ولیام چمبرز [۲] درباره «خزانه عامره» مقاله‌ای بزبان انگلیسی در «آسیاتیک میسلانی» نوشته است که ترجمه قسمتی از آن بقرار زیر است

«مؤلف (یعنی آزاد) . امروز در اورنگ‌آباد دکن در قید حیات است و آنجا بعد از چندین سال که در مشاغل ادبی و مسافرتهائی بنقاط دور و دراز گذرانده با کمال احترام و با اندازه‌ای باشان و شکوه زندگی میکند و سن وی بهشتاد و پنج رسیده است نظام جدید (حیدرآباد دکن) دو بار شخصاً برای ملاقات وی بآن شهر آمده است اینجانب نسخه‌ای از نامه‌ای دارم که غازی‌الدین معروف بنام وی (آزاد) سال ۱۷۷۵م (= ۱۲۰۰ ه) نوشته است وطی آن نامه عالی‌ترین مراتب احترام را بآزاد تقدیم داشته است کتاب مورد بحث (خزانه عامره) را وی در آنجا سن شصت و یک سالگی تألیف نموده است غیر از این کتاب، وی چندین کتاب دیگر را به نثر و نظم نوشته است از جمله چنانکه خودش به غازی‌الدین طی جواب نامه فوق مینویسد عده اشعار عربی وی به چهار هزار بیت و اشعار فارسی به هشت هزار بیت بالغ میشود وهمچنین در آن نامه اعتراف میکند که وی به تعداد هردو نوع شعر (عربی و فارسی) دائماً میافزاید درحالیکه سن وی در آن وقت از هشتاد سال تجاوز کرده بود

۱- اصل عبارت بانگلیسی بقرار زیر است

"The fame of the poet's learning is such that parents take their children to his shrine in order that they may by picking up with their lips a piece of sugar from the tomb obtain both a taste for knowledge and the ability to acquire it "
(Historical Landmarks of the Deccan - T W Haig - Allahabad,1907).

۲- William Chambers

«اما مؤلفات تاریخی وی (مثلا بیوگرافی های نوابان وامرا وغیره که درخزانه عامره آمده است) برای خوانندگان اروپائی خوب و نادرترین و باارزش ترین آثار وی میباشد و نیز دارای این مزیت خاصی هستند که وی اکثر وقایعی را که بیان میکند بچشم خود دیده است وخودش بکشورهائیکه صحنه این وقایع بوده مسافرت کرده-است ودرموقع مطالعه این اقتباسات که باعجله وبدون تعمق گل چینی شده ا-مراتب فوق را باید مخصوصاً درنظرداشت چون این اقتباسات بعضی جریانات را روشن میسازد که انگلیسها وفرانسویها هردو با آن مربوط هستند و بیانات هردوشان راجع باین جریانات در بعضی موارد ازهم تفاوت داشته است» ۱

اما ابوطالب خان تبریزی اصفهانی مؤلف «خلاصة الافکار» تنها تذکره نویسی است که بر آزاد تاخته و وی را باد انتقاد کشیده است وحتی او را مورد تمسخر قرارداده است وی درتذکره خود درذیل نام خاقانی برفضل ودانش آزاد مخصوصاً (و بر سایر فارسی دانان هندوپاکستان عموماً) انتقاد کرده است و در ذیل حکایتی که بیت زیر خاقانی که بخاقان نوشته بود

میرم   یاوشاقی که در برش گیرم

(وشق بمعنی پوستین ووساق بضم اول غلام امرد را گویند) وخاقان متغیر گشته که چرا هردو را بخواسته وخاقانی مگس را بروی دال کنده نزد خاقان فرستاد که گناه من نیست گناه ایست یعنی من «د وساقی» نوشته بودم اما مگس فضله انداخته «با» را «یا» ساخت دراینجا مؤلف خلاصة الافکار مینویسد «میرغلامعلی آزاد بلگرامی دراین مقام اظهار تعجب میکند که چرا خاقان ازجهت غلام امرد خواستن برنجید مؤلف گوید این سه سبب کم تتبعی از اوضاع مردم ولایت (ایران) وی را رو داده چه درزمان قدیم کبیر وغلام خود خرو خلعت و مرحمت دستور بوده والی الان هم اعزه تمام ولایتها وسلاطین و امرای حدود ش

۱- ر ک آسیاتیک میسلانی ج ۱- کلکته ۱۷۸۵م صفحات ۷-۴۹۶
AsiatickMiscellany - vol 1 - Calcutta,1785,pp 496 -7

بی تکلفانه زندگی میکنند وازعاداتی که متأخرین تیموریه درهند رواج داده‌اند که سایر خلق سلوك عبدیت باا کابر نمایند بعایت دوراند و حق اینست که بسیار قبیح‌است که درمواضع خاص اکابرازمتوسلان خویش ادب عامیانه توقع کنند»

سپس ابوطالب مینویسد .

« و ایضاً (آزاد) مقالات هزلیه را سبك پنداشته ومضمون این بیت کلیم را میستاید :

گرهجو نیست درسخن من عجب مدار   حیف آیدم که زهر در آب بقا کنم

غافل ازاینکه هجوهزل نه وواسطه عزت شاعر است چنانکه آلت شمشیر باعث هیبت سپاهی (سربار) است ودلیل لطف وقوت طبع اوست [1] - اعاظم شعرای سلف عدم آنرا باتفاق نقص میدانستند ومتأخرین بسبب عجز طبیعت عذری پیدا ساخته»

وسپس مینویسد

« ونیز عجیب‌تر ازاین هردو اینکه ازامثال این تشبیهات که دراین اشعار واقع شده ودواوین استادان ازآن پراست دنقبح آن گاهی (هیچوقت) شنیده نشده بودچون این شعروحید

شاعران جان ازبرای شعرفهمان میکنند   دخترهرکس وحید افتاد مفت شوهر است

زیر بار توسعدی خوحر بگل مانده است

واین مصراع عرفی : چون حیض دختر زرحوشدارلبهای من

واین ابیات حکیم مسطور

چون هما اندك خور و کم سهوتم دانند ومن

چون خروس دانه چین زانی شهوت پرورم

گر ز مردی دم زنم ای شیر مردان مشوید

زانکه چون خر گوش گاهی ماده و گاهی نرم

۱- همچنین مؤلف «خلاصة‌الافکار» درباره هزل درذیل وفوق‌الدین یزدی مینویسد «هزل نهریکی ازفنون عشره شعر بلکه اصعب طرق ومحك امتحان قوت طبع شاعر است».

نیرحیرت میفرمایدوتقبیح میکند وازاین معنی بوضوح میپیوندد که آن اسفار واختلاط باعرب وعجم دهقیت (دهقانیت) ایشان را یکباره زایل ساخته بودوالسلام»

آثار مؤلف

سید شمس اله قادری آثار آزاد را در«قاموس العلوم»(اردو)ج۱ستونهای ۵ـ۳۳ وسید وحاهب حسین درمجله انجمن آسیائی بنگال سال ۱۹۳٦ص۳۰ـ ۱۲۳ (آثار اردو) وبروکلمان در«ذیل» ج۲ص٦۰۰(آثارعربی را) ذکر نموده اند

(الف) آثارفارسی مؤلف

۱ـ دیوان (رجوع شود به سبحةالمرجان) ـ برای نسخ دیوان رجوع شود به اسپرنگر ۱٤٦ وبانکی پور ج۳ش٤۲۳ واته۱۷۲۲ وایوانو- کرزن ٦ ـ ۳۰٤ و ومدراس۷۵(ج) (منتخب) وآصفیه ج۳ ص۲۸۸ س۸۳۰ (منتخب) چاپ حیدر آباد (بدون تاریخ) دردوجلد- ج اول ٦۰صفحه وجلددوم٦۱دارد- نیررجوع شود کارآتی ص ۸۲

۲ـ مثنوی درجواب مثنوی میرعبدالجلیل بلگرامی- برای نسخه رجوع شود ج۳ص٦۳۲

۲- مثنوی سراپای عشق- برای نسخه سو رجوع شود به علیگره دح ن اله ص٤۳س۹۰.

٤- سندةالسعادات فی حسن خاتمةالسادات (رجوع شود به سبحةالمرجان ـ ص۱۲۳) برای نسخ رجوع شود به آصفیه ج۲ص۱۳٤٦س۳۷۲ وج ص٦٦۲ش۱۰۱ واته ۲٦۷۰ـ بقول شمس اله قادری در۱۲۸۲ه در بمبئی چاپ شد

۵ـ غزالان هند- (اسم تاریخی = ۱۱۷۸ه) ترجمه فصل ۳و٤ سبحةالمرجان بفرمایش عبدالقادر مهربان اورنگ آبادی ولچهمی نرایرشفیق اورنگ آبادی که ازرفقای مؤلف بودند برای نسخ رجوع شود به آصفیه ج۱ص۱٦۸س۱٦٤ وبرلن۱۰۵۱ واته۲۱۳۵وبدبر احمد۱۳۱۰

٦ـ شجره طیبه ـ درشجره‌هاوشرح‌رند گانی‌شیوخ‌بلگرام ـ برای نسخ رجوع شودبه آصفیه‌ج۱ص۳۲۲ش۳۵وح۲ص۱۷۷۸ش۲۱٤.

۷ـ روضة الاولیاـ تألیف۱۱٦۱ه مشتمل برشرح‌حال‌ده عارف صوفی‌است که درحلدآبادیاروصه نزدیك‌دولت‌آباددفن‌هستندبا«العریب‌الهنسوی»شروع‌شده‌با«آزاد» (مؤلف) تمام‌میشود برای‌نسخ رجوع شود به‌آصفیه ح۱ ص۳۲۰ وح۳ ص۱٦٤ واته ٦۵۵ **چاپ** اورنگ‌آباد ۱۳۱۰ ه

۸ ـ مآثرالکرام (فی) تاریخ‌بلگرام ـ در۱۱٦٦ ه تمام شد وشامل‌دوفصل است.فصل‌اول شامل‌ذکر هشت‌مزار «فقرای»بلگراه واطراف آن وفصل‌دوم‌شامل ذکرهمه‌امعر ار«فصلای» بلگرام واطراف آن‌است ـ برای‌نسخ رجوع‌شودبه‌آصفیه ح۱ ص۳٤۸ ش ۱۰۵ واته ٦۸۲ (که مؤلف به‌ریچارد حانسن در۱۷۸۵ م فرستاده بود) وریوح ۳ ص۹۷۱ الف وبانکی‌پور ح۸ ش ۷۲۳ وبرلن ٦۰۳ (تنها فصل دوم دارد ـ فهرست اسامی‌این‌فصل درفهرست برلن آمده‌است، رجوع‌شودبه ص۸ـ۵٦۷).
چاپ حیدرآباد ۱۹۱۰ م بامقدمه مولوی عبدالحق

۹ ـ یدبیضا ـ تذکره موردبحث

۱۰ ـ سروآزاد ـ تذکره دیگرمؤلف (۱۱٦٦ه)

۱۱ ـ خزانه عامره ـ تذکره‌سوم شاعر (۱۱۷٦ه)

انتقاد بر آثارفارسی آزاد

۱ ـ **شرایف‌عثمانی** تألیف‌غلام‌حسین‌صدیقی بلگرامی که‌مؤلف آن برای‌اصلاح «اشتباهات» مآثرالکلام وسرو آزاد نوشته‌است ـ برای نسخ رجوع‌شود به ایوانو ۲۷۷ واندیاآفس ۳۹۰۳ وآصفیه ح۲ص۱٦٤

۲ ـ **تحقیق السداد فی‌مزلات الازاد** تألیف محمدصدیق سخنور عثمانی بلگرامی که در۱۱٦۷ ه تألیف شدوطی آن مؤلف برمآثرالکرام وسروآزاد انتقاد کرده وبیر سبك وشعر آزاد راباد انتقاد گرفته است ـ برای نسخه آن رجوع‌شود به ایوانو ۳۹۷ .

درحواب این کتاب عبدالقادر سمرقندی دهلوی کتابی بنام «تأدیب الزندیق فی تکذیب الصدیق» نوشته است - برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو ۳۹۸.

(ب) آثار عربی مولف

۱ - **ضوء الدراری** - تفسیر صحیح بخاری تا آخر کتاب الزکاة (رجوع شود به سبحة المرجان ص۱۲۲) نسخه این کتاب امروز در هیچ کتابخانه پیدا نیست.

۲ - **سبحة المرجان فی آثار هندوستان** - در ۱۱۷۷ه تألیف کرد شامل چهار فصل. **فصل اول** [1] در اشاراتی که در قرآن وحدیث رسول درباره هندوستان آمده است و **فصل دوم** [2] فی تراجم العلما و غیره و **فصل سوم** فی محسنات الکلام و **فصل چهارم** فی بیان المعشوقات والعشاق در پنج مقاله - برای نسخ رجوع شود به مانچستر فهرست عربی ۳۹۲ و مدرسه کلکته ص۶۷ ش۸۸ وریو ج۳ ص ۱۰۲۲ ب و ۱۰۵۵ ب (بعضی قسمتهای کتاب) - **چاپ** بمبئی ۱۳۰۳ ه.

۳ - **دیوان** [3] - در سبحة المرجان در ذیل آثار خود که در ص۳-۱۲۲ آورده است آزاد دو دیوان عربی را که شامل سه هزار بیت بوده ذکر کرده است بقول شمس الله قادری مؤلف قاموس العلوم (اردو) این دیوان متجاوز از سه هزار بیت دارد و در ۱۳۰۰ه در حیدرآباد در چهار جلد چاپ شده است - در فهرست آصفیه دو نسخه خطی و یک چاپی «هر سه حصه» (ج ۰) دیوان ذکر شده اما سال و محل چاپ ذکر نشده است

سارکیس [4] دیوانهای زیر آزاد را ذکر کرده است

۱ - این کتاب سابقاً بطور مستقلی بنام شمامة العنبر فی الهند من سید البشر تألیف شده بود - برای نسخ ر.ك. آصفیه ج۳ ص۲۵۸ ش۸۵۳ و۸۵۷ و۸۵۹.

۲ - فصل اول و دوم این کتاب را سید شمس الدین بن شاه وارث علی حسنی حسینی بنارسی درسال ۱۲۸۶ه بفرمایش راجا بنارس مهاراجا ایساری (ایشوری) پرشاد نرائن در زمانیکه مترجم در خدمت راجای مزبور بوده بزبان فارسی ترجمه کرده است

۳ - آزاد در خزانه عامره (ص۱۲۵) مینویسد که دیوان عربی وی سه هزار بیت دارد وانیکه «دیوان فقیر (مؤلف) درحرمین شریفین و بلاد یمن ومصر مشهور است»

۴ - ر.ك Dictionaire encyclopedique de bibliographie arabe –Sarkis

۱ ـ **الدیـوان الاول** که در ۱۱۸۷ ه باتمام رسید و در کنز العلوم پرس حیدرآباد چاپ شد .

۲ـ **الدیوان الثانی**[1] درلوح‌محفوظ پرس حیدرآباد دکن چاپ شد

۳ ـ **الدیوان الثالث** در کنزالعلوم پرس حیدرآباد دکن چاپ شد

همچنین دیوانی بنام «السبعة‌السیاره» رامؤلف در۱۱۷۶ آغاز ودر۱۱۹٤ه باتمام رسانیده‌است ـ نسخه آن بخط مؤلف در کتابخانه نواب نورالحسن لکهنو موجود است

بقول سیدمقبول احمد صمدانی مؤلف حیات جلیل (ج۲ ص۱۷۵ یادداشت ش ۱۳۹) منتخبات این هفت دیوان بنام «مختار دیوان آزاد» درآسی پرس لکهنو د ۱۳۲۸ ه چاپ شده‌است

دیوان تاسع و عاشر (نهم‌ودهم) آزاد ـ درذخیره سبحان‌الله درعلیگره (ص۱۲۶) موجود است

درفهرست علیگره (سبحان‌الله ص۱۲۶) وآصفیه ج۱ ص۶۹۶ ورامپور فهرست عربی ج۱ ص۵۸۶ تنها «دیوان آزاد» بلگرامی ذکرشده‌است

٤ ـ **مظهر البرکـات** ـ مثنوی در هفت دفتر ـ اول آن در۱۱۹٤ ه تمام شد و دوم و سوم وچهارم آن در۱۱۹۵ ه تمام‌شد وبقیه آن تاریخ ندارد ـ نسخه آن بخط مؤلف درآصفیه موجوداست (رجوع‌شود به‌قاموس العلوم ستون ۳٦) ونیز برای نسخ رجوع‌شود به‌ماحستر فهرست عربی ٤۸۱ الف ونیز بنس فهرست‌عربی (۱۹۰۸م)

۵ـ**شفاءالعلیل فی اصلاح کلام ابی‌الطیب‌المتنبی**ـ نسخه آن در کتابخانه سیدعلی حسین بلگرامی درحیدرآباد دکن موجوداست رجوع‌شود به ندیراحمدمجله انجمن آسیائی سال۱۹۱۸ ص۱۲۳ (cxxiii)

٦ ـ **شکول** ـ برای نسخ خطی رجوع‌شود به آصفیه ج۳ ص٦٤۲ س۲٤۲ (اساساً بخط مؤلف) و ش۲٦۱

۱ـ نسخه‌ای چاپی آن درعلیگره موجوداست رک ذخیره سبحان‌الله کتب چاپی ص۲۵ وآنجاسال چاپ۱۲۸۷ه ذکرشده است

[illegible]

دراین‌تذکره آمده‌است ازشعرای‌متأخرین بودند و اکثرشان معروف نبودند
سبك انشای مؤلف‌غالباً ساده‌است اما گاهی کلمات عربی‌را بکار برده‌است

نسخ خطی

۱ ـ اشپرنگر ش۱۳ .
۲ ـ بانکی‌پور ج۸ ش۱۲٦ (قسمتی بخط مؤلف)
۳ ـ اندیا آفس ۲۹٦٦ (ب) [۳] (۱۱۸۷ هـ)
٤ ـ آصفیه ج۳ ص ۱٦۲ س۱۸٦و ش ۱۵۵ (تذکره « صبح خندان » یعنی « ید بیضا ») .

۵ ـ کتابخانه‌شخصی آقای‌محمد ابراهیم‌در گرهی‌یاسین(سند) باکسان‌عربی
برای **شرح‌حال آزاد بلگرامی** ـ رجوع‌شود به‌ید بیضا (۱۱٤۸هـ) و روضة‌الاولیاء (۱۱٦۱هـ)و مآثر الکرام(۱۱٦٦ هـ) وسرو آزاد (۱۱٦٦هـ) وخزانه‌عامره (۱۱۷٦هـ) و سبحة‌المرجان(۱۱۸۷هـ)و مجمع‌النفائس آرزوومردم دیده حاکم‌لاهوری ص۳٤-۳۵و ریاض‌الشعرا وسفینه‌خوشگو و گل‌رعناوچمنستان‌شعرا(اردو)وصحف‌ابراهیم‌ش۱۹۹و خلاصة الافکار ش٤۱ و آرایش محفل و نتایج الافکار ومآثر مجله انجمن‌سلطنی آسیائی‌بنگال‌ج۹ دورج ۱۸٤۸م ص۳ ـ ۱۵۰ و گارسن دتاسی ج۰ ص ۲۵۹ ـ ۲٦۰ وآسیاتیك‌میلانی (انگلیسی) ج۱ ص۸ ـ ٤۹۷ و آثارمهم تاریخی‌دکن(انگلیسی) تألیف هیگ چاپ‌اله‌آباد ص۵۸وحدایق‌الحنفیه(اردو) تألیف مولوی‌احمدحمدانی چاپ اله آباد ۱۹۳۹ م ج۲ ص۷۷ ـ ۱٦۳ و قاموس العلوم (اردو) تألیف شمس‌اله قادری‌قسمت‌اول چاپ‌حیدرآباد ۱۹۳۵م ستونهای۳۲ـ۳۵ وفهرست دانشگاه بمبئی ۲۰۰ ـ۲۰۳و آزادبلگرامی (مقاله‌بانگلیسی) ازسیدوجاهت‌حسین(که‌درمجله‌انجمن‌سلطنی آسیائی بنگال سلسله سوم (مکتوبات) ج۲ سال ۱۹۳٦ م ص ۳۰ ـ ۱۱۹ چاپ‌شده‌است)وبروکمان ذیل ـ ج۲ ص ٦۰۰ ـ٦٦۱ ومحبوب‌الزمن‌تذکره‌شعرای دکن (اردو) حصه (جزو) اول ص٦٤ـ٤۵٤ تألیف‌مولوی ابوتراب محمد عبدالجبار

(۳) این‌نسخه درفهرست اته‌ذکرشده‌است ر ك استوری‌ج۱ ق۱ صxvi

خان صوفی ملکاپوری برای حیدرآبادی چاپ مطبع رحمانی ۱۳۲۹ه و سخنوران بلند فکر (اردو) واسطوری ج۱ ص۸۵۵ ـ ۸۶۶

فهرست اسامی شعرا

فهرست اسامی شعرای این کتاب در هیچ فهرست کتابخانه یا کتاب دیگری نیامده است امادر ابتدای نسخه خطی متعلق بکتابخانه آقای محمد ابراهیم فهرست اسامی شعراهم ذکر شده است

تذکره قدرت

ابتدا ثنای فصاحت پیرا صانعی را سزاست که دندان سین سخن

شرح حال و آثار مولف

اسم مؤلف این کتاب ملی قطرت عطاءالله متخلص به قدرت و ملقب به داستور خان است

آثار مؤلف دیگر از این قرار است

۱ ـ **آئین عطا** ـ فرهنگی که مؤلف بعد از بیست سال زحمت سال ۱۱۶۲ه باتمام رسانیده است ـ برای نسخه رجوع شود به انڈیا آفیس (۱۸۰۱ ص ۲۵۱۵

۲ ـ **کلیات قدرت** ـ برای نسخه رجوع شود به ... ص ۱۶۹۵

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را سال ۱۱۵۹ ه (... ۱۹ سلطنت محمد شاه) تألیف نموده است این تذکره مشتمل بر ذکر شعرای متقدمین و متأخرین و دو قسمت بدین قرار

۱ ـ قسمت اول مشتمل بر ذکر شعرای قرن سوم از رودکی تا ...

۲ ـ قسمت دوم ـ مشتمل بر ذکر شعرای قرن چهارم از میر آقجی تا ابوالفرج سجزی

و « هفت گلشن » مشتمل بر ذکر شعرائی از قرن پنجم تا یازدهم (هر گلشن برای یک قرن) و یک « حدیقه » یا خاتمه در ذکر شعرای معاصر از قرن دوازدهم

نسخه خطی - رجوع شود به اته‌ش ۶۷۶ (ناقص‌الاحراست و تنها تا گلشن سوم دارد ـ گلشن اول و دوم در این نسخه جدا نشده و مشتمل است بر ذکر شعرای قرن ۵ و ۶ از عنصری تا جمال‌الدین عبدالرزاق و گلشن سوم مشتمل است بر شعرای قرن ۷ از کمال‌الدین خلاق‌المعانی شروع شده و دفعه با جمال‌الدین تمام میشود ـ این نسخه تنها برگهای ۳۲ تا ۷۱ دارد صفحه‌ای ۱۷ سطر و ۴ سطر در حاشیه)

شرح‌حال مولف : درهیچ کتاب دیده نشده‌است

فهرست اسامی شعرا درهیچ کتاب ذکر نشده است .

گلدسته

ابتدا : بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و به نستعین من کعبه عرفان انتخاب عرفات العارفین (العاشقین) تصنیف میرتة الدین حسینی دقاقی بلیانی که به موجب حکم نورالدین محمد جهانگیر پادشاه تذکرة‌الشعرا بقلم آورده »

انتخاب کننده

اسم انتخاب کننده این کتاب عبدالوهاب عالمگیری است و اسم پدرش سید منصور خان است عبدالوهاب نوه سید دلاور خان و نبیره غیاث‌الدین خان بن جمله‌الملک اسلام خان مشهدی است

تبصره بر کتاب

اوحدی تعداد ترتیب تذکره عرفات العاشقین خلاصه‌ای از آن تذکره بنام « کعبه عرفان » ساخت و سپس به موجب امر جهانگیرشاه خلاصه کعبه عرفان را بنام « انتخاب کعبه عرفان » ترتیب داد و آن را بسه رکن قسمت کرد جانی ومانی و دیانی

که ترتیب شامل ذکر شعرای متقدم و متوسط و متأخر بود .

گلدسته مجموعه‌ایست منتخب از « انتخاب کعبه عرفان » که عبدالوهاب عالمگیری سال ۱۱۵۵ ه ترتیب داده است و اسامی شعرا را به ترتیب الفبا آورده است

این کتاب با ؟ شروع شده با میرزا یوسف‌خان تمام میشود

مؤلف در آخر کتاب شرح حال مختصری از خیام با مجموعه بعضی رباعیات او بترتیب الفبا (عیار رباعی اول) آورده است

سپس مجموعه اشعاری تحت عنوان موضوع‌های مختلف آورده است. این عنوانها نیز بترتیب الفبا است

نسخه خطی : بانکی پور ج ۸ ش ۶۹۲ (قرن ۱۸ میلادی)

برای **شرح‌حال** عبدالوهاب عالمگیری رجوع شود به گلدسته و استوری ج ۱ ص ۸۱۱

فهرست اسامی‌شعرا: درهیچ کتاب ذکر نشده است

بهارستان سخن

ابتدا

« طراوت بهارستان سخن بآبیاری ستایش حرف آفرینی است که عندلیب ناطقه را به ترانه خوش نوائی سخن مترنم ساخت و بضارت بستان سرای کلام به بنای فصیح بیانیست که گلبانگ کلمات معجز سمت وی حدایق مسامع گوش مستمعان هدایت توامان را بثمرات سعادت اساست »

شرح حال مولف

اسم مولف این کتاب میرعبدالرزاق ملقب به‌صمصام الدوله است اصلش از

خواف است و جد بزرگش میر کمال‌الدین در زمان اکبر شاه (٩٦٣ـ١٠١٤ هـ) بهند آمد و در سلك ملازمین وی منسلك شد

پسرش میرك حسین در زمان جهانگیر شاه (١٠١٤ ـ ١٠٣٧ هـ) در خدمت درگاه سلطانی بود و پسر میرك حسین بنام میرك معین‌الدین ملقب به امانت خان در زمان شاهجهان (١٠٣٧ ـ ١٠٦٨ هـ) بمنصب عالی مفتخر بود و در زمان اورنگ زیب عالمگیر (١٠٦٨ ـ ١١١٩ هـ) بدیوانی لاهور و ملتان و کابل و کشمیر سرافرازی داشت و هنگامیکه شاهزاده ... بصوبه داری (استانداری) ملتان منصوب شد امانت خان علاوه بر سمت دیوانی نیابت صوبه‌داری را هم داشت و در زمانی که پادشاه در هند بود صوبه‌داری دکن به خان جهان کوکلتاش و دیوانی دکن و بخشیگری و وقایع نگاری به امانت خان مرحمت شد

از جمله پسران امانت خان چهار نفر بمراتب عالی رسیدند

میر عبدالقادر دیانت خان و میر حسین امانت خان و میر عبدالرحمن وزارت خان مخاطب بگرامی و کاظم خان

وزارت خان گرامی سمت دیوانی بیجاپور داشت و شعر هم میگفت و صاحب یك دیوان اشعار بود و کاظم خان سمت دیوانی ملتان را داشت

میر حسین علی پسر کاظم خان مذکور پدر صمصام الدوله شاهنواز خان بود وی ... سالگی ... صمصام الدوله به میر حسین امانت خان و وی ...

میر عبدالرزاق بروز ٢٩ رمضان سنه ١١١١ هـ در لاهور متولد شد و چون اکثر نزدیکان وی در اورنگ آباد بودند وی در اوایل ایام جوانی باورنگ آباد منتقل شد و با پیشگاه نواب آصفجاه (١١٢٢ـ ١١٦١ هـ) بمنصبی سرافراز شد و چندی بعد بدیوان پادشاهی صوبه (استان) برار مأمور شد و مدتی آن سمت را بدست داشت و هنگامی که در سال ١١٥٠ هـ محمد شاه پادشاه هند (١١٣١ ـ ١١٦١) آصف جاه را بحضور خود طلب کرد نواب آصف جاه پسر خود نواب نظام‌الدوله ناصر جنگ

را به نیابت حکومت دکن مامور ساخت و خودش عازم دارالخلافه دهلی شد نظام‌الدوله از خدمات صمصام خیلی راضی بود و دیری نگذشت که وی‌را بدیوان سرکار خودودیوانی پادشاهی برارهر دو مفتخر کرد

چون آصفجاه در۱۱۶۱ه فوت کرد نواب نظام‌الدوله برمسند پدر نشست و نواب صمصام الدوله را ازفرار طلبیده مثل‌سابق بدیوانی سرکار خود مأمور ساخت وچون نظام‌الدوله (۱۱۶۱ ـ ۱۱۶٤ه) رااحمد شاه (۱۱۶۱ـ۱۱۶۷ه) بشاهجهان‌ـ آباد (دهلی) احضار نمود وی نواب صمصام الدوله را بدکن گذاشت و در موقع وداع انگشتری خود را باو داد

بعد ازشهادت نظام‌الدوله درسنه ۱۱۶٤ ه مظفر جنگ جانشین وی شد ولی او نیز بعد از دوماه نزدیك شهر کرپه بقتل رسید ومسند ریاست‌نواب امیرالممالك صلابت جنگ رسید که سرسوم نواب‌آصفجاه اول‌بود

لشکر وی ازنواحی کرپه شهر کرنول رسید

نواب وصمصام الدوله باآنشهر بهمراهی لسکررفت وچون به کرنول‌رسید ازلشکر جداشده باورنگ‌آبادرفت وچندی‌بخانه‌خود نشسته ودرنهم رجب۱۱۶۵ه درحضور نواب امیر الممالك صلابت جنگ (۱۱۶٤ـ۱۱۷۵ه)درحیدرآباد رسیده بصوبه‌داری (استانداری) حیدرآباد منصوب‌شد اما چندی بعدازآن سمت معزول شده باورنگ‌آباد مراجعت نمود وآنجا منزوی گشت

هنگامیکه در١٤ صفر۶۷ ۱ ه صلابت جنگ امیرالممالك باورنگ آمد روت وی صمصام الدوله‌را بحضور خود طلب کرده و او را خلعت وکالت مطلق ومنصب هفت هزاری سوار ولقب صمصام الدوله عطا فرمود و صمصام‌الدوله مدت چهار سال بمنصب وکالت مطلق مأمور بود وکارهای مربوطه‌را بخواحسن انجام میداد

دیر نگذشت که صمصام‌الدوله لسکر نواب صلابت جنگ امیرالممالك‌را برای‌تنبیه‌وگوسمالی‌رگهوجی‌بهوسله جانب‌برار برده و رگهوجی‌را گوشمالی

امر مشکلی بود ولی همین موضوع کوچك که صمصام الدوله بآن هیچ اعتنائی نمیکرد برای وی خیلی گران تمام شد

در ۲ ذوالقعده ۱۱۷۰ھ لشکریها نواب امیرالامراء شجاع الملك پسر محمد شریفخان بسالت جنگ پسر پنجم نواب آصفجاه را از محبس بیرون آورده و وی را پیش نواب امیرالممالك بردند و خلعت و کالت مطلق برای شجاع الملك گرفته حکم معزولی نواب صمصام الدوله را بیراروی گرفتند.

مردم در اثر خشم و غضب میخواستند بر منزل صمصام الدوله حمله کرده آنرا غارت بربند و صمصام الدوله قبل از وقت از این خطر با خبر شده در نصف شب اثاثه لازم را بر فیلها بار نموده و عازم قلعه دولت آباد گردید و در هشتم ذوالقعده ۱۱۷۰ھ آنجا رسید بعد از حرکت وی مردم به منزل او حمله کرده بقیه اثاثه وی را بتاراج بردند و اکثر اموال وی بدست دولت افتاد

چندی بعد لشکری از طرف سرکار (دولت حیدرآباد) به قلعه دولت آباد اعزام شد و قلعه مزبور را محاصره نموده با مردم آن جنگ کرد در آن ایام غلامعلی آزاد مولف «سرو آزاد» و «خزانه عامره» نیز جزو ملتزمین رکاب نواب صمصام الدوله بود و جهت صلح و آشتی بین صمصام الدوله و نواب شجاع الملك تلاش و کوشش بسیار می نمود و در نتیجه مساعی آزاد و رفقای دیگر صمصام الدوله از محاصره قلعه دست کشیدند اما هنوز شرایط مصالحت بین طرفین توافق کامل بوجود نیامده بود که نواب نظام الدوله ناصر جنگ بسالت جنگ با طمطراق تمام از ایلچپور باورنگ آباد آمد و نواب امیرالممالك وی را بمنصب ولیعهدی خود انتخاب نموده و لقب نظام الملك آصفجاه (ثانی) بوی اعطا کرد

نواب آصفجاه ثانی آزاد بلگرامی را بحضور خود طلب کرد و او را برای استمالت نواب صمصام الدوله بقلعه دولت آباد فرستاد و آزاد بالاخره موفق شد صمصام الدوله را برای حضور در خدمت نواب آصفجاه ثانی راضی کند و نواب مزبور نیز سرداران عمده خود را برای استقبال وی فرستاد صمصام الدوله در غره ربیع الاول ۱۱۷۱ھ از قلعه

دولت آباد بیرون آمده و با سرداران نواب ملاقات نمود و همان روز بخدمت نواب آصف جاه و نواب امیر الممالك سرفیاب شد

درهمان ایام بالاجی از مرهته سرخود سواس راؤ را بعنوان «مقدمة الجیش» فرستاده خودش نزدیك اورنگ آباد بقصد تجارت با نواب آصفجاه رسید و لشکر مرهته هاراحترام چندر را که بقصد سرفیابی بخدمت نواب امیر الممالك باورنك آباد آمده بود محاصره نمودند و نواب آصفجاه باورنگ آباد رفته ورام چندر مزبور را از آن ورطه هلاك نجات داد و در راه چندین جا با مرهته ها جنگ کرد درهمه این معرکه ها صمصام الدوله جزو ملتزمین رکاب آصفجاه بود

درهمان اوان خبر رسید که عمدة الملك موسی بوسی و حیدر جنگ از کار جاگیرها فراغت یافته خواهان سرفیابی در حضور نواب امیر الممالك بودند و برای این منظور بحیدر آباد رسیده بودند

حیدر جنگ مکرر به نواب صمصام الدوله نامه ها می نوشت و طی آن مراتب اخلاص وصمیمیت خود را نسبت باو اظهار میمود تا آنکه صمصام الدوله نیز گول وی را خورد و برای وی در مورد صمیمیت حیدر جنگ شك و تردیدی باقی نماند

لشکر نواب از سند کهیر درمضافات اورنگ آباد حرکت نموده نزدیك شاه گده رسید و حیدر جنگ بحضور نواب شرفیاب شد و تمام لشکر اورنگ آباد رسیده و در حومه شمالی شهر چادر زدند

نواب صمصام الدوله با کمال سادگی زمام اختیار خود را بدست حیدر جنگ سپرد و حیدر جنگ بتملق و چاپلوسی وی مشغول شد

هر چند رفقای صمصام الدوله که بحیله و فریب حیدر جنگ آشنا بودند او را از این موضوع آگاه کردند و در این باره بوی اخطار نمودند اما حرف آنها به گوش وی فرونرفت و نواب هیچوقت آنرا باور نکرد تا آنکه در ۲۶ رجب ۱۱۷۱ه نواب امیر الممالك باتفاق نواب یمین الدوله برای گردش باغ بیگم پوره واقع در اورنگ آباد رفت و حیدر جنگ موقع را غنیمت شمرده هردو آنها را

دستگیر کرده درخیمه‌ای زندانی کرد. همچنین میرعبدالحی ومیرعبدالسلام‌خان و میرعبدالنبی‌خان پسران صمصام‌الدوله‌را طلب کرده آنهارا هم با پدرشان دریك خیمه توقیف نمود و بردرخیمه آنها پاسبانهای نصاری فرانسیس رامقرر نمود ودوباره منزل نواب صمصام‌الدوله را مورد تاخت وتاز قرار داد واقرباوخویشاوندان وی‌را که صاحب استطاعت بودند شکنجه داده ازآنها ثروت هنگفتی بدست آورد

چون نواب آصفجاه ثانی ازاین رفتار گستاخانه حیدر جنگ باخبر شدوی خیلی عصبانی شد و بفکر از بین بردن وی افتاد حیدرجنگ ازصمصام الدوله نقض عهد وبی وفائی کرده بود وبنابراین اعتماد و اعتبار نواب آصفجاه را ازدست داده‌بود .ولی قبل‌ازاینکه نواب‌مزبور نقشه‌خود راعملی سازد حیدرجنگ‌لشکررا ازنواب‌جدا کرده‌ووی رابکلی بی‌دست‌وپا کرد . قبل از این آصفجاه لشکر سنگینی از برارهمراه رکاب خودآورده ومهمات ملکی ومالی رادرقبضه خوددرآورده بود سپس حیدرجنگ‌تصمیم گرفت نواب آصفجاه را بصوبه داری حیدرآباد بفرستد و باین بهانه وی را در قلعه گولکنده بزندان اندازد اما « تدبیر کند بنده، تقدیر کندخنده».

در روز ۳ رمضان ۱۱۷۱ ﻫ حیدر جنگ بخیمه نواب آصفجاه رفت‌ولی‌نواب مزبور قبلا بارفقای خود نقشه قتل وی را کشیده بود طبق آن نقشه حیدر – جنگ رابقتل رسانیدند ونواب آصفجاه براسبی سوار شده تنهاازلشکر بیرون‌رفت چون عمدةالملك موسی‌بوسی ودیگراعیان لشکر خبر قتل حیدر جنگ راشنیدند دست وپا بمردند. درهمان گیرو دار بعضی ماجراجویان نواب صمصام‌الدوله‌ومیر عبدالغنی خان‌پسراصغرنواب‌صمصام الدوله را کشتند ولی‌جالب اینست که حیدر- جنگ که طرح قتل‌آنها را کشیده بودچهار ساعت قبل‌ازآنها کشته شد چون خبر قتل حیدرجنگ‌به صمصام الدوله رسید وی‌اززندگی خود ورفقایش نومید گشت‌و دیری‌نگذشت که لچهمان‌هندو ازرفقای نصاری فرانسیس بخیمه صمصام الدوله‌آمد

ووی را باهمراهاس بقتل رسانید[۱]
نواب صمصام الدوله و پسر وی را در گورستان اجداد آنها بخاك سپردند و یمین الدوله را در گورستان آبائی وی دفن کردند
میر غلام علی آزاد بلگرامی تاریخ قتل هر سه سید سابق الذکر را در آیهٔ «وجوه یومئذ مسفره» (= ۱۱۷۱ ه) یافت و تاریخ شهادت نواب صمصام الدوله را در این قطعه نظم کرد

رفت صمصام الدوله از جهان سوم ماه شریف رمضان
سال این واقعه آن سید خود گفت ما کشته عبدالرحمن (= ۱۱۷۱ ه)

و نیز این رباعی مستزاد در تاریخ شهادت وی نظم کرد

صمصام الدوله آن امیر والا ــ دانش آگاه
ناحق شده کشته در کمین گاه دغا ــ وامظلوماه[۲]
آزاد بعرض میرساند تاریخ ــ یاران شنوید
گردند شهید با کسان سید را ــ انا لله (= ۱۱۷۱ ه)

مخفی نماند که میر عبدالحی خان و میر عبدالسلام خان دو پسر دیگر صمصام الدوله از مرگ حتمی نجات یافتند میر عبدالحی خان را یك روز قبل از پدر جدا کرده بود و میر عبدالسلام خان را بعلت بیماری از خیمه بخانه بردند چندی بعد لچهمان قاتل صمصام الدوله نیز بقتل رسید و محمد حسین جماعه دار فرقه کاردیان که با جماعت خود بر نواب صمصام الدوله و اقربای وی معین بود و سبب آنها مرتکب انواع بد رفتاری ها شده بود نیز با جماعت خود کشته شد و عمده الملك موسی بوسی

۱ـ ریو میگوید که فرانسویها مسئول سقوط صمصام الدوله بودند چون وی مخالف سرسخت آنها بود و در دوم رمضان ۱۱۷۱ ه بدست بعضی از لشکریهای بوسی یا بقول بعضی بدست ژنرال (فرانسوی) کشته شد (رك ریو ج ۱ صفحه ۳۴۰ ب)

۲ـ در مفتاح التواریخ ذیل ص ۳۲۹ بجای «وامظلوماه» «این غم جانکاه» آمده است ولی درمقدمه مآثر الامرا همان عبارت فوق نقل شده است

که بطرف پهولچهری رفته بود بدست انگلیسها شکست خورد وفرار کرد

بعد از شهادت نواب صمصام الدوله چون لشکر بحیدر آباد رفت میرعبدالحی خان را همراه خود بردند ودرقلعه گولکنده توقیف نمودند و میرعبدالسلام خان را بعلت بیماری وی دراورنگ آباد گذاشته از آنجا به قلعه دولت آباد فرستادند نواب آصفجاه ثانی بعد از قتل حیدرجنگ بطرف برار حرکت نمود ولشکر وسامان جنگ را فراهم آورده باچانوجی پسرر گهو بهوسله جنگ کرده واو را شکست داد وسپس روی بحیدر آباد آورد نواب امیرالممالك که برای انتظام ملکی به مجهلی بندر رفته بود عازم حیدرآباد شد وهردو برادر نزدیك حیدرآباد ملاقات کردند

نواب آصفجاه ثانی مثل سابق برمسند ولایت عهد نشست وزمام مهام ملکی ومالی را بدست خود گرفت سپس در ۱۵ ذوالقعده ۱۱۷۲ ھ میرعبدالحی خان را ازقلعه گولکنده آزاد کرده وی را بخدمت سابق بر گرداندند وبجای لقب شمس الدوله دلاور جنگ که وی سابقا داشت به لقب پدر «صمصام الدوله صمصام جنگ» ومنصب ششهزار پیاده و پنجهزار سوار سرافراز نمودند همچنین میر عبدالسلام نیز از قلعه دولت آباد آزاد گشته نزد خانواده خود رفت

نواب صمصام الدوله جامع کمالات بودو باجمیع علوم آشنا درسخن فهمی یدطولائی داشت ومصطلحات زبان فارسی راخوب میدانست ومیگفت «من در دو چیز دعوی (ادعا) دارم یکی عدالت که بدقایق معاملات خانگه باید وامیرسم (رسیدگی میکنم) وحق را از باطل جدا میسازم ودوم شعرفهمی »

همچنین وی منشی عالی بود وانشای وی درنامه‌های فارسی طرز خاصی دارد ولی حیف که منشآت وی جمع نشد وی درتاریخ دانی نیز مهارت کلی داشت وبهترین نمونه ودلیل آن کتاب «مآثرالامراء » اوست او کتابخانه بزرگی از کتب عربی و فارسی فراهم آورده واکثراین کتابهارا بدست خود مقابله وتصحیح نموده بودولی متاسفانه درموقع تاراج منزل بدست لشکریها کتابخانه وی هم بتاراج رفت

آثارمولف

۱ـبهارستان سخن ـ تذکره موردبحث.

۲ـ مآثرالامراء ـ که دراحوال امراء وسلاطین تیموری هند است وصمصام الدوله آنرابدقت جمع آوری نموده وازحیث تاریخ دارای اهمیت زیادی میباشد(این کتاب درسه مجلد از طرف انجمن آسیائی بنگال باهتمام مولوی عبدالرحیم در کلکته سال ۱۸۸۸ میلادی بطبع رسیده است)

۳ـ مجموعه رقعات ـ تمام منشآت صمصام الدوله جمع شده است واکثر آن ازدستبردزمانه تلف شده وتنها چندتاپست دست مؤلف افتاده بوده بطورنمونه درکتاب بهارستان سخن درج یافته است

۴ـفوایدالفواید ـ محتوی برعقاید دینی ومسائل شرعی وآداب واخلاق است که مولف اسم آنرا درمقدمه بهارستان سخن ذکر نموده است

تبصره برکتاب

درمورد سبب تألیف این کتاب مؤلف درمقدمه کتاب چنین توضیح داده است که درهنگام جمع آوری کتابی بنام «فوایدالفواید» درعقایددینی وغیره (رجوع شود به آن مؤلف در بطورفوق) صمصام الدوله فصلی درجوازشعر نوشت وازآنجا که «سخن ازسخن میخیزد» درموقع نوشتن آن کتاب شرحی مفصلات فن شعرمانند عروض و قافیه وصنایع شعر وبعضی متممات آن ازقبیل انشاء واملاء وغیره احوال وبعضی شعراءمورد توجه ودقت قرار گرفت چون این موضوع بامرضوع کتاب فوق مختلف بودوبعضی رفقای مولف بیراصرارداشتند که کتابی علیحده دراین موضوع برای استفاده دیگران بنویسد بنابراین مولف بتألیف این کتاب مبادرت ورزید وقبل ازاتمام کتاب فوق این کتاب (بهارستان سخن) رااتمام کرده آنرا به «بهارستان سخن» موسوم ساخت

ازتوضیحی که پسر مؤلف میرعبدالحی خان [1] دراین کتاب داده است معلوم میشود که درحین تسوید «فوایدالفواید» نواب صمصام الدوله درسنه ۱۱۶۰هـ میخواست احوال چند نفر سخن سرایان را باین کتاب ضم سازد وبنابراین اسامی آنها ر

بر پشت این کتب یادداشت نمود ولی بعلت گرفتاری زیادی فرصت نکرد این فکر را عملی سازد و بنا بر این میر عبدالحی پسر مؤلف در اثنای تکمیل کتاب «مآثر الامرا» به اتمام این کتاب هم همت گماشت و شرح احوال اشخاص مذکور را از کتب معتبره اقتباس نموده بصورت این کتاب درآورد و با وجود اینکه جمع و ترتیب این کتاب تا ۱۲٦۰ه طول کشید ولی چون اتمام آن در ۱۱۹۲ه بوقوع پیوست تاریخ اتمام آنرا چنین

چون[1] این گلستان گشت صورت پذیر

کز و شگفد خاطر جزو و کل

عجب محفلی رنگ و رونق گرفت

قران یافت در وی بهم جام و مل

بجستم ز دل سال اتمام او

بگفتا بهار سخن کرد

(=۱۱۹۲ه)

مؤلف اسم مآخذ را درمقدمه ذکر نکرده است ولی از محتویات کتاب معلوم میشود که وی از کتب زیر استفاده کرده است چنانکه اسامی آنرا درذیل شرح حال شعرا آورده است

۱ ـ هفت اقلیم (رجوع شود به ذکر فردوسی و وطواط و نظام استرآبادی)

۲ ـ نفحات الانس جامی (رجوع شود به ترجمه حال فردوسی و سنائی و خاقانی و نظامی و اوحدی و کمال خجندی و قاسم انوار)

۳ ـ تذکره دولتشاه (رجوع شود به شرح حال سنائی و انوری و کمال الدین اسمعیل و اوحدی اصفهانی و کاتبی و آذری اسفراینی)

٤ ـ تاریخ گزیده حمدالله مستوفی (رجوع شود به شرح حال خاقانی)

۵ ـ شرح دیوان مرتضوی از میر حسین میبدی (رجوع شود به شرح حال انوری)

---

۱ ـ ظاهراً چو

۶ ــ چهارمقاله (رجوع شود به ذکر فردوسی وعمرخیام) .

۷ ــ رساله رباعیات خیام از احمدبن حسین رشیدی تبریزی (رجوع شود به ذکر خیام)

۸ ــ جواهرالاسرار آذری (رجوع شود به ذکر خاقانی وامیرخسرو)

۹ ــ حبیب‌السیر (رجوع شود به ذکر خاقانی وقاسم انوار ومیرشاهی سبزواری)

۱۰ ــ مجمل‌التواریخ (رجوع شود به ذکر خاقانی)

۱۱ ــ صبح‌صادق (رجوع شود به نظامی وسحابی استرآبادی)

۱۲ ــ بهارستان جامی (رجوع شود به ذکر کمال‌الدین اصفهانی وامیرشاهی سبزواری)

۱۳ ــ اخبارالاخیار عبدالحق دهلوی (رجوع شود به ذکر امیرخسرو)

۱۴ ــ تذکرة الاتقیا (رجوع شود به ذکر امیرخسرو)

۱۵ ــ حاشیه نفحات محمد دهدار (رجوع شود به ذکر حافظ)

۱۶ ــ تاریخ فرشته (رجوع شود به ذکر آذری اسفراینی)

۱۷ ــ تحفه سامی (رجوع شود به ذکر هاتفی)

۱۸ ــ عالم‌آرای عباسی (رجوع شود به ذکر ملك قمی)

۱۹ ــ مرآت‌الخیال (رجوع شود به ذکر سحابی استرآبادی و قدسی و چندربهان برهمن

۲۰ ــ اکبرنامه شیخ ابوالفضل (رجوع شود به ذکر نظیری نیشابوری)

۲۱ ــ کلمات‌الشعراء (رجوع شود به ذکر چندربهان برهمن)

این کتاب مشتمل است برمقدمه و دوازده فصل وخاتمه بترتیب زیر .

مقدمه ــ در سبب تألیف کتاب

فصل اول ــ دربیان کلام منظوم واسناد شعر گوئی از آیات واحادیث و تاریخ ابتدای شعرگوئی عربی وفارسی (در ۱۸ صفحه) .

فصل دوم ــ درعروض (در ۱۷ صفحه)

[illegible]

طبقه چهارم در ذکر بیست و چهار نفر شاعر است که از جلوس جهانگیرشاه (١٠١٤هـ) تا پایان سلطنت شاهجهان (١٠٦٧هـ) میزیسته‌اند و با میرزا جعفر اصفهانی شروع شده با سلیم تهرانی تمام میشود

طبقه پنجم در ذکر چهل تن شاعر است که از جلوس اورنگ‌زیب عالمگیرشاه (١٠٦٨هـ) تا آخر سال دهم سلطنت محمد شاه غازی (١١٤١هـ) و با حکیم سرمد شروع شده و با دلاورخان نصرت تمام میشود

خاتمه در ذکر نه نفر از معاصرین است که در ذکر [illegible] بودند و «حاوی کمالات صوری و معنوی» بودند و گاهی شعر هم میسرودند و با سید علام حسن قادری رضائی شروع شده با قاضی محمد اساساً تمام میشود

این تذکره مشتمل بر ذکر صد و سی نفر که اکثرشان اصلا شاعر بودند و آنها را خوب بترتیب تدریجی از روی زمان شعرا ذکر نموده است و با «فردوسی» شروع شده با «قاضی محمد صالح» تمام میشود

مؤلف در این تذکره (عیار خانه) تنها کسانی را شعرای متقدم و متاخر را ذکر نموده است و علت آنرا در آغاز فصل دوازدهم (ص ٢٤٦) چنین توضیح داده است

در هر عصری صاحبان تحقیق در سفاین و اوراق [illegible] حالات گروه (شعرا) را بشکوه سطیر فرموده [illegible] حصر ای اعداد جمیع افراد این طایفه متعذر [illegible] که متعسر است اما چون تعریف شعر فارسی و قواعد آن در بیان آمد بناء علیه تحریر شدی از حالات کامل شعرای متقدمین [illegible] متاخرین که صاحب دواوین اند و به سندی اشعار و استادی [illegible] اند [illegible] ازمقالات ایشان در مجموعه [illegible] افتاد

رویهمرفته محتویات این تذکره از حیث تازگی مطالب هیچ اهمیت ندارد چون عیار خانه که مشتمل بر ذکر [illegible] معاصرین که گاهی شعر گوئی میپرداختند [illegible] تقریباً تمام مطالب این کتاب [illegible] تذکره‌های [illegible]

جنبه تحقیق که مولف درمورد احوال‌شعرا بعمل آورده است نمیتوان زیاداهمیت برای این کتاب‌قایل شد.

شرح حال اکثرشعرارامولف مختصر ولی‌جامع آورده است ودرمورد اکثر شعرا سال ولادت ووفاتشان یاتنها سال وفات آنهارادکر کرده است. تنهادر مورد شعرای‌زیر شرح‌حالشان‌را نسبتاً مفصل آورده است:

سلمان ساوجی و امیرشاهی سبزواری وهلالی استرآبادی وشاه‌طاهردکنی و کلیم و صائب وناصرعلی(هر کدام درسه‌صفحه) وفردوسی وفیضی(هر کدام‌درچهار صفحه)وکمال‌الدین‌اصفهانی‌ومولانا رومی وشاه‌نعمت‌الله‌ولی وشیخ آذری اسفراینی و خانخانان (هر کدام درپنج‌صفحه)و حافظ (درشش صفحه)وآصفجاه نظام‌الملك (در ½ ۸ صفحه ــ که بیشتر حاوی مطالب تاریخی است از دوره حکومت وی در دکن)

رویهمرفته شرح‌حال حافظ وآصفجاه‌نظام‌الملك‌را مفصل‌ترازهمه آورده‌است درضمن‌احوال‌بعضی‌شعرا شرح‌حال دیگران‌را نقل کرده‌است‌مثلا

در ذیل نام شاه‌نعمت‌الله‌ولی شرح‌حال «اولاد و احفاد» او (ص۳۵۵ــ۳۵۷)

« هلالی « شکیب‌خان (ص۳۹۸ــ۴۰۰)

« قاسم‌خان‌جوینی « بدرنورجهان‌واسلاف‌واخلاف‌وی(۴۶۵-۴۷۲)

درضمن احوال شعرامؤلف روایات مختلف تذکره نویسان ومورخین‌را موردبحث و تحقیق‌قرار داده وچنانکه بعقیده وی اصح و معتبربوده بیان کرده است(رجوع شود به فردوسی ص۲۵۳ و سنائی ص ۲۵۶ و خاقانی ص ۲٦٦ ونظامی ص ۲۸۱و کمال‌الدین اسمعیل ص۲۸۸ و اوحدی‌اصفهانی‌ص۳۰۹وسلمان ساوجی ص ۳۳۲)

اشعار بعضی از شعرای معروف‌را مختصر نقل کرده است و علت آنرا چنین بیان کرده است که چون اشعار این‌شاعر« درالسنه‌و افواه‌جاریست» بنابراین‌نقل چند بیت ازوی اکتفا کرده است(رجوع شودبه‌نام فردوسی‌ص۲۵۳)

تنها اشعارشعرای زیرراسنة مفصل آورده‌است.

عمرخیام (درسه‌صفحه ـ بیست رباعی) و طاهر وحید(در۳½صفحه) وحافظ وکلیم ورفیع مشهدی (هر کدام در٤صفحه) وسعدی‌وعرفی (هر کدام‌در٤½صفحه) وناصرعلی (در٦صفحه) وسوکت‌بخاری (در۸صفحه) وعنی کشمیری (در۱۰صفحه) وصائب‌و بیدل (هر کدام در۱۸صفحه)

رویهمرفته اشعار صائب‌و بیدل رامفصل‌ترازهمه آورده است.

تنهادردیل نام صائب درمورد کلیات وی(دریك صفحه) بحث کرده است و وعقیده خودرا درمورد مقام وی درشاعری طی‌آن‌اظهار نموده است

دردیل‌نام ملاشیدا هفت‌بیت‌محمدخان قدسی‌واعتراضات‌ملاشیدارا بامحاکمه ملامیرلاهوری آورده‌است(ص۴۷۸ـ۴۸۲)

دردیل نام‌نواب دلاورخان‌نامه‌ای عربی‌از وی بنام‌مولوی علی‌اصغرلکهنوی نقل کرده است که‌باموضوع‌تذکره مربوط نیست (ص۶۵۸ـ۶۶۰)

سبك مؤلف اکثرساده است ولی درمقدمه و گاهی درموقع تعریف شعرا نثر مصنوع نوشته است‌و کلمات عربی‌را فراوان بکاربرده است گاهی‌بعضی‌اصطلاحات عربی‌رااستعمال کرده مانند

کمالایخفی (رجوع شودبه‌انوری) النهایةهوالرجوع‌الی البدایة(رجوع‌شود به‌نام‌عراقی)

باتخلص و نسبت شعرای زیر« الف ولام عربی» راآورده است

ابوالمجد آدم السنائی الغزنوی ومولانا جلال‌الدین محمدالبلخی‌والسعدی الشیرازی و فخرالدین ابراهیم المشهور بالعراقی و سیدغلام حسین‌حسن القادری الرضائی.

گاهی سالهارا بزبان عربی آورده است مانند

«وکان ذلك‌فی‌ست وعشرین‌وست مائة (رجوع شود به کمال الدین‌اصفهانی)

قبل‌ازاسم شعرای‌زیرلقب توصیفی برای‌آنها آورده است.

سحبان العجم (فردوسی)و استادالحکما (سنائی)و حجةالحق(عمرخیام) و حسان‌العجم(خاقانی) ملك‌الکتاب(وطواط)

گاهی برای فوت‌شد جمله‌ای نثر مصنوع آورده است مانند

ابوجلاح شیرازی· درسنه هشتصد وهستاد وهمت‌ازخوان الوان نعمت‌دنیوی دست کشیده میل نعیم‌اخروی نمود.

نسخ خطی

۱ کتابخانه نسخ خطی دولت مدراس ش۵۲۸(در۳۵۲ص وصفحه‌ای ۱۷ سطر مورخ ۲۳محرم‌سنه ۱۲۵۹ه)

۲ـ کتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن‌ش۱۲۱ (بخط پسر مؤلف در۲۷۷ص و صفحه‌ای ۲۵ سطر مورخ ۱۱ ربیع‌الاول‌سنه۱۱۹٤ه این نسخه تکلمه‌شعرا که میرعبدالحی‌خان اضافه کرده است ورقعات وعرایض مولف راندارد)

۳ـایضا ش ۱۹۳(در ۵٤۷ ص وصفحه‌ای۱۷سطرشامل «تکلمه شعرا و رقعات وخطوط وعرایض »مورخ ۱۲۰٤ ه)

٤ـایضا ش۱۷(در۲۵۰ ص‌وصفحه‌ای ۱۷سطرمورخ ؟)

چاپ

از طرف دولت مدراس هندوستان باهتمام چندرسکهارن رئیس کتابخانه دولتی نسخ خطی‌شرقی‌مدراس سال ۱۹۵۸ م [۱]

۱ـ « چاپ بسیاربسیار بد وپراز اغلاطی است وگاهی صورت بعضی کلمات بوسیله مصحح (!) وکاتب یاحروف‌چین چنان مسخ شده است‌که پی‌بردن باصل‌آنها بسیار مشکل وگاهی ناممکن‌است ازنشان استفهام (؟) که مصحح(!) بعدازبعضی‌کلمات‌آورده است‌معلوم میشود که وی‌آدم‌کم استعدادی‌بوده است ولیاقت تصحیح‌این‌کتاب‌بلکه این قبیل‌کتابها را نداشته است غیر از اغلاط مصحح وکاتب اغلاط‌چاپی‌نیز در این‌کتاب فراوان است ولی

برای **شرح حال صمصام الدوله** رجوع شود به مآثرالامرا چاپ انجمن آسیائی بنگال کلکته ج ۱ ترجمه صمصام الدوله از میرعلامعلی آزاد ص۱۴–۴۱ (که بهترین مأخذ برای شرح حال صمصام الدوله میباشد) ومقدمه «بهارستان سخن» ازسید عبدالوهاب بخاری (که پرازاغلاط است) و سرو آزاد وسوانح دکن ورق ۸۳ و حدیقةالاقالیم ج ۲ ص۱۵۴ و تاریخ الافروز ورق ۷۸ و کاتالاگ مارلی ص۱۰۱ و تاریخ هند تألیف ایلیات ج ۸ ص ۱۸۷–۱۹۱ ریو ج ۱ ص۳۴۰ ب)

ریاض الشعرا

ابتدا

«تذکره محفل خاطرقدس مآثر صاحبدلان آگاه حمد ناطقیست که نظم مجموعه ممکنات رابکلمه کن ازقلم طراز صورت نگاربرلوح تکوین باحسن نظامی جلوه ظهور بخشیده»

بقیه حاشیه از صفحه قبل

مصحح (۱) نه زحمت غلطگیری را تقبل فرموده و نه حتی هیچ غلطنامه‌ای دراول یاآخر کتاب آورده است شاید بعقیده وی این کتاب هیچ غلطی ندارد

چاپ کتابها بچنین وضع بسیار تأسف آوراست مخصوصاً امروزکه وسایل چاپ بهتر و مترقی‌تر شده است و معلوم نیست چرا دولت مدراس این کارمهم را بدست چنین آدمهای بی‌سواد وبی‌استعداد سپرده که باعث تضییع پول آن دولت هم شده‌است البته این امرکه حدیدا دولت مد اس بچاپ نسخ فارسی وعربی همت گماشته است برای فارسی دانان موجب مسرت وخوشحالیست اما بهتر ایست که این کار بدست کسانی سپرده شود که لیاقت واستعداد چنین کاری‌را داشته باشندو عده چنین اشخاص درهندوستان هنوز کم نشده است

شرح حال مولف

اسم‌مؤلف باالقاب وی‌نواب خان زمان بهادرظفرجنگ علی‌قلی‌خان متخلص به‌واله شمخالی[١] لزکی[٢] داغستانی است واز اولاد حضرت عم پیغمبراست[٣] درفتنه هلاکو و سقوط عباسیان جمعی ازافراد خانواده‌اش متفرق شدند و گروهی بطرف حجاز و جماعتی سوی هندوستان رفتند

اجداد واله بجانب داغستان مهاجرت کردند و آنجا متوطن شدند مردم داغستان که ازقبیله‌لزکی وتمام آنها شافعی بودند جدبزرگ واله‌را که بداغستان مهاجرت کرده‌بود شمخال (رئیس)خود انتخاب نمودند وتاتألیف « ریاض‌الشعرا » بقول واله بنی‌اعمام و اقوام وی در داغستان سکونت داشتند و شمخالی آن مملکت دردست آنها بوده است

چون سلطنت ایران‌بسلاطین صفویه رسیدبنظربا ینکه داغستان سرحد ایران بود درمیان پادشاهان ایران وداغستان همواره نزاع بوده‌وچون این ایالت‌درمرز ایران واقع شده حکام آنجا گاهی بسلطان روم (ترکیه) و اکثر بپادشاه ایران هرکدام قوی‌تربوده منسوب و مربوط میشدند

داغستان چنان ملکی است که درزمان شاه‌عباس وشاه‌صفی سپاه آنها چندین مرتبه بآن سرحد رفت که آن ناحیه‌را تحت تسلط‌شاه ایران در آورند اما هربار ازآنهاشکست‌خورده‌با کام‌و نامراد برمیگشتند وحتی نادرشاه که‌سلاطین‌هندوعثمانی رامکررشکست‌داد باوجودحمله‌ای که سه‌سال‌طول کشید نتوانست به‌داغستان‌تسلط پیدا کند[٤].

١ـ بقول‌آزاد شمخال رئیس(قبیله) راگویند(ر.ك خزانه عامره ص ٤٤٦)

٢ـ ر ك خزانه عامره ص ٢٤٦ ـ درآتشکده لکزی آمده است ر ك ش ١٥

٣ـ خود واله‌میگوید

دارد ز زلف‌کسوت عباسیان پیر | از دودمان ماست زخ دلستان‌ما

٤ـ ر ك مجمع النفائس‌آرزو

[illegible]

اما در ۱۱۴۲ھ اصفهان و نواحی دیگر ازقبضه افاغنه در رفته و دوباره در تسلط و تصرف شاه ایران درآمدند و شاه طهماسب دوم (۱۱۳۵-۱۱۴۵ھ) پسر سلطان حسین میرزا که پدرش در موقع محاصره اصفهان برای آوردن سپاه جهت کمک لشکر شاهی بجانب آذربایجان فرستاده بود درحین حیات پدر در قزوین برتخت سلطنت نشست در این ایام واله درسلك ندمای خاص شاه طهماسب قرار گرفت ولی در۱۱۴۴ھ نادرشاه شاه طهماسب را ازتخت محروم و معزول کرده سلطنت را بدست خود گرفت و واله چندی دراصفهان منزوی ماند در همان اوان سانحه‌ای برای واله پیش آمد که اورا مجبور کرد ترك وطن گفته بهندوستان مهاجرت کند

واله از کوچکی باخدیجه سلطان دختر حسنعلیخان عموی خود همدرس بوده ودرزمان همدرسی هردوشان عاشق یکدیگر شده وبالاخره نامزدشدند[1] ولی در ایامیکه افاغنه براصفهان مسلط شدند مادر خدیجه سلطان بمادر واله پیشنهاد کرد که هرچه زودتر ازدواج آن دوعاشق بدون تشریفات صورت بگیرد امامادرواله باکمال دلسردی دست ردبسینه مادر خدیجه سلطان زد

در همان اوان شخصی ازمتوسلان نزدیك (محمود خان) افغان برای خواستگاری خدیجه سلطان آمد ولی چون ازطرف بستگان خدیجه جواب ردشنید وازنیل بهدف مأیوس گشت باکمك محمودخان افغان دروصول بمقصود موفق شد وبزور خدیجه رابنکاح خود درآورد دیری نگذشت که اصفهان دوباره بدست ایرانیها درآمد و افغانها ازآنجا منهزم گشته بطرف فارس و کرمان فرار کردند وشخصی که با خدیجه ازدواج کرده بودهم ازآنجمله بود

دوستان و خویشاوندان واله اورا هدف تیرملامت قرار داده سینه فگار

۱- میرشمس‌الدین فقیر دهلوی عباسی که ازرفقای صمیمی واله بود درمثنوی« واله وسلطان»شرح این داستان عشق‌را بتفصیل نظم کرده است این‌مثنوی‌بزودی از طرف«اداره تحقیقات عربی وفارسی » پتنه بهار هندطبع‌میگردد.

اورا با نیش زبان مجروح میکردند وواله هم از این سماجت خویشان بستوه آمد ازشاه صفوی اجازه گرفت وترك اصفهان گفته شهر بشهر آواره وسرگردان میگشت تااینکه بسواحل فارس رفته تصمیم گرفت بهندوستان مهاجرت کند

واله اسم آنکس را که خدیجه را بزور بنکاح خود در آورده بود ذکر نکرده است اما ظاهرا این شخص وکیل داد غلام محمودخان افغان که باخدیجه نکاح کرده یکی است آخر مردم شاه طهماسب کریمداد را کشتند سپس نادرشاه خدیجه سلطان را بی نکاح در تصرف خود داشت وچندی بعد وی را بازدواج نجف قلی بیگ حاکم یزد بسرعم خدیجه سلطان در آورد بعد از فوت نادرشاه مردم یزد نجف قلی را کشتند

پس از آن صالح خان قاتل نادرشاه باخدیجه سلطان عقد نکاح بست ولی چندی بعد صالح خان را کریم خان زند بقتل رسانید سپس میرزا احمد وزیر اصفهان خدیجه را درخانه بنکاح خود در آورد در همان ایام واله میرزا شریف را ازهندوستان بایران فرستاد که خدیجه را بهند آورد اما چون میرزا شریف بایران آمد از ترس میرزا احمد مرور عسر و مضطر آمدن خود بایران را صلاح ندید نبود چندی بعد میرزا احمد بدست کریم خان زند کشته شد

بعد از قتل میرزا احمد خدیجه سلطان بقصد هند رو بکربلا نهاد که از آنجا ببصره رفته از راه دریا خود را بهند برساند ولی چرخ مهلتش نداد و وی در راه کربلا ناگهان فوت کرد وجسد وی را بکربلا برده آنجا دفن کردند

خلاصه بعلت از دست رفتن خدیجه سلطان و اغتشاش و ناامنیت کشور واله تصمیم گرفت بهند مهاجرت کند و بعد از فوت ... در ۱۱۴۴ هـ عازم هندشد[1] بقول آزاد حزین روانه کرمان شد تا بندر عباس ... و در بندر عباس

۱ـ واله درشرح حال خود در ذیل شعرا میگوید در حالت زاده بزرگتر کی سنه خود را ... هندوستان که ... ست رسیده وجای دیگر میرسد بالتصور رحمت سیر و مشتت ... محرم سنه ... خلق شاه هندوستان طالع گردیده خبر رسید مرادم ... عنایت شده.

شیخ حزین نزد میرزا اسمعیل زمین داودی حاکم بندرمدکور توقف کرد و خان واله سوار کشتی شده بهتته درسند رسید و حزین نیز بعد از ده روز بهتته رسید. واله ازتته بحداآباد و بهکرو ملتان و بالاخره بهلاهور رفت. بقول حاکم چون واله بلاهور رسید شاه‌آفرین‌لاهوری درقیدحیات بود. واله از وی استدعای‌ملاقات کرد وشاه مرحوم ازاو معذرت خواست و گفت که فقرا را بامردم چه کار. آخر واله نامه مفصلی نوشت ودرضمن،این بیت شاه‌آفرین‌را در آن نقل کرد:

پژمرده‌ایم بی‌تو بفریاد ما برس　　از باغ مادریغ مدار،ای‌بهار ما

چون شاه‌آفرین این نامه‌را خواند شخصا بخانه واله رفته و باوی چندین ساعت صحبت کرد.

در۱۱۴۷ه ازلاهور بهشاه‌جهان‌آباد (دهلی) رفت. آزادمیگوید که هنگامی که من ازسند بههندوستان (شمال هند) میرفتم در راه در شهر لاهور سال۱۱۴۷ه بامیرزا امام قلی برادر کوچك میرزا جعفر بهمراهی علیقلی خان واله داغستانی ملاقات کردم و تاشاه جهان‌آباد باهم مسافرت کردیم چون‌بشاه جهان‌آباد رسیدیم بعد ازیك هفته توقف درآن شهرمن عازم اله‌آباد شدم وواله همانجا رحل‌اقامت افکند[1] واله میگوید که پادشاه دهلی و امرای‌آنجا از ورود اوخبریافته اورا موردتفقد ولطف قرار دادند وباوجود اینکه واله اررفتن بدربار شاهی خودداری میکرد اما درنتیجه اصرار امرائی مانند برهان الملك سعادتخان نیشابوری‌ناظم صوبه (استان) او درخدمت محمد شاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ه) درآمد و بمنصب چهار هزاری(پیاده) و دوهزار سوار منصوب گشت و نوبت و جیغه مرصع و چند زنجیر

۱- ر.ك. خزانه عامره ص ۲۴۶و۴۴۸

فیل و جاگیر[۱] ونقدی (پول نقد) وخدمت میرتورکی (دوم) یافت.[۲]

سپس واله درزمان احمدشاه(۱۱۶۱ـ۱۱۶۷هـ) منصب شش‌هزاری و لقب خان زمان بهادر ظفرجنگ یافت و در ایام سلطنت عالمگیر ثانی (۱۱۶۷ـ۱۱۷۳هـ) بتوسط و توصیه عمادالملک وزیر پسر امیرالامرا فیروز جنگ پسر نواب آصفجاه خدیو دکن بمنصب هفت هزاری رسید حاکم در«مردم دیده» (ص۱۰۱) مینویسد که وی واله را هنگامیکه صفدر جنگ با احمد شا پسر محمدشاه قهر کرده با عمادالملک جنگ میکرد بتوسط محمد یحیی‌خان متخلص به خرد نواب اعزازالدوله میریحیی‌خان بهادر (خلف نواب ذکریاخان بهادر) که از مدتی درلباس درویشی در آمده بود ملاقات کرد همچنین بعداز اینکه نواب صفدرجنگ باپادشاه دهلی آشتی کرد و بصوبه خود (یعنی استان اود) مراجعت کرد درراه حاکم چندین بار باواله ملاقات کردوواله اشعار خودرا پیش حاکم میخواند و گاهی این محلسهای شعرخوانی از اول عصر تا بعد ازنصف شب طول میکشید

حاکم«درمردم دیده»درذیل نام آرزو (ص۵۷) مینویسد که وی بهمراهی نواب صفدرجنگ وزیرالممالک بصوبه (استان) اود رفته بود وبعد ازفوت نواب صفدر ـ
گ. آ بهمراهی سالار جنگ برادر نجم‌الدوله بلکهنو رسید واله نیز در آن ایام درخدمت شجاع‌الدوله بود واز این فرصت استفاده کرده هرسه شاعر (آرزو وواله وحاکم) گاهی یکجا جمع میشدند وباهم صحبتهائی داشتند امادیری نگذشت که واله وحاکم بدهلی رفتند و خان آرزو درلکهنوماند

بتدریج بین واله وحاکم صمیمیت بیشتری پیدا شد وحتی بعد ازفوت صفدر ـ

۱ـ «جاگیر» املاکی یا تیول بوده که ازطرف شاه یادولت بکسی اعطا میشد ـ این رسم تاپایان حکومت انگلیسها باقی و معمول بود

۲ـ ر.ك. «ریاض‌الشعرا» ـ خاتمه ـ بیل درفرهنگ تراجم شرقی(انگلیسی) مینویسد که واله منصب پنجهزار سوار داشت ـ ر.ك Oriental Biographical Dictionary- Beale

جنگ واله ازطرف شجاع‌الدوله حاکم را استخدام کرده همراه‌خود بدهلی برد و در حدود یکهزار روپیه حقوق حاکم مقرر کرد قرار شد کـه بوسیله محمود کشمیری که ازمقربان واله وازدوستان حاکم بود پرداخت گردد اما حاکم این عطیه را قبول نکرد و این خود موجب مزید صمیمیت و اخلاص بین آنهاشد چون واله بشاه جهان‌آباد رسید بعلت‌تندی مزاج که داشت کار وی درست نشدو بنابراین قراردادی که بین حاکم و واله بسته شده بودباجرا درنیامد بالاخره حاکم‌ازطرف واله مرخص شد وبلشکر شجاع‌الدوله رسید بعداز چند ماه حاکم خبر درگذشت واله راشنید[1]

حاکم بروایت مولوی محمود درمردم دیده(ص۱۰۲) مینویسد که موقعیکه واله نزدیك بمرگ ودرحال «احتضار» (نزع) بود هنوز بفکر شعر بود. ملاعبداله نامی که درآنوقت حضور داشت بواله گفت که این چه موقع شعر گفتن‌است کلمه (لااله‌الااله محمد رسول‌اله) بخوانید و ایمان تازه کنید.

واله در جواب این‌رباعی خواند

گرجان‌رودم زتن نخواهم مردن   ور خاك شود بدن نخواهم‌مردن
گویدعلیقلی بمرداین‌غلط است   اوهام تومرد من نخواهم مردن

گلشن‌خوشپوری که واله اورا استخدام کرده بودوتامرگ درخدمت‌واله بود درمثنوی«صورت‌الحال»[2] سال‌فوت‌واله را۱۱٦۹هآورده‌است ومیگوید که‌مرگ واله دردهلی‌اتفاق‌افتاد سن وی‌بروایت‌مولف«مردم دیده»(ص۱۰۱)چهل وشش‌سال بود. آزاد نیزدر خزانه عامره(ص٤٤۹) سال وفات واله را ۱۱٦۹ه ذکر کرده است

۱ـ ر ك مردم دیده ص ۵۷

۲ـ ر ك نسخه ریو ج ۲ ص ۷۱۵ ب ـ درآخر این نسخه بخط سرگرد ولیام پول این عبارت‌آمده است «علیقلی واله در دهلی درسال ۱۱٦۹هبعد ازبیماری‌شش دوره درگذشت» (ترجمه)

حاکم ماده تاریخ واله را «پیوست برحمت واله» (=۱۱۷۰ه) گفته و آزاد آنرا بصورت شعردرقطعه زیر[۱] آورده است

طفرجنگ امیر گهرسنج معنی بحکم قضا ازجهان کرد رحلت

طلب کرددل سال تاریخ فوتش خرد گفت «پیوست واله برحمت»

(=۱۱۷۰ه)

از فرزندان او تنها اسم یك دختر در کتب آمده است بقول بیل ، واله دختری داشت بنام گنابیگم که بزبان اردو شعر میسرود و درزود جوابی معروف بود وی زن عماد الملك غازی الدین خان سوم بود و در ۱۱۸۹ ه فوت کرد[۲]

اکنون عقاید وآرای تذکره نگاران معاصر واله درباره اخلاق وپایه علمی وی اینجا نقل میگردد

خوشگو مینویسد که واله شاگرد شیخ علی حزین بودو بطرز وی شعر میسرود[۳] اما واله در اینمورد هیچ اشاره‌ای نکرده است

حاکم درمردم دیده (ص۱۰۱) مینویسد که واله آدم خوش معاش وخوش پوش وخوش صحبتی بود وغالباً معروض بود اوسریع التحریر (تندنویس) بود و درشعر کسی را محل نمیگذاشت و وجود اکثری از شعرای معاصر خودرا نمیشناخت. اکثر بروش وطرز شعرای قدیم شعر میسرود وشعروی پردرد ولذت است.

آرزو در «مجمع النفایس» مینویسد:

۱ـ ماده تاریخ فوت مذکورعدد ۱۱۷۰ میرساند که یکسال بیشتر ازاصل سال وفات واله است ابوطالب خان در خلاصة الافکار سال فوت واله را ۱۱۷۰ه ذکر کرده و دربدکره عشی ۱۱۷۷ه آمده است وهردو اشتباه است

۲ـ ر ك بیل فرهنگ تراجم شرقی (انگلیسی) و اشپرنگر ص ۲۲۷ و گارسن دتاسی ج ۱ ص ۴۸۸ - ۴۹۰ .

۳ـ ر ك سفینه خوشگو دفتر سوم ص ۲۹۶

هرچند ار علوم طاهر بهره‌ای ندارد اما ارجهت صفای ذهن و تتبع کتب از اکثر مطالب آگاهی‌دارد و بیشتر مقدمات مستحصر اوست‌علی‌الخصوص تصوف که ازبرکات تصمح و تفحص اولیا بتوحید حقیقی پی‌برده وعالم‌را حقیقت واحدشمرده ودرمقدمه و صحابه «تلك امة قدخلت لها ما کسبت ولکم ما کسبتم ولاتسئلون عماکانوا یعملون» گویان‌دست ار تعصب وتعنت شیعه‌وسنی برداشته وبزرگان‌هردو طریق را ببزرگی وخوبی یاد کرده و میکند و ارطعن و تشنیع که شیوه قشریان بیهوده گواست‌مدام برحذر میباشد ساهد احوال اوست این مقال او. رباعی

دیـدیم نـزاع سنـی و شیعه لـقب
کـاموخته‌اند کیش جهـل ازام واب
هرجا که حریست کیشش شیعه بود
هرجا که سگی است سنیش هست لقب

.... تمام دیوانش او وقایع عشق واسرارعرفان مملو است. . اکثر (در) تتبع باباقغانی است بلکه اگر بچشم دقت نظر کرده آیدجاشی که در کلام اوست درشعر بابانیست زیرا که اینهمه مقدمات تصوف بابا را کم دست داده»

آثار مولف

آثارمؤلف بدین قرار است

۱- دیوان که در۱۱۵۷هـ باتمام رسید این دیوان واله را کـه مشتمل است برچهارهزار بیت[۱] فقیر دهلوی[۲] ازرفقای واله برای او ترتیب داده است (برای نسخ آن رجوع شود به‌بادلین ۱۱۸۲واته ۱۷۰۸ واندیبر ذخیره بوص ۹وآصفیه‌ج۱ ص۷۳۶ ش ۳۴۵)

۱ـ حاکم درمردم دیده (ص۱۰۱) مینویسد قصائدغرا ودیوانی قریب هشت‌هزار بیت‌دارد .

۲ـ این همان شاعر است‌که داستان عشق واله و سلطان را سروده است وذکرآن در ذیل شرح حال واله‌در سطورفوق گذشت

۲ـ نجم‌الهدی[1] ـ مثنوی مذهبی است که واله در۱۱۴۹ه سروده‌است(برای نسخ آن رجوع‌شود به‌بانکی‌پور ذیل ح ۱ش ۱۹۲۱ و ایوانو ۸۵۵).
۳ـ مثنوی مرراتامه ـراحع به‌داستان‌عشق‌میرزاشیرافکن. (برای‌نسخه‌آن رجوع شود به ایوانو ۸۵۶).
٤ـ ریاض الشعرا (تذکره مورد بحث).

تبصره‌بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در۱۱۶۰ه‌آغاز نموده و در سال ۱۱۶۱ ه باتمام رسانیده است[2] ودر خاتمه مؤلف این رباعی‌آورده است که سال اتمام ایـن کتاب را میرساند .

این‌تذکره‌چون طرب فرای‌دل‌شد	تاریخش را دل ارحردسائل شد
گفتارریاض الشعرا رفت حـران	دروی چوبهار سرزده داخل شد

(اینجا چون ارعدد« ریاض الشعرا» (=۱۶۱۳) عدد حران (=٦٥٨) را منها کنیم‌وارعدد«بهار» (=۲۰۸)عدد«ب» (=۲)را منها کرده حاصل‌آنرا به‌حاصل اول(۱۶۱۳ــ٦٥٨=٩٥٤) جمع کنیم عدد۱۱٦۱بدست میآید که سال اتمام‌ریاض الشعرا میباشد) .

در مورد سبب‌تألیف، مؤلف درمقدمه‌کتاب چنین توضیح داده است: « غرض راقم در تسوید این اوراق ایست که بقدر مقدور اشعاربلند وافکار ارجمندفراهم آید (و) اینکه جمعی کثیر ار موزونان‌را ذکر نماید »

۱ـ این مثنوی را اشپرنگر بواله نسبت داده است اما بعقیده عبدالمقتدر (فهرست بانکی‌پور) این مثنوی را سید محمد موسوی متخلص به واله سروده است که در حراسان متولد شد و بحیدرآباد مهاحرت کرد و ار آنجا به ارکات رفت و همانجا در ۱۱۸٤ ه درگذشت (ر.ك. فهرست مدراس ش ٦۱ وگلزار اعظم ص ۸ ـ ۳٦٥ وگلدسته‌کرناتك)

۲ ــ قسمت بیشتر این تذکره در ۱۱٦۰ه نوشته شده ودر۱۱٦۱ ه باتمام رسیده است اما ایوانو عقیده دارد که قسمت‌آخر این‌کتاب در۱۱٦۲ه تألیف شده است.

مؤلف درباره مآخذ کتاب درمقدمه مینویسد که قریب بهتاد دیوان شعر و تذکره متقدم ومتاخر وچند جلد تاریخ و کتب دیگر مثل نفحات (الانس) ومجالس (العشاق یا مجالس النفایس؟) وغیره در نظر او بوده واختلافاتی که در کتب مزبور بنظر رسید حتی المقدور وی در تصحیح آنها کوشش نمود و کتب معتبره مثل نفحات (الانس) وغیره را معتبر دانسته خلاف آن کتب دیگر را اعتبار نداده اما جمعیت خاطر و فرصت کافی برای انجام کار تألیف این تذکره نداشت ولی عجب این است که ازتذکره عرفات تألیف تقی اوحدی که اساس ومأخذ مهم این تذکره بوده است اینجا نام نبرده است ولی درمتن کتاب اکثر اسم تقی اوحدی را ذکر نموده است و گاهی بر وی انتقاد شدید نموده است که دربعضی موارد درست است (مثلا رجوع شود به نام فردوسی ومثلی کلال).

همچنین اسم تذکره میرزا طاهر نصرآبادی را درذیل نام ملهمی تبریزی و تاریخ جهانگیری را در ذیل نام مهابت خان ذکر نموده است که در تألیف این کتاب از آن استفاده کرده است

بعضی از مختصات این تذکره که مؤلف در خاتمه کتاب ذکر نموده است قرار زیر است

۱ــ فنون شعر مثل فن عروض وقافیه وصنایع و بدایع در صفحات این تذکره ذکر شده است که تذکره‌های دیگر از این نوع فواید عاری است

۲ــ اشعار خوب از دواوین قدما ومتاخرین کمتر فوت وفرو گذاشت شده ولی از بعضی (مانند) حکیم قاآنی وانوری ومعزی وشیخ سعدی وامیرخسرو دهلوی و مولوی جامی و میرزا صائب وچند کس دیگر که بسبب خوف تطویل در انتخاب اشعارشان مؤلف کما یسعی سعی نکرده است

۳ــ درذیل ذکر شعرا مجملی از وقایع سلاطین روزگارشان نوشته است

٤ــ در ضمن احوال بعضی شعرا درباره مدارج شعر وشاعری وی بحث کرده

ت وا گر گاهی براشعار بعضی انتقاد نموده است آن هم از تعصب وغرض نیم

۵ـ همچنین درذیل بعضی شعرا آثار ایان را شرح داده و درباره بعضی ارآثارشان اطهار نظر کرده اسب(مثلا رجوع شود به فخرالدین اسعد حرجانی و نظامی وغیره)

یکی از مزایای مهم این تذکره اینست که مؤلف در دیل شرح حال خود وقایع تاریخی زمان خود ازقبیل هجوم افغان وفتح اصفهان و غیره بدست آ د ن و اخراج آنها بدست نادر وحلوس نادر وعیره راشرح داده است چون اکثر این وقایع چشمدید واله بوده ووی ار حرئیات آن اطلاع کاملی داشته بنابراین ارمآحذاصیل تاریخ آن دوره میباشد اما درمورد ادعای دوم مولف باید تذکر داد که این مبنی برصحت وحقیقت بیست ویکی ار معایب بزرگ این تذکره انتخاب بسیارمختصر ارشعرای متقدم است ومعلوم نیست بچه علت مؤلف در این کار تساهل نموده است چون اگر خوف تطویل بودپس بهتر آن بود که ذکرشعرای کاملا غیر معروف و بی ارزش را از این تذکره خارج نموده و بذکر شعرای بزرگ واهم بیشتر توجه می نمود .

همچنین باید ادعان کرد که مولف به فقط اشعار شعرای معروف متقدم را خیلی مختصر آورده است بلکه شرح حال اکثر آنها راهم دردوسه سطر آورده است مثلا رجوع شود به نام اثیرالدین احیسکتی و اسدی طوسی و خاقانی و رودکی و سلمان ساوجی

از حمله نقایص این تذکره یکی اینست که مؤلف غالباً توجه خاصی بذکر احوال مهم زندگانی شعرا نداشته وحتی سال فوت بعضی اشخاص معروف راهم ذکر ننموده است مانند اثیرالدین احیسکتی و ادیب صابر واسدی طوسی و انوری و اوحدی کرمانی واهلی شیرازی وبابرو جهانگیر و حسن دهلوی و خاقانی و عمر خیام ورودکی و سلمان ساوجی وصائب و ظهوری و نعمت خان عالی و امیرعلیشیر

(نوائی‌و) فانی‌وفرخی و سعری و منوچهری و نظامی گنحوی‌وغیره

این تذکره مشتمل است برمقدمه و بیست‌وهشت «روصه» (یك‌روصه‌برای‌یك حرف) وخاتمه وبا«شیخ‌ابوالحسن حرقانی» شروع شده با «یحیی‌حان‌یکتا» تمام میشود و حاوی دکر شعرای متقدم و متوسط و متاحر است بترتیب الفبا ار روی حرف اول اسم یاتخلص شاعر عده شعرای این تذکره قریب‌به ده هزارو پانصد[1] میرسد وبنابراین مانند فرهنگ حامع اسامی شعرا است وهمین امریکی ارعلل خاص اختصار و ایحاربیان و انتخاب اشعار شعرا دراین تذکره میباشد.

در مقدمه توضیح داده است که مراد ارپادشاه شهید اول‌سلطان‌حسین صفوی و ارشهید ثانی شاه طهماسب وار قهرمان‌ایران‌نادرشاه وارپادشاه‌عالم پناه محمد شاه پادشاه‌هندبوده‌است.

همچنین تذکرداده است که در ترتیب اسامی شعرا که ار روی الفبااست رمان‌را رعایت سوده وحتی مراتب فصل و حاه رانیر مرعی نداشته‌چون فرصت این کارهارا نداشت

اما در ترتیب اسامی‌تقدیم و تأحیر شعرا رعایت تحلص نموده واگرتخلص سود رعایت اسم واگر آنهم سودرعایت کنیت ولقب کرده واگراحیاناً کسی بکنیت یالقب مشهور بوده درمورد او همان‌رارعایت کرده‌است

در این کتاب مؤلف‌بانتحاب عزل‌وقصیده و قطعه ورباعی اکتفا نموده است و ار مثنوی‌های بزرگ انتحابی نیاورده است و دراین‌مورد چنین توضیح‌داده‌است که‌اگرارشاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و سبعه مولوی جامی و مثنوی مولوی وعیرذالك انتحاب میکرد قریب بیست‌هزارشعردراین تذکره اضافه‌میشد وارفرط تطویل کسی‌را رغبت بحواندن ونوشتن آن نمی‌شد و اگر چند بیت ار هر مثنوی به‌رعایت احتصارمینگاشت بیننده(حواننده)راتوهم‌این‌میرفت که شاید باعتقادمؤلف اشعاربلند درین مثنوی همین مقرربوده»

۱ــ نسحه بادلین دکر ۲۶۹۶ شاعررا دارد

شرح حال شعرا را دریك دوسطر آورده است وحتی درذیل نام اکثرشعرای معروف‌هم شرح‌حالشان‌رامختصر آورده است باین‌عذر که‌چون بین‌مردم‌مشهور بوده «محتاج بتعریف وتوصیف‌نیست» مثلارجوع‌شود به‌انوری واوحدی کرمانی‌وحافظ وسنائی‌وسحابی‌ومحتشم کاشی

شرح‌حال شعرا وافراد زیرراسنة مفصل‌آورده است ادهم‌وبابرشاه‌وجرأت وحزین ومحمدرحیم‌خان (خانان)و فردوسی وباباسفعانی ومولانا رومی ومولـوی معزالدین ومیرزا محمد ونجم‌الدین کبری‌وبامی‌سعدلو (هر کدام در یك صفحه) و افضل یانی‌تی و فتح علیخان (عموی‌مؤلف) (هر کدام‌در $\frac{1}{2}$۱ص) وملاشاه‌بدخشانی ولطف‌علیخان (عموی مؤلف) ومحمد علیخان (پدرمؤلف) و محمدعلی خان‌نژاد (هر کدام در۲ص) و شاه طهماسب (در۳ص) وبرهان الملك (در۷ص ــ از همه مفصل‌تر)

همچنین درذیل نام تقریبا هشتاد شاعر اشعارشان‌را مفصل‌تر نقل کرده‌است مخصوصاً درذیل نام شعرای زیر اشعارشان‌را از سایرین مفصل‌تر آورده‌است سلیم تهرانی (۱۱ص)وکمال‌الدین اصفهانی(۱۲ص)و ظهوری (۱۳ص) و حزین (۱٤ص) وحافظ(۱۸ص) ووالِه(۲٤+۲ص)وصائب (۳۲ص) وامیرخسرو (٤۱ص)

در ذیل‌نام نعمت‌خان (عالی) رقعه‌ای (نامه‌ای)‌ازاو بشر وهمچنین درذیـل میرشمس‌الدین فقیردهلوی‌رساله‌ای‌مسمی به‌وافیه‌درعلم‌عروض‌وقافیه(قریب۱٦ص) ورساله دیگر مسمی بخلاصة‌البدیع در صنایع شعر (در۱۲ص) آورده است

اشعار ترکی امیرعلی‌شیررادرروضة‌الوں تحت«نوائی» واشعارفارسی وی‌را در روضة‌الفا درذیل نام «فانی» آورده است

درذیل شرح حال بسیاری از شعراعقیده تقی‌کاشی‌را درباره‌آنهاذکر کرده ودر ذیل عبدالغنی تفرشی این عقیده حزین را ازوی نقل کرده است: «شیخ‌علی حزین میفرمود که ازمعاصرین بسخن فهمی او کس‌ندیدم».

مؤلف اکثرشعرای معاصر هندی نژاد خود را در این تذکره ذکر ننموده چون برای آنها زیاداهمیت قایل نبودمانندآرزووآزادوغیره امابسیاری از شعرائی که دراین تذکره ذکر نموده است غیر معروف بودند و اشعارشان هم بی‌ارزش و بی‌مزه بوده و معلوم نیست مؤلف چرا این شعرای غیرمعروف راکه در باره آنها خودش هم‌هیچ اطلاعی نداشت وغیر ازیك دوبیت ازآنها نقل نکرده است برشعرای معروف معاصر خود ترجیح داده‌است[1] یکی ازعلل بارزآن تعصب مولف است نسبت بشعرای هندی نژاد که سراسر این تذکره پرازآن میباشد.حتی درذیل بعضی شعرای معروف که درهندوستان متولد شده‌اند مینویسد که آنها خارج ازهندوستان متولد شدند وبهندوستان آمدندمثلا خسرو(باوجود اینکه خسروهندوستان را «مولدومنشای» خود میگوید).

در ذیل نام بعضی شعرا اشعارشان را بااشعار دیگران مقایسه نموده است مثلااشعارحزین را با اشعار صائب و اهلی و کلیم وراقم ووحید و اقدسی وغیره‌و اشعار حسن‌را با اشعار حمیدالدین وحید رکمره‌مقایسه نموده است.

درذیل شرح حال بیدل (درنسخه ملك تهران ش ۴۳۰۱) مینویسد که بیدل بایران رفته و آنجا دراصفهان اشعاری بمدح پادشاه و قطعات تاریخ بناهائی‌مانند چهل ستون سروده است که حتماً درباره یك کسی غیر از بیدل عظیم آبادی‌است

سبك انشای مولف عالبأساده است اما درمقدمه‌و شرح حال خود و دربعضی موارد دیگر گاهی بنثر مصنوع پرداخته است

گاهی آیات واحادیث وضرب‌المثل‌های عربی‌را بکاربرده است‌مانند «کل‌اخ یفارقه اخوة‌الاالفرقدان»یا« اذامروابااللغو مرواکراما»

۱ـ اما ازبین شعرای معاصر متولد درهندشرح حال‌وآثارشمس‌الدین‌فقیررا ازهمه مفصل‌ترآورده است چون وی‌دوست مولف بوده ودر ترتیب دیوان مولف باوکمك نموده و حتی داستان عشق واله وخدیجه‌سلطان‌را نظم کرده بود

قبل و بعداراسامی بعضی شعرا القاب تعریفی آورده است که گاهی نثر مسجع است مانند «سلطان المشایخ ابوسعید ابوالخر قدس سره قاید صراط المستقیم طریقت قافله سالار مراحل معرفت دلیل بوادی فاهادی وادی بقاست» . (همچنین رجوع شود به شرح حال شیخ ابوالحسن خرقانی و ابوعلی سینا واسدی طوسی و اهلی شیرازی و بیدل و خسرو وعطاروغیره).

گاهی حمله‌ای مصنوع بمعنی «فوت شد» بکار برده است مانند :

شیخ احمدجامی درسنه ۵۲۶ حلعت فانی را برآورده به تشریف باقی مشرف شد.

ابوسعید ابوالحیر در سه ٤٤٠ گوش هوش بندای یاایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضیة مرضیة فادحلی فی عبادی وادحلی جنتی درحت وصال آسوده گردید»

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ش۱۸ ۲ـ برلن۶۵۷ (حلاصه شامل شرح حال و یك بیت ار هرشاعر محتملا ارمولف) ۶۵۶ (۱۲۲٤هـ) ۳ـ ایوانو ۲۳۰ (۱۱۷۱هـ) وایوانو- کررن ۵۷(ناقص ـ مورخ ۱۷۹٤م) ٤ـ لیندریاناص۱۲۱ش۳۱۱(درحدود۱۷۷۰م) و ش ۵۷ (۱۲۱۰هـ) و ش ۵۸ (ناقص الاحر ـ جدید)

۵ـ بوهار ۹۲ (۱۱۹۱هـ) ۶ـ ریو ح ۱ ص ۳۷۱ الف (۱۲۰۳هـ) تکمله۱۱۲ (۱۲۱۶هـ) ۱۱۳ (تاحرف کاف ـ قرن ۱۹م) ۷ ـ آصفیه ح ۳ص۱٦٤ ش ۱۲۰ (۱۲۵۸هـ) ۸ـ بانکی‌پور ح ۸ ش ۶۹۳ (قرن۱۹م) ۹ ـ بادلین ۳۷۷ (بدون تاریح) ۰۳۷۸/ (قسمتی ارکتاب) ۱۰ـ اندیاآفس۳۶۵۳[1] ۱۱ـ دانشگاه پنجاب دو نسخه (یکی ناقص الاحر و دیگری ناقص الاول و دو نسحه « حلاصه ریاض الشعرا») ۱۲ ـ ملك تهران ش ٤۳۰۱

۱ـ این نسحه درفهرست اته ذکر نشده است ر.ك استوری ح ۱ ق۱ ص xxi در دیل علامت I.O.

خلاصه‌ریاض الشعرا

لب لباب ــ خلاصه ریاض الشعرا با بعضی اضافات که قمرالدین علی بن ثناء الله حسینی ناصری برای ریچارد جانسن ترتیب‌داده است (رجوع شود به‌ا ته ۶۹۵ مورخ ۱۱۹۴هـ) برای بحث مفصل‌تری درباره این تذکره رجوع‌شود به«لب‌لباب» در این کتاب .

برای **شرح حال واله** رجوع شود به ریاض الشعرا و سفینه خوشگو چاپ پتنه ص ۲۹۶ وخزانه عامره صفحه ۶۴۶ـ۶۵۰ و منتخب‌الاشعار مثلا ش ۷۲۵ و مثنوی «صورت حال» گلشن خوشپوری ومقالات الشعرا حسرت‌و آتشکده ش۸۴۱ و صحف ابراهیم وخلاصة‌الافکار ش ۳۰۱ ومخزن‌العرایب ش ۳۰۱۸وریاض‌العارفین ص ٤ ـــ ۲۶۳ و مجمع الفصحا ج ۲ ص ۵۵۸ و شمع انجمن ص ٤۹۱ و تذکره عبدالغنی و مردم دیده و مجمع النفایس آرزو و بیل « فرهنگ تراجم شرقی » (انگلیسی)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به‌ایوانو ــ کرزن ص۲۸ـ۶۳ (اسم ۲۵۹٤ شاعر)

منتخب الاشعار

ابتدا

«منتخب دیباجه حمدی که عندلیبان چمن خوشنوائی به‌بهترین زمزمه نغمه سرا شوندو دیباچه شکری که‌مرغان گلشن شیرین‌مقالی به‌نیکوترین نغمه‌زمزمه‌ـ پیرا گردند »

شرح حال مولف

اسم مولف این کتاب میرزا کاظم [1] ملقب به مردان علی‌خان و متخلص به مبتلا است و اسم پدرش میرزا محمدعلی‌خان بن‌میر کرم علی‌خان [2] مشهدی‌است جدمولف درزمان محمد معزالدین جهاندارشاه (جلوس وفوت ۱۱۲۴ه) همراه نواب برهان الملک سعادت‌خان نیشاپوری [3] ازخراسان بهندوستان مهاجرت نمود ودرزمان محمد فرخ سیرشاه (۳۱-۱۱۲۴ه) وارد سلك ملازمین دربارشاهی گردید وبلقب‌خان مفتخر گشت ودرزمان محمدشاه (۶۱-۱۱۳۱ه) درگذشت.

پسرش محمد علی‌خان پدرمولف‌هم اول درخدمت برهان‌الملك مزبور بوده و بعد از وفات وی درخدمت نواب ابوالمنصور خان صفدر جنك حاکم وزیر اود (۱۱۶۲ -۱۱۶۸ ه)درآمد وسپس بتوجه‌و توصیه وی ازطرف نواب مزبوربه‌نیابت استانداری اله‌آباد منصوب گشت وی درزمان نواب‌صفدرجنگ سپه‌سالار(فرمانده سپاه) شد و«چندفتوح نمایان‌بدست او بظهوررسید» .

بعد از وفات نواب‌مزبور میرزا محمدعلی‌خان به‌بنگال رفت وآنجا درسلك ندمای نواب شجاع الملك جعفرعلی‌خان و نواب عالیجاه‌قاسم علی‌خان‌ناظم‌بنگال درآمد و در ۱۸جمادی‌الاول ۱۱۷۶ه فوت کرده ودر عظیم‌آباد (پتنه) دردرگاه‌شاه ارزان (متوفی ۱۰۲۸ه) بجانب غرب‌مدفون گشت

مردانعلی‌خان درسال ۱۱۴۴ه [4] درلکهنو متولد شد وفن شعر و علم صرف و

۱- فهرست بادلین محمدعلی‌خان بن‌محمد (که اسم پدرمولف است نه اسم خود مولف) .

۲- نتایج الافکار میرزا محمد

۳-متوفی در ۱۱۵۱ه -وی‌مؤسس سلطنت‌اود بود - برای‌شرح‌حال‌اورجوع‌شودبه‌خزانه عامره‌ص۷۴-۷۶.

۴ - ر.ك. تذکره«روزروشن» - بنابر این سن مولف بوقت‌تالیف این تذکره ۱۷ سال بود و این‌ظاهرا عجیب است چون‌باین‌سن کوچك‌چطور مولف‌توانسته‌است‌تذکره‌ای باین خوبی وبستر بقدری مصنوع ترتیب‌دهد

نحو وفقه وعلوم متداوله دیگررا پیش مولوی وحیه‌الدین نظام‌آبادی جونپوری[1] فرا گرفت ودر شعرهم‌شاگرداو بود مشق خطاطی را نزد میرزامحمدحسین‌دهلوی میکرده است. با وجود اینکه فرصت « تحصیل کمالات » را نداشته معذلك چون نمیخواست از کمالات بکلی بی‌بهره بماند بنابراین اکثر اوقات خودرا درخدمت فضلاء و ارباب کمال بسرمیبرد و گاهی بنوشتن ومشق‌خطوط میپرداخت‌واز بعضی خطاطین معروف مانند میرعماد حسینی تقلید میکرد وخط نسخ ونستعلیق‌راخوب مینوشت. گاهی دیوان شعرای بزرگ متقدم و متاخر را مطالعه میکرد و همچنین اکثر اوقات خودرا درصحبت شعرای معروف معاصر خود مانند عبدالرضامتین و میرشرف‌الدین ووفا قمی ومیرزا اسمعیل ایما و میرزا ابوعلی هاتف میگذراند و دراثرصحبت آنان گاهی‌خودش نیزشعرمیسرود.

بقول مولف «نتایج الافکار» مبتلا از طرف نواب صفدر جنگ بالقب مردان علی‌خان مفتخر گردید

مؤلف«بزم سخن» مینویسد که مبتلا درغازی‌پورتوطن داشت‌واصلاًاهل‌بنارس و معاصر سودا دهلوی بود و بزبان اردو وفارسی دیوان وتذکره داشته است[2] اما اسم تذکره اردو جزو تألیفات او در کتب دیگر ذکر نشده است

مبتلا درآخرعمر از لکهنو به عظیم‌آباد (پتنه) رفت چنانکه در موقع تألیف تذکره « گل‌رعنا» وی‌در عظیم‌آباد سرمیبرد وابیاتی چندبخط خویش برای‌شفیق مولف‌آن کتاب فرستاده و شرح حال وی را یکی ازآشنایان وی‌بنام‌میرغلام‌حیدر پسرمولوی میرمحمد یوسف بلگرامی برای شفیق نوشته بود[3].

۱ــ نسخه این تذکره که در دانشگاه لاهور موجود است بفرمایش همین مولانا وجیه‌الدین‌استنساخ‌شده است.(ر.ك نسخ تذکره«منتخب الاشعار» درسطورآینده.)

۲ــ ر.ك.تذکره بزم سخن ص ۱۰۲

۳ــ ر.ك.گل رعنا مبتلا

نقول مولف «روز روشن» مبتلا در اواخر ۱۲۱۲ھ در عظیم آباد فوت شد[1] وبروایت مولف «نتایج الافکار» در «اواخر مایة ثانی عشر» فوت کرد.

آثار مولف

۱ـ منتخب الاشعار ـ تذکره مورد بحث ۲ـ تذکره اردو[2]

۳ـ دیوان فارسی که نقول مولف روزروشن چهار هزار بیت دارد. ولی شفیق تعداد اشعار دیوان مبتلارا در «گل رعنا» دوهزار نوشته است.

٤ـ دیوان اردو

تبصره بر کتاب

مولف این کتاب را در سال ۱۱٦۱ ھ تألیف نموده است چنانکه بیت زیر از قطعه‌ایکه درخاتمه این تذکره آورده است میرساند.

مکن هرزه گردی که من فکر کردم

پی سال تاریخ «نظم معانی»

(=۱۱٦۱ ھ)

باید ادعان کرد که‌مولف «نتایج الافکار» و «گل رعنا» اسم این تذکره را «نظم معانی» نوشته‌اند که اشتباه است چون مولف خودش در ذیل سبب تألیف درسطور ذیل اسم آن را «منتخب الاشعار» ذکر نموده است و بمؤلفین «نتایج الافکار» و «گل رعنا» این اشتباه از همین بیت فوق رخ

د مورد سبب تألیف مورد دردیباچه‌چنین توضیح داده است که درایام عنفوان شباب وی بمطالعه دواوین شعرا خیلی علاقه داشت و بعضی از اشعار را بسیار می‌پسندید و آنهارا درپاره‌های کاغذ یادداشت می کرد وبزودی از این صفحات مقدار زیادی جمع آوری نموده بصورت کتابی درآورد و «بر صفحه‌روزگار به‌یادگار گذاشت»

۱ـ ر.ك. تذکره «روز روشن» مبتلا

۲ـ ر.ك. بزم سخن ص ۱۰۲

و این‌تذکره‌را «منتحب‌الاشعار» نام گذاشت.

این‌تذکره مشتمل است‌براحوال واشعار منتخب از۷۱۱شاعر متقدم‌ومتأخر تازمان مؤلف. چنانکه عده شعرا که درفهرست اسامی دراول این کتاب‌آمده است بدین ترتیب میباشد

الف = ۷۸ ب= ۳۲ ت= ۱۲ ث= ۳ ج= ۳۰ ح= ۳۰ خ= ۲٤
د = ۱۱ ذ= ٤ ر= ۲٤ ز= ۱۱ س= ٤٤ ش= ۳۲ ص= ۲٤
ض= ٥ ط= ۲٦ ظ= ٤ ع= ٤۲ غ= ۱٥ ف= ٤٤ ق= ۲۳ ك= ۲۲
ل= ٦ م= ۸٥ ن= ٤۱ و= ۲۲ هـ= ۱٤ ی= ۱۳ (کل= ۷۱۱)

مولف ذکر این شعرا را به‌ترتیب الفبا ازروی حرف‌اول اسم یاتخلص‌شاعر آورده است

این تذکره با«مولانا اهلی شیرازی» شروع شده با«یکتا (تاراچند) » تمام میشود

مولف شرح حال غالب شعرا را خیلی مختصرآورده است و اکثر آنها را در یك یادو جمله معرفی نموده وسپس اشعار منتخب را ازآنان نقل‌کرده است اما اشعارشعرا را غالباً مفصل‌آورده مخصوصاً درذیل نام شعرای زیر

اهلی شیرازی و اهلی خراسانی و ابوسعید ابوالخیر و عبدالرحمن جامی و امیرخسرو دهلوی و سحابی استرآبادی و سلیم تهرانی و امیرهمایون

گاهی‌درذیل نام بعضی شعرا تنها یك بیت‌ازآن نقل‌کرده‌است (رجوع‌شود به ذکرراسخ وسید رضا و رفیع قزوینی وساقی وسام‌میرزا وصالح تبریزی ویمینی ویکتا، تاراچند)

درذیل شرح حال شعرا غالباً اطلاعات مهمی درباره زندگانی‌شان را فراهم نیاورده وحتی سال وفاتشان را هم ذکر نکرده‌است

انتخاب اشعار در این تذکره غالبا خوب است ومعلوم میشود که مولف دارای دوق حوبی بوده است

سبک انشای مولف گاهی ساده و گاهی مصنوع است

رویهمرفته ارحیت تارکی مطالب این تدکره زیاد مهم نیست ولی ازروی حسن انتحاب اشعار میتوان آنرا جزوتذکره‌های خوب حساب کرد

نسخ خطی

۱ــ دانشگاه لاهور دخیره پروفسور شروانی مورخ سلخ محرم سنه۱۱٦٦ ه که بفرمایش مولانا وحیه‌الدین استنساخ شده است.

۲ــ بادلین ش ۳۷۹

۳ــ رامپور. فهرست ندیر احمد ش ۹٤ (مورخ ۱۱٦٦ه)

فهرست اسامی شعراــ رجوع شود به بادلین ستونهای ۲۳۹ــ۲۵۵

برای **شرح حال مولف**ــ رجوع شود به منتخب الاشعار وروزروشن و بزم ـ سخن (اردو) ونتایج الافکار و گل رعنا ص۲۹ــ۱۰۲۷ و نسخه‌خطی کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی

منتخب حاکم

ابتدا: (بدست نرسید)

مولف

اسم مولف این کتاب ملاعبدالحکیم متخلص به حاکم لاهوری است (برای شرح حال او رجوع شود به «مردم دیده» دراین کتاب)

تبصره بر کتاب

حاکم این تذکره (ظاهراً ناتمام) رادرسال ۱۱۶۱ھ ترتیب داده استچنانکه اسم این کتاب : (منتخب حاکم» (= ۱۱۶۱ھ) میرساند .

این کتاب متخصریست دردکراحوال ونمونه اشعار آفرین و آزاد وامیدو آررو که همه آنها ارمعاصرین حاکم بودند با «تکلمه» ای مشتمل بردکر میرعبدالحی وشیخ نورمحمد .

ریومیگوید که حاکم این تذکره را ار « مجمع النفایس » آرزونقل کرده و بعضی شعرا را بـرآن افروده است اگـر این قول صحیح باشد حاکم سخه « مجمع النفایس » را قبل ار اتمام آن در ۱۱۶٤ھ دیـده و ار آن استفاده کرده است.

طاهراً قبل اراینکه حاکم بترتیب تذکره معصل‌تری بپردارد این تدکره متخصری را ترتیب داده اسب چنانکه بعداً درسال ۱۱۷۵ھ تدکره معصل تری بنام « مردم دیده» تهیه نموده اسب . باید ادعان کرد که چهارشاعر اول این تذکره همان هستند که در «مردم دیده» بیرمذکورند اما معلوم بیسب چرا حاکم دکر میرعبدالحی و شیخ نورمحمد رادر « مردم دیده» نیاورده است

نسخ خطی

۱ـ رهاتسك ص ۱۳۳ ش ۲۱ مورخ ۱۱۷۵ھ قسمتی ار این نسحه بحط مولف

۲ـ ریو ج ۳ ص ۱۰۳۷ الف (که قسمتی از این کتاب میباشد و مشتملست بریك ورق ارنسحه‌ای ارکتابحانه‌میرالملك)

تذکره حسینی

ابتدا

« ستایش بی‌حدونیایش بی‌عدمبدعی‌را سزد که‌افراد ایجادرابه‌ابیات منتخبه اشحاص و انبیاء علیهم الصلوة والسلام حسن‌انتظام بحشید و مجمع اشعار هدایت وارشاد بذوات‌مقدسه‌ائمةالهدی‌علیهم التحیة والثناپیرایه اختتام پوشا نید»[۱]

شرح حال مولف

اسم مؤلف‌این‌تذکره میرحسین دوست وتحلص‌وی حسینی‌است واسم‌پدرش مولوی سیدابوطالب است واصل وی‌ازسنبهل ضلع‌مرادآباد (هندوستان) است . چنانکه‌خودش توضیح‌داده‌است وی بسن‌نورده‌سالگی درحستجوی یك استادبزرگ ازسنبهل به‌دهلی‌رفت وآنحاشیخ‌فضل‌الهرا استادبزرگ یافت . وی دردهلی قسمت بیشترعمرحودرا درصحبت شعرا و درحستحوی‌هنر گذرانید وبتدریج‌درشعرمهارتی پیدا کرد

در۱۱۷۳ه دهلی راترك گفته‌به‌بریلی‌رفت وآنحا کتابی دردستورزبان‌فارسی نوشت ودر۱۷۸۹ م تیمورنامه هاتفی را بشر درآورد . بعـد ازآن درباره احوال وی حبری‌نداریم

آثارمولف

آثارمولف‌بدین قراراست

۱ ــ تذکره حسینی ــ کتاب موردبحث

۲ ــ تشریح نادر ــ کتابیست دردستور زبان فارسی (برای نسح‌آن رحوع شود به‌فهرست کلکته ص۱۰٤ ورامپور ــ نذیراحمد ش۳۰۲)

۳ ــ تیمورنامه هاتفی که‌آنرا نشر درآورده‌است .

---

۱ ــ نسحه بانکی‌پور بعبارت زیرآغاز میشود :
«حمد بیقیاس وسپاس محمدت اساس حنابصانعی‌را سزاست» .. .

تبصره بر کتاب

این کتاب را مولف بسال ۱۱۶۳ﻫ تألیف کرده است چنانکه بیت زیر در قطعه ایکه در پایان کتاب آمده است میرساند ·

این نسخه چویافت زیب اتمام　　تاریخ شدش «حجسته انجام»

(=۱۱۶۳)

درمورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توضیح میدهد :

«اما بعد خاکراه نبی و علی مؤلف این اوراق میرحسین دوست سنبهلی چون در نوزده سالگی برسبیل تحصیل علم بدار الخلافت برهمن نهاد شاهجهان آباد وارد گشت وعمری در اکتساب علوم ادبیه بگذرانید و بفیض مجالس فصحای شیرین کلام و شعرای بلاغت انتظام در فن شعر مهارتی بهمرسانید یاران جانی ودوستان روحانی باعث شدند برجمع اشعار نوو کهن بنا بر آن تذکرة الاحباب انگشت قبول برچشم گذاشت ومجمعی (مجموعه‌ای) مختصر از احوال (و) اشعار اولیاء باصفا و وملوك وفضلا وشعرا به تخصیص لطایفی که میان یکدیگر گذاشته اند پرداخته آمد مسمی به تذکره حسینی»

مؤلف اسم مآخذ ومنابع خودرا که در تألیف این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است نه درد یباچه و نه درذیل شرح حال شعرا درهیچ کجا نیاورده است وحتی حکایت لطایف را درذیل شعرا بدون ذکر مآخذ آن نقل کرده است .

این کتاب را مولف بنام شاه شرف الدین محمود عنوان کرده است (رجوع شود به نسخه خطی دانشگاه لاهور)

این کتاب مشتمل است برذکر چهارصد و چهل و پنج [1] شاعر مقدم و متأخر بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص آنها و (تیمنا باسم حضرت امیرالمومنین

۱ ـ استوری درحدود ۲۰۰ شاعر (ر.ك. استوری ج۱ق۲ص۸۳۳)

علی علیه السلام واصلا) باشیخ ابوالحسن حرقانی شروع شده وبایوسفی خراسانی تمام میشود . در آغاز مولف مناقب وحکایاتی در توصیف و فضایل حضرت علی [1] نقل کرده است ویک رباعی وچندبیت ار دیوان او آورده است .

این تدکره مشتمل است بر احوال و اشعار شعرا و همچنین اولیا وملوک و ارمتقدمین ومتاخرین که شعرهم میسروده اند .

درذیل نام اکثر شعرا شرح حالشا نرا خیلی مختصر آورده است ومولف نخواسته است شرح حال مفصل یاجامعی ارشعرا رادراین تذکره بیاورد چنانکه درذیل نام بعضی شعرا وعرفای معروف مانند خاقانی وانوری وبایزیدبسطامی نیز شرح حالشان را مختصر آورده است وهرچه نوشته است اکثر اطلاعات درمورد وقایع مهم زندگانی آنها مانندسال ولادت ووفات وغیره را بهم نمیرساندوحتی ادرذیل شعرای معاصرخود مانندآرزو وغیره نیز چنین اطلاعات را ذکر نکرده است وهمچنین شرح حال خودرا نیز نیاورده است .

مولف تنها درذیل شرح حال ۵۱ تن ار شعرا وعرفا سال وفاتشان را ذکر نموده است

---

۱ ـ مولف خودش ارسادات حسینی بوده وباحضرت علی علاقه وارادت زیادی داشته است ومناقب تنهاحضرت علی را دراین کتاب آورده است ولی خودش طاهراً سنی بوده چنانکه ارقطعه زیر که دردیباچه آورده است پیداست

صاحب صدق وصفا خاص رسول اطهر
اولین حضرت بوبکر بود بار عمر
سومی حضرت عثمان حیا را مخزن
چارمی حیدر کرار کرامت مظهر

این قطعه درنسخه چاپی نیست ولی درنسخه خطی دانشگاه لاهور موجوداست.

گاهی جمله‌ای برای معرفی شاعر و یك دوبیت یا رباعی ازوی نقل کرده است مثلارجوع‌شودبه نام مائلی و مجنون ومخلص کاشی و معم حکاك وغیره

ازجمله چهارصد وچهل وپنج شاعر تنها دردیل نام شعرا وعرفای زیراشعار وشرح حالشان را نسبة مفصل آورده است

شیخ‌ابوالحسن خرقانی و ابوسعید ابوالخیر و احمدجام و ابواسمعیل شیخ وشیخ‌جلال‌الدین آذری وبایزید بسطامی وبیدل ومولاناروحی وجامی وحسن‌دهلوی وحافظ شیرازی وخسرو دهلوی ووطواط و جمال‌الـدین سلیمان و میــرزا شرف جهان قزوینی وعراقی وشیخ فریدالدین گنج شکر وقطب‌الدین‌محمدبختیار کاکی وقاسم انوار وشیخ عبدالقادر جیلانی و خواجه معین‌الدین‌چشتی ونظام لدین اولیاء ونجم‌الدین کبری ونظام‌الدین گنجوی

اما در دیل شرح حال شعرای فوق بیرغالب اطلاعات مهم در باره زندگانی آنها را بهم‌نرسانیده‌است.

مولف دردیل شرح حال بسیاری ازشعرا و عرفا لطایف وحکایت جالبی نقل کرده است و از کثرت این‌حکایات معلوم‌میشود که (چنانکه خود اونیز دردیباچه توضیح داده است) یکی از مقاصد و هدفهای وی در تالیف این کتاب جمع آوری چنین حکایات بوده است.

دردیل‌نام اشخاص زیر چندین حکایت درباره آنها نقل کرده است

شیخ ابوالحسن خرقانی و ابوسعیدابوالخیر وآصفی‌شیرازی و انوری‌ومیرزا ابراهیم ادهم و بایزید بسطامی وجامی وسعدی شیرازی وعرت‌هراتی‌وشیخ فرید- الدین گنج شکرو خواجه کرك ابدال و شیخ‌عبدالقادر جیلانی و نظام‌الدین اولیاء ونجم‌الدین کبری

مخصوصاً دردیل نام شیخ بایزید بسطامی حکایاتی درباره اوازهمه مفصل‌تر (درهشت‌صفحه) نقل کرده است

دردیل نام‌شیخ‌ابوسعیدابوالخیر سی‌وسه رباعی ازاو آورده‌است وتاثیرخواندن

آنرا جهت‌ذیل بمقاصد گوناگونی‌نیز شرح داده است.همچنین یازده رباعی دیگر ازوی نقل کرده‌است که ظاهراًچنین تاثیری را ندارد.

در ذیل نام هیچ شاعر براشعر وی انتقاد سموده و برعکس غالباً ازاکثر آنها بتعریف و توصیف اکتفا نموده اسب

گاهی اشعار بعضی شعرا را با اشعار دیگران مقایسه نموده است چنانکه درذیل نام حزین بعضی اسعار وی را بااشعار مسرور و جامی وصوفی یا درذیل نام شیدا بعضی اشعاراورا با اشعار قدسی مقایسه نموده اسب

سبك انشای مولف

سبك انشای مولف غالباً ساده اسب ولی درموارد تعریف و توصیف‌شعرا بنثر مصنوع و گاهی نثر مسجع برداخته است

در ذیل اکثر شعرا و عرفای معروف یك‌لقب توصیفی‌قبل‌از اسم‌آنها آورده است که دراکثر موارد بااسم یاتخلص‌آنها هم قافیه است مانند.

« مرجع مقربان رحمانی شیخ ابوالحسن خرقانی» یا « قدوةالاولیاء عظام شیخ‌احمدجام »یا « زبده اولیای جلیل شیخ ابو'سمعیل» یا«آفتاب مشرق‌سخنوری حکیم اوحدالدین انوری» یا«دیباچه سخندانی میرابوالحسن فراهانی»

نسخ خطی

۱ــ اشپرنگر س ۲۰

۲ــ ریو ج ۱ ص ۳۷۲ الف (قرن۱۸م) و ص ۳۷۲ ب (قرن ۱۸م)

۳ــ بانکی‌پور ج ۸ش ٦۹٤ (قرن ۱۹م)

٤ــ برلن س ٦٥٤ (تاحرف سین)

٥ـدانشگاه لاهور (ناقص ـ رجوع شود به اوریئتل کالج مگزین ج۳ ش ۱ مورخ نوامبر ۱۹۲٦ص۷٥)

چاپ کتاب

این تذکره درلکهنو در۱۸۷۵میلادی‌مطابق‌ربیع‌الثانی۱۲۹۲ه بطبع رسیده است.

خلاصه تذکره حسینی

۱- اندیاآفس ش ۳۸۴۷ [۱] (مورخ ۱۱۸۷ه)

۲- ایوانو-تکمله ثانی- ش ۹۳۳ - این نسخه که بعنـوان «انتخاب بعضی از لطایف و اشعار تذکره میرحسین دوست»میباشد مقدمه و خاتمه ندارد و باشیخ ابوالحسین فرقانی شروع شده بایکتا تمـام میشود و مشتمـل است بـر۱۱۸ صفحه و مورخ ۱۱جمادی‌الاول ۱۲۵۰ه است .

برای **شرح حال مولف** رجـوع شود به تذکره حسینی و استوری ج ۱ ق۱ ص ۸۳۲.

فهرست اسامی شعرا ـ درهیچ کتاب ذکر شده است.

مجمع النفایس

ابتدا

«حمد صانعی که رباں قلم وقلم زبان را به تحریر و تفسیر کلمات فصحا بمقتضای السنةالحق اقلام‌الحق موفق گردانید و ںمروای‌ان تحت‌العرش الله کنزاً مفاتیحه السنةالشعرابیدقدرت کامل‌خویش نیروی روان بخشید»

۱ـ این نسخه درفهرست اته‌ذکر نشده است- ر.ك. استوری ج۱ق۱ص xvi درذیل عبارت۱۰۵۰

شرح حال مولف

مولف این تذکره شیخ سراج الدین علی خان متخلص به آرزو و ملقب به‌استعدادخان است و اسم پدرش شیخ حسام‌الـدین است که در سلك منصبداران عالمگیر شاه (۱۰٦۸–۱۱۱۹ه) بود وباوجود اینکه مرد نظامی‌بود معذالك گاهی بشعر گوئی میپرداختو گاه حسامی و گاهی حسام تخلص میکرد ودرسال۱۱۱۵ه فوت کرد.

نسب آرزو ازطرف پدر به‌شیخ کمال‌الدین همشیره‌زاده‌شیخ نصر الدین‌محمود المشتهر (معروف) به چراغ‌دهلی (متوفی۷۵۷ه) و ازطرف‌مادر به‌شیخ‌حمیدالدین عرف(معروف‌به)محمدغوث گوالیاری(متوفی۹۷۰ه)مولف‌الجواهرالخمسه که‌مزارش در گوالیا راست میرسد و نسب‌شیخ محمد غوث‌بچند واسطه به‌شیخ‌فریدالدین عطار می‌پیوندد.

قیام الدین حیرت‌در تذکره «مقالات‌الشعرا»مینویسد که آرزو درسال۱۰۹۹ه در گوالیار بدنیا آمد وسپس بدهلی رفت

مولف«صحف‌ابراهیم»نیزمینویسد که او در گوالیار متولدشد اما آزاد دراین باره هیچ حاتذکر نداده است وریو وعبدالمقتدر(گردآورنده فهرست‌بانکی‌پور) میگویند که آرزو دراکبرآباد(آگره) متولد شد همچنین خوشگو که‌ارشاگردان ارشدآرزو بوده درسفینه خود مسقط‌الراس (محل‌تولد) آرزوراا کبرآبادنوشته‌است وهمین اصح است

اشپرنگرمیگوید که‌آرزو در۱۱۰۱ه درآگره‌یا گوالیارمتولد شدودر آگره بزرگ شد. آزادنیز درخزانه عامره‌سال‌تولدآرزو را ۱۱۰۱ه‌ذکر نموده است اما خوشگودرسفینه خود سال تولدآرزو را ۱۰۹۹ه نوشته وعبارت «نزل غیب» رانقل کرده است که پدر آرزو درتاریخ تولد وی گفته‌است.

اما باید اذعان کرد که آزاد و خوشگو هردو شرح حال‌آرزو را از خودش گرفته‌اند اماچون‌خوشگو به‌آرزو نزدیکتر بودو«ماده‌تاریخ‌تولد» آرزوراهم نقل

کرده است بنابراین قول‌وی دراین‌باب‌اصح است

بقول مؤلف، وی ار بدو شعورتاسن چهارده سالگی‌بتحصیل علوم‌مشغول‌بود وغیر از کتاب گلستان و بوستان وپندنامه شیخ‌سعدی و نام‌حق (و آن‌هم درپنج شش سالگی) دیگر کتب‌فارسی نخواندوتاچهارده سالگی نکسب‌علوم‌عربیه اشتعال‌داشت. موقعیکه پدرش از لشکر عالمگیرشاه بگوالیار رفت در هنگام شب صدیادویست بیت ارشعرای متاحربآرزویاد داده بودوهمان سرمایه شاعری‌آرزو بود.

بسن چهارده سالگی در وی دوق شعر ایجاد شد و درسرزمین شورانگیز متهرا وی بشعر گوئی‌آغاز نمود.

چون‌چندی بعد دوباره به‌گوالیار مراجعت‌کرد آنجا دوسه ماه در خدمت میرعبدالصمد متخلص به سخن که سمت مشرفی حریه آنجا را داشت اشعار خودرا بنطر اصلاح وی میگذراند ولی دیری نگذشت‌که میر مربور ار گوالیار به اکبرآباد رفت وآررو مدتی با بیکسی و تنهائی دمساز بود. اتفاقاً چندی بعد صحبت میرغلامعلی متخلص به احسن بوی دست داد و درخدمت اونکسب فن‌شعر پرد

در این مدت برد وی درس‌هم میخواند و دوغرل خود را ار نظر اصلاح وی گذراند و سپس تا مدتی بعلت گرفتاریهای گوناگون نتوانست بشاعری توجه کند.

سپس‌آررو برای مدتی باتفاق عالمگیر شاه بدکن رفت و نه‌ماه در لشکر شاهی بود و بعد ار اینکه عالمگیر شاه فوت‌کرد و شاهزاده محمداعظم بجای پدر برتخت سلطنت جلوس کردآررو باتفاق ساهراده مزبور ار دکن مراجعت نمود ودر گوالیار وطن احداد مادری خود رسید و بخواهش والده‌خود چندی‌درآن‌شهر اقامت نمود

سپس‌ار گوالیار باکبرآباد (آگره) رفت و مدت پنج سال نزد مولاناشیخ عمادالدین معروف به‌درویش محمد کتب متداوله‌را خواند ودرضمن‌بشعر گوئی‌هم

هم‌پرداخت . در این ایام صحبت اکثر شعرای معروف آن وقت مانند شاه گلشن ومیرزا حاتم‌بیگ حاتم ومیان عظمت‌اله کامل و محمد مقیم آراد ومیان‌علی عظیم خلف‌اله دق میان‌ناصرعلی علی‌سرهندی‌وغیره‌باو دست داد.

چندی بعد آرزو بخواهش‌والده‌بگوالیار رفـوومدتی در آن‌شهر اقامت‌داشت تا آن که دوباره جنگ‌داخلی بین‌شاهرادگان‌شروع‌شد و بالاحره محمدعظیم‌الشان پسردوم ومحمدرفیع‌الشان پسرسوم و حهان‌شاه پسرچهارم عالم گیرشاه کشته شدند ومعرالدین جهاندارشاه پسرارشد پادشاه فاتح شد وبرتحت‌سلطـنت نشست. بعد ار جلوس جهاندار شاه (۱۱۲۶ھ) آررو باکبرآباد رفت.

دیری نگذشت که بین‌جهاندار شاه و فرح سیر پسر دوم محمد عظیم‌الشان جنگی در گرفت وجهاندارشاه‌بطرف‌دهلی گریحت ومحمدفرخ سیرعارم‌دارالحلافه دهلی شد وچون آنجا رسیدعموی حودرا بانتقام قتل پدر کشت و چندی « به‌ع‌ش و کامرانی وسحا و زرافشانی» گذرانید.

در اوایل سلطنت محمد فرح سیرشاه (۱۱۲۴-۱۱۳۱ھ) بسبب مأمـوریت بحدمتی به‌شاهجهان‌آباد(دهلی) رفت و ارآنجا بحدمت مهمی نگوالیاررفت‌وشش سال درآنجا براحت‌بسر برد.

دراین ایام کمتر شاعری میپرداحت . درزمان تسلط سادات بارهه حدمت مذکور تعییر پیدا کردوآرزو باردوی‌شاهی‌رسید که در آن وقت مشغول‌رفع‌شورش نیکوسیر بودودوباره ارآنجا بحدمت سوانح‌نگاری گوالیار مأمورشد و درحدود ده‌ماه درآن‌شهر سر برد در همان اوان ستاره اقبال سادات بارهه روبه تنزل آورد وآررو نیر ازخدمت مزبور معزول شده و چندی بیکار ماند

بعد از جلوس رفیع‌الدوله (۱۱۳۱ھ) آررو دوباره عازم اکبرآباد شد و بعد ار فتح‌قلعه اکبرآباد بتوجه نواب میرزاحان در اطراف گوالیار بخدمتی مأمور گشت ودرحدود یکسال‌آنجا بسر برد

چون بعد ازشکست‌عبداله‌حان محمدشاه (در ۱۱۳۱ھ)فاتحانه وارد دهلی‌شد

وبرتحت سلطنت نشست آرزودرسال۱۱۳۲ه بدهلی رفت و همانجا سکونت گزید وازآن‌بیعد بیشتر وقت خودرا درتألیف وتصنیف میگذرانید.(درموقع تألیف‌مجمع النفایس (۱۱۶۳ه)سی‌وسه سال بود که دردهلی بسرمیبرد)

چون آرزو به‌دهلی رسید روزی‌برای ملاقات محمد افصل سرخـوش رفت این‌موقعی‌بود که سرخوش بصارت چشم‌را ازدست داده‌بود آررو بفرمایش‌وی‌غزلی خواند وسرخوش بسیار محظوط شد وبسرو پیشانی آرزو بوسه داد و گفت

مدتیست دراین‌شهریم این‌قسم صاحب طبعی(را) از نوآمدگـان شهر ندیدیم و پیش محمدحسین خان ناجی ازآرزو خیلی تعریف کرد و گفت: «تمام عمراین قسم جوان‌بلند تلاشی (را) ندیده‌ام »[1]

دردهلی آرزو بدوستی صمیمانه آنندرام مخلص[2] (متوفی ۱۱۶۴ه) مفتخرشد ومخلص بتربیت و سرپرستی آررو کوشید وبنابرتوصیه وی‌آررو ازطرف دربارلقب استعدادخان ومنصب هفتصدی « وحاگیری » دروطن خود یافت[3] همچنین مؤتمن الدوله اسحاق حان اسحاق‌شوشتری[4] خان‌سامان محمد شاه(۱۱۳۱ـ۱۱۶۱ه)بآرزو کمك شایانی میکرد و نقول‌آرزو اوبیست و چند سال درحدمت اسحق‌خان بود وبعد ازوفات وی در ۱۱۵۲ه پسر ارشد وی میررا محمد ملقب به اسحاق خـان نجم‌الدوله[5] بآرزو ماهی صدوپنجاه[6] روپیه مستمری میداد وغیرازاین کمکهای‌دیگر

۱ـ ر.ك. سفینه خوشگو

۲ـ برای شرح‌حال مخلص ر.ك.خزانه عامره ص ۴۲۵

۳ـ خوشگو مینویسد که «حاگیر»مزبور بعارت عنیم‌دکن رفت ر.ك.سفینه‌خوشگو

۴ـ برای شرح‌حال اسحاق حان شوشتری ر.ك.مآثرالامراء ج ۳ ص ۵ـ۷۷۴

۵ـ برای شرح حال نجم‌الدوله ر.ك.مآثرالامراء ح۳ص۶ـ ۷۷۵وخزانه‌عامره ص ۱۲۲

۶ـ مؤلف «شمع انجمن» مینویسد اسحـاق حان وپسرش هردوماهی صدوپنجاه‌روپیه بآررومیداده‌اند

هم میکرد .

در۲۲شوال ۱۱۶۳ه نجم‌الدوله درجنگی بین‌افاغنه وصفدرجنگ‌در بین‌پتیالی و سهاور در میدان جنگ کشته شد آرزو درمجمع‌النفایس درذیل شرح حال خود مینویسد: «اکنون‌سیزده‌سال است که اکثر اوقات (را)صرف خدمت وصحبت نواب نجم‌الدوله که ستاره عمردولتش براوج اقبال روز افزون وافق‌ازدیاد پیوسته‌لامع وروشن بادمینماید »[1].

حاکم در «مردم دیده » مینویسد که بعد از مراجعت نادرشاه از دهلی وی اتفاقاً بدهلی رفت واول دفعه باآرزو درآنجا ملاقات کرد ونامه‌ای کـه شاه آفرین لاهوری بنام‌آرزو داده بود بوی رسانید وآرزو از حـاکم پذیرائی گرمی بعمل‌آوردوبعد ازآن هرموقع حاکم ازلاهور بدهلی میرفت باآرزوملاقات‌میکرد وهردو باهم رفت وآمدداشتند.

درآن ایام‌آرزو مشغول نوشتن‌دیوانی درجواب دیوان فغانی بود حاکم‌هم گـاهی بتقلید وی شعر میسرود و پیش‌آرزو میخواند و آرزو خیلی خوشحـال می‌شد

روزی حاکم‌دیوان خودرا بآرزو بدادوازوی‌خواهش کرد بتعمق‌در آن‌نگاه کرده درموردحسن وقبح‌اشعارش‌اظهارنظر کند .آرزواول‌ازقبول آن‌امتناع‌می‌ورزید امادرنتیجه‌اصرارحاکم‌قبول کردوبعدازدوماه دیوان‌رابوی بر گرداند ودرهرموردی که‌ایراد‌داشت‌درديوان یاداشت‌نمود ولی‌اکثراین‌ایرادات‌آرزومورد پسند وموافقت حاکم قرار نگرفت و وی عقیده داشت که تنها دربعضی موارد ایرادات آرزو وارد بـود .[2]

آزاد در «خزانه عامره» در ذیل‌نام حاکم لاهوری مینویسد که چون وارسته

۱ـ از این عبارت معلوم میشود که‌آرزواین قسمت ازشرح‌حال خودرا قبل‌از موت نجم‌الدوله (۱۱۶۳ه) نوشته است

۲ ـ ر.ك. مردم‌دیده ص۷ ـ ۳۵۶

سیالکوتی اعتراضات و ایرادات خان آرزو را دید در جواب آن رساله‌ای بنام «جواب شافی» نوشت اما عجب اینست که با وجود این مناقشه صمیمیتی که بین آرزو و حاکم وجود داشت بجای خود ماند و هیچ تغییری نکرد و خان آرزو در مجمع النفایس حاکم را بخوبی یاد کرد و حاکم خان آرزو راحتی موقعیکه او از عالم رفته و احتمال رودر بایستی وریا در بین نبود بخیر یاد میکرد و در «مردم دیده» ازوی بسیار تعریف کرده است. چنین حسن معامله و مجاملت در بین شعرا بندرت اتفاق میافتد آزاد عقیده دارد که وارسته سیالکوتی در رساله «جواب شافی» تنها در بعضی موارد توانسته است با یرادات آرزو جواب دهد اما در بعضی موارد در این منظور موفق نشده است و حتی اعتراف کرده است که ایرادات آرزو درچنین موارد درست وصحیح بوده است

آزاد خودش به بعضی ایرادات آرزو بر اشعار حاکم که بعقیده وی درست بوده در «خزانه عامره» جواب داده است[1].

خلاصه بعد از فوت نواب نجم الدوله برادر کوچک وی نواب رشید خان سالار جنگ روابط صمیمانه وقدیم خانواده خودرا با آرزو ادامه داد وچون صفدر جنگ ناظم صوبه (استان) اود واله آباد درروز ۷ ذوالحجه ۱۱۶۷ هـ فوت کرد وسالار جنگ دراواخر محرم ۱۱۶۸ هـ نزد شجاع الدوله به اود رفت آرزو راهم همراه خود برد دراین ایام میر محمد یوسف بلگرامی خالزاده میر غلام علی آزاد آرزو راهم در اود ملاقات کرد وی قبلا نیز اورا درهلی دوبار دیده بود وی طی نامه‌ای بآزاد نوشت که آرزو درآن وقت دیوانی در بحور قصار نظم میکرد و تاردیف دال رسانیده بود

بزودی بین آرزو و سالار جنگ قرار شد که آرزو بقیه عمر خودرا در اجودهیا که وطن اصلی جدش شیخ کمال الدین بوده بگذراند .

حاکم در «مردم دید» مینویسد که وی بهمراهی نواب صفدر جنگ وزیر الممالك بصوبه (استان) اود رفت وبعد از فوت نواب صفدر جنگ (در ۱۷ ذوالحجه

---

۱ ـ ر ك خزانه عامره ص ۲ ـ ۲۰۱ .

۱۱۶۷ه) خان آررو نیز بهمراهی سالار حنگ بلکهنو [1] رسید. نواب واله(مولف ریاض‌الشعرا) نیردر آن ایام درخدمت نواب شجاع‌الدوله حلف صفدرجنگ بود وآنجا گاهی صحبت‌هائی بین‌هرسه نفر(آررووحاکم و واله) صورت‌میگرفت‌ولی چندی بعدحاکم و واله بدهلی رفتند ولی حان‌آرزو درلکهنوماند[2].

دیری نگذشت که سالارحنگ‌خان‌آررو را به‌نواب‌شحاع‌الدوله معرفی کرد ونواب مزبور ماهی سه صدروپیه مستمری برای‌آرزو مقرر کرد اما هنوز چند ماه بیش‌نگذشته بود که خان‌آررو بمرضی‌شدید وحطرناك مبتلاشد وچون دانست که مرگ وی نزدیك است وصیت کرد که بعدازمرگ حسد اورا بدهلی برده‌آنجا دفن کند. بالاخره در۲۳ربیع‌الثانی ۱۱۶۹ه(مطابق ۲۶ژانویه ۱۷۵۶م) بسن‌هفتاد سالگی درلکهنو فوت کرد.

آزاددر«سرو آزاد»مینویسد که آررو درحمادی‌الاخری سنه ۱۱۶۹ه دربلده لکهنوفوت کرد ودرهمان شهر مدفون گردید اما درحزانه عامره مینویسد که اول حسد وی را درلکهنو امانت گذاشتند وچندی بعد بقیه حسد وی را بدهلی برده آنجادفن کردند و قول آخر وی اصح است

شفیق در« چمنستان شعرا » قطعه تاریخ فوت آررو را که آزاد گفته است و در « سرو آزاد »آمده است نقل کرده که بقرارزیراست.

سراج‌الدین علی‌خان بادرعصر — زمرگ او سخن راآبرو رفت
اگر جوید کسی سال وفاتش — بگو، آن‌جان معنی‌آرزو رفت
(=۱۱۶۹ه)

۱ــ ناگفته نماندکه درآن ایام لکهنو مرکز شعر وادب فارسی بوده و بعلت تربیت وسرپرستی علم و ادب ازطرف نوابان اود اکثراهل‌علم‌وفضل ازتمام‌گوشه وکنارهندوستان سوی لکهنو روی‌آورده در این شهرجمع شده بودند.

۲ــ ر.ك. مردم دیده ص ۷ــ ۵۶ .

آزاد در خزانه عامره «قطعه زیر را آورده است که وی در تاریخ فوت آرزو

خان والاشان سراج الدین علی	شمع رونق بخش برم گفتگو
زد رقم آزاد سال رحلتش	رحمت کامل بروح آرزو
	(=۱۱۶۹ه)

دکتر منوهر سهامی انور مینویسد که بعد از مرگ آررو طبق وصیت وی حسد اورا بدهلی برده در منزل شخصی وی[۱] در وکیل پوره واقع در دارالسلطنت دهلی در نزدیکی رودخانه جمنا بخاك سپردند[۲]

خان آرزو یکی از نوابغی است که ارسرزمین شبه قاره هند و پاکستان برخاسته اند وی نه تنها شاعری ماهر وادیبی لبیب بود. بلکه در فن تاریخ نویسی وزبا نشناسی وفن شعروفرهنگ نویسی ونقدادب وشرح شعرهم «اقتدار و دستگاه» کامل داشت و دربین دانشمندان آن دوره هیچکس مثل او حامع حمیع فنون وعلوم نبوده است. وی باچندین زبان آشنائی کامل داشت واول کسی بود که بوسیله آشنائی خود بازبان سانسکریت توانست تشابه وتجانس بین ربانهای سانسکریت وفارسی را درك واحساس کرده ونزدیکی این دوزبان را آشکار کند[۳].

باوجود این علم وفضل آرزو هیچوقت غروروتکبر را بخودراه نمیدادوهمواره عقایدوآرای نقادان وایرادگیران را با کمال خونسردی مورد تحقیق وتدقیق قرار

---

۱ ـ خوشگوراجع باین منزل درسفینه خودمینویسد «لاجرم بگوشه وتوشه درساحته مکانی (منزلی) بیرون وکیل پوره دردارالخلافه مرتب فرموده متصل رای حسته رای آسد رام مخلص ... اقامت دارند وصحبت میان ایرهردو بزرگ بسیار گرم است »

۲ ـ ر.ك. مقاله بعنوان «خان آرزو وآثار وی » ار دکتر منوهر سهای انور رئیس قسمت فارسی وعربی وارد و درد آنشگاه پنجاب دانشکده کامپ دهلی که درمجله هندوایران (اندوایرانیکا) ج۱۳ ش۴ مورخ دسامبر ۱۹۶۰ م بانگلیسی چاپ شده است .

۳ ـ ر.ك. سراج اللغات .

داده ایرادات صحیح را با کمال شهامت قبول میکرد وتا آخر عمر حاضر بود خودرا اصلاح نموده ومعایب ونقایص خود را رفع سازد وحتی بسن پنجاه وچهار سالگی هم در فن شعر برخود اعتماد کامل نداشت چنانکه اعتراف میکند :

«خدا آگاه وانصاف گواه است که فقیر آرزو ازعمر (سن) چهارده سالگی مشق شعر میکنم وتاامروز که پنجاه وچهار مرحله ازعمر طی شده برخود اعتماد ندارم . . . هرچند مسودات نظم و نثر و کتب وشرح وفرهنگ و غیره قریب صد هزار بیت مکتوب شده باشد[1] .

اما باید اذعان کرد که بعضی ازشاگردان آرزو مانند مخلص وخوشگو ومظهر وواقف مدتی قبل ازمرگ استاد خود دیوانهای خود را ترتیب داده بودند و همچنین بعضی شاگردان وی مانند آبرو ومضمون و یکرنگ و میر سودا و درد و غیره که ازشاگردان وتربیت یافتگان خوشگو ومظهر بودند ازجمله شعرای معروف ریخته (اردو) بوده اند . باوجود اینکه بسیاری ازشعرای معروف اردو شاگرد آرزو بودند معهذا خودش بندرت باردو شعر میسرود .

در آن عصر هیچکس درسراسر هند وپاکستان نمیتوانست درعلم وفضل حریف آرزو شود وبارزترین ثبوت این امر عقیده تذکره نویسان معاصر است که درمورد مقام علمی آرزو اظهار کرده اند[2] . مخصوصاً قایم چاندپوری در «مخزن نکات» مینویسد در حال حاضر ممکن نیست تصور کرد که شاعری بزرگتر و فاضلتر از آرزو وجود دارد. همچنین مولف « مجموعه نغز» مینویسد :

« اگرچه زبان دانان ایران از ممر حسد بنفس الامر اوحسابی نمیگیرند (نمی برند) اماحق آنست که وجود چنین کس درخاك هندوستان حکم اکسیر اعظم (را) دارد» وسپس میگوید همچنانکه علمای اهل حق را اعیال ابوحنیفه کوفی میگویند

---

۱ ــ ر.ك. سفینه خوشگو چاپ پتنه .

۲ ــ ر.ك. تذکره ریخته گویان گردیزی و مخزن نکات قایم چاندپوری وتذکره حسینی وسرو آزاد ومجموعه نغز .

«اگر شعرای هندی‌زبان‌را عیال خان آررو گویند می‌سزد»[1]

بعقیده بلوخمان درمیان شارحانی که ازسرزمین هندوستان برخاسته‌اند آرزو بهتر ازهمه آنهاست، شرح وی براسکندرنامه نظامی وقصاید خاقانی وعرفی وهمچنین شرح گلستان وی بنام «خیابان» بسیار ارزش دارد. بلوحمان عقیده دارد که بهتر بود اگر برهان قاطع‌را بدون انتقادات آررو چاپ نمیکردند وهمچنین‌وی توصیه‌میکند که «تنبیه الغافلین» آررو راحتما بایدمطالعه کرد چون این برای گردآورندگان فرهنگ ونویسندگان دستور بسیارسودمند است بجهت اینکه در این کتاب بعضی اشاراتی بسبك واصطلاحات فارسی آمـده است[2].

آثار مولف

سن‌خان آررو هنوز از چهل وهشت سال تجاوز نکرده بود که کتب زیر را تألیف نمود.

۱ ـ سراج‌اللغه (یالغات) در ۱۱۴۷ ﻫ تمام شد ـ فرهنگ کلمات غیر عربی است که شعرای متقدم‌فارسی بکار برده‌اند. قریب به‌چهل هزار بیت باستشهاد آورده است ودر بعضی موارد بر برهان قاطع‌وفرهنگ رشیدی‌انتقاد کرده است گاهی‌تشابه وتجانس بین‌سانسکریت وفارسی‌را نشان‌داده‌است. تیك‌چند مولف «بهارعجم» که ازشاگردان آرزوبوده‌این‌فرهنگ رادرفرهنگ خود شامل کرده است برای نسخ رجوع‌شود به اته ۲۵۱۳ ولیندزیانا ص ۲۱۶ ش ۷۶۶ وایوانو ۱۴۳۴.

۲ ـ چراغ هدایت ـ دفتردوم سراج اللغه ـ فرهنگ فارسی است مشتمل بر کلماتی که شعرای‌متاخر (بعدازجامی) بکار برده‌اند و در فرهنگ‌های قدیم‌مانند فرهنگ جهانگیری ومجمع الفرس سروری و برهان قاطع نیامده است دراین

---

۱ ـ ر.ك. مجموعه نغزچاپ‌لاهور ج ۱ ص ۲۴.

۲ ـ ر.ك. بلوخمان «فرهنگ نویسی فارسی» (انگلیسی)

فرهنگ مولف قریب به ۸ پنج هزار بیت را باستشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع شود به ریو ح ۲ ص ۵۰۱ ب وح۳ص ۹۹۷ الف و ۱۰۷۰ الف و ایوانو۷-۱۴۳۶ وایوانو- کرزن ۵۲۶ وبانکی پور ج ۹ش ۹-۸۰۷ وبرلن ۱۲۰(۱) و براون ذیل ۳۸۵ واته ۲۵۱۴ ودانشگاه لاهور (دو نسخه) **چاپ** درحاشیه غیاث اللغات غیاث الدین محمد رامپوری ودر کلکته بسال ۱۸۶۸م و ۱۸۷۰م و ۱۸۷۴م و ۱۸۷۸م و ۱۸۹۰م/۱۳۰۷ه ولکهنو ۱۲۹۶ه وبمبئی ۱۸۸۰م

۳ - کلیات اشعار غزل و قصیده وغیره (نظم و نثر) مشتمل برقریب به سی هزار بیت.

۴- دیوانی درجواب دیوان اطهر شیرازی که درهندوستان خیلی معروف بود دراین دیوان آرزو غزل بغزل بدیوان اطهر جواب نوشته است (نیز رجوع شود به ش ۲۸ و ۲۹ آثار مولف).

۵ - مثنوی سوزوساز (یاشورعشق) درجواب محمود وایاز ملازلالی.

۶ - خیابان- درشرح گلستان سعدی که دراوان کودکی نوشته بود. دراین کتاب آرزو کلمات واصطلاحات مشکل گلستان راشرح داده است ودرضمن بر بعضی شروح قدیم مانند شرح میر نوراله احراری وملاسعد وغیره مفصلا انتقاد کرده است وقریب بسه هزار بیت باستشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع شود به اشپرنگر ش ۴۸۱ وبادلین ۷۲۵ وبرلن ۴۹(۲) **چاپ** درکانپور هندوستان بسال ۱۲۹۳ه.

۷ - شکوفه زار - در شرح قسمت اول اسکندرنامه - در این کتاب ضمناً بر شروح قدیم انتقاد کرده است.

دراین کتاب قریب به شش هزار بیت باستشهاد آورده است. برای نسخ آن رجوع شود به اشپرنگر ش ۴۲۶ وریودیل ۲۳۲ واندیا آفس دی-پی ۱۲۴۲ الف و ب ودانشگاه لاهور وکتابخانه عالیگره ص ۴۹ وآصفیه ج۲ص ۱۴۸۲ وبرلن ۷۳۶ - **چاپ** درحاشیه اسکندرنامه در بمبئی بسال ۱۲۷۷ه.

۸ - شرح قصاید عرفی - شامل قریب به چهار هزار بیت- درضمن جواب اعتراضات

منیرلاهوری‌راهم داده است . برای‌نسخ‌آن رجوع‌شود به اندیا آفس دی–پی۱۲۸٦ الف و ب و ج.

۹ – سراج منیر – درجواب رساله منیربنام «کارنامه» در اعتراضات برچهار شاعر : عرفی وطالب و زلالی وظهوری‌شامل دوهزاربیت .

۱۰ – عطیه کبری‌دربیان (سبك) فارسی که بقول‌مولف درموضوع‌خوداولین کتابی‌است که قریب به‌یکهزاروپانصد بیت بطوراستشهاد آورده‌است. برای‌سخ‌آن رجوع شود به ایوانو ۳۹٤ و ایوانو – کرزن ۱۷۷ و ایوانو تکمله ثانی ۹٦۹ (٤) وبانکی پورج۹ش ۸۵٤(۲)ومدراس۴۸۳– **چاپ** – کلکته۱۸۳۲م(که‌باموهبت عظمی دریکجا چاپ‌شده است) وکانپوربسال ۱۸۹۷ م

۱۱– موهبت عظمی- درفن معانی و بیان فارسی که بقول مولف‌مانند عطیه–کبری در این موضوع اولین کتاب است که قریب دوهزار بیت‌باستشهاد دارد برای نسخ‌آن رجوع شود به‌بانکی پور ح ۹ ش ۸۹٤ الف و ایوانوتکمله ثانی۹٦۹(۵) و۹۷۰–چاپ کلکته۱۸۳۲م (که باعطیه کبری در یکجاچاپ‌شده است)

۱۲– سراح وهاح – شرح«محاکمه» شعرا که بربیب حواحه حافظ‌شیرازی نموده(ودرحل آن‌بیب مباحثه نموده‌اند)

۱۳–آداب‌عشق – درتحقیق آداب عشق

۱٤–معیارالافکار– درقواعد صرف و نحوفارسی

۱۵– جوش وحروش - درحواب سوزو گدازنوعی حبوشانی

۱٦– مهروماه - مثنوی در بحرغیر متعارف. برای سخ آن رجوع شود به لیندریانا ص ۲۱٦ ش ٦۲۰ و دانشگاه لاهور.

۱۷– مثنوی بورن حدیقه سائی که تا تألیف سفینه‌حوشگو ناتمام بود.[1]

۱۸– عالم آب–ساقی‌نامه‌درحواب ساقی‌نامه طهوری.

۱–ر.ك سفینه حوشگو چاپ پتنه درذیل شرح حال‌آدرو

۱۹ـپیام‌شوق ـ درجواب مراسلات و مکاتیب اعزا (خویشاوندان) .

۲۰ـ گلزارخیال ـ درتعریف بهار وجشن‌هولی (هندوها).

۲۱ـآبروی‌سخن ـ دروصف حوض‌وفوارموتاك.

۲۲ـ شرح مختصر المعانی.

۲۳ـعبرت فسانه درجواب «قضاوقدر» ملاقلی سلیم که ناتمام ماند.

دربین سالهای ۱۷۳٤ م و۱۷۵۳ م مطابق ۱۱٤۷تا۱۱٦۷ه آرزو کتب زیررا تألیف نمود .

۲٤ـ تنبیه الغافلین ـآرزو« اردیوان شیخ‌علی حزین پانصدبیت نا مربوط و محل ایراد درآورد »[1] و دراین رساله قریب بـه‌هزار بیت‌بطور استشهاد آورده است.برای نسخ آن رجوع‌شود به‌اندیا آفس‌دی پی٤۲۳(ج)و دانشگاه‌لاهور.

۲۵ـ احقاق‌الحق ـ کتاب دیگردر انتقادبراشعار حزین[2] .

۲٦ ـ تصحیح غرایب اللغات عبدالواسع هانسوی که فرهنگ کلمات اردو است بامترادف‌آن بفارسی وعربی و ترکی .برای نسخ‌آن رجوع شودبه‌ریو ج۲ ص۱۰۳۰الف و بانکی پور ج ۹ ش ۸۳۸ و ایوانو تکمله ثانی ۹٦۹ (۷) وعلیگره ص۵٦ ش ۱٦و۲۱ ودانشگاه لاهور (دونسخه)

۲۷ـ دادسخن ـ شرح قصیده «محاکمه» منیر که براعتراضات شیدابرقصیده

۱ـ مولوی امام بخش صهبائی‌کتابی درهمین موضوع بنام « قول فیصل» نوشت که درکانپوربسال۱۸٦۲م‌بچاپ‌رسیده‌استودرجلد۳ کلیات‌صهبائی‌شامل‌است(ر ك. کلیات‌صهبائی چاپ‌کانپور ۱۷۷۸ م ولکهنو ۱۸۸۰ م) همچنین بقول بلوحمان محسن علی برادر زاده آرزو نیزکتابی درهمین موضوع نوشت و تیك چند ومیرزا قتیل و وارسته از حزین دفاع کردند .

۲ـنسخه‌ای از این‌کتاب موجود نیست اما صهبائی‌کتابی بنام «اعلای حق» درهمین موضوع نوشته بودکه درکلیات وی موجود است(ر.ك. کلیات صهبائی‌چاپ‌کانپور۱۸۷۸م ولکهنو۱۸۸۰م)

قدسی سروده بود شامل سه‌هرار بیت. برای نسح آن رجوع شود به ایوانو ۳۹۳ و دانشگاه لاهور.

۲۸و۲۹ـ دیوان درحواب دیوان سلیم ودیوان دیگر درجواب دیوان‌فغانی درتذکره خود مینویسد که دیوان‌خود رادرحواب سلیم واطهروفغانی نوشته و اول این‌اشعار جدا بود امابعداً این راشامل یك دیوان بزرگی کرده است برای نسخ آن رجوع شود به ایوانو- کرزن ۲۹۵و۲۹۶ و بانکی پور ح ۳ش ۳۹۹

۳۰ـ مجمع‌النفایس- تذکره مورد بحث

۳۱ـ مثمر- درعلم اصول لغت ودستور فارسی بطرز «مطهر» امام جلال‌الدین سیوطی. چون‌این کتاب مستلزم اطلاعات وسیعی درباره زبان وادبیات فارسی ولغات سنسکریت بود بنابراین هیچکس درآن ایام در سراسر هندوستان بهتر از آرزو وجود نداشت که بتواند بتألیف این کتاب مبادرت نماید برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو - کرزن ۵۵۰ .

۳۲ـشرح گلگشتی میر نجات

درمدت‌اقامت در احودهیا آرزو کتب زیر را تألیف نموده است

۳۳ـ دیوان بزرگ شامل غزل وقصاید و رباعیات وغیره برای نسخه آن رجوع شودبه‌ش۲۸و۲۹فوق

۳۴ـ زایدالفواید[1]ـ فرهنگ مصادر غیر معروف فارسی بامشتقات غیر معروف آن ـ این کتاب ناتمام ماند برای نسخه آن رجوع شود به ایوانو تکلمه ثانی ۹۶۹ (۱۱)

۳۵ ـ دیوان درجواب دیوان کمال‌خجندی ـ (ناتمام‌ماند)

۱ـ دکترمنوهر سهای درمجله هند و ایران ح ۱۳ ش ٤ مورخ دسامبر ۱۹۶۰م اشتباهاً «زوایدالفواید» نوشته است بظاهر این‌کتاب مربوط به«زوایدالفواید»عبدالواسع هانسوی است‌که در همین موضوع استو نسخه‌ای ازاین‌کتاب دردانشگاه‌لاهورموجوداست رجوع شود به اورینتل کالج مگزین ح ۸ ش ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۲ م ص ۷۳ .

غیراز کتب فوق خان آررو کتاب زیررا نیر تالیف کرده است ؛

۳٦ ــ نوادر الألفاظ ـ دربیان لغات هندی که فارسی و عربی آن در هند غیرمعروف بود مشامل قریب به پنج هزار بیت که بطور استشهاد آورده است .

تذکر ــ برای بقیه آثار آرزو رجوع شود به فهرست اشپرنگر و بانکی پور .

تبصره بر کتاب

مولف ظاهراً تأليف این تذکره را بسال ۱۱٦۳ ه [1] (قبل ازفوت نجم الدوله) شروع کرده است و بقول اشپرنگر در ۱۱٦٤ ه باتمام رسانیده است ـ آزادبیر درخزانه عامره (ص ۸ــ۱۱۷) سال تالیف این تذکره را ۱۱٦٤ ه ذکر نموده است .

درمورد سبب تأليف مؤلف در دیباچهٔ کتاب چنین توصیح میدهد که او شوق فراوان بخواندن اشعارفارسی داشت ومدتی دواوین وتذکره ها وسفاین وغیره کتب بزرگان (را) مطالعه مینمود اماچون این اشعار را فراموش میکرد یکی از رفقای او «سفینه صحیمی» آورد که هرچه اشعار اساتید را آررو انتخاب نمایددر آن سفینه هم ثبت کند. بالاخره آرزو اشعار منتخب ازصد دیوان شعرای متوسط ومتأخر رادر آن سفینه جمع نمود . بعداً بخاطر مؤلف رسید که پاره‌ای از احوال آن شعرا را نیز بنویسد و بنابراین از تذکره‌های مختلف آنراجمع نموده بصورت تذکره‌ای در آورد .

بقول اشپرنگر عده شعرای این تذکره ۱٤۱۹ وبقول عبدالمقتدر (فهرست بانکی پور) ۱۷۳۵ میباشد که آنهارا بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص آنان ذکر نموده است .

مؤلف دردیباچه اسم تذکره‌های زیررا ذکر نموده است که از آن در تأليف این این کتاب استفاده است .

۱ ـ تذکره (عرفات) تقی اوحدی .

۲ ــ تذکره نصرآبادی

[1] ـ درذیل نام حشمت مینویسد: «درهمین سال که سنه ۱۱٦۳ هجری است . »

۳ ـ کلمات‌الشعرا .

٤ ـ تحفه سامی .

ازجمله مآخذفوق مؤلف مخصوصاً ازتذکره عرفات خیلی استفاده کرده است و اکثرمطالبرا ازآن‌تذکره اقتباس ونقل کرده اما گاهی بر بعضی اقوال‌وی انتقاد نموده است .

همچنین در بعضی‌مواردا قوال تذکره نگاران دیگررا نوشته وآنچه راخودش تفحص نموده است‌نیز نوشته است . گاهی تنها نقل‌اقوال تذکره نگاران اکتفا نموده است

این‌تذکره با «ابویزیدبسطامی» شروع‌شده با «محمد اشرف یکتا کشمیری» تمام میشود وشامل ذکرشعرای متقدم‌ومتوسط ومتأخرمیباشد . دراین‌تذکره‌مؤلف قریب به‌چهل‌هزاربیت ازشعرای متقدم ومتأخرجمع نموده است .

شرح‌احوال‌اکثرشعرا را خیلی مختصراما‌اشعارشعرا را معمولاً مفصل آورده است‌درذیل نام‌قریب‌صدوپنجاه‌شاعرشرح‌حال آنان‌را نسبة مفصل آورده‌است‌واطلاعات لازم دربـاره زندگی آنها را نیز فراهم آورده است مانند آرزو وبیدل وجامی و تقی اوحدی‌وغیره

اما درذیل قریب صدشاعر باوجود اینکه‌شرح حال آنها را مفصل آورده‌است امااطلاعات‌مهمی‌درباره‌زندگی آنها را بهم‌نرسانیده است مانند اهلی‌خراسانی واهلی شیرازی وانیسی وادهم واحسن وآشنا وحلال اسیر وغیره

درموقع نوشتن سرح‌حال شعراسعی‌نموده‌است شرح‌حال آنانرامفصل یاحتی جامع‌اکثراطلاعات‌مهمی‌درباره زندگی آنان‌باشد ، امادرباره مقام وپایه شعر آنان غالباً اظهارنظر کرده است‌وازاین‌حیث‌هیچ‌تذکره‌ای‌نمیتواند حریف‌مجمع‌النفایس بـاشد .

اکثر این عقاید خالی از اغراض شخصی‌است ومؤلف بیدلیل ازکسی‌انتقاد ننموده است .

درذیل نام قریب چهارصدشاعراشعار آنان رامفصل آورده است ومخصوصاً اشعار منتخب ازخود رامفصل تر ازهمهٔ (در۱۷صفحه و بقول خودش ششصدوهشتاد وپنج بیت وچند رباعی) آورده است وبعد ازاشعارخویش اشعار بیدل عظیم آبادی را ازسایرین مفصل تر نقل کرده است .

درذیل اشعار بعضی شعرا ازخودش هم اشعاری نقل کرده است و گاهی اشعارخود رادرذیل گفتاردیگران خیلی مفصل آورده است .

گاهی بعضی اشعارشعرا رااصلاح نموده است وآنچه بنظر اوصایب وبهتر بوده نوشته است مثلارجوع شودبه اثرشیرازی

سبك انشای مؤلف غالباً غیرمصنوعی است اما کلمات عربی را بعراوانی بکار برده است که گاهی بعضی عبارات را بصورت غریب وعجیب در آورده است اما غالباًاز نوشتن عبارات مصنوعی وپرتکلفی احتراز ورزیده است

رویهمرفته ازحیث نقد ادبی این تذکره بهترین تذکرهای فارسی است اما قسمت شرح حال شعرا زیادمفید وباارزش نیست

مؤلف درشعر ذوق خوبی داشته وبنا براین انتخاب اشعارشعرا بیرمعمولاخوبست. درموقع انتخاب اشعار برعکس اکثرتذکره نگاران هندوپاکستان سعی نکرده است اشعاری راکه مخصوصاًدارای صنایع لفظی ومعنوی باشد انتخاب نماید بلکه اشعارروان مطبوع را انتخاب نموده اند

درمورد این تذکره آزاد در «خزانه عامره»[1] چنین اظهار نظرمیکند،

« (آرزو) درجمع اشعار آبدار وانتخاب دواوین اهتمام عظیمی بکاربرده. حقاً که فتاوای اشعارمتاخرین است هرچندمتوجه تحریر احوال شعرا وضبط تاریخ ولادت ووفات وسنوات وقایع و ذکر شعرا بترتیب زمان نیست و ظاهراست فرق دربیاض (جنگ) وتذکره همین باشد که بیاض تنها اشعارشاعردارد وتذکره احوال واشعار هر دو دارد لیکن خوددردیباچه وخاتمه کتاب عذراین معنی برمیگذارد ومعهذادرضمن

۱ ــ ر.ك خزانه عامره ص ۱۱۸

عبارات صاف (و) بی تکلف لطایف وتعبیرات تازه با برخی فوایدمندرج ساحته‌ازاین سبب کتاب اورا کیمیتی خاصی بهم رسیده »

نسخ خطی

۱ ـ اته ۶۸۰ (ح۲ کتاب است باضیاءالدین فارسی شروع شده باحرف «یا» تمام میشود ومورخ ۱۱۶۶ه است که‌ارنسخه مولف استنساح شده است)

۲ ـ اندیا آفس دی پی ۷۳۹ (ناقص[۲])

۳ ـ بانکی پور ح ۸ ش ۶ـ۶۹۵ مورح ۱۱۷۹ ه .

٤ ـ بادلین ۳۸۰ (تاریخ‌ندارد)

۵ ـ ایوانو ۲۳۱ (تنها حرف الف تاحیم دارد - مورخ قرن ۱۹م)

۶ - دانشگاه لاهوردونسحه (یکی نقطه‌های‌غلط دارد ودیگری‌ناقص‌الاول و آخراست وباآرروناقص‌الاول شروع شده باقاصی‌سلام‌اله ناقص‌الآحرتمام میشود) .

خلاصه مجمع النفایس

۱ ـمنتحب مجمع‌النفایس ـ برای‌نسخ حطی آن رجوع شودبه اته۶۸۱مورح ۱۲٤۳ه مطابق۴۲سال‌اکبرشاه‌ثانی(۱۲۲۱ـ۱۲۵۳ه)(تمام‌شعرای‌مجمع‌النفایس‌دارد اماشرح حال‌شعرا حیلی محتصر است یا اصلا نیست) واندیاآفس د ٤۰۱[۲]

۲ ـحامع‌الفواید ـ این کتاب‌را کهرک‌پت‌رای کایست‌در۱۱۹۵ یا۱۱۹۶هجری باانتخاباتی ارتراجم شعرا ندکره‌آررو ونقد ونظربراشعار شعرا ترتیب داده‌است. برای‌نسحه خطی آن رجوع شودبه‌اندیا آفس ش ٤۰۸۱ مورخ ۱۱۹۶ه[۲]

برای **شرح حال خان آررو** رجوع شود به مجمع‌النفایس و اشپرنگر ص۳ـ۱۳۲ومقالات‌الشعرای حیرت‌وصحف‌ابراهیم ش ۳۹۳ وسروآراد وخزانه‌عامره ص۱۱۶ـ۱۲۱ ورياض‌الشعرا ومردم‌دیده وسفینه حوشگو وچمنستان شعرای‌شفیق و

۲ ـ این‌نسحه درفهرست اته ذکرشده‌است ر.ك. استوری ح۱ق۱ص xvi در ذیل عبارت I O

ومنتخب‌الاشعار مبتلا ش ۸٤ ودیوان منتخب سراج (اشپر نگرص ۱۵۰) وذکرمیر ص٤-٦۳ و خلاصة‌الکلام ش۸ و خلاصة الافکار ش ٤۰ ومخزن العرایب ش۲۲۹ و مجموعه نعر ج۱ ص٦-۲٤ ربلوحمان «فرهنگ نویسی‌فارسی» (انگلیسی) (محله انجمن‌آسیائی بنگال ش۳۷قسمت ۱ مورح ۱۸٦۸ ص۱۸-۲۵ و ۷۰-۷۱) وگارسن دتاسی‌ج۱ص۸-۲۲٦وبیل«فرهنگ‌تراجم‌شرقی»(انگلیسی)درذیل‌نام‌سراج‌الدین‌علی خان و آب‌حیات‌آزاد (اردو)ص۵-۱۲۳ وریو ح ۲ص۲-۵۰۱ و رحمن‌علی ص۷۱ و بانکی‌پور ج ۳ص۸-۲۱۷ وح ۸ص۱۱۲ وتاریخ ادبیات اردو تألیف رام بابوسکسینه (انگلیسی) ص۸-٤۷ وقاموس‌العالم تالیف‌شمس‌اله قادری (اردو) حصه اول - چاپ حیدرآبادد کن ۱۹۳۵ م ستون۲٦-۲۹ ومقاله دکترمسوهرسهای انوربعنوان « حان آرزو وآثاراو» (بانگلیسی) (رحوع سود به محله هند و ایران ج ۱۳ ش ٤ مورخ دسامبر ۱۹٦۰م)

فهرست اسامی شعراـ رحوع‌شود به مجمع النفایس

تذکرة المعاصرین

ابتدا

« تعالی‌اله حمد بیچونی که اوراق پریشان مجموعه کون و مکان را برشته ایجاد شیرازه بسته وازترکیب ظلمت ونور عدم وظهور صفحه ساده امکان را بچندین نقش ونگارعریب آراسته »

شرح‌حال مولف

اسم مؤلف این‌تذکره ىا القابش شیخ حمال الدین ابوالمعالی محمد علی و متخلص بهحرین است یکی‌ازاحداد وی شیخ‌شهاب الدین علی بلده‌آستارا را که

موطن او بوده ترك گفته بدارالسلطت لاهیجان موطن اجداد حزین گردید از آنجمله شیخ علی بن عطاءاله ارمعاریف علمای رمان خود بود و بگفتن شعرهم رغبتی داشت و وحدت تحلص میکرد حان احمد خان پادشاه گیلان نظر باستعداد و فضل وی در تعظیم و تکریم وی مبالغه مینمود ودر مسایل علمی ازوی استفاده میکرد. شیخ علی در داراالسلطت بصحبت شیخ حلیل بهاءالدین محمد عاملی رسید و هر دو باهم موانست ومحبت تمام داشتند.

نسب حرین ارپانرده واسطه به شیخ زاهد گیلانی[1] میرسد که پیرو مرشد شیخ صفی الدین اردبیلی سرسلسله سلاطین صفوی بود.

پدر حرین ابی طالب زاهدی لاهیجی حیلانی اس که سن بیست سالگی ازلاهیجان باصفهان رف و آنجا به تحصیل علوم پرداخ وسپس همآنجا منرلی حریده توطن گرید و در سال ۱۱۲۷ ه بس شصت و نه سالگی در آن شهر درگذشت حرین پسر ارشد ابی طالب بود . یکی ار برادران او در کودکی و دو برادر دیگر در عنوان شباب فوت کردند.

حرین در روز دوشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۱۰۳ ه در اصفهان متولد شد و بس چهار سالگی شروع بتحصیل کرد و در عرض دو سال سواد حواندن و نوشتن را کسب کرد وبزودی ذوق وشوق فراوانی برای تحصیل علوم در وی ایجاد گردید و وی بسیاری ار کتب نظم و نثر فارسی را مطالعه کرده بحواندن رسایل صرف و نحو و فقه و منطق همت گماشت و چون ذوق شعر داشت و از حواندن آن بسیار لذت میبرد حود او نیر بگفتن شعر پرداخت ولی تا مدتی شعر حودرا ارنظروعلم دیگران پنهان داشت و چون استاد وی از این موضوع باخبر شد وی را ازسرودن شعر منع کرد و پدرش هم بسختی در این امر تأکید نمود ولی حرین با وجود این همه تهدیدات و سختی ها ار گفتن شعر دست نکشید و هر موقعیکه شعری

---

۱ ــ اسم شیخ زاهد گیلانی در نفحات الانس در ذیل ترجمه امیر قاسم تبریزی مسطور است

بخاطرش وارد میشدآنرا یادداشت میکرد اما از دیگران پنهان میداشت.

درسن هشت سالگی بامرپدر خود مشغول یاد گرفتن تجوید وقرائت قرآن شد و دوسال دراین فن مشغول بود و دراین مدت چندرساله در فن تجوید مطالعه کرد. سپس پدرش شخصاً بتدریس وی پرداخت وحزین شرح جامی بر کافیه وشرح نظام برشافیه و تهذیب و شرح ایساغوجی و شرح شمسیه و شرح مطالع در منطق و چند کتاب دیگر در فقه و حدیث و اصول نزد پدر خود خواند. همچنین بامر پدر در حدود سه سال در خدمت شیخ خلیل‌اله طالقانی تحصیل کرد اتفاقاً شیخ مزبور حزین را از گفتن شعر منع و زجر نمیکرد و حتی گاهی بشعرهای تازه وی گوش میداد و بقول حزین وی این تخلص‌را بنا بتوصیه و پیشنهاد وی اختیار نمود بعداز فوت شیخ مزبور حزین نزد شیخ بهاءالدین گیلانی تحصیل میکرد.

حزین ده ساله بود [۱] که پدرش بقصد ملاقات و زیارت برادر و اقارب خود بلاهیجان رفت وحزین‌را همراه خود برد. حزین قریب یکسال درلاهیجان توقف نمود ورساله خلاصة‌الحساب را درخدمت عموی خود شیخ ابراهیم زاهدی جیلانی (متوفی در۱۱۱۹ هـ)خواند

بعد از یکسال باصفهان مراجعت نمود و در صحبت بعضی علمای این شهر کسب فیض کرد ومخصوصاًعلم هیأت وتفسیر ومنطق و طب وهندسه را دراین مدت درخدمت فضلای اصفهان فرا گرفت.

روزی در مجلسی پدرحزین ازوی خواست که غزلی برببیت زیرمحتشم کاشی بسازدو بخواند

ای قامت بلند قدان‌در کمند تو رعنائی آفریده قد بلند تو

حزین غزلی ارتجالا ساخت و در آن مجلس خواند . حضار مجلس این غـزل را بسیار پسندیدند و از همان وقت پدر حزین نیز باو اجـازه گفتن

۱ـ ر ك تذكرة‌المعاصرين.

شعر را داد [۱].

در همان اوان روزی حزین سوار اسب شده در صحرا مشغول اسب دوانی بود. ناگهان‌ازاسب برمین افتاد و استحوان دست راست وی شکست و تا مدت یك سال خوب نشد اما در آن رورها هم حرین ارکارنوشتن و خواندن غافل نشد وقلم را بدست چپ گرفته مینوشت ار جمله اشعاری که درآن ایام سروده بود ساقی‌نامه‌ایست در قریب یکهرار بیت.

حرین در اصفهان با بعضی اکابر علماء و فضلای آن شهر صحبت وآشنائی داشت ار جمله مولانا محمد باقر مجلسی [۲] و میرزا علاء الدین محمد معروف به‌گلستانه و شیخ جعفر قاصی و مسیح‌الزمان آخوند مسیحائی کاشانی و مولانا حاجی ابوترابی و میررا باقر قاصی و مولانا شمس‌الدین محمد از علمای معروف زمان خود بودند

۱ ــ مؤلف«محرن العرایب»مینویسد که روری دو سه نفر ار فضلاء مهمان پدر شیخ حرین بودند و بپدرش گفتند که این پسر شما حدا فصلش ریادکناد معروف جهان حواهد بود عحب طبیعت ودهن رسا دارد محصوصا در علم شعر ار استماع این حرفها حرین‌که ار پدر حود محفیانه شعرمیسرود پیش پدر حیلی حجالت‌رده شد. در این اثنادکرشعرای کذشته بمیان آمد و نوبت بفضل مولانا محتشم کاشی رسید همه حضار بمدح و ثنای او لب گشادند و بیان این مطلع در میان‌آمد .

ای‌گردن بلند قدان درکمند تو   رعنائی آفریده قد بلند تو

مولانا حسن‌که ار فصلای رمان بود در آن محلس تشریف داشت بشیخ گفت مطلعی در حواب‌آن مطلع سارد شیخ بلاتأمل این مطلع بگفت وبخواند

صید ار حرم‌کشد حم جعد بلند تو   فریاد ار تطاول مشکین کمند تو

مولانای مدکور برحاست بوسه برپیشانی حرین داد و فضلای دیگر که درآنجا بودند بیر به‌شیخ تحسین وآفرین گفتند

۲ ــ حرین میگوید که وی سه چهار بار در حدمت ملا باقر محلسی رسید و هنور هفت هشت ساله بودکه ملای مربور فوت کرد

بعد از مدتی در حزین ذوق و شوقی برای استطلاع حقایق ادیان وملل مختلف ایجاد شد ودر نتیجه وی باعلمای نصاری و کشیش آنها بنام خلیفه[۱] آوانوس[۲] اختلاط و نزدیکی بهم رسانید ونیز بطور مخفی بیك نفر کلیمی بنام شعیب ملاقات کرده ونزد او کتب مسیحی و ترجمه تورات را خواند[۳] همچنین بتحقیق اختلافات فرق مختلف اسلام پرداخت و کتب هر فرقه را «منصفانه ومشتاقانه» مطالعه کرد و بامردمی که با مذهب خود علاقه و رابطه خاصی داشتند صحبت میکرد . در ضمن کتب متداوله را تدریس میکرد وبر بعضی کتب حواشی وتعلیقات مینوشت وهمچنین رسایل جداگانه‌ای در موضوعات مختلف نوشته و غالباً از نظر فضلای آن فنون گذرانیده اطمینان خاطر حاصل مینمود

در همان ایام تا مدت دو ماه مبتلا به عارضه مفاصل شد و در آنوقت چون فرصت داشت اکثر اوقات خودرا بگفتن شعر میگذراند. سپس کلیه اشعاری را که تا آنوقت سروده بود از قصاید و مثنوی وغزلیات و رباعی جمع آوری نموده اولین دیوان خود را ترتیب داد که تقریباً هفت هشت هزار بیت داشت[۴].

چندی بعد به شیراز رفت و از صحبت علمای آن شهر اکتساب معرفت نمود و طبیعیات شفا والهیات و شرح اشارات و حدیث ومعارف و کتاب تلویحات شیخ اشراق و بعضی از قانون و کتب دیگر را مطالعه کرد ودر ضمن کتب متداوله را تدریس مینمود.

۱ـ کشیش ترسایان و ارمنی‌ها را درآنوقت «خلیفه» میگفته‌اند ـ ر.ك. حاجی بابا تألیف موریر و «نظری بزندگی وآداب ایران» تألیف خانم شیل چاپ لندن ۱۸۵۶ م:

« Glimpses of Life & Manners in Iran » – by Lady Sheil

۲ـ بقول ریو این کشیش رومی کاتولیك و شاید اصلا فرانسوی بود.

۳ـ ر.ك. استوری ج ۱ ق ۲ ص ۸۴۱

۴ـ اما چنانکه شرح آن بعداً میآید این دیوان حزین تلف شد .

آزاد در خزانهٔ عامره مینویسد: «(حزین) شاگرد محمد مسیح فسائی واو شاگرد آقای حسین خوانساری است و در شیراز از او منطق و هیأت و حساب و طبیعیات و الهیات کسب نمود، و برخی احادیث و کتاب حکمةالعین با حواشی ازملامحمدشیرازی سند رسانید[1] حزین ازشیراز به بیضا رفت و آنجا با یك نفر دانشمند مجوس برخورد کرد و از وی اطلاعاتی درباره مذهب مجوسی کسب نمود و رساله «تحقیق غنا» و «رساله منطق» را درآنجا تألیف کرد. دوباره بشیراز برگشت و از آنجا به اردکان فارس رفته ازصحبت علمای آن شهر استفاده نمود و در همان شهر تألیف مجموعه‌ای را بنام «مدةالعمر» مشتمل بر نفایس نوادر شروع کرد و تا سال ۱۱۳۵ ﻫ بقریب هفت هزار بیت رسانید (ولی درهمان سال در اصفهان سانحه‌ای روی داد که در نتیجه آن کتابخانه حزین بغارت رفت).

از شیراز به فسا و از آنجا به کازرون رفت و از صحبت علمای آنجا کسب فیض کرد. سپس به شولستان و جهرم و داراب رفت و در خدمت علمای آنجا فیض علم اندوخت. در داراب رساله «لوامع مشرقه» در تحقیق واحد و وحدت و چند رساله دیگر در غوامض مسایل الهیه نوشت. از آنجا به‌لار و بندرعباسی[2] رفت.

اتفاقاً درآن ایام چند کشتی از بندرعباس به‌مکه میرفت و حزین هم فرصت را غنیمت شمرده عازم مکه شد اما کشتی وی گرفتار باران و طوفان شدیدی شد و بالاخره چندروز بعدبسواحل عمان رسید و آنجاراهزنان دریائی اموال‌مسافران کشتی‌را بغارت بردند وحزین بازحمت بسیار خودرا بمقسط رساند و یکماه آنجا توقف نمود و بالاخره ازمسافرت مکه منصرف شده وعازم جزیره بحرین شد ویك ماه بعد ازآنجا به‌بندر معموره کنگ و از آنجا سیر مناطق سردسیر فارس رفت و در عرض این‌مدت اراکثر نواحی فارس دیدن کرد. خلاصه بشیرازرفت وازآنجا

۱ــ ر.ك. خزانه عامره ص ۱۹۳ ۲ــ بندرعباس امروز

به‌راه‌یزد باصفهان مراجعت کرد. در راه در شهر یزد با بعضی علمای آنجا ملاقات و صحبت کرد

بعداز مراجعت باصفهان نزد مولانا صادق اردستانی[۲] کتبی چند درحکمت نظری و علمی خواند و در همان ایام رسایل زیررا تألیف نمود:

رساله توفیق درتوافق حکمت وشرکت ورساله توجیه کلام قدمای حکمای مجوس در مبداء عالم وحواشی برشرح حکمت اشراق وروایح الجنان ورساله ابطال تناسخ وشرح رساله کلمة التصوف شیخ اشراق وحاشیه برالهیات شفا وفراید العواید وحاشیه بشرح هیاکل النورورساله درمدارج حروف وفرسنامه.

همچنین در همان ایام اشعار خودرا جمع آوری نموده دیوان دوم خود را ترتیب داد که تقریباً ده‌هزار بیت‌بود. مثنوی تذکرة العاشقین‌را نیزدرهمان اوان در اصفهان‌شروع کرد این‌مثنوی‌متضمن‌حکایتی‌است‌منقول‌ازاصمعی‌ویکهزار بیت دارد. درسال۱۱۲۷ ه پدرش فوت کرد ودوسال‌بعددر۱۱۲۹ ه مادرش‌نیزدر گذشت. سپس مؤلف بشیرازرفت وچندی در آن شهراقامت نمود وهمانجا دیوان سوم خود را ترتیب داد که شامل‌سه چهارهزاربیت بود . ازشیرازدوباره باصفهان بر گشت.

دراوایل ۱۱۳٤ ه محمود خان افغان برایران حمله کرد و در این حمله ازجمله‌شهرهااصفهان را نیزغارت کرد . حزین دوهزارمجلد کتاب را متفرق‌ساخت وبقیه درآن حمله بغارت رفت درهمان ایام دو برادر حزین و جده مادری وی در گذشتند وخودش نیزتامدتی مریض‌بود

درغره محرم ۱۱۳۵ ه حزین‌تغییرلباس کرده ازاصفهان خارج شد وبزحمت تمام خود را بخوانسار رسانید وازآنجا به خرم آباد رفته دوسال درآنشهراقامت داشت ودراین مدت باعلمای آنجاآشنائی بهم رسانید . درهمان اوان « رومی‌ها » (یعنی ترکها) بشهرهمدان وارد وآنرا محاصره کردند وآنجارا موردتاختوتاز

۲ــ حزین در «تذکرةالمعاصرین» از این استاد خود خیلی تعریف‌کرده است.

قراردادند . حزین برای نجات دادن آشنایان خود بدان شهر رفت و از آنجا به بهاو بدوولایت بختیاری رفت. آنجا تصمیم گرفت که برای همیشه بعراق عرب رفته آنجا توطن نماید . باهمین قصد بخرم آباد مراجعت نموده عازم شوشتروخوزستان شد ودرراه درشهرشوشتربا علمای آن شهر نزدیکی و آشنائی بهم رسانید از آنجا به بصره رفت. اتفاقاً یك کشتی ازبصره عازم یمن بود. بنابراین بقصد یمن رفت اما آنجا مریض شد تا اینکه موقع حج گذشت ودوباره ازحج محروم ماند.

ازیمن به بصره مراجعت نمود وازآنجا ازراه شوشتر بخرم آباد رفت اما در آن شهرمریض شد ودرهمان اوان رومی‌ها (ترکها) بر آن شهر حمله کردند وحزین با لشکر آنها بکرمانشاهان رفت ومدتی درآنجا بسر برد و رساله «مفرح القلوب» درمجربات وفواید طبیه ورساله تجرد نفس را درآنجا تألیف نمود . از آنجا بقصد تویسرکان ومحال دامن کوه الوند رفت وازآنجا به بغداد و کربلا ونجف رفت و بالاخره در نجف رحل اقامت افکند ودرحدود سه سال در آنشهر اقامت داشت دراین مدت یك نسخه مصحف (قرآن) را بخط خود نوشته درروضه حضرت علی گذاشت وبا علمای آن شهر صحبت هائی داشت

ازنجف بقصد مشهد ازراه بغداد و کردستان و آذربایجان بمازندران رفت و چون شاه طهماسب صفوی [1] (٤٤ ــ ١١٣٥ﻫ) مشهد را فتح کرد حزین ازراه استرآباد بمشهد رفت ودر آنشهر قسمت بیشتر کتاب کشفیه خود را باچند رساله دیگر تألیف نمود و گاهی با «اعیان ومستعدان» آنجا صحبت هائی داشت . همانجا اشعارخود را جمع آوری نموده دیوان چهارم خود را ترتیب داد ومثنوی «خرابات» بطرز و روش

---

١ ــ حزین چندین بارباشاه طهماسب ملاقات کرد . بقول حزین شاه طهماسب درمشهد برای دیدن وی آمد ودرسنه ١١٤١ ﻫ هنگامیکه لشکرشاهی براشرف افغان حمله کرد شاه طهماسب ازحزین دعوت کرد که باتفاق وی برود وهمچنین درموقعی دیگر حزین بشاه مزبور نصیحت هائی کرد واورا طرقی برای تحفظ وبقای سلطنت خانواده اوتلقین کرد (ر.ك تاریخ احوال حزین)

بوستان سعدی که یکهزار و دویست بیت دارد همانجا شروع کرد ولی این مثنوی در آن شهر باتمام نرسید .

درسال ۱۱٤۲ ه موقعی که طهماسب میرزا یاشاه طهماسب دوم صفوی برای استیصال اشرف خان افغان متوجه اصفهان شد حزین نیز بدعوت وی همراه اورفت ولی درسبزوار به تب دچار گردید وبنابراین بساری مازندران رفته برای دوماه آنجا بستری شد اما در آن حال هم بعضی شاگردان را درس میداد . ازساری براه تهران واصفهان وشیرازولار به بندرعباس رسید ودر۱۱٤۳ ه آهنگ سفرحجاز کرد ازبندرعباس به بندرصورت (؟) [۲] وازآنجا به مکه رفت وبعد ازفراغت از حج «بسبب اشارتی که دررؤیا روی داد »رساله امامت را تألیف نمود وسپس در۱۱٤٥ه به جزیره بحرین وازآنجا به بندرعباس مراجعت نمود .

ازبندرعباس به لاررفت ولی بنا بعللی دوباره به بندرعباس برگشت وتصمیم گرفت ایران را ترک گفته به نجف برود . اما چون در آن ایام « خان معظم » بغداد را محصورداشت با «جماعت ولندیسیه» (ولندیزی) بسواحل عمان رفته و مسقط رسید ولی ازآنجا بعلت ناسازگاری طبع دوباره به بندرعباس مراجعت نمود وازآنجا بکرمان رفت .

چون لشکر قزلباش [۱] شکست خورد و«خان معظم » ازبغداد مراجعت کرد حزین دوباره بعزم بصره ونجف به بندرعباس رفت ـ ولی دراین اثنا راه بغداددوباره بسته شد بنابراین ناچاردراول رمضان ۱۱٤٦ ه حزین با کشتی عازم سند(هندوستان)

علت این تصمیم ناگهانی حزین را برای مسافرت بهند واله در«ریاض الشعراء

۲ ـ معلوم نیست که حزین برای رفتن به حجاز چرا اول به بندرسورت (هند)رفت ظاهراً «بندرصورت» غلط چاپی است .

۱ ـ قزلباش اشاره به «نادرشاه» است چنانکه حزین درموارد متعددی در«تاریخ احوال» برای نادرشاه همین کلمه را بکار برده است.

دردیل شرح حال حزین چنین توضیح داده است

شیخ حزین یك دوماه نزد اهل لار بود که میرزا باقر کلانتر هجوم کرد . وقت طلوع صبح بخانه ولی‌محمدخان شاملو متخلص به سرور که درآنوقت ازجانب قهرمان‌ایران [۲] حاکم‌لار بود ریخته جان مشارالیه را بقتل رسانید وازآنجا نزد شیخ رفته عمل شنیع خود را اظهارواعتراف نمود ولوای مخاصمت ومخالفت‌نادرشاه را افراشت . محمدخان بلوچ که با چند هزار نفر ازطرف نادرشاه برای محاصره جهرم فرستاده شده بود (چون حاجی‌علی‌بیگ حاکم آنجا یاغی‌شده بود) باستماع این خبرمتوجه‌لار گردید . حزین و کلانترمزبورومردم شهردرحراست‌شهرپافشاری نمودند ولی‌بالاخره نصف شب ازیك‌طرف‌شهر برآمده متفرق گشتند ودرنتیجه‌بعضی ازآنها دستگیرو گروهی طعمه شمشیرشده وبرخی‌جان بسلامت بردند

بنابراین حزین متهم بقتل ولی‌محمدخان وتولیداین فتنه شد . حزین‌بهزار زحمت خودرا بساحل‌عمان رسانید ولی‌ازفرط مشقت تاب نیاورده باربه‌بنادرفارس مراجعت نمود وازآنجا بکرمان‌آمده عازم اردبیل شد . کلانتر کرمان ازورود حزین باخبرشده سعایت شخصی‌ازملازمان ولی‌محمدخان که درآن‌شهر بود بمحمد تقی‌خان مشهدی رضوی بیگلربیگی آنجا خبررسانید وهردودرصدد «ایذاواهانت» حزین برآمدند .

اتفاقاً درهمان ایام واله‌بعلت‌فوت‌موسم سفردریا نتوانست بهندوستان‌عزیمت نماید وبنابراین بکرمان رفته درانتظار موسم مناسبی برای رفتن بهندوستان بود . بیگلربیگی مزبورازآشنایان نزدیك واله بود ولذا واله کلانترو بیگلربیگی‌هردو را ازآسیب رساندن واذیت کردن‌شیخ منع کرده وشیخ راباتفاق خود به‌بندرعباس برد میرزا اسمعیل زمین داوری که حاکم بندرعباس بود ازهردوآنها پذیرائی گرمی بعمل‌آورد وشیخ نزد اوماند وواله عازم هندوستان گردید امابعدا ازده

۲ - ازقهرمان ایران‌مراد «نادرشاه» است چنانکه‌واله‌مکرر درتذکره «ریاض‌الشعراء» اورا باین لقب یادکرده است .

روزشیخ حزین نیز بعلت تعذرازتوقف دربندرعباس مجبورشد به هندوستان عزیمت نماید .

حزین غره شوال به تته رسید وازآنجا با کشتی بـه خداآباد رفت ومدت هفت ماه بعلت بیماری درآن شهر توطن نمود ازآنجا به بهکر کنارآب سند رسید وآنجا قریب بهیکماه توقف نمود[1] وازبیك قریه ایکه نزدیك حصارملتان بودمرفت ودوسال درآنجا اقامت داشت وهمانجا رساله «کنه المرام» دربیـان قضا وقدر وخلق اعمال وچند رساله دیگررا تألیف نمود . از ملتان بهلاهوروازآنجا بدهلی رفت ویکسال درآن شهراقامت داشت وسپس بعزم برگشتن بایران بلاهوررفت ولیآنجا خبررسیدن لشکر«قزلباس» قندهاررسید[2] ومحاصره آن شهرخیلیطول کشید .هنوز نـادرشاه درکابل بودکه حزین ازلاهوربسوی سلطان پورحرکت کرد وازآنجا بسرهندرفت وچون نادرشاه براه کرنالعازم دهلیشد[3] حزین نیزبدهلی

۱ ـ آزاد درخزانه عامره (ص ۱۹٤) مینویسد «اتفاقاً درآن ایام که درحدودسنه سبع واربعین ومائة والف (۱۱٤۷ هـ) بود فقیرازسیوستان محمل سفرجانب هند بربستم و دربلده بهکرفرودگاه شیخ وفقیربرنزدیك واقع وباهم صحبتها دست دادوجزوی اشعارخط خود برسبیل یادگارتسلیم میںمود. فقیربرجناح استعجال راه پیش گرفتم وشیخ بتانی قطع مسافرت کرده برسرملتان ولاهورعبورنموده بمنزل مقصود یعنی دارالخلافه شاهجهان آباد فایزشد » .

توضیح ـ بـاید ادعـان کرد کـه در آن ایام قسمت شمالیهندوستانرا هند یا هندوستان و قسمت جنوبی هندرا دکن وقسمت شرقیرا بنگالهمیگفتند

۲ ـ نادرشاه قبلازنوروز ۱۱٤۹ هـ بقندهاررسید واینشهرروز۲ ذوالقعده ۱۱۵۰هـ بدست وی افتاد

۳ ـ نادرشاه در۱۵ ذوالقعده ۱۱۵۱هـ درجنك کرنال لشکردشمن را شکست داد و در۹ ذوالحجه۱۱۵۱هـ وارد دهلی و۷صفر۱۱۵۲هـ آنشهرراترك گفت .

رفت وتا مراجعت نادرشاه اردهلی در آن شهر حزین را پنهان نگهداشت [۱]

بعدازمراجعت نادرشاه (۷ صفر ۱۱۵۲ ه) حزین دوباره بلاهوررفت ولی ذکریاخان حاکم آنجا دشمن اوشده نزدیك بود اورا آسیبی رساند که اتفاقا حسنعلی خان کاشی که ازجانب محمد شاه « برسبیل سفارت » پیش نادرشاه رفته بود بلاهور برگشت [۲] وبنا بتوصیه واله ازآنجا شیخ حزین را همراه خود بعافیت به دهلی رسانید [۳].

چون حزین بدهلی رسید محمد شاه بنا بتوصیه وپیشنهاد عمدة الملك امیرخان متخلص به انجام بحزین سیورغلی عطا کرد [۴] مؤلف « مخزن الغرایب » مینویسد « امیرخان انجام جاگیرمبلغ چهل هزارروپیه در نزدیکی اکبر آباد (آگره) برایش گرفت ازمردم ثقه شنیدم که پادشاه مزبورمبلغ پنج لك روپیه بمعرفت (بتوسط) نواب مزبور بشیخ عطا فرموده ».

غلامحسین خان مؤلف «سیرالمتاخرین» مینویسد: «محمدشاه بوساطت عمدة الملك

---

۱ ـ آزاد درخزانه عامره (ص۱۹٤) مینویسد که درمدتیکه نادرشاه دردهلی بود حزین درخانه واله پنهان بود وواله در« ریاض الشعرا» دراین باره مینویسد. «شیخ لابد بدهلی تشریف آورد. درکلبه این ذره ناچیز منزوی و مخفی ماند تاکوکب اقبال شاهی ازشاهجهان آباد مراجعت بایران نمود»

۲ ـ واله دراین باره در«ریاض الشعرا »چنین مینویسد «بنا برجهتی که شرح آن طولی دارد ذکریاخان بهادردلیرجنك که صوبدار(استاندار) آنجا (لاهور) بودخواست به حضرت شیخ آسیبی برساند اتفاقاً درآنوقت اخوی ملکای حسنعلی خان کاشی ازجانب پادشاه عالم پناه بسفارت بخدمت قهرمان زفته مراجعت نموده بلاهوررسیده بود راقم حروف (واله) بخان معزالیه نوشتم شیخ را باتفاق خود بشاهجهان آباد سالماً وغانماً رسانید وتا حال تحریر(۱۱٦۳ ه) درشاه جهان آباد تشریف دارد»

۳ ـ ر.ك. خزانه عامره ص ۱۹٤

٤ ـ ر.ك. خزانه عامره ۱۹٤

ودیگرمقربان دولت خواه مکرم پیغام داده مسألت نمود کـه (حزین) متعهد امضای اموروزارت گشته رونق افـرای سلطنت اوشود اما چون سرفـرودآوردن بدنیا ننگ وعارآن نقاوه اخیار بود راضی نشد »[1] .

اکنون وضع مالی حزین مستحکم گشت ولی بعلت هجوونکوهش سرزمین هند بضی‌امرا وخواص دهلی بمخالفت او برخاستند . آزاد در«خزانه عامره» باین موضوع چنین اشاره میکند

« قضارا شیخ اهل‌هند را هجو کرد ازآنجمله است این بیت .

نسناس سیرتی‌است تمامی مردمی ازدیولاخ هند که انسان نداشته است»[2]

همچنین در کتاب « تاریخ احوال » کـه حزین در۱۱۵٤ هـ دردهلی تألیف کرد درباره خود خواهی وخود غرضی مردم هند میگوید

« رسوخ این شیوه ازتأثیرات آب وهوای هند است چه ظاهراست کـه خلق این دیارباکسی بی غرض آشنا نیستند وازباستان‌نامه ها هویدا است که قبل‌ازاسلام فیرایان وفرماندهان این دیار را همین طبیعت بوده است » .

در کتاب فوق حزین در چندین مورد از اهالی هند نکوهش و بدگوئی کرده‌است و همین هجو و بدگوئیها بود که بعضی شعرا و ادبای هند را بمخالفت حزین برانگیخت و بعضی از آنها مخالف سرسخت وی شدند و حتی علیقلی‌خان واله که اصلا ایرانی بود و تعصب ملی در او باندازه‌ای بود که اکثر شعرای فارسی معاصر هندی الاصل را بحساب نمیآورد و خود دوست صمیمی حزین بود براین عمل قبیح حزین وی را مورد سرزنش وانتقاد قرارداده ودر «ریاض‌الشعرا» دراین باره چنین مینویسد :

«پادشاه و امرا و سایر ناس کمال محبت و مراعات نسبت بوی (بحزین) مرعی دارند از آنجا که مروت جبلی و انصاف ذاتی حضرت شیخ است عموم اهل

۱ ـ سیرالمتاخرین چاپ کانپور۱۸٦٦م ج ۲ ص٦١٥

۲ ـ ر ك خزانه عامره ص ۱۹٤

این دیار را از پادشاه وامرا و غیره هجوهای رکیك که‌لایق شأن شیخ نبوده نمود و هرچند اورا از این‌ادای زشت منع کردم فایده نبخشید و تاحال در کاراست.لابد پاس نمك پادشاه وحق صحبت امرا و آشنایان بیگناه گریبان گیرشده ترك‌آشنائی وملاقات‌آن بزرگوارنموده این دیده‌را نادیده انگاشتم. آفرین‌برخلق کریم و کرم عمیم این بزرگان که با کمال قدرت در صدد انتقام برنیامده بیشتر از پیشتر دررعایت احوالش‌خودرامعاف نمیدارند واین‌معنی‌زیاد موجب خجلت عقلای‌ایران که‌دراین دیار بلای غربت گرفتارانند میشود

هرکه پاکج میگذارد ما دل خود میخوریم

شیشه ناموس عالم در بغل داریم ما

«القصه (خلاصه) بعضی از غیوران این مملکت کمر انتقام بسته تیغ هجا بروی کشیده در نظر ارباب خرد خفیفش نمودند. از جمله سراج الدین علیخان آرزو که ازشعرای این شهر است و در فضیلت وسخنوری گوی از میدان همگنان میرباید بسیار اشعار غلط از دیوان شیخ برآورده رساله مسمی به «تنبیه‌الغافلین[1]»

۱-آرزو درمقدمه این رساله‌که واله نیز در «ریاض الشعراء» آنرا نقل کرده است درمورد سبب‌تألیف‌آن چنین توضیح داده‌است

«بسم‌الله الرحمن الرحیم بعد حمد کلام‌آفرین‌کلیم و قایل فوق‌کل ذی علم علیم جل شانه و اعظم برهانه و صلوة برافصح‌الفصحا که فاتحه‌کتاب خلقت و خاتمه رساله نبوت‌است علیه‌و آله من‌التحیات اتمها عرض میشودکه دراین ایام مطالعه دیوان بلاغت تبیان جناب فیض مآب شعرای روح نکته‌پردازی وپیرفلك سخن سازی بقیةالسلف و حجةالخلف نتیجه متقدمین وخاتم متاخرین شیخ محمد علی متخلص بحزین‌که تخمینا ازمدت ده سال بسبب هنگامه ایران وارد هندوستان جنت نشان‌که داخلش من دخله‌کان آمنا گویا ست‌گردیده و از طنطنه شاعریش‌گوش اکابر واصاغر پرگشته اتفاق افتاد و استفاده تمام دست بهم داد ولیکن در بعضی اشعارکه بسبب قصور ذهن بمعانی‌آن نرسیده وقایر بمقاصدآن نگردیده

بقیه حاشیه درصفحه‌بعد

نوشته و ابیات مذکور را یك یك ذکر کرده و تعریضات نمود چنانچه قدری از آن رساله در اینجا ذکر کرده شود تا ارباب فکرت بدکا عبرت از آن گیرند ..»

همچنین حزین میرمحمد افضل ثابت وغیره را هجو کرد و درجواب آن پسرمحمد افضل بنام میرمحمد عظیم ثبات پانصد بیت ازدیوان شیخ درآورده شیخ را بسرقت آن ازشعرای دیگرمتهم کرد و ملا ساطع وغیره درجواب هجو مردم کشمیر حزین را هجو کردند.

اما تعداد هوا خواهان حزین در هند کم نبود چنانکه بعضی از آنها مانند تیك چند و مرزا قتیل وسیالکوتی مل وارسته وآزاد[1] وغیرهم بدفاع وی برخاستند و حتی بعضی رساله هائی در جواب اعتراضات آرزو و معترضین دیگر نوشتند وطی آن از حزین دفاع نمودند. ولی مخالفین حزین در دارالسلطنت دهلی باندازه‌ای زیاد و قوی و با نفوذ بودند که حتی خاطرعمدةالملك امیرخان متخلص به انجام را نیز که ازمربیان بزرگ حزین بود ازطرف حزین مکدر کردند. خلاصه‌چون حزین محیط دهلی‌را سازگار و موافق خود ندید مجبور شد دهلی‌ر ترك

بقیه‌حاشیه از صفحه قبل

تردد‌هائی روداد ناچار در تحریر بروی قلم مشوش رقم خود کشاند و نیز پاره‌ای ازمصارعی‌را که از نارسائی فهم خویش نارسا فهمیده گاهی باندك تغییر و تبدیل گردانیده وگاهی خود گفته و رسانیده پس این‌را از عالم خطای بزرگان گرفتن که درواقعی خطای بزرگیست تصورنباید فرمود بلکه برای غلط خودکه دستمایه اهل هند است مستندی پیدا نمود. امیدوار است که اگر سطرشریف او درآید از خلل « زلل برآید »

همچنین مولوی امام بخش صهبائی کتابهای «قول فیصل» و «اعلای حق» و محسن علی برادرزاده آرزو کتابی درانتقاداشعار حزین تألیف نموده‌اند (ر ك . حاشیه‌او ۲ ص ۳۳۵ در ذیل آثارآرزودراین کتاب)

۱ــ ر ك خزانه عامره ص۱۹۵ــ۱۹۶ که آنجا آزاد به بعضی اعتراضات آرزو جواب داده است.

به آگره رود و از آن‌شهر به‌بنارس مهاجرت کند و همآنجا برای‌همیشه متوطن شد.

با وجود اینکه حزین در بنارس (که بزرگترین مرکز مذهبی هندوان بود) باکمال‌راحت واحترام زندگی میکرد وارادتمندان وی همیشه برای عرض ارادت بخدمت وی رفت و آمد داشتند[1] ولی بااین وصف او هیچوقت با زندگی‌خود در هندوستان خرسند و راضی نبود و چندین بار سعی کرد به ایران برگردد اما در این منظور موفق نشد چنانکه مؤلف سیرالمتأخرین در این باره مینویسد:

«چند بار آن عالی‌مقدارتاعظیم آباد (پتنه) رسیده عازم بدررفتن ازخاک‌سیاه[2] هند بود (ولی) تقدیرمساعدت‌ننمود»[3]

در باره زندگی وی در بنارس حسین دوست در «تذکره‌حسینی»مینویسد:

«ازمال هندوستان چیزی نمیگرفت تاآنکه عمدة‌الملك امیرخان انجام ازاله‌آباد آمده اعتقاد بهمرسانید سند جند لك دام بطریق مدد خرج درست کرده آورد التماس قبول نمود ازآنجاکه تحقیق ربط شده بود (یعنی با هم علاقه صمیمی‌پیدا کرده بودند) رد آن نفرمود و نواب مسارالیه آن سند را شخصی‌تفویض کرده که حالات حاصلات (یعنی در آمد محصولات) آنرا فصل به فصل عاید سرکار شیخ نماید»

همچنین‌حاکم در«مردم‌دیده» مینویسد. «بالفعل در بنارس فرو کش دارد (یعنی اقامت دارد)درلباس‌فقیری (زندگی‌خودرا) ایامرا به میگذراند»

در بنارس چندین دفعه در ۱۱۷۷ه شاه عالم پادشاه هند(۱۱۷۳ - ۱۲۲۲ه) وشجاع الدوله وزیر اود ومیرقاسم ناظم بنگال برای دیدن حزین آمدند وظاهراً نظر بشهرت وی در تقوی وتعبد و کشف و کرامات وعصبیت که خودشان درخدمت

۱ - ر ك. سفینه خوشگو حزین ۲ - عجیب است که حتی بعضی اهالی هند هم اینقدر پست و بی‌حمیت بودندکه به تقلید بعضی ایرانیهای مغرور خاك هند را «سیاه» می گفتند

۳- ر ك سیرالمتأخرین ج ۲ ص ۶۱۵

شیخ داشتند در مسایل کشور باوی مشورت میکردند چنانکه حزین بآنها توصیه کرد که باانگلیسها جنگ نکنند[۱]

در آخر زندگی حزین تصمیم گرفت بقیه عمر خود را در بنارس سر آورد و حتی مقبره‌ای در آن شهر برای خود بنا کرد و چون در روز دهم (یا پانزدهم یا سیزدهم یاهیجدهم) جمادی‌الاول ۱۱۸۰ ه[۲] چشم ازاین جهان بربست درهمان مقبره مدفون گشت . آزاد تاریخ فوت حزین را در خزانه عامره (ص ۲۰۰) شب یازدهم جمادی‌الاول ۱۱۸۰ ه ذکر نموده وقطعه زیررا که خودش درتاریخ فوت حزین گفته‌است آورده‌است .

علامه عصر و شاعری خوب　　　افسوس که ازمیانه برخاست
تاریخ وفات او نوشتم　　　ازفوت‌حزین‌حزین‌دل‌ماست

مقبره حزین در شهر بنارس در محله‌ای که بنام فاطمان معروف است هنور پابرجااست وروی قبروی این عبارت‌بخط خوداو کنده شده‌است :

زبان‌دان محبت بوده‌ام دیگر نمیدانم
همین دانم که گوش از دوست پیغامی شنید اینجا
حزین از پای ره پیما بسی سرگشتگی دیدم
سر شوریده بر بالین آسایش رسید اینجا

حزین شیعه اثنی‌عشری و دارای مقام ارشاد بود و دیوان وی پر از شواهد تشیع‌وی میباشد.

اکنون عقاید و آرای بعضی تذکره نگاران معاصر در باره حزین اینجا نقل میگردد.

باید توجه داشت که در هندوستان بعد از اینکه حزین هجو بکشور هند و

۱ ـ سیرالمتاخرین ج ۲ ص ۷۴۶

۲ ـ ر.ك. استوری ج ۱ ق۲ ص ۸۴۱.همچنین‌درتحفةالعالم‌تالیف‌عبداللطیف موسوی (قرن ۱۳ه) ودر مرآت الاحوال ، سال فوت حزین۱۱۸۱ ه ثبت‌شده است.

اهالی آنجا را مرتکب شد دو گروه افراطی وجودداشت اول ازموافقان حزین و دوم از مخالفان وی اما در بین این دو گروه یك گروه سومی هم بود که باهیچکدام ازاین دو گروه افراطی تعلق نداشت. حالاعقاید هریك ازاین سه گروه اینجا نقل میشود.

سراج الدین علی‌خان آرزو که از مخالفان سرسخت حزین بود در «مجمع‌النفایس» درباره حزین مینویسد. «مدت مدید گذشته که (شیخ حزین) از تسلط نادر شاه برقلمرو ایران و نارسائی روزگار و مزاج خودش وارد هندوستان جنت‌نشان گشته ودر هنگامیکه نادرشاه برشاهجهان آباد (دهلی) مسلط شده بود وشهر مذکور بتصرف قشون او درآمده بوددر گوشه‌ای خزیده بود بعد از رفتن افواج شاهی بار ظاهر شد چون کسی چنانکه قدر او بود در آنوقت نشناخت و نازکی مزاجش که از کمرخوبان باج میخواهد باسختی ایام ساخت نعزم ولایت (ایران) عازم لاهور گردید وبیشتر نتوانست رفت. ازین که طبع ناساز دارد وطن وغربت بر (برای) او یکسانست.

«عجب آنکه شیخ مذکور رساله‌ای مشتمل برحسب و نسب و سیر و سفر خود نوشته دعوی های بلند درآن نموده که صاحب داعیه از آن معلوم میشود گویا علت غائی نوشتن رساله مذمت هند و اهل هند است .. (باوجود اینکه) درهندوستان بهشت نشان هیچکس اورا بالای چشم ابرواست نگفته‌عبث عبث در حق این ملك واهالی آن گفته آنچه گفته

«دیوان مذکور (چهارم) مکرر بمطالعه درآمده بآن‌درجه که مظنون ومتیقن (جماعت) نصیریان اوست نیست اکثر تربیت‌طلبان و کاسه لیسان اعتقاد بیش ازپیش درخدمت عزیردارند میگویند که‌شیخ مذکور فاضل‌است وصاحب تصانیف لیکن هیچ تصنیفی ازعلم حکمت و کلام نظر نیامده بعد(از) مطالعه احوال‌مصنفات معلوم خواهد شد آری شعر که میگوید»

عبدالحکیم حاکم که به هیچکدام از این دو گروه افراطیون تعلق‌نداشت در «مردم دیده» درباره حزین مینویسد «در نارس دو مرتبه بصحبت شیخ محمد

علی‌حرین سلمه‌اله تعالی رسیدم سیار بحلق برخورد. ازحالات و کمالش‌چه نویسم که‌درهندوستان وایران اشتهارتام دارد دراین‌عصرهمچو اوی نیست... آنچه، خان آرزو در«تنبیه‌العافلین» براشعارش ایراد گرفت اکثرآن ار ستم طریقی است مگر در بعضی‌مواضع گرفت(یعنی‌ایراد) بحاست».

میرحسین دوست که بهمین گروه بیطرف تعلق داشت در « تذکره حسینی » می‌نویسد : الحال در بنارس سکونت دارد و درفن‌شعراورا یدبیضاست نطور (یعنی به‌سبك) قدیم و حدید و در حسن محاورت[1] بی‌نظیر است.حط ثلث و نسخ و رقاع و شکسته در نهایت حودت مینویسد و ربد و پارید درست میدا بد و ار عریب علوم بهره‌منداست. چون شیخ در حنب (یعنی در مقابل) شعرحود شاعران هند را وقعی نهاده از این معنی عداوت بهمرسید و در پی‌آهو گیریها (یعنی عیب جوئیها) کمر بستند چنانکه سراج‌الدین علیحان سلمه‌اله‌اردیوان (حرین) چهارصد بیت‌معشوش و اکثر بی ربط ترکیب و سیاری حلاف محاوره متعدمین و متاحرین برآورده حطبه وخاتمه نگاشته نسحه ساحته تنبیه‌العافلین نام‌نهاده‌این چندبیت‌ارآنست. .. قطع نطر (صرفنطر) ار اینها انصاف آنکه شیخ رمانه با کمال تقدس و صفا و ورع و همت و سحا است و در شعر ثانی میرزا صائبا هیچ یکی ار شعرای حال پهلو به‌اونمی تواند رد (یعنی نمی تواند حریف او شود) و عالمی داشته (حالی داشته) که وی را (ار) اختلاط حوش نمی‌آمد فقیر (مؤلف) یك دیوانش که تصنیف هندوستانست قریب نست (بیست) هرار بیت سیر کرده انتحاب برداشته از حمله چند بیت مرقوم میشود»

آقای رموند[2] مترحم سیرالمتاحرین که در سال های ۱۷٦٤ و ۱۷٦٥ میلادی (مطابق ۱۱۷۸و۱۱۷۹ هـ) باحرین‌ملاقات کرده نود‌مینویسد که‌بعقیده وی حرین « صاحب فهم و دانش » نود

۱ـ ط . محاورت

۲ـ Mr. Raymond

اکنون عقاید دوستان و ارادتمندان حزین درمورد فضل و کمال وی مرقوم می گردد.

واله که ازدوستان صمیمی حزین بود درپایان شرح حال وی در «ریاض الشعرا» مینویسد «خلاصه باوجود این حال (یعنی ایرادات آرزو وغیره) بیان واقع آنست که شیخ دراین عصرو زمان سرآمد سخنوران عالم است چنانکه این ابیات که ازمتحصلات افکار اوست اثبات این مدعامینماید».

غلامحسین خان مؤلف «سیرالمتأخرین» که از عقیدتمندان حزین بود و دراواخر عمر باحزین خیلی نزدیك شده ومکرر برای دیدن وی به بنارس رفته بود درباره فضل وتبحر علی حزین مینویسد: «مخفی نماند که فقیر(مؤلف) وکسانیکه بهمه وجوه بهتر ازحقیر بوده اند اعتراف دارند که دراین عصرو زمان چون او کسی دیده نشده بلکه مترددین عرب و عجم[1] نیز بجامعیت آن جناب درجمیع علوم ظاهر وباطن احدی رادراطراف واکناف عالم نشان ندیده آیتی بود ازآیات الهی»[2]

خوشگو که از شاگردان خان آرزو بود اماعلاقه و ارادت مفرطی در خدمت شیخ حزین داشته درباره حزین درسفینه خود مینویسد «چندسالست که بدارالخلافه شاهجهان آبادزیست افروز استوعالمی ازبرکات خدمتش بهره اندوز بسیار صوفی مزاج و تجردپیشه است ازعلوم ظاهر وباطن نصیبه وافی یافته و نسب اسلاف اشراف زنده داشته بمتقدمین مثل سعدی و خواجه شیراز وپاره(ای) بمعانی(علاقه) دارد و دیگر تازه گویان مثل صائب وسلیم و کلیم راوجود نمیگذارد (یعنی اهمیت نمیدهد) وچون مصارفش عمده است(یعنی خرجش زیاد است) (و) ازهیچکس چیزی قبول نمینماید از این جهت مردم ازگمان غالب آنست که حضرت شیخ دست غیب دارد والله اعلم

«بحقیقت الحال امروزاهل ایران جناب اورا بمرشدی میپرستند(به) خصوص

۱- یعنی کسانیکه بعرب وعجم رفت وآمد داشتند.
۲- سیرالمتاخرین ج ۲ ص ٦۱۵

نواب‌صاحب عمدةالملك امیرخان‌بهادر مرحوم اعتقادبلیغ باوی داشته.دراین که حصرت‌ایشان بعدازسیر اعظیم‌آبادمعاودت کردوبه بنارس تشریف آوردند بسبب کسل‌مزاج چندی‌درین‌جاتوقف‌فرمودند چندشعر بخدمت ایشان‌فرستاده‌استدعای ملازمت‌نمود بخودطلب‌فرمودندچون‌سعادت‌حضوررسیدفرشته(ای) دیدباآب‌وگل رحمت سرشته...»

احمدعلی سندیلوی مؤلف «مخزن‌الغرایب»درتذکره‌خود در ذیل‌نام‌حزین مینویسد: « شیخ الاجل الاعظم فخرالعرب و العجم المدعو‌العلی المتخلص به‌حزین‌رحمةالله‌علیه... وی آراینده‌چهره بلاغت‌وپیراینده‌سروبوستان براعت‌است اوراق‌رفعت کلام‌وی برتراز طاق‌سپهر و خاطر روشن‌او مصقله آئینه‌مهر است‌چنین شاعرصاحب استعدادو صاحب‌مایه‌بعد از مولانا جامی بعرصه سخنوری نیامده اگر کسی‌درین معنی‌انکار نمایدو معترض‌شود حرفضول‌و خودپسندی‌نخواهدبود.اکثر عزیزان که‌از ولایت ایران بهند آمده‌اند میگویند که اشعار شیخ درولایت پسند نمیکنند جای‌تعجب‌است باوجودعذوبت وسلاست که در کلام اوست‌پسند نکردن چه جهت دارد چون‌شاعر صاحب‌کمال وبسیاردان مانند او دیگری درآن زمان نبوده که شهره‌آفاق باشد.»

سپس‌مینویسد: «حضرت شیخ بسبب ترفع وعلوشان باکثر مردم بی اعتنائی میکر قعی نمی‌نهاد ازاین‌سبب گرمی‌بازارش‌سرد گشته‌دگردر(باره) بعضی‌اعزه‌و ... ف ناملایم‌ردواکثرراهجو کرد این‌مردم ..درپی‌انتقام شدند ... ومردم کشمیررا بیرهجوهائی کیك کرده این‌قوم هم‌بشیخ‌در افتادندوملاساطع وغیره‌رابر آن‌داشتند که‌هجاءشیخ بگویند ایهام رنخی‌زده بریش‌خود خندیدند چراکه (زیراکه) درحق کلام شیخ کلام اینهامعلوم. پس گویا هجوخود کردند. دربنارس رحل‌اقامت انداخت‌اهل‌بنارس چه‌ارفرقه‌هندووچه‌مسلمان خاکپایش رابجای سرمه‌چشم میکشیدند و از دور و نزدیك جهت زیارت شیخ میرفتند وبآن

دفترسوم چاپ‌نشده ص ۲-۲۹۱

مباهات‌میکردند که‌من‌شرف صحبت شیخ‌رادریافته‌ام فی‌الواقع‌جای مباهات است چرا که همین بزرگانند که قابل‌الزیاره هستند و حضرت شیخ اکثر بزرگان را دریافته واز نفایس قدسیه آنها فایده‌وییمنت حاصل نموده‌بود تاحین رحلت اوقات شریف(را) بلطافت‌و سخاوت بسربرده. درباب‌اخراجش (مخارج او) که بهزاران روپیه‌میکشید مردم‌انواع‌قسم حرفها میزدندچیزیکه اورا عقل باور و قبول نماید استماع‌نیفتاده وحضرت‌شیخ جامع‌انواع‌طرز سخن‌است ».

خلاصه‌مردم عامی‌هندوستان وحتی‌اکثر خواص آن کشورعقیده داشتند که شیخ‌حزین صاحب کشف و کرامات بوده چنانکه در « آرایش محفل » (تألیف ۲۰ــ۱۲۱۹ ه) آمده‌است که ازطرف‌خدا برحزین‌الهام‌میشده ووی‌معجزه‌میکرده وبرآفتاب هم‌تسلط وقدرتی‌داشته‌است

آثارمؤلف

آثارمؤلف بدین‌قراراست .

(الف)ــنظم

چهار دیوان شعر ـ حزین در « تاریخ احوال » ذکر این دیوانها را درصفحات ٦٤و۹۷و۱۰۱و۱٦۳ آورده‌است (رجوع‌شود شرح‌حال حزین) اماهیچ نسخه‌ای ازسه‌دیوان‌اول حزین‌امرور وجودندارد وتنها بعضی نسخ‌دیوان‌چهارم وی مورخ ۱۱۵۵ ه که‌درآن‌مؤلف‌تذکر داده‌است که قبل‌ازآن‌سه دیوان ترتیب داده و این که‌آن دیوان چهارم رادرهندوستان ترتیب داده‌است امروز بجا مانده است نسخه‌ای‌ازاین‌دیوان درموزه بریتانیاموجوداست(رجوع‌شودبه‌ریو ج۲ص۷۱۵الف) همچنین درخاتمه دیوان که درآخر تذکرة‌المعاصرین ضمیمه‌شده‌است‌مؤلف‌تذکر داده‌است وی‌در۱۱۵۵ ه چهارمین‌دیوان خودراترتیب‌داده‌است

دیوان‌چهارم حزین‌شامل قصایدوغزلیات‌ومتفرقات‌غزلیات‌ورباعیات وقطعات قسمت‌هائی که‌ازمثنوی‌های وی‌بنام«چمن وانجمن» و«خرابات» و«مطمح‌الانظار»

(فاتحه آن) وتذکرةالعاشقین» (تنها فاتحه‌وخاتمه آن) میباشد. کلیات‌حزین که درکانپورولکهنوچاپ شده‌است اساساً مشتمل است برهمین دیوان‌چهارم وی‌اما دو مثنوی دیگر بنام«صفیردل» مورخ۱۱۷۳ ﻫ «فرهنگ‌نامه» هم‌داردو همچنین‌مثنوی دیگر«ودیعةالبدیعه» مورخ۱۱۷۳ ﻫ که‌بسن‌هفتادسالگی بتقلیدحدیقه سنائی‌سروده است‌دربعضی نسخ‌دیوان دیده شده است نسخه‌ای از کلیات حزین در کتابخانه مجلس‌تهران[۱] (ش۹۷۱ مورخ۱۲۲۸ ق) موجود است . آنجا نیز مؤلف سن خود راهفتادسال ودر ص۱۴۵ عده‌اشعار خودرا پنجاه‌هزاربیت گفته‌است:

بعدپنجه هزار بیت گزین　　　که‌در آمد بدختر تدوین

مندرجات کلیات‌حزین ازروی‌نسخه مجلس‌تهران بقرارزیر میباشد:

۱ـ قصایدمشتمل بر توحیدو نعت‌ومدایح قریب به۲۱۵۰بیت

۲ـ مثنوی‌درو صف حضرت‌پیغمبر ص ـ ۵۶بیت

۳ـ مقطعات شامل ماده‌های تاریخ ومواعظ ومراثی ومکاتیب منظوم‌ـقریب به۱۱۰۰ بیت

۴ـ صفیردل‌ـ مثنوی‌بامقدمه‌مختصری نثردرحدود۶۷۰بیت

۵ـ حدیقه‌ثانی درجواب‌حدیقه سنائی

۶ـ خرابات‌ـ مثنوی‌در ۴۷۰بیت

۷ـ چمن‌و انجمن‌ـ مثنوی در ۳۰۰بیت

۸ـ مطمح الانظاردرجواب مخزن‌الاسرار نظامی‌ـ قریب‌به۱۱۲بیت

۹ـ فرهنگ نامه‌ـمثنوی‌در ۳۵۰بیت

۱ـ ازمندرجات این‌کلیات‌معلوم می‌شود که‌حزین‌خواسته است‌که دربرابرپنج گنج نظامی گنجهائی‌انشاء کندچنانکه درص۱۲۳ بیت۹(نسخه‌مجلس) می‌گوید

کنی تازه‌تاخمسه گنجوی　　　شرا ت کهن‌باد و رایت قوی

اماظاهراً دراین‌منظور توفیق‌نیافته است‌چون ازگنجهای‌وی جز ابیاتی چند امروز دردست‌نیست

۱۰ـ تذکارات (تذکرة) العاشقین ـ مثنوی بروزن لیلی و مجنون که اشعار عربی نیز دارد قریب به ٤۷۰ بیت

بعد از دیوان چهارم حزین هیچوقت بتدوین و ترتیب دیوان پنجم همت نگماشت و بعداً هرچه گفته بدیوان چهارم خود اضافه و علاوه نموده است چنانکه نسخه‌ای از دیوان وی در موزه بریتانیا موجود است[1] که نسبت بنسخ دیگر وی بعضی قصائد و غزلیات اضافی دارد که حزین حتماً در آخر عمر سروده است.

(ب) ـ نثر

کتبی نثر[2] که نسخ آن امروز موجود است[3] بدینقرار است:

۱ـ رساله در حقیقت نفس و تجرد[4] ـ برای نسخ آن رجوع شود به اته ش ۱۹۰۳ و بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۱ و ایوانو ـ کرزن ش ۵۰۲ (۲) و ایوانو تکلمه دوم ش ۱۰٤۳ (۵)

۲ـ رساله فرسنامه ـ این رساله را درهندوستان بطرز کتابی دیگر نوشته است که سابقاً درجوانی در اصفهان درهمین موضوع تألیف نموده بود. برای نسخ رجوع شود به بانکی پور ج ۳ ص ۲۳۲ و ۲۳٤ و لیندریانا ص ۱۵۲ و ریو ج ۲ ص ٤۸۳

۳ـ اللمعه (من) مرآت اله فی شرح شهیداله ـ تفسیر سوره ۳ آیه ۱٦ بزبان عربی که در اردبیل در ۱۱۳۹ ه نوشت برای نسخ آن رجوع شود به اته ش ۱۹۰٤ و ایوانو ـ کرزن ۷۵۲ (٤) و اندیاآفس نسخ عربی ج ۲ ش ۱۱٦۵ (۲)

۱ـ ر.ك. ریو ج ۲ ص ۷۱۷ الف

۲ـ فهرست آثار حزین در نجوم السما ص ۲۸۷ـ ۲۹۳ نیز ذکر شده است اما آن فهرست هم کامل نیست.

۳ـ حزین در «تاریخ احوال» اسم بیست رساله را آورده است که اکثر آن حواشی بر بعضی متون فارسی بوده اما امروز عالب آن از بین رفته است.

٤ـ ظاهراً این رساله و رساله «تجرد نفس» که حزین در کرمانشاه تألیف نموده و در تاریخ احوال بدان اشاره نموده است یکی است

٤ـ شجرة الطور فی شرح آیت النور ـ در تفسیر سوره ۲٤ آیه ۲٥ بزبان عربی درمشهد در ۱۱٤۰ هـ نوشت. برای سخ آن رجوع شود به اته ۱۹۰٤ وایوانو ـ کرزن ۷٥۲(۳) واندیا آفس سخ عربی ج۲ ش ۱۱٦٥(۱)

٥ـ رساله در تحقیق معاد روحانی ـ برای سخ آن رحوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۳ وایوانو ـ کرزن ۷٥۲ (۱) و ایوانو تکلمه ثانی ۱۰٤۳(۳)

٦ـ رساله در اوزان شرعی یا رساله در اوزان مثقال و درهم و دینار وغیره. برای سخ آن رحوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۲ وریوج ۲ ص ٤۸۳ وایوانو ـ کررن ٥۰۲ (۷).

۷ـ رساله درمسئله حدوث وقدم ـ برای سخ آن رجوع شود به بانکی پور ح۳ص۲۳۳ و ایوانو ـ کررن ٥۰۲(۳) وایوانو دیل ثانی ۱۰٤۳(٤).

۸ـ حواب رقعات شیخ حسن مرحوم ـ برای سخه آن رحوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۳

۹ـ سرح قصیده لامیه شرح قصیده خود به منقبت امیرالمومنین ـ برای سخ آن رحوع شود به بانکی پور ح ۳ ص ۲۳۲ و۲۳٥.

۱۰ـ رساله صیدیه یا رساله درحواص حیوان ـ برای سخ آن رجوع شود به علیگره دحیره سحان الله ص ۸ و بانکی پور ح ۳ص ۲۳۲ وریوح ۲ ص ٤۸۳.

۱۱ ـ رساله درحمله های ایران برهند ـ در ۱۱۷۰ هـ در حسین آباد باتمام رسید. برای سحه آن رجوع شود به ریو ح ۲ ص ٦۱٥.

۱۲ ـ رساله دستورالعقلا ـ درحکمت عملی وعیره در ۱۱٥۳هـ دردهلی نوشت. برای سح آن رحوع شود به اندیا آفس دی پی ۱۲۰۷ و ایوانو ـ کرزن ٥۰۲(۱).

۱۳ ـ مواعد لاسحار ـ درفقه شیعه برای سح آن رحوع شود به براون دیل ش ۱۲۸۰

۱٤ ـ مداکرات فی محاصرات ـ برای سخه آن رحوع شود به آصفیه ج ۱ ص ۱۷۰ تحت عنوان «بلاعت»

١٦ ـ تاریخ احوال- در دهلی در ١١٤٤٥ ھ دردوشت نوشت برای نسخ آن رجوع شودبه

١ـ اشپرنگرش٢٢

٢ ـ بانکی‌پور ج ٧ ص ٦٢٤ (١١٦٢ھ)٦٢٥(١٢٨١ھ)

٣ ـ ایوانو ٢٢٥ (حدود ١١٨٠ ھ) و ٢٢٦ (قرن ١٨م) و٢٢٧ (قرن ١٩م)

٤ ـ ایوانو ـ کرزن ٥٥ (قرن ١٨ م)

٥ ـ لیندریانا ص١٥١ ش٤٤٦ (حدود١٧٨٠-٩٠م) ش٤٤٧ (حدود ١٨٠٠ م) ش٥٥٩(١٢١٨م)

٦ ـ بادلین ٣٨٣ (١١٩٧ھ)

٧ ـ براون دیل ش ٣٠٠ (قبل‌از ١٧٨٨م)

٨ـ ریوج٢ص٢٣ ١٨٢٣ الف (اواخرقرن١٨م) ج ١ ص٣٨١ الف (١٢١٦ھ) ج٢ ص٨٤٣ ب (١٢٤٤ھ)

٩ـ رهاتسك ص ٢١٨ ش ١١(ط ١٢١٤ ھ)

١٠ـ اندیاآفس دی‌پی ص ٦٧٤ الف[1](١٢٢٣ھ) اته ٦٧٧ (١٢٢٧ھ)

١١ ـ اندیاآفس ٣٩٥٢ [1](١٢٥٩ھ)و٣٩٦٧(c)[1]

١٢ـ راس و براون ٢٤٠ (٢) (١٢٨٠ھ)

١٣ـ ولرر ٩٨٧ (٢)

این کتاب درلندن در ١٨٣١م‌ودر سارس در١٨٥١ م و در لکهنو در ١٢٩٣ھ (جزو کلیات‌حزین) ودر کانپور در ١٨٩٣م(جزو کلیات حزین) ودردهلی‌در١٣١٩ھ چاپ شده‌است . وترجمه انگلیسی آن‌بوسیله‌اف سی بلفور[2] در بمبئی در ١٩٠١م (تنها قسمت دوم)ودر١٩١٠م (دردوقسمت)وبا مقدمه وفهارس بوسیله ا م سی‌ماستر[3] دربمبئی در ١٩١١م چاپ‌شده است

١٧ـ تذکرة‌المعاصرین ـ تذکره مورد بحث

١ ـ این نسخه درفهرست اته ذکر نشده است ر.ك استوری ج ١ ص xvi در ذیل عبارت I·O ·

٢- The life of Sheikh Mohammad Ali Hazin by F·C· Belfour

٣- M C Master

۱۸ـسعینه علی حرین چاپـ حیدرآباد دکن ۱۳٦۸ هـ = ۱۹۳۰میلادی

تذکر

براون در دیل شرح حال حرین مینویسد که حرین کتابی نظیر کشکول بهائی بنام «مدةالعمر» نوشته است بقول براون نسخه‌ای ازآن‌در موزه لندن موجود است وریو آنرا در ص ٤۸۳ معرفی‌نموده است اما ریو درص ٤۸۳دو کتاب بنام فرسنامه رسالهٔای دراوران وعیره و رسالهٔای در خواص حیوان را ازتألیفات‌حرین دکرومعرفی نمود.است وبس

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب را در اواخر سال ۱۱٦٥ هـ تألیف نموده است چنانکه در دیباچه کتاب توصیح میدهد : «مخفی نماند که تسوید این اوراق در اواخر سال هزارویکصد و شصت و پنج هجری در وقتی که تحت غنوده در شبستان هند تیره‌روز است‌اتفاق افتاده»

در بارهٔسبب‌تألیف مؤلف دردیباچه چنین توصیح‌داده‌است :«راقم‌این‌مقال‌صف نعال گزین محفل ارباب کمال محمدالمشتهربعلی الحلابی‌حرین است.. یادآوری دوستان‌یکدل‌و حقیقت پژوهی کامل وپاس نیك صحبت‌یاران‌حلیل‌و اصدقای‌حلیل قدرشناسی هنرو هروصیع و سیل برآن داشت که در این صفحات بذکر بعضی ازیاران‌معاصر وابیات‌برخی ازصاحبدلان صافی ضمیر که‌بفکر قویم‌و طبع‌مستقیم مایل‌بنظم لآلی اشعاربوده واز این شراب طهور جامی پیموده‌اند پردارد تا بادای حق وداد‌هم احیای‌نام وابیات کلام ابدای مقام‌هریك نموده باشدوهم بحلاوت‌این شکرستان کام تلخ را شیرین حشاند و در حرارت فرقت ایشان به سرانگشت خامه دل اندوده برل حویش حراسد و هم حاضران را وآیندگان را وسیله انس واسنباطی باشد»

این کتاب مشتمل‌است بردکر یکصد تن از شعرا وعلما و فضلا و بزرگان

اصفهان که با مؤلف هم‌عصر بودند و دراواخر عهد صفویه می‌زیسته‌اند و در این تذکره مؤلف هیچ‌ترتیب مخصوصی به الفبائی‌و به‌تاریخی و به‌جغرافیائی مرعی نداشته‌است.

این کتاب شامل‌دو فرقه‌است بقرار زیر:

فرقه‌اولی « درذکر علمای‌معاصر که باشاد شعر زبان بلیغ گشوده وتوجه خاطر بآن مبذول فرموده اند » این قسمت با « صدرالدین سید علیخان بن سید نظام‌الدین احمدالحسینی » شروع شده‌با«صدرالدین‌الجیلانی» تمام میشودو شامل ذکرحال‌واشعار بیست‌نفرمیباشد

فرقه‌ثانی درذکر شعرای‌معاصر استو با«میرزاطاهر» شروع شده‌با«میرزا محمدشیرازی» تمام‌می‌شود وشامل‌ذکرحال و اشعارهشتاد شاعرمیباشد

کلیه‌شعرا وفضلائی که ذکرشان دراین کتاب آمده است شیعه اثنا عشری بوده‌اند چنانکه مؤلف‌خودش دردیباچه دراین‌باره توضیح داده است. «بطون این همایون دفترباظهار شعرای ملت‌اثنی‌عشر اختصاص خواهد داشت » و تمام آنان معاصرمؤلف بودندو وی با اکثرشان ملاقات و صحبت داشته است‌چنانکه خودش دردیباچه‌مینویسد.«وچون‌این‌راقم آثم‌راحصول ملاقات‌وصحبت‌اکثری‌روی‌داده‌اگر برسبیل‌ندرت درین‌محفل سامی‌وبزم گرامی ذکرقلیلی‌ازعزیزان برزبان‌قلم‌آید که ادراك صحبت‌صورت بسته باشدحالی ازاشعارو اشارت نخواهد گذاشت»

درخاتمه دیوان که در آخر این کتاب ضمیمه شده است [1] مؤلف در سه صفحه به‌نثر بسیار مصنوع و معرب‌ار شکسته حالی خود درهندوستان‌شکوه‌و نوحه کرده‌است و این‌نمودار وضع‌وی در هندوستان وعقیده‌ونظر اودرباره آن کشور و اهالی آن‌میباشد

بعضی‌مزایای‌این تذکره‌بقرار زیراست

۱ ــ ر.ك تذکرة‌المعاصرین چاپ شرکت‌تاییداصفهان ۱۲٤٤ ش.

۱ـ این تذکره دارای فواید تاریخی وادبی است و تا اندازه‌ای وضع انحطاط ادبی و فترت سیاسی در اواخر دوره صفوی را روشن میسازد اشعاری که در این تذکره انتخاب و ثبت شده است شاهد این حقیقت است که فن شعر و شاعری در آن دوره قوس نزولی خود را تا حد ابتذال پیموده بود چنانکه اکثر اشعاری که مؤلف اینجا نقل کرده است نمیتوان همسنگ و همپایه اشعار متقدمین و متوسطین باشد.

۲ـ جمعی از علما و فضلا و ادبا و معاصر مؤلف که در این کتاب از آنان یاد شده استزیاد معروف نبوده و بنابراین درجای دیگر شناخته نشده‌اند و از این حیث این تذکره تنها منبع و مأخذ اطلاعات درباره شرح زندگانی و مقام ادبی وعلمی ایشان می باشد

۳ـ برعکس اغلب تذکره نویسان مؤلف سعی کرده است تا حد امکان تاریخ فوت شعرا و علما را ذکر نماید یا بطور دیگر عصر آنان را تعیین نماید این اهتمام و التزام مؤلف با وجود عدم وسایل بسیار قابل تعریف و تمجید است مخصوصاً در آن زمان « تیره روزی » که تلخی آن از صفحات خاتمه این کتاب پیدا است.

٤ـ مؤلف با اکثر شعرا و علمای مذکور ملاقات و صحبت داشته است و بنابراین بیانات وی درباره آنان بیشتر مورد اعتبار و اهمیت میباشد

اما نقص و عیب بزرگی که این کتاب دارد اینست که مؤلف این کتاب را در مدت بسیار کم با نداشتن وسایل لازم برای این کار تألیف نموده است چنانکه خودش در پایان کتاب تصریح نموده است که آنرا درمدت نه روز تنها از محفوظات خاطر خویش استمداد نموده و ترتیب داده است. ظاهراً مؤلف مجال اصلاح و تجدید نظر در مسودات آنرا هم نداشته چنانکه یکنفر بنام مختار نهاوندی را عیناً در تحت دو عنوان مکرر و در دو شماره متوالی (۷۵و۷٦) ضبط نموده است.

این نشانه پریشان خیالی وعدم جمعیت خاطر مؤلف میباشد و با اینکه از طرفی موجب تحسین و تعریف است اما از طرف دیگر باعث ایجاد شك و تردید در ذهن

خواننده نسبت‌به‌صحت ودرستی بعضی‌بیانات مؤلف‌میباشد وفکرش‌را باین‌عقیده و حقیقت سوق می‌دهد که‌اکثر سال‌های مربوط به زندگانی شعرا و وقایعی که دراینجا ذکرشده‌است ازروی حدس وتخمین بوده است و این حقیقت تا اندازه‌ای از اهمیت این‌تذکره‌میکاهد

مؤلف درذیل شرح‌حال‌شعرای زیر تصریح‌نموده است که‌وی با آنها ملاقات کرده است .

در **فرقه‌اولی** تمام فضلا مذکور و در **فرقه‌ثانیه** میرزا طاهر و میرزا داود ومیرزا محمد شفیع ومیرزا محمد امین‌ازل ومیرزا ابراهیم ومیرزا اشرف.

همچنین درذیل شرح‌حال شعرای زیر تصریح‌نموده‌است که‌ملاقات‌آنها بوی دست نداده است

ملاسعید اشرف ومیرزا مهدی عالی مشهدی و تعظیم مـاربدارانی و میرزا محمودشیرانی

بنابر این درذیل تمام بقیه شعرا دراین مورد هیچ نوع تصریح ننموده که با آنها ملاقات‌کرده یا خیر

تنها در مورد شعرای زیر سال وفاتشان را ذکرنموده است.

شیخ ابراهیم۱۱۱۹ ه ومیرزا هاشمی الهمدانی۱۱۳۶ه وکمال‌الدین حسینی الفسائی ۱۱۳٤ه ومحمدعلی‌الکاکی‌الشیرازی ۱۱۳۵ه ومحمد هـادی ۱۱۳٤ه و میرزا داود ۱۱۳۳ه و میرزا محمدشفیع ۱۱۲۹ه ومیرزا محمدامین‌ازل ۱۱۳۵ ه و میرزا اشرف ۱۱۳۳ه ومیرزا غیاث‌الدین محمد ۱۱۳٤ه(یکسال بعد از اشرف) شوکت بخارائی ۱۱۰۷ ه وملا سعید اشرف ۱۱۱۶ه ولطفعلی‌بیگ شاملو۱۱۲۰ه و میرزا سید رضا ۱۱۳۳ ه ومیرزا ابوطالب حیات ۱۱۳۵ه و میرزاهاشم ارتیمانی ۱۱۳٤ ه و میرزا اسمعیل ایما و تعظیم ماربدرانی ۱۱۲۸ ه ومحمد علی‌بیگ‌دیهیم ۱۱۰۵ه .

در ذیل‌شرح حال‌شعرای زیر تنهاسنشان درموقع‌وفات آورده است ولی‌سال

وفاتشان‌را ذکر ننموده‌است:

مسیح قریب۹۰سال(عشر تسعین) میرزا طاهر . قریب به صد سال

میرزا باقر.۷۰سال (عشرسبعین) ملاحاجی محمد گیلانی:هفتادسال

محلصای‌کاشی ۹۰۰سال بخشای‌کاشی. تقریبا ۷۰سال(درعشر سبعین)

عرب بروجردی «عمرش‌ازهفتاد سال گذشته‌بود» بدیع‌اصفهانی:ازهفتاددر گذشته (یعنی تجاوز نموده) میر معصوم‌اصیل ٤۰سال

در ذیل شرح حال شعرای زیر سال مقرون و تقریبی را آورده است یا به‌واقعه‌تاریخی اشاره نموده است که از آن‌میتوان سال وفاتشان را معلوم کرد .

قهرمانی همدانی ــ «بیست سال شده باشد که بملك بقا پیوست»

عبدالمولی اصفهانی ــ «چند سال پیش‌از تحریررحلتش مسموع شد»

واصل گیلانی ــ « پنجاه سال گذشته که در اصفهان برحمت حق متواصل گشت»

آقارضا ــ «سی‌سال گذشته باشد که رحلت نمود»

اعلی اصفهانی- «هنگام استیلای رومیه (بر) همدان‌آن بادره زمان در آن شهرعزت بشهادت فایز گردید»

شریف شیرازی اصفهانی ــ «قریب بچهل سال گذشته که بعالم بقا ارتحال نموده»

میرزا محمد شیرازی - «تخمیناً سی‌سال گذشته که درمشهدرضویه علی‌مشرفها التحیه سعادت رحلت نمود»

در « فرقــه اولی » اشعار و شرح حال فضلا را معمولاً هر کدام در نیم صفحه نقل کرده‌است اما ازفضلای زیراشعار وشرح حالشان را نسبةً مفصل‌تر نقل کرده‌است

صدرالدین سید علیخان‌الحسینی ومسیح (الادم) وشاه محمد شیرازی وشیخ ابراهیم وشیخ خلیل‌اله طالقانی وطهیر(الادام) وقوام‌الدین محمد یوسف‌الحسینی و

محمد مسیح کاشانی و کمال‌الدین حسینی‌الفسائی و محمد علی‌الکاکی‌الشیرازی و میرزا هاشمی‌الهمدانی ومیرزا باقر.

در ذیل نام صدرالدین سید علی خان الحسینی مزبور تنها اشعار عربی ازاو نقل کرده ودرذیل نام مسیح (الامام) علاوه براشعارفارسی اشعار عربی اورانیز آورده‌است

همچنین در «فرقه ثانیه» اشعار و شرح احوال اکثرشعرا را هر کدام درنیم صفحه نقل کرده‌است امادرذیل نام شعرای زیراشعار وشرح‌حالشان‌را نسبة مفصلتر آورده‌است:

میرزا طاهر و میرزا داود و میرزا محمد امین اول و ملا حاجی محمد گیلانی و مرحوم میر نجات و شوکت بخارائی و ملا سعید اشرف و میرزا محسن تأثیر و شفیعای اثر شیرازی و مخلصای کاشی و بخشای کاشی و لطف علی بیگ شاملی وسید عبداله حسابی وملامحمد نصیر فایض ابهری‌اصفهانی ومیرزامهدی‌الهی تبریزی وملاعلی‌اعلی اصفهانی.

اشعار علما وشعرای زیررا ازهمه مفصلتر آورده‌است

در**فرقه‌اولی** اشعارمسیح (الامام) (در٤ ص)

در**فرقه‌ثانیه**اشعارملاحاجی‌محمد گیلانی (۲ص) و ملاسعیداشرف وبخشای کاشی(قریب $\frac{1}{2}$۲ص)ومیرنجات‌وشفیعای اثرشیرازی‌وملانصیرفایض ابهری‌اصفهانی (هر کدام در۳ص) ومیرزا طاهر(قریب $\frac{1}{2}$۳ص)

همچنین شرح‌حال علماء و شعرای زیررا مفصل‌ترازهمه آورده‌است

در **فرقه‌اولی** مسیح ($\frac{1}{2}$۱ ص) و صدرالدین سید علی خان الحسینی (۲ ص)

در **فرقه‌ثانیه** میرزا طاهر($\frac{1}{2}$۱ص) و شوکت بخارائی (۲ص)

در ذیل نام میرزا فتح‌اله حورانی و سعید قصاب هیچ شعری از آنها نقل نکرده است

درذیل نام فضلای زیر که همشان در «فرقه اولی» آمده‌اند اسامی آثارشان را نسبة مفصل ذکر نموده است:

صدرالدین سید علیخان‌الحسینی ومسیح وشیخ ابراهیم و قوام‌الدین محمد یوسف‌الحسینی و کمال‌الدین حسینی العسائی.

درذیل شرح حال محمد مسیح کاشانی حکایت عجیبی را نقل کرده است که عقرب‌کاشان غریب‌را نمیگزد''

غالباً درتعریف علما وشعرا راه اغراق و مبالغه پیموده‌است چنانکه در ذیل نام مسیح‌الانام مینویسد:

«علامه روزگار ونادره زمان بود. اودرجمیع علوم سرآمد علمای اعلام و احذق اذکیای افاضل عالی مقام‌بود»

گاهی براشعار بعضی شعرا ایراد گرفته وازآنها انتقاد نموده است چنانکه درذیل مخلصای‌کاشی مینویسد: «طبعی سخن‌آشنا ومیل مفرط بشعراء داشت واشعارخوب دارد. سلیقه‌اش در شعرقصوری نبود لیکن چون از سرمایه دانشوری عاریست وصنعت ابهام‌را بحدگرفته گاهی بلکه اکثرسخنش با وجود تناسب الفاظ سبك و خام میافتد و اگر او را تربیت افاضل فیض‌گستر و ملوك دانشور فرارسیدی و نعمی اورا کیفیتی حاصل آمدی از دوران و سایقان مضمار سخن

در ذیل نام میرزا زاهدعلی سخا منویسد: «اگرچه در گویائی اقتداری نداشت لیکن ابیات خوب دارد وطبعش شگفته و خیالش را طراوتی‌است».

درذیل نام نورس دماوندی مینویسد. «شاعری مشهور و عمری بآن پیشه معرور وازاماثل خود کمی نداشت لیکن بلاغت وحلاوت سخن نصیبی‌است شگرف که هر کس‌را میسر نیاید وهرمرغکی‌انجیر نخاید».

سبك انشای مولف

نثر مؤلف غالباً آمیزش کلمات عربی بفراوانی دارد و به‌این حقیقت اشاره

می نماید که مؤلف بزبان عربی نیز تسلط و تبحر تمامی داشته و چون خودش آخوند و آخوند زاده بلکه از خانواده آخوندها تعلق داشت طبق رسم آن زمان درموقع تحریر کلمات عربی رازیاد بکارمی‌برده است چون در آن زمان این نشانه و علامت علم و فضل نویسنده محسوب میشده است (چنانکه حتی امروزهم بعضی همین عقیده دارند)

شرح حال صدرالدین سید علی خان الحسینی و مسیح (الانام) را به زبان بسیار مصنوع و مشکلی نوشته است و کلمات مشکل عربی را فراوان بکار برده تا آنجا که ازحد اعتدال تجاوز نموده است واین بهترین نمونه نثر«اخوندانه»آن عصر میباشد

گاهی سالها را بزبان عربی ذکر نموده است و همچنین قبل از اسم وتخلص بعضی علما و شعرا القاب توصیفی برای آنان بزبان و ترکیب عربی آورده است مانند «السیدالکبیر الفاضل النحریر صدرالدین سید علیخان الحسینی»و«المولی الاولی‌الاجل‌الاعظم‌الاکمل مسیح‌الانام اعلی‌اله مقامه»و «الفاضل‌المحقق الحقانی الشیخ ابراهیم ابن عبداله الزاهدی الجیلانی»

غالباً جمله های دعائی را بزبان عربی آورده است و همه جا فراوان به کار برده است مانند اعلی اله مقامه و رحمة اله علیه و علیه الرحمه و المغفره و قدس اله روحه و طاب ثراه و طاب مثواه و اللهم احشره مع الائمةالطاهرین و اسکنه اله فی جواره مع الصدیقین و اللـهم احشره مع اولیاء الابرار و الاطهار و تغمداله‌برحمته.

همچنین گاهی بعضی جملات را بعربی نوشته‌است چنانکه در ذیل نام مسیح مینویسد

«وشرفه وفضله اجل من ان یحکی و اشهرمن‌ان یذکر»

گاهی در ابتدای شرح حال شعرا بعضی جمله‌ها را بنثرمسجع نوشته است چنانکه درذیل نام مسیح مینویسد «اسم شریفش‌محمد مسیح بن‌اسمعیل فسائی‌است

که از کرام‌شیرازودر نراهت ولطافت هوا ممتازاست»[۱].

و در ذیـل نام « شیخ عبداله راهدی حیلانی» می نویسد : «عم عالی مقدار این خاکسار است و مظهر شوارق انوار و مؤید بتایید کردگار و از نوادر روزگار بود».

گاهی در معنی « فوت شد » جمله های مصنوع و پرتکلفی بکار برده است چنانکه در دیل نام میر باقر مینویسد · « این جهان را بدرود نموده بحظایرقدس ارتحال فرمود».

دردیل نام میرهادی مینویسد· «ازاین دار بیقرار‌بعالم انوار پیوست»

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ۲۱

۲ـ ایوانو ۲۲۸ و ۲۲۹

۳ـ اته ۶۷۸ و ۶۷۹

٤ـ اندیاآفس دی - پی ٤۹۳ (p)[۲]

٥ـ اندیاآفس ٥۸٦ الف[۲] و۳۹٦۸ الف[۲]

٦ـ علگیره دحیره سبحن‌الله ص ٦۰ ش ۱۱

۷ـ برلن ٦٥٥

۸ـ بانکی‌پور ج ۳ص٤۰۷ و٤۰۸

۹ـ بانکی پور تکمله ح ۲ ش ۲۳٥۰

۱۰ـ ریو ج ص ۸۷۳ و۳۷۳ ب و ۸٤۳ ب

چاپ

۱ـ لکهنو ۱۲۹۳ ﻫ (حروکلیات حرین)

۲ـ کانپور ۱۸۹۳ م (حرو کلیات حرین)

۱ـ ط ... فسائی است ازکرام شیراز که درنراهت ... الخ

۲ـ این‌نسخه درفهرست اته دکر نشده است رجوع‌شود به استوری ح اق‌اش xxii در دیل 10

۳ـ اصفهان ۱۳۳٤ ش (چاپ دوم)

فهرست اسامی شعرا: رجوع شود به‌اشپرنگر ص ۱۳۵ ـ ۱٤۱ و بلاند درمجله انجمن‌همایونی آسیائی[1] ج ۹ ص ۹ ـ۱٤۷.

برای **شرح حال حزین** رجوع شود به تذکرة المعاصرین و تاریخ احوال و سفینه خوشگو دفتر ثالث و منتخب‌الاشعار مبتلا و ریاض‌الشعراء واله ومجمع ـ النفایس و خزانه عامره ص ۱۹۳ ـ۲۰۰ و تاریخ محمدی و آتشکده ش ۷۸۳ و سیرالمتاخرین چاپ‌لکهنو۱۸٦٦ ج ۲ وخلاصة‌الکلام ش ۱٦ و عقد ثریا وخلاصة‌ـ الافکار ش٦۸ و شرح‌حال حزین (نسخه‌اند یا آفس ش٤۰۳۸ که اسم مؤلف ندارد) و مخزن‌الغرایب ش ٦۵۲ ومرآت‌آفتاب نما و آرایش محفل و نشتر عشق ونغمه عندلیب و مجمع‌الفصحا ش ۹٤ (درسه سطر) و هفت‌آسمان ص ۲ـ۱٦۱ و شمع‌ـ انجمن‌ص۱۳۰ونجوم السما ص۲۸۳ـ۲۹۳(که فهرست‌آثارحزین بقلم خودش‌دارد) وتذکرة حسینی‌ومردم دیده وغیره

سفینه‌علی حزین

ابتدا «باسمه سبحانه ـ مولانا اهلی شیرازی ..»

مولف.اسم مولف این کتاب شیخ محمد علی حزین است (برای‌شرح حال وی رجوع شود به تذکرة‌المعاصرین در این کتاب)

تبصره بر کتاب

سال تألیف‌این کتاب‌هیچ‌جا ذکر نشده است، این کتاب درذکر ۱۰۷شاعر

1- Journal et fho Royal Asıatic Socıety of Beugal

متاخردرصدو دوصفحه (ار روی‌چاپ دکن ۱۳۴۸ ه = ۱۹۳۰م) بترتیب‌الفبا ازروی حرف اول اسم یا تحلص‌شاعر میباشد . این سعینه با «اهلی‌شیرازی» شروع شده باد کمال‌الدین ضمیری‌اصفهانی» تمام میشود.

حرین اکثرشعرا را دریك جمله معرفی نموده است و درذیل نام شعرای زیر فقط چند بیت از آنها آورده اما شرح حال‌آنها را اصلانوشته‌است:

اهلی شیراری و آصفی و امیدی و ملاخراسانی وابوالحسن‌فراهانی‌وحالتی ومولانا سپهری و میرزا اشرف جهان وتقی‌الدین اصفهانی ومیرزا حسابی نظیری ومیرحضوری قمی و میر حیدر معمائی وذوقی اردستانی .

تنها در دیل نام شعرای زیرا اشعار و شرح حال آنها هردو را نسبة مفصل آورده است

ابوالفتح ابراهیم میرزا وسام میرزا وسالم(محمودبیك)وملاحیرتی‌ودرویش دهکی قزوینی وباباغفانی شیراری ومولانا کمال الدین ضمیری اصفهانی.

اشعاروشرح حال بابا فغانی را مفصل ترار همه‌آورده است .(اشعاردر۷ص و شرح حال در ۲$\frac{1}{2}$ ص)

این سفینه دکر بعضی شعرا را دارد که در تدکره های دیگر نیامده و ازاین‌حیث دارای اهمیت وارزش میباشد اما در دیل نام‌اکثرشعرا تنها اسمشان‌را دکر نموده‌وازآنان یك دو بیت نقل شده است و ظاهرا مؤلف درباره اکثرشان اطلاع بیشتری نداشته واز آنها اشعاری نشنیده‌است وجائی ندیده است.

در دیل نام بعضی شعرا براشعارشان انتقادنموده وهمچنین برعکس درذیل شرح حال بعضی‌شعرا ایراداتی‌را که دیگران براشعارشان گرفته‌اند ازطرف خود جواب داده و از آنان دفاع نموده است مثلا رجوع شود به نام کمال الـدین اصفهانی

سال تولد ووفات هیچکس را دکرنکرده است

رویهمرفته این کتاب مانند مجموعه اشعاریست که مولف درآن درباره

زندگی ومقام بعضی ار شعرا اشاره هائی نموده است.

سبك انشای مولف معمولا ساده است

چاپـ دارالطبع جامعه‌عثمانیه حیدرآباد دکن ۱۳۴۸ه ۱۹۳۰م

فهرست اسامی‌شعرا - رجوع‌شود به‌خود کتاب چاپ حیدرآباد دکن

تذکر ـ استوری اسم این کتاب را دکر ننموده و از وحود آن اطلاعی نداشته است.

تحفة‌الشعرا

ابتدا

ای‌ذکر توگلفروش بازارسخن — رنگین رتو برگ‌برگ گلزارسخن

اوصاف تومجموعه دیبا چه نطق — توحید تو مشاطه رحسار سخن

ریبائی خامه سرومثال از حمد گلشن آرائیست که چس پرداری صحیفه گلستان رقم کشیده قلم نوبهار اوست ورنگین نامه گلشن مال ار ثنای چمن پیرائیست که گلشن طراری سخه بوستان بهمرسیده رقم ررکار وی»،

مولف

اسم مولف میررا افضل بیگ قاقشال‌اورنگ‌آبادی است (مولف شرح حال خودرا در تذکره نیاورده واز کتب‌دیگرهم بدست‌نیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را درسال ۱۱۶۵ ه تالیف نموده‌است چنانکه قطعه زیر میرغلام علی آزاد که‌درمقدمه این کتاب آمده‌است‌میرساند.

صاحبان معنی افضل بیگ خان (قاقشال) | کرد تألیفی مرتب از پی ارباب شعر
کلك او بر لوح گیتی بست نقش تازهٔ | میشود تاریخ سالش تحفه «اصحاب شعر»

(=۱۱۶۵ھ)

همچنین تاریخ تألیف این کتاب را عارف الدین خان عاجز از «تحفه اوج کلام شعرا» ومیرزا علی نقی ایجاد نیز از روی تعمیه از قطعه زیر یافته است :

خان افضل بیان معنی سنج | محفل آرای صفه شعرا
کرد تألیف نسخه رنگین | از سخن های طرفه شعرا
سال تاریخ این ز روی قبول | گفت ایجاد تحفه شعرا

(اینجا چون عدد روی قبول را که حرف «ق» (= ۱۰۰) است با عدد «تحفه شعرا» = ۱۰۶۴ جمع کنیم عدد ۱۱۶۴ بدست میآید که یك عدد کمتر از سال تألیف کتاب (۱۱۶۵) میباشد

درمورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه کتاب چنین مینویسد که چون قبل از او دیگران تذکره هائی نوشته بودند بنابراین او نمیخواست تذکره شعرای بزرگی که ذکر آنها در تذکره های قدیم بکرات آمده است بنویسد بلکه «بحکم لکل جدید لذة باشتمال احوال آن گروه والاشکوه . . که درخدمت فیض ومسرت آنها ربط بندگی واخلاص داشت . . بعبارتی که خالی از تکلف است پرداخت و به تحفه الشعرا موسوم ساخت» .

این تذکره مشتمل است بر ذکر شصت ودو (۶۲) شاعر معاصر دکن که در زمان نظام الملك میزیسته اند که دو نفر از آنها هندو هستند وبا «سید غلام حسن قادری متخلص به سالك» شروع شده با «میرزا جان جانان مظهر جهان آبادی» تمام میشود و مؤلف در ذکر اسامی هیچ ترتیب خاصی را مراعات نکرده است .

درذیل شرح حال آصفجاه ونظام الدوله وقایع تاریخی معاصر را مفصل آورده است وچون این وقایع درزمان مؤلف اتفاق افتاده واکثر آن چشم دید اوست بنابراین از حیث تاریخ معاصر این مطالب دارای اهمیت فراوانی میباشد .

مؤلف شرح حال شعرا واشخاص زیررا نسبةً مفصل آورده است : سالك و عزت وعاشق وواصل (هر کدام در $\frac{1}{2}$ ۱ص) ووحدت وعاجز (هر کدام در۲ص) وآزاد بلگرامی (در۳ص)و نظام الدوله ناصر(در۲٦ص)و آصفجاه(در٤۳ص)

رویهمرفته شرح حال ناصر و آصفجاه را ازسایرین مفصل‌تر آورده‌است.

همچنین اشعار شعرای زیررا نسبةً مفصل آورده است:

باباخان بخاری و نصرت و نشاء ورسا همدانی و تسلیم وعاقل(هر کدام در $\frac{1}{2}$ ۱ص) وفخرالدین ومیر عنایت اله و موزون وامید همدانی و صبا وامداد (هر کدام در ۲ ص) و فضلی و مخمور و والـه حیدرآبادی و عاصی (هر کدام در $\frac{1}{2}$ ۲ص) و شاه‌سراج وشهید تهرانی‌واقتخار (هر کدام در٤ص) ووفا(در $\frac{1}{2}$ ۳ص) و آصفجاه($\frac{1}{2}$ ٤ص) ووقار وواصل (هر کدام در٥ص) وایجاد (در $\frac{1}{2}$ ٥ص) و ناصر (در٦ش) و آوازبلگرامی وجرأت (هر کدام در۷ ص) و عاجز (در $\frac{1}{2}$ ۷ص) ومظهر (در۹ص).

رویهمرفته‌اشعارآزاد بلگرامی‌وجرأت وعاجزومظهر رامفصل ترازدیگران آورده است.

درذیل شرح‌حال شعرا غالباً سال هارا ذکر نکرده و همچنین اکثر مطالب مهمی‌را درباره زندگانی آنها مانند سال تولد وغیره را ذکر نکرده است وچون مؤلف با اکثر این‌شعرا معاصرو ظاهراً آشنا بوده(چون اکثرشان درحید آباد و نواحی آن‌زندگی میکردند) بنابراین،علت‌این که چرامؤلف درجمع‌آوری‌مطالب مهمی‌راجع بزندگی شعرای مذکور سعی‌و کوشش ننموده غیراز غفلت وتساهل‌او بعلت دیگر نمیتوان حمل کرد.

درذیل نام آصفجاه غیراز اشعاراو نامه‌ای ازمارزخان و نامه آصفجاه به‌محمد شاه و رقعه‌ای (نامه‌ای) در طلب گهریال (ساعت بزرك) فرنگی را نیز نقل کرده

در ذیل نام شعرای زیر غیر از اشعار فارسی اشعار اردو راهم نقل کرده

شاه فضل‌الله نقشبندی و سیدعبدالولی و میرفخرالدین اورنگ آبادی و وشهید تهرانی ومیرعبدالحی خان‌اورنگ‌آبادی‌وعارف‌الدین عاجزومیرعبدالوهاب دولت‌آبادی‌و میرزا جانجانان مظهر.

نسخ‌خطی

۱- آصفیه‌ج ۱ص۳۱۶ش۱۰ (۱۱۸۵ه ونیز رجوع‌شود به‌نذیراحمدش ۳۷)و ج ۳ص ۱۶۲ ش۱۲۲.

۲- مدراس ٤۳۹ (ناقص‌الاخر).

۳- کتابخانه‌شخصی کرنل(سرهنك)رشید ناظم بیمارستان‌جناح(جناح‌هسپتال) کراچی (که‌مشتمل بر۱۲٤ صفحه کوچك است).

فهرست اسامی‌شعرا

چون‌فهرست اسامی‌درهیچ کتاب‌یافهرست کتابخانه‌ای ذکر نشده بنابراین اینجا نوشته میشود.

۱- سیدغلام حسن قادرسالك ۲-میرغلامعلی آزادبلگرامی ۳- شاه‌هدایت‌الله چارکاری وحدت٤-شاه‌فضل‌الله‌نقشبندی٥-سیدعبدالولی‌عزلت٦-میرعبدالمنان‌عزلت ۷- میرفخرالدین اورنگ‌آبادی اصلاترمذی ۸-شاه‌سراج‌اورنگ‌آبادی۹-مولوی محمدباقر شهیدتهرانی ۱۰ - میرعنایت‌الله جیری ۱۱ - آصفجاه نظام‌الملك بهادر فتح‌جنگ سپه‌سالار ۱۲-نظام‌الدوله میراحمد خان‌بهادرناصر ۱۳- متوسل‌خان‌بهادر قابل ۱٤- خواجه‌باباخان بخاری‌خواجگی ۱٥-خواجم قلی‌خان‌بهادرقایم‌جنگ موزون۱٦- مرشدقلی‌خان بهادررستم جنگ‌مخمور ۱۷- میرزاهدایت‌الله‌ارادت‌خان بهادر۱۸ - میرمحمدنعیم دلاورخان نصرت سیالکوتی ۱۹- میر محمد هاشم جرأت ۲۰- قزلباش‌خان امیدهمدانی ۲۱-میرفقیرالله‌خان نشاء ۲۲- میرقاسم‌خان عاشق ۲۳- خواجه‌ایوب محاطب (ملقب) به‌حمیل بیگ‌خان ۲٤ - میرعبدالحی خان

اورنگ آبادی وقار ۲۵ ـ عارف الدین خان میرزائی عاجز اورنگ آبادی ۲۶ ـ
جان میرزا مخاطب (ملقب) به میرزا خان رساحسینی همدانی ۲۷ـ آقا امین ایلچپوری
وفا ۲۸ـ میرزا علینقی ایجاد مخاطب (ملقب) به نقی علی خان ۲۹ـ میرزا محمدتقی
صبا مخاطب (ملقب) به علیمی خان ۳۰ـ غلام ابراهیم خان ۳۱ـ قاضی محمد خان آشنا
۳۲ـ میر محمدرضی شوشتری ۳۳ـ میر محمد واله حیدرآبادی ۳۴ـ میر عبدالوهاب
افتخار دولت آبادی ۳۵ـ میر سید احمد هنر مخاطب (ملقب) به فدوی احمدخان ۳۶ـ
میرزا ترک علی بیگ واصل اورنگ آبادی ۳۷ ـ شیخ نور محمد عاصی برهانپوری
۳۸ـ شیخ محمد انوریکدل ۳۹ـ شیخ غلام محسین عرف میان خوبن امداد برهانپوری
۴۰ ـ نصیرالدین خان دانا ۴۱ ـ نورالدین علی رنگین ۴۲ ـ شیخ احمد فدا
اورنگ آبادی ۴۳ـ نوازش خان راز ۴۴ـ میر یوسف خان بسمل ۴۵ـ میر کامل
کامل برهانپوری ۴۶ـ محمدقلی تسلیم برهانپوری ۴۷ـ محمدحامد مخاطب (ملقب)
به حامد علیخان دولت آبادی ۴۸ـ میر یحیی مخاطب (ملقب) به عاشق علیخان ایما
۴۹ـ خواجه کامگار خان عالی اورنگ آبادی ۵۰ـ میر محمدعلی افصح شاجهان آبادی
۵۱ـ آقا صابا معتمد ۵۲ـ میر محمدعلی ضیا ۵۳ـ میرزا خلیل خلیل حیدرآبادی
۵۴ـ مبارک یارخان مبارک ۵۵ـ محمدعاقل خان عاقل مخاطب (ملقب) بدانشمندخان
۵۶ـ امین الدین علی مخاطب (ملقب) به علیخان امین اورنگ آبادی ۵۷ـ حافظ
محمدفاضل گجراتی ۵۸ـ شیخ محمدفاضل جویا سرهندی ۵۹ـ مهاسنگ عرف کیسامل
حقیر ۶۰ـ رای مدن سنگه موزون ۶۱ـ قاضی محمدصالح روشن ۶۲ـ میرزا جان جانان
مظهر شاهجهان آبادی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

• کتاب آن را « مآثر الکرام » موسوم و در دودفتر قسمت کرد و نام دفتر اول آنرا «مآثر الکرام فی‌تاریخ بلگرام» گذاشت که مشتملست بردو فصل در دکر عرفاء و فضلای بلگرام و نام‌دفتر ثانی این کتاب‌را « سرو آزاد» گذاشت

مؤلف اسامی‌مآخذ ومنابع‌حود رادردیباچه یاحاتمه کتاب‌دکر نکرده‌است امادرذیل احوال شعرا اسم کتابهای ریر را آورده است که در تألیف این کتاب از آنهااستفاده کرده‌است .

۱ـ صبح‌صادق(رحوع‌شود به‌نام‌سحابی‌و‌فیصی‌و ملارمانی‌وشیدا)

۲ـ آئین‌اکبری‌ابوالفصل(رحوع شود بنام فیصی)

۳ـ اعلام‌الانعام سیخ‌محمد یحیی‌اله‌آبادی(رحوع‌شود بنام‌فیضی)

٤ـ تذکره‌ناطم‌تبریزی (رحوع‌شود به‌نام‌ملارمانی وملك‌قمی)

٥ـ تاریخ عالم‌آرای‌عاسی(رحوع‌شود به‌نام‌ملك‌قمی)

٦ـ مکتوبات فیضی(رجوع شودبنام‌فیضی‌ومالك‌قمی)

۷ـ حوان‌خلیل ملاطهوری (رجوع‌شود به‌نام‌ملاطهوری)

۸ـ تدکره‌نصرآبادی (رجوع‌شوم به‌نام رکی همدانی)

۹ـ تدکره‌عرفات تقی‌اوحدی(رحوع‌شود بنام‌فصیحی‌ومرشد یردجردی)

۱۰ـ تدکره‌میرتقی(رحوع‌شود به‌نام‌مرشدیردجردی)

۱۱ـ شاهجهان‌نامه شیح‌عدالحمید(رجوع‌شودبه‌نام‌قدسی‌مشهدی‌ویحیی کاشی)

۱۲ـ مرآت‌الخیال (رجوع‌شود به‌نام قدسی‌مشهدی)

۱۳ـ شاهحهان نامه‌ملاعلاءالملك‌تونی (رحوع‌شود به‌نام‌قدسی‌مشهدی)

۱٤ـ عمل‌صالح(رحوع‌شود به‌نام‌قدسی مشهدی)

۱٥ـ کلمات الشعرای سرخوش (رحوع شود به نام صیدی تهرابی و ماهر اکبرآبادی)

۱٦ـ مطول‌ملاتفتازانی (رجوع‌شودبنام سلیم‌طرشتی)

۱۷ـ سلافةالعصر سیدعلی‌معصوم مکی(رجوع‌شودبنام فرح‌شوشتری)

۱۸ـ منتخب‌التواریخ بداونی (رجوع شود به‌نام شاهدی بلگرامی)
۱۹ـ مآثرالمآثر میرعلاءالدوله‌قزوینی (رجوع‌شود به‌نام شاهدی‌بلگرامی)
۲۰ـ گلزارابرار شیخ‌محمدمندوی (رجوع‌شود به‌نام‌نظیری)
۲۱ـ۲۲ـ کلیات نعمت‌خان‌عالی و کلیات‌شاپور.

۲۳ ـ ۳۸ ـ دواوین آفرین لاهوری و اسیر شهرستانی و اشرف واوحی نطنزی وراقم وزایر وشوکت‌بخاری وصیدی‌و طغرخان وظهوری‌و عالی وفیض و ماهرو نظیری و نوعی‌و واعظ‌قزوینی.

سروآزاد (دفترثانی از کتاب مآثرالکرام) مشتمل بردوفصل‌است فصل‌اول در ذکر ۱۴۳ شاعر فارسی است بترتیب تاریخی (از روی سال وفات‌یاسن شاعر) که‌ازآنجمله سی(۳۰) شاعراهل‌بلگرام هستند وصدو سیزده(۱۱۳) شاعرازشهرهای دیگر که نعه‌ازسنه یکهزار تازمان‌تألیف کتاب (۱۱۶۶ ﻫ) در هندوستان متولد شدند یا به هندوستان رفتند.فصل دوم‌سروآزاد دردکرهشت‌شاعر زبان‌هندی (اردو) است بنابراین فصل‌دوم این‌کتاب‌ازموضوع ماخارج‌است.

فصل اول این‌تذکره باسحابی استرابادی شروع‌شده با (محزون بلگرامی تمام میشود.

مؤلف دردیباچه بعدازحمد و نعت سبب تألیف قطعه تاریخ ترتیب کتاب آورده است.سپس درباره آغازشعر بحث کرده واقوال‌مختلف راجع‌بآغازشعرفارسی نقل کرده‌است

درذیل شرح‌حال شعرا مؤلف غالباًاطلاعات‌زیررا فراهم‌آورده است:

۱ـ اسم والقاب‌شاعر۲ـ وقایع مهم زندگانی او ۳ـ سن تولد و وفات‌شاعر ۴ـ آثار شاعرمخصوصاً آثارشعراو ۵ـ شرح حال شاعرکه‌درکتب تاریخ وتذکره دیگرآمده‌است

گاهی مؤلف شرح حال شاعر را بقدری مفصل آورده است که تکامل فکری او بکلی روشن میگردد مثلا رجوع شود به ترجمه حال فیضی . همچنین

اکثر اشعارشعرا را مفصل آورده است وبدین ترتیب می‌توان به‌پایه وارزش ادبی شاعر پی برد

در پایان دیباچه «خزانه‌عامره»مؤلف‌راجع‌بیك‌التزامی که دراانتخاب اشعار دراین‌تذکره ملحوظ داشته‌است تذکرداده‌است «درسروآزاداز آغاز کتاب تاانجام (آن) التزام است که مطالع برغیرمطالع مقدم باشد».

شرح‌حال شعرای زیر را درضمن احوال دیگران نقل کرده‌است

۱ـ سید صدرجهان درذیل‌نام حاذق گیلانی ص۹۲

۲ـ شیخ غلام مصطفی انسان و شیخ خـان محمد در ذیل نام سلیم طرشتی ص ۷٤

میرزا محمد دانا درذیل نام اشرف ص۱۱۷ .

٤ـ حافظ محمد اسعد مکی درذیل نام‌آفتاب ص۱۸۹

۵ـ حاجی افضل درذیل نام ضمیری بلگرامی ص۲٤٦

٦ـ میرمعصوم ومیرنظام‌الدین درذیل‌نام سیدعلی‌معصوم مدنی ص۲۸٦.

گاهی باوجود اینکه شرح حال‌شعرارامختصر آورده‌است بااین وصف وقایع مهم زندگی آنها ومختصات شعرشان‌را بیان کرده و«برنده» اشعارآنهارا نقل کرده است مثلا رجوع‌شود به نام گرامی‌و گلشن ورائج سیالکوتی .

گاهی بیانات مختلفی‌ازتذکره‌هائی که‌درسال وفات(وغیره) شاعراختلاف داشته نقل کرده‌است

شرح‌حال‌شعرای‌زیرامختصر نقل کرده‌است‌اما‌سال‌وفاتشان‌رادکر ننموده‌است

رضی اصفهانی ورکی همدانی ونظام شیرازی، وفتحی‌اردستانی وادائی یزدی ومنیرلاهوری وسالك یزدی واثرشیرازی وقبول کشمیری و گرامی کشیری و گلشن دهلوی ورائج سیالکوتی

امابرعکس، اشعاروشرح حال‌شعرای زیررا مفصل آورده‌است‌اماسال تولد و وفاتشان‌را ذکر نکرده‌است

فیضی اکبرآبادی و مشرقی مشهدی وشیدا وفرج شوشتری وواعظ قزوینی و صیدی تهراتی و فیاض وتجلی واشرف وشوکت ووحید وآفرین لاهوری.

تنها اشعاروشرح حال شعرای زیررا خیلی مختصر آورده است وحتی سال تولد یاوفاتشان را هم ذکر نکرده است.

شوقی (میرمحمدحسین) وسعید ایردی ونادم لاهیجانی وسروری کابلی ومطیع تبریزی وناصح تبریزی وسالك قزوینی وراقم مشهدی وغناروآگاه (سید علیرضا) وسخنوروثمین ووامق ومحزون بلگرامی.

شرح حال سید عبدالهخان ($\frac{1}{2}$۷ص) و امیرالامرا سید حسین علی خان (در $\frac{1}{2}$۹ص) وآصف آصفجاه (در۹ص) و آفتاب نظام الدوله (در۱۲ص) را خیلی مفصل آورده است اما هیچ شعری از آنها نیاورده وتنها اشعاری که دیگران درمدح آنهاسروده اندنقل کرده است

همچنین درذیل نام سیدمعصوم علی مدنی تنها شرح حال اورا نقل کرده اما هیچ شعری را ازاو نیاورده است.

رویهمرفته شرح حال میر عبدالجلیل واسطی را مفصل تر از سایرین (در۳۳ ص)آورده است وهمچنین اشعار بیدل(۷۲ بیت ویك رباعی)وبیخبر بلگرامی (۱۰۵ بیت و ده رباعی) و آزاد یعنی مؤلف (۲۲۸بیت) را ازهمه شعرا مفصل تر آورده

درمیان رباعیات منتخب رباعیات سید غلام مصطفی از همه مفصلتر(۲۶رباعی) آورده است چون بقول مؤلف شاعرمزبوردیوان رباعیات دارد

در ذیل شرح حال شعرای زیر تذکر داده است که خودش با آنها ملاقات کرده است

آفرین لاهوری و اقدس شوشتری و متین صفاهانی و عزلت و رسا وایجاد وبیخبر .

شرح حال مظهر جانجانان و افتخار و آرزو از خود شکست و از این حیث

کاملا معتبر است.

در ذیل شرح حال شعرای زیر بعضی وقایع مهمی که بعدازاتمام کتاب روی داده‌است(مانندفوت شاعر)در پایان اشعارشاعراضافه نموده است: میرمعصوم وفقیر وآرزو وغریب.

در ذیل شرح حال شعرای زیر قطعه‌ای که مؤلف در وفاتشان گفته است نقل کرده است :

شهرت شیرازی و روحی سیرپوری وافضلی و عشقی (سید برکت‌اله) وصیا ومیرطفیل بلگرامی وبیحربلگرامی واحمدی و سیدعظیم‌الدین بلگرامی ومحب بلگرامی وواحد بلگرامی.

در ذیل شرح حال مید عداله خان و امیر الامرا سید حسین علی خان وآصف حاوآفتاب نظام‌الدوله ناصرجنگ وقایع تاریخی زمان ایشان را خیلی مفصل آورده‌است که از حیث تاریخ معاصر دارای ارزش بسیاری است اما چون اکثراین‌مطالب بکلی بتاریخ‌مربوط‌است وهیچکدام ازاین اشخاص شاعر نبوده‌اند بنابراین ازموضوع این کتاب که تذکره شعرا است خارج است

شرح حال شعرای زیر اگرچه مختصر است اما مؤلف اطلاعات مهم راجع بزندگانی آنان آورده است .

انیسی شاملوورمانی یزدی وشانی‌تکلووفرقتی‌جوشقانی وفغفورمحمدحسین وقاسم جوینی والهی وادهم وناظم هروی

اشعار شعرای زیررا بااشعاردیگران مقایسه‌نموده‌است :

اشعارسلیم‌طرشتی‌را بااشعارملاوارسته وصائب وغنی کشمیری‌ونوعی‌خبوشانی وملامشرقی‌وواعظ وفطرت واشعاروحید قزوینی‌را بااشعارعمعق‌بخاری وشیخ‌سعدی وعرفی وملک قمی ونعمت‌خان عالی

رویهمرفته ازحیث جامعیت شرح‌حال وحسن‌انتخاب اشعارشعرا این‌تذکره را میتوان درردیف بهترین تذکره‌های فارسی‌قرار داد.

سبك انشای مؤلف غالباً مصنوع است و گاهی نثر مسجع را هم بکار برده است مخصوصاً در مدقع تعریف و توصیف شعرا نثر مسجع آورده است وحتی گاهی بعضی القاب توصیفی را نیز بنثر مسجع آورده مانند.

فیضی : طوطی هند سخن گستری است وملك الشعرای در بار اکبری

ابیسی شاملو: نکته سنج یگانه است وابیس معانی بیگانه.

همچنین در ذیل نام شعرای ذیل قبل از نقل اشعار شعرا جمله‌ای مصنوع درمعنی «اینك اشعار او» آورده است:

زمانی : غنچه تأملش بـاین رنگ می شگفد

شابی تکلو : چراغ فکرش چنین پرتو میدهد

رضی اصفهانـی: نقش سخن باین آئین می بندد

نطیر : آهـوان معانی را باین قسم شکار میکند

سروری کابلی : نهال فکرش باین رعنائی میبالد

نادم لاهیجانی: ریحان کلامش درسرزمین ورق سبز میشود

فرح شوشتری . پریرادان سخن راچنین تسخیر میکند

ناطم هروی : سنبل شعرش کاکل می افشانـد

واعظ قروینی : این چند غزال ار حتن او بحرامش میآید

اقدس شوشتری . حریر کلك اقدس سامعه (را) می‌افرورد

همچنین در ذیل نام شعرای زیر حمله‌ای مصنوع بمعنی « فوت‌شد » بکار برده‌است·

سحابی . قبای صورترا بافنای معنوی‌هم آغوش

ادهم : زندان هستی‌را بدرود نمود

طغرخان . محمل بصحرای فنا کشید

آشنا رحت به نهانخانه عدم کشید

واضح · ودیعت حیات سپرد

یکتا : خلوت نشین تراب شد

طاهرصفاهانی : بردست قطاع‌الطریق رشته حیاتش انقطاع یافت

محمور : مسافت زندگانی (را) بپایان رسانید

نسخ خطی

۱ــ اشپرنگر ش ۲۴ ۲ــ ندیر احمد ۸۴ (حکیم عبدالحی لکهنو. بخط مؤلف) ۳ــ آصفیه ج ۱ ص ۳۲۰ ش ۱۶ (۱۱۹۴ ه) ٤ــ ایوانو ـ تکمله اول ۷٤۵ (۱۲۲۳ ه) ۵ــ ایوانو ـ کرزن ۵۸ (قرن ۱۹ م)
٦ــ لیندزیانا ص ۱٤٤ ش ۳۳۰ (g) (۱۲۳۷ ه) ۷ــ اته ٦۸۳ (تاریخ ندارد) ٦۸٤ (فصل ۲ ندارد ـ ۱۲٦۵ ه).
۸ــ بانکی پور ج ۸ ش ٦۹۷ (قرن ۱۹م)
۹ـ دانشگاه بمبئی ـ ۱۲۲ (اوراق پریشان شامل ذکر تنها ۳۹ شاعر).

چاپ

لاهور ۱۹۱۳م (مطبع دحابی رفاه‌عام لاهوراز طرف مولوی عبدالحق وابسته بکتابخانه آصفیه حیدرآباد دکن)

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شود به ایوانو ـ کرزن ص ٦٤ ـ ٦٦ (۱۳۲ شاعر فارسی ـ اما در ابتدای نسخه چاپی فهرست اسامی ۱٤۳ نفر شاعر فارسی آمده است)

سفینة‌الشعرا

ابتدا

«این تذکره سفینة‌الشعرا . مؤلف این نسخه طبع رسا وخاطر معانی‌پسند...»

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست[1] اما او یکی ار رفقای آنندرام مخلص (متوفی در ۱۱۶۴ه) بوده است چنانکه مؤلف اسم او را در برگهای ۹۱ و ۱۲۳ و ۲۵۴ در نسخه ایوانو-کرزن ذکر نموده است همچنین در برگهای ۱ و ۲۳۲ و ۳۱۶ و ۳۲۸ همین نسخه بدون ذکر نسبت خود بآنندرام مربور، بخودش هم اشاره میکند ولی درهیچ جا اسم خود را ذکر نکرده است در برگ ۳۴۸ وی میگوید که در ۱۱۴۰ه سحی شاعر را در لاهور ملاقات کرده است.

تبصره بر کتاب

این تذکره بین سالهای ۱۱۵۱ و ۱۱۷۰ه تالیف شده است چون مؤلف در برگ ۲۱۹ سال ۱۱۵۱ه ودر برگ ۶۱ سال ۱۱۵۲ ه ودر برگ ۲۹ سال ۱۱۶۰ ه راذکر نموده وهمچنین در برگ ۲۶۴ سال ۱۱۷۰ ه را سال جاری نوشته است.

بظاهر این کتاب ناتمام مانده ومولف ار ترتیب آن هیچوقت فراعت نیافته است دکر بعضی شعرا دردویا سه جای مختلف تکرر شده و اراین پید است کــه مولف شرح حال این شعراء را ارمنابع و ماحد مختلف نوشته است و تا پایان عمر فرصت تجدید نظر در این کتاب وتکمیل آن را بدست نیاورده است.

آقای ایوانو (گرد آورنده فهرست کتابخانه انجمن آسیائی نگال) درفهرست ذخیره کرزن (ص۲۳۲) چنین اظهار نظر میکند که در اول این تذکره حتما ار تذکره «ریاض الشعرا» واله برزگتر وظاهراً مشتمل بر قریب بدو هرار شاعــر بوده و نسخه موجود که مشتملست بر دکر ۶۹۳ نفر ارشعرا تنها یك سوم اصل کتاب میباشد اما اگر سفینة الشعرا حاوی دکر دوهرار شاعر بوده در آنصورت محققا ازتذکره واله کوچکتر بوده است چون تذکره واله مشتملست بردکر حال دوهرار و پانصد شاعر

۱ــاسم مولف این تذکره در سراسر نسخه موجود هیچ جا دکر نشده است و همچنین اشارات کافی درباره شرح حال وغیره مولف نیامده که در تعیین و پی بردن بهویت مؤلف کمك و راهنمائی نماید

ذکر شعرا در این کتاب بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص شاعر آمده است . اما همه‌جا این ترتیب کاملا رعایت نشده است بعضی قسمت‌های این تذکره ناتمام مانده وتنها درذیل حروف «الف ب ت ث ح ح ح د ر س ش ص ض ط ف ق» ذکر شعرا نسبة کامل است اما بعضی قسمت های بزرگ این تذکره یعنی قسمت «ع و م» از این نسخه تقریباً بکلی افتاده است وهمچنین این نسخه قسمت عمده حروف «ذ ز» وتقریبا تمام حروف «ل ن و ه ی» را ندارد ترتیب برگها نیز در بسیاری ازموارد مغشوش است.

مآخذ مهم مؤلف تذکره تقی اوحدی (عرفات العاشقین) تذکره نصرآبادی است که اسم آنها را مولف دراکثر موارد ذکر کرده است اما ظاهراً منابع وی در تألیف این کتاب غیراز این دوتذکره کتاب‌های دیگری هم بوده که اسم آنها درنسخه موجود نیامده است

این نسخه با تمام تذکره شعرای متقدم ومتاخر فارسی است که شرح حال مفید شعرای مذکور را دارد که مولف ازمنابع مختلف گردآورده و دراین تذکره جمع کرده است اماچنانکه مؤلف (درص۱ این نسخه) تذکرداده است مقصوداصلی وی از ترتیب این کتاب انتخاب وجمع آوری بهترین اشعارهرشاعر بوده ونه نوشتن شرح حال گویندگان آن اشعار

مؤلف شرح حال شعرای متاخررا مخصوصا آنهائی که در قرن دوازدهم هجری میزیسته‌اند خیلی مفصل آورده است اما درذیل نام شعرای متقدم شرح حالشان را نسبة مختصر نقل کرده است .

همچنین اشعارشعرا نیزدراین تذکره غالبا مفصل آمده است

رویهمرفته این تذکره بسیار مفید و با ارزش است اما حیف که هیچ نسخه کاملی از آن امروز موجود نیست.

نسخه‌خطی

نسخه منحصر بفرد ازاین تذکره در کتابخانه انجمن آسیائی بنگال ـ ذخیره

کرزن موجود است(رجوع شود به ایوانو- کرزن ش ۳۲۶)-این نسخه خیلی ناقص است و بد ترتیب و تنظیم شده است. ترتیب برگها دربسیاری ازموارد صحیح نیست در ابتدای آن چند ورق خراب شده وخوانده نمیشود دربعضی صفحه‌ها اسم شعرا ضبط نشده اما جا برای این منظور خالی گذاشته شده است' این نسخه ۵۰۲ صفحه وصفحه‌ای ۱۵ سطرو ذکر ۶۹۳ شاعردارد ومورخ اواخر قرن دوازدهم هجری است. بعضی تفصیلات بیشتر درباره این نسخه درسطور فوق گذشت.

برای **فهرست اسامی** ۶۹۳ شاعر این نسخه رجوع شود به نسخه فهرست ایوانو - کرزن ش ۳۲۶ ص ۲۳۳-۲۴۰

تذکره بینظیر

ابتدا

«جان جهان حمد معروض بدرگاه صنعت طرازی که پریزدان معانی را درشیشه‌های الفاظ جا داد ولیلی وشان سخن را درسیاه خیمه‌های حروف بندقبا برگشاد»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره میرعبدالوهاب متخلص به افتخار است وی ازخانواده سادات بخاری بوده و سلسله نسبش به مخدوم جهانیان سید جلال الدین بخاری میرسد. جدش درزمان اورنگزیب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ه) باحمدنگر که دارالسلطنت نظامشاهیان (۸۹۴-۱۰۰۶ه) بوده مهاجرت کرد و افتخار دراحمدنگر متولدشد وهمانجا بزرگ شد سپس با دخترسید مرتضی خان« حارس حصار شهرپناه قلعه دولت آباد»ازدواج کرده ودرشهر دولت آباد رحل اقامت افکند.

غیراز زبان فارسی وی عربی هم حوب بلد بود ویر دستوروعروض این زبان‌ها تسلط واز فقه وعلم الادویه بهره وافری داشت .

افتحار ازرفقای صمیمی آزاد ملگرافی بوده و آزاد اورا در سال ۱۱٦۳ ه بنواب نظام الدوله ناصر حنگ متوفی (در ۱۱٦٤ ه) معرفی کرد و افتحار بخدمت نواب مزبور درآمد افضل بیك قاقشال در «تحفة الشعرا» مینریسد که افتخار درحال تنگدستی وفقر زندگی میکرد اما ممکنست این قول او برای زمانی که هنور افتحار وارد خدمت نواب مزبور نشده بود صادق باشد.

مولوی عبدالجبار صوفی ملکاپوری در «محبوب الزمن» (اردو ـ تألیف ۱۳۲۹ ه) مینویسد که افتحار درسال ۱۱۸۲ ه درخدمت نواب اشجع الدوله غیورجنگ یکی از امرای دربار آصفجاه بود و بالاخره در سال ۱۱۹۰ ه فوت کرد و در شهر دولت آباد جنب مقبره برهان الدین غریب مدفون شد

تبصره بر کتاب

مولف این کتاب را درسال ۱۱۷۲ ه تألیف نموده است چنانکه اعداد اسم این کتاب «تذکره بینظیر» (= ۱۱۷۲ ه) سال اتمام این کتاب (۱۱۷۲ ه) را میرساند.

مؤلف اسم منابع این کتاب را درمقدمه یاخاتمه نیاورده است اما درذیل شرح حال شعرا اسم کتابهای زیررا ذکر نموده است که در تالیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است :

۱ــ اخبار الاخیار ــ رجوع شود به نام ایجاد.

۲ ـ تادیب الزندیق [۱] تألیف میر عبدالقادر سمرقندی ــ رجوع شود به نام آزاد.

۳ــ تسلیة العوادفی قصاید آزاد (رجوع شود به نام آزاد)

٤ــ تذکرة الشعرای اخلاص (همیشه بهار) ــ رجوع شود به نام جنون

۱ ــ ر.ك : آثار آزاد بلگرامی: (انتقاد بر مولفات فارسی آزاد (۲) درذیل بحث درباره یدبیضا دراین کتاب

ومیرزا ارجمند.

۵ـ تذکرة الشعرای حزین ـ رجوع شود به نام میر عبدالجلیل واسطی بلگرامی

۶ ـ تذکرة الشعرای متین (حیات الشعرا) ـ رجوع شود به نام جنون ومتین .

۷ـ تذکرة الشعرای وارسته ـ رجوع شود به نام آزاد.

۸ ـ تذکرة الشعرای آزاد (سرو آزاد وید بیضا) ـ رجوع شود به نام آزاد ومتین.

۹ ـجواب شافی ـ رجوع شود به نام آزاد

۱۰ ـ فرهنگ رشیدی ـ رجوع شود به نام آزاد .

۱۱ ـ ماثر الامراء ـ رجوع شود به صیاء ووقار.

۱۲ ـ مآثر الکرام ـ رجوع شود به نام آزاد.

۱۳ ـ مصطلحات الشعرای وارسته ـ رجوع شود به نام آزاد .

۱٤ ـ نادرشاهنامه رجوع شود به نام عارف.

۱۵ ـ دیوانهای اثر و آزاد (عربی وفارسی) و آفرین وافصح وایجاد وبیخبر و ثابت وجرأت وحزین وخالص وزایر وشهرت وعاقل وعالی وعزلت ومتین ومخلص و مشرب ومظهر ومنصب ومیرزا ونجات (کلیات) ونوید.

۱۶ ـ ساقی نامه دردمند

۱۷ ـ مثنویهای شهید (شورجنون ونالهٔ عشق نواز وغیره)

۱۸ ـ مثنویهای یکتا (گلدستهٔ حسن وجهان آشوب وغیره).

از جمله مآخذ فوق تذکرة الشعرای متین و وارسته (ش۶و۷) امروز باقی نمانده است واین امر خود ارزش این تذکره را بالا میبرد.

این تذکره مشتمل است برذکر صدوچهل ونه[1] شاعر بترتیب الفبا که ۱۱۰۰ﻫ تا ۱۱۷۲ﻫ در ایران یا هندوستان میزیسته اند و باد آزاد بلگرامی شروع شده

[1] استوری ۱۳۶ (ر ک. استوری ج ۱ ص ۸۵٤)

«میریوسف» تمام میشود .

درذیل نام اکثرشعرا مؤلف شرح حال را مختصر آورده است اما اکثر اطلاعات مهم راجع برندگانی آنها را فراهم آورده است و سال اکثر وقایع مهم زندگی (ولادت یا وفات) را ثبت نموده است

اشعار منتخب شعرا نیز غالباً مفصل ولطیف است و نمودار ذوق عالی مولف است و این اشعار را مؤلف از دیوانهای اکثر شعرا خودش انتخاب و گل چین نموده است .

از حیث جامعیت شرح حال وحوبی انتخاب اشعاراین تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره های فارسی شمرد. البته این تذکره زیاد مفصل نیست اما هرچه است نغزوزبده است.

سبك انشای مؤلف غالباً ساده وعاری از تکلف وتصنع است.

چاپ

الهآباد سنیت هاوس ۱۹٤۰ میلادی

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود بهسروآزاد وتذکره بینظیر چاپ الهآباد (مقدمه گردآورنده) ومحبوب الزمن (اردو) چاپ حیدرآباد دکن ص ۷ - ۲۰٦ و تحفة الشعرا تألیف افضل بیك قاقشال،

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شود بهچاپ الهآباد ۱۹٤۰ میلادی.

باغ معانی

ابتدا

رب یسر ـ بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر

فاتحه وفتح کلام خدا نام خدا آمده نام خدا

سپاس بیقیاس جهار آفرینی را سزد که عنادل ناطقه را بر شاخسار زبان جا (داد) ولهجه وستایش ونیایش بیقرینی را بجاست که طوطی مقال را در گل زمین طبع موزون نهاد».

مولف

اسم مؤلف نقش علی[1] است (شرح حال وی اصلا بدست نیامد).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷٤ ه نوشته است چنانکه خود اسم این کتاب «باغ معانی» (= ۱۱۷٤) ازروی حروف ابجد میرساند وهمچنین درذیل نام عطاءالله خان متخلص به‌اعلی‌مینویسد «دراین اوقات که هزارویکصدوهفتادوچهار هجریست ..» اما از متن کتاب پیداست که مؤلف بعداً در کتاب اضافه هائی نموده است چنانکه درذیل نام سیدنورالدین خان متخلص به الفتی‌سال ملاقات با اورا ۱۱۹۰ ه ذکر نموده است همچنین در ذیل نام آزاد مینویسد که اومشغول تألیف سروآزاد (تألیف سال ۱۱٦٦ ه) است ودرحاشیه بخط خودش مینویسد که وی یك نسخه ازخزانه عامره (تألیف سال ۱۱۷٦ ه) دریافت نموده ود تذکره سوم که ازتألیفاتش بنظرعاصی مؤلف رسیده نام خزینه (خزانه) عامره نهاده لیکن مختصراست وبطریق تاریخ حالات نواب نظام الملك و اولادش نوشته (است) ».

نسخه کامل‌این کتاب امروزهیچ جاپیدانیست . اشپرنگرمینویسد (ص۱۵۲) که بعقیده اواین تذکره مشتمل برسه یا چهارمجلد باورقهای بزرگ بوده که

۱ـ اشپرنگردراسم مؤلف‌اشتباه کرده است وتألیف این کتاب رابه علی‌ابراهیم‌خان خلیل‌نسبت داده است (ر ك اشپرنگرص ۱۵۲) اما درنسخه‌کتابخانه بانکی‌پوردرعبارت ذیراسم مولف صریحاً ذکرشده است «امابعد میگویدمولف این اوراق سك‌آستان نبی‌وولی نقش علی‌عفی‌اله عنه من جرایم الجمی والخفی که چون ازآراستن‌پنج چمن تذکره باغ معانی‌بآبیاری سحاب‌الطاف وسرچشمه اعطاف‌الهی‌شادابی خاطرحاصل‌شدحالیا منقار عندلیب کلکم برشاخسار گلهای چمن ششم وهفتم وخاتمه هزاراست » .

ازآنها خود اشپرنگر تنها جلد دوم را دیـده بود . همچنین سحه حطی که در بانکی‌پورموجود است جلدسوم‌این کتاب استوشامل‌ذکرشعرای‌قرن ۹م‌تارمان مؤلف است که اکثرشان یا بهندوستان رفته یا درآن سرزمین زندگی میکرده‌اند ترتیب اسامی این تذکره الفبائی‌بوده است ازروی حرف اول‌اسم یاتحلص شاعر.

شرح حال‌اکثرشعرا را محتصر آورده استوانتخاب اشعار شان رانیرمحتصر نقل کرده اسب

رویهمرفته شرح حال مولانا شیدای مشهدی را (در۲۹ سطر) واشعار باقر خرده‌کاشی را (در½ ۱۲ ص) مفصل‌ترازهمه آورده اسب

سبك انشای مؤلف غالباً ساده وغیرمصنوع است

سخه خطی

۱ - اشپرنگر ص ۱۵۲ (چمن ۳ ــ شاهاں چمن ٤ ــ وزراء و امـراء چمن۵ - ۳۲۲ شاعرازرمان هارون الرشید تا ۸۰۰ ه) .

۲ ــ بانکی‌پورح ۸ ش۶۹۸ (چمن۶و۷؟ــشامل‌ذکرشعرائی‌محصوصاً ازهند یامتعلق بهند ازقرن ۹ تارماں مؤلف ناقص، تا « طریف » است ، ومحتملا بخط مؤلف است)

۳ - ریوج ۳ ص ۱۰۲۲ ب (قسمتی ار چمن ۳و٤ ــ مورح تقریباً ۱۸۵۰ میلادی اسب)

فهرست اسامی شعرا

فهرسب اسامی شعرای این تذکره درهیچ کتاب نیامده

شرح حال مولف

درهیچ کتاب دیده نشد .

« تذکره شاعرات »

ابتدا

اسم مؤلف این تذکره در نسخه موجود هیچجا ذکر نشده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷٤ ه تألیف نموده است چنانکه درذیل نام حدیجه سلطان بیگم مینویسد «خدیجه بیگم تاحین تحریراین سطور که ۱۱۷٤ه است دراصفهان زنده است » .

مؤلف اسم کتابهای زیررا درشرح حالشاعره‌ها ذکر کرده است که درتألیف این کتاب مورد استفاده وی قرا گرفته است .

۱ ـ مرآت الخیال ـ رجوع شود به نام حجابی وحجابی استرآبادی ومهری هروی ونورجهان بیگم ونهانی

۲ ـ ریاض الشعراء واله ـ رجوع شود به نام حجابی استرآبادی وکامله بیگم ومهری هروی

۳ ـ مجالس النفایس ـ رجوع شود به نام مهری هروی

٤ ـ تذکره تقی اوحدی ـ رجوع شود به نام جمیله خانم فصیحه وبیجه نهانی

۵ ـ تاریخ وصاف ـ رجوع شود به نام بیجه مهستی

٦ ـ حبیب السیر ـ رجوع شود به نام بیجه مهستی

۷ ـ جواهر العجایب ـ رجوع شود به نام بیجه مهستی

در نسخه دانشگاه لاهور (که ناقص الاول است) تنها ۳۹ زن شاعر متقدم ومتأخر بترتیب الفبائی ذکر شده است وبنام « توسی خاتون » شروع شده با « همدمی تمام میشود

مؤلف اشعارشاعره هارا غالباً مختصر آورده است و از تذکره های دیگر نقل کرده است .

همچنین شرح حال اکثرشاعره ها را مختصرو گاهی جامع نقل کرده است اما سعی کرده است که اطلاعات مهمی درباره زندگانی آنان دراین کتاب مجملا ذکر نماید.

تنها درذیل نام شاعره های زیرشرح حالشان را (مختصراما) جامع آورده است :

.. خدیجه سلطان بیگم وجمیله خانم فصیحه وزیب النساء بیگم و نورجهان بیگم

گاهی بعضی کلمات را شرح داده است مثلا درذیل نام بی بی مهری کلمه « کنده » را شرح داده است

همچنین اشعار بعضی شاعره هارا اصلاح نموده است مثلا درذیل شعرزیر « نسائی ».

عاشقی با قامت ابرو کمندی کرده‌ام   با همه پستی تمنای بلندی کرده‌ام [1]

مینویسد . « اگر بجای ابرو کمندی مشکین کمندی باشد خوش محاوره است » .

درذیل نام بعضی شاعره ها براقوال تذکره نگاران دیگر انتقاد کرده است چنانکه درذیل نام کامله بیگم برقول خان واله که راجع بیك رباعی کامله بیگم درتذکره خود نوشته است « این رباعی اغلب ازسلیمه بیگم باشد چه درهندوستان زبان فارسی را مردان آنجا خوب نمیدانند چه جای زنان ودرآن زمان رواج زبان فارسی درهند نبوده » مؤلف مینویسد ۰

« محاوره فارسی درهندوستان ازعهد قطب الدین ایبك وشمس الدین ایلتمش (معمول شده) است که اکثربلکه بسیاری ازمردم خراسان وماوراء النهروبلخ وطخارستان (که) همراه ایشان بودنددرینجا سکونت ورزیدند ایشان بهمان زبان

۱ ـ دراین نسخه درمصرع اول «کرده‌ام» ودرمصرع دوم «کرده‌ایم» آمده‌است

وهم زبان هندمتکلم وهم در آن عهدشعرای بسیارزبردست (قوی) ازاهل‌هندبوده‌اند وازرنان بی‌بی‌فاطمه سام که ذکرایشان گذشت در آن عهد بوده» .

همچنین درذیل نام بی‌بی مهری حلایرهروی راجع به‌بدیه گفتن رباعی مهری مربورپیش شاد بیگم مولف مینویسد: «بردبنده صحیح نیست زیرا که‌معاصر شاهرخ میرزا است مگرآنکه صحبت باگوهرشاد بیگم اتفاق افتاده باشد».

همچنین راجع به غزلی که مطلع آنرا مولف ریاض الشعرا هم بنام مهری وهم بنام ماهی نوشته وامیرعلیشیردرمجالس النفاس دوبیت اول غزل راثبت کرده است مینویسد «مشهورچنانست که این بیت ازمهریست که‌زن حکیم بوده امافقیر[1] زمردم نیك شنیدم که ازمولانا سلیمان است...»

سبك انشای مولف ساده است اما گاهی درموقع تعریف ازبعضی شاعره ها بنوشتن نثرمصنوع پرداخته است مثلا رجوع شود به نام‌فاطمه (صفاهانی)

نسخه خطی

تنها نسخه این‌تذکره دردانشگاه لاهوراست که با «تونی‌اتون» درحرف«تا» شروع میشود ودرقسمت آخراین نسخه بعد از «تذکره شاعرات» مستزاد هائی ازعطارومولانای دوم و بیتی‌ازسیفی ویاری‌ویك‌ترکیب بندازحاجی‌خان محمدقدسی ودرحاشیه ازصفحه ۲۹ تا صفحه ۳۹ حرزوتعوید های مختلف‌آمده است

فهرست اسامی شعرا

درهیچ کتاب یافهرستی نظر نرسید

مقالات‌الشعرا

ابتدا

«حمدمن‌خص بالقوة‌النطقیة‌الانسان وعلمه‌حقایق المعانی‌والبیان»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میرغلامعلی شیـر متخلـص به قانع است و سلسله نسبش به‌قاضی سید شکرالله میرسد که در زمان شاه‌بیگ‌ارغون (۹۲۷ ـ۹۲۸ ه) ازشیراز بسند آمد.

قانع‌درسال ۱۱۴۰ه درشهر تته(سند) بدنیا آمدو « حلق اسا بامن‌السلاله » ماده‌تاریخ ولادت اوست. وی درتته‌پیش علمای‌بزرگ آن‌شهر درس خواند. اسامی بعضی ازاستادان خودرا در این کتاب (مقالات‌الشعرا) ذکر نموده است. از ابتدای زمان تحصیل بشعروشاعری‌علاقه‌داشت وبس‌دوازده سالگی(درسال۱۱۵۲ه)بگفتن شعرآغاز کرد ودیوان اشعارخود رامشتمل برهشت هزار بیت ترتیب داد امابعداً سابربعضی‌علل‌نامعلومی‌این‌دیوان‌رابدریا انداخت سپس‌درحدود سال۱۱۵۵ه صحبت میر حیدر الدین ابوتراب متخلص به کامل وی را دوباره بوجـد و شور در آورد ودرنتیجه‌قانع‌دوباره شعر گوئی پرداخت و در حلقه شاگردان میر کامل مزبور در آمد.

اجدادقانع همیشه در ادوارمختلف درسند بمراتب معزز وعالی فایزبودند و ازطرف دولت‌های سندمستمری دریافت می‌نمودند[1] دردربار میان غلام‌شاه کلهوره والی‌سند (۸۶-۱۱۷۰ه) درسال ۱۱۷۵ه قانع بخدمت تاریخ نویسی خاندان دولتی منصوب گشت وبامرشاهی نوشتن دو کتاب راآغاز نمود یکی بشعربسبك شاهنامه فردوسی ودیگری به‌نثر اماچندی‌بعدبعللی‌نامعلوم ازتألیف این کتابهادست کشید و ظاهراًبعد ازیکی‌دوسال ترك‌این‌خدمت گفته به‌تته وطن خود مراجعت‌نمودو درسال ۱۱۸۰ه درآن‌شهربتألیف تحفة‌الکرام مشغول‌شد

ازشرح حالی که‌خودش نوشته است معلوم‌می‌شود که درتمام‌عمر غیرازسورت

۱ـ بعضی اسنادرسمی وفرامین شاهان سند که در کتابخانه شخصی دانشمند معظم پیرحسام‌الدین گردآورنده ومصحح مقامات‌الشعرا موجوداست روشن‌می‌سازد که‌دولت‌های سنددر ادوارمختلف باجدادقـانع وظیفه (مستمری) می‌داده‌اند.

و کچه‌و احمدآباد وجونا گره بهیچ‌جای دیگرمسافرت نکرده وتمام اوقات‌زندگی خودرا درشهر تته درکار تصنیف وتألیف گذرانیده‌و ازسن دوازده سالگی‌تاوفات‌خود (۱۲۰۳هـ) همواره‌بدینکار مشغول‌بوده است.

قانع‌چنانکه ازاشعـارش معلوم‌میشود شیعه تفصیلی[1] بوداما‌در طریقت‌بگروه نقشبندیه منسلك بوده و اکثر اعضای خانواده وی‌نیز مانند‌او بهمین سلسله بیعت داشته اند

از آثار او پیدا اسـ که وی آدم وسیع‌النظر و غیر متعصب بود چنانکه می گوید.

چورافضی نکنم‌سردرد‌ل‌ببغض کسی　　رچار یاردرین دهر گرم‌محفل‌ماست

سودعجب‌بما نشدار صاف رافضی　　گودل ر گرد سینه اصحاب شسته‌ایم

قانع‌به ماده(تاریخ گوئی) علاقه فراوانی داشت چنانکه در قطعه‌ای تاریخ فوت‌پدر خود عزت‌اله (متوفی در۱۱۶۹هـ)چنین گفته است

خرد گفت تاریخ سال وفات　　که پیوسـت با رحمت ایـزدی

و همچنین ماده‌تاریخ فوت پدررا ازسوره « المنافقون » چنین آورده است
للله‌العزة‌لرسل‌وللمؤمنین[2]

قانع‌تا آخرعمر درکار تصنیف‌و تألیف مشغول‌بوده وحتی‌یکسال قبل‌ازوفات سه‌کتاب بنام«طومار سلاسل گزیده » و«شجره اطهر اهل‌بیت» و « سالکان طریقت » رادر سال۱۲۰۲ هـ باتمام‌رسانید و باوجودپیری وبیماری گوناگون هیچوقت‌ازکار علمی دست‌نکشید بالاخره درسال۱۲۰۳ هـ بسن‌٦٤سالگی‌درتته‌چشم‌از جهان‌بربست ودر کوهچه مکلی‌در قبرستان خانواده خودمدفون گشت

۱ـ یعنی‌باوجود اینکه به‌خلفای‌ثلاثه‌احترام می‌گذاشت امادربین چهارخلیفه تفضیلت حضرت‌علی قایل‌بود

۲ـر.ك آیه٦ سوره‌المنافقون،«وللله‌العزة‌ولرسوله‌وللمومنین

میرقانع سه‌پسر داشت بعدازاو بعضی‌از اخلاف وی نیز مانند اوبفارسی شعر میسروده‌اند.

آثار مولف

آثار قانع درتاریخ سیاسی‌و اجتماعی معاصرحاوی اطلاعات دیقیمتی میباشد عده آثاراو بسیار بوده امااز دستحوش روزگار اکثر آن‌از بین رفته‌است طبق اسامی که درمقالات‌الشعرا وفهرست کتابخانه‌تته و کتب‌دیگرد کر شده عده مؤلفات وی بچهل‌و سه‌بالغ‌میشود بسیاری‌از کتابهای‌قانع ناتمام مانده و وی در تکمیل آن توفیق نیافته‌است درباره‌عده اشعارخود در «مقالات‌الشعرا» مینویسد که‌اگر آنهارا جمع‌آوری مینمود بسی هزار بیت میرسید . «الی‌الحال ١١٧٤ه اگربجمع شعر میپرداخت تاسی‌هزار کماوبیش (کم‌وبیش) رسیده‌میبود امااغلب‌طبع بدین‌نبوده اکثرمسودات‌بهرحا که ماندند ماندند»[1]

آثارمؤلف بدین قرار است ٠

١ـ دیوان‌علی‌شیر- درسال١١٥٢ بسن‌دوازده سالگی گرد آورده‌بود اما بعداً آنرا اندریا انداخت .

٢ـ مثنوی شمه ازقدرت حق»[2]- درسال١١٦٥ ه تألیف نمود.

٣ـ مثنوی قضاوقدر- در١١٦٧ ه تألیف نمودونسخه آن‌در انجمن‌ادبی سند موجود است

٤ـ نوآئین خیالات - در١١٦٩ه نثر تألیف کرد

٥ـ مثنوی قصه کامروپ[2] - در١١٦٩ ه سرودو حاوی‌سه هزار بیت بود

٦ـ دیوان‌قال‌غم[2]- در١١٧١ ه سرودوحاوی نه‌هزار بیت‌بود[1]

١- ر٠ك مقالات‌الشعراص٥٧٢

٢- از این کتابها نسخه‌ای بجا نمانده اما اسامی و منتخبات و مقتبسات آن درمقالات‌الشعرا وبعضی‌کتب دیگر آمده است.

۷ـ ساقی‌نامه[1] ـ در ۱۱۷٤ هـ سروده بود».

۸ـ واقعات حضرت‌شاه[1] ـ درسال ۱۱۷٤هـ سرود و حاوی یکهزار بیت بود

۹ـ مثنوی چهار مرله[1] ـ در ۱۱۷٤هـ سرود و حاوی یکهزار بیت بود.

۱۰ـ تزویج‌نامه حسن و عشق[1] ـ در ۱۱۷٤ هـ بنثر تألیف کرد.

۱۱ـ اشعار متفرقه در صنایع و تاریخ[1] ـ در ۱۱۷٤ سرود و هزار بیت بود

۱۲ـ بوستان بهار معروف به مکلی‌نامه ـ در ۱۱۷٤هـ تألیف کرد رساله کوچکی است بنظم و نثر درباره مقابر قبرستان مکلی. نسخه خطی آن در انجمن ادبی سند موجود است و این رساله در مجله مهران شماره ۲ تا ٤ سال ۱۹۵٦م با حواشی چاپ شده است.

۱۳ـ مقالات‌الشعرا ـ تذکره مورد بحث درسال ۱۱۷٤ تألیف کرد.

۱٤ـ تاریخ عباسیه ـ درسال ۱۱۷۵هـ بنثر آغاز کرد ولی ناتمام ماند.

۱۵ـ تاریخ عباسیه ـ درسال ۱۱۷۵هـ بشعر آغاز کرد ولی ناتمام ماند. کل بیست‌هزار بیت بود[1]

۱٦ـ تحفة‌الکرام ـ در سه جلد در ۱۱۸۱هـ تألیف کرد. تاریخ عمومی است اما درباره اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی سند بحث کرده است

۱۷ـ مثنوی اعلان‌غم ـ در ۱۱۹۲ هـ سروده است و ۱۱۷۳۳ بیت دارد نسخه‌ای بخط مؤلف در موزه بریتانیا موجود است.

۱۸ـ زبدة‌المناقب ـ در ۱۱۹۲هـ سرود و حاوی ۱۲۰۰۰ بیت بوده (رجوع شود به فهرست کتابخانه تته).

---

۱ ـ از این کتابها نسخه‌ای بجا نمانده اما اسامی و منتخبات و مقتبسات آن درمقالات‌الشعرا و بعضی کتب دیگر آمده‌است.

۲ـ جلد سوم این تاریخ که مشتمل بر احوال سیاسی و اجتماعی سند است در مطبع ناصری دهلی در سال ۱۳۰۵ هـ بطبع رسیده است و به زودی از طرف انجمن ادبی سند نیز منتشر می‌شود.

١٩ـ مختار نامه ـ در۱۱۹٤ه سرودو حاوی۷۰۰۰ بیت‌است. نسخه‌ای ار این کتاب‌درانجمن‌ادبی سندموجود است.

۲۹ـ نصاب‌البلغا. در۱۱۹۷ ه تألیف کرد که در فکر آلات و اقسام اشیاء و حیوانات مختلف ومصطلحات ادبی‌است نسخه‌ای بخط مؤلف‌در کتابخانه شحصی مولانا محمدابراهیم گرهی‌یاسینی‌موجود است.

۱۲ـمثنوی ختم السلوك ـدر۱۱۹۹ ه سروده است و نسخه‌ای از این کتاب بخط مؤلف درانجمن ادبی سندموجوداست.

۲۲ـ طومار سلاسل گریده ـ در۱۳۰۲ ه تألیف نموده ودر ذکر سلسله های طریقت و مشاهیر صوفیه سند است. سخه‌ای بخط مؤلف در انجمن ادبـی سند موحود است.

۲۳ ـ شحره اطهراهل بیت[1] ـ در۱۳۰۲ه تألیف نمود و در ذکرشجره‌نسبت سادات سندبود.

۲٤ـ معیار سالکان طریقتـدر۱۲۰۲ه تألیف نمود در ذکـر یکهرار نعر ار مشاهیر روحانی است و نحسه خطی‌آن درموره بریتانیا موحوداست

۲۵ـ روضة‌الانسیاـ (سال‌تألیف معلوم نیست؟) شعر بود و درفهرست کتابخانه تته اسم‌آن دکر شده است

۲٦. رینت‌الاخلاق ـ شعر بود مشتمل بر نصایح‌ومواعظ

۲۷ـ غوثیه ـ بشعر بود درسلوك ومعرفت.

۲۸ـ مثنوی قصاب نامه ـ امرور ۲٦۳ بیت‌ار آن‌مانده‌است

۲۹ـ میران‌الافکار ـ بشعر بوده است

۳۰ـتذهیب‌طباع(؟)

۳۱ـسرافرازنامه (؟)

۱ـ ار این‌کتابها سحه‌ای بحا بمانده امااسامی ومقتبسات‌آن درمقالات‌الشعراوبعضی کتب دیگر آمده است .

۳۲ـ حدیقه غلبا ـ مجموعه شعرای فارسی است. نسخه ناقص الاخر آن در انجمن ادبی سند موجود است.

۳۳ـ مثنوی کان جواهر(؟).

۳٤ـ میزان فارسی (؟)

۳۵ ـ رساله معمی مع شرح ـ نثر وشعر بوده

۳٦ ـ لب تاریخ کلهوره.

۳۷ـ بیاض محك الشعرا ـ جنگی است شامل اشعار گزیده فارسی. نسخه‌ای ازاین بخط مؤلف درانجمن ادبی سندموجوداست.

۳۸ـ دیوان اشعار[1].

۳۹ـ قصاید ومنقبت.

٤۰ ـ انشای قانع ـ نسخه‌ای از آن درانجمن ادبی سند موجوداست.

٤۱ ـ مثنوی محبت نامه ـ ۱۵۹ بیت از آن در بیاض (جنگ) مکلی نامه موجوداست

٤۲ ـ ٤۳ ـ (در فهرست میر مائل[2] اسم این دو کتاب محو شده و خوانده نمی‌شود).

تبصره بر این کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۱٦۹ ﻫ آغاز نمود ودر ۱۱۷٤ ﻫ باتمام رسانیده است واسم تذکره « مقالات الشعرا» ازروی ابجد سال اتمام آنرا میرساند چنانکه مؤلف دراین باب درمقدمه توضیح داده است اما درمورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه چنین مینویسد: «روزی درمجمعی ازیاران . مضمون این معنی وحقیقت چنین بیان

۱ـ ازاین کتاب نسخه‌ای بجا نمانده اما اسم ومقتبسات آن درمقالات الشعرا وبعضی کتب دیگر آمده است.

۲ـ میرعلامعلی متخلص به مایل یکی از سه پسر قانع بودکه بعداز پدر جانشین وی شد(ر.ك. شرح حال میرمایل تتوی از پیرحسام الدین راشدی در مجله مهران ـ بهار ۱۹۵۵م)

آمد که‌چون در هیچکدام تذکره صائبه ذکر صاحب کمالان خطه‌پاك سند بدیدن نمی‌آید اگرچنانچه عروس حالات سدی ار ابارب‌سحن این‌سرزمین استعدادترئین وشاهدمقالات برخی ازاصحاب فن‌این‌خاك‌پاك قرین درپرند تألیف و حلیه تدوین حلوه‌افرای‌جمله گوش مستمعان باهوش وضیا پیرای خانه‌چشم‌مبصران‌خردنیوش گردد باری‌یادگاری ازاین دیاربروی‌کارتوا ندماند»

سپس مؤلف(نثربسیار مصنوع مینویسد) که‌وی اکثر بهمین فکر مشغول بوده اما این‌کار حیلی‌مشکل بنظرمیآمد چون در هیچ کتاب ذکراین‌شعرا بمقدار وافی‌وکافی‌نبوده ودرتواریخ‌و کتب‌دیگر بطورمتفرق‌وپریشان یافت‌میشد.درهرحال مؤلف بسال هزارو صدو شصت‌ونه درضمن نظم «قصه‌کامروپ وکام‌لتا» تألیف این کتاب‌را آغاز نمود.

مؤلف اسم‌مآحد را درمقدمه یا خاتمه ذکر نکرده‌است امـا درشرح حـال شعرا اسم کتاب‌های‌زیررا آورده است که ازآنها در تألیف این کتـاب استفاده کرده‌است ۰

۱ـ کلمات‌الشعراـ سرخوش

۲ـ ید بیضا [۱] تألیف میرغلامعلی‌آزاد

۳ـ منتخب التواریخ (رجوع شود به‌نام بابرو بیرم)

۴ـ تاریخ معصومی یا تاریخ سیدمیر معصوم نامی بهکری(رجوع‌شود به نام هلال‌وغیره)

۵ـ اکبر نامه [۲]

۶ـ واقعات تیموری یا تورك تیموری(رجوع‌شودبه‌نام باقی)

۱ـ مولف شرح حال‌اکثرشعرا راکه بسند آمده‌اند از این تذکره اقتباس و نقل کرده‌است.

۲ـ ازمطالبی که مولف درشرح حال بابرآورده‌است معلوم میشودکه بعضی مطالب را ازاین‌کتاب نقل‌کرده‌است.

۷ـ مجالس المومنین (رجوع شود به نام بیرم خان)

۸ـ قوانین انشا بالغ (رجوع شود به نام بالغ)

۹ـ تاریخ غیاث الدین هروی (رجوع شود به نام سپاهی).

۱۰ ـ لطایف الطوایف ـ علی بن ملاحسین واعظ کاشفی (رجوع شود به نام شهود)

۱۱ـ مجمع الصنایع ـ نظام الدین احمد

۱۲ـ تاریخ نظامی (رجوع شود به نام نظام الدین)

این تذکره مشتمل است بر ذکر هفتصد و نوزده شاعر در بیست و هشت باب باین ترتیب که برای هریك حرف یك باب مخصوص است و اسامی شعرا را بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص آنها آورده است.

این تذکره با «ابراهیم، ملا ابراهیم بندر لاهری» شروع شده با «یونس میرمحمد یونس ارغون» تمام میشود درخاتمه کتاب بعضی غزلهای شعرای معاصر را آورده و گاهی اشعار خودش را هم نقل کرده است این غزلها قافیه و ردیف شبیه بهم دارد.

گاهی بعضی حکایات مبتذل در این تذکره نقل کرده است مثلا درذیل نام بالغ.

درذیل نام بعضی شعرا بعضی اطلاعات حالبی آورده است مثلا درذیل نام باقر مینویسد: «نان باقرخانی و کوزه باقرخانی از مخترعات اوست» اما قبل ازقبول چنین روایاتی لازمست تحقیق بیشتری دراین زمینه بعمل آورده شود.

ازجمله ۷۱۹ شاعر درذیل نام ٤٣۷ شاعر مؤلف شرح حال آنها را دریك ودو سطر وارهر کدام یك دو بیت نقل کرده است وحتی درذیل بعضی ازآنها بذکر اسم و وطن شاعر و آوردن یك بیت از او بدون هیچ شرح حال اکتفا نموده است مانند صاو روح‌الله وغیره

شرح حال شعرای زیر را مفصل تر از دیگران آورده است : خانخانان

(۲ ص) وامین‌الدین خان و بابروجانی بیگ میرزا وامیرشاه قاسم (هر کدام در ۳ ص) واعظم خان وسپاهی (هر کدام در ½ ۵ ص) وقانع (مؤلف در ٦٨ص).

همچنین اشعارشعرای زیررا مفصل ترازسایرین آورده است: طالب (۲ ص) وخالص و کامل (هر کدام در۳ ص) وشاعر(½ ۳ ص) و میرجاشاه (٥ ص) ومداح (½ ٥ ص) وآزاد و رجا (۷ص) ومحسن (تقریباً۲٥ص) وقانع (مؤلف ـ٦٨ص)

بدین ترتیب شرح حال و اشعار خودش را از همه مفصل تر (هر کدام در۲۸ص) آورده است .

درنوشتن شرح حال شعرا هیچگاه سعی نکرده است آنرا مفصل بنویسد واطلاعات هرچه بیشتر را در بساره آنان بهم رساند واین تذکره غالباً فاقدا کثر اطلاعات مهم درباره شعرا میباشد وحتی شرح حال بعضی شعرارا که مؤلف بآسانی میتوانست ازتذکره های دیگرمفصلا نقل کند نیرمفصل سوشته است مانندآزاد وحزین وسرخوش وعیره وهمچنین شرح حال شعرائی را که مؤلف با آنان ازنردیك آشنائی داشت نیرمفصل ننوشته است

درذیل نام شعرای زیرهیچ شعری ازآنها نقل نکرده است وتنها شرح حال آنها را آورده است :

عبداللطیف (تارك) وگل محمد و مشتاقی اما درباره این موصوع هیچ توضیحی هم نداده است.طاهراً یا سهواً وغفلة ننوشته است یا شعری ازآنها دردست مؤلف نبوده است .

همچنین درذیل نام « ابوبکرسوستانی» تنها نقل اشعارش اکتفا نموده وشرح حال وی را اصلا ننوشته است . درذیل شرح حال حود مؤلف شرح حال مفصل ازبعضی اسلاف حود نوشته است که اساساً شاعرنبوده اند .

مؤلف اشعارخود را درذیل اشعاردیگران نیرنقل کرده است (رجوع شود به نام تسلیم وعاشق محمد کریم وعبدالله حاجی کربلائی وحکیم غالب ومحسن ونجم‌الدین) ومخصوصاً درذیل نام عاشق چندین غرل کامل حود را درجواب بعضی

اشعاروی نقل کرده است .

همچنین درذیل نام بعضی شعرا اشعاردیگران را که درمعانی ومفهوم تشابه داشته نقل کرده است مثلا درذیل نام عبدالله حاجی کربلائی اشعارزلالی را ودرذیل نام نجم الدین اشعارغلامعلی مداح را نقل کرده است

مؤلف با « ماده تاریخ گوئی » علاقه فراوانی داشته است چنانکه درپایان اشعارخود هفت قطعه تاریخ که درآن ازآیات قرآنی واحادیث رسول اقتباس نموده است آورده است همچنین گاهی بعضی اشعار را از خود یا شعرای مزبور یا دیگران نقل کرده است که تاریخ بعضی وقایع زندگی آنها (مانند ولادت ووفات وغیره) را میرساند مثلا رجوع شود به آزاد واکبروبابر. همچنین درموقع انتخاب اشعارشعرای « ماده تاریخ گو» سعی کرده است که اشعارآنها که متضمن ماده تاریخ بعضی وقایعی میباشدنقل کندمثلا رجوع شود به اشعارآزاد وعبدالجلیل بلگرامی . حتی درذیل نام عبدالجلیل هیچ اشعاری غیرازاشعار« تاریخ »ازوی نقل نکرده

درذیل نام اشخاص زیرچندین « ماده تاریخ » نقل کرده است که خودآنها یا مؤلف یا دیگران سروده‌اند · امی وآهی واحمد عماری قروینی واکبر وامین‌الدین خان حسینی واعظم‌خان والهام وابواحمد خان وآزاد وابراهیم واعظم وبابروبیرم خان وباقی‌وبالچندوبی‌تکلف وتسلیم وجعفروچترنهوح وحسن‌وحفظ‌الله خان وخالص وذهنی ورجا وسرافرازوسرخوش وسرشاروشاهجهان وشفیع وشوقی و شهرتی وسید صفائی وعبدالباسط وعبدالجلیل بلگرامی وعبدالقادروسیدعبداللطیف وغلام محمدپسرآخوند وفاضل‌خان وفایز وقاسم (سراج الدین) وقانع (مؤلف) وکامران ومحسن ووقاری وهمایون شاه

رویهمرفته درذیل‌اشعارخود اشعار« تاریخی » ازهمه بیشترنقل کرده است .

درموقع انتخاب اشعارشعرا طبق ذوق « هندی » اکثراشعاری راکه دارای صنایع لفظی ومعنوی‌بوده ترجیح داده وذوق‌شعروی‌را ازچنین اشعارمنتخب‌میتوان

درك نمود مخصوصاً رجوع شود به صادق ونجم‌الدين -

علاوه براشعارشعرا گاهی نمونه هائی ازنثر آنها را نیز نقل کرده است مثلادرذیل نام اکرم رقعه ای (نامه ای) وازقدوس دورقعه (دونـامه) وازخود مؤلف ۲۸ فقره (حمله) ویك رقعه (نامه) بنثرازکتاب خود بنام « آئین خیـالات » که بقول خودش « به ازنظم است » (یعنی بهترازشعراست)

سبك انشای مؤلف

نثرمولف آمیزش عربی زیاد دارد و گاهی بعضی اصطلاعات وکلمات عربی را آورده است که بفارسی معمول نیست مانند کره ثانی بمعنی دفعه دوم (ص۲۴۲) وغیره.

سالها را همه جا بزبان عربـی آورده است ودراکثرموارد درنوشتن بعضی مطالب ازآیات واحادیث استفاده کرده‌است مثلارجوع شودبه شرح حال عبدالله (واعظ) وعبدالرسول . مخصوصاً در « ماده تاریخ گوئی » ازآیات واحادیث زیاد استفاده نموده است مثلا رجوع شود به نام عبدالرشید ومیرعبداللطیف وعریضی وآخر اشعارمولف گاهی بعضی کلمات اردو یاسندهی یاکلماتی که اصلا فارسی بوده اما درهندوپاکستان بمعانی مخصوصی درآمده است بکاربرده است[1] مانند :

« بفوجداری پرگنات معیشت داشته » (رجوع شود به‌نام الله وردی بیگ ص ۷۰) « نواسه » بمعنی نواده (رجوع شود به نام تسلیم ص ۱۲۱) «درديوانخانه ایشان نشسته کچهری میکرد » (رجوع شود به نام ابراهیم ص ۶۸) « دوپاس » بمعنی ظهر که باردو دوپهر گویند (رجوع شود به نام رجا ص ۲۳۲) «سرشته‌دار دامهای جاگیرجاگیرداران » (رجوع شود به نام ابوالمعالی ص ۷۵) «خوشنویس ودستخط »(رجوع شود به نام اسدالله ص ۷۶) «دهر» بزبان سندهی بمعنی«تشکر» گاهی بجای «فوت شد » بعضی کنایات مخصوص وجالبی آورده است مانند

---

۱ ـ اکثرنویسندگان متأخرهند وپاکستـان درموقع نوشتن فارسی همین روش را داشته‌اندمانندآزاد وآرزووحاکم وخوشگووشفیق وغیره .

« رخت صفا بعالم بقا کشید » (رجوع شودبه‌نام صفائی) « ازصهبای کل من علیها فان نوش کرده سرمست وصل برمگاه حقیقی شد » (رجوع به نام صهبـا) « درمنا بریارت بیت آخرشتافت » (رحوع شود به نام‌کامـران) « ساغرشرابا طهورا نوش فرموده سرمست وحدتکده باقی گردید » (رحوع شودبه نام مشرب)

وگاهی ازتحلص واسم شاعراستفاده کرده برعایت‌آن بعضی‌عبارات راآورده است مثلارجوع شود به جملات وی که ارشرح‌حال صفائی‌وصهبا ومشرب درسطور فوق نقل شده است.

نسخ خطی

۱ ـ کتابخانه شخصی پیرحسام الدین در کراچی
۲ ـ ریوح ۲ صٔ ۸۴۸ الـف (مورخ ۱۲۴۶ ﻫ)
۳ ـ اند یـا آفس ۴۴۹۷[1] (۱۲۷۱ ﻫ)

فهرست اسامی شعرا

رحوع شود به «مقالات الشعرا» چاپ کراچی
برای **شرح حال مولف** رحوع شود به مقدمه مقالات‌الشعرا چاپ کراچی

چاپ

ارطـرف احمن ادبی سدکـراچی درسال۱۹۵۴م بتصحیح وتحشیه آقای پیرحسام‌الدین راشدی بطرربسیارمطبوع ونفیسی چاپ شده است . دراین کتاب مصحح فاصل آن‌مقدمه معید وارزنده‌ای‌رادرباره مؤلف وآثاروبوشته‌است(رجوع شود به ص۲۷) و۳۲ عکس را ار اشحاصیکه دکرشان دراین کتاب آمده است (ومصحح آنرا بعدازرحمت زیادی بدست‌آورده و بعضی ازآنها را اول‌دفعه دراین کتاب چاپ کرده است) بیرضمیمه کرده است .

همچنین‌درحواشی کتاب درباره بعضی ازملوك وامرا وشعراوشهرها ومقامات

---

۱ ـ این نسحه درفهرست اته دکرشده است ر.ك. استوری ح ۱ق۱ ص xi۱

دردیل عبارت .IO

تاریخی وغیره شرح بسیار مفیدی را از کتب تاریخ و تذکره وغیره اضافه کرده است و این حواشی متصل را بجای خودش باید «تکمله»ای براین تذکره حساب کرد خلاصه زحمات مصحح فاضل آن واولیای انجمن ادبی سندهی سزاوارستایش وتمجید و تشویق فراوانی میباشد واین روش در تصحیح و چاپ کتب تذکره و تاریخ بوسیله سایرین باید «شمع راه» ومورد تقلید وتتبع قرار گیرد

سفینه عشرت

ابتدا

«حمدناظمی‌را که رباعی عناصر راترکیب‌بند ساخته وثنای راقمی که برلوح فلك ازقلم ابداع مسدس شش‌جهت نگاشته»

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب در گاداس است (شرح حال اودرهیچ کتاب تاریخ یا تذکره‌وغیره‌ذکر نشده‌است)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷۵ هجری تألیف نموده‌است چنانکه اسم این کتاب«سفینه‌عشرت »از روی‌ابجدمیرساند

نسخه‌ناقص الاخر این کتاب در بانکی‌پور (که تنها نسخه موجود است)

مشتملست برچهارصد و نجاه‌وپنج شاعر بترتیب‌الفبا از روی‌حرف اول‌یا تخلص‌شاعر وبا«اسدی طوسی» شروع‌شده‌با«حاجی فریدون‌مخلص به‌سابق» تمام‌میشود وحاوی ذکرشعرای متقدم‌و متأخر میباشد.

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را مخصوصاً از معاصرین مفصل

رویهرفته مؤلف شرح حال بیدل را (در سه صفحـه) مفصل تر از همه آورده و اشعار سراج‌الدین علیخان متخلص به‌آرزو را (در ۳۳ صفحه) مفصل‌تر ارسایرین نقل کرده است.

سبك انشای‌مؤلف در مقدمه کتاب مصنوع است و گاهی‌نثر مسجع را نیز بکاربرده‌است. اماشرح حال شعرا را بنثرسادهوغیرمصنوع نوشته است.

نسخه خطی

سخه خطی منحصر بفرد این تذکره در بانکی‌پور موجود است (رجوع شودبه‌بانکی‌پور ح۷ص۶۹۹).این‌نسخه‌ناقص‌الاخر استو تنهاتا حرف فریدون متخلص به« سابق» میباشد ومورخ‌قرن ۱۹ میلادی‌است.

«مردم دیده»

ابتدا

بعد (از) حمد کلیمی که‌سخن آفرین‌و حکیمی که احکم‌الحاکمین استو صلوات کریمی که‌رحمةللعالمین وشفیع‌المذنبین استواهل بیت‌طاهرین‌واصحاب طیبین‌وتـابعین رضی‌اله تعالی‌عنهم اجمعین. .»

شرح‌حال مؤلف

این کتاب را ملاعبدالحکیم لاهوری متخلص‌به حاکم تألیف کرده است ، وی‌ازطرف جده‌سید حسینی است چون جده وی‌از فرزندان قاضی یوسف بود که ازسادات‌معتبره هرات وقاضی‌بلخ‌بود

اسم‌پدرش شادمان خان‌اوزبك است . ار طرف پدر سبش به اوزبك اورغ دورمن میرسد که از نجبای قوم اوزبك بود پدر حاکم در عهد عالمگیر شاه (١٠٦٩-١١١٨ه)ازبلخ بدکن واردشد و بقول‌حاکم به منصب «علی‌قدرحال‌خود» وبقول آرزو به منصب هفتصدی وپنجاه سوار سرافرار گردید بعدازمرگ پادشاه مربور شادمان‌خان در مرادآباد سکونت گرید و حاکم درآنجا درسنه یکهرارو یکصد وبیست‌هجری (سنه١١٢٠ه) متولدشد و در سال اول جلوس محمد فرخ سیرشاه (١١٢٤ه) پدر حاکم «سبب کمال ارتباط واخلاص » نواب دلیر جنگ همراه‌وی بلاهور رفت و درآن شهر رحل اقامت افکند ودر زمان فرخ سیر شاه (١١٢٤-١١٣١ه)به منصب سه‌هزاری ودرعهد محمدشاه (١١٣١-١١٦١ه) به‌منصب پنجهزاری و نوبت وعلم ونقاره مفتخر شد بالاخره‌در چهارم رمضان سنه ١١٣٥ ه مطابق سال پنجم جلوس محمد شاه در لاهـور فوت کردو شخصی «بجنت رفت » (=١١٣٥) ماده تاریخ وفات شادمان خان گفت

در هنگام فوت پدر حاکم هنور پانرده ساله بودوی به مطالعه کتب فارسی واشعار اساتید قدیم بسیار علاقه داشت و گاه‌گاهی شعرهم میسرودتاآنکه بخدمت شاه آفرین لاهوری[1] رسیده‌و درزمره شاگردان اودرآمد درباره آفرین لاهوری‌حاکم‌میگوید

حاکم نداشتم سروسامان فکرشعر ار فیض آفرین بسخن آشناشدم

قبل ار حمله نادر شاه بهندوستان[2] حاکم بدست حاجی محمد شریف که از خلفای شیخ سعدی لاهوری بوده‌و بیك واسطه نسب وی‌بهسید آدم بنوی میرسید بیعت کرد و درسلسله‌قادریه مسلك گشت بعدازمراجعت نادرشاه(٧صفر١١٥٢ه) بدهلی رفت وآنجا باخواجه‌محمد صادق خان بهادر ملاقات کرد خواجه مربور

١- برای‌شرح حال او«رجوع شودبه مردم دیده» وغیره

٢- نادر شاه در١٥ ذوالقعده ١١٥١ ه درجنك کرنال لشکردشمن راشکست داد وروز نهم ذوالحجه ١١٥١ه وارددهلی شد در٧صفر ١١٥٢هآنشهررا ترك گفت.

دیوان حاکم رابخط خود نوشت . لعاچندی بعد این د وان رادزدیدند.حاکم بعد از رفع اختلاف صفدر جنگ وزیر و اعتمادالملک همراه وزیر مشارالیه از دهلی به صوبه (ستان) اود رفت و بعد از فوت وی بدهلی مراجعت نمود. چندی بعد وارد لشکر شجاع‌الدوله شد ولی دیری نگذشت که ترك دنیا کرده در زمره فقرا درآمد

مؤلف درمقدمه «مردم‌دیده» توضیح میدهد ک در نتیجه مطالعه مثنوی‌معنوی مست‌باده رومی شدو درقصبه‌رای‌بریلی (دراستان« اتر پردیش»هندوستان‌امروزی) درغره جمادی‌الاخری سنه۱۱۷۱ ه تغییر لباس داده بلباس فقرا درآمدو از آنجا برای‌استطلاع «احوال متعلقان »عازم وطن خودلاهور شدو شش‌ماه‌در آن‌شهر توقف نموده وسپس درشوق ادراك صحبت حضرت اخوند عبدالسلام نقشبندی رو بخطه کشمیر آورد وبالاخره بعد از طی منازل در ملاقات او توفیق یافت. چندی بعد اخوند مزبور برحمت حق بپیوست وبعد از فوت وی حاکم یکسال و نیم در آن «سرزمین بهشت‌آیین‌بسر برد»

حاکم در کشمیر باغازی‌بیگ خان که بخشی اعتمادالدوله و رفیق معین‌الملك پسر اعتمادالدوله بود ملاقات کرد و همچنین باامیر محبت‌اله ملقب به عبدالملك خان برادر زاده میرنعمت خان سپید که باتفاق غازی بیك خان در کشمیر بوده از نزدیك آسائی پیدا کرد اما از شعرای کشمیر هیچکس برای دیدن حاکم نیامد و حاکم تنها به سه جهز « بزرگ گوشه نشین » - سد عبدالرشید و آخوند عبدالوهاب و شاه ضیاء اله و کاسو پیر ملاقات کرد .

حاکم می گوید که درهمان ایام «سی در واقعه خیری نمودند و از خود ربودند. چون بیدار شدم از کار شده» و باوجود عدم وسایل تصمیم گرفت برای زیارت حرمین برود. در آن ایام بدون اجازه مهاراجه سکه جیون که صاحب تصرف آنجا بود عبور ممکن نبود و اما حاکم بتدبیر غازی بیك خان

بگرفتن جوازعبور موفق‌شد وبه‌جمون [1] رسید. خواجه هدایت‌اله گماشته راجا عطاءاله بتواضع بسیار ازوی پذیرائی کرد.

حاکم دراواسطربیع‌الثانی درشهرهوهشیارپور نزد«متعلقان» وخویشاوندان خود رسید و بعلت هنگامه (شورش) سکهان یکسال در آنجا توقف نمود و غالباً در آن ایام برلب نهرآب شهربا شاه‌عثمان‌خان خلیفه میرشاهٔ علی‌مینشست‌وصحبت می‌کرد. روزی باهم نشسته بودند که سید خواجه میر با وی برخورد حاکم بخواجه مربور گفت که قصدزیارت حرمین رادارد وخواجه‌میر ازطرف خواجه عبداله خان‌بهادر وسایل‌زندگی خانواده حاکم رافراهم نموده ودر نتیجه حاکم در ۱۴ ربیع‌الثانی (سنه۱۱۷۴ﻫ) عازم‌مکه ومدینه شد

طی مثنوی‌ایکه درمقدمه «مردم دیده» آمده‌است حاکم‌این مسافرت خود راشرح داده‌است از آن‌معلوم‌میشود که چون‌بسوی مکه و مدینه رهسپار شددرماه صفر نورالعین واقف‌با اوهم‌سفرشد و در راه دونفر دیگر بنام کریم‌اله (که او را حاکم«پر جفاو بی‌وفا» میگوید) وحسن باآنها همراه شدند درراه با استاد خود مولوی عبدالرحمن ملاقات کرد وچون‌در ۲۹رجب ۱۱۷۴ﻫ به‌اورنگ‌آباد(دکن) رسید مهمان‌شاه محمودشد وآنجا باآزاد بلگرامی ملاقات کردو آزادمقدم آن‌ها را گرامی داشت از اورنگ آباد به سورت رفت و آنجا مولوی خیر دین او را در کشتی بنام « سلیمان مکی » سوار کرد اما بعلت کسالت واقف نتوانست باوی برود

حاکم بعد از دوماه‌شب‌جمعه در آخرماه شوال درجده‌از کشتی پیاده شدو ازآنجا سوار شتر شده عازم‌مدینه شدو درراه مزار شهیدان بدررا زیارت کرد و بالاخره بمدینه رسید و آنجا مزار رسول ومسجد قدس‌را زیارت کرد وهمچنین قبرحضرت ابوبکرو مزارحضرت فاطمه وقبرهای‌دیگرجنت‌بقیع‌رازیارت کردوبقول‌خودش این سعادت در ماه ذیالقعده نصیب وی شد سپس متوجه خانه کعبه شدو چون

۱ــجمونیا جمون یکی ازایالات کشمیر است

به مسجد آن رفت که چهل باب دارد او را اجازه ندادند که بـه داخـل مسجد برود چون بقول خودش او پول نداشت . سپس مؤلف سایر مناسك حج را انجام داده در ماه محرم عازم جده شدو ازآنجا در کشتی بنام« گنج آوری مکی» که متعلق بسید حواجه کوچك بود رهسپار هندوستان گشتو بالاحره درماه‌صفر (۱۱۷۵ﻫ) سورت رسید.

حاکم درپایان مثنوی مذکور قطعه‌ای آورده است که‌بیت آخر آن بطریق معمی تاریخ‌این مسافرت(۱۱۷۵ﻫ) را میرساند .

پی سال تاریخ بودم بفکر	دل‌شد بصد عجزو دست دعا
که ناگاه شنیدم‌روی کرم	**قبول خدا می شود حج ما**

(= ۱۱۵۵ﻫ)

(چون عدد روی کرم که‌حرف کاف است(= ۲۰) راباعدد ۱۱۵۵جمع کنیم ۱۱۷۵ برمیآید که‌سال این‌مسافرت است)

بروز ۱۵ جمادی‌الاول سنه‌۱۱۷۵ ﻫ حاکم باتفاق واقف وارد اورنگ آباد دکن شد و آنجا درتکیه شاه‌محمود اقامت کرد.

در ایام اقامت اورنگ آباد در همان سال ۱۱۷۵ﻫ حاکم تذکرة‌الشعرائی نوشت شامل ذکر شعرائی که آنها را دیده بود و اسم آن را « تحفة المجالس » نهاد اما بعداً بـه پیشنهاد و توصیه آزاد بلگرامی اسم آن را به «مردم دیده» تغییر داد

حاکم در۱۸شوال ۱۱۷۵ ﻫ از اورنگ آباد به‌حیدر آباد دکن رفت و در ۱۹صفردوباره به‌اورنگ‌آباد برگشت ودر دوم ربیع‌الثانی همان سال (۱۱۷۵ﻫ) حاکم و واقف هردو از اورنگ آباد عزم شمال هندوستان شدند چون راه برهان پور و مالوه خطرناك بود راه برار و چتر پور را اختیار کردند ولـی با وجود این احتیاط در بین اورنگ آباد و بالاپور قطاع‌الطریق اذیت آنان را بردند اما بخودشان هیچ صدمه ای نرسید بالاخره برحمت تمام ببالاپور

رسیدند و از آنجا بوسیله قاصدی حال خود را به آزاد بلگرامی نوشته و آزاد مقداری پول برای آنها فرستاد و آنها به سلامت به کولاپور رسیدند اما چون باز وسایل مسافرت را نداشتند دوباره بآزاد نوشتند و ازوی کمک خواستند و آزاد دوباره بآنها مقداری پول فرستاد و بالاخره حاکم و قدرت هردو بسلامت به وطن رسیدند و در دوم شوال حاکم به آزاد نوشت که وی جاپور وهوشیارپور در نواحی لاهور نزد اهل و عیال خود رسید وواقف نیز درهمان ماه در وطن خود بتاله رسید.

روزی حاکم دیوان خودرا نزد سراج الدین علیخان آرزو برد تا «بنظر تامل» مطالعه نموده از حسن و قبح کلام اورا آگاه سازد آرزو اول امتناع ورزید اما در نتیجه اصرار حاکم بالاخره دیوانش را پیش خود نگهداشت و بعداز دوماه بحاکم برگرداند وهرچه ایراد داشت درحواشی دیوان یادداشت کرد اما حاکم با اکثر ایرادات آرزو موافقت نداشت. چون وارسته سیالکوتی اعتراضات و ایرادات خان آرزو را دید در جواب آن رساله‌ای بنام «جواب شافی» نوشت اما عجیب اینست که آرزو حاکم را در تذکره خود بخوبی یاد کرده است و حاکم حتی بعد از فوت آرزو از وی تعریف میکند ودر« مردم دیده » حاکم درباره آرزو میگوید «فقیررا با آرزو ربط اخلاص زیاده از حد بود روزی غزلی در تتبع غزلش گفتم که مقطعش اینست

گرچه من از فیض خان آرزو گردید نمك   طرفه شوری این غزل حاکم بلاهور افکند

آن مرحوم این بیت بدیهه گفته فرستاد

شعر آرزو را زتبه‌ای   گر تو با این هم پسندی حاکمی

در «خزانه عامره »(ص۲۰۲) میگوید « در این لفظ لطفی و ابهامی

مجمع النفایس » (تألیف ۱۱۶۴ﻫ)درباره حاکم مینویسد «چند سال پیش راین دیوان خودرا که قریب چهار هزار بیت است به نظر فقیر در آورده بسیار خوب فقط گفته . چندین مرتبه وارد شاه جهان آباد گشته واین مرتبه

بسبب ظلم صوبه دار(استامدار) پنجاب وضبط(توقیف) جاگیرهای (املاك) مردم در این جا رسیده‌بیرملاقات باحقر مینماید » .

آزاد در«خزانه عامره» (ص۲۰۲) میگوید که وارسته دررساله شافی‌درمورد بعضی اعتراضات خان‌آرزو توانسته است جواب بدهد اما در بعضی موارد دراین منظور موفق نشده است وحتی معترف باشتباه حاکم شده است

مؤلف تذکره «نشترعشق »میگوید که حاکم در هنگام مراجعت بکشمیر در شهر تته سنددرسنه۱۱۷۸ه فوت‌ودرهمان‌جا دفن شد وبقول مؤلف«نتایج الافکار» حاکم در۱۱۸۲ه (اثنین وثمانین ومایةوالف)فوت کرده است ومؤلف«نغمه‌عندلیب» میگوید که حاکم در کشمیر فوت کرده است. لچهمی نراین مؤلف « گل رعنا » مینویسد که میرالعین واقف لاهوری(بتالوی) دراوایل محرم ۱۱۸۲ه بنام آزاد بلگرامی نامه‌ای نوشته حاکی‌از این که حاکم وواقف در کشمیردر خدمت‌نواب سربلند خان بهادر صوبه دار رفتند ودر موقع مراجعت حاکم درشهر تته بعارضه اسهال فوت کرد و همانجا دفن شد و این واقعه در ۱۱۷۸ ه اتفاق‌افتاد[1].

اما استوری (ج۱ـص ۸۲۹ ـ ۸۳۰)میگوید که حاکم تا موقع تألیف«عقد ثریا » (۱۱۹۹ ه) درقید حیات بود

تبصره‌بر کتاب

مؤلف این تذکره را درسال ۱۱۷۵ ه در اورنگ آباد تألیف کرده است و در مقدمه کتاب دوقطعه ازآزاد نقل کرده است که طی‌آن آزاد از حاکم تعریف و توصیف کرده است اینك دوم این‌قطعه که سال این کتاب راهم‌میرساند:

حاکم خطه معنی حاکم	کرد نوتذکره‌ای راتصنیف
سال تالیف‌نقل کردآزاد	تاره‌تألیف‌همایون‌لطیف(=۱۱۷۵ه)

۱ ـ نیز ر ك محبوب الزمن (اردو) ج ۱ ص ۳۷۳ که در آنجا روایت فوق نقل

« درباره سبب تألیف مؤلف درمقدمه این کتاب چنین توضیح میدهد که «ازمدتی مرکوز خاطر داشت» که تذکره‌ای مشتمل براحوال جمعی ازشعرای ماضی وحال بنویسد « چنانچه اشعار جماعت کثیر ازسلف وخلف تخمینا تا پنجاه هزار بیت (از) سه هزار شاعر کسری کم وقریب دوصد (دویست) دیوان مطالعه نموده ازهریکی انتخاب زده موسوم به «انتخاب حاکم» ساخته میخواست ادهم قلم را در میدان گزارش حالات (احوال شعرا) جولان دهد » که ناگاه « عنان عزیمت ازاین وادی منعطف گردید و جاذبه غیبی زمام اختیار (را) ازدست برده بعالم فقر کشید ... در این ولا که پانزدهم جمادی الاولی سنه ۱۱۷۵ هـ... ازسورت مبارکه بـه خجسته بنیاد (اورنگ آباد) واردشد » ودر تکیه شاه محمود اقامت گزید وازصحبت میر غلام علی آزاد متمتع شد تذکرة الشعرائی مسمی به « مجمع النفایس » تـألیف سراج الدین علی خان آرزو بنظر وی رسید و درباره فکر تألیف تذکره تازه گشت بالاخره تصمیم گرفت تذکره شعرائی بنویسد که خودش در خدمت آنها رسیده و شرح آنهارا از تذکره «مجمع النفایس» نقل نموده «هرجا که بیش وکم دیده شود» بقدر اطلاعات خود اضافه کند و همچنین اسامی شعرائی را که خان آرزو جهلا یا عمدا در تذکره خود نیاورده نیز علاوه کند و اسم این تـذکره را بموجب فرمایش میرغلام علی آزاد «مردم دیده » گذاشت

این تذکره مشتمل است بر ذکر شصت ویك شاعری که مؤلف بـا آنهـا ملاقات کرده وشامل مقدمه و دو باب وخاتمه میباشد

باب اولــ درذکر هیجده شاعر یست بترتیب الفبا که ازمجمع النفایس بهمان عبارت مؤلف نوشته شده است

باب دومــ «درترجمه عزیزانی که داخل تذکره خان آرزو نیستند» ومشتمل است بر چهل و دو شاعر بترتیب الفبا وخاتمه «درشمهٔ (از) احـوال خود مؤلف و حالات بزرگان شفیق او» باب اول با « آفرین »شروع شده با « واقف » تمام شد و باب دوم با «اظهر» شروع شده با «یتیم» تمام میشود

در باب اول درذیل نام شانزده شاعرزیر علاوه برشرح احوالی که آرزو نقل کرده است بعضی اطلاعات درشرح حال آنها را از خود هم‌اضافه نموده‌است: آفرین و آزاد و امید و آرزو وحزین ورایج ودرد و عظیم و فقیر ومتین و منصف و معجز و واله ووجدان ووفا و واقف .

همچنین اشعار آزاد و آرزو ومنصف و وحدان و واقف را خودش انتخاب نموده و در این تذکره نقل کرده است واشعار واقف را از همه مفصل تر (در ١٦ص) آورده است.

مؤلف در مقدمه این کتاب از آرزو گله کرده است که وی اسامی بعضی شعرا را در « مجمع‌النفایس » ذکر نکرده است ولذا خودش درباب دوم این تذکره آنهارا آورده‌است اما ازاشعار وشرح حالی که حاکم دراینجا آورده‌است پیداست که حق با آرزو بوده و اکثر این شعرا هیچ ارزش و اهمیت ندارند چنانکه‌از اکثر شعرا شرح حالشان را در یك دوسطر واز اشعار شان یك دوبیت نقل کرده است

درذیل نام شهید (ملاباقر) تنها یك بیت از او نقل کرده و نوشته است: « دیوان ضخیمی دارد کرادماغ که انتخاب زند» . از این معلوم میشود که مؤلف درانتخاب اشعارشعرا زیادزحمت‌نکشیده است.

در ذیل نام فقیر مینویسد « معلوم نشد که خان آرزو با اینهمه تعریف و توصیف فقیر که در تذکره نوشته کم نوشتن اشعار او چه معنی داشته باشد»اما خود حاکم هم هیچ شعری از او اضافه ننموده وتنها درشرح حال وی بعضی مطالب را اضافه کرده است

در خاتمه کتاب اسم هیجده بزرگ « از بزرگان صاحب حال (که بعلم ظاهر و باطن موصوف بودند و (مولف) سعادت خدمت ایشان حاصل کرده» نیز ذکر نموده است ودر چندسطر ازآنان تعریف و توصیف کرده اما از ایشان هیچ شعری نقل‌نکرده است و معلوم نیست آنها شاعرهم بودند یانه. ظاهرااین‌قسمت

خارج از موصوع تذکره میباشد
مؤلف گاهی براشعار شعرا انتقاد نموده است مثلا رحوع شود به نام فقیر.
سبک انشای مؤلف اکثر ساده و غیر مصنوع است اما بعضی جاها مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف شعر نثر مصنوع و گاهی نثر مسجع بکار برده است

رویهمرفته این تذکره را میتوان «تکلمه محمع النفایس آرزو» نامید. اما غیر از پانزده شاعری که ذکرشان در سطور فوق گذشت مؤلف در انتخاب اشعار شعرا زحمت نکشیده و حتی در باب دوم این کتاب در ذیل شرح حال شعرائی که ذکرشان در محمع النفایس نیامده است اکثر اطلاعات لازم را از زندگانی این شعرا نیاورده است

نسخه خطی

کتابخانه مرحوم صدریار جنگ حبیب الرحمن خان شیروانی (عکسهائی که از این نسخه برداشته شده است در کتابخانه دانشگاه لاهور موجود است)

چاپ

ازطرف آکادمی ادبی پنجابی لاهور سال ۱۳۳۹ ش باهتمام دکتر سید عبداله بطبع رسیده است این چاپ بر از اغلاطیست بدون مقدمه مصحح در شرح حال مؤلف واهمیت کتاب وغیره).

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به مردم دیده چاپ لاهور ۱۳۳۹ ش که در آغاز آن فهرست اسامی شعرا نیز ذکر شده است

برای شرح حال مؤلف

رجوع شود به مردم دیده و خزانه عامره ومحمع النفایس و نغمه عندلیب و نشتر عشق ومخزن الغرایب ش ٦٤٢ ومقالات الشعرای حیرت وعقد ثریا وسفینه خوشگو و سفینه هندی

خزانه عامره

ابتدا

«سر کلام را حیفه‌حمد صانعی که انسانرا بگوهر گرانمایه ناطقه نواخت ودهان ا را بجواهر زواهر مملوساخت»

مؤلف

مؤلف این تذکره میرغلام‌علی‌متخلص به آزادبلگرامی است.(برای‌شرح‌حال او رجوع شود بحث‌درباره «ید بیضاء» در این کتاب)

تمتره در کتاب

مؤلف این کتاب راسال ۱۷۶ ه[1] در اورنگ آباد دکن‌تألیف کرده است چنانکه درشرح‌حال خودمینویسد«اکنون دردارالامن اورنگ‌آباد گوشه گیرم»: در مقدمه کتاب قطعه ذیل آورده است که سال تألیف کتاب (۱۱۷۶ ه) را می‌رساند

آزاد رقم نمود نو تذکرهٔ — در حیب ورق ریخت‌نقودسرهٔ
گنجورخرد گوهر تاریخ‌فشاند — حق‌داده‌عجب‌خزانه عامرهٔ
(=۱۱۷۶ه)

مؤلف درمورد سبب‌تألیف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد:

« عزیزالقدر میر اولاد محمد که برادر زاده فقیـر است خواهش نمود که تذکرهٔ تألیف کرده شود در ذکر شعرائی که چراغ مدح‌ارباب کرم افروخته‌اند صلات ازدولت‌قدردانی ممدوحان خوداندوخته چون‌خاطرمشارالیه

۱ـ اما مؤلف بعضی اروقایعی بعدار سال ۱۱۷۶ ه را هم در این تذکره ذکر نموده است چنانکه سال فوت درگاه قلی‌خان (متوفی‌در۱۱۹۰ه) راهم ضبط نموده است (ر ك خزانه عامره‌ص ۲۲۴)

عزیز بود التماس او بحسن قبول رسید».

مؤلف فهرست مآخذ کتاب خود را در مقدمه بقرار زیر آورده است:

۱- لب الالباب (لباب الالباب) محمد عوفی

۲- تذکره دولتشاه

۳- تذکره سامی سام میرزا صفوی

٤- خاتمه خلاصة الاشعار (میر تقی کاشی)

٥- تذکره میر تقی کاشی (خلاصة الاشعار)

٦- هفت اقلیم امین احمد رازی

۷- منتخب التواریخ بداونی

۸- مجمع الفضلاء بقائی

۹- تذکره میرزا طاهر نصرآبادی

۱۰- مرآت الخیال شیر خان

۱۱- کلمات الشعرای سرخوش

۱۲- همیشه بهار اخلاص

۱۳- حیات الشعراء محمدعلیخان متین کشمیری

۱٤- سفینه بی‌خبر

۱۵- ید بیضا (تذکره دیگر آزاد)

۱٦- ریاض الشعرای واله

۱۷- مجمع النفایس آرزو

۱۸- تذکره شیخ علی حزین

۱۵- سرو آزاد (تذکره دیگر آزاد)

۲۰- تذکره بینظیر عبدالوهاب دولت آبادی

۲۱- مردم دیده حکیم (حاکم) لاهوری

همچنین در ذیل بحث و شرح اشعار شعرا از فرهنگ‌های زیر استفاده

کرده‌است.

۲۲- فرهنك برهان قاطع

۲۳- قاموس‌عربی

۲٤ و ۲۵ - منتخب اللغـات و فرهنـگ فارسی . عبدالرشید تتوی (ص ٤۱۰و ٤۲٤)

از جمله کتب‌فوق مؤلف ازهمه بیشتر از کتاب مجمع‌النفایس آرزواستفاده کرده است وحتی گاهی اشعارشعرا راازآنجا نقل کرده است. باید اذعان کرد که از جمله کتب فوق تذکره حیات‌الشعرامتین کشمیری امروز بجای نمانده است .

علاوه بر این مؤلف «ازبسیاری ازدواوین شعرا و کتب فن تاریخ‌وغیر آن» استفاده کرده است. همچنین مؤلف در مقدمه کتاب تذکر داده است که‌بعضی مآخذ « ید بیضا » مانند نفایس المآثر و صبح صادق و تذکره ناظم تبریزی و تذکره ملا قاطعی وغیره در این وقت (یعنی درموقع تألیف خزانه عامره)حاضر نیست لهذا دراین کتاب برخی ازمقدمات ازیدبیضا گرفته شد درباره عرفات تقی اوحدی می‌نویسد

« و فقیر عرفات (را) از حرف الصاد تا حرف الیاء (در) سابق دیده بودم حالا حاضر نیست»

غیر از کتب فوق مؤلف اسامی کتابهای زیررا درمتن کتاب آورده است که درتألیف این کتاب از آنهااستفاده کرده است.

۲٦- چهارمقاله‌نظامی‌عروضی(رجوع شود به‌نام ابوسعد سلمان).

۲۷- حدایق‌السحر وطواط(رجوع‌شودبه نام‌ابوسعدسلمان).

۲۸- تاریخ گزیده حمدالله‌مستوفی (رجوع شود به‌نام حسن غزنوی).

۲۹ - اخبار الاخیار شیخ محدث دهلوی (رجوع شود به نام شیخ جمالی دهلوی)

۳۰ـ نفحات‌الانس جامی (رجوع شود به نام حافظ).

۳۱ـ تاریخ فرشته‌محمد قاسم فرشته (رجوع‌شود به‌نام حافظ).

۳۲ـ مرآت‌الصفا (رجوع‌شود به‌نام حافظو نظیری)

۳۳ـ اعلام‌الانعام شیخ‌محمدیحیی اله آبادی (رجوع‌سود به نام‌حافظ).

۳۴ـ تاریخ مکه یاتاریخ قطبی قاضی قطب‌الدین حنفی (رجوع شود به‌نام حافظ).

۳۵ـ نفایس المآثر علاءالدوله قزوینی (رجوع شود به نام حیرتی وغیره).

۳۶ـ تفسیر در منثور شیخ جلال‌الدین سیوطی (رجوع شو به نام‌حیدری تبریزی).

۳۷ـ تاریخ‌طبری (رجوع شود به‌نام حیدری‌تبریزی)

۳۸ـ بدوالحق امام‌غزالی (رجوع‌شود بنام حیدری تبریزی)

۳۹ـ مآثررحیمی نهاوندی (رجوع‌شودبه‌نام حاتجانان)

۴۰ـ تنبیه‌الغافلین آررو (رجوع‌شود به نام حزین)

۴۱ـ ابوالحناب رفیع‌واعظ قزوینی (رجوع سودبه نام حاکم‌لاهوری).

۴۲ـ حبیب‌السیر (رجوع‌شود به نام‌خاقانی).

۴۳ـ بهارستان جامی (رجوع‌شودبه‌نام‌امیرخسرو)

۴۴ـ منشآت‌حاجی عبدالعلی طالقانی (رجوع‌شود به‌نام دانش‌مشهدی)

۴۵ـ تذکره‌ملاقاطعی (رجوع‌شود به‌نام‌شهیدی)

۴۶ـ تاریخ‌صبح صادق (رجوع شودبه نام‌ظهیرفاریابی)

۴۷ـ ثمرات‌القدس (رجوع‌شود به نام‌عبدالقادر بداونی).

۴۸ـ شاهجهان نامه‌عبدالحمید لاهوری (رجوع‌شود به‌قدسی).

۴۹ـ تاریخ عالم‌آرای‌عباسی (رجوع‌شود به‌نام ملک‌قمی).

۵۰ـ تفسیر قاضی بیضاوی (رجوع شودبه‌نام‌حزین)

۵۱ـ صحاح جوهری (« «).

این تذکره مشتمل است بر ذکر صد و سی و پنج شاعر متقدم و متأخر بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «انوری خاوری» شروع شده با «(میر) یوسف بلگرامی» تمام میشود.

مؤلف در مورد انتخاب اشعار در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است که اشعاری که در این تذکره آورده است از جای دیگر نقل نکرده «الابقدر قلیل بناء بر ضرورت» چون اشعار مطلوب از جای دیگر بدست نمی آمد و مؤلف فرصت مقابله انتخاب خود با کتب دیگر نداشت دلیل این احتمال دارد گاهی اشعاری را که در کتب دیگر انتخاب شده است در کتاب خود نیز آورده باشد. همچنین درباره اینکه گاهی اشعار خوب در این تذکره پیدا نیست چنین توضیح میدهد که اشعار خوب را قبل از وی کسی دیگر در تذکره خود انتخاب کرده یا از نظر مؤلف افتاده یا دیوان شاعر بصورت تمام و کامل بدست مؤلف نرسیده است. همچنین مؤلف توضیح میدهد که باوجود اینکه برخلاف سرو آزاد که مطالع بر غیر مطالع مقدم دارد در این کتاب چنین التزام مراعات ننموده است

اما در موقع انتخاب دیوان ترتیب ردیف را نگهداشته چنانکه اگر بیتی مطلوب سست رود پیدا شود

همچنین مقداری از اشعار عربی را از خود و از دیگران در این تذکره ثبت نموده است و درباره اشعار عربی توضیح و شرح لازم داده است مثلا رجوع شود به نام حزین

گاهی اشعار فارسی بعضی شعرا را شرح داده است مثلا در ذیل نام نعمت خان عالی قطعه‌ای که وی در طوی (جشن) کامگار خان سروده است داده است که بیت آن

کدخدا شد در دیگر خان عالی
با کمال عز و تمکین و وقار و زیب و زین

در ذیل شرح حال بعضی شعرا چون بعضی وقایع مهم زندگانی آنها بعد از

اتمام کتاب بمولف رسیده است این مطالب را در پایان شرح حال آنها اضافه کرده است مثلا رجوع شود به ذکر شاعر (میر سید محمد بلگرامی).

مؤلف در ۸۱ صفحه این کتاب (ص ۳۵ تا ص ۱۱۶) بعضی وقایع تاریخی معاصر را با شرح حال نوابان وامرای آنوقت بیان کرده است. این قسمت کتاب ازحیث تاریخ معاصر دارای اهمیت فراوانی میباشد چون اکثر وقایع مذکور چشم دید مؤلف بوده است وهمچنین نوابان وامرای مزبور نیز معاصروی بودند و آزاد شخصاً با اکثرشان ملاقات کرده است. این قسمت مشتمل است بر ذکر حال نواب آصفجاه وامیرالامراء فیروزجنگ وعمادالملک نواب نظام الدوله ناصر جنگ ومظفرجنگ وامیرالملک و نواب آصفجاه ثانی ونواب برهان الملک ووزیرالممالک صفدر جنگ ووزیر الممالک شجاع الدوله و سپس ذکر احمد شاه درانی و هفت حمله وی بر هندوستان وذکر حاصلات (درآمد) ایران و در ضمن ذکر مرهته ها و بیان آنکه دولت آباد درچه وقت وبچه نهج بتصرف اسلامیان (مسلمانها) درآمده بود در ذیل آصفجاه ونواب نظام الدوله بعضی از اشعاری که آنها سروده اند آورده است. همچنین ذکر اسحاق خان واولادش را درذیل نام آرزو آورده است

در هرحال چون اکثر این مطالب (غیراز اشعار آصفجاه و نظام الدوله) مربوط بموضوع تاریخ است بنابراین خارج از موضوع تذکره میباشد بهتر بود اگر مؤلف آنرا بصورت رساله جداگانه ای مینوشت تا بامطالب این تذکره مخلوط وآمیخته نشود

همچنین در ذیل نام ناقص ایهری واقعه محاصره اصفهان (۱۱۳٤ هـ) ووقایع دیگر زمان سلطان حسین ونادر شاه را نقل کرده است که البته ازحیث تاریخ مهم است اما ازموضوع این کتاب خارج است

شرح حال شعرای زیررا از همه مفصل تر نقل کرده است آزاد (در ۳ ص) و آرزو (۳½ ص) ومولانا قمرالدین (در ٤ صفحه)

اشعاروشعرای زیررا ازهمه مفصل تر نقل کرده است. بیخبر ورفیع و کاتبی

و کلیم (هر کدام در ٤ ص) وشاه آفرین(در $\frac{1}{2}$ ٤ص)وابوسعیدلاهوری(دوصفحه) وراقم‌مشهدی (در $\frac{1}{2}$ ٥ ص)وآزاد(مؤلف‌اشعارفارسی‌در٦ص‌واشعار عربی در $\frac{1}{2}$ ٣ص) وشیدا ومیر عبدالجلیل (هر کدام در ٦ص) ومحمد علی ماهر(در ٨ ص) و بینگل (در١٣ ص).

اشعار خود را که‌در قافیه یا ردیف یا معنی شبیه با اشعار شعرای دیگر بوده درذیل اشعار شعرای زیر آورده است

بدرجاجرمی وحافظ وحزین (اشعارعربی) وشیدا وصایب‌وعرت

همچنین اشعار شعرای زیررا در ذیل اشعار شعرای دیگر بمناسبت شباهت قافیه وردیف یا معنی آورده است

١ـ اشعار امیر خسرو وسعدی را در ذیل اشعار میرزااشرف‌جهان.

٢ اشعار خواجوی کرمانی وحافظ وامیر خسروو‌سلمان ساوجی را در ذیل اشعار بدرجاجرمی.

٣ـ مطلع وحشی تهانیسری را درذیل‌اشعار بیحسر.

٤ـ اشعار آرزو وخسرو ومتنبی رادرذیل اشعار خاقانی.

٥ـ اشعار عصمت بخاری وحسن‌رادر ذیل اشعارامیر خسرو.

٦ـاشعار مهربان را در ذیل‌اشعاردکاء

٧ـاشعار خاقانی وانوری را درذیل‌اشعار ظهیر.

٨ـ بیتی از امیرشاهی سبزواری را درذیل اشعار سلمان ساوجی

٩ـقطعه ظهوری رادرذیل‌اشعار شیدا

١٠ ـ اشعاررفیعی کاشی‌را درذیل‌اشعار واله‌داغستانی

١١ـ اشعار قبلان بیك وآرزو را در ذیل اشعار مولانا لطف‌اله شیرازی.

در ضمن نقل اشعار بعضی شعرا کلمات مشکل زیررا که در اشعارشان بکاررفته شرح داده

وادهم (انوری‌ص٩) ونوا (ابوسعدسلمان‌ص١٤) ودسودب‌السرحان

وغزاله وپتیاره وسهروفکر (ابوسعدسلمان ص ١٦و١٨و٢٠) وقالین (شاه آفرین،ص ٣٤) وشق،ووشاق وققنس (خاقانی ص ٢٠٥و٢٠٧) ومصقل،منحل،و منزل،طوطی،وحلی (ظهیر فاریابی ص٣_٣١٢) شرح قطعه‌ای از نعمت خان عالی و کلمات مشکل آن (ص ٢٣٦_ ٣٤٦) جوهر (عاقل شاهجهان آبادی ص ٣٠٠) وبسمل و گردصیقل،شمرو کساد وزکام وعذارو بوالهوس (هایلی تبریزی ص ١٠_٤٠٧).

همچنین بعضی کلمات مشکل را در ذیل اشعار ساطی سمرقندی و بیدل وشیدا ونظامی شرح داده است وغالباً سند آنرا از فرهنگ ها واشعار شعرای دیگر آورده است

اشعارخودرا نیزدر٨صفحه شرح داده است وسند استعمال بعضی اصطلاحات را ازشعرای دیگر آورده‌است

مؤلف اگرچه‌درذیل نام خاقانی از آوردن اشعار «رکیك» ومبتذل هجو وی خودداری کرده‌است اما درذیل اشعار نعمت‌خان‌عالی قطعه‌ای‌درهجو بسیار مبتذل‌را نه‌تنها نقل کرده‌است بلکه‌در١٠صفحه آنراشرح‌هم‌داده‌است‌ودرپایان «حمار بدمستیهای ریش‌این‌خام» رابوسیله استعفارو توبه رفع ساخته‌است

درباره اشتباهات تذکره نویسان دیگر اشعار زیر شعرا را بجای گویندگان اصلی آنها بنام دیگران نسبت داده‌اند تذکر داده و گوینده اصلی آنها ذکر نموده است

١ ــ بیتی رزلالی که مؤلف هفت‌اقلیم بنام قطران نوشته‌است (ص٢٤٨)

٢ ــ بیتی ازمحمدطاهرغنی کشمیری که‌مولف‌منتخب‌التواریخ بنام‌شخص‌دیگر آورده‌است (ص٢٤٨) .

٣ ــ بیتی از عشیقه امیر خسرو که در محمود وایاز زلالی آمده است (ص ٢٤٨)

٤ ــ دوبیتی که‌آرزو در «مجمع‌النفایس» بجای محمد قلی سلیم‌تهرانی بنام شیدا نوشته‌است (ص٢٨١) .

۵ ـ بیتی ازمیرعبدالغنی که آرزو بنام طالب آملی ومیرعبدالغنی هردو نوشته و واله بنام غنی تفرشی نوشته اند (ص۳۰۲)

۶ ـ رباعی از میرعبدالغنی که آرزو بنام زاهد علیخان سخا و میرعبدالغنی تفرشی هردو نوشته وحزین وواله بنام غنی تفرشی نوشته اند (ص۳۰۲) .

۷ ـ رباعی ازوحدان سرهندی که آرزو بنام میرزا مطهر حاجاجان آورده و بقول حاکم اصلا ازوجدان است (ص۴۴۵)

مؤلف ما «ماده تاریخ گوئی» علاقه فراوان داشت و در دیل نام شعرا واشخاص زیر ماده تاریخی را که خودش در وفات آنان سروده نقل کرده است نواب آصفجاه و نواب نظام الدوله و آرزو و بیدل و شاعر وصائب (خیلی مفصل) و ناصرعلی و میرعبدالجلیل ومتین اصفهانی وشاه محمود و معزالدین .

همچنین درذیل شرح حال شعرا واشخاص زیر ماده تاریخی که دیگران در وفات آنان سروده اند نقل کرده است .

قطعه تاریخ فوت امیرالممالك ازمیراولاد محمد ذکا وراهب ازمشتاق اصفهانی وسلمان ساوجی ازناصر بن نورز حمهر ومیرمعصوم ازمحمدعلی ماهر وشکیبی صفاهانی ازمیرالهی وشاپی تکلو ازمحمدعلی ماهر

ماده تاریخ وفات ناصرعلی وسرخوش ومحمدعاکف وغزالی (مشهدی) ازفیضی ومحمدزمان ازماهر ویوسف بلگرامی ازذکا .

درذیل نام شعرای زیر ایراداتی را که دیگران بر اشعارشان گرفته اند جواب داده است

۱ ـ اعتراض آرزو برشعر حیرتی تونی

۲ ـ اعتراضات آرزو براشعار حزین وحاکم وسرخوش (و دوباره درذیل

۳ ـ اعتراض کسی بر بیتی از ناصرعلی

۴ ـ نقصی در بیت عاقل

۵ ـ اعتراض بر بیتی ازمیرمحمدزمان (درذیل وجدان سرهندی) .
همچنین ایرادتی را که بعضی براشعارشعرای زیرداشته اند ذکر نموده است .
حافظ (برهدع الدنیاه) وصائب (مکرر درذیل نام عنصری) وعرفی ونعمت خان عالی وفردوسی .

در ضمن شرح حال شعرا یا نقل اشعارشان در باره موضوعات زیر بحث کرده است .

۱ ـ درذیل نام انوری درباره تشبیب ونسیب وحسن طلب ومقطع .

۲ ـ درذیل نام حیدری تبریزی درباره مذمت هند ازشعرای ایرانی واینکه حود ایرانیها هم هندی الاصل هستند (چون حضرت آدم اول بسرزمین هند نازل شد.)

۳ ـ درذیل نام شابی تکلودرباره موضوع برر کشیدن شعراء (ص۷۰ـ۲۶۹)

٤ ـ درذیل نام صمیر تحقیقی درباره بحورعربی وفارسی (ص۹ـ۲۹۸) .

۵ ـ درذیل نام عرفی شیرازی درباره «های مختفی»(ص۳۲۱).

۶ ـ در ذیل نام علی سرهندی، درباره قاعده حمل در ماده تاریخ گوئی (ص۳۳۰)

۷ ـ در ذیل نام نعمت خان عالی درباره نواقص شعری (ص۳۳۸).

۸ ـ درذیل نام نظامی درباره نوعی ازتشبیه که آنرا علمای بدیع هندی اینا الکار گویند (ص۴۳۱)

سبك انشای مولف

سبك انشای مؤلف غالباً نیم مصنوع و گاهی بکلی مصنوع است مخصوصاً درمقدمه ودرموقع تعریف شعرا نثرمسجع پرداخته است و گاهی رعایت اسم یاتخلص شاعر حناس آورده است مثلا

در ذیل نام انوری خاوری مینویسد « استاد فن و یکی از رسل ثلاثه قلمرو سخن است

درذیل نام ابوسعدسلمان‌لاهوری مینویسد « زمین‌سخن‌بوراثت‌ملک‌یمین‌اوست وقلمرو بیان ازبیاس پدر وجد زیر نگین او » .

درذیل نام ادهم مینویسد « زنجیروحشیان خیال است ودام‌آهوان مقال » .

« ایجاد « « ایجاد شعرکاراوست واختراع انشاء شعاراو »

« خاقانی « « حسان العجم وافتخاراللوح والقلم است » .

« امیرحسرودهلوی « حسروقلمرومعانی است وصاحبقران سواد اعظم سخندانی » .

درذیل نام بعضی‌شعراجمله‌ای مصنوع درمعنی «ایک‌اشعاراو» آورده‌است‌مثلا:

درذیل نام ازرقی مینویسد «برخی‌ازکلام (اشعار) نیل‌برحساروزق نموده میشود» .

« « بیخبربلگرامی «اوساغرعرفان میگرداند» .

« « حیاتی گیلانی «آبحیات ازظلمات دوات بیرون می‌آرد» .

« « خواجوکرانی «اوبحل‌سخن می‌بندد» .

همچنین گاهی‌جمله‌ای مصنوع درمعنی «فوت کرد» بکاربرده‌است مثلا .

درذیل نام بیخبربلگرامی مینویسد «بسراستان قدس‌خرامید» .

« شکیبی تبریزی « «بسیروادی خاموش پرداخت» .

« شاعربلگرامی «بحت الماوی خرامید » .

مؤلف کلمات عربی رابعراوانی نکاربرده‌است ودرسراسر کتاب ترکیبات و کلمات عربی رابکثرت درنثرخود آورده است وحتی‌سالها رادرسراسر کتاب بالفاظ عربی‌نوشته است همچنین گاهی درنثرخودآیات قرآن وضرب المثلهای عربی‌را نکاربرده است مانند ان‌الحسنات یذهبن السیئآت(ص ۳) وآتیناه فی‌الدنیا حسنة وانه فی‌الاخرة لمن الصالحین (ص٤) تعالی (الله)من ذلک‌علواکبیرا (ص٦) قل‌لوکان البحرمدادالکلمات ربی‌لنفدالبحرقبل‌ان‌تنفد کلمات ربی‌ولوجئنا بمثله مددا(ص٦)

گاهی کلمات اردو رادرنثرخود نکاربرده است مانند: جاگیر بمعنی‌املاکی که ازطرف دولت یاپادشاه بکسی داده میشده‌است (آرزووزن گاه قلی‌خان) وجهاز

بمعنی کشتی (حرین وحاکم) وغیره.

گاهی املای کلمات و اسامی اشخاص و شهرهای هندی را بحروف اردو نوشته است رجوع شود به صفحات ۳۵ ، ۳۷، ۳۹ ، ۴۰، ۴٦ ، ٤٧ ، ٤٨ ، ٥٣ ، ٦٧ ، ١١٠ ، ١١٩ .

اما برعکس گاهی املای بعضی شهرها را بحروف فارسی نوشته مانند تته (ص ٣٦ و ١٩٤) و گلکنده (ص ٣٥)

نسخ خطی

١ـ اشپرنگر ش ٢٥ ٢ـ لیدزیا با ص ١٤٤ (ش ٣١٩ (١١٦٧هـ) ش ٩٢٥ (١١٩٦هـ) ش ٣٢٠ (قسمتی از کتاب - تقریباً ١٧٨٠م)

٣ـ اته ٦٨٥ (١١٨٢هـ - از روی نسخه خود مؤلف استنساخ شده است) ٦٨٦ (١١٩٣هـ) ٩٠ـ٦٨٧ (هرچهار نسخه تاریخ ندارد) ٤٩٠ (تنها قسمت تاریخ)

٤ـ اندیا آفس دی‌پی ٦٤٤ [١]

٥ - اندیا آفس ٣٩٩١ [١] (تنها شرح حال آصفجاه) ٤٠٧٨ [١].

٦ـ ریوح ١ ص ٧٩٨ الف (تنها قسمت اول تا ذکر احمد شاه درانی -١١٩٧هـ) ٣٧٣ الف (قسمتی از کتاب تا آزاد تمام میشود - اواخر قرن ١٨م) ص ٣٧٤ب (قسمتی از کتاب - از آصفجاه تا آزاد و اوایل قرن ١٩م) ٣٧٤ب (قسمتی از کتاب - آصفجاه ویسرا'ن وی وغیره -١٢٣٢هـ)

٧ـ بادلین ٣٨١ (١١٩٩هـ)

٨ - بلوشه ج ٢ ش ١١٥٧ (قرن ١٨ م) ١١٥٨ (قسمتی از کتاب اواخر قرن ١٨م)

٩ـ آصفیه ج ١ ص ٣١٨ س ٢٦ (١٢٢١هـ)

١٠ـ بانکی پور ج ٨ س ٧٠٠ (قرن ٩ ام) ٦٥٨ (قسمتی از کتاب - آصفجاه

١- این نسخه در فهرست اته ذکر شده است ر. ک استوری ج ١ ق ١ ص XVI در دیل علامت IO

وغیره - ۱۲۰۴ھ) تکمله ج ۱ ش ۱۷۸۸ (قرن ۱۹م) .

۱۱- علیگره ذخیره سبحان اله ص ۶۰ ش ۲۰ (۱۲۶۶ھ) .

۱۲- ایوانو ۲۳۲ (قرن ۱۹م) دخیره کرزن ۵۹ (۱۲۸۲ھ).

۱۳- براون - سخ فارسی - ۱۱۵

۱۴- براون دحیره 23H (۲) (شرح حال آصفجاه وغیره)

۱۵ - انحمن همایونی آسیائی فهرست فارسی ش ۱۱۶ (نیز ش ۱۶۴ و ۱۶۵).

چاپ

کانپور ۱۸۷۱م و ۱۹۰۰م ومنشی نولکشور لکهنو (سال ؟)

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به خزانه عامره چاپ لکهنو و کانپور.

تذکرة الشعرا

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست

مؤلف این کتاب را بین سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۸۰ ھ تالیف نموده است چون درصفحه ۹۵ الف نسخه اته سال فوت سراج الدین آرزو را ۱۱۷۰ ذکر کرده و سپس درص ۶۶۳ الف درباره میرشمس الدین فقیر (متوفی در ۱۱۸۰ یا ۱۱۸۱ھ) مینویسد که وی هنوز در قید حیات است

این تذکره مشتملست بر ۲۸ «حدیقه» هر حرف دریك حدیقه و هر حدیقه مشتملست بر سه «گلشن» برای ذکر شعرای ۱ - متقدم ۲- متوسط ۳ - متاخر و گلشن سوم دو «چمن» دارد چمن اول درذکر شعرای ایران و توران و چمن دوم درذکر شعرای هندوستان.

این کتاب با «شیخ ابوالحسن خرقانی» شروع میشود و مشتملست برذکر

۲۲۰۰شاعر بترتیب الفبا شرح حال شعرای متقدم مخصوصاً پراز اغلاط است مثلا سال وفات شیخ ابوالحسن خرقانی را۳۵۲ بجای۴۵۲ه وسال وفات ناصرخسرو را۱۱۹۰ه ثبت کرده است .

اته گمان کرده است که این نسخه «تذکره بینظیر» است[1] اما این محققاً درست نیست (رجوع شود به بحث درباره «تذکره بیظیر» دراین کتاب)

نسخهٔ خطی

برای نسخه خطی منحصر بفرداین تذکره رجوع شود به اته ش۶۹۲(ظاهراً نسخه چرکنویس است ومقدمه وخاتمه واسم مؤلف ندارد این نسخه دارای۹۳۶ برگ وصفحه‌ای ۳ ستون وهرستون ۱۵سطردارد)،

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ص ۱ــ۱۷ نسخه اته ش۶۹۲ فوق.

گل رعنا

ابتدا

یارب مقبول سار انشای مرا درخوش سخنان بلندکن جای مرا

چون بوقلمون کمرنگ قایم دارد ایمن زحرمان کن کلک رعنای مرا

برنظارگیان سحر وتماشائیان بنفشه زاراین چمن مخفی مباد کـه متمسك عروه وثقای آزادی سده لچهمی نراین متخلص به شفیق اورنگ آبادی کـه اززور ازل داغ غلامی حضرت آزاد بلگرامی مدظله العالی برجبین است

۱ــ ر . ك . اته ص ۳۵۵

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب لچهمی نراین ماتهرا قوم کهتری کپور و تخلص وی شفیق است. جدش بهوانی داس همراه اردوی عالمگیری (اورنگ زیب عالمگیر (۱۰۶۹-۱۱۱۸ه) از لاهور وارد دکن شده و در شهر اورنگ آباد متوطن گشت و در سلك ملازمین غازی الدین خان منسلك شد. پسر متوسط وی منسارام پدر شفیق هنوز ده ساله[1] بود که بهوانی داس فوت کرد. بعد از فوت بهوانی داس حسومت رای که هم قوم و هم جدی بود تربیت منسارام را بعهده گرفت. چون وی بزرگ شد نظر بلیاقت و استعداد خود در عهد نواب آصفجاه (۱۱۱۳-۱۱۶۱ه) به پیشکاری صدارت شش صوبه (استان) دکن مامور گشت و تا موقع تألیف «گل رعنا» مدت چهل سال[2] بود خدمت مزبور را بخوبی انجام میداد. سپس نواب صمصام الدوله (م ۱۱۷۱ه) در ایام وکالت خود (۱۱۶۷-۱۱۷۰ه) نظر باستعداد وی و در نتیجه توصیه میر غلام علی آزاد بلگرامی اورا منصبی اعطا نمود و پیشکاری بخشی الممالك دکن را بخدمت سابق وی علاوه کرد. در سنهٔ ۱۲۰٤ه منسارام دیوان بود چون شفیق در «حقیقت‌های هندوستان» تألیف ۱۲۰٤ه وی را دیوان مینویسد.

شفیق در دوم صفر ۱۱۵۸ه در اورنگ آباد بدنیا آمد و در سایه عطوفت میر غلام علی آزاد بلگرامی که اورا «پیر»[3] خود مینویسد تربیت یافت. چون بزرگ شد درسلك ملازمین نواب نظام علیخان (۱۱۷۵-۱۲۱۸ه) منسلك شد و بیر در خدمت نواب

۱- مؤلف «نتایج الافکار» دوساله مینویسد اما شفیق در فصل دوم «گل رعنا» ده ساله نوشته است.

۲- منسارام در ابتدای کتاب «مآثر نظامی» مینویسد «بنده عقیدت شناس منسارام آصفجاهی پسر بهوانی داس غازی الدین خانی سیره مال کشن عابد خانی در حدود پنجاه سال درین سرکار دولت مدار زندگی را راحت بسر برده و خدمت صدارت کل را انجام داده و مورد عاطفت و شفقت قرار گرفته‌ام» (ترجمه).

۳- ر ك گل رعنا و فهرست بانکی پور ج ۸ ص ۱۲۸

صمصام الدوله به منصبی ولقب «دولت چند» سرافراز گردید - وی دراول صاحب تخلص داشت ولی درسنه ۱۱۸۶ ھ آزاد بلگرامی وی را «شفیق» تخلص داد اما درریخته (اردو) کمافی السابق «صاحب» تخلص داشت و همچنین درشعرفارسی نیز دربعضی بحور که شفیق آنجا نمی گنجید صاحب تخلص میآورد

مؤلف تذکره «سخنوران بلندفکر» (اردو) مینویسد که شفیق در تاریخ نویسی مهارتی تام داشت و مآثر آصفی ومآثر حیدری از آثار اوست و اینکه شفیق درخدمت نواب عالیجاه فرزند نواب نظام علیخان آصفجاه ثانی نظام دکن (۱۱۷۵-۱۲۱۸ھ) ملازم بوده و دارای منصبی و لقب «دولی چند» بوده و درسال ۱۲۰۱ھ فوت کرد . اما این درست نیست چون شفیق تا سال ۱۲۱٤ھ که سال تألیف «بساط الغنایم» وی است درقید حیات بوده است. درروی جلد «گل رعنا» فصل دوم (چاپ حیدرآباد دکن عبارت زیر آمده است : « تألیف شفیق متوفی ۱۲۲۳ ھ » ولی مأخذ این اطلاع معلوم نیست .

مؤلف «نتایج الافکار» مینویسد که شفیق در اوایل مأیة ثالث فوت کرد

آثار مولف

آثار شفیق بدین قرار است .

الف- **تواریخ**

۱- **حقیقت‌های هندوستان** (اسم تاریخی است و سال تألیف ۱۲۰٤ ھ را میرساند) مشتمل است برچهار مقاله درباره فردهای دفتر قدیمه و شرح استانهای هندوستان و دکن وشرح مختصر سلاطین مسلمان هند از معزالدین سام تا شاه عالم پادشاه هند این کتاب را مؤلف بفرمایش و بنام مربی خود کاپیتان ویلیام پاتریک[1] زیریدنت تألیف کرده است برای نسخ آن رجوع شود بریو ج۱ ص۲۳۸ب و ۲۳۸ الف و ج۳ ص۱۹۱۳ الف و ایوانو س۱۷۹ و بانکی پور ج ۷ ص ٥٤۳ و اته ٤۲٦

1- Captain William Patrick

۲ـ **تعمیق شگرف** ـ (اسم تاریخی است و سال تألیف آن ۱۲۰۰ هـ را میرساند) در تاریخ دکن است و شامل مطالب جغرافیائی و تاریخی و آمارهائی راجع باستانهای مختلف دکن و نیز شرح سلطنت بهمنیه و حال مختصر حکومتهائی که بعد از آن خاندان بوجود آمدند مانند عادلشاهی و قطبشاهی و در آخر حال سلاطین تیموری هند تا سال ۱۲۰۰ هـ است. تعمیق این کتاب را بنام مستر ریچارد جانسن[1] رزیدنت حیدرآباد عنوان کرده است. برای نسخ آن رجوع شود به ریو ج ۲ ص ۸۵۹ ب و اته ۴۴۷ و ۴۴۸ .

۳ـ **مآثر آصفی** ـ تاریخ خاندان آصفجاه نظام دکن از خواجه عابد (جد نظام الملك آصفجاه اول) تا آصفجاه ثانی است و نیز شامل شرح شورشهای مرهته و حال امرا و راجههای معاصر است. مؤلف آنرا در ۱۲۰۸ هـ تألیف کرده است. برای نسخ آن رجوع شود به اته ۴۶۸ و ایوانو ۱۹۶ و ریو ج ۳ ص ۱۰۳۹ الف .

۴ـ **مآثر حیدری** ـ (رجوع شود به مخطوطات بلندفکر ـ اردو)

۵ـ **بساط الغنایم** ـ اسم کتاب تاریخی است و سال تألیف آن ۱۲۲۴ هـ را میرساند. این کتاب در تاریخ مرهتهها است و مؤلف بفرمایش سرجان ملکم[2] آنرا تألیف کرده است که در آنوقت در حیدرآباد بود. برای نسخ آن رجوع شود به ریو ج ۱ ص ۹ـ۲۲۸ و آصفیه ج ۱ ص ۲۲۰ و اته ج ۲ ش ۳۰۱۸ و زهاتسك ص ۷۳ .

۶ـ **حالات حیدرآباد**[3] ـ تاریخ مختصر مساجد و قصور و باغات و غیره شهر حیدرآباد و نیز شامل شرح شهر بیدر و ورنگل است که مؤلف در ۱۲۱۴ هـ تألیف

۷ـ **خلاصة الهند**[4] ـ برای نسخهٔ آن رجوع شود به آصفیه ۲۳

۱ـ Mr Richard Johnson

۲ـ Sir John Malcolm

۳ـ ر ك. مقدمهٔ چمنستان شعرا از مولانا عبدالحق ص ۸

۴ـ ر ك. استوری ص ۸ـ۴۳۶ و ۱۳۰۰

ش ۷۰۵ .

ب ـ تذکره

۱ـ **چمنستان شعراء :** اسم کتاب تاریخی است و سال تألیف ۱۱۷۵ ه را میرساند. این تذکره شعرای اردو است که مؤلف بسن ۱۸ سالگی بترتیب الفبائی بزبان فارسی نوشته است. در ۱۹۲۸م در اورنگ آباد چاپ شده است .

۲ـ **شام غریبان ـ** تذکره شعرای فارسی ایرانی الأصل است که بعلتی وارد هندوستان شدند. نسخه‌ای از این کتاب امروز موجود نیست.

۳ـ **گل رعنا ـ** تذکره مورد بحث .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۱۸۱ ه آغاز کرده است چنانکه قطعه زیر میرساند :

نوك قلم لآلی بحر سخنوران	از قوم مسلمین و فریق هنود سفت
تاریخ این صحیفهٔ رنگین سحر گهی	از باغ طبع سر زده **«رعنا گلی شکفت»**
	(= ۱۱۸۱ه)

همچنین در پایان کتاب این قطعه را آورده است که سال اتمام کتاب ۱۱۸۲ ه را میرساند:

این کتاب مناقب شعرا	بچه اسلوب تازه شد مرقوم
از پی ختم این صحیفه شفیق	گفت تاریخ « نامه مختوم »
	(= ۱۱۸۲ه)

مؤلف درباره سبب تألیف در دیباچه کتاب چنین توضیح داده است:

«الحال که شهور احدی وثمانین و مایة والف است بخاطر فاتر آورد که کتابی ترتیب باید داد مشتمل برموروبانی که مولد و منشای ایشان هندوستانست و عندلیبانی که گلزمین ایجاد ایشان این بوستان و آنرا بر دو فصل منقسم بایدساخت اول در سخن طرزان اسلامیان و دوم در نکته‌پردازان اصنامیان»

مؤلف اسم کتابهای زیررا دردیباچه کتاب آورده‌است که درتألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته‌است .

۱ـ مرآت‌الخیال تألیف شیرخان لودی .

۲ـ کلمات‌الشعرا تألیف سرخوش دهلوی .

۳ـ همیشه‌بهار تألیف اخلاص‌دهلوی .

٤ـ حیات‌الشعرا تألیف محمدعلی‌خان کشمیری .

۵ـ ریاض‌الشعرا تألیف واله داغستانی

٦ـ تذکره خوشگو (فصل‌ثالث)

۷ـ مجمع‌النفایس تألیف سراج‌الدین آرزو .

۸و۹و۱۰ـید بیضا و سرو آزاد و خزانهٔ‌عامره تألیف آزادبلگرامی .

۱۱ـتذکرهٔ بی‌نظیر تألیف میرعبدالوهاب دولت‌آبادی

۱۲ـمردم‌دیده تألیف عبدالحکیم حاکم‌لاهوری

این‌تذکره مشتمل است بر . . (؟) شاعرفارسی هند اعم‌ازاینکه‌اجداد آنهااز ایران آمده مقیم‌هند شدند یا اصلا اهل هندوستان بودند ومشتمل‌است بردوفصل **فصل‌اول** شامل ذکر شعرای مسلمانست که با «میرغلام علی‌آزاد» شروع شده یا «میریوسف بلگرامی» تمام میشود و **فصل‌دوم** شامل ذکر **شعرای هندو است** و باباچلداس» شروع‌شده با «هنر(گیان‌رای)»تمام‌میشود .

شرح‌حال آزاد خیلی مفصل وتقریباً ازسایر شعرا مفصل‌تر‌است و همچنین شرح‌حال اکبر تقریباً در ٤۸ص آمده‌است که ازسایرین مفصل‌تراست.

اشعار و شرح‌حال عده زیادی ازشعرا را مفصل آورده‌است و گاهی مختصر ولی جامع وحاوی اطلاعات مفیدی‌میباشد

اشعار بعضی شعراء را بااشعار دیگران مقایسه نموده‌است مثلا در ذیل نام «وارسته سیالکوتی» اشعارش را بااشعار حاکم وحافظ مقایسه نموده‌است.

همچنین گاهی بعضی مطالب‌مهم‌را شرح داده‌است مثلا درذیل نام‌محمدافضل ثابت درقصیده‌ای که اصطلاحات طبی وتلمیحات تاریخی‌به‌فراوانی بکار رفته‌آنرا شرح داده است.

سبك انشای مؤلف اکثر ساده‌است اما گاهی مخصوصاً درمقدمه نثر مصنوع و حتی نثرمسجع بکاربرده است

رویهمرفته این‌تذکره دارای اهمیت و فواید زیادی است و محتویات آن مورد اعتبار و اعتماداست چون مؤلف در نوشتن آن خیلی دقت و توجه خاصی بخرج داده‌است مخصوصاً قسمت شعرای‌معاصرین مفصل‌تر وباارزش‌تر آورده‌است

نسخ خطی

۱ـ بانکی‌پور ج۸ ص۷۰۱ (مورخ۱۲۰٤فصلی).
۲ـ اندیا آفس ۳ـ۳٦۹۲ [۱]
۳ـ ریو ج۳ ص۹۷۷ ب (قسمتی ازفصل‌اول ـ قرن ۱۸م)
٤ـ آصفیه ج۳ ص ۱٦۲ ش۱۸۳(تاحرف«ف»).
۵ـ رهاتسك ص۱٦۱ ش۱۲۱ (کامل) وش۱۲۲(ناقص ـ تاحرف«ر»).
٦ـ کتابخانه انجمن ترقی‌اردو کراچی ش دفتر ۳۵/ف/۳/٤
۷ـ دانشگاه پنجاب‌لاهور (خیلی کرم خورده است و اکثر عبارات از کرم‌خوردگی خوانده‌نمیشود).

چاپ

فصل‌دوم (مشتمل برذکر شعرای هندو) انجمن ترقی اردوحیدرآباد دکن

فهرست اسامی‌شعرا

فصل‌اول رجوع شود به‌ریو ج ۳ ص ۹۷۷ . و **فصل‌دوم** رجوع شود به

۱ ـ این نسخه درفهرست اته ذکر نشده است. ر ك استوری ج ۱ ق ۱ ص xvi درذیل‌عبارت I.O.

بانکی‌پور ج۸ ص۱۲۹–۱۳٤ .

برای **شرح حال مؤلف** رجوع‌شود به «گل‌رعنا» وحقیقت های هندوستان و نتایج‌الافکار وسخنوران بلندفکر(اردو) ومقدمهٔ چمنستان شعرا ازمولوی عبدالحق (اردو) و بانکی‌پور ج۸ و استوری‌ص۸–٤٧٦ .

شام غریبان

مؤلف :

این کتاب‌را شفیق مؤلف «گل‌رعنا» سال ۱۱۸۲هـ تألیف نموده‌است.

تبصره بر کتاب

این کتاب تذکره شعرای‌فارسی‌است که اصلا ایرانی بودند اما بعلتی وارد هندوستان گشته‌اند. شرح‌حال شعرامختصر ولی جالب ومفید است و انتخاب‌اشعار نیز خوبست و گاهی مؤلف بعضی نکات را درباره برخی اشعار توضیح‌داده‌است.

نسخه‌ای ازاین کتاب امروز پیدانیست . ریو درذیل «گل‌رعنا» درباره این کتاب تذکر داده‌است (رجوع‌شود بهریو ج۳ ص۱۰۸۵ب)

تذکره یوسف علیخان

مولف

اسم مؤلف یوسف علیجان واسم پدرش غلام علی خان است.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را درمرشدآباد بسال ١١٨٤ﻫ باتمام رسانیده است.
این تذکره تکملهٔ کتاب «حدیقة الصفا» اثر دیگر مؤلف میباشد ومشتملست برخاتمهایکه آنرا «تذکره یوسف علیخان» میگویند

این کتاب رامؤلف بعنوان تکمله «مجمع النفایس» آرزو تألیف کرده است ودراین تذکره شرح حال ونمونه اشعار مختصر تقریباً سیصد شاعر متقدم و متأخر ودر ذیل تتمهای شرح حال ونمونه اشعار بیست شاعر معاصر راکه درتذکره سابق الذکر آرزو نیامده آورده است و اهمیت این تذکره تنها در ذکر شعرای معاصر میباشد.

نسخ خطی

١ـ اشپرنگر ٦٢
٢ـ بادلین ١١٨ (بخط مؤلف)
٣ـ برلن ٦٦١ (مورخ ١٢١٣ﻫ)
٤ـ بانکی پورج ٦ ص ٤٨٠ (تنها تتمه دارد ـ قرن ١٩م)
٥ـ ایوانو ٤٥

برای **فهرست اسامی** ٢٠ شاعر که در «تتمه» آمده است رجوع شود به اشپرنگر ص ٤ـ١٩٣.

مجموعه عشق

یا «چهار چمن» یا «باغ گلهای حسن»

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب شیخ غلام محی‌الدین قریشی میرتهی‌است که اول‌مبتلا تخلص میکرد و بعد تحلص عشق را اختیار کرد . پدرش شیخ نعمت‌الله متخلص به«نعمی» بود وعشق بسن‌دوارده سالگی درتدوین دیوان قطور پدرخود کمك کرد. عشق دوق شعر را ارپدر بارث برده بود وخودش نیر دیوانی ترتیب داده که در آن دیوان مبتلا تحلص آورده است.عشق باوجودیکه اکثراوقات خودرا درتیراندازی صرف میکرد ولـی هیچگاه در موقع بیکاری ارمطالعه کتب مختلفه غافل‌نمیشد. وقتی کهشاه‌عالم(١١٧٣–١٢٠٢ھ) ازپتنه (ط اراله‌آباد) به دهلی رفت (در١١٨٥ھ) وی بایکی ار درباریان پادشاه مربور دوست شد که لقب وی نواب نجف‌خان واسمش ابراهیم بیك وتحلص وی عالم بود و بـه پیشنهاد نواب نجف خان مربور عشق دیوانی دیگر ترتیب داد وردیوان مربور تحلص عشق را اختیار کرده است وهمچنین عشق بفرمایش نجف خان مثنوی فسون عشق راکـه داستان «شاهرح و ماهرح» را بیان میکند سرود

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است

١ـ محموعه عشق ـتدکره مورد بحث

٢ـ دو دیوان فارسی ب‌تحلص مبتلا وعشق

٣ـ مثنوی «فسون عشق» (دربیان داستان شهرح وماهرح).

٥ـ نسحه سرایر درتاریخ گوئی

٦ـ بحارالتشریح تألیف سال ۱۲۲۰ه

۷ـ عشیات العشق درباره تصوف تألیف ۱۲۲۰ ه

۸ـ طبقات سخن تذکره دیگر فارسی و اردو .

«مجموعه عشق» یا «چهارچمن» یا «باغ گلهای حسن» تذکره فارسی است که ۱۲۸۰ صفحه دارد (رجوع شود به اشپرنگر). مؤلف این کتاب را سال ۱۱۸۷ه تألیف نموده است. چنانکه نام این کتاب «باغ گلهای حسن» ازروی ابجد میرساند

نسخه خطی

برای نسخه منحصر بفرداین تذکره رجوع شود به فهرست علیگره سبحان الله ص ۵۳ ش ۸ .

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به طبقات سخن تحت عشق و مبتلا و مجموعه نغز ج ۱ ص ۴۰۱ واشپرنگر ص ۱۸۷ واستوری ص ٤ـ ۸۸۳

فهرست اسامی شعرا درهیچ کتاب ذکر نشده است

لب لباب

ابتدا

حمدی مبرا ازوصمت انقطاع سرای بارگاه کلیمی است که انه تذکره للمتقین کلام ..

مولف

اسم مؤلف قمرالدین علی بن ثناءالله الحسینی الناصری است

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در ۱۲ رحب ۱۱۹٤ هـ برای آقای رچارد حاسن[۱] ترتیب داده اسب.

این تذکره اصلا حلاصه تذکره « ریاض‌الشعراء » اسب وتقریباً سام تمام شعرائی که در ریاض آمده است دراین تذکره نیز دکر شده است اما با این فرق که شرح‌حال شعراء ونمونه اشعارشان درتذکره احیرنسبة مختصر آمده است

باوجود اینکه این کتاب اساساً حلاصه «ریاض‌الشعراء» میباشد اما مؤلف آن بعضی مطالب حالت‌را دراین کتاب افروده است که درتذکره «ریاض‌السعرا» نبوده واز این حیث این کتاب دارای اهمیب وارزش بیشتری از « حلاصه ریاض‌الشعرا » میباشد.

ذکرشعرادراین کتاب نیز مانند ریاض‌الشعراء بترتیب الفبا آمده است اما برحلاف‌ریاض‌الشعرا که با « شیخ ابوالحسن حرقانی » شروع میشود این تذکره با دکر «شیخ ابوسعید بن ابوالحیر» آغاز میگردد.

نسخه خطی

اته ش ٦۹٥ (مورح ۱۱۹٤ هـ دارای ۲۳٦ برگ و صفحه‌ای ۱۵ سطر بخط شکسته)

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتب دکر نشده است

۱ـ Richard Johnson

انیس الاحبا

ابتدا

«ستایش بی‌حد و نیایش لاتعد سخن آفرینی را که بنعمهٔ کاف و نون چندین زمزمه گوناگون بر آورده و بمصداق کلمه فیکون هژده (هیجده) هزار عالم را باطوار بوقلمون ظاهر کرده».

شرح حال مولف

اسم مؤلف این تذکره موهن لعل متخلص به انیس است . اسم پدرش رای تولارام است که قانونگوی پرگنه گوپامو درسرکار خیرآباد بوده است . مؤلف هندوی کایسته بود اسم جدانیس دیوان اودهیراج بود . انیس ارشاگردان میرزا محمد فاخر مکین بود ودرموقع تألیف این تذکره بیش از پنجاه سال بود که درخدمت حویلی لکهنومصاف صوبه نصر نگر اود خدمت میکرد[۱]

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در۱۱۹۷ﻫ نوشته است . چنانکه قطعه زیر که درخاتمه کتاب آورده است میرساند

این نسخه که رشك باغ بی‌سعی جلیس چون ساخت انیس از گل شعر نفیس
سالش ز چمن طراز دانش جستم فی‌الفور بگفت این بود باغ انیس
(=۱۱۹۷ﻫ)

۱ـ مؤلف دراین تذکره همین قدر شرح حال خودش را آورده است و سپس درچندین صفحه پشت سرهم عباراتی سبك مصنوع آورده است که مبنی و مظهر شکسته نفسی مولف میباشد اما هیچ اطلاعی را درباره زندگانی وی نمیرساند و بکلی بیحود و بی‌فائده

درمورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه چنین توضیح داده است ·

«مخفی نماند که ... تذکره نویس موهن لعل انیس . (از شاگردان) میرزا محمد مکین . بعد (از) ترتیب دیوان خیال آن داشت که چندی از اشعار تلامذه آنحضرت بامجمل احوال هریکی جمع نموده رساله بوضع تذکره باید نگاشت تا حاضران را تذکاری و آیندگان را یادگاری باشد اما تا حال از بعضی عوارض این خیال در دل گره بود و این گره از خاطر نمیگشود . درینولا که ... دیوان نواب سرافراز الدوله ناظم‌الملك میرزاحسن رضاخان بهادرظفرجنگ نایب وزیرالممالك سلیمان زمان سپهسالارشجاع‌الملك یحیی‌خان آصف‌الدوله بهادرهزبر جنگ وزیرهندوستان[1] یعنی‌نظام بخش‌کاروبار ملکی‌ومالی مهاراجه تکیت(یاتکت) رأی بهادر مدظله‌العالی (بوسیله) .. رأی سیلداس (که از دوستان اوست)این احقرالناس .. (را) طلب‌فرمود (ومصاحب خود گردانید) . . اتفاقاً تذکره شیخ‌المتأخرین شیخ محمد علی حزین . را مطالعه نموده وخواستند تذکره‌ای بطرز آن تألیف شود.ازینجانب ترتیب تذکره مذکور (را) بهرحالی که بودم قبول کردم وبنوشتن آن همت گماشتم .. مراین مجموعه‌را متضمن‌بافتتاح وفتح‌الباب واختتام وحسن خاتمه ومشتمل بریك فصل وفاصله ساختم»

این تذکره کوچکی‌است مشتمل برذکرپنجاه[2] شاعر(در۱۸۷صفحه کوچك) بدون هیچ ترتیب مخصوصی . این تذکره دراصل مد... را ... میرزافاخرمکین (استاد مؤلف) وشاگردان او اما تیمنا اشعار وشرح حال عظیمای اکسیر اصفهانی‌را سردرابتدای این تذکره آورده است چون او استاد ... افا مکین بوده است

نسخه اشپرنگر حاوی دوبت بوده بدین قرار . **باب اول** شامل ذکر سی وسه شاعر مسلمان که اولشان «میرزا عظیمای اکسیر اصفهانی» ...

۱ــ آصف‌الدوله از ۱۱۸۹ تا ۱۲۱۲ ه نواب وزیر اود بود .

۲ــ از روی نسخه دیو ج۱ص ۳۷۷ الف ۹۱ شاعر.

نورعلی واصلی» است و **باب دوم** شامل ذکر شش شاعر هندو است که اولشان برای سروپ سنگه دیوانه و آخرشان «موهن لعل انیس (مؤلف) » میباشد . علاوه برایں مؤلف در خاتمه ذکر یازده شاعر را آورده است که آنها شاگردان مکین بودند و اولشان «محمد حسن » و آخرشان «دیبی پرشاد سایل» است[1]

ترتیب نسخه اشپرنگر با نسخ بانکی پور ومجلس فرق دارد و ترتیب نسخ اخیرالذکر بدین قرار است[2]

افتتاح درذکر حال واشعار میرزا عظیمای اکسیر اصفهانی استاد میرزا فاخر مکین .

فتح الباب درذکر حال واشعار میرزا فاخر مکین

فصل «در بیان احوال وافکار مستفیدان آنجناب که محلی به پیرایه اسلامند» وشامل ذکر سی ویك شاعر مسلمان از شاگردان مکین است که اولشان «شاه عالم پادشاه متخلص به آفتاب » و آخرشان «میر نورعلی متخلص به وصلی»است

فاصله «درذکر احوال واشعار شاگردانی که از فرقه هنود زینت بخش کلامند» وشامل ذکر شش شاعر هندو ازشاگردان فاخر مکین است که اولشان «رأی سروپ سنگه دیوانه» وآخرشان «موهن لعل متخلص به انیس (مؤلف)»میباشد

اختتام « محتوی است باحوال و افکار شاگردان مسلمین تلامذه آنجناب »وشامل ذکر پنج شاعر مسلمان است که شاگردشاگردان فاخر مکین بوده اند واول آنها «خواجه محمدحسن حسن»وآخر آنها «میرزا ابراهیم بیك متخلص به دوست» میباشد

ودرحسن **خاتمه** «مذکوراست احوال واشعار تلامذه هنود شاگردان فیض-

۱ــ ر ك نسخه اشپرنگر ص ۳۳

۲ــ همچنین ر ك نسخه ریو ج۱ص ۳۷۷ الف که در ۱۲۳۵ھ باتمام رسیده است واضافه‌های زیادی دارد چنانکه درفصل پنجاه شاعر ودر فاصله دوازده ودر اختتام یازده و درحسن خاتمه هیجده شاعر داردونسخه آن در ۱۲۳۷ ھ نوشته شده است

مآب» ومشتمل بر ذکر شش شاعر هندواست که شاگردشاگردان فاخرمکین بودند دو اول آنها «خوشحال چند عریان» و آخرشان «لاله داتارای متخلص به رفیق» است

مؤلف اشعار و شرح حال شعرائی را که دراول درزمره شاگردان مکین بودند اما بعداً از گرفتن اصلاح ازاو دست کشیدند دراین تذکره بیاورده است چنانکه خودش درمقدمه کتاب باین موضوع اشاره میکند

«ذکر اشخاصی که دل صاف نداشتند و بعداز گرفتن اصلاح سخن خودرا ازاین دولت محروم گذاشتند پسند خاطر نیفتاد و قلم انصاف رقم آنها را دراین صفحه (صحیفه) جا نداد»

مؤلف دراین تذکره هیچ جا سعی نکرده است اطلاعات مهمی راجع بر زندگانی شعرا را که خود با آنان از نزدیک معاشر یا معاصر بوده بنویسد و حتی سال تولد و وفات عظیمای اکسیر اصفهانی و سال ولادت فاخر مکین استاد خود راهم ذکر نکرده است.

درسرتاسر کتاب تنها درذیل تمام شعرای زیر سالها را ثبت کرده است که به بعضی وقایع زندگانی آنان اشاره میکند

درذیل نام «محب» مینویسد « درسنه ۱۱۸۸ هـ... بلکهنو رسید».

» «فایض» » « درسنه ۱۱۹ هـ... این رباعی را درمدح گفته»

» «بیمار» » « درسنه ۱۱۸۰ هـ... ترک تعلق (از دنیا) نمود»

همچنین درذیل نام شعرای زیر اشاره هائی به بعضی وقایع تاریخی نموده است که از آن میتوان سال تقریبی آن واقعه را بدست آورد

درذیل نام ساکن مینویسد «بعد(از) هنگامه احمدشاه ابدالی در . لکهنو رسید»

گ ید»

شرح حال میرزا محمد فاخر مکین را (در . ۸ص) و میرزا عظیمای اکسیر صفهانی را (در ۳ ص) از همه مفصل تر

همچنین اشعار منتخب خود را (در ۱۳ ص) و میرزا محمد فاخر مکین ۱۰ص ا

ازهمه مفصل‌تر آورده‌است.

هم‌چنین اشعار شعرای زیر را نیز نسبة مفصل آورده‌است.

لطف‌علیخان ناطق (در٤ص) حسن‌علیخان دهین وعنایت بیگ ساکن وپنجاب رای والی (هر کدام در٥ص) و برهان‌علیخان رهین (در٦ص) ومحمدجعفرخان راغب (در٧صفحه)

مؤلف درمقدمه این کتاب دوادعا کرده است اما هردورا درتألیف این کتاب رعایت نکرده ؛

١ــ ادعای اول مؤلف راجع سبك خوداست . مؤلف میگوید: «ودل از تکلفات عبارت مشیانه واشارات حریفانه و ظریفانه پرداختم (خالی کردم) که مراد ادای مطلب است نه اظهار ادب وغیر ادب»

اما متاسفانه سبك انشای مؤلف در این کتاب باندازه‌ای پر تکلف وپر تصنع است که غالباً درذیل شرح حال شعرا اطناب بیخودوعبارت پردازی بی‌معنی جای مطالب لازم را گرفته است و بارزترین دلیل آن شرح حال خود مؤلف است درذیل نام اوست که بعلت همین عبارت‌پردازی وتصنع هیچ اطلاعی درباره سال ولادت وتحصیلات وخدمات وغیره مؤلف را بهم نمیرساند

٢ــ ادعای دوم مؤلف راجع به عدم مبالغه واغراق است چنانکه خودش میگوید: «این هیچمدان که چنین شغل (را) پیش گرفته محض برای تذکار دوستانست و سبك‌دوشی خود ازحقوق ایشان احوال هریك بی کم وکاست نگاشته و هرگز رعایت طرف‌دوستی منظور نداشته ودراین امرمعاف ومعذوراست که تکلف ومبالغه ازدیانت و راستی دوراست»

اما اکثرشعراء را که اشعار بسیاری ازآنها بی‌اهمیت وارزش میباشد بالقاب پرتکلفی یاد کرده‌است مخصوصاً درذیل نام میرزا عظیمای اکسیراصفهانی ومیرزا محمد فاخرمکین درآوردن القاب وتعریف باین‌اندازه مبالغه ورزیده‌است که ازآن عبارات غیرازتکلف وتعریف بیخودو بیجهت مقصود ومنظوردیگری پیدا نیست همچنین

درتعریف شعرای دیگر نیز خیلی غلو کرده و اکثر تعریف آنها اغراق آمیز است.

بااسم وتخلص هر شاعر بعضی القاب در تعریف وی بنثر مسجع آورده است مانند:
«والا دودمان شمع شبستان فضل و کمال و گل سر سبد دولت واقبال کمال آئین محمد برهان علیخان برهن».

«بزرگی شعار عالی تبار صاحب رأی صائب محمد جعفر خان راغب».

سبك انشای مؤلف درذیل نام اکثر شعرا پر تکلف ومصنوع است ومخصوصاً در موقع تعریف وتوصیف ازشعرا تصنع بیشتری بچشم میخورد. نثرمصنوع این تذکره آئینه ذوق مشکل پسندی آن دوره میباشد.

همچنین اشعارمنتخب این تذکره نیز نمودارذوق آن زمان است و رویهم رفته بد

این تذکره کوچك مشتملست بر ذکر بعضی شعرائی که درتذکره‌های دیگر اسامی آنان یافت نمیشود . مؤلف احوال ونمونه آثار شاگردان استاد خود فاخر مکین وشاگردشاگردان ویرا دراین تذکره جمع آوری نموده است وشعرای خوب راازبین آنان انتخاب نکرده ودرنتیجه بعضی شعرای مبتدی وتازه‌کار را نیز دراین تذکره ذکر نموده است همچنین چون درترتیب این تذکره نظرومنظوری داشته و آن جمع آوری اشعاراستاد خود وشاگردان او بوده بنابراین هیچ حاجت خوبی وتعریف اسم آنها را نبرده وهیچوقت براشعار آنان انتقاد ننموده است.

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ش ۳۳

۲ ـ ریو ج ۱ ص ۳۷۶ الف (مورخ قرن ۱۸م ـ ظاهراً به خط مؤلف یا باتجدید نظر مؤلف) ص ۳۷۷ الف (باتجدید نظر واضافه‌هائی ـ آغاز در ۱۲۰۹ هـ واتمام در ۱۲۳۵ هـ) باینجاه شاعر در فصل و ۱۲ درفاصله و ۱۱ در اختتام و ۱۸ در حسن خاتمه ـ مورخ ۱۲۳۷ هـ)

۳ـ برلن

٤ــ بانکی‌پور ح ۸ش ۷۰۳(قرن ۱۹ م)

٥ــ مجلس تهران(= کتابخانه شخصی استاد سعیدنعیسی‌درتهران).

برای **شرح‌حال‌مولف** رجوع‌شود به‌انیس‌الاحباء ونتایج الافکار (اماهیچ‌جا شرح حال مفصل وی‌نیامده است)

فهرست اسامی

نسخه اول (مورخ ۱۱۹۷ه)رجوع‌شودبه اشپرنگر ص۳ــ۱۶۲.

خلاصة الکلام

ابتدا

«تعالی‌اله ماقاصر فهمان کوته‌بیان را چه یارا که زبان بحمدوثنای متکلم بی‌زبان توانیم گشود وذات بی‌نشان مبدع کون‌ومکان را که فهم وادراك وعبارت دربگنجد دانیم‌ستود»

شرح‌حال‌مؤلف

اسم مؤلف این تذکره علی ابراهیم خان و تخلص وی خلیل[1] والقاب او نواب امین‌الدوله عزیزالملك خان بهادر ناصر جنگ است و سلسله نسبش به‌دوازده‌واسطه به‌شیخ شمس‌الدین فریاد رس لودی میرسد که‌درزمان‌مخدوم‌اشرف جهانگیر کجه چهاوی‌وارد هندوستان گردیده‌درتصوف شاگردومرید مخدوم‌مزبور بود شیخ فریادرس در۷۹۰هجری‌فوت کرد ومزارش درضلع(شهرستان) فیض آباد درشمال‌غربی‌دریاچه اینوه زیارت گاه‌خاص وعام‌است

۱ــ دکتر زوردرحاشیه مقدمه «گلشن‌هند» تخلص‌علی‌ابراهیم‌خان خلیل‌را«علی»نوشته است که‌درست نیست

یکی ازاجداد خلیل بنام منجهوشهید که نسبش درپشت پنجم بهشیخ فریادرس میرسد موقعیکه او اود بجانب بهارمیرفت بعضی از کفار وی راشهید کردند. خانم او پهول بی بی ودوپسر اوبنام شیخ مصطفی وشیخ جنید بهصوبه(استان) بهاررفته درقصبه شیخ پوره (یاشیخوپوره) درضلع(شهرستان) مونگهیراقامت گزیدند. بعدازوفات شیخ مصطفی اولادواخلاف وی درعظیم آباد (پتنه) متوطن گشتندودرمحلههای دونی گهات و غیره سکونت گزیدند شیخ محمد رضا پدر خلیل هم از اولاد شیخ مصطفی مزبوربود.

خلیل درحدود ۱۱٤۸ ه درعظیم آباد(پتنه)[۱] متولدشد قاضی عبدالودود درمقدمه دیوان رضا مینویسد «درمقدمه دیوان حوشش آمده است که خانواده مادری مصنف تذکره(گلزار ابراهیم) ازعظیم آبادبود اماصحیح اینست که مولوی نصیر جد مادری علی ابراهیم خلیل اهل شیخوپوره بودهوبعدازمراجعت ازایران در عظیم آباد رحل اقامت افگند. (رجوع شود به سیرالمتأخرین چاپ نولکشورلکهنوص ٦١١).

اسم پدر خلیل خواجه عبدالحکیم بود خلیل هنوزهفتساله بود که ازسایه پدرمحروم گشت وکارتعلیم وتربیت وی بعهده داود علی خان عرف زایر حسین خان دائی اومحول شد وخلیل دراول کتب عربی وفارسی را نزد وی خواند .وی طبیعةشاعر بود وازکودکی منقبت و مرثیههای ائمهرا میسرود . ازاینجا پیداست که وی مذهب شیعه داشت

در ۱۱٦۱ ه (مطابق ۱۷٤۸م) داودعلی خان بقصد حج وزیارت عتبات عالیه عازم کلکته شد. چون آنجا رسید مدتی در شهر کلکته توقف نمود . آنجا نواب علی وردی خان مهابت جنگ دوست قدیمی وی ناظم بنگاله وبهارواریسه[۲] بود . داودعلی خان ابراهیم خان خلیل را که همراه خودبکلکته آورده بودبهعلی وردی خان مزبور سپرد وخلیل تحصیلات خودرادرمرشدآباد بپایان رسانید.

۱ـ شیخوپوره ضلع مونگهیر رک «بهارمیں اردو زبان وادب کاارتقا ۱۸۵۷ تک» زبان اردو ازدکتر اختر اورینوی چاپ پتنه ۱۹۵۷م .

۲ـ اسم سهصوبه (استان) هندوستان

در۱۱۷٤ ھ (مطابق۱۷٦۱م) موقعیکه انگلیسها میر جعفر را معزول کرده ومیرقاسم را برمسند نظامت (بنگال) نشاندند میرقاسم مزبورحلیل‌را بعنوان‌مشیر خود انتخاب نمود و بداروغگی «داغ‌وصحیحه» مأمور کرد. دکتر اختر اورینوی[1] مینویسد که‌خلیل وزیر نواب میرقاسم علی خان عالیجاه بوده و مدتی صوبه دار (استاندار) عظیم آباد (پتنه) ونایب‌ناظم آنجابود. بعدازاینکه دوره «عالیجاه» سپری شد ازنواب اود شجاع‌الدوله جداشد وبمرشدآباد رفت.

سپس تامدتی خلیل در گوشه عزلت وانزوا سر برد تا اینکه در۱۱۷۷ ھ (مطابق۱۷٦۳ م) بعدازفوت‌میرجعفر انگلیسها نجم‌الدوله‌را برمسند نظامت(بنگال) نشاندند ونواب‌مظفرجنگ محمدرضاخان بهادررا نایب مدارالمهام‌اومقرر کردند مظفرجنگ مزبور حلیل‌را برای‌نیابت‌خود وسمت امانت انتخاب نمود. اما چون در سه ۱۱۸۳ ھ (مطابق ۱۷٦۹ م) مبارك‌الدوله پسر پنجمین میر جعفر بر مسند نظامت جلوس کرد خلیل بااو توافق‌نظر نداشت وبالاخره‌مجبور باستعفاشد.

درمدت ۱۱۸۳ھ تا ۱۱۹٤ ھ خلیل‌اوقات خودرا بیشتر در مشاغل ادبی وکار تصنیف وتألیف صرف‌میکرد. در۱۱۹۵ ھ (مطابق ۱۷۸۰م) لردوارن هیستنگز[2] گورنرجنرل (فرمانروای کل) هندوستان که ازرفقای خلیل بود اوراهمراه خود بەلکهنو برده به‌نواب آصف‌الدوله بهادر نواب وزیر او در (۱۱۸۹–۱۲۱۲ھ)معرفی کرد ونواب اوراخلعت فاخرعطا کرد.سپس‌در ۱۱۹٦ ھ شاه‌عالم (۱۱۷۳–۱۲۲۲ھ) خلیل‌را لقب« امین الدوله عزیزالملك نصیرجنگ» عطا کرد و وی‌را جاگیری نیز بخشید

در۱۲۰٦ھ (مطابق ۱۷۹۱م) خلیل ازطرف کمپانی‌هند شرقی‌بتوصیه‌وپیشنهاد

۱ـ ر ك بهارمیں اردوزبان و ادب کاارتقا ۱۸۵۷ تك» بزبان اردو اردکتراختر اورینوی چاپ‌پتنه ۱۹۵۷ م).

۲ـلرد وارن هستنگز(Lord Warren Hastings) ازسال۱۱۸٦تا۱۲۰۰ھ از طرف کمپانی هندشرقی گورنرجنرال (فرمانروای کل)هندوستان‌بود.

لرد هیستنگز دادستان عالی ضلع بنارس مأمور وحقوق وی دوهزار روپیه‌ماهیانه مقرر شد. پس‌ازوی باحقوق پانصدروپیه ماهیانه‌نایب‌اوانتخاب‌شد. درزمان‌فرمانروائی کل‌لرد کارنوالس[1] خلیل گورنر(استاندار) بنارس‌شد.

درمدتی که خلیل دربنارس مأموریت داشت‌وی همواره مشغول‌کار تصنیف و تألیف بود چنانکه تذکره‌های خلاصة‌الکلام و صحف ابراهیم و گلزارخلیل را درزمان‌اقامت دربنارس تألیف‌نمود.

خلیل در۲٦ جمادی‌الاول ۱۲۰۸ ه (مطابق اول دسامبر ۱۷۹۳م) دربنارس فوت کرد وپهلوی مرقدشیخ‌علی‌حزین در قطعه‌زمینی که خودش برای‌این منظور خریداری کرده‌بود دفن‌شد. مسیو دتاسی سال‌وفات‌خلیل‌را ۱۷۹۳ یا۱۷۹٤م مطابق ۱۲۰۸ ه ضبط نموده‌است وجرأت مصرع زیر را در تاریخ فوت خلیل بزبان اردو سروده‌است .

«لو آه متامطلع دیوان‌عدالت» (یعنی. آه‌مطلع‌دیوان‌عدالت‌محوشد).

آثارمؤلف

۱ـ صحف ابراهیم- تذکره‌دیگر شعرای‌فارسی(رجوع‌شود به‌بحث درباره «صحف ابراهیم» دراین کتاب)

۲ـ خلاصة‌الکلام ـ تذکره موردبحث.

۳ ـ گلزارابراهیم-تذکره قریب به‌سیصدتن‌ازشعرای‌ریخته(اردو) که‌خلیل در۱۱۹۸ه باتمام رسانیده‌است برای‌نسخ آن‌رجوع‌شود به‌اشپرنگر ٤٥ وبادلین۳۹۸ وریو ح۱ص۳۷۵ ب (قرن۱۸م) وح۳ص۱۰٦۹الف (قرن ۱۹ م) و بانکی‌پور ح ۸ ص۷۰۷(۱۲۲۰ه)وایوانو تکلمه‌اول۷٦۸ (قرن۱۹م) وبرای ترجمه آن که‌بفرمایش گلکریست بعمل‌آمده است رجوع‌شود به براون‌دیل ش ۱۰۸٤ .

٤ ـ دیوان اردو

۱ـ لردکارنوالس (Lord Cornwallis) ازسال ۱۲۰۰ تا۱۲۰۸ ه از طرف کمپانی‌هندشرقی گورنر جنرال(فرمانروای‌کل) هندوستان‌بود .

٥ ـ وقایع جنگ مرهته ـ کتابیست درباره جنگ مرهته ها که در بین ۱۱۷۱ و ۱۱۹۱ ه روی داد و خلیل این کتاب را در زمان لرد کارنوالس در ۱۲۰۱ ه تالیف نموده است و سر گردفلر آنرا بزبان انگلیسی ترجمه کرده است .

٦ ـ رساله‌ای راجع بشورش راجه چیت سنگه که حاکم بنارس بوده اما چون خلیل بقول خودش یکی از خیرخواهان کمپانی انگلیسی بود بنابراین مطالب این کتاب را نمیتوان خالی از تعصب و غرض شمرد .

۷ ـ مکاتیب ـ مجموعه‌ای از نامه‌های خلیل در موزه بریتانیا موجوداست که بعضی وقایع سیاسی زمان مؤلف را روشن میسازد .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در سال شانزدهم جلوس شاه‌عالم مطابق ۱۱۸۷ ه آغاز و در سال بیست و هفتم جلوس شاه‌عالم مطابق ۱۱۹۸ ه باتمام رسانیده است

در تألیف این کتاب کتابهای ذیل مورد استفاده مؤلف قرار گرفته است

۱ ـ تذکره دولتشاه

۲ ـ خلاصة الأشعار (و زبدة افکار)

۳ ـ مآثر رحیمی

٤ ـ تذکره طاهر نصرآبادی
٥ ـ عرفات العاشقین

٦ ـ تذکره ناظم تبریزی
۷ ـ کلمات الشعرا

۸ ـ مجمع النفایس
۹ ـ ریاض الشعرا

۱۰ ـ تذکره شیخ علی حزین
۱۱ ـ سرو آزاد

۱۲ ـ نفحات الانس جامی
۱۳ ـ نفایس المآثر

این تذکره مشتمل است بر ذکر احوال و اشعار هشتاد و هشت شاعر بترتیب الفبا ازروی حروف اول اسم یا تخلص شاعر در دو جلد و جلد اول آن با «استادالشعرا حکیم اسدی طوسی» شروع شده با «جمال الدین صمیری» تمام میشود و جلد دوم آن با « ملا طغرای مشهدی» شروع شده با «یحیی کاشی» تمام میشود و شامل ذکر شعرائیست که

بفارسی مثنوی سروده‌اند ودر این قسمت ممتاز و معروف بوده‌اند. مؤلف انتخاب شعرا از آنها از مثنوی نقل کرده است. (هر جلد این کتاب مشتمل است تقریباً بر دو هزار و پنج صفحه) .

در دیباچه کتاب مؤلف درباره تعریف شعر و علاقه خود بشعر گوئی و مطالعات وی در این زمینه شرح مفصل آورده است و هم چنین فواید و مختصات تذکره خود را ذکر نموده است

شرح حال اکثر شعرا را مختصر نقل کرده است که غالباً مشتمل است بر ده دوازده سطر و در ذیل حزین و عطار شرح حال آنها را در دو صفحه و در ذیل نام مولانا رومی شرح حال او را در $2\frac{3}{4}$ صفحه آورده است که مفصل‌تر از همه میباشد .

اشعار منتخب از شعرا غالباً مفصل نقل کرده است و روی هم رفته اشعار منتخب از جامی را که بالغ بر شش هزار و چهل و هشت بیت میباشد (در صد و چهل و چهار صفحه) مفصل‌تر از همه آورده است .

در ذیل شرح حال شعرا اکثر اطلاعات مهم راجع بزندگانی آنها مانند سال ولادت و وفات وغیره را بهم رسانیده و اسم آثار آنها را نیز غالباً مفصل ذکر کرده است

در این تذکره بعضی اشعار منتخب از شعرا ضبط شده است که کلی نادر یا کمیاب است مانند انتخاب از «زاد المسافرین» و «ساقی نامه» ابراهیم ادهم و «ساقی نامه» رضا و بعضی اشعار منتخب از «معراج الخیال» تجلی «وطوطی نامه» حامد لاهوری و مثنویهای ناصر و آشنا و ابراهیم دهلوی و خالص و خواجوی کرمانی و داعی و «[illegible]» آرزو

در ذیل نام بعضی شعرا اختلافی که در بین اقوال تذکره نویسان درباره امری داشت نوشته و حقیقت امر را آنچنانکه خودش عقیده داشت نیز ذکر نموده است مثلاً در ذیل نام شیخ رکن الدین اوحدی مراغه‌ای سال وفات او را چنانکه دولتشاه و آرزو و تقی حسینی ذکری و جامی و واله و علاء الدوله قزوینی در تذکره‌های خود آورده‌اند نقل کرده است و سپس عقیده خود را درباره آن نیز ذکر کرده است .

سبک انشای مؤلف در دیباچه مصنوع و تکلف آمیز است اما در شرح حال شعرا غالبا

ساده وغیرمصنوع است. البته گاهی درموقع تعریف و توصیف شعرا نثر مصنوع وحتی گاهی مسجع را بکار برده است مانند «ملاطغرای مشهدی . طغرای منشورسخنوری و سرلوح دیوان نکته پروری».

رویهمرفته این کتاب درموضوع خود خیلی مهم و باارزش است. تنها تذکره های دیگر که درباره قسمی از اقسام مثنوی نوشته شده است یکی میخانه است که تنها درباره «ساقی نامه» میباشد و دیگر «هفت آسمان » که درباره مثنوی گویا ست اما حیف که تنها یك «آسمان» آن که مشتمل برذکر تنها یك نوع از انواع مثنوی میباشد بطبع رسیده است و آسمانهای دیگر که مشتمل برشش نوع دیگر مثنوی بوده ظاهرا تمام نشده وهیچوقت چاپ نشده است .

نسخ خطی

۱ـ بانکی پور ج ۸ ش ٥ـ٧٠٤ (این نسخه در دو جلد است .جلد اول آن ناقص الاخر است و با «اسدی» شروع شده با امیرخسرو «تمام میشود ولی جلد دوم آن کاملست و با « ملاطغرای مشهدی» شروع شده با «میریحیی کاشی» تمام میشود وهم چنین جلد اول بعضی اشعار «شیرین خسرو» امیرخسرو و ذکر شعرائی ازحرف «دال تا صاد» را کسر دارد) و ش ٧٠٦ (شرح حال شعراء را ندارد مورخ قرن ۱۹ میلادی).

۲ـ بادلین ۳۹۰ (مورخ ۱۲٤٦ه)

۳ـ لندریانا ص ۱۷۷ ش ۳۱۸ (مورخ تقریباً ۱۷۹۰م)

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به تذکره گلشن هند (که درحاشیه مقدمه آن دکترمحی الدین زور شرح حال و آثار خلیل را بزبان اردو نوشته است) وتاریخ شعرای بهار تالیف عزیزالدین بلخی وسیرالمتاخرین چاپ نولکشور ص ٦١١ و «بهار مین اردو زبان وادب کا ارتقا ۱۸۵۷ء تك» (تحول وتکامل زبان وادب اردو در بهار تا ۱۸۵۷ میلادی) با دو تألیف دکترسیداحمد اختراورینوی رئیس قسمت اردو دانشگاه پتنه چاپ پتنه مارس ۱۹۵۷ میلادی ص ٦ - ۳۲٤ و مسیود تاسی.

تذکر

اکثرمطالب‌مراجع بشرح حال علی‌ابراهیم خان خلیل‌را آقای‌پروفسورسید حسن استاد زبان فارسی درمؤسسه تحقیق فارسی‌وعربی بهار(پتنه) هندوستان بعد ازپرسش وتفتیش وتحقیق‌ازخانواده جلیل‌ورفقای نزدیك خلیل‌ومنابع معتبردیگر بدست آورده وبا کمال‌لطف برای‌نگارنده این رساله ارسال‌فرموده‌ونگارنده‌ازاین زحمت‌واحسان وهمکاری پروفسوردانشمندبسیارممنون‌است.

برای‌فهرست‌اسامی‌شعرا رجوع‌شود به‌بادلین ش۳۹۰ستونهای ۲۹۵ـ ۳۰۲ وبانکی‌پور ج۸ ص۱۳۸ـ۱۴۶(غیرازحروف«د»الی«ص»)

عقدثریا

ابتدا

«اول که‌زمان سلسله‌جنبانی کرد | از سلسله‌طرفه سخن زانی کرد
بعد که‌بحمدحق‌حق‌ونعت | زدند دربعت‌ومنقبت خوانی کرد

طایرتیزپروهم‌وخیال‌انسان سست‌بین راچه یارا که باوج هوای محمدتش تمامی‌باری‌عزاسمه بال‌پروازتواند گشودومرغ آسمان سیراندیشه آدمی‌خاکی‌نژادرا چه طاقت که بعوت تیزپری‌وبلندپروازی ادراك خود رازهمر اشیان عنقای‌معرفه تواندنمود»

شرح‌حال‌مولف

اسم مؤلف این‌تذکره شیخ غلام همدانی متخلص به مصحفی است‌واسم‌پدر

ولی‌محمدبن درویش محمد است. وطن آبائی‌او امروها[1] (هندوستان) و مولدش‌هم امروهاست[2]. مولانا حسرت موهانی درتذکره خودولادت مصحفی‌رادرسال ١١٦٤ھ نوشته‌است ولی مصحفی در«ریاض‌الفصحا» (تذکره شعرای‌ارد) درذیل شرح حال خود مینویسد که سروی درآنوقت هشتادسال‌بود وتألیف تذکره مذکوررادرسال ١٢٢١ھ آغاز ودرسال ١٢٣٦ھ تمام کرده است بدینجهت‌سال ولادتش میان سالهای ١١٤١و١١٥٦ھ اتفاق افتاده است هم چنین چون مصحفی بروایت شیفته‌در ١٢٤٠ھ در ٨٤ سالگی فوت کرده‌است بنابراین سال‌تولدوی ١١٤٦ھ میباشد.

تحصیلات مقدماتی وی‌درامروهاوتکمیل‌تحصیلات‌نظم ونثربسن سی سالگی دردهلی صورت گرفت.درآخرعمرقرآن‌و تفسیروادبیات عربی را فراگرفت وعلم عروض وقافیه راازکلام واشعاراستادان سخن‌یادگرفت

مصحفی درعنفوان شباب (درحدود ١١٩٠ھ) بدهلی‌رفت وآموزش‌وی‌همانجا صورت گرفت.دردهلی‌درمجالس مشاعره[3] شرکت میکرد وشعرای معروف آنوقت درمنزل‌مصحفی بیرجمع‌میشدند وی‌در دهلی دوازده‌سال باردوشعرمیسرود ولی‌قبل ازاین‌بیشترمایل‌بشعرفارسی‌بود

چون‌اوضاع‌دهلی مشوش شدمصحفی‌بشهرتانده‌رفت وازآنجادرحدود ١٢٠١ھ به لکهنوهجرت‌نمود ودرآن‌شهر درحدود سال ١٢٠٧ھ بوسیله میرانشاوارد دربار صاحب عالم‌شد که‌دربار وی درآن‌ایام مرکزشعرو سخن بود . بقول گارسن‌دتاسی مربی مصحفی شاهزاده سلیمان شکوه پسر دوم شاه عالم‌ثانی بوده‌است.

١ــ در ٢٠ میلی‌شمال‌شهر مرادآباد

٢ــ بقول گراهام بیلی وی‌اصلاازامروها بود ولی درجوانی بدهلی‌رفت‌وآنجاراوطن خودمی‌گفت . بروایت گارسن دتاسی‌وی‌درلکهنو متولدشد وبقول سکسینه وی دراکبرپور متولد شداما‌دومحل‌باین نام مشهوراست یکی‌برنزدیک‌شهرفیض‌آبادودیگر برنزدیک‌کانپور. بقول شیفته وی دردهلی متولد شداماقول گراهام بیلی صحیح‌است ودیگران‌اشتباه کرده‌اند

٣ــ مشاعره‌محفل ادبی‌رامیگویند که‌درآن‌شعرا شعرمیخوانند وهنوزهم درهندوستان‌و پاکستان چنین‌محافل‌ادبی‌معمول‌است.

مؤلف «تذکرهٔ گلشن هند» (اردو) مینویسد «فعلا که ۱۲۱۵هـ است چهارده سال است که اوقات خود را در لکهنو بسر میبرد، سبیل معاش آنجا از مدتی صحبت اهل کمال است و همین طور حال این غریب هم درهم برهم است» (ترجمه از اردو)[1]. در تذکره «نتایج الافکار» سال فوت مصحفی ۱۲۵۰هـ ذکر شده است.

شیفته در تذکرهٔ خود مینویسد که ده سال است که مصحفی فوت کرده و تذکرهٔ شیفته در سال ۱۲۵۰هـ تالیف شده است و بنابر این سال وفات مصحفی ۱۲۴۰هـ است. وفات وی در سن ۸۴ سالگی در لکهنو اتفاق افتاد «در شمع انجمن» هم همین سال ذکر شده است.

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱ـ تذکرهٔ هندی گویان که سال ۱۲۰۹هـ تألیف کرده است برای نسخ آن رجوع شود به اشپرنگر ص ۴۷ = ایوانو دیل اول ۷۶۹ (۱۲۱۹هـ) وریو ج ۱ ص ۳۷۸ الف (اواخر قرن ۱۸م) و بانکی پور ج ۸ ش ۱۷۱۰ (۱۲۲۸هـ) **چاپ** در اورنگ آباد از طرف انجمن ترقی اردو باهتمام و تصحیح مولوی عبدالحق.

۲ـ ریاض الفصحا ـ تألیف آن در ۱۲۲۱هـ آغاز و در ۱۲۳۶هـ تمام شد. تذکره محتوی ۳۰۵ شاعر اردو است **چاپ** در اورنگ آباد از طرف انجمن ترقی اردو (ش ۷۷)

۳ـ خلاصة العروض ـ رساله ایست در عروض

۴ـ معید الشعرا ـ رساله ایست در اصطلاحات فارسی

۵ـ دو دیوان فارسی[2] ـ یکی از آنها که در جواب نظیری بوده تمام شد

۶ـ سه (یا بقول بعضی) هشت دیوان اردو

۱ـ ر.ك گلشن هند چاپ علیگره ص ۲۲۷-۲۲۸

۲ـ بقول اشپرنگر چهار دیوان از آن جمله یکی نسخه جز کوئیس دیوان فارسی است که سبك شعر ناصر علی و یکی دیگر بطرز جلال اسیر سروده است اما عبدالمقتدر در فهرست بانکی پور) میگوید که مصحفی تنها یك دیوان بسبك جلال اسیر و ناصر علی دارد

[illegible] (١٨١١–١٢١١م) [illegible] (١٤٤١–٨٤٤١م) [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

(=٦٦١١م)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible] ٦٧١١ [illegible]

[illegible]

٦– [illegible]

[illegible] ١١٨ ([illegible] ٨٤٤١م).

[illegible]
٧– [illegible] ٤٤١م [illegible]
٨– [illegible]

وبا «ابجـ» شروع شده با «یوسف» تمام میشود

این تذکره بسیار مختصراست و درذیل نـام اکثرشعرا مـؤلف تنها شرح حالشان رانقل کرد ولی‌هیچ شعری ازآنان نیاورده است اما ازابجد وآصف و اکثروامین وپیامی وپروانه وشاه پنچها وتوفیق وثابت وقاسم ومحیط ووالهوهادی هرکدام یك بیت وازباسطی و هاتفی هرکدام یك مصرع وازآزاد وبیدار وشهاب دوبیت وازآگاه وفغان ومظهرسه بیت وازمجید یك رباعی وازواصل یك بیت ویك رباعی وازحاتم ۸ بیت نقل کرده است .

مؤلف حتی اشعاری ازخود هم بعدازشرح حـال خود نیاورده است امادرذیل نام مظهروحاتم قطعه‌ای فـوت راآورده که خودش سروده وبترتیب مشتمل است بر۱۰و٤ بیت .

همچنین درذیل نام شعرای زیرتنها درچند کلمه آنها رامعرفی کرده اماهیچ شعری ازآنهانیاورده است:ذهین وسوزوسروروصوح وضیاء وطبیب وکاشف ومسرور نیازی ووفا.

درخاتمه کتاب ازمولوی فخرالدین ومیرمحمد حسین‌لندنی ازهرکدام یك بیت نقل کرده اما شرح حالشان رااصلانیاورده است.

سبك انشای مؤلفدراکثرمواردغیرمصنوع است اما غالبا کلمات مشکل را بکاربرده‌است.

رویهمرفته این تذکره جنگ مانندی تقریباً بی‌ارزش وبی‌اهمیت استچون مؤلف نه شرح حال شعرا رادراین تذکره مفصلاآورده‌است ونه انتخاب ازاشعار آنهارامفصلانقل کرده‌است وچنانکه خودش درذیل سبب تألیف اعتراف نموده‌است اکثرمطالب این تذکره راازبیاض‌قتیل برداشته اما خودش‌حتی‌درنوشتن‌شرح‌حال شعرائی که معاصروی بودند وبنابراین وی‌ظاهراً بابسیاری ازآنان آشنا بوده هیچ زحمت نکشیده است . نظربملاحظات فوق این کتاب را باید «سفینه» نامید که آن هم ناتمام مانده است چون گاهی مؤلف تنها بنقل اشعارو گاهی بنقل شرح حال‌پد

چند کلمه درمعرفی شعرا اکتفا نموده است وشرح حال واشعارهردورا اراکثرشعرا نیاورده است. بنا براین میتوان باین نتیجه رسید که مؤلف فرصت «اتمام» آن را نداشته

چاپ

این تذکره درحیدرآباد دکن درسال ١٩٣٤م ازطرف انجمن ترقی اردو حیدرآباد دکن درجامع برقی پرس دهلی طبع رسیده است

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به تذکره عقد ثریا مقدمه ازمولوی عبدالحق وتذکره هندی گویان مصحفی و تذکره (اردو) عشقی و مجموعه نغز ج٢ص١٨٨_١٩٥و گلشن بیخارشیفته ونتایج الافکارص٤٢٠واشپرنگرص٣-١٨٢و٦٢٥ و گارسن دتاسی ج ٢ص ٨ _ ٢٨٣ (نام مصحفی) وآب حیات محمد حسین آزاد (اردو) وتاریخ ادبیات اردو سکسینا (بزبان انگلیسی وترجمه اردو)ودایرة المعارف اسلام (نام مصحفی) و ریو ج١ص٣٧٧ ب و بانکی پورج ٨ص٥٠_١٤٩و«فرهنگ تراجم شرقی»[1] (انگلیسی) بیل ص ٢٤٦وتاریخ ادبیات اردو (بانگلیسی) گراهام بیلی[2] واستوری ج١ص ٦_٨٧٥

فهرست اسامی شعرا _ رجوع شود به چاپ حیدرآباد دکن ١٩٣٤م

تکملة الشعراء جام جمشید

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب مولوی محمد قدرت الله متخلص به شوق ب و اسم پدرش قبول محمد است شرح احوال مختصر خود و اجدادش را

1- Oriental Biographical Dictionary - Beale
2- History of Urdu Literature - Grahame Bailley

درتاریخ جام جهان‌نما آورده‌است(رجوع شود به صفحه ۷٤۷ ـ تتمه کتاب). مؤلف درموضع موی تحصیل‌بهیری صلع بریلی بدنیا آمد. درآن ایام موضع مذکورجزو ریاست‌رامپور بود وچون ریاست رامپوراراو جداشد و زیراقتداربریتانیادرآمدتمام قسمت مربورازریاست رامپورجداشدوازهمان روزازرفت وآمد مردم‌آن به رامپور کاسته شد.

شوق درتاریخ جام جهان‌نمامیگوید که جد بزرگ اوباتفاق چندنفرولشکر چند هزارسوار برای‌جنگ باراى پتهورا آمد ودرنواحی سپت جنگ کردوهمانجا باچندنفرازهمراهیان خود شهیدشد سپس سید حسین جنگ سوار بهندآمدواولاد اجداد مؤلف‌نیز باتفاق سید حسین مزبور بهندآمده ودرسپت رحل‌اقامت‌افکندند. ذکراجداد مؤلف درتواریخ هند مانند تاریخ مبارکشاهی وطبقات اکبری آمده است ومؤلف خودش نیزبشرح حال آنان درخاتمه کتاب پرداخته‌است.

شوق‌تذکره الشعراء ریخته (اردو) بنام «حقیقت‌الشعرا»رانیزترتیب داده بود چنانکه‌درصفحه ۷۸ درذیل نام حافظ امیرالدین متخلص به امیربداونی‌مینویسد

«باین مؤلف رابطه برادرانه داشت ... گاهی‌شعرریخته هم میگفت‌چنانچه درتذکره حقیقت الشعرا اشعار اواکثرنگاشته شد»

آثار مولف

۱ـ تذکره حقیقت الشعرا- درذکرشعرای ریخته گویان (اردو)

۲ـ تاریخ جام جهان نما - درتاریخ سلاطین واولیاء ایران وهندوستان‌است ومشتملست‌بریك مقدمه و۳۹ طبقه ویك خاتمه - مؤلف این کتاب رادر۱۱۹۱ھ آغاز نموده و در ۱۱۹۹ھ باتمام رسانیده است نسخه آن در رامپور (در۷۵۲ ص) موجود است رجوع شود به‌مجله اوریتنل کالج‌لاهورمورخ نوامبر۱۹۳۰م ص۶۹ــ ۷٤

۳ـ تکملة الشعرای جام جمشید ـ تذکره مورد بحث

٤ـ طبقات‌الشعرا ـ تذکره دیگرمؤلف در باره شعرای ریخته گویان(شعرای

اردو) برای نسخه آن رجوع شود به آصفیه ج۱ ص ۳۲۲ ش ۴۰ . **چاپ** باهتمام محمد ابو اللیث صدیقی بدایونی.

تبصره کتاب

مؤلف این کتاب رابعد ازتالیف تاریخ جام جهان نما(اتمام ۱۱۹۹۰هـ) ترتیب داده است. درمورد سبب تألیف درمقدمه چنین مینویسد که هنگامیکه ازتألیف تاریخ جام جهان نمافارغ شدبعضی رفقای اوفرمایش کردند که چون تاریخ مر بورتذکره شعرای فارسی نداردبنا براین مؤلف حالات شعرای فارسی رابعنوان تکمله آن کتاب بنویسد وبنا براین مؤلف درامتثال امردوستان خوداین تذکره راترتیب داده است. اماچون تهیه تذکره هائی که احوال شعرای متقدم ومتاخرداشته باشندکارمشکلی بود بنابراین احوال آنها راازتذکره های دیگرجمع نمود.

مؤلف درمقدمه کتاب اسم کتب زیررا ذکر نموده است که شرح حال شعرارا ازآنها اقتباس ونقل کرده است .

۱ـ تذکره علیقلی خان شش انگشتی متخلص به واله ۲ـ تذکره سراج الدین علیخان ۳ـ تذکره سرخوش . ٤ـ تذکره غلامعلی آزاد . ٥ ـ منتخب اللطایف رحیم علیخان (وغیره)

این تذکره مشتمل است بردو مقاله بقرار زیر

مقاله اول ـ درذکر شعرای عرب **مقاله دوم** درذکرشعرای عجم .

مؤلف اشعار وشرح حال خودرا دراین کتاب نیاورده است اما هرگاه ملاقات باشاعری بوی دست داده بود درباره این موضوع درذیل نام آن شاعر تذکر داده است مثلا رجوع شود به ذکر حافظ امیرالدین متخلص به امیر بداونی (ص۷۸) و شاه قدرت الله بلیغ ساکن اولدهن صاحب هفت دیوان (ص ۱۱٤) ودوست علی پسر قاضی عبدالخالق متوطن درقصبه جلیسر (ص ۲۲۹).

غالب مطالب این تذکره از کتب دیگر اقتباس و نقل شده است و بنابراین ازحیث اصالت این کتاب دارای اهمیت زیادی نمیباشد

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرداین تذکره دررامپور (هندوستان) موجوداست.این نسخه مورخ پنجشنبه غره شعبان ۱۲۱۸ هجری ومشتمل بر ۷۱۸ صفحه‌است و آنرا حافظ غلام محی‌الدین برای صاحبزاده ،ظفر علیخان درمصطفی‌آباد (رامپور) استنساخ نموده است (رجوع شود به مجله اوریئنتل‌کالج ج ۷ ش ۱ مورخ نوامبر ۱۹۳۰ م ص ۶۸–۶۹ ونذیر احمد۸۳)

صحف ابراهیم

ابتدا

«صحف ابراهیم طبع سلیم تلفظ بحمد وثنای حضرت باریسمت عراسمه که معنی سرایان عیسی نفس را بمصداق ان‌الله حکما امسکها عن‌الانبیا لیجریها علی لسان‌الشعرا قدرت معجز بیانی عطا فرموده ونکته سرایان دقیقه رس را بمضمون الشعرا تلامیذالرحمن دری ازدارالعلم غیب برروی استعدا. گشوده»

مولف

اسم مؤلف این تذکره علی ابراهیم خان متخلص به خلیل است . (برای شرح حال وی رجوع شود به بحث درباره خلاصة‌الکلام دراین کتاب).

تبصره برکتاب

مؤلف این کتابرا بسال ۱۲۰۵ه دربنارس بسن شصت سالگی[1] تألیف‌نموده

۱– چنانکه مؤلف درمقدمه مینویسد «تاهنگام تسطیر که سرعمر بادپیما ستین است»

است ودر دیباچه کتاب قطعه آورده است که سال تألیف آنرا میرساند :

زتائید نقاش هرزشت و زیبا   شداین نقش بودر نکوئی یگانه
چوتاریخ اتمام حستم زهاتف   بگفتا بگو نقع بخش زمانه

(=۱۲۰۵ ه)

درمورد سب تألیف مؤلف دردیباچه چنین توصیح داده است ۰

«این احقرالعباد . . پیوسته باهمه فروبی مشغله اوقات فرصت را بمطالعه تصانیف علماء وعقلا ودواوین شعر بسر آورده بمرور دهروآنچه از کلام فصیحان عصر وبلغای دهر بوده است بادقت وامتیاز بسلك انتخاب کشیده بود و حین عرض سخ زیاده برصد هرار بیت بشمار آید . لاحرم حوهری اندیشه بنظاره دریا دریا گوهر لعط آبدار ومعدن معا ن یاقوت معنی بگیں بصد آررو (حمع آوری بموده) و(حواست) که این حواهر گیسوان بها از تفرقد بجمعیت رسد و بسلك تألیف کشیده شود بسب کثرت مشاغل وهجوم اسای بوع که برای حل وعقد اموروی التفات با این حیرخـواه حلایق ونیك اندیش مخالف میکردند سالها گذشت کـه سرانجام این امرعظیم ومقدمه حسیم میسر بگشت تاآنکه درعهد طل سبحانی زیب افرای اورنك حهان بانی ساه عالم پادشاه حلداله ملکه بآبیاری توفیق خالق بیچون وهبوب سایم افضال فرمانروای کن فیکون این گلبن امید بسررمین بلده بنارس روی شگفتگی دید»

مؤلف دردیباچه کتاب درمورد مآحد و منابع حود درتألیف این کتاب مورد استفاده اوقرار گرفته اسب چنین مینویسد : بهنگام تسوید این اوراق هفتاد و دو حلد لارم مصنفات متقدمین ومتوسطین ومتأخرین که شمردن نام آنها بطول انجامد مهیا بود»

بعضی کتابهائی که اسم آنها را مؤلف درمتن کتاب در دیل شرح حال شعرا استفاده مؤلف درتألیف این کتاب قرار گرفته بدین قراراست

۱ـ نفحات‌الانس
۲ـ معجم‌البلدان
۳ـ مجالس‌المؤمنین
۴ـ مجالس‌العشاق
۵ـ کتاب انساب سمعانی
۶ـ ریاض‌الشعرا
۷ـ تذکره دولتشاه
۸ـ منتخب‌التواریخ
۹ـ هفت‌اقلیم
۱۰ـ تذکره منیر لاهوری
۱۱ـ تاریخ گزیده
۱۲ـ مرآت جهان نما
۱۳ـ زبدة‌الافکار[1]
۱۴ـ خلاصة‌الاشعار
۱۵ـ مجمع‌النفایس
۱۶ـ (چهار مقاله) نظامی عروضی
۱۷ـ مجمع‌الشعرا
۱۸ـ خلاصه ریاض‌الشعرا
۱۹ـ تذکره معاصرین حزین
۲۰ـ کلمات‌الشعرا
۲۱ـ عالم‌آرای عباسی
۲۲ـ تذکره سامی
۲۳ـ مآثر رحیمی
۲۴ـ عرفات‌العاشقین
۲۵ـ تذکره نصرآبادی
۲۶ـ جواهر‌الاسرار شیخ آذری

از جمله مآخذ فوق تذکره منیر لاهوری امروز در هیچ کتابخانه‌ای پیدا

این تذکره مشتمل است بر ذکر سه هزار و دویست و هفتاد و هشت شاعر[2] بترتیب الفبا از روی حروف اول اسم یا تخلص شاعر و از حیث تعداد شاعران این بزرگترین تذکره فارسی است و شامل ذکر شعرا و عرفا و فضلا و سلاطین و وزرای

۱ـ این تذکره اصلاهمان خلاصة‌الاشعار (ش۱۴) است که اسم کامل آن خلاصة‌الاشعار وزبدة‌الافکار است . معلوم نیست مؤلف چرا یکجا اسم این تذکره را خلاصة‌الاشعار آورده وجای دیگر زبدة‌الافکار نوشته است در صورتیکه اسم آن تذکره همه‌جا خلاصة‌الاشعار نوشته‌اند وهیچکس غیر از خلیل آنرا بنام «زبدة‌الافکار» یاد نکرده است .

۲ـ ر . ک نسخه برلن ش ۶۶۳ ص ۶۲۷

متقدم ومتوسط ومتأخر میباشد وبا «شیخ ابویزیدبسطامی» شروع شده با «ملایگانه بلخی» تمام میشود .

دراین تذکره طبق توضیح خود مؤلف «تخصیص قسمتی از اقسام نظم نیست وقصاید وغزل وقطعهورباعی وترجیع وترکیب (بند) و مخمس ومسدس ومعماهمه مسطور است وبندرت وضرورت ابیات مثنوی هم مذکور است»[1] .

مؤلف درمورد محل‌وسال تولد ووفات ومدفن‌وغیره شعرا از کتابهای مختلف تحقیق کرده ونتیجه تحقیق وتفحص خودرا دراین کتاب ذکر نموده است چنانکه خودش درمقدمه کتاب دراین‌باره توضیح میدهد ·

«درتحقیق مولد ومنشا ومدفن وزمان ظهور وسال ارتحال ونمایش رتبه کلام واعلان قدر ومنزلت هر کدام از طایفه فرجام مجوز و تقصیر و تساهل نگشته از کتب‌سیر واخباروتذکره‌های متداوله استنباط این مراتب نموده است ودرمواقع اختلاف اقوال تدقیق وتنقیح درکارداشته قول معتبررا که خرد خرده شناس‌بصحبت وصواب آن طمانینت پذیرفت اختیار کرده» .

همچنین مؤلف دردیباچه کتاب‌توضیح داده‌است برخلاف رسم تذکره‌نویسان معاصر بشرح معایب شعرا نپرداخته و همچنین درستایش آشنایان خود «ژاژخائی وهرزه درائی» نکرده‌وازافشای‌قبایح ودمایم کسانیکه مرتکب‌ناپرهیزکاری‌بوده‌اند بفحوای آیه کریمه «هذاتذکرة للمتقین» اجتناب واغماض اولی وانسب دانسته و اگرگاهی اشاره‌ای باین معنی‌آمده بنابر علتی بوده است . حتی درموقع ذکر شعرای معاصر که جمعی از هندوستان وبعضی ازبلاد دیگر بوده جانبداری وتعصب نورزیده

مؤلف انتخاب اشعار غزلیات را مقدم برقصاید آورده ودرموقع نوشتن‌اشعار

۱ـ مؤلف تذکره‌ای دیگر دارد بنام «خلاصة‌الکلام» که در آن تنها اشعار مثنوی را انتخاب نموده است (ر ك . بحث درباره «خلاصة‌الکلام» دراین‌کتاب).

رعایت ترتیب ردیف احسن دانسته جمیع اصناف سخن را مردف نوشته و همچنین جمعی ازشعرا راکه «درتخلص مشارکت یادرعلم ولقب و کنیت مشابهت داشته‌اند پهلوی هم»آورده است تااگر خواننده‌را ظن تکراز شخص واحد روی دهد همان لحظه بتواند رفع آن ظن واشتباه کند

گاهی‌مؤلف عقاید شعرا وتذکره نگاران رادرباره مقام ومرتبه اشعار شعرا درذیل‌شرح‌حال آنها آورده‌استمثلا رجوع‌شودبه‌شرح‌حال‌انوری.

در ذیل نام بعضی شعرا طبق رسم تذکره نگاران و مورخین قدیم بجای نوشتن اسم کتاب یا شخص تنها « گویند .. » نوشته مثلارجوع شود بهشرح حال ارجاسپ امیدی رازی‌وقرلباش‌خان‌امید.

درذیل نام اکثر شعرا شرح‌حال‌واشعار منتخب ازآنهارا مختصر آورده‌است. رویهمرفته شرح‌حال مولانارومی (درسه‌صفحه) واشعارعرفی (٩٩٤بیت) را مفصل‌ترازسایرین آورده‌است

ازحیث اطلاعات‌تاریخی راجع‌بزندگانی‌شعرااین کتاب‌دارای اهمیت‌وارزش فراوانی میباشد چون‌درمورد اکثرشعرامؤلف شرح‌حالشان‌رابعدازمقابله وتحقیق ازتذکره‌ها وتواریخ مختلف‌نقل کرده‌است

سبك انشای مؤلف دراکثر مواردساده‌است اما درمقدمه کتاب بنثر مصنوع پرداخته‌است.

نسخ‌خطی

۱ـ برلن ش٦٦٣ [1]

۱ـ درنسخه برلن عبارت زیر بخط اشپرنگر آمده است.

صحف ابراهیم ۱۰ Biographies of 3263 Persin Poets alphabetically arranged by Nawwab Ibrahym Aly Khan, who compiled these notices from

بقیه حاشیه درصفحه‌بعد

۲ـ بانکی‌پور ج ۸ ص ۷۰۸ (این نسخه ناقص است و به میرزا فتح‌الله متخلص به حباب تمام میشود . در فهرست کتابخانه مزبور اسم شاعر آخر عرفی شیرازی آمده‌است اما درمتن نسخه آن شاعر آخر میرزا فتح الله حباب است و عرفی قبل از او آمده‌است).

۳ـ کتابخانه شخصی یکی از رفقای پروفسور سید حسن در پتنه هند

٤ـ کتابفروشی اسدی میدان بهارستان تهران این نسخه ناقص‌الآخر است مشتمل است بر دو جلد . جلد اول با « شیخ ابویزید بسطامی » شروع شده با « میر محمد هاشم متخلص به سنجر کاشی » تمام میشود وجلد دوم با « مخدوم الملک شرف الدین ابن حسن » شروع شده با « (گنج) شکر کازرونی » تمام میشود . جلد اول در اکثر موارد درست است اما در جلد دوم قسمت آخر آن بریده و با کاغذ مومی درست شده اما بعضی کلمات بعلت بریدگی خوانده نمیشود . در این نسخه در بعضی جاها تنها اسم شعرا و اشعار نوشته وجا برای شرح حال خالی گذاشته شده است مثلا رجوع شود به نام حکیم صدرالدین محمود الهی ، ومیر عمادالدین الهی همدانی واما نی همدانی دهلوی وغیره

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به فهرست ریو ص ٦٢٨ــ٦٦٧

بقیه حاشیه از صفحه قبل

72 works at Benaras in 1205 · This is one of the best Tazkiras extant and so rare that I never succeeded to obtain the sight of a copy of it in India - small folio ··· 692pp·written in clear Dywany·
Sprenger

عکسی که از این نسخه در کتابخانه مرکزی تهران موجود است نشان میدهد که این نسخه تنها شرح حال شعرا را دارد واشعار شعرا در آن نسخه ذکر شده است در این نسخه مدار ابوالعلای گنجوی ش ٧٤ شیخ آذری ش ٧٥ یکی از شعرای کتاب حساب شده اما این اشتباه است چون آنجا مؤلف تنها قولی از شیخ آذری نقل کرده نه خود شرح حال و نمونه اشعار آذری

خلاصة الافکار

ابتدا

لآلی منثور سپاس وستایش باستحقاق نثار در من کبریای ناظمی تواندبود که بمحض قدرت کامله گوهر بی‌مانند سخن ومعانی (را) در عقد الفاظ ولسان انسانی کشید وجواهر منظوم نیاز ونیایش ازهمه انفس وآفاق تحفه در گاه صانعی تواند شد که بمجرد امر لطف شامله از رشحات دفاتر لاتعد ولاتحصی (را) مرتب گردانیده.

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب ابوطالب خان تبریزی اصفهانی است که بعضی مانند مؤلف «مفتاح التواریخ» اورالندنی[1] نوشته‌اند واسم پدرش حاجی محمدخان واصل وی ازترکان آذربایجان است پدرمؤلف درعباس آباد اصفهان بدنیا آمد ودرعهد جوانی وارد هندوستان گشته ملازم ابوالمنصورخان وزیر شد وبریاست وفرماندهی جمعی ازلشکریان گشت. بعدازتقرر محمدقلیخان به نیابت صوبه‌داری صوبه (استان) اود بامانت و رفاقت وی معتبر گشت امابعد ازفوت محمد قلی خان مزبور خیلی دلتنگ شده واثاثه واموال وعیال خودرا در لشکرگاه نواب شجاع الدوله درلکهنو نگه داشته باچند نفر علاقه راه بنگال درپیش گرفت ومدتی در آنجا باعتبار واحترام گذرانید وبس قریب بشصت سالگی درشهر مرشد آباد فوت کرد قطعه‌ایکه مؤلف در تاریخ وی دراین کتاب آورده‌است میرساند که پدرش سه روز بعد ازحج درسنه ۱۱۸۲ ه فوت کرده‌است

حد مادری مؤلف ابوالحسن بیک نیز دراصفهان بدنیا آمده و ...

۱ــ بعدازمسافرت مولف بلندن واروپا این نسبت باسم وی اضافه کرده‌اند.

هندوستان‌شد و اینجا درسلك ملازمین برهان‌الملك درآمد واین‌خدمت را با کمال موفقیت انجام میداد اما پس از فوت برهان‌الملك ابوالحسن مزبور دیگر روی بسپاهیگری ولشکر نیاورد.

ابوطالب‌خان در ۱۱۷۶ه درشهرلکنهو هندوستان بدنیا آمد وبعدازمهاجرت پدرش نواب شجاع‌الدوله بعلت نظرلطفی که برپدرش‌داشت بتربیت مؤلف‌پرداخت وکمك هزینه تحصیل برای وی تعیین نمود و هرموقعی بلکنهو میرفت از وی احوالپرسی میکرد و اورا مورد تفقد قرار میداد. مؤلف چهار ساله بود که مادرش از نواب مزبور اجازه گرفته بمرشدآباد نزد شوهر خود رفت اما هنوز سن‌مؤلف‌ازچهارده‌سالگی تجاوزنکرده‌بود که پدرش در۱۱۸۲ه در گذشت‌ودرنتیجه مرگ‌پدر وی کفیل مسئولیت‌های‌سنگین خانواده شد و شش‌سال دیگر در بنگال توقف نمود. وی ازسن ۱۳ الی ۲۰ سالگی در دربار مظفر جنگ مرشد آباد زندگی میکرد.

در اوایل جلوس نواب آصف‌الدوله بهادر (۱۱۸۹ - ۱۲۱۲ ه) والی اود در اواخر ۱۱۸۹ه مؤلف به‌لکنهو رفته دوباره وارد خدمت ملازمت نواب مزبور گشت و بنا برپیشنهاد مختارالدوله (نایب آصف‌الدوله) که از قدیم با وی روابط دوستانه داشت بعضی محالات میان دوآب (گنگا و جمنا) و (فرماندهی) رساله‌ای از لشکر بعهده وی قرار گرفت و سیدزین‌العابدین‌خان که باتفاق وی وارد صوبه (استان) اودشده‌بود بعنوان شریك وهمکار او انتخاب ومأمورشد و موقعیکه سید مزبور علیه حیدربیگ‌خان کابلی قیام کرد مؤلف‌را نیز تاآخر همراه خود داشت و این‌امر وبعضی سوء تفاهم دیگر موجب تغییرنظر وعقیده نواب نسبت بوی‌شد و بعدازسقوط مختارالدوله در۱۱۹۰ ه یك‌نفر دیگر بجای مؤلف مقرر شد و مؤلف بازنشسته‌شد

بعدازفوت سید سابق‌الذکر مؤلف بعنوان یکی از دستیاران سرهنگ هانی[۱]

۱- Col A Hannay

که ازطرف نواب وزیر اود بانتظام محالات سرکار گور کهپور مأمور ودربین مردم برای بدخوئی مشهوربود انتخاب شداما اتفاقاً درمیان مؤلف وسرهنگ‌هانی موافقت تمام روی‌داد و مؤلف سه سال با وی همکاری داشت . دیری نگذشت که سرهنگ مزبور باز بآزار و تعدی بمؤلف بر آمد اما خوشبختانه آقای جاسن[۱] بهادر که ازطرف شرکت هندشرقی (ایست‌اندیا کمپنی) بمعاونت‌پرداخت امور سرکار نواب وزیر اود مأمور بود مؤلفرا تحت حمایت خود گرفته وی را از همکاری سرهنگ نجات داد و سپس مؤلف بفرمان آقای میدلتن[۲] شورش راجه بال بهدراسنگه را فرونشاند . بعدازآن سرهنگ‌هانی ومؤلف باهم آشتی کردند. اما دیری‌نگذشت که سرکار سرهنگ‌مزبور دوباره برفتار معاندانه خود بـر گشت و به‌تأذی مؤلف پرداخت و حتی موجب قطع درآمد قلیلی که از سرکار وزیر عاید میشد گردید. دیگرطاقت‌صبروتحمل‌مؤلف‌طاق‌شدچون‌ازآن‌بیشتر نمیتوانست‌استقامت وپافشاری نماید و دراواسط ۱۲۰۲هـ عازم شهر کلکته شد و برخلاف خواستهٔ سرهنگ مزبور آنجا مورد لطف واحترام عاملین شرکت هندشرقی واقع شد. اما هنوز قضیه وی حل وفصل نشده‌بود که «حیات آن محسن‌خلایق‌بسررسید».

خلاصه بعلت هرج‌ومرج که ازآغاز سن تمیز وشعور دراوضاع‌زندگی‌مؤلف وجودداشت فرصت تحصیل علوم وفضایل نصیب وی نشد اما بمقتضای شوق فطری خود وی غالباً درصحبت افاضل بوده و ازمطالعه کتب غافل نبود

درکلکته مؤلف درخدمت عاملین شرکت‌هندشرقی درآمد وسمت‌های‌مختلف بعهده داشت.در اول رمضان ۱۲۱۳ هـ مطابق ۱۷۹۹ میلادی[۳] مؤلف باتفاق سروان

۱- Mr Johnson

۲- Mr. Middleton نماینده سیاسی سلطنت‌انگلیس درسرکار اود(لکهنو)

۳- در «مفتاح‌التواریخ» (ص۳۷٤) بجای سنهٔ هزارودویست وسیزده اشتباهاً سنه هزاروهشتصدونودونه ذکر شده است

ریچاردسن[1] بمسافرت اروپا رفت و در ۱۵ ربیع‌الاول ۱۲۱۸ه بعد از پنج سال اقامت در اروپا بهند مراجعت کرد و وارد کلکته شد. مؤلف شرح مفصل این مسافرت را در کتاب «مسیر طالبی فی بلاد افرنجی» که در ۱۲۱۹ه باتمام رسید داده است

مؤلف در ۱۲۲۰ه در لکهنو بدرود حیات گفت. بیل در «منتخب التواریخ» (ص ۵–۳۷٤) دوقطعه تاریخ فوت ابوطالب خان را که وی بفرمایش میرزا یوسف باقر پسر ابوطالب گفته است نقل کرده است و یکی از آنها بقرار زیر است،

رخت سفر چو بست ابوطالب ازجهان   هوش و حواس عالمیان از دماغ رفت
هاتف ز غیب بادل افگار ناگهان   از بهر سال فوت دو صد بار آه گفت

(چون عدد «دل افگار» که «ك» است به عدد دوصد بار آه (= ۲۰۰ × ٦ = ۱۲۰۰) جمع کنیم عدد ۱۲۲۰ بدست می‌آید که سال وفات ابوطالب خان میباشد)

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدینقرار است

۱– دیوان فارسی – برای نسخهٔ آن رجوع شود به بادلین ۱۹۹٤

۲– اشعار میرزا ابوطالب که با ترجمه انگلیسی بوسیله سوئتن[2] در ۱۸۰۷م در لندن چاپ شده است.

۳– مثنوی سرور افزا در تعریف لندن برای نسخه آن رجوع شود بفهرست ادبرگ ش ۳۲٤

٤– معراج التوحید – کتابیست بنثر جمع نکات شمسی با شرح آن بنثر که مؤلف در ۱۲۱۹ه تألیف و بنام ابوالفتح سلطان محمد صفوی عنوان کرده است برای نسخهٔ آن رجوع شود بفهرست ادبرگ ش ۹۳

۵– مجموعه رسائل در (۱) – علم اخلاق (۲) مصطلحات موسیقی (۳) – علم عروض وقافیه (٤) – فنون خمسه (۵) – لب السیر وجهان‌نما این پنج رساله در آخر

۱– Captain Richardson

۲– G. Swinton

بعضی از نسخ تذکرهٔ خلاصة الافکار ضمیمه شده است (مثلا رجوع شود به نسخهٔ ملک تهران) برای شرح رساله «لب السیر و جهان نما» رجوع شود به تاریخ هند ایلیات و دوسن (انگلیسی) ج ۸ ص ۲۹۸ـ ۳۰ ، این رساله را مؤلف بنام آصف الدوله نوشته است و آن مشتملست برچهار باب درباره (۱) رسول (۲) خلفا (۳) فلاسفه و اصحاب رسول و فضلاء و شعرا وغیره (٤) خاندان ها که معاصر رسول بودند یا بعد از او (در بعضی نقاط دنیا) سلطنت میکرده اند برای نسخ این رساله رجوع شود به اته ش ٦٤٦ برگ ۳۹٦ـ۴۷۳ (که در آخر خلاصة افکار ضمیمه شده و این نسخه را سوئتون استنساخ و خود مؤلف در ۱۸۰٤ م آنرا تصحیح نموده است) و ش ٦۹۷ برگ ۳۲۲ـ ۳۹۰ (تاریخ ندارد) و بادلین ش ۳۹۱ (به خلاصة الافکار ضمیمه شده است مورخ ۱۲۱۰ ھ) و آصفیه ج ۳ ص ۹۸ ش ۱۳۱۲ (مورخ ۱۲۲۰ ھ) و ریو ج ۳ ص ۸۹۵ ب (تنها مقدمه و فصل ۸ از باب ٤ درباره هند دارد ـ مورخ ۱۸۵۰ م) ریو تکلمه ش ۱۱٦ (۲) (اوایل قرن ۱۹ میلادی) و ملک تهران (س فیش ۴۳۰۳) .

٦ـ مسیر طالبی در بلاد افرنجی ـ کتابیست بفارسی راجع بشرح مسافرت مؤلف باروپا ـ برای نسخ آن رجوع شود به ریو ج ۱ ص ۳۸٤ الف (مورخ ۱۲۲۱ ھ) و ۳٤۸ـ تنها ج ۳ دارد ـ اوایل قرن ۱۹ م) بادلین س ۱۸۰۵ (۱۲۲۲ ھ) بلوشه ج ۱ ش ٦٤۷ (۱۲۲۸ ھ) و علیگره ذخیره سبحان الله ص ۵۷ س ۱ و آصفیه ج ۲ ص ۸۳٦ س ۲۹ و بانکی پور ج ۷ س ٦۲۷ و براون نسخ فرسی ش ۱۱٦ (کمتر از نصف کتاب) و ادسرگ ش ۹۰ و اته ش ۲۷۲۷ و مدراس س ٤٤۹ و رویال ایشیاتك سوسایتی ص ۱۷۷ ـ **چاپ** کلکته ۱۸۱۲ میلادی **ترجمه بانگلیسی** چاپ لندن ۱۸۱۰ م و باضافه ها ۱۸۱٤ م و **ترجمه بفرانسه** چاپ پاریس ۱۸۱۱ م و ۱۸۱۹ م و **ترجمه بآلمانی** چاپ وین ۱۸۱۳ م و **ترجمه باردو** بوسیله میرزا صدر محرورین مرادآبادی چاپ مرادآباد (تنها قسمت اول) و **خلاصه بانگلیسی** چاپ کلکته ۱۸۲۷ م و ۱۸۳٦ م این خلاصه را اصلا داوید ماکفرلن David Macfarlane ترتیب داده است . برای نسخه آن رجوع شود به درلن ۳۵۸

۷ــ تفضیح‌الغافلین ــ تاریخ عصر آصف‌الدوله (۱۷۷۵ــ۱۷۹۷م) بفرمایش کاپیتان ریچاردسن در ۱۲۱۱هـ تألیف کرد اما هیچ‌نسخه‌ای از آن امروز پیدا نیست. ترجمه انگلیسی آن در ۱۸۸۵م در اله‌آباد چاپ‌شده‌است بعنوان زیر:

History of Asafud Daula ····· being translation of "Tafzihul Ghafilin"····· compiled by Abu Talib····· and translated by W. Hoey – Allahabad, 1885.

۸ــ خلاصة‌الافکار ــ تذکره مورد بحث.

غیر از تألیف کتب فوق مؤلف تصحیح وهمکاری در انتشار کتبی مانند کلیات خواجه حافظ وشیخ سعدی وغیره نیز داشته است چنانکه درذیل نام خواجه حافظ مینویسد مستر جانسن در آغاز ۱۲۰۲هـ خواست که بعضی کتب مشهوره اسلامی که بتصحیف کاتبات وخطاطان درشرف تضییع است بطرز چاپ فرنگ انتشار دهد واهتمام این کار را به مؤلف محول کرد ومبلغی برای این کار مخصوص کرد مؤلف دیوان خواجه حافظ را از ده دوازده نسخه تصحیح نمرده وبالاخره در ۱۲۰٦هـ از انتشار آن فراغت حاصل نمود واز این دیوان قریب به ۱۲۰۰ جلد چاپ شد وقیمت ششصد نسخه از آن که با کاغذ فرنگی چاپ شده بود یك اشرفی یعنی شانزده روپیه وششصد دیگر که با کاغذ هندی چاپ شده بود قیمت آن هشت روپیه بود وحروف آن بخط نستعلیق بود. (همچنین رجوع شود به «خلاصة‌الافکار» شرح حال سعدی)

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در سال ۱۲۰٦هـ شروع ودر ۱۲۰۷هـ باتمام[۱] رسانیده است در دیباچه این کتاب قطعه آورده است که آغاز واتمام تألیف این کتاب را

۱ــ بلاند سال ۱۲۰۷هـ بطور آغاز تالیف و ۱۲۱۱هـ را سال اتمام این کتاب ذکر کرده است (ر ك، بلاند ص ۱۵۳ــ۱۵۸)

بیخار و گنج بی‌رنج» است — سال اتمام این خجسته‌نگار (= ۱۲۰۷هـ)
ور تو از مدأش بخواهی گو — «جمع یکجا خلاصة الافکار» (= ۱۲۰۶هـ)

درمورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه چنین توصیح داده‌است که مؤلف ازاوایل عمر تاموقع تألیف کتاب در۱۲۰۶هـ که چهل ساله بود بسیاری از کتابها را مطالعه کرده وچون بشعر خیلی علاقه داشت از مدتی تصمیم گرفته بود که تذکره‌ای ازشعرای متقدم ومتأخر تألیف کند که مورد پسند خاطر مردم باشد وباوجود مصر ... گرفتاری زیادی این فکر را ازدست نداده وهمواره مشغول جمع آوری مواد برای این کتاب بوده وازهر کتابی که مطالعه میکرد اشعاری انتخاب میکرد تااینکه در۱۲۰۲هـ ازلکهنو به کلکته رفت و آنجا بامیر محمدحسین که اخیراً ازحیدرآباد دکن بآنجا رفته بود برخورد کرد. در آن ایام مؤلف تذکره واله (ریاض الشعرا) رامطالعه میکرد میرمحمدحسین مزبور ازاوی خواهش کرد که تذکره واله راخلاصه کند وبنابر فرمایش اومؤلف آنچه نامناسب بود از آن تذکره ساقط کرده و دیباچه‌ای درابتدا و ذکر چند نفر ازمعاصرین را درخاتمه آن افزود وبدین ترتیب نسبت بسابق خیلی خلاصه شده و کتابی جدید بنظر میآمد اماچنانکه مؤلف میخواست صورت نبست. بنابراین «خیال کهن در زمین دل بیخ گرفته باعث بر تحریر این اوراق گشت» مؤلف از بیست و پنج سال مواد این کتاب را جمع آوری مینمود و بنابراین دیری نگذشت که این کتاب بانجام رسید

مؤلف اسم منابع خود را هیچ جا ذکر نکرده است اما از متن کتاب معلوم میشود که وی از تذکره علیقلی خان واله (ریاض الشعرا) وسرو آزاد ومآثر الکرام وتذکره های مشهور دیگر استفاده کرده است واز تذکره ریاض الشعرا ازهمه بیشتر مطالب را نقل کرده است و آن کتاب را اساس تذکره خود قرار داده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکر شعرای متقدم ومتأخر ومعاصر مؤلف بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص شعر وشامل مقدمه وبیست وهشت حدیقه (هر حدیقه برای یک حرف) ویک ذیل وخاتمه که مجموعاً سی و یک حرف ومیشود وبیست وهشت

حدیقه آن مشتمل است بر ذکر سیصد و نه شاعر و ذیل بر صدو پنجاه و نه[1] شاعر و خاتمه بر ذکر خود مؤلف و بیست و سه شاعر معاصر و بدین ترتیب تعداد کل شعرای مذکور این تذکره بالغ به چهارصد و نود و دو[2] (با ضمام ذکر خود مؤلف) میشود. قسمت بیست و هشت حدیقه با «ابوسعید ابوالخیر» شروع شده با «محمد یوسف حربادقانی» تمام میشود و ذیل با «ادهم کاشی» شروع شده با «یحیی» تمام میشود و خاتمه با «میرمحمدحسین» شروع شده با «ابوطالب اصفهانی» (مؤلف) تمام میشود

درمقدمهٔ کتاب مؤلف بر اصل و ابتدای شعر و تطور کامل این هنر تا قرن دوازدهم هجری بحث کرده وسپس اقسام شعر و شرایط تذکره نگاری را آورده است.

ذیل کتاب مشتمل است بر ذکر ۱۵۹ شاعر که احوال آنها «درحین تحریر اوراق چنانچه باید بوضوح نپیوست و دواوین ایشان هم حاضر نبود و بیشتری از ایشان صاحب دیوان نیستند لهذا فقط به ذکر اسامی و ثبت قلیل اشعار ایشان از روی تذکره ها اکتفا کرده» و خاتمه کتاب مشتمل است بر ذکر بیست و سه شاعر معاصر مؤلف و ابوطالب خان (مؤلف)

مزایا و مختصات این تذکره بقرار زیر است

۱ـ در این کتاب مؤلف از همهٔ اقسام شعر و نثر انتخاب آورده است و در ذیل نام هر ... نثر آورده است) (تنها در صورتیکه مؤلف

از او انتخاب نثر آورده است) و سپس قصاید و غزلیات و قطعه و ترجیع الغزل (ترجیع بند) و ترکیب بند و مربع و مخمس ومسدس و غیره وسپس رباعیات ومثنویات و بعد از این اشعار مصنوع و مراثی و هزل و هجو را بترتیب الفبا آورده است اما در ذیل نام بعضی شعرا انتخاب اشعار آنها را از یك دو نوع آورده است و هرگاه بعضی اقسام شعر قابل انتخاب نبود آن را حذف نموده است.

۱ـ استوری ۱۶۰

۲ـ استوری درحدود ٤۹٤ و بلاند ٤۹۱

۲ ـ تعداد اشعار منتخب در این تذکره خیلی زیاد است و گاهی در ذیل نام بعضی شعرا بچهارصد حتی بهفتصد بالغ میشود و بنابر این خواننده احتیاج بداشتن این کتب که از آن مؤلف انتخاب نموده است ندارد .

۳ ـ از تنوع و کثرت اشعار منتخب خواننده میتواند رتبه و پایه شاعر را درك نماید.

٤ ـ مؤلف در جمع آوری مطالب این تذکره خیلی زحمت کشیده و اطلاعات مهمی راجع به زندگانی شعراء را از کتب تذکره و تاریخ بدست آورده و خلاصهٔ آنرا در این کتاب درج نموده است .

٥ ـ مؤلف این کتابرا بعد از زحمت بیست و پنج ساله تألیف نموده و در طی این مدت همواره در محتویات آن مکرر تامل نظر کرده و همچنین انتخاب اقسام نثر و نظم آنرا چندین دفعه تغییر داده و بعضی قسمتهای آنرا حذف یا اضافه نموده است

٦ ـ مؤلف اکثر اشعار را خودش از دیوان شعرا انتخاب نموده است وحتی کتبی مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و سبعه مولانا جامی و کلیات خاقانی وغیره را خودش چندین بار مطالعه نموده و اشعار نغز را از آن انتخاب نموده است

۷ ـ در ابتدای کتاب فهرست بسیار مفصلی آورده است که در آن غیر از اسامی شعرا تعداد اقسام نثر و ابیات نظم را زیر ذکر نموده است همچنین در هر حدیقه در ذیل اسم هر شاعر تعداد ابیات را با اقسام شعر ذکر نموده است که در هیچ تذکره دیگر دیده نشده است از این فهرستها معلوم میشود که عده کل اشعار منتخب این تذکره متجاوز از بیست و پنج هزار و پانصد بیت میباشد

در ذیل نام شعرای زیر انتخابی از آثار منثورشان را آورده است

۱ ـ رساله‌ای از شیخ حزین در شرح بعضی ابیات حکیم خاقانی

۲ ـ انتخابی از گلستان سعدی

۳ ـ یك رقعه از « منشآت » و یك (جزو) نثر از وقایع حیدر آباد نعمت خان عالی

٤ ـ شاگردهٔ رقعه از رقعات عالمگیری
٥ ـ رساله‌ای درصنایع شعر بنام خلاصة البدیع ازمیرشمس الدین فقیردهلوی.
٦ ـ یك جزونثر ازمنشآت تاریخ نادری میرزامهدی خان کوکب .
٧ ـ یك (جزو) نثر ازمنشآت ابوالحنان میرزا رفیع واعظ قزوینی .
٨ ـ پنج رساله ازتألیفات خود بقرارزیر .
(١) ـ رساله‌ای درعلم اخلاق (درحدود ٣صفحه) و
(٢) ـ رساله درمصطلحات موسیقی شامل ذکر نغمات قریش وهند(در٣صفحه).
(٣) ـ رساله درعلم عروض وقافیه دردوباب (درده صفحه)
(٤) ـ رساله مختصردرفنون خمسه طب درپنج جلد (در٢٩ صفحه)
(٥) ـ لب السیروجهان نما (تألیف١٢٠٨هـ) شامل ذکربعضی وقایع مهم تاریخ ازقدیم تازمان مؤلف باضمام تاریخ مختصر اروپا وذکر « اسیاء و سلاطین و سایر مشاهیر طوایف امام واحوال بلادوآغاربنای هریك تازمان تحریر». این رساله بسیار مفید وجامع است ومؤلف مطالب آنرا ازصدها کتاب خلاصه و جمع آوری نموده است و در تدوین این رساله خیلی زحمت کشیده است این رساله مشتمل است بر١٠٣ صفحه بزرگ .

درذیل نام اورنگزیب تنها١٦ رقعه از اونقل کرده است و درباره اینکه چرا وی شعر نگفت چنین مینویسد · «سبب تقوی ومتانت مزاج ازمبادرت شعرحتی سماع آنهم پرهیز میفرماید »

همچنین درذیل نام میرزامهدی کوکب نیزتنها انتخاب نثرازمنشآت تاریخ نادری او آورده است

شرح حال اکثر شعرا رادریك دوسطروحتی شرح حال بعضی شعرای معروف مانندابوالفرج رونی وادیب صابر وانوری واثیرالدین احسیکتی واوحدی مراغه‌ای واوحدی کرمانی وعنی کشمیری ، مجیر بیلقانی ومنوچهری و غیره را هم در دوسطر غالبا سال وفات و گاهی اسم آثارشان را ذکر نموده است . ولی

درخاتمه کتاب شرح حال اکثرشعراء رامفصل آورده‌است چون اکثرشان دوستان وآشنای مؤلف بودند .

رویهم‌رفته‌شرح‌حال اورنگزیب عالمگیر (قریب‌به‌یك صفحه) ومیرزا مهدی خان کوکب (دریك‌صفحه) ازهمه مفصل‌تر آورده است .

انتخاب اشعارا کثرشعرارا مفصل آورده‌است مخصوصاً درذیل نام‌شعرای زیر اشعارشان را ازسایرین مفصل‌تر آورده‌است

انوری : درحدود ٤٥٠ بیت جامی . هزاربیت خاقانی : ٧٥٠ بیت
خسرو : « ٩٥٠ « سعدی ٥٥٠ « سلمان‌ساوجی: ٦٥٠ «
شفائی : « ٥٠٠ « عرفی . ٤٥٠ « فردوسی ٧٠٠ «
کمال‌الدین‌اسماعیل « ٧٥٠ « مولانارومی ١٠٠٠ « نظامی ٥٠٠ «
وحشی یزدی ٣٥٠ «

مؤلف به «ماده تاریخ گوئی» خیلی علاقه‌داشته است چنانکه‌خودش‌درمقدمه هفده قطعهٔ «درتاریخ» تألیف این کتاب آورده وهمچنین‌ماده‌تاریخ فوت شعرای زیر راکه دیگران گفته‌اند نیز نقل کرده است . ماده تاریخ فوت بهاءالدین عاملی و بیدل ونظیری .

درذیل نام نعمت‌خان عالی لغات مشکل قطعه وی را که درهجو گفته شرح

درذیل نام بیدل وخسرو نوشته است که آنها درخارج‌ازهند متولدشده ودرهند «نشوونما» یافتند که محققاً اشتباه است امادرذیل نام مسعودسعدسلمان مینویسد : «درمولداو اختلاف کرده‌اند اما آنچه بتحقیق‌رسیده (و) از کلامش‌بوضوح‌میپیوندد (مولداو) لاهوراست» واین‌قول‌مؤلف طبق‌مدارك تاریخی‌صحیح‌است

مؤلف درباره مردم‌هندعقیده خوبی‌نداشته وآنهارا درذیل «آزاد بلگرامی «دهقان» نوشته‌است وبربعضی‌اقوال آزاد بلگرامی انتقادبسیارتندوتیزی کرده‌است (رجوع‌شود به‌پایان شرح حال‌آزاد درذیل « ید بیضا » دراین کتاب که آنجا اصل

عبارت ازمؤلف نقل شده است) .

سبك انشای مولف

سبك انشای مؤلف ساده و غیر مصنوع است اما در مقدمه گاهی بنثر مصنوع پرداخته است همچنین درذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصنوع درمعنی « فوت شد » آورده است چنانکه در ذیل نام آرزو مینویسد : « درسنه ۱۰٦۹ رایت عزیمت بعالم آخرت برافراخت »

در ذیل نام حباب مینویسد : « بالآخر باتش قهر ان قهرمان جهان آتش خرمن عمرش سوخته گشته بجهان دیگر خرامید ».

در ذیل نام بنای هروی مینویسند : « فی سنه نهصد و دو بنای قصرحیاتش انهدام یافت»

گاهی کلمات اردو رابکار برده است مانند چاپه (بمعنی چاپ) وچهاپه خانه (بمعنی چاپخانه) وچهاپه گران (چاپ کنندگان) (رجوع شود بنام حافظ وسعدی).

رویهم رفته این کتاب ازحیث جامعیت مطالب که مؤلف درعین اختصار وایجاز از کتب معتبر دیگر جمع آوری نموده وهمچنین اصالت و خوبی انتخاب اشعار که غالباً مؤلف خودش از دواوین شعرا انتخاب نموده این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره‌های فارسی حساب کرد

نسخ خطی

۱ ـ کتابخانه ملك تهران ش ٤٣٠٣ این نسخه مذهب ومزین مورخ ۲۵ رجب ۱۲٤۰ هـ بقلم میرزا محمد کاظم شهیر به آقاسی نقاش است مشتمل بر ۳۸۷ برگ و صفحه‌ای ۲۵ سطر میباشد .

۲ـ دانشگاه لاهور

۳ اشپرنگر ش ۳٤

٤ـ بادلیی ۳۹۱ (۱۲۲۰ هـ)

۵ـ بانکی پور ج ۸ ش ۷۱۲ (سرلوحه در آخر کتاب ندارد مورخ قرن ۱۹ م)

۶ــ ریوح۱ص۳۷۸ب(حیلی ناقص استمورخ اوایل قرن۱۹م)ج ۳ ص۱۰۰۳ب (تنها اشعار دارد مورخ قریب‌به ۱۸۵۰ م).

۷ــ اتەش ۶۹۶ (بخط سوتتن که قبل اراعرام او بهند ابوطالب اورادرلندن فارسی تدریس‌میکرد . رحوع‌شودبه اته‌ستون ۸ــ۳۵۷. این‌نسخه‌را ابوطالب مؤلف در۱۸۰۴م/ ۱۲۱۹ه تصحیح کرده‌است) وش۶۹۷ (چهاررساله اول که‌درحاتمه کتاب آمده‌است‌ندارد).

برای **شرح‌حال مؤلف** رحوع‌شود به‌مفتاح‌التواریخ ص۵ ــ۳۷۴ وتاریخ هند انگلیسی)ارایلیات ودوس حلد۸ ص۹ــ۲۹۸ وریو ح ۱ ص ۳۷۸ ودایرةالمعارف اسلام تحت‌نام ابوطالب‌حان وحلاصةالافکار (حاتمه) واستوری ص۳ــ۱۴۴ومیشود: «تراجم حهانی» ح ۱ ص۸۵ ــ ۷ وفهرست کتابحانه ادببرگ ش ۹۰ .

فهرست‌اسامی شعرا رحوع سود به بادلیس ستونهای ۳۰۲ــ۳۱۵ فهرست ۴۹۴ شاعر)

تذکر ــدرنسحه «سروزافرا» متعلق بکتابخانه ادبرگ تمثال مؤلف هسم آمده‌است که برای«محله»(European Magazine) کشیده شده‌است.

تذکره نوبهار

ابتدا

«الحمدلله الذی علم‌الانسان مالم یعلم وصلی‌الله علی حیر خلقه محمد وآله وصحبه‌سلم»

۱-Michaud: Biographie Universelle , Paris , 1843, pp.85 -۷۰

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب محمدرفیع الدین واسم پدرش محمدشمس الدین است. وی بسلسله نقشبندیه قادریه مسلك بود وروزپنجشنبه بعدازنماز صبح نوزدهم جمادالثانی سنه یکهزارو یکصدوشصت وچهار (١١٦٤) هجری درقصبه قندهار ازتوابع صوبه (استان) محمدآبادسرکار نادر[1] متولد شدوچندی بعد ازآنجا به حیدرآباد دکن هندوستان مهاجرت نمودودرآنجا بسال ١٢٦١ ه فوت کرد[2].

مؤلف این کتاب‌را بسال ١٢٢٦ ه تألیف نموده است و راجع به سبب تألیف درديباچه چنین توضیح میدهد: «فقیر(مؤلف)... بپاس خاطر بعضی عزیزان مشتاق که خاطرایشان عزیز بودتذکره درذکرشعرائی که چاشنی عرفان بمذاق ایشان رسیده بطریق انتخاب مع تراجم آنها ازابتدای شعرکه بپاش میآیدتاالغایت تحریر این رساله که یکهزار ودوصد (دویست) وشانزده هجریست بقیدقلم می آرد».

مؤلف اسم مآخذ ومنابع کتاب‌رادردیباچه یا خاتمه کتاب نیاورده ولی در ذیل شرح حال شعرا اسم کتابهای زیررا ذکر کرده است که درتألیف این کتاب مورداستفاده وی قرار گرفته است

١ــ تاریخ فرشته ــ رجوع شودبه نام حافظ
٢ــ حبیب السیر ــ رجوع شود به نام حافظ
٣ــ مرآة الصفا ــ » حافظوشوکت
٤ــ ذخیرة الخواقین ــ رجوع شود به نام عرفی
٥ــ شاهجهان نامه ملاعبدالحمید لاهوری ــ رجوع شود به نام یحیی کاشی.
٦ــ نفحات الانس جامی ــ رجوع شودبه نام حسن دهلوی .
٧ــ مجمع النفایس آرزو ــ رجوع شود بنام تراب و میرحیدر تهرانی
٨ تذکره دولتشاه ــ رجوع شود به نام بدرجاجرمی .

١ــ نباید ادعا کرد که این نادرافغان غیرازنادرشاه ایرانی است .
٢ــ ر.ك. استوری ج ١ ص ٨٨٠

۹ـ ریاض الشعرای والهداغستانی رجوع بشوکت بخاری .

۱۰ـ سفینه بیخبر ـ رجوع شود بنام علی سرهندی .

۱۱ـ مجمع الفضلای ملانقائی ـ رجوع شود بهلالی استرآبادی.

۱۲ـ تذکره ناظم تبریزی رجوع شود بمحتشم کاشی .

۱۳ـ تذکره حزین ـ « « شوکت بخاری .

مؤلف در دیباچه کتاب درباره اقسام شعر و نظم و ابتدای شعر فارسی و جواز شعر گوئی از قرآن و حدیث و اوزان شعر فارسی بحث کرده است

این تذکره مختصریست که شش صد و یك[1] شاعر متقدم و متأخر را بترتیب الفبائی از روی حرف اول اسم یا تخلص آنها ذکر نموده است و با «شیخ اوحدالدین کرمانی» شروع شده با «یحیی کاشی» تمام میشود بقول مؤلف این شعرا کسانی هستند که «چاشنی عرفان بمذاق جان ایشان رسیده» اما جالب اینست که خاقانی و سعدی و فردوسی و نظامی گنجوی را از متقدمین در گروه این «عرفا» آورده است اما سنائی و عطار و رومی و جامی را ذکر نکرده است

ذکر میرزضی رضوی را در ردیف «دال» بجای «را» و میر عبدالقادر مهمان را در ردیف «دال» بجای «میم» آورده است و تخلص نعمت خان عالی را بجای عالی «علی» نوشته است و تخلص صائب و کلیم را اصلا ننوشته است

اشعار و شرح حال اکثر شعراء را مختصر آورده است و تنها اشعار و احوال شعرای زیر را مفصل آورده است

شیخ آذری و ادهم کاشی و آصفجاه و حافظ و حزین و حاکم و امیر خسرو و حسن سجزی و شیخ سعدی و شهدی قمی و شوکت بخاری و صائب و عرفی و علی سرهندی و علی (عالی) و فردوسی و سید فریدالدین و محتشم کاشی و هلالی استرآبادی و یحیی کاشی.

روی همرفته شرح حال شعرای زیر را مفصل تر از همه آورده است.

شیخ آذری و حافظ و شیخ سعدی (هر کدام در ۲ص) و آصفجاه (در ۳ص)

۱ـ استوری ۵۷ شاعر (ر.ك استوری ج ۱ ق ۲ ص ۸۸۰)

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٧٧٠

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٥ـ بیدل	١٦ـ بلیغ مولوی قدرت‌اله
١٧ـ تراب میرزا ابوتراب	١٨ـ ثبات محمدعظیم.

١٩ـ مولانا جمال‌الدین معاصر سلطان محمد بن تغلق‌شاه ٢٠ـ شیخ جمالی دهلوی

٢١ـ حافظ شیرازی	٢٢ـ حزین
٢٣ـ حاکم	٢٤ـ خاقانی
٢٥ـ امیرخسرو	٢٦ـ حسن سنجری
٣٧ـ میررضی رضوی	٢٨ـ نواب درگاه قلی‌خان
٢٩ـ ذکا میراولاد	٣٠ـ میرعبدالقادر مهربان
٣٢ رفیع قزوینی	٣٢ـ رافت
٣٣ـ محمد رفیع الدین (مؤلف)	٣٤ـ شیخ سعدی
٣٥ـ شهیدی قمی	٣٦ـ شریف تبریزی
٣٧ـ شوکت بخاری	٣٨ـ شاعر بلگرامی
٣٩ـ صائب	٤٠ـ میرصیدی تهرانی
٤١ـ نواب صمصام الملك	٤٢ـ طهوری
٤٣ـ عرفی شیرازی (م ٩٩٩هـ)	٤٤ـ علی سرهندی
٤٥ـ علی (عالی) شیرازی	٤٦ـ عاقل شاهجهان آبادی
٤٧ـ غیرت	٤٨ـ فردوسی
٤٩ـ قدسی مشهدی	٥٠ـ سید فریدالدین اورنگ‌آبادی
٥١ـ کاهی	٥٢ـ کلیم
٥٣ـ لسانی شیرازی	٥٤ـ محتشم کاشی
٥٥ـ میرزا معزالدین	٥٦ـ شیخ نظامی گنجوی

١ـ اسم این شاعر بعلت پوسیدگی و کرم‌خوردگی کاغذ خوانده نمیشود.

۵۹ـ واقف بتالوی	۶۰ـ هلالی استرآبادی
۶۱ـ هلالی همدانی	۶۲ـ یحیی کاشی

مخزن الغرایب

ابتدا

«گوهر الفاظ فصاحت بیان و لآلی معانی بلاغت توامان شایسته رشته حمد خداوندیست که عروس زیبای سخن موزون را بمعجر جواهر نگار مضمون تـازهٔ دلفریب زیب غرفه حسن وجمال میسازد».

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب شیخ احمد علی هاشمی سندیلوی است واسم پدرش شیخ غلام محمد بن مولوی محمد حاجی است مؤلف درحدود ۱۱۶۴ﻫ درسندیله بدنیا آمد (و سندیله شهریست در ۳۲ میلی شمال غربی لکهنو) چـون درمقدمه «مخزن الغرایب» (تألیف ۱۲۱۸ﻫ) مینویسد که وی این کتاب را سن پنجاه وچهارسالگی تألیف کرده است. بعلت ناسزگاری و مشوش بودن وضع اقتصادی پدر مؤلف مجبور شد از کودکی خانه پدررا ترك گفته درتلاش معاش بغربت بیافتد و بالاخره نواب عزت الله میرزا حسن سهراب جنگ بن میرزا محمد محسن برادر بزرگ نواب صفدرجنگ (نواب وزیر اود متوفی در ۱۱۶۷ﻫ) مؤلف را به نواب ذوالفقارالدوله میرزا نجف خان بهادر غالب جنگ[1] معرفی کرد ومؤلف براثر بعود نواب عزت الله

۱ـ ر ك ذیل تحت نام «نجف خان»

«Oriental Biographical Dictionary» – Beale

مزبوروارد رساله [1] (لشکر) شاه عالم (۱۱۷۳ـ۱۲۲۱ه) شد.

بعدازمرگ نجف خان کـه در۱۱۹۶ه در زمـان قتل وغارت اهالی دهلی روی داد احمد علی‌ازصحبت ایرانیهائی که از خراسان وعراق وفارس آمده بودند استفاده میکرد وهمین صحبت فضلای ایران دروی علاقه بشعرفارسی‌ایجاد نمودو سپس مؤلف به جمع‌آوری اشعارفارسی پرداخت وبالاخره درنتیجه تشویق استـاد وی‌میرزامحمد حسن‌قتیل‌احمد علی‌تصمیم گرفت تذکره‌ای بنام «مخزن‌الغرایب» بنویسد بقیه شرح حال مؤلف بدست نیامد

تبصره‌بر کتاب

مؤلف این کتاب رابسال ۱۲۱۸ه تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر کـه درخاتمه کتاب آورده است میرساند .

این تذکره ازلطف قدیرقیوم	گردید بمخزن الغرایب موسوم
تاریخ‌تمامیش‌مراشد درخواب	«ختم صحف»از هاتف غیبی معلوم
	(=۱۲۱۸ه)

درمورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توصیح داده است که وی ازسن‌سیزده‌وچهارده سالگی‌تازمان‌تألیف کتاب که پنجاه‌وچهارسال‌ازعمروی گذشته بود عملاً اشعارغزل واقسام دیگرشعررا خوانده وشب وروزمشغول مطالعه دواوین شعرا بود وچون دراول خوب فارسی بلد بود هرموقعیکه بدهلی میرفت بامردم خراسان وفارس تماس داشته ازصحبت آنها استفاده مینمود تابالاخره تااندازه‌ای‌این زبان رایاد گرفته واکثراشعارشعرای خراسان وعراق و فارس راکـه وی میشنید برپاره‌های‌کاغذ جدا جدا مینوشت . سرانجام مؤلف میخواست ازاین اشعارجنگی ترتیب دهداما استاد وی میرزا محمد حسن‌متخلص‌به قتیل باوتوصیه کرد که‌چون وی‌اشعاری ازاقسام مختلف شعرجمع‌آوری نموده بنابراین باید تذکره‌ای‌بترتیب الفبا بنویسد دخواننده شعرهر کدام شعررا بخواهد بتواند بآسانی آنـرا دراین

۱ـ «رساله» ازتقسیمات نظامی است مانند هنگ وگردان .

کتب پیدا کند و بنا برخواهش استادحود مؤلف «این جواهرزواهر» را ترتیب الفبا «دررشته تحریر کشید».

مؤلف اسم کتابهای زیررادرمقدمه کتاب ذکر نموده است که بنا بر قول خودش اکثراشعاراین کتاب رااراین مآخذ نقل کرده است همچنین در نقل شرح حال شعرا نیزازاین کتابها استفاده کرده‌است.

۱ـ تذکره عوفی ۲ـ تذکره دولتشاه سمرقندی

۳ـ مجالس العشاق ۴ـ تذکره (مجالس النفایس)امیرعلیشیر

۵ـ تذکره (نفحات الأنس)جامی ۶ـ تذکره میرزا محمد صائب

۷ـ تذکره سام میرزا ۸ـ تاریخ بداونی

۹ـ طبقات اکبری ۱۰ـ مجمع النفایس

۱۱ـ تاریخ فیروزشاهی ۱۲ـ تذکره تقی‌اوحدی (کعبه عرفان)

۱۳ ـ تذکره نصرآبادی ۱۴ـ هفت اقلیم

۱۵ـ تذکره لذت‌النساء[1] ۱۶ـتذکره(مرآت‌الخیال) شیرخان‌لودی‌افغان

۱۷ـ ۱۹ ـ بیاض های میرزا معز فطرت ودارا شکوه و محمد اکبر بن اورنگزیب

۲۰ تذکره المعاصرین حزین

۲۱ـ تذکره عقیلی‌خان عباسی (واله)

۲۲ـتذکره (نفایس المآثر) علاءالدوله[2]

این کتاب مشتمل است بر ذکر۳۱۴۸ شاعر متقدم ومتأخر بترتیب الفبا از روی حرف اول‌اسم یاتخلص آنها و ازحیث تعداد شعرا دومین جامع ترین‌تذکره

۱ـ تذکره‌ای باین نام نداریم ظاهراً این اشتباه کاتبست که بجای «تذکرة‌النساء» تذکره «لذت النسا» نوشته است

۲ـ ر ک اشپرنگرج۲ش ۲ص ۱٤٦ درذیل شماره ۱۳

فارسی است[۱] .این کتاب باد ابوسعیدابوالخیر مشروع وبا « یوسف بیگ بخارائی» تمام میشود بقول اشپرنگر مؤلف این کتاب را بنام صعدر جنگ (متوفی در ۱۱۶۷هـ) نوشته است[۲] . اما این درست نیست چون سال تألیف این کتاب ۱۲۱۸هـ

مؤلف در این کتاب «اشعار عاشقانه موصاف وروان وقریب الفهم وسهل ممتنع» را انتخاب کرده است ودردیل هر حرف اول شعرای متقدم را ذکر نموده وسپس متأخرین و معاصرین را آورده است.

مؤلف در دیباچه مینویسد که وی میخواست اشعار شعرای مقتدم را در این کتاب نقل بکند چون مردم زمان وی ازشعر شعرای متقدم خوششان نمی‌آمد و پی بردن بمطالب ومعانی آن خیلی مشکل بود اما درهر حال نمیخواست اصلا از نقل این اشعار صرفنظر کند

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را خیلی مختصر آورده است و غالباً دردوسه جمله آنهارا معرفی نموده ودوسه بیت را از آنها نقل کرده است

اشعار شعرای زیر را نسبة مفصل آورده است

بیدل وخیام ورفیع مشهدی وسلیم تهرانی وسعیدملتانی وملاشریف آملی ومیرزا اشرف قزوینی وشیدا وناصرعلی سرهندی وفیاض لاهیجی وکمال خجندی ومولانا رومی وشیخ مغربی وملک قمی ومقیمی نهارلو ونعمت اله ولی (هر کدام در۲ص) و سحابی سترآبادی ومشرب دهلوی ونظمی تبریزی ومیرزا طاهر وحید وواعظ قزوینی(هر کدام در۲ص)واسیمین ومیرزا رضی وطالب آملی وظهیر فاریابی وعطار وکاتبی نیشابوری ومایل یزدی (هر کدام در۳ص) ومیرزا جلال اسیر وجمال الدین اصفهانی وزهین وفقیر

۱ـ ازروی فهرست بادلیین جامع ترین تذکره است اما جامع ترین تذکره فارسی « صحف ابراهیم » است که مشتمل است برذکر ۳۲۷۸ شاعر ر ک صحف ابراهیم دراین کتاب .

۲ـ ر.ك. اشپرنگر جلداول.

دهلوی ومسیح کاشانی وسستی وهلالی (هر کدام در ½۳ص) وحاقانی وشانی وصیدی تهرانی (هر کدام در ٤ص) واهلی شیرازی وسلمان ساوجی (هر کدام در (½۴ص) وفخر الدین جرجانی ومیر نجات (هر کدا در ۵ص) وانوری و کمال الدین اسماعیل ووالة (هر کدام در ½۵ص) و ثنائی (در ½ ٦ص) وظهوری وعرفی و کلیم و نوعی خوشانی (در ۷ص) و امیرخسرو (در ½۷ص) و فیضی (در ½۸ص) ومحتشم (در ۹ص) وحزین و شفائی (هر کدام در ۱۰ص) وحامی در (½۱۱ص) وصائب وفغانی (هر کدام در ½۱۲ص) وسعدی و نظیری (هر کدام در ۱۳ص) وقتیل (در ۱۷ص) ووحشی بافقی (در ۲٦ص).

رویهمرفته اشعار وحشی بافقی را از همه مفصل تر آورده است

گاهی در ذیل نام بعضی شعرا بعضی مطالب و اشعار مشکلی را شرح داده است مثلا رجوع شود به نام خاقانی

شرح حال شعرای زیر را از سایرین مفصل تر آورده است

ابراهیم ادهم واسا وسعدی وسرخوش وسعید ملتانی وملاشاه بدخشانی وعطار ومطهر و ناصر خسرو و میرمعصوم نامی ونواب عمادالملک (هر کدام در یک ص) وبیرم خان وامیر خسرو وسرمد وشیدا واحد عراقی (هر کدام در ½ ۱ ص) ومیرزا محمد امین خان وجیام (هر کدام در ۲ ص) و نواب میرزا زین العابدین (در ½-۲ص) وحامی (در ½ ۳ص) وسید اشرف جهانگیر سمنانی (در ½۴ص)

انگیر سمنانی را از همه مفصل تر

آورده است

درذیل نام ملک قمی پاره‌ای از شرح او و اشعاری درهجو ملامائلی نقل کرده است که بسیار مبتذل است وقسمت آخر آن نیز از صنایع لفظی میباشد

گاهی در اشعار بعضی شعرا اصلاح نموده است مثلا در ذیل این بیت شمس الدین فقیردهلوی

زود بخانه غیر زدل آزادی گرا مقیم سر راه انتظر کند

مینویسد بجای لفظ مقیم اگر هلاک بخوانند شاید بهتر باشد.

در ذیل نام بعضی شعرا بطور اغراق آمیزی از آنها تعریف کرده است چنانکه در ذیل نام شفائی اصفهانی میگوید: «اوهام فضلا وخیال بلغا از توصیف آن عاجز آید»

سبک انشای مؤلف عالباً ساده وعاری از تکلف و تصنع است اما گاهی چند کلمهٔ توصیفی قبل از اسم یا تخلص شاعر آورده است مانند «مهر سپهر شریعت آفتاب عالمتاب حقیقت سلطان المشایخ ابوسعید ابوالخیر» یا «زبدة الاولیا وقدوة العرفا شمس الانوار شیخ فریدالدین عطار» یا «صاحب صوت (و) معنی عین القضاة همدانی» وغیره

نسخ خطی

۱ـ اسپرنگر ۱۷ (کتابخانه فرح بخش) ۲ـ بادلین ۳۹۵ (۱۲۲٤هـ)

۳ـ بانکی پور ج ۸ص ٤ـ ۷۱۳ (۱۲۲٤هـ) ٤ـ ریو تکمله ۱۱۷ (نصف اول کتاب قرن ۱۹ م)

۵ـ ریو ج۳ص ۱۰۱۵ ب (با ۳٤ شاعر دارد مورخ ۵۱ـ۱۸۵۰م)

٦ـ دانشگاه لاهور ذخیره پروفسور شیرانی

۷ـ اعظم گره دارالمصنفین (رجوع شود به مجله اورینتل کالج لاهور ج ۳ص ۲ فوریه ۱۹۲۷ م ص ۳٦.

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به بادلین ستونهای ۹٦ ـ ۳۱۷ و ایوانو ـ کرزن ـ ۱٦۹۳ ۱٦٦۲ـ

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به مخزن الغرایب و اشپرنگر حصه ۱

سفینه‌هندی

ابتدا

«حمد وسپاس آفریدگاری را رواست که سخن‌سحان اسرار قدرت عالم را ارپرده غیب بشهرستان وحود حلوه گر ساخته ودرودنامحدود مهر سپهر رسالترا سزاست که انوارتحلیات حاودانی محمع‌اسرارمشاهدات‌معانی گردانیده»

شرح‌حال‌مولف

اسم مؤلف این‌تدکره بهگوان داس [1] اسب واو اول سمل‌تخــلص میکرد وبعد تحلص‌هندی[2] را احتیار نمود وی‌پسردوم دلپت‌داس‌بن هر بس رای است که ازقوم‌کایسته(هندو) بودووطن اصلی‌وی کالپی‌ومسکن‌وی‌سوبدها بود موهن‌لعل‌انیس در«انیس‌الاحبا»مینویسد که‌وطن اصلی بهگوان داس مکده کالنحراز مصافات‌صوبه (استان)مالوه‌است

۱ــ مصححی درتذکره«عقدثریا»(نسحه را مپور هند)ذکری ار«راحه‌بهگوان داس» آورده است که‌صوبه دار (استاندار)کتهیر بوده باحتمال قوی منظور همین بهگون داس هندی است‌که رای بود نه راحه (.رك صمیمه‌الف سفینه هندی چاپ‌پتنه هند ص۲۷۷)

۲ـدر«انیس‌الاحبا »تحلص‌بهگوان داس سمل‌ذکرشده ودر فهرست بانکی پور نیر «هندی» بعنوان تحلص بهگوان داس‌بیامده است ولی چون مؤلف شرح حال خود را درردیف«ها»آورده و نیرآنحا تذکر داده‌است که‌وی‌دراول‌سمل تحلص‌داشت‌باحتمال‌قوی هندی تحلص آحروی بوده است.

وی بود .سپس درخدمت نواب آصف‌الدوله بهادر بدیوانی میرزا[1] راجه‌بدهی‌سنگه بهادر که « صاحب نوبت وجاگیر و مالك خدمت سرکار خیرآباد وسیلك شده‌بود» درآمد وازحضور (وی)«صاحب دستخط »شد چنانچه پانصدسوار بدستخط (بامضای) وی استخدام‌شدند.

بعداز فوت راجه مزبور بهگوان داس مصاحب و ندیم پترچند بهادر که «مالك سپاه وکارخانجات وخانسامانی »آصف الدوله بهادر بود، شد و چون راجه مزبور نیزفوت کرد وی مصاحب‌معتمدالدوله‌مشیرالملك مهاراج‌ادهراج[2] مهاراجه تکیت رای ، راسدر بهادر صلابت جنگ (متوفی در ۱۲۱۵ ه) نایب ودیوان وزیرالممالك نواب‌آصف‌الدوله بهادر مقرر شد سپس‌رای جی سگه رای وی‌را مورد لطف وعنایت‌قرارداده بقدر ومرتبه وی افزود مؤلف این‌احوال را مفصل‌در قصیده «نسب‌نامه» وتذکره «حدیقه هندی» (که امروزبجا نمانده‌است) شرح داده‌است

مؤلف بافن ماده‌تاریخ گوئی خیلی‌علاقه داشت ودرذیل نام بعضی‌شعرا ماده تاریخ‌هائی که گفته‌آورده‌است‌مثلارجوع شود به‌نام مکین وقطعه تاریخ تألیف‌این کتاب که درخاتمه‌آورده‌است

بقیه احوال‌زندگی‌بهگوان داس‌بدست نیامد

آثار مولف

آثارمؤلف بدین قراراست

۱ ـ مثنوی‌سلسلة المحبت ـ بروزن سلسلة‌الذهب مولاناجامی که یکهزار بیت دارد ومتضمن‌احوال «جیب گشت» که‌بفارسی‌عطاردفلك گویند بروزن‌قران‌السعدین

۱ـ اینجا «میرزا» ظاهراً بمعنی شریف و اربابو اعیان آمده است چنانکه موهن لعل‌انیس در انیس‌الاحبا درباره بهگوان داس‌هندی در ذیل شرح حال وی مینویسد «میرزا وضع (و) پاکیزه گفتاراند » درهرحال استعمال این‌کلمه با اسم یکنفر هندو عجیب بنظر میاید

۲ـ ظاهراً ادهیراج

خسرو دهلوی گفته است[۱].

۲ ـ مثنوی مظهر الانوار ـ بروزن مخزن الاسرار نظامی

۳ ـ مثنوی بها گوت ـ مسمی به مهر ضیا ـ بروزن یوسف و زلیخای جامی

۴ ـ دو دیوان فارسی بنام «دیوان شوقیه» و «دیوان ذوقیه» شامل قصاید و غزل و ترجیع بند و سایر اقسام شعر

۵ ـ تذکره «حدیقه هندی» ـ مشتمل بر احوال «شعرای ماضی و حال» که در هندوستان تولد یا نشو و نما یافته اند از ابتدای ظهور اسلام تا سنه یکهزار و دویست هجری این کتاب هم تذکره و هم تاریخ است

۶ ـ رساله سوانح النبوة ـ متضمن احوال حضرت رسول و دوازده امام بفرمایش سید حیرات علی

۷ ـ تذکره سفینه هندی ـ تذکره مورد بحث[۲]

تبصره بر کتاب

مولف این کتاب را بسال ۱۲۱۹ هـ تألیف کرده است چنانکه در مقدمه می نوید ...لا که یک هزار و دوصد و نوزده هجری مطابق سال چهل و هفتم ماه عالم ثانی است» و در خاتمه این قطعه آورده است که سال تألیف کتاب (۱۲۱۹ هـ) را میرساند

این باغچه بنو	یارب نرسد گهی زوالش
گلهای خرد درو شکفته	سد باغچه بهار سالش

(= ۱۲۱۹ هـ)

اما بعداً بعضی مطالب را در این کتاب افزوده است چنانکه در ذیل نام حسن علیخان دهین[۳] می نویسد «بعد (از) تألیف این صحیفه بتاریخ ... شهر حمدی الاول سنه

---

۱ ـ ر ك انیس الاحبا در ذیل نام بهگوان داس هندی

۲ ـ عنوان «سفینه هندی» نسخه‌ای از فهرست کتب فوق مرور نجاح ... است

ب نسخه هند ص ۸۱

هزارودوصدوبیست هجری وفات یافت» .

درباره سبب تألیفمؤلف درمقدمه کتاب چنین توضیح داده‌است :

«اما بعد‌نازپرورده نیازمندی بهگوان داس‌هندی به‌نگارش میآورد که سابق درسنه‌یکهزارودویست (۱۲۰۰هـ) تذکره‌حدیقه‌هندی مشتمل بر حالات شعرای‌ماضی و حال که‌درهند تولد یانشوونما یافته‌اند به قیدقلم شکسته رقم درآورده وبعضی علوم مفیده درو مندرج نموده. آن حدیقه‌ایست جانفزا وآن تالیفی است دلگشا. حالا که یکهزارو دوصدو نوزده هجری (۱۲۱۹هـ) مطابق جلوس‌سال چهل‌وهفتم پادشاه بحر وبرشهنشاه گردون‌فر ... شاه عالم‌ثانی . . است احوال‌شعرای معاصرین‌را ازآغاز جلوس فردوس آرامگاه (یعنی‌محمدشاه که در۱۱۳۱هـ بتخت‌سلطنت نشست) ازصدتا یکجا کرده تألیفی دیگرساختم»

مؤلف اسم کتابهای زیررا درضمن شرح حال شعراآورده است واز‌آن معلوم میشود که وی‌در تألیف کتاب ازاین کتابها استفاده کرده‌است :-

۱ ـ مجمع‌النفایس رجوع شودبه نام‌آرزو وامانت وثبات و کوربخش .

۲ ـ ریاض‌الشعرا ـ رجوع شود به‌نام باقروثبات وحشمت و راغب وسودا و حدیحه سلطان وطبیب و واله ویکتا .

۳ ـ یدبیضا ـ رجوع شود به‌نام احمدیارخان یکتا

٤ ـ تذکره معاصرین‌حزین ـ رجوع شود بنام‌ملافایضا

این‌تذکره مشتمل‌است برذکرسیصد وسی‌وپنج شاعر بترتیب الفبائی از روی حرف‌اول‌اسم یاتخلص آنان که‌ازجلوس محمدشاه (۱۱۳۱هـ) تا ۱۲۱۹هـ (سال‌تألیف کتاب)درهندوستان‌میزیسته‌اند این‌تذکره با «آفتاب (ابوالمظفرعالی گوهر)»شروع شده با «یکتا (محمد اشرف) » تمام.

مؤلف درمقدمه این کتاب توضیح‌داده است که منظوروی ازجناب ارشادمآب میرزا محمدفاخرمکین وازفردوس آرامگاه محمدشاه پادشاه هنداست .

این‌تذکره مختصریست و مشتمل بر۲٦٦ صفحه (ازروی چاپ پتنه) میباشد

ومؤلف غالباً شرح حال شعرا را مختصر (در نیم صفحه) آورده است و از هر کدام سه چهار بیت نقل کرده است .

تاریخ تولد ووفات شعرا را اصولا کمتر ذکر نموده است وعلت آن ظاهراً معاصر بودن مؤلف باشعرا میباشد . شرح حال بعضی شعرا خیلی مختصر است ودرمورد برخی دیگر مفصل است ولی این امر مبنی بر اهمیت مقام شاعر نبوده بلکه موجبات دیگری مانند آشنائی ومناسبات مؤلف باشاعر یامقام وموقعیت وحسب ونسب وی بوده است مثلا شرح حال آفتاب پسر عالمگیر ثانی رامفصل آورده است ولو اینکه ازوی تنها یك بیت نقل کرده است اما شرح حال میرزا ارجمند پسر میرزا عبدالغنی رادریك سطر آورده و ازوی یك بیت نقل کرده است .

این تذکره تنها شامل حال شعرائی است که مؤلف با آنان آشنائی داشته و به همه گویندگان فارسی زبان آن زمان هندوستان و از این به اهمیت فارسی در دیار هند وشیوع آن در آن سرزمین بخوبی میتوان پی برد .

نکته مهم تاریخی که از این تذکره بدست میآید کثرت مهاجرت اهل ذوق و فن از ایران به هندوستان دراین زمان است چنانکه می بینیم که اغلب این گویندگان دراواخر عهد صفوی وزمان نادرشاه از نقاط مختلف ایران به هندوستان مهاجرت کرده اند. اسامی بعضی شعرا که در این تذکره از آنان یادشده واصلا از ایران بدیار هند رفته بودند بقرار زیر است ·

۱ ــ قزلباش خان امید که مولدش همدان بوده و دراصفهان نشو ونما یافت و دراوایل عهد بهادرشاه واردهند گردید (ص٦)

۲ ــ احمدعلی خان ایمن که مولدش قم بوده ودرزمان اورنگزیب واردهندشد ودرجنك نادرشاه در کرنال شهید شد (ص۸) .

۳ ــ میرزا محمد امین ازل در ایام محاصره اصفهان در۱۱۳۳ ه فوت کرد (ص۹) ·

٤ ــ میرزا محمدشفیع بسمل از اکابر بلده نیشابور است (ص۲۳) .

۵ – بدیع نصرآبادی (طاهر نصرآبادی) در تاریخ یکی از عمارات شاه‌سلطان حسین (صفوی) قصیده‌ مراده ارصدبیت نظم کرد .. (ص۲۴)

۶ - آقای صالح برهان مولدش مازندران است است ومدتی درهندوستان اقامت گزیده .. (ص۲۵) .

۷ – محمدباقر بیگ ازمیرزا زاده‌های ایراست برفاقت نادرشاه درهندوستان رسید (ص ۲۶)

۸ – برهان الملك نیشاپوری درعهدسلطنت نهادرشاه ار ولایت (ایران) بهند آمد (ص۳۶)

۹ – شیخ محمدعلی حزین چون نادرشاه برایران تسلط یافت شیخ ار آنجا دل برداشته بهند شتافت (ص۵۱)

۱۰ – ذره پسرمحمدباقرمجلسی هنگام محاصره ازاصفهان برآمده (ص۸۹).

علاوه برشعرائی که فارسی زبان وایرانی الاصل بوده بسیاری ارشعرای مذکور این تذکره هندی الاصل وجزو امراء وراجاهای هند بودند وتعداد آنان نیر دراین تذکره کم نیست واراشعاری که مؤلف ار آنان آورده است معلوم میشود که آنها نیر تسلط کامل برزبان فارسی داشته‌اند ودرذوق وشوق شعردست کمی ارشعرای ایرانی الاصل نداشته‌اند .

اشعاری که مؤلف دراین تذکره انتخاب نموده است بطور کلی بسبك هندی است ولی درانتخاب این اشعارمؤلف ثابت کرده است که خودش نیر باذوق وحال بوده است اکثر اشعاررا مؤلف ارغزلیات انتخاب نموده است وجردریکی دومورد نقل انتخاب قصاید مبادرت نکرده است چنانکه درذیل شرح حال خود قصایدی که درمدح سروده ضبط نموده است .

دربین شعرای مذکوریك نفرزن شاعر بنام خدیجه سلطان بیگم بنت عمرخان واله (مؤلف تذکره ریاض الشعرا) راذکرنموده است و اشعار وی را نیز نقل کرده است (ص۱۱۱ این کتاب).

این تذکره جلوی ذکر شعرای معاصر مؤلف میباشد وچون وی با اکثر آنان آشنائی یا دوستی داشته بنابراین با اینکه شرح حال آنها را مختصر آورده است ولی هرچه نوشته است معتبر وقابل اعتماد میباشد

درضمن شرح حال امرا وشاهزادگان وسلاطین معاصر گاهی مطالبی آورده است که از نظر تاریخ معاصر دارای اهمیت فراوانی میباشد مثلا رجوع شود به آفتاب ونواب برهان الملك ومحمدشاه پادشاه ومحمد برهان علی خان رهین . وچون مؤلف غالباً شاهد عینی این وقایع بوده است بیانات وی مورد اعتبار میباشد

گاهی درضمن شرح حال برخی شعرا بعضی حکایات جالب درباره آنان نقل کرده است مثلا رجوع شود به نام اکسیر ومنشی واحمدیار خان یکتا .

درذیل شرح حال بعضی شعرا مؤلف تذکر داده است که شرح حال مفصل آنان درتذکره دیگر خود بنام «حدیقه هندی» آورده است (رجوع شود به نام آفتاب ونگین) امامتاسفانه امروز تذکره مزبور نایاب شده است .

تنها شرح حال شعرای زیر را مفصل آورده است :

آفتاب (یك صفحه) حزین (۱/۲ ص) ومکین (۱/۲ ص) وهندی (در دو صفحه)

فقط اشعار شعرای زیر را مفصل نقل کرده است :

حزین (۲ صفحه ۲۴ بیت) وقرین (٤ ص ۵۹ بیت) ومکین (۱/۲ ٤ ص ۷۱ بیت) وهندی (۱٦ ص ۱۰۲ بیت) .

مؤلف باشیخ علی حزین فوق العاده ارادت داشت ودرذیل نام شعرای زیر عقیده وی را درباره آنان ذکر نموده است آرزو وباسطی ومیر عبدالغنی .

در ذیل شرح حال شعرای زیر توضیح داده است که با آنها ملاقات کرده است: شه فصیح افصح وسید احمل ومیر سید ولاله بیحت ته ایس ورای ست ته سگه بیدار وسیح بقا ومیدی لعل بیما . وخواجه باسط وسلام اله تسلیم وعلام حسن حسن و جعفر علی حسرت ومحمدحسن حسن وبراس خوشگو ورای سرب سکه دیوانه ورای دولت رام دولت ومحمدجعفر خان راغب ورای کیهم برایس . ومیر عنایت بیگ کی

ومحمدصدیق‌سخنور ورای بال گوبندشاد ودیبی‌پرشادشادو بلل‌مکند شهودو نظام‌الدین صانع ومحمدمکرم‌عیاش ومنشی بهکاری‌لعل‌عزیز وشیخ محمدعاشق‌علشق ومیر غلام حسین دهلوی‌ومیرشمس‌الدین‌فقیرو کشن‌چندقریب و نواب محمدخان محبت‌وملهار سنگه‌مکین ورای‌میکولعل‌مستانه و میرمحمدتقی میرو بهوری سنگه مشرب ومحمد واصل‌خان واصل ومیررا ابوعلی هاتف .

در ذیل نام شعرای زیر « ماده تاریخ » فوت آنان را که دیگران سروده‌اند اورده

آرزو . آرزو رفت ار جهان افسوس انحام (عمدةالملك) : غم عمده (= ۱۱۵۹)

انصاف : یردا مضجعه بیخبر : (یك بیت ازقصیده آزاد درتاریخ‌فوتش)

درگاه قلی حان : خدایش بیامرزد ساکن · اهل دینی‌ساکن‌فردوس گشت (ارمؤلف)

سالك:از جهان رفت ربدةالعقر حانجانان مظهر مظهر کل (ازآزاد)

اطلاعات زیر درتذکره‌های دیگر نیامده است

۱ ـ میرعظیم‌ثبات : درتألیف ریاض‌الشعرا باعلیقلی‌خان واله تخلص‌معاون مانده (ص۴۵)

۲ ـ رای مسکه‌رای شوق:درآن‌ایام (۱۱۷۰ه) تذکره‌مسمی‌به سفینةالشوق تألیف‌می‌نمود (ص۱۱۵) .

۳ ـ شیخ صیف (سیف)الدین‌محمد طبیعت· تذکرةالاولیا وتذکرةالشعرائی نیر تألیف کرده (ص۱۲۸) .

اما عجب آنست که مؤلف اروحود تذکره «مردم دیده» حکیم‌حاکم‌لاهوری اطلاع بداشت و دردیل شرح‌حال‌حکیم‌اشاره‌ای باین‌تذکره‌ننموده واروی‌مختصراً دردوسطر یاد کرده و۴بیت نقل کرده‌اس

سبک انشای مولف

سبک انشای مؤلف غالباً ساده و روان است وبعضی اصطلاحات واسعارات و کنایات دور ار ذهن که دربعضی آثار نویسندگان فارسی‌زبان هند نیرموجود است (ماسدآزاد وحوشگو و غیره) دراین تدکره د اواست . به بعضی نکات ومحتصات سبک انشای مؤلف دراینجامختصراً تذکره داده میشود .

۱ ـ بعضی اصطلاحات و بدعت‌های لفظی دارد‌اند منصب‌پنجهزاری‌سرفرار کمانید (بجای کرد) (ص۹۳) . هندوستان را بجای هندوستن‌زاده (رجوع‌شود بنام حلیس) ونبیسه بجای بسه (رجوع‌شود به‌نام‌عاصی) ومیگویانند(گویاندن = فعل متعدی از گفتن ـ رحوع‌شود به‌نام محمدشا) .

۲ ـ بعضی کلمات فارسی را بروش عربی جمع بسته است مثلا سامحات جمع نامه.

۳ـ گاهی بعضی کلمات اردورا بیرنکار برده‌است سوانح‌عمری بمعنی شرح حال (حد ن)بواسه بمعنی سسه حرد) وچبوتره بمعنی مصطبه(حرین)وسپاهی به معنی سرباز (حشمت) وتعنات‌شد بمعنی منصوب‌شد (حیران) وموروثی‌بمعنی ارثـی (درد) صوبه بمعنی استان(زایروسخمور وغیره) وپروانه بمعنی نامه؛حوار(سخمور) حایگیر بمعنی املاک(ساطع) و کملی بمعنی پتو(محمدشاه) وحکاء بمعنی ناحیه (مکین)

٤ ـ املای بعضی کلمات واسامی هندی‌را بخط اردو آورده است. مثلا رحوع شود به شرح حال دولت وراجه‌رامه‌ن ‌ئن و باغـبورائج وروشن وسحور و سواد و قتیل‌و مخمور ومنت ومستانه ومائل و نژاد وو رسته.

۵ـ بجای‌عبارت«فوت‌شد» حمله‌ا‌ن مصنوع آورده‌است

امید درسنه۱۱۵۹ بمرض سکته رحت هستی بسوی‌عالم بقا کشید

سحة حار، در همان سال(۱۱۵۲) رحت‌حیات مستعررا ابر کشید

رهیر . نقد حیات (را) بهٔ نص ارواح سپرد.

فقیر . کشتی حیاتش عریق بحر رحمت شد.

۶ـ گاهی قبل یا بعد ار اسامی بعضی شعرا القاب توصیفی بـه شر مسجع آورده است .

حرین : فرمانروای اقلیم سحوری و کشور گشای مملکت بلاغت گستری

مکین: مهر برح فضل و کمال وماه سپهر عروحلال

نسخ خطی

تنها یك نسخه از این کتاب در کتابخانه خدابخش پتنه مـوحود است کـه بخط مکهن لال است ودر نهم حمادی الاحری سنه ۱۳۲۰ ه (سال اتمام تألیف کتاب) بخط شکسته استنساخ شده است (رحوع شود به فهرست بـانـکی پـور ح ۸ ص ۷۱۵)

چاپ

در پتنه هند به اهتمام و تصحیح سیدشاه محمدعطاءالرحمن عطا کاکوی استاد اداره تحقیقات عربی و فارسی پتنه بهارهندوستان سال ۱۳۷۷ ق = ۱۹۵۸ م بطبع سنگی رسیده و باوحود اینکه اغلاط چاپی وغیره در آن زیاد است که غالب آن ظاهراً بعلت کم سواد بودن ناسخ نسخه اصلی (مکهن لال مـدکوره فوق) اسـامـا رحمتی که مصحح آن درتهیه توضیحات سودمندی وفهارس اسامی و اماکن و کتب تدکره قابل تقدیر وتمجیدمیباشد

برای **شرح حال مولف** رحوع شود به سفینه هندی و انیس الاحبا واستوری ح ق ۲ ص ۲ ـ ۸۸۲

برای **فهرست اسامی شعرا** رحوع شود به تدکره « سفینه هندی » چـاپ پتنه هند

تذکر ـ تبصره برای کتاب مقاله‌ای که درهٔ راهنمـای کتاب » سال دوم

شماره پنجم ازطرف انجمن کتاب تهران درباره‌سفینه‌هندی چاپ شده است نیز مورد
استفاده نگارنده قرار گرفته است

طبقات سخن

مولف

اسم‌مؤلف شیخ‌علاءمحی‌الدین‌قریشی میرتهی است که‌اول مبتلاتخلص‌میکرد
و بعد عشق تخلص‌اختیار کرد(برای شرح‌حال و آثار اورجوع شود به بحث‌درباره
مجموعه عشق‌در این کتاب)

تبصره‌در کتاب

مؤلف این کتاب را بسال۱۲۲۲ هـ تألیف نموده است چنانکه اسم آن«طبقات
سخن »ازروی ابجدمیرساند

این تذکره ازحیث‌اصالت مطالب خیلی مهم ویا ارزش است چون‌شرح حال
شعرا که دراین تذکره آمده است مؤلف خودش نوشته است و از جای دیگر نقل
یا اقتباس ننموده‌است

۱ـ طبقه اول ـ مشتمل است‌برذکر ۹۶ شعرریخته (اردو)

۲ـ طبقه دوم ـ مستمل‌است برذکر شعرای معاصرفارسی

نسخ خطی

۱ـ انتر بگ - ۵۳

فهرست اسامی

برای فهرست اسامی شعرای طبقه اول رجوع شود به فهرست برلن
۶۷۵ - ۶۷۶

تذکره کاتب

ابتدا

شعله که نواله اخگر او زمین و آسمان را فرو گرفته منور سازد .

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب میرزا محمدعلی کاتب صفوی است که در اول شاهزاده ابوالمنصور میرزا محمد سلیمان شکوه پسر شاه عالم (۱۱۷۳ - ۱۲۲۲ ه) او را برای استنساخ دواوین فارسی و اردو استخدام نمود و سپس وی مصاحب و کاتب سلطان ابوالفتح محمد صفوی متخلص به طلوعی گردید سلطان ابوالفتح مزبور اسماً آخرین پاشاه صفوی بود که محمد خان وی را در ۱۲۰۰ ه در تهران پادشاه اعلام کرد اما بعداً وی در ۱۲۰۵ ه بسند فرار نمود و بالاخره در ۱۲۱۰ ه در لکهنو رحل اقامت افکند

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۱۵ ه تألیف نمود چنانکه این قطعه که در پایان کتاب آورده میرساند

شد تذکره از فضل قدیر قیوم گردید بدهر نام کاتب موسوم
تاریخ تمامیش بگفتا هاتف کم کن تو صدا ز تذکره گردد مفهوم

(چون از اعداد تذکره (= ۱۳۲۵) عدد ۱۰۰ منها کنیم ۱۲۲۵ باقی میماند وهمان سال تألیف این کتاب است).

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی درخدمت سلطان ابوالفتح محمدصفوی سمت میر منشی را داشت سلطان صفوی ویرا امر کرد که اشعاریرا که در موقع مطالعه «مخزن الغرایب» ویروی آنها نشان گذاری کرده بود جمع کند و همچنین شرح حال شعرا را که سلطان در « تحفة الشعرا»[۱] بیاورده نیزعلیحده تهیه کند بنا براین کاتب «تعمیلا لحکم السلطان» این تذکره را ترتیب داد و بمناسبت سمت خود اسم آنرا « تذکره کاتب» گذاشت.

شرح حال اکثر شعرا دراین تذکره مختصر آمده است و تقریباً تمام آن از «مخزن الغرایب» نقل شده است. البته اشعاری که در این کتاب گردآوری شده است نشانه ذوق خوب گردآورنده میباشد

ترتیب اسامی شعرا ازروی الفبا است و شاعر اول در این تذکره سید شریف جهانگیر سمنانی وشاعر آخر محمداشرف یکتااست

رویهمرفته این کتاب زیاد اهمیت ندارد چون تقریباً تمام مطالب آن از مخزن الغرایب و کتب دیگر نقل شده است و بنا براین از حیث اصالت تقریباً هیچ

نسخه خطی نسخه منحصر بفرد آن در رامپور موجود است که تاریخ ندارد ومشتملست بر ۲۹۰ صفحه (رجوع شود بمجله اورینتل کالج لاهورج ۶ ش ۲ مورخ فوریه ۱۹۳۰ میلادی ص ۱۰۸ ـ ۱۱۱ وج ۱۸ ش ۱۳۷ ص ۱۱۲ و مدیراحمد ش ۸۱)

---

۱ تحفة الشعرا چنانکه از سیاق عبارت پیداست تذکره‌ای بوده که سلطان محمد صفوی آنرا ترتیب داده بوداما اسم این تذکره درهیچ جای دیگر ذکر نشده ونسخه‌ای هم ازاین کتاب امروز باقی نمانده است. تذکره‌ای بهمین نام رامیرزا افضل بیک قاقشال اورنگ آبادی در ۱۱۶۵ هـ تألیف نموده است (رجوع شود به بحث درباره « تحفة الشعرا دراین کتاب)

رياض الوفاق

ابتدا

«در شکرستان شکرشکنی شکروسپاس ناطق نطق ...»

مولف

اسم مؤلف این کتاب ذوالفقار علی متخلص به مست است (شرح حال مؤلف بدست نیامد).

آثار دیگر مؤلف بدین قرار است:

۱ـ دستان حقوق در اخلاق

۲ـ انتخاب نسخه طیبه ابواب جنان

۳ـ مجموعه غزلیات «باغ و بهار» و «بیاض نوطرز»

۴ـ تحفة المبتدی در فن انشاء

۵ـ نگارستان نظایر مجموعه‌ا قتباساتی است که در انشاء آنرا میتوان بکاربرد

۶ـ رساله‌ای درباره سبك شعرای متقدم ومعاصر با نمونه اشعار

۷ـ بهارستان ضمایر مجموعه اشعار مؤلف

۸ـ لطف سخن درشرح اقسام سخن (شعر)

۹ـ نیرنگ ظهور در بیان «ذات» های مختلف در هند (یعنی طبقات مختلفی که در بین هندوها معمول بوده است)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۲۹ ه در بنارس (هندوستان) تألیف کرده است

و اسم کتاب « ریاض‌الوفاق »(= ١٢٢٩هـ) از روی ابجد سال تألیف کتاب را میرساند.

این کتاب مشاملست برذکر صد وچهل و دو[1] شاعر متأخر ازکلکته وبنارس که بفارسی‌شعر میسروده‌اند وبا «محمد اسلم بلگرامی» شروع‌شده با «یعقوب، خواجه یعقوب علی» تمام میشود.

اکثر شعرائی که دراین تذکره ذکر آنان آمده استمعاصر مؤلف‌وبرخی ازآنها ازآشنایان او بوده اند وبنابراین شرح حالی که که مؤلف در این تذکره از آنها آورده است قابل اطمینان واعتماد میباشد. اکثر این شعرا بزبان اردو نیز شعر میسروده‌اند

نسخ خطی

١ـاشپرنگر٣٦ = ٢ ـبرلن ٦٦٥

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اشپرنگرص١٦٥ـ ١٧٢

نشتر عشق

ابتدا

حمد محامد مرمحمودی را که نسخه جامع‌موجودات ر بقلم قدرت ومداد ارادت برصفحه تحریر فرمود وتمامی مدایح آن ممدوح , که کتب مسودات را

بکلك جواهر سلك تکوین و سواد تقریر بسر سفینه اختراع و بیاض ابداع تسطیر نمود».*

شرح حال مولف

مؤلف این کتاب آقا حسین‌قلی خان متخلص به عاشق عظیم آبادی و کنیت وی ابومحمد واصلش از خراسان است. جد او نواب عکسرخان است و جد بزرگ او نواب عیسی خان ازشهر جام در آغاز سلطنت احمد شاه (۱۱۶۱-۱۱۶۷هـ) باتفاق بعضی ازمتعلقین ووابستگان به دارالخلافه شاه جهان آباد (دهلی) رسیده و آنجا سکونت گزید .- اجداد او در ملازمت سلطان احمد شاه و عالمگیر ثانی در آمده بلقب نواب وخان بهادر ومناصب عالی گاهی « به بعضی کارخانجات حضوری و برخی بانتظام محالات وچکله داری» سرافراز شده ودرمدت قلیل حشمت واقدار کثیراندوخته »بکام دل زندگانی‌مینمودند. بالاخره جدبزرگش درسال پنجم جلوس احمد شاه مطابق سنه ۱۱۶۵هـ فوت کرد .

جد مؤلف نواب عسکرخان تاعهد عالمگیر ثانی با عزت واحترام زندگی میکرد. موقعیکه احمدشاه درانی بهندوستان حمله کرد وخزانه‌شاهی خالی‌شد بعضی ازمصاحبین پادشاه باو پیشنهاد کردند که املاك عسکرخان راتوقیف نماید وبنابر توصیه آنها و بامر پادشاه سی‌هزار اشرفی (سکه طلائی) و بیست و دولك (دویست وبیست ملیون) روپیه (سکه نقره‌ای) نقد ودو عرابه ظروف طلا وآلات نقره و اشیای دیگررا بخزانه شاهی بردند .در ۱۱۷۰ هـ موقعیکه احمد شاه درانی برای دفعه پنجم حمله کرد بعضی ازمردم لشکرعسکرخان رادر حال تلاوت قران بقتل رساندند

جدمؤلف سه پسرداشت که آقاعلی خان شاهجهان آبادی پدر مؤلف ازهمه کوچکتر بودودر وقت فوت پدر سن او دو سال بود چون نواب میرالدوله که ازخویشاوندان نزدیك جدمؤلف بودبوزارت شاه عالم(۱۱۷۳-۱۲۲۲ هـ) رسید

وخبر فوت عسکر خان را شنید بازماندگان اورا به اله آباد نزد خود خواند و
آنها دوسال در آن شهر بودند. سپس منیر الدوله که در عظیم آباد املاک زیادی
داشت با آنها منزلی داد و برای کفالت آنها مستمری مقرر نمود.

آقا علی‌خان پدر مؤلف بعد از رسیدن بسن تمیز و اتمام تحصیلات کدخدا شد
و از سن بیست تا بیست و پنج سالگی بعد از فوت منیر الدوله با پسر او نواب محمد شجاع
قلی‌خان با احترام تمام بسر میبرد و سپس بخدمت نواب‌های دیگر بوده و بالاخره
به عظیم آباد (پتنه) مراجعت کرد و چون وی به پنارس برای فروش بعضی جواهر میرفت
وی را آقای کننگهم[1] ضلعدار اتاوه نزد خود خواند و از ۱۲۱۶ھ به تحصیلداری چند
پرگنه مانند شکوه آباد و فیروز آباد مقرر نمود[2] و بوقت تألیف «نشتر عشق» وی بر همان
منصب مأمور بود. همچنین دو عم مؤلف بر مناصب عالی در خدمت بعضی نوابان
بسر میبردند

مؤلف در ۱۱۹۴ھ در عظیم آباد بدنیا آمد تا سن چهارده سالگی اکثر اوقات
خود را در فرا گرفتن زبان فارسی و تاریخ و صرف و نحو بسر برده و باتفاق پدر بسیر
و سیاحت نقاط مختلف کشور رفته و غالباً در صحبت شعرا بوده اما از تحصیل عربی
بی بهره ماند

مؤلف در موقع تألیف این کتاب از مدت هفده سال در خدمت کمپانی هند شرقی
بوده و آنوقت تحصیلدار سیپری بود

مؤلف بفارسی شعر میسرود و عاشقی تخلص میکرد. در این کتاب وی سی و چهار
بیت فارسی از خود نقل کرده است

۱- Mr Cunningham

۲- ضلع و تحصیل از تقسیمات کشوری هند میباشد و هر ضلع (شهرستان) مشتمل بر چند
تحصیل (بخش) بوده است و حاکم ضلع را ضلعدار یا کلکتر و حاکم تحصیل را تحصیلدار میگفتند
پرگنه اصطلاحی که در هند و پاکستان معمول بوده است حوزه بزرگ مالیاتی میباشد
حاکم آن را «حاکم پرگنه» میگفته‌اند.

مؤلف « گلشن بیحار» درباره عاشقی مینویسد که اکنون کـه سال ۱۲۵۲ه است درشهر لکهنو اقامت‌دارد و چون عربی بلد نیست در تذکره خود خیلی اشتباه کرده است

بقیه شرح حال مؤلف بدست نیامد.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این تذکره رادر۱۲۲۴ه آغـاز کرد ودرسیردهم رجب روزسه شنبه ۱۲۳۳ه بـاتمام رسانید (وعبارت «نشتر رگ‌جان = (۱۲۲۴ه) سال آغاز تألیف این کتاب رامیرساند) .

درمورد سبب تألیف مؤلف دردیباچه چنین توصیح داده‌است که وی درشهرهای کلکته واکبر آباد (اگره) وشاهجهان آباد (دهلی) سیاحت پرداخته ودرضمن سیاحت بامردم بلاد مختلف برخورد کرده و باآنها صحبت داشته است. بالاخره دراثرصحبت آنها بگفتن‌شعر متوجه شد و در اثر همین علاقه بشعر اشعار شعرا را جمع آوری نمودو بتدریج قریب دوهزار بیت‌جمع آوری کرد. درسال ۱۲۰۳ه مؤلف درجها بی کول(؟)موقعیکه وی‌درحضور آقای ایلیات کلکتر[1] ضلع علیگره درجستجوی کاربود اتفاقاً روزی بامیرمحمد جعفر مسیح بریلوی تحصیلدار پرگنه اترولی ازمضافات‌ضلع علیگره برخورد کرد میرمز بور بمولف گفت که تذکره «ریاض الشعرا» دراختیاردارد ومؤلف آن تذکره راازوی بعاریت گرفت ورونوشتی از آن برداشت. بعدازمطالعه آن تذکره باین نتیجه رسید که واله اشعار« رطب ویابس»راجمع آوري نموده واگر کسی اشعارعاشقانه بخواهد نمیتواند ازمطالعه آن لذت ببرد .

بنابراین مؤلف تصمیم گرفت که تذکره‌ای بنویسد که محتوی اشعارعاشقانه باشد وبرای نیل باین مقصود چندین کتاب تـذکره و تاریخ و سفینه و دیوان را ازدیگران بعاریت گرفته‌یابه بهای کثیرخریداری نمود همچنین بعضی ازاین کتب

۱ـ یعنی ضلع داریاحاکم ضلع ـ ضلع درهندوپاکستان تقریباً بمعنی شهرستان‌ا (رجوع‌شود بهح۲ صفحه پیش)

[illegible]

از جمله کتب فوق احیات الشعرا متین کشمیری و خریطه جواهر امروز بجا نمانده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکر هزار و چهارصد و هشتاد شاعر متقدم و متوسط و متأخر بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «شیخ ابو اسماعیل عبدالله انصاری» شروع شده با «یوسف بلگرامی» تمام میشود.

این تذکره بسیار مفصل است و شرح حال و آثار شعرا و اشعار منتخب آنها در این تذکره خیلی مفصل آمده است و تنها اشعار عشقی شعرا نقل و اکثر این اشعار از غزل و رباعی انتخاب شده است.

مؤلف شرح حال اکثر شعرا را مفصل آورده است و مخصوصاً در ذیل نام شعرای معاصر شرح حال آنها را خیلی مفصل آورده و همچنین اشعار شعرا را هم غالباً بتفصیل نقل کرده است.

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و گاهی نثر مسجع را هم بکار برده است.
گاهی جمله ای مصنوع در معنی «فوت شد» آورده است و بعضی جاها بمناسبت اسم یا تخلص شاعر جناس آورده است مثلا در ذیل نام بسمل مینویسد « بسمل تیغ فنا گردید».

نسخ خطی

۱ـ اشپرنگر ۷۳۲
۲ـ بانکی پور ج ۸ ص ۷۱۶ـ۷۱۷
۳ـ رامپور ـ رجوع شود به تذکره احمدش ۹۷(۱۲۳۶ه).
۴ـ دانشگاه پنجاب ـ دو نسخه ـ یکی از این نسخه ها ناقص الاول و الاخر است از روی فهرستی که در اول کتاب (ناقص الاول) آمده است تعداد کل شعرا ۱۴۸۰ ذکر شده و اسامی شعرا هم بهم خورده و بعد از رضا قزوینی در حرف «را» ذکر امیر خسرو آمده است ولی شرح حال وی ناقص و ناتمام مانده است. این تذکره در یک جلد است و دیباچه هم

دارد و نسخه‌دیگر باشیخ عبداله انصاری شروع‌شده بلواقف بتالوی(ناقص‌الاخر)تمام میشود واین‌نسخه متعلق بکتابخانه مولانا محمدحسین آزاددهلوی‌نویسنده‌معروف اردوبوده وبعضی عبارات‌آن بخط‌آزاداست. اماسبك مؤلف‌را که‌اصلا خیلی مصنوع بوده‌اینجابکلی تغییرداده واشعار شعرا راهم مختصر نقل کرده‌است.

برای‌شرح‌حال‌مؤلف رجوع شودبه‌نشترعشق تحت‌نام‌عاشقی‌و گلشن‌بیخطرو گارسن دتاسی‌ج۱ص۲۳۵ تحت نام عاشقی و نگارستان سخن‌ص۵۹ و صبح گلشن ص۲۷۱و بزم سخن‌ص ۸۴واستوری ج۱ص۸۸۶

فهرست‌واسامی‌شعرا

درهیچ فهرست یا کتاب دیگرد کر نشده‌است.

انیس العاشقین

ابتدا

«تذکره سعادت تبصره که عرت‌بخش فصیح‌بیانان لوذعی والمعی[1] تواندبود وحمد سخن‌آفرینی‌است که بآیه وافی‌الهدایه فاتوبصورة‌من‌مثله کج طبعان‌مدرسه ضلالت و گمراهی‌راباعتراف ؛ بناظلمنا انفسنا فاغفرلنادونبنا اناکنا من الخاطئین بمقامات صدق ویقین‌رسانده است. ».

شرح‌حال‌مولف

اسم‌مؤلف این‌تذکره کنوررتن‌سنگه‌متخلص بەرخمی‌است که ازطرف‌شاهان

۱ــ بود لورعی‌المعی‌تیررای(نصاب‌الصبیان)

اود بالقاب منشی الملوك فخرالدوله دبیرالملك مهاراجه (رتن سنگه) بهادرهوشیار جنگ مفتخر شد. وی سکمینه کایسته[۲] بود واصلش از بریلی بود . خانواده اواز چندین پشت در خدمت شاهان اود بودند وجدش راجه بهگوان داس دیوان واتالیق (استاد) وزیرالممالك نواب آصف الدوله بهادر (۱۱۸۹-۱۲۱۲ه) والی اود بودو بعداً مدتی ناظم بریلی بوده.

پدرزخمی رأی بالك رام متخلص به صوری نایب مهاراجه چهاولال بوده درسر کار نواب آصف الدوله سمت میر آتش راداشت وتوپخانه بالك گنج درلکنهو هنوزهم بنام وی مشهور است. وی مدتی صاحب دیوان نواب آصف الدوله بود. بالاخره درغره شوال ۱۲۱۱ه به عظیم آباد رفت ونواب مزبور که وی را خیلی دوست داشت «تاب جدائی نیاورده» روز ۲۸ ربیع الاول ۱۲۱۲ه ازاین سرای فانی بعالم جاودانی شتافت وبالك رام نیز خدمت شاهی را ترك گفته از دنیا مافیها بی خبرو بی پروا شد و تامدتی در بلاد مختلف هند آواره وسر گردان ماند. البته گاهی برای دیدن پسر خودزخمی میآمدو باز بعلت شوریدگی بسر گردانی میپرداخت تابالاخره در ۱۲۶۰ه ازاین سر گردانی راحت شده وسر بزیر خاك کشیده بخواب ابدی فرورفت.

زخمی درلکهنو درشب یکشنبه ۲۳ محرم سنه ۱۱۹۷ه مطابق ۹ دسامبر ۱۷۸۲ میلادی چشم بدنیا گشود ودر آغازشباب شوق اکتساب علوم بدلش افتاد. بنابراین بعضی زبانهای مشهور و متداول مانند فارسی وعربی وهندی وانگلیسی را بقدر مایحتاج فرا گرفت و با علوم عقلیه ونقلیه دراین زبانها آشناشد

مؤلف بسیرو سیاحت اکثر بلادهندوستان پرداخته و نخستین مسافرت وی ازلکهنو به بریلی وطن آبائی وی بود . سپس در ۱۲۱۸ ه به کلکته رفت وآنجاچند

۱ــ فرقه ایست ازهندوها که بعضی افراد آن ازعلماوفضلای معروف عربی وفارسی بوده اند وامروزهم بیش ازسایر اقوام هندو بهزبانهای عربی وفارسی ذوق وعلاقه دارند.

[illegible] ١٨٥٧ [illegible]

[illegible] ١٨٥٠ [illegible] ١٨٧٥ [illegible]

[illegible] (١٨٧٥ – ١٨٥٠) [illegible]

[illegible]

کرده است.[۱]

بقول مؤلف «صبح گلشن» زخمی با اکثر علوم عربی و فلوسی و ترکی و انگلیسی و سنسکریت آشنائی داشت . وی پسری داشت بنام کنور دولت سنگه شکری که درعنفوان جوانی فوت کرد و بقول مؤلف «صبح گلشن» «در جمله فنون از پدر خود نیز قدم فراتر میگذاشت»

آثار مولف

۱ـ جام گیتی نما ـ برای نسخه رجوع شود به ریوص ۱۰۹۶

۲ـ سلطان التواریخ ـ تاریخ مفصل شاهان اوداست وشامل وقایع تاریخی تا مرگ محمد علیشاه پادشاه اود (۱۲۵۸ھ) میباشد ـ مؤلف آنجاشرح حال خود را نسبة مفصل آورده است ـ برای نسخ رجوع شودبه ریو ج ۳ ص ۹۶۲ (مورخ ۱۲۶۵ ھ) وانديا آفس ۳۹۶۱ (مورخ ۱۸۷۸ م)

۳ـ دیوان فارسی ـ نسخه آن در دانشگاه لاهور در کلکسیون شیرانی موجود است.

۴ـ انیس العاشقین ـ تذکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را ظاهراً در ۱۲۴۵ ھ تألیف نموده است چنانکه در دیباچه نسخه خطی دانشگاه لاهور مینویسد که وی این کتاب را بسال یکهزار و دوصد (دویست) وچهل وپنج ۱۲۴۵ ھ تألیف نموده است. اما در خاتمه جلد دوم فوتوگراف (عکسهای) نسخه کتابخانه لاله ماتاپرشاد عبارت زیر آمده است:

ت وهفتم (بیست وهفتم) رمضان المبارك سنه ۱۲۳۶ هجری مطابق بست و

۱ـ بقول ریو نسخه‌ای از سلطان التواریخ تألیف رتن سنگه زخمی درموزه بریتانیا موجوداست که مؤلف آن را به سر اچام ایلیات در ۱۸۵۱ م تقدیم کرده است (ر.ك. ریو ج ۳ ص ۹۶۲). از این معلوم میشود که مؤلف این کتاب را چندی قبل از مرگ خود به سر ایلیات تقدیم کرده ودرهمان سال گذشته است .

هفتم مئی (مه) سنه ۱۸۲٤ عیسوی (میلادی) حسن تحریر پذیرفت ... کتبه عبدالمذنب غلام حسین».

اکنون پی بردن باینکه کدامیك ازعبارات فوق اشتباه است مشکلست چون درعبارت اول سال بصورت الفاظ میرذکر شده ودرعبارت دوم سالهای هجری ومیلادی هردو آمده است(واین سالها هم درست است).

راجع بسبب تألیف مؤلف دردیباچه کتاب چنین توضیح داده است :

«ازعنفوان شباب بنظم اشعار مایل وصحبت شعرا را سایل بوده ام وهنگام فراغ از کتب معقول و منقول بملاحظه دواوین ملاغت تضمین قدما و متأخرین بسر می نموده ام تادرسنه ۱۲٤۵ یکهزار و دوصد (دویست) و چهل و پنج هجری که وارد دارالسلطنه لکهنو بودم شعف بعضی اشعار عاشقانه شعرای با نام ونشانه(معروف) را فراهم آورده باقلیلی ازحالات هریکی نهایت ایجاز بقلم سپردم و بانتخاب غزل و رباعی اقتصار ورزیده از تحریر اشعار قصیده و مثنوی الابضرورت در گذشتم»

این تذکره مشتمل است بر ذکر حال و اشعار ومنتخب ازمتجاوز ازدوهزار شاعر متقدم ومتأخر بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و شامل مقدمه درمدح نصیرالدین حیدرشاه اود (۵۳-۱۲٤۲ه) وسی و دو «حرف» اول است که هرحرف آن مخصوص برای یکی ازحروف الفبا است جلد اول این کتاب « باآبرو »شروع شده با «ضیائی» تمام میشود [1] وجلد دوم آن با «طالب جاجرمی» شروع شده با« یوسن ابهری» تمام میشود [2]

مؤلف این کتاب را بنام نصیرالدین حیدرشاه اودعنوان کرده است

درذیل اکثرشعرا وشرح حالشان را خیلی مختصر آورده است مانند آبرو

۱ـ نسخه ایکه دردانشگاه لاهور موجوداست جلداول این کتاب است.

۲ـ دردانشگاه لاهور عکسهائی ازنسخه متعلق بکتابخانه لاله ماتاپرشاد موجود است که مشتمل است برجلددوم این کتاب .

وآنون آثم‌ا کبرآبادی‌وغیره

در ذیل بعضی شرح حالشان را مختصر ولی جامع آورده است مانند آزاد بلگرامی و آشنا و آصفیو غیره.

درذیل عده کمی ازشعرا شرح حالشان رامفصل آورده است مانند آرزو وارزقی وانسی وغیره.

باوجود اینکه اشعار شعرا غالباً مختصر نقل کرده است اشعار خود را خیلی مفصل (درهفتاد وسه صفحه) ومفصل‌تر ازهمه آورده است.

چنانکه خودش درمقدمه توضیح داده است اکثر اشعار منتخب ازغزلیات و رباعیات است و دراین تذکره بندرت اشعاری را از قصاید ومثنوی انتخاب نموده است.

نثر مؤلف در سراسر کتاب ساده و غیر مصنوع است وتنها درمقدمه یادرموقع تعریف وتمجیدازشعرا نثر مصنوع خصوصاً نثر مسجع بکار برده است.

نسخ خطی

۱ـ دانشگاه لاهور (جلداول کتاب است از «آبرو» تا «صیائی»)

۲ـ نذیراحمد ش۷۳ (مورخ ۱۲۳۹ هـ - جلد دوم ازطالب حاحرمی وشامل ۱۱۷۶ شاعر است ـ کتابخانه گوری پرشاد درلکهنو) ظاهراً این همان نسخه ایست که عکسهائی از آن در دانشگاه لاهور موجوداست اما آنجا اسم صاحب این کتابخانه «لالهماتاپرشاد» ذکر شده است نه گوری‌پرشاد ـ البته نسخه این عکسها نیز مورخ ۱۲۳۹هـ میباشد

برای شرح حال مولف رجوع شود به انیس العاشقین وسلطان التواریخ وصبح گلشن ص۱۹۰ واستوری ص۸۹۰.

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به خود نسخه‌های این کتاب.

[illegible]

در تذکره «محبوب الزمن» سال وفات او۱۲۴۷ه ضبط شده‌ولی «در گلزار اعظم» و «نتایج الافکار» و «اشارات بینش» ۱۲۴۸ه آمده‌است. در تذکره «سخنوران بلندفکر» (اردو) قطعه تاریخ وفات رایق که سیدابوطیب‌خان والا گفته بدین‌قرار آمده است .

داروی اجل چوخورد رایق　　　بـا بـدرقه گلاب ایمان

سالش ز سر بکا دلم گفت　　　حقا کهز دهر رفت لقمان

بقول‌مؤلف «سخنوران‌بلندفکر» (اردو) اینجا ازسر بکا تعمیه‌است‌یعنی بایدعدد «ب» = ۲ را بعددمصرعدوم = ۱۲۵۱ اضافه کردو بدین‌ترتیب‌سال‌وفات‌رایق (۱۲۵۳ه) برمیآید که بااصل‌سال‌وفات رایق که‌بقول‌مؤلف گلزاراعظم وغیره ۱۲۴۸ه است پنج سال‌فرق دارد. اماحقیقت‌اینست که‌مؤلف سخنوران بلند فکر اشتباه دست‌داده‌و باید عدد۲ رااز۱۲۵۱ منها کرد ودر نتیجه۱۲۴۹ بدست‌میآید که فقط یکسال‌ازوفات‌رایق که بقول‌مؤلف گلزاراعظم وغیره ۱۲۴۸ه میباشدفرق دارد.

تبصره‌بر کتاب

مؤلف تألیف‌این‌تذکره را در۱۲۱۰ه‌آغازنموده چنانکه اسم‌تذکره ازروی ابجد میرساند ودر بین ۱۲۴۴و۱۲۴۸ باتمام رسانیده‌است امابروایت صاحب «گلزار اعظم» سال‌اتمام‌این کتاب۱۲۴۰ است چنانکه «گلدسته‌ریبای کرناتك» میرساند

این‌تذکره مشتمل‌است بر ذکر ۷۰شاعربترتیب الفبا ازروی‌حرف‌اول اسم‌یا تخلص شاعر که در کرناتك دراواخرقرن ۱۸ واوایل قرن۱۹م زندگی‌میکرده‌اند چون مؤلف‌باتمام این شعرا آشنا بودو آنها همشهری وی‌بودند بناء این‌اطلاعاتی که دراین‌تذکره درباره این‌شعرا بهم رسانیده‌است اعم‌ازاینکه در درباریاخارج ازدربار بودند درهر حال‌قابل‌اعتمادواعتبار است

نسخ‌خطی

برای‌شرح‌حال‌مولف رجوع‌شود به گلدسته کرناتك و نتایج الافکارص۱۸۹ وصبح‌وطن‌ص۸-۸۱و گلزاراعظم‌ص۲۱۲واشارات‌بینش‌ش۴۹ص۹۴-۹۵وحدیقةالمرام

(بزبان عربی) تألیف مولوی محمد مهدی واصف مدراس چاپ مدراس ۱۲۸۹ ﻫ ص٤ـ۲۳واستوری ج۱ص۸۹۰وسخنوران بلندفکر(اردو) تألیف مولوی محمد منور گوهرچاپدانشگاه مدراس هندوستان۱۲۵۲ﻫ)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ایوانودیل اول ص۸ـ۱۰(اسم۷۰شاعر)

محك شعرا

ابتدا

ای حمدتو آب وتاب ابحارسخن	وی ذکر تو چشمه سارانهارسخن
از فیض ثنای توتمامی مه وسال	آسیب خزان ندیده گلزارسخن

بی نهاحمدی که شمیمش دلهای مرده رازندگی دهدوحابعراشکری که نسیمش حـ ـابهای پژمرده را تازگی بخشد حمد محمودیست جل حلاله و شکرمنعم بو ٨ ؟.

مؤلف

اسم مؤلف محمدصالح شاملوی خراسانی است که ازمعاصرین فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ـ۱۲٦۰ﻫ) بود (شرح حال مؤلف بدست نیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب راسال۱۲۵۲ﻫتألیف نموده است.(رجوع شود به مقدمه کتاب) درمورد سبب تألیف کتاب مؤلف درمقدمه چنین توضیح میدهد که ازمدتی وی بفکر جمع آوری منتخبات اشعار شعرای معاصر بود اما علت گرفتاریهای گوناگون این فکر صورت عمل نمیگرفت تااینکه درسال ۱۲۵۲ﻫ در بلده حیدرآباد

ازدوستان ...»[۱]

این کتاب مشتمل است بر ذکر ۱۸۱ تن سخنگو بشمول فتحعلی شاه و شاهزادگان وامرا و شعرای زمان وی و با «فتحعلی شاه قاجار» شروع شده با «میرزا وصال شیرازی» تمام می‌شود

مؤلف درذیل شرح حال اکثر شعرا اطلاعات مهم زندگانی آنهارا مانندسال و محل ولادت وغیره را نیاورده است واغلب بعبارت آرائی پرداخته واز اکثر شعرا در دو سه سطر یاد کرده واز آنها دو سه بیت را نقل کرده است.

عجیب اینست که اکثر شعرای این کتاب معاصر مؤلف وحتی از رفقا و آشنایان وی بوده اند امامؤلف شرح حال اکثر شعرا را خیلی مختصر آورده و اکثر اطلاعات ضروری را درباره زندگی آنها نداده است

اکثر شعرای این تذکره در تذکره‌های معاصر ایران ذکر شده اما ذکر بعضی از آنها مخصوصاً ذکر شعرای متأخر هندوستان در تذکره‌های دیگر ایران نیامده است اما بعضی از آنها در تذکره های هند ذکر شده اند . از جمله شعرای این تذکره شعرای زیر یا اصلا هندی بوده یا درموقع تألیف این تذکره درهند اقامت داشته اند .

چراغ علیخان آصف جاهی فطرت مازندرانی وعباسقلی خان نصرت خان الشهیر به دکنی ومیر غضنفر علیخان آزاد کشمیری ومیرزا نورالعین واقف هندی شاهجهان آبادی[۲] و برهان قلی خان لکناهوری(لکهنوی) ومیر محمد حسین لکناهوری(لکهنوی) ومیرزا محمد فاخر مکین نظری[۳] ومیرزا علینقی خان نبی لاهوری .

درذیل نام اشخاص زیر مؤلف شرح حال آنهارا نسبة مفصل آورده است نشاط اصفهانی وطایر شیرازی وفاضل خان گروسی همدانی(هر کدام در ۲ص) وبسمل شیرازی

۱ــ درنسخه کتابخانه ملک این عبارت ناتمام مانده است.

۲ــ برای نورالعین واقف ر ک. «مردم دیده»؛ ۳ــ برای میرزا محمد فاخر مکین ر ک «دایرة الاحیاء».

(در ½۲ ص) و نیری شیرازی (در۳ص) و فتحعلی‌شاه قاجار (در ½۳ص) و ملک‌الشعرا صبای کاشی (در۴ص - مفصل‌تر ازسایرین).

درذیل نام شعرای زیر اشعارشان را بسنهٔ منصل آورده‌است. میرزا صبوری کاشی (۶۰ بیت) و ملک الشعرا صبای کاشی و حاوری تبریزی و حیران رشتی و خاور شیرازی (ازهر کدام ۷۰ بیت) و عندلیب کاشی و همای مروی (ازهر کدام ۱۰۵ بیت) و نشاط اصفهانی (۱۱۰ بیت) و مجمر اردستانی (۱۴۵ بیت) و سمل شیرازی (۱۷۵ بیت) و وصال شیرازی (۲۲۵ بیت) و شهاب ترشیری (۵۸۰ بیت) و نیری شیرازی (۲۷۰۰ بیت).

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف عالباً مصنوع است ودر بسیاری ازموارد نثر مسجع بکار برده است مخصوصاً قسمت اول‌را که مقدمه و ذکر پادشاه وشاهزادگان وامرا را شامل است مؤلف بنثر بسیار مصنوع نگاشته‌است دراین قسمت مؤلف القاب توصیفی بعراوانی نکار برده‌است مخصوصاً درذیل پادشاه وشاهزادگان این قبیل القاب راخیلی فراوان آورده است. همچنین درذیل بعضی شعرای مهم این دوره نیز القاب توصیفی آورده است مثلاً درذیل نام نیری شیرازی مینویسد «عندلیب گلستان بلاغت طوطی شکرستان فصاحت.» (دریک صفحه). همچنین رجوع شود به ملک الشعرا عندلیب کاشی و بی بی عفت شیرازی و میرزا ساوی همدانی و سمل شیرازی و وصال شیرازی

نسخه خطی: نسخه‌منحصر بفرداین تذکره در کتابخانه ملک تهران موجود است (رجوع شود به ش ۴۰۹۶ کتابخانه ملک تهران) اما در این نسخه قسمت آخر دیباچه کتاب ناتمام مانده‌است

تذکر ـ اسم این تذکره درهیچ فهرست کتابخانه یا تذکره ذکر نشده‌است وحتی استوری هم ازوجود این کتاب اطلاع نداشته است

فهرست اسامی شعرا ـ چون اسم این کتاب درهیچ فهرست نیامده اسامی شعرا اینجا نقل میگردد.

ذکر پادشاه

۱ـ فتحعلیشاه قاجار

ذکر شاهزادگان فتحعلی شاه

۲ـ نواب محمد علی میرزا ۳ـ شاهزاده حسین علی میرزا

۴ـ نواب محمدقلی میرزا خسروی ۵ـ نواب محمدتقی میرزا شوکت

۶ـ نواب علیشاه ظل السلطان ۷ـ شیخ علی میرزا شاپور

۸ـ عبدالله میرزا ۹ـ نواب امام ویردی میرزا

۱۰ـ نواب محمود میرزا ۱۱ـ نواب محمد رضا میرزا افسر

۱۲ـ نواب حیدرقلی میرزا خاور ۱۳ـ نواب همایون میرزا حشمت

ذکر امرای زمان فتحعلی شاه قاجار

۱۴ـ ابراهیم خان طغرل ۱۵ـ سلیمان خان عزت

۱۶ـ محمد قاسم خان شوکت ۱۷ـ الله یارخان

ذکر شعرای زمان فتحعلی شاه

۱۸ـ نیری شیرازی ۱۹ـ میرزا رضی تبریزی

۲۰ـ میرزا سحاب اصفهانی ۲۱ـ میرزا صبوری کاشی

۲۲ـ ملك الشعرا صبای کاشی ۲۳ـ میرزا مفتون شیرازی

۲۴ـ مولانا نشاط اصفهانی ۲۵ـ خاوری تبریزی

۲۶ـ حسین علی بیگ شرر اصفهانی ۲۷ـ سلیمان صباحی کاشی

۲۸ـ میرزا مائل طهرانی ۲۹ـ میرزا سیدحسین محرم اصفهانی

۳۰ـ میرزا صادق همای مروی ۳۱ـ میرزا داود بینوای مشهدی

۳۲ـ میرزا بوالحسن شیدای یزدی ۳۳ـ آقامحمد علی شیدای اصفهانی

۳۴ـ آقامحمد صفای اصفهانی ۳۵ـ میرزا سعیدفدای اردستانی

۳۶ـ منت علی بیگ نوای شیرازی ۳۷ـ میرزا محمدعلی وفای اصفهانی

۳۸ـ میرزا محمد حسین وفای فراهانی ۳۹ـ میرزا ابوالحسن یغمای جندقی

۴۰ـ میرزا عبدالله خان شهاب ترشیزی ۴۱ـ میرزا محمدتقی‌صاحب‌مازندرانی
۴۲ـ میرزامحمدرفیع‌خان‌طرب‌شیرازی ۴۳ـ ملک‌الشعرامحمدحسین‌خان‌عندلیب‌کاشی
۴۴ـ میرزا عبدالعلی کوکب یزدی ۴۵ـ آقا میرزامحمدصادق کوکب‌شیرازی
۴۶ـ میرزامرتضی‌محجوب‌ترشیزی ۴۷ـ میرزا حیدرعلی محجوب شیرازی
۴۸ـ میرزامحمد قلی‌الفت‌کاشی ۴۹ـ محمودخان الفت شیرازی
۵۰ـ آقامیرزا محمدحسین‌عشرت‌شیرازی ۵۱ ـ ملامحمد تقی‌حسرت‌همدانی
۵۲ـ میرزاعلی‌خان‌بیگ حسرت‌اصفهانی ۵۳ـ ملاباقر صحبت‌لاری
۵۴ـ آقامحمدطلعت اصفهانی ۵۵ـ بی‌بی عصمت شیرازی
۵۶ـ بی‌بی عشرت ۵۷ـ بی‌بی عشرت شیرازی
۵۸ـ محمد امین بیک‌فطرت اصفهانی ۵۹ـ چراغ علیخان آصفجاهی فطرت مازندرانی
۶۰ـ میرزاسیدنعمت‌الله فکرت‌مازندرانی ۶۱ـ عباس‌قلی‌خان نصرت‌الشهیربه‌دکنی
۶۲ـ میرزا سلطان‌بیک نصرت گیلانی ۶۳ـ میرزامحمدحسین نصرت شیرازی
۶۴ـ میرزا رضاقلی‌بیگ هدایت‌دامغانی ۶۵ـ محمدحسن‌خان فرخ‌خان زند ملقب به‌خانلرخان
۶۶ـ میرعصنفرعلی‌خان‌آزاد کشمیری ۶۷ـ میرزامحمدخان امیداصفهانی
۶۸ـ میرزا ابوالحسن امید نهاوندی ۶۹ـ میرزا جواد اصفهانی
۷۰ـ حاجی عابد اصفهانی ۷۱ـ آقامحمد شیرازی
۷۲ـ میرزا احمدبیگ‌اختر گرجی ۷۳ـ میرزا علی‌اکبر اصفهانی
۷۴ـ ابراهیم‌خان انور شیرازی ۷۵ ـ میرزا شیخ محمدعلی بهادر داراخسردی
۷۶ـ آقاحسین بیمار شیرازی ۷۷ـ محمودخان خاور آذربایجانی
۷۸ـ مولاناحاجی شیخ‌محمدساغر خرزعی ۷۹ـ محمدنبی خان سغیر شیرازی
۸۰ـ حسین‌علی‌بیک شررا صفهانی ۸۱ـ میرزا علی‌نقی خنجر شیرازی

۸۲ـ میرزا احمد صبور کاشی

۸۳ـ حسنعلی خان طایر شیرازی

۸۴ـ آقا لطفی فکار شیرازی

۸۵ـ میرزا محمدحسین محمر اردستانی

۸۶ـ میرزا رضا منصور اصفهانی

۸۷ـ آقا میرزا محمد ابراهیم مظور شیرازی

۸۸ـ میرزا امان‌الله بیگ کاتب اصفهانی

۸۹ـ میرزا محمد مظهر اصفهانی

۹۰ـ میرزا سیدعلی نیاز شیرازی

۹۱ـ سیدحسین نیار حوشقانی

۹۲ـ میرزا یوسف انیس نهاوندی

۹۳ـ میرزا ابوالحسن فردوس شیراری

۹۴ـ میرزا محمد مونس اصفهانی

۹۵ـ میررا محمدرضا مونس اصفهانی

۹۶ـ میررا محمدعلی دانش اصفهانی

۹۷ـ میرزا عبدالرحیم دانش شیراری

۹۸ـ ملا درویش قائنی

۹۹ـ میرزا محمدنبی مخلص شیراری

۱۰۰ـ آقا میرزا بابا عارض اصفهانی

۱۰۱ـ میرزا معصوم محیط

۱۰۲ـ شیخ محمد قانع شیرازی

۱۰۳ـ آقا محمدجعفر مطوع شیرازی

۱۰۴ـ میرزا ابوالحـ ن حریف حدقی

۱۰۵ـ میرزا محمدحسن طریف اصفهانی

۱۰۶ـ شیخ عابد عارف کازرونی

۱۰۷ـ آقا محمدتقی عارف اصفهانی

۱۰۸ـ میرزا نورالعین واقف هندی شاه‌جهان آبادی

۱۰۹ـ هادی بیگ شایق هندی

۱۱۰ـ آقا علی عسکر شایق اصفهانی

۱۱۱ـ میرزا مرادبیگ مشفق شیراری

۱۱۲ـ میرزا صادق ناطق اصفهانی

۱۱۳ـ میرزا محمدعلی واقف یزدی

۱۱۴ـ آقا محمدصالح واقف اصفهانی

۱۱۵ـ میرزا محمدرحیم بیدل شیراری

۱۱۶ـ میرزا محمدامین خان بیدل نیشابوری

۱۱۷ـ آقا میرزا جانی سائل شیراری

۱۱۸ـ میرزا محمدعلی

۱۱۹ـ آقا محمد قائل شیراز

۱۲۰ـ شیخ محمدرحیم ـ

۱۲۱ـ میرزا ابوالقاسم آذربایجانی

۱۲۲ـ میرزا ابوالقاسم ـ اری

۱۲۳ـ میرزا نجفعلی حزم شیراری

۱۲۴ـ میرزا هاشم حزم اصفهانی

۱۲۵ـ حزم خراسانی

۱۲۶- میرزا علی قایم‌مقام فراهانی

۱۲۷- آقامیرزا حسن‌علی محروم شیرازی

۱۲۸- میرزا منعم شیرازی

۱۲۹- ملامحمد نادم شیرازی

۱۳۰- میرزا مرتضی بیگ پریشان

۱۳۱- برهانقلیخان لکناهوری (لکهنوی)

۱۳۲- ملاحسن نهاوندی

۱۳۳- ملاحسین مازندرانی

۱۳۴- میر محمد حسین هندی لکناهوری (لکهنوی)

۱۳۵- میرزا محمدعلی حیران یزدی

۱۳۶- میرزا عبدالرسول حیران رشتی

۱۳۷- میرزا احمد روشن شیرازی

۱۳۸- میرزا محمدعلی گلشن رنگنه

۱۳۹- میرزا محمدفاخر مکین نطنزی

۱۴۰- میرزا محمدحسین مجنون شیرازی

۱۴۱- عبدالرزاق بیگ مفتون تبریزی

۱۴۲- میرزا رفیع مفتون قمی

۱۴۳- شیخ عبدالمعال همایون اصفهانی

۱۴۴- آقا چماقلوی مازندرانی

۱۴۵- میرزا آقاعلی اشرف آگه شیرازی

۱۴۶- میرزا کلب حسین بیگ آشفته ایروانی

۱۴۷- میرزا عبدالغنی ذره تفرشی

۱۴۸- محمدمهدی خان شحنه مازندرانی

۱۴۹- میرزا عبدالوهاب قطره اصفهانی

۱۵۰- میرزا احمد کشته نطنزی

۱۵۱- نصرالله خان قراگوزلو

۱۵۲- آقامیرزا محمدکاظم واله اصفهانی

۱۵۳- میرزا عبدالباقی باقی اصفهانی

۱۵۴- آقامیرزا حسنعلی تسلی شیرازی

۱۵۵- میرزا محمدحسین حابی شیرازی

۱۵۶- میرزا حسین حسینی یزدی

۱۵۷- میرزا فضل‌الله خاوری شیرازی

۱۵۸- آقابزرگ میرزا ذوقی شیرازی

۱۵۹- میرزا وصل‌خان راوی همدانی

۱۶۰- میرزا محمدعلی رفیعی

۱۶۱- آقامیرزا محمد ابراهیم کاشانی

۱۶۲- میرزا صادقلی رفیقی مازندرانی

۱۶۳- میرزا صفی کاشانی

۱۶۴- آقامیرزا محمد صفائی کرمانی

۱۶۵- میرزا محمدعلی صفائی یزدی

۱۶۶- میرزا صفرعلی بیگ فردی رند شیرازی

۱۶۷- میرزا محمدحسن علی شیرازی

١٦٨ـ آقاعلی شیرازی

١٦٩ـ حاجی حسین حامی شیرازی

١٧٠ـ آقامیرزا محمدجعفر فدوی

١٧١ـ میرزامحمد فکاری اردکانی

١٧٢ـ آقامیرزا عبدالرحیم قضائی یزدی

١٧٣ـ مهدی بیگ شقاقی آذربایجانی

١٧٤ ـ میرزا محمد حسین یاری الشهیر بهخراسانی

١٧٥ ـ میرزا محمدباقر بیگ گرجی اصفهانی

١٧٦ـ میرزا شلینقی خان نقی لاهوری

١٧٧ـ میرزا عباس نشاطی مازندرانی

١٧٨ـ نورعلیشاه اصفهانی

١٧٩ـ میرزامهدی شیرازی

١٨٠ـ حاجی علی اکبر بسمل شیرازی

١٨١ـ میرزا محمدشفیع وصال شیرازی

معراج الخیال

ابتدا

«عنبرین زلف زعنا(ی) شاهد سخن را شانه ربی فرمودن بنام پاک نطق آموزی میزیبد تعالی شأنه که طبع رنگین خیالان صائب افکار گل در گریبان از بهار مکرمتش و اندیشه نازک تلاشان عالی دستگاه گهر بدامان از نیسان مرحمتش»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب وزیرعلی متخلص به عبرتی است. وی درعظیم آباد پتنه متولدشد و شاگرد راجاپیاری لال الفتی (متوفی ١٢٥٤ه) بوده و بعدازاتمام تحصیلات درخدمت رئیس الامرا روشن الملک مبارک الدوله نواب محمدمهدی قلی خان بهادر شوکت جنگ درآمد و اتالیق محمدحسن خان بهادر تهور شوکت جنگ مزبور هم بود. چون فخرالامرا مختارالملک ضیاءالدوله نواب سیدمحمدحسن خان بهادر

تهورجنگ که در کلکته بود به‌عظیم‌آباد رفت عبرتی بسمت منشی‌او منصوب شد و باتفاق‌او به‌بنارس هم رفت .

عبرتی بعداز تألیف «اعجازالمحبت» (۱۲۴۷هـ) بکلکته رفت وچندماه‌در آنجا سیاحت و گردش پرداخت وسپس بدهاکا (درپاکستان‌شرقی امروز) نیزرفت .

عبرتی‌درتذکره خود شرح‌حال بعضی‌شعرا وامرای‌آن شهررا آورده‌است . درهمان سال ۱۲۴۷ هـ دوباره‌به‌بنگال‌رفت‌اما قبل از ۱۲۵۰هـ بعظیم‌آباد(پتنه)مراجعت‌نمود چنانکه دررقعه‌ای (نامه‌ای) درمصباح‌الاخلاق (تألیف۱۲۵۰هـ) مینویسد: «هنگام بازگشت‌ازجهانگیرنگر(دهاکه) حال‌در گذشتن پدرپیر آن‌جوان سال (را) شنیدم» همچنین‌رقعه‌ای (نامه‌ای) که‌در «ریاض‌الافکار» عبرتی‌موجوداست ونواب‌تهورجنگ (متوفی‌در۱۲۵۰هـ) به‌مؤلف نوشته‌است چنان‌میرساند که‌مؤلف‌در آن‌وقت‌ترک‌ملازمت نواب کرده‌بودو نواب‌براین‌واقعه اظهارتأسف‌میکنداما اجازه‌میدهد که‌عبرتی‌دروطن خود (عظیم‌آباد) زندگی کند .

عبرتی درعظیم‌آباد (پتنه) درخدمت‌راجابهوپ سنگه درآمدوبه معلمی مهیت سنگه پسرراجای مزبورمأمورشد راجابهوپ سنگه شعرهم میسرود و ولا تخلص میکرد قبل‌از۱۲۶۶هـ عبرتی برنظارت مأموربود امادرنتیجه‌خیانت رای‌شنکرلعل (صدراعظم‌پتنه) عبرتی‌محبورشدآنراترك گوید چنانکه شرح آنرادر «جام‌جهان‌نما» تألیف۱۲۶۶هـ آورده‌است عبرتی‌بعدازترك خدمت فوق درخدمت‌نواب سید ولایت علیخان‌در آمد ودرهمان‌ایام «جام‌جهان‌نما» راتألیف کرد .

آخرین کتاب‌عبرتی«ریاض‌الافکار»است که وی‌بسال۱۲۶۸هـ تألیف نموده‌است بعدازآن‌تاریخ احوال وی‌بدست نرسید

عبرتی شیعه اثناعشری‌بود وبرزبانهای فارسی وعربی تسلط کافی‌داشت وعلماً متوجه نوشتن‌بشر بوده وکمتر بگفتن شعرمیپرداخت

آثارمولف

آثارفارسی عبرتی بقرار زیراست :

۱ ـ اعجازالمحبت ـ اولین تألیف عبرتی است که وی بسال ۱۲۶۷ ه نوشته است . این کتاب دراصل خلاصه مثنوی «نلدمن» فیضی‌است‌بنثرفارسی. برای‌نسخه آن‌رجوع‌شودبه ایوانو- کررن ش۲۵۹.

۲ ـ مصباح‌الاخلاق ـ محموعه۷۶رقعه (نامه)عبرتی‌است که‌وی‌بسال۱۲۵۰ه ترتیب داده وبزبان بسیارمصنوع ومعلق‌نوشته است برای نسخه‌آن رجوع شودبه ایوانو کرزن ش ۵۰۷

۳ ـ معراج‌العشاق ـ مشتمل است برداستان لیلی ومجنون که‌مؤلف مثنوی «لیلی و مجنون» هاتفی‌را بسال ۱۲۵۱ه بنثردرآورده‌است ـ برای‌نسخه‌آن‌رجوع شودبه‌ایوانو- کرزن ش۲۴۶ .

۴ ـ سراج‌المحبت ـ مشتملست برداستان « هیرورانجها » که مؤلف مثنوی «هیرورانجها» تألیف‌میوقمرالدین‌رادر۱۲۵۴ه بصورت‌نثردرآورده‌است. برای‌نسخه آن‌رجوع‌شود به‌ایوانو- کررن ش ۳۱۴.

۵ ـ معراج‌الخیال ـ تذکره موردبحث .

۶ ـ جام‌جهان‌نما ـ تاریخ‌هندوستان‌است اززمان‌ورود انگلیسها به‌هندوستان تازمان تسلط‌آنهابرآنکشور . نسخه ای ازاین کتاب در مدرسه سلیمانیه شهر پتنه موجود است .

۷ ـ ریاض‌الافکار ـ تذکره نثرنگاران است که بسیاری‌ازآنهاشاعرهم‌بودند مخصوصاً ازقرن۱۷و۱۸و۱۹ میلادی واکثرشان‌هندی‌الاصل بوده‌یاایرانی‌الاصل که درهندوستان سکونت‌داشته‌اند . این‌تذکره‌درسال ۱۲۶۸ه باتمام‌رسید ومشتمل‌است بر۲۸ «خیابان» (هرخیابان برای‌یك‌حرف) برای‌نسخ‌آن‌رجوع‌شود به بوهار ۹۳ (۱۲۸۲ه) وبانکی‌پورذیل ح ۱ ش ۱۷۸۴ (مورخ۱۲۷۲ فصلی) که‌فهرست‌اسامی‌این تذکره‌هم درآنجاآمده است .

دکتر اختر اورینوی رئیس قسمت اردو دانشگاه پتنه در کتاب خود بزبان اردو «بهار مین اردو زبان وادب کا ارتقا ۱۸۵۷ تك» (تطور و تحول زبان و ادبیات اردو در بهار تا سال ۱۸۵۷م) چاپ پتنه مارس ۱۹۵۷ میلادی در صفحات ۳۲۷ و ۳۲۸ اسم تذکره‌ای بنام «روز روشن» تألیف ۱۲۶۰ھ از تالیفات وزیر علی عبرتی عظیم آبادی ذکر نموده است اما ظاهراً این همان «معراج الخیال» عبرتی است که دکتر منزبورهم در ص ۳۴ اسم آنرا آورده است. سپس در ص ۳۴۳ دکتر اورینوی تنها «تذکره عبرتی» نوشته است و معلوم نیست منظور او کدام تذکره عبرتی است

همچنین شاد عظیم آبادی در «حیات فریاد»[1] مینویسد که عبرتی یوسف و زلیخا و اسکندر نامه را هم بنثر در آورده و «مکاتیب مهیت سنگه» شاگرد خود را نیز گرد آورده بود. اما نسخه‌ای از این کتابها در هیچ جا پیدا نیست .

تبصره در کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۵۷ھ[2] تألیف نموده است چنانکه بیت آخر قطعه زیر که در خاتمه کتاب آورده است میرساند .

چو فکر سال ترتیبش نمودم   چکید از خامه‌ام «نظم روانی»

(=۱۲۶۷ھ)

درباره سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب ستر مصنوع نوشته است که وی چون بشعر خیلی علاقه داشت اکثر اوقات خود را بمطالعه دیوانهای اساتید سخن از هند و ایران میگذراند و از دیوانهای شعرا غزلی که مورد پسند خاطر مؤلف قرار میگرفت آنرا با شرح حال شعرا از تذکره‌های مختلف یادداشت میکرد و چون مؤلف مناسب ندید که آن مجموعه «دلگشا» تلف شود بر این از روی آن یادداشتها این تذکره را

۱ ـ برای شرح حال فریاد رك معراج الخیال.

۲ ـ اما بعضی مطالب را تا ۱۲۶۲ھ بعداً اضافه کرده است چنانکه در ذیل فرقتی و مولوی ابو علی یأس سال فوت آنها (۱۲۶۲ھ) را ذکر نموده است .

مؤلف درمقدمه اسم کتابهای زیر را آورده‌است که درتألیف این کتاب مورد استفاده وی‌قرار گرفته‌است :

۱ ـ نشترعشق ۲ـ سروآزاد ۳ـ یدبیضا ٤ ـ طبقات‌الشعرا

٥ ـ آتشکده‌آذر ٦ـ ریاض‌الشعرا .

امادرشرح حال‌شعرا اسم کتابهای زیررانیز آورده‌است

۱ـ مرآت‌الخیال (رجوع‌شود به‌فانی)

۲ ـ تذکره صحایف شرایف تألیف میرمحمدعسکری (رجوع‌شودبه رسا) .

۳ـ تذکرەدولتشاه (رجوع‌شودبه‌سلمان) ٤ـتاریخ‌فرشته(رجوع‌شودبه‌صادق)

٥ ـ تحفة‌السامی‌تالیف اسمعیل‌حسینی (رجوع شودبه شرح حال مانی ومومن)

این‌تذکره مشتملست برذکردویست‌وپنج[۱] شاعرمتقدم‌ومتوسطومتأخرمخصوصاً ازقرن۱۸و۱۹میلادی بترتیب الفبا ازروی حرف اول‌اسم‌یاتخلص‌شاعر وبا «ابدال» شروع‌شده یا «یوسف‌شاملو» تمام‌میشود. این کتاب مشتملست‌بربیست وهشت‌انجمن وهرانجمن‌برای‌یك‌حرف محصوص است بقرارزیر :

انجمن اول مشتمل‌برافکاربیست وهفت‌تن[۲] ازجادونفسان‌است که جان‌سخن پروانه‌شمع‌ایشان .

انجمن‌دوم مشتمل‌برافکاربه تن[۳] ازبرجسته خیالان‌است که طبع درخشانشان غیرت عمان .

انجمن‌سوم مشتمل‌برافکار چهارتن ازبلاغت گستران‌یکه پیوند است که طبع مضمونشان معانی‌را حلی بند .

---

۱ ـ مؤلف درخاتمه « دوصد (دویست) شیرین رقمها » نوشته‌است بقول پروفسور محفوظ‌الحق‌عده‌شعرای‌این‌کتاب‌دویست‌وسه (۲۰۳) است امادرنسخه‌دانشگاه‌لاهوردکر۲۰۵ شاعرآمده‌است

۲و۳ ـ درحودکتاب بترتیب دکربیست و شش و یازده تن‌آمده است (رجوع شود به‌نسخه دانشگاه لاهور)

انجمن چهارم مشتمل برافکار دوتن ازمعنی رسان کهنه خیال است که خامه از گلدیری طبع‌شان نهال .

انجمن پنجم مشتمل برافکاردوتن ازمعانی‌پرورانست که نزهتشان نشتریست خون‌چکان .

انجمن ششم مشتمل برافکار ده تن ازصائب تلاشانست که بعذوبت کلامشان شنیدن‌را آب درهان .

انجمن هفتم مشتمل برافکارچهارتن‌ازشیرین تلاشانست که‌شور کلامشان برزخم جگر نمك پاشان .

انجمن هشتم‌مشتمل برافکار دوتن‌ازاعجازدستگاههانست که طرز بیانشان‌بدل سامعین‌الماس‌فشان .

انجمن نهم مشتمل برافکار دوتن ازعرش‌خیال جادو تلاشانست کـــه برنگینی کلامشان شیدن‌راصد گلستان‌بدامان .

انجمن دهم مشتمل برافکارنه‌تن اردل کبا باست که‌رحیق‌خیالشان‌نشه بخش دماغ‌معنی‌یابان .

انجمن یازدهم مشتمل بر افکار دو تن از همه درد مو شکافانست که هربیت خیرشان هوش‌ربای‌سینه صافان .

انجمن دوازدهم مشتمل برافکار چهارتن‌ازشیرین تلاشانست که شور کلامشان برزخم‌جگر نمك‌پاشان

انجمن سیزدهم‌مشتمل برافکارهفت‌تن[1] ازهمه‌سوزعالی دستگاههانست که هر مصرعه‌پیچیده‌شان مانا برلف‌نگاهان .

انجمن چهاردهم مشتمل برافکارهشت‌تن‌ازسراپا اعجاز ادایندانست که‌هرشعر شورآموزشان برق حرمن‌شکیب براکت‌پسندان

۱ــ درحود کتاب ترتیب‌دگر بیست وشش ــ یارده ــ ده‌تن آمده است . (رجوع شود به‌نسخه دانشگاه‌لاهور) .

انجمن پانزدهم مشتمل برافکار یك تن ازجادو نگارمعنی پرستانست که بیت دیوانشان آئینه‌دار بهارصد گلستان

انجمن شانزدهم مشتمل برافکار سه‌تن ازخونین رقمانست که ترتیب غزلشان وحشت‌افزاتر ازچشم آهوان .

انجمن هفدهم مشتمل برافکاریك‌تن‌ازاعجاز بیانان‌معنی‌یابست که‌جادوکاری طبعشان نسخه سامری‌را جواب .

انجمن هیجدهم مشتمل‌برافکار چهارده‌تن ازمعنی پژوهان سحر رقمست که رنگ‌آمیزی‌طبعشان مرسله پیوند گلوی‌قلم .

انجمن نوزدهم مشتمل‌برافکار سه‌تن ازرنگین‌سخنانست که رشحه خامه‌شان غیرت‌چشمه حیوان .

انجمن بیستم مشتمل‌برافکار سیزده‌تن ازقدسی‌خیالانست که طرزتحریرشان غم‌ازدل زدای‌آشفته خیالان.

انجمن بیست ویکم‌مشتمل‌برافکارپنج‌تن‌ازنغزافکارانست که‌خونین‌رقمی‌شان همرنگ‌بهاران.

» بیست و دوم » » پنج تن از بلاغت گسترانست کـه خوش طبعشان گهرریزتر ازعمان

» بیست وسوم » » دوتن‌ازسخن سرایانست که صریرخامه‌شان سرمشق رنگین نوایان .

» بیست‌وچهارم» » هژده (هیجده)[1] تن ازمعنی‌پرورانست که‌هرشعرشان نمکپاش دل‌شوریده سران

» بیست‌وپنجم » » چهارتن[2] ازرنگین کلامانست که هـرحـرفشان شنیدن‌را گل‌بدامان.

۱و۲ـ درخود کتاب ترتیب ذکر بیست‌ویك و شانزده تن آمده‌است (رجوع شود به نسخه‌دانشگاه‌لاهور)

» بیستوششم » » شش تن [1] ازسخنورانست که جنس خامهشان جان معنی‌پروران.

» بیستوهفتم » » سه تن ازفصاحت اندیشاست که سلمـای کلامشان هوش‌ربای مهرکیشان.

» بیستوهشتم » » پنج تن ازشعله بیاناست که هر صفحه دیـوانشان دیده فروزتر ازرخ‌جانان .

مؤلف در این تذکره انتحاب اشعار شعرا را تنها از غزلیات آورده است ودرذیل‌نام‌هرشاعر یك‌غزل(غالباً) کامل‌نقل کرده‌است.

شرح حال شعرا غالباً حامع است و اکثرا اطلاعات مهم راحع برندگانی شعرا را ذکر نموده‌است.

درمورد شعرای زیر مـؤلف میگوید که آنهـا در زمان وی درقید حیات بودند

اخترو سمل(مولوی‌مهدی‌علی)وحسرت‌وحسرتی‌وذبیح‌وشفاوضمیروعظیم‌وغالب وفرقتی وفریاد و کوکـبویکتا(میرزانوروزعلی‌خان) .

در ذیل نام ۸۷ تن شاعر سال وفاتشان را ذکرنکرده است اما در ذیل نام بقیه‌شان (غیر از شعرائی که در زمان او در قید حیات بودند) سال وفاتشان را ذکر نموده است.

مؤلف اکثر مطالبرا ازتذکره های دیگر نقل کرده‌است اما اگر قدری بیشتر زحمت میکشید میتوانست شرح‌حال‌بقیه شعرارا نیز حامع‌تربیاوردمخصوصاً در مورد اسیرو اعظم وآفرین ونواب عاقل حان رازی وشاپور و شوکت و طغری وغنیمت وغیره

دیوانهای اکثرشعرا راحودش مطالعه کرده‌است وغزلی که حیلی مورد پسند

۱ــ در حود کتاب ذکر هشت تن آمده است : (رحوع شود به نسحه دانشگاه لاهور)

او واقع شده از آنجا انتخاب نموده است چنانکه خودش در مقدمه در این زمینه توضیح داده است.

سبک انشای مولف

سبک انشای مؤلف بسیار مصنوع است ودر اکثر موارد نثر مسجع را بکار برده است گاهی درذیل نام بعضی شعرا جمله‌ای مصنوع در معنی «فوت کرد» آورده است چنانکه در ذیل شرح حال شاه بخشش حسین فرقتی مینویسد . بفردوس برین شتافت .

درذیل نام ظهوری مینویسد: ره‌خموش آباد عدم گرفت.

همچنین قبل از آوردن اشعار هر شاعر درجمله‌ای چند کلمه درتوصیف وتعریف شاعر آورده است چنانکه :

درذیل شرح حال فغانی مینویسد: ار آن پخته گوی شیرین افکارست

» » فیضی » · ار آن عجوبه‌رور گاراست

» » قاسم » : ار آن قدسی نژاداست

رویهمرفته این تذکره جزو تذکره های حالی است باوجودایکه شرح حال شعرا را مختصر (اماجامع) آورده است وازهرشاعر عرلی نقل کرده اسب یعنی درشرح حال وانتحاب اشعار هر دوباختصار وایجار توجه داشته‌است محصوصاً شرح حال شعرای معاصر که مؤلف با آنها آشنا بوده مهم ترو باارزش تراست.

نسخ خطی

۱ـ ایوانو- کررن ش۶۰ مورخ ۱۲۸۲ھ

۲- دانشگاه لاهور که گاهی روی بعضی کلمات نقطه های اضافی و گاهی کم دارد وظاهراً این هم روشی بوده اسب درحطاطی.

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به معراج الخیال ومقاله‌ای درباره عبرتی

ازپروفسور محمد محفوظ الحق درمجله ندیم (اردو) پتنه (بهار نسر) مورخ جولائی و اگست (ژوئیه‌واوت) ۱۹۳۳ میلادی و استوری ج ۱ ص ۹۰۰.

برای فهرست اسامی تنها ۲۳ شاعر معاصر مؤلف رجوع شود به ایوانو- کرزن ۸- ۶۷

صبح وطن

ابتدا

« خدا در انتظار حمد ما نیست محمد چشم بر راه ثنا نیست

اما بعد غلام پر ارلوث محمدغوث کان‌الله له که عکس‌پذیر سجنجل ضـ

تلامذه رحمان که رفعتشان.... »

شرح‌حال مؤلف

اسم مؤلف محمدغوث و القاب وی امیرالهندوالاجاه عمدة‌الامرا مختارالملك عظیم‌الدوله‌خان بهادرشهامت‌جنگ وتخلص‌وی‌اعظم‌بوده‌و وی پسر نواب امیرالهند عمدة‌الامرا مدارالملك روشن الدوله محمد منصورخان‌بهادر بهادرجنگ سپهسالارو صوبه‌دار (استاندار) ملك کرناتك (۴۱-۱۲۲٤ه) بود نسبش ازجانب پدر به سی‌ودو واسطه بحضرت‌عمر و ازجانب‌مادر به‌بیست وشش‌واسطه بامام حسین‌میرسید مادرش فرزند ضیاءالدوله بهادر وبیره نواب ضیاءالملك حیدرآباد دکن‌بود.

نواب اعظم ساعت ده روزچهارشنبه ۲۹ ذوالحجه ۱۲۳۹ه بدنیا آمد و هنوز بدرود ه ۱ بیش نگذشته‌بودکه ازسایه پدر محروم شد. روز دوم چهلم پدر بتاریخ ۲۵ اوت ۱۸٤۲ میلادی (مطابق ۱۷ رمضان ۱۲۵۸) بعنوان نواب صوبه‌دار کرناتك

۱- اشرت بیش سن نواب اعظم بروقت فوت‌پدر دوسال نوشته استاد رئ اشرات

درقصه چپوك برمسند ریاست‌نشست وعمویش نواب‌عظیم‌جاه‌بهادر نایب‌مختار برای هفده سال بکار نیابت (نایب‌السلطنه) مأمور شد وکارهای مربوطه بریاست کرناتك را بجای نواب‌صغیر انجام میداد .

ناگفته نماند که ریاست کرناتك ازنواب والآجاه به‌خلف‌الرشید وی نواب عمدةالامرا بهادر و از وی برادرزاده وی نواب رحمت مآب عظیم الدوله بهادر (١٢١٦-١٢٣٤) خلف‌الرشید نواب امیرالامرا رسید و از وی به رضوان‌مآب اعظم جاه محمدمنورخان بهادر(١٢٣٤-١٢٤١ه) و ازوی پسر وی نواب محمدغوث‌خان مؤلف صبح وطن رسید .

نواب‌اعظم در پنج سالگی بمکتب (دبستان) رفت ونزد حافظ محمد مکی‌و حافظ عبدالوالی قرائت قرآن را تمام کرد وازمختصرات‌فارسی تا اخلاق حسنی پیش‌غلام محی‌الدین خوشنویس (سعدی) وانشای خلیفه وزلیخاو گلشن سعادت و رساله عبدالواسع هانسوی وسکندرنامه واخلاق‌جلالی ودیوان غنی (کشمیری) و دیوان ناصرعلی‌سرهندی ودیوان جلال اسیر را خواند وازمطولات ونثر«سه‌نثر»و «پنج‌رقعه»و«مینابازار»ظهوری‌ورسایل‌طغرای‌مشهدی وانشای‌بیدل وانشای‌نعمت‌خان عالی وسبعه سیاره‌وفن عروض و قافیه ودرعربی هدایه صیائیه‌المشهور به‌شرح‌ملای جامی نزد مولوی جمال‌الدین احمد ودرعقایدوفقه وحدیث«بقدرمایحتاج»ودیوان نخستین عربی‌آزاد بلگرامی را نزد مولوی ارتضی علی خان خواند وخط عربی وفارسی را از مولوی مزبور وعنایت حسین خان خوشنویس‌یاد گرفت.

نواب در شعر شاگرد ابوطالب‌خان والابودولی باناصرعلی‌سرهندی‌ارادت‌وعقیدت خاصی داشت وبتقلید وی شعرمیسرود وی شعررودمیگفت ودرعرض یکی‌دوساعت عربی‌درست میکرد وشبی قصیده‌ای مشتمل بر۴۷ بیت درمنقبت امام حسین‌سرود. دراندك مدت دیوانی بتقلید ناصرعلی سرهندی‌جواب دیوان‌مظهرترتیب‌داد نواب اعظم با ناصرعلی سرهندی خیلی ارادت داشت چنانکه در تذکره« گلزاراعظم» باعتراضات و ایراداتی که مولوی‌محمد مهدی واصف درتذکره «معدن الجواهر»

بربعضی اشعار ناصر علی گرفته بود جواب داده است.

نواب اعظم در ۱۲۶۰ هـ انجمن ادبی بنام «محفل مشاعره اعظم»[1] تشکیل داد و دو نفر را بعنوان داور مقرر نمود که یکی از آنها محمدقدرت الله گوپاموی مؤلف تذکره «نتایج الافکار» بود. وی در مکه چندین رباط بنا کرد و در مدراس کتابخانه عام اهل اسلام و مدرسه اعظم ولنگر خانه‌ای[2] درست کرد. بعد از یک عمر بذل وجود وعطا و بخشش[3] بسن سی ودوسالگی[4] روز ۲۴ محرم ۱۲۷۲ هـ (مطابق ۱۷ اکتبر ۱۸۵۵ م) از این دنیای فانی بسوی سرای جاودانی شتافت و در مقبره جد خود نواب عظیم الدوله بهادر رحمت مآب نواب کرناتک (۱۲۱۶-۳۴ هـ) واقع درمحوطه مسجد والاجاهی ترملکهیری[5] دفن شد «سرغیب» و «مظلوم نمرد» هر کدام سال وفات وی (۱۲۷۲) رامیرساند[6]

استوری مینویسد که نواب اعظم هیچوقت حاضر نبود با اروپائی ها معاشرت کند. دراول قدری انگلیسی یاد گرفته بود اما آنرا هم بعداً فراموش کرد وی زندگی خودرا درعیش و عشرت میگذراند وهمیشه احتیاج بپول داشت که بدرباریان خود عطا و بخشش کند.

بی محل نخواهد بود اگر اینجا شرح مختصری درباره انضمام کرناتک داده شود. نواب اعظم اولاد نرینه (پسر) نداشت و در زمان فرمانداری کل (گورنر جنرلی) لرد دالهوزی (۱۲۶۴-۱۲۷۳ هـ) طبق صلح نامه مورخ ۱۸۰۱ میلادی (=۱۲۱۶ هـ) قرار شده بود که ریاست کرناتک ارثی باشد و اینک شرایط و مقررات آن صلح نامه زمان جانشینان نواب عظیم الدوله باید مراعات گردد ولی چون نواب اعظم

۱- رک: سخنوران سدفکر در ذیل نام قدرت ۲- مرکزی که آنجا بفقرا غذا میدهند
۳- بقول استوری یک عمر عیش وعشرت ۴- استوری سی و یک سالگی
۵- استوری در شمال مسجد جامع ترپلی کین ۶- رک: تذکره سخنوران سدفکر

وارثی‌از اولاد نرینه‌بجا نگذاشت بنابراین دولت انگلیس‌تصمیم گرفت بریاست[1] کرناتك‌خاتمه داده وبرای نواب‌عظیم جاه بهادر عموی‌نواب اعظم وسایـر اعضای خانواده نواب مستمری مقرر گردد. همچنین برای ملکه‌خیرالنسا بیگم که‌نواب مرحوم درسال۱۲٦٤ ه باوی ازدواج کرده بود وبرای اعظم‌النسا بیگم ملکه‌دوم نواب‌اعظم چهار هزار روپیه مستمری مقررنمودند وبرای سایر متعلقین وملازمین نواب نیز حسب‌مدارج ومقام آنها حقوقی‌مقرر کردند.

برای پرداخت و واریز بدهکاریهای نواب اعظم اثاثیه وی را بدست یکنفر معتمد سپردند واملاك و منازل وی را حراج کردند و خود دولت بریتـانیا آنرا به‌پنج‌لکه (پانصدهزار) روپیه‌خریداری نمود.

نواب عظیم‌جاه مزبور تقاضانامه خود را متضمن ادعای او نسبت بریـاست کرناتك‌پیش ملکه ویکتوریا ملکه‌بریتانیاتقدیم نمود ومستردداشتن‌را برای‌احقاق حق خود درپالمان بریتانیا انگلستان اعزام نمود . درپالمان بریتانیا عده‌ای با نواب عظیم‌جاه موافق بودند و گروهی مخالف وی. بالاخره همان شد که شد و تصمیم قطعی گرفته‌شد که بریاست کرناتك‌خاتمه‌دهند برای تسلی‌واشك‌شوئی‌نواب عظیم‌جاه روز ۱۲ آوریل ۱۸۷۱م (مطابق ۲۰ محرم۱۲۸۸ه) لرد نپیئر گورنر (استاندار) مدراس لقب پرس‌آف‌ارکات[2] (شاهزاده ارکات) ازطرف دولت انگلیس باو اعطـا کرد و ماهیانه بیست و پنج هزار روپیه مستمری برای وی مقرر نمود وویرا امیردرجه یك درهند جنوبی شناختند همچنین دولت انگلیس بوی قول داد که مادامیکه دولت بریتانیا درهند بوده نصف مستمری ماهیانه وی یعنی دوازده هزار و پـانصد روپیه به جانشینان و پسران و دختران وی داده خواهد

۱- برای توضیح کلمه «ریاست» رجوع‌شود به‌ح۲ص ٥۲۷ کتاب‌حاضر

۲- Prince of Arcot

آثارمولف

آثار مؤلف بدین‌قراراست :

۱- دیوان‌اعظم - برای‌نسخه‌آن رجوع‌شود به‌ایوانو - ذیل‌اول ش۸۱۴

۲ - بهارستان اعظم - طاهراً مجموعه اشعاریست . رجوع شود به آصفیه ج ۱ ص ۷۱۴

۳- صبح‌وطن - تذکره موردبحث.

۴- گلزار اعظم- تذکره دیگر که‌اعظم در۱۲۶۹ه تألیف نموده‌است.

امادرباره آثار نواب اعظم مولوی محمد مهدی وآصف در«حدیقةالمرام» (ص۷)مینویسد که نواب عظیم‌اصلا هیچ تألیفی از خود نداشته است و اینکه راقم (مولوی محمد حسین قادری ملقب به‌افضل الشعرا) کتابی درعلم عروض‌وتذکره شعرائی نوشته‌وآنرابنام نواب مزبور نسبت داده‌است .

تبصره‌برکتاب

مؤلف طاهراً تألیف این کتاب را در ۱۲۵۶ ه شروع کرده و در ۱۲۵۸ ه به‌اتمام‌رسانیده‌است چنانکه‌درپایان کتاب هشت قطعه آورده که از آن جمله هفت قطعه سال تألیف کتابرا بدین قرارمیرساند

۱- یك قطعه سال ۱۲۵۶ ۲ پنج قطعه‌سال۱۲۵۷ ه ۳ ۱۲۵۸میرساند. بقیه یك قطعه ظاهراً تاریخ‌صحیحی را نمیرساند

مورد نسب تالیف مؤلف گوید

«دراین هنگام که تذکره گلدسته کرناتك رایق‌را بمعن نظرملاحظه کردم احوال بعضی سخن سنجان راچون گل کاغذ بی‌بو یافتم یعنی بپاس قومیت (تبعیت وملیت)خلاف واقع بتحریرپرداخته‌ذکر برخی‌ازرهگذارتمدط بطمطراق قلمی ساخته لهذا حقیقت حال هر یك‌معنی‌طراز را باز بزده عرل ادبی ا تکا انتخ بقید قلم درآورد »

این تذکره مشتمل‌است برذکر نودودوشاعر[1] متأخراستان مدراس‌درجنوب هندوستان بترتیب‌الفبا ازروی حرف‌اول اسم یا تخلص‌شاعروبا «اعظم محمدغوث» (مؤلف)شروع‌شده‌با«یادمولوی‌خواحه‌حمیدالدین» تمام‌میشود.

تنها مأخذی که مؤلف اسم آن را در این کتاب‌درمقدمه‌آورده است‌تذکره گلدسته کرناتك است اما این تذکره اصلاتکلمه ایست برای گلدسته کرناتك ر (چنانکه مؤلف در مقدمه توضیح داده است) برای رفع نقص آن کتـاب نوشته شد

مؤلف در دیباچه کتاب توضیح داده است که شرح احوال هر شاعــررا بایازده‌غزل‌ازدیوان‌او بدون انتخاب (یعنی‌کامل) آورده است اماهر گاه که دیوان کسی پیدا نشد اشعاراورا ازتذکره گلدسته کرناتك برداشته ودراین کتاب نقل کرده‌است . همچنین اسامی بعضی شعرا که بعد از فوت رایق شروع بشعر گفتن نموده‌اند نیز باچند غزل دراین‌تذکره آورده‌است

مؤلف ادعا کرده است غزلهای شعرا را بصورت کامــل آن نقل کـــرده «تاهویدا گردد که‌سره چیست وناسره کیست ودر صورت انتخاب این معنی بظهور نمی‌پیوندد» امادراین کتاب .

درذیل نام ۲۳ شاعر یازده غزل را ازیشان نقل کرده است

» ۱٤» » کمتر از یازده غزل‌را »

» رایق دوازده غزل ازوی‌نقل کرده‌است

» ۲٤ شاعر تنهایك‌یادو بیت از آنها نقل کرده‌است .

» بقیه شعرا چند بیت از آنها نقل‌کرده‌است

شرح‌حال بعضی شعرا را از خودشان نقل کرده است مانند بینش و شاعــر وعاشق وسایراین بکلی مورد اطمینان واعتبارمیباشد

ازجمله نود و دو شاعر شرح‌حال ۲۱ شاعر را مفصل آورده است‌مانند‌اعظم

۱ــ استوری . ۹۰شاعر

وآگاه وانوار وشرح حال ۳۳ شاعر را مختصر ولی جامع آورده است مانند آنست وامتیار واز ۳۷ شاعر شرح حال آنهارا خیلی مختصر آورده و اکثر اطلاعات مهم زندگانی آنهارا نیاورده است.

همچنین شرح حال آگاه را مفصل آورده است اما اکثرا اطلاعات مهم زندگانی وی را نقل نکرده است.

سبك انشای مؤلف در اکثر موارد ساده است امادر مقدمه و درموقع تعریف وتوصیف شعرا مصنوع است و گاهی مؤلف نثر مسجع بکار برده است

گاهی جملهای مصنوع درمعنی «فوت شد» آورده استمانند:

درذیل نام آگاه مینویسد: گریبان مستعار هستی درید

درذیل نام انور مینویسد: جان را بجان آفرین سپرد

« » تحمل » : رخت از این جهان فانی بربست

« » اقبال » : قبای هستی خود درید

همچنین برای «اینك اشعار او» جملهای مصنوع آورده است چنانکه:

درذیل نام آگاه مینویسد: بحر امواج طبع و قادش چنان موج میزند

« » : انور مینویسد بوای افکارش چنان دلربائی میکند

« » جودت ایلوری شاهین فکرش باین گونه صید دلها مینماید

« » حاجی حجی فکرش در عرفت سخن بدین گونه لبیك گویا ست.

چاپ

این تذکره در ۱۲۵۸هـ در مدراس بطبع رسید

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به گلشن کرناتك و صبح وطن و گلزار اعظم و سخنوران بلند فکر اردو و استوری

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به ایوانو ذیل اول ص۸ـ۱۰ (بانضمام گلدسته کرناتك).

نتایج الافکـار

ابتدا

«شادابی گلشن سخن بآبیاری حمد بهاره پیرائی است که عندلیب قوت ناطقه را نغمه سنج خوش نوائی گردانیده ونیایش عنوان صحیفه برقم ثنای نظم آرائی است که عرایس معانی را بتحلیه جواهر زواهر الفاظ برمنصه آرایش نشانیده»

شرح حال مولف

اسم مؤلف محمد قدرت اله خان گوپا موی متخلص به قدرت است نسبش به بیست وسه واسطه به قاسم بن محمد بن ابی بکر میرسد که از فقهای سبعه مدینه بود وسلسله صوفیه نقشبندیه باو منتهی میشود.

اسلاف مؤلف ازعربستان بهندوستان آمده ودرقنوج اقامت جستند و ازآنجا یکی از اجداد مؤلف دراواخر سلطنت غوریان (۵۷۱ـ۶۱۲ه) در گوپامن یا گوپاماو[1] که یکی ازشهرهای دارالسلطنت لکهنوودر نواحی استان اختر(اود) بود سکونت گزیدو با شرفا واهالی محترم آنجا روابط و«هم بستی» پیدا کرد و«نظر بتقوی و وصلاح ودیانت وامانت» اورا نیابت صدارت (ریاست) برگزیدند و باین سمت مأمور ومنصوب کردند

سپس خواجه پهول نواده حدفوق الذکر که بقول مؤلف «باوصاف حمیده و روش پسندیده مقبول دلها بودو باتباع شریعت وطریقت یکتا وارحاب قطب العالم حضرت

۱ـ ۱٤ میل درشرق شهرهردوئی دراود سابق و استان اترپردیش امروزه هندوستان.

شیخ سعدالدین خیرآبادی قدس سره خرقه خلافت داشت» بهمین منوال امر ارمعاش میکرد بعد ازوفات وی پسرش مولوی شاه عبدالرحیم که مؤلف «فتاوی محمع المسائل» بوده جانشین پدر گردید وتاانقراض سلسله تیموری وعهد نواب شجاع الدوله (متوفی در ۱۱۸۹ھ) اولاد واعقابش یکی بعدازدیگری بهمان خدمت مأمور بودند

اسم پدرمؤلف محمدکامل بود قدرت درسال ۱۱۹۹ ھ متولدشد و چون بسن تمیررسید کتب درسی فارسی و عربی رابیش بعضی استادان مانند مولوی محمدمقیم وشیخ غلام جیلانی وشیخ بدرعالم خواند درفن شعراول شاگرد «خوشدل» بودوچندی بعدبدست سیدشاه غلام نصیرالدین سعدی بیعت کرده و در سلسله قادریه در آمد. دراوایل سن بیست و نه سالگی درسال ۱۲۲۷ھ جهت استفاده از صحبت استادان خود خوشدل وخوشنود بمدراس مهاجرت کرد

مولوی محمد ارتضی علیخان خوشنود، قدرت را بدربارنواب اعظم جاه رضوان مآب نواب کرناتك (۱۲۳٤ - ۱۲٤۱ ھ) معرفی کـرد و قدرت بدین ترتیب درزمره ندمای نواب مزبوردرآمد درسال ۱۲۳۹ھ نواب مزبور قدرت رابتولیت مقبره نواب اعظیم الدوله بهادر(۱۲۱٦-۱۲۳٤ھ) پدرخود مأمور کردولقب «خان» بوی اعطا کرد نواب اعظم جاه درسال ۱۲٤۱ھ فوت کرد وسپس سراج الدوله محمد غوث خان بهادرجنگ رحمت مآب(۱۲٤۲-۱۲۷۲ھ) جانشین نواب اعظم شدوبریاست کرناتك منصوب گشت.

درسال ۱۲٦۰ ھ نواب محمدغوث خان انجمن ادبی بنام «محفل مشاعره اعظم» تأسیس نمود ودونفررا بعنوان داورمقرر کرد که یکی ازآن دو نفر قـدرت بود . «قدرت زاهدی بود شب زنده‌دار و عابدی بو. پرهیزکار» سال وفات اومعلوم نیست اما وی تاموقع تألیف تذکره گلزاراعظم(۱۲٦۹ھ)درقیدحیات بود.

آثارمؤلف بدین قراراست

۱- دودیوان فارسی[1]   ۲- نتایج الافکارتذکره موردبحث

۱ـ ر.ك. استوری ح ا ق ا درذیل نام محمد قدرت الله گوپاموی

٤- بهارستان سخن تالیف عبدالرزاق
۵-مرآت‌الخیال تألیف شیرخان
٦- کلمات‌الشعرا تألیف سرخوش
۷- سفینه‌میرعظمت‌اله بیحبر
۸و۹- سرو آزاد وخرابه عامره تألیف‌میر آزاد بلگرامی
۱۰و۱۱- گل رعنا وشام‌غریبان تألیف‌شفیق‌اورنگ آبادی

این کتاب با«لمیرالهی‌اسدآبادی(همدانی)»شروع‌شده با«میریوسف‌بلگرامی» تمام میشود وشامل‌ذکر کل پانصد وبیست‌ونه (۵۲۹) شاعرمتقدم ومتأخرومعاصر بترتیب‌الفبا ار روی حروف‌اول تخلص یا اسم شعرامیباشد. این کتاب‌مشتمل‌است برهشت‌صفحه[1]

دردیباچهٔمؤلف جوازومدرك شعر گوئی‌را ارا‌حادیث وآیات‌قرآن آورده‌است و همچنین درباره اول کسیکه بفارسی شعر گفته بحث کرده است و بعقیده وی آنکس بهرام گور است واول کسیکه دردوره‌اسلام‌بفارسی‌شعر گفت عباس مروی (مروزی) که درسال۱۰۳ﻫ بمدح ماموں خلیفه عباسی شعرسروده است

سپس مؤلف درباره تحول شعر فارسی بحث مختصری آورده وبعد ار آن راجع باقسام شعر بحث کرده‌است

تقدیم‌وتأخیراسامی‌درزیرهر حرف‌بمراعات‌سالهای وفات‌شعرا آورده وقبل‌ازذکر سال‌وفات‌هرشاعردراین‌زمینه‌ازتذکره‌های‌مختلف‌تحقیقاتی‌بعمل‌آورده‌ودرنتیجه آنرا نوشته‌است همچنین‌اسامی اولیاوصوفیه‌راطبق‌احترام‌آنان‌مقدم‌ومؤخر آورده‌واسامی شاعره‌هارادر هرردیف بتقلید«الرجال‌قوامون‌علی‌النساء»بعد ار اسامی شعرا آورده است تنهااسم «میرالهی»رابعلت نسبت به«الله»قبل‌ار اسامی‌صوفیه وعرفا آورده‌است.

مؤلف اکثرشعرای‌معروف هندی‌نژاد رادر این‌تذکره جاداده‌است امابعضی شعرای‌معروف‌ایرانی برادمانند فرخی و منوچهری رادکر نکرده است همچنین

۱- ارروی‌چاپ‌بمبئی‌سال۱۳۳٦ش.

شرح‌حال اکثرشعرای معروف رادرچند سطرمختصرآآورده‌ولی درشرح‌حال‌وتعریف شعرای معاصر که بامؤلف آشنا یادوست بوده بمبالغه‌پرداخته واشعارشان رانیز نسبة مفصل‌ترانتحاب ونقل کرده‌است .

امااهمیت این‌تذکره‌ازاینجاست که‌بسیاری‌ازشعرای فارسی‌راذکرنموده‌است که در تذکره‌های دیگر پیدا نیست و مخصوصاً ذکر شعرای معاصرمؤلف خیلی مفید و با ارزش است . همچنین شرح‌حال شعرای متقدم ومتأخر را مؤلف مختصر ولی جامع آورده است و همه جا التزام نموده است که سال‌وفات آنها را مخصوصاً ذکر نماید .

اشعارشرح حال اکثرشعرارا مختصر آورده‌است وازبعضی شعرادریك دوسطر یادکرده و ازآنها یك دوبیت نقل کرده است مانند انسی‌ایلی و اسیری شیرازی و حسن‌بیگ‌تکلو .

همچنین درذیل‌نام‌شعرای زیرشرح حالشان رادر یك دو سطر آورده است : اویس وبلبل وتوفیق وذهنی وسالم ومحتشم‌خان فداومجرم ومستغنی .

اشعارشعرای زیررامفصل اماشرح‌حالشان‌رامختصر آورده‌است·اشرفی‌سمرقندی و اهلی‌خراسانی‌وآفرین‌لاهوری وبینش کشمیری وعبدالواسع‌حلی‌وسیادت وصهباو صافی وغنیمت پنجابی (کنجاهی) ومفید بلحی .

همچنین‌شرح‌حال‌افرادزیر رامفصل اما اشعارشان رامختصر نقل کرده‌است : ابوعلی‌سینا وآذری واحسن‌وامیرحان‌وحیاتی‌کاشانی وزایروریب النسابیگم ویحیی منیری بهاری وشکیبی وقطب‌الدین‌بختیار وداراشکوه قادری وملك‌قمی‌ومعزالدین ونطامی ونعمت‌اله ولی و واحد .

شرح‌حال شعرای‌زیررامفصل‌تر ازسایرین‌آورده‌است حلال‌الدین مولانای روم وخوشنودوبهرام یزدو و رکناکاشی و واله‌داغستانی (هرکدام‌در۳ص) وناصرعلی سهرندی (سرهندی‌–در$\frac{1}{2}$۳ص) وقطب‌الدین بختیاروناصرحنگ وحوشدل(هرکدام در ٤ص) وامیرحسرو (در$\frac{1}{2}$٤ص) و داراشکوه (در$\frac{1}{2}$٥ص) .

همچنین اشعارشعرای زیرامفصل ترازدیگران نقل کرده‌است : امیرخسرو وراغب وعرفی (هر کدام‌در ٤ ص)و میردرد و ناصرعلی سهرندی (سرهندی) ومظهر جانجانان و والا (هر کدام در ۱/۲-٤ ص) و جامی و حافظ و حزین و شوکت‌بخاری (هر کدام در۵ ص) وسرخوش (در٦ص) و شاپور تهرانی وصایب وقدرت (هر کدام در۷ص) ومحتشم کاشی (در۸ص) وواقف (در ۹ص) وخوشدل (در۱۲ص) .

سبک‌انشای مولف

سبک‌انشای مولف غالباً مصنوع است و مؤلف در آوردن عبارات مصنوع و پرتکلف‌اکثر کمال‌سعی و کوشش‌بخرج داده‌است‌وحتی‌دراین‌تلاش گاهی‌زبان سیار پرتصنع وغریب رابکار برده‌است مثلادرپایان کتاب این‌عبارت راآورده‌است :

«بیمن افضال‌ایردمتعال پیکر تذکره‌اواخرسال گذشته کسوت مسوده‌پوشیده بود امرور که‌تاریخ‌بیست‌ویکم‌شعبان۱۲۵۸ثمان وخسمین و ماتین‌والف است‌خلعت بیضه دربر کشیده وشبدیر قلم که‌در ساخت‌رقم گرم عنانی داشب بسرمنرل اختتام قیام ورزید» .

سالهارادرسراسر کتاب بر بان‌عربی‌آورده‌است .

قبل‌ازاسم‌وتخلص‌شعرایك یاچندلقب توصیفی‌آورده‌است که‌دراکثرمواردبنثر مسجع و گاهی بمناسبت تخلص یا اسم شاعر جناس دارد، مانند « عندلیب گلستان آگاهی نخبة‌السادات میرالهی» یا «مقبول بارگاه سبحانی‌شیخ‌اوحدالدین کرمانی» یا «سرمست جام وحدت وسرخوش باده‌محبت شیخ‌الاسلام ابوالنصر احمدجام»

همچنین برای « فوت شد » جمله‌ای مصنوع و گاهی به‌مناسبت تخلص شاعر جناس آورده است مانند . « . . از دارالملال (به) نزهتکده‌وصال فایز گردید» (شیخ ابوسعید ابوالخیر) «اواخر . .. مبتلای پنجه‌اجل گردید» (مبتلا) .

گاهی بعضی اصطلاحات‌آورده است که برای خواننده‌های ایرانی‌معنی‌آن روشن‌نیست مانند «ولایت» بمعنی ایران و افغانستان و«پستر» بمعنی سپس و«یکمیم سال » به‌معنی.یکسال و نیم همچنین در املای بعضی کلمات‌بجای «و» حرف «ب»

آورده‌است چنانکه :

«نبه» بجای نوه (رجوع شود به‌معز الدین موسوی) و «نبگان» بجای نو گان (رجوع شود به‌شوقی) هم‌چنین «قومشه» بجای «قمشه» (رجوع شود به‌شاه نظر) و «نمی بر— آمد بجای» بر نمی آمد نوشته‌است .

مؤلف دراین تذکره گاهی کلمات زبان اردو وحتی انگلیسی را بکار برده است مانند :

«جهاز» به‌معنی کشتی (رجوع شود به‌معز الدین) و «طیار»[1] به‌معنی آماده و حاضر (رجوع شود به‌عیاث زرباف) «باورچیخانه» به‌معنی آشپزخانه (رجوع شود به‌عالی) «لکه» به‌معنی صدهزار (رجوع شود به‌ضمیری) «پلنگ» به‌معنی تختخواب (رجوع شود به‌امیر خسرو) «گورنر جنرل» به‌معنی فرمانروای کل [2] (انگلیسی، گورنرجنرل) .

نسخ خطی

۱ — اشپرنگر ش۷۳۰ ۲ —ریوج ۳ ص۱۰۲ الف (تنها شرح‌حال—مورخ قریب ۱۸۵۰م) ۳ — اندیا آفس ۴۰۲۷[3] (۱۸۹۵م) .

چاپ

۱ — مدراس ۱۸۴۳م ۲ — بمبئی ۱۳۳۶ ش با هتمام اردشیر حاضع

برای **شرح‌حال مولف** رجوع شود به نتایج الافکار (مقدمه و شرح‌حال «قدرت») گلدسته کرناتك وصبح وطن ص ۱۴۸ - ۱۵۳ و گلزار اعظم ص۲۸۸—۲۹۰ و واشارات بینش ش۵۰ وحدیقة‌المرام محمدمهدی واصف مدراسی (بزبان عربی) چاپ مدراس ۱۲۷۹ ص ۴۷—۴۸ و شمع انجمن ص۳۹۲ واستوری ص۹۰۰)

فهرست اسامی شعرا — رجوع شود به نتایج‌الافکار چاپ بمبئی ۱۳۳۶ س .

۱ — بزبان اردو «تیار» بادت، بمعنی آماده وحاضر است .
۲ — گورنرجنرل (انگلیسی) کسیکه اززمان تسلط انگلیسها تاقبل ازجمهوری شدن هندوپاکستان ازطرف پادشاه انگلستان برشبه قاره هندوستان حکومت میکرد
۳ — این نسخه درفهرست اته ذکر نشده‌است ر.ك. استوری ح۱ ق۱ ص xvi در ذیل I.O

نغمه عندلیب[1]

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمدرضا متخلص به نجم طباطبائی ملقب به نجم الدوله افتخار الملك حسام جنگ واسم پدرش ابوالقاسم طباطبائی است . نجم در پتنه متولد شد ودر ۱۲۲۷ ﻫ بعد از خدمت نه سال بعنوان فرماندار[2] بریلی وی را بدهلی طلب کردند وآنجا اورا جانشین پدر کرده القاب پدرش را باو دادند واوهشت سال نایب خانسامان خانواده شاهی وداروغه خرانه بود . وی بعد از هفت سال خدمت بعنوان دیوان راجه راگهوجی در ناگپور بازنشسته شد وبقیه عمر خود را در لکهنو در مشاغل ادبی گذراند .

بقیه احوال زندگی وی بدست نرسید .

آثار مولف

آثار وی بدینقرار است ·

۱ ـ **اخبارات هند** ـ در تاریخ عمومی هندوستان است که مؤلف بطور جزو پنجم دایرة المعارف خود «بحر الذخار» بنام اچام ایلیات نوشته است برای نسخ رجوع شود به ریو ج۳ ص ۹۱۴ ب (مورخ تقریباً ۱۸۴۸م) وص ۱۰۱۴ ب (جلد ۲. قسمتی از این کتاب ـ مورخ قریب به ۱۸۵۰م) وص ۱۰۱۸ ب (ج ۵ قسمتی از این کتاب ـ مورخ ۱۸۴۹م).

۲ ـ **مفاتیح الریاست** در تاریخ هند است حاوی وقایعی از ۱۱۵۰ ﻫ تا ۱۲۵۹ ﻫ

---

۱ ـ در نسخه ایلیات در صفحه اول عنوان این کتاب «چهارباغ» آمده است اما در متن کتاب هیچ جا «چهارباغ» ذکر نشده است

۲ ـ Collector صلعدار (فرماندار)

که جزوچهارم «بحرالذخار» است. برای نسخ رجوع شود به‌ریو ج۳ ص ۱۰۱٤ ب (قسمتی از کتاب مورخ قریب به ۱۸۵۰م) وص۱۰۱۸ب (جلد ٦ از صفحه ۱۲٦ تا ۲۵۲ . قسمتی‌از کتاب مورخ ۱۸٤۹م) و۱۰۵۳ الف(. اوراق مربوط به‌جلد٤) .

۳ـ نغمه عندلیب ـ تذکره مورد بحث ـ جزوی از کتاب «بحرالذخار»است برای نسخ رجوع‌شود‌ریو به‌ج۳ص ۹۷۸ ب(مورخ ۱۸۵۰م که مؤلف به‌اچ ام‌ایلیات تقدیم کرده است. رجوع‌شود‌به‌تاریخ‌ایلیات‌ج ۸ ص ٤۳۲) و ص۱۰۱٤ب (قسمتی از این کتاب) وص ۱۰۱۸ب (قسمتی‌ازاین کتاب) .

٤ـ خورشیدلامع‌یامنظرالعالم‌ـ درجغرافی‌ـ جزوی‌از کتاب«بحرالذخار»است

۵ ـ مجمع‌الملوك ـ تاریخ عمومی که جزو سوم «بحرالذخار» است درحدود ۱۲٦۰ه تألیف آن‌شروع‌شد. برای‌نسخ‌رجوع‌شود به‌نذیراحمد۷۰(متعلق‌به کتابخانه محمد علی‌حسین حیدرآباد ـ بخط مؤلف) وریو ج ۳ص ۱۰۱٤ب (قسمتی‌از کتاب مورخ۱۸۵۰م) وص۱۰۵۳الف (قسمتی‌از کتاب)ونیزرجوع شود به ص۱۰٤۸الف

٦ـ زبدة‌الغرایب ـ تاریخ عمومی‌درپنج‌جلد ـ آغازدر۱۲۳۱ه وبقول‌ایلیات و دوسن دربین ۱۸۱٦و۱۸۳۰م تألیف شد برای نسخ رجوع شود به‌اندیا آفس‌دی‌پی ۲٦۲ (بلگرام ۱۳۲۲ـ جلد۵ آن در ذکر فلاسفه وعرفا وشعرا وغیره‌است ـ بخط مؤلف) ریوج۳ص ۱۰٤۲ب (قسمتی‌ازجلد۵ مورخ‌قریب‌به۱۸۵۰م) وص۱۰۲٦الف. (فقط مقدمه وفهرست‌دارد ـ مورخ قریب به۱۸۵۰م) وص۱۰۵۳الف (قسمتی‌از ج ٤ راجع به تیموریان هند) .

تبصره بر کتاب

«نغمه‌عندلیب» رامؤلف در ۱۲٦۱ه تالیف نموده‌است چنانکه اسم آن ازروی ابجد می‌رساند ـ تذکره کوچکی است در۲۲۸ صفحه که مؤلف بنام واجد علیشاه پادشاه اود (۱۲٦۳-۱۲۷۲ ه) نوشته است و مشتمل‌است بر دو روضه ـ روضه اول شامل پنج بهاراست بقرار زیر

۱ - در دستورفارسی (ص۷) .
۲ - درانواع شعرفارسی (ص۱۱الف) .
۳ - درصنایع شعری (ص۱۳الف) .
٤ - درقافیه و ردیف (ص۱٥ الف)
٥ - شرح حال مختصر قریب به ٤٥٠ شاعرمتقدم ومتاخر آن بترتیب الفبا

که اکثر آن مهم نیست (ص ۱۹ تا ۲۰۰ ب) اما شرح حال شعرای هندی نژاد وآن‌هم مخصوصاً ازشعرای معاصرمؤلف تا اندازه‌ای مفید است . غالباً اشعارشعرا را نقل کرده‌است بدون‌شرح‌حال آنها اما قسمت شعرای هندمفصل‌تراست . شرح‌حال خودرا باانتخاب اشعارخودتحت‌نام«نجم» درص۱۸٤-۹ آورده‌است وشرح‌حال خانواده‌خود راتحت آغا (اقتدارالدوله سیدمحمدخان) در ص ۲۷ - ۳۰ آورده‌است

روضه‌دوم‌شامل‌دوحدیقه‌است-حدیقه‌اول‌درموسیقی‌یونانی(ص۲۰۱الف)وحدیقه دوم‌درموسیقی‌هندی‌است(ص۲۰۳ب)

رویهمرفته این‌تذکره زیاد اهمیت وارزش ندارد و مؤلف توجه بخصوص درجمع‌آوری‌مطالب آن‌صرف‌نموده وتنهاذکراسامی‌شعرا اکتفانموده ودوسه‌بیت ازآنان‌نقل کرده است وتنهادرمورد شعرای هند که معاصرمؤلف بودندبعضی‌مطالب مفید وباارزش دارد .

نسخ خطی

۱ - ریو ج ۳ ص ۹۷۸ ب (مورخ تقریباً ۱۸٥۰م که‌مؤلف به اچ ام ایلیات تقدیم کرده‌است .رجوع‌شود به‌تاریخ‌ایلیات ج ۸ص٤۳۲) ص۱۰۱٤ب (قسمتی‌ازاین تذکره) ص۱۰۱۸ب (قسمتی ازاین‌تذکره)

برای **شرح‌حال مولف** رجوع‌شود به نعمه عندلیب تحت‌نام نجم ومفاتیح‌- الریاست (مقدمه) وتاریخ هند تألیف ایلیات و دوسن ج ۸ ص۳-٤۳۲و۷-٤۳٦وریو ج ۳ ص۹۱٤

فهرست‌اسامی شعرا - رجوع‌شود به نسخه ریوج۳ص ۹۷۸ب

حدایق الشعرا

مؤلف

اسم‌مؤلف این کتاب میرزا امیر بیگ متخلص به امیر بنارسی است . وی از زمان سعادت علیخان (۲۹-۱۲۱۲ه) تا زمان محمدامجدعلیشاه(۶۳-۱۲۵۸ ه) درخدمت سلاطین‌اود بود

تبصره‌بر کتاب

مؤلف تألیف‌این کتاب‌را در۱۲۱۱ ه بفرمایش طغرالدوله فتح‌علیخان کپتان آغاز ودر۷ شعبان ۱۲۶۲ه تمام کرده‌است .

این تذکره مشتملست‌برذکر ۲۶۰۹ شاعربترتیب الفبا که اول‌آنان «آبرو» وآخرشان«محمدیوسف‌خان ابهری»است.ذکراین‌شعرارا در۳۱«حدیقه» (ازصفحه ۸تا صفحه۱۶۶ب)آورده است وهر حرف راتحت یك‌حدیقه نقل کرده‌است

همچنین‌این تذکره مشتملست برقسمتهای زیر

۱- ۳۰«شجره»درالقاب‌صحیح ملوك وشعرا (ص ۱۶۶ب الی ص۱۸۳)

۲ - ۳۰«دوحه»دراسامی ـرست جغرافی (ص۱۸۳ الی ص۲۱۳)

۳ - دو «ثمره» در اسامی‌وتواریخ جلوس و مدت سلطنت ملوك از دوره قبل ازاسلام درایران ودنیای اسلام (ص۲۱۳الی‌ص۲۲۹)

٤ -هفت«نخله» درباره‌هفت زبان محلی ایران (هروی و سگزی وغیره) (ص۲۲۹ب‌الی‌ص۲۳۰)

٥ - ۳۰«نتیجه» که‌مجموعه‌اشعارشعرا بترتیب ردیف میباشد .

چنانکه ازفهرست محتویات این کتاب‌معلوم میشود کتابی‌است بسیارمفید و مطالب‌واطلاعاتی که درآن‌جمع‌آوری شده بسیاربا ارزش وسودمند میباشد

نسخ خطی .

۱ - ۲۰۲ ایوانو کرزن ۷۰۲ - محتملا بخط مؤلف است .

۲ - بوهار فهرست نسخ عربی - ص ۵۲۹ - ۵۳۰ (تنها حدیقه‌ها وشجره‌ها دارد) .

فهرست اسامی شعرا . درهیچ کتاب ذکر نشده است

خزینة الشعرا

شرح حال مولف

اسم مؤلف سیدعلی کبیرالمدعو (یاعرف) محمدمیر نحان اصلا احملی است اسم پدرش سیدعلی جعفر حسین محمدی جنیدی حنفی نقشبندی است و اصل او ارشهر اله آباد هند است

مؤلف در ۲۸ محرم ۱۲۱۲ هـ بدنیا آمده ومادر وپدروی ار اولاد عارف وفاصل معروف نام شاه خوب اله که اسم اصلی وی محمدیحیی است بودند . مؤلف چندین کتاب درفقه وغیره تألیف کرده ویك دیوان وچندین مثنوی نیر سروده است .

همچنین کتاب « سرالشهادتین » تالیف عبدالعزیز دهلوی را در ۱۲۵۱ هـ درعاری پور ارعربی بفارسی بنام (اظهار السعادة فی ترجمهٔ اسرار الشهادة) ترجمه کرد که در ۱۲۵۳ هـ بامتن عربی در کلکته بطبع رسیده است .

فهرست اسامی آثار دیگر مؤلف ز « خزینة الشعرا » درص ۱۸۵ ب و ۱۸۶ الف آمده اس

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب رابسال ۱۲۶۰ هـ آغاز نموده است چنانکه خود اسم کتاب « خزینة الشعرا » میرساند وبسال ۱۲۶۵ هـ آنرا باتمام رسانید چنانکه بقول خودش « واقعات النادرات » ازروی ابجد میرساند

این تذکره مشتملست برذکر ۱۹۰ شاعر که اول آن ناصرعلی سرهندی (متوفی در ۱۱۰۸ هـ) است

تقریباً تمام‌شعرائی که‌ذکرشان‌دراین کتاب آمده‌است اصلاً هندی‌هستندوا کثرآنان ازشاگردان ودوسان وخویشاوندان شاه‌خوب‌اله‌سابق‌الذکرومحمد افضل متخلص به‌محقرالهٔ آبادی عموی‌مؤلف میباشند .

نسخه خطی

اندیاافس ش۳۸۹۹[1] (مورخ ۸ ۱۹م) .

برای‌شرح‌حال‌مولف‌ـرجوع‌شودبه‌خزینة‌الشعرا ص۱۸۰ـ۱۹۶

فهرست‌اسامی

درهیچ کتاب ذکرنشده‌است .

اشارات‌بینش

ابتدا:

حمد بدیعی که زبان معنی پروران مصرعیست درصف ابداع مایه کلام او ثنای ناظمی که لب سخندان بیتی است درستایش نظم باتطام او منحصر بگفتن

شرح‌حال‌مولف

اسم مؤلف سید مرتضی متخلص به بینش است و وطن قدیم آبای او مشهد مقدس است ونسبش‌بچند واسطه بحضرت امام حسین‌میرسد . جدبزرگ او ازمشهد هجرت نموده روی‌بدکن‌آورد ودرشهر گلبرگه رحل‌اقامت افکند. یکی‌ازاجداد

۱ـ این‌نسخه درفهرست اته‌ذکرشده‌است رجوع‌شود به‌استوری ج ۱ ق۱ ص xvi دردیل عبارت .I O

وی شاه ابراهیم مصطفوی[1] حسینی که خال قدوة السالکین زبدة العارفین سیدمحمد گیسودراز است وازاولادش شاه نوراله حسینی است در زمان حکومت نواب سعادت‌اله خان وارد ملك کرناتك شده دردار النورمحمدپور(ارکات)اقامت گرید ودر جنگ با فرانسویها درشهر جیت پهته شهید شد

سپس فرزند وی شاه نوراله ابراهیم حسینی کو جدمؤلف بود در عهد پسدر اعظم رخت اقامت به چیناپتن کشید وبعرب واحترام تمام بسرمیبرد[2] . پدرمؤلف میرصادق علی رضوی الحسینی مدراسی مختلص به صادق محصوصادر«ماده تاریخ گوئی» یدطولائی داشت وهنگامیکه نواب عازم زیارت عتبات شد اوعبارت« یاعلی موسی‌الرضا» (= ۱۲۳۸ه) که «ماده تاریخ» آن‌واقعه بود برنقره پاره کنده و خدمت نواب‌تقدیم کرد بالاحره میرصادق در۱۲۵۳ه رحت‌ازاین جهان برست.

برادر بزرگ مؤلف میرمهدی‌الحسینی متخلص به ثاقب (متولددر۱۲۲۳ ه) ازشعرای معروف مدراس بودوبیرمثل‌پدردر «ماده‌تاریخ گوئی»مهارتی بسراداشت

دربیشتر سال ۱۲۲۷ ه در مدراس متولد شر و بفیض تربیت پدر خود در دوازده سالگی نوشتن‌و خواندن فارسی‌را یادگرفته وبرودی بگفتن شعرپرداخت وچون سلیقه‌واستعداد خاصی برای این فن‌داشت طبعاً دراین میدان مهارت‌بسرائی بدست آورد.

مؤلف محبوب الزمن (اردو) درذیل‌نام بیش مینویسد.« بیش نزد علمای مدراس کتب درسی عربی وفارسی‌خواند واول پیش‌پدر و برادر خود مشق سخن میکرد وبعدازآن ازمولوی واقف‌استفاده کرد.وی ذکی‌الطبع وصحیح الفکر و خوش تقریر و درحال خوابی بیمثل‌ونظیر ودر شعروشاعری بی بدل و عدیل بود

۱ــ صبح گلشن ص۷۵ مصطفی ومحبوب الزمن ص۳۰۵ .شاه‌ابراهیم‌مصطفی

۲ــ ایضاً. بقدردانیهای نواب‌امیرالهند والاجاه محمدعلی‌خان بهادر مختص گشته مدراس را موطن ومسکن‌ساخت .

مدتی در حیدر آباد آمد اقامت داشت سپس بمدراس رفته عضو انجمن «مشاعرهٔ اعظم» شد و باشعرای معاصر خود مناظره ومعارضه میکرد سرانجام در ۱۲۶۵ه عازم مکه شد و بعد ازتحمل شداید بسیار درراه بالاخره بادای حج و زیارت موفق و مشرف شد و بعد از یکسال بوطن مألوف (مدراس) مراجعت نمود و بعد از مدتی اقامت داشت. اماسال وفات وی درهیچ تذکره ذکر نشده است.

در «گلزار اعظم»[1] آمده است که بینش درسال ۱۲۶۵ ه از نواب اعظم مرخصی برای سه سال گرفته بقصد زیارت عتبات عالیه عازم آن مواقف مقدسه شد. چون به بصره رسید بعلت خرابی هوا اهل قافله بعارضه تسولرزه مبتلا شدند و انتظام قافله بکلی بهم خورد ودرهمان عالم هراسانی بعضی بسوی بغداد شتافتند و برخی براه نجف اشرف افتادند بینش هم بمرض تسولرزه مبتلاشد امادیری نگذشت که اوهم به نجف اشرف رسید ویکهفته در آن سرزمین اقامت داشت وچون آنجا کسی را ندید که ازوی مواظبت وپرستاری کند به جانب کربلای شتافت امارویکه وارد بقعه مبارکه شد «نقدجان را نثار آن آستان غربت نشان نموده درصحن روضه مبارکه بیاسود».

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب راسال ۱۲۶۵ هجری تألیف نموده است خوداسم این کتاب «اشارات بینش» ازروی اعداد تاریخ اتمام آن (۱۲۶۵ه) رامی رساند.

درمورد سبب تألیف این کتاب مؤلف دردیباچه چنین توضیح داده است که درسال ۱۲۶۲ه مجلس مشاعره بریاست خان بهادر راقم دردارالخلافه (مدارس) تشکیل شد و در آن مجلس «واقف» و «قدرت» حکمین مناظره انتخاب شدند رئیس این کمیته نواب اعظم جاه بود. مؤلف بطریق سیاحت سری بحیدرآباد کشید امیر اعظم جاه اورا درسلك

---

۱. ر ك گلزار اعظم ۱۲۲ ـ ۱۱۹

ملارمان خود قرارداد، روزی بخاطر مؤلف گذشت که شعرائیکه قبل ازاو بودند برای آنها تذکره های متعدد تألیف شده ودردسترما به بطوریادگاراست اما تذکره شعرائی که درزمان نواب مزبور بوده اند هیچکس ننوشته و بنا براین جمع آوری تمام غزلیات «مشاعره» وآثارسخنوران آن عصر ازهرشهر وديار پرداخت و بقدر استعداد خود آنهارا انتخاب وترتیب داد واحوال هر کدام ازاین شعرارا بایجاز و اختصار نگاشته این نسخه را به «اشارات بیش» که ماده تاریخ اتمام آنست موسوم نمود.

این تذکره مشتمل است برمقدمه وشرح حال وآثارشعرا وخاتمه در مقدمه مؤلف درباره سبب تألیف کتاب توضیح داده و این کتاب را بنام نواب محمد غوث خان شهامت جنگ (١٢٤٢-١٢٧٢هـ) حاکم کرناتك عنوان کرده است. در خاتمه کتاب دو «قطعه تاریخ» خاتمه کتاب ازمبارك اله خان راغب وفایزویك قطعه ازخان بهادرراقم ومورجنگ نظیروحشمت وذهن و ذکاوثاقب وندرت ووفا و امیروعلام دستگیر لایق (از هر کدام يك قطعه) نقل کرده است که هر قطعه آن سال تألیف این کتاب (١٢٦٥هـ) را میرساند

این تذکره مشتمل است براحوال واشعارمنتخب ازهفتاد وهفت تن[1] ازشعرای کرناتك است که معاصرمؤلف بودند واکثرشان در «مجلس مشاعره» که نواب اعظم جاه تأسیس نموده بودشرکت داشتند

شرح حال اکثرشعرارا درنصف صفحه یا يك صفحه آورده است واشعارآنان را دريك صفحه نقل کرده است اما درذیل نام شعرای زیرشرح حال آنان را نسبة مفصل آورده است

بصارت وثاقب وحاجب وذکاوراغب وصادق (هر کدام در دو صفحه) و قمر (در $2\frac{1}{2}$ص) واعظم (٤ص) و بینش (مؤلف در٥ص) ورویهم رفته شرح حال خودرا مفصل تر ازهمه آورده است

١- استوری - ٦٦ یا ٦٩ تن -

همچنین اشعارشعرای زیررا نسبة مفصل نقل کرده است.

انواروبیهوش وشایق وعشق وفایق ومعاون ووالاوواقف وولا(هر کدام در۲ص) وفاروق وقدرت وقمروواصف (هر کدام در ۲½ص) و راقم ورسا وفرصت (هر کدام در۴ص) وواعظم ورونق(هر کدام در۳½ص) وثاقب وراغب وصاحب(هر کدام در۵ص) وبینش (مؤلف در۷ص) وذکاو (در۹ص) ورویهم رفته اشعارخودود کاراارهمه مفصل تر آورده است

درذیل نام شعرای زیردوسه سطردرشرح حال آنان وسه چهاربیت ازاشعارشان آورده است.

احقروبینواوجوهرواحمدی وبیخود وسعید وضمیرورفعت وناظروقدیروقدرت وواجدویگانه.

درذیل اشعار شعرای زیراشعاری که خودمؤلف درجواب آنها سروده است نیز آورده است:

سه بیت درذیل اشعاربیهوش	دو بیت در ذیل اشعار ثاقب
یك » » » حاجب	یك » » » خوشنود
» » » دید	سه » » » راعب
دو » » » رایق	چهار» » » راقم
یك رباعی درذیل شرح حال رایر	یك بیت درذیل اشعارصاحب
یك بیت درذیل اشعارضمیر	» » » » علیم
دو » » » فاروق	سه » » » » فایق
دو » » » قدرت	دو » » » » مجرم
یك » » » معاون	سه » » » » نامی

اشعاربعضی شعرا را بااشعاردیگران مقایسه نموده است چنانکه اسعاروصال را بااشعارحبیب ا'ه دکاوشعرخود راباشعر کلیم همدانی

مؤلف درفن «ماده تاریخ گوئی» مهارتی بسرا داشت و«ماده تاریخ» فوت شعرای

ریرا که حودش گفته‌است درذیل‌شرح‌حال آنها آورده‌است:

«ماده‌تاریح» فوت بصارت‌وماده‌تاریخ‌فوت‌معشوقه‌راغب(که کلمه«راغب»سال فوت آنرا میرساند).

همچنین مؤلف ماده‌تاریح تألیف‌رساله‌ای‌درعلم عروض که محمدعزیرالدین متخلص به‌دیدتألیف‌نموده‌بود«محمع‌العروض»(=۱۲۶۰ه) گفته وماده‌تاریح تدوین دیوان ریخته (اردو) محمد حبیب‌اله دکا نایطی‌را «چشم‌بینش‌روشن»(=۱۲۶۱ه)

سبك مولف‌غالباً ساده‌وغیرمصنوع‌است غیرازدیباچه که آنجا گاهی‌بنوشتن‌نثر مصنوع‌پرداخته‌است

درذیل‌نام بعضی شعرا القاب‌تعریفی‌آنان‌را بنثرمسجع آورده‌است:

اعظم . امیرعالی‌تبارخدیومعدلت‌آثار ..

حسن عالم‌یگانه وفاضل‌فرزانه....

حوشنود حقایق‌آگاه معاون‌دستگاه .

راغب سلالة‌السادات الکرام حلاصة الامرای‌العظام ..

صاحب عالی‌مناصب‌والامناقب

همچنین برای «فوت‌شد» حمله‌ای مصنوع‌آورداست مانند

بیهوش . (در۱۲۶۰ه) ازتلاش معنی‌بیگانه بجستجوی‌یگانه برحق‌شتافت.

نسح

ایوانوکررن‌ش۶۱(بااضافات وتعبیرات محتملا بدست خود مؤلف)

چاپ

مدارس ۱۲۶۸ه (در۲۰۳صفحه)

برای **فهرست‌اسامی‌شعرا** رحوع‌شودبه‌ایوانوکررن‌ص۶۸-۷۰(اسم ۶۰شاعر)

برای **شرح‌حال‌مولف** رحوع‌شودبه‌اشارات‌بینش‌وصبح‌وطن ص۳۸-۴۲وصبح گلشن ص۷۵و گلزاراعظم ص۲۲-۱۱۹و استوری ۹۰۰-۹۰۱و۹۰۴-۹۰۳

گلزار اعظم

ابتدا

ای حمد تو ورد دل وجان شام و پگاه   وی نام تو بر نوك زبان درهمه گاه
بی فضل تو سویت نتوان بردن راه   لا حول و لا قوة الا بالله

شگفتگی گلزار سخن به اهتزاز نسیم حمد بهار آرائیست که چمنستان خیالات رنگین را به آبیاری مضمون دلنشین در خطه قلوب نحلبندان حدیقه نکته دانی سرسبز و شاداب گردانید و گلستان صنایع لطیفه و بوستان بدایع معنویه را برنگ و بوی بلاغت و آب و تاب فصاحت در گلزمین افتده گلچینان گلشن دقیقه یابی کل گل شکفانید»

مؤلف

اسم مؤلف نواب محمد غوث خان بهادر متخلص به اعظم است (برای شرح حال اورجوع شود به «صبح وطن» در این کتاب).

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۲۶۷ ه آغاز[1] و در ۱۲۶۹ ه باتمام رسانیده است اسم این تذکره تاریخی است یعنی از روی ابجد سال تألیف کتاب را میرساند. همچنین مؤلف درمقدمه کتاب قطعه ذیل را آورده است که سال تألیف این کتاب (۱۲۶۹ ه) را می رساند.

چو تیار شد گلشن بی خزان   که افزاید از سیر آن عقل و هوش
شدم درپی نام و تاریخ او   ندا کرد «گلزار اعظم» سروش
(= ۱۲۶۹ ه)

۱ــ مؤلف درمقدمه کتاب مینویسد درعرصه (مدت) دو سال شاهد مدعا را بحله انصرام آراستم «و چون سال اتمام کتاب ۱۲۶۹ است بنابراین مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۲۶۷ آغاز نموده است

دژمنوژد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است که وی در ۱۲۵۷ھ بتحریر تذکرهٔ شعرای الکای کرناتك (یعنی تذکره «صبح وطن») پرداخته ودر آن غزلیات هریك از آنها را بدون انتخاب یعنی کامل آورده بود[۱]. سپس مؤلف خواست تذکرهٔ تازه‌ای بنویسد وطی آن انتخاب اراشعار شعرای وشرح حال آنهارا با بیان سال و محل تولد و آثارشان وغیره بکمال دقت وتحقیق ترتیب دهد تا اینکه تذکره «معدن الجواهر» تألیف واصف بملاحظه رسید وبوضوح پیوست که مؤلف آن تذکره بر اشعار بعضی اساتید سخن اعتراضات بیجا وبی محل آورده وبنا بر این درجواب آن تذکره مؤلف بترتیب این تذکره (گلزاراعظم) پرداخت.

مؤلف اسم مآخذ این کتاب را درمقدمه یا خاتمه کتاب ذکر نکرده است اما درذیل شرح حال شعرا اسم کتابهای ذیل را آورده است که درتألیف این کتاب مورد استفادهٔ وی قرار گرفته است:

۱ــ کلمات الشعرا (رجوع شود به ترجمه حال اعظم).

۲ــ تذکره خان آرزو (رجوع شود بشرح حال اعظم).

۳ــ سرو آزاد (رجوع شود به ترجمه حال اعظم).

۴ــ نتایج الافکار (رجوع شود به شرح حال خوشدل).

۵ــ مرآت الخیال (رجوع شود به شرح حال واصف)

۶ــ گلدسته کرناتك که گاهی تنها اسم آن را «گلدسته» نوشته است) رجوع شود به شرح حال عزت وعاصی)

۷ــ منتخب اللغات میر عبدالرشید تتوی (رجوع شود به ذکر خالص).

این تذکره مشتمل است برذکر چهارصدوسی وسه (۴۳۳) شاعر کرناتك بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «آگاه مولانا محمدباقر» شروع شده با «یاد مولوی خواجه حمیدالدین» تمام میشود تقریبا تمام این شعرا معاصر نواب اعظم مؤلف بودند

۱ــ ر ك «صبح وطن» در این کتاب

شرح حال شعرای زیر را مفصل آورده است: ابجدی و بهار و بهجت و حسن و رایق و مختار سیف الملک و مجرم و معاون و نامی مولوی تراب علی و ناظر و وفا و واقف (هر کدام در ½ ۱ ص) و نورالدین انور و اکرم و بینش و ذوقی و رفیع و شایق و قربی و قدرت و معجز (هر کدام در ۲ ص) و خوشدل و راقم و مهربان (هر کدام در ½ ۲ ص) و خوشنود و محفوظ (هر کدام در ۳ ص) و مولانا محمدباقر آگاه نایطی و اعظم (مؤلف) و ماجد (هر کدام در ٤ ص) و والا (در ۵ ص). رویهمرفته شرح حال والا را از همه مفصل تر آورده است.

اشعار شعرای زیر را مفصل آورده است: خاجی و دستگیر (هر کدام در ½ ۱ ص) و اکرم و بهجت و بلیغ و خوشنود و خالص و رایق و شایق و صاحب و فاروق و معجز و معاون و مخلص و نامی غلام الدین و واله سید محمد موسوی (هر کدام در ۲ ص) و ذوقی (در ½ ۲ ص) و ثاقب و راغب و قدرت (هر کدام در ۳ ص) و آگاه مولانا محمد باقر نایطی و انور و احسن و فایق و مهربان (هر کدام در ½ ۳ ص) و ماجد (در ٤ ص) و رونق و واقف (در ½ ٤ ص) و بینش و والا سیدابوسعید (هر کدام در ۵ ص) و راقم در ½ ۵ ص) و اعظم (مؤلف) (در ½ ۱۲ ص)

رویهمرفته مؤلف اشعار خودش را مفصل تر از سایرین آورده است.

اشعار خود را در ذیل اشعار شعرای زیر نیز نقل کرده است: محمدباقر آگاه وخوشدل و راغب و فایق و قدرت و مهربان و ماجد و والا

در ذیل اشعار رونق اشعاری را از سید محمد خلوص و اعزالدین خان نامی و شایق علیخان شایق و همچنین دو رباعی را از حکیم عبدالباسط عشق در ذیل اشعار فاروق نقل کرده است

در ذیل شرح حال خود جواب اعتراضاتی را که واصف بر ٤۳ بیت ناصرعلی در تذکره خود آورده بود (در ۲٦ ص) داده است و در دو صفحه از ناصرعلی تعریف کرده است

در ذیل نام ماجد اعتراضات وی را بر اشعار دیگران (در ½ ۵ ص) نقل کرده است همچنین در ذیل نام واصف اشتباهات تذکره مرآت الخیال را در دوصفحه

(ص ۴۰۰-۴۰۱) واشتباهات واصف را که بقول مؤلف وی در تذکره «معدن الجواهر» مرتکب شده است در ۳ صفحه + ۱۶۴ صفحه (ص ۴-۴۰۲ و ص ۲۵-۴۰۹) ورساله مولانا آگاه را که مشتمل است برجواب اعتراضی بر بیتی تحت عنوان «فایده» در پنج صفحه (ص ۹-۴۰۵) آورده است.

در ذیل اشعار شعرای زیر اعتراضات واصف وشعرای دیگر را که آنها بر اشعار این شعرا وارد آورده اند ذکر نموده وغالباً خودش جواب آنها را یاد کرده است: مولانا محمد باقر آگاه (در ۴ ص) وبینش (در ۶ ص) وبهجت وبلیغ وثاقب (در ۷ ص) وخوشنود وخالص وشاعر (در ۴ ص) وفاروق وفرحت (در ۷ ص) و قدرت وقدیر و مخلص ووالا و ولا وواقف وواصف [1] (در ۴ ص)

در ذیل شرح حال شعرای ذیل اسم آثارشان رامفصل ذکر کرده است: ابجدی وخوشنود وماجد و واصف.

در ذیل نام راقم (ص ۲۲۳) تحت عنوان «فایده» شرحی درباره قافیه شایگان (ایطای جلی وخفی) آورده است.

در ذیل شرح حال ابجدی حکایات حالبی درباره احنه نقل کرده است

مؤلف درذیل اشعارشعرای زیر بر بعضی اشعار شان ایراد گرفته است. احسن ورایق وفرحت ومعاون و واقف و واصف.

در این تذکره مؤلف غالب اشعار را ازغزلیات انتخاب کرده و گاهی غزلیات کامل را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام اسد در این کتاب.

ازمطالعه این تذکره چنان برمیآید که هنوز در بعضی نواحی هند فارسی خیلی رواج داشته و بسیاری ازشاعران وادبیان این قسمت هندوستان بفارسی شعر میسروده اند وکتابهائی مینوشته اند وحتی عده ای از آنها باین زبان دیوان شعرهم داشته اند چنانکه در «گلزار اعظم» آمده است که شعرای ذیل صاحب دیوان فارسی بودند

۱- استثنائاً اینجا اعتراضات معترضین را با اعتراضات واصف ذکر کرده است ودرهیچ مورد بجواب این اعتراضات نپرداخته است

مولوی محمد باقر آگاه وشیخ محمدامین امین ومولوی میرزا اسمعیل خان ابجدی و نورالدین محمدخان انور وسید نظام الدین احقر وحافظ شاه انوارالحق انوار نقشبندی و غلام احمداحمدی ورضاحسین خان بهادر افسروشاه محمد عزیزالدین قادری دید و سیدعبداللطیف ذوقی وسیداحمد راغب ومولوی محمد حسین راقم قادری وسیدمحمد خان بهادر سخن اصفهانی وغلام محی الدین شایق وشمس الدوله غلام عبدالقادرخان شمس ومیرعلی مردان یکدل ومولوی شاه وجیه اله طالب و مولوی عبدالودود عاشق و قدرت اله خان قدرت و مولوی حافظ شاه عبد القادر مهربان و ذوالفقار الدوله محمدعلی حسین خان بهادر[1] وسیف الملك محمد انورخان خان بهادر مختار وغلام - محی الدین محو

همچنین بعضی ازاین شعرا تالیفات دیگرهم بفارسی داشته اند که برخی از آنهارا نواب اعظم در تذکره «گلزار اعظم» ذکر نموده است مانند: بهجت وتمنا ومولوی محمد حسن حسن و خوشنود و شاه محمد عزیزالدین دید قادری و ذوقی و راقم و شایان و شمس وشاعر و میرمرتضی منروی ومهربان ومولوی تراب علی نامی و ناطر و والا و واصف .

سبك انشای مؤلف

سبك انشای مؤلف غالباً ساده است اما گاهی سعی کرده است نثرمصنوعی بنویسد مخصوصا درموقع تعریف شعرا بنثرمصنوع پرداخته است

درذیل نام اکثرشعرا درموقع نقل اشعار آنان جمله ای مصنوع بمعنی «اینك اشعاراو» و غالباً بمناسبت تخلص شاعرجناس آورده است مثلا :

ابجدی - دردبستان سخن ابجدمضامین بدین آئین تعلیم میکند

قاضی احمد احمد قاضی فکرش در دار الانصاف معنی یابی چنین داد سخن سنجی میدهد

۱ـ اینجا اعتراضات معترضین را اعترافات واصف ذکر کرده است ودرهیچ مورد جواب این اعتراضات پرداخته است

امداد : بطبع وقادش بدینگونه امداد سحن میکند .
امتیاز : چهره شاهد کلامش بغاره رنگین مضامین بدین آئین حسن امتیاز دارد.
حاجی : حاجی فکرش درجبل العرفات ونگین خیالی باین نازك ادائی لبیك

همچنین درذیل نام اکثر شعرا جمله‌ای مصنوع بمعنی « فوت کرد » آورده است مثلا :

ابجدی : درسنه ۱۱۹۳ﻫ ازاین دارفانی رخت هستی بربست .
انست : درسنه ۱۲۰٤ ﻫ رخت هستی ازاین جهان گذران بربست و بـه شهر حاموشان پیوست .
اطفری : در۱۲۳٤ﻫ رخت ازاین جهان فانی بربست وبرچهار بالش ملك جاودانی مربع نشست

رویهمرفته این تذکره ازلحاظ اصالت مطلب وانتخاب اشعارخیلی مهم است مخصوصاً ازنظر نقدشعر بعدازتذکره آرزو میتوان آنرا بهترین تذکره حساب کرد.

نسخه‌خطی رجوع شود به آصفیه ح۱ ص۳۲۲ ش۳۸ (مورخ۱۳۰۲ﻫ) .

چاپ ـ درمدراس مطبع سرکاری(دولتی) بسال۱۲۷۲ﻫ بطبع رسید .

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به چاپ مدراس ص۷ـ۲ .

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به بحث درباره «صبح وطن» دراین کتاب.

فصل سوم

از آغاز سلطنت انگلستان (۱۸۵۷م=۱۲۷۴ه) تا ۱۹۳۰ م مطابق ۱۳۴۹ ه

ملاحظات عمومی

بر

فصل سوم

(۱۲۷۴ - ۱۳۴۹ ه)

وضع سیاسی و اجتماعی این دوره

در این دوره انگلیسها در نتیجه دسایس و توطئه های دامنه داری که برای برانداختن سلطنت تیموری درهند چیده بودند بالاخره توانستند نقشه‌خودرا عملی سازند و بعداز فرونشاندن شورش ۱۸۵۷ م /۱۲۷۴ ه[1] درهمان سال طبق اعلامیه صادره از طرف سلطنت انگلستان بحکومت کمپانی هند شرقی[2] خاتمه‌داده شد و ملکه ویکتوریای انگلستان « باکمال لطف » سرزمین هندوستان را جزو مستعمرات خود قرارداده و نماینده خودرا بعنوان حاکم اعلی[3] و نایب السلطنه[4] انگلستان برای شبه قاره هندوستان فرستاد تا گفته نماند که تا استقلال کامل[5]

۱ - در تاریخ هند این شورش را بنام « غدر » (Mutiny) یاد میکنند این اولین کوششی بود از طرف اهالی هندبرای بیرون کردن انگلیسها از آن کشور که متاسفانه نتیجه مثبتی نبخشید والا سرنوشت تاریخی آن سرزمین بکلی عوض میشد و درتاریخ هنددوره‌ای بنام « دوره استعمار انگلستان » که تقریباً صد سال طول کشید دیده نمیشد

۲- East India Company

۳ - Governor-General

۴- Viceroy

۵ - پاکستان و هندوستان روز ۱۴ و ۱۵ اوت ۱۹۴۷ مستقل شدند اما هندوستان روز ۲۶ ژانویه ۱۹۵۰ م وپاکستان روز ۲۳ مارس ۱۹۵۶ م جمهوری شد اولین حاکم اعلی پاکستان مرحوم محمد علی جناح و اولین حاکم اعلی هند همان لرد مونت باتن (Lord Mountbatten) که قبل از استقلال وتقسیم شبه قاره هند بعنوان حاکم اعلی ازطرف دولت انگلستان برهندوستان حکومت میکرد . ازطرف رهبران سیاسی و ارباب حل و عقد آن کشور بود انتخاب شد وتا دور جمهوری بعنوان حاکم اعلی برهندوستان حکومت میکرد

هند وپاکستان انگلستان بوسیله همین حکام اعلی و نواب السلطنه بر هندوستان حکومت میکرده است

وضع زبان و ادب فارسی دراین دوره

دراین دوره انگلیسی بزودی جای فارسی را بعنوان زبان رسمی و اداری مملکت هند گرفت اما در اواخر سلطنت انگلستان در نتیجه اصرار اهالی هند دراکثر نقاط هندوستان استعمال زبانهای داخلی و محلی مانند اردو و هندی و بنگالی در بعضی ادارات محلی مانند دادگاهها مجاز قرار داده شد

در هرحال فارسی که قبل از سلطنت انگلیسها زبان رسمی وادبی هندوستان بودجای خودرا بانگلیسی و تا اندازه‌ای به بعضی زبانهای داخلی دادوحتی بتدریج درمیدان ادبی نیز انگلیسی واردو و هندی وبنگالی وبعضی زبانهای محلی دیگر جای فارسی را گرفتند

اما هنوز در این دوره محبوبیت شعر و ادب فارسی درهندوستان بکلی ازمیان نرفت ودر بعضی نواحی نیم مستقل مانند حیدرآباد دکن و بهوپال بعلت تشویق حکام آنجا وهمچنین در بعضی نقاط دیگر هند بسبب دوق ادبی، مردم بفارسی شعر میسروده و گاهی بنوشتن کتب فارسی میپرداخته اند

تذکره نویسی در این دوره

از میان سیزده تذکره فارسی که در این دوره درشبه قاره هندوستان تألیف شد تقریباً نصف آن یعنی شش تذکره در بهوپال ترتیب داده شد که از آن شش کتاب سه کتاب تذکره را نواب صدیق حسن خان نایب ریاست بهوپال و دوپسر او تهیه نمودند و همچنین دو کتاب دیگر بنام اختر تابان وتذکرة الخواتین نیز بنام نواب شاه جهان بیگم والیه بهوپال عنوان شده و یك تذکرة دیگر را نیز صبا نه یا موی یکی ازاهالی و کارمندان ریاست بهوپال ترتیب داده‌است همچنین تعداد زیادی از کتب فارسی در موضوعات مختلف باهتمام و کوشش وتشویق حکام

ادب پرور حیدر آباد دکن وبهوپال محصوصاً نواب شاهجهان بیگم و نواب صدیق حسن خان تألیف و منتشر شد .

ار میان تمام تذکرة های فارسی این دوره تنها تذکرة الحواتین رایك نفر ایرانی سام میرزا محمدملك الکتاب شیراری ىنام نواب شاهجهان بیگم نوشته است وبقیه را نویسندگان هندوستان تألیف و تنظیم کرده اند

از تذکره های این دوره ریاض الفردوس و شمع محفل سخن وشمع انجمن و صبح گلشن وروز روشن و تذکرة الشعراء عبی تذکره های عمومی هستند یعنی شامل شعرای متعدم ومتأخر میباشد و نگارستان سخن تنها درباره شعرای متأخر و «هفت آسمان» درباره کسانیکه مثنوی (دربحر سریع) سروده اند واختر تاباں وتذکرة الحواتین ملك الکتاب شیرازی وحدیقه عشرت تنها درباره زنان شاعر فارسی و تکمله مقالات الشعرا در ذکر شعرای متأخر سند وسخنوران چشم دیده درباره شعرای معاصر محصوصاً ارحیدر آباد دکن میباشد

سبك تازه انشای تذکره نگاران در این دوره

درمیان تذکره نگاران این دوره سبك انشای نویسندگان شمع انجمن و نگارستان سخن وصبح گلشن و روز روشن و اختر تاباں وتذکرة الحواتین و حدیقه عشرت مصنوع بوده ومحصوصاً درسه کتاب اول درا کثر موارد نثر مسجع بکار رفته است اما دربقیه کتب سبك نویسندگان آں ساده است و تنها درمقدمه وموقع تعریف شعر اصنعت بکار رفته است.

رویهمرفته عیرار مطالبی که در تذکره های این دوره درباره شعرای متقدم ار تذکره های سابق نقل شد ارزش مطالبی که درباره شعرای متأخرین آمده است خیلی کم میباشد واشعاریکه ارشعرای معاصر این دوره در این تذکره ها آمده است اکثر فاقد لطف وحدت فکر وتازگی مضامین میباشد و این حقیقت را میرساند که شعر فارسی در این دوره به پست ترین نقطه انحطاط خود درشبه قاره هندوستان رسیده بود

درهر حال تذکره های فارسی این دوره نشان میدهد که هنوز دوق شعری و

ادبی فارسی درهندوستان بکلی ازبین نرفته بود وعده ای ارشعرا و نویسندگان آن کشور باین زبان شعر میسروده و کتبی تألیف میکردند .

تذکره های فارسی راجع به شعرای اردو

همچنین یك نکته قابل توجه دیگر اینست که دراین دوره ودر آخر دوره سابق بسیاری ارتذکره ها درباره شعرای اردو نیز بزبان فارسی تألیف شده است

دراین تذکره ها مانند «تذکره هندی» مصحفی گاهی مؤلف آن درضمن نقل اشعار اردو و بعضی اشعار فارسی شعرا را هم بطور نمونه آورده است

اینك درباره تذکره های فارسی که در این دوره در شبه قاره هند وپاکستان تألیف شده است بحث میشود.

ریاض الفردوس

ابتدا

خاکی نژاد ضعیف البیان گم کرده هوش و خرد انس پذیر مجانس وحوش و انعام ننگ بنی آدم محمدحسین (را) کهسپیدارسیه (را) ممتار نتواند کرد کجا زهره و کی مجال آن دارد که بمحمدت جناب احدیت عرا سمه کهوجود کونین ادنی صفت ایجادیه اوست »

مؤلف

اسم مؤلف مولوی محمد حسین خان و اسم پدرش علام قادرخان صاحب شاهجهان پوری است (شرح حال مؤلف بدست نیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب رابسال۱۲۷۶ھ تألیف کرد.

این کتاب مشتمل است برذکر صدوپنجاه و شش شاعر بترتیب تاریحی

کتاب «ریاض‌الفردوس» مشتملست برسه جلد **جلد اول** شامل شعرای عربی **جلد دوم** شامل شعرای فارسی و**جلد سوم**شامل شعرای اردو میباشد.

جلد دوم یامقاله ثانیه مشتملست بردوباب**باب اول**در نظم(شعر)و**باب دوم** درنثر باب اول مشتملست برپنج فصل بدینقرار

فصل‌اول درحمد و نعت و منقبت

فصل‌دوم در واسوخت [1] و مخمس

فصل سوم در غزلیات و قطعات

فصل‌چهارمدرصایع لفظی ومعنوی و تاریخ وفات حضرت رسول و خلفای راشدین و حضرت فاطمه وحسنین و دیگر بزرگان دین و اشعار مکتوبی که درمکاتبات بکار آید و اقسام نثررا آرایش دهد

۱ـ اصطلاح شعری است‌که بسیاری از شعرای فارسی زبان هنداعم‌ازایرانی‌وهندی بکار برده‌اند اما در ایران هیچوقت متداول نبوده است واسوخت بمعنی واسوختن= سوختن واعراض‌کردن وروگردانیدن و بیزار شدن از معشوق ومطلوب (فرهنگ نفیسی) باصطلاح شعرای ایران بیزاری واعراض وروگردانی از معشوق (آنندراج) واسوختن= اعراض‌کردن و روبرتافتن ازچیزی و ترک عشق‌گفتن (بهار عجم) وروگردانی کردن از معشوق (آنندراج) در شبه قاره هند و پاکستان نوعی از شعر بوده‌که طی‌آن شاعر ازمعشوق گله وشکوه میکرد و اظهار بیزاری از او نموده معشوق را مورد ملامت و توبیخ و سرزنش قرار میداد و این شعر تقریبا اعلامیه ترک عشق عاشق بامعشوق خود بوده است چنانکه «جواهر اللغات» (اردو) تألیف پاندیت راجناته رای بهادرچاپ هند۱۹۲٤ میلادی واسوختن را چنین معنی میکند «بیزار هونا ـ منه پهیرلینا یعنی بیزارشدن وروبرتافتن سپس مینویسد . «اسی‌لئی واسوخت اس کلام کو کهتی هیں‌جسمیں معشوق‌کوجلی‌کٹی‌سناتی هیں» یعنی‌واسوخت شعریست‌که درآن معشوق را مورد ملامت وسرزنش‌قرارمیدهند

هفت آسمان

ابتدا

«الحمدالله رب‌العالمین والصلوة علی رسول محمدالامین و علی آله‌واصحابـه اجمعین »

شرح‌حال‌مولف

مولف آقا احمدعلی متخلص به‌احمد است و اسم پدرش شجـاعت علی است و خانواده وی همراه نادرشاه بهندوستان رفت احمد علی برور ۱۰شوال ۱۲۵۵ ه دردهلی [1] متولدشد

اسم تاریخی او«مظهرعلی» اسب که سال ولادت اورا میرساند. ار اوایل عمر بجهت اطلاعات‌وسیعی که درزمینه ادبیات فارسی داشت درهندوستان‌خیلی‌معروفیت پیدا کرد ودر سال۱۸۶۲م در کلکته مدرسه احمدیه‌را تأسیس نمود و تا آخر عمر ریاست آن مدرسه‌را بعهده داشت

درسال ۱۸۶٤م بتوصیه پروفسور کـوول احمد علی سمت معلـمی فارسی در مدرسه دولتی کلکته انتخاب شد و درسال دیگروی مؤید برهان‌را منتشر کرد این کتاب تبصره ناقدانه است بر کتاب برهان قـاطع وطی ایـن کتاب احمد علی درمقابل انتقاد شدیدی که غالب دهلوی شاعر معروف برایں فرهنگ‌در کتاب‌خود قاطع برهان نموده بود ازمؤلف این‌فرهنگ دفاع کرده است.

سپس چون غالب دهلوی کتابی در جواب این رساله نوشت احمدعلی رساله دیگری بنام «شمشیرتیزتر»را انتشارداد

۱ــ استوری دهاکه بنگال شرقی

Professor Cowell ــ۱

این دو کتاب احمدعلی درزمینه فرهنگ نویسی دارای اهمیت فراوانی میباشد.
در ۱۸۶۶ه کتابی بنام « رساله ترانه » درباره رباعی فارسی تألیف نمود و بلوخمان برای اینکه حق شاگردی وی را ادا کرده باشد این کتاب را بطبع رسانید.

همچنین احمد علی چند کتاب دیگر نیز تألیف کرد و بعضی کتب قدیم را باتصحیح و حواشی خود بچاپ رسانید.

«هفت آسمان » تذکره مورد بحث آخرین اثر احمدعلی است اما بعلت مرگ ناگهانی مؤلف تنها آسمان اول (ازجمله هفت آسمان) چاپ شد و شش آسمان دیگر این کتاب بعدازمرگ اوچاپ نشد

احمدعلی بروز ٦ ربیع الثانی ۱۲۹۰ه (مطابق ژوئن ۱۸۷۳م) بعارضه تب چشم ازجهان بربست.

آثار مولف

۱ـ مؤید برهان ـ در دفاع از برهان قاطع در مقابل اعتراضات غالب دهلوی ـ این کتاب در سال ۱۸۶۵ در ٤۷٥ صفحه در مظهرالعجایب پرس کلکته بطبع رسید.

۲ ـ شمشیر تیزتر ـ در جواب رساله « شمشیر تیز» تألیف غالب که وی درجواب «مویدبرهان» نوشته بود این رساله در ۱۰٦ صفحه در ۱۸٦۸ میلادی در کلکته چاپ شد.

۳ـ رساله ترانه ـ درباره رباعی فارسی که اچ ـ بلوخمان در ۱۸٦۷ در کلکته چاپ کرد.

٤ـ رساله اشتقاق ـ دستور مقدماتی فارسی

همچنین احمدعلی در تصحیح وچاپ درقسمت اول اکبر نامه و اقبالنامه جهانگیری ومآثرعالمگیری ومنتخب التواریخ وسکندر نامه وویس ورامین که ازطرف انجمن کتاب هند یاانجمن آسیائی بنگال منتشر شده بود همکاری داشت

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در۱۲۸۵ه مطابـق ۱۸۶۹ میلادی تألیف نموده است و درباره سبب تألیف درمقدمه چنین توضیح داده است

« اما بعدفقیر کثیر التقصیر احمد وامینماید که پیشتر ار این اهالی کمیتی ایشیاتك سوسیتی[1] کلکته بصف اول از جلد دوم سکندرنامه که در این دیار بحری اشتهار دارد بتصحیح جناب دکتر اشپرنگر صاحب وآغا محمد شستری بطبع آوردند و این روزها که سنه یکهزار وهشتصد وشصت و نه عیسوی (میلادی) و سنه یکهزارودوصد وهشتاد وپنج هجری میباشد ارباب کمیتی مزبور نصف اخیر آن (را) بتصحیح فقیرطبع کردند سپس خواستند که ترجمه مصنف آن شیخ بزرگوار نظامی گنجوی علیه الرحمه بسازند ار بیان مثنوی .. مرقوم و مطبوع شود بنابراین ارتذکره . آنچه تعلق بدین داشت استنباط والتقاط نمودم و درین اوراق بتحقیقی که میسرم شد ثبت کردم و چون نزد محققان سخن اوران مثنوی هفت میباشد و این رساله بالاصاله دربیان آنست این را «هفت آسمان» نام کردم و(دریك) اوج وهفت آسمان و(یك) افق مرتب

مؤلف درمقدمه نوشته است که غیر ار کتب عروض و قوافی ورسایل قواعد و صنایع و بدایع و جز آن ار کتابهای زیر در تألیف این کتاب استفاده کرده است

۱ـ نفحات الانس جامی

۲ـ بهارستان جامی

۳ـ تذکرة الشعرای دولتشاه سمرقندی

۴ـ هفت اقلیم محمدامین رازی

۵ـ مرآت الخیال شیرخان لودی

۶ـ مرآت العالم بختاورخان عالمگیری

۷ـ تذکره میرزا طاهر نصرآبادی اصفهانی

۱ـ یعنی مقامات مسؤل کمیته انجمن آسیائی

[illegible]

۳۲ـآئین اکبری شیخ ابوالفضل (رجوع شود بهعرفی‌شیرازی)

۳۳ـنوادرالمصادر (رجوع شود بهخفاف و ابوشعیب)

۳۴ـلارس گزت میرت (رجوع شود به مثنوی دردوداغ مرزاغالب‌دهلوی)

این کتاب قرار بود یك « اوج (مقدمه) » و هفت‌آسمان در مثنویهائی که درهفت بحر مثنوی سروده شده است و یك«افق» (خاتمه) داشته باشد ولی هنوز جزیك «اوج» ویك «آسمان» که آسمان اول نام دارد بچاپ نرسیده بود که مؤلف آن ناگهان بدرود حیات گفت‌وشش آسمان‌ویك«افق» این کتاب دیگرچاپ‌نشد.

مقدمه این کتاب که«اوج» نام دارد مشتمل است برتحقیق مثنوی و تعریف آن وطرح مثنوی گوئی‌وشرح حال شعرای‌قدیم‌ذیل که مثنوی گفته‌اند :

۱ـرودکی
۲ـابوشکور بلخی
۳ـ دقیقی بخاری
۴ـ ملك الشعراعنصری
۵ـ اسدی طوسی
۶ـ فردوسی طوسی
۷ـناصر خسرو
۸ـ اسعدگرگانی
۹ـ قطران الاحلی
۱۰ـمسعود سعدسلمان
۱۱ـ سنائی غزنوی
۱۱ـعمعق بخارائی
۱۳ـنظامی عروضی سمرقندی
۱۴ـ فصیحی جرجانی
۱۵ـنظامی گنجوی

«آسمان اول»این کتاب‌مشتمل است برشرح ۷۸مثنوی زیر در« بحرسریع»:

۱ـ مخزن‌الاسرار نظامی
۲ـمطلع‌الانوارامیرخسرو دهلوی
۳ـقران السعدین‌خسرو دهلوی
۴ـ مثنوی حلال‌فراهانی
۵ـ روضة‌الانوار خواجوکرمانی
۶ـ مونس الابرارعماد فقیه
۷ـ گلشن ابرار محمدکاتبی
اقی‌نامه
۹ـتحفة‌الاحرارجامی
۱۰ مثنوی کعبه جامی

۱۱ـمثنوی آصفی هروی ۱۲ـ منظرالابصار قاضی سنجانی
۱۳ـفتوح الحرمین محی لاری ۱۴ـمظهر آثار امیرهاشمی کرمانی
۱۵ـ گوهر شهوارعبدی جنابدی ۱۶ـمشهد انوار غزالی مشهدی
۱۷ـ مرآت الصفات غزالی مشهدی ۱۸ـ نقش بدیع غزالی مشهدی
۱۹ـ قدرت آثار غزالی مشهدی ۲۰ـ منظور انظار رهائی مروی
۲۱ـو۲۲ـدومثنوی نویدی شیرازی ۲۳ـ مشاهد داعی شیرازی
۲۴ـمثنوی قاسم کاهی ۲۵ـمهر وفای سالم محمدبیگ
۲۶ـمظهرالاسرارحکیم ابوالفتح دوانی ۲۷ـخلدبرین مولانا وحشی کرمانی
۲۸ـمجمع الابکار عرفی شیرازی ۲۹ـزبدةالافکار بیکی اصفهانی
۳۰ـمرکز ادوارشیخ فیض فیاض ۳۱ـمثنوی زاهد
۳۲ـمثنوی میرمعصوم ۳۳ـ مثنوی مولانا علی احمد نشانی
۳۴ تحفه‌میموبه‌محمدحسن دهلوی ۳۵ـ مثنوی شانی تکلو
۳۶ـمنبع الانهار ملک قمی ۳۷ـ دیده بیدار حکیم شفائی
۳۸ـزبدةالاشعار قاسمی گنابادی ۳۹ـ دولت بیدار ملاشیدا
۴۰ـمثنوی شیخ بهاءالدین عاملی بهائی ۴۱ـحسن گلوسور زلالی خوانساری
۴۲ـمثنوی باقر کاشی خرد ۴۳ـمثنوی قدسی مشهدی
۴۴ـ مثنوی سلیم محمد قلی ۴۵ـ مثنوی حکیم حاذق گیلانی
۴۶ـناز و نیاز حاتی گیلانی ۴۷ـمثنوی الهی سعدآبادی
۴۸ـمثنوی ابراهیم ادهم صفوی ۴۹ـمثنوی غافل محمدتقی
۵۰ـمثنوی فدائی محمدبیگ ۵۱ـمثنوی مولانا عیاث سروری
۵۲ـمظهرالانوار هاشمی بخاری ۵۳ـمثنوی صفامحمد باقر نایینی
۵۴ـمثنوی ملاصحی بیرم بیگ ۵۵ـمثنوی، ملامحمد شریف
۵۶ـمثنوی فایز میرزا علاءالدین محمد ۵۷ـمثنوی طاهر وحید
۵۸ـمثنوی والهی قمی ۵۹ـمثنوی درویش حسین واله هروی

۶۰ـمثنوی‌سنجر کاشی میرمحمدهاشم ۶۱ـ مثنوی میرزا فصیحی هروی
۶۲ـمطلع‌الانوار میرباقرداماد اشراق ۶۳ـمثنوی میرزا جلال اسیرشهرستانی اصفهانی
۶۴ـ مثنوی میریحیی کاشی ۶۵ـمثنوی اشرف مازندرانی
۶۶ـمثنوی حماف ۶۷ـ مثنوی ابوشعیب
۶۸ـ مثنوی صادق تعرشی ۶۹ـ مثنوی لایق میرمحمد مراد
۷۰ـ مطمح‌الانظار شیخ محمدعلی حزین اصفهانی ۷۱ـ مثنوی حکیم میرزاحبیب‌اله شیرازی متخلص به‌قاآنی
۷۲ـمثنوی‌درددواع‌اسداله‌خان‌غالب ۷۳ـمثنوی‌رنگ‌وبوی غالب دهلوی
۷۴ـمثنوی یك‌ورقه غالب دهلوی ۷۵ـ مثنوی دیگر یك ورقه غالب
۷۶ـمثنوی تاج سخن مولوی محمد عبدالرؤف وحید
۷۷ـ مثنوی مشرق الانوار مولوی‌عبدالرحیم گور کهپوری متخلص به‌تمنا و معروف به‌دهری
۷۸ـ مثنوی چاره بیمارابوالعاصم عبدالحلیم متخلص به‌عاصم
در آخر کتاب ذکر چند«بسم‌الله گویان»را آورده است

مؤلف درذیل بحث در باره هرمثنوی اول شرح حال مختصری از گوینده آن‌آورده است و سپس بحث مختصری درباره هرمثنوی آورده و بعضی اشعار آن‌را نقل کرده است .

گاهی تنها یك سطر در شرح حال شاعر و یك بیت بطور شاهد و نمونه مثنوی وی نقل کرده است مثلا رجوع شود به‌مثنوی حماف (ص ۱۵۹)

درموقع بحث درباره موضوعی‌عقایدتذکره‌نویسان‌وشعراونویسندگان‌مختلف رادرباره آن‌موضوع آورده‌است‌وهرموقعیکه‌باآنهاتوافق‌نظرنداشته‌است عقیده‌خودرا هم ذکر نموده

رویهمرفته این تذکره‌مفیدی است واگرشتن‌آسمان دیگرهم باتمام‌وچا

میرسید این تذکره درموضوع مثنوی کتاب کاملی میشد چون تابحال تنهادو کتاب در این موضوع تألیف شده است یکی میخانه عبدالنبی قزوینی است که درباره ساقی‌نامه‌ها است و دیگر خلاصة الکلام میرزا ابراهیم خان خلیل که در باره مثنوی گویان است ولی هردو کتاب کلیه گویندگان انواع مثنوی را ذکر ننموده است وبنابراین «هفت آسمان» اگر باتمام میرسید دراین موضوع بهترین وجامع‌ترین کتاب بود.

سبك انشای مؤلف ساده و خالی ازتصنع است

برای **شرح حال مولف** رجوع شود به شرح حال احمدعلی که اچ ـ بلوخمان درمقدمه کتاب در «هفت آسمان» بزبان انگلیسی آورده است و نیز رجوع شود به استوری.

چاپ

تذکره «هفت آسمان» در کلکته بسال ۱۸۷۳م (=۱۲۹۰ه) از طرف انجمن آسیائی بنگال باهتمام ومقدمه اچ ـ بلوخمان چاپ شده است.

شمع انجمن

ابتدا

«زلاف حمد ونعت اولی است برخاك ادب خفتن

سجودی می‌توان کردن درودی میتوان گفتن

برخوش دماغان نشه سخن صورت این معنی جلوه گراست که در بزم کائنات ذوق که رتبه ثبات دارد حرچاشنی مائده سخن نیست و برنهار آرایان گلشن معنی زاراین سخن شکفته که در گلزار روزگار گلی که همیشه بهار بود غیرازحسن روز افزون

ف مستحسن ـ نه»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف نواب سید صدیق حسن خان وتخلص او نواب و کنیت وی ابوالطیب است ، وی پسر اصغر سید اولاد حسن[1] حسینی بخاری قنوجی فاضل معروف است که از شاگردان عبدالعزیز دهلوی و مرید سید احمد بریلوی بود و در «جهاد» سید احمد در پورش کشته شد. نواب صدیق روز یکشنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۲۴۸ هـ در محله شیخ پوره در شهر قنوج (بریلی) میان دوآب گنگا و جمنا بدنیا آمد مادرش نجیب النساء از اهالی بریلی بود . نسب نواب صدیق به سید جلال الدین بخاری «مخدوم جهانیان جهان گشت» (متوفی ۷۸۵ هـ) میرسد و از او بامام زین العابدین بن امام حسین منتهی میشود و بنابراین اقوام او به سادات حسینی بخاری شهرت داشته اند . جد سید جلال الدین پدر سید جلال گلسرخ در ۶۵۳ هـ از بخارا بهند آمد. نواب صدیق مذهب سنی و پیرو طریقه نقشبندی بود اما بدست کسی بیعت نکرده بود

نواب صدیق علوم متداوله را در دهلی و شهرهای دیگر نزد چندتن از اساتید معروف عصر خود تحصیل نمود و نزد مفتی محمد صدرالدین خان بهادر صدرالصدور متخلص به آزرده دهلوی منطق وحکمت وفقه وعلم وادب را فرا گرفته از وی سند اجازه فتوی گرفت وعلوم شرعی ودینی از قبیل تفسیر وحدیث وفقه سنت واسماء رجال و احکام را نزد قاضی حسین بن محسن انصاری قاضی حدیده تحصیل نموده از وی اجازه فتوی گرفت سپس سند دواوین اسلام از قبیل معاجم ومسانید وصحاح وجوامع وامثال آن را از مولانا شیخ محمد یعقوب دهلوی مهاجر مقیم مکه برادر مولوی محمد اسحاق دهلوی کسب نموده و همچنین از شیخ مولوی عبدالحق بن فضل الله ساکن قصبه نیوتنی نیز سند اجازه بدست آورد سپس بقیه عمر را در مطالعه «اسفار و صحف کثیر» از هر موضوع گذرانید و مخصوصا کتب اهل حدیث وی را تحت تأثیر خود قرار داده و در نتیجه وی در زمره «اهل حدیث» در آمد اما جز بکتاب وسنت از کسی دیگر پیروی

۱ـ ر ك اتحاف النبلاء. اسم پدرش در شمع انجمن «حسن» و در تذکره علمای هند تالیف رحمان علی (ص ۲٤) «سید آل حسن» ذکر شده است

و تقلید نمی کرد.

نواب در تمام عمر پنج بار مسافرت کرد.

در **مسافرت اول** وی در طلب علم به دهلی و شهرهای دیگر رفت.

در **مسافرت دوم** وی در طلب معاش و روزی به بهوپال و تونك رفت. در تونك در نتیجه اصرار وزیرالدوله حاکم آنجا قریب بهشت ماه توقف نمود و سپس دوباره به بهوپال برگشت و آنجا با دختر محمد جمال الدین خان صاحب بهادر مدارالمهام و نایب ریاست[1] بهوپال ازدواج کرد و در ۱۲۷۵ه در همان شهر رحل اقامت افکند و ثمره این ازدواج یك دختر و دو پسر بود در زمان اقامت در بهوپال گاهی تنها و گاهی باتفاق نواب سکندر بیگم والیه بهوپال برای بازدید از شهرهای دیگر میرفت و دوباره به بهوپال برمی گشت. در زمان سکندر بیگم (متوفی ۱۲۸۵ه) وی در اداره انشا کار می کرد و بعداً متصدی اداره تألیف تاریخ بهوپال شد

مسافرت سوم نواب صدیق در ۱۲۸۵ه صورت گرفت موقعی که وی برای حج و زیارت عتبات عالیه بحجاز رفت وی یك هفته در جوار مزار رسول توقف نموده به مکه برگشت و سپس براه حدید (راه آهن) به بهوپال مراجعت نمود و طی این مسافرت کتب بسیار از علوم قرآن و حدیث مطالعه کرد و از بعضی کتب نسخه برداری و بعضی دیگر را خریداری نموده به بهوپال آورد و به کتابخانه شخصی خود اضافه نمود. بعد از مراجعت به بهوپال مدتی اهتمام (وانتظام امور) و مدارس ریاست مزبور را بعهده داشت در زمان شاهجهان بیگم والیه بهوپال (که بعد از فوت سکندر بیگم در ۱۲۸۵ زمام امور را بدست گرفت) نواب صدیق اول رئیس فرهنگ و سپس میرمنشی یا امیرالانشا شد و از طرف بیگم القاب میر دبیر و خان بوی اعطا شد در ۱۲۸۸ه (بعد از فوت زن اول) نواب با بیگم ازدواج کرد آیه «واخری تحبونها» بتعمیه یك عدد تاریخ این ازدواج را میرساند در نتیجه این ازدواج اقطاع هفتاد و پنج هزار روپیه سالیانه

۱ - ریاست مخصوصا در زمان انگلیسها نیالتی میگفتند که استقلال داخلی داشته است اما در سیاست خارجی پابند سیاست انگلیسها بود

ازمحال بریلی که وابسته‌ریاست بهوپال‌بوده بنواب‌صدیق پرداخت‌میشدواو بسمت وزیردوم بیگم بالقب‌معتمدالمهام منصوب شد. درسال‌دیگر بیگم این‌اداره را منحل کرد ونواب صدیق را لقب نواب والاجاه و امیر الممالك عطا کرد. همچنین نواب نشان مجیدی درجه ثانیه راازطرف سلطان عبدالحمید عثمانی‌نیردریافت‌نمود

مسافرت‌چهارم نواب درسال ۱۲۸۹ه صورت گرفت چون او باتفاق نواب شاهجهان‌بیگم به‌بمبئی‌رفت‌وآنجالردنارت‌بروك[۲] گورنرجنرل ووایسرای‌هندوستان[۳] ازطرف ملکه وکتوریه نواب شاهجهان بیگم‌را مدال بیتی‌درجه یك‌باخلعت‌ساخت انگلستان‌وعلم‌عالی‌پرچم‌ولقب«گراند کماندراستار آف اندیا»[۴] باسندلقب‌موشح‌بامضای ملکه ووزیراعظم‌انگلستان ولقب‌رئیس دلاوراعظم‌طبقه اعلای ستاره هند اعطا کرد دراین مسافرت‌نواب صدیق در شهرهای دیگرمانند گجرات وسورت واحمدآباد و بیدرنیز سیاحت کرد.

مسافرت‌پنجم نواب صدیق در سال ۱۲۹۱ ه صورت گرفت موقعی که وی باتفاق شاهجهان‌بیگم به کلکته رفت‌واین‌مسافرت‌مدت‌دوماه وچهارروزطول کشید. دراین مسافرت نواب صدیق باامیرتراب علیخان سرسالارجنگ بهادر وزیر ریاست حیدرآباددکن ونواب امیرعلیخان بهادروزیرالسلطان وچندتن دیگرازمعاریف و اعاظم کشورملاقات کردوهمچنین باگورنرجنرل‌وپرنس آف‌ویلزشاهزاده‌انگلستان مکررملاقات کردوازبناها وباغها وخیابانها ونهرهای معروف‌آن ناحیه‌دیدن کرد، ضمنا درراه نواب صدیق یك‌هفته در بنارس واله‌آباد وکانپور توقف نمودوبعد از بازدید از اهالی و باغهای آنجا به بهوپال مراجعت کرد و برای بقیه عمرهمانجا

۲- Lord Northbrooke فرمانروای کل هندوستان (۱۸۷۲-۱۸۷۶م مطابق ۱۲۸۹-۱۲۹۳هجری)

۳- گورنرجنرل یعنی فرمانروای کل کسی‌بود که ازطرف‌پادشاه‌یاملکه‌انگلستان‌بر هندوستان حکومت‌میکرد واو را وایسرای (نایب‌السلطنه)هم‌میگفتند

۴- Grand Commander Star of India

اقامت داشت .

بتدریج نواب صدیق اکثر اختیارات حکومت را بدست خود در آورد تا اینکه درسال ۱۸۸۵م = ۱۳۰۳ه حکومت هند (انگلیسی) وی را از آن مقام معزول نمود و از کلیه القابش محروم کرد.

درمطبوعات آن وقت از جمله علل معزولی وی جبر و تعدی و سوء اداره و بدانتظامی ذکر شده است اما برای مخالفت و انتقاد از رفتار وی علل دیگر هم وجود داشت مانند عقیده «وهابیت» نواب وعدم وفاداری وی به حکومت انگلیسی هند باید اذعان کرد که نواب از اهل حدیث بود (که اشتباها آنها را «وهابی» می گویند) اهل حدیث مسئله تقلید را قبول ندارند و در مسایل دینی خیلی تعصب بخرج می دهند

وان دایک[1] در کتاب خود نواب صدیق را باد انتقاد گرفته است اما ایرادات و اعتراضات وی مبنی بر صحت وحقیقت نیست .

نواب صدیق درشب پنجشنبه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۰۷ه [2] در بهوپال فوت کرد و همانجا دفن شد

آثار مؤلف

آثار نواب صدیق بزبان عربی وفارسی واردو بسیار است ودر «مآثر صدیقی» مشتمل بر شرح حال و آثار نواب صدیق تألیف نواب سید علی حسن خان پسر ارشد او درقسمت ٤ ضمیمه فهرست ۲۲۲ کتاب (۷٤ بعربی و٤۵ بفارسی و۱۰۳ باردو) آمده است اما از آنجمله ۲۵ کتاب هنوز بطبع نرسیده وبقیه درهند ومصر وترکیه چاپ

۱ـ رك Bibliography Ed-Van Dyke

۲ـ سلطان جهان بیگم تاریخ فوت نواب صدیق را ۲ رجب (= ۲۲ فوریه) نوشته است که اشتباه است چون وی در ۲۰ فوریه ۱۸۹۰م (= ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۰۷ه) فوت کرده است. در تذکره علمای هند تألیف رحمن علی شب پنجشنبه جمادی الثانی ۱۳۰۷ه آمده است وظاهرا آنجا تاریخ ۲۹ از قلم افتاده است

آثارمهم نواب صدیق بقرارزیر است

۱ـ تفسیر فتح البیان فی مقاصد القرآن در چهار مجلد که نواب صدیق در مدت هشت سال بدون کمك ودستیاری دیگری تألیف کرد

۲ـ اکسیر فی اصول التفسیر ـ اسم این کتاب تاریخی است وسال تألیف کتاب (۱۲۸۹هـ) رامیرساند امادرمقدمه این کتاب ۱۲۹۰هـ بطور سال جاری ذکر شده است اساس این کتاب بر «کشف الظنون» حاجی خلیفه وفوز الکبیر ولی الله دهلوی است و مؤلف خواسته است این کتاب مقدمه‌ای بر تفسیر عربی سابق الذکروی باشد **چاپ** در کانپور در ۹۱ـ۱۲۹۰هـ.

۳ ـ مسك الختام فی شرح بلوغ المرام ـ در دو جلد ـ در مدت شش ماه تألیف کرد.

٤ـ افادت الشیوخ بمقدار الناسخ والمنسوخ ـ در ۱۲۸۶هـ تألیف کرد . **چاپ** در کانپور در ۹ـ۱۲۸۸ هو در لاهور در ۱۹۰۰م (۱۳۱۸هـ)

۵ـ شمع انجمن ـ تذکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب راسال ۱۲۹۲هـ تألیف نموده است در پایان کتاب قطعه‌ای ازسوهن لال منشی آمده است که بیت زیر آن سال تألیف این کتاب رامیرساند.

چه خوش گفته است سوهن لال تاریخ   که «شمع انجمن شمع دل افروز»
(=۱۲۹۲هـ)

درمورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه این کتاب چنین توضیح داده است «درین نزدیکی که طبع اندوه آرمیده وخاطردردگزیده نظر برتذکره‌های شعرای فرس داشت وبگلگشت بهارستانهای موزون خاطران می‌پرداخت خواستم که ازین بستان سراهای فرحت افزا عهدی گلدسته چند برچند برچینم تا اگر صاحبدلی دیگر راهم گذراوقات برسر این حدیقه رعنا وروضه غنا افتد ورهنمایی خاطر افسرده را بسیر خوبان سرسبز رنگ این گلزمین شگفته کند بنابرین جگر در اوراق دواوین شعر چند نقطه

انتخاب ردم ورخسارشاهدسخن رابحالوخطااصلاح آراستم».

مؤلف اسم مآخذ کتاب رادرمقدمه یاخاتمه نیاورده‌است امادردیل شرح‌حال شعرااسم کتابهای زیررا آورده است که ار آن‌در تألیف‌این کتاب‌استفاده کرده‌است

۱ـ یدبیضا(رجوع شود به نام‌عرفی) ۲ـ نتایج الافکار(رجوع‌شود به نام‌قدرت)
۳ـ ریاض‌الشعرا(رجوع‌شود به نام‌عرفی) ٤ـ‌مجمع‌النفایس(رجوع‌شود به نام‌عرفی)
۵ـ خزانه‌عامره(رجوع‌شو. به نام‌متین) ٦ـ ثمرات‌القدس (رجوع شود به‌نام‌عبدـ القادر بداونی)
۷ـ منتخب‌التواریخ(رجوع‌شود به‌نام‌فیض) ۸ـ تذکره‌حسینی(رجوع‌شود به نام‌حزین)
۹ـ نفحات‌الانس(رجوع‌شود به نام‌قاسم‌انوار) ۱۰ـ شاهجهان‌نامه‌(رجوع‌شود به نام‌قدسی)
۱۱ـ مرآت‌الخیال(رجوع‌شود به نام‌قدسی) ۱۲ـ تذکره آذر(رجوع‌شود به نام آذر)

اما باید توجه داشت که شرح‌حال و آثارشعرای‌معاصررا مؤلف ارخودشعرا گرفته‌است وارایں‌حیث‌این کتاب‌دارای‌اهمیت‌بسیارمیباشد

این‌تذکره مشتملست برذکر۹۷۱ شاعرمتقدم ومتأخرومعاصرمؤلف‌بترتیب الفبا ار روی حرف اول تخلص یا اسم شاعروبا «انوری» شروع شده با «یوسف (مولوی‌ابوالحامدمحمدیوسف علی)» تمام میشودمقدمه کتاب که مشتملست‌بربیست صفحه غالباً حاوی مطالب غیر ضروری و عبارت‌آرائی است که اگراین مطالب را ازکتاب حذف‌میکردند هیچ صدمه‌ای بحود کتاب نمیرسید . در این مقدمه مؤلف ازاین‌اثیرودیگران نقل کرده‌است که‌اول کسیکه شعرتازی سرودحضرت آدم بود(۱) ودر باره‌این موصوع مؤلف‌عقاید دیگران رانیزار کتابهای مختلف نقل کرده‌است همچنین درباره اول کسیکه‌بزبان‌فارسی‌شعرسرودوهمچنین‌درباره‌بعضی‌موصوعهای دیگربحث کرده‌است

مؤلف اشعاروشرح حال اکثرشعرا راخیلی‌مختصر آورده‌است تنهادردیل‌نام قریب به‌دویست شاعراشعاروشرح حال آنها رامفصل نقل کرده‌است مانند انوری و آذری و آصف وامید واقدس وغیره

درذیل‌نام شعرای زیرتنهااشعارشان را نسبة مفصل آورده‌است: اهلی‌شیرازی، اشرف، آفرین لاهوری، ایجاد، افتخار، احمدخان، اعجاز، افضل‌کاشانی، انشا، بساطی، ترکمان، حسابی، حزنی، حالتی، حقیری، ذوالفقار، رفعت، شوقی، سریف، شاپورتهرانی، عمرخیام، عزت، عرشی، عزیز، فوحی، فطرت، فیاض، قادر، قاسم دیوانه، کشفی، ماهر، میلی، مظفرخان، مشرقی، مومن‌استرآبادی مومن دهلوی، ناصر (نواب ناصرجنگ)، نصرت سیالکوتی، وحشی دولت‌آبادی، ولی دشت بیاضی، واعظ قزوینی، حیدرقزوینی، وحید، هلاکی، همایون‌پادشاه و یمینی.

رویهمرفته اشعارحافظ (در۴ص) وآزاد بلگرامی(در ۴½ص) وناطق(در۵ص) وغالب دهلوی رادر(۸ص) مفصل‌ترازسایرین آورده‌است

همچنین شرح حال خودرادر(۶ص)مفصل‌ترازسایرین نوشته‌است

درذیل‌نام واله مؤلف‌برموضوع «عشق»بحث مبسوطی آورده‌است ونسخه‌هائی برای‌معالجه وهمچنین‌تعریف‌آن از «صحاح» و ماهیت وچگونگی ومعالجه‌آن را ازشیخ الرئیس وابواسحق ابراهیم‌بن‌تمیم قیروانی آورده‌وهمچنین‌اشعاری ازشعرای عربی‌وبحث عشق‌ازگلستان‌سعدی‌باب پنجم وغیره رادرباره موضوع عشق‌نقل کرده است که تمام این‌مطالب خارج ازموضوع کتابست وهیچ اطلاعی راجع بزندگانی واله صاحب ترجمه بدست نمیدهد

مؤلف دراین کتاب شرح حال وآثار بعضی‌شعرای معاصررا آورده‌است که‌قبل ازاودرهیچ کتاب نیامده وچون‌این‌اشعاروشرح حال شعرا را وی‌ازخودشان گرفته است بنابراین قابل اعتباراعتماد میباشدوهمچنین این‌حقیقت رامیرساند که هنوز درشبه قاره هندوپاکستان‌تعدادزیادی‌ازشعرا وجودداشتند که‌بفارسی‌شعرمیسروده‌اند واسامی‌وآثارمختصرآنان دراین تذکره ضبط شده‌است امابجای جمع آوری اشعار وشرح حال‌شعرای متقدم که مؤلف بعضی‌ازآنان‌رادراین کتاب‌آورده‌است بهتر بود اگراشعار وشرح حال شعرای معاصررامفصل‌ترمیآورد چون درآن صورت اهمیت

این کتاب ازحیث اصالت مطالب بیشتر میشد

همچنین این تذکره این حقیقت را روشن میسازد که هوور در شبه قاره هندوستان امراء و نوابانی بودند که نه تنها ادباء و شعرای فارسی را تشویق میکردند بلکه خودشان هم بفارسی شعر میسرودند و بدین زبان کتابهائی مینوشتند و بدین ترتیب خدمات گرانبهائی بزبان وادبیات فارسی انجام داده شمع این زبان را در آن سرزمین فروزان نگهداشتند.

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است ودرموارد بسیار نثر مسجع بکار برده است.

درابتدای شرح حال بعضی شعرا چند لقب توصیفی را بنثر مسجع آورده است مثلا

درذیل نام «ظهیر فاریابی» مینویسد « سلسله فصحای متقدمین و نقاوه سحر آفرین است »

درذیل نام «طغری مشهدی» مینویسد «طغرای منشور استعداد است وفروغ پیشانی قابلیت خداداد» گاهی برای «فوت شد» جمله‌ای مصنوع آورده است مثلا

درذیل نام بیحر وفقیر مینویسد بسرابستان قدس خرامید».

همچنین گاهی برای «ایك اشعار او» جمله‌ای مصنوع آورده است مثلا

درذیل نام «بیخبر بلگرامی» مینویسد «ساغر عرفان چنین میگرداند»

« « قدرت « نقش سحر بر صفحه فکر چنین میکشد»

سالها را غالباً بالفاظ عربی آورده است. همچنین کلمات عربی را بفراوانی بکار برده است وحتی گاهی دراین منظور تعمد واصرار ورزیده است

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به آثار مؤلف مانند اتحاف النبلا ص۷–۲۶۳ واکسیر ص۱۱٤ وترجمان وهابیت (اردو) وتاج الاقبال وتذکره شمع انجمن وغیره وصبح گلشن وروز روشن ونگارستان سخن وتذکره علمای هند تألیف رحمن علی ص۹٤ وبزم کلمات ج۲ ص۵۰۳ وشرح زندگانی من (An Account of My Life)

ازسلطان جهان بیگم (انگلیسی) چاپ لندن۱۹۱۲م ص۵–۱۴۳، ومآثرصدیقی شرح حال نواب صدیق حسن (بزبان اردو) ازعلی‌حسن‌خان چاپ لکهنو۵– ۱۹۲۴م و «دایرة المعارف اسلامی» چاپ لندن۱۹۳۴م ج ۴ص۴۰۳ الف تحت صدیق‌حسن خان ونواب دایك. (Bibliography Ed . Van Dyke) وروزنامه‌های‌پاینیر (Pioneer) لکهنومورخ ۲۹ر۱ر۱۸۸۰م ص ۱ ب و ۲۵ر۲ر۱۸۹۰م . ص ۱ ب و ۲۶ر۲ر۱۸۹۰م . ص ۶ ب ودیلی تلگراف (Daily Telegraph) پونا مورخ ۲۹ر۱۰ر۱۸۸۵م‌ص۳الف واندین مرر(Indian Mirror)مورخ ۱ر۱۱ر۱۸۸۵م ص۲ه وتائمز آف اندیا (Times of India)هفتگی‌مورخ ۶ر۱۱ر۱۸۸۵م‌ص۱ج و۱۲ ب و۱۸ح بعنوان «اوضاع در بهوپال» (Affairs in Bhopal) «دفاع از نواب‌همسر» (A Defence of the Nawwab Consort.......)(.....) که اول بصورت رساله‌ای ازطرف «اشاعت السنه» روزنامه اهل حدیث لاهورچاپ شده بود وبعداً ادوکیت آف اندیا (Advocate of India) در۱۸۸۹ م بصورت ضمیمه‌ای‌چاپ کرد همچنین‌رجوع‌شودبه‌روزنامه‌پونا آبزور(Poona Observer) مورخ ۲۲ر۲ر۱۸۹۰ص۲ ز و تائمز (Times) مورخ ۳ر۳ر۱۸۹۰ م ص ۷واستوری ص۲۷ و۹۱۳

چاپ درمطبع شاهجهانی بهوپال بسال۱۲۹۳ه چاپ شد

فهرست اسامی شعرا : رجوع شود به فهرست اسامی که درآغازاین کتاب چاپ بهوپال آمده است

نگارستان سخن

ابتدا

بسمله مصحف ایمان وفاتحه قرآن ایقان حمد متکلمیست که گوهر غلطان سخن را بحکمت بابعه‌خود برشته‌نظم‌دلاویز کشیده‌واحجار الفاظ‌منثور را درمیزان کده طباع شعرا سحرانگیزلینت شمع تحشیده»

شرح حال مولف

اسم مؤلف ـ سید نورالحسن خان و القاب و کنیت وی نواب رصی الدوله نظام الملك سید ابوالخیر است که‌اول طیب تحلص داشت و بعد تحلص نوررااحتیار نمود . اوپسرارشد نواب صدیق‌حسن‌خان‌ازبطن‌زن‌اول نواب مرنوراست که دختر کمال الدین خان دهلوی نحست وزیر بهوپال بود وی روزچهارشنبه ۲۱ رجب ۱۲۷۸ه بدنیا آمد واسم تاریخی‌او«نظیرحسن» است که ازروی ابحد سال تولدوی رامیرساند . وی ازطرف پدرسیدحسینی وازطرف مادرشیخ صدیقی بوده . سن‌پنج سالگی بخواندن قرآن و کتب‌متداوله فارسی پرداخت دراول کتب علوم متداوله مانند صرف و نحوشافیه وکافیه را نزد مفتی ریاست بهوپال مولوی محمد ایوب و مختصرات منطق قال اقول وایساغوجی رانزد مولوی انورعلی صدر(رئیس)مدارس سلیمانیه بهوپال وصغری و کبری وشرح تهذیب وشرح جامی راپیش مولوی الهی بحش‌فیض‌آبادی استاد مدرسه سلیمانیه بهوپال مؤلف تحفه شاهجهانی‌خواند.

درموقع‌تألیف «نگارستان سخن» مشغول‌خواندن دواوین‌وقرآن‌و کتب‌سنت ازقبیل جلالین و مشکوة وسنن ترمذی و مختصرمعانی و غیره نزد مولوی محمد بشیرسهسوانی مدرس استان خاص حضرت شاهجهانی و مولوی محمد بشیرالدین قنوجی قاضی بهوپال بوده در ذوالقعده ۱۲۹۳ ه باتفاق پدروبامادری‌خود نواب

شاهجهان بیگم والیه (حاکم) بهوپال دردربارملکه وکتوریه بدهلی رفت.

وی بفارسی واردو هردوشعرمیسرود درفارسی طیب ونورودراردوکلیم تخلص داشت

مؤلف در بین سالهای ۱۳۳۲ و۱۳٤۲ه فوت کرده است چون درفهرست آصفیه ج۱چاپ ۱۳۳۲ه وی بطور«زنده»یادشده امادرمآثرصدیقی ح۲ص ٤۹ چاپ۱۳٤۲ه کلمه «مرحوم»بااسم وی اضافه شده است.

آثار مؤلف [1]

۱ــ نگارستان سخن تذکره مورد بحث .

۲ــ طور کلیم ـ تذکره شعرای ریخته (اردو) بزبان فارسی تألیف ۱۲۹۵هـ در جواب«گلشن بیخار»شیفته دهلوی

۳ــ شرح بامتن برمرقعات مولوی فصل امام خیرآبادی

٤ ــ عرف الجادی من هدی الهادی چاپ بهوپال ۹۶ ۱۲ ه بفارسی درفقه حنفی است .

۵ــ النهج المقبول من شرایع الرسول ــ درفقه حنفی بفارسی است ــ چاپ ۱۲۹۶ م .

تبصره بر کتاب .

مؤلف این کتاب راسال۱۲۹۲ه=۱۸۷۵ میلادی تألیف کرده است درآخر کتاب چند قطعه آورده است که بعضی از آنها سال تألیف وبعضی دیگر سال طبع کتاب را میرساند از آنجمله ۵ قطعه سال تألیف کتاب رامیرساند. اینك یکی از آنها

حال و قال سخنوران جهان — طراز لطیف شد ۱.۰۱

گفت نورالحسن چه خوش تاریخ — باغ دلجسب معنی زیب (=۱۲۹۲ه).

۱ــ برای آثار عربی مؤلف رجوع شود بهاستوری ح ۱ ص ۹۱۳-۹۱٤

همچنین قطعه‌ای سال تألیف رابسنه میلادی (۱۸۷۵ م) ودوقطعه سال طبع کتاب رابسنه هجری (۱۲۹۳ ﻫ) وقطعه‌ای دیگر بسه میلادی (۱۸۷٦ م)میرساند

درمورد سبب تألیف مؤلف دردیباچه وحاتمه کتاب چنین توصیح‌داده‌است که جمعی از شعرای معاصر از دهاکه و بنگاله و عیره نتایج افکار حود را ار بلاد دوردست برای « تذکره‌شمع‌انجمن » تألیف‌نواب صدیق حسن‌حان (پدرمؤلف) که در۱۲۹۳ ﻫ بطبع‌رسیده فرستاده بودند اما بنابرمسافرت دهلی‌بمناسبت دربارملکه وکتوریه‌فرصت چاپ آن درتذکره مزبور دست نداد وبنا براین مؤلف شرح حال واشعارشعرای مزبور را درتذکره حود ضمیمه کرده وعده دیگرازمتاحرین را هم در آن اضافه‌نموده‌وبصورت تذکره حداگانه‌ای ترتیب داد

نظر بتوصیح فوق این‌تذکره را میتوان « تکلمه‌صبح گلشن» حساب کرد.

مؤلف اسم کتابهای‌زیر رادرخاتمه کتاب‌آورده است که درتألیف این‌تذکره مورد استفاده‌وی قرار گرفته‌است .

۱ ــ لب‌اللباب (لباب الالباب) عوفی
۲ ــ تذکره سامی
۳ ــ تذکره دولتشاه
٤ ــ حلاصة الاشعار ــ تقی کاشی
۵ ــ هفت‌اقلیم
٦ ــ خاتمه منتحب التواریح
۷ ــ مجمع‌الفصلا ــ ملابقائی
۸ ــ تذکره‌نصرآبادی
۹ ــ مرآت‌الحیال
۱۰ ــ کلمات الشعرا
۱۱ ــ همیشه بهار
۱۲ ــ حیات‌الشعرا ــ متین کشمیری
۱۳ ــ سفینه بیحبر
۱٤ ــ ریاص الشعرا
۱۵ ــ مجمع‌النفایس
۱٦ ــ تذکره‌حزین
۱۷ ــ تذکره بینظیر
۱۸ ــ مردم دیده
۱۹ ــ ید بیضا
۲۰ ــ سروآزاد
۲۱ ــ خزانه عامره
۲۲ ــ نتائج‌الافکار گوپاموی
۲۳ ــ نشتر عم
۲٤ ــ نفایس المآثر

۲۵ ـ صبح صادق
۲۶ ـ تذکره ناظم تبریزی
۲۷ ـ بهارستان عبدالرزاق
۲۸ ـ گل رعنا
۲۹ ـ شام غریبان شفیق اورنگ‌آبادی
۳۰ ـ قند پارسی
۳۱ ـ گلستان مسرت
۳۲ ـ بیاض دستخط (جنگی با امضای) خاص میر آزاد بلگرامی .

این تذکره مشتملست بر ذکر ۶۵۱ شاعر متأخر و معاصر مؤلف بترتیب الفبا از روی حروف اول اسم یا تخلص شاعر اما ذکر بعضی از متقدمین ما بتدا بوعلی‌سینا را هم شاملست . این تذکره با « آزاد جهانگیر نگری » شروع شده با « یوسف لکهنوی مولوی محمد یوسف‌علی » تمام میشود

جالب ایست که از متقدمین ذکر کسانیکه بشعر معروف بودند مانند سعدی و حافظ و غیره را نیاورده و بعضی مانند ابوعلی‌سینا را که بشعر معروف نبودند ذکر کرده‌است.

در آخر کتاب تحت عنوان « ذیل خاتمه نگارستان سخن » بعضی اشعاریکه در آن بعلت « اشتراک الفاظ و مضامین و اتحاد مبانی و معانی » توارد واقع شده آورده و سپس تحت چهارده « فایده » بعضی کلمات را که در بعضی اشعار آمده استشرح داده‌است .

این تذکره مختصریست مشتمل بر ۲۱۱ صفحه و در ذیل اکثر شعرا فقط جمله ای برای معرفی آنها و دو سه بیت از اشعارشان را آورده‌است

اشعار و شرح حال شعرای زیر را نسبةً مفصل آورده‌است آزاد جهانگیر نگری و اسیر لکهنوی و اشرف و امداد و امیر و توفیق و رافت و رویت و رمهری و سید گوالیاری و ساهجهان بیگم و ظفر متخلص به اورنگ و عیدی و عذری و علام مصطفی و فصیح و فوروقا آبی و میر شکوه آبادی و شائی و نواب (حامد علیخان والی ریاست رامپور) و نواب (صدیق حسن خان) و نور (مؤلف) و نیاری و یزدانی و یوسفی و یوسف (مولوی محمد یوسف علی)

اشعار شعرای زیر را مفصل اما شرح حالشان را مختصر آورده‌است .

ابوسعید ابوالخیر وملاباقروثاقب (مهاراجه گوپال‌سنگه) وسلطان‌ومحسو مهری (سیدعلی) ونویدی.

همچنین درذیل‌نام خاور ومرتضی‌شرح‌حالشان را مفصل‌اما از خاورسه بیت واز میرمرتضی تنها یك بیت آورده است .

رویهمرفته اشعارمولوی محمد یوسف (در ٦$\frac{1}{2}$ص) ومهری‌سیدعلی (در٦ص) را مفصل ترازسایرین آورده‌است بعضی‌قطعه های تهنیت‌وغیره وقصیده هاوخاتمة الطبع‌بنظم وشروتاریخ‌طبع کتاب‌ازشعرا ومنشیان دربار بهوپال‌درآخر کتاب‌ضمیمه ده که‌قسمت قابل ملاحظه این کتاب (٢٦ص) راتشکیل میدهد

سبك انشای مؤلف غالباً مصنوع است ووی درسیاری ازموارد نثرمسجع بکار برده‌است

تذکر

این کتاب‌حتماً تألیف سیدنور الحسن خان‌نیست چون در موقع تألیف این کتاب‌سن وی‌هنوزاز چهارده یا نرده‌سال تجاوزنکرده بودواصلا نمیتوان باور کرد که یك پسرچهارده‌یا نرده‌ساله‌ای‌بتواند کتابی‌مانند نگارستان‌سخن‌را باین نثرمصنوع وفنی بنویسدوحتماً یك کسی ازملازمان درباربواب صدیق حسن‌خان‌پدرمؤلف‌این کتاب‌را تألیف‌نموده وبنام این«نواب‌زاده» نسبت داده‌است (نیزرجوع شودبه‌پایان بحث‌در باره«صبح گلشن » درسطورذیل)

چاپ

بهوپال مطبع شاهجهانی / ١٢٩٣/ ١٨٧٦م

برای شرح حال مؤلف رجوع شودبه نگارستان‌سخن‌وصبح گلشن واستوری ج ١ ص ١٤-٩١٣

فهرست اسامی شعرا

رجوع شودبه چاپ بهوپال ١٢٩٣ ه

صبح گلشن

ابتدا

شمشير ربان جوهر بيان می‌نمايدو نشترقلم رگ‌معنی ميگشايد .

شرح حال مؤلف

اسم‌مؤلف‌سيدمحمدعلی‌حسن‌خان‌والقاب‌و كنيت‌وی‌نواب‌صفی‌الدوله‌حسام‌الملك سيد ابوالنصر وتحلص وی‌سليم[1] است وی پسر كوچك نواب سيدصديق حسن‌خان ارىطن زن اول او دختر محمد جمال‌الدين خان دهلوی نخست‌وزير بهوپال بوده ودرچهارشنبه ٤ ربيع‌الاخر١٢٨٣ هـ بدنيا آمد وبسن پنج‌سالگی بمكتب (دبستان) رفت ودردوسال قرائت قرآن‌راتمام كرده وسپس‌نفرا گرفتن زبان فارسی‌مشغول گشت‌و كتب‌متداوله صرف‌ونحو وغيره راپيش مولوی محمدحسن‌بلگرامی‌خواند وهنوز دوازده سال بيش بود كه اين تذكره‌راتأليف نمود !!

وی‌مدتی رئيس افتخاری اداره فرهنگ بهوپال بود .

آثار مؤلف

١ـ صبح گلشن ـ تذكره مورد بحث

٢ـ البنيان‌المرصوص من بيان ايجازالفقه‌المنصوص ـ در فقه حنفی‌بفارسی. چاپ ١٢٩٩ هـ (رجوع شودبه‌آصفيه ج ٣ ص ٤٤٤)

٣ـ خرمن گل ـ ديوان‌فارسی .

٤ـ نامه‌دل ـ ديوان اردو.

١ـ استوری (ص٩١٤) ظاهرواصلا عاشقی .

۵ــ مآثر صدیقی ــ شرح حال مفصل نواب صدیق حسن خان باردو ـ چاپ لکهنو ۱۳۴۲ هـ .

۶ـ برم‌سخن ـ تذکره شعرای اردو ـ چاپ۱۲۹۷هـ (شرح حال شعرا را بزبان فارسی نوشته است)

۷ــ مواردالمصادر ــ بفرمایش‌شاهجهان بیگم بعداز فوت نواب‌صدیق‌حسن تألیف گردید .

همچنین آثار زیادی بزبان اردو دارد مانند فطرت الاسلام و سیرة الاسلام وانتظام خانه‌داری وغیره که فهرست‌آن برصفحه آخر مآثرصدیقی‌ذکرشده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف‌این کتاب رادرغره ذوالقعده ۱۲۹۴ آغاز ودرآخرماه جمادی ــ الاول۱۲۹۵ هـ باتمام رسانیده‌است درپایان کتاب «قطعه‌تاریخ»ذیل‌ازمولوی محمد یوسف‌علی آمده‌است که سال‌آغاز تألیف‌این رامیرساند

از ذکاء علی حسن دم زد	صحن گلشن بگلشن عالم
سال‌تنویر مطلع‌این صبح	«دلفروز سخنوران» گفتم

(= ۱۲۹۴ هـ)

همچنین درپایان کتاب چند «قطعه تاریخ» دیگرازشعرای مختلف آمده‌است که سال پایان تألیف این را میرساند ازآنجمله قطعه زیر از سرفراز علی وصفی الهٔ آبادی‌است

چون زکلك امیر ابن امیر	یافت‌این‌تذکره‌حدیدارقام
گفت‌تاریخ‌وصفی خوشفکر	« یادگار سخنوران انام »

(= ۱۲۹۵ هـ)

مؤلف درمقدمه این کتاب نثر بسیار مصنوع ومنشیانه سبب تألیف‌را چنین توضیح داده‌است که چون پدرش صدیق‌حسن‌خان تذکره‌ای‌بنام شمع‌انجمن تألیف

کرد بقیه‌شعرائی که ذکرشان‌در آن تذکره نبود «بجوش آمدند وحسرت‌فروشان درخروش» تااینکه برادر بزرگ مؤلف وپسرارشد نواب‌صدیق‌حسن‌خان‌تکلمه‌ای بنام «نگارستان سخن» نوشت وبعضی شعرا راکه اسامی آنها ازشمع انجمن افتاده بود ضمیمه کرد اماهنوز عده زیادی ازشعرا که‌در هردو تذکره فوق‌یادنشده بودند میخواستند تذکره دیگرترتیب داده‌شود تاازآنهاهم‌در آن تذکره‌یادشود بالاخره مؤلف بترتیب این تذکره کمرهمت بست و شرح حال شعرا و اشعارشان را وارد این‌تذکره کرد امادر این تذکره بعضی شعرائی که در شمع انجمن و نگارستان سخن مذکورند نیزتکرار شده وعلت‌آن رامؤلف دردیباچه چنین‌توضیح داده‌است که‌این تکرار برای ایست که آنها رامؤلف «خوش‌آوازتر» یافته‌است .

مؤلف دردیباچه کتاب اسم‌تذکره‌های زیررا آورده است که ازآنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است

۱ـ آفتاب عالمتاب

۲ـ نشتر عشق حسین‌علیخان عاشقی عظیم‌آبادی

امادراین کتاب بسیاری ازمطالب راازتذکره‌های زیرنقل کرده است .

۱ـ شمع انجمن ـ نواب‌صدیق حسن‌خان (پدرمؤلف

۲ـ نگارستان‌سخن (سید نورالحسن‌خان) (برادر مؤلف) .

اصلا این کتاب تکمله شمع انجمن ونگارستان سخن میباشد .

دراین کتاب فهرست اسامی شعرا هیچ‌جا نیامده است اماعده شعرای‌مذکور بقرار زیر است :

الف = ۱۶۰ ب = ۷۹ پ = ۵ ت = ۵۱ ث = ۹ ج = ۳۵ چ = ۶۹ ح = ۳۹
خ = ۱۸ د = ۵ ذ = ۶۱ ر = ۱۸ز = ۷۷ س = ۴۸ ش = ۵۲ ص = ۹ ض = ۱۷ ط = ۶
ع = ۱۱۷ غ = ۱۵ ف = ۶۴ ق = ۳۲ ک = ۲۲ گ = ۳۳ ل = ۴۶۰ م = ۲۱۲ ن = ۹۷
و = ۴۱ ه = ۳۹ ی کل۲۰۲۴ تن‌شاعر

پس این تذکره مشتملست برذکر ۲۰۲۴ تن شاعر بترتیب الفبا ازروی

حرف اول تخلص یا اسم شاعر ار شعرای متقدم و متوسط و متأخر که اکثرشان شعرای متأحر میباشند

این تذکره با «آثارمشهور بملاآثار» شروع شده با «یوسف ـ مولوی محمد یوسف علی گوپاموی» تمام میشود

مؤلف اشعار وشرح حال اکثر شعرارا حیلی محتصر آورده استو اکثرشعرا رادر دوسه جمله معرفی وار آنها دوسه بیت یایك رباعی نقل کرده است .

شرح حال شعرای زیررا معصل آورده اسب : احسن مولوی محمداحسن ورفعت محمد عباس وشهیر حافظ محمد حاں وکلیم نورالحسن خـان ونوش منشی کنح منوهرلال(هر کدام دریك ص) وحسرتی نواب محمد مصطفی حاں وسلیم علی حسن خاں (مؤلف)ومسیح رکن الدین کاشی ویوسف مولوی محمدیوسف (هر کدام در ۱½ ص) وشاهجهـان بیگم وممتازالدوله سید عبدالحی حاں (هر کدام در ۲ص) ونواب صدیق حسن خاں(در ٤ص)

زویهمرفته شرح حال نواب صدیق حسن حاں رااز سایرین معصل تر آورده اسب . بدارالقرار شتافت

همچنین اشعار شعرای زیررا معصل آورده است برق (در ۲ ص) و قصاب وسعیدا (۲½ص) ونواب صدیق حسن حاں (در۳ص) ومنیر محمدصیا(در٤ص) ونوش منشی کنح منوهرلال (در٤ص)وشهیر حافظ حاں محمدخاں(در۷ص)وحسرتی(در ۱۰ص

رویهمرفته اشعار حسرتی را ارهمه مفصل تر آورده است

درذیل نام نواب صدیق حسن خاں پنج بیت رباعی عربی اراو آورده است

درذیل نام فارغ فداعلی نمونه نثر اوراهم آورده اسب

سبك انشای مؤلف بسیارمصنوع اسب وغالب مطالب را نثرمسجع آورده اسب سالهارا بالفاظ عربی ذکر کرده است

غالباً جمله‌ای مصنوع درمعنی «فوت شد» آورده است چنانکه .

درذیل نام انصاف مینویسد درسنه خمس وتسعین ومایة والف این خاکدان را گذاشت

درذیل نام وحشت مینویسد: درسنه بضع واربعین ومایة والف از این وحشتکده بـدارالقرار شتافت.

رویهمرفته این تذکره ازحیث اینکه ذکر بسیاری ازشعرای معاصر را که ذکرشان در تذکره‌های دیگر نیامده شاملست دارای اهمیت میباشد اما چون مؤلف اکثر مطالب را بنثر مسجع آورده است بنابراین درذیل اکثرشعرا شرح حالشان را مفصل نیاورده چون نوشتن آن زحمتی دربرداشت وتنها شرح حال نواب صدیق و شاهجهان بیگم و نورالحسن کلیم ومولوی محمد یوسف که بترتیب پدرومادری وبرادرواستاد مؤلف بوده و همچنین شرح حال چند نفر دیگر که ازآشنایان نزدیك مؤلف بودند مفصل آورده است چون زحمت نوشتن نثر مصنوع بلکه مسجع در مورد این اشخاص میارزید.

تذکر

اما در مورد اینکه « صبح گلشن » از تألیفات سید محمد حسن خان نیست تردید و شکی وجود ندارد چون نمیتوان باور کرد کـه یك پسر۱۲ساله از عهده تألیف این تذکره باین نثرمنشیانه و مصنوع برآید زیرا که نوشتن چنین نثر مصنوع که غالباً مسجع است کار «بچگانه» نیست. بنابراین میتوان گفت که طبق رسم امراء و شاهان یك کسی دیگر از ملازمان دربار نواب صدیق حسن خان این کتاب را تألیف و برای خوشنودی و تملق از نواب مزبور وخانواده او این تذکره را بنام این نوابزاده نسبت داده است

اما در بارهٔ مؤلف اصلی این کتاب میتوان گفت که باحتمال قوی مؤلف آن همان مولوی سید محمد یوسف علی گوپاموی « کاربردار آستانه علیه ولیعهد ریاست بهوپال» بوده که مؤلف راجع باودر مقدمه مینویسد

«چون هنوز مرا از عمر گرامی مرحله دوازدهم فرا پیش است بـه دستی به تیماردیگران دارم وبه فکر چاره خویش خضر این وادی وساقی این بادی مولوی محمد یوسف علی صاحب را ازجه برانگیختم و بدستیاری (و) امداد جناب موصوف (مزبور) رنگ تلاش وتحقیق ریختم تذکرهٔ جدید که نزد مولوی

صاحب بودند دری ازتحقیق حال گشودند وطریقه انتخاب نمودند (نشان‌دادند)».

همچنین درپایان شرح‌حال مولوی محمدیوسف مزبور عبارت زیر آمده‌است·

«هرچندترجمه‌و کلام (شرح‌حال‌و اشعار) آن‌والامقام‌درشمع‌انجمن‌ونگارستان سخن‌گذشت‌لکن ازآنکه (ازآنجا که)درتهذیب‌واصلاح‌این کتاب‌یارویاورنامه‌نگار (مؤلف) است (ذکر) اشعارو (شرح) حال ومقالش باندك حدت واجب گشت»

چاپ

بهوپال مطبع شاهجهانی ۱۲۹۵ ه .

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به نگارستان سخن و صبح گــلشن و استوری ص۹۱۵ .

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب ذکرنشده و حتی در چاپ بهوپــال هم درآغاز یاپایان کتاب نامده است

روز روشن

ابتدا

حمد خداوند سرایم نخست تاشوداین‌نامه‌بنامش‌درست

نگارش نقش دلفدای نگارستان سخن نگارحمد نقش نگارر نگارنگ‌بدیعه برصفحه ایجاد وتکوین بوشته قلم‌قدرت اوست وتماثیل واشاه گوناگون مخترعه درکارستان تشبیه وتلوین سرشته‌دست صنعت‌او

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمدمظفرحسین گوپاموی متحلص به صبا استوی در ٤ شعبان ١٢٧٩ ه درلکهنو متولد شده وسپس به بهوپال رفت وایـن کتاب را بسن ١٧ سـالگی نوشت (بقیه شرح حال او بدست نیامد) .

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب راسال ١٢٩٥ ه (بسن ١٧سالگی) آغاز ودر ١٢٩٦ ه باتمام رسانیده است.

دردیباچه قطعه زیر آورده است که سال آغاز تألیف این کتاب را میرساند :

آغاز نمود حامه من	شرح آثار نکته سنجان
ماه شعبان و سال مضمر	دلکش اسماء نکته سنجان

= ١٢٩٥ ه (؟)

همچنین درخاتمه قطعه زیر آورده است که سال اتمام تألیف این کتـاب را می‌رساند .

چو گردید فارغ ربان قلم	ر افسانـه دوستان سخن
رتاریخ اتمامش ازدل صفا	شنیدم « بهین دوستان سخن»

= ١٢٩٦ ه

درمورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح میدهد که وی «شمع انجمن» و«نگارستان سخن» و«صبح گلشن» را دیده و در خاطرش گذشت که شرح حال سخنوران دیگر ازمتقدمین ومتأخرین که در آن سه کتاب نامو نشانشان روشن نگشته در تذکره جداگانه‌ای بنویسد واشعار وشرح بعضی شعرای معاصر را که « استدعای اندراج» کرده‌اند نیز بدان اضافه نماید

مؤلف دردیباچه اسم کتابهای زیررا ذکر نموده است که از آن در تألیف این کتاب استفاده نموده است

۱ـ شمع انجمن ۲ ـ نگارستان سخن
۳ـ صبح گلشن[1] ٤ـ آفتاب‌عالمتاب[2]

مؤلف درشرح حال‌شعرا اسم کتابهای زیررا نیز آورده‌است که‌از آنها در تألیف این کتاب استفـاده کرده‌است.

۵ـ نشترعشق ٦ـ یدبیضا

این کتاب‌مشتملست برذکر ۲٤۱۰[3] شاعر متقدم‌ومتأخر بترتیب الفباارروی حرف اول اسم‌یاتخلص‌شاعرو با « آبی‌ترشیری » شروع شده با « یوسف میریونس ابهری» تمام‌میشود .

این کتاب فهرست اساسی شعرا را ندارد اما درآخر کتاب فهرستی ازابواب کتاب آمده‌است که‌در آن تعدادشعرائیکه‌تحت هرباب‌ذکرشده مذکوراست

اشعاروشرح‌حال‌اکثرشعرا راحیلی مختصر آورده‌است ودراکثرمواردمعرفی شاعررا دریك‌جمله کرده واراویك دوبیت‌آورده‌است.

امادردیل ۲۵۰ شاعراشعارا وشرح حال آنهارا نسبة مفصل آورده است مانند ابوسعیدابوالخیر واحتر وارشد وغیره .

درذیل ۵۰ شاعر شرح‌حالشان‌اگرچه‌مختصراست‌امامؤلف‌اکثراطلاعات‌مهم راجع برندگانی‌شان‌رابهم رسانیده‌است مانند احیاواجمل‌شاه وعیره .

۱ــهرگاه مؤلف شرح‌حال‌شاعری رااریکی‌یابیشتر ارسه‌کتاب فوق‌نقل‌کرده‌روی‌اسم یاتحلص آن شاعر نشان محصوص «ش‌ون‌وص» نترتیب برای شمع انحمن ونگارستان‌سحن وصبح‌گلشن گداشته‌است

۲ـ مؤلف‌دردیباچه اصافه نموده‌است که درتألیف‌کتاب حودازاین کتاب محصوصا حیلی استفاده کرده‌است .

۳ـ تعدادشعرای مدکوردر این تدکره۲٤۱۱ می‌باشداماچون دکریك‌شاعر (امیر نطام‌الدین‌استرآبادی) مکررآمده‌است نابراین تعدادشعرا۲٤۱۰ می‌باشدنه۲٤۱۱چنانکه حودمؤلف درآحرکتاب تحت‌عنوان «تنویر» راجع باین‌موصوع‌اشاره کرده‌است.

درذیل ۵۰ شاعر شرح حالشان اگرچه مفصل است اما مؤلف اکثر اطلاعات مهم راجع به زندگانی‌شان را بهم نرسانیده است مانند آزاد گوپاموی وغیره.

درذیل ۳۰ شاعر شرح حالشان اگرچه مفصل است اما مؤلف اشعارشان را خیلی مختصر آورده است مانند ابراهیم ادهم وامین وغیره.

درذیل ۸۰ شاعر اشعارشان را نسبة مفصل آورده است مانند ارشدی وافضل واوحدی کرمانی وغیره.

مؤلف گاهی بر بعضی اقوال وروایات منابع خود ایراد گرفته و نتیجه تحقیق خود را در باره آن موضوع نوشته است مثلا درذیل « موحد بدایـونـی » مینویسد: «آفتاب عالمتاب وصبح گلشن آنرا بلگرامی ومجهول الاسم و النسب نگاشته ولی نامش وهاب الدین ابن ملاقطب الدین بدایونی است»

همچنین درذیل نام «وحشی خوشعابی» مینویسد «درشمع انجمن و بعضی تذکره ها اورا کاشی نگذاشته اند ار آنکه (در) خدمت ملامحتشم کاشی تلمذ داشت».

یا درذیل نام سید محمدهادی مینویسد: «درشمع انجمن آورده که ازشعرای کاشاست و در آفتاب عالمتاب وصبح گلشن اورا یزدجردی نگاشته (اند) اصل این است که ولادتش دریزد جردوشوو نمای اودر کاشان بوده»

امادرهیچ مورد مأخذاطلاعات خودرا که ازآن درباره موضوعات فوق تحقیق نموده است ذکر نکرده وبنابراین نمیتوان برقول مؤلف اعتماد کرد و بدون شك و تردید آنرا قبول کرد

درآخر این کتاب طبق رسم شمع انجمن و نگارستان سخن و صبح گلشن بعضی قطعاتی که سال تألیف وطبع کتاب را میرساندوتقریظهائی ازشعرا و ادبای بهوپال ضمیمه شده است

برخلاف ادعای مؤلف مبنی برسلاست و بی‌تکلفی عبارات، سبك انشای او غالباً مصنوع است و گاهی نثر مسجع هم نوشته است ومخصوصاً درشرح حال خودتحت نام «صبا» که در ۱ ص آورده است نثر او بقدری مصنوع و پر تکلف و پر از حشووزواید

است که مطالب آنرا میتوان‌دردوحمله بیان کرد ومنظورمؤلف‌در نوشتن‌این‌عبارات مصنوع‌غیراز فضل فروشی‌چیز دیگر نبوده‌است

همچنین شرح حال شاعر اول « آبـی تـرشیزی » را کامـلا بنثر مسجع نوشته است.

اما رویهمرفته ادعای مؤلف مبنی‌بر«بسطی کافی‌غیرممل‌واطنابی‌وافی‌بامحل» در اکثرموارد صحیح است زیرا که برخلاف رسم سه‌کتاب سابق‌الذکر (شمع انجمن‌ونگارستان سخن وصبح گلشن)مؤلف شرح حال‌اکثر شعرا را مختصر اما حامع وبدون‌اطناب غیر ضروری‌آورده است.

این کتاب‌هم مانند سه‌کتاب‌همانند خود مخصوصاً در موردمعاصرین دارای اهمیت‌وارزش میباشد.

چاپ

بهوپال مطبع شاهجهانی ۱۲۹۷هـ

برای **شرح‌حال‌مؤلف** رجوع‌شود به‌روز روشن (که‌مؤلف تحت‌نام « صبا » شرح حال بسیار مختصربنثر بسیار مصنوع آورده است)

فهرست اسامی شعرا

درهیچ کتاب ذکرشده حتی‌درچاپ بهوپال هم در آغاز یـاپایـان کتاب نیامده است

اختر تابان

ابتدا

«سخنی که آب و تابش رو کش لعل بدخشان و یاقوت درخشان باشد ستایش داور یکتا هستورهستی نما و کلامیکه بهتر وخوشتر از گوهر شاهوار و زمرد آبدار بود نعت خاتم المرسلین است که مدام برروان پاکش سلام ودرود خداست»

شرح حال مؤلف

مؤلف ابوالقاسم محتشم است. وی درسوم ماه محرم ۱۲۷۶ه در بهوپال بدنیا آمد ـ نسبش به جابر بن عبداله انصاری میرسد واجداد وی که «صاحب السیف و القلم» بودند ازمدینه منوره به بغداد مهاجرت کرده چندین قرن در آنجا سکونت داشتندوسپس به همدان رفته ودر آنجا «بعزت وحشمت» بسر میبردند یکی ازاجداد مؤلف درزمان نواب آصف الدوله (۱۱۸۹ـ۱۲۱۲ه) بهندوستان آمده به لکهنو رفت وآنجا سکونت گزید وبخدمت نواب مزبور درآمد سپس بعربستان رفته و دختر سیدحیدر بغدادی را «در حباله نکاح کشید» پسروی مولانا احمدیمینی شروانی (متوفی ۱۲۵۶ه در بلده پونا) که تألیفات بسیار دارد بهند رفت ودرخدمت انگلیسها وغازی الدین حیدر پادشاه اودبعزت واحترام زندگی کرد خلف الرشیدوی مولانا عباس شروانی متخلص به رفعت که صاحب تألیفات بسیار بوده پدر مؤلف بود و درخدمت والیه بهوپال ودرمجلس نواب امیرالممالك بود

(بقیه احوال زندگی مؤلف بدست نیامد)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را درسال ۱۲۹۸ه تألیف نموده است چنانکه درخاتمه

مینویسد:

«بتاریخ سوم شعبان سنه۱۲۶۸ ﻫ برابرش روز[1] تیرماه۱۲۸۸فصلی[2] مطابق یکم‌جولائی (اول‌ژوئیه)سنه۱۸۸۱(میلادی)ازتألیف فراغ‌حاصل گردید

مؤلف درمقدمه کتاب بنثرمصنوع راجع‌به‌نادر و کمیاب‌بودن سخن شاعره‌ها شکوه کرده و میگوید « زن بخلاف مرددر صد هزار یکی سخندان میباشد و آن هم بسبب پـرده نشینی (حجـاب) در[4]زاویه گمنـامی (میباشند) .[4] پرده‌داری زنان درزمره اهل ایمان بجائی رسید که‌لقب زنان مستورات گردید.. پس‌چنانکه‌آنها مدت‌العمر درتتق نشستند و در پرده (حجاب) پیوند زمین گشتند همچنان اکثر کلام ایشان نیزدرپرده عدم نهان واز حوادث زمان رایگان شد . درشمع‌انجمن و نگارستان‌سخن‌وصبح گلشن وروزروشن که حاوی‌ذکرخیرپنج‌شش هزار شاعرنامدار اندواین اسفار اربعه از(چهل کتاب که اسم‌آنها را مؤلف‌اینجـا نوشته است) ودیگر چند کتاب . که تفصیل اسمای‌آن بسیار است وتراجم‌اکثر سخن سنجان معاصرآرایش وپیرایش یافته‌اند چون تفحص بکار رفت صرف نـام‌و

۱ـ زرش نام روزهیجدم ازهرماه شمسی ایرانیان قدیم‌بوده چه‌ایشان‌ایام‌هفته‌نداشتند وهرروزرا به‌اسمی میخواندند . فردوسی: چوخـورسپهرآوردروزرش

توراززندگی بادپدرام وخوش ایضـا عنصری

درآمد درآن‌خـانه‌چون‌بهشت بروزرش‌ازماه‌اردیبهشت (فرهنگ‌نظام)

(تذکر: دربیت فوق فردوسی درفرهنگ نظام بجای«هور»« خور» آمده است که محققا اشتباه است وظاهرا اشتباه کاتب است چون خودمولف فرهنگ نظام‌این‌کلمه‌رادر حرف‌ها آورده‌است وآنجا معنی آن‌آفتاب نوشته‌وبعنوان سندبیت ذیل‌از فردوسی نقل کرده‌است:

ازویست شادی‌ورویست زور خداوند کیوان‌وناهیدوهور

۲ـ فصلی نوعی‌ازتقویمهائیست که درهندوستان معمول‌بوده‌است

نشان قریب چهل‌شاعره زن وشرح حال آنها نهـایت مختصر بملاحظه، در آمـد بحدیکه از کلام بعضی صرف (تنها) یك‌بیت بنظر گذشت وهمان یـك شعر(بیت) درچند تذکره یافته شد.

«وملافخری‌هروی که. حواهرالعجایب‌تذکره‌شاعرات پارسی زبان نوشته بهرار تلاش ست وسه(بیست‌وسه) شاعر(ه)یافته و جناب‌والدماحدم. مولانامحمد عباس‌رفعت‌دام‌ظله که‌صدها کتاب کمیاب (را) مطالعه فرموده‌اند .. بتلاش بسیار بقدرهشت ورق‌برخی ار کلام و تراحم قریب پنجاه‌زن (را) حمع کرده‌اند. هیچمدان(مؤلف) .. مدتی بگردآوردن این حواهر رواهر کمرهمت‌بسته..حال وقال‌هشتاد ودوزن‌فراچنگ (بدست) آورده‌است»

مؤلف این کتاب رابا ترغیب برادرحود ابوالحسن‌وبفرمایش‌نواب‌شاهجهان بیگم والیه‌بهوپال تألیف نموده‌است

مؤلف درمقدمه کتاب های‌زیر را حرومنابع خود در تـألیف این کتـاب آورده‌است:

١- شمع انجمن ٢- نگارستان ٣- صبح گلشن
٤-روزروشن ٥- سروآزاد ٦- خزانه‌عامره
٧-یدبیضا ٨- آفتاب عالمتاب ٩-نشترعشق
١٠- آتکشده‌آذر ١١-تذکرشیخ علی‌حزین
١٢-تذکره حسینی ١٣-تذکره(حوهر)پی‌زری
١٤- لب‌لباب (لباب‌الالباب)عوفی ١٥- تذکره سامی
١٦- حلاصة‌الاشعار (تقی‌کاشی) ١٧- هفت اقلیم
١٨- منتخب‌التواریح ١٩-مجمع‌الفصلای‌بقائی
٢٠- تذکره‌میرزا طاهر(نصرآبادی) ١٢ -مرات‌الحیال
٢٢- همیشه بهار ٢٣- حیات‌الشعرای متین
٢٤- سفینه بیخبر ٢٥-ریاض‌الشعر

۲۶- کلمات الشعرا ۲۷- مجمع النفایس

۲۸ تذکره تقی اوحدی (عرفات) ۲۹- تذکره بینظر

۳۰- نتایج الافکار (قدرت) ۳۱- تذکره ناظم (تبریزی)

۳۲- تذکره ملاقاطعی ۳۳- گل رعنا

۳۴- شام غریبان ۳۵- جواهرزواهر

۳۶- قندپارسی نساخ ۳۷- گلستان مسرت

۳۸- نشترغم ۳۹- نفایس المآثر

۴۰- تذکره باغ ارم ۴۱- خریطه جواهر

۴۲- گلزار ابرار ۴۳- جواهرالعجایب

همچنین درخاتمه کتاب شرح حال رابعه بلخیه ومستوره کرد ستانیه رامؤلف (بقول خودش) از تذکره مجمع الفصحای میرزا رضاقلی هدایت (چاپ تهران) نقل کرده است.

ار جمله کتب فوق تذکره های (جوهر) پی رری و حیات الشعرای متین و جواهرزواهر و باغ ارم امروز پیدا نیست و از این حیث ارزش این کتاب امروز بیشتر میشود.

مؤلف ازچهار کتاب اول سابق الذکر خیلی استفاده کرده وهمچنین خریطه جواهر و گلزار ابرار جزومآخذ مخصوص این چهار کتاب میباشد. مؤلف ارجواهر العجایب هم خیلی استفاده کرده وبسیاری ازمطالب راازاین کتاب نقل کرده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکرهشتاد وچهار [1] تن ار زنان شاعر بترتیب الفبا ازروی حرف اول اسم یا تخلص آنها و با «آرزوی سمر قندی» شروع شده با

۱- مؤلف اول ذکر هشتادودوتن را آورده است وسپس درخاتمه ذکر دوتن ار زنان شاعر (رابعه بلخیه ومستوره کردستانیه) را اضافه نموده است. استوری عده آنها را تنها هشتاد ودو نوشته است (ر.ك. استوری ج۱ ص۹۱۶)

«یاسمن‌بو» تمام میشوداما درخاتمه ذکررابعه بلخیه و مستوره کرد ستانیه را نیز اضافه کرده است

مؤلف درجمع آوری‌شرح‌حال و آثار زنان شاعر خیلی کوشش‌وتلاش کرده است ومیتوان گفت که درمیان تذکره‌هائی که تاآنوقت درباره زنان شاعرنوشته شده‌بود این تذکره جامع ترازسایرتذکره‌هااست.

درذیل نام اکثر شاعره ها مؤلف اشعاروشرح حال آنهارا که از تذکره های مختلف پیدا کرده است یکجا جمع‌نموده وازاین حیث‌سعی وی قابل‌تحسین وآفرین است .اما گاهی‌مؤلف شرح‌حال بعضی ازشاعره‌ها را ظاهراً تعمداًمقصل بیاورده است مانند نورجهان بیگم که شرح‌حال آنها در کتب تاریخ مفصل آمده است و مؤلف میتوانست شرح حال آنها را مفصل‌تر بنویسد اماوی‌دراین قسمت سهل‌انگاری نموده است.

سبك انشای‌مؤلف‌دراکثرمواردساده است‌اما گاهی مخصوصا درموقع‌تعریف وتوصیف شاعره ها نثر مصنوع و گاهی نثر مسجع‌بکاربرده است مانند:

«بلیعه‌شیرازی ــ خوش فکربود(و) سخن موزون می‌فرمود » یـا « حجابی جرباد قانیه ــ شعربآب‌وتاب میگفت توگوئی گهرمی‌سفت »

سالها را بزبان‌عربی آورده است

چاپ

مطبع شاهجهانی دارالاقبال بلده بهوپال ۱۲۹۹هـ

برای**شرح‌حال‌مؤلف**رجوع شود به‌اخترتابان‌چاپ‌بهوپال .

فهرست‌اسامی‌شعرا

رجوع شودبه‌اخترتابان چاپ‌بهوپال.

تذکرة الخواتین

ابتدا

«خامه صنع که اوراق جهان آراید خلد را نیز بحیرات حسان آراید

زهی نگارنده قادر و پرازنده قاهر که در چشمه امهات صورت بنات را جمال معنی داد و بسیاری از ربات حجال را ودیعه کامل از معرفت و کمال نهاد».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میرزا محمد بن محمد رفیع ملقب به ملك الکتاب شیرازی است وی در ۱۲۶۹ه در شیراز متولد شد و در ۱۲۸۵ه در بمبئی سکونت گزید و آنجا شغل انتشار و فروش کتاب را شروع کرد و در این کار بسیار پیشرفت و معروفیت حاصل نمود در ۱۳۰۰ه وی را دولت ایران لقب ملك الکتاب اعطا کرد و در ۱۳۱۷ه دولت هند نیز لقب «خان صاحب» باو داد از جمله کتبی که وی در بمبئی چاپ کرد تذکره دولتشاه است که وی در ۱۸۸۷ میلادی منتشر کرد

(بقیه احوال وی بدست نرسید)

آثار مؤلف بدین قرار است:

۱ـ زینت الزمان یا تاج التواریخ وسلالة السیر که در ۱۳۱۰ه (در بمبئی) چاپ شد.

۲ـ اکسیر التواریخ و سیر الائمه ـ ترجمه و خلاصه بفارسی از کتاب عربی کشف الغمه فی معرفة الائمه تألیف بهاء الدین علی الاربلی معروف به ابن الفخر (متوفی در ۶۹۲ه) چاپ بمبئی ۱۳۰۸ه.

۳ ـ تاریخ انگلستان یا جهان آرا ـ تاریخ مختصر انگلستان با خلاصه تاریخ اروپا است که مؤلف با استفاده از آثار جوناتن اسکات (Jonathan Scott) وغیره تألیف

نموده است چاپ بمبئی ١٣٠٦ ﻫ .

٤ـ تاریخ قدیم یونان و تاریخ حکمای فلاسفه یونان ـ مؤلف این کتاب را با استفاده از آثار انگلیسی که در این موضوع نوشته شده تألیف نموده است . چاپ بمبئی ١٣٠٦ ﻫ.

٥ ـ مرآت الزمان ـ تاریخ مختصر چین وجاپان (ژاپن) در ١١١ صفحه . چاپ بمبئی ١٨٩٣ میلادی .

٦ ـ الف بهار ـ در حکایات وغیره چاپ بمبئی ١٣١٣ ﻫ .

٧ ـ آیات الولایه . دفاع از حق علی وائمه بخلافت . چاپ بمبئی ١٨٩٨ م

٨ ـ مفتاح الرزق. درباره روابط کارمند و کارفرما. چاپ بمبئی ١٣١٥ ﻫ.

٩ ـ کشف الصناعه یامنتجبات محمدی دربیان صنایع مختلف .١٣١١ ﻫ

١٠ ـ تحفة الخواتین . در بهداشت زنان . چاپ بمبئی ١٣٢٥ ﻫ .

١١ ـ تذکرة الخواتین ـ تذکره مورد بحث

تبصره بر تذکره

مؤلف این تذکره را در ربیع الاول ١٣٠٦ ﻫ در بهوپال بنام نواب شاهجهان بیگم والیه بهوپال تألیف نموده است

درمورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد :

« باید غافل نبود که در این جهان زنان بوده اند که در زیر مقنعه کله داریها نموده اند درفهم حقایق اجتهادی کرده درحل غوامض تحقیقی انیق آورده لشکر شکسته اند کشور گرفته اند صد کار کرده اند صد راه رفته اند وارباب سیر از آنها بدرستی ذکری نکرده اند مصمم شدم که درحالات نساء مشهور استقصا کنم و باستمداد رجال اهل حق طرحی برای بنا بریزم ازحسن اتفاق، کتاب « مشاهیر النساء » از مؤلفات ادیب اریب « محمد ذهنی آفندی » بدست آمد. ترجمه آنرا اساس قرارداده معلومات خودرا با بعضی تصرفات که بنظر فاقد درست میآمد بدان افزودم و بنگارش احوال خیرات حسان ابتدا نمودم » .

مؤلف ازمنابع خود تنها اسم کتاب « مشاهیر النساء » تألیف « محمد ذهنی افندی »

ذ کر نموده‌است اما باید اذعان کرد که مؤلف کتاب « خیرات حسان » تألیف محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (صنیع الدوله) چاپ تهران را با حذف نام مؤلف و تفسیر نام کتاب تألیف آنرا بخود نسبت داده است همچنین معلوم نیست چرا اسم «اختر تابان» را که هفت سال پیش در همان شهر (بهوپال) که مؤلف بتألیف این کتاب پرداخته‌است چاپ شده‌بود ذکر نکرده‌و جالب اینجاست که « اختر تابان » هشتادوچهار شاعره‌را ذکر نموداما این کتاب که هفت سال بعداز آن نوشته‌شده‌است تنها پنجاه ودو شاعره را ذکر نموده‌است.

این کتاب مشتملست برذکر « مشاهیر نسوان عالم ازعرب وروم وهندوعجم ازصدراسلام تاسال تألیف کتاب» و « اوصاف حمیده وصفات پسندیده آنها »واشعاریکه بعربی وفارسی‌وترکی گفته‌اند و حکایات وعجائبی که ازآنها روایت‌شده است

مؤلف این کتاب‌راباذکر حضرت آمنه‌بنت وهب‌والده حضرت رسول آغاز کرده‌وسپس‌ذکر پنجاه‌ودوشاعره‌را بترتیب‌الفبا آورده است که‌اول آنها«آغا کوچك» وآخرشان « یاسمن بو » است

درذیل «اعلیحضرت (علیاحضرت) وکتوریه پادشاه (!!) (ملکه) انگلستان‌و امپراطورهندوستان» که‌درهشت‌صفحه‌این کتاب آمده‌است‌مؤلف‌اطلاعات‌مفصلی‌راجع بزندگانی‌ملکه‌وکتوریاووقایع‌مهم‌تاریخی‌عهداوتاسال‌تألیف کتاب‌ذکر نموده‌است

ازمحتویات کتاب معلم میشود که مؤلف‌شیعه متعصبی بوده چنانکه درذیل‌نام حضرت حفصه اسم خلفای ثلاثه و حضرت حفصه را باحترام ذکر نکرده (رجوع شودبه ص۹۰)وهمچنین درذیل نام‌حضرت صفیه اسم حضرت‌عایشه‌وزینب‌بنت‌حجش و حفصه وجویریه را باحترام نیاورده (رجوع‌شود به ص۹ ـ ۱۴۸) اما اسم حضرت علی‌واهل‌بیت وائمه‌راباحترام‌ذکر کرده است

مؤلف سال‌وفات ووقایع مهم دیگر مربوط بزندگانی خواتین راغالباًذکر نموده‌مخصوصاً درذیل‌نام خواتین عرب‌وخواتین از خانواده‌حضرت علی غالباًسال وقایع مهم‌را ثبت‌نموده است .

درذیل‌نام بعضی شاعره‌ها اشعار متذلی هم‌ازآنها نقل کرده استمثلا رجوع شود به‌نام‌زیب‌النسا بیگم‌وتونی.

سبك انشای مؤلف‌غالباً قدیمی وغیرساده استو گاهی بعضی عبارات رابنثر حیلی مصنوع وپرتکلف‌آورده استمثلا رجوع شود به جهان‌حانم مادرناصرالدین شاه ونواب‌شاه‌حهان بیگم.

چاپ

بهوپال [۱] ۱۳۰٦ ﻫ

برای **شرح حال وآثار مؤلف** رجوع شودبه استوری ح۱ص ۲۱۰ و ٤۲۹ و ٤۳۰ و٤۹۲ و ۹۱٦

برای **فهرست اسامی شعرا**رحوع شودبه چاپ‌بهوپال ۱۳۰٦ ﻫ

تکمله مقالات‌الشعرا

ابتدا

«به مدح هرکه برداری بودحمد حدا ای‌دل
که وصف صنع باشدصانع اورا ثنای دل»

ستایش وبیایش مرقادری‌را که شه فردحورشید ودو مصرع مهروماه ومثلث مwالید ثلاثه و رباعی‌عناصراربعه ومخمس حمسه‌متحیره ومسدس جهات‌سته ومسبع سبع‌سیاره ومثمن‌هشت بهسب موزون فرموده سلیقه مثبت اوست ونظم پروین وبثر

۱ـ استوری بمبئی ۱۳۰٦ﻫ

بنات النعش وقصیده کهکشان وقطعات سحب وتر کیب بند منطقة البروج ومطلع شرق[1] ومقطع غرب[2] زاد طبع اوست ».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد ابراهیم متخلص به مسکین و خلیل و اسم پدرش مخدوم عبدالکریم متخلص بکریم (متوفی در ۱۷ صفر ۱۲۷۲ هـ). مولد و مسکن مؤلف تته (سند) است. وی اصلا هراتی و نسبا صدیقی وطریقة نقشبندی ومذهبا حنفی بود. وی نسب مفصل خودرا درذیل شرح حال خود دراین تذکره نوشته است.

خلیل در ماه جمادی الاولی ۱۲۴۳ هـ متولد شد واین بیت اوسال ولادت اورا میرساند

سال میلاد منیفش سر الهام گفت دل(؟) « گوهر درج شرف علم لدن»

(= ۱۲۴۳ هـ)

خلیل چهل سال بعد از وفات میرعلی شیر قانع (متوفی در ۱۲۰۳) مؤلف مقالات الشعرا (تالیف ۱۱۷۴ هـ) متولد شد. این همان سالست که پرورنده ومربی بزرگ ادب فارسی وشاعر این زبان میر کریم علیخان که سومین نفر ازسلسله حکام تالپور سند بود سال آخر زندگانی خود رسیده بود و دوازده ماه بعد درجمادی الثانی سنه ۱۲۴۴ هـ چشم ازجهان بربست وبعد از وی برادرش میر مرادعلیخان متخلص به علی آخرین فرمانروای این سلسله که مانند برادر خود شاعر فارسی گوی وادب پرور بود بر مسند سلطنت نشست ولی شش سال بعد در ۱۲۴۹ هـ (= ۱۸۳۲ م) ازاین جهان رخت بربست.

این زمانی بود که انگلیسها بوسیله دسایس وتوطئه چینی ها سعی میکردند که سندرا تحت تسلط خود درآورند. بالاخره در زمان حکومت سلسله دوم خاندان تالپور انگلیسها تمام قراردادهای خود را که باحکام سابق سند بسته بودند زیر پا گذاشته وبا کمك وهمکاری میرعلی مرادخان تالپور والی خیرپور (سند) نقشه توسعه طلبانه خودرا

۱ـ ازروی نسخه چاپی «مشرق

۲ـ ازروی نسخه چاپی؟ «معرب»

جامه‌عمل پوشاندند و بر ناحیه‌سند تسلط پیدا کرده قسمت خیرپور را به میر مرادعلیخان مزبور بعنوان پاداش وجایزه برای همکاری با انگلیسها واگذار کرده بقیه ناحیه را بسلطنت خود منضم ساختند[1]. در فوریه ۱۸۴۳م (۱۲۵۹ه) انگلیسها کلیه اعضای خانواده تالپور را که احکام سند بودند غیر از میرمرادعلیخان مزبور دستگیر کرده عنوان زندانیان سلطنتی به بمبئی فرستادند[2] و بدین ترتیب دوره آزادی واستقلال سند سپری گشت

سقوط خاندان تالپوردرسند برای زبان فارسی بمثابه پیعام مرگ دراین ناحیه بودچون انگلیسها انگلیسی را بجای فارسی زبان رسمی اعلام کرده وبساط شعروادب فارسی را بکلی برچیدند و باهالی سندمانند سایر نواحی هندوستان خاطرنشان ساختند که یاد گرفتن انگلیسی متضمن فواید کثیرمیباشد درحالیکه برعکس آن یاد گرفتن ارسی برای آنها هیچ سودی در بر ندارد چنانکه بیت زیر بزبان سندهی فکر آن دوره دراین مورد میرساند .

فارسی پرهسین تیل و کتیسن — انگریزی پرهیس گهوری چرهیسن

(یعنی اگر فارسی بخوانید نفت میفروشید و اگر انگلیسی بخوانید براسب عرت سوار میشوید)[3] .

موقیکه سندبدست انگلیسها افتادحلیل هوزهعده ساله بیش سوده وبنابراین اگروی هعده سال بعد بدنیا آمده بود هیچوقت بتحصیل فارسی وعربی توفیق نمیافت چون بعد ار انگلیسها دیگر احتیاج به فرا گرفتن این رنابها نبود و لذا شاید هیچوقت بتألیف این تدکره طورتکلمه مقالات الشعرای مادرت نمیورزید

درمحیطی که خلیل چشم بدنیا گشوده وپرورش یافته و کسانیکه وی بـا آنها

-۱ر ك. بتاریخ سند«ارحداحان چاپ سندهی ادبی بورد کراچی ۱۳۷۸ه = ۱۹۵۹ میلادی(ص ۱۰۹)

۱ـ ر.ك. «لى تاریخ سند» ـ مقدمه گرد آورنده (بانگلیسی)

۲ ـ ر.ك تکلمه ـ مقدمه گرد آورنده

صحبت داشته و از فیوض معنوی آنها کسب فیض نموده تمام آنها اهل علم و صاحبان سیر و سلوك بودند . درشهر ته آنوقت چهار خاندان وجود داشتند که مرجع اهل علم و درعرفان و ایقان معروف بودند .

اولا خانواده مخدوم ابوالقاسم نورالحق نقشبندی که توسیله این خاندان نقشبندی درسند رواج وشیوع پیدا کرد .

ثانیاً خاندان مخدوم علامه محمدهاشم تتوی که اعضای آن نه تنها سرچشمه رشد وهدایت محسوب میشدند بلکه منبع بزرگ علوم معقول ومنقول هم بودند

ثالثاً خانواده میراحسن اله ومیرنظرعلی که منبع تصوف و طریقت بود .

رابعاً خاندان خود خلیل که اعضای آن مورد احترام خاصی درسراسر سند بودند.

هرچهار خاندان مزبور نامحمدیان قندهار که مورث اعلای آن شاه صفی اله نام داشت ارادت داشتند .

خلیل درچنین محیط عرفانی تربیت شد وبنابراین چون بزرگ شد ذوق عرفان راارث برده وصوفی صافی وپیرطریقت بارآمد . وی هشت ساله بود که از قرائت قرآن فارغ شد وسپس بخواندن فارسی پرداخت وخطاطی هم یاد گرفت

علم صرف راپیش پدر خود یاد گرفت و مجموعه صرف و نحو کافیه و کنز الدقایق فقه وهلم جرا تا توضیح درعلم فقه و قسمتی از مطول معانی را خواند همچنین چند ورق را از « سلم » درعلم منطق خواند اما چون «خوابهای پریشان » دید آنرا کنار گذاشت . در علم ریاضی شرح چغینی و در علم حدیث بعضی قسمتهای مشکوة وحضرت سنن ابی داود « ازباب بسم‌الله تا باب تمت» ودرعلم تفسیر قسمتی از جلالین ومدارك شریف خواند ودرعلم فقه تا هدایت ودرمختار نخواند امابشاگردان خود تدریس کرد همچنین دراصول حدیث نیز نسخه صغیره خواند ودرعلم مناظره چند درس از « رشیدی» شنید

خلیل هنوز « خردسال » بود که بنوشتن شعر پرداخت چنانکه درذیل نام عباس علی تتوی متخلص به علی مینویسد .

« فقیررا درخرد سالی یك‌بار ملاقات او حاصل شد درین وقت فقیر کج‌مج زبانی وژولیده بیانی آغازیده بود »[1].

این‌دوق گفتن شعر و نوشتن نثر فارسی درخلیل ازتأثیر « مخلصی» ایجاد شد امااسم آن« مخلص » خلیل ذکر نکرده استوتنها همین قدرمیگوید که« بعداز تأثیرصحبت مخلصی طبعم بنثرونظم فارسی‌مایل شد»[2]

خلیل‌غیر ازپدر خود تنها اسم یکنفر را ازو اساتید خود ذکر نموده است چنانکه درذیل مولوی آل احمد پهلواری مینویسد « کاتب‌الحروف را در سخنوری ازیشان بسیارفوایدحاصل‌شده . »[3] اماظاهرا وی‌اساتید دیگرهم‌داشته که اسم آنها را دراین‌تذکره نیاورده است

بایدادعان کرد که‌باوجوداینکه‌در زمان‌خلیل آفتاب زبان‌وادب‌فارسی درسند رو بزوال‌بودوشعرائی‌مانند میرعلی شیرقانع دیگر رخت‌ازجهان بربسته‌بودند اما هنوز قریحه ودوق‌شعرفارسی دربعضی خانواده‌ها باقی مانده‌وبرآسمان‌شعرفارسی بعضی ستاره های روشن میدرخشیدند هرچهار خاندان عرفان و طریقت تته که ذکرشان درسطورفوق گذشت با زبان ادبیات فارسی علاقه‌داشتند ودرخاندان خود خلیل‌ازچندین‌پشت شعرای صاحبدل و باذوقی بوجود آمده بودندوحتی‌پدراومخدوم عبدالکریم‌متخلص‌به کریم‌وبرادروی‌مخدوم‌فیضی‌احمدمتخلص‌به‌فیض‌وغیره بفارسی شعرمیسرودند همچنین درخانواده‌میرقانع پسر او میرمایل که در۱۲۵۱ه فوت شد شاعربودومیرصابر پسرمیر مایل که معاصرخلیل بودنیز بفارسی‌شعر میسرود .

در زمان خلیل هنوز بهترین‌وسیله برای بیان مطالب تصوف و عرفان شعر فارسی‌بودوبنا براین‌عده شعرای فارسی گو (چنانکه بعضی‌ازآنها درتذکره‌تکمله مقالات الشعرا ذکرشده اند) کم نبوده واین‌عده شعرا بزم شعروادب فارسی‌را گرم

۱ ـ رك تکمله ص ۶ ـ ۴۰۵
۲ ـ ایضا ص ۲۱۲
۳ ـ ایضا ص ۹

نگه میداشتند. همچنین هنوزازخاندان حکمرانان سابق‌سند برخی ازرجال شاعر دراین‌عصر وجودداشتند که بعضی‌ازآنها درحال تبعیددورازوطن در گذشتنداماچند نفرازآنها بعدازپایان مدت تبعید دوباره بوطن خودبر گشتندوتامدتی‌شمع شعر و ادب‌فارسی‌رانیمه فروزان نگهداشتند مانند جعفری ومیروحسین وحسن ومومن و نهروروحیدری وسانگی وغیره که اسامی‌آنها درتواریخ معاصر آمده‌است. باوجود اینکه ازوجود این‌امرا دیگر فواید مالی‌مقصود ومنظور نبود اماوجودآنهابرای زندگی‌شعر و ادب‌فارسی درسند مغتنم بود

علاوه براین‌یك عامل مؤثر دیگردراین زمان انتشارجریده ای‌بنام«مفرح‌القلوب» از کراچی بوسیله یکنفر فارسی زبان وشاعربادوقی بود که درهرشماره نمونه های کلام شعرای‌فارسی گوی سند ونواحی‌آن راچاپ میکردو گاهی‌مسابقه های شعر را ترتیب میداد و اشعاری را چاپ میکرد و شعرای دیگر ازآن‌استقبال میکردند.

خلیل در اول «بیاض» کوچکی درست کرده بود که یك طرف‌آن اشعار خود را(ازغزلیات)وطرف‌دیگرآن‌نثر خودرا ازمکاتیب که به«مخلصان»مینوشت نقل میکردولی، متأسفانه‌این بیاض گم شدوسپس بیاض‌دیگرمثل سابق درست کردو بنای ترتیب دیوان خودنهاد. خلیل‌آنوقت مسکین تخلص میکرد. بعدازتکمیل «دیوان مسکین» مکاتیب خود را جمع آوری کرده اسم آن را «کشکول مسکین» نهاد.

چندی‌بعد در نتیجه توصیه های بعضی رفقای خود مانند میان محمد زاهد شاکرانی بمناسبت اسم خودکه ابراهیم بود «خلیل» تخلص اختیار نمود وبعداز مدتی «دیوان خلیل» راهم باتمام رسانید وهمچنین مکتوبات‌خودرا که تاآن‌وقت نوشته بودجمع آوری نموده‌اسم آنرا «مایده خلیل» نهاد شعرا وعالماً جنبه عرفان وتصوف دارد.

گاهی بزبان سندهی هم شعر میسرود وآنجا «اداسی» تخلص میکرد که

بزبان سندهی بمعنی قسمی از فقرا یا آرزومند است. همچنین بزبان هندی (اردو) هم شعرمیگفت و آنجا هم مانندفارسی« مسکین » تخلص داشت. خلیل بقول‌خودش دراول‌زبان هندی (اردو) بلدنبود امادر اثرصحبت سیدغلام‌محمد متخلص به گدا و مطالعه دیوان ناسخ و آباد و آتش آن زبان رایاد گرفت و چند غزل در آن زبان سروده است .

در تکمله خلیل درذیل تخلص « خلیل » (درردیف«خ») انتخاب اشعارخود ر از« دیوان خلیل »آورده است وسپس درذیل تخلص « مسکین » (درردیف‌میم) سه غزل‌راازدیوان مسکین» هم‌نقل کرده است .

مؤلف به ماده تاریخ گوئی هم علاقه‌داشت ودرذیل بعضی شعرا قطعه های تاریخ که خودش گفته بود نقل کرده است

درسال ۱۳۱۳ ه بسن هفتاد سالگی بفکرافتاد که درآن سال میمیرد وبدین مناسبت قطعه‌زیر متضمن تاریخ‌وفات خودسرود که در« دیوان خلیل » درج است.

چو کرد نقل ازین‌دار پرملال‌خلیل ‏ خرد بماند سن انتقال[1] و جویان
سروش گفت‌بگوشش‌که خیر روی‌حساب ‏ «خلیل‌را بجنان برد لطف‌ایزد» جوان
=۱۳۱۳ ه

سپس درحدود سال ۱۳۱۶ه موقعیکه بسن‌هفتاد و سه سال رسیده بود دوباره همان فکر درخاطر خلیل‌خطور کردوبنا براین دو باره قطعه زیررا بدان مناسبت سرود که‌در« دیوان خلیل» آمده‌است .

ازاین‌جهان‌چو برفتم که‌رفتن‌است‌ضرور ‏ هزار شکر که فضل‌خدا مرا جوید
روانه گشتم و گفتم من ازسر الهام ‏ رود خلیل بیاران وداع میگوید
(= ۱۳۱۶ ه)

چندقطعه تاریخ‌دیگر هم‌در « دیوان‌خلیل » بهمین مناسبت آمده است که سال۱۳۱۶ه را بعنوان سال فوت‌وی میرساند وبیت زیرسال میلادی (۱۸۵۶) را میرساند که

۱ ـ برای‌شرح حال وآثار او رجوع شودبه تکمله‌ش ۶۶ ص ۵۲۳-۵۳۷

در همانجا ثبت گردیده است :

سال وداع خود چو بپرسیدم از سروش　　بی بحث و کد بگفت بگو «خیرخاتمه »
(= ۱۸۵٦ م)

اما درسال ۱۳۱٦ ه مطابق ۱۸۵٦ م نیر از دست اجل امان یافت ولی درسال آینده در ۱۳۱۷ ه بسن هفتاد وچهار سالگی این سرای فانی رابدرود گفت[1]. بعضی شعرای سند تاریخ فوت اورا شعر سروده اند اما اکثر آنها بدست نرسید. خوشبختانه چند قطعه تاریخ فوت خلیل که دوست وی مولانا عبدالکریم کراچوی متخلص به درس سروده و دردیوانش چاپ شده دردست ماست[2] واین دوبیت ازدوقطعه او اینجا نقل میگردد

فلک سال وصالش گفت ای درس　　بگو «بستان جنت کرد منزل» (= ۱۳۱۷ ه)
پی سال تاریخ بادرس گفت　　فلک « کاملی نقشبند سخن» (= ۱۳۱۷ ه)

قبر خلیل در گورستان مخدوم ابوالقاسم نقشبندی زیر تل مرکزی جانب مغرب امروزهم موجوداست ودرپهلوی اودخترش مدفونست قبراوخام است وهیچ کتیبه ندارد . اما خلیل اشعاری رابرای سنگ مزارخود سروده بود ودردیوانش باین عبارت ثبت گردیده است

«نقش قبرخلیل فقیرا گراین فردشود بهتر
زنده میرد عاقبت ای رایرفرخ شعار　　تکیه نتوان کرد هر گز بر حیات مستعار »

همچنین دردیوان خلیل یک غزل دیگر بعنوان زیر آمده است

« برلوح قبرفقیر چه زیبا زیبد »[3]

۱ ـ روز وفات خلیل معلوم نیست اما باید بعد از ۲ ربیع الثانی (۱۳۱۷ ه) باشد چون درآن روز خواهروی فوت کرده واو بدان مناسبت تاریخ وفات اورا سروده است (ر.ک تکمله چاپ کراچی ص ۳۲)

۲ ـ ر.ک. تکمله چاپ کراچی ص ۲۵۰ـ۲۵۲

۳ ـ ایضا ص ۳ ـ ۲۵۲

از نسب‌نامه خلیل که‌درپایان مقدمه‌تکمله‌چاپ کراچی دانشمند معظم آقای پیر حسام‌الدین ضمیمه کرده‌اند معلوم میشود که‌خلیل بعدار محمدحسن فرزندی بنام حبیب داشت که‌در۲۳ صفر۱۲۶۹ه متولدشدودر۱۳۰۱ ه درعین‌شباب‌در گذشت. مؤلف تاریخ مرگ‌وی را که‌دیگران سروده بودند وچهارده مسجع وی (که‌سال ۱۳۰۶ همیرساند) ویك مخمس ویك مثنوی و چند رباعی که خودش سروده بود بذیل«حبیب» در این کتاب آورده است[۱] . همچنین خلیل دخترانی نیرداشته که درزمان حیات اوفوت کردند یکی‌ازدختران‌وی که بقول‌بعضی بعد از مرگ وی فوت کرده بودپهلوی اودفن شده‌است بعد ازاین دختر کسی ازخاندان‌خلیل زنده نماند (همچنین‌بعد ازمدتی کسی ازسه خاندان دیگرنیز که‌ذکرشان درسطور فوق گذشت باقی نماند)[۲].

چنانکه ازمطالعه این‌تذکره برمیآید خلیل باشعرای معاصر خود روابط دوستانه‌و نزدیکی‌داشته است‌وچون‌وی بیك‌خاندان‌جلیل‌القدر تعلق‌داشت معاصرینش وی را بنظراحترام مینگریسته اند همچنین بسیاری از شعرای معاصر که برخی دراین‌تذکره‌ذکرشده‌انددرشعرشاگرد خلیل بودند مثلارجوع شودبه‌طالب وعزیز وعلی وغنی وفقیر وزاهدوجعفری وغیره

ازجمله شعرای متقدم درزمان خلیل درسند خواجه حافظ خیلی محبوبیت داشت وشعرای سند گاهی غزلیاتی بتقلیدوی میسرودند چنانکه‌درخودديوان‌خلیل بچندین غزل برمیخوریم که وی‌بطرز وروش حافظ سروده است

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قراراست

۱ ــ بیاض که‌شامل اشعارومکاتیب‌اوایل زندگی‌خلیل‌بوده وبعدا مفقودشد

۱ ر.ك تکمله ص ۱۶ ص ۱۲۷ ـ۱۵۲

۲ ـر.ك تکمله چاپ کراچی‌مقدمه گردآورنده ص۳۲ برای د نسمه های این خاندانها رجوع شودبه پایان مقدمه تکمله بعد از ص ۳۶ .

۲ ـ دیوان مسکین. دیوان‌اول فارسی

۳ ـ دیوان خلیل . دیوان دوم فارسی

٤ ـ کشکول‌مسکین.ـمحموعه مکاتیب که‌با « دیوان مسکین » دریک‌مجلد آمده است.

۵ ـ مائده خلیل . مجموعه دیگر ار مکاتیبی که با «دیوان خلیل » دریك مجلد آمده است

٦ ـ تحفة الصغیر رساله ای‌درشرح حال جدمؤلف محدوم غلام حیدر.

تبصره بر کتاب

مؤلف سال تألیف کتاب رادرمقدمه یاحاتمه نیاورده است اما در ذیل آصف اصفهانی میگوید که‌«دوسال‌است‌تحمیاسنه۱۳۰٤ه که‌به کراچی آمده‌بود» همچنین درذیل شرح‌حال‌پسروی حبیب که‌در۱۳۰٦هفوت کرد هنورتار گی آن‌رحم‌پیداست. بدین‌جهت‌میتوان گفت که‌مؤلف این‌تذکره‌رادرحدودسال۱۳۰٦هتألیف‌نموده‌است

در مورد سب تألیف مؤلف درمقدمه کتاب چنین توصیح میدهد «اردیر . آررو بود که تکمله مقالات‌الشعرا که ارتصانیف . میرعلی شیرقانع میباشدتصنیف کند وبعینه طرزو راه‌آن یگانه رود یعنی اهل سد و هراهل ولایت (ایران) که ازسند در گذرددرج‌نماید. ازباعث‌علایق وعوایق ارقوت بفعل نمی آمد تاایکه‌درین وقت قدری فرصت دست‌داد عمارت تکمله را بنانهاد» .

مؤلف درخاتمه کتاب اسم کتابهای ریررا دکر نموده است که درتألیف آن ار آنهااستفاده‌نموده‌است

۱ـ کلمات‌الشعرای سرحوش ۲ـ یدبیضای میرعلام علی آراد

۳ـ مقالات‌الشعرای میر قانع

ایـن تذکره با « احمد مولوی احمد هدوستانی پهلواری » شروع شده

با « یوسف حکاك سیوستانی » تمام میشود و شامل ذکر هشتاد ودوتن[1] شاعر است که اهل سد بودند یا از آنجا گذشته‌اند. این کتاب اصلا تکمله ایست برتذکره مقالات الشعرا تألیف میر علی شیر قانع (تألیف ۱۱۷٤ه). مؤلف در مقدمه این کتاب بعداز حمد ونعت و سبب تألیف کتاب شواهدی برای اثبات شاعری از آیات قرآن واحادیث رسول‌واقوال وحکایات مختلف آورده‌است

در حاتمه این کتاب بعضی اشعارمتفرق ارشعرای محتلف ار مقالات‌الشعرا و کلمات‌الشعرا ویدبیصا وغیره نقل کرده اسب وبدین ترتیب محلس ادبی ساحته است که طی آن‌اشعاری چبد دریك‌موضوع که شعرای مختلف سروده‌اند نقل کرده است(ص٦٥٨ــ٦٧٣)وسپس‌درپایان‌دعائی‌ربان عربی‌آورده‌است(ص٤-٦٧٣)

ازمطالعه این تذکره‌این حقیقت پی‌میبریم که تـازمان‌قانع(مؤلف‌مقالات الشعرا) چبانکه ار تذکره وی پیداسب شعرای ایرانی درسند بعود داشته‌اند اما درزمان خلیل‌بحای‌شعرای ایرانی‌شعر اوادبای افغانی دراین ناحیه رفت‌وآمدداشته وموجب تشویق شعرای فـارسی و شیوع دوق وشعروادب فارسی‌درسد میشده‌اند . این امردوعلت داشت اولاحاندان محددیان قندهار وکابل درسد مریدان کثیر داشتند وبنابراین رفت‌وآمد بین سد وافغانستان دراین عصرریاد صورت‌میگرفت وثانیاً بعلت جبگهای داخلی ونفوذانگلیسهادرافغانستان تعداد ریادی‌ارحاندانهای معروافراد حانواده‌های‌شاهی بسنده‌ناحرت نموده‌درآن‌زمان‌درآن ناحیه‌سکونت گریده بودند واکثرآنها اهل‌ذوق و دانش بودند وروابط نزدیك‌آنها بااهالی این سرزمین باعث تشویق‌وترغیب مردم‌آن بشعروادب فارسی شده اسب

خلیل خودش‌هم باچندین نفرافغانی‌آشنائی وروابط دوستانه داشت‌وبه‌بعضی ارآنها مکاتبه میمود مثلا هنگامی که سردارغلام محمدحان طرزی بکراچی آمد حلیل با وی‌آشنا شد وبعدا هر دو باهم مکاتبه داستند و سر دزمر بور و ز بد حه

[1] ١ــ این عده دوارده نفر دیگرراکه‌مولف درذیل بعضی شعرا شرح‌احوالشان‌راآورده بت شامل‌نیست زیراکه‌آنها شاعر نبوده‌اند.

سردارمحمود خان طرزی رابرای ملاقات با حلیل به‌تته فرستاد و خلیل چندین غزل بطرزغزلیات‌توی سروده‌است[١].

نکته دیگر که ازمطالعه این تذکره بدان پی‌میبریم این‌امراست که‌تازمان مؤلف این تذکره هنوز دراکثرشهرها وقصبات سند ذوق شعروشاعری‌باقی مانده ومخصوصا درشهرتته وحیدرآبادوهالاومتیاری وبهکروشکارپوروسیوستان‌و کراچی شعرائی وجود داشتند که بفارسی شعر میسرودند چنانکه خلیل اسامی بسیاری ازمعاصرین‌خود را دراین تذکره ذکر نموده است که از این شهرها وقصبات تعلق داشتند ازجمله امام‌بخش فدوی‌وعلی اصغرعلی وبنده‌علی گرجی‌ومحمدقاسم‌هالائی وموتیل‌شاه کمترتتوی وغ٧م محمد گدا ومخلص‌علی مخلص واحمدعلی‌وغیره.

چون مؤلف بااکثرشعرا و اشخاصی که ذکرآنانرا دراین تذکره آورده است ملاقات کرده یا از نزدیك باآنهاآشنائی داشت و اکثر آنان از معاصرین و رفقایش بودند بنابراین شرح‌حال وآثاری که دراین کتاب‌آورده است مورداعتبار واعتماد میباشد

اما درذیل نام اکثرشعرا شرح حال‌آنها را خیلی مختصر آورده وحتی‌اکثر اطلاعات مهم راجع بزندگانی‌آنها را بهم‌نرسانیده باوجود اینکه چون از نزدیك باآنها آشنا بودموقعیت وفرصت خوبی برای این‌کارداشت اماظاهرا سعی‌نکرده‌است اطلاعات‌کافی ووافی رادرباره شرح زندگانی شعرابهم‌رساند

درهرحال شرح حال‌شعرا واشخاص زیررا مفصل‌ترازدیگران‌آورده است مخدوم هاشم (در٣ص) و باقی وعبدالکریم بن غلام حیدرومیان عبداللطیف ومیان گل‌محمد (هر کدام در٤ص) ومخدوم عبدالکریم و ابوالقاسم نقشبندی (هر کدام در٨ص)ومیرسیدنظرعلی (در٦+٦ص)

همچنین درذیل نام اکثرشعرا ازیشان فقط یك دو بیت نقل کرده است اما

١ــ ر.ك. تکمله ــ تعلیقات گردآورنده ص٢٢-٨١٩

درذیل شعرای زیر اشعار آنهارا ارسایرین مفصل تر آورده است: صفی و گدا (هر کدام در ۳½ ص) وحابان وشریف ومایل (هر کدام در ۴ ص) وقاضی غلام علی جعفری وعظیم (هر کدام در ½۴ ص) وحلیل (در ۱۹ ص تحت نام خلیل و ½ ۱ ص تحت نام مسکین) ورویهمرفته انتخاب اشعار خودرا ازهمه بیشتر (قریب دویست بیت) نقل کرده است.

شرح حال افرادزیررامفصل آورده است اما چون اینها شاعر بودند ازموضوع این کتاب خارج است

۱ـ۴ـ مخدوم عبداللطیف و ابراهیم و عبداللطیف ثانی و عبداله درذیل نام «امید»

۵ـ۹ـ محمدزمان ومحمدعبدالکریم وغلام حیدروابوالقاسم ومیرسیدنظرعلی درذیل نام «خلیل»

۱۰ـ۱۲ـ میان عبداللطیف و محمد زمـان و گل محمد در ذیل « روشن » (میان ضیاءالدین)

درذیل شرح حال «حبیب» پسرخوا نمرگ خود مؤلف شرح وفات وی راخیلی مفصل آورده است وقطعه‌های تاریخ فوت ومخمس ومثنوی‌ها ورباعیات وفردیات که درماتم پسرش سروده مفصلا نقل کرده است وهمچنین قطعه‌های تاریخ وفاتی را که دیگران برمرگ وی سروده بودند نیزاینجا نقل کرده است.

درذیل نام شعرای زیراشعاری ارخود که درجواب آنها سروده است نقل کرده است مولوی آل احمد وآصف اصفهانی وباقی وثاقب و جعفری و حیـدر و حسن وزین العابدین وسعید وشریف وطرزی وعظیم وعلی (میرزا بنده علی) و عباس و علی (میرسید عباس بخاری)[1] و گدا ومایل ومحمدعالم وولی ·

همچنین درذیل نام حبیب وعزیز بعضی اشعاررا ارخودنقل کرده است

درذیل نام بعضی شعرا اشعارعربی آنهارا نیز نقل کرده است رجوع شود به نام مولوی

۱ـ اینجا غزلهای خودرا که درجواب بیدل وعلی هردوسروده بود نقل کرده است.

آل احمداحمد (ص۱۰و۱۲و۱۴و۱۵) ـ همچنین درخاتمه‌دو بیت‌بربان اردوازخود نقل کرده است.

مؤلف بماده تاریخ گوئی علاقه فراوانی داشته است چنانکه درذیل شعرای زیرتاریخ وفات آنانرا که خودش گفته بودآورده است باقی وحبیب (تاریخ فوت ومسجع هردو) ومیرسید عبدالکریم بن‌غلام حیدرهمچنین ماده تاریخ‌های فوت که دیگران سروده‌اند نیز نقل کرده است رجوع‌شود به‌نام‌ثابت‌وحبیب‌وعبدالکریم بن غلام حیدر وشریف‌وعظیم

گاهی درضمن شرح‌حال‌شعرا بعضی‌حکایات‌جالب نقل کرده است رجوع شود به‌نام‌مولوی آل‌احمداحمدومخدوم‌هاشم ومخدوم عبداللطیف ومخدوم محمدابراهیم ومخدوم عبداللطیف ثانی‌ومخدوم محمدزمان‌ومخدوم عبدالکریم ومخدوم‌ابوالقاسم نقشبندی‌ومیرسیدنظرعلی و عبدالکریم بن غلام حیدرو میان عبداللطیف‌بن میان ابراهیم ومیان گل‌محمد»

سبك انشای مؤلف اکثر ساده وغیر مصنوع است اما گاهی مؤلف مخصوصاً درموقع تعریف و توصیف شعرا بنثر مصنوع پـرداخته است همچنین گاهی قبل ازاسامی‌اشخاص‌وشعراچندلقب توصیفی آورده است و گاهی‌این القاب‌راخیلی‌مفصل ده ا ت مثلا رجوع شودبه‌نام‌ولی ویوسف

نسخ‌خطی

۱ ـ دانشگاه لاهور (بخط مؤلف است چون بعضی عبارات خط زده یـا اصلاح شده است و گاهی برای‌نوشتن احوال و اشعارشعرا جاخالی گذاشته است امابعداً بوی فرصت دست نداده که‌این قسمترا تمام کند همچنین با وجود اینکه مؤلف غالباً ترتیب اسامی را ازروی الفبا آورده است گاهی بعضی اسامی را خلاف این اصل‌ترتیب نوشته‌است).

۲ـ نسخه دیگر که ازنسخه فوق‌استنساخ‌شده‌است در کتابخانه شخصی آقای

پیرحسام‌الدین‌در کراچی پاکستان موجود است.

چاپ

سندهــی ادبی بورد کراچی۱۹۵۷ م بتصحیح وحواشی وتعلیقات از فاضل ارجمندآقای حسام‌الدین راشدی (ازروی نسخه خطی فوق)[۱]

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به‌تکمله مقالات الشعرا ومقدمه بر آن کتاب چاپ کراچی‌ازفاضل گرامی آقای پیرحسام‌الدین‌راشدی.

فهرست اسامی شعرا :رجوع‌شود به‌تکمله‌مقالات‌الشعرا چاپ کراچی.

۱ـ این‌چاپ بسیارخوب‌است‌وگردآورنده‌آن‌دانشمندجلیل‌القدرآقای‌پیرحسام‌الدین که ازفضلای فارسی‌شبه‌قاره‌پاکستان‌وهند میباشد درترتیب وتصحیح این تذکره بسیارزحمت کشیده ومقدمه‌ای‌درشرح حال‌وآثارمولف (۲۱-۳۶) وحواشی‌وتعلیقات‌بسیارمفصل‌وسودمند (۶۷۷-۸۲۷) باتمام فهارس مصادر(منابع) واسامی رجال‌واماکن وکتب (۸۲۹-۹۰۱) وغلطنامه مفصل(!)(ص۹۰۲-۹۱۲)وپنج‌نسب‌نامه بسیار مفید وچندین عکس ازشعرا والواح قبوروم‌زارات‌ومقابر‌ونمونه‌های‌خط شعرا وغیره بمتن‌کتاب‌اضافه‌کرده است‌که‌برای‌خواننده آن بسیارسودمند ومفید است دراین چاپ حواشی وتعلیقات‌که‌گردآورنده فاضل مزبور بمتن‌کتاب علاوه‌کرده است خیلی پرمایه وبا ارزش ومطالب آن خیلی بیشتر ازمتن خود تذکره است.بدین‌ترتیب میتوان آن‌راتکمله«تکمله‌مقالات‌الشعرا»نامید مساعی‌گردآورنده درتهیه‌این‌مطالب‌وزحماتی‌که دراین زمینه‌متحمل شده‌است‌سزاوربسیارتحسین وآفرین‌است وبرای‌گردآورندگان کتب تذکره وتاریخ بمثابه شمع راه وبهترین نمونه و مثال است انتشاراین‌کتاب ازجمله‌خدمات‌مهمی است‌که انجمن ادبی سند (سندهی ادبی‌بورد) کراچی بدنیای ادب فارسی انجام داده‌است‌که مجال‌شرح ووصف‌آن اینجانیست .

حدیقه عشرت

ابتدا

ای‌شاهد زیبای سخن جلوه گری کن
ازشوخی‌خود کلك‌مرا بال(و)پری کن

چهره آرائی مشاطه قلم‌به ثنای حسن دلفریب‌شاهدیست که شبستان جهان‌را ارشمع‌جمال ماهرویان وشعاع حسن‌خورشیدرخان منورساخت‌وچمن‌پیرائی باغبان خامه‌به بوستان حمد دلربائیست که‌ریاض جهان‌را ارچهره زیبای گلرخان و نهال قامت‌دلربای‌سرو قدان‌بر آراست»

شرح‌حال‌مؤلف

اسم مؤلف کنور در گاپرشاد متخلص به مهر سندیلوی است . اسم پدرش راجادهنپت‌رای‌است مؤلف در۱۸٤٦میلادی (مطابق ۱۲٦۳ه) بدنیا آمدودر۱۸۵۷م (مطابق ۱۲۸٤ه) بعنوان«رئیس» جانشین پدرخود شدودر۱۸۸٤م (مطابق ۱۳۰۲ه) قاضی‌اعزازی سندیله‌منصوب‌شد آثار مؤلف بدین‌قراراست.

۱ــ حدیقه‌عشرت‌تذکره‌موردبحث

۲ــ گلستان‌هند‌ــ درتاریخ هنداست‌ــمشتمل برچهاردفتر بدین‌قرار

۱)راجاهای‌هند(قبل‌ازاسلام) .

۲) دوره‌اسلام

۳) دوره انگلیسها تا ۱۸۸۷م (مطابق۱۳۰۵ه)

٤)ذکرمؤلف‌واجداد وی

این کتاب رامؤلف ششماه بعد از تشکیل در بـار « جوبلی » در هردوئی تألیف کرد

چاپ لکهنو ۱۸۸۹ م و سندیله ۱۸۹۷ م

۳ـ بوستان اوده ـ در تاریخ اود است مشتمل بر شش دفتر بدین ترتیب:

۱) شاهان هندو

۲) وزرای شاهان دهلی

۳) شاهان اود

٤) دوره «غدر» (شورش هند)

۵) ذکر اجداد مؤلف

٦) ذکر سندیله ومعاریف آن

چاپ لکهنو ۱۸۹۲ میلادی

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در ۱۸۹۳ میلادی مطابق ۱۳۱۱ ه تألیف نموده است

مؤلف سبب تألیف این تذکره را در دیباچه کتاب بسیار مصنوع چنین توضیح میدهد که وی از مدتی اشعار متقدمین ومتاخرین را مطالعه میکرد ودر ضمن مطالعه بچند بیت از شاعره ها برخورد وبالاخره تصمیم گرفت که تذکره مختصری راجع بزنان شاعر ترتیب دهد

این تذکره مشتمل است بر ذکر زنان شاعر از متقدمین ومتأخرین بترتیب

۱ـ نسخه چاپی که بدست نگارنده رسیده خیلی ناقص است ومخصوصا صفحات آخر را ندارد وهمچنین شرح حال دو شاعره بعداً ازبهائی در آن شده است این نسخه مشتمل است بر ذکر ۹٤ شاعره

العبائی ار روی حرف اول‌اسم یاتخلص‌شاعره وباآقائی (هراتی) شروع‌شده با [2] تمام میشود

مؤلف در دیباجه میبویسد : کتابی ار مجموعه کلام (اشعار) نسوان بنظر نگذشت و بیاضی‌ازخلاصه مذاق این سحرکاران فروغ‌افزای‌چشم‌جهان بینم‌نگشت»

امااین‌قول‌مؤلف مبنی‌برصحت‌نیست ریرا که مؤلف‌تذکره دیگرارشاعره هارا بنام «اخترتابان» که ابوالقاسم محتشم بسال۱۲۹۰ م تألیف کرده [3] دیده است چنانکه اسم آنرا درذیل «حسینا»آورده است أمار محتویات کتاب پیداست که مؤلف چنانکه بایدوشاید ازآن کتاب استفاده‌نکرده‌است

مؤلف درمقدمه کتاب میبویسد که‌اول کسیکه‌ازطایفه نسوان شعر گفت‌دلارام دلربای‌بهرام گور بوده‌است

درذیل اکثر شاعره ها مؤلف‌شرح‌حالشان‌را خیلی مختصر وازآنها دوسه‌بیت نقل کرده است

وازعده کمی ازشاعره ها اشعاروشرح‌حالشان را نسبةمفصل‌آورده است‌مانند آفاق جلایرو آرام (دلارام)وجهان‌خاتون‌وغیره ورویهمرفته‌شرح‌حال‌نورجهان‌بیگم را مفصل‌ترازهمه (در۱۰صفحه)آورده است

سبك انشای‌مؤلف‌غالباً مصنوع‌است

رویهمرفته‌این تذکره چندان‌اهمیت وارزشی‌ندارد

چاپ

کوین برس سدیله ۱۸۹٤میلادی

برای‌**شرح‌حال مؤلف** رجوع شود به استوری‌ج۱ص۲۹۱و۷۱۲و۹۱٦

۲ــ نسخه چاپی ما که‌ناقص الاخر است با «همدمی» تمام میشود وقسمت آخر ذکر همدمی نیزاز این‌نسخه افتاده‌است

۳ـ برای‌شرح مفصل این‌کتب.ر ك «اخترتابان»دراین‌کتاب.

برای فهرست اسامی شاعره‌ها رجوع شود به حدیقهٔ عشرت چاپ سدیله.

تذکرة الشعرا (ی غنی)

ابتدا

(این تذکره با ذکرهٔ آذر حاجی لطفعلی بیگ اصفهانی شروع میشود)

شرح حال مولف

اسم مؤلف محمد عبدالغنی متخلص به غنی مو فرخ آبادی است . وی معاصر نظام‌الملک آصفجاه نواب میرمحبوب علیخان بهادر نظام دکن بوده و مدتی سمت صدرمدرس عربی در مدرسه فوقانیه سرکار عالی حیدرآباد را داشت و بروایت پسر وی در ۱۵ اکتبر ۱۹۱۶م (مطابق ۱۷ ذوالحجه ۱۳۳٤ھ) فوت کرد[۱]

آثار مؤلف بقرار زیر است

۱ـ ارمغان آصفی ـ فرهنگ اصطلاحات فارسی است که برای هر اصطلاح با شعار شعرای نسبةً معروف استشاد شده است که ذکر شان در تذکرة الشعرای مؤلف آمده است[۲]

۱ـ در یک دیباچه تذکرة الشعرا بعنوان «عرض حال» که پسر مؤلف عبدالحمید خان بزبان اردو نوشته است اینجا پسر مؤلف بذکر شرح حال مؤلف نپرداخته و تنها بذکر اسم دو اثر دیگر از مؤلف اکتفا نموده است.

۲ـ در پشت صفحهٔ اول تذکره الشعرا چاپ علیگره تحت آگهی ارمغان آصفی این عبارت باردو آمده است «مؤلف صاحب تذکره کی مشهور تصنیف موسوم به ارمغان آصفی میں . هر محاوره کا ثبوت آن اساتذهٔ مسلم کی کلام سی دیا گیا هی جنکا اس کتاب (تذکره

دراین کتاب قریب بهشصت‌هزار بیت (بدون تکرار) بعنوان شاهد آمده‌است . این کتاب درهشت‌جلد درمطبع‌قادری آگره‌هند از۱۹۰٤م تا۱۹۰۸م(۱۳۲۲تا۱۳۲٦ ه) بطبع‌رسیده است

۲ـ حوارالعرب ـ درباره اصطلاحات عربی و شرح آن بزبان اردو چاپ انستی تیوت پرس‌علیگره

۳ـ تذکرةالشعراـتذکره مورد بحث

تبصره‌بر کتاب

مؤلف تألیفات‌این کتاب را سال۱۳۰۰ه‌آغاز نموده ودرسنه ۱۹۰۷م (مطابق ۱۳۲۵ه بکمك پسر خود مطالب این تذکره راار تذکره‌ها و کتب دیگر مذاقه ومقابله‌نموده وبالآخره در۱۹۱۰م (مطابق۱۳۲۸ه) ا تـألیف و مقـابله کتاب فراغت‌یافت[۳]

درمورد سبب تألیف عبدالحمیدخان پسر مؤلف درذیل مقدمه کتاب بعنوان « عرض حال » (بزبان اردو) چنین توضیح داده‌است که درموقع تألیف‌ارمغان آصفی مؤلف‌بفکر ترتیب‌این تذکره افتاداما بعلت مشکلاتی که مؤلف‌درزمان‌طبع ارمغان‌باآن مواجه‌شدوی درباره توفیق درعملی ساختن این فکردحارشك وتردید گردید اما بعداً چون جزواول‌از کتاب وی‌بنام « حوارالعرب » درانستی‌تیوت‌پرس با موفقیت بطبع رسیدو   خصوص امیدوار گشت‌وتصمیم گرفت قبل‌از

الشعرا) میں‌تذکره هی)) ترجمه‌آن عبارت بفارسی بقرارزیرااست

«مؤلف‌این‌تذکره درتألیف معروف‌خود بنام ارمغان‌آصفی برای هراصطلاح‌اشعاری‌را از اساتید مسلم که دراین کتاب (تذکره‌الشعرا) مذکورند بعنوان شاهدوسندآورده‌است» وازاینجا بعضی باین‌فکرافتاده‌اندکه این‌تذکره‌مشتملست منحصرا برذکر شعرائی که‌مؤلف درفرهنك (ارمغان آصفی) اشعارآنهارا نقل‌کرده است وظاهرا این‌عقیده صحیح‌است چون مؤلف برخلاف رسم تذکره نویسان اشعار شعرا را دراین تذکره اصلا نیاورده چون قبلا درارمغان آصفی نقل‌کرده‌بودوبنابراین تکرارآن درتذکره لازم نبود

۳ـ ر ك‌دیباچه این‌کتاب ازپسرمؤلف . بعنوان«عرض‌حال»(بزبان‌اردو)

ارسال بقیه جروهای « حوارالعرب » بمطبع سابق الذکر ارطبع تذکره الشعرا فراغت حاصل نماید اما تجری الریاح بمالایشتهی السفن چون طبق متن این کتاب تمام شد مؤلف مبتلای مرض الموت شد و بالاخره در ۱۵ کنس ۱۹۱٦م (مطابق ۱۷ دوالحجه ۱۳۳٤ ه) داعی اجل رالبیك گفت .

همچنین پسر مؤلف میگوید که قرار بود این تذکره بعد از طبع ارمغان آصفی بطبع رسد اما چون مؤلف بکلی مشغول اتمام « حوارالعرب » بود بنابراین کار طبع این تذکره بتعویق افتاد و حتی اگر بعضی رفقای صمیمی برای چاپ آن اصرار نمیورزیدند این کتاب هنوز هم بزیور طبع آراسته نمیشد

درمورد مآخذ کتاب عبدالحمیدخان پسر مؤلف درذیل مقدمه این تذکره نوشته است که غیر از کتب تاریخ کتب زیر در تألیف این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است

۱ــ لب الالباب (لباب الالباب)	۲ ــ مجمع الفصحا
۳ ــ کلمات شعرا	٤ ــ تذکره بینظیر
٥ ــ لطایف الخیال	٦ ــ نتایج الافکار
۷ ــ تذکره دولتشاه سمرقندی	۸ ــ قاموس خیال
۹ ــ تذکره حسن دوست	۱۰ ــ آتشکده
۱۱ ــ خزانه عامره	۱۲

این کتاب مشتمل بر ذکر یکهزار و چهل و یک (۱۰٤۱) شاعر متقدم و متأخر وی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با آدرحاجی لطف علی بیگ اصفهانی » شروع شده با « محمدیوسف حرف ... » تمام میشود .

دراین کتاب مؤلف تنها بعضی اطلاعات راجع بزندگی شعرا را فراهم آورده اشعار شا ... اصلا نیاورده است و این مطالب را بصورت جدولی تحت عناوین ...

۱ــ تخلص ۲ــ اسم ۳ــ سنوات ٤ــ
بادشاهی که شاعر در زمان وی میزیست)

درذیل نام هرشاعری که در هند متولد شد یا بهند آمد درستون عهد حکومت اسم پادشاهی را که در آن وقت در هندوستان حکومت میکرد نوشته ودرمورد شعرای ایرانی که بهند نیامدند اسم پادشاه ایرانی که شاعر در زمان وی میزیسته ثبت گردیده است

پسر مؤلف در مقدمه کتاب بعنوان «عرض حال» (بزبان اردو) مینویسد که تذکره‌های سابق پر از تعریف بیحدود شعرا بوده واحوال تاریخی در آن کتب کمتر یافت میشد بنابراین ترتیب وتألیف این تذکره کار آسانی نبوده است همچنین توضیح داده است که هرگاه اختلافی در امری وجود داشت مؤلف نظری را قبول کرده است که اکثریت تذکره نویسان با آن موافقت داشته اند

شرح حال شعرای زیر را درحاشیه کتاب نسبةً مفصل تر از سایرین (در سه چهار سطر) آورده است. آرزو و حافظ وامیر خسرو وسعدی وصائب وظهوری وظهیر فاریابی و عارف تبریزی و نعمت خان عالی وعراقی وعرفی وعطار وناصر علی ومولوی عبدالله خان موفرخ آبادی (همشهری مؤلف) وعالی (ملك الشعرا) وفیضی وقاسم انوار وقطران تبریزی وشیخ سعدالدین محمود وملك طیفور وخواجه نصیرالدین طوسی وشاه نعمت اله وملاوحشی

درذیل نام شعرای زیر آثارشان رامفصل ذکر نموده است شیخ آذری و آرزو وآزاد و شیخ بهائی وتقی اوحدی وملازلالی وظهوری

درذیل نام بعضی شعرا شرح حال مفصل تری ازایشان را درپاورقی کتاب نقل کرده است امادر جمع آوری این مطالب دقت و تحقیق لازم بعمل نیاورده و گاهی مرتکب اشتباهاتی شده است و بنابر این نمیتوان بمحتویات این تذکره کاملا اعتماد کرد

رمؤلف که در تألیف این کتاب همکار و دستیار پدر بوده نیز در مقدمه این کتاب اعتراف نموده است که احوال بسیاری ازشعرا در این کتاب ناتمام مانده است

سبك انشای مؤلف ساده وغیرمصنوع است امابا زبان امروزه ایران فرق دارد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۳۳۸۱ (٥ [illegible]

[illegible]

روزی پدر مؤلف سخت مریض شد و مادرش بر اثر علاقه فراوانی که بشوهر خود داست هفت باردور تختخواب شوهرش مریض گشت و بخدا دعا کرد که اگر عمر شوهر من بپایان رسیده است من همه عمر خود را باو می بخشم وهمان روز بستری شد و بعد از هفت روز فوت کرد[1].

مؤلف در حدود سال ۱۲۴۲ هـ در نورمحل از مضافات لاهور متولد شد[2] و تاسی سالگی بتحصیل علوم متداوله پرداخت. پدرش که بیش از صد سال عمر کرد شعر و شاعری را دوست نداشت اما در فهم معانی اشعار و حل معمی ید طولائی داشت ومتوا نست بهفت زبان صحبت کند وهمچنین «هفت قلم» خط مینوشت. روزی مؤلف در حضور پدر خود مصرعی بر مصرع یکی از شعرای لاهور سرود و پدرش آنرا خیلی پسندید ودر نتیجه بمؤلف اجازه داده که پس از آن شعر بسراید.

بعد از تکمیل تحصیلات مؤلف سن سی سالگی (در حدود ۱۲۷۲ هـ) کمر بسیر و سیاحت بست و مدت بیست ودو سال از شهرهای مختلف دیدن کرد و در همین ایام «دیوان گلشن معنی» « و فرخ نامه » معروف به «راماین پارسی» را بامر و فرمایش حاکم نابه (که ریاستی[3] بود در پنجاب) سرود و والی نابه منصبی را بعنوان جایزه وصله باو اعطا کرد

۱- باید ادعان کرد که از همین قبیل قصه ای در تواریخ هند درباره مرگ بابرشاه آمده است میگویند چون همایون پسر بابرشاه مریض شد بابر به فرزند خود فوق العاده علاقه داشت هفت باردور بستری گشت و بدرگاه خدا دعا کرد که جان خود را بجای جان پسر خود را بفرشته مرگ بدهد ودر نتیجه بابرشاه مریض شد و دیری نگذشت که بمرد وهمایون از دست فرشته مرگ جان بسلامت برد

۲ - چون مؤلف این کتاب را سال ۱۳۳۲ هـ سن نود سالگی تألیف کرد بنابر این در حدود ۱۲۴۲ هـ متولد شد و چون پدرش در نورمحل زندگی میکرد بنابر این باحتمال قوی ولادت او در شهر نورمحل اتفاق افتاد چنانکه مؤلف خودش را «نورمحلی» نوشته است

۳- ناحیه نیم مستقل را در هند و پاکستان ریاست گفته اند مانند حیدرآباد دکن و کشمیر وغیره

مؤلف میگوید که لردمایو(۱۸۶۹-۱۸۷۲م مطابق ۱۲۸۶-۱۲۸۹ه) وایسرای هند[1] وراجگان[2] هندوستان اورالقب «ملك الشعرا» دادند.

همچنین مؤلف ادعا کرده است که درزندگی اوشعرای عجم وهند باشعار او استناد میکردند.

مؤلف درتصوف دست ارادت بدامن غوث علیشاه قلندرپانی پتی برده ودرشعرپارسی شاگرد گل محمدخان ناطق مکرانی وشهاب الدین واثق هراتی ومولوی رکن الدین مکمل نورمحلی که ازهر کدام یك بیت درضمن شرح حال خودبطرز نمونه آورده است) وامام بخش صهبائی دهلوی شاعرمعروف آن زمان ودرشعرریخته (اردو) ازمیرعلی اوسط رشك لکهنوی کسب فیض کرده است. همچنین درذیل شرح حال عبدالغنی عبدومولوی رکن الدین مکمل نورمحلی تذکرداده است وی استادمؤلف بوده اند.

درآخرعمردوباره «سودای سیاحت» درسرش افتاد امااین دفعه با«گردون بخاردخانی»(قطار) مسافرت کرد.وی درحدوده۱۳۰۵ه بدکن رسید[3] وآنجادرزمره مدح گویان سلطان دکن(نظام حیدرآباد دکن) درآمد.

درموقع تألیف این کتاب سن مؤلف نودسال بوداما خودش میگوید:«هنوزتنم ودندان مستحکم چون جوانان سی ساله است».

مؤلف بااکثرشعرای معروف معاصرخودمانند مظفرعلیخان اسیروغالب ومومن وامام بخش صهبائی ونواب شیفته وداغ وغیره آشنابودواکثرآنها«هم بزم»او بودند.

مؤلف بافن«ماده تاریخ گوئی»علاقه فراوانی داشت وازجمله مصرع«ماده تاریخ فوت» شعرای زیررا خود گفته است شایق حیدرآبادی وطوبی حیدرآبادی وظهیر وی ومکمل نورمحلی ومحبوب لاهوری.

۱- نایب السلطنه که ازطرف حکومت انگلستان انتخاب

۲- حکام ریاستها. کلمه راجا عالیأ برای حکام هندو اطلاق میشد.

۳- قبل از تألیف این کتاب ۲۷ سال درحیدرآباد دکن بوده واین کتاب را سال ۱۳۳۲ه تألیف کرد بنابراین درحدودسال ۱۳۰۵ ه وارد حیدرآباد دکن شد

مؤلف‌دراین تذکره تذکردا ه‌است که شعرای زیرشاگرداوبوده‌اند احمد حسین‌امجد وخواجه‌جهانگیرعلیخان آصف حیدرآبادی‌وسیدنواب‌جان تمنا نارسی ومنتحب‌الدین‌تجلی حیدرآبادی ومحمدامام تائب ودستگیرحسین‌خان حسینی‌وسید حسین ذوقی‌ومیررحمان علی سیف ملقب‌به‌سیف‌الملك (ازامرای حیدرآباد) ومیر شهامت واعظم علی‌شایق ونواب ضامن‌حسین ضامن حیدرآبادی ومحمدخان طلعت حیدرآبادی وانوارالدین‌عتیق‌وعارف (مؤلف‌اسمش‌رافراموش کرده)وحفیظ‌الدین عصروعظیم‌الدین‌حسن قبادوسید اسحق محمود حیدرآبادی وغلام نبی نظمی وعلام محی‌الدین نکهت حیدرآبادی وغلام محمدنعیم حیدرآبادی وداود علیخان واقف حیدرآبادی وولایت علیخان ولایت حیدرآبادی .

ازجمله شاگردان مؤلف‌غلام محی‌الدین‌نکهت حیدرآبادی صاحب دیـوان فارسی بوده است و میررحمن علی‌سیف‌درموقع‌تألیف این کتاب هفتاد ساله (ازهمه شاگردان‌مؤلف‌مسن‌تر) بوده واکثربقیه شاگردان مؤلف جوان‌بودند

اولاد مؤلف

مؤلف‌دراین‌تذکره‌اسم فتح‌محمد قیصر پسرارشدوبسم‌اله بیگم عصمت‌دختر بزرگ وخیرالنسا عفت دختر کوچك‌راذکرنموده است که‌هرکدام ازآنها بفارسی شعرمیسروده اندوازآنها چندبیت‌نقل کرده است . سن‌پسرارشدوی‌بوقت تألیف‌این کتاب‌چهل‌سال‌بود. معلوم‌نیست که‌مؤلف‌فرزندان دیگرهم داشت‌یاخیر

آثار مؤلف

چنانکه خودش‌دراین تذکره شرح داده‌است‌بقرارزیراست .

۱ـ فرخنامه‌معروف‌به « رامائن پارسی » ۲ـ دیوان فارسی بنام « گلشن معنی »

۳ـ ساقی نامه ۴ـ مثنوی گلزار محبت

۵ـ رساله بدرحسین (بشعر) ۶ـ مثنوی صورت سرمد

۷ـ سروالناظرین (نثر) ۸ـ گلدانك ترکی (نثر)

٩ـ دیوان« سرمایه‌پیری »　　　　١٠ـ مثنوی‌طول امل

١١ـ مثنوی‌شکراب　　　　١٢ـ مثنوی‌بازوزیبا (بازونیاز)

١٣ـ تذکره«سخنوران‌چشم دیده»ـ تذکره مورد بحث

١٤ـ نسخه‌موسوم به« پسمانده » مجموعه اشعاری که‌بعدازطبع دو اوین‌نزد بعضی احباب پیداشد

١٥ـ مثنوی ترانه‌حق[1]

تبصره‌بر کتاب

مؤلف‌این کتاب‌رادرحیدر آباددکن‌درزمان میرعثمان‌علیخان نظام‌حیدرآباد دکن‌بسال١٣٣٢ه تألیف نمودودرخاتمه قطعه ای‌آورده است‌که سال اتمام تألیف کتاب رامیرساند

ترکی‌به‌کنون روان‌قلم کن	این قصه درازگشت کم کن
شدختم‌چون این فسانه حق	نامش کـردم «ترانه حق»
سالش ر «فروغ ماه» بشمار	گیرازعدد کلام‌اشعار(=١٣٣٢ه)

در مورد سبب تألیف مؤلف دردیباچه چنین توضیح میدهد.درعین‌شباب‌اشعار استادان وشاعران چشم‌دیده(را) بهرارمحنت‌جمع کرده‌میخواستم که تذکره(ای) مرتب کنم لیکن افسوس صد افسوس که آن همه سرمایه در غدر دهلی[1] غارت شد ازاین‌حادثه دلم‌چنان فسرد که بار(دیگر) نخواستم که باردیگر سامان فراهم کرده بقلم آرم چرا که درایام جوانی اشعار محبان که یاد بودند دربن سن بودسالگی چنان ازیاد محوشد که هرچند فکر میکنم شعری (بیتی) کجا که‌نیم مصرعه هم‌بدهن نمی‌آیدمگر(اما) دل‌شیدا شوروتقاضابرای تحریر تذکره(ای)

١ـ نسخه « پسمانده »ومثنوی « ترانه‌حق »رامؤلف‌درآخر کتاب «سخنوران‌چشم‌دیده» ضمیمه کرده‌است

١ـشورش معروف هند علیه استعمار انگلیسها که در ١٨٥٧میلادی مطابق ١٢٧٤ ه روی داد اما بکوشش انگلیسها ناکام شد.

میکرد. لاچار (ناچار) مستعد شدم»

این تذکره مشتمل است بر ذکر ۲۳۰ شاعر معاصر مؤلف بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر.

مؤلف درخاتمه کتاب این قطعه را درهمین معنی آورده است

چو بعدار سفتن این سلك ترکی   در نام سخن سنجان شمردم
بحمدالله ذکر اول تا به آخر   بذکر دوصد وسی راه بردم

مؤلف (چنانکه خودش در دیباچه کتاب توضیح داده است) در این تذکره تنها ذکر شعرائی را آورده است که بچشم خود آنها را دیده و با آنها ملاقات کرده است و اکثر آنها «هم بزم» او بوده و بفارسی شعر میسروده اند همچنین بعضی از آنها شاگرد مؤلف بودند.

این تذکره «با نواب میرمحبوب علیخان آصف سلطان (نظام) دکن» شروع شده با «یاورالدین یاور» تمام میشود تقریبا تمام افراد مذکور در این تذکره یا اهل حیدرآباد دکن بودند یا آنجا در خدمت نظام دکن بودند اما نواب کلب علیخان والی رامپور و چند نفر دیگر را استثنائاً ذکر نموده است

مؤلف در این تذکره توضیح داده است که وی از صحبت بعضی اساتید سخن فیض برده اما عمداً بذکر احوالشان نپرداخته زیرا که تذکره نویسان دیگر قبل از او شرح احوالشان را نوشته اند مانند مظفرعلیخان اسیر و غالب و مومن و امام بخش صهبائی و ناطق مکرانی و واثق هراتی و نواب شیفته و غیره

همچنین درباره بعضی شعرا مانند ضامن علی جلال لکهنوی و کمال خلف جلال و امیرالدتسلیم و شوق نیموی و انوار دهلوی و غنی رامپوری و سمشاد لکهنوی و غیره که با مؤلف آشنا بودند تنها بذکر نام بعضی از آنها اکتفا کرده چون از اشعارشان حدی بدست او نرسیده بود

این تذکره از تذکره های مؤخر فارسی است و از این حیث خیلی مهم است چون شعرائی که درحیدرآباد دکن در اوائل قرن چهاردهم هجری میزیسته اند و

ذکرشان دراین تذکره آمده است اتفاقاً ذکر اکثرشان در هیچ تذکره دیگر نیامده است

ازاین تذکره معلوم میشود که حتی تااوایل قرن چهاردهم هجری درحیدرآباد محفل شعرو شاعری هنوز گرم بود وهنوز شعرائی وجود داشتند که شمع شعرفارسی را مخصوصا درحیدرآباد دکن فروزان نگهداشته بودند وبعضی از آنها بفارسی دیوان داشتند چنانکه مؤلف در این تذکره درذیل افراد زیردراین خصوص تذکرداده است.

نواب کلب علیخان والی رامپور وغلام محی الدین نکهت حیدرآبادی ومولوی عبدالواحد واحد حیدرآبادی ومیرزاهادی ملقب بهوزیرجنگ حیدرآبادی

در ذیل نام اکثر شعرا دریک دوسطر از آنها یاد کرده ویک دو بیت از آنها نقل کرده است

درذیل شعرای زیر «ماده تاریخ وفات» آنها را نقل کرده است که از روی ابجد سال فوتشان را میرسند نواب میرمحبوب علیخان آصف وحفیظ الدین یاس و داغ دهلوی واعظم علی سایق حیدرآبادی وطوبی شوشتری وظهیردهلوی ومولوی رکن الدین مکمل نورمحلی ومحبوب لاهوری ونواله حیدرآبادی

تنها اشعار وشرح حال افراد زیررا مفصل آورده است نواب میر محبوب علیخان آصف ومولوی عبدالجبار آصفی ومولوی انوار الله انور ومیر میدائی ونواب انور آصف حیدرآبادی ونسرحیدرآبادی وگردهاری پرشاد باقی وترکی (مؤلف) ومولوی ثاقب دیوانی وحسامی حیدرآبادی وداغ دهلوی وزایرحیدرآبادی ومحمد میران سپر وغلام محمد عرب سارق واعظم علی سایق وضیا اورنگ آبادی وسید محمد ضامن وشمسی حیدرآبادی وعاشق حیدرآبادی وعصر حیدرآبادی ومیرعابد علیخان عابد وعاجز حیدرآبادی وقاصد حیدرآبادی و قیصر پسر ارشدمؤلف و کیفی حیدرآبادی ومحوی فتح نوازجنگ میرزا غلام احمد قادیانی[1] و نواب غلام

---

۱ ــ مؤسس فرقه معروف قادیانی در هندوستان که بعقیده قادیانیها مسیح موعود بود مؤلف ازاو خیلی تعریف کرده است.

محبوب سبحانی محبوب لاهوری ومولوی جمال‌الدین نوری حیدرآبادی وساطم حیدر آبادی وواله حیدرآبادی وولاحیدرآبادی وواجـد حیدر آبـادی وهـادی حیدرآبادی.

درذیل‌شرح‌حال‌بعضی‌شعرافقط سن‌آنان را درموقع وفات‌ذکر کرده‌است‌اما سال‌وفاتشان رانیاورده است ماننداميرمينائى وجعفروغيره.

همچنین سن بعضی شعرا را بوقت ملاقات با خودآورده است اما غالباً سال آن ملاقات راذکر نکرده‌است رجوع‌شود به نـام تفته وتميروچـالاك وحـادق ایرانی وخبر عظیم آبادی ودکاحیدرآبادی وسایل وشبلی نعمانی وصافی شیراری ویاور خرابی ویسارلاهوری

درذیل شرح‌حال‌شعرای زیرسنشان را چنانکه ار دیدن معلوم میشودآورده است: صغیردهلوی وعالی حیدرآبادی وفیرورلاهوری.

در ذیل نام بسیاری از شعرا سنشان را بوقت تألیف این کتـاب آورده‌است مانند امجد وتمنا وتجلی وغیره

مؤلف اشعار شعرای زیررا بدست نیاورده است وبنابراین تنها بذکراسامی وگاهی شرح‌حال مختصرآنها اکتفا نموده است ادیب‌دهلوی وسحی حیدرآبادی وشیدا لکهنوی‌وشیفته کنتوری وضامن‌لکهنوی‌ونظم‌لکهنوی.

مؤلف درضمن شرح حال بعضی شعرابرخی حکایت های جالبی نقل کرده است :رجوع شود به ذکرآنف وحسین میان وداغ دهلوی‌وطوبی.

ازهمه حالب‌تر شرح حال اسماعیل است که بقول مؤلف «ارقوم احنه»بوده ودر ذیل نام اومؤلف شرح حال عجیبی‌آورده‌است

مؤلف درذیل نام شعرای زیر بایرادتی که دیگران بر اشعارآنها گرفته‌اند حواب داده وبرای اثبات‌قول حود دلایل واسنادی‌ازاشعارسعرای‌دیگرآورده است رجوع شود به‌بشروباقی وترکی (مؤلف) وجمیل‌و حلیل (حلیل حسن) وحـادق‌و حالي ودکا وشاد وشوقي (غلام‌محمد عرب)وصافي وضياء وفهيم و وزيـر و واله و

وحودی اکثر این ایرادات ارناصر اصفهانی است که مؤلف دکرش را در ذیل نام ناصر آورده اسب.

سبك انشای مؤلف

این کتاب بفارسی افغانی نوشته‌شده است وزبان آن‌بافارسی ایرانی‌امروز حیلی فرق دارد ومؤلف بعضی اصطلاحات‌را بکار برده است که‌در ایران‌امروز معمول نیسب اما سبك‌وی ساده وربان اوسلیس وخالی‌ارتصنع‌است.

رویهمرفته این‌تذکره ارحیث اینکه بسیاری ازشعرا که در این کتاب دکرشان‌آمده است درکتب دیگر ازآنها یاد نشده دارای اررش و اهمیت میباشد ونیرعلاقه اهل‌هند را نسبت بربان‌فارسی نشان میدهد که حتی قریب‌صدسال‌بعد ارتسلط انگلیسها باین ربان شعر میسرودند وهنوز بعضی امراونوابان درهند ارشعرای‌فارسی‌تشویق و تقدیر میکردند و حتی خودشان هم باین زبان شعر میسرودند مثلا رجوع شود به‌میر محبوب علیخان نظام دکن وحسین‌میان نواب قصبه مانگرول ونواب جعفر حسین‌خان ومیررحمن علی‌سیف‌الملك و مهاراجا کشن پرشاد ونواب‌میرصبغة اله خان حیدرآبادی‌ونواب عریز یارجنگ‌ازامرای حیدرآباد ونواب‌کلب علیخان والی رامپور که بفارسی شعر میسرودند حتی‌بعضی ارشعرای فارسی که دراین‌تذکره ذکرشده هندوبودند رجوع‌شود به راجا نیم‌چند رام احقرو بحرنگ پرشاد برمی وگوپال سهای‌تفته وبهاری لال زمرو مهاراجا کشن پرشاد شاد وسورج بهان میکش وگوری شنکرمجدوب ویك نفر جهود بنام اسحاق (که اصلا ازنواحی مصر بوده)و بفارسی شعر میسرود

چاپ

مطبع‌شمس‌الاسلام (حیدر آباد دکن)۱۳۳۲ه

برای‌**شرح‌حال‌مؤلف**رجوع‌شودبه« سحنوران چشم دیده».

فهرست‌اسامی‌شعرا

رجوع شود به«سحنوران‌چشم‌دیده»چاپ(حیدرآباددکن) ۱۳۳۲ه

فصل چهارم

ار سال ۱۳۹۰ میلادی مطابق۱۳۴۹ ه تا حال

ملاحظات عمومی

در

فصل چهارم (۱۳۴۹ ه ـ تا حال)

اوضاع سیاسی شبه قاره هند و پاکستان در این دوره

این دوره در تاریخ سیاسی شبه قاره هندوستان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد چون در همین دوره نهضت آزادی هندوستان بکمال رسید و بالاخره درنتیجه کوشش و جدیت مداوم اهالی شبه‌قاره مزبور پادشاه انگلستان آن سرزمین موافقت کرد اما طبق تصمیم مردم آنکشور و سران حزب کنگره‌و مسلم لیگ که بترتیب رهبری هندوان و مسلمانان هندرا بعهده داشتند شبه‌قاره مزبور بصورت دومملکت‌جدید درآمد وطبق اعلامیه استقلال‌صادره‌ازطرف سلطنت انگلستان یکی از این دو مملکت جدید بنام پاکستان در روز۱۴ اوت۱۹۴۷ م مطابق۲۷رمضان ۱۳۶۶ ه و دیگری بنام هندوستان یا «بهارت» در روز بعد یعنی ۱۵ اوت ۱۹۴۷ مطابق ۲۸ رمضان۱۳۶۶ ه مستقل شدند و باموافقت‌حزب کنگره فرمانروای کل[1] هندوستان لرد ماونت باتن[2] که قبل‌از استقلال نیز ازطرف انگلیسها فرمانروای

۱ Governor - General

۲- Lord Mountbatten

کل هندوستان بود اعلام شد اما ازطرف حزب مسلم‌لیگ محمدعلی جناح مؤسس پاکستان‌اولین فرمانروای کل آن کشور انتخاب شد

تذکره نگاری دراین‌دوره

این آخرین دوره تذکره‌نویسی فارسی است تمام‌تذکره‌های فارسی که دراین‌دوره درشبه‌قاره هند وپاکستان نوشته شده نویسندگان محلی ترتیب‌داده‌اند و هیچکدام ازآنها ایرانی نبوده‌اند - باید توجه داشت که دستاجی بهائی ایرانی مؤلف «شعرای عصر پهلوی» با اینکه اسم خانواده‌وی‌ایرانی است‌معذلك‌ازپارسیان هند میباشد که اجداد وی بعد از فتح ایران بدست عربها بهندمهاجرت کرده و قرنها است درآن سرزمین بسر میبرند و بنابراین نمیتوان آنهارا جزو ایرانیها حساب کرد

در این دوره چهار تذکره در هند و پاکستان تألیف‌شده است یکی از آنها «رساله» دکتر ندیر میرزا برلاس درباره شعرای فارسی‌زبان‌پیشاور بوده‌است که‌وی برای دکترای‌دانشکده ادبیات تهیه‌نموده‌است یکی دیگراز این تذکره‌ها کتابی بنام « سخنوران ایران در عصر حاضر » اساس « رساله دکترای » دکتر محمد اسحق بوده است که مشارالیه بعدا از دانشگاه‌لندن گرفته است

از میان تذکره‌های این دوره دو کتاب بنام **سخنوران ایران‌در عصر حاضر و شعرای عصر پهلوی** راجع شعرای معاصر ایران و یکی دیگر بنام **تذکره شعرای پارسی زبان‌کشمیر** درباره شعرای متأخر کشمیر و آخرین‌آن بنام«شعرای فارسی زبان پیشاور » درباره شعرای متأخر و معاصر پیشاور است چنانکه واضح ولائح است هیچکدام از این‌تذکره‌ها «عمومی» نیست یعنی راجع بشعرای متقدم و متأخر فارسی بدون تخصیص بکشور و نوع شعر نیست بلکه اول دو تذکره راجع بشعرای ایران و سومین تنها راجع شعرای کشمیر و چهارمین تنها درباره شعرای پیشاورمیباشد

سبك انشای تذكره‌نویسان این دوره

یکی ار محتصات تذکره‌های این دوره‌سبك‌انشای آست تمام‌این‌تذکره‌ها ـه سبك اشای حدید فارسی تألیف شده اسـ که تقریباً یك‌قرن پیش‌در ایران معمول‌شده است باید ادعان کرد که‌تاسوات احیر درهند وپاکستان‌همان سبك قدیم فارسی رواج‌داشته است وحتی تذکره‌هائی که‌در آحر دوره‌سابق درشبه قاره هند و پاکستان تهیه‌سده اسـ هیچکدام بسبك حدید فـارسی بوده است.علت آن بی‌اطلاعی مردم شبه‌قاره مربور ار تحول و تعییری که درایران‌دربان‌فارسی رح داده بوده اسـ.

علت اساسی این تحول در سبك انشای تـذکره نویسان این دوره درشبه قاره‌هند وپاکستان تماس نردیکی اسـ که بعد ار مدتی دوباره ار اواخـر رمان انگلیسها بین ایرانیها واهـالی هند و پاکستان شروع‌شده اسـ مخصوصاً بعد از استقلال پاکسان وهندوستان درروابط‌آن دو کشوربا ایران تحول‌محسوسی روی داده است ورفـ‌وآمد مردم هندوپـاکستان بایران بیش ارپیش صورت میگیرد و بهمین‌علت نویسندگان شبه‌قاره‌هند و پاکستان با تحولات جدید ادبیات فـارسی آشناشده و کتابهائی راجع‌بادبیات‌حدیدفارسی‌تألیف نموده‌اند و سبك‌آنها هم تغییر یافته باسبك حدید فارسی ایران مطابقت‌پیدا کرده است .

اینك بشرح مفصل تذکره‌های‌فارسی که درشبه قاره‌هند و پاکستان در این دوره تألیف‌سده است میپردازیم

سخنوران ایران درعصر حاضر

ابتدا

-«بسمه‌تعالی ـ مقدمه ـ کشورباستانی ایران یکی ار ممالکی اسـ که ارلحاط شعروادب‌با ممالك معظم امروزه‌حهان برابری‌میکند»

شرح‌حال مولف

اسم مؤلف (الحاج دکتر)محمد اسحق‌و اسم‌پدرش (الحاج)عبدالرحیم‌اسـ مؤلف در حدود سال۱۸۹۸ م[1] (مطابق ۱۳۱٦ه) در کلکته بدنیا آمد[2] و در۱۹۲۱م (۱۳٤۰ه) از دانشگاه کلکته لیسانس علوم(B. Sc.) گرفت و دو سال بعد در۱۹۲۳م (۱۳٤۲ه) ار همان دانشگاه‌با نگلیسی‌و اردولیساس (B A)گرفت و درهمان‌سال(؟)[3] باخد فوق‌لیساس‌ربان‌عربی‌توفیق‌یافت درمیان کلیه‌دانشحویان فوق‌لیسانس در دانشگاه کلکته معام‌شاگرد اول‌را حایرشدو بنابـراین ار طرف دانشگاه مربور مدال‌طلا و حایره‌ی‌بوی اعطاشد

مؤلف برای مدت یکسال تحصیلی۲٦ـ۱۹۲۵م (٤٥ـ۱۳٤٤ه) در دانشگاه داکا(که امرور جروپاکستان شرقی است) درشعبه عربی وعلوم اسلامی اسیستان[4]

۱ـاستوری‌درح۱ ص۹۲۱ سال۱۹۰۰م بوشته شده‌است اما حود آقای دکتراسحق درشرح‌حالی‌که برای‌نگارىده ارسال فرموده‌اند متذکرشده‌که سال تولدشان ثبت شده اما ارروی آرشیو دفتر دانشگاه‌کلکته سنشان٦٤ سال‌میباشد

۲ـ ر ك.استوری ح۱ص۹۲۱

۳ـ درشرح‌حالی‌که‌آقای دکتر اسحق برای نگارىده فرستاده‌اندسال۱۹۲۳م دکر شده‌است‌که طاهراً اشتباه‌ماشین‌نویس است و باید فوق‌لیساس‌را اقلا دوسال بعدار لیساس در۱۹۲۵ گرفته‌باشند.

(دبیریار) بوده و سپس مدتی در دانشکده اسلامیه (که امروز «دانشکده مولانا آزاد» نام دارد) دبیر عربی و فارسی بود - از اول مارس ۱۹۲۷م (۲۵ شعبان ۱۳۴۵ ه) برای تدریس در کلاس فوق لیسانس در دانشگاه کلکته بسمت دبیری و بعداً درسال تحصیلی ۲۹-۱۹۲۸م (۹-۱۳۴۸ه) در همان دانشگاه در شعبه لهجه‌های محلی هند بسمت دبیری اردو انتخاب گردید و در کلاس فوق لیسانس تدریس میکرد و درهمان سال در کلاسهای فوق لیسانس زبانشناسی تطبیقی (گروه ایرانی) نیز تدریس کرده و مدتی در دانشگاه سابق الذکر درشعبه تاریخ و تمدن اسلامی تاریخ ممالک اسلامی (ایران نو) را تدریس میکرد. اکنون وی در دانشکده ادبیات دانشگاه کلکته درشعبه عربی و فارسی سمت دانشیاری[1] را دارا است و دو بار ریاست شعبه مربور را هم بعهده داشته است

وی نخستین بار در ۱۹۳۰م (۱۳۴۹ه) بایران آمد و در مدت شش ماه که اینجا اقامت داشت نقاط مختلف این کشور مسافرت نموده و اطلاعاتی درباره زبان و ادبیات فارسی جدید و لهجه‌های مختلف ایرانی بدست آورد. همچنین با اکثر شعرا و ادبای معروف ایران آشنا شده و اطلاعاتی درباره شرح احوال زندگانی آنها کسب نموده و آثارشان را جمع آوری نمود وجلد اول کتابی را درباره آنان بنام «سخنوران ایران در عصر حاضر» (تذکره مورد بحث) تألیف نموده ودر ۱۳۵۱ه بطبع رسانید

مؤلف دوباره در ۱۹۴۳م (۱۳۵۴ه) بدعوت دولت ایران باین کشور آمد و درجشن هزاره فردوسی که در تهران وطوس برپا شد شرکت کرد. بعد از مراجعت از ایران جلد دوم کتاب «سخنوران ایران در عصر حاضر» را تألیف نمود و در ۱۳۵۵ه بطبع رسانید

همچنین وی بعراق هم مسافرت کرد و از مراکز مذهبی و تاریخی آن کشور دیدن کرد

1- Readership

درسال ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹م (۵۸- ۱۳۵۷ ه) بورس تحصیلی «گهوس» از طرف دانشگاه کلکته بوی پیشنهاد شد و وی با نگلستان رفت و در ۱۹۴۰ م (۱۳۵۹) از دانشگاه لندن دکترای فارسی گرفت موضوع رساله دکترای وی «شعر و شعرای ایران جدید[1]» بود که با موضوع کتابی که قبلا تألیف کرده بود تقریبا یکی بود وی در این مسافرت ازمراکز فرهنگی ایتالیا و سویس و فرانسه و انگلستان نیز بازدید نمود

درطی مدتی که مؤلف دردانشگاه کلکته تدریس مینماید وی بچندین نفر درکار تحقیق و تتبع ادبی راهنمائی نموده است چنانکه دکتر محمد رفاقت الله رساله دکترای خود را درباره «خاقانی ـ شرح حال و آثار او» براهنمائی او نوشته و باخذ دکترای فارسی از دانشگاه پنجاب توفیق یافت و آقای عبدالسبحان خان «تاریخ نواب علی وردی خان» را براهنمائی او بفارسی ترتیب داد و این کتاب ازطرف انجمن آسیائی (بنگال) کلکته در دست چاپست

همچنین دوشیزه کلثوم خلیل فعلا درباره تذکره «ریاض الشعرا» براهنمائی او مشغول تحقیق است و دوشیزه حسن بانو نیز تحت راهنمائی او مشغول تدوین و گردآوری «دیوان شرف الدین شفروه» میباشد همچنین وی ازطرف دانشگاههای علیگره و پتنه رساله دکترای چهار نفر دانشجو را بعنوان ممتحن مورد سنجش قرارداده است

مؤلف غیر از انگلیسی قدری بازبان فرانسه هم آشنا است

در ۱۹۳۴م (۱۳۵۴ه) دولت ایران بعنوان تقدیر از وی برای تألیف کتاب «سخنوران ایران درعصر حاضر» «نشان علمی» و نظر بخدمات وی درراه تشیید روابط علمی و فرهنگی بین ایران و هند مدال طلائی «نشان سپاس» را در ۱۹۵۹م (۱۳۷۹ه) بوی اعطا نمود.

مؤلف عضو کمیته دکترای دانشگاه کلکته و فاکولته ادبیات دانشگاه علیگره

1- Poets and Poetry of Modern Iran

ومؤسس‌ودبیر «انجمن‌ایران» میباشدوهمچنین باچندین‌دانشگاه بیرروابط‌فرهنگی دارد - وی‌در۱۹۵۹م (۱۳۷۹ه) عضویت‌معاون آسیائی (بنگال) کلکته‌انتخاب‌شده‌و انجمن دبیرآن انجمن (قسمت زبان‌شناسی)میباشد

آثار مولف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- سخنوران ایران درعصرحاضر- تذکره‌مورد بحث

۲- شعرجدید فارسی -(بانگلیسی) - در۱۹٤۳م(۱۳٤۳ه)در کلکته‌چاپ‌شد

۳- چهار زن شاعر بزرگ ایران -(بانگلیسی) - در ۱۹۵۰ م (۱۳۷۰ ه) چاپ شد .

٤- فهرست نسخ خطی عربی در کتابخانه انجمن آسیائی(بنگال) کلکته - در۱۹۵۱م(۱۳۷۱ه) چاپ‌شد

۵- روضات‌الجنات فی اوصاف مدینة‌الهرات - تألیف معین‌الدین اسفزاری (۱٤۹۲ه)این کتاب‌بتصحیح‌آقای دکتراسحق در۱۹۶۱م(۱۳۸۱ ه)ازطرف‌دانشگاه علیگره بطبع رسید

٦- هفت‌اقلیم تألیف امین احمدرازی - بتصحیح وی در حدود ۵۰۰ صفحه ازطرف انجمن آسیائی (بنگال) کلکته دردست‌چاپ است

۷- مجله‌انجمن هندوایران - این‌مجله ازطرف شورای روابط‌فرهنگی‌هند از٤ سال‌پیش‌بزبان‌انگلیسی‌وفارسی (دریك‌جلد)بانظارت‌اوازدهلی‌نومنتشرمیشود. همچنین مقالاتی‌درموضوعات مختلف درمجله‌هائی‌متعدداروی‌چاپ‌شده‌است.

تبصره برکتاب

مؤلف تألیف این کتاب را بسال ۱۳٤۹ ه‌آغازنموده وجلداول‌آن را بسال ۱۲۵۱ه وجلددوم‌رابسال۱۳۵۵ه دردهلی بطبع‌رسانیده‌است

در موردسبب تألیف کتاب مؤلف در مقدمه کتاب(بزبان فارسی)چنین توضیح داده است:

«درتابستان۱۳۰۹ش (مطابق۱۳٤۹ه) برای مطالعه زبان و ادبیات فارسی ازبرديك ازهندوستان بایران رفتم ومدت شش ماه درتهران ونقاط دیگراقامت جسته روزگاری خوش بمصاحب دانشمندان ونویسندگان و ادبای طراز اول سرزمین سعدی وفردوسی گذراندم (و) ازخرمن علم وادب خوشه‌هاچیدم وتوسه‌ها گرفتم تا اینکه درکشور گل وبلبل «بوی گلم چنان مست کرده بود که دامنم ازدست رفته بود» درخاطرماند که ازین بوستان مردوستان را تحفه‌آورده وبهموطنان کسانیکه بزبان ملیح فارسی آشنائی دارند ارمغانی دهم»

مؤلف اسم‌مآخذ رادرمقدمه‌یاخاتمه کتاب نیاورده‌امادرمتن کتاب‌درذیل‌شرح حال شعرااسم کتب‌زیررا ذکر نموده است که ازآنها درتألیف این کتاب استفاده کرده‌است .

۱ــ مجله‌آینده
۲ــ مجله ارمغان
۳ــ مجله ایران
٤ــ مجله بهار
٥ــ مجله‌دانشکده
٦ــ مجله‌نمکدان
۷ــ مجله نوبهار
۸ــ مجله ایرانشهر
۹ــ مجله‌کابل (افغانستان)
۹ــ روزنامه نسیم‌شمال
۱۱ــ روزنامه صوراسرافیل
۱۲ــ روزنامه طوفان
۱۳ــ روزنامه‌بهار
۱٤ــ جریده «آوازتاجیك» (سمرقند)
۱٥ــ جریده افغان
۱٦ــ کانون شعرا
۱۷ــ حدایق السحر تألیف رشیدالدین وطواط مرتبه عباس‌اقبال
۱۸ــ سیاحت‌نامه ــ خواجه‌غلام‌الثقلین(هندی)
۱۹ــ تاریخ ادبیات‌ایران ــ دکتربراون
۲۰ــ مطبوعات ایران[۱] ــ دکتربراون
۲۱ بحرمحیط تألیف‌دانش
۲۲ــ باغ بهشت ــ سیداشرف‌الدین
۲۳ــ دیوان امیری

"Press and Poetry of Modern Persia" by E G Brown-۱

۲۴ـ دیوان عارف
۲۵ـ دیوان عشقی
۲۶ـ مخزن‌لآلی ـ شباب کرماشاهی
۲۷ـ منتخبات‌آثار ـ محمدضیاهشترودی
۲۸ـ گلهای ادب ـ میرزا حسین خان سعادت نوری
۲۹ـ خردنامهٔ جاودان ـ دکتر اعلم‌الدوله ثقفی
۳۰ـ لآلی ادب ـ چاپ بمبئی
۳۱ـ فارسنامه ناصری ـ شوریده شیرازی
۳۲ـ تحفة‌الحسینیه ـ حسین‌قلی‌خان سلطان کلهر

ازجمله کتب فوق مؤلف ازمجله ایران وارمغان ازهمه بیشتراستفاده کرده واکثرمطالب واشعارشعرارا ازاین‌دومجله نقل کرده‌است.

این تذکره مشتملست بردوجلد ـ جلداول ذکرسی‌وسه شاعروجلددوم ذکر پنجاه‌ویك شاعررا بترتیب الفبا[1] شامل است وبدین ترتیب تعداد کلیه شعرای این تذکره۸۴میباشد اما اسم‌خانم پروین اعتصامی بعدازجلد اول درجلددوم‌هم تکرار شده‌است‌وبنابراین عده کل شعرای این تذکره۸۳میباشد

درمورد علت این تکرار مؤلف در مقدمـه جلد دوم بفارسی چنین توضیح داده است

«شرح حال ونمونه اشعارخانم پروین اعتصامی رادرمجلد اول نگاشتیم ولی باقتضای زمان‌طبع تصویرخانم‌رااجازت‌نداشتیم . نهضت‌بانوان‌ایران وآزادی آنان ازقید پرده وحجاب باطبع این کتاب تصادف کرد و ما بهترآن دیدیم که در این موقع عکس خانم (پروین) را انتشارداده‌دیگربارقسمتی ازاشعاراین‌خانم‌دانشمند را ازدیوان او که ازحسن اتفاق‌دراین موقع بطبع‌رسیده‌اقتباس ودرج کنیم. تصویر خانم پروین تاکنون‌درهیچیك از جراید و مجلات ایران وممالك خارجه گراور نشده است»

درجلد اول‌ذکرتنها یك‌نفرزن شاعر(پروین اعتصامی) ودرجلددوم ذکردو تن از زنان شاعر (پروین اعتصـامی و تحت فصل بهار خانم ملقب‌بایران‌الدوله) آمده‌است

۱ـ اما ذکرملك‌الشعرا «بهار» را بجای ردیف«ب» درردیف «میم» آورده‌است.

حلد اول کتاب با «ادیب‌پیشاوری» شروع شده‌با« یاسائی »پایان میپذیرد و حلددوم‌با«آزاد»شروع شده‌با«یکتا» تمام میشود

بعضی مرایا ومختصات‌این تدکره بقرارزیراست

۱ـشعرائیکه دراین کتاب ازآنها نام برده‌شده به‌دوره مشروطیت بعد تعلق دارند وازاین‌حیث اولین[1] تدکره‌بزرگی است ازشعرای جدید فارسی‌ومیتوان‌آن را بهترین‌وجامع‌ترین تدکره شعرای‌معاصرقلمدادنمود .

۲ـ درایران ازدوره مشروطیت ساختن تصانیف وسرودها وغیره رواج‌یافته و تا حدی ادبیات ایران را بشکل ادبیات اروپا درآورده است .بعضی ازتصانیفی که ملك‌الشعرا بهار ساخته و همچنین برخی ازتصانیف عارف‌قزوینی که بعقیده مؤلف بهترین نمونه ازاین‌قسمت شعرجدید فارسی میباشد برای اولین دفعه در تاریخ شعر فارسی دراین‌تذکره انتخاب‌شده است

۳ـ درذیل‌نام‌هرشاعرعکس اونیزآمده‌است[2] جلداول عکس‌سی‌ودوتن شاعر وجلد دوم عکس پنجاه‌ویك تن شاعر وشاعره را شاملست که جلد اول تنهاعکس خانم پروین‌را بعلتی که درسطورفوق ذکرشد شامل نیست‌اما درجلد دوم‌عکس‌اوهم امده

۱ـ ظاهرا قبل ازاین تذکره چند تذکره دیگر نیز درباره شعرای معاصر فارسی (عصر پهلوی) تألیف شده است ولذا این‌کتاب‌را نمیتوان‌اولین تدکره شعرای‌فارسی‌جدید گفت اما این اولین تدکره بزرگی است که در باره شعرای معاصر تألیف شده است و هیچکدام ازتذکره‌های سابق نمیتواند ازاین حیث بااین تدکره برابری و رقابت‌کند درسالی‌که جلداول این‌تذکره چاپ‌شد (۱۳۵۱ه) تذکره‌دیگری نیز بنام «شعرای عصر پهلوی» ازمنشی چاپ شد اماآن تذکره‌هم نمیتواند رقیب‌تذکره دکتر اسحق‌شود

۲ـ دراین قسمت نیزاولیت نصیب این تدکره نشده بلکه قبلا نیزتذکره‌هائی مانند تذکره محمدیه تألیف میرزا ابراهیم‌منشی درصفر۱۳۰۳ه درزمان ناصرالدین شاه با تمثال شعراء چاپ شده‌است.

٤ـ برای‌اولین‌دفعه‌درادبیات فارسی مؤلف سهای موسیقی‌را ازبعضی شعرا آورده‌است.درجلداول دونت‌موسیقی ازحسام‌زاده پازارگاد ودرجلد دوم یك‌نت از امیری‌ادیب‌الممالك آورده‌است که‌درهیچ‌یك‌ازتذکره‌های‌فارسی نیامده‌است

٥ـمؤلف درانتخاب اشعارشعرا خیلی دقت‌ورزیده وسعی کرده است بهترین اشعارگویندگان‌معاصررا دراین کتاب انتخاب‌نماید

٦ـ درحاشیه کتاب بعضی‌کلمات‌مشکل‌را مخصوصا ازقراریکه شعرفارسی جدید بکار میرود یا بعضی شعرا تعمداً در شعر خودآنرا آورده‌اند توضیح داده است‌رجوع شود بنام‌روحانی علامرضاص١١٥و١٢٢ و عشقی ص٢٢٦و٢٣٤ و ٢٤٧ وقلرم‌ص٢٩٠ وغیره.

٧ـهمچنین درباره‌اشاراتی به بعضی‌وقایع‌تاریخی که‌دربعضی اشعار شعرا آمده است درحاشیه شرح داده‌است رجوع‌شودبنام اشرف الدین اشرف ص١٤٨ و ١٥٠ وعارف‌قزوینی‌ص١٩٨ و٢٠٤ وفرات‌ص٢٨٧ و فرهنگ‌ص٣٣٩ و ملك الشعرا بهار ص٣٦٣و(درجلددوم) حکمت ص١١٤

٨ـ درباره بعضی اسامی شعراو نویسندگان و رهبران وبزرگان ملل که دربعضی اشعارشعرا آمده‌است‌درپاورقی‌توضیح‌داده‌است رجوع‌شودبه(جلداول) ملك الشعراءبهارص٣٦١و(جلددوم)افسرص٣٢ نامدادص٦٩و بیشترص٨١وپژمان‌ص٩٨ و ١٠٢ وقلرم‌ص٨ـ٢٩٧ وعارف‌قزوینی ص٣-١٩٢و وحید دستگردی ص ٣٩٦

٩ـ مؤلف درذیل شرح احوال اکثرشعرا اطلاعات زیر را درباره هر کدام‌از آنها بدست داده‌است اسم‌ونسب‌ومولدوموطن وسال ولادت شاعروتحصیلات ومشاغل ادبی وفرهنگی وسال وفات(درصورتی که وی فوت کرده باشد) و خصایص وپایه ادبی وعقاید بعضی ناقدین بزرگ ایران معاصر درباره او و آثار اووبهترین اشعار منتخب از او.

١٠ـمؤلف درذیل مقدمه‌انگلیسی کتاب‌شرح‌حال مختصرپنجاه‌ویك‌تن‌شاعری که در آن جلدازآنها نامبرده شده است‌بزبان‌انگلیسی‌نیز آورده‌است

۱۱ـ مؤلف با اکثر شعرا ملاقات کرده وبعضی اطلاعاترا ازخودشان گرفته ودربعضی مسائل باآنان صحبت کرده است و همچنین شرح حال اکثر شعرارا یا ازخودشان گرفته یاازبعضی محلات معتبرومهم فارسی اقتباس کرده استوازاین حیث شرح حال شعرا مورداعتماد واعتبارمیباشد

۱۲ـ مؤلف درانتخاب اشعارسعی کرده است نه فقط بهترین اشعار شاعر را در این تذکره گنجاند بلکه ازانواع شعریکه شاعردرآن طبع آزمائی نموده است دراین تذکره انتخابی ازآن آورده باشد

۱۳ـ برای اولین دفعه مؤلف بنابعقیده خودش شعرارا سه طبقه تقسیم کرده است بقرارزیر.

اول ـ آنهائیکه بسبك وطرزقدما شعرمیگویند وتقریبا مضامین گذشگانرا تکرارمیکنند مانند ادیب پیشاوری

دوم ـ آنهائیکه مضامین وافکارتازه رابهمان اوزانی که اساتید زبان فارسی ازمتقدمین بدان شعرسروده اند بکار میبرند و نمونه کامل این طبقه ملك الشعرا بهار بوده است.

سوم ـ آنهائیکه در تجدد خواهی افراط کرده و باوزان جدیده قایل گردیده وبدان اشعاری سروده اند مانندعارف قزوینی وغیره

هریك ازطبقات فوق ازروش وسبك دیگران انتقاد میکنندولی مؤلف بدون هیچگونه ملاحظه ونظری از هر طبقه قسمتی از اشعار را انتخاب کرده است تا خوانندگان این تذکره بدین وسیله بکلیه اسلوب وسبك های متداول فارسی آشنا شوند اما ازطبقه اخیرالذکر کمتراشعاررا انتخاب نموده است

مؤلف در مورد انتخاب شعرا درمقدمه جلد دوم چنین توضیح داده است.

«ما درانتخاب اشخاص نظرخاصی نداشته ایم و سعی کرده ایم کلیه شعرای معاصررا که دردنیای شعروادب نام ومعروفیتی دارند دراین کتاب (ازآنان) یاد

کنیم غالب این آقایان پیرو اساتید گذشته و ارطرفداران مکتب قدیم بشمار میآیند ولی سبك و سلیقه و استعداد و معلومات آنان بحکم عقل یکسان نیست . ما بدون اینکه اشعار این را با آن بسنجیم و آنرا براین ترجیح دهیم بهترین اشعار هریك را بر گزیده ودرج کرده ایم ما همین قدر توفیق یافتیم که تمام آنها را برجریده عالم بنگریم دیگر دوام آن وابسته باستحکام و استواری آثار آنانست که تاچه حد میتوانند درمقابل حوادث ایام وتصاریف روزگار پایداری ومقاومت کنند»

مؤلف چنانکه خودش توضیح داده است درباره مقام و پایه ادبی شعرای مذکور اظهارنظر نکرده وهمچنین درمورد خوبی و بدی آثار آنان نیز نظر خود را نداده و آثار آنانرا با یکدیگر مقایسه نکرده است.علت اساسی این روش وی این بوده است که وی نخواسته است که از انتقاد خود یا ترجیح یکی بردیگری موجبات اعتراض ودلخوری دیگران رافراهم آورد چنانکه خودش درپاورقی جلد دوم صفحه «و» نظیرچنین واقعه‌ای رادکر نموده است که محمد ضیاءالدین هشترودی در«منتخبات آثار»(تذکره شعرای معاصر)خانم پروین رابرشعرای دیگر برتری نهاده بود بنابراین از طرف بعضی شعرا مورداعتراض واقع گشت

بنابراین مؤلف مینویسد که وی پس ازغور واستقصادر آثر شاعر بهترین اشعاراورا برگزیده ودردسترس اهل ذوق وادب گذارده ومقایسه وداوری را بعهده آنان محول داشته است چون دراین کتاب ازسخنوران عصرحاضرسخن رانده است مؤلف سزاوارتر آن دید که مبحث انتقادی را به دیگران واگذار کند

شرح حال شعرا اکثرمفصل وحاوی اطلاعات لازم درباره زندگی آنان میباشد مخصوصاً شرح حال شعرای زیرامفصل تراز دیگران آورده است **جلداول** ادیب پیشاوری($\frac{1}{2}$ ۲ص) ودهخدا($\frac{1}{2}$ ۴ص) وعبدالعظیم قریب وفرخی یزدی (هر کدام در۳ص) وبهار($\frac{1}{2}$ ۲ص) **جلددوم** افسر (۳ص) و نصرت اله کاسمی و وثوق الدوله وحمید دستگردی(هر کدام در $\frac{1}{2}$ ۲ص و-ویهمرفته مؤلف شرح حال دهخدارا ازسایرین مفصل‌تر آورده است

همچنین اشعار شعرا را معمولا مفصل آورده است اما در ذیل نام شعرای زیر اشعار آنان را از دیگران مفصل تر آورده است **جلد اول** ایرج میرزا ۱۶ص و پروین ۱۱ص (و در جلد دوم ½ ۴ص) و رشید یاسمی ۱۲ص و روحانی غلامرضا ۲۱ص و اشرف ۲۳ص و عارف قزوینی ۲۵ص و عشقی ۳۰ص و میرزا حسین خان صمیعی ادیب السلطنه عطا ۲۳ص و فرخ خراسانی ۱۶ص و ملک الشعراء بهار ۴۳ **جلد دوم** افسر ۱۱ص و امیری ادیب الممالک ½ ۱۳ص و دانش طهرانی و ریحان و سرمد و شهریار و عبرت نائینی و مسرور و نصرت کاسمی (هر کدام در ۱۱ص) و قلم ۱۰ص و شعاع الملک ½ ۱۱ص و وحید دستگردی ۱۲ص و وثوق الدوله و یکتا (هر کدام ½ ۱۴ص) رویهمرفته اشعار ملک الشعرا بهار و عسقی را از سایر شعرا مفصل تر آورده است

گاهی در باره بعضی شعرا عقیده علامه محمد قزوینی دانشمند معروف و بزرگ ایران را نقل کرده است مثلا رجوع شود به نام دهخدا (ص۷۶) .

در ذیل نام عارف عقاید خودش را در باره بعضی اشعارش ذکر نموده است که اهمیت و موقعیت آنرا تأکید میکند (رجوع شود به صفحه ۱۹۴ و ۱۹۷)

در ذیل نام دهخدا بعضی عبارات را از کتاب «امثال و حکم» وی (نثر) نقل کرده است

همچنین در ذیل ربانی (حاج میرزا محمد حسن قریب) اشعار عربی ویرا نیز در دو صفحه آورده است

در مورد بعضی شعرا مؤلف توضیح داده است که با وجود نهایت تلاش و کوشش به تهیه آثار آنان توفیق نیافته است از آنجمله مرحوم صوری ملک الادب و مؤید ثابتی خراسانی و بیداری کرمانی و نیما و دکتر فلسفی نائینی و جعفر خامنه و گفته که شاید رساله ای جداگانه برای تکمیل این تذکره انتشار دهد[1]

مؤلف در مقدمه جلد اول بعضی انتقادات مفید بر زبان ادبیات امروزه فارسی کرده است که اکثر مبنی بر حقیقت و در عین حال بسیار سودمند میباشد اینک قسمتی از آن اینجا نقل میگردد

---

۱ - مؤلف ظاهراً تاکنون هیچ رساله‌ای در این باب چاپ نکرده است .

« انقلاب سیاسی ایران در تبدیل سلطنت استبدادی بحکومت مشروطه که از ابتدای ربع دوم قرن چهاردهم هجری شروع گردید تا حدی ادبیات این مملکت را منقلب نمود . قصاید بلند (و) بالاکه متضمن مدایح سلاطین و امراء و مملو از چاپلوسی های بیمورد بود از بین رفت و افکار آزادی خواهی و اصلاح طلبی جایگزین آن شد . غزلهای عاشقانه که بعقیده بعضی تا حدی موجب فساد اخلاق اجتماعی میگردید بقطعات اجتماعی و اخلاقی مبدل شد از اهمیت صنایع لفظی که بحد ابتذال رسیده بود کاسته گردید و توجه بمعانی و مضامین دلنشین بیشتر شد . نویسندگان نیز سهم خود از رویه سابق دست کشیده و در نگارش و تحریر اسلوب ساده‌تری را اختیار کردند و بیشتر در طریق تحقیق و انتقاد قدم گذاشتند ولی این انقلاب ادبی معایبی نیز در برداشت که شاید اگر بدقت سنجیده شود باید گفت ادبیات ایران درین معامله چندان سودی نبرده است .

« امروز اصطلاحات و الفاظ اروپائی مخصوصاً لغات فرانسه بشدت هرچه تمامتر در ادبیات و زبان ایران داخل شده و روز بروز بر دامنه آن الفاظ افزوده میشود ادباء و نویسندگان ایران هم که حقاً تاکنون نگاهبانان و حافظ زبان فارسی بوده‌اند این الفاظ را در اشعار و نگارشات خود بدون کمترین ملاحظه‌ای بکار میبرند و حتی بعضی حقیقةً تعمد میکنند

« کتب و مقالات مختلفه ایکه در ایران بطبع میرسد عموماً از السنه بیگانه ترجمه میشود و گذشته از اینکه الفاظ خارجی در خلال هر سطری نمایانست چه بسا ترکیب جملات و عبارات نیز اروپائی است و کمتر نویسنده‌ای دیده میشود که از این طرز نگارش اجتناب جوید

« این رویه و سلیقه طبقه ادبا در سایر طبقات مختلفه نیز اثر خود را بخشیده و کمتر شخصی دیده میشود که در گفتگوی روزانه کلمات اروپائی (را) بکار نبرد و راقم این سطور هر گاه از نزدیک بدین قسمت توجه نمیکردم بیانات علامه فاضل میرزا محمدخان قزوینی مدظله را که در این موضوع هموطنان خود را بشدت مورد اعتراض

قرارداده اند[١] باور نکرده و نمیتوانستم تصور کنم که ادبای ایران بدست حویش تیسه برریشهٔ زبان خودمیرنندودرفنا واضمحلال این ربان شیرین ادبی میکوشند.درزبان فارسی مثل است که طرفداردلسور وبا حرارت ترازصاحب کار (را) «کاسه گرمتر ازآش» میگویند . اینك دلسوری من هم سبب ربان فارسی این مصداق راپیدا کرده وحتی ممکن اسب موحب رنحش بعضی ار ادبای ایران رافراهم سازد . پس بهتراسب بدین محتصر قناعب نموده وازاین موصوع نگدریم »

سبك مؤلف ساده وعاری ارتکلف و تصنع اسب وتقریباً همه جا مؤلف ربان فارسی امروزه را بکار برده است وازاین حیث درشبه قاره هندوپاکستان اولین کسی اسب که تذکره ای بربان فارسی جدید تألیف نموده اسب

رویهمرفته نظر بمزایاوحوبیهای مذکوردرسطورفوق این تذکره رامیتوان یکی ازچند تذکره حوب فارسی حساب کردزیرا دربین تمام تذکره هائی که درهندوستان و پاکستان تاحال تألیف شده اسب این تذکره درموصوع حودارهمه بهترو جامع تر و مفصل تر ونمشابه سرمشق ونمونه والائی اسب که درآینده تذکره نویسان شبه قاره هند پاکستان (حصوصاً) وسایر کشورها (عموماً) بایدازآن پیروی وتقلید نمایند تنها نقصی که دراین کتاب دیده میشود فقدان نقد ادبی اسب که اگرمؤلف ترس ورنحش شعرا وادبای ایرانی را نداشب وباین قسمب هم توجه ودقب نموده بود این تذکره درموضوع حود بی نقص وعیب وتاحال بی نظیروبانی بود امابعلب همین یك نقص این کتاب را نمیتوان ارحیب فن تذکره نگاری بی عیب وکامل قلمداد نمود

فهرست اسامی شعرا

جلد اول

١ـ ادیب پشاوری	٢ـ ادیب نیشابوری
٣ـ ایرج میرزا	٤ـ بدیع الزمان فروزانفر

١ـ رجوع شود به «بیست مقاله قزوینی» چاپ بمبئی ص٦٦ تا ٧٣

٥ـ پروین اعتصامی
٦ـ پورداود
٧ـ حبیب یغمائی
٨ـ حسام‌زاده
٩ـ دکتر محمودخان افشار
١٠ـ دهخدا
١١ ـ رشیدیاسمی
١٢ ـ رعدی
١٣ ـ روحانی غلامرضا
١٤ ـ سالار شیرازی
١٥ ـ سیداشرف‌الدین
١٦ ـ شاب کرماشاهی
١٧ ـ شوریده‌شیرازی
١٧ ـ عارف قزوینی
١٩ ـ عبدالعظیم قریب
٢٠ ـ عشقی
٢١ ـ عطا (ادیب‌السلطنه)
٢٢ ـ عمام
٢٣ ـ فرات
٢٤ ـ فرخ‌خراسانی
٢٥ ـ فرخی یزدی
٢٦ ـ فروغی
٢٧ ـ فرهنگ
٢٨ ـ کمالی اصفهانی
٢٩ ـ محمد کسمائی
٣٠ ـ ملک‌الشعراء بهار
٣١ ـ نادری
٣٢ ـ نصرالله‌فلسفی
٣٣ ـ یاسائی.

جلد دوم

١ ـ آزاد
٢ ـ آیتی
٣ ـ احمدی
٤ ـ ادیب زاهد
٥ ـ ادیب‌طوسی
٦ ـ افسر
٧ ـ امیری
٨ ـ اورنگ
٩ ـ بامداد
١٠ ـ بیضائی
١١ ـ بینش
١٢ ـ پروین اعتصامی
١٣ ـ ترمان
١٤ ـ جلیلی
١٥ ـ حاتم حنف
١٦ ـ حکمت

۱۷ - دانش اصفهانی
۱۸ - دانش تبریزی
۱۹ - دانش خراسانی
۲۰ - دانش تهرانی
۲۱ - دانش کرمانی
۲۲ - دواب
۲۳ - دهقان
۲٤ - ربانی
۲٥ـ ریحان
۲٦ - سرمد
۲۷ـ سرود
۲۷ - سبا
۲۹ـ شجره
۳۰ - شعاع
۳۱ـ شفق
۳۲ - شهریار
۳۳ - صدر
۳٤ - صورتگر
۳٥ - عبرت
۳٦ - فراءرزی
۳۷ - قلزم
۳۸ـ گرامی تبریزی
۳۹ـ لاهوتی
٤۰ - مایل تویسرکانی
٤۱ـ محتشم السلطنه
٤۲ـ مسرور
٤۳ - ناصح
٤٤ نصرت (کاسمی)
٤٥ـ نظام وفا
٤٦ـ نیاری
٤۷ - وثوق
٤۸ـ وحید دستگردی
٤۹ـ هادی‌حایری
٥۰ـ یحیی
٥۱ - یکتا

چاپ

جلداول چاپخانه‌جامعه‌دهلی بسال۱۳٥۱ه/۱۹۳۳م ـمؤلف این‌جلدرا بنام دانشگاه کلکته‌عنوان کرده است

جلددوم چاپخانه‌جامعه‌دهلی بسال۱۳٥٥ه/۱۹۳۷م ـمؤلف‌این‌جلدرا بنام شیاماپرشادمکرجی رئیس‌دانشگاه کلکته عنوان کرده‌است

برای **شرح‌حال‌مؤلف** رجوع‌شودبه‌استوری ج۱ق۲ص۹۲۱وارمغان ج۹ش۷ص

٦۰ـ۵۵۹ باعکس مؤلف

تذکر

بنا باستدعای نگارنده آقای دکتر اسحق شرح حال خودرا بوسیله دوست فاضل آقای دکتر ضیاءالدین دیسائی برای اینجانب ارسال فرمودند . نگارنده از لطف و همکاری هردو دانشمند ارجمند هندی سپاسگزار است .

شعرای عصر پهلوی

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف دنشاجی بهائی ایرانی است که از زرتشتیان هنداست وی در ۱۹۰۲ میلادی از دانشکده سن زیویر لیسانس در ادبیات (B A) گرفت و در ۱۹۴۰ میلادی از طرف قاضی اسپنسر جایزه‌ای دریافت نمود و درهمان سال دانشجوی محقق از طرف منوچهرجی بوروجی ساجی شناخته شد سپس درسال ۱۹۰۵ میلادی ازمدرسه دولتی حقوق لیسانس درحقوق (LL.B.) گرفت . وی در ۱۹۲۰ میلادی ریاست انجمن زرتشتیان را بعهده داشت

آثار مؤلف

۱ ـ ترجمه بانگلیسی « رستاخیر » عشقی بنام رستاخیر سلاطین قدیم ایران درخرابه‌های مداین . چاپ بمبئی ۱۹۲۴ میلادی

۲ ـ سرودهای اهورا (ظاهراً بانگلیسی) ـ چاپ لندن ۱۹۲۷ میلادی .

۳ ـ بیک مردیسان ـ مجموعه مقالاتی درباره مذهب زرتشتی که اصلا بزبان انگلیسی یا گجراتی بوده اما بعداً بوسیله آقای استاد پورداود بفارسی ترجمه شد (قسمت ۱ ـ ۸) چاپ بمبئی ۹ ـ ۱۹۲۷ م

۴ـ پوران دخت نامه مجموعه اشعار استاد پورداود بترتیب واهتمام و ترجمه انگلیسی بوسیله دشاحی چاپ بمبئی ۱۹۲۸ میلادی

۵ـ اخلاق ایران باستان چاپ بمبئی ۱۹۳۰م و تهران ۱۹۳۲م .

۶ـ فلسفه ایران باستان چاپ بمبئی ۱۹۳۳م

۷ـ شعرای عصر پهلوی. تذکره مورد بحث

همچنین مؤلف عده‌ای از کتابهای فارسی را که شامل برنامه دانشگاه بمبئی بوده بانگلیسی ترجمه کرده است

در این تذکره که مؤلف بسال ۱۹۳۳ میلادی (=۱۳۵۱ھ) تألیف نموده است اشعار منتخب شعرای عصر پهلوی را با ترجمه انگلیسی آورده است وهمچنین شرح حال آنهارا نیز بزبان فارسی با ترجمه مختصر انگلیسی آورده است

چاپ

جلد اول این کتاب دردکر ۹۸ شاعر از بمبئی در ۱۹۳۳ (=۱۳۵۱ھ) چاپ شد

تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر

یا

ایران صغیر

ابتدا

« پنج سال پیش مقالاتی چند درباره شعرای کشمیر نوشتم »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف خواجه (دکتر) عبدالحمید و تخلص وی عرفانی است و اسم پدرش خواجه محمد دین است که شغل تجارت داشت مؤلف روز ۴ نوامبر سال ۱۹۰۷م (=۲۷

رمضان۱۳۲۵ھ) دردهکده معلان والی واقع درچهارمیلی جنوب شهرسیالکوت بدنیا آمد اجداد وی اصلاً اهل کشمیر بودند وازآنجا سرزمین پنجاب مهاجرت کرده درحوالی شهرسیالکوت رحل اقامت افکندند دکترعرفانی تازه دوره دبستان رادرمدرسه کوتلی امیر بپایان رسانیده بود که پدرش فوت کرد وی بعد از فوت پدر بشهرچکوال رفت و نزدپسرعمویش بسر برد ودر۱۲۹۵م = ۱۳۳۴ھ درمدرسه عالی دولتی چکوال دوره متوسطه را تمام کرد ودوسال اول دانشکده را دردانشکده صادق اجرتن[1] به تحصیل پرداخت و دوره ماقبل لیسانس (اف-ای) راآنجا بپایان رسانید وبالاخره درسال۱۹۲۹م = ۱۳۴۸ھ ازدانشکده پرنس آف ولز[2] جمولیسانس گرفت وسپس دوره فوق لیسانس فارسی را ازدانشکده اسلامیه لاهور (دانشگاه پنجاب) در۱۹۳۱ = ۱۳۵۰ھ ودوره فوق لیسانس انگلیسی رادر۱۱۴۲م = ۱۳۶۲ھ بپایان رسانید ودر۱۹۵۶م = ۱۳۷۶ھ باخذ دکترای فارسی ازدانشگاه پنجاب لاهور نایل آمد

درسال۱۹۳۱م = ۱۳۵۰ھ دکترعرفانی وارداداره فرهنگ بلوچستان شده ودر مدرسه عالی کویته مشغول تدریس انگلیسی شد درسال۱۹۴۵م = ۱۳۶۵ھ وی بمأموریت فرهنگی انتخاب شده بایران آمدومدتی درایران بتدریس انگلیسی پرداخت ودراوایل سال۱۴۹۷م = ۱۳۶۷ھ به کویته مراجعت نموده مشغول تدریس دردانشکده کویته شدو مدتی سمت بازرسی فرهنگ شهرستان سیبی وسپس معاونت دانشکده کویته را بعهده داشت

درآوریل۱۹۴۹م = ۱۳۶۹ھ دکترعرفانی بعنوان وابسته مطبوعاتی پاکستان دوباره بایران آمدودر۱۹۵۹م = ۱۳۷۵ھ بعدازشش سال بپاکستان مراجعت نمودو آنجا اداره مجله «هلال» فارسی راکه ازطرف وزارت اطلاعات ومطبوعات منتشر میشود بعهده داشت سپس درآوریل۱۹۵۸م = ۱۳۷۸ھ وی بعنوان وابسته فرهنگی پاکستان برای دفعه سوم بایران آمدوهنوزهمان سمت رابعهده دارد

دکترعرفانی باردووفارسی هردوشعرمیسراید ومجموعه‌ای ازرباعیات فارسی

Sadiq Egerton College -۱
Prince of Wales College -۲

وی بنام «حدیث‌عشق» ازتهران‌منتشرشده‌است وهمچنین‌وی‌محموعه «ضرب کلیم» اقبال (لاهوری) را ازشعراردو بشعرفارسی ترحمه کرده‌است

آثار مولف

آثارمؤلف بدین قراراست

۱ـ رومی‌عصر-شرح‌حال‌و آثار اقبال لاهوری -چاپ کتابفروشی‌معرفت‌تهران ۱۳۳۲ ش

۲ـ داستانهای عشقی پاکستان‌چاپ‌ـابن‌سینا ۱۳٤۰ش‌ر۱۳۸۱ه

۳ـ تذکره شعرای‌پارسی گوی کشمیریاایران‌صعیر تذکره‌موردبحث‌ـچاپ تهران ابن‌سینا ۱۳۳۵ش .

٤ـ حدیث عشق یاررباعیات عرفانی-چاپ‌تهران۱۳۳۳ ش

۵ـ اقبال درنظرارابیهاـچاپ اقبال‌اکادمی۱۹۵۷میلادی

٦ـ شعرای معاصرفارسی-چاپ‌وزارت فرهنگ پاکستان‌عربی لاهور۱۹۵۷م

۷ـ فارسی‌امروزـبسه‌زبان اردووانگلیسی‌وفارسی ـحاب‌لاهورسال۱۹۵٦م

۷ـترجمه‌فارسی ضرب کلیم‌اثراقبال‌لاهوری زبان‌اردو.چاپ اقبال‌اکادمی ۱۹۵۷م

۹ـ ترتیب وتألیف کتب فارسی برای‌سال اول ودوم وسوم دبیرستانها مشتمل برمنتخباتی ازکتب مختلف‌فارسی

۱۰ - شرح حال وآثار ملك‌الشعرا بهارـرساله دکترای فارسی مؤلف‌ـچاپ ابن سیناتهران ۱۹۵۷م

۱۱ـ نثرفارسی دردوجلد(زیرچاپ)

۱۲ - نوای سرمد ـچاپ‌تهران۱۳٤۱

تبصره برکتاب

مؤلف این کتاب را درحدود ۱۳۳٤ه نوشته است سال‌تألیف راخودش ذکر

نکرده است اما در مقدمه‌های دکتررضا زاده‌شفق ودکتر ناظرزاده کرمانی سال ۱۳۳٤ ذکر شده است .

در مورد سبب تالیف‌مولف درمقدمه کتاب چنین توضیح‌داده است .

«پنج سال‌پیش‌مقالاتی چندرباره شعرای کشمیر نوشتم که در روزنامه های مهرایران وبهرام منتشرشد ومورد توجه‌بعضی دانشمندان ایران قرار گرفت . مرحوم‌ملک‌الشعرا بالاخص ازاینجانب‌تشویق نمودند وخواستارشدند که‌رساله(ای) راجع بشعرای کشمیربرای استفاده برادران ایرانی وشعردوستان هند وپاکستان منتشر کنم . بعلت گرفتاریهای گوناگون اداری و در دسترس نبودن‌آثار بعضی ازشعرای کشمیر نتوانستم این کار را انجام دهم تاشاید ایـن شرح مختصر بعضی ازدانشمندان و نویسندگان ایران‌را تحریک‌نموده وادار بتألیف کتابهای مفصل ترو جامع‌تری دراین‌باره نماید» .

تنها کتابی که‌مؤلف اسم‌آنرادردیباچه‌آورده است وبقول خودش «برای‌اخذ اطلاعات تاریخی» ازآن‌استفاده‌نموده است «تاریخ کشمیر» تألیف استادصوفی‌است ولی‌درمتن کتاب اسم کتابهای‌زیررا ذکر نموده‌است که درتألیف این کتاب‌ازآنهاهم استفاده کرده است[1] .

۱ ــ تذکره سرخوش (رجوع شودبه‌نام‌غنی) .

۲ ــ تذکره نصرآبادی (رجوع شودبه نام غنی)

۳ ــ ریاض‌الشعرای داغستانی(رجوع‌شودبه‌نام‌جویا) .

٤ ــ صبح گلشن (رجوع‌شود به‌نام جویا) .

۵ ــ میخانه عبدالنبی قزوینی (رجوع‌شودبه‌نام ملاذهنی واوحی)

٦ ــ خزانه‌عامره (رجوع‌شودبه‌نام رافع)

۷ــ شرح احوال و آثار جویا تألیف دکتر محمد باقر (رجــوع شود

---

۱ ـ ناگفته نماند که بعضی‌مندرجات این‌کتاب از (ارمغان پاك) تألیف‌آقای‌محمد اکرام گرفته‌شده است

به نام‌جویا)

۸ ـ تاریخ اعظمی تألیف حواجه محمد اعظم شاه (رجوع‌شود به نام‌جویا)

۹ ـ تاریخ کشمیر تألیف محی‌الدین مسکین (« «)

۱۰ ـ گزارش مسوطی راجع باهالی کشمیر مرتبه متین‌الزمان ۱۹۱۱م

۱۱ ـ رساله درفن شالبافی (رجوع‌شود به نام‌غنی)

۱۲ ـ دیوان‌غنی .

۱۳ ـ دیوان جویا (نسخه خطی [1]) .

۲۴ ـ دیوان اسلم‌سالم .

این‌تذکره مشتمل است بر ذکر سی‌ودوتن ازشعرای کشمیر که از آنجمله سه نفر هندو بودند .

مؤلف دردکر اسامی‌هیچ نوع‌ترتیب ماسدالفبائی یاتاریخی‌یاجغرافیائی‌را ملحوظ ومراعات ننموده‌است .

این‌تذکره با «غنی کشمیری» شروع شده با «عبدالوهاب پارسی»تمام‌میشود،

مؤلف در قسمت اول کتاب راجع به کشمیر و کشمیری واسم و نژاد وزبان و ومشخصات آن واشاعه اسلام در کشمیر بوسیله شاه همدان و کشمیر تحت تسلط سیکها ودوگراها و احوال مختصری ازتقسیم هند تا سال چاپ کتاب (۱۳۳٤ش) توضیح داده‌است. سپس راجع به« کشمیردر ادبیات فارسی» بحث‌نموده واشعاری در تعریف کشمیر ازفیضی‌وعرفی وقدسی وکلیم و طالب‌واحسان الـه وجویا نقل کرده است. آنگاه درباره « کشمیردر نظر اقبال» بحث‌کرده واشعار اقبال راکه در وصف کشمیرسروده (در چهارده صفحه این‌کتاب) آورده است .رویهمرفته‌تقریبا یك سوم این کتاب (پنجاه وهفت صفحه) در موضوعات فوق‌است

۱ ـ کلیات‌جویای تبریزی‌اخیراً ازطرف پنجاب آکادمی لاهور باهتمام‌دکترمحمدباقر درسال ۱۳۳۷ه شمسی مطابق ۱۳۷۹ه قمری‌چاپ شده است

سپس مختصری در باره شعر فارسی درکشمیر و تقسیم بندی اشعار اورده اسب.

در این رساله محتصری که تماماً صدو نود وشش صفحه دارد مؤلف اشعارو شرح‌حال‌دوشاعر بنام‌غنی‌وحویارا تقریباً در بصف کتاب(درنودوسه صفحه) آورده است که مفصل ترارهمه میباشد. شرح حال‌غنی رادرسه صفحه و اشعارش‌را درچهل ویك صفحه وشرح حال جویارا درچهار صفحه واشعار منتخب وی‌رادر چهل و سه صفحه آورده است

درذیل‌نام عبدالوهاب پارسی مؤلف تنها بنقل شرح حالش اکتفا نموده‌وهیچ شعری اروی نیاورده اسب

همچنین درذیل نام شعرای ریر تنها اشعاری منتخب آنهارا نقل کرده و شرح‌حال هیچیك‌را نیاورده است ملانامی‌وملاحمید وپاندیت بیربل‌کاچرووارسته وپاندیت مهوابی داس نیکو.

مؤلف درتألیف این کتاب ارمآخذ مهم دیگر که در صورت بهره برداری ار آنها اررش این کتاب بمراتب بیشترمیشد استفاده نکرده ولی چنانکه‌خودش درمقدمه توصیح داده است سظورش ار تألیف این رساله تحریك و وادار نمودن دانشمندان و نویسندگان ایرانی بوده اسب تا آنها کتابهای مفصل و جامع‌تری در این‌موضوع تألیف‌نمایند

سك مؤلف ساده وحالی از تصنع وتکلف‌است واین کتاب را بفارسی‌امروز نوشته‌است

فهرست اسامی شعرا

١ـغنی کشمیری ٢ـحویای تبریزی
٣ـشیخ یعقوب‌صرفی ٤ـ ملاحسین‌فانی
٥ـ حاجی اسلم سالم ٦ـ باباخانگی

[illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] ([illegible])

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

شعرای فارسی زبان پیشاور

ابتدا

«مدتی بود آررو داشتم راجـع شعرای فارسی زبان پیشاور کتـابی تدوین کنم».

شرح حال مولف

اسم مؤلف (دکتر) ندیر حسن میرزا برلاس وتخلص او نذیر واسم پدرش میرزا امیرحسن حان برلاس است وی دراول نوامبر۱۰۹۸م=٤ شوال ۱۳۲٦ ه درقصبه سنگهوئی در یك خانواده معزز و داشمند برلاس چشم بجهان گشود وی دوق علمی وادبی را ازخاندان حود نارث برده است وی در سال۹۷۲٦م=۱۳٤۳ه ارمدرسه عالی کوهات (در استان سابق شمـال غربی پاکستان) دوره متوسط را به پایان رسا بیدودر۱۹۳۱=۱۳۵۰ه باحذمنشی فاضل(فارسی) ودر۱۹۳۷م=۱۳۵٦ه ادیب فاضل(اردو)ازدانشگاه پنجاب نایل آمدو سپس در ۱۹٤۱م=۱۳٦۰هدردانشکده اسلامیه پیشاور دوره دانشسرای عالی را تمام کردودر۱۹٤۰م=۱۳۵۹هازدانشگاه لاهورفوق لیسانس ربان فارسی گرفت وچون امتحانات عالی زبانهای شرقی را به اردو وفارسی تمام کرده بود طبق مقررات درهمان سال ار طرف دانشگاه مذکور درجه فوق لیسادس ربانهای شرقی»(ام ـ او ـ ال)[1] بطور افتحاری بوی اعطا گردید. سپس وی در۱۹۵۳م=۱۳۷۳هدرجه فوق لیسانس درزبان وادبیات اردوازدانشگاه لاهور نیر گرفت

مؤلف بکار تعلیمو تدریس علاقه فراوانی دارد و بهمین جهت در ۱۹۲۹م =۱۳٤۸ه وارد حدمت فرهنگ صوبه سرحد(استان سابق شمال غربی پاکستان)

Master of Oriental Lanquages-۱

گردید درسال۱۹۳٦م=۱۳۵۵ه وی واردکادرسفارت بریتانیا در کابل شده مدتی سمت‌منشی‌را بعهده داشت ودر۱۹٤۲م=۱۳٦۱ه درآکادمی نظامی(دانشگاه نظامی) دهرادون‌معلم‌شد.سپس‌در۱۹٤٦م=۱۳٦٦ه بکلکته‌رفته مدتی بعنوان منشی سیاسی میرزا ابوالحسن اصفهانی (بازرگان معروف چای که اصلاایرانی است)درشرکت سهامی، ام -ای اصفهانی کلکته‌استخدام شدوقبل‌ازتشکیل پاکستان‌برای گذراندن تعطیلات بوطن خود که درپاکستان فعلی قرار داشت رفت اما بعلت زدوخورد شدید وطویلی که بعداز تقسیم شبه‌قاره هندوستان روی داد نتوانست بکلکته که جزء هندوستان یا بهارت اعلام شده بود برگردد و ناچار دوباره بتعلیم و تدریس مشغول‌شده دردانشکده دولتی پیشاور دبیر[1] فارسی‌شد.

در اواخر سال ۱۳۳٤ ش وی بدعوت دانشگاه تهران بایران آمد و درسال ۱۳۳٦ ش از دانشکده ادبیات دکترای ادبیات فارسی گرفت موضوع رساله‌دکترای او«شعرای فارسی زبان پیشاور» کتاب مورد بحث ما بوده که وی براهنمای استاد ارجمندآقای دکترحسین خطیبی تهیه نموده‌و بعداز اخذدکتری بپاکستان مراجعت نمود ودوباره در دانشکده اسلامیه پیشاور بعنوان‌دبیر[2] فارسی مشغول تدریس‌شد. اینک‌دردانشکده‌مزبور درشعبه فارسی همان‌سمت دبیری فارسی را بعهده دارد

دکتر برلاس درمیان شعرای جدید اردومقام خاصی دارد و درقسمت شمال غربی پاکستان جزو مؤسسین‌نهضت شعر نو محسوب میشود وهمچنین وی درقسمت سرحد (شمال غربی‌پاکستان)درراه‌پیشرفت‌زبان‌اردووخدمات بسزائی‌انجام داده و دایره ادبیه (اردو) پیشاوررا تشکیل داد . وی از اعضای فعال انجمن ترقی اردو (پیشاور)ودبیر کل انجمن مزبور میباشد واداره مجله ادبی دولتی «تعلیم نو » و ماهنامه ادبی‌دانشکده اسلامیه پیشاور بنام«خیبر» رادبیر بعهده دارد

مجموعه‌ای ازاشعاراردوی او بنام«طرح‌نو»درسال۱۹٤۲م=۱۳٦۱ه بطبع

Lecturer-۲ Lecturer۱

رسیده‌است .

همچنین وی چند کتاب درسی هم بفارسی تألیف نموده‌است.

تبصره بر کتاب

چنانکه درسطور فوق گذشت مؤلف این کتاب را بسال ۱۳۳۶ش = ۱۳۷۷ه بعنوان رساله دکترای ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات تهران ترتیب داده‌است.

در مورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه کتاب چنین توضیح داده‌است:

«مدتی بود آرزو داشتم راجع بشعرای فارسی پیشاور کتابی تدوین کنم . . در سه‌سال پیش آقای دکتر خطیبی با هیئت فرهنگی ایران به‌پیشاور تشریف آوردند درپذیرائی هیئت مزبور جشنی مجلل و جلسه شعری ازطرف میان جعفرشاه (وزیر فرهنگ شهرستان[1] سرحد در آنزمان) گرفته‌شد که در آن شعرای معاصر فارسی زبان پیشاور شرکت کردند خوشحالی وخوشنودی خویش را که‌ازورود میهمانان عزیز نصیب شده بود در این مراسم پذیرائی بزبان شیرین شعرفارسی بیان کردند این جلسه شعری این‌قدر اثر خوب در میهمانان عزیز ما بجا گذاشت که پس ازدوسال چون بدعوت دانشگاه تهران‌از طرف دولت پاکستان برای تحصیلات زبان وادبیات فارسی (به) تهران آمدم و با آقای دکتر خطیبی راجع بموضوع رساله خود مشورت کردم ایشان بیاد آوردن خاطرات آن جلسه پرشور ادبی موضوع شعر فارسی درسرزمین پیشاوررا بمن پیشنهاد کردند واین پیشنهاد مطابق ذوق و آرزوی قلبی من بود»

مؤلف درابتدای کتاب اسم مآخذرا که از آن در تألیف این کتاب استفاده کرده است یاد کرده است

۱ ـ منظور مؤلف اینجا «استان» سابق شمال غربی پاکستان است ووی اشتباها کلمه «شهرستان» را بجای استان بکار برده‌است.

الف-کتب تذکره‌وتنقیدوتاریخ

١- ادبیات سرحد (حلداول) تألیف میرزا رصا همدانی که در١٩٥٣م ازطرف مکتبه‌نو قصه خوانی پیشاور طبع‌ومنتشرشد.

٢- ادبیات سرحد (جلد سوم) تألیف سید فارغ بحاری چاپ در ١٩٥٥ م درمکتبه‌فوق .

٣. روح اقبال‌تألیف دکتریوسف حسین خان‌چاپ‌حیدرآباددکن.

٤-اتك کی‌اس‌پار(اردو)تألیف‌دوست‌محمدحان‌کامل‌ام -ای‌چاپ دارالاشاعت پیشاور.

ب-کلیات ودواوین‌وآثارمنظوم‌دیگر

٥- کلیات خوشحال‌خان - نسحه حطی متعلق بکتابخانه دانشگاه پیشاور

٦-کلیات حوشحال حان- چاپ‌عبدالحالق تاحرکتب قصه‌حوانی پیشاور

٧- کلیات قاسم علیخان آفریدی -نسحه‌خطی کتابخانه دانشگاه‌پیشاور.

٨-دیوان‌قصایدوغزلیات‌ادیب‌پیشاوری باتحشیه وتعلیقات آقای‌علی‌عبدالرسولی چاپ تهران ١٣١٢ش

٩-کلیات رعنای‌کاظمی -نسحه حطی بخط خودشاعرمتعلق‌بکتابخانه‌شحصی آقای‌بسمل‌بحاری

١٠ - منتخبی ازکلیات رعنا - نسخه خطی بحط حود شاعر در تحویـل سید فارغ بخاری.

١١- دیوان «سور بیدل»-کلیات اردو وفارسی میررا دلاور خان بیدل-چاپ ١٩٣٢م

١٢-١٧-کلیات سید حگر کاظمی ومحمدشاه برق‌وملك ناصر علیخان‌ناصروسید ضیا حعفری وبسمل بحاری‌ورصاهمدانی- نسح حطی-

١٨- « رگ مینا »کلیات شعراردوی میررا رصا همدانی- چاپ‌مکتبه‌نوقصه خوانی‌پیشاور١٩٥٦م

ج- جرایدومجلات

۱۹-مجله دانش تهران سال اول مقاله درباره روابط تاریخی ایران وهندوستان ازاستاد سعید نفیسی مورخ ۲۵اردیبهشت۱۳۲۸ش

۲۰- مجله اردو-انجمن ترقی اردو مقاله بعنوان«سرحد مین فارسی کاارتقا» (تکامل شعر فارسی درسرحد)ازسید صابر حعفری مورخ اکتوبر۱۹۵۴م.

۲۱- مجله اردو مقاله بعنوان «اقبال اور خوشحال خان» از نگارنده این رساله (دکتربرلاس) مورخ ژوئیه ۱۹۵۴م

۲۲- نوای افغان چاپ کراچی -مقاله بعنوان «شعرای پاکستان»ازآقای حبیبی مورخ۳اوت۱۹۵۶م.

د- کتب دیگر

۲۳- منتخبی از خوشحال خان تألیف سرهنگ راورتی(انگلیسی)[1]

۲۴- شاعر شرق تألیف عبداله انوربیگ ام- ای (انگلیسی)[2]

این کتاب مشتمل بر ذکر یازده (۱۱) شاعر معروف فارسی زبان پیشاور وبا«خوشحال خان ختک متوفی در ۱۱۰۰ه »شروع شده با« میرزارضا همدانی(متولد در۱۹۱۵م ر۱۳۳۴» تمام میشودواسم شعرا راترتیب زمان آورده است.

مؤلف این کتاب را برمقدمه وچهار فصل بخش کرده است بدینقرار

مقدمه(ص۱-۷)-مؤلف درمقدمه درباره سبب تألیف کتاب وروابط تاریخی و ادبی ایران وپاکستان وخاندانهای ایرانی پیشاورواولین شاعر فارسی زبان آن شهر(خوشحال خان ختک) وتاریخ مختصر تطور شعر فارسی درپیشاور بحث کرده و درپایان مقدمه ازاستادان خود تشکر کرده است

1- Selections from Khushhal Khan by Col Raverty

2- Poet of the East by Abdullah Anwer Beg M A

فصل اول (٨ــ ٢١)ــ سیر تطور زبان وشعر فارسی در پیشاور از قدیمترین زمان تا امروز در ذیل عنوانهای زیر

١ــ مقدمه در تاریخ شهر پیشاور (ص٨ــ٩)

٢ــ وضع محلی شهر پیشاور (ص٩ــ١٧)

٣ـ اوضاع سیاسی پیشاور در این دوره (١٧ــ١٨)

٤ــ دوره شعر فارسی معاصر در پیشاور (١٩ــ٢١)

فصل دوم ص (٢٢ــ ٣٣)ــ تاثیر و نفوذ اوضاع اجتماعی ایران در شهر پیشاور درذیل عنوان‌های زیر

١ــ زبان و لهجه های تکلم شهر پیشاور (٢٢ــ ٢٣)

٢ــ خانواده های قدیم ایرانی (ص٢٣ــ٢٦)

٣ ــ لــهجه هــای پیشاور که تــاثیر اوضاع اجتمــاعی را نشان میدهد (ص ٢٤ــ ٢٧)

٤ـ دیگر لغات و اصطلاحات ایرانی در لهجه محلی (ص٢٧ـ٣٠)

٥ـ شعر در لهجه پیشاوری سی‌حرفیها[1] (ص٣٠ــ٣٣).

فصل سوم (ص٢٤ــ٥٦)ــ مختصات شعر فارسی در شهر پیشاور درذیل عنوانهای زیر

١ــ مقدمه (ص٣٤ـ ٣٥)

٢ــ مشخصات شعر فارسی در شهر پیشاور (ص٣٥ــ٥٦) بعنوانهای ذیل·

١ــ انواع شعری ـ قصیده[2] (ص٣٦ـ٤٣)

١ــ مؤلف درباره «سی حرفیها» (درص٣١) چنین توضیح میدهد (این منظومات در لهجه پیشاوری وزن هجائی است ومربوط بعروض عربی نیست» ودو «سی حرفی» را از سائیں احمد علی با ترجمه درص ٣١و٣٢ نقل کرده است

٢ــ معلوم نیست چرا مؤلف اینجا تنها درباره قصیده بحث کرده است در صورتیکه شعرای پیشاور انواع دیگر شعر مانند غزل و رباعی و مثنوی وقطعه نیز سروده اند ومؤلف درذیل آثار آنان اشعاری را از این انواع شعر نقل کرده است

٢ـ محاسن لعوی ومعنوی‌ـ‌قوافی و ردایف واوزان شعر ومضمون‌آفرینی و صنایع شعری وتشبیه واستعاره ودیگر صنایع شعری(ص٤٣ـ٥٦).

فصل چهارم(ص٥٧ـ ١٥٧) ـ شعرای معروف فارسی زبان پیشاور . دراین قسمت مؤلف‌ذکر شعرای زیررا آورده است

اسم شاعر	صفحات	شرح‌حال و آثار	سبك شاعر	منتخبی‌از آثارشاعر	اقسام شعر
١ـ حوشحال‌حان حتك (٢٢ ـ ـ ١١٠٠ه)	٥٧-٦٦	٣½ص	ـ ص	٥ص	غرل‌وربا ی
٢ـ قاسم‌علیحان آفریدی (١١٧٧-١٢٤٩ه)	٦٧ـ٧٠	١½ص	½ص	٢ص	عرل
٣ـ سیداحمد پیشاوری (١٢٦٠-١٣٤٩ه)	٧١-٨٤	٢½ص	٤ص[1]	٥½ص	چکامه ومتنوی وغرل
٤ـ سیدسکندرشاه رعای‌کاطمی (١٣٠٥-١٣٥٠ه)	٨٥-٩٨	٢ص	١ص	١١ص	قصیده ومثنوی وقطعه و غرل
٥ـ میر رادلاورحان (١٢٦١-١٣٥٨ه)	٩٩-١٠٣	١ص	½ص	٣½ ص	عرل
٦ـ سید لعل‌شاه‌حگر کاطمی (متولددر١٢٩٤ه)	١٠٤ـ١١٢	١½ص	٢½ص	٥ص	قصیده چکامه وعرل وقطعه تاریخ
٧ـ سیدمحمدشاه برق (متولددر ١٣١٥)	١١٣-١٢١	١ص	½ص	٧½ص	مثنوی وعرل‌وقطعه
٨ـ ملك‌ناصرعلیحان ناصر (متولددر١٣١٧ه)	١٢٢-١٢٨	١ ص	½	٥ص	چکامه‌وترانه[2] وغرل

١ـ مؤلف اینجادرباره‌آثاروسبك شاعربحث کرده است

٢ـ ترانه درپاکستان یکی از اقسام شعر جدید است که غالباً شکل عرل یامتنوی سروده‌میشود

۹ـسیدعنایت علیشاه صیاء جعفری	۱۱۹-۱۴۲	۱ ۱/۲ص	۱ص	۱۱ص	قصیده ومثنوی وغزل و رباعی
(متولد در ۱۳۱۳ه)					
۱۰ـقاری سمل بخاری (متولد در ۱۳۱۳ه)	۱۴۳-۱۵۰	۱ ص ۱/۲ص	-	ض	چکامه و غزل ورباعی
۱۱ـمیرزا رضا همدانی (متولد در ۱۳۳۴ه)	۱۵۱-۱۵۷	۱ص ۱/۲	۵ص		مثنوی و غزل ورباعی

تنها درذیل نام خوشحال ختك وسیداحمد پیشاوری مقدمه‌ای درتعریف شاعر بترتیب درسه، پنج سطر آورده ودرذیل نام ادیب پیشاوری درباره «تبحرعلمی و عادات وفضایل» وی دریك صفحه بحث کرده است

رویهمرفته شرح حال خوشحال خان ختك و سیداحمد پیشاوری را (بترتیب در ۳ ۱/۲ و ۲ ۱/۲ص) ومنتخبات اشعارسید سکندرشاه و سیدضیاء جعفری را (هرکدام در ۱۱ص) وسیدمحمدشاه برق (در ۷ ۱/۲ص) ازهمه مفصل‌تر آورده است

شرح حال شعرا غالباً جامع است و غالب اطلاعات زندگانی شعرا را بدست میدهد

درموقع نقل اشعار شعرا مؤلف سعی کرده است ازهرشاعر منتخباتی ازاقسام مختلف شعر بیاورد اما معلوم نیست بچه علت درذیل نام قاسم علیخان آفریدی ومیرزا دلاور خان بیدل پیشاوری منتخبات آنها تنها از غزل نقل کرده است باوجود اینکه کلیات قاسم علیخان آفریدی بقول خودمؤلف «غزلیات ودیگر انواع شعر»[1] ودیوان بیدل پیشاوری همه نوع شعر ازجمله قصیده وغزل ومرثیه ورباعی وقطعه وغیره را دارد[2]

همچنین معلوم نیست چرا مؤلف ازسیداحمد پیشاوری قصیده‌ای نیاورده باوجود اینکه وی قصاید غرا ومحکمی دارد

۱- ر.ك. شعرای فارسی زبان پیشاور ص۶۷.
۲- ایضا ص۱۰۰

مؤلف ازشش بعرشاعر آخر کههمهآنها بقول اودرقید حیات هستند منتخبات مفصل‌تری ازاقسام‌متنوع شعر آورده استوازاین رومعلوم میشود که وی‌سعی کرده است آنها را بوسیله کتاب خود بیشتر بشناساند.

دکتر برلاس درفصل سوم بحث‌مفصلی درباره مختصات شعرفارسی در پیشاور آورده است که بسیارمفیدوارزنده‌است‌اما(چنانکه‌درحاشیه۲ص۶۹۰تذکرداده‌شده) معلوم نیست بچه‌سبب درذیل‌انواع‌شعری تنهاقصیده رادکر کرده است‌درصورتیکه شعرای پیشاوراقسام دیگرشعررا نیزدارند ومؤلف‌دراین کتاب ازآنها اقسام متنوع شعررا نقل کرده است

درصفحه۵و۵ این‌رساله عبارت‌ذیل آمده‌است

«بعد از دوره ادیب پیشاوری شعرفارسی درپیشاور بیش ازپیش رونق گرفت چنانکه بلافاصله بنام عده‌ای از شعرای نامدار دیگری مانندسائیں‌احمدعلی- سید مسحدی شاه خادم - غلام حیدر مسگر - میرزا دلاورخان بیدل - برق گنجوی (پیشاوری) - قاضی‌محمد عمرخان قضاروچی - میان‌محمدخالص مکی - سیدجگر کاظمی - میرعباس‌میر - محمدشاه برق - پروفسورعبدالرحیم سید شیرازی و جعفر علیخان برمیخوریم . این‌شاعران به‌دوره دوم شعر فارسی در پیشاور متعلق‌اند و ازمیان‌آنها قاضی قضاروچی - سید جگر کاظمی‌ومحمدشاه‌برق هنوزدرقیدحیات و سرودن‌شعرفارسی مشغول‌اند»

امامعلوم نیست‌بچه‌علت مؤلف‌ازمیان‌شعرای فوق‌تنها بذکردلاورخان بیدل وسید جگرکاظمی وسید محمدشاه برق‌پرداخته وذکر بقیه شعرا را در این کتاب نیاورده است در صورتیکه بقول خودش یکی‌ازآنها بنام‌قاضی روحی هنوز «درقید حیات وبسرودن شعرفارسی مشغول» است

همچنین درصفحه۵این کتاب مؤلف‌مینویسد

«علاوه برسه‌شاعر نامبرده‌دوره‌دوم که درقیدحیات‌اند[1] مرحوم‌سیدرعنا کاظمی‌- - محمود الحسن کوکب- ملک‌ناصرعلیخان ناصر- سیدضیاء جعفری - قاری‌بسمل بخاری ومیرزارضا همدانی‌ازشعرای‌مهم دوره‌معاصر شمارمیروند که‌هریک ازیشان بسبک وطرز خاصی‌بسرودن شعر پرداخته و اصول‌قدیم‌شعرفارسی رادرپیشاورد نبال» کرده است

ازمیان شعرائی که‌مؤلف دراینجا ازآنها یاد کرده است‌معلوم نیست‌بچه سبب ذکرمحمدالحسن کوکب را که بقول خودش‌جزو«شعرای مهم‌دوره معاصر» بشمار میرود دراین کتاب نیاورده است

سپس‌درهمان صفحه(٦)مؤلف مینویسد:

«متأسفانه هیچیک‌از کلیات شعرفارسی جزدیوان سردارخان باباخان زاهد قزلباش و کلیات شعرازد و میرزا دلاورخان بیدل که‌یک‌قسمتش دارای شعرفارسی است‌بچاپ‌رسیده است‌وهیچ کتابی درباره‌این موضوع نوشته‌نشده‌است».

اما ازمیان دوشاعرنامبرده مؤلف‌تنها ذکرمیرزا دلاورخان‌بیدل‌رادراین کتاب آورده‌است ومعلوم‌نیست چراذکر «سردارخان باباخان زاهد قزلباش» را که بقول مؤلف‌دیوان شعرفارسی‌بچاپ‌رسیده‌دراین کتاب نیاورده‌است

درمواردفوق‌درصورتیکه مؤلف‌نتوانسته‌است‌اطلاعات‌لازم‌وآثارشعرای‌نامبرده رابدست‌آورد انصاف این‌بود که‌باین‌امرصریحاً اعتراف‌میکرد امـاوی هیچ نوع توضیحی رادرباره‌علت‌عدم ذکراین شعرا دراین کتاب‌نداده‌است

درهرحال‌این‌اولین تذکره‌فارسی است که‌طی‌آن مؤلف‌راجع‌بسبک هرشاعر بحث جداگانه‌وبسیط مفصلی آورده‌است وقبل ازآن‌تنها‌در کتاب «سخنوران ایران درعصرحاضر» اشاره‌هائی‌بسبک‌شعرا آمده است‌اما‌مؤلف‌آن نیزبتفصیل باین‌موضوع نپرداخته‌است

۱- مقصود مؤلف ازسه شاعرنامبرده «قاضی قصاروحی وسیدجگر کاظمی ومحمدشاه برق» است که اسامی‌آنان درآخرعبارتی که درسطورفوق ازص٥-٦ نقل‌شده‌آمده است

سبك مؤلف ساده وعاری ازتکلف وتصنع است واین کتاب را تقریباً بفارسی امروز نوشته است البته گاهی بعباراتی برمیخوریم که خلاف معمول فارسی امروز است مانند .

۱ ـ استعمال صیغه جمع بعد از کلمه «چند» که در نثر قدیم فارسی معمول بوده ودرهند وپاکستان هنوزهم معمول است مولف مینویسد : «واین غزل ازغنای کاظمی که دارای چند صنایع دیگر نیزهست» (رجوع شود به ص ۵۱ سطر ماقبل آخر) یا «چندقطعاتی برگزیده ازهرنوع شعری اینجا درج میشود»(ص۸۷ سطر۱۶) .

۲ ـ درچندین مورد « یای نکره » را بعد از الف بدون « همزه » یا « ی » آورده است مانند .

« نمونه هـای که هست از مواردی است که بدون هیچ تکلف آورده شده » (ص۵۵ سطر ۱۱)

یا « وبرای جلسه آینده ابیاتی چنداززبان فارسی وارد وطرح میشد تا برروش آن شعرهای ساخته شود»(ص۵سطر۱۰)

۳ ـ برعکس گاهی بجای تنها «ی» همزه و «ی» را آورده است مانند :

«ازلحاظ زبان واصطلاحات فارسی به شعرائی ایرانی آن دوره مشابهت دارد» (رجوع شود به ص٤ سطر۵)

٤ ـ املاء خوردسالی بجای خرد سالی (ص ۱۵۱ سطر۱۱) .

۵ ـ اشتباهات دیگر مانند

«این چندشعرازترکیب بندغنای کاظمی است که هربیت این صنعت را دارد و هیچ تکلف در آن درکار نرفته است(بجای بکار نرفته است)(رجوع شود به ص ۵٤سطر۶)

«برعکس درشعرهای فارسی اش یکنوع روانی ـ شیرینی وجذبه وجود دارد که توجه خواننده را جلب میکند (بجای جذبه ای) (رجوع شود به ص۶۲سطر۳)

« نمونه های خوبی وبیشتری ازآثار شعری او بشمار میرود (بجای نمونه

های خوب و)

همچیں هرجائیکه بیشتر اردو کلمه بهم عطف‌شده‌اسب بحای «و» علامت را استعمال کرده ودرچنین مواردتنهادر آحر کلمه «و» آورده‌است مانند

«سائین احمد علی ــ سید مسجدی شاه حادمــ علام حیدر مسگر ... و جعفر علی‌جعفری »(ص ٤ و٥) .

یا« قاضی روحی ــ سید جگر کاظمی ومحمدشاه برق » (ص ٥ سطر٤)

درهرحال باوجود این حقیقت که کتاب مورد بحث تدکره حامعی ار تمام شعرای فارسی ربان‌پیشاور نیست وحتی دکرشعرائی‌را که اسم آبان درمعدمه‌یادشده نیر در این کتاب بیامده اسب معدلك اگرشرح‌حال و نمونهٔ اشعار شعرای فارسی پیشاور را که دراین کتاب نقل‌شده اسـدر نظر بگیریم وموردسنحش‌قراردهیم حه ار حیث حامعیت شرح‌حال وچه‌ارلحاظ مفصل‌بودن‌اشعارشرامیتوان‌این‌تدکره‌راحرء بهترین‌تدکره‌های فارسی‌حساب کرد

تدکر ـ مؤلف درحاشیه ص ۱۰۵ مینویسد « دررمان‌ادگلیسی شهر پیشاوررا «سرحد» میگفتند» واین‌اصلادرسب‌بیست چون‌کلمه«سرحد» همیشه‌درهندوپا کستان بمعنی‌استان شمال‌غربی پاکستان بکاررفته‌اسب وبه به‌معنی پیشاور وهنورهم بربان اردو همین معنی دارد

نسخه ـ نسحه حطی متعلق به‌کتابحانه‌آقای‌دکترپرویزناتل حانلری

متأسفانه این کتاب هنوز بچاپ برسیده‌است وحق این بود که مؤلف‌آن هر چه رودتر اقدامی برای طبع‌آن میکرد تا این کتاب‌سیار معید بـا اصلاحات و اصافات‌لارم دراحتیارحوانندگان‌فارسی‌ربان‌قرار بگیرد. امیدواریم‌مؤلف‌آن برودی دراین‌راه توفیق پیدا کند

شرح‌حال‌مولف

نگارنده شرح‌حال مؤلف را ار«حدید سعرای اردو »حاب فیرور سر لاهور درحدود۱۹۵۳م مرتبه دکترعبدالوحید(باردو) ص ۱۰۴۷ــ۱۰۴۸ و پرونده شحصی

دکتر برلاس دردانشکده ادبیات گرفته و با وجود اینکه بوسیله نامه مکرر از ایشان استدعا کرده که اطلاعات مفصل را جع بر ندگانی و آثار خود برای نگارنده بفرستند ولی ایشان ظاهراً بعلت عدم فرصت در این مورد هیچ اقدامی نکردند

فهرست اسامی شعرا

در سطور فوق ذکر شد .

پایان

ملحقات

تذکر

پس‌ازپایان چاپ متن کتاب حاصر کتابی بنام «تذکره سخنوران یرد» تألیف اردشیرخاضع بدست نگارنده رسید که اینك شرحی درباره آن درسطور ذیل‌اضافه میگردد .

تذکره سخنوران یزد

ابتدا

یس ار ستایش یردان پاك وفرستادگان برگریده‌اش چنین گوید نگارنده این کتاب »

شرح‌حال مولف

اسم مؤلف اردشیرپور حدارحم‌پور مرزبان متحلص به «حاضع» است . وی بسال ۱۲۸۰ش درقریه اله‌آباد رستاق واقع در۱۸ کیلو متری شهرستان یرد متولد شد. پس‌ازپایان تحصیلات ابتدائی دردستان گودرزی دروطن حود بکار کشاورزی پرداحت از کودکی شعر علاقمند سود وبتوصیه استاد بمان تحلص خاضع را برای خود انتخاب کرد

حاصع درسال۱۳۰۶برای اولین نار بهندوستان مسافرت کرذ ودربندر بمئی مشعول‌کار گشت وصمناً سال ۱۳۰۸ محموعه‌ای ازاشعارحودرا بنام «دیوان‌خاضع»

(جلد اول) درهمان شهر بچاپ رسانید و بعلت علاقه فراوانی کـه بمطالعه کتب و دواوین شعرا وتواریخ داشت بسال۱۳۱۰ کتابفروشی‌حاضع را درشهر بمبئی تأسیس نمود و بانتشار وپخش کتب و نشریات فارسی پرداخت

سپس سال ۱۳۱۲ نمایندگی بسیاری ازمحلات فارسی چاپ ایران‌را بدست آورد و به چاپ وتصحیح کتابهای دینی وادبی فارسی همت گماشت

بسال۱۳۱٤دبستان دوشیزگان دراله‌آباد تأسیس کرداماچون دبستان مزبور درآمدکافی برای تأمین مخارج آموزگاران وغیره آن‌نداشت‌خاصع باقای شاهپور فریدون اله‌آبادی مقیم‌کلکته رجوع کرد ووی تمام مخارج آن دبستان را تعهده خود گرفت . دبستان مزبور سال ۱۳۱٦کاملا مجهز وآماده شد

آثار

آثار مؤلف که تماماً بچاپ رسیده بقرار زیر است

۱ـ دیوان حاصع دردوجلد
۲ـ یزدگردنامه منظوم
۳ـ رباعیات حاصع
٤ـ تاریخچه اله‌آباد
۵ـ اشك مادر ونامه گذشتگان
٦ـ تذکره سخنوران یزد (تذکره مورد بحث)

تبصره برکتاب

طبق توضیحی که مؤلف درپایان کتاب داده است وی در ۲۰ شهریور ۱۳٤۰ ش تألیف این کتاب را آغاز نمود وروز ۲٦ اسفند ۱۳٤۱ ش تدوین وچاپ آنرا بپایان رسانید .

درمورد سبب تألیف مؤلف درمقدمه کتاب چنین توضیح داده است

«درسال ۱۳٤۰خورشیدی هنگام اقامت درحیدرآباد دکن با آقای سید علیرضا وزیری اتفاق ملاقات افتاد. دونفری ازهرمقوله وباب سخن راندیم درضمن صحبت از سخنوران یزد گفتگو بمیان آمد ایشان فرمودند اگر فرصتی ایجاب

میکرد تذکره سخنوران یزد را جمع و بصورت کتابی جامع بچاپ میرسانیدند. دربحبوحه صحت چندان توجهی باین‌موضوع داده نشد. پس‌از جدائی با او کم کم فکر متوجه سخنوران یزد گردید. تذکره‌های بسیار دردسترسم بود ... آنها را ورق زده شرح و احوال و آثار بسیاری از شاعران یزد درآنها دیده شد و فکر گردآوری تذکره سخنوران یزد قوت گرفت. چند روز بعد آقای وریری را ملاقات کردم و اظهار داشتم در کوششم فکر شما را جامه عمل بپوشانم »

مؤلف‌اسم کتابهای زیر را که درتألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است درمقدمه کتاب ذکر نموده است :

۱ـ تذکره نگارستان سخن

۲ـ صبح گلشن

۳ـ شمع انجمن

۴ـ روز روشن

۵ـ آتشکده آذر

۶ـ میخانه تألیف عبدالنبی فخرالزمانی‌همدانی[1]

۷ـ مجمع‌الفصحا تألیف رضاقلیخان هدایت

۸ـ زبان سخنور تألیف علی‌اکبر مشیر سلیمی

۹ـ سرو آزاد

۱۰ـ نتایج‌الافکار

۱۱ـ تذکره شعرای دکن (اردو)

۱۲ـ تذکره دولتشاه سمرقندی

۱۳ـ صبح وطن

۱۴ـ تذکره شعرای معاصر ایران تألیف عبدالحمید خلخالی

۱۵ـ هفت اقلیم

۱۶ـ از سعدی تا جامی (ترجمه استاد علی اصغر حکمت)

۱ـ اسم صحیح مؤلف میخانه «عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی» است .

[illegible]

۳ـ شارستان چهار چمن تألیف فرزانه بهرام ابن فرهاد رجوع شود به نام
یزدی .

٤ ـ جنگ هائی محفوظ در بنگاه خاور شناسی خورشید حی کاما بمبئی
رجوع شود به نام آذری یزدی و جدا بخش اردشیر یزدی.

۵ ـ تحفه سامی ـ رجوع شود به نام باقی یزدی

۶ـ دفتر اشعار منتخب ارحاج سید ابوالفضل سعیدی ریحان رجوع شود به
به نام طرار یزدی

۷ـ تذکره هندی رجوع شود به نام وصاف یزدی .

۸ ـ مشجرات تألیف آقا سید شهاب‌الدین نجفی رجوع شود به نام مشتاق
یزدی

۹ـ آفتاب عالمتاب رجوع شود به نام معز یزدی .

۱۰ـ تذکره میکده رجوع شود به نام وامق یزدی

۱۱ـ تاریخ آل مظفر رجوع شود به نام امیر یزدی

۱۲ـ مجله ترقی رجوع شود به نام حافظی یزدی

این کتاب مشتمل است بر ذکر ۸۵۱[1] شاعر متقدم و متأخر و معاصر یزد
و نائین و خندق در دو جلد بقرار زیر

جلد اول مشتملست بر ذکر ۲۷۱ شاعر که اولشان آگهی بخست یزدی
و آخرشان یغمای جندقی است

جلد دوم مشتمل است بر ذکر ۱۳۱ شاعر که اولشان افشار یزدی و آخرشان
یاسائی است

همچنین ذکر ۷۰ نفر شاعر را در ذیل « ملحقات » آورده است که اولشان
اوهب یزدی و آخرشان ایمانی مهابادی

---

۱ ـ همچنین در پایان کتاب شرح حال بسیار مختصر وعکس از هشت نفرآورده اما
هیچ شعری از آنان نقل نکرده است .

ذکر شعرای فوق را در جلد اول و دوم ترتیب الفبائی آورده است اما در ذیل ملحقات ترتیب الفبائی را مراعات ننموده و اسامی شعرا بدون هیچ ترتیب خاصی ذکر کرده است .

مؤلف شرح حال شعرای زیر را مفصل‌تر از سایرین آورده است :

شارق یزدی ومجدالملك یزدی ومحمد مفید مستوفی‌بافقی و آذر خرمشاهی ودهقانی تفتی وطرب زاده یزدی و علومی یزدی (هر کدام در ۲ صفحه) وقاری یزدی ومجد همگرو افشار یزدی و آیتی یزدی و اسلامی ندوشن وعسکری‌کامران یزدی وقلزم یزدی و قوام‌الشعرای یزدی (هر کدام در $\frac{1}{2}$ ۲ صفحه) وفرات‌یزدی (در ٤ صفحه) و غیاث یزدی (در $\frac{1}{2}$ ٤ صفحه) و حیحون یزدی و طراز یزدی ووحشی بافقی (هر کدام در ٥ صفحه) و استاد کیومرس‌خرمشاهی (در $\frac{1}{2}$ ٥ صفحه) و فرخی یزدی (در ۸ صفحه) .

مؤلف اشعار شعرای زیر را مفصل‌تر از دیگران نقل کرده است

مجد همگر (در ۳ صفحه) وبهمن یزدی و افسانه یغمای وحیران کسویه و نشاط یزدی و فتحی رباط نشب نادامی (هر کدام در $\frac{1}{2}$۳ صفحه) و مصاحب نائینی ومحرم دوم یزدی ویغمای جندقی وبلاغی نائینی وپرمان اهرستانی وحلوه نائینی وقوام‌الشعرای یزدی و گلشن اردکانی‌وموبد یزدی (هر کدام در٤ صفحه) و عسکری‌کامران یزدی و ادیب یزدی وکاروان یزدی (هر کدام در $\frac{1}{2}$٤ صفحه) و حجاب یزدی و جابی برسی آبادی و ظریف زاده نائینی یزدی و فرخی یزدی (هر کدام در ٥ صفحه) و وزیری یزدی و شکوهی ساد لی هر کدام (در $\frac{1}{2}$ ٥ صفحه) و جامع اله آبادی (مؤلف) و ناصر یزدی (هر کدام در ٦ صفحه) و طرب نائینی و دهقانی‌تفتی (هر کدام در $\frac{1}{2}$ ٦ صفحه) و سالك یزدی واسلامی ندوشن (هر کدام در ۷ صفحه) و افشار یزدی و اعلامی نائینی (هر کدام در ۸ صفحه) و استاد کیومرس خرمشاهی و آیتی تفتی و بهجت برسی‌آبادی (هر کدام

در ۸½ صفحه) وعبرت نائیی (در ۹ صفحه) و فرات یزدی (در ۱۰ صفحه) وآذر خرمشاهی و پاك نژاد یزدی د قلزم یزدی (هر کدام در ۱۱ صفحه) و حیران یزدی (مدرس) وحبیب یغمائی (هر کدام در۱۶ صفحه) .

شرح حال اکثر شعرا را در یکی دو جمله آورده و از آنان یکی دو بیت یارباعی نقل کرده‌است

درذیل‌نام شعرای زیر اسم‌آثارشان رانیز ذکر کرده است .

طاهری یزدی و فرات یزدی و مشتاق یزدی و ایرج افشار وحبیب یغمائی و علوی یزدی .

درذیل نام شعرای زیر بعضی قسمتها را ازآثار منثورشان نیزنقل کرده‌است. آذری یزدی و نشاط یزدی .

در ذیل نام مشتاق یزدی نسب مفصل وی را نقل کرده است .

در ذیل نام فقیهی یزدی شعری بعربی از وی آورده است .

در پایان فهرست شعرای یزد و نائین و جندق که ذکرشان در این کتاب نیامده است بترتیب الفبا آورده است

سبك انشای مؤلف در اکثر موارد ساده است اما در ذیل نام بعضی شعرا ازآنان به‌نثر مصنوع‌تعریف‌کرده مخصوصاً در ذیل نام قوام‌الشعرای یزدی از وی بنثر مسجع تعریف کرده است

رویهمرفته این کتاب ذکر اکثر شعرای متقدم ومتأخر یزد ونائین وجندق را شامل است واز این لحاظ زحمتی که مؤلف آن‌در ترتیب این کتاب متحمل‌شده است قابل تحسین و آفرین است اما درمتن‌کتاب اشتباهات زیادی بچشم میخورد که اکثر آن غلطهای چاپی است [1] همچنین در بعضی موارد در املاء یا استعمال بعضی اصطلاحات وکلمات اشتباه رخ داده است که بعضی ازآن در سطور ذیل‌اشاره

۱ـ اینجا از ذکر غلطهای چاپی صرفنظر میشود .

میشود تادرموقع تجدید چاپ اصلاح شود .

تذکره شعرای متقدمین و معاصرین بجای تذکره شعرای متقدم و متقـدم و متأخر[1] (زیر عنوان کتاب)

اگرفرصت ایجاب میکرد بجای اگرفرصت اجازه میداد (صفحه‌یك)

در بحبوحه صحبت . . بجای درضمن صحبت (صفحه یك)

خورده نگیرند بجای خرده بگیرند (صفحه چهار) .

در جامع مفیدی چنین مینویسد . . . بجای درجامع مفیدی چنین آمده‌است یا مؤلف جامع مفیدی چنین مینویسد (ص ۱۲٤) ـ همچنین رجوع شود به صفحه ۱۳٤ : « در جامع مینویسد » و ص ۳۵۰ «در تذکره روز روشن مینویسد.. »)

درتذکره‌روزروشن‌مستوراست‌بجای‌درتذکره‌روزروشن‌مسطوراست(ص۱۲۹)

این چند ابیات ازوست بجای این چند بیت از اوست (ص ۱٦۱) همچنین رجوع شود به ص ٤٦۵ « اینك چند ابیات . . . »

این بیت ازوست بجای این چند بیت ازوست (ص۲۷۳)

چاپ حیدر آباد دکن کتابفروشی‌خاضع‌دراسفند ۱۳٤۱ ش باهتمام آقای اردشیر خاضع .

غیر ازغلطهای چاپی که درسراسر این کتاب بفراوانی دیده میشود درنشانه‌گذاری نیز اشتباهات زیادی بچشم میخورد مخصوصا در بکار بردن پارانتز « ( ) » و گیومه (« ») که در بعضی موارد زاید است .

برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شود به آغاز و پایان این کتاب چاپ حیدر آباد دکن سال ۱۳٤۱ ش .

برای **شرح حال مؤلف** رجوع شود به « تذکره سخنوران یزد » که مؤلف در ذیل نام « خاضع‌اله آبادی » شرح حال مفصل خود را نوشته است

۱ـ در فارسی امروزصفت را بصورت جمع نمیآورند
۲ـ در فارسی امروز معدود را بصورت جمع نمیآورند .

«تذکر»

نگارنده درتهیه‌وتکمیل ضمیمه‌های زیرخیلی سعی و کوشش کرده وبه‌اکثر فهرستهای کتابخانه‌ها و کتب مربوطه دیگر مراجعه واز آن استفاده نموده است معدلك ادعا ندارد که این فرستها ازهرحیث کامل وجامع است.

ضمیمه اول

تذکره‌های فارسی که درهندوستان وپاکستان تألیف شده است اماشرح آن دراین رساله نیامده است

(الف)ـ تذکره‌هائی که نگارنده‌این رساله بآن دسترسی نداشت وشرح آن را ازجای دیگرهم نتوانسته بدست‌آورد اما نام این کتابها جزومآخذتذکره‌های دیگر یا درفهرست استوری وغیره ذکر شده است

۱ ـ **معدن الجواهر** تألیف مولوی محمد صالح واصف سال ۱۲۶۲ هـ (رجوع شود به گلزار اعظم)

۲ـ **تذکرة الشعرا** تألیف بهاءالدین حسن خان عروج (ایوانو ۴۰۲ و تکمله اول۷۹۳)

۳ـ**تذکره‌شعرای‌هند** تألیف‌مولوی محمد کریم‌ـ‌چاپ‌هند (استوری‌ص۹۲۲)

۴ ـ **مذاق سخن** تألیف شاه حیدحسن بن شاه محمدحسن الهآبادی چاپ هند ۱۳۰۰ه (ایضا)

۵ـ **تذکره و تبصره** تألیف مهدی حسین ناصری تذکره شعرای محبوب فارسی چاپ الهآباد ۱۹۱۵م=۱۳۳٤ه

٦ـ **ترجمه مجالس النفایس** علیشیر نوائی ازعبد الباقی شریف رضوی بامر علام غوث خان اعظم نواب کرناتك (فهرست مدراس ٤٤٥)

۷ـ **تذکرة النساء** تذکره شاعرههای هندوستان ـ اسم مؤلف ندارد (نذیر احمد۷۲ کتابخانه حاجی حبیباله در نلور مورخ ۱۱۸۲ه=۱۷٦۸م)

(ب) تذکرههائی که امروز نسخهای از آن بجا نمانده است

۱ـ **عارف الآثار** تألیف محمدعارف بقائی تعدار ۹۸۰ه در آگره هند (رجوع شود به« مآثر رحیمی » ح۳ درذیل نام عارف بقائی)

۲ـ **حیات الشعرا** تألیف محمد علیخان متین کشمیری ازمآخذ گل رعنا وخزانه عامره و نگارستان سخن واختر تابان

۳ـ **تذکره منیر لاهوری** از مآخذ صف ابراهیم وغیره

٤ـ **تذکرة الشعرا وارسته سیالکوتی**ـ از مآخذ تذکره بینظیر وغیره (رجوع شود به نام آزاد)

۵ـ **تذکرة الشعراء عوفی گجراتی** ـ(رجوع شود به سفینه خوشگو نسخه آب آورد درذیل نام عوفی معاصر اکبرشاه)

٦ـ **تذکرة الشعرا دیده مغول** متخلص به دیده وملقب به اعرجان (رجوع شود به خوشگو دفتر ثالث ـ چاپ پتنه ص۲۵۵ درذیل نام « دیده»)

۷ـ **تذکره باغ ارم** ـ از مآخذ اختر تابان

۸ـ **تذکره (جوهر) پی زری** ازمآخذ اختر تابان

۹ـ **آفتاب عالمتاب** تألیف قاضی محمد صادق ـ از مآخذ اختر تابان وروز

روشن وصبح گاه .

۱۰ـ **شام غریبان** تألیف لچمی‌نراین شفیق اورنگ‌آبادی از مآخذاختر تابان ونگارستان سخن ونتایج الافکار

۱۱ـ**مجمع البلغا** ـ مایلی (ازشعرای سده)

۱۲ـ**تذکرة الشعرا**ـ شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت (رجوع‌شود به سفینه هندی چاپ پتنه‌ص ۱۲۷در ذیل نام طبیعت)

۱۳ـ**سفینة الشوق** تألیف رای منکه رای شوق درحدود ۱۱۷۰ه(رجوع‌شود به سفینه هندی چاپ پتنه ص۱۱۵ درذیل نام منکه رای شوق)

۱۴ـ **حدیقه هندی**ـ تألیف بهگوان داس هندی در ۱۲۰۰ه(رجوع‌شود به سفینه هندی چاپ پتنه‌ص۱)

۱۵ـ**تذکرة الشعرا** تألیف میرتقی الدین اوحدی تقی ملتانی (رجوع‌شود به سفینه خوشگو نسخه آب‌آورد مرکزی‌ش۲۶۵۵ درذیل نام تقی ملتانی).

۱۹ـ **تحفة الشعرا** [۱] تألیف‌سلطان ابوالفتح صفوی متخلص به طلوعی [۲]

تذکر اسم کتابهای زیردربعضی تذکره‌ها ذکرشده‌است‌اماچون‌ظاهراً نسخه‌ای از این کتابها بجا نمانده بنابراین نمیشود بطور حتمی درباره موضوع آن چیزی گفت بعضی ازاین کتابها مجموعه اشعار شعراء بوده است

۱ـ**سخن الشعرا** تألیف مولوی عبدالغفور خان بهادر ساخ (رجوع‌شود به شمع انجمن)

۲ـ **قند پارسی** تألیف مولوی عبدالغفور خان بهادر ساخ از مآخذ اختر تابان ونگارستان سخن

۳ـ **نشترغم** ازمآخذ اختر تابان ونگارستان سخن

۱ـ اسم این تذکره درذیل سبب‌تألیف‌تذکره کاتب آمده است ـرجوع شود به بحث درباره آن تذکره در کتاب حاضر

۲ـ رجوع شود به بحث درباره تذکره کاتب‌ـ شرح حال مؤلف ـ درکتاب‌حاضر

۴ـ**خریطه جواهر** از مآخذ اختر تابان و نشتر عشق

۵ـ **جواهر زواهر** تألیف لچهمی نراین شفیق اورنگ آبادی از مآخذ اختر تابان

۶ـ**فانوس خیال** تألیف عبدالغنی غنی از مآخذ تذکرة الشعراء غنی

ضمیمه دوم

تذکره شعرای فارسی که درخارج ازشبه‌قاره هند وپاکستان تألیف‌شده‌است.

۱ـ **تذکره الشعرا** تألیف رکن‌الدین محمدخوافی متوفی ۸۳۴ (کشف‌الظنون ج ۱)

۲ـ **تذکرة الشعرا** دولتشاه بن علاء‌الدوله بختی‌شاه غزنوی سمرقندی بسال ۸۹۲ھ

نسخ خطی ۱) اشپرنگر ش ۳

۲) قاهره ص ۵۰۲ (۸۹۲هـ محتملا بخط مؤلف) ص ۵۰۱ (۹۸۰ھ) ص ۵۰۲ (تاریخ ندارد)

۳) موزه بریتانیا (۸۹۵ھ)

۴) ریوج ۳ ص ۹۷۷ب (۹۷۳ھ) ج ۲ ص ۸۰۹ب (قرن ۱۶م) ج ۱ ص ۳۶۴ الف - (۸ نسخه - یکی مورخ قرن ۱۶م وسه نسخه مورخ قرن ۱۷م)

۵) بادلین ش ۳۴۸ (۹۴۲ھ) ش ۳۴۹ (۹۷۵ھ) ش ۳۵۰ (۹۷۸ھ) ش ۸ـ ۳۵۱

۶) اکسفورد ـ مؤسسه هند ـ نسخ خطی فارسی وعربی ـ ج ۲ ش ۲۱ (۹۹۴ھ)

۷) ادینبرگ ـ کلکسیون جدید ـ ص ۵ (۹۵۲ ھ)

۸) اته ش ۵۶۵ (۹۶۰ھ) ۶۵۷ ـ ۶۶۶۳

۹) اندیا آفیس ش ۳۷۷۷ (قرن ۱۸م)

۱۰) اندیا آفس .دی پی ـ س ۶۲۰

۱۱) بلوشه ح۲ش۱۱۲۹(۹٦۷هـ) وش ۱۱۳۰(۹۷٤هـ) ٤۱ـ۱۱۳۱ح۳ش ۲٤٥۲ (قرن۱٦م)

۱۲) مؤسسه رورن‌ش۳۱(۹۷۱هـ)

۱۳) برلن‌ش ٦۳۸(۹۷٤هـ)٤۲-٦۳۹

۱٤) دارن۳۲۰(۹۷٥هـ)

۱٥)فلوگل‌ج۲ش۱۱۹۹(۹۷۹هـ)۱۲۰۰ (۹۸٥هـ)

۱٦) براون-فهرست فارسی ش ۱۱۲(۹۸٤هـ) ۱۱۳(۹۷۹) ۱۱٤

۱۷)تکمله‌ش۲۹۲٥(نسخه آخر= کینگ ش۱۰٦)

۱۸) براون-کللکسیون‌ح -ش۸=هوتم شیندلر ۳٦ (۹۰۸یا ۹۸۰ هـ)

۱۹) بوهار۹۰(۹۸۰هـ)

۲۰) کرافت‌ص۱۲٥ش۳۱۲(۹۸۲هـ)

۲۱) ایوانو۲۱۸(۹۸٤هـ)

۲۲)ایوانو- کررن٤۹و٥۰

۲۳) کپورتهلا(۹۹۹هـ) (مجله‌اوریتل کالج‌لاهورح‌ش٤مورخ اوت۱۹۲۷ص۱۱)

۲٥) دانشگاه‌تاشکند٦۹(قرن۱٦م)

۲٥) سپه‌سالارج ۲ص۷-٤٤۷٥(نسخه‌ـیکی مورخ قرن۱٦م)

۲٦) لیندزیانا ص ۱۳۲ ش۸۳۸(حدود۱٦۰۰م) ش٥٤وش۳۱۰وش۳۰۹

۲۷) رهاتسک‌ص۱۳۰ وش۱٥(۱۰۳۳هـ بافهرست اسامی‌شعرا) ص٥۹ش ٤٥ وص۱۰۳ش٥۹(اشتباهاً به‌عنوان محبوب العیوب)

۲۸- بانکی پور ج۸ش٦۸۰(۱۰٥۱هـ) ش٦۸۱

۲۹) علیگر -کلکسیون سحن الله‌ص٦۱ش۳۲

۳۰) آصفیه ح۱ص۳۱۸ش۳٦وح ۳ص۱٦۲ ش۱۱۹

۳۱)اومرش ۱

۳۲) دانشگاه بمبئی ص۲۷٤(قدیم)

۳۳)بخارا سمونوف ش۴۸

۳۴)چاپی کوف ش۱۰۵

۳۵) لاهور - دانشگاه پنجاب -۲نسخه (رجوع شود به مجله اورینتل کالج ج۳ش۱ مورخ نوامبر۱۰۲۶م ص۷۴)

۳۶) کتابخانه عمومی لنین گراد ج ۱۳ رجوع شود به Melanges Asiatiques پیترز بورگ مورخ۱۸۵۹م ص۷۲۸) موزه آسیائی اقلا سه نسخه- رجوع شود به Melanges Asiatiques ج۶ مورخ ۱۸۷۳ ص ۱۲۶وج۷ مورخ ۱۸۷۶ص ۴۰۲

۳۷) مدراس ۴۴۰

۳۸)مجلس۳۲۷

۳۹) پیشاور۱۴۵۱

۵۰) انجمن همایونی آسیائی-فارسی-۱۶۳

۴۱)برلمان -رورن ص۱۳ش۶۱ و۱۴۷(یکی از این نسخه‌ها بخط سلطان علی مشهدی خطاط معروف معاصر دولتشاه میباشد)

چاپ

۱) بمبئی ۱۸۸۷ م

۲) لندن ولیدن۱۹۰۶م باهتمام دکتر براون

۳)اله آباد۱۹۲۱م(طبقات ۱-۵) ۴) تهران

ترجمه‌ترکی (خلاصه) بنام سفینة الشعرا ترجمه ازفهیم سلیمان آفندی. برای نسخه خطی رجوع شود به فلوگل ج۲ش۱۲۵۸چاپ استنبول۱۲۰۹ه

تذکر قسمتهائی از این تذکره درشهرهای مختلف چاپ شده است

۳-**لطایف نامه** ترجمه‌فارسی«مجالس النفایس»میر نظام‌الدین علی‌شیر نوائی (م۹۰۶ه) که اصلا بزبان ترکی بوده وسلطان محمد فخری بن امیری هروی آنرا

بفارسی ترجمه کرده‌ومجلس نهم‌راجع به‌شعرای‌معاصر را باصل کتاب‌افزوده‌است

نسخ خطی لیندزیانا ص۱۲۲ش۶۵(۹۳۹هـ) ریوج۱ص۳۶۵ب (۹۶۵)

چاپ مجله‌اورینتل کالج‌لاهور ج۷ش۴مورخ‌اوت۱۹۳۱وغیره-تهران‌باهتمام استاد علی اصغر حکمت ۱۳۲۳ ش.

٤- **ترجمه فارسی «مجالس النفایس»** علی شیر نوائی از حکیم (شاه) محمدبن مبارك قزوینی در۹۲۷-۹۲۹ هبنام سلیم دراستنبول - مترجم اصل کتاب را درهفت« بهشت » خلاصه کرده ودو «روضه» را باصل کتاب افزوده است روضه اول دردکر شعرای متقدم ومتأخر است که غالب مطالب آنرا از بهارستان جامی اقتباس نموده وروضه دوم در ذکر سلطان‌سلیم وشعرای دربار وی میباشد (نسخه خطی آن در کتابخانه استاد نفیسی موجود است) **چاپ** تهران ۱۳۲۳ ش باهتمام استاد علی اصغر حکمت.

نسخ‌خطی- اسعد ش ۳۸۷۷ کتابخانه استاد سعید نفیسی تهران.

۵-**ترجمه فارسی «مجالس النفایس »** علی شیرنوائی ازشاه علی‌بن‌عبدالله درزمان سلطان دین محمد بن حنتی بیگ که درعهد خان اوزبك(۹۹۱-۱۰۰۶هـ) حاکم خراسان بود نسخه خطی‌ریو تکمله ش۱۰۳ تاشرح حال الغ بیگ مجلس هفتم -مورخ قرن۱۷م)

٦-**تحفه سامی** تألیف ابوالنصر سام میرزا بن شاه اسماعیل صفوی‌درحدود ۹۵۷ هـ درذکر تعریباً ٦٦٤ شاعرقرن نهم تااواسط قرن دهم درهفت« سفینه »

۱) حاجی خلیفه‌ج ۲ص ۲٦۳ش ۲۸۲۳

۲) اشپرنگرص ۱۲ش۷

۳)بانکی پور ج۸ش ٦۸۲(۹٦۸) ٦۸۳(۹۷۱هـ)

٤) ریو ج۱ص ۳٦۸الف (ناقص - مورخ ۹٦۹هـ)ص۳٦۷ب(اواخرقرن۱٦م)

۵) ریو تکمله ش۱۰۳(۹۷٦هـ)

٦)فلوگل ج۲ش ۱۲۰۱(۹۷۲هـ)

۷) گرافت ص۱۲۶ش ۳۱۳(۹۷۲ه)
۸) لیدریانا ص۲۱۵ش۳۱۷(۹۷۷ه)
۹) سپه‌سالار ج۲ص٤٦۲(حدود ۹۸۳ه)
۱۰) قاهره‌ص۵۰۱(۹۹۷ه)
۱۱) بلوشه‌ج۲ش۱٤٤(۱۰۰۱ه) ۱۱٤۵(اواخرقرن ۱۶ه)۱۱٤۶ (قرن۱۷م)
۱۲)دانشگاه بمبئی ص٤۱ش۲۵(مهر مورخ ۱۰۰۷هدارد)
۱۳)اومرش۲
۱٤)برلن ش٦٤۳و٦٤۳الف
۱۵)براون تکمله۲۷۲
۱٦)بخارا سمونوف ش٤۱
۱۷) اته ٦٦۵(درحدود ۵۷۹شاعر)٦٦٦(٤۷٤ شاعر)
۱۸)لنین گراد موزه آسیائی(ناقص -رجوع شود به :
Melanges Asiatiques ج۷ سن پیترز بورگ۱۸۷۶م‌ص‌ش ٤۰۷
۱۹)لیدن ج۳ص۱۹ش ۹۳۳
۲۰)مدراس ۳۰۵

همچنین چند نسخه‌خطی درفهرست دانشگاه بمبئی ذکر شده است که‌یکی از آنها مورخ۹۷۲ه دریکی از کتابخانه‌های کابل موجود است وچندین نسخه‌خطی در استانبول موجود است(مثلا رجوع شود به فاتح‌ش ۲-٤۲٤۱ وحکیم اوغلوعلی پاشا۷۱۸)

چاپ تهران ۱۳۱٤ش باهتمام مرحوم وحیددستگردی وهمچنین قسمتهای‌مختلف این کتاب درشهرهای مختلف چاپ شده است .

خلاصه ازآنندرام مخلص- نسخه خطی اندیا آفیس‌دی‌پی۷۱۸

۷-**مذکراحباب** **تألیف** سید بهاءالدین حسن نثاری بخاری بسال۱۰۰۵ه مشتمل‌بر

ذکر ۲۶۵ شاعر از زمان میرعلی شیرنوائی تا ۱۰۰۵ هـ دریك مقاله وچهارباب
نسخ خطی ۱) موزه بریتانیا (۹۸۷هـ رجوع شود به مجله سه‌ماهه موزه بریتانیا ج۴ش۶ مورخ ۱۹۳۰ص۱۱۲).

۲) برلن۶۴۵

۳) ایوانو ۲۱۹(ناقص قرن ۱۷م)

۴) لنین گراد- موسسه شرقی آکادمی

برای**فهرست اسامی شعرا**رجوع شود به برلن‌ص۹-۶۰۵

۸-**تذکره‌ابوالبقا** تألیف میر ابوالبقا تفرشی که مؤلف عرفات وی در ۱۰۰۰هـ دراصفهان وقزوین دیده‌بود (برای شرح‌حال‌وی رجوع شودبه‌عرفات‌وریاض‌الشعرا وشمع انجمن ص۸۱ و تذکرة الشعرای غنی‌ص۵)

۹**تذکرةالشعراء** تألیف بابا شاه رجوع شود به‌کشف الظنون‌ج۱)

۱۰- **ریاض الشعرای** ریاض (م۱۰۵۴ هـ) درذکر شعرای ترکست که مؤلف دررجب ۱۰۱۸ هـبنام‌سلطان احمد اول‌عثمانی (۱۰۱۲-۱۰۲۶هـ) تألیف کرد(فهرست کتابخانه شخصی پروفسور براون ص۶)

۱۱- **خیر البیان** تألیف شاه حسین بن ملك غیاث‌الدین محمود در۱۰۱۷ ۱۰۱۹ هـ بنام شاه عباس بزرگ صفوی (۹۹۶ - ۱۰۳۸ هـ) درذکر شعرای متقدم و متأخر دردو فصل ویك خاتمه **نسخ خطی** ریو تکمله ش ۱۰۸ (۱۰۴۱هـ) ۱۰۹ (ناقص - قرن۱۸م)

۱۲-**تذکره ناظم تبریزی** تألیف خواجه محمد صادق معروف به صادقا تبریزی بسال۱۰۳۰ هـ بنام شاه عباس بزرگ صفوی(وماده تاریخ تألیف آن «نظم گزیده» (= ۱۰۳۰) است (نسخه ای ازآن دردانشگاه علیگر موجود است)

۱۳-**میخانه یا خرابات یامیکده**تألیف حسن بن لطف‌الله تهرانی بسال۱۰۴۰ هـبنام حسن بیگ شاملو بیگلر بیگی خراسان (۱۰۲۷ - ۱۰۵۰ هـ) در چهار مقاله و ۲۸ حرف وفاتحه . نسخه خطی و فهرست اسامی شعرا ریو تکمله‌ش۱۰۷

١٤- **قصص الخاقانی** (تذکره وتاریخ) تألیف داود قلی بن ولی قلیشاه تألیف ١٠٧٣ -١٠٧٦ه(سحه حطی محلس تهران ٥٢٦ و١٢٤٦)

١٥-**تذکره نصر آبادی** **تألیف** محمد طاهر نصر آبادی در١٠٨٣ه بنام شاه سلیمان صفوی(١٠٧٧-١١٠٦ه) دردکر متحاوز ازهزارشاعر.

سخ‌خطی ١)اشپرنگرص٨٨

٢) بلوشه ح٢ ش١١٤٨ (طاهراً بخط مؤلف مورخ ١٠٨٣ه)

٣) ریو تکمله ش ١١٠ (١٠٩٧ه) ح١ص٣٦٨ ب(قرن ١٨م)

٤) بانکی پورح ٧ش ٦٨٧ (١١٠٥ه)

٥)لیندریانا ص١٩٦ش٣١٥ (درحدود ١٧٠٠م)

٦) برلن٦٤٨(١١١٤ه)

٧- ادسرگ ٨٨(١١١٨ه)

٨) بادلین ٣٧٣ (١١٣٢ه)

٩) اندیا آفس دی‌پی٥٨٧(١٢٤٤ ه)

١٠) اته ٦٦٩

١١) ایوانو ٢٢٠(١٨٧٠م)

چاپ تهران ٧-١٣١٦ش

١٦-**تدکره‌الشعرای‌سبحان‌قلیخانی** تألیف قاصی محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی دررمان سبحان قلیحان سلطان استرحانی بحارا (١٠٩١ه- ١١١٤ ه) دردکر شعرا وفضلای رمان‌وی- برای سحه‌رحوع شودبه‌بخارا سمونوف ش٥٠

١٧- **تدکرة‌الشعرا** -اسم مؤلف‌ندارد- درقرن١١ه **تألیف**شده‌است وبامولانا جامی (تتمه عرلیات) شروع شده با« حسروی قائنی » تمام میشود و تنها حروف « ا ب ت ح ح خ د ر ر » را دارد (سحه کتابحانه ملك تهران ٣٨٤١)

١٨- **دیل بر تدکره نصرآبادی** اسم‌مؤلف‌بداردامادرحدود١١٣٤ه‌تألیف شده است (چون این سال را در دیل شرح حال عرفی سال حاری بوشته است)

درذکر۱٤۱شاعر ازجمله ۱٦شاعر کوهکیلویه(نسخه· کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۳۳٦۲- درحاشیه تذکره نصرآبادی ص۱ تا۱۵ شعرای دیگروص ۸٦ تا ۸۷ شعرای کوه کیلویه).

۱۹-**تذکره واله اصفهانی** تألیف میرزا کاظم واله اصفهانی که ظاهراً ناتمام مانده است و هیچ مقدمه یا خاتمه ندارد در ذکر٤۷ شاعر متقدم و متاخر است (نسخه· کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲۹۰٤)

۲۰- **تذکره همیشه بهار** تألیف ابوالقاسم حیدر در اواسط دوره صفوی **نسخه خطی** دانشکده ادبیات ش۹۸ ب مورخ قرن۱۱ ه .برای **فهرست اسامی شعرا** رجوع شود به مجله دانشکده ادبیات ش۱سال ۸ ص۱۰۸ -۱۲۰

۲۱-**آتشکده** تألیف حاجی لطف علی بیگ آذر بیگدلی شاملو اصفهانی (م۱۱۹۵ه) در ۱۱۷٤ه درذکر شعرای متقدم ومتأخر در دو«مجمره»

نسخ خطی

۱)اشپرنگرش ۳۲

۲) بلوشه ح٤ش ۲٤۵۳ (اصفهان -۱۱۸۰ه) ح۲س۱۱۵۳ (۱۲۱۳ه) ۱۱۵٤(۱۲۱۷ه) ۱۱۵۵(۱۲۳۱ه) ۱۱۵٦(۱۲۳٤ه —قسمتی بخط مؤلف)

۳) اته ٦۹۳(۱۱۹٦ه) ٦۹٤(۱۲۱۵ه) محتملا بخط پسرمؤلف.

٤) لیندریانا ص۱۸۲ش۹۱۸(۱۲۰۲ه)س٥٦(۱۲۱۵ه)

۵) سپه‌سالار ح۲ص٦-٤۵۲(چهار نسخه یکی مورخ ۱۲۰۷ه)

٦) ریوح ۱ص۳۷۵ب(ناقص-۱۲۱٤ه) تکمله ۱۱۱٤ (۱۲۳٤ه) ح۱ ص ۳۷۵الف(۱۲۳۸ه)

۷)اکسفورد موسسه هندنسخ خطی وینفیلد ش٦ (۱۲۱۹ه)

۸) بادلین نسخ فارسی ۸۰(۱۲۰۸ه)

۹) بادلین ۳۸٤ (۱۲۲۷ه) ۳۸۵(۱۲۲۸ه)۳۸٦

دانشگاه تهران ۲۹٦۹

۲٤ـ **تذکره اختر** (انجمن‌آرا) تألیف احمدبیگ گرجی متخلص به‌اختر سال ۱۲۲۷هـ ـدر ذکر شعرای معاصر مؤلف‌بترتیب الفبا نسخ خطی برلن٦٦٤و کتابخانه آقایان همایون فرخ وفخرالدین نصیری امینی تهران . فهرست اسامی شعرا . برلن ص۷ـ٦٦٥)

۲۵ـ **انجمن خاقان** تألیف محمد فاضل خان راوی بایندری گروسی (م۱۲۵۲هـ) سال۱۲٤۳هـ دردکرشعرای زمان فتحعلیشاه‌درچهار انجمن‌ویك‌خاتمه

نسخ‌خطی ۱) ریوتکمله ۱۲۰ (۱۲۳٤هـ) ۲) سپه سالارج ۲ص٤٦۱ (۱۲۳٦هـ) ۳)اسعد۲۰۷۵

٤) کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور (رجوع‌شود به مجله اورینتل کالج‌ج۳ ش۱ مورخ ۱۹۲٦ م‌ص۷۷) ۵) مجلس۳۲٤

برای**فهرست اسامی شعرا**رجوع شودبه ریوتکمله‌ص۸٦ومجلس‌ج۲ش۸۹۲

۲٦ـ**تذکرة السلسله** تألیف صابر ابوالقاسم‌بن میرزا محمد ابراهیم‌مدرس- تذکره سلسله مدرسیه یزد در دوسلسله ویکرشته .

نسخه‌خطی: دانشکده ادبیات ش ۸٤ (بخط مؤلف ناقص الآخر)ـ برای فهرست اسامی ۱۸ شاعر اول رجوع شود به مجله دانشکده ادبیات ش۱ سال ۸ ص۹٤ـ۹۵

۲۷ـ **تذکره قدسیه** تألیف محمد ابراهیم مدایح نگار در ذکر شعرای معاصر در چهار رکن باتصویرسیاه قلم هرشاعراثر ابو تراب غفاری **چاپ**تهران

۱ـ قبل ازاین احمد بیک گرجی متخلص به اختر کتابی بنام « جهان‌آرا » درذکر شعرای معاصر خود تألیف نموده بود اما قبل از تمام آن فوت کرد وبعد از وی برادرش به تکمیل آن پرداخت اما باز ناتمام ماند تاآنکه فتحعلی شاه فاضل خان گروسی‌رامامور تکمیل آن تذکره کرد و او انجمن خاقان را تألیف کرد . رجوع شود به الذریعه ج ٤ ص ۲۹ .

۲۸- **تذکره انجمن ناصری** تألیف محمد ابراهیم مدایح‌نگار چاپ تهران-
۱۳۱۰

۲۹- **گلشن محمود** تألیف محمود میرزا بن فتحعلیشاه قاجار سال ۱۴۳۶ ه بنام پدرش که در ذکر ۴۸ تن از پسران فتحعلیشاه میباشد.

نسخه خطی ۱) ریو تکمله ۱۲۱ (۱۲۳۹ ه) ۲) اسعد ۲۸۷۶

فهرست اسامی شعرا: ریو تکمله ص ۸۷

۳۰- **تذکره دلگشا** تألیف علی اکبر بسمل شیرازی (م ۱۲۶۳ ه) سال ۱۲۳۷ ه در ذکر شعرای زمان فتحعلیشاه بنام حسین میرزا در یک گلزار و دو بوستان و یک خاتمه که خاتمه در شرح حال مؤلف است

نسخ خطی براون کلکسیون ج ت ۱۸ = شیدلر ۳۷ و برلن ۶۶۷ (۱۲۵۷ ه) و مرکزی تهران ۲۹۹۹ و نسخه اصلی در ملک تهران ش ۳۸۴ فهرست اسامی شعرا . برلن ص ۷۳-۶۶۹

۳۱- **تذکره ثمر نائینی** تألیف سید حسن ثمر نائینی در ذکر چهل نفر از شعرای نیمه اول قرن ۱۳ ه که بمدح محمد حسین نظام الدوله اصفهانی (م ۱۲۳۸ ه) اشعاری سروده اند (نسخه کتابخانه مجلس تهران ج ۳ ش ۸۹۸ - ناقص الاول.)

۳۲- **بدیع الافکار** تألیف سید عبدالرحیم منصف الموسوی در ۱۲۳۷ - ۱۲۳۹ ه بنام محمد کاظم میرزا بن محمدعلی میرزا بن فتحعلیشاه در ذکر شعرای متقدم و متأخر در شش قسم قصیده و غزل و مثنوی و مقطعات و رباعی و ترجیع بند بترتیب الفبا - تنها اسامی شاهزادگان در اول کتاب آمده است

نسخه خطی: ریو تکمله ۳۷۸

۳۳- **زبدة المعاصرین** تألیف میرحسین الحسینی سال ۱۲۴۰ ه در شیراز

برای میر کرم علیخان ومیر مراد علیخان تالپور حاکم سند که مؤلف مدتی در دربار آنان بود درذکر شعرای معاصر است وغالباً اشعار شعرا را بدون شرح حال دارد **نسخ خطی** ۰ دانشگاه لاهورو کتابخانه شخصی پیرحسام الدین راشدی در کراچی

۳٤ ـ **سفینة المحمود** تـألیف محمود میرزا بسال ۱۲٤۰ ه [۱] بامر فتحعلی شاه. **نسخ خطی** ریو تکمله ش۱۲۲ومرکزی تهران۳۶۳۲ واسعد۳۸۷٤

۳۵ـ **نگارستان دارا** تـألیف عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص بـه مفتون (۱۲٤۳ه) سال ۱۲٤۱ ه درذکر فتحعلی‌شاه وشاهزادگان وامراء وفضلا وشعرای زمان وی .**نسخ خطی** ریوتکمله۱۲۳

فهرست اسامی شعرای نگـار خانه‌های اول تاسوم : ریو ص ۸۸ ـ ۸۹

۳۶ـ **تذکره الشعر والشعرا** تألیف مفتون فوق (مقدمـه دیوان فرصت **چاپ** ۱۳۳۳ ه والذریعه ج ٤)

۳۷ـ**نقل مجالس**(یامجلس)تألیف‌محمودمیرزا سال۱۲٤۲ه درنهاونددرذکر شاعره‌های متقدم ومتأخر ـ نسخه‌خطی آن سابقاً درکتابخانه شخصی وأمری بود

۳۸ ـ **تذکره السلاطین یا بزم خاقان** تـألیـف سیف‌الـدولـه سلطان محمدبن فتحعلی شاه قاجار سال۱۲٤۵ ه دراصفهان و در ۱۲۵۰ ه دوباره در آن نظر کرد در ذکر فتحعلی شاه و شعرای عصر او در یك مقدمه (متضمن انیس ـ العشاق‌رامی)وسه‌باب **نسخ خطی** سپه سالار ج ۲ ص ٤۷۷ و مجلس‌ج۲ص٤۷۸[۲]

۳۹ـ**مآثر الباقریه** ۰ تألیف‌سیدمحمدعلی بن‌سیدمحمدطباطبائی‌زواری‌سال

۱ـ در نسخه‌ای اسم این تذکره مجمع محمود و سال تألیف ۱۲۳۵ ه آمده است (استوری ج۱ ص ۸۸۸) .

۲ـ نسخه مجلس ش ۸۹٤ یك بزم مشتمل بر بیست مجلس (انیس‌العشاق رامی) و پنج انجمن دارد .

۱۲٤۵ ه در ذکر ۵۲ شاعری که بمدح سید محمد باقرالموسوی الحسینی اشعاری سروده‌اند. نسخه‌خطی آن در کتاب رامپور هند موجود است.

٤۰ــ **تذکره محمد شاهی** تألیف بهمن میرزا (م حدود ۱۸۸۳م) بن نایب السلطنه عباس میرزا بسال ۱۲٤۹ ه [1] در سه «رشته» بترتیب در ذکر ۱۵۰ شاعر متقدم و متأخر تا پایان قرن ۱۲ ه وفتحعلی شاه و ۱۲ شاهزاده قاجار و۵۷ شاعر معاصر مؤلف بترتیب الفبا.

نسخ خطی: ریو تکمله ۱۲٤ (۱۲۵۷ ه) و مجلس ج ۲ ش ۹۰۲ و ۹۰۳ و دانشکده ادبیات تهران ش ۱۰ ــ ب ۰ برای فهرست اسامی شعرا رشته‌های ۲و۳ رجوع شود به ریو تکمله ص ۹۰ ــ ۹۱ و مجله دانشکده ادبیات ش ۱ سال ۸ ص ۹۸ ــ ۱۰۰.

٤۱ ــ **تذکره درویش نوا** تألیف درویش حسین نوا کاشانی درحدود ۱۲۵۳ ه در ذکر شعرای متقدم و متأخر با نقل اشعار مفصل از آنان

نسخ خطی. ریو تکمله ۱۱۵ (تنها سلسله ۱ طبقه اول مورخ ۱۲۵۳ ه) و براون کلکسیون ۷ ش ۶۸

٤۲ ــ **مصطبه خراب** تألیف احمد قاجار الشهیر به هلاکو متخلص به خراب بسال ۱۲۵۳ ه درذکر شعرای هند و ایران و ترکیه معاصر فتحعلی شاه قاجار که بفارسی و ترکی شعرمیسروده‌اند نسخه: بلوشه ج ۲ ش ۱۱۶۰ (۱۲۷۱ ه)

٤۳ ــ **مدایح المعتمدیه** تألیف محمد علی بهار بن آقا ابوطالب مذهب اصفهانی در حدود ۱۲۵۸ ه درذکر ۸۷ شاعر (که آخرشان خود مؤلف است) که بمدح معتمدالدوله منوچهرخان گرجی تفلیسی [2] اشعاری سروده‌اند با شرح حال

۱ــ مجلس ص ۱۶۳ ــ ۱۶۷

۲ــ معتمدالدوله مخشی بود که در حمله فتحعلی شاه بر گرجستان در ۱۲۱۹ ه اسیر شده و بالاخره در ۱۲۵۸ ه حاکم اصفهان و لرستان و عربستان شد (استوری ۱ حاشیه ص ۹۰۲)

بسیار مختصر و بشر بسیار مصنوع آقـا علی رشتی معتمدالدوله را بنـاین کتاب افروده است .

نسخ خطی : ریوتکمله ۱۲۷ و ۱۲۸ و محلس ح ۲ ش ۱۱۹۲ و دانشکده ادبیات تهران ۹ ب (دیباچه بدارد) برای **فهرست اسامی** ۹۹ شاعر رحوع‌شودبه مجله دانشکده ادبیات ش۱ سال ۸ ص۱۰۰ - ۱۰۴ وبرای **فهرست اسامی شعرا** (۱۹+۸۷) رحوع شود به ریوتکمله ص۵ - ۹۳

۴۴- **تذکره یخچالیه** تألیف محمد علی‌بن ابوطالب متحلص‌به بهار(مؤلف مدایح معتمدیه) در عصر محمد شاه قاحار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ھ) درهجو شعرای معاصر مؤلف - **چاپ** تهران ۱۲۹۰ بتصحیح و مقدمه محمد حسین فروع ادیب .

۴۵ - **تذکره مصف** تألیف سید عبدالرحیم ماربدرابی متحلص به مصف در دکر شعرای رمان فتحعلی شاه قاحار (۱۲۱۲ - ۱۲۶۰ ھ) - (رحوع شودبه مجمع‌الصفحا ح ۲ ص ۳۱۶ در دیل بام صادق‌بیگدلی)

۴۶- **تذکره میکده یا آشیانه میکده** تألیف میرامحمد علی‌بن محمد باقرالحسنی الحسینی یردی متحلص به وامق سال ۱۲۶۲ ھ (رحوع شود به‌آئینه دانشوران و آتشکده یردان والدریعه ح ٤ ص ۵۰) .

۴۷ - **حدیقه امان‌اللهی** تألیف میرزا عبداله رونق‌بن محمدآقا کردستابی بسال ۱۲۶۵ ھ در دکر شعرای سندح بنام امان اله حان که در ۱۲۶۲ ھ ازطرف محمد شاه قاحار والی کردستان شد و مولف منشی‌باشی وی بود

نسخه خطی ریوتکمله ۲۹ (۱۲۶۶ ھ)

۴۸ - **تذکرة الشباب** تألیف محمد مهدی‌بن محمد باقر اصفهانی ملقب به فروغ‌الدین در اواحر ۱۲۶۵ ھ که بنام باصرالدین شاه عبوان کرده اسب واحوال وآثار حود راتا ۴۰ سالگی آورده و در صمن دکر بعضی شعرای معاصر و اشعـار منتحب آبان را نقل کرده و به بعضی وقایع سیاسی معاصر اشـاره کرده اسب

سحه : ملك تهران ۲٦٦۳ بحط عدالعلی پسر مؤلف

۴۹ ـ **گنج شایگان** تألیف میرزا طاهر مشی متخلص به شعری اصفهانی ملقب به دیباچه نگار که مانند حرین‌از اولاد شیخ زاهد گیلانی بود و بسال ۱۲۷۲ه این تذکره را که ماده تاریخ تألیف آن « آگنده شد بدرج گهر گنج شایگان » در دکر ٤۱ یا ٤۲ شاعری که بمدح صدر اعظم میرزا آقا حان اسعاری سروده‌اند در دو «درح » و « یك » « سلك » تألیف کرده اس .

نسخه خطی محلس ٤۲۸ ـ **چاپ** تهران ۱۲۷۲ ه

۵۰ ـ **تذکره صاحبقران** یا **بوستان خیال** تألیف میر محمد تقی حسینی بسال ۱۲۷۹ ه

۵۱ ـ **تذکره رشحات** تألیف شهاب اصفهانی (ار مآحد محمع‌الصفحا)

۵۲ ـ **مجمع الفصحا** تألیف رضا قلی هدایت سال ۱۲۸٤ ه در ذ کر ۷۰۰ ں ار سلاطین و شاهرادگان و امراء و سعرای معروف متوسط و متأخر فارسی

سخ خطی ریوتکمله ۱۲۵ـ **چاپ** تهران ۱۲۹۵ ه باهتمام‌آقای مظاهر مصفا ۱۳٤۰ ش .

۵۳ ـ **تذکره و دیوان بسمل** تألیف حاح علی‌اکبر نواب متحلص‌به‌بسمل شیرازی‌مؤلف‌تذکره دلگشا سال ۱۲۸۵ ه در دکرعمارات دولتی و ارگ وصدور و ورراء و شاهرادگان و سعرا علمای معاصر مؤلف و در آحر دیوان حود ضمیمه کرده اسب سحه کتابحانه مرکری دانسگاه تهران ۳٦۷٤

۵٤ ـ **تذکره کاظم** ـاسم مؤلف ندارد[۱] ـ مؤلف معاصر رضاقلی هدایت بوده (ص ۱۹۹ اں تذکره)و این کتاب را سال ۷ـ۱۲۸٦ ه تألیف کرده اسب (ص ۱۱۹ و ح ص ۱۹۹ و ۲٦۰) و اں کتاب مستمل اسب ىر دکر قریب ۳٦ تں

۱ـ مؤلف « بیان محمود» مینوسد «کاظم اصلش ارقصبه تویسرکان است ومقبول سخنوران» ظاهراً همین کاظم است

از شعرای متقدم و متأخر ار جمله نه تن زمان شاعرند (نسخه محلس ح۲ ش۹۰۱ دارای ۳۰۷ برگ)

۵۵ ـ **تحفة الاحباب فی تذکرة الاصحاب** یـا تـدکره قـاری رحمت اله واصح بن عاشور محمد بحاری که معاصر امیر مظفرالـدین (۱۲۷۷ ـ ۱۳۰۳ ه) بود در دکر شعرای آسیای مرکری در قرن ۱۹ م /۱۳ ه ـ **چاپ** تا شکند سال ۱۳۳۲ ه بااضافات باهتمام میرسلیم بیگ . **نسخه خطی** بحارا سمونوف ۳۸ .

۵۶ ـ **افضل التذکار فی ذکر الشعرا والاشعار** تألیف محدومی پیرمستی متحلص به افضل بسال ۱۳۲۲ ه درشعرای آسیای مرکری که درقرن ۱۹ میلادی /۱۳ هجری میزیسته‌اند **نسخه خطی** .بحارا سمونوف ٤ **چاپ** تاشکند۱۳۲۶ه

۵۷ ـ **تذکرةالشعرا** تألیف صدیق خـان بن امیرمطفر ـ سحه . بخـارا سمونوف ٤۹

۵۸ ـ **تذکره استر آباد** تألیف محمد صالح استر آبادی در ۱۲۹٤ ه بامر شاهزاده علیقلی میرزا اعصادالسلطه وزیر علوم و صنایع (نسخه کتابحانه ملی تهران ش ٤۳۳۰)

۵۹ ـ **تذکرة الشعرای معاصرین** تألیف سید صیاء الدین محمدبن سید محمد صادق مرعشی اصفهانی‌متحلص به سید (با دیل تذکرة الشعراء عبدالفتاح نوی فرزند مؤلف) ـ چاپ هند ۱۲۹۹ ه

۶۰ـ **تذکره ناصری** تألیف مؤرح الدوله عباسقلی سپهرکاشانی در اوصاف ناصرالدین شاه (۱۲۶۶ ـ ۱۳۱٤ ه)

۶۱ـ **تذکره شبستان** تألیف‌سیدمیرزا محمدعلی‌بن میرزا عبدالوهاب‌متحلص به شهلا در دکرسلسه مدرسیه یرد (ار مآخذآیتی درآتشکده یردان چاپ‌۱۳۵۷ ه والذریعه ح ٤)

۶۲ـ **تذکره مجدیه** تألیف میرزا ابراهیم منشی معاصر ناصرالدین شاه بفرمایش میرزا تقی‌حان محدالملك در ذکر۱۱ نفر شاعر ارحمله ناصرالدین‌شاه

باتمثال ده نفر از آنان ـ چاپ مصر ۱۳۰۳ هـ (در ۸۷ صفحه) (استوری ۰ چاپ تهران ۱۳۰۲ هـ در ۵۲ صفحه) .

۶۳ـ **تذکره ممیز** اسم مؤلف ندارد ـ تألیف بسال ۱۳۰۶ در ذکر برخی از شعرای قرن ۱۳ هـ ـ نسخه‌ای ناتمام بخط مؤلف در کتابخانه مجلس ج۲ ش۹۰۴ مورخ ۱۳۰۶ هـ دارای ۱۱۴ برگ موجود است .

۶۴ـ **تذکره مسعودی** اسم مؤلف وسال تألیف ندارد. **قسمت اول** آن مشتملست بر بعضی رسایل نثر و **قسمت دوم جزو اول** آن درذکر شرح حال بسیار مختصر واشعار منتخب از ۲۴ شاعر متقدم و **جزو دوم** مجموعه اشعاریست از ۲۹ شاعر متقدم ومتأخر (ملك تهران ۳۸۴۴).

۶۵ـ **خیرات حسان** تألیف اعتماد السلطنه محمد حسن خان ملقب به صنیع الدوله (م۱۳۱۳هـ) درذکر آداب ورسوم ولطایف وطرایف وحکایات و اشعارو وفیات مشاهیر بانوان **چاپ** تهران ۱۳۰۷هـ

۶۰ـ **سکینة الفضلا** تألیف عبدالحکیم رستاقی در ذکر شعرای کابل **چاپ** دهلی ۱۳۱۰ش

۶۷ **تذکرة الشعراء پته خزانه** تألیف محمد هوتك **چاپ** کابل باهتمام و تصحیح آقای عبدالحی حبیبی (در۲۹۰ص)

۶۸ـ **حدیقة الشعرا** تألیف دیوان بیگی نسخه‌ای از آن بخط مؤلف که سابقاً متعلق به مرحوم عباس اقبال بود اکنون در کلکسیون استاد حکمت دردانشکده ادبیات موجود است

۶۹ـ **سخن وسخنوران** تألیف استاد بدیع الزمان فروزانفر دردوجلد جلد اول مشتملست بر ذکر ٤٤ شاعر خراسان وماوراءالنهر از ابتدای قرن۳ تااواخر قرن ۶ هـ و جلد دوم مشتملست بر ذکر۱۱ نفر از شعرای عراق و آذربایجان ازاواسط قرن۵ تا آخر قرن۸هـ ـ چاپ جلد اول ۱۳۰۸هـ جلد دوم (قسمت اول) آبان

۱۳۱۲ش[1].

۷۰ـ **بهجة الشعرا** تألیف حاج کاظم تاجر تبریزی (م ۱۳۱۵هـ) در ذکر شعرای معاصر مؤلف (رجوع شود به الذریعه).

۷۱ـ **تذکره غریبی** (رجوع شود به دانشمندان آذربایجان)

۷۲ـ **شکرستان فارس** تألیف سید محمد حسین شعاع شیرازی بفرمان شاهزاده علینقی میرزا رکن الدوله درشیراز در ذکر شعرای معاصر فارس (رجوع شود به مقدمه «تذکره شعاعیه»)

۷۳ـ **تذکره شعاعیه** تألیف محمد حسین شعاع الملك شیرازی متخلص به شعاع در ۲۱-۱۳۲۰هـ بنام میرزا محمدعلی خان نصرالدوله در ذکر ۱۰۷ تن از شعرای معاصر معاصر مؤلف بترتیب الفبا (ملك تهران ۳۸۳۹ مورخ ۱۳۲۲هـ)

۷۴ـ **ترجمه فارسی مجمع الخواص** تألیف صادقی بیگ کتابدار شاه عباس اول در ذکر ۳۳۳ شاعر از ابتدای عهد شاه اسماعیل تازمان شاه عباس اول (یا بقول اقص ۱۲ شاه عباس ثانی) این کتاب اصلا بزبان ترکی است اما مؤلف اشعار اکثر شعرا را بفارسی آورده است واخیراً دکتر خیام‌پور آنرا بفارسی ترجمه کرده است ـ **چاپ** تبریز ۱۳۲۷ش.

۷۵ـ **نامه فرهنگیان** تألیف میرزا محمدعلی بن عبدالخالق مصاحبی متخلص به عبرت (م ۱۳۲۱ش) در ذکر ۳۴ از شعرای قرن ۱۴هـ بترتیب الفبا وبا عکس ۲۲ نفر از آنان (مجلس ش ۱۱۹۷)

۷۶ـ **مدینة الادب** تألیف محمد علی عبرت مولف نامه فرهنگیان فوق

---

۱ چنانکه در دیباچه مؤلف فاضل کتاب میرساند قرار بود این کتاب در چهار جلد تألیف شود جلد اول مشتمل بر ذکر شعرای خراسان وماوراءالنهر وجلد دوم در ذکر شعرای عراق و آذربایجان وجلدسوم در ذکر شعرای شیراز وهندوستان وجلد چهارم در ذکر نویسندگان - اما تنها جلد اول وقسمت اول جلد دوم (تاخاقانی شروانی) بطبع رسیده است و بقیه این کتاب تاکنون چاپ نشده است.

درذکر شعرای معاصر مؤلف باحواشی درذکر بعضی بلاد وشعرای ماضی- (نسخه ناتمام آن در کتابخانه مجلس تهران موجود است)

۷۷-**روزنامه‌ملتی** که بمدیریت شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیرعلوم وصنایع ومعادن‌درزمان ناصرالدین‌شاه بخط نستعلیق وچاپ سنگی‌انتشار مییافت ودرهرشماره آن ترجمه احوال‌ونمونه آثار یکی ازشعرای متقدم ومتوسط یا معاصرذکر میشد(دوره کاملی‌از آن‌درهیچیك از کتابخانه‌ها نیست امامجموعه‌ای از آن در کتب اهدائی سید محمد صادق طباطبائی در کتابخانه مجلس موجود است که ذکر۲٤ نفر ازشعرای متقدم ومتأخررا دارد).

۷۸-**تذکره شعرای قائنات وقهستان**تألیف‌ضیاءالدین‌محمدحسین‌المشتهر به ضیاءالدین البیرجندی متخلص به ضیا پسر ملا باقر شیرآخوندی (مـرکزی ۳۰۱۲ مورخ ۱۳۳۱ه) در آغاز این نسخه در اوراق جداگانه ای آقای حسینقلی باستانی راد ذکر بعضی شعرا را که دراین تذکره نیامده افزوده است. همچنین رجوع شود به نذیراحمدش۸۰(ذخیره ایوانو) واستوری ج۱ص۹۲۳)

۷۹- **نمونه ادبیات تاجیك** تألیف صدرالدین عینی

۸۰ -**تذکره شعرای‌معاصرین** تألیف ملاشاه محمد دارابجردی متخلص به شاه (صبح گلشن‌ص ۲۲۰ درذیل نام شاه)

۸۱-**تذکرة الشعرا معاصر هرات** تألیف محمد غواص **چاپ** کلوپ ادبی هرات ۱۳۳۰ش

۸۲- **سخنوران نامی معاصر** تألیف سید محمد باقر برقعی درذکر شعرای معاصر دردو جلد **چاپ**تهران جلد-اول در ذکر ۸٦شاعر ۱۳۲۹ ش و جلد دوم درذکر۷۹ شاعر چاپ۱۱۳۰س

۸۳-**نامه سخنوران** تألیف اسدالله ایرد گنسپ‌چاپ شده است(از مآخذ شعرای معاصر اصفهان)

۸۴-**گویندگان معاصر** تألیف حسین عماد زاده(ار مآخذ شعرای اصفهان)

۸۵- **آئینه دانشوران** تألیف سید علیرضا ریحانی معروف به ریحان الله درذکر گروهی ازدانشمندان ودانشجویان حوزه‌علمیه‌قم‌با اشعارآنان **چاپ** تهران ۱۳۵۳ه.

۸۶-**تذکره‌علوی** تألیف رضا بن عبدالخالق ثابتی در ذکر ۱۱۰ نفر شاعر که بمدح حضرت علی اشعاری‌سروده اند- چاپ مطبوعاتی‌افلاطون‌تهران۱۳۳۴ش (در۱۹۹ص).

۸۷- **تذکره متأخرین شعرای فارس** تألیف فصیح الملك شوریده درحدود۱۳۳۱ ه(نسخه ناقص‌الاول وآخر که طاهراً نصف کتاست ومؤلف بوسیله آقای اسمارت به پروفسور براون‌در۱۹۱۳م/۱۳۳۲ ه تقدیم کرده استودرفهرس کتابخانه شخصی پروفسور براون‌ص۱۳۷ دکر شده است)

۸۸-**آثارالحسان** تألیف حاج میرزا حسن بن حاج میرزا علی حائری انصاری اصفهانی دربدایع اشعار نسوان ایران وغرب وهند وترك و ذکر پاره‌ای ازاحوالات‌ایشان(نام این کتاب درفهرس تألیفات حائری انصاری‌در آحر کتاب « آفتاب درحشنده » چاپ۱۳۴۳ ه دکرشده اس .الذریعه‌ح۱ص۵)

۸۹-**تذکره‌شعرای‌چهارمحال** تألیف سرهنگ اوژن ـ چاپ سده اس(ار مآخذتذکره‌شعرای‌معاصر اصفهان)

۹۰-**تذکره شعرای‌معاصر اصفهان** تألیف سید مصلح‌الدین‌مهدوی دردکر ۴۸۴ شاعر معاصر اصفهان وتوابع آن بترتیب الفبا-چاپ کتابفروشی تایید اصفهان درشهریور۱۳۳۴ش.

تذکره شعرای معاصر تألیف سید عبدالحمید خلخالی در دو جلد **چاپ** تهران جلداول ۱۳۳۳ش‌وجلد دوم ۱۳۳۷ش.

۹۲ـ**از رابعه تاپروین** تألیف کشاورز صدر درذکر زنان شاعر ایران ـ چاپ تهران

۹۳ـ **شعرای بزرگ ایران** تألیف هوشنگ مستوفی درذکر یازده شاعر بزرگ ایران ازقرن سوم تا نیمه قرن پنجم هجری ـ چاپ تهران ۱۳۳٤ش.

۹٤ـ **زبان سخنور** تألیف علی اکبر سلیمی دردوجلد چاپ تهران ۱۳۳۵ش.

۹۵ـ**بهشت سخن** تألیف دکتر مهدی حمیدی شیرازی درذکر شعرای متقدم چاپ جلد اول درذکر شعرای پنج قرن اول ۱۳۳٤ ش وجلد دوم درذکر شعرای قرن ششم ۱۳۳۸ش.

۹٦ـ **پاسداران سخن** تألیف آقای مظاهر صفا درذکر شعرای متقدم (ومتأخر) فارسی **چاپ** تهران جلد اول درذکر شعرای متقدم بسال ۱۳۳۵ش.

۹۷**صدف** یاساعتی باشاعر تألیف دکتر داریوش صبور بسال ۱۳۳۵ش درذکر ۲٤ شاعر معاصر مؤلف درپایان کتاب ذکر احوال وآثار خودرا آورده است ـ چاپ تهران ۱۳۳۵ش

۹۸ـ**تذکره شعرای خوانسار** تألیف یوسف بخشی خوانساری درذکر ۱۰۰ نفر از شعرای خوانسار بترتیب الفبا **چاپ** تهران ۱۳۳٦ه(در۲٤۲ص).

۹۹ـ**برگزیده** تألیف عصمت شریف افشار صدریه تاریخ مختصرشاعران ـ چاپ تهران زوار ۱۳۳٦ش

۱۰۰ـ**ازرودکی تابهار** تألیف حسین کوهی کرمانی چاپ تهران (در۲۹٤ص)

۱۰۱ـ**گلهای جاویدان در بوستان ادب ایران** تألیف مهدی توحیدی پور درذکر شعرای متقدم. چاپ تهران ۱۳۳٦ش(در٦۱۵ص)

۱۰۲ـ**شاهکارهای شعر معاصر** تألیف فریدون کار با مقدمه دکتر یار شاطر ـ چاپ تهران ۱۳۳۸ش(در٦۸۳ص)

۱۰۳ـ **تذکره شعرای سمنان** تألیف نصرت‌الله نوحیان نوح با مقدمه استاد

سعید نفیسی و آقای حبیب یغمائی در ذکر ۸۳ شاعر سمنان-چاپ تهران ۱۳۳۷ ش (در۱۷۷ص).

۱۰٤-**تاریخچه شعرای کرمانشاه** تألیف باقر شاکری درذکر ۱۱٤ شاعر کرمانشاه-چاپ کرمانشاه۱۳۳۷ش

۱۰۵- **دانشمندان و سخن سرایان فارس** تألیف محمدحسین رکن‌زاده آدمیت **چاپ** تهران **جلد اول**۱۳۳۸ش ازآتشی تاییامی(در۵۹۲ص)

۱۰٦-**اشعار جاویدان‌پارسی تألیف** امیر مسعود سپهرم - چاپ‌تهران زوار ۱۳۳۹ش(در۵۱۸ص)

۱۰۷-**تذکره طلعت** تألیف طلعت اعتماد مقدم‌عنفاچاپ تهران ۱۳۳۹ ش (در۲٦۳ص)

۱۰۸-**گنج‌سخن تألیف** دکتر ذبیح‌الله‌صفا درذکر شعرای متقدم و متأخر درسه‌جلد چاپ دانشگاه تهران۱۳۳۹-٤۰ش.

[illegible]

[illegible] ١٩٦٨ = [illegible] (٥ ١٩٦٨ [illegible]

[illegible]

٠ ٥ ١٩٥٧ [illegible]

٥ ١٩٥٧ [illegible]

٥ — [illegible] — ٥

٥ ١٩٦٩ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١ — [illegible] — ٥ — ١٩٠٩

[illegible]

[illegible]

[illegible]

هر کدام مشتمل بر ذکر۴۹ شاعره فارسی میباشد ـ چاپ در اکمل المطابع دهلی ۱۸۸۳ م/۱۳۰۱ هـ (ماده‌تاریخ .« گلشن‌مروت‌نادر » = ۱۳۰۱ هـ)

۸ ــ **جدید فارسی شاعری** ـ تألیف دکتر منیب الرحمن ـچاپ اداره علوم اسلامیه دانشگاه علیگر بسال ۱۹۵۹ م /۱۳۷۹ هـ

۹ ــ **نیا ایرانی ادب** ــ تألیف دکتر ظهورالدین احمد چاپ لاهور درحدود ۱۹۵۷ میلادی (باب اول آن در باره شعرای جدید فارسی است) .

ضمیمه چهارم

تذکره شعرای اردو که در هند و پاکستان بزبان فارسی تألیف شده است واکثر این شعرا بفارسی‌شعرمی‌سروده‌اند

۱ـ **نکات‌الشعراء** ـ تألیف میرتقی میر سال ۱۱۶۵ ﻫ (یکسال‌بعداز فوت مخلص متوفی در ۱۱٦٤ ﻫ) تذکره صد شاعر ریخته (اردو)

نسخ خطی اشپرنگر ٤٢ و بادلین ۳۹۲ (۱۲۱۱ ﻫ) و رامپور (رجوع شود به مجله اورینل‌کالج مورخ فوریه ۱۹۳۰ م ص ۱۱٤) . چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ‌آباد دکن هنددرنظامی‌پرس بدایون‌باهتمام‌ومقدمه‌حبیب‌الرحمن‌شیروانی

۲ـ **گلشن گفتار** تألیف خواجه‌خان حمید اورنگ آبادی سال ۱۱٦٥ ﻫ چاپ خورشید پرس حیدر آباد دکن مرتبه سید محمد

۳ ـ **تذکره ریخته گویان** ـ یاتذکره علی گردیزی ـ تألیف سید فتح‌علی حسین گردیزی بسال ۱۱٦٦ ﻫ (اته ۱۱٦٥ ﻫ) که مشتملست بر ذکر تقریبا صد شاعر اردو

نسخ خطی : اشپرنگر ٤٣ و اته ٦٩٨ (۱۱۸۰ ﻫ) ٦٩٩ (۱۲۱٦ﻫ) ۷۰۰ (۱۲۱۳ﻫ) وایوانو ۲۳۳(ناقص ـ اواخرقرن ۱۸ م) وایوانوتکمله‌اول۷٦۷(اواخر قرن۱۸م)ومدراس۴۳۷ (I) (۱۲۳۰ﻫ)و بانکی‌پور تکمله اول ۱۷۸۷ (قرن۱۹م)

ریو ج۳ ص۱۰۷۱ الف(قرن۱۹ م)

چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن هند بسال ۱۹۳۳ م /۱۳۵۲ ه باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق

۴ـ**مخزن‌نکات** ـ تألیف شیخ‌محمد قیام‌الدین‌قایم‌چاندپوری(متوفی‌در۱۲۰۷ یا ۱۲۱۰ ه) سال ۱۱۶۸ ه.

نسخ خطی . اشپرنگر ۴۴ (کتابخانه موسی محل . بخط مؤلف)واته ۷۰۱ .چاپ‌انجمن ترقی اردو اورنگ‌آباد دکن‌سال ۱۹۲۹ م/۱۳۴۸ ه بامقدمه مرحوم مولوی عبدالحق

۵ ـ **چمنستان شعرا** ـ تألیف لچهی‌راین شفیق اورنگ‌آبادی بسال۱۱۷۵ه چاپ مطبع انجمن اردو اورنگ آباد دکن باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق سال ۱۹۲۸ م .

۶ـ **طبقات‌الشعرا** ـ تألیف قدرت‌الله صدیقی شوق سنهلی بسال ۱۱۸۸ ه چاپ باهتمام محمد ابوالليث صدیقی بدایونی

۷ـ **تذکره‌حقیقت‌الشعرا** ـ تألیف قدرت‌الله صدیقی شوق سنهلی ـ تذکره ریخته‌گویان (شعرای‌اردو) ـ رجوع شود به‌آثار شوق درذیل بحث در باره تذکره «تکملة الشعرای جام جمشید» در این کتاب

۸ ـ **تذکره شعرای اردو** ـ تألیف میر حسن سال ۱۱۸۸ ه تا ۱۱۹۲ ه چاپ انجمن‌ترقی‌اردو بسال ۱۹۴۰ م /۱۳۵۹ ه باهتمام حبیب‌الرحمن شروانی

۹ـ **تذکره سخن آفرینان هندی زبان** ـ تألیف میر غلام حسن را تمامی بسال ۱۱۹۱ ه بنام شاه عالم پادشاه هند (۱۱۷۳-۱۲۲۱ ه) نسخه‌خطی ۱۰ ایوانو. کرزن ۶۲ مورخ ۱۸۶۱ م

۱۰ ـ **تذکره شورش** ـ تألیف سید غلام حسن شورش معروف به میربهیا (متوفی در ۱۱۹۵ ه) بسال ۱۱۹۳ ه .

نسخه خطی ۰ اشپرنگر ٤٦ ـ بادلین ۳۸۷

۱۱ ـ **تذکره مسرت افزا** تألیف ابوالحسن امیرالدین احمدالمشتهر به امیرالله الهآبادی بسال ۱۱۹۳هـ - تذکره ۲٤۷ شاعرریحته (اردو) - نسخه حطی ؛ بادلین ۳۸۸ (طاهراً نحط مؤلف)

۱۲- **گل عجائب** ـ تألیف اسدعلیخان تمنا اورنگآبادی بسال ۱۱۹٤ ه چاپانجمن ترقی اردو سال ۱۹۳٤م/۱۳۵۳ ه با مقدمه مرحوم مولوی عبدالحق.

۱۳ـ **گلشن سخن** ـ تألیف میرزاکاظم ملقب به مردان علیخان متخلص بهمبتلاسال ۱۱۹٤ ه (نسحه آن در رامپور موجوداسترجوعشود به مقدمه «دستور الفصاحت »)

۱٤ـ **دکر میر** ـ خود نوشت شرح حال میر تقی میر بسال ۱۱۹۷ ـ چاپ انجمن ترقی اردو اورنگ آباد دکن بسال ۱۹۲۸ م /۱۳٤۷ ه با مقدمه مرحوم مولوی عبدالحق .

۱۵ـ **گلزار ابراهیم** تألیف علیابراهیمخان حلیل بسال ۱۱۹۸ه - تذکره سیصد شاعر ریختة (اردو)

نسخ خطی اشپرنگر ٤۷ = ایوانو تکمله اول ۷٦۹ (۱۲۱۹ ه) و ریو ح۱ ص ۳۷۸ الف و بانکی نور ح۸ ش ۷۱۰ (۱۲۳۸ ه) چاپ انجمن ترقی اردو هند

۱٦ـ**تذکره هندیگویان** ـتألیفشیح علام همدانیمصحفیامروهوی آغاز در ۱۲۰۰ ه وپایان در ۱۲۰۹ ه ـ تذکره ۳۵۰ شاعرریحته (اردو) ازرمانمحمد شاه (۱۱۳۱ ـ ۱۱٦۱ ه) تا رمان مؤلف نفرمایش میر مستحسن حلیق ـ چاپ انجمن ترقی اردو اورنگآباد هند باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق .

۱۷ـ **تذکره عشقی** ـ تألیف شیح وجیهالدین عشقیبنمحرم عظیمآبادی - در حدود سال ۱۲۱۵ ه مشتمل بر ذکر ٤۳۹ شاعر ریحته (اردو) ـ نسخهٔ خطی . اشپرنگر ٤۸ = بادلین ۳۹۳ .

۱۸ـ **عیار الشعرا** ـ تألیف حوب چند دکا (متوفی در۱۲٦۲ هـ) بن بهوانی چندکایسب دهلوی ار شاگرداں میرىصیر بسال ۱۲۰۸ یا ۱۲۱۳ هـ مشتمل بر ذکر تقریباً ۱۵۰۰ شاعرریحته (اردو) ىعرمایش استاد حود ىصیر. سخه‌خطی اشپرنگر ۵۰ = اته ۷۰۲ و ۵۲ و دانشگاه لاهور و بانکی‌پور تکمله اول ۱۷۸۹ (۱۸۲۲م) و برلن ٦٦۹ و اته ۲۸٤۹

۱۹ـ **مجموعه نغز** ـ تألیف سید ابوالقاسم معروف به میر قدرت الله قادری متخلص به قاسم بسال ۱۲۲۱ هـ . تدکره ۸۰۰ شاعر اردو ـ چاپ دانشگاه لاهور در کریمی پرس لاهور سال ۱۹۳۳ م/۱۳۵۲ هـ باهتمام مرحوم پروفسور محمود شیرانی .

۲۰ـ **ریاض الصفحا** ـ تألیف شیح علام همدانی مصحفی امروهوی آعار در ۱۲۲۱ هـ وپایان در ۱۲۳٦ هـ ـ چاپ اورنگ آباد باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق در ۳۷۸ صفحه .

۲۱ـ **عمده منتخبه** ـ تألیف نواب اعظم الدوله میرمحمدحاں سرور(متوفی در ۱۲۵۰ هـ) بن ىواب ابوالقاسم مطفر حىگ در ۹ محرم ۱۲۲۲ هـ مشتمل بر دکر ۱۲۰۰ شاعر اردو ـ سح خطی اشپرىگر ۵۱ و ىلوشه ح۲ ش۱۲۵۹ (۱۸۲۹ م) واته ۲۸۵۰

۲۲ـ **دستورالفصاحت** ـ تألیف حکیم سید احمد علی خاں یکتا ىسال ۱۲۲۳ هـ ـ چاپ ىاهتمام امتیار علی‌حاں عرشی در هندوستان پرس رامپور سال ۱۳٦۳/۱۹٤۳ هـ .

۲۳ـ **تدکره فارسی** ـ تألیف سیح غلام همدانی مصحفی امر وهوی ىسال ۱۲۳٦ هـ مشتمل بر دکر شعرای متأحر اردو و فارسی و تقریبا از تمام شعرا اشعار اردو آنان نقل کرده اسب

۲٤ـ **گلشن بیخار** ـ تألیف ىواب عظیم الدوله سرفرازالملك محمد مصطفی خان شیفته مظفر جنگ (متوفی در ۱۲۸٦ هـ) آغاز بسال ۱۲٤۸ هـ و پایان

در ۱۲۵۰ه مشتمل بر ذکر ۶۰۰ شاعر ریخته (اردو). نسخ خطی: ریو ج ۳ ص ۱۰۶۹ الف (۱۲۵۲ ه) و بانکی پور ح۸ ش۷۱۸ (۱۲۵۵ ه) ـ چاپ دهلی سال ۱۲۵۳ه و ۱۸۴۳ م ولکهنو ۱۸۷٤ م .

۲۵ـ **مدایح الشعراء** ـ تألیف نواب عنایت حسن‌خان بهادر مهجور بنارسی (نواده علی ابراهیم‌خان خلیل) بسال ۱۲۵۸ تا ۱۲۶۰ ه مشتمل بر ذکر ۶۷ شاعر اردو ـ نسخه‌ای از آن در کتابخانه رامپور هند موجود است) .

۲۶ـ **مخزن‌شعراء** ـ تألیف قاضی نورالدین حسین خان رضوی متخلص به‌فائق بسال ۱۲۶۸ه ـ تذکره شعرای گجراتست ـ چاپ انجمن ترقی‌اردو بسال ۱۹۳۳ م /۱۳۵۲ ه باهتمام مرحوم مولوی عبدالحق

۲۷ـ **خزینة العلوم** ـ تألیف منشی درگا پرشاد نادر سرهندی بسال۱۹ ـ ۱۲۸۸ ه ـ چاپ مطبع مفید عام لاهور بسال ۱۸۷۹ م /۱۲۹۶ ه .

۲۸ـ **بزم‌سخن** ـ تألیف سید علی‌حسن متخلص به سلیم ـ چاپ مطبع نامی مفید عام آگره بسال ۱۲۹۸ ه

۲۹ـ **طور کلیم** ـ تألیف سید نورالحسن ـ چاپ ومطبع نامی مفید عـام آگره سال ۱۲۹۸ ه

۳۰ـ **گلشن همیشه بهار** ـ تـألیف عبدالعلیم نصرالله خـان قمر احمدی خویشگو خورجوی (متوفی در ۱۲۹۹ ه) تذکره ٤۱٤ شاعر هندوستانی ـ چاپ فتح‌الاخبار پرس کول (علیگر) سال ۱۲۷۰ ه

۳۱ـ **تذکرة الشعراء هنود** ـ تألیف بساش بسال ۱۲۹۹ ه . (مخزن‌الش و مخزن‌الشعراء و مخزن‌الاشعار سال ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ و ۱۳۰۰ ه)

۳۲ـ **تذکره مختصر درحال ریخته گویان هند** ـ تألیف محمد صدرالدین سال (؟) نسخه خطی ـ براون تکمله ش ۳۰٤

ضمیمه پنجم

تذکره های اولیا و صوفیه که بسیاری از آنان شعر هم میسروده‌اند [1] .

الف-تذکره‌های اولیاوصوفیه که‌درشبه‌قاره‌هندوپاکستان‌تالیف‌شده‌است

۱-**کشف المحجوب**- تألیف علی‌بن عثمان الجلابی الهجویری در حدود ۴۵۰ه در ذکر تصوف وقسمتی ازآن‌درذکر صوفیه میباشد(استوری‌ج۱ص۹۲۴)

۲-**سیر الاولیاء فی محبت الحق جل وعلی**- تألیف سید محمد مبارك بن محمدعلوی کرمانی معروف به‌امیر خورد (متوفی دردهلی در۷۱۱ه)ددرمان‌فیروز شاه تغلق(۷۵۲-۷۹۰ه) درذکر صوفیه چشتی درده‌باب (استوری‌ج۱ص۹۴۴)

۳-**منبع الانساب**-تألیف سید معین الحق بن‌شهاب الحق - تذکره سادات بهکر سند وانبیاء وائمه اولادشان و۴پیر و۱۴ خانواده باشرح سلسله های صوفیه (استوری‌ج۱ص ۹۴۹)

۴-**تذکره‌خواجه‌باقی‌الله**- تألیف خواجه‌باقی‌الله نقشبندی‌دهلوی (متوفی در۱۱۱۲ه)چاپ حیدرآباددکن

۵-**تذکرةالاولیاء**- نعمت الله رضائی- چاپ بمبئی۱۳۱۳ه

۱-تذکر این فهرست اسم تذکره هائی راکه در ذکر تنها یك‌نفر بوده شامل

۶ـ **سیر العارفین**ـ تألیف حامدبن فضل‌الله معروف به درویش جمالی یا شیخ ملاجمالی کنبوه دهلوی۱(متوفی در۹٤۲هـ) در ذکر ۱٤ صوفی چشتی معاصر همایون‌شاه (۹۳۶ـ۹۶۳هـ) که درمیان سالهای ۹۳۷و۹٤۲ تألیف‌شده‌است. (استوری ح۱ص۹۷۰)

۷ـ **اخبار الاخیار فی‌اسرارالابرار**ـ تألیف عبدالحق‌دهلوی‌بخاری(متوفی در۱۰۵۲هـ) درذکر ۲۵۵صوفی‌هندسال ۹۹۹هـ

۸ـ **زادالمتقین فی‌سلوک طریق‌الیقین**ـ تألیف عبدالحق دهلوی فوق‌سال ۱۰۰۳ هدرذکر دوصوفی هندوستان بنام علی‌بن‌حسام‌الدین متقی وعبدالوهاب بن ولی‌الله المتقی مقیم مکه وشیوخ وفقراء معاصرمکه

۹ـ **تذکرةالحق**ـ تألیف محمد امیر دردوجلد ـچاپ۱۳۳۲هـ

۱۰ـ**اخبارالاصفیاء**ـ تالیف‌عبدالصمدبن افضل‌محمددر ۱۰۱٤هـ درذکر۲۵۰ صوفی غالباً مانند اخبار الاخیار فوق (استوری‌ح۱ص۹۸۳)

۱۱ـ**تحفةالسعداء**ـ تالیف خواجه کمال درذکر صوفیه چشتی (استوری ج۱ص۹۸۳)

۱۲ـ **لمعات‌من‌نفحات القدس** ـتالیف‌شیخ علیم (متوفی در۱۰٤۱هـ)درذکر صوفیه نقشبندی ـچاپ۱۳۲۷هـ(استوری‌ج۱ص۹۸۳)

۱۳ـ**گلزار ابرار** ـ تألیف محمد غوثی سطاری میان سالهای۹۹۸ـ۱۰۱۱هـ (وبقول‌ایوانو بیان‌سالهای۱۰۲۰و۱۰۲۲هـ)بنام‌جهانگیرشاه(۱۰۱٤ـ۱۰۳۷هـ) درذکر ۵۷۵ صوفی هندی‌نژاد که آنان اهل گجرات بودنددر بحر «چمن»(استوری ح۱ ص۹۸٤)

۱٤ـ**کلمات‌الصادقین**ـ تألیف محمدصادق کشمیری همدانی مؤلف‌طبقات شاهجهانی وسلسلة الصادقین درسال۱۰۲۳ هدرذکر ۱۲۵صوفی که‌دردهلی‌مدفونند

۱۵ـ **تاریخ مشایخ کشمیریا رشی‌نامه** ـ تألیف بابا نصیب‌یا‌بابا نصیب‌الدین

سهروردی کشمیری متوفی‌در ۱۳محرم ۱۰٤٧ که‌یکی‌اراکابر صوفیه کشمیر بود دردکر صوفیه کشمیر (استوری ح۱ص۹۸۵).

۱٦- **رشی نامه**- تألیف بهاءالدین بها- تدکره منظوم درسه دفتر که اساس آن بررشی نامه نصیب اسب (استوری‌ح۱ ص۹۸٦)

۱٧-**جواهرفریدی**- تألیف علی اصغر چشتی در۱۰۳۳ه در دکر صوفیه چشتی مخصوصاًفریدالدین گنج‌شکر واولاد وی- چاپ لاهور ۱۳۰۱ه (استوری ج۱ص۹۸٦)

۱۸**زبدةالمقامات** یابرکات الاحدیت الباقیه تألیف محمدهاشم بن محمد قاسم النعمانی البدحشانی در۱۰۳٧ ه بفرمایش فرزندان احمد سرهندی در ذکر شیخ احمد فاروقی سرهندی وعیره

۱۹-**نسمات القدس من حدایق الانس**- تألیف محمدهاشم بن محمد قاسم در۱۰۳۱ ه بفرمان احمد فاروقی سرهندی‌درذکرصوفیه نقشندی ارقرن۱۰تاربع اول‌قرن۱۱ه‌ا-تتمه رشحات‌آئین الحیات‌تألیف فخرالدین علی‌بن الحسین‌الواعظ کاشفی(استوری‌ج۱ص ۹۹۰)

۲۰-**الا سئله والا جوبه**- درحوابهائیکه سید محمود بهوه در ۱۰٤۲ه به ۱٧ سؤال محمد بن‌حلال شاهی ورصوی‌راحع بسالهای‌مهم دردوره زندگانی‌اکابر شیوخ داده اسب (استوری ج۱ص ۹۹۱)

۲۱-**مجمع الاولیاء** یامحفل اصفیا ومجمع الاولیا- تألیف میرعلی اکبر حسینی اردستانی بنام شاهجهان (۱۰۳٧-۱۰٦۸ه) درسال۱۰٤۳ هدردکر قریب به ۱٤۰۰یا۱۵۰۰صوفی‌در۱۲ باب ویك‌خاتمه(استوری‌ح۱ص۹۹۱)

۲۲-**مناقب‌الحضرات**- یا مناقب احمدیه و حضرات احمدیه تألیف حاجی محمد امین بدخشی در ذکرصوفیه نقشبندی مخصوصاً احمد فاروقی سرهندی و فرزندان وی دریك مقدمه وسه مطلب و۱۱ باب ویك حاتمه (استوری ح۱ص۲ - ۹۹۱)

۲۳ـ**سفینة الاولیاـ** تألیف محمد دارا شکوه قادری پسر ارشد شاهجهان در۲۷ رمضان۱۰۴۹ھ دردکر بزرگان‌وعرفا وشیوخ چاپ‌آگره ۱۲۶۹ھ ولکهنو ۱۸۷۲وکاپور۱۸۸۴م‌و۱۳۱۸ھ

۲۴ـ**سکینة الاولیاء** ـ تألیف محمد دارا شکوه در ۱۰۵۲ ھ دردکر اکابر صوفیه لاهور(استوری ج۱ص۹۹۸)

۲۵.**موس الارواح** تألیف حهان‌آرا بیگم‌دحتر شاهحهان (ومؤلفه‌صاحبه تذکره ملاساه تألیف سال ۱۰۵۱ھ) بسال ۱۰۴۹ ھ درذکر معین الدین چشتی و مریداں او(استوری‌ح۱ص۱۰۰۰).

۲۶ـ **سنوات الاتقیاـ** تألیف شیح بدرالدیں بن ابراهیم‌سهرندی در ذکر اکابر محصوصاًدرذکر سال وفاتشان‌ارآدم تاسال۱۰۴۴ھ(استوری ح۱ص۱۰۰۲).

۲۷ـ **حضرت القدس**ـ تألیف شیح بدرالدین بن ابراهیم سهرندی دردکر صوفیه نقسندی دردو دفتر درسال۱۰۵۳ھ(استوری‌ح ۱ص۱۰۰۳).

۲۸ـ**ستر الاقطاب** تألیف الله دیابن شیح عدالرحمن چشتی عثمانی‌معاصر شاهحهان آعاردر ۱۰۳۶ وپایان در ۱۰۵۶ ھ دردکر۲۷ نعر ارسلسله چشتیه چاپ لکهنو (استوری‌ح۱ص۱۰۰۴)

۲۹ـ **مخبر الواصلین** ـ تألیف میرمحمدفـاصل المدعوبه مظهر الحق‌ترمذی اکبرآبادی(متوفی در۱۱۰۶ھ) در۱۰۶۰ھ دردکررسول وصحابه وسیاری‌ازصوفیه وعیره ارقرں اول‌تا۱۱۰۵ھ ـچاپ‌کلکته ۱۲۴۹ولکهنو۱۲۵۶ھ.

۳۰ـ **مرآت الاسرار** ـ تألیف عدالرحمن بن عدالرسول عباسی علوی چشتی‌ـ آغاز در۱۰۴۵ هوپایاں در ۱۰۶۵ ھ ـدردکرصوفیه ازاوایل اسلام تازماں حسام الدیں مانك‌پوری(متوفی در۸۵۳ھ) در۲۳طبقه (استوری ج ۱ ص۱۰۰۵)ـ عدالرحمں « مرآت‌المداری» شرح حال‌شیح مانك‌پوری و «مرآت مسعودی » در شرح قهرمانه افسانه‌ای‌سام‌سلطان الشهداء سالار مسعود عازی‌را نیر تالیف کرده

است (استوری ح۱ص۱۰۰٦).

۳۱- **چشتیه بهشتیه** یا فردوسیه قدسیه - تألیف علاءالدین بن‌محمد چشتی برناوی‌در۱۰٦٦ هدرذ کرصوفیه چشتی دریك مقدمه و۲۸ د کر(استوری ح۱ ص ۱۰۰۷).

۳۲-**کارنامه اولیاء** - تألیف‌نظام‌الدین احمدبن محمدصالح‌صدیقی حسینی معاصر شاهجهان در۱۰٦۷ه درذ کراولیا

۳۳-**کرامات الاولیاء** تألیف نظام‌الدین احمد فوق در۱۰٦۸ ه (ریوج ۳ ص۹۷٤ الف)

۳٤-**اخبارالاولیاء من‌لسان الاصفیا** - تألیف عداالله حویشگی قصوری درذ کرخویشگو وصوفیه دیگر سال۱۰۷۷ه(استوری ح۱ص۱۰۱۱)

۳۵-**معارج الولایت**- تألیف‌عداالله خویشگی فوق دربیان مشایخ‌هندوستان (استوری ج۱ص ۱۰۱۱)

۳٦-**ریاض‌الاولیاء** تألیف محمد بقا متخلص به‌بها سهار نپوری (متولد در ۱۳۰۷ه ومتوفی در۱۰۹٤ ه) وبختا ورخان (متوفی‌در ۱۰۹٦ه)در د کرصوفیه درچهارچمن درسال ۱۰۹۰ ه (استوری ج۱ص۱۰۱۲)

۳۷-**خوارق السالکین** -تألیف (؟) بسال۱۱۰۹ ه درحکایاتی ارصوفیه قدیم کشمیر وغیره (استوری‌ح۱ص۱۰۱۳)

۳۸- **مطلوب الطالبین**تألیف محمد بلاق‌بن شیخ ابومحمد حالدی دهلوی درذ کر نظام‌الدین اولیا ومریدان وی در۱۷مطلب درسال۱۱۱۱ ه (استوری ح۱ ص ۱۰۱۳)

۳۹- **روضه اقطاب** -تألیف‌محمدبلاق فوق در ۱۱۲٤ه دردکر قطب‌الدین بختیارکاکی وچند صوفی دیگر که درنردیك قبروی‌مدفونند .چاب لاهور ۱۸۹۰م ودهلی ۱۳۰٤ ه

٤۰ـ **تحفة‌القاری** ـ تألیف شاه منصوربن شاه چاند محمد معروف به شیخ چایلده در۱۱۱۹هدرذکر صوفیه درسه‌قسمت (استوری‌ج۱ص۱۰۱٤)

٤۱ـ **ظواهر السرایر** ـ تألیف‌محمدعمر بن ابراهیم‌النیشابوری درنیمه‌اول قرن۱۸م درذکر شیخ سعدی‌لاهوری‌وعبدالرحمن سلمی نیشابوری وسیدآدم‌بنوری (استوری‌ج۱ص۱۰۱۵)

٤۲ـ **انیس القادریه** ـ تألیف بهاءالحق القادری در۱۱۳۸ ه در ذکر شیخ عبدالقادر جیلانی وصوفیه قدیم (استوری‌ج۱ص۱۰۱۷)

٤۳ـ **ذکرجمیع اولیای دهلی**ـ تألیف‌محمدحبیب‌الله‌بن‌شیخ‌جهان‌اکبرآبادی دهلوی (متولد دراکبرآباددر ۱۰۸۲ه ومتوفی دردهلی در۱۱۶۰ه) درسال۱۱٤۰ه درذکر صوفیه (استوری‌ج۱ص۱۰۱۹ ه)

٤٤ـ **سواطع‌الانواریااقتباس‌الانوار** ـ تألیف محمد اکرم بن شیخ محمد الحنفی‌البارسوی درذکر صوفیه چشتی درچهار باب چاپ‌لاهور۱۸۹۵ م

٤۵ـ **تحایف‌رشیدیه**ـ تألیف محمد عبدالرشید (متوفی‌در ۱۱۳۰ه) بن بدر محمد قادری کیرانوی درذکر۳۷ نفر ازرسول تاشاه فتح‌محمدآغـاردر ۱۱۳۷ه و اتمام در۱۱٤۳ه (استوری‌ج۱ص ۱۰۲۰)

٤۶ـ **تذکره قادریه** تألیف محمد عبدالرشید فوق خلاصه‌تذکره فوق.

٤۷ـ **انفاس‌العارفین** ـ تألیف قطب‌الدین احمد المعروف به‌ولی‌الله دهلوی (۱۱۱٤ـ۱۱۷۶ه) درحدود ۱۱٤۵ ه درذکرصوفیه درسه قسم. چاپ دهلی۱۳۱۵ه

٤۸ـ **الانتخاب فی سلاسل اولیاء الله**ـ تألیف قطب‌الدین‌فوق درذکر سلسله‌های صوفیه چاپ‌دهلی ۱۳۱۱ه

٤۹ـ **اشجارالجمال‌یااخبارالجمال**ـ تألیف محمد بن یار محمد کولوی (متولد در ۱۰۹۸ه) در۱۱۵۱ ه درذکر اسیا وصوفیه (استوری‌ج۱ص۱۰۲۲)

۵۰ـ **حقایق‌الاولیاء**ـ تألیف محمد قیام‌الدین معروف به‌قاضی‌جان فاروقی در۱۱۵٤ه (استوری‌ج۱ص۱۰۲۳)

۵۱ـ**مخزن العراس**ـ تألیف محمد نحیب قادری نا گوری اجمیری در ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶ھ در تاریخ فوت، صوفیه (استوری ح۱ص۱۰۲۳)

۵۲ـ **روضات القیومیه**ـ تألیف ابوالفیص کمال الدین محمد احسان نبیره شیخ احمد سرهندی ـ در۱۱۵۲ـ۱۱۵٤ ھ درذکر شیخ احمد فاروقی سرهندی واولادو مریدان او (استوری ج۱ص٤ـ۱۰۲۳)

۵۳ـ **سفینة العارفین** ـ تألیف محمد امان بن محمد یوسف درحدود ۱۱۰۳ ھ درذکر عرفا مخصوصاً ازهند تا پایان قرن ۱۱ھ (استوری ج۱ص۱۰۲٤)

۵٤ـ**واقعیات کشمیر**ـ تألیف محمد اعظم در ۱۱٤۸ـ۱۱۶۰ھ که غالباً راجع به صوفیه کشمیر است (استوری ج۱ص۱۰۲٤)

۵۵ـ**روضة الاولیاء**ـ تألیف میرغلام علی آراد بلگرامی درد کرده صوفی که درروضه یا خلدآباد دفنند ـ چاپ اورنگ آباد ۱۳۱۰ (استوری. ح۱ـص۱۰۲٤)

۵۶ـ**بشارت الامامه**ـ تألیف سید علامحسین خان طباطبائی در ۱۱۹٤ـ۱۱۹۵ھ مثنوی دراحوال و کشف و کرامات احداد مؤلف (استوری ح۱ص۱۰۲۶)

۵۷ـ**تحفة الطاهرین** ـ تألیف شیخ محمد اعظم تتوی در ۱۱۹٤ھ درد کر ۱۶۸ صوفی که در کوه مکلی وشهر تته و نواحی آن دفنند چاپ سندی ادبی بورد کراحی ۱۹۵۶م

۵۸ـ**مجموعه**ـ شجره های صوفیه کشمیر وبعضی حکایات مربوط بایشان ـ اسم مؤلف معلوم نیست و آخرین سال که دراین کتاب دکر شده است ۱۱۲۸ھ است (نسحه ایوانو کرزن ۷۹)

۵۹ـ**مکلی نامه** تألیف میرعلی شیرقانع تتوی ـ درذکر صوفیه که در کوه مکلی مدفونند. چاپ سندی ادبی بورد کراچی درمجله مهران ش۲ مورخ ۱۹۵۶م

۶۰ـ**حدیقة الاولیاء**ـ سید عبدالقادر تتوی (مقدمه مصحح تحفة الطاهرین)

٦١۔**تذکرة المراد**۔ حاجی محمدحسین صفائی تتوی(مقدمه مصحح تحفة۔ الطاهرین)

٦٢۔**معارف الانوار**۔ محمدصالح بن ز کریا تتوی(مقدمه‌مصحح تحفة الطاهرین)

٦٣۔**صحیفة العراس یا تاریخ وفات بزرگان**۔ تألیف محمد شریف بفرمایش تیپو سلطان حاکم میسور(١١٩٧۔١٢١٣ھ) فهرست صوفیه است بترتیب وذکر تاریخ وفاتشان(استوری ج١ص١٠٢٨)

٦٤۔ **معیار السالکین فی طریقت** تألیف میرعلی شیرقانع تتوی در ١٢٠٢ھ دردکر صوفیه ار زمان حضرت رسول تاپایان قرن ١٢ھ در١٢ معیار (استوری ج١ ص١٠٣٠)

٦٥۔ **بحرذخار** ۔ تألیف وجیه‌الدین اشرف لکهنوی در١٢٠٣ھ درهشت لجه وچند نهر وموج دردکر صوفیه که غالب آنان هندی الأصل بودند ۔ چاپ اله آباد ١٣١٣ھ (تنها قسمت صابریها) (استوری ج١ص١٠٣٢) .

٦٦۔ **بشارت مظهریه درفضایل حضرات طریقه مجددیه تألیف** محمد نعیم‌الله بهرائچی حنفی نقشبندی(١١٥٣۔١٢١٨ھ) بفرمایش میرمحمد ماه بهرائچی دردکر میرزا مظهر مؤسس سلسله شمسیه مظهریه ازسلسله نقشبندی (استوری ج١ ص١٠٣٣)

٦٧۔ **معمولات مظهریه** ۔ دردکرسلسله مظهری صوفیه۔ چاپ کانپور١٢٨٤ ھ ولاهور ١٨٩٣م

٦٨۔ **اصول المقصود**۔ تألیف تراب علی بن محمدکاظم قلندری علی کاکوروی در٦۔١١٢٥ھ دردکر١٢ شیخ قلندری در١٢ اصل ۔ چاپ هند ١٣١٢ھ .

٦٩۔ **ذکر الاصفیا فی تکمله سیر الاولیاء درمنقبت شمس الهدا** ۔ تألیف گل محمد معروفی کرحی چشتی احمد پوری(متوفی در١٢٣٤ھ) تکلمه سیر الاولیاء سید محمد کرمانی است (استوری ج١ ص١٠٣٧) .

۷۰- **فوایدسعدیه** - تألیف قاصی محمد ارتضی علی‌خــان خشنود گوپاموی (۱۱۹۸-۱۲۵۱ه) دردکر عرفا وصوفیه - چاپ لکهنو ۱۸۸۵م

۷۱- **تحفه اعظمیه** - تألیف حوشود گوپاموی‌فوق دردکر صوفیه (استوری ح۱ ص۱۰۳۹) .

۷۲- **تذکرةالکرام** - تألیف‌محمدابوالحیات‌قادری‌بهلواری‌بهاری در۱۲٤۹ هجری دردکر ٤۵ شیح بهاری که غالب آنها درقرن ۱۸و۱۹ میلادی میریسته‌اند چاپ لکهنو ۱۸۸۰م

۷۳- **احول شاه‌گل‌امام جیووخابواده وجانشین وی** - تألیف میاں حیر محمد منشی در۱۲۰۹ه (استوری ح۱ ص۱۰٤۱)

۷٤- **بیاض دلگشا** - تألیف عبدالعلیم‌باصرالله‌حان‌احمدی حویشگوخواحوی (متوفی در۱۲۹۹ه) مؤلف تاریخ دکن در۱۲٦۸ه دردکر شاه عبدالعلیم وپیر او و صوفیه دیگر-چاپ کول (علیگر) ۹-۱۲٦۸ه

۷۵- **منبهات فی‌علم‌الاموات** - تألیف علام نبی‌بن‌محمدفتح علی‌بلگرامی چشتی صابری در۱۲۹۲ه (وبقول استوری در۱۲۹۸ه) دردکرصوفیه هند محصوصاً ازسلسله چشتی (بسخه : ایوانو کررں ۸٤)

۷٦- **منتخبات از تذکرة الاولیای عطار** - که سرحوش (غیرازمؤلف‌کلمات الشعرا) درشعبان ۱۲۹۷ه تهیه کرده است (فهرسب کتب شخصی پروفسور براون ص۱۲۷) .

۷۷- **تذکرةالهدایه** اسم مؤلف بدارد - دردکر خواحه آفاق اسب (بادلس ج۲ ش۲/۲٤۹۵)

۷۸- **خزینه‌الاصفیا** - تألیف معتی محمد علام سرور قریشی اسدی الهاشمی الاهوری (در۱۱-۱۲۸۰ه) دردکر صوفیه درهفب محرں - چاپ لاهور ۱۲۸٤ه و لکهنو ۱۸۷۳م وکانپور ۱۳۱۲ه

۷۹- **گنجینه سروری یاگنج تاریخ** - تألیف مفتی‌غلام سرورفوق درتاریخ

تولد ووفات معاریف اسلام در۱۲۸٤ﻫ ـچاپ‌لاهور۱۲۸۵ﻫ لکهنو نولکشور۱۸۷۷م و۱۸۸۹م .

۸۰ـ **انورالعارفین** ـ تألیف محمد حسین‌بن محمد مسعود چشتی صابری قدوسی مرادآبادی در۱۲۸٦ﻫ درذکر صوفیه متقدم مخصوصاً از سلسله‌های چشتی وقادری ونقشبندی و کسانیکه درمرادآباد دفنند ـ چاپ بریلی ۱۲۹۰ﻫ ولکهنو ۱۸۷٦ م .

۸۱ـ **قصرعارفین** ـ تألیف احمد علی خیرآبادی مرید شاه‌سلیمان تونسوی درذکر صوفیه چشتی وقادری وسهروردی ونقشبندی تازمان شاه سلیمان تونسوی ـ چاپ رامپور ۱۸۹۰ ولاهور ۱۳۱۲ﻫ

۸۲ـ **مکتوب ضیا یا نسب نامه کلان** ـ تألیف شاه ضیاءالله فخری قادری حنفی در۱۲۸۹ﻫ درنسب نامه حضرت رسول و۱٤ خاندان صوفی وذکر ۷۲ فرقه اسلام ـچاپ لاهور ۱۲۸۹و۱۲۹۳ﻫ و۱۲۹٦و۱۳۰۹ﻫ

۸۳ـ **گلزارخلیل** ـ تألیف مولوی ابومحمد حسن شعری قادری در۱۲۹۰ﻫ درذکر خواجه محمدخلیل واجداد مؤلف ـ چاپ لاهور۱۲۹۱ﻫ

۸٤ـ**الروضة‌الازهرفی‌مآثرالقلندریالطایف‌الاذکارفی‌مناقب‌عمدة‌الاخیار** تالیف مولوی شاه تقی‌علی‌قلندر کاکوروی (۱۲۱۳ـ۱۲۹۰) درذکر تراب علی‌قلندر کاکوروی‌پدرمؤلف ومرشدین وی وصوفیه قلندری‌ـچاپ رامپورولکهنو٦ـ۱۳۳۱ﻫ

۸۵ـ **حوض‌الکوثر فی‌تکمله روض‌الازهر** ـ تألیف علی انور قلندر در ۱۲۹۱ﻫ ـ چاپ باکتاب فوق در رامپورولکهنو ٦ـ۱۳۳۱ﻫ

۸٦ـ **انتصاح من‌ذکر اهل‌الصلاح** ـ تألیف علی انور قلندر پسر علی‌اکبر (متولد ۱۲٦۹ﻫ) درذکر صوفیه وسلسله‌های صوفیه ـ چاپ لاهور ۱۸۷۷م ولکهنو ۱۳۲۷ﻫ

۸۷ـ **تحریرالامورفی‌تفسیرالقلندر** ـ تألیف علی انور قلندر فوق درذکر

قلندرها ـ چاپ لکهنو علوی پرس ۱۲۹۰ھ

۸۸ـ **الاغصان الاربعة المشجرة الطیبه** ـ تألیف مولوی ولی الله انصاری لکهنوی فرنگی محلی (متوی در ۱۲۷۰ھ) با اضافه‌ها اضافه‌ها از پسرش محمد انعام الله تا سال ۱۲۹۶ ھ درذکر ملا احمد انوارالحق فرنگی محلی واولاد وی ـ چاپ لکهنو ۱۲۹۸ھ .

۸۹ـ **گل بهشتی** ـ تالیف امین احمد ثبات فردوسی ـ تذکره منظوم بعضی صوفیه چشتی ـ چاپ لکهنو ۱۸۸۱م

۹۰ـ **گل فردوس** ـ تألیف امین احمد ثبات فردوسی ـ تذکره منظوم شرف الدین احمد و بعضی صوفیه دیگر ـ چاپ لکهنو ۱۸۸٤م

۹۱ـ **روضة النعیم** ـ تألیف امین احمد ثبات فردوسی ـ تذکره منظوم عبدالقادر وصوفیه دیگر چاپ لکهنو ۱۳۰۱ھ

۹۲ـ **معین الاولیا** ـ تألیف قاضی سید امام الدین حسن خان درذکر معین الدین چشتی اجمیری و جانشینان وی واولاد روحانی وی ـ چاپ اجمیر ۱۸۹٤م.

۹۳ـ **تحایف الابرار** ـ (یا تاریخ کبیر کشمیر موسوم به تحایف الابرار فی ذکر الاولیاء الاخیار) تألیف حاجی ابو محمد محی الدین مسکین کبروی حنفی نقشبندی آغاز در ۱۳۱۰ و اتمام در ۱۳۲۱ھ در ذکر صوفیه کشمیر در ده « تحفه » ـ چاپ امرتسر ۲ـ۱۳۲۱ھ

۹٤ـ **تذکرة المتقین** ـ تألیف مولوی سید محمد امیرحسن مداری منصوری بن سید شاه احون رئیس مکنپور درذکر شاه مدار وخلفای وی ودیگر اعضای سلسله وی تا زمان مؤلف ـ چاپ کانپور ج۱ در ۱۳۱۵ھ و ج۲ در ۳ـ۱۳۲۲ھ

۹۵ـ **انساب مشایخ کشمیر** ـ تألیف حدود ۱۱۲۸ھ در انساب صوفیه کشمیر و اسیاء واولیاء (استوری ج۱ ص۱۰۵۳)

۹۶ـ **عراس بزرگان** ـ درهند در حدود ۱۱٦۰ھ ترجمه ازعربی ـ در تاریخ

تولد ووفات صوفیه است (استوری ح۱ ص۱۰۵٤) .

۹۷- **ضیاءالقلوب** - تألیف عماداللّٰه فاروقی درسلسله‌های صوفیه - چاپ دهلی ۱۸۷۷م وکانپور ۱۳۱۵ه

۹۸- **حکایات‌الصالحین** - تألیف عثمان‌بن عمر معروف به کهف - ترحمه از عربی دربیست باب که هر کدام شامل ده حکایت است . چاپ لاهور ۱۲۹۸ه .

۹۹- **حکایات‌اولیاء صالحین** - (آصعیه ج۱ ص۳۱٦ ش٦۳۹) .

۱۰۰- **انتخاب تاریخ الاخیار** -تدکره سید محمد حوبپوری ومریدان وی (استوری ج۱ ص۱۰۵٦) .

۱۰۱- **کنزالانساب**- تألیف عدالرراق عطا حسیبی در سب نامه صوفیه و معاریف -چاپ ىمبئی۱۸۸۳م

۱۰۲- **کرامت‌الاولیاء** -(آصعیه ح ۱ ص٤٦۰ش ۷۰٦و۸۹٤ - استوری ح۱ ص۱۰۵۷)

۱۰۳- **خلاصة‌العارفین**- (آصعیه‌ج۱ص٤٦۰ش٤۱٦- استوری‌ج۱ص۱۰۵۷)

۱۰٤- **لمعة الشمس** تدکره منظوم شمس الدین تبریزی ونعمت الله ولی (آصعیه ح۲ص۸۵۰ش۵۰ واستوری‌ج۱ص۱۰۵۷)

۱۰۵- **مناقب‌اصفیاء** تألیف شاه شعیب‌فردوسی-تدکره صوفیه معروف -چاپ کلکته ۱۸۹۵م

۱۰٦- **مقولات‌اولیاءکرام**-تدکره‌محتصر صوفیه(نسحه. برلن۵۸۹واستوری ح۱ص۱۰۵۹)

۱۰۷- **مقولات اولیاء الله**-اقوال‌واحوال‌صوفیه (اته۱۸۹۵(۱) واستوری ح۱ص۱۰۵۹)

۱۰۸- **مشکوة‌النبوة**- تألیف سید علی دردکر صوفیه حیدر آباد و غیره - (استوری‌ح۱ص ۱۰۵۹)

۱۰۹- **مخبر الاولیاء-** تألیف رشیدالدیا موددو لالا چشتی در دکر صوفیه (استوری ح۱ ص۱۰۵۹)

۱۱۰-**مناجات خاکی-** تألیف حکیم قمرالدین سیالکوتی تدکره منظوم در نسب نامه نقشندی- چاپ لاهور ۱۹۱۱م

۱۱۱- **دست نامه شیخ زادگان-** درشجره بعضی صوفیه -چاپ لکهنو ۱۸۷۶ م

۱۱۲-**نوادر سفر-** تألیف فریدالدین درد کر ۲۲صوفی چشتی باشرح مزارات آنان (استوری ح۱ص۱۰۶۰)

۱۱۳-**روضة الابرار-** تألیف ابوالحسن محمدمعروف به محمدالدین قادری لاهوری چاپ جهلم ۱۳۰۲ه

۱۱۴-**روضة الاولیاء فی احوال اصفیا-** تألیف محمدحسین بن محمد رضا دردکر حضرت رسول وصوفیه نقشندی چاپ امرتسر ۱۳۳۳ه

۱۱۵-ر**ساله قطبیه عشقیه-** تدکره منظوم شیخ مهرعلیشاه وصوفیه چشتی. چاپ لاهور ۱۹۱۶م

۱۱۶- **ریاض النور-** معروف به گلزار سرور تألیف محمدامام الدین دردکر سال تولد ووفات فضلای اسلام مخصوصاً صوفیه کرام چاپ لاهور ۱۳۳۳ه

۱۱۷-**سالك طریقت-** دردکر مشایخ سلسله های مختلف صوفیه چاپ لکهنو ۱۳۳۰ه

۱۱۸-**شجره اولیاء نقشبندی-** تألیف حبیب الله نقشندی تدکره منظوم صوفیه نقشندی چاپ لدهیانه ۱۸۸۸م

۱۱۹-**شجره اولیاء طریقهٔ قادریه مجددیه-** تألیف محمد یوسف علی قادری شجره نامه منظوم قادریها تا محمد شیر پیر مؤلف چاپ آگره ۱۳۲۲ه

۱۲۰-**شجره چشتی وقادری وقلندری وصابری-** تألیف علام بهیك درشر ونظم نامدح مولوی قادر بخش سهارنپوری چاپ مرادآباد ۱۹۱۲م

۱۲۱ـ**شجره خاندان نقشبندیه و قادریه**ـ تالیف ابوالحسن صدیقی با نوتی شعر ـ چاپ آگره ۱۸۷۳م

۱۲۲ـ**شجره مبارکه چشتیه صابریه قدوسیه محددیه محمدیه وقادریه**ـ تألیف شاه حبیب الله تابی محب اللهی شعر. چاپ اله آباد ۱۹۲۶م

۱۲۳ـ**شجره قادریه**ـ تألیف رحیم بخش چاپ لاهور ۱۸۷۹م

۱۲۴ـ**شجره متبرکه منظومه**ـ درشجره سلسله قادری (بیر ربان پنجابی) شعر فارسی تألیف رحیم بخش فوق چاپ لاهور ۱۷۷۹م

۱۲۵ـ**شجره نقشبندیه** ـ تذکره منظوم تألیف سید امام علی ـ چاپ فاروقی پرس دهلی ۱۸۷۴ م

۱۲۶ـ**شجره قادری**ـ تذکره شاه مردان نثر و نظم تألیف غلام نبی چاپ لاهور ۱۳۳۰ه

۱۲۷ـ**شجره طیبه**ـ تألیف حسین الله عربوی درشجره بعضی سلسله های فرعی نقشبندی ـ چاپ لدهیانه ۱۹۲۳م

۱۲۸ـ **شجره طیبه خاندان چشتیه**ـ در شجره سلسله های فرعی چشتی یعنی نظامیه و صفوفیه وخادمیه وخلیلیه چاپ لکهنو ۱۹۲۰م

۱۲۹ـ**شجره طیبه قادریه**ـ در نسب نامه شاه علی محمد لاهوری. چاپ لاهور ۱۹۰۴م

۱۳۰ـ**شجره طیبه سلسله عالیة نقشبندیة** ـ تألیف(؟). چاپ لاهور ۱۸۸۹م

۱۳۱ـ**شجره طیبة سلسلة عالیة سهروردیة حضرت رفیقیة**. تذکره منظوم تألیف عبدالسلام رفیقی نورپوری درشجره صوفیه سلسله رفیقی. چاپ لاهور ۱۸۹۹م

۱۳۲ـ**تذکره سلاسل قادریة وچشتیة وغیره** تذکره منظوم تألیف محمد اسدالله خان ومحمد حفیظ الله چاپ چهجر ۱۸۹۷م

۱۳۳ـ**شجرة العارفین** تذکره مختصر منظوم خاندان شاه محمد رفیع الزمان اله آبادی تألیف محمدعلی الف چاپ اله آباد ۱۲۹۷ه

۱۳٤-**شمس الانساب** تألیف محمد معصوم شریف اصفهانی در شجره شیخ عبدالقادر جیلانی (استوری ح۱ص۱۰٦۳)

۱۳٥-**سلسلة عالية** تألیف‌عنایت حسین بن فتح‌الله با تکمله‌ها ازفیض‌محمد بن دلدار محمد درذکر مشایخ سلسله کسوه چاپ میرت ۱۳۰٦ هـ(در۱۹٦ص)

۱۳٦-**سلسله عالیه‌چشتیه فخریه‌نظامیه سلیمانیه** در شجره روحانی مؤلف شاه عبداللطیف‌جانشین‌محمد سلیمان چاپ لاهور ۱۸۷۰م

۱۳۷-**سلسله‌عالیه چشتیه فخریه‌نظامیه‌سلیمانیه‌لطیفیه** در شجره روحانی مؤلف شاه عبداللطیف جانشین محمد سلیمان چاپ تیره۱۹۱۷م

۱۳۸-**سلسلة‌قادرية** در شجره روحانی‌مؤلف عبدالحق‌شاه چاپ فیروزپور ۱۹۱۸م

۱۳۹- **سلسلة‌اللالی** تألیف معین الدین ثابت درشجره سلسله‌های نقشبندی وقادری‌وچشتی وسهروردی - چاپ‌لکهنو ۱۸۸۳م

۱٤۰-**شجره‌مشایخ صوفی کشمیر** تألیف(؟)(نسخه ایوانو کرزن۷۹-استوری ح۱ص۱۰٦٤) .

۱٤۱-**تذکره سلطانی** . تذکره منظوم سلطان العارفین حمزه مخدومی و اولادش تألیف ملا بهاءالدین کشمیری چاپ‌لاهور۱۹۳۳م

۱٤۲- **تذکرة‌المشایخ** درذکر بعضی مشایخ کبروی درویش (استوری‌ح۱ ص۱۰٦٤)

۱٤۳**تذکره خواجگان‌نقشبندیه**(نسخه‌پیشاور۱۰۱٥ واستوری‌ح۱ص۱۰٦٥)

۱٤٤ **تذکره صوفیه** تألیف رشکی بن دیوان مولال فلسفی (استوری ح ۱ ص۱۰٦٥)

۱٤٥- **ثمرات‌القدس** تألیف‌لال‌بیگ درذکرصوفیه مرد وزن غالباً ازسلسله چشتی (استوری ح۱ص۱۰٦٥)

۱٤٦ـ**تحفه اکملیه** تألیف محمد حسن بن حافظ ولی الله کبروی کشمیری در ذکر اکمل الدین بدخشی وجانشینان وی .چاپ لاهور ۱۳۵۰ه

۱٤۷ـ **تحفة الاولیاء تألیف** مولوی میر احمد شاه رضوانی پیشاوری در ذکر سید عبدالوهاب صابر معروف به اخون پنجو. چاپ لاهور ۱۳۲۱ه

۱٤۷ـ**فوایدالفواد** تالیف نجم الدین حسن بن علاءالدین سنجری (م۷۲۷ه) مجموعه ملفوظات شیخ نظام الدین اولیاء دهلوی (متوفی در ۷۲۵ه) که مؤلف دعرص ۱۵سال ترتیب داده است . درضمن مباحث صوفی اطلاعات کافی در باره شرح حال صوفیه قدیم سلسله چشتی آمده است . (نسخه ایوانو ش ۲۳۹وغیره).

۱٤۹ـ**رساله درسلاسل صوفیه** در شجره سلسله‌های صوفیه درهند (ایوانو ۱۷۷۲)

۱۵۰ـ**تذکرة الاولیاء** تألیف شیخ صیف(سیف) الدین محمد طبیعت .(سفینه هندی ص۱۲۸ درذیل نام صیف الدین محمد طبیعت)

۱۵۱ـ**تذکرة المعاد** تألیف محمد ثناءالله پانی پتی مجددی نقشبندی(متوفی در۱۲۲۵ ه) چاپ نولکشور لکهنو

۱۵۲ـ**تذکرة المحققین** تالیف تاج العلماء سید علی محمد بن سلطان العلما محمد نقوی نصیرآبادی لکهنوی چاپ هند

۱۵۳ ـ **تذکرة الموتی و القبور** تالیف مولوی محمد ثناء الله پانی پتی مجددی نقشبندی (متوفی در۱۲۲۵ ه ـ چاپ هند

۱۵٤ـ **تذکرة الابراروالاسرار** تالیف عبدالکریم بن مخدوم . چاپ دهلی ۱۳۰۹ه

۱۵۵ـ **تفریح الطالبین فی ارادت مولانا به شمس الدین** تالیف محمد افضل اله آبادی مؤلف شرحی بردیوان حافظ واسکندر نامه نظامی(بادلین ج۳ش۲٤۹۱)

۱۵٦ـ**تذکرة الاولیاء** تألیف حاج محمد کریم خان کرمانی چاپ بمبئی ۱۲۳۳ه

۱۵۷- **شجره طیبه** تألیف قمر الدین علی متخلص به‌مست پسر ساءالله متخلص به ثنا درذکر صوفیه سلسله قادری (نسخ بادلین ح۳ش ۲۴۹۷ وویتفیلد ش۵۲).

ب - تذکره های اولیاء وصوفیه‌که خارج از هند وپاکستان بفارسی تألیف شد است .

۱- **طبقات صوفیه عبدالله انصاری**(متوفی‌در۴۸۱ه) درذکر۱۲۰صوفی ازسه‌قرن اول‌هجری که‌اکثر مطالبش ازطبقات الصوفیین تألیف محمدبن‌الحسین السلمی(متوفی در ۴۱۲ه) گرفته شده است وبعد از مرگ شیخ عبدالله انصاری یکی از مریدان وی ترتیب داده است (نسخ خطی· بافد باشا ۴۲۶ ونور عثمانیه ۲۵۰۰وایوانو۲۳۴)

۲- **تذکرة الاولیا** تألیف شیخ فریدالدین عطار (متوفی ۶۲۸ هجری) در ذکر تقریباً ۷۰ صوفی باضمیمه دردکر ۲۰ صوفی . چاپ‌لیدن ولندن ۱۹۰۵ م و دهلی ۱۸۵۲م‌ولکهنو ۱۸۹۱ وتهران ۱۳۲۱ وبمبئی ۱۳۰۵ه ولاهور ۱۳۰۶ و۱۳۰۸ و۱۳۲۴ه (استوری ح۱ص۹۳۷)

۳-**تحفة المرشدین من‌حکایات الصالحین** ترجمه‌فارسی‌روضه‌الریاحین فی‌حکایات الصالحین دردکر۵۰صوفی) از جلال‌الدین محمدبن عادی کازرونی بایك ذیل در حال شیخ بواسحق کازرونی‌مرشد مؤلف .(نسخ‌خطی . دانشگاه‌لاهور وآیا صوفیا ۱۷۰۲)

۴-ترجمه(فارسی) **روضة‌الریاحین** از فضل‌الله جهان بن اسدالله الحسینی العربی السمنانی درزمان سلطان محمد قطب شاه (۱۰۲۰-۱۰۳۵ ه) (نسخه خطی اته۱۰۲۶)

۵-**ترجمه خلاصة المفاخر** یا ترجمه التکمله از یکی از مریدان شیخ جلال‌الدین بخاری بفرمایش مرشد.

۶ـ **مناقب العارفین** تألیف شمس الدین احمد افلاکی مرید جلال الدین عارف نوه جلال الدین رومی آغاز در ۷۱۸ واتمام در ۷۵۴ ه در ذکر جلال الدین رومی وغیره (استوری ج۱ ص۹۳۸)

۷ـ **خلاصة المناقب** تالیف احمد بن صمد از مریدان جلال الدین بخاری خلاصه ای از کتاب فوق تهیه کرده است (ایوانو ۲۴۱)

۸ـ **ثواقب المناقب اولیاء الله** تألیف عبدالوهاب بن جلال الدین محمد همدانی بسال ۹۴۷ه خلاصه ای از مناقب العارفین (شماره۶ فوق) (اته اندیا آفس ۶۳۱).

۹ـ **شیرازنامة** تألیف احمد بن ابی الخیر شیرازی بسال ۷۴۴ه در ذکر عرفای شیراز. (استوری ج۱ ص۹۳۷)

۱۰ـ **صفوة الصفا** تألیف توکلی بن اسماعیل بن حاجی اردبیلی معروف به ابن برار بسال ۷۵۹ ه در ذکر شیخ صفی الدین اسحق وپسرش صدرالدین موسی (استوری ج۱ ص۹۴۰)

۱۱ـ **تذکره صفوة الصفا** که ابوالفتح الحسینی بامر شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ـ۹۸۴ه) دوباره ترتیب داد وبقول ریو تنها مقدمه وخاتمه اضافه کرد. خاتمه آن مشتمل است بر ذکر اولاد صفی الدین تاشاه طهماسب (نسخ خطی ریو ج۱ ص۳۴۵ب و راون تکمله ۸۳۷ و مشهد ج۳ فصل ۱۴ ش۶۸)

۱۲ـ **کتاب ملازاده** یا رساله ملازاده تالیف احمد بن محمد معروف به معین الفقراء که درقرن نهم میزیسته است مشتمل است بر شرح حال معاریف مخصوصاً صوفیه که در بخارا مدفونند ـ نسخ خطی دانشگاه لنین گراد ۹۴۷ب و ۹۴۸ ـ و دانشگاه تاشکند سمونوف ۶۴ ومجلس ۲۲۵ و بخارا سمونوف ۹۲ . چاپ بخارا ۱۹۰۴م

۱۳ـ **تذکرة شیوخ بخارا** ـ ظاهراً همان تذکره فوق است تالیف احمد بن محمد (رجوع شود به المانی روزن ص۱۳)

۱۴ ـ **تذکره هزارمزار** . ترجمه فارسی شد الازار عن زوار المزار تالیف معین الدین ابوالقاسم جنید. ترجمه از عیسی بن جنید شیرازی متوفی بعد از ۷۹۱ه چاپ شیراز ۱۳۲۰ش.

۱۵ـ **نفحات الانس من حضرات القدس** تالیف نورالدین عبدالرحمن جامی (متوفی در ۸۹۸ه) درذکر قریب به ۵۶۷ صوفی (استوری ج۱ص۹۵٤)

۱۶ـ **مجالس العشاق** تالیف عبدالغازی سلطان حسین آغاز در ۹۰۸ ه و اتمام ۹۰۹ه درذکر ۷۶ صوفی(استوری ج۱ص۹۶۱)

۱۷ـ **رشحات عین الحیات** تالیف فخرالدین علی بن الحسین الواعظ کاشفی المشتهر به الصفی (متوفی در ۹۳۹ه)(استوری ج۱ص ۹۶٤)

۱۸و۱۹ **تذکرة اولیاء و سلسلة العارفین** دو تذکره تالیف محمد بن برهان-الدین سمرقندی معروف به محمد قاضی (متوفی در ۹۲۱ه) مرید خواجه عبیدالله احرار نقشبندی (استوری ج۱ص۹۶۷)

۲۰ـ **تاریخ سلسله نقشبندی** تالیف ابوالمحسن محمد باقر بن محمدعلی در ۹٤۷ه (استوری ج۱ص ۹۷۳)

۲۱ـ **روضة الجنان و جنة الجنان** تالیف حسین واعظ قزوینی تبریزی سال ۹۷۹ه(ایضاً ۹۷۵)

۲۲ـ **سلسلة نامة خواجگان نقشبند** تالیف نورالدین محمد بن حسین قزوینی درذکر شیوخ نقشبندی سال ۹۷۸ه(ایضاً ۹۷۵)

۲۳ـ **سعدیة** تالیف حسین بن میرحسین حسینی سرخسی سال ۹۸٤ه درذکر خواجه‌های جویبار(ایضاً ۹۷۶)

۲٤ـ **ریاض الاولیا** منسوب به معین الدین مبری در اواخر سده دهم درذکر انبیاء و اولیاء (ایضاً ۹۷۶)

۲۵ـ **تاریخ مزارات بلخ** تالیف محمدصالح بن امیر عبدالله در زمان عبدالمومن خان اوزبك (۱۰۰۶ه)

٢٦ـ**تاریخ‌مدفونین بلخ‌وحالات سمرقند** اسم مؤلف ندارد(ایضاً۹۸۹)

٢٧ـ**سراج السالکین و لطایف العارفین** تالیف‌عبیدالله نقشندی درذکر شیخ لطف‌الله چشتی (متوفی در۹۷۹ه) وصوفیه نقشندی (ایضاً۹۸۱)

٢٨ـ **روضة‌اطهار** تالیف محمد امیں حشری‌تبریزی‌بسال۱۰۱۱ه‌درفهرست صوفیه که درتبریز دفن شده اند چاپ‌تبریز۱۳۰۳ه

٦٩ـ**مطلب‌ا طالبین** تالیف ابی‌العباس محمدطالب درحدود۱۰۵٦ه‌درذکر شیوخ جویبار (استوری‌ج۱ص۱۰۰٤)

٣٠ـ**ثمرات المشایخ** تالیف سید زنده علی المفتی‌دراواخرقرن۱۲ه درذکر شیوخ آسیای‌مرکزی (ایضاً۱۰۱۲)

٣١ـ**سلسلة النسب الصفویه** تالیف شیخ حسین بن شیخ ابدال زاهدی بنام شاه سلیمان صفوی(۱۰۷۷ـ۱۱۵۵ه) درذکر صفی‌الدین اسحاق واولادوی.

٣٢ـ**تذکره خواجگان** یا تذکره‌عزیزان تالیف محمدصادق کاشغری‌بسال ۱۱۸۲ه(ایضاً۱۰۲٦)

٣٣ـ **مجمع المحققین** تالیف ملا محمد صادق یارکندی بسال ۱۲۰۸ ه درتاریخ‌خواجگان‌کاشغر(ایضاً۱۰۳۵)

٣٤ـ**ریاض‌الواصلین** یاتذکره واصلیں،تذکره منظوم که گرامی‌بفرمایش محمد رحیم خان‌خیوه(۱۲۲۱ـ۱۲٤۱ه) سال۱۲۲۹ هتالیف کرد (ایضاً۱۰۳۷)

٣٥ـ**آداب المسافرین** تالیف آقاتقی خوئی درذکر صوفیه(ایضاً۱۰٤۰).

٣٦ـ**ریاض‌العارفین** تالیف رضاقلیخان هدایت سال۱۲٦۰ه (ایضاً۱۰٤۰)

٣٧ـ **انیس الطالبین** تالیف محمدشاه محمود بن میرزا فاضل قراس‌میان سالهای۱۱۰۵و۱۱۲۵ ه درذکر صوفیه مخصوصا خواجه محمد عبدالله بن‌خواجه یحیی شادی سیره مخدوم اعظم (بادلین‌ح ۳ش۲٤۹٤).

٣٨ـ **مناقب‌اولیاءشریفی** تألیف‌شریف بن‌شریفی‌سال۱۰۰۵ه درذکرشیوخ

وصوفیه ترك مخصوصاً اجداد مؤلف بنام سلطان محمد سوم عنوان کرده است (فهرست کتابخانه شخصی براون ۱۳۵)

۳۹- **شمایل اتقیا** اسم مؤلف ندارد درذکر اولیاء وصوفیه (ایضاً ۱٤۰)

٤۰- **جامع المقامات** تالیف عبدالعباس بهاءالدین بن مخدوم اعظم. درذکر مخدوم اعظم مؤسس خاندان خواجه در ترکستان شرقی یادکرده است ومقامات و کرامات وی (بادلین ج۳ ص ۲٤۹۳)

٤۱- **تذکره اویسیه.** اسم مؤلف ندارد. در ذکر سلسله اویسیه (ایضاً ش ۲٤۹۷)

٤۲- **طرایق الحقایق** تالیف معصوم علی بن رحمت علی نعمت اللهی الشیرازی درتهران درصفر ۱۳۱۸ درذکر صوفیه وعرفای بعضی سلسله‌های صوفیه

٤۳- **اذکار الاذکیاء فی بیان مناقب المشایخ الطرق** (فهرست فارسی خدیو مصر. چاپ مصر ۱۳۰٦ ص ٤۹۸)

٤٤- **ترجمه تکمله کتاب روضة الریاحین فی حکایات الصالحین عبدالله الیافعی** - اسم مترجم معلوم نیست (نسخه ایضاً ۵۰۲)

٤۵- **مناقب مزارات بخارای شریف** (نسخه لنین گراد ۳۹۰- شاید = رساله مزارات بخارا شریف- نسخه پیشاور ۹۹۹ الف)

٤٦- **رساله بزرگان سمرقند** (بخارا سموبوف ۷۱)

٤۷- **سلسله عالیه** شجره خواجه عبیدالله احرار و خاندان وی تألیف عبدالحی بن ابوالفتح الحسینی از اولاد خواجه احرار - نسخه دانشگاه تاشکند ۷٤(۵)

٤۸- **طبقات مشایخ نقشبندیه بخارا**(نسخه دانشگاه لنین گراد ش ۸۵٤)

٤۹- **تاریخ اجداد وفرزندان واصحاب حضرت مولانا جلال الملة والدین محمد رومی** (نسخه لیدن ج۵ ص ۲۳۲ ش ۲٤٦۰)

۵۰ـ **فضایل بلخ** اصلا بسال ٦۱۰ھ بعربی تالیف شده بود وبعداً درسال ٦۷٦ھ کسی آنرا بفرمایش قاضی فخرالدین ابوبکر بفارسی ترجمه کرد که قسمت سوم آن درذکر ۷۰ شیخ بلخ و اطراف آنست (استوری ج۱ص۱۱۱۳)

۵۱ـ **شرح حال اولیا** (نسخه لینندریانا ص۱۱٦ش ۷۹۰)

۵۲ـ **تذکرة القبور** تالیف عبدالکریم بن حاج ملامهدی اصفهانی در ذکر عرفا وفضلائیکه در اصفهان مدفونند ـ چاپ اصفهان ۱۳۲٤ھ

۵۳ـ **تذکرة العارفین** تالیف هادی عرفانی فسائی

۵٤ـ **تذکرة الموحدین** تالیف شیخ جواد یزدی مقیم مشهد . چاپ ایران (باشعشعة الحسینیه دریك جلد)

۵۵ـ **تذکرة السالکین** تالیف حاج میرزا اردبیلی .چاپ تهران ابن سینا

۵٦ـ **تذکرة الاولیا** تالیف حاج شیخ علی چاپ باکو

۵۷ـ **تذکرة الاولیا** تالیف شمس الدین بن خسرو بن پرویز سلماسی پرویزی. چاپ تبریز ۱۳۳۳ھ

تذکرة الاولیا یا مزارات کرمان تألیف سعید محرابی کرمانی باهتمام کوهی کرمانی. چاپ تهران ۱۳۳۰ھ

۵۹ ـ **اسرار الابرار فی اخبار الاخیار** منتخب تذکرة الاولیا و تبصرة الاصفیا در ۸٤ باب .(نسخه موزه ایران باستان تهران ش۳۵۹۲ مورخه ۹۸۷ ھ وقف شاه عباس بر آستانه شیخ صفی دراردبیل در ۱۰۱۷ھ)

ضمیمه ششم

تذکرهٔ علما وفضلا وملوك وامرا وخطاطان وغیره که گاهی ذکر کسانی را که شعر میسرودند نیز شاملند

الف- تذکره علماو فضلاو غیره که در هند و پاکستان تألیف شده است

۱)- تذکرهٔ علماو فضلا

۱- **تحفة الکرام** تالیف میرعلی شیر قانع تتوی بسال ۸۱-۱۱۸۰ه

۲- **ارمغان احباب** تالیف شمس العلماء مولوی محمد حسین استاد میسیون کالج لاهور بسال ۱۸۹۰م/۱۳۰۸ه درذکر شعرا وملوك بترتیب الفبا چاپ لاهور ۱۸۹۰م و۱۹۱۸م

۳- **آینه حق نما** تألیف (؟) بسال ۱۲۳۱ه بنام غازی الدین حیدر شاه اود درذکرادباو فضلای شیعه مخصوصاً سیددلدارعلی واستادان وشاگردان وی وبعضی اشخاص دیگر که درلکهنو درزمان وی میزیسته‌اند. (نسخ خطی ایندیا آفیس دی پی ۱۲۵۹(b) آصفیه ج۲ص۱۳۳۰وج۳ص ۱۸۲و بانکی پور تکمله ثانی ش ۲۰۶۲)

۴- **مجمع النقول** تالیف محمدعلی بن حاجی حسن هندی مشتمل بر ذکر معاریف شیعه که تعزیه ساخته وبه کربلا رفته برای امام حسین آه ونکاه میکرده‌اند (نسخه : برلن ۱۰۲۰)

۵ــ**مجموعهٔ‌حیدر شکوه** تألیف میرزا محمد حیدر شکوه نتیجه محمد شاه (۶۱-۱۱۳۱ه) دروذکر علما وفضلای شیعه. (نسخه خطی. ایوانو تکمله ثانی ۹۳۰)

نجوم‌السمافی‌تراجم‌العلما تالیف مولوی محمد علی کشمیری الاصل ثم لکهوی بسال۱۲۸۶ ه بفرمایش سیدحامد حسین درسه«نجم» (یك نجم برای یك قرن) ویك خاتمه. این کتاب مشتملست بردکرعلما وادبای شیعه ازقرن۱۱و۱۲و ۱۳هجری چاپ‌لکهنو۱۳۰۳ه

۷ــ **میزان الاخلاق** تالیف سیدمحمد علی‌بن سیدجعفریزدی بسال۱۲۴۴ه درهند درشرح حال مؤلف ومدح دولت انگلیس وذکرمعاریف یزد

۸ــ**مظهر الاحدیه فی‌بیان الانساب السادات زیدیه** تالیف سید عبدالاحد ظفرآبادی شجره نامه سادات‌زیدی‌ظفرآباد(در ۳ میل جنوب شرقی جونپورهند) ازرمان آدم تازمان مؤلف .چاپ جونپور ۱۹۱۴

۹ــ**تذکره امروهه** تالیف سید مطاهرحسین امروهوی مدرس تاج المدارس امروهه درذکر علماوفضلای‌متقدم ومتاخر امروهه (اتمص۵۳۰والذریعه ج۴ص۳۷)

۱۰ــ**تذکره علمای‌هند** تالیف احمدعلی‌چاپ هند۱۸۹۴میلادی

۱۱ــ**مآثرالکرام** تالیف‌میرغلام‌علی‌آزاد بلگرامی‌بسال۱۱۶۶ه(ماده‌تاریخ: ختامه مسك) که جلد اول آن درذکر شیوخ‌وعلمای هندمخصوصاً بلگرام است . چاپ هند

۱۲ــ**قاموس المشاهیر** (ازمآخذمقالات الشعرا چاپ کراچی۱۹۵۷م)

۱۳ــ**ریاض الافکار** تالیف‌وزیرعلی عبرتی بسال۱۲۶۸ه درذکر نثرنگاران قرن۱۷و۱۸و۱۹م که بسیاری‌ازآنان شاعرهم بودند(رجوع شودبه آثار عبرتی‌در ذیل بحث درباره«معراج الخیال» درکتاب‌حاضر)

۱۴ــ**تذکره علما** تالیف‌خیرالدین محمداله‌آبادی (متوفی درحدود۱۸۲۷م) در۱۵جمادی‌الاول۱۳۱۶ه درذکر ۲۸نفر ازفضلا وعلمای جونپور . چاپ باترجمه انگلیسی‌در کلکته۱۹۳۴م

۱۵ـ**تجلی نور** معروف به تذکره مشاهیر جونپور تالیف سید نورالدین زیدی ظفرآبادی جونپوری در ۱۸۸۱م در ذکر صوفیه وادباء وشعرای جونپور چاپ جلد۱ . درجونپور ۱۸۸۹م وجلد۲ درجونپور ۱۹۰۰م

۱٦ـ**نخبة التواریخ** تالیف سیدمحمدآل حسن بن سیدنذیر احمد مودودی امروهوی درذکر صوفیه وفضلای امروهه درسال ۱۲۹٦ه دریک مقدمه وچهارباب و یک خاتمه . چاپ امروهه ۱۸۸۰م

۱۷ـ**شرایف عثمانی** تالیف غلام حسن شامی صدیقی فرشوری بلگرامی در ۱۱۷۹ ه درذکر معاریف بلگرام برای اصلاح اشتباهات مآثر الکرام آزاد بلگرامی (نسخه ۲۸۸ وغیره ـ استوری ج۱ص۱۱۱۵)

۱۸ـ**مرآت الاحوال جهان نما** تالیف احمدبن محمد علی اصفهانی بهبهانی درعظیم آباد بسال ۱۲۵۳ه وبنام محمد علیشان قاجار (پسر ارشد فتحعلیشاه متوفی در ۱۲۳۷ه) .(نسخ ریوج۱ ۱۳۸۵ وریوتکمله ۱۳۱ وبانکی پورج۷ص ٦۲۸ و بوهار ۹٦ واینديا آفیس دی پی ۷٤۸ وایندیا آفیس ۳۹٤۱ وایوانو ۲۷۸ وایوانو تکمله ثانی ۹۳۵ وآصفیه ج۱ص۲۵۳ ش۱۹۵ ونذیر احمد ۷۱)

۲ـتذکرة الامراء

۱ ـ**تذکرة الامراء** تالیف کیول رام بسال ۱۱۸٦ه درذکر امرائی که دردربار تیموریان هند اززمان اکبر تاعالمگیر شاه میرسیده اند در دو باب بترتیب در ذکر امرای مسلمان وهندو(نسخه ریوج۳ص۹۷۱ب)

۲ـ**ارشاد الوزراء** تالیف صدرالدین محمدبن زبردست خان درزمان محمدشاه (۱۱۳۱ـ۱۱٦۱ه) درذکر وزرای ایران[1] وهند(بعد از اسلام) (نسخه ناقص الآخر ریوج۱ص۳۳۸ب)

[1] ـ مؤلف فیثاغورث وسقراط وافلاطون و ارسطو وغیره را وزیر گشتاسپ وبهمن و همای ودارا وشاهان دیگر ایرانی نوشته است! !

۳ـ**مآثر الامرا**ـ(رحوع‌شودبه‌آثارصمصام‌الدوله‌درذیل‌بحث :درباره‌بهارستان سحن در کتاب‌حاصر)

۳)ـ **تذکره‌های سلاطین**

۱ـ**حدایق السلاطین** تالیف‌علی‌ں طیعور سطامی بسال۱۰۹۲ه[1]

۲ـ**حدیقة السلاطین** تالیف میرزا نظام الدین‌احمدشیرازی بسال۱۰۵٤ه[1]

۳ـ**بساطین‌السلاطین** تالیف میرزا ابراهیم ربیری[1]

٤ـ**تذکرة الملوك**تالیف میررفیع‌الدین ابراهیم شیرازی‌بسال۱۰۱۷ه[1]

٤)ـ **تذکره‌های خطاطان**

۱ـ**تذکره خوشنویسان** تالیف‌علام‌محمد هفت‌قلمی دهلوی(متوفی‌درحدود ۱۲۳۹ه) دردکر حطاطاں که اکثرشان شاعربوده‌اند چاپ کلکته۱۲۲۸ه‌باهتمام وتصحیح محمد هدایت حسں مدرس‌عربی وفارسی درپرسیدنسی‌کالج کلکته‌هند

۲ـ**مفتاح الحطوط** رصا علی‌شاه قادری درهندر ۱۲٤۹ه‌تالیف کرد.

ٮـ**تذکره علما وفضلا وغیره‌که خارج ازهند وپاکستان تالیف شده است**

۱)ـ**تذکره علما وفضلا وتاریخ‌ادبیات**

۱ـ**مجالس المومنین** تالیف قاصی نورالله شوشتری بسال۱۰۱۰ هـ مجلس ۱۲ومحلس‌آخرآن مشتملست بردکر شعرای فارسی چاپ‌تهران۱۲٦۸هو۱۲۹۹ ه (برای سح حطی رحوع‌شود به‌استوری‌ح ص۱۱۲۹)

۲ـ**تاریخ علما وشعرای‌گیلان** تالیف حسن شمس گیلانی. چاپ‌تهران‌سال ۱۳۲۷ش فصل۲درشرح‌حال‌علما وشعرا ونویسندگان گیلان وحاتمه دردکر بعضی ازشعرای‌قم

۳ـ**تجربة الاحراروتسلیة الابرار** تالیف‌عبدالرزاق بیگ دنبلی‌آذربایجانی محلص به‌مفتوں (متوفی در۱۲٤۳ه)

۱ـ ازمآحدکلام الملوك (اردو) تألیف میر سعادتعلی رصوی چاپ‌هندبسال۱۳۵۷ه

۴ـ**تذکره شمس التواریخ** تالیف اسدالدین محمود گلپایگانی ساکن اصفهان سال ۱۳۲۱ه درچهار رکن مشتمل بر ذکر فقها وحکما وعرفا وشعرا چاپ اصفهان (الذریعه ج۴ ص۳۸)

۵ـ**حدایق الجنان** تالیف عبدالرزاق بیگ دنبلی آذربایجان متخلص به مفتون (متوفی در ۱۲۴۳ه) درذکر سرگذشت مؤلف وتراجم احوال شعرا وفضلای معاصر شیراز وشمه‌ای ازاحوال کریمخان زند تاظهور آقا محمدخان قاجار.

۶ـ**سامی فی الاسامی** تالیف حشری تبریزی درشرح حال مشاهیر شعرا و علما وصلحای مدفون درتبریز و نواحی آن.(چاپ شده است)

۷ـ**قصص العلما** تالیف محمدبن سلیمان تنکابنی(متوفی در ۱۳۰۸ه) در ۱۷ رجب ۱۲۹۰ درذکر ۱۵۳ نفر ازعلمای شیعه چاپ تهران ۱۲۰۴و۹ ـ۱۳۰۸ و بمبئی یالکهنو ۱۳۰۶ وتبریز ۱۳۲۰ه.

۸ـ**آثار الشیعة الامامیه** تالیف عبدالعزیز جواهر کلام اصلا در ۲۰ جلد که ازآن ظاهراً تنها دوجلدچاپ شده است . ترجمه فارسی آن دردوجلد درمطبع مجلس تهران بسال ۱۳۴۲ه و ۱۳۰۷ش چاپ شده است

۹ـ**ملتمس الاحبا خالص من الریا** ترجمه فارسی شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار ـ (هزار مزار) که معین الدین ابوالقاسم جنیدی الشیرازی سال ۷۹۱ه بعربی تالیف کردوپسروی عیسی بن جنید الشیرازی آنرا بفارسی ترجمه کرد این کتاب درباره معاریفی است که درشیراز مدفون شد(نسخ ترجمه: ریو ج۱ ص۳٦۴ب ـ چاپ شیراز ۱۳۲۰ش

۱۰ **تحفة الاحباء فی تذکرة الاولیاو الشرفا** تالیف شیخ علی بن الحسین المدعوبه زین العابدین الگنجوی الصفوی سال ۱۲۹۱ه بنام ناصرالدین شاه قاجار درذکر ۳۱۸ تن ازفضلا ومشاهیرشعرای شهرهای مختلف ایران

۱۱ـ**رجال اصفهان یاتذکرة القبور** تالیف ملاعبدالکریم بن حاج ملامهدی گزی برخواری اصفهانی(متوفی در ۱۳۳۹ه)درشرح تکایا وقبورعلما وعرفاوشعراو

دانشمندان نامی واقع دراصفهان ومؤلف درضمن ترجمه مختصروآثارو اشعار آنان را هم آورده است. چاپ اصفهان ۱۳۶۹ه

۱۲-**ریحانةالادب** تالیف میرزا محمدعلی بن محمد طاهر تبریزی خیابانی معروف به‌مدرس (متوفی درسال۱۳۷۳ ه) در ذکر بزرگان ودانشمندان بترتیب الفبا چاپ درشش جلد درتهران ۱۳۳۵ش.

۱۳- **نامه دانشوران** تحت نظر جمعی مانند شمس العلما شیخ محمد مهدی عبدالرب آبادی (متوفی درحدود۱۳۱۶ه) واعتمادالسلطنه محمدحسن‌خان‌مراغه‌ای تهرانی ملقب به صنیع الملک (متوفی در ۱۳۱۳ه) و حاج میرزا ابوالفضل ساوجی (متوفی در۱۳۱۲ه) درذکر جمعی از فقها وادبا و شعرا واطبا وعرفا و فلاسفه و مردان نامی وآثارواشعارآنان بترتیب الفبا . ناتمام مانده وباشین «شاه نعمت‌الله ولی» پایان یافته است چاپ تهران درهفت‌جلددرسال۱۳۱۳ه‌تا۱۳۲۴ه(نیزرجوع شود به‌استوری‌ج۱ص۴-۱۱۷۳ که‌آنجا استوری نام این کتاب را «نامه دانشوران ناصری »ذکر کرده است)

۱۴-**دانشوران‌خراسان** تالیف غلامرضا ریاضی. چاپ‌تهران۱۳۳۶ش

۱۵-**حدیقة الاحباب فی‌ذکر المعروفین بالکنی والالقاب و الانساب** تالیف‌حاج شیخ عباس قمی سال۱۳۴۹ ه درذکر شعرا وفضلای شیعه وسنی متقدم ومتاخر بترتیب الفبا درسه باب چاپ نجف۱۳۴۹ه وتهران۱۳۲۹ش

۱۶-**وفیات معاصرین** تالیف میرزا محمدبن عبدالوهاب قزوینی در ذکر معاصرین (شعراوغیره) بترتیب الفبا درمجله«یادگار» که ازج۳تاج۵ش۱۰(بانعضی وقفه‌ها) جاری بود.

۱۷- **نثرفارسی معاصر** تالیف ایرج افشار در ذکر نویسندگان (و بعضی شعرا) بامنتخبات آثار منثورآنان چاپ‌تهران۱۳۳۰ش.

۱۸-**دانشمندان آذربایجان** تالیف محمد علیخان تربیت درذکرمعاریف آذربایجان مخصوصاً شعراوفضلای آنجا چاپ‌تهران۱۳۱۴ش.

۱۹-**تاریخ ادبیات ایران** تالیف استاد حلال‌الدین سنا همائی اصفهانی ازآعاز تارمان معول. چاپ تبریز۱۳۴۸ه دردوحلد.

۲۰-**مختصری درتاریخ تحول نظم و نثر پارسی** تالیف دکترذبیح‌اللهصفا چاپ تهران۱۳۳۷ش

۲۱-**تاریخ‌ادبیات‌ایران** تالیف دکتر رضا راده شفق چاپ تهران ۱۳۳۶-۱۳۳۷ش

۲۲- **تاریخ‌ادبیات‌ایران** تالیف دکتر دبیح‌اللهصفا حلد اول‌چاپ تهران در۱۳۳۳ش وج۲چاپ تهران در۱۳۳۶ش‌وح۳حاپ تهران در۱۳۴۱ش

۲۳-(ترحمه‌فارسی)**تاریخ‌ادبیات‌ایران**ادوارد‌براون‌حلداول ترحمه‌ار آقای علی پاشا صالح.چاپ وزارت فرهنگ تهران ۱۳۳۴ ش«وارسعدی تاجامی»ترحمه جلدسوم از اسناد علی‌اصعر حکمت . چاپ‌تهران در۱۳۲۷ش.

۲۴-**نجوم‌السماء** تالیف محمدصادق‌بن مهدی دراواخر قرن۱۳ه در زمان ناصرالدین‌شاه دردکر فقهای شیعه درعصر صعوی تا اواسط قاجاریه.

۲۵- **ریاض الصفافی مشاهیر الرجال والنساء** یا«صحایف‌العالم» یا«مرآت الحق» تالیف محمد مهدی فروع اصفهانی پسر محمد باقر بهحت اصفهانی که هردو از شعرای بیمه قرن۱۳ه بودند.مؤلف تا۱۲۸۵ ه درقیدحیات بود چون‌در آن سال وی کتاب تدکره مآثرالمعاصرین تالیف کرده ست . ریاض‌الصفا در تاریخ ارزمان آدم ودکر پیعمبران وشاهان وعارفان‌وفقیهان وقاصیان وادیبان وساعران (برگ۳۰۲-۳۲۲)وطریقان ونوازندگان وزنان‌نامدار و عیره میباشد. نسحه بحط مؤلف .فهرست‌اهدائی‌مشکوه ج۲ص۶-۵۸۴

۲۶- **تدکرة‌الاسامی** تألیف میررا آفندی (؟) سال ۹۵۷ه در دکر شاه اسعمیل صفوی وشعرا وعلماوررا و مشاهیر رمان وی . نسحه ۰ فهرست کتابخانه الحدیوالمصریه‌ص۵۰۱ .

۲۷ ـ **آثارالوزراء** تالیف سیف‌الدین حاحی بن نظام‌العقیلی بنام خواحه ‌ءوام الدین نظام الملك حوافی وریردر دو مساله ـ نسحه . ریو تکلمه ش ۱۰۱ ص‌٦٩ب).

۲۸ـ**شکوفه‌های‌ذوق‌وادب** تألیف ابوالحسن احتشامی در حدود ۱۳۳۷ ش دردکر بعضی استادان وشعرا ونویسندگان معروف معاصر ایران.چاپ در حدود ۱۳۲۷ش

۲۹ـ **داستان دوستان** یاتدکره ادبا وشعرای آذربایجان **تألیف**(؟)

۳۰ـ **تاریخ ادبیات‌ایران** محمدرصا دائی‌جواد چاپ تهران‌۱۳۳٦ش.

۳۱ـ(ترحمه)**تاریخ ادبیات‌هرمان** اته‌ارد کتر رصا راده شفق تهران ـچاپ سگاه‌توجمه ونشر کتاب‌۱۳۳۷ش

۳۲ـ**نخستین‌کنگره‌شعراونویسندگان ایران** چاپ انحمن فرهنگی ایران‌وشوروی تهران

۳۳ـ**تاریخ‌میرسیدشریف‌راقم** تالیف احوندملا شرف‌الدین معروف به‌علم اندجانی درقطعه های تاریخ راحع به‌ملوك وعرفاوفضلاوغیره که ار رمان **تولد** تیمور‌۷۳٦ه تا ۱۰٥٤ ه میریسته‌اند(استوری ح‌۱ص‌۳۸۷و۱۱۱٦)

۳٤ـ **بزرگان‌وسخن‌سرایان‌همدان** تالیف‌دکترمهدی‌درحشان‌ـحاپ‌تهران ۱۳٤۱ش

۳٥ـ **تدکره علمای‌اسلام یاستارگان فروران** تالیف یحیی نوری چاپ تهران ۱۳۳٤ش

تذکره های‌خطاطان

۱ ـ **امتحان الفضلایاتدکره‌خطاطین** تالیف میررا سنگلاح خراسانی سال ۱۲۹۱ه دررمان ناصرالدین‌ساه قاحار دردکر ۳٤نفراز مشاهیرخطاطین که اکثرشان شاعربوده‌اند چاپ‌تبریز۱۲۹۱ه

تذکره‌های سلاطین

۱ـ**تاریخ کلام الملوك** تالیف میرزا محمد یوسف لاهیجی در تاریخ واحوال سلاطین است (فهرست کتب فارسی کتابخانه حدیو مصر چاپ مصر ۱۳۰۶ ص ۵۰۰)

ضمیمه هفتم

کتب عمومی که‌ضمناً ذکرّ شعرای‌فارسی‌راهم‌دارد

الف. کتب عمومی که‌درهندو پاکستان تالیف شده‌است

۱ـ**تاریخ فرخ آبادی** تالیف سید ولی‌الله فرح آبادی مشتمل بر ذکر شعرا وعلمای فرخ‌آباد‌بسال۱۲۴۸ه نسخهٔ‌آن‌در کتابخانه‌رامپور هند موجوداست

۲ـ**صبح صادق** تالیف میرزا محمدصادق متخلص‌به‌صادقی‌زبیری اصفهانی آزادانی (عموی‌طاهر نصرآبادی‌مؤلف‌تذکره نصرآبادی) آغاز در۱۰۳۱ه و پایان در۱۰۴۸ه مشتمل برچهار مجلد این کتاب درتاریخ وجغرافی است‌ومجلدسوم آن درذکر معاریف ده‌قرن اول هجری است

۳ـ**مرآت‌العالم** تالیف شیخ محمد باقی سهارنپوری (متوفی در۱۰۹۴ه) بسال ۱۰۷۸ه که درتاریخ‌وجغرافی است وخاتمه آن درذکر شعرا وفضلای‌معاصر مؤلف است.

۴ـ **فرحت الناظرین** تالیف محمداسلم انصاری قادری بسال۱۱۸۴ه(بادلین ۱۱۹۴ه) خاتمه‌آن مشتمل‌است برجغرافی هند وذکر بعضی‌شیوخ وعلما و شعرای معـاصر شجاع‌الدوله

۵ـ**حدیقة الاقالیم** تالیف‌مرتضی‌حسین بلگرامی‌میان‌سالهای۱۱۹۲و۱۱۹۶ه

درتاریخ و جعرافی همف اقلیم محصوصاً هندوستان اس وضماً د کر بعصی شعرا و فضلا راهم شامل است .

٦ـ**جام جهان‌نما** تالیف مظفر حسین متحلص به‌وصفی و ملقب به مهارت حان‌بسال۱۱۸۰ه .دائرة المعارفی است‌درتاریخ وحعرافی وتاریخ طبیعی وفیریك واحلاق وسیاست ودستوروطب وغیره دردو حلد جلددوم آن درذ کر شعرای‌فارسی ازرمـان‌ا کبرتا۱۱۸۰ه استـ‌سخه‌ با‌نکی‌پور تکمله‌اول‌ص۱۰ش۱۷۵۲ه.

۷ـ**صحیفة الاعمال‌ومرآت‌الاحوال** تالیف عبدالعلی اسلام‌آبادی درتاریح اسلام‌آباد (چاتگاوں) وفضلای‌آنجا چاپ‌آ گره۱۸۸۹م

۸ـ**رساله سالار جنك** یا آبادی دهلی درشرح‌شهر دهلی وابنیه وغیره آن‌و مشایخ وشعرا وفصلای معاصر مؤلفـ‌نسخه ریوج ۲ص ۸۵۸ب وغیره بیر به‌رحوع شوداستوری‌ج۱ص۱۱۱۸

۹ـ**مرآت احمدی** تالیف علی محمد خان‌در ۱۱۷۵ه. حاتمه آں در د کر صوفیه وسادات مدفوں در احمدآباد ومضافات آں اس(استوری‌ح۱ص۳۱-۷۲۹ و ۱۱۱۲)

۱۰ـ**برهان الفتوح** تالیف محمد علی‌ں محمد صادق الحسینی نیشابوری نحفی برهانپوی در۱۱٤۸ه که باب۱۵آن ودرذکر صوفیه اس (استوری ح۱ص ۱۰۲۲)

۱۱ـ**چهار گلشن** تالیف رای‌چترمن در۱۱۳۷ه که گلشن چهارم آں دردکر صوفیه اسلام وهندو اس(استوری‌ج۱ص ۱۰۲٦)

بـ کتب عمومی که‌خارج ازهند تألیف شده‌است

۱ـ**چهار مقاله** تالیف‌نطامی‌عروصی سمرقندی درحدود۵۵۰ه چاپ‌تهران

۲ـ**بهارستان** تالیف حاج شیخ محمد حسین آیتی چاپ ۱۳۲۷ش باهتمام امیر معصوم حان‌حریمه درتاریح‌وحغرافی وتراحم رحال قایناب وقهستان‌درچهار

مقاله مقاله‌چهارم آن‌دردکر تراجم رحال‌وبزرگان‌قهستان‌وامراوورراوشعرا است.

۳ـ **تدکره شوشتر** تالیف‌سید عدالله‌جرایری‌متحلص‌به‌فقیر(متوفی‌در۱۱۷۳ه) بسال۱۱٦٤ه وسپس‌مؤلف‌در۱۱٦۹ ه‌لاحقه‌ای بآن‌اضافه کرد مشتمل‌است‌برتاریخ‌و تراجم‌عده‌ای ازعلماوسادات‌وشعرا ورجال وحکام شوشتر در٤٤ فصل .چاپ کللکته بسال۱۳٤۳ه تصحیح حان بهادر مولا بحش ومحمد هدایت‌حسین .

٤ـ**لطایف‌الطوایف** تالیف فحرالدین علی صفی بیهقی(متوفی در۹۳۹ه) . باب‌نهم آن‌مشتمل است‌برلطایف شعرا که مولف‌ضمناً شرح حال مختصری از بعضی شعرا نیز آورده‌است چاپ‌تهران۱۳۳٦ش‌باهتمام‌آقای احمد گلچین معـانی.

٥ـ**مطلع‌الشمس** تالیف محمد حسن خان مراغی ملقب به صنیع الدوله و اعتضادالسلطنه (متوفی‌درتهران‌بسال۱۸۹٦م):درد کرشهرهاوفضلا ومعاریف‌حراسان. چاپ‌تهران۳ـ۱۳۰۱

٦ـ**حقایق‌الانوار پارسی** تالیف عدالرراق دبلی آدربایجانی متحلص به‌مفتون(متوفی‌در۱۳٤۳ه) دردکر شعرای عرب وعجم وحل معضلات اشعار آنان‌و منشآت ومطارحات وفصاحت وبلاغت اقوال‌و سیاست ملوك وآداب وررا وغیره در ۲۳حدیقه

۷ـ**ریاض الجنه**تالیف میرراحسن‌حسینی ربوری‌متحلص‌به‌قانی بسال۱۲۱٦ه دریك مقدمه وهشت روضه ویك حاتمه ماسد دائرةالمعارفی است ار عهد مؤلف . روضه‌هـای رابع وخامس وسادس وسابع آن احتصاص دارد بدکر علما وحکماو وشعرا ووررا وآثار واشعارشان

۸ـ**آثارعجم** تالیف محمد نصیر میرزا فرصت حسینی شیرازی (متوفی در سال۱۳۳۹ه) بسال۳ـ۱۳۱۰ ه‌دردکر حعرافی وتاریخ وعرفا وحکما فصحا ومجتهدین فارس چاپ بمبئی۱۳۱٤ه‌و۱۳٥۳ه

۹ـ **عوالم الاسرار فی غرایب الاسفار** تالیف عبدالکریم بن محمود قاضی معروف به قاضی اختیار در شرح مسافرتهای مؤلف به نقاط مختلف ماوراءالنهر و خراسان باذکر صوفیه وشعرا وفضلا در بخارا در زمان مؤلف. آغاز تالیف در سال ۱۰۰۹ه — نسخه اته ۱۷۲۳ (استوری ج ۱ ص ۱۱۱۶)

ضمیمه هشتم

فهرست کتب تاریخ که در آن ضمناً ذکر شعراهم آمده است

الف-کتب تاریخ که درهندو پاکستان تألیف شده است

۱ -**تاریخ سلطان محمد قطب‌شاه** تالیف(؟) بسال۱۰۲۶[۱]ه

۲-**تاریخ قطب شاهی** تالیف قادرخان منشی بیدری بسال۱۲۴۵[۱]ه

۳-**گلشن ابراهیمی** (تاریخ فرشته) تالیف محمد قاسم فرشته هندوشاه استرآبادی بسال۱۰۱۵ه چاپ هند

۴-**طبقات اکبری** تالیف نظام‌الدین احمد هروی بسال ۲-۱۰۰۱ه مشتمل بر ذکر ۸۱ شاعر زمان اکبر شاه چاپ لکهنو ۱۸۷۰م و۱۸۷۵م و کلکته ۱۹۱۳م.

۵-**منتخب التواریخ** تالیف عبدالقادر بداونی مشتمل بر ذکر ۱۶۶ شاعر زمان اکبر شاه (جلدسوم درذکر علما وفقرا وشعرا). چاپ انجمن آسیائی بنگال کلکته

۶-**آئین اکبری** (اصلا دفترسوم اکبر نامه) تالیف شیخ ابوالفضل علامی. مشتمل بر پنج دفتر-دفتردوم آن درذکر فضلاوشعرای زمان اکبرشاه است. چاپ لکهنو ۱۸۶۹و۱۸۸۲و۱۸۹۳م و کلکته ۷۷-۱۸۶۷م.

۷-**اکبرنامه** تالیف ابوالفضل علامی. چاپ کلکته ۱۸۷۷م

۸-**مآثر رحیمی** تالیف ملاعبدالباقی نهاوندی تاریخ بیرم خان وعبدالرحیم خان خانخانان درسه جلد خاتمه جلد سوم مشتمل است برد کر ۱) ۳۱ نفر از علماو فضلا ۲) ۱۰۶ نفر ارشعرا ۳) ۴۸ نفر ارسپاهیان ومستندان هرطبقه وطایفه که حرو متوسلین ومنسلکین دربار عبدالرحیم خانخانان سپه‌سالار معروف اکبرشاه بودند. چاپ انجمن آسیائی بنگال ۱۹۳۱م

۹- **مفتاح التواریخ** تالیف تامس ولیم بیل درحدود ۱۲۶۵ه. چاپ نولکشور لکهنو بسال ۱۲۸۴ه

۱۰-**سیر المتأخرین** تالیف غلامحسین خان چاپ لکهنو ۱۸۶۶م/۱۲۸۳ه

۱۱**تاریخ صدر جهان**- تالیف ملك القضاة صدرجهان فیض الله بنبانی معاصر محمودشاه بیگاره سلطان گجرات (۸۶۳-۹۱۷ه)

۱۲- **جام جهان نما** تالیف محمدقدرت الله شوق صدیقی آغاز در ۱۱۹۱ه وپایان در ۱۱۹۹ه تاریخ عمومی است وخاتمه آن درذکر فضلا وعرفا وشعرا وغیره میباشد

۱۳- **مرآت آفتاب نما** تألیف نواب عبدالرحمن شاهنوازخان هاشمی دهلوی (متوفی در ۱۲۲۲ه) بسال ۱۲۱۸ه تاریخ عمومی است بادکر مفصل وقایع زمان شاه عالم وجغرافی وشرح حال شعرا وفضلا

۱۴- **زبدة الغرایب** تألیف محمد رضا نجم بن ابوالقاسم طباطبائی بسال ۱۲۳۱ه. تاریخ عمومی درپنج مجلد ومجلد پنجم آن درذکر فلاسفه وصوفیه و

۱۵- **یادگار بهادری** تألیف بهادرسنگه بن هزاری مل شاهجهان آبادی بسال ۱۲۴۹ه. تاریخ عمومی است درچهار «سانحه» وچند باب درذکر فضلا و شعرا و جغرافی وفنون وعلوم

۱۶- **تاریخ هندی** تألیف رستم علی شاه آبادی بسال ۱۱۵۴ه خاتمه آن

۱- ازمآخذ کلام الملوك (اردو) تالیف میر سعادت علی رضوی چاپ هند بسال ۱۳۵۷ه

درذکر شیوح وعلما وشعرای معاصر مؤلف است

۱۷ـ **تاریخ محمد شاهی یا نادرالزمانی** تألیف خوشحال چند بسال ۱۱۵۹ه.
مقاله دوم آن درد کر ۱۵۸ شاعر است که فهرست اسامی آنان در فهرست پرتش برلن آمده است

۱۸ـ **واقعات کشمیر** تألیف حواجه اعظم ـ آغاز در ۱۱۴۰ه و پایان ۱۱۶۰ه که صمناً ذکر اکثر عرفا وفضلا وشعرای کشمیر را هم دارد. چاپ هند.

۱۹ـ **برهان الفتوح** تألیف محمد علی بن محمد صادق حسینی نیشاپوری نحفی برهانپوری بسال ۱۱۴۸ه بنام نواب برهان الملك سعادت خان نیشاپوری حاکم اود. تاریخ مختصر باتوحه خاص سالها دریك مقدمه و۱۸ باب ویك حاتمه که حاتمه آن درذکر شعرا وفضلا است

۲۰ـ **مرآت الواردات** تألیف محمد شفیع وارد بن سید محمد شفیع بسال ۱۱۴۶ه تاریخ سلاطین تیموری هند تاسال شاردهم سلطنت محمد شاه (۱۱۴۶ه) درچهار طبقه ـ طبقه سوم آن درذکر شعرا ونویسندگان هند وستاست

۲۱ـ **عمل صالح** تألیف محمد صالح کسوه لاهوری بسال ۱۰۷۰ه تاریخ مفصل زمان شاهجهان که صمناً ذکر شعرا و فضلای زمان شاهجهان را هم دارد. چاپ هند

۲۲ـ **لب السیر وجهان نما** تألیف میررا ابوطالب خان طالب اصفهانی (مؤلف تذکره حلاصة الافکار) حلاصه تاریخ حهاست که وی بسال ۱۲۰۸ه بنام آصف الدوله حاکم اود تألیف کرده اسب درچهار باب وباب سوم آن درذکر مختصر شعرا و فضلای معروف اسب رحوع شود به بحث دربارهٔ تذکرهٔ خلاصة الافکار در کتاب حاصر

۲۳ـ **اویماق مغل** (معول) تألیف محمد عبدالقادر آقه باش قاحار ساکن سونگهر صلع مند سوره مالوه بسال ۱۳۱۹ه مشتمل است بر ذکر سلاطین وحواس معول وصمناً ذکر مختصر شعرا وعرفا وعلمارا نیز درذیل ذکر سلاطین معول آورده

است . چاپ هند ۱۳۱۹ﻫ

۲٤ـ **اقبالنامه جهانگیری** تألیف معتمدخان بخشی. چاپ کلکته ۱۸٦۵م

۲۵ـ **توزك بابری** یا بابرنامه تألیف بابرشاه وترحمه خانخانان بیرم‌خان. چاپ بمبئی ۱۳۰۸ﻫ .

۲٦ـ **توزك جهانگیری** تالیف جهانگیر شاه . در احوال زمان سلطنت جهانگیر شاه تا اواسط سال ۱۷ کـه جهانگیر شاه خودش نوشته است وپس ازآن معتمد خان بامر وی احوال تاریخی تااوایل سال ۱۹ سلطنت جهانگیر شاه نوشته وباصلاح جهانگیردرآورده‌است وسپس میرزامحمد هادی معتمدالخدمت احوال تاریخی تاآخرحیات جهانگیر را تکمیل کرد و دیباچه‌ای برآن افزود . چاپ لکهنو .

۲۷ـ **تحفة العالم** تالیف عبداللطیف ابـن ابـی طالب الحسینی الموسوی الشوشتری(متوفی‌درحیدرآباد دکن‌در۱۲۲۰ﻫ)بسال۱۲۱۹ﻫ درذکر۲۱شاعروفقیه چاپ بمبئی ۱۲٦۳ﻫ وحیدرآباد دکن ۱۲۹۷ﻫ .

۲۸ـ **مرآت الاحوال جهان‌نما** تالیف احمد بن محمد علی بهبهانی بسال ۱۲۲۵ﻫ درپتنه هند بنام محمد علی خان قاجار (پسر فتحعلیشاه) . تاریخ از زمان صفوی‌تازمان مؤلف درپنج مطلب ویك‌خاتمه‌ودکراجدادوخانواده مؤلف(مجلسی) را نیز دارد .

۲۹ـ **تاریخ‌معصومی** یاتاریخ‌سند تالیف‌میر معصوم‌نامی‌بهکری چاپ بمبئی ۱۹۳۸ م

۳۰ـ **هفت‌گلشن محمدشاهی**تالیف‌کامورخان‌درتاریخ‌هند که‌وقایع‌تاریخی تاسال۱۳۳۲ﻫ را دارد و گلشن هفتم‌آن درباره صوفیه است(استوری ج۱ص۱۰۱۵)

۳۱ـ**منتخب التواریخ‌خاکی**ـ میرزاحسن بیگ‌خاکی

۳۲ـ**تاریخ حسن** ـپیر غلام‌حسن کهویهامی ـحصه(قسمت) چهارم آن‌ذکر

۱۱۸- شاعرراشاملست -چاپ سرینگر بسال۱۹۶۰م باهتمام اداره **تحقیق و اشاعت** دوات حمون و کشمیر

۳۳-**طبقات ناصری**-منهاج الدین سراج بسال۶۵۸ه دردهلی-چاپ لاهور جلد اول بسال۱۳۲۸ش وجلددوم بسال۱۹۴۵م به‌تصحیح وتحشیه آقای عبدالحی حبیبی

۳۴-**تاریخ برنی یاتاریخ فیروزشاهی**- ضیاء الدین برنی - چاپ کلکته

۳۵-**تاریخ ملا خلیل مرجانپوری** -جلددوم آن دردکر شعرارا شاملست

۳۶- **تاریخ کبیر** ملا عبدالکبیرسرای بلی - چاپ سرینگر کشمیر .

۳۷-**منتخب التواریخ** - بیربل کاجوری -چاپ هند

ب- کتب تاریخ که خارج از هندو پاکستان تالیف شده است وذکر شعرا راهم دارد

۱- **راحة الصدور** تالیف نجم الدین ابو بکر محمد بن راوندی بسال ۵۹۹ه. چاپ تهران ۱۳۳۳ش

۲- **تاریخ گزیده** تالیف حمدالله مستوفی قروینی بسال۷۳۰ه . چاپ تهران ۱۳۳۹ش

۳- **حبیب السیر** تالیف عیاث الدین حواند میر (متوفی در۹۴۵ه) . چاپ تهران ۱۳۳۳ش

۴- **عالم آرای عباسی** تالیف اسکندر بیگ منشی شاه عباس بررگ. چاپ تهران ۱۳۳۵ش

۵- **ناسخ التواریخ** تالیف میررا تقی سپهر وعباسقلی سپهر . چـاپ تهران ۱۳۴۰ش

۶- **زینت التواریخ** تالیف میررا محمد رضا بنده تبریزی (متوفـی تهـران در۱۲۲۳ه) بسال ۱۲۲۱ه .تاریخ عمومی است که بامر فتحعلیشاه میرزا محمد رصا وعبدالکریم بن علی رصا تالیف کرده‌اند مشتمل برآغار ودوپیرایه پیرایه اول صمناً دکر انبیا وائمه وفصلا را هم دارد .

۷- **لب الالباب** تالیف حاجی محمدقلی قاجار گنجوی بسال ۱۰۹۷ه.خلاصه

تاریخ اسلام در۲۳ فصل است که فصل آخر آن شرح‌حال مختصر ۲۲۰ شاعرفارسی را دارد

۸ـ **بهجت المراد** تالیف شکرالله بن شهاب‌الـدین احمدالرومی (متوفـی در۸۹۴ه) معاصر سلطان مراد (۸۲۴ـ۸۵۵ه) تاریخ‌عمومی است تا جلوس سلطان محمدبن مراد (۸۵۵ه) درسیزده باب .

۹ـ **احسن‌التواریخ** تالیف حسن بیگ روملو بنام شاه اسمعیل ثانی (۹۸۴ـ ۹۸۵ه)ضمناً که ذکر مشاهیرعلماء و وزراء و شعرای زمان سلاطین صفوی و رومیه وچغتائی وازبکیه را نیز دارد چاپ‌کلکته ۱۹۳۱م .

۱۰ـ **جامع مفیدی** تالیف محمد مفید باقفی‌متوفی سال ۱۰۹۰ درتاریخ‌یزد است وذکر فضلا وشعرای یزد را هم دارد . نسخه خطی : کتابخانـه ملك تهران ۴۳۴۲ .چاپ‌تهران باهتمام کتابخانه اسدی

۱۱ـ **تاریخ یزد** تالیف عبدالحسین آیتی سال۱۳۱۷ه که‌ضمناً ذکر بسیاری از شعرا وفضلای یزد را هم دارد چاپ گلبهار یزد

۱۲ـ **ظفرنامه تیموری** تالیف شرف‌الدین علی یزدی (متوفی‌در۸۵۸ه)سال ۸۲۸ه . چاپ تهران ۱۳۴۱ش

۱۳ـ **مطلع السعدین**تالیف کمال‌الدین عبدالرزاق بن اسحق‌سمرقندی(متوفی در۸۸۷) چاپ لاهور

۱۴ـ **روضة‌الصفا** محمدبن‌خاوند شاه بن‌محمودمشهوربه میرخواند(متوفی در۹۰۳ه) درهفت‌جلد (جلدهفتم آنرا نواده دختری مؤلف غیاث‌الدین خواند میر مؤلف حبیب‌السیر افزوده است)

۱۵ـ **تاریخ مغول** تالیف‌مرحوم‌عباس‌اقبال که‌مولف‌در فصل نهم‌شرح‌حال بعضی مورخین وعلما وعرفا وحکما ونویسندگان وشعرا (ص۴۷۹ـ۵۵۴) آورده است . چاپ تهران ۱۳۴۱ش

۱۶ـ **المآثر والآثار** تالیف محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله ثم اعتمادالسلطنه

(متوفی‌درتهران۱۸۹۶م) بسال ۱۳۰۶ه درتاریخ چهل سال اول سلطنت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶٤ـ۱۳۱٤ه) . باب دهم آن درذکرشعرا ونویسندگان وفضلااست.

۱۷- **تاریخ ارسباران** تالیف سرهنگ بایوردی . صفحـه ۱۹۲تا۲۱٦ ذکر عرفا وعلما وشعرا واهل منبر وسادات ونویسندگان معاصر ارسباران دارد . چاپ تهران ۱۳٤۱ه

۱۸ و ۱۹ـ **تاریخ خان جهانی ومخزن افغانی** تالیف نعمت‌الله‌بن‌حبیب‌الله هروی سال ۱۰۲۱ه که خاتمه‌آن دکـر ٦۸ صوفی را دارد همچنین دفتر سوم خلاصه این کتاب بنام «محرن افعانی» بیزد کرصوفیه افغانی‌رادارد. (استوری ج۱ ص۹۸٤)

ضمیمه نهم

تذکرــ درفارسی بعضی کتابهائی اسب که نام آن با کلمه «تذکره» شروع میشود وبرحی دیگر نیز که نام آن با کلمه تذکره شروع نمیشود اما بعضی گاهی آنرا اشتباهاً حرو تذکره شعرا حساب کرده‌اند بنابراین در سطور دیل در این مورد توضیح لازم درباره اصل موصوع بعضی ازاین کتابها داده‌میشود .

الف ـ کتابهائی که نام آن‌با «تذکره» شروع می‌شود

۱ ـ **تذکره** تالیف علامه نصیرالدین طوسی مشمل بر بیسب فصل در «آعار وانجام»ـ چاپ دانشگاه تهران

۲ ـ **تذکرة الاخوان** تألیف سلیمان میرزا قاحار ـ چاپ تهران سال ۱۲۷۹ه در ۱۴۸ صفحه در رد برتصوف است

۳ ـ **تذکره شاه‌طهماسب صفوی** تالیف شاه طهماسب بن اسمعیل صفوی درسر گذشت خودازابتدای جلوس (۱۹رجب ۹۳۰ه) تارمان تالیف (؟)ـ چاپ برلن چاپخانه کاویانی ۲۵ محرم ۱۳۴۳ه .

٤ ـ **تذکره همایون و اکبر** تألیف بایزیدبیات سال ۹۹۹ ه نامر اکبر شاه در ذکر وقایع تاریخی زمان همایون‌شاه و اکبرشاه از ۹۴۹ تا ۹۹۹ ه ـ چاپ کلکته ۱۳۶۰ ه .

۵ـ **تذکره عدری** یا تذکره اسحق مجموعه اشعاریست از شعرای متقدم و متاخر که اسحق بیگ عدری بیگدلی برادر آذر بیگدلی جمع آوری نموده است ـ نسخه: سپه سالار تهران و ملك تهران ۳۷۹۴

۶ـ **تذکره صائب** تألیف میرزا صائب اصفهانی ـ بیاض اشعاریست .

۷ـ **تذکرة الخوانین** تألیف میردوستی[1] بسال ۹۵۵ در ذکر اشعار ۲۴۰ شاعر که اکثرشان هم عصر یا قریب العصر مولف بودند و در وزن و قافیه واحد و مشترك اشعاری سروده‌اند بردیف حروف الفبا ـ نسخه مرکزی ۲۴۳۱

۸ـ **تذکره کبودالشعرا** تألیف صدرالدین محمد بهبهانی در قرن ۱۱ ه اشعار شعرا را از روی مضامین و موضوعات و معانی خاصی آورده است

۹ـ **تذکره الهی** تألیف ابوالحسن صاحب فرید آبادی ـ چاپ نولکشور لکهنو ۱۸۹۸ م /۱۳۱۶ ه ملفوظات شاه مظفر علی اکبر آبادی است

۱۰ـ **تذکرة العاشقین** دیوان عزل تقی اوحدی (رجوع شود به آثار تقی اوحدی در ذیل بحث در باره عرفات العاشقین در این کتاب)

۱۱ـ **تذکرة العاشقین** دیوان شعر شیخ حزین ـ چاپ لکهنو ۱۸۷۶م/۱۲۹۳ه .

۱۲ **تذکره نصرت یا خلاصه لطایف الخیال** مجموعه اشعار شعرای متقدم و متاخر و معاصر مولف است که امیر محمد صالح رضوی ملقب به صدر الممالك بسال ۱۱۰۴ ه ترتیب داده است و محمد نصیر نصرت مقدمه‌ای بر آن افزوده است ـ نسخ خطی محلس ۱۱۷۰ و سپهسالار ۲۷۳۰ و ملك تهران ۴۱۳۱ و مرکزی تهران س ۳۹۵۱ و نیز رجوع شود به سپهسالار س ۱۱۲۲

۱۳ـ **تذکره خاور** مجموعه اشعار شعرای متقدم و متاخر است بترتیب الفبا که حیدر قلی میرزا متخلص به خاور در قرن ۱۳ ه از قصیده و غزل ترتیب داده است نسخه ملك ۴۳۰۰

۱ـ برای شرح حال میردوستی رجوع شود به میخانه چاپ تهران ص ۲ ـ ۶۶۱ در ذیل نام دوستی سمرقندی

۱٤ـ **تذکره خاوری** تألیف فضل‌اله حسینی خاوری شیرازی کتابیست درعروض وقوافی وغیره که مولف درقرن ۱۳ ه تالیف نموده است ـ نسخه ملک ۲۸۷۵ .

۱۵ـ **تذکره تاریخی** تألیف‌میرزا فضل‌اله وزیرنظام‌نوری (۱۲۱۳ـ۱۲۸۹ه) بسال ۱۲۸۰ ه در تاریخ آغارکار خاندان قاجار است نسخه دانشکده ادبیات ش۸۹ ـ ح

۱٦ـ **تذکره‌مآثرالمعاصرین** موسوم به « مجموعة الجواهر» تالیف محمد مهدی فروغ اصفهانی بسال ۱۲۸۵ ه دردکرشرح حال و منشآت قایم مقام‌فراهانی و منتخبی از آثار متقدمین و معاصرین و حکایات و لطایف بزبان عربی و فارسی است ـ نسخه مرکزی تهران ۳۲۰۷ در ۳۰۸ ص

ب ـ کتبی که نام آن با تذکره شروع نمیشود ·

۱ـ **مجمع‌الشعرا** تألیف‌کاتب‌الملک متخلص به دوری سال (؟) مجموعهٔ اشعاریست از ٤٥٦ شاعر که مولف برای حمیده بانو مادر اکبر شاه ترتیب داده است نسخه بخط مولف مرکزی تهران ش ۲٤٤۸ .

۲ـ **آسمان‌سخن** تالیف‌لطف‌الله محمد مهندس‌بن احمد معاصر اورنگ زیب شاه (۱۰٦۸ـ۱۱۱۹ ه)ـخلاصه‌تذکرةالشعراء دولتشاه سمرقندی است حاوی‌اشعار ۲۵۰ شاعرکه اصلا فیضی کرمانی در زمان اکبر شاه ترتیب داده بود

۳ـ **انیس العشاق** تألیف حسن‌بن محمد رامی در ذکر اشعاری در اوصاف حسن در ۱۹ باب مؤلف این کتاب را درزمان معزالدین ابوالفتح شیخ اویس بهادر خان ترتیب‌داده است نسخه مرکزی ش۳۰۳٤

٤ـ **مضامین‌الشعرا** تألیف مولانا محمد رضا بن محمد جعفر مجموعه اشعاریست از ٤٥۰ شاعرکه متجاوز از صد نفر آنها معاصر مولف بودند که مولف تحت عناوین مختلف آورده است؛ نسخه ناقص الاول ظاهراً بخط مؤلف مرکزی تهران ش ۲۵۰٤

۵ ـ **بوستان خیال** تالیف بکتاش قلی متخلص به ابدالرومی ـ مجموعه اشعار شعرائی است که مؤلف دررجب ۱۲۲۵ ه (یا سال ۹۵۰؟) دراصفهان ترتیب داده است ـ سخه طاهراً بحط مولف مرکزی تهران ۴۱۹۹ ـ چاپ هند

۶ـ **انیس الشعرا** تألیف علی اکبر متخلص به افسر (م ۱۲۶۲ ه) ـ کتابی درعلم عروض و قافیه است ـ سخه مرکزی تهران ۳۵۴۰) .

۷ ـ **منتخب لباب** تألیف محمد هاشم علی خان معروف به خوافی حان ـ تاریخ تیموریان هنداست ار بابر تامحمد شاه ـ سحه اندیا آفس ج۲ ش۳۰۱۳ .

۸ـ **بیان محمود** مجموعه اشعاریست که محمودمیررا پسر فتحعلیشاه قاحار ار غزلیات شعرای بیمه اول قرن ۱۳ هجری انتخاب نموده است ـ نسحه . مجلس ح۳ ش ۸۹

۹ ـ **شاهد صادق** تألیف میررا محمد صادق اصفهانی مولف صبح صادق (م ۱۰۶۱ ه) حد مىرزا طاهر نصرآبادی در حدود سال ۱۰۵۶ ه در پنج باب ویك پایان نامه بوشته اسب و مانند دائرةالمعارفی اسب که هر باب آن دارای چندفصل است ومؤلف در باب سوم فصل ۴۴ درباره شعر وشاعران وصله شاعران مختصراً بحث کرده است

۱۰ـ **مجموعه شعرا** مجموعه اشعار قریب ۶۸۶ شاعر اسب که سراح الدین حسینی اورنگ آبادی سال ۱۱۶۹ ه ترتیب داده اسب سح اته ۶۹۱ واشپرنگر ص ۱۴۸ .

۱۱ـ **دریای گوهر** (حلدسوم) تألیف دکترمهدی حمیدی شیرازی ـ مجموعه اشعاریست ار شعرای معاصر (چاپ تهران میرکبیر ۱۳۳۴ ش)

۱۲ـ **منتخبات آثار** تألیف محمد ضیاء هشترودی مشتملست بر منتخبات آثار نثر ونظم ادباء و در نام هر نفر بجای شرح حال وی مختصات شعر ونثر ونظر خود را درباره وی ذکر نموده است ـ چاپ تهران ۱۳۴۳ ه

۱۳ـ **شعر فارسی در عهد شاهرخ** تألیف دکتر یار شاطر بحث عمومی د

باره وصع‌سیاسی وادبی درعهد شاهرخ را دارد وشرح حال شعراء را ندارد . چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۴ ش

۱۴ـ **گلستان مسرت** یاحدایق المعانی تألیف محمدخان‌مصطفی بسال۱۲۶۱ه ـ مجموعه اشعاریست در پنج حدیقه ـ چاپ مطبع مصطفائی هند

۱۵ـ **گلدسته نشاط** تألیف منولال بعهد حارج آکلند سال ۱۲۵۲ه مطابق ۱۸۳۶م مجموعه اشعاریست ار شعرای متقدم‌و متاخر بزبان فارسی و هندی(اردو) درهفت گلدسته درذیل عناوین مختلف .

۱۶ـ **بزم ایران** تألیف حاجی سید محمد رضا طباطبائی‌یزدی ـ چاپ‌نظامی پرس لکهنو ۱۳۴۵ ه درباب سوم آن اشعار شعرای مختلف « برای استشهاد در بزم آرائی » بترتیب حروف تهجی آمده است .

اضافـات

بر گزیده از پارسی سرایان کشمیر

ابتدا «شعر فارسی در هند موضوعیست حالب وارچند سال قبل در ایران واروپا مورد علاقه وتحقیق دانشمندان قرار گرفته است »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف دکتر گردهاری لال تیکواست. وی بسال ۱۹۲۵م در کشمیر متولد شد وفوق لیسانس حودرا درپاکستان وهند در ادبیات فارسی بپایان رساندودرسال ۱۹۶۰م. دکترای ادبیات فارسی رااردانشکده ادبیات دانشگاه تهران گرفت در دوران خدمت خود در وزارت حارجه هند گفته‌های بودا وچندین مقاله درباره تصوف وهمچنین منتخبی ار آثار راسدربات تاگور را ار انگلیسی بفارسی ترجمه کرد

وی ازاعضای مؤسس انحمن ایران وهند وعضوانحمن شرق شناسی امریکاو انحمن آسیائی بنگال است واکنون دردانشگاه کالیفرنیا (لوس انجلس) بتدریس زبان‌های فارسی وارد واشتغال دارد.

غیراز «بر گریده ازپارسی سرایان کشمیر» کتاب مورد بحث، دیوان محسن فانی (م ۱۰۸۲ه) نیز بسال ۱۳۴۲ش، به تصحیح وتحشیه دکتر تیکوارطرف انحمن ایران وهندتهران بچاپ رسیده است

مؤلف این کتاب را بسال ۱۳۴۲ش. تألیف وچاپ کرده است

درذیل شرح حال شعرا مؤلف اسم کتابهای زیر را آورده است که در تالیف این کتاب از آن استفاده کرده است.

۱ـ تاریخ حسن ـ حسن کویهامی جلدسوم وچهارم ـ چاپ سرینگر کشمیر

۲ـ واقعات کشمیر ـ محمداعظم دیده مری ـ چاپ کشمیر

۳ـ تصوف در کشمیر در قرون ۱٤ و ۱۵ ـ مقاله مؤلف که در شماره مورخ ژوئیه ۱۹۶۳م درمجله دنیای اسلام (انگلیسی) چاپ امریکا چاپ شده است

٤ـ مخبر الاسرار ـ حافظ قادری چاپ لاهور

۵ـ اکبر نامه ابوالفضل چاپ کلکته ۱۹۲۹م

٦ـ منتخب التواریخ ـ عبدالقادر بداونی

۷ـ فتحات کبرویه ـ نسخه خطی متعلق بکتابخانه تحقیق کشمیر

۸ـ تحفه اشرفیه ـ محمدحسن ـ چاپ لاهور ۱۳۵۲ه

۹ـ دیوان حبی ـ میر حبیب الله کامل چاپ کشمیر ۱۳۸۱ه

۱۰ـ مقدمه دیوان غنی ازمحمد علی ماهر چاپ لکهنو ۱۹۳۱م

۱۱ـ تذکره نصر آبادی

۱۲ـ شمع انجمن

۱۳ـ مرآت الخیال

۱٤ـ کلمات الشعرا

۱۵ـ دیوان فانی بتصحیح وتحشیه دکتر تیکو (مؤلف) چاپ تهران ۱۳٤۲ش

۱٦ـ مقدمه ترجمه انگلیسی «دبستان مذاهب» چاپ پاریس ۱۸٤۳م

۱۷ـ کاتالوگ کتب انجمن آسیائی بنگال تألیف ایوانو

۱۸ـ تحفة الاکملیه چاپ لاهور ۱۳۵۰ه

۱۹ـ بحر العرفان چاپ کشمیر ۱۳۸۱ه

۲۰ـ تاریخ ملاخلیل مرجانپوری

۲۱ـ خوارق السالکین ـ احمدبن الصبور کشمیری

۲۲- کلام‌صادق - چاپ آکادمی‌هند و فرهنگ و زبان‌های کشمیر ۱۹۶۰م.

۲۳- کلیات حویا چاپ لاهور ۱۹۶۰ م با مقدمه پروفسور محمد باقر استاد دانشگاه پنجاب

۲٤- نظری به‌جویا- چاپ لاهور ۱۹٥٤ ش

۲٥- ایران‌صغیر چاپ‌تهران ۱۹٤٥ش(۱۳۳٥ش.)

۲٦- نتایج الافکار- چاپ‌بمبئی

۲۷-منتخب‌التواریخ باتاریخ‌بیر بل کاچرو

۲۸- آتشکده

۲۹- ریاض‌الشعرا

۳۰- کشمیر- غلام محمدصوفی- چاپ‌لاهور ۱۹٤۹م

۳۱- پندیت کشمیری-آنند کول

۳۲- بهار گلشن کشمیر- چاپ‌لکهنو ۱۹۳۲م

۳۳- پارسان نامه - چاپ کشمیر

۳٤- شعرالعجم - شبلی نعمانی

این کتاب با ذکر «محمدامین اویسی» شروع شده با ذکر «بیر بل کاچرو وارسته» تمام میشود وروی‌هم‌رفته ذکر ۱۹تن از گویندگان پارسی گوی کشمیر را شاملست درپایان کتاب مؤلف یك قصیده فیضی ویك مثنوی ترجمه‌از «مها بهارتا» بوسیلهٔ اوم سری گنیشای نمه را آورده‌است

درمقدمه کتاب مؤلف درباره تاریخ واهمیت و انواع و مختصات شعر فارسی در کشمیر بتفصیل بحث کرده‌است وهمچنین به‌ورود کلمات‌فارسی بر بان‌محلی کشمیر و بعضی اصطلاحات زبان کشمیری و سنسکریت بر بان فارسی در آثار شعرای کشمیر اشاره کرده‌است

مؤلف درذیل‌نام هرشاعرشرح حال‌اورا باختصاراما بطورجامع آورده‌وسعی کرده‌است سال تولد وفوت هرشاعررامخصوصاً ذکر نماید همچنین اسم آثارا کثر

شعرا را بیان کرده ودرپایان مقال اسم کتابهائی که اطلاعات بیشتر درباره شاعرمورد بحث دارند نیز ذکر کرده است

مؤلف گاهی درباره بعضی اصطلاحات محلی و کلمات سنسکریت واسامی رجال که درضمن شرح حال یا آثار بعضی شعرا آمده است درحاشیه کتاب توضیح داده است

مؤلف درمقدمه توضیح داده است که یادداشتهائی را که درباره ساطع ومشتاق دوشاعرغزلسرای قرن ۱۸م کشمیر تهیه کرده بوددرموقع مراجعت از کشمیر بتهران درراه گم کرده وبنابراین نتوانست آنها رادراین کتاب بچاپ برساند.

مؤلف اشعار شعرا رانیز مفصل آورده است وسعی کرده است منتخبات آنان را از انواع شعرمانند غزل ومثنوی وترجیع بندورباعی وغیره نقل کند

رویهمرفته این کتاب اطلاعات مفیدی رادرباره شعرای کشمیر بهم میرساندوهمچنین منتخبات آثار خوبی از آنان را شاملست اما معلوم نیست چرا مؤلف ذکر تنها ۱۹ شاعررا دراین کتاب آورده است درصورتیکه تنها تاریخ حسن حصه (قسمت) چهارم ذکر ۱۱۸ شاعر کشمیررا آورده است واین کتاب جزومآخذ کتاب مورد بحث میباشد .

مؤلف فهرست منابع ومآخذ کتاب خودرا یکجاذکر نکرده است و همچنین باوجوداینکه سرتاسراین کتاب چندین غلط چاپی بچشم میخورد غلط نامه‌ای برای این کتاب تهیه نکرده است

دربعضی موارد دراین کتاب غلطهای املائی وغیره نیز بچشم میخورد کـه در سطورذیل به بعضی از آنها اشاره میشود تادرموقع تجدید چاپ بوسیله مؤلف اصلاح گردد

هردواین آثار بجای این هردواثر (حاشیه ۲ صفحه پ)

برای اطلاع بیشتررجوع شود بجای برای اطلاع بیشتررجوع شودبه (ص۱)

برای اطلاع بیشتربه مآخذذیل رجوع شودبجای برای اطلاع بیشتر بمآخذ ذیل رجوع شود (ص۹)

مهمترین مآخذ موحود در باره‌حیات وشعر اوعبارتست‌از بجای مهمترین‌مآخذ یامآخذ مهم (ص۳٦)

آثارمنظوم وی‌دیوانی‌اسب‌بجای‌ارجمله آثارمنظوم وی‌یااثر منظوم‌وی(ص۷۵)

متأسفانه یادداشتهای کـه نگارنده ار آنها کرده بود گم شده بجـای متأسفانه یادداشتهائی که نگارنده ارآنهاتهیه کرده‌بود گم شده‌است(ص۱۲۱)

زوحه هنگام سوزانده شدن جسد شوهر باید حود رانیر درهمان آتش میسوزاند بجای زوحه هنگام سوزاندن جسدشوهر موطف بود حودرا نیر درهمان آتش‌سوزاند (ص۱۷۳)

چاپ - تهران درشهریور ۱۳٤۲ ش ار طرف انجمن ایران و هند تهران- صرفنطر ار غلطهـای چاپی که در این کتاب فراواست چاپ خوبی است و مؤلف پنج‌عکس‌ازمقبره‌های شعرا وچهـارعکس ارنمونه‌های خط‌شعرا ویك‌عکس‌ازسردر مقبره بدخشی را نیر دراین کتاب‌آورده است

برای **شرح حال** مؤلف رجوع‌شود به‌هامش‌درپـایان‌دیوان محسن‌فانی‌چاپ تهران بسـال ۱۳٤۲ش بتصحیح وتحشیه دکتر تیکو

فهرست اسامی شعرا

۱ـ ویس ۲ـ صرفی ۳ـ حبی ٤ـ عبی ٥ـ فانی ٦ـ اکمل ۷ـ طیب ۸ـ صادق ۹ـ حویا۱۰ـسالم ۱۱ـآذر ۱۲ـ بلبل۱۳ـ توفیق ۱٤ـبینش۱٥ـ شایق ۱٦ـتیکو ۱۷ـ خوشدل ۱۸ـ حمید ۱۹ـ وارسته .

فهرست منابع

الف- کتب فارسی

۱- آتشکده تالیف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی چاپ تهران ۱۳۳۷ه باهتمام دکتر جعفر شهیدی

۲- **آتشکده** تالیف لطف‌علی بیگ آذر بیگدلی **چاپ** تهران ۴۰ - ۱۳۳۵ه (سه‌جلد) بتصحیح و تحشیه دکتر حسن سادات ناصری

۳- **آئین اکبری** تالیف ابوالفضل علامی **چاپ** نولکشور لکهنو ۱۸۹۳م- ۱۳۱۰ه

۴- **اختر تابان** تالیف ابوالقاسم محتشم **چاپ** بهوپال ۱۲۹۹ه

۵- **اشارات بینش** تالیف سید مرتضی بینش **چاپ** مدراس ۱۲۶۸ه.

۶- **اکبر نامه** تالیف ابوالفضل علامی **چاپ** کلکته ۱۸۷۷م.

۷- **انیس الاحبا** تالیف موهن لعل انیس **نسخه خطی** دانشگاه لاهور و محلس تهران (= کتابخانه شخصی استاد سعید نفیسی)

۸- **انیس العاشقین** تألیف کنوردتی سنگه‌زخمی **نسخه خطی** دانشگاه لاهور وعکسهای نسخه خطی کتابخانه ماتاپرشاد که دردانشگاه لاهور موجود است.

۹- **باغ گلهای حسن** رجوع شود به‌مجموعه عشق شماره ۱۳۷ در سطور ذیل.

۱۰- **باغ معانی** تألیف نقش‌علی **نسخه خطی** بانکی پور ج۸ ش۶۹۸

۱۱ـ **بحر دخار ـ نسخه خطی** موزه بریتانیا فهرست ریو ج۳ ص۹۷۶ب

۱۲ـ **بزم آرای** تالیف علی بن محمود الحسینی **نسخه خطی** ریو دیل ش۱۰۶ ص۱۷۳الف.

۱۳ـ **بهارستان سخن** تالیف میر عبدالرزاق شاهنوازخان صمصام الدوله **چاپ** مدراس ۱۹۵۸م.

۱۴ـ **بیاض شماره ۲۴۷** مجلس تهران بخط محمد صالح برادرزاده اسکندر بیگ منشی مولف تاریخ عالم آرای عباسی

۱۵ـ **پادشاه نامه** تالیف عبدالحمید لاهوری **چاپ** کلکته ۱۸۶۷

۱۶ـ **تاریخ احوال** تالیف شیخ محمد علی حزین (درشرح حال خویش) **چاپ** لندن ۱۸۳۱م

۱۷ـ **تاریخ ادبیات فارسی** تالیف هرمان اته ـ ترجمه فارسی از دکتر رضازاده شفق **چاپ** تهران ۱۳۳۷ش

۱۸ـ **تاریخ جهانگیری** تالیف مطربی سمرقندی **نسخه خطی** اته ج ۲ ش۳۰۲۳.

۱۹ـ **تاریخ فرشته یا گلشن ابراهیمی** تالیف ملا محمد قاسم هندوشاه **چاپ** نولکشور لکهنو ۱۲۸۱ھ

۲۰ـ **تاریخ محمدشاهی** معروف به نادر الزمانی تالیف خوشحال چند نسخه خطی

۲۱ـ **تاریخ معصومی** یا تاریخ تألیف سید میر معصوم نامی بهکری **چاپ** بمبئی ۱۹۳۸م/۱۳۵۷ھ

۲۲ـ **تحفه سامی** تالیف سام میرزا صفوی **چاپ** مطبعه ارمغان تهران ۱۳۱۴ش

۲۳ـ **تحفة الشعرا** تألیف میرزا افضل بیگ قاقشال **نسخه خطی** متعلق بکتابخانه شخصی کرنل رشید ناظم بیمارستان جناح کراچی

۲۴ـ **تحفة العالم** تألیف عبداللطیف موسوی شوشتری **چاپ** بمبئی ۱۲۹۴ھ.

۲۵ـ**تذکره** تألیف شیخ نصیرالدین طوسی **چاپ** دانشگاه تهران.

۲۶ـ**تذکرة الاولیاء تألیف** شیخ فریدالدین عطار **چاپ** چاپخانه مرکزی تهران ۱۳۳۳ش

۲۷ـ**تذکره بینظیر** تألیف میر عبدالوهاب افتخار دولت آبادی **چاپ** الهآباد ۱۹۴۰م.

۲۸ـ**تذکره حسینی** تالیف میرحسین دوست سنبهلی **چاپ** نولکشور لکهنو ۱۸۷۵م و **نسخه خطی** دانشگاه لاهور

۲۹ـ**تذکره خرابات** تالیف(؟) **نسخه خطی** ملك تهران ش

۳۰ـ **تذکرة الخواتین** تالیف میرزا محمد ملك الکتاب شیرازی **چاپ** بهوپال ۱۳۰۶ه

۳۱ـ**تذکرة الخوانین** تالیف میردوستی بسال ۹۵۵ه .**نسخه خطی** مرکزی تهران ش ۲۴۳۱

۳۲ـ**تذکره شاه طهماسب صفوی** تالیف شاه طهماسب صفوی **چاپ** برلن چاپخانه کاویانی ۱۳۴۳ه

۳۳ـ**تذکره شاعرات** تالیف(؟) ـ**نسخه خطی** دانشگاه لاهور

۳۴ـ **تذکرة الشعرا** تألیف دولتشاه سمرقندی **چاپ** کتابفروشی بارانی تهران ۱۳۳۷ش

۳۵ـ**تذکرة الشعرا** تالیف(؟) میان سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۸۰ه ـ **نسخه خطی** اته ۶۹۲

۳۶ـ**تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر یا ایران صغیر** تألیف دکتر خواجه عبدالحمید عرفانی ـ چاپ تهران ۱۳۳۵ش

۳۷ـ**تذکره علمای هند** تالیف احمدعلی **چاپ** هند ۱۸۹۴م.

۳۸ـ**تذکره کاتب** تالیف میرزا محمدعلی کاتب صفوی **نسخه خطی** کتابخانه رامپور هند

۳۹ـ**تذکرة المعاصرین** تالیف شیخ علی حزین **چاپ** تایید اصفهان ۱۳۳۴ش.

۴۰ـ**تذکرة الملوك** تالیف(؟) درحدود۱۱۳۸هـ **چاپ** لندن باهتمام مینورسکی ۱۹۴۳ م

۴۱ـ**تذکرة الملوك** تالیف یحیی خان منشی فرخسیر پادشاه هند و **نسخه خطی** اته ش ۴۰۹

۴۲ـ**تذکره ندرت** تالیف علی قطرب عطاءالله متخلص به قطرب **نسخه خطی** اته ش ۶۷۶

۴۳ـ**تذکره نصرآبادی** تالیف محمد طاهر نصرآبادی **چاپ** ارمغان تهران ۱۳۱۷ش

۴۴ـ**تذکره نصرت یاخلاصه لطایف الخیال** تالیف میرزامحمدصالح حسینی در۱۱۰۴هـ **نسخه خطی** مرکزی ش ۳۹۵۱

۴۵ـ**تذکره نوبهار** تالیف محمدرفیع الدین نقشبندی **نسخه خطی** دانشگاه لاهور

۴۶ـ**تذکره همایون واکبر** تالیف بایزید بیات **چاپ** کلکته ۱۳۶۰هـ

۴۷ـ**تذکره هندی گویان** تالیف شیخ غلام همدانی مصحفی امروهوی **چاپ** انجمن ترقی اردوهند

۴۸ـ**تذکره یوسف علیخان** **نسخه خطی** ایوانوف ۴۵ واسپرنگر ص ۴-۱۹۳

۴۹ـ **تکملة الشعرای جام جمشید** تالیف مولوی محمد قدرت‌الله شوق **نسخه خطی** رامپورهند.

۵۰ـ**تکمله مقالات الشعرا** تالیف محمدابراهیم خلیل **چاپ** کراچی سندی ادبی بورد ۱۹۵۸ م

۵۱ـ **تنبیه الغافلین** تالیف سراج الدین علیخان آرزو (رجوع شود به تذکره ریاض الشعرا درذیل نام حزین)

۵۲ـ**تورك جهانگیری** تالیف جهانگیر پادشاه هند ـ **چاپ** لکهنو (تاریخ ندارد)

۵۳ـ**جوامع الحکایات** تالیف محمدعوفی (بخش اول) ـ چاپ دانشگاه تهران

باهتمام دکترمحمد معین بسال۱۳۳۵ش

۵٤- **جوامع الحکایات** تألیف محمد عوفی نسحه خطی ش Or. 4392 صفحه 87a و Add. 16862 موزه بریتانیا .

۵۵- **جواهر العجایب** تألیف مولانا سلطان محمد متخلص به‌فخری بن امیری **چاپ** نولکشور لکهنوی ۱۸۷۳م = ۱۲۹۰ه

۵٦- **چهار چمن** رحوع شود به سحموعه عشق ش۱۳۸ درسطور ذیل

۵۷- **چمستان‌شعرا** تالیف لچهمی نراین شفیق‌اورنگ‌آبادی **چاپ** اورنگ‌آباد ۱۹۲۸م

۵۸- **حدایق‌الشعرا** تألیف میرزا امیربیگ سارسی **نسخه‌خطی** ایوانو- کرزن ۷۰۲

۵۹- **حدیقه عشرت** تألیف کنور پرشاد مهر سدیلوی **چاپ** سدیلـه هند ۱۸۹٤ م .

٦۰- **حقیقت الحقیقت** مرتبه ح استعسن **نسخه‌خطی** موزه بریتانیا ج ۳ ص ۵۸۹

٦۱. **خزانه‌عامره** تألیف میرغلام علی آزاد بلگرامی **چاپ** کانپور ۱۸۷۱م

٦۲- **خزینة الشعرا** تألیف سید علی احملی **نسخه‌خطی** اندیا آفیس۳۸۹۹.

٦۳- **خزینه‌گنج الهی** تألیف میرعمادالدین‌محمودالهی‌حسینی **نسخ خطی** اشپرنگر ش۱۱

٦٤- **خلاصة الاشعار** تألیف تقی کاسی **نسخه خطی** دانسکده‌ادبیات‌س۱۰٤ب و محلس تهران س ۱۹۳۵و ۳۲٤ ب و بلاند واشپرنگر س۸و۹ وبرلن ش٦٤۷ الف واته ش٦٦۷

٦۵- **خلاصةالافکار** تألیف ابوطالب‌خان‌تبریزی‌اصفهانی — نسخ خطی‌دانشگاه لاهور تهران س۳۰۳ ٤

٦٦- **خلاصةالشعرا** تألیف ملاصوفی ماربدرانی وعبداللطیف‌عباسی— نسخ‌خطی

متحلص۱۳۰ و۱۳۲ و بادلین ش۱۳٦٦[1]

٦٧ـ **حلاصة الکلام** تألیف علی ابراهیم خلیل ـ سخ خطی با نکی‌پور ح ۸ ش۵ـ۷۰٤ و بادلیں ۳۹۰[1]

٦۸ـ **خلاصه‌لطایف‌الخیال** رحوع بشود به تدکره نصرت ش٤٦ فوق .

٦۹ـ **دیوان ممتخب سراج** (الدیں علی‌حاں آررو) ـ **نسحه خطی** اشپر نگر ص ۱۵۰

۷۰ـ **راحة‌الصدور** تألیف محمدبـن‌علی‌بن سلیماں راوندی **چاپ** تهراں ۱۳۳۳ش

۷۱ـ **روز روشن** تألیف محمد مطفر حسں گو یا موی متحلص به صبا **چاپ** بهوپال ۱۲۹۷ھ

۷۲ـ **روضة السلاطین** تألیف مولا با سلطان محمد متحلص بـه فحری بن امیری **نسخه خطی** برلن ش٦٤٤

۷۳ـ **ریاض‌الشعرا** تألیف علی‌قلی‌حان واله داعستا بی ـ سح حطی‌دانسگاه لاهور وملك تهراں ٤۳۰۱

۷٤ـ **ریاض‌العارفین** تالیف رضاقلی‌حاں هدایت **چاپ** تهراں

۷۵ـ **ریاض‌الفردوس** تألیف مولوی محمد حسیں شاهجهاں پوری **چاپ** نولکشور ۱۳۸۳ھ

۷٦ـ **ریاض‌الوفاق** تألیف دوالفقار علی مست **نسحه خطی** اسپر نگر ۳٦

۷۷ـ **زواید‌الفوید** تألیف عبدالواسع‌هانسوی **نسخه حطی** دانشگاه لاهور

۷۸ـ **سخنوران‌ایران درعصرحاضر** تألیف دکتر محمد اسحق **چاپ** دهلی حلد اول ۱۳۵۱ھ=۱۹۳۳م وحلد دوم ۱۳۵۵ھ=۱۹۳۷

۷۹ـ **سخنوران چشم دیده** تألیف ترك علیساه ترکی قلندر نورمحلی **چاپ** حیدرآباد دکن ۱۳۳۲ھ .

۱ـ عکسهای ایں نسحه درکتابحانه مرکزی دانشگاه تهران موحود است .

۸۰- **سرو آزاد** تألیف میرغلام علی آزاد بلگرامی **چاپ** لاهور ۱۹۱۳م.

۸۱- **سفینة الاولیا** تالیف شاهزاده محمد دارا شکوه **چاپ** لکهنو ۱۸۷۸م .

۸۲- **سفینه بیخبر** تألیف میرعظمت اله بیخبر **نسخه خطی** دانشگاه لاهور.

۸۳- **سفینه خوشگو** تألیف بندر ابن داس خوشگو **دفتر اول** نسخه خطی اندیا آفیس ۴۰۲۳ **دفتر دوم** نسخه خطی مجلس ش۴۰۳ ودانشگاه لاهور **ودفتر سوم** چاپ پتنه ۱۳۷۷هـ=۱۵۹۸م .

نسخه آب آورد نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ش ۲۶۵۵ و ملك تهران ۴۳۰۵

۸۴- **سفینة الشعرا** تألیف (؟) **نسخه خطی** ایوانو - کرزن ش۳۲۶ .

۸۵- **سفینه عشرت** تألیف درگاداس عشرت **نسخه خطی** بانکی پور ج ۸ ص۶۹۹

۸۶- **سفینه علی حزین** تألیف شیخ محمدعلی حزین- چاپ حیدرآباد دکن ۱۳۶۸هـ= ۱۹۳۰م

۸۷- **سفینه هندی** تألیف بهگوان داس هندی- چاپ پتنه ۱۳۷۷هـ=۱۹۵۸م

۸۸- **سندبادنامه** تألیف محمدبن علی الظهیری السمرقندی - نسخه خطی ریو ص۷۴۸ و چاپ استانبول وزارت فرهنگ ترکیه ۱۹۴۸ م باهتمام آقای آتش

۸۹- **سیر المتاخرین** تألیف غلامحسین خان- چاپ کانپور ۱۸۶۶م .

۹۰- **سیرت جلال الدین منکبرنی** تألیف نورالدین محمدبن محمد علی ناصح- چاپ تهران ۱۳۲۴ش

۹۱- **شعرای فارسی زبان کشمیر** رجوع شود به تذکره شعرای پارسی کشمیر ش۳۶ فوق

۹۲- **شعرای عصر پهلوی** تألیف دساحی بهائی ایرانی چاپ بمبئی جلد اول) ۱۹۳۳م= ۱۳۵۱هـ

۹۳ـ **شعرای فارسی زبان پیشاور** تألیف دکتر بدیرحسن میرزا برلاس متخلص به بدیر ـ نسخه خطی کتابخانه شخصی دکتر پرویز ناتل خانلری .

۹٤ـ **شعر العجم** تألیف شبلی نعمانی ترجمه فخرداعی گیلانی ـ چاپ تهران

۹۵ـ **شمع انجمن** تألیف نواب سید صدیق حسن خان ـ چاپ بهوپال ۱۲۹۳ھ

۹٦ـ **شمع محفل سخن** تألیف سید عبداللطیف الطاف حسینی ـ نسخه خطی مدراس ش ۱۲۷۹ .

۹۷ـ **صبح گلشن** تألیف سید محمد علی حسن خان ـ چاپ بهوپال ۱۲۹۵ھ .

۹۸ـ **صبح وطن** تألیف نواب غلام غوث خان اعظم ـ چاپ مدراس ۱۲۵۸ھ

۹۹ـ **صحف ابراهیم** تالیف ابراهیم خان خلیل ـ نسخ خطی بانکی پور ج ۸ ص ۷۰۸ و نسخه برلن ٦٦۳ [۱] .

۱۰۰ـ **طبقات اکبری** تالیف نظام الدین احمد ـ چاپ کلکته ۱۹۲۷ ـ ۱۹۳۵م

۱۰۱ـ **طبقات سخن** تالیف غلام محی الدین شوق ـ نسخه خطی اشپرنگر ۵۳ و برلن ٦۷۰ .

۱۰۲ـ **طبقات سلاطین اسلام** تألیف استانلی لین پول ترجمه مرحوم عباس اقبال **چاپ** تهران ۱۳۱۳ ش

۱۰۳ـ **طبقات شاهجهانی** تألیف محمد صادق ـ نسخه خطی ریو ج ۳ ص ۱۰۰۹ ب

۱۰٤ـ **طبقات ناصری** تألیف منهاج سراج **چاپ** کلکته ۱۸٦٤ م

۱۰۵ـ **عرفات العاشقین** تألیف تقی اوحدی ـ نسخ خطی کتابخانه بانکی پور ج ۸ ص ٦ ـ ٦۸۵ و ملك تهران ۵۳۲٤

۱۰٦ـ **عقد ثریا** تألیف شیخ غلام همدانی متخلص به مصحفی امروهوی ـ **چاپ** حیدرآباد دکن ۱۹۳٤ م

۱۰۷ـ **عمل صالح یا شاهجهان نامه** تألیف محمد صالح کنبوه لاهوری **چاپ**

۱ـ عکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

کلکته ۱۹۲۳–۱۹٤٦ م

۱۰۸– **فرهنگ آنندراج** چاپ هند

۱۰۹– **فرهنگ برهان قاطع** چاپ تهران باهتمام دکتر محمد معین

۱۱۰– **فرهنگ تازی‌به پارسی** (بخش نخست)–چاپ وزارت فرهنگ تهران ۱۳۱۹ش باهتمام استاد بدیع‌الزمان فروزانفر

۱۱۱– **فرهنگ نظام** مرتبه سیدمحمدعلی (داعی‌الاسلام)–چاپ دکن هند ۱۳۵۸ ه/۱۹۳۹ م

۱۱۲– **فرهنگ نفیسی** یا فرنود سار مرتبه ناظم‌الاطبا چاپ تهران

۱۱۳– **فهرست کتابخانه آستانه قدس رضوی** تألیف او کتائی چاپ مشهد جلد ۵و٦ سال ۹–۱۳۰۸ ه

۱۱٤– **فهرست کتابخانه عمومی** معارف تألیف عبدالعزیز جواهر کلام–چاپ تهران ۱٤–۱۳۱۳ ش

۱۱۵– **فهرست کتابخانه مجلس شورایملی تهران** (کتب خطی فارسی) تالیف یوسف اعتصامی جلد اول ودوم ـچاپ تهران ۱۱–۱۳۰۵ش .

۱۱٦– ایضاً تالیف ابن یوسف شیرازی ـ جلد سوم ـچاپ تهران ۲۱–۱۳۱۸ش.

۱۱۷– **فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار** تهران تالیف ابن یوسف شیرازی جلد دوم ـچاپ تهران ۱۸–۱۳۱٦ش

۱۱۸– **فهرست نسخ‌خطی دانشکده ادبیات** مجله دانشکده ادبیات تهران سال ۸ش۱ مورخ مهرماه ۱۳۳۹ش تالیف آقای دانش پژوه

۱۱۹– **کلمات‌الشعرا** تالیف میان محمد افضل سرخوش–چاپ لاهور ۱۹٤۲م ودانشگاه مدراس ۱۹۵۱م

۱۲۰– **کلیات نظیری نیشاپوری** چاپ لکهنو ۱۸۷٤م

۱۲۱– **گلدسته** تالیف عبدالوهاب عالمگیری –نسخه خطی دیکی ور ح ۸ ش۶۹۲

۱۲۲- **گلدسته کرناتك** تالیف حکیم باقر حسین رایق -نسخه خطی ایوانو ذیل اول ص۸-۱۰

۱۲۳- **گل رعنا** تالیف لچهمی نراین شعیق اورنگ آبادی- نسحه خطی دانشگاه لاهور و کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی و (فصل دوم) چاپ حیدر آباد دکن

۱۲٤- **گلزار اعظم** تالیف نواب علام غوث حان اعظم -حاپ مدراس ۱۲۷۲ھ

۱۲۵- **لباب الالباب** تالیف محمد عوفی-چاپ لندن ولیدن حلد دوم ۱۹۰۳م باهتمام پرفسور براوان. وحلد اول ۱۹۰٦م باهمام پرفسور براون و میرزا محمد فروینی وتهران ۱۳۳۵ش باهتمام استاد سعید نعیسی .

۱۲٦- **لب تاریخ سند** تالیف حداداد حان-چاپ کراچی سندی ادبی نورد ۱۳۷۸ھ=۱۹۵۹ م باهتمام دکتر نبی نخش حان بلوج .

۱۲۷- **لب لباب** تالیف قمرالدین علی -نسحه حطی اته ش٦۹۵.

۱۲۸- **لطایف الحیال** تألیف شیخ معید شیرازی (محمد بن محمد شیرازی دارابی) نسخه خطی کتابحانه ملك تهران ۲۹۵۱ ودانشگاه لاهور

۱۲۹- **مآثر الامراء** تالیف صمصام الدوله شاهنوازحان -چاپ کلکته ۱۸۸۸م.

۱۳۰- **مآثر رحیمی** تالیف ملا عبدالناقی نهاوندی-حاپ کلکته ۱۹۳۱م

۱۳۱- **مثنوی صورت حال** گلشن جونپوری - نسحه حطی ریو ح۲ ص۷۱۵ب.

۱۳۲- **مجالس النفایس** (دو ترجمه آن ار قرن دهم)-جاپ تهران ۱۳۲۳ش باهتمام اساد علی اصغر حکمت .

۱۳۳- **مجمع الشعرای جهانگیری** تالیف قاطعی-نسحه حطی بادلین س ۳۷۱

۱۳٤- **مجمع الفصحا** تالیف رضاقلی حان هدایت -حاپ تهران ۱۳٤۰ باهتمام آقای مظاهر مصفا

۱۳۵ **مجمع الفضلا** تالیف محمد عارف بقائی -نسحه حطی دانشگاه لاهور

۱۳٦- **مجمع النفایس** تالیف سراج الدین علیحان آررو- نسح حطی دانشگاه لاهور .

۱۳۷ــ **مجموعه ده دیوان چستر بیتی**ــ چاپ دبلین ایرلند باهمکاری آقای مجتبی مینوی .

۱۳۸ــ **مجموعه عشق یاچهارچمن یاباغ گلهای حسن** تالیف غلام محی‌الدین میرتهی ـ نسخه خطی علیگر دخیره سبحن‌الله ص۵۳ ش۸

۱۳۹ــ **محك شعرا** تالیف محمد صالح شاملوی خراسانی ـ نسخه خطی ملك تهران ۴۰۹۶

۱۴۰ــ **مخزن‌الغرایب** تالیف شیخ احمد علی سندیلوی ـ نسخه‌خطی دانشگاه لاهور و بادلیں ۳۹۵ [۱]

۱۴۱ــ **مرآت آفتاب‌نما** تالیف شاهنواز خان هاشمی دهلوی ـ نسخه‌خطی دانشگاه لاهور

۱۴۲ــ **مرآت‌الاحوال** (جهان‌نما) تالیف احمدبن محمد علی بهبهانی بسال ۱۳۲۵ه درپتنه نسخه خطی ملك تهران

۱۴۳ــ **مرآت الخیال** تالیف شیرخان لودی ـ چاپ بمبئی ۱۳۲۴ه

۱۴۴ــ **مردم دیده** تالیف ملاعبدالحکیم حاکم لاهوری ـ چاپ لاهور ۱۳۳۹ش

۱۴۵ــ **معراج‌الخیال** تالیف وزیر علی عبرتی ـ نسخه‌خطی دانشگاه لاهور .

۱۴۶ــ **المعجم فی معاییر اشعار العجم** تالیف شمس قیس رازی ـ چاپ دانشگاه تهران ۱۳۳۵ش باهتمام استاد مدرس رضوی

۱۴۷ــ **مفتاح‌التواریخ** تالیف طامس ولیم بیل ـ چاپ نولکشور ۱۲۸۶ ه = ۱۸۶۸م .

۱۴۸ــ **مقالات‌الشعرا** تالیف قیام‌الدین حیرت ـ نسخه‌خطی رامپور هند

۱۴۹ــ **مقالات‌الشعرا** تالیف میرعلام‌علی شیرقانع تتوی ـ چاپ کراچی سندی ادبی بورد ۱۹۵۷م

۱۵۰ــ **مقدمه جوامع‌الحکایات** از محمد نظام‌الدین ـ چاپ لندن ۱۹۲۹م.

۱ــ عکسهای این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است

۱۵۱- **منتخب الاشعار** تالیف مردا بعلی خان مبتلا- نسخه حطی دا نشگاه لاهور،

۱۵۲-**منتخب التواریخ** تالیف شیخ عبدالقادر بداونی چاپ کلکته ۱۸۶۹م

۱۵۳-**منتخب اللباب** تالیف محمدهاشم خان مخاطب به خانخان نظام الملکی چاپ کلکته ج۱ ۱۸۸۹م ح۲ ۱۸۷۴و ح۳ ۱۹۲۵م.

۱۵۴-**منتخب الحکایات** باهتمام مرحوم ملک الشعرا بهار چاپ فرهنگ تهران ۱۳۲۴ش.

۱۵۵-**منتخب حاکم** تالیف ملاعبدالحکیم حاکم لاهوری **نسخه خطی** رهاتسک ص۱۳۳ش ۲۱.

۱۵۶- **میخانه** تالیف عبدالنبی قروینی چاپ لاهور ۱۹۲۶م باهتمام مرحوم پروفسور محمد شفیع و تهران ۱۹۶۱م/ ۱۳۴۰ش/ ۱۳۸۱ ه یاهتمام آقای احمد گلچین معانی

۱۵۷-**نتایج الافکار** تالیف محمدقدرت الله گوپاموی چاپ بمبئی ۱۳۳۶ش

۱۵۸- **نجوم السماء** تالیف میرعلام رسول مشهور به محمدعلی بن محمدصادق آزاد کشمیری لکهنوی چاپ حلد اول لکهنو ۱۳۰۳ه

۱۵۹-**نشتر عشق** تالیف آقاحسین قلی حان عاشقی عظیم آبادی- **نسخه خطی** دانشگاه لاهور.

۱۶۰-**نغمه عندلیب** تالیف محمد رضا نحم طباطبائی **نسخه خطی** ریو ح ۳ ص۹۷۸ ب

۱۶۱-**نفایس المآثر** تالیف علاءالدوله قرویبی **نسخه خطی** دانشگاه علیگر.

۱۶۲- **نفحات الانس** تالیف ملانورالدین حامی چاپ تهران

۱۶۳-**نگارستان سخن** تالیف سیدنورالحسن حان چاپ بهوپال ۱۲۹۳ه

۱۶۴-**واقعات کشمیر** تالیف حواحه محمد اعظم بسال ۱۱۴۰-۱۱۶۰ه چاپ لاهور ۱۳۰۳ ه ر ۱۸۸۶م

۱۶۵-**هفت آسمان** تالیف آقا احمدعلی چاپ کلکته ۱۸۷۳م

۱۶۶ـ**هفت اقلیم** تالیف امین احمد رازی. نسخ خطی دانشگاه لاهور و مرکزی تهران وادبیات تهران وملک تهران (رجوع شود به هفت اقلیم ـ نسخ خطی در کتاب حاضر).

۱۶۷ـ**همیشه بهار** تالیف کشن چند اخلاص . نسخه خطی بانکی پور ح ۸ ش ۶۸۹

۱۶۸ـ**یادداشتهای قزوینی** چاپ دانشگاه تهران جلد دوم ۱۳۳۴ ش باهتمام آقای ایرج افشار

۱۶۹ـ **یدبیضا** تالیف میر غلام علی آزاد بلگرامی نسخه خطی متعلق به کتابخانه حافظ محمد ابراهیم در گرهی یاسین (در استان سابق سند) پاکستان غربی

ب ـ کتب اردو

۱ـ **آب حیات** تالیف محمد حسین آزاد دهلوی. چاپ هند

۲ـ **آرایش محفل** تالیف میر شیر علی افسوس جعفری چاپ کلکته ۱۸۰۸

۲ الف ـ **اردو تذکری** تالیف دکتر سید عبدالله چاپ لاهور

۳ـ **اردو کی هندو شعرا** تالیف عبدالسلام خورشید. چاپ دفتر مرکزی رفاقت سحاب لاهور ۱۹۴۶م

۴ـ **اوریئنتل کالج مگزین لاهور** که از طرف اوریئنتل کالج (دانشکده السنه شرقی) لاهور منتشر میشود (شماره های مختلف)

۵ـ **بزم سخن** تالیف سید علی حسن متخلص به سلیم. چاپ آگره ۱۲۹۸ه.

۶ـ **بهارمین اردو زبان کا ارتقا ۱۸۵۷ء تک** تالیف دکتر اختر اورینوی. چاپ پتنه ۱۹۵۷م

۷ـ **تاریخ ادبیات اردو** تالیف رام بابو سکسینه بانگلیسی ترجمه باردو از آقای عسکری چاپ هند

۸ـ **تاریخ شعرای بهار** تالیف سید عزیز الدین بلخی راز (از مآخذ بهارمین اردو ادب وزبان کا ارتقاء)

۹_**تذکره‌عشقی** تالیف شیخ وحیه‌الدین عظیم آبادی

۱۰_ **تذکره گلشن هند** تالیف میرزا علی‌لطف چاپ‌علیگره ۱۹۳٤م باهتمام دکتر محی‌الدین زور.

۱۱_**جدید‌شعرای اردو** تالیف دکتر عبدالوحید چاپ لاهور فیرور سنر (درحدود ۱۹۵۳ م)

۱۲- **حدایق الحسینیه** تالیف مقبول احمد صمدانی. چاپ‌اله‌آباد۱۹۲۹م)

۱۳_**سخنوران‌بلندفکر** تالیف مولوی محمد منور گوهر . چاپ داشگاه مدراس۱۳۵۲ه.

۱٤_**فهرست کتب عربی و فارسی واردو** مخرونه کتب خانه آصفیه‌سرکار عالی حیدرآباد چاپ حیدرآباد دکن ۳-۱۳۳۲ه

۱۵_**فهرست‌نسخ‌قلمی‌عربی‌وفارسی‌واردو**سبحان‌الله‌اورینل‌لائبریری‌مسلم یونیورستی علیگره_ تالیف‌کامل حسین_ چاپ‌علیگره۱۹۲۹م.

۱۶_**قاموس العلوم** تالیف شمس‌اله قادری چاپ‌حیدرآباد دکن۱۹۳۵م .

۱۷_**کلام‌الملوك** تالیف میرسعادت‌علی رصوی جاپ هند ۱۳۵۷ه

۱۸_**کلیات صهبائی** امام بخش صهبائی چاپ‌لکهنو.

۱۹_**گلشن بیخار** تالیف مصطفی‌حان شیفته.چاپ‌لکهنو

۲۰_ **لباب‌المعارف‌العلمیة** فی المکتبة دارالعلوم الاسلامیة پیشاور تالیف مولوی عبدالرحیم. چاپ آگره۱۹۱۸م

۲۱_**مآثرصدیقی** تالیف سیدعلی‌خان. چاپ‌لکهنو۵_۱۹۲٤م.

۲۲_**مجله ندیم** بهار نمبر.جاپ پتنه مورخ حولائی واگسب (ژوئیه واوت) ۱۹۳۲م.

۲۳_**مجموعه‌نغز** تالیف سید ابوالقاسم معروف به‌میر قدرت‌الله‌قادری‌متخلص به‌قاسم. چاپ‌لاهور۱۹۳۳م/۱۳۵۳ه باهتمام مرحوم پروفسور محمود شیرانی.

۲٤_ **محبوب الزمن** (تذکره شعرای‌دکن) تالیف مولوی عبدالجبارخان

ملکاپوری .چاپ‌حیدرآباد دکن۱۳۲۹ھ.

ح-کتب‌عربی

۱-**الانساب‌والاسرات‌الحاکمه‌فی‌التاریخ الاسلامی** للمستشرق رامباور - الحرء الاول-الدکتور زکی محمد حس‌بکرو حسن احمد محمود. مطعه جامعه فواد الاول ۱۹۵۱م

۲. **فتوح‌البلدان** تالیف‌ابوالحسن‌بلادری چاپ‌مصر۱۳۵۰ھ/۱۹۳۲م باهتمام محمدرضوان

۳- **فهرست کتب الفارسیه الموجودة بالکتابخانة الخدیویة المصریة** چاپ قاهره۱۳۰۶ھ.

٤-**کشف الظنون**تالیف‌حاجی‌خلیفه-چاپ‌وکالت‌المعارف‌ترکیه۱۳٦۰ھ= ۱۹٤۱م.

۵-**ایضاح المکنون فی‌الذیل‌علی‌کشف الظنون** تالیف اسماعیل پاشا بن محمد امین بغدادی-طبع‌وکالت‌المعارف‌استانبول۱۳٤٤ھ -۱۹٤۵میلادی.

د-کتب‌ترکی

۱- **قاموس‌الاعلام** تالیف شمس‌الدین سامی چاپ استانبول ۱۳۰٦ھ.

۲- **نور عثمانیه کتبخانه سنده محفوظ کتب موجوده نك دفتر یلر** استانبول ۱۳۰۳ھ.

ھ-کتب‌سندی

۱- **مجله مهران** چاپ حیدرآباد (سند) شماره۲ جلد۵مورخ اپریل‌ومئی و جون (آوریل ومه وژوئن)۱۹۵٦م

و ـ منابع انگلیسی و فرانسه وآلمانی وروسی وترکی (بخطلاتین) وغیره

1 · Abdul Muqtadir, Maulavi. - Please see "Bankipur" below

2 Affairs in Bhopal(A Defence of the Nawwab Consort) published as a Supplement by Advocate of India in 1889 ·

3 · An Account of My Life – Sultan Jehan Begum London, 1912 ·

4 ·Asiatick Miscellany – by William Chambers, Vol·I· Calcutta, 1785

5 · Asiatic Society of Bengal – List of Arabic and Persian MSS acquired on behalf of the government of India by the Asiatic Society of Bengal during 1903 – 1907 Calcutta, 1908 ·

&

6 List of the Arabic and Persian manuscripts acquired on behalf of the government of India by the Asiatic Society of Bengal during 1908 – 1910 Calcutta, 1911

7 · Aumer, Joseph – Die Arabischen Handschriften der Koniglichen Hof-und Staatsbibliothek in München (Catalogus codicum maniscriptorum Bibliothecae Regiae Monacensis, t 1 2) · Munich, 1866

&

Die Persischen Handschriften der Koniglichen Hof-und staatsbibliothek in München (Catalogus codicum manuscriptorum Bibliothecae Regiae Monacensis, t· 1:3)

Munchen, 1866 .

8. Bankipur - Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in the Oriental Public Library at Bankipore, prepared for the Government of Bengal under the supervsion of E. Denison Ross by Maulavi Abdul Muqtadir. Calcutta, 1908 - 1939

9. Beale, T. W. - Please see "Oriental Biographical Dictionary" below.

10. Berlin-Verzaichniss der persischen Handschriften der Koniglichen Bibliothek zu Berlin von Wilhelm Pertsch. Berlin, 1888.

11 Bibliobraphy - Ed. Van Dyke

12. Biographie Universelle - Michaud. Paris, 1843

13. Bland, N. - Earliest Persian Biography of Poets and some other work of the class called Tazkiratul Shuara, published in the "Journal of the Royal Asiatic Society, Vol IX dated 17 February, 1846"

14. Blochet, Edgard - Catalogue des manuscrits persans de la Bibliotheque Nationale, VI volumes. Paris, 1905 - 1934

15. Blochmann - Please see "Contributions to Persian Lexicography" below

16. Bodleian - Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu manuscripts in the Bodleian Libary begun by .. Eduard Sachau completed ...... by Herman Ethe, Part I. Oxford, 1889.

&

Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu MSS in the Bodleian Library, Part II : Turkish, Hindustani, Pushtu and additional Persian manuscripts Oxford, 1930 .

&

Catalogue of the Persian, Turkish, Hindustani and Pushtu MSS in the Bodleian Library, Part III:additional Persian manuscripts, by A.F.L Beeston Oxford,1954.

17 Bresla - Verseichnis der arabischen, persischen, turkischen und hebraischen Hadnschriften der Stadtbliothek zu Breslau von C Brockelmann, Breslau, 1903

18 Brockelmann, Carl – Geschichte der arabischen Litteratur von B. Brockelmann. Weimar– Berlin, 1898–1902 .

19 Browne, E.G (Personal Library) – A Descriptive Catalogue of the Oriental manuscripts belonging to the late E G Browne, by R A. Nicholson. Cambridge

20 Browne, E.G A Catalogue of the Persian manuscripts in the Library of the University of Cambridge Cambridge, 1896 .

&

A Hand – list of the Muhammadan mannscripts including those written in the Arabic character preserved in the Library of the University of Cambridge. Cambridge, 1900 .

21 Browne Supplement - A Supplementary Hand-list of the Muhammadan manuscripts preserved in the Library of the University and Colleges of Cambidge London, 1922.

22 . Browne (Houtum - Schindler) - The Persian manuscripts of the late Sir Albert Houtum-Schindler, published in "Journal of the Royal Asiatic Society , 1917, pp 657-694"

23 . Buhar - Catalogue raisonne of the Buhar Library (now in the Imperial Library, Calcutta), Vol. I: Catalogue of the Persian manuscripts in the Buhar Library begun by Maulavi Qasim Razavi, revised and completed by Maulavi Abdul Muqtadir .Calcutta, 1921.

24 . Cambridge - Please see "Browne" and "Browne Supplement" above.

&

A Second supplementary Hand - List of the Muhammadan manuscripts in the University and colleges of Cambridge, by A.J Arberry Cambridge, 1952

25 Contributions to Persian Lexicography - by Blochmann, published in "Journal of the Royal Asiatic Society, Vol xxxii, 1868, pp 18-25 and 70-71".

26 Daily Telegraph, Poona dated 29 October 1885.

27 . Dictonaire encyclpedique de bibliographie arabe - Sarkis

28 . Dorn, Bernhard - Catalogue des Manuscrits et

Xylographes orientaux la Bibliotheque Imperial Publique de St. Petersbourg. St. Petersbourg, 1852.

29. Edinburgh – A Descriptive Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in Edinburgh University Library, by Mohammad Ashraful Hukk, Hermann Ethe and Edward Robertson. Edinburgh 1925.

30 Edinburgh New Coll - A Handlist of the Arabic, Persian and Hindustani manuscripts of New College, Edinburg, by R B Serjeant London 1942

31 Enccylopaedia of Islam – in IV volumes. Luzan & Co., London. 1913

32. Ethe, Herman – Catalogue of the Persian manuscripts in the Library of India Office, II volumes. Oxford, 1903-37 & 1931

33 Eton – Catalogue of the Oriental manuscripts in the Library of Eton College, compiled by D. S. Margoliouth Oxford, 1904

34. Flugel, Gustav – Die arabischen, persischen und turkischen Handschriften der Kaiserlich - Koniglichen Hofbibliothek zu Wien Wien, 1865 – 1867.

35 Garcin de Tassy – Histoire de la litterature hindouie et hindoustanie Paris, 1870 – 1871 (2nd Edition).

&

36. Memoire sur les noms propreset le titres Musumans, Suivi d'une notice sur le vetements avec inscriptions arabes, persanes et hindoustanies. Paris, 1878.

37 . Glasgow – An Eastern Library . with two Persian and Arabic manuscripts, compiled by Khan Sahib Abdul Muqtadir and Abdul Hamid . Glasgow, 1920 .

&

The Persian and Turkish manuscripts in the Hunterian Library of the University of Glasgow, published in "Journal of Royal Asiatic Society, 1906, pp 595 – 609" .

38 . Glimpses of Life and Manners in Persia – by Lady Sheil . London, 1856

39 . Hamburg – Katalog der Orientalischen Handschriften der Satdtsbibliothek zu Hamburg mit ausschluss der hebraischen Teil I Die arabischeen, persischen, turkischen, malaiischen, koptischen, syrischen, ethiopischen Handschriften . Hamburg, 1908 .

40 . Historical Landmarks of the Deccan – by T W Haig Allahabad, 1907

41 . The History of India – by Elliot and Dowson Trubner & Company, London, 1877

42 . A History of Persian Literature – by E G . Browne Cambridge University Press, 1928

43 History of Shah Jehan of Delhi – by B P Saksena

44 Hobson Jobson – by Col Yule and A . C .

Burnell . John Murray, Albemarle St. , London, 1903 .

45 . India Office – Manuscripts which have not been described in the Catalogue of India Office Library by Hermann Ethe (Vide Storey Section I Part I, page xvi under I . O .) .

46 India Office D P . – Please see "India Office" above .

47 . Indian Mirror dated 1 November 1885 .

48 . Indo – Iranica , Vol . Thirteen No . 4 dated Decmber 1960 . Please see "Khan Arzoo . . . . . " below .

49 . Ivanow Wladimir – Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal Calcutta, 1924 .

&

50 Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the collection of the Asiatic Society of Bengal, 11 Supplements . Calcutta, 1927 – 1928 .

51 . Ivanow – Curzon . – Concise descriptive catalogue of the Persian manuscripts in the Curzon collection of the Asiatic Society of Bengal . Calcutta, 1926

52 . JASB - Journal of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta .

53 . JRAS – Journal of the Royal Asiatc Society, London .

54 Kapurthala – Vide Oriental College Magazine, Vol . iii/4 (August 1927) , Lahore .

55 Karatay – Istambul Universitesi Kutuphanesi farsca basmlar Katalogu, by Fehmi Edham Karatay . Istambul, 1949 .

56 Khani Arzoo and His Works, an article by Dr. Manohar Sahai Anwar ; Head of the Department of Persian, Arabic and Urdu, Panjab University, Camp College, New Delhi, published in Indo – Iranica Vol. 13 No 4 for December 1960 , pp 23 – 32

57 . Kraft, Albrecht – Die arabischen persischen and turkischen Handschriften der Klaiserlich – Koniglichen Orientalischen Akademie zu Wien. Wien, 1842 .

58 . Leningrad – Akademiya Nauk SSSR Institut Vostokovedeniya, N D Miklukho – Maklai Opisa nie tadzhikskikh i persidskikh rukopisei Instituta Vostokovedeniya (Pt I) . Moscow – Leningrad, 1955 .

59 . The Life of Sheikh Muhammad Ali Hazin (written by himself in Persian) – edited and translated by F . C . Belfour, 1830 .

60 Lindesiana – Bibliotheca Lindesian Hand–list of Oriental manuscripts Arabic, Persian, Turkish . (Now in John Rylands Library at Manchester) Aberdeen. 1898

61 . Madras – Alphabetical index of manuscripts in the Goyernment Oriental Manuscripts Library of Madras (Persian manuscripts) . Madras, 1893 .

&

62 . A Descriptive catalogue of the Islamic manuscripts in the Government Oriental Manuscripts Library, II Vols . Madras, 1939 – 1950 .

63 . Madrasah – Catalogue of the Arabic and Persian manuscripts in the Library of the Calcutta Madrasah , by Kamaluddin Ahmad and Abdul Muqtadir . Calcutta . 1905

64 . Manchester – Catalogue of the Arabic manuscripts in the John Rylands Library, Manchester, by A . Mingana . . . Manchester, 1934

65 Morley , William H – A Catalogue of the manuscripts in the Arabic, Persian, Turkish and Hindustani languages, preserved in the Libraries of the Royal Asiatic Society and the Oriental Translation Fund of Great Britain and Ireland . London, 1838 .

&

66 A Descriptive catalogue of the historical manuscripts in the Arabic and Persian Languages preserved in the Library of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland . London, 1854 .

67 Mughal Empire – by Srivastava

68 Nazir Ahmad – Notes on Important Arabic

and Persian manuscrpts in various Libraries in India, by Maulavi Hafiz Nazir Ahmad, published in the Journal of the Asiatic Society of Bengal, New Series, Vol xiii (1917), pp lxxvii-cxxxix and Vol xiv (1918), pp. cxcix - ccclvi. References have been given here to the serial numbers in the Persian section of the latter.

69. OCM - Oriental College Magazine, Lahore. Please see No. 4 of the Urdu Sources above

70 Oriental Biographical Dictionary - by Thomas William Beale, published by the Asiatic Society of Bengal Calcutta, 1881.

71. Palmer, E H - A Descriptive catalogue of the Arabic, Persian and Turkish manuscripts in Library of Trinity College, Cambridge Cambridge, 1870

72 Palmer (King's College) - A Descriptive catalogue of the Arabic, Persian and Turkish manuscripts in the King's College, published in "Journal of the Royal Asiatic Society, Nouvelle serie, tom III, pp 105" onwards.

73. Persian Literature (A Bio-Bibliographical Survey) - by C. A. Storey Luzac & Co Ltd., 46, Great Russel St, London, 1953.

74 The Pioneer Daily, Lucknow dated 29 January 1880

75 The Poona Observer dated 22 February 1890

76 Princeton - Descriptive catalogue of the Garret

collection of Persian, Turkish and Indian manuscripts. in the Princeton University Library, by Mohamed E. Moghadem and Yahya Armajani under the supervision of Philip K. Hitti. Princeton, 1939.

77. Rampur - Rampur State Library, United Provinces, India The published catalogue of this Library has not been utilised by the writer

78. R.A.S Royal Asiatic Society Catalogue of the Arabic, Persian, Hindustani and Turkish manuscripts in the Library of the Royal Asiatic Society, London, published in the Journal of the Royal Asiatic Society, London, 1892, pp 501-69

79. Rehatsek, Edward Catalogue raisonne of the Arabic, Hindustani, Persian and Turkish manuscripts in the Mulla Firuz Library, Bombay Bombay, 1873

80. Rieu, Charles - Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum, III volumes. London, 1879 - 1881 - 1883.

81 Rieu Supplement - Supplement to the Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum by Charles Rieu London, 1895.

82 Rosen, Institut - Les manuscrips persans de l' Institut des Langes Orientales (du Ministere des Affaires Etrangeres) decrits par le Baron Victor R St. Petersburg, 1886

83 Ross and Browne - Catalogue of two collections of the Persian and Arabic manuscripts preserved

in the India Office Library, London . compiled by Sir Denison Ross and Edward G . Browne . London, 1902 .

84 . Saleman – Rosen – Indices alphabetici codicum manuscriptorum persicorum turcicorum arabicorum qui in Bibliotheca Imperialis Literarum Universitalis Petropolitanae adseruantur "Zapiski Vostocnago Otdeleniya Imperratorkago Rossiyskago Archeologiceskago Obscestwa" t II – III, by Saleman and V Rosen . St Petersbourg, 1887 .

85 . Schefer, Charles Catalogue de la collection de manuscrits Orientaux (arabes, persans et turcs) , publie par E. Blochet . Paris, 1900 .

86 . Semonov, A A – A Descriptive catalogue of the Persian , Arabic and Turkish manuscripts preserved in the Library of Middle Asiatic State University, Tashkent, 1935 – 1956

&

Sobraniye vostotchnyh roukopissei Akademii Naouk Uzbekskoi SSR, 4 vols Tashkent, 1952 – 56 .

87 Semonov (Bukhara) – Katalog rukopisei istoricheskogo otdela Bukharskoi Tsental 'noi Biblioteki Tashkent, 1925

88 Sheikh Muhammad Ali Hazin, his life, times and works – by Sarfataz Khan Khatak Lahore, 1944

89 Siyarul Mutakhkherin – translated by Mr Raymond .

90 Sprenger, A A Catalogue of the Arabic, Per–

sian and Hidustany manuscripts of the libraries of the King of Oudh, compiled under the orders of the Government of India vol I Calcutta, 1854

90·A· Storey – Please see"Persian Literature" above.

91 . Tashkent· Please see "Semonov, A·A·" above ·

92 · Times (London) dated 3 March 1890·

93 · Times of India Weekly dated 6 November 1885·

94 . Tippoo Sultan Library – A Descriptive catalogue of the Oriental Library of the late Tippoo Sultan of Mysore, compiled by C· Stewart· Cambridge, 1809

95 Vollers, K – Katalog der islamischen ..... Handschriften der Universitats – Bibliothek zu Leipsig · Leipzig, 1906·

فهرست
کتب و رجال و اماکن

فهرست کتب و رجال و اماکن

الف ـ فهرست کتب

آب حیات ـ محمد حسین آزاد دهلوی ۴۶۸
آبروی سخن ـ آرزو ۳۳۵
آتشکده ـ لطفعلی بیگ آذر بیگدلی ۲۲۶، ۲۹۵، ۵۴۰، ۵۵۴، ۵۹۸، ۶۱۹، ۶۴۵، ۷۰۳، ۷۲۰
آتشکده عجم ر.ك آتشکده
آثار البلاد ۱۱۹
آثارالحسان ـ حاج میرزا حسن اصفهانی ۷۳۲
آثار الشیعة الامامیه ـ عبدالعزیز جواهر کلام ۷۶۹
آثار عجم ـ محمدنصیر میرزا فرصت ۷۷۶
آثار مهم تاریخی دکن (انگلیسی) ۲۶۱، ۲۶۳
آثار الوزراء ـ سیف الدین حاجی ۷۷۱
آداب عشق ـ آرزو ۳۳۴
آداب المسافرین ـ آقاتقی جوئی ۷۶۱
آرایش محفل ـ میرشیرعلی افسوس جعفری ۳۷۶
آسمان سخن ـ لطف الله محمد مهندس ۷۸۶
آسیاتیك میسلانی ۲۶۴
آشیانه میکده ر.ك تذکره میکده
آفتاب عالمتاب ۶۰۹، ۶۱۴، ۶۱۹، ۷۰۵، ۷۱۰
آیات الولایه ـ ملك الکتاب شیرازی ۶۲۳
آئین اکبری ـ ابوالفضل علامی ۳۸۴، ۵۸۹، ۷۷۸
آئین عطا ـ ندرت ۲۷۳
آئینه حق نما ۷۶۴
آئینه داشوران ـ سید علی رضا ریحانی ۷۳۲
اتحاف النبلاء ـ نواب صدیق حسن خان ۶۰۰
اتك کی اس پار (اردو) دوست محمد خان

[illegible]

۵۵۹ [illegible]

۳۷۸،۷۸۳

[illegible]

۷۸۵ [illegible]

۷۸۹۰۸۸۰ [illegible]

۸۵۹ [illegible]

[illegible]

۶۳۸ [illegible]

۸۰۸ [illegible]

۳۰۸،۳۸۸

[illegible]

۸۳۸

[illegible]

۶۸۰

۳۸۰،۷۵۵،۳۸۰،۷۹۰،۸۷۹۰ [illegible]

۳۳۸ [illegible]

۳۰۸ [illegible]

۸۸۸ [illegible]

۸۰۸

[illegible]

۸۸۸

[illegible]

۸۸۸ [illegible]

۸۳۸ [illegible]

۳۸۸ [illegible]

[illegible]

۸۸۸ [illegible]

۸۸۸

[illegible]

۷۷۸ [illegible]

۷۸۸ [illegible]

۱۸۱ [illegible]

۸۱۸ [illegible]

۸۳۸

[illegible]

۶۵۵ [illegible]

۸۳۸ [illegible]

[illegible]

۸۳۸

[illegible]

۸۳۸ [illegible]

[illegible]

۳۶۸،۸۸۳،۶۱۰

[illegible]

۰۵۸ [illegible]

[illegible]

[illegible]

۵۸۸ [illegible]

۱۸ [illegible]

[illegible]

۸۷۸

[illegible]

۷۷۸ [illegible]

نواب صدیق ۵۹۷
افضل التذکارفی ذکرالشعرا و الاشعار۔
مخدومی پیرمستی‌افضل ۷۲۸
اقبال‌درنظر ایرانیها ۶۸۰
اقبالنامه جهانگیر ۔ معتمدخان بخشی ۷۸۱
اقتباس الانوار ۔محمد اکرم البارسوی
۷۴۷
اکبرنامه ۔ ابوالفضل علامی ۲۴۵،۱۴۶،
۷۷۸،۴۰۸،۲۸۷
اکسیرالتواریخ وسیرالائمه ملك الکتاب
شیرازی ۶۲۲
اکسیر فی‌اصول التفسیر ۔ نواب صدیق
۵۹۷
الف بهار۔ملك‌الکتاب‌شیرازی ۶۲۳
امتحان الفضلا یاتذکره خطاطین۔ میرزا
سنگلاخ خراسانی ۷۷۲
امپراطوری مغول(انگلیسی) ۱۴۱
انتخاب تاریخ الاخیار ۷۵۳
انتصاح من‌ذکراهل الصلاح۔علی‌انورقلندر
۷۵۱
الانتخاب‌فی‌سلاسل اولیاءاله ۔قطب‌الدین
احمد دهلوی ۷۴۷
انتخاب کعبه عرفان ۲۷۵،۲۷۴،۱۵۵
انجمن خاقان ۔ محمد فاضل خاںراوی
باینددی گروسی ۷۲۲
انجمن ناصری۔محمدابراهیم مدایح‌نگار
انساب سمعانی ۴۷۳
انساب مشایخ کشمیر ۷۵۲
الانساب و الاسرات الحاکمه فی‌التاریخ
الاسلامی للمستشرق زامباور۔الدکتورزکی

انشای قانع ۴۰۷
انفاس‌العارفین۔ قطب الدین‌احمددهلوی
۷۴۷
انیس‌الاحباموهن‌لعل‌انیس ۴۵۰،۴۰،۳۱
انیس الشعرا۔علی‌اکبرافسر ۷۸۷
انیس‌الطالبین۔محمدشاه‌محمود ۷۶۱
انوار العارفین۔ محمدحسین‌چشتی‌صابری
قدوسی‌مرادآبادی ۷۵۱
انیس العاشقین ۔ کنورسین سنگه رحمی
۵۲۱
انیس‌العشاق ۔حسن بن محمدرامی ۷۸۶
انیس قادریه ۔ بهاءالحق قادری ۷۴۷
اویماق مغل۔ محمدعبدالقادر ۷۸۰
ایران صغیر ك. تذکره‌شعرای‌پارسی‌زبان
کشمیر
ایضاح المکنون‌فی‌الذیل‌علی‌کشف‌الظنون۔
اسماعیل‌پاشا بن‌محمدامین بغدادی ۲
باغ بهشت ۔ سیداشرف‌الدین ۶۶۶
باغ‌گلهای‌حسن ر. ك محموعه عشق
باغ‌معانی نقش‌علی ۳۹۶
بتخانه۔ ملاصوفی مازندرانی ۱۳۵،۱۳۰،
۱۴۹
بحار التشریح ۔شوق ۴۴۷

[illegible]
۵۸ [illegible]
[illegible]
۶
۵۰۶ [illegible]
۸۸۶ [illegible]
۸۸۸
[illegible]
۸۷۸ [illegible]
۸۷۰ [illegible]
۸۶۳ [illegible]
[illegible] ۸۵۷ [illegible]
۱۷۸ [illegible]
[illegible]
۵۸۸ [illegible]
۶۰۰۵۰۰۳،۸۷۸
۸۵۸۰،۸۶۸۰ [illegible]
[illegible]
۵۸۱،۱۱۶ [illegible]
۶۳۵ [illegible]
[illegible]
[illegible]
۸۷۸ [illegible]
۳۰۵ [illegible]
۸۳۰
[illegible]
۶۰۸۵ [illegible]
[illegible]

۶۳۸
[illegible]
[illegible]
۷۳۸
[illegible]
۸۶۸ [illegible]
۶۳۳ [illegible]
۷۰۶،۶۳۸
۱۵۰،۱۸۸،۸۸ [illegible]
۳۸۸
[illegible]
۸۸۵ [illegible]
۷۷۸
[illegible]
۸۸۸ [illegible]
[illegible]
۳۱۱ [illegible]
۵۷۵،۸۸۸،۶
[illegible]
۸۷،۰۸۸۵
[illegible]
۸۸۸ [illegible]
۸۸۸
[illegible]
۷۸۳ [illegible]
۸۶۶ [illegible]
۸۳۶،۶۸۸ [illegible]

بیاض محك شعرا ـ قانع ٤٠٧
بیاض محمدزمان راسخ ٩
بیاض محمدعلی ماهر ٩
بیاض میر معزخان فطرت، نام گلشن فطرت ٩
بیان محمود ٧٨٧
بیخبر نامه ٢٤٨
پادشاه نامه ـ عبدالحمید لاهوری ١٤٠، ١٩٢
پاسداران سخن ـ مظاهر مصفا ٧٣٣
پسمانده ـ ترك علیشاه ٦٥١
پوران دخت نامه ـ استاد پورداود ٦٧٨
پیام شوق ـ آرزو ٣٣٥
پیك مرد یسنان ـ دیساجی ٦٧٧
تاج الاقبال ـ نواب صدیق حسن خان ٦٠٠
تاج التواریخ و سلالة السیر ـ ر ك زیبت الزمان
تأدیب الزندیق فی تکذیب الصدیق ٢٦٩،
٢٩٤
تاریخ آل مظفر ٧٠٥
تاریخ ابن خلکان ١٤٦
تاریخ احداد و فرزندان و اصحاب حضرت
مولانا جلال الدین رومی ٧٦٢
تاریخ احوال حزین ٣٥٣
تاریخ ادبیات اردو (بانگلیسی) گراهام بیلی
٤٦٨
تاریخ ادبیات اردو ـ رام بابوسکسینه ترجمه
باردو از آقای عسگری ٤٦٨
تاریخ ادبیات ایران ـ ادوارد براون ترجمه
علی اصغر حکمت (جلد سوم) ٨٧١
تاریخ ادبیات ایران ـ ادوارد براون ٦٦٦
تاریخ ادبیات ایران ـ ادوارد براون ـ ترجمه
علی پاشا صالح (جلد اول) ٧٧١
تاریخ ادبیات ایران ـ استاد همائی جلد اول
٧٧١
تاریخ ادبیات ایران ـ دکتر رضازاده شفق
٧٧١
تاریخ ادبیات ایران محمدرضا دائی جواد
تاریخ ادبیات فارسی هرمان اته ـ ترجمه
دکتر شفق ٧٧٢
تاریخ ارسباران ٧٨٣
تاریخ اعثم کوفی ١١٨
تاریخ اعظمی ـ خواجه محمداعظم شاه ٦٨٢
تاریخ اکبری ٥١٦
تاریخ الفی ١١٨
تاریخ انگلستان یا جهان آرا ـ ملك الکتاب
شیرازی ٦٢٢
تاریخ برنی یا تاریخ فیروزشاهی ـ ضیاءالدین
برنی ٧٨١
تاریخ بناکتی ١١٨، ١٦٦
تاریخ بیهقی ١٤٦، ١٥٨
تاریخ جهان آرا ١١٨
تاریخ جام جهان نما ـ شوق ٤٦٩
تاریخ جهانگشای عطاملك جوینی
» جهانگیری ـ مطربی سمرقندی ١٨٦،
٣٠٤، ٥١٦

« حسن- پیرغلام‌حسن کویهامی ۷۸۱
« شعرای کرمانشاه-باقرشاکری ۷۳۴
« خان جهانی ومخزن افغانی-نعمت الله
بن حبیب الله ۷۸۳
« رشیدی ۱۱۹، ۱۴۶
« سلسله نقشبندی-ابوالمحسن محمدباقر
۷۶۰
« سلطان-محمد قطب‌شاه ۷۷۸
« شاهجهان دهلی ۱۴۱
« شاهرخی ۱۵۸
« شعرای بهار-عزالدین بلخی ۴۶۲
« صبح صادق ر ك صبح‌صادق
« صدرجهان ۷۷۶
« صفویه ۱۵۷
« طبری ۴۲۸
تاریخ عالم‌آرای‌عباسی ر ك. عالم آرای
عباسی ۵۱۹
تاریخ عالمگیری
تاریخ‌عباسیه-قانع ۴۰۵
تاریخ عبدالقادر بداونی ر ك
منتخب التواریخ
تاریخ علما و شعرای گیلان-
حسن‌شمس گیلانی ۷۶۷
تاریخ غیاث‌الدین هروی ۴۰۹
تاریخ فرح‌آبادی-سیدولی‌الله ۷۷۴
تاریخ‌فرشته یا گلشن‌ابراهیمی-
ملامحمدقاسم هندوشاه ۲۸۷، ۴۲۸، ۴۹۰،
۵۱۹
تاریخ فیروز شاهی-ضیاءالدین
برنی ۱۴۶، ۴۹۶
تاریخ قدیم‌هرات ۱۱۹
تاریخ قدیم یونان وتاریخ حکمای
فلاسفه یونان-ملك‌الکتاب
شیرازی ۶۲۳
تاریخ قطب‌شاهی-قادرخان ۷۷۸
تاریخ کبودجامگان-طاهری‌شهاب ۶۴
تاریخ کبیر کشمیر ر ك تحایف-
الابرار
تاریخ کبیر-ملاعبدالکبیر سرای‌بلی ۷۸۱
تاریخ کشمیر-محی‌الدین‌مسکین
ر ك تحایف‌الابرار
تاریخ کلام‌الملوك-میرزا محمد
یوسف لاهیجی ۷۷۳
تاریخ گزیده ۱۱۸، ۲۸۶، ۴۲۷، ۴۷۳
۷۸۲
تاریخ مبارکشاهی ۱۱۸
تاریخ محمدشاهی معروف به
نادرالزمانی-خوشحالچند ۷۸۰
تاریخ‌مدفونین‌بلخ‌وحالات سمرقند ۷۶۱
تاریخ مرآت آفتاب‌نما ر ك
مرآت آفتاب‌نما ۵۱۹
تاریخ مزارات‌بلخ-محمدصالح ۷۶۰

تاریخ مشایخ کشمیر ـ بابا نصیب الدین
سهروردی کشمیری ۷۴۳
تاریخ معصومی ـ میر معصوم بهکری
۹۳، ۴۰۹، ۷۸۱
تاریخ مغول ـ عباس اقبال ۷۸۳
تاریخ مکه یا تاریخ قطبی ـ قاضی قطب الدین
حنفی ۳۲۸
تاریخ میرزا حیدر ۱۱۸
تاریخ میر سید شریف راقم ـ ملا اشرف الدین
۷۷۲
تاریخ نادری میرزا مهدی خان کوکب
۴۸۶، ۵۱۹
تاریخ ناصری ۷۱
تاریخ نظامی ۴۰۹
تاریخ نظام الدین رک طبقات اکبری
تاریخ وصاف ۴۹۹
تاریخ هرات ۱۱۹
تاریخ همایون ۱۵۸
تاریخ هند (انگلیسی) ایلیات و دوس
۴۸۹
تاریخ هندی ـ رستم علی ۷۷۹
تاریخ یافعی ۱۱۹
تاریخ یزد ـ عبدالحسین آیتی ۷۰۴، ۷۸۳
تبصرة العارفین ۱۵۵، ۱۵۸
تجربه الاحرار و تسلیة الابرار ـ
عبدالرزاق بیک دنبلی ۷۶۳
تجلی نور ـ نورالدین زیدی ظفرآبادی
جونپوری ۷۶۶
تحایف الابرار فی ذکر الاولیاء الاخیار یا
تاریخ کبیر کشمیر ـ حاجی ابو محمد محی الدین
مسکین کبروی حنفی نقشبندی ۶۸۲، ۷۵۲
تحایف رشیدیه محمد عبدالرشید
قادری کیرانوی ۷۴۷
تحفة الاحباء فی تذکرة الاولیاء
والشرفاء شیخ علی بن الحسین گنجوی غزنوی
۷۶۹
تحفة الاحباب فی تذکرة الاصحاب یا تذکره
قاری رحمت اله ۷۲۸
تحفهٔ اعظمیه ـ خوشنود گوپاموی ۷۵۰
تحفهٔ کملیه ـ محمد حسن کبروی
کشمیری ۷۵۷
تحفة الاولیاء ـ مولوی میر احمد شاه
رضوان پیشاوری ۷۵۷
تحفة السعدا ـ خواجه کمال ۷۴۳
تحفة الشعرا ـ سلطان ابوالفتح طلوعی
صفوی ۷۱۱
تحفة الطاهرین ـ شیخ محمد اعظم تتوی
۷۴۸
تحفة الحبیب فخری ابن امیری ۹۴، ۹۷
تحفة الحسینیه ـ حسین قلی خان سلطان
کلهر ۶۶۷
تحفة الخواتین ـ ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳

تحفة السامی ر.ك. تحفه‌سامی
تحفه سامی_سام‌میرزا صفوی ١٧٥، ١٩٣
٢٨٧، ٣٣٨، ٤٢٦، ٤٩٦، ٥١٩، ٥٤٠،
٦١٩، ٧٠٥، ٧١٦
تحفة الشعرا_سلطان ابوالفتح
محمدصفوی ٥١٣
» الشعرا _میرزا افضل بیك
قاقشال ٣٧٨
» الصغیر_ خلیل ٦٣٤
» العالم_ عبداللطیف موسوی
شوشتری ٧٨١
» القاری شاه‌منصور
شیخ‌چاپلده ٧٤٧
» الکرام _ ٤٠٢، ٤٠٥، ٧٦٤
» المجالس ٤١٩
» المرشدین من حکایات الصالحین
_جلال الدین محمد کازرونی ٧٥٨
تحریر الامور فی تفسیر القلندر_ علی انور
قلندر ٧٥١
تحقیق السداد فی مزلات الآراد _
محمدصدیق سحنور عثمانی بلگرامی
٢٦٨
تذکارات (تذکره) العاشقین (حزین) ٣٦٤
تذکره_شیخ نصیرالدین طوسی ٣، ٧٨٤
تذکره آرزو ر.ك مجمع النفایس
تذکره آنندرام مخلص

تذکرة الابرار والاسرار_ عبدالکریم ٧٥٧
تذکره ابوالبقا ٧١٨
» الاتقیا ٢٨٧
» اختر ٧-٧٢٢
تذکرة الاخوان_ سلیمان میرزا
قاجار ٧٨٤
» الاسامی_میرزا آفندی ٧٧١
تذکره استرآباد_محمد صالح استرآبادی
» الامراء_کیول رام ٧، ٧٦١
تذکره امروهه_ سید محمد طاهر حسین
امروهوی ٧٦٥
» انجمن ناصری ر.ك انجمن ناصری ٧٢٣
» اویسیه ٧٦٢
تذکرة الاولیا_حاج شیخ علی ٧٦٣
» اولیاء _حاج محمد کریم خان
کرمانی ٧٥٧
» اولیاء خواجه پاشا ١
» اولیاء، شمس الدین سلماسی
پرویزی ٧٦٤
» اولیاء_شیخ صیف (سیف) الدین
محمد طبیعت ٧٥٦
» الاولیاء، شیخ فریدالدین عطار ٣٠٢،
٧٥٨
» » یا امرات کرمان_ سعید
محرابی ٧٦٣
» _نعمت الله رضائی ٧٤٢

« « سلسلة العارفین۔ محمد بن
برہان الدین سمرقندی ٧٦٠
تذکرہ باغ ارم ٦٢٠، ٧١٠
« باقی۔ ر.ک. بدیع الامینیہ ٧٢١
« بیطیر۔ عبدالوہاب افتخار
دولت آبادی ٣٩٣، ٤٢٦
٤٤٣، ٥١٩، ٦٢٠، ٦٤٥، ٧١٠
« ثمر بائیبی۔ سید حسن ثمر بائیبی ٧٢٣
« تقی اوحدی۔ ر.ک. عرفات العاشقین
« تاریخی۔ میرزا افضل اللہ
وزیر نظام نوری ٧٨٦
« تقی کاشی۔ ر.ک خلاصة الاشعار
« (جوہر) پی ردی ٦١٩-٧١٠
تذکرة الحق۔ محمد امیر ٧٤٣
« حسین دوست ر.ک تذکرہ حسینی
« حسینی۔ میر حسین دوست سنبھلی
٣١٧، ٣٣١، ٥٩٨، ٦١٩، ٦٤٥
« حقیقت الشعرا۔ قدرت اللہ
صدیقی شوق سنبھلی ٧٣٨
« خاور ٧٨٥
« خاوری۔ فضل اللہ حسینی ٧٨٦
« خواجہ امین الدین حسن بخاری
ر.ک. تذکرة الاحباب
« خواجہ باقی باللہ۔ خواجہ باقی اللہ
نقشبندی ٧٤٢
« خواجگان۔ محمد صادق کاشغری ٧٦١
تذکرہ خواجگان نقشبندیہ ٧٥٦
تذکرة الخواتین۔ میرزا محمد ملک الکتاب
شیرازی ٦٢٢
تذکرة الخواتین۔ میر دوستی ٧٨٥
تذکرہ خرابات ١٦٣
تذکرہ خوشگو۔ ر.ک. سفینہ خوشگو
٧، ٧٦٧
تذکرہ خوشنویسان۔ غلام محمد دہلوی
تذکرہ درویش نوا کاشانی ٧، ٧٢٥
تذکرہ دلگشا، علی اکبر بسمل
شیرازی ٧، ٧٢٣
تذکرہ و دیوان بسمل۔ حاج علی اکبر
نواب بسمل شیرازی ٧٢٧
تذکرہ رشحات۔ شہاب اصفہانی ٧، ٧٢٧
تذکرہ ریختہ گویان گردیزی۔ سید
فتحعلی حسینی ٣٣١، ٧٣٧
تذکرة السالکین۔ حاج میرزا اردبیلی ٧٦٣
تذکرہ سامی ر ک تحفہ سامی
تذکرہ سخن آفرینان هندی زبان۔
میر غلام حسین راتمائی ٧٣٨
تذکرہ سخنوران یزد۔ خاضع ٧٠١
تذکرہ سرخوش۔ ر.ک کلمات الشعرا ٦٨١
تذکرہ سلاسل قادریہ وچشتیہ وغیرہ۔ محمد
اسد اللہ خان و محمد حفیظ اللہ ٧٥٥
تذکرة السلاطین ٧، ٧٢٤
تذکرہ سلطانی۔ ملا بہاء الدین کشمیری ٧٥٦

تذکرة السلسله ـ صابر ابوالقاسم مدرس ۷۲۲
تذکره شاعرات ۳۹۹
تذکره شاه طهماسب صفوی ۷۸،٤
تذکرة الشباب ـ محمد مهدی اصفهانی ۷۲۶
تذکره الشباب ـ سیدمیرزا محمد علی شهلا ۷۲۸
تذکره شجاعیه ـ محمدحسین شجاع الملک شجاع شیرازی
تذکرة الشعرای آزاد ـ ر ك. سروآزاد ویدبیضا وخزانه عامره
تذکره الشعرای اردو ـ میرحسن ۷۳۸
تذکرة الشعرا ـ صدیق خان ۷۲۸
تذکرة الشعرای اخلاص ـ ر ك. همیشه بهار
تذکرة الشعرا ـ باباشاه ۷۱۸
تذکرة الشعرا ـ بهاءالدین حسن خان عروج ۷۰۹
تذکرة الشعرا (تالیف قرن ۱۱ هـ) ۷۱۹
تذکرة الشعرا (؟) تألیف میان سالهای ۱۱۷۰ و ۱۱۸۰ هجری ٤۰، ٤۳۷
تذکرة الشعرای پارسی گوی کشمیر یا ایران صغیر ـ دکتر عرفان ۶۸۰
تذکرة الشعرا پته خزانه، محمد هوتك ۷۲۹
تذکره شعرای چهارمحال ـ سرهنك اوژن ۷۳۲
تذکرة الشعرای حزین ـ ر.ك تذکرة المعاصرین
تذکره شعرای خوانسار ـ یوسف محشی خوانساری ۷۲۳
تذکره شعرای دکن (اردو) ۷۰۳
تذکرة الشعرا ـ رکن الدین محمد خوافی ۷۱۳
تذکرة الشعراء، دولتشاه سمرقندی ۵۶، ۵۷، ۱۳۱، ۱٤۵، ۱۷۵، ۱۹۳، ۲۸۶، ٤۲۶، ٤۶۰، ٤۷۳، ٤۹۰، ٤۹۶، ۵٤۰، ۶٤۵، ۷۰۳، ۷۱۳
تذکرة الشعراء دیده معول ۷۱۰
تذکرة الشعرای سجان قلی خان ۷۱۹
تذکره شعرای سمنان ـ نصرت‌الله نوحیان ۷۳۳
تذکرة الشعر ـ شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت ۷۱۱
تذکرة الشعرای غنی ۱۳۸، ۱۵٤، ۶٤۳
تذکره شعرای قائنات وقهستان ـ ضیاء ـ الدین محمدحسین ضیاء بیرجندی ۷۳۱
تذکرة الشعرای متین ـ ر ك حیات الشعرا
تذکره شعرای معاصر اصفهان ـ سیدمصلح الدین مهدوی ۷۳۲
تذکرة الشعرای معاصر ایران ـ عبدالحمید خلخالی ۷۰۳
تذکرة الشعرای معاصر هرات ـ محمد عواص ۷۳۱

تذکرة الشعرای معاصرین ـ سید ضیاءالدین محمد اصفهانی ۷۲۸
تذکرة الشعرای معاصرین ـ ملاشاه محمد دارابجردی ۷۳۱
« الشعرا ـ میرتقی الدین اوحدی تقی ملتانی ۷۱۱
« الشعرای وارسته سیالکوتی د ۳۹، ۷۱۰
« هند ـ مولوی محمد کریم ۷۰۹
« هنود ـ بشاش ۷٤۱
تذکرة الشعر والشعرا ـ مفتون ۷۲٤
تذکره شمس التواریخ ـ اسدالدین محمود گلپایگانی ۷٦۷
« شورش ـ سیدغلام حسین شورش ۷۳۸
« شوشتر ـ سید عبدالله جزایری فقیر ۷۷٦
« شیوخ بخارا ۷٥۹
« صائب ۷۸٥
«تذکره صاحبقران ـ ر ك بوستان خیال
« صاحبقران یا بوستان خیال ـ سیدمحمد تقی حسین ۷ ـ ۲۷
« صبح صادق ـ ر ك. صبح صادق
« صحایف شرایف ـ میرمحمد عسکری ٥٤۰
« صفوة الصفا ـ ابوالفتح الحسینی ۷٥۹
« صوفیه ـ رشکی ۷٥٦
« طلعت ـ طلعت اعتمادمقدم عنقا ۷۳٤،۷
تذکرة العارفین ـ هادی عرفانی فسائی ۷٦۳
« العاشقین ـ تقی اوحدی
« العاشقین ـ شیخ حزین ۷۸٥
تذکره عبدالرزاق بیك دنبلی ۷
« عبدی ۷۸٥
« عشقی ـ شیخ و جیه الدین عشقی عظیم آبادی ۷۳۹
« علمای اسلام یا ستارگان فروزان ـ یحیی انوری ۷۷۲
« علما ـ خیرالدین محمد اله آبادی ۷٦٥
«علمای هند ـ احمدعلی ۸٦٥،٦
« علوی ـ رضا ثابتی ۷۳۲
« علیقلی خان واله ـ ر ك ریاض الشعرا
« علی گردیزی ـ سیدفتحعلی حسین گردیزی ۷۳۷
« غریبی ۷۳۰
« غلامعلی آزاد (؟) ۲٤۸
« فارسی ـ شیخ غلام همدانی مصحفی امروهوی ۷٤۰،٤٦٦
« قادریه ـ محمدعبدالله رشید قادری کبیرانوی ۷٤۷
تذکرة القبور ـ عبدالکریم اصفهانی ۷٦۳
تذکره قدسیه ـ محمد ابراهیم بدایع نگار ۷۲۲
« کاتب ـ میرزا محمد علی کاتب صفوی ٥۱۲
« کاظم ۷۲۷

تذکرة الکرام ـ محمد ابوالحیات قادری پهلواری بهاری
تذکره کنور الشعرا ـ صدرالدین محمد مهبابی ۷۸۵
« گلشن هند ـ میرزا علی لطف ٤٦۲
« لذت النسا (ط تذکرة النسا) ٤۹٦
« مآثر المعاصرین ـ محمد مهدی فروع اصفهانی ۷۸٦
« متاخرین شعرای پارس ـ فصیح الملک شوریده ۷۳۲
تذکرة المتقین ـ مولوی سید محمد امیر حسین مداری قنوری ۷۵۲
تذکره محمدیه ـ میرزا ابراهیم منشی ۷۲۸
تذکرة المحققین ـ تاج العلما سید علی نقوی نصیرآبادی لکهنوی ۷۵۷
تذکره محمدشاهی ـ نواب بهمن میرزا ۲۷، ۷۲۵
« مختصر درحال ریختهٔ گویان هند ـ محمد صدرالدین ۷٤۱
« مسرت افزا ـ ابولحسین امیرالدین احمد الهآبادی ۷۳۹
« مسعودی ۷۲۹
تذکرة المراد ـ حاجی محمدحسین صفائی ۷٤۹
« المشایخ ۷۵٦
« المعاد ـ محمد ثناءالله پانی پتی محددی نقشبندی ۷۵۷
« المعاصرین شیخ علی حزین ۳٤۱، ۳۹۵، ٤۲٦، ٤٦۰، ٤۹۱، ٤۹٦، ۵۰٤، ۵۱۹، ٦۱۹
تذکره ملاقاطعی ٤۲۸، ٦۲۰
تذکرة الملوک (؟) تألیف درحدود ۱۱۳۸ه ۵
« الملوک ـ میر رفیع الدین ابراهیم شیرازی ۷٦۷
« الملوک ـ یحیی خان ۵
تذکره ممیر ۷۲۹
« منصف ـ سید عبدالرحیم ماربدرانی ۷۲٦
تذکرة میر لاهوری ٤۷۳، ۷۱۰
تذکرة الموتی والقبور ـ مولوی محمد ثناءالله پانی پتی محددی نقشبندی ۷۵۷
« الموحدین ـ شیخ جواد یزدی ۷٦۳
تذکره وتبصره ـ مهدی حسین ناصری ۷۱۰
« میرتقی ـ ر.ك نکات الشعرا ۳۸٤
« میرزا محمد صائب ـ ر.ك بیاض صائب
« میکده یا آشیانه میکده ـ میرزا محمد حسن الحسنی ۷۲۲
« میکده ۷۰۵
« ناصری ـ مورخ الدوله عباسقلی سپهر کاشانی ۷۲۸
« ناظم تبریزی ۳۸٤، ٤٦۰، ٤۹۱، ۶۰۵، ٦، ٦۲۰، ۷۱۸

تذکره ندرت ـ علی فطرت عطاءالله
ندرت ٢٧٣،٣٩
تذکرةالنسا ـ تذکره شاعره‌های
هندوستان ٧١٠
تذکرةالنساء نادری ـ منشی‌درگاپرشاد ٧٣٥
تذکره نصرآبادی ـ محمد طاهر
نصرآبادی ٥،٦،٢٤٧،٢٤٩،٣٠٤،
٣٣٧،٣٨٤،٤٦٠،٤٧٣،٤٩٦،
٦٠٤،٦١٩،٦٨١
(ذیل بر) تذکره نصرآبادی ٧١٩
تذکره نصرت یالطایف‌الخیال ـ میرزا
محمد صالح حسینی ٧٨٥،٥
تذکره نوبهار ـ محمد رفیع‌الدین
نقشبندی ٤٨٩
تذکرة والهٔ‌اصفهانی ٧٢٠
تذکرةالهدایه ٧٥٠
تذکره هزار مزار ـ عیسی‌بن جنید
شیرازی ٧٦٠
تذکره همایون و اکبر ـ بایزید
بیات ٧٨٤،٥
تذکره همیشه بهار ـ ابوالقاسم حیدر ٧٢٠
تذکره هندی ٧٠٥
تذکره هندی گویان ـ شیخ غلام
همدانی مصحفی امروهوی ٤٦٥،٤٦٨
٧٣٩
تذکره یخچالیه ـ محمد علی بهار
اصفهانی ٧٢٦
تذکره یوسف علیخان ٤٤٦
تذهیب طباع ـ قانع ٤٠٦
ترجمان وهابیت ـ نواب صدیق
حسن ٦٠٠
ترویج‌نامه حسن وعشق ـ قانع ٤٠٥
تسلیةالفواد فی‌قصاید آزاد ٣٩٤
تشریح نادر ٣١٧
تصحیح غرایب‌اللغات عبدالواسع
هانسوی ٣٣٥
تفریح‌الطالبین فی ارادت مولانا
به‌شمس‌الدین ـ محمدافضل‌اله‌آبادی ٧٥٧
تفسیر در منثور شیخ جلال‌الدین
سیوطی ٤٢٨
تفسیر فتح‌البیان فی مقاصدالقرآن ـ
نواب صدیق ٥٩٧
تفسیر قاضی بیضاوی ٤٢٨
تفضیح‌الغافلین ٤٨٢
تکملةالشعرای جام جمشید ـ مولوی
قدرت‌اله شوق ٢٤٣،٤٦٨
(ترجمه) تکمله‌کتاب روضةالریاحین
فی‌حکایات الصالحین عبدالهٔ‌الیافعی ٧٦٢
تکمله مقالات‌الشعرا ـ محمد ابراهیم
خلیل ٢١،٦٢٥
تنبیه‌الغافلین ـ سراج‌الدین علیخان
آرزو ٢٣٤،٣٥٤،٢٤٨

تنقید شعر العجم ـ پروفسور محمود
شیرانی ۷۳۵
تمیق شگرف ـ شفیق ۳۴۱
تورک نادری ـ نادرشاه ۷۸۱
تورک تیموری ۴۰۸
تورک جهانگیری ـ جهانگیر شاه ۷۸۱
تیمورنامه ـ هاتفی ۳۱۷
ثمرات اول ـ فرات ۷۰۴
ثمرات القدس ـ لال بیگ ۴۲۸، ۵۹۸،
۷۵۶
ثمرات المشایخ ـ سید رنده علی ۷۶۱
ثواقب المناقب اولیاء الله ـ عبدالوهاب
۷۵۹
همداد
جام جهان‌نما ـ عبرتی ۵۳۸، ۷۷۹
جام جهان‌نما ـ مظفر حسین وصفی ۷۷۵
جامع التواریخ ۱۱۸
جامع (جوامع) الحکایات ۶
جامع الفواید ـ کهرک پت رای کایست ۳۴۰
جامع مفیدی ـ محمد مستوفی باقی
۷۰۴، ۷۸۲
جامع المقامات ـ عبدالبقا ۷۶۱
جام گیتی‌نما ـ رحمی ۵۲۴
جدید فارسی شاعری ـ دکتر منیب الرحمن
۷۳۶
جریده آوار تاجیک ـ سمرقند ۶۶۶
جریده افغان ۶۶۶
جعفر اوحدی ۱۵۶
جنگ‌های مخطوط در بنگاه خاورشناسی
کاما بمبئی ۷۰۵
جواب شافی ۳۹۵
جوامع الحکایات ـ محمد عوفی
۵۹، ۶۲، ۶۷، ۶۸، ۶۹
جواهر الاسرار ـ شیخ آذری ۱۱۸، ۱۷۵،
۲۸۷، ۴۷۳
جواهر زواهر ۶۲۰، ۷۱۲
جواهر العجائب ـ مولانا سلطان محمد فخری
بن امیری ۴۶، ۹۴، ۹۶، ۱۹۳، ۳۹۹، ۶۲۰
جواهر فریدی ـ علی اصغر چشتی ۷۴۴
جوش و خروش ـ آرزو ۳۳۴
جهان‌آرا ـ ر.ک تاریخ انگلستان
جهانگیر نامه ۲۴۵
چراغ هدایت ـ آرزو ۳۳۲، ۵۱۹
چشتیه بهشتیه ـ علاء الدین چشتی براوی
۷۴۶
چمنستان شعرا ـ لچهمی نرائن شفیق
اورنگ آبادی ۴۲۹، ۷۳۸
چمن و انجمن ـ حزین ۳۶۳
چهار دفتر شوق ۴۴۷
چهار ربن شاعر بزرگ ایران (انگلیسی) ـ
دکتر محمد اسحق ۶۶۵
چهار چمن ر ک مجموعه عشق
چهار گلشن ـ رای چترمن ۷۷۵

چهارمقاله ـ نظامی عروضی سمرقندی
۷۷۵،٤۷۳،٤۲۷،۲۸۷،۱۷
حاجی بابا (اصفهانی)ـموریر ۳٤۵
حاشیه نفحات ـ محمددهدار ۲۸۷
حالات‌حیدرآبادـشفیق ٤٤۱
حبیب السیر ۱۵۷،۱٤۵،۱۱۸،٦۰،
۷۸۲،٤۹۰،٤۲۸،۳۹۹،۲۸۷
حدایق الجنان‌ـعبدالرزاق بیک دنبلی
مفتون ۷٦۹
حدایق‌السحرـوطواط ٦٦٦،٤۲۷
حدایق‌السلاطین ـ علی‌بن‌طیفور بسطامی
۷٦۷
حدایق‌الشعراـمیرزا امیربیک
بنارسی ۵٦۲،٤۰
حدایق المعانی ر ک گلستان مسرت
حدیث عشق‌یاربا عیات عرفانی ـ
دکتر عرفانی ٦۸۰
حدیقةالاحباب فی‌ذکرالمعروفین
بالکنی و القاب و انساب ـ شیخ
عباس قمی ۷۷۰
حدیقة الاقالیم ـ مرتضی حسین
بلگرامی ۷۷٤
حدیقه امان اللهی ـ میرزاعبداله
رونق کردستانی ۷۲۱
حدیقةالاولیاء ـ سیدعبدالقادرتتوی ۷٤۸
حدیقه ثانی ۳٦۳
حدیقةالسلاطین ـ میرزا نظام‌الدین
احمد شیرازی ۷٦۷
حدیقةالشعرا ـ دیوان بیگی ۷۲۹
حدیقة الصفا ٤٤٦
حدیقه‌عشرت ـ کنورپرشاد مهر
سندیلوی ٦٤۰
حدیقه علیا ـ قانع ٤۰۷
حدیقه‌المرام مولوی محمدواصف مدراسی
۵۵۸ ۵۲۹
حدیقه‌هندی ـ بهگوان داس هندی ۵۰۳
۷۱۱
حضرات‌القدس ـ شیخ‌بدرالدین سهرندی
۷٤۵
حقایق الانوار پارسی ـ عبدالرزاق دنبلی
۷۷٦
حقایق‌الاولیاـ محمدقیام‌الدین‌فاروقی ۷٤۷
حقیقت‌الشعرا ـ شوق ٤٦۹
حقیقت‌های هندوستان ـ شفیق ٤۳۹ ٤٤۱
حکایات‌اولیاء صالحین ۷۵۳
حکایات‌الصالحین ـ عثمان‌بن‌عمر ۷۵۳
حماسة‌الظرفا ـ ابومحمدعبدالکافی‌زوزنی
۷۱
حوارالعرب ـ غنی ٦٤٤
حوض‌الکوثرفی‌تکمله روض‌الازهر ـ
علی‌ابوزقلندر ۷۵۱
حیات‌الشعرا ـ متین کشمیری ۳۹۵ ٤۲٦
٤٤۳ ۵۱۹ ٦۰٤ ٦۱۹ ۷۱۰
حیات فریاد ۵۳۹

حان آرزو و آثاروی ۳۳۰
حرامات ـ حرین ۳۶۳
حرمن گل ـ علی حسن حان ۶۰۷
حریطه جواهر ۵۱۹ ۶۲۰ ۷۱۲
حرانه عامره ـ میرعلامعلی آراد بلگرامی ۲۰
۲۱ ۲۵۸ ۲۶۴ ۲۶۸ ۲۹۸ ۳۲۷
۳۲۸ ۳۳۹ ۳۵۱ ۳۵۳ ۳۹۷ ۴۲۰
۴۲۵ ۴۴۳ ۵۱۹ ۵۹۸ ۶۰۴ ۶۱۹
۶۴۵ ۶۸۱
حرینة الاصفیا ـ مفتی محمد علام سرور قریشی
اسدی هاشمی لاهوری ۷۵۰
حرینة الشعرا ـ سیدعلی احملی ۵۶۳
حرینة العلوم ـ منشی درگاپرشاد نارسرهندی
۷۴۱
حرینة گنج الهی ـ میرعماد الدین محمود
الهی حسینی ۱۹۱
حطای نامه ـ سیدعلی اکبر حطائی ۶۲
حلاصة الاشعار ـ تقی کاشی ۲۰ ۱۲۴
۴۲۶ ۴۶۰ ۴۷۳ ۶۰۴
حلاصة الافکار ـ ابوطالب حان تبریزی
اصفهانی ۴۰ ۲۶۵ ۴۷۷ ۵۱۹
حلاصة البدیع ـ شمس الدین فقیر ۴۸۶
حلاصة ریاض الشعرا ۴۷۳
حلاصة الشعرا (ومیحانه) ملاصوفی مازندرانی
و عبداللطیف عباسی ۲۰ ۲۶ ۱۳۴
حلاصة العارفین ۷۵۳
حلاصة العروض ـ مصحفی امروهوی ۴۶۵
حلاصة الکلام ـ علی ابراهیم حلیل ۴۵۶
۴۷۵
حلاصه لطایف الخیال ر. ك. تدکره نصرت
(ترحمه) حلاصة المعاصر ۷۵۸
حلاصة المناقب ـ احمد بن محمد ۸۵۹
حلاصة الهند ـ شفیق ۴۴۱
حوارق السالکین ۷۴۶
حوان حلیل طهوری ۳۷۴
حورشید لامع یا منظر العالم ـ نحم طباطبائی
۵۶۰
حیابان ـ آردو ۳۳۳
حیر البیان ۷۱۸
حیرات حسان ـ اعتمادالسلطنه محمدحسن
حان صنیع الدوله ۷۲۹
دادسحن ـ آرزو ۳۳۵
داستانهای عشقی پاکستان ـ دکتر عرفان
۶۸۰
دانشمندان آذربایحان ـ محمدعلیخان تربیت
۷۷۰
دانشوران حراسان ـ علامرضا ریاضی ۷۷۰
دانشمندان و سحن سرایان ـ محمدحسین
رکن زاده ۷۳۴
دریای گوهر (حلد سوم) ـ مهدی حمیدی
شیرازی ۷۸۷
دستور الفصاحت ـ حکیم سیداحمدحان یکتا
۷۴۰
دستور الفصحا ۱۷۰ ۱۷۳

دفتر اشعار منتخب ار حاج سیدابوالفصل
سعیدی ٧٠٥
دیباچه‌دیوان حسین‌ثنائی ١٧٦
دیباچه دیوان عراقی ١٧٥
دیباچه دیوان فیضی ١٧٦
دیباچه غرة‌الکمال ١٧٦
دیوان آدمیت ـ اوحدی ١٥٥
دیوان آراد (ملگرامی) ٣٩٥
دیوان اثر ٣٩٥
دیوان اسلم سالم ٦٨٢
دیوان اشعار ـ قابع ٤٠٧
دیوان‌اعظم ٥٤٩
دیوان امیرآباد ١٥٥
» امیری ٦٦٦
» حویا ٦٨٢
» حاصع ٧٠٢
» حلیل ٦٣٤
» درروغرر ـ اوحدی ١٥٥
» ذوقیه هندی ٥٠٣
» شوقیه هندی ٥٠٣
» عارف ٦٦٧
» عشقی ٦٦٧
» علی‌شیر ـ قابع ٤٠٤
» غنی ٦٨٢
» فارسی ـ رحمی ٥٢٤
» فالعم ـ قابع ٤٠٤
» قصاید و عرلیات ادیب پشاوری ٦٨٨
» قوام‌الشعرا ٧٠٤
» کمال‌الدین اسمعیل ١٢
» محدالدوله ١٧
» مسکین ـ حلیل ٦٣٤
» منتحب‌سراج‌الدین‌علیحان آررو ٣٤١
» وحشی‌بافقی ٧٠٤
» یعمای چندقی ٧٠٤
دحیرة‌الحواقین ٤٩٠
دکرالاصفیا فی‌تکلمه سیرالاولیاء درمنقت
شمس‌الهداگل‌محمد معروفی‌کرحی جشتی
٧٤٩
دکرحمیع اولیای دهلی ـ محمد
حبیب‌اله اکبرآبادی ٧٤٧
دکرمیرتقی‌میر ٧٣٩
دیل‌میحانه ١٨٥
راحة‌الصدور نحم‌الدین ابوبکر ـ محمد
راوندی ١٤ ١٧ ١٨ ٧٨١
راهنمای‌کتاب ٥١١
رباعیات حاصع ٧٠٢
رحال‌اصفهان یا تذکرة‌القبور ـ
ملاعبدالکریم‌اصفهانی ٧٦٩
رساله اشتقاق ـ احمدعلی ٥٨٦
رساله بدرحسین ـ ترك‌علیشاه ٦٥٠
رساله بزرگان سمرقند ٧٦٢
رساله ترانه ـ احمدعلی ٥٨٦
» در عحایب وعرایب هند ١١٩
» دررسل صوفیه ٧٥٧

» درس شالباقی ۶۸۲
» رباعیات خیام۔ احمد بن حسین
رشیدی تبریزی ۳۸۷
» سالارجنگ ۷۷۵
» سوانح السوہ ـ ہندی ۵۰۳
» صیدیہ ۳۶۵
» عبدالواسع ہاسوی ۵۸۸
» علمی مع شرح ـ ق، نع ۴۰۷
» فرس نامہ ۳۶۴
» قافیہ۔ مولانا قاسم کاہی ۵۸۸
»۔ قطعہ عشقیہ ۷۵۴
(ترجمہ انگلیسی) رستاخیر عشقی ۶۷۷
رشحات عین الحیات ـ فخرالدین
علی کاشفی صفی ۷۶۰
رشی نامہ۔ بابا نصیب الدین سہروردی ۷۴۳
رشی نامہ ـ بہاءالدین بہا ۷۴۴
رقعات عالمگیری ۴۸۶
رقیۃ القم ۷۱
رک میبا۔ میرزا رضا ہمدانی ۶۸۸
روح اقبال ـ دکتر محمد یوسف حسین
۶۸۸
روز روشن ــــ محمد مظفر حسین
گوپاموی ۲۴۰
۳۱۱، ۳۱۳، ۶۰، ۶۱۲، ۶۱۹، ۷۰۳
روزنامہ بہار ۶۶۶
روزنامہ طوفان ۶۶۶
روزنامہ ملتی ۷۳۱
روزنامہ نسیم شمال ۶۶۶
روضات الجنات فی اوصاف مدینۃ الهرات
معین الدین سفزاری ۶۶۵
روضات القیومیہ ـ ابو الفیض کمال الدین
محمد احسان ۷۴۸
روضۃ الابرار ـ ابوالحسن محمد قادری لاہوری
۷۵۴
الروضۃ الازہر فی مآثر القلندر بالطایف
الاذکار فی مناقب الحمدہ الاخیار ۔ مولوی
شاہ تقی علی قلندر کاکوروی ۷۵۱
روضہ اطہار ۔ محمد امین حشری تبریزی
۷۶۱
» اقطاب ـ محمد بلاق خالدی
دہلوی ۷۴۶
روضۃ الاسیا ۴۰۶
» الاولیا ۲۶۸
» الاولیا فی احوال اصفیا۔
محمد حسین ۷۵۴
» الاولیا ـ میر غلام علی آزاد بلگرامی
۷۴۸
» الجنان وجنۃ الجنان ـ حسین
واعظ قزوینی تبریزی ۷۶۰
(ترجمہ فارسی)۔ روضۃ الریاحین
فضل اللہ جہان ۷۵۸
روضۃ السلاطین ـ مولانا سلطان محمد
فخری بن امیری ۹۱، ۹۵
روضۃ الصفا ۱۱۹، ۱۴۵، ۷۸۳

روصة النعیم۔امین احمدثبات فردوسی ۷۵۲
رومی عصر۔دکتر عرفانی ۶۸۰
ریاض الافکار۔وزیرعلی عبرتی ۷۶۵،۵۳۷
ریاض الاولیاء۔محمدبقا سهارنپوری ۷۴۶
ریاض الجنه۔ میرزا حسن حسینی فانی ۷۷۶
ریاض الشعرا۔علیقلی خان واله داغستانی ۳۰
۱۶۱ ۲۴۹ ۲۹۳ ۲۹۹ ۳۹۹ ۴۲۶
۴۲۶ ۴۴۳ ۴۴۹ ۴۶۰ ۴۷۰ ۴۸۱
۴۹۱ ۴۹۶ ۵۰۴ ۵۱۹ ۵۴۰ ۵۵۴
۵۹۸ ۶۰۴ ۶۱۹ ۶۴۵ ۶۸۱
ریاض الشعرای ریاض ۷۱۸
» الصفافی مشاهیر الرجال والنساء۔
محمدمهدی فروغ اصفهانی ۷۷۱
» العارفین۔ رضاقلیخان هدایت ۷۶۱۷
» الفردوسی۔مولوی محمدحسین شاه
جهانپوری ۵۸۲
» الفصحا (تذکره شعرای اردو)
امروهوی ۴۶۴ ۴۱۵ ۷۴۰
» الواصلین ۔گرامی ۷۶۱
» العرفان ۔ذوالفقارعلی مست ۵۱۴
» النور۔محمدامام الدین ۷۵۴
ریحانة الادب ۔ میرزامحمدعلی تبریزی
۷۷۰
زادالمتقین فی سلوك طریق الیقین۔
عبدالحق دهلوی بخاری ۷۴۲
زایدالفواید ۔ آرزو ۳۳۷
زایدة الغرایب۔ نجم طباطبائی ۵۶۰
» المعاء الحسینی ۷۲۳
» المقامات ۔محمد هاشم البدخشانی
۷۴۴
» المناقب۔قانع ۴۰۵
زبان سخنور۔ علی اکبر شیرسلیمی ۷۰۳
۷۳۳
زندگی شاه عباس اول ۷۰۴
زوایدالفواید۔ عبدالواسع هانسوی
زینت الاخلاق ۔قانع ۶۰۴
زینت الزمان یا تاج التواریخ وسلالة السیر۔
ملك الکتاب شیرازی ۶۲۲
زینة المدایح ۔ محمدصادق ۷۲۱
زبدة الغرایب۔ محمدرضا نجم ۷۷۹
ساغتی باشاعرر ك صدف
ساقی نامه۔ ترك علیشاه ۶۵۰
سالك طریقت ۷۵۴
سامی فی الاسامی ۔حشری تبریزی ۷۶۹
سبحة المرجان فی آثارهندوستان ۲۶۹
سخن الشعرا ۔ مولوی عبدالغفورخان
بهادرنساخ ۷۱۱
سخنوران ایران درعصرحاضر۔ دکتر
محمداسحق ۲۶،۲۶۶
سخنوران بلندفکر۔مولوی محمدمنورگوهر
۲۵۹،۲۶۱،۵۲۹،۷۳۵
سخنوران چشم دیده ۔ ترك علیشاه قلندر

نورمحلی ٤٧٦

سخنوران عصرپهلوی و ك. سخنوان در عصرحاضر ٧٠٥

سخنوران نامی‌معاصر-سیدمحمدباقر برقعی ٧٣١،٧٠٤

سخن وسخنوران -استادفروزانفر ٧٢٩

سراج السالکین ولطایف‌العارفین- عبداله نقشبندی ٧٦١

سراج‌اللغته- آرزو ٣٣٢

سراج‌المحبت-عبرتی ٥٢٨

سراج منیر - آرزو ٣٣٤

سراج وهاج- آرزو ٣٣٤

سرافراز نامه- قانع ٤٠٦

سرالشهادتین-عبدالعزیزدهلوی ٥٦٤

سروآزاد- میرغلام‌علی آزاد ٢٦٨،٢٣٢
٣٢٩،٣٣١،٣٨٣،٣٩٨،٤٢٦،٤٤٣، ٤٦
٤٧٣،٥٤٠،٥٥٥،٥٧١،٦٠٣، ٧٠٢

سرودهای اهورا(ظاهرا بانگلیسی)دنشاحی ٦٧٧

سروراافرا ٤٨٩

سروالناظرین-ترك‌علیشاه ٦٥٠

سعدیه -حسین‌سرحسی ٧٦٠

سفینة الاولیا - شاهزاده‌محمد داراشکوه ٧٤٥،٥١٩

سفینه بیخبر-میرعظمت‌اله بیخبر ٤٢٦،١٣
٤٩٠،٥٥٥،٦٠٤،٦١٩

سفینه خوشگو - بندر ابن داس خوشگو
١٣ ١٤ ٢١ ٢٣٩ ٣٦٠ ٤٤٣

سفینةالسفینه ١٥٤

» الشعرا ١٣ ٣٩٠ ٤٩٠

» الشوق- رای منکارای شوق ٧١١

» العارفین- محمد امان٧٤٨ ٧٤٨

سفینه عشرت-درگاداس ٤١٤

سفینه علی‌حزین- شیخ‌محمدعلی‌حزین ١٣
٣٦٧ ٣٧٦

سفینة المحمود- محمود میرزا ٧٢٤

سفینه هندی - بهگوان داس هندی ٢٤٣
٥٠٠

سکینةالاولیاء محمدداراشکوه‌قادری ٧٤٥

» الفضلا -عبدالحکیم رتاقی ٧٢٩

سلافة العصر- سیدعلی معصوم مکی ٣٨٥

سلسله عالیه چشتیه فخریه .. سلیمانیه شاه‌عبداللطیف ٧٥٦

سلسله قادریه - عبدالحق‌شاه ٧٥٦

سلسله عالیه-عبدالحی حسینی ٧٦٢

سلسله عالیه -عنایت‌حسین ٧٥٦

سلسله‌عالیه‌چشتیه‌فخریه. . لطیفیه- شاه‌عبداللطیف ٧٥٦

سلسلة الالی‌معین‌الدین ثابت ٧٥٦

سلسله نامه خواجگان نقشبند - نور الدین‌قزوینی ٧٦٠

سلسلةالنسب‌الصفویه-شیخ‌حسین‌زاهدی ٧٦١

سلطان‌التواریخ-رحمی ٥٢٤

سلم السموات- قاسم ایرانی ٥٨٨

سند داد نامه ـ محمد بن علی الطهیری
السمرقندی۶۵
سدة السعادات فی حسن حاتمة السادات
۲۶۷
سواطع الاتقیا ـ شیخ بدرالدین سهرندی ۷۴۵
سواطع الانوار ـ محمد اکرم النارسوی ۷۴۷
سیاحت نامه ـ خواجه غلام الثقلین (هندی) ۶۶
سیر الاقطاب ـ اله دیا چشتی عثمانی ۷۴۵
سیر الاولیا فی محبت الحق حل و علی
سید محمد مبارك علوی کرمانی ۷۴۲
سیر العارفین ـ حامد بن فضل اله درویش
حمالی ۷۴۳
سیرت جلال الدین منکبری نورالدین محمد
نسوی ترجمه محمدعلی ناصح ۶۵
سیر المتأخرین ـ غلام حسین خان ۳۵۳ ۳۶۰
۴۵۷ ۴۶۲ ۷۷۹
شارستان چهارچمن ـ فرزانه بهرام ۷۰۴
شاعر شرق ـ تألیف عبداله انور بیگ
(انگلیسی) ۶۸۹
شام غریبان ـ لچهمی نرائن شفیق اورنك
آبادی ۴۴۵، ۵۵۵، ۶۰۵، ۶۲۰، ۷۱۱
شاهجهان نامه ـ رك عمل صالح
شاهجهان نامه ـ شیخ عبدالحمید ۳۸۴
شاهجهان نامه ـ ملاعلاء الملك تونی ۳۸۴
شاهد صادق ـ میرزا محمد صادق اصفهانی
۷۸۷
شاهکارهای شعر معاصر ـ فریدون کار ۷۳۳
شاهنامه ـ مصحفی امروهوی ۴۶۶
شبستان بستان ـ تذکره ۷۰۴
شجره اطهر اهل بیت ـ قانع ۴۰۶
شجره اولیاء طریقه قادریه مجددیه ـ
محمد یوسف علی قادری ۷۵۴
شجره اولیاء نقشبندی ـ حبیب اله نقشبندی
۷۵۴
شجره چشتی وقادری وقلندری وصابری ـ
غلام بهیك ۷۵۴
شجره خاندان نقشبندیه وقادریه
ابوالحسن صدیقی ناتوتی ۷۵۵
شجرة الطوری فی شرح آیت النور ـ حزین ۳۶۵
شجره طیبه ۲۶۸
شجره طیبه ـ حسین اله عربوی ۷۵۵
شجره طیبه ـ خاندان چشتیه ۷۵۵
شجره طیبه سلسله عالیه سهروردی حضرت
رفیقیه ۷۵۵
شجره طیبه سلسله عالیه نقشبدیه ۷۵۵
شجره طیبه قادریه ۷۵۵
شجره طیبه ـ قمرالدین علی مست ۷۵۸
شجرة العارفین ـ محمد علی الفت ۷۵۵
شجره قادری ـ غلام نبی ۷۵۵
شجره قادریه ـ رحیم بخش ۷۵۵
شجره مبارکه چشتیه صابریه شاه حبیب اله
ثا ... ب اللهی ۷۵۵
شجره متبرکه منظومه ـ رحیم بخش ۷۵۵
شجره مشایخ صوفیه کشمیر ۷۵۶

شجره نقشبندیه ـ سید امام علی ۷۵۶
شرایف عثمانی ـ غلام حسین ثامن صدیقی فرشوری بلگرامی ۲۶۸، ۷۶۶
شرح احوال و آثار حویا ـ باهتمام دکتر محمد باقر ۶۸۱
شرح اولیا ۷۶۳
شرح حال و آثار ملك الشعراء بهار ـ دکتر عرفانی ۶۸۰
شرح حدیقه ۱٤۳
شرح دیوان مرتضوی ـ میرحسین میبدی ۲۸۶
شرح قصاید عرفی ـ آرزو ۳۳۳
شرح قصیده لامیه ـ حزین ۳۶۵
شرح گلگشتی میر نجات ـ آرزو ۳۳٤
شرح مختصر المعالی ـ آرزو ۳۳٤
شرفنامه ۵۸۸
شعرای بزرگ ایران ـ هوشنگ مستوفی ۷۳۳
شعرای پارسی زبان کشمیر ر ك تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر
شعرای عصر پهلوی ـ دینشاهجی بهائی ایران ۶۷۷
شعرای فارسی زبان پیشاور ـ دکتر نذیر میرزا برلاس ۶۸۵
شعرای معاصر فارسی دکتر عرفانی ۶۸۰
شعر جدید فارسی (انگلیسی) دکتر محمد اسحق ۶۶۵
شعر العجم ـ شبلی نعمانی ترجمه فخر داعی گیلانی ۷۳۵
شعر فارسی در عهد شاهجهان ـ دکتر یار شاطر ۷۸۷
شفاء العلیل فی اصلاح کلام ابی الطیب المتنبی ۲۷۰
شکرستان فارس ـ سید محمد حسین شعاع شیرازی ۷۳۰
شکوفه زار ـ آرزو ۳۳۳
شکوه‌های ذوق و ادب ـ ابوالحسن احتشامی ۷۷۲
شمامة العنبر فی الهند من سید البشر ۲۶۹
شمایل اتقیا ۷۶۲
شمس الانساب ـ محمد معصوم شریف اصفهانی ۷۵۶
شمشیر تیز ـ احمد علی ۵۸۵
شمع انجمن ـ نواب سید صدیق حسن خان ۳۲۶، ۵۵۸، ۵۹۲، ۶۰۰، ۶۰۹، ۶۱٤، ۹۱۹، ۷۰۳
شیرازنامه ـ احمد بن ابی الخیر شیرازی ۱۵۷، ۷۵۹
صبح صادق ۲۸۷، ۳۸٤، ٤۲۸، ۵۱۹، ۶۰۵، ۷۷٤
صبح گلشن ـ سید محمد علی حسن خان ۵۲۱ ۵۶۹، ۶۱۱، ۶۱٤، ۶۸۱
صبح وطن ـ نواب علام غوث خان اعظم ۳۱ ۵۲۸، ۵٤۵، ۵٤۹، ۵۵۸، ۷۰۳
صحاح جوهری ٤۲۰

صحف ابراهیم- ابراهیم خان خلیل ۱۳۲، ۴۷۱،۴۵۹،۳۲۳
صحیفة الارقام ـ علاءالدوله قزوینی ۱۰۴
صحیفة الاعمال ومرآت الاحوال-عبدالعلی ۷۷۵
صدف یاساعتی باشاعر- دکترداریوش صبور ۷۳۳
صفوة الصفا- توکلی ۷۵۹
صفیردل-حزین ۴۶۳
صنایع الحسن - فخری ابن امیری ۹۴
صولت فاروقی -آشوب تورانی
ضرب کلیم اقبال لاهوری (ترجمه فارسی)
دکترعرفانی ۶۸۰
ضوءالدراری-آزاد ۲۶۹
ضیاءالقلوب - عمادالله فاروقی ۷۵۳
طبقات اکبری- نظام الدین احمد ۱۹، ۷۷۸،۴۹۶،۱۲۶
طبقات الادبا-کمال الدین ابی البرکات
عبدالرحمن ۱
طبقات الاولیاء - شیخ سراج الدین عمر ۱
» سخن - شیخ علام محی الدین قریشی
میرتهی ۵۱۱
» سخن- عشق ۴۴۸
» سلاطین اسلام ـ استانلی لین پول ترجمه
مرحوم عباس اقبال ۱۱۱
» شاهجهانی ـ محمدصادق ۱۸۹،۳۲
» الشعراء -ابی هفان البصری واسمعیل بن
یحیی الیزید ۱
» الشعرا ـ قدرت اله صدیقی شوق سنبهلی ۷۳۸،۵۴۰،۴۶۹
» صوفیه- عبداله انصاری ۷۵۸
» فقها ۱۱۹
» محمودشاهی ۱۱۷
» ناصری- منهاج الدین سراج ۷۸۱
مشایخ نقشبندیه بخارا ۷۶۲
طرایق الحقایق ـ معصوم علی نعمت اللهی
شیرازی ۷۶۲
طورکلیم - سیدنورالحسن خان ۷۴۱
طومارسلاسل گزیده - قانع ۴۰۶
ظفرنامه تیموری ـ شرف الدین علی یزدی ۷۸۳ ۱۱۸
ظفرنامه شاه عباس ۲۴۵
ظفرنامه ـ شرف الدین علی یزدی
ر.ك ظفرنامه تیموری
ظواهرالسریر- محمدالنیشاپوری ۷۴۷
عارف الآثار-محمدعارف بقائی ۷۱۰
عالم آب-آرزو ۳۳۴
عالم آرای عباسی ۴۷۳،۳۸۴،۲۸۷،۳۴۵، ۷۸۲ ،۵۱۹
عبرت فسانه ـ آرزو ۳۳۵
عجایب مخلوقات ۱۱۸
عراس بزرگان ۷۵۲
عرب نامه - ابوالقاسم باخرزی ۷۱
عرفات العاشقین ـ تقی اوحدی ۱۵۱،۳۹

١٩٣، ٢٧٤، ٣٠٤، ٣٣٧، ٤٥٠
٤٧٣، ٦٢٠
عشيات العشق ـ عشق ٤٤٧
عطيه كبرى ـ آرزو ٣٣٤
عقد ثريا ـ شيخ غلام همدانى
مصحفى امروهوى ٤٦٣
عمده منتخبه ـ نواب اعظم الدوله
مير محمد خان سرور ٧٤٠
عمل صالح يا شاه جهان نامه ـ
محمد صالح كنبوه لاهورى ١٤٢، ٣٨٤، ٧٨٠
عوالم الاسرار فى غرايب الاسفار ـ
عبدالكريم بن محمد قاضى ٧٧٧
عيار الشعرا ـ خوب چند ذكا دهلوى ٧٤٠
عين الحيات ـ تقى اوحدى ١٥٥
غرايب الاسرار ١١٨
غزالان هند ٢٦٧
غوثيه ـ قانع ٤٠٦
فارسنامه ناصرى ـ شوريده شيرازى ٦٦٧
فارسى امروز ـ دكتر عرفانى ٦٨٠
فانوس خيال ـ غنى ٦٤٥، ٧١٢
فتاوى مجمع المسائل ـ مولوى
شاه عبدالرحيم ٥٥٣
فتوح البلدان ـ ابوالحسن بلاذرى ٥١
الفرج بعد الشدة ـ قاضى ابى الحسن
بن على التنوخى ٥٤، ٦٩
فرحت الناظرين ـ محمد اسلم انصارى، ٧٧٤
فرحنامه ـ ترك عليشاه ٦٥٠
فردوس خيال ـ اوحدى ١٥٥
فرزانگان زرتشتى ـ رشيد شهمردان ٧٠٤
فرودسار ر ك. فرهنگ نفيسى
فرهنگ آنندراج ٢، ٨، ٩، ١١، ١٣
فرهنگ برهان قاطع ر ك. برهان قاطع
فرهنگ تازى بپارسى ـ استاد
بديع الزمان فروزانفر ١
فرهنگ تراجم شرقى (انگليسى)
٣١، ٤٦٨
فرهنگ جهانگيرى ٥١٩
فرهنگ رشيدى ٣٩٥، ٤٢٧، ٥١٩
فرهنگ فارسى ـ عبدالرشيد تتوى
ر.ك. فرهنگ رشيدى
فرهنگنامه ـ حزين ٣٤٣
فرهنگ نظام ـ سيد محمد على
(داعى الاسلام) ٢، ٩، ١٠، ١١، ١٣
فرهنگ نفيسى ـ ناظم الاطبا
٢، ٩، ١٠، ١١، ١٣
فرهنگ نويسى فارسى (انگليسى) ـ
بلوخمان ٣٣٢
فضايل ملح ٧٦٣
فلسفه ايران باستان ـ دنشاجى ٦٧٨
فوايد سعديه ـ قاضى محمد ارتضى
على خان خشنود گوپاموى ٧٥٠
فوايد الفواد ـ نجم الدين حسن سجزى ٧٥٧
فوايد الفوايد ـ صمصام الدوله ٢٨٥
فهرست كتابخانه ليدن ٦٢

قاموس الاعلام ـ شمس الدین حامی ۹۳
قاموس العلوم ـ شمس اللہ قادری ۲۶۰، ۲۶۹
قاموس مشاهیر ۷۶۵
قصر عارفین ـ احمد علی حیر آبادی ۷۵۱
قصص الحاقانی ۷۱۹
قصص العلماء ـ محمد بن سلیمان تنکابنی ۷۶۹
قلم قدرت ۱۵٤
قندپارسی ٦۱٤، ٦۲۰، ۷۱۱
قوانین انشاء بالغ ٤۰۹
قول فیصل ـ امام بخش صهبائی ۳۵۵
کارنامه ـ نظام الدین احمد صدیقی
حسینی ۷٤٦
کافیة القافیه ـ اوحدی ۱۵٦
کانون شعرا ٦٦٦
کتاب ملاراده ـ احمد بن محمد بن
معین الفقرا ۷۵۹
کرامات الاولیا ـ نظام الدین احمد صدیقی
حسینی ۷٤٦
کرامت الاولیاء ۷۵۳
کشف الساعه یا ممتحنات محمدی ـ
ملک الکتاب شیرازی ٦۲۳
کشف الظنون حاجی خلیفه ۲۰۱، ٦۰، ۵۹۷
کشف المحجوب ـ علی بن عثمان
الجلابی الهجویری ۷٤۲
کشکول ـ آزاد ۲۷
کشکول مسکین ٦۳٤
کعبة الحرمین ۱۵٤
کعبه دیدار ـ تقی اوحدی ۱۵٤
کعبه عرفان ـ اوحدی ۱۵۵، ۲۷٤، ٤۹٦
کلام الملوک ـ میر سعادت علی رضوی ۷۳۵
کلمات الشعرا ـ میان محمد افضل
سرخوش ۱٤، ۱۹۱
۲۱۰، ۲۲۱، ۲٤۹، ۲۸۷، ۳۳۸
۳۸٤، ٤۰۸، ٤۲٦، ٤٤۳، ٤٦۰
٤۷۳، ۵۱۹، ۵۵۵، ۵۷۱، ۵۸۸
٦۰٤، ٦۲۰، ٦٤۵، ٦۸۱
کلمات الصادقین ـ محمد صادق
کشمیری همدانی ۷٤۳
کنز الانساب ـ عبدالرزاق عطا حسینی ۷۵۳
کلیات آرزو ۳۳۳
« اوحدی ۱۵۵
« بسمل بخاری ٦۸۸
« خوشحال خان ٦۸۸
« رضا همدانی ٦۸۸
« رعنای کاظمی ٦۸۸
« سرخوش ۲۱۳
« سید جگر کاظمی ٦۸۸
« سید ضیا جعفری ٦۸۸
« سید محمد شاه برق ٦۸۸
« قاسم علیخان آفریدی ٦۸۸
« ملک ناصر علیخان ٦۸۸
« ندرت ۲۷۳
« نعمت خان عالی ۳۸۵
کنه المرام ـ حزین ۳۵۱
گزارش مسوطی راجع با هالی کشمیر ـ

مرتبه متین الزمان ۶۸۲
گلبانگ ترکی ۶۵۰
گل بهشتی۔ امین‌احمدثبات فردوسی ۷۵۲
گلچین جهانبانی ۔ سرتیپ
محمدحسین جهانبانی ۷۰۴
گلدسته ۔ عبدالوهاب عالمگیری
۲۷۴،۱۶۳،۴۰
گلدسته کرامات۔حکیم باقرحسین‌دایق
۵۷۱،۵۵۸،۵۲۷،۳۱
گلدسته نشاط ۔مولال ۷۸۸
گل‌رعنا۔ لچهمی نرائن‌شفیق اورنگ‌آبادی
۴۳۸،۴۲۱،۳۱۳،۲۴۳،۲۲۹
۶۲۰،۶۰۵،۵۵۵،۵۱۹،۴۴۵،
گلزار ابرار۔ شیخ‌محمدمندوی
۵۲۰،۳۸۵
گلزارابرار۔ محمد غوثی‌شطاری ۷۴۳
گلزار ابراهیم ۔ علی‌ابراهیم خان
خلیل ۷۳۹،۴۵۹
گلزار ادب ۔ حسین مکی ۷۰۴
گلزار اعظم ۔ نواب غلام‌غوث‌خان
اعظم ۵۵۳،۵۴۹،۵۴۶،۵۲۷،۲۱،
۵۷۰،۵۶۹،۵۵۸
گلزارخلیل۔مولای ابومحمد حسن
شعری قادری ۷۵۱
گلزارخیال ۔آرزو ۳۳۵
گلزارسرور ر ك ریاض‌النور
گلستان سعدی ۴۸۵
گلستان مسرت ۶۲۰،۶۰۵
گلستان مسرت یاحدایق المعانی۔
محمدخان مصطفی ۷۸۸
گلستان هند ۔ درگاپرشاد مهر
سندیلوی ۶۴۰
گلشن ابراهیمی ر ك تاریخ‌فرشته
گلشن‌سخن۔میرزا کاظم‌مردانعلی‌خان
مبتلا ۷۳۹
گل عجائب ۔ اسد علیخان تمنا
اورنگ‌آبادی ۷۳۹
گلشن بیخار۔ مصطفی‌خان‌شیفته
۷۴۰،۵۲۱،۴۶۸
گلشن‌فطرت ر.ك بیاض‌میرمعزخان فطرت
« گفتار۔خواجه خان حمید
اورنگ آبادی ۷۳۷
« محمود۔ محمودمیرزا ۷۲۳
« معنی ۔ ترك علیشاه ۶۵۰
« نازر ك تذکرة النساء نادری
« همیشه‌بهار ۔ عبدالعلیم‌نصرالله‌خان
قمراحمدی‌خویشگوخورجوی ۷۴۱
« هند ۴۶۵،۴۶۲
گل فردوس۔ امین احمد ثبات
فردوسی ۷۵۲
گلهای ادب ۔ میرزا حسین خان سعادت
نوری ۶۶۷
گلهای جاویدان دربوستان ادب‌ایران ۔
مهدی توحیدی

۲۴۴ [illegible]

۳۴۲ [illegible]

۴۷۸ [illegible]

۲۷۴، ۵۶۴، ۴۷۳، ۵۲۷

۷۲۴، ۴۴۴ [illegible]

۷۰۲

۲۰۰ [illegible]

۴۸۳، ۶۸۸

۱۰۶ [illegible]

۳۸۱

[illegible]

۸۲۸، ۵۶۴، ۲۷۴، ۲۲۰۰، ۲۴۱، ۶۰۱

[illegible]

۳۳۱۳۳۰ [illegible]

۳۳۱۳۰ [illegible]

۵۵ [illegible]

۳۴۲ [illegible]

۳۲۴ [illegible]

۵۸۴ [illegible]

۴۳۸ [illegible]

۳۱۶، ۵۱۸

۴۶ [illegible]

۴۳۱ [illegible]

۴۳۱ [illegible]

۲۸۸ [illegible]

[illegible]

۸۰۳۰۳۰۶ [illegible]

[illegible]

۵۳۲

۴۰۴ [illegible]

۴۳۱ [illegible]

[illegible]

[illegible]

۳۳۷۴۱۰ [illegible]

۸۷۰۰۳۷۱

[illegible]

۷۱۱ [illegible]

۳۰۸ [illegible]

۸۷۴ [illegible]

۲ [illegible]

[illegible]

[illegible]

۸۰۳۱۲۳۵

۵۲۷، ۵۸، ۵۶، ۲۴۳، ۲۶۳، ۶۱۱

۱۷، ۱۲۲، ۱۵ [illegible]

۸۲۲ [illegible]

۵۷۶ [illegible]

۸۴۴ [illegible]

۸۰۵ [illegible]

۸۸۸ [illegible]

[illegible]

۸۴۳ [illegible]

[illegible]

مثنوی اعلان غم ـ قانع ۴۰۵
مثنوی بهاگوت یا مهرصیا ـ شیخ احمد علی سدیلوی ۵۰۳
مثنوی ترانه حق ـ ترک علیشاه ۶۵۱
« چهار مرله ـ قانع ۴۰۵
« حتم السلوک ـ قانع ۴۰۶
« سراپای عشق ۲۶۷
« سلسلة المحبت ـ هدی ۵۰۲
« سورسار ۳۳۳
« شترگربه ـ تقی اوحدی ۱۵۵
« شکراب ـ ترک علیشاه ۶۵۱
« صورت سرمد ـ ترک علیشاه ۶۸۰
« طول امل ـ ترک علیشاه ۶۵۱
مثنوی گلزار محبت ـ ترک علیشاه ۶۵۰
مثنوی فسون عشق ـ عشق ۴۴۷
مثنوی قصاب نامه ـ قانع ۴۰۶
مثنوی قصه کامروپ ـ قانع ۴۰۴
مثنوی کان جواهر ـ قانع ۴۰۷
مثنوی محبت نامه ـ قانع ۴۰۷
مثنوی مرزانامه ۳۰۳
« مطهر الانوار ـ شیخ احمد علی سدیلوی ۵۰۳
« نورعلی نور ۲۱۴
مثنویهای شهید ۳۹۵
مثنویهای یکتا ۳۹۵
مجالس عبدالقادر مراغه‌ای ۱۹۳
مجالس العشاق ـ عبدالهادی سلطان حسین ۴۷۳، ۷۶۰
مجالس المؤمنین ـ محمد باقر مجلسی ۴۰۹، ۴۷۳، ۷۶۷
مجالس النفایس ـ دو ترجمه آن از قرن دهم ۹۳،۶، ۱۱۹، ۱۹۳، ۲۶۲، ۳۹۹، ۴۷۳، ۴۹۶
(ترجمه) مجالس النفایس ـ از عبدالباقی شریف رضوی ۷۱۰
(ترجمه فارسی) مجالس النفایس ـ شاه علی بن عبدالله ۷۱۶
(ترجمه فارسی) مجالس النفایس حکیم (شاه) محمد بن مبارک قزوینی ۷۱۶
مجله آینده ۶۶۶
مجله ارمغان ۶۶۶
مجله اردو ۶۸۹
مجله انجمن ایران و هند ۶۶۵
مجله ایرانشهر ۶۶۶
مجله بهار ۶۶۶
مجله ترقی ۷۰۵
مجله دانش ۶۸۹
مجله دانشکده ۶۶۶
مجله کابل ۶۶۶
مجله ندیم ـ بهار بصیر ۵۴۵
مجله نمکدان ۶۶۶
مجله نوبهار ۶۶۶
مجمع الانساب ۱۱۸
مجمع الاولیا ـ میرعلی اکبر حسینی اردستانی ۷۴۴

مجمع البلغا ـ مایلی ۷۱۱
مجمع الخواص (ترجمه فارسی) ۷۳۰
مجمع الشعرای جهانگیری ـ قاطعی ۱۸۷
مجمع الشعرا ـ کاتب الملك دوری
۴۷۳ ، ۷۸۶
مجمع الصنایع ـ نظام الدین احمد ۴۰۹
مجمع الفصحا ـ رضاقلیخان هدایت
۶ ، ۷۰۳ ، ۷۲۷
مجمع الفضلا ـ محمد عارف بقائی
۱۰۹ ، ۴۳۶ ، ۴۹۱ ، ۶۶۴ ، ۶۱۹
۶۴۵
مجمع المحققین ـ ملامحمدصادق یارکندی
۷۶۱
مجمع الملوك ـ نجم طباطبائی ۵۶۰
مجمع النفایس ـ سراج الدین علیخان آرزو
۲۱ ، ۳۱ ، ۱۶۱ ، ۲۴۱ ، ۲۹۴ ، ۳۰۱
۳۲۲ ، ۶۲۶ ، ۴۲۰ ، ۴۲۲ ، ۴۲۶
۴۴۳ ، ۴۶۰ ، ۴۷۰ ، ۴۹۶ ، ۵۰۴
۵۱۹ ، ۵۵۴ ، ۵۷۱ ، ۵۹۸ ، ۶۰۴
۶۲۰
مجمع النقول ـ محمدعلی هندی ۷۶۴
مجمل التواریخ ۲۸۷
مجمل فصیحی ۱۴۶
مجموعه ۷۴۸
مجموعه حیدرشکوه ـ میرزامحمدحیدرشکوه
۷۶۵
مجموعه عشق ـ غلام محی الدین میرتهی ۴۴۷
مجموعه شعرا ـ سراج الدین حسینی ۷۸۷
مجموعه نغز ـ سید ابوالقاسم میرقدرت اله
قادری قاسم ۳۳۱ ، ۷۴۰
محبوب الزمن (تذکره شعرای دکن) ـ مولوی
عبدالجبار خان ملکاپوری ۵۶۵ ، ۷۳۵
محك شعرا ـ محمدصالح شاملوی خراسانی
۵۲۹
مخبر الاولیاء ـ رشیدالدین مودودلالاچشتی
۷۵۴
مخبر الواصلین ـ میرمحمد فاضل ترمذی
اکبرآبادی ۷۴۵
مختارنامه ـ قانع ۴۰۶
مختصری درتاریخ تحول نظم و نثرفارسی
دکتر ذبیح الله صفا ۷۷۱
مخزن اخبار ـ میرمختار ۱۷۵
مخزن شعرا ـ قاضی نورالدین حسینخان
رضوی فائق ۷۴۱
مخزن الاعراس ـ قادری ناگوری
اجمیری ۷۴۸
مخزن الغرایب ـ شیخ احمد علی سندیلوی
۹ ، ۱۵۱ ، ۲۴۰ ، ۳۴۴ ، ۳۶۱ ، ۴۹۴
مخزن لآلی ـ شاب کرمانشاهی ۶۶۷
مخزن نکات ـ شیخ محمدقیام الدین قایم
چاندپوری ۳۳۱ ، ۷۳۸
مدایح الامینیه یا مدایح الحسینیه ـ عبدالباقی

اصفهانی ۷۲۱
مدایح السلطان ۶۹
مدایح الشعرا - نواب عنایت حسینخان مهجور بنارسی ۷۴۱
مدایح المعتمدیه ـ محمدعلی بهار اصفهانی ۷۲۵
مدة العمر ـ حزین ۳۴۶
مدینة الادب ـ محمدعلی عبرت ۷۳۰
مذاق سخن ـ شاه سید حسن ۷۱۰
مذاکرات فی محاضرات ـ حزین ۳۶۵
مذکر الاحباب ۱۹۳، ۷۱۷
مرآت الادوار ـ مصلح الدین محمد اللاری ۹۷۴
مرآت الاسرار ـ عبدالرحمن عباسی علوی چشتی ۷۴۵
مرآت آفتاب نما ـ شاهنواز خان هاشمی دهلوی ۵۱۹، ۷۷۹
مرآت احمدی ـ علی محمدخان ۷۷۵
مرآت الاحوال ـ ر ک مرآت الاحوال جهان نما
مرآت الاحوال جهان نما ـ احمد اصفهانی بهبهانی ۷۶۶، ۷۸۱
مرآت جهان نما ۱۹۲، ۴۷۳
مرآت الخیال شیرخان لودی ۲۲۰، ۲۸۷، ۳۸۴، ۳۹۹، ۴۲۶، ۴۴۳، ۴۹۶، ۵۱۹، ۵۵۵، ۵۷۱، ۵۸۵، ۵۹۸، ۶۰۴، ۶۱۹
مرآت الزمان ـ ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳
مرآت الصفا ۴۹۰
مرآت العالم ـ شیخ محمد باقی سهارنپوری ۷۷۴
مرآت المثنوی ۱۴۳
مرآت الواردات ـ محمد شفیع وارد ۷۸۰
مردم دیده ـ ملا عبدالحکیم حاکم لاهوری ۳۱، ۲۶۳، ۲۹۹، ۳۲۷، ۳۵۶، ۴۱۵، ۴۲۶، ۴۴۳، ۶۰۴
مزارات کرمان ر ک تذکرة اولیا یا مزارات کرمان
مزارات هرات ۱۶۸
مسودات مجدالدین قوسی ۴۴۵
مسیر طالبی فی بلاد افرنجی ۴۸۱
مسک الختام فی شرح بلوغ المرام ـ نواب صدیق ۵۹۷
مشاهیر النساء ـ محمد ذهنی آفندی ۶۲۳
مشجرات ـ سید شهاب الدین نجفی ۷۰۵
مشکوة النبوة ـ سید علی ۷۵۳
مصباح الاحق ـ ملا عبرتی ۵۳۷
مصطبه خراب ـ احمد قاجار ۷۲۵
مصطلحات الشعرا ـ وارسته ۴۹۵
مضامین الشعرا ـ محمد رضا بن محمد جعفر ۷۸۶
مطبوعات ایران (انگلیسی) ـ پرفسور براون ۶۶۶

مطلب الطالبین ـ ابی العباس محمد طالب ۷۶۱
مطلع السعدین ـ کمال الدین عبدالرزاق ۷۸۳
مطلع الشمس ـ محمدحسنخان مراغی صنیع ۷۷۶
مطلوب الطالبین ـ محمدملاق حالدی دهلوی ۸۴۶
مطمح الانظار ـ حزیں ۳۶۳
مطول ـ ملاتفتازانی ۴۸۵
مظهر الاحدیه فی بیان الانساب السادات دیدیه
سیدعبداللحدظفرآبادی ۷۶۵
مظهر البرکات ۲۷۰
معارج الولایت ـ عبداله حویشکی ۷۴۶
معارف الانوار ـ محمدصالح تتوی ۷۴۹
معجم البلدان ۴۷۳
المعجم فی معاییراشعارالعجم ـ
شمس قیس رازی ۱۲
معدن الجواهر ـ مولوی محمدمهدی واصف
۲۱ ۵۴۶ ۷۰۹
معراج التوحید ۴۸۰
معراج الخیال ـ وزیرعلی عبرتی ۴۰، ۵۳۶
معراج العشاق ـ عبرتی ۵۳۸
معمولات مظهریه ۷۴۹
معیارالافکار ـ آرزو ۳۳۴
معیارسالکان طریقت ـ قانع ۴۰۶
معیارسالکین فی طریقت ـ قانع ۷۴۹
معین الاولیاء ـ قاضی سیدامام الدین
حسن خان ۷۵۲
مفاتیح الریاست ـ نحم طباطبائی ۵۵۹
مفتاح التواریخ ـ طامس ولیم بیل ۲۸۳ ۴۷۷
۴۸۹ ۵۸۸ ۷۷۹
مفتاح الخطوط ـ رضاعلی شاه قادری ۷۶۷
مفتاح الرزق ملک الکتاب شیرازی ۶۲۳
مفتاح مفاتیح وعینیه ۱۵۶
مفیدالشعرا ـ مصحفی امروهوی ۴۶۵
مقالة الابرار ۱۵۸، ۱۹۳
مقالات الشعرا ـ قیام الدین حیرت ۲۳۶
۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۳، ۶۳۴
مقالات الشعرا ـ میرعلام علی شیر قانع تتوی
۴۰۱
مقدمه حوامع الحکایات ـ دکتر محمد
نظام الدین ۸۰
مقولات اولیاء اله ۷۵۳
مقولات اولیاء کرام ۷۵۳
مکتوبات فیضی ۳۸۴
مکتوب صیا یا سبب نامه کلاں ـ شاه صیاء اله
مجری قادری حنفی ۷۵۱
مکلی نامه ـ میرعلی شیر قانع تتوی ۴۰۵
۷۴۸
ملتمس الاحبا خالص من الریا (ترجمه فارسی)
۷۶۹

مناحات حاکی ٧٥٤
مناطرة الانسان ١١٨
مناقب احمدیه ـ حاحی محمد امین بدحشی ٧٤٤
مناقب اصفیا ٧٥٣
مناقب اولیاء شریفی ـ شریف بن شریفی ٧٦١
مناقب الحضرات ـ حاحی محمد امین بدحشی ٧٤٤
مناقب الشعرا ـ ابی طاهر الحاتونی ١٥
مناقب العارفین ـ شمس الدین احمد افلاکی ٧٥٩
مناقب مزارات بحاراوای شریف ٧٦٢
منبع الانساب ـ سید معین الحق ٧٤٢
منبهات فی علم الاموات ـ غلام نقی بلگرامی چشتی صابری ٧٥٠
منتحبات آثار ـ محمد ضیاء هشترودی ٦٦٧، ٧٨٧
منتحبات از تذکرة الاولیای عطار ـ سرحوش ٧٥٠
منتحبات حضرت گلشن ٢٤٥
منتحب الاشعار ـ مرزا نعلی حان مبتلا ٣١٠
منتحب التواریخ ـ بیربل کاچرو ٧٨١
منتخب التواریخ ـ شیخ عبدالقادر بدوانی ١١٠، ٢٤٥، ٣٨٥، ٤٠٨، ٤٢٦، ٤٧٣، ٦١٩، ٧٧٨
منتحب التواریخ ـ میرزا حسن بیك حاکی ١٤٥، ٥٨٨، ٥٩٨، ٧٨٠
منتحبات محمدی ـ ملك الکتاب شیرازی ٦٢٣
منتحب لباب ـ محمد هاشم علی خان حوافی خان ٧٨٧
منتحب الطایف ـ رحیم علیخان ٤٧٠، ٥١٩
منتحب اللغات ـ عبدالرشید تتوی ٤٢٦، ٥٧١
منتخب جوامع الحکایات ـ مرحوم ملك الشعراء بهار
منتخب حاکم ـ ملا عبدالحکیم حاکم لاهوری ٣١٥
منتحب مجمع النفایس ٣٤٠
منتحبی از خوشحال خان تألیف سرهنك راورتی (انگلیسی) ٦٨٩
منتحبی از کلیات رعنا ٦٨٨
منشآت ابواب الجنان ـ میرزا رفیع واعظ قزوینی ٤٨٦
منشآت حاجی عبدالعلی طالقانی ٤٢٨
منشآت ملاطغری ٢٤٥
منظر العالم ر.ك. حورشید لامع
مواردالمصادر ٦٠٨
مونس الارواح ـ جهان آرا بیگم دختر شاهجهان ٨٤٥
مؤید برهان ـ احمدعلی ٥٨٦
مهروماه ـ آرزو ٣٣٤
میخانه ـ عبدالنبی قزوینی ٢١، ٢٦، ١٦٧

۷۰۳،٦۸۲،٤٦۹
میخانه یا خرابات یا میکده ـ
حسن بن لطف‌الله تهرانی ۷۱۸
میزان‌الاخلاق ـ سیدمحمدعلی یزدی ۷٦۵
میزان‌الافکار ـ قانع ٤۰٦
میزان‌عارضی ـ قانع ٤۰۷
نادرالزمانی ر.ك. تاریخ محمد شاهی
نادرشاه‌نامه ۳۹۵
ناسخ‌التواریخ ـ محمدرضا سده
تبریزی ۷۸۲
نامه داشوران ۷۷۰
نامهٔ دل ـ دیوان اردو علی‌حسن‌خان ٦۰۷
نامه سخنوران ـ اسدالله ایردگشسپ ۷۳۹
نامه‌فرهنگیان ـ میرزامحمدعلی عزت ۷۳۰
نتایج‌الافکار ـ محمد قدرت‌الله
گوپاموی ٤۲۱،۳۱۳،۳۱۱،۲٦۲
۵۵۳،۵۵۲،۵٤۷،۵۲۸،٤٦۸
٦۲۰،٦۰٤،۵۹۸،۵۷۱،۵۵۸
۷۰۳،٦٤۵
نثاروخمار (ساقی‌نامه) ۱۵٤
نثر فارسی ـ دکتر عرفانی ٦۸۰
نثر فارسی معاصر ـ ایرج افشار ۷۷۰
نجم‌الهدی ۳۰۳
نجوم‌السما فی‌تراجم‌العلما ـ مولوی
محمدعلی کشمیری ۷٦۵
نجوم‌السماء ـ میرغلام‌رسول آزاد
کشمیری لکهنوی
نجوم‌النساء ـ محمدصادق بن‌مهدی ۷۷۱
نخبة‌التواریخ ـ سیدمحمد آل‌حسن
امروهوی ۷٦٦
نزهت‌القلوب ۱۵۸،۱۱۸
نخستین کنگره شعراو نویسندگان
ایران ۷۷۲
نسب‌نامه‌شیخ‌زادگان ۷۵٤
نسب‌نامه کلان ر.ك. مکتوب‌ضیا
نسخه‌سرایر ـ شوق ٤٤۷
نسمات‌القدس من‌حدایق‌الانس ـ
محمدهاشم بن‌محمدقاسم ۷٤٤
نشترعشق ـ حسین‌قلی‌خان عاشقی
عظیم‌آبادی ٦۰۹،۵٤۰،۵۱۵،٤۲۱
۷۰٤،٦۱۹،٦۱٤
نشتر غم ۷۱۱،٦۰٤
نصاب‌البلغا ٤۰٦
نظام‌التواریخ ۱۵۸،۱۱۹
نظری برندگی و آداب ایران
(انگلیسی) ۳٤۵
نعمه‌عندلیب ـ محمدرضا نجم‌طباطبائی
۵۵۹،٤۲۱،٤۰
نفایس‌المآثر ـ علاءالدوله قزوینی ۳۹،
٤٦۰،۳۸۵،۱۷۵،۱٤۵،۱۰۰،
٦۲۰،٦۰٤،۵۸۸،٤۹٦
نفحات‌الانس ـ ملانورالدین جامی ۱٤٦،
٤۲۸،۳٤۲،۳۰٤،۲۸٦،۱۷۵،
۷٦۰،۵۹۸،۵۸۷،٤۹۰،٤٦۰

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

آزاد میرغلام‌علی بلگرامی ۱۹ ۲۶ ۲۳۳
۲۵۵ ۲۶۱ ۲۷۹ ۲۸۳ ۳۲۳ ۳۸۳
۳۹۳ ۴۲۰ ۴۲۵
استودی ۱۰۲ ۲۳۵ ۳۴۵ ۴۲۹ ۴۶۶
۴۶۸ ۵۲۹ ۵۵۱ ۵۶۹
اسحاق خان شوشتری ۳۲۹
اسفندیار نواب ابوالفتح ۱۱۹
اشپرنگر ۱۹۲ ۳۳۷ ۳۹۷
اشعری عین الملک فخر الدین الحسین
۵۴ ۶۷
آصفجاه (۶۹-۱۱۱۳ه) ۲۵۸ ۲۷۶ ۴۳۰
۴۳۹
آصفجاه‌ثانی نواب‌نظام علیخان (۱۱۱۸-
۱۲۷۵ه) ۲۶۰ ۴۴۰
آصفجاں ۱۴۰
آصف‌الدوله ۴۵۱ ۴۵۸ ۴۷۸ ۴۸۲ ۵۰۱
اصفهانی ابو طالب خان تبریزی مولف
خلاصة الافکار ۲۶۵ ۳۰۱ ۴۷۷
اعتمادالدوله فتحعلیخان ۲۹۵ ۴۱۷
اعتمادالملک ۴۱۷
اعزازالدوله میر یحیی‌خان ۲۹۹
اعظم جاه بهادر رضوان مآب نواب کرناتک
(۱۲۳۴-۱۲۴۱) ۵۴۵ ۵۵۳ ۵۷۰
افتخار میر عبدالوهاب ۳۹۳
آفرین‌شاه لاهوری ۲۹۸ ۴۱۶
افضل خان ۱۷۷
اکبر جلال‌الدین محمد (۹۶۲-۱۰۱۴ه)
۸۶ ۹۷ ۹۸ ۱۰۷ ۱۱۵ ۱۸۶ ۲۷۶
اکسیر اصفهانی میرزا عظیما ۴۵۲
التتمش شمس الدین (۶۰۷-۶۳۳ه) ۶۶
الدارخان ۲۹۵
الطاف حسینی عبداللطیف ۵۸۴
الهی میرعمادالدین محمود حسینی
امیر بیک امیر بنارسی ۵۶۲
امیر الممالک صلابت جنگ حاکم حیدرآباد
(۷۵-۱۱۶۴ه) ۴۳ ۲۶۰ ۲۷۷
امین بن احمد رازی ۱۱۶
انس حسن بیگ ۲۴۸
انور دکتر منوهر سهای ۳۳۰
انیس موهن‌لعل ۴۵۰
اورنگ‌آبادی میرزا افضل بیگ قاقشال ۳۷۸
اورنگزیب (۱۰۶۸-۱۱۱۹ه) ۴۸ ۱۹۷
۲۱۵ ۲۳۶ ۲۷۶ ۳۲۳ ۳۹۳ ۴۱۶
اورنگ عبداله ۱۵۳
ایساری (ایشوری) مهاراجا بنارس
۲۶۹
ایوانو ۳۹۱
بدوانی مؤلف منتخب التواریخ ۲۶ ۱۰۲
بابر ظهیرالدین (۹۳۲-۹۳۷ه) ۵۴ ۸۵
۱۰۷
باجانوجی ۲۸۴
بالاجی راومرهته ۲۸۱
برلاس دکتر نذیرحسن ۶۸۵
برهان الملک سعادت‌خان نیشاپوری ۳۱۱
۴۳۰، ۵۰۱

بقائی محمد عارف ۱۰۹
بلگرامی میر سید لطف اللہ ۲۵۶
بلگرامی میر سید محمد ۲۵۷
بلگرامی میر عبدالجلیل ۲۵۶
البلیانی شیخ اوحدالدین عبداللہ الفارسی ۱۵۱
بلوچستان ۳۳۲
بہادرشاہ ظفر (۱۲۵۳-۱۲۷۵ھ) ۱۹۸
بہاءالملک حسن ۵٤
بہرام گور ۹۹
بہرام شاہ بن مسعود غزنوی (۵۱۱-۵٤۸ھ) ۵۳
بہمنی سلطان فیروز شاہ (۸۰۰-۸۲۵ھ) ۸۸
بہمنی سلطان محمد شاہ دوم (۷۸۰-۷۹۹) ۸۸
بہمنی علاءالدین حسن گنگو ۸۷
بھوانی داس ٤۳۹
بھوسلہ رگھوجی ۲۷۷
بیحسر میر عظمت اللہ ۲۵۷،۲۳۱
بیدل عبدالقادر ۲٤۱
بیغم بھوپت رای بیراگی ۲٤۱
بینش سید مرتضی ۵٦٤
پانی پتی شیخ شرف الدین (شیخ ابوعلی قلندر) (م۷۲۵) ۵۵
تانا شاہ گو ۶۵
تربیتی خواجہ ابوالحسن ۱۹۱
ترخان میرزا غازی ۱۳۷
تقی اوحدی ۱۵۱،۱۳۷،۲۷
الجامی علاءالملک ضیاءالدین ابوبکر احمد ۶۵
۰ جرأت ٤۵۹
جمال نقاش اصفہانی ۱۸
جنیدی نظام الملک قوام الدین محمد ۵۵، ۱٦۸
جہاندارشاہ ۳۲۵
جہانگیر نورالدین محمد (۱۰۱٤-۱۰۳۷ھ) ۸٦، ۱۵۳، ۱٦۹، ۱۸٦، ۱۹۱، ۲۱۵، ۲۷٤، ۲۷٦
چراغ دہلی شیخ نصیرالدین (م۷۵۷ھ) ۵۵، ۳۲۳
چنگیز خان ۱۸٦
حاجی حلیمہ
حافظ ۱۱ ۱۲
حاکم ملا عبدالحکیم لاہوری ۳۱۵ ـ ٤۱۵
حبیبی عبدالحی ۱۱٤
حزین (شیخ علی حزین) ۱۹، ۲۵۷، ۳٤۱، ٤۵۹
س بہاءالملک ٦۷
ں دوست ۳۱۷
حلک ۲۸۱
ت قیام الدین ۲۳٦
خاصع اردشیر ۷۰۲
خاکی میرزا حسن بیک ۱۳۵
خان احمد میرزا حاکم گیلان ۱٦۳
خانخانان بیرم خان ۸٦

خانخانان عبدالرحیم ٨٦
خدیجه سلطان ٢٩٦، ٣٠٨
خسروشاه بن بهرامشاه غزنوی (٥٤٨-٥٥٥ه)
٥٣
خسروملك بن خسروشاه (٥٥٥-٥٧٣ه)
٥٣
خلجی سلطان علاءالدین (٦٩٥-٧١٥ه) ٨٧
خلجی ملك اختیارالدین دولتشاه بلکا ٦٨
خلجی سلطان علاءالدین (٦٩٦-٧٦٥ه)
٥٥
خلیفه آوابوس ٣٢٥
خلیل علی ابراهیم خان ٤٥٦، ٤٧١
خلیل محمد ابراهیم ٦٢٦
خوارزمشاه سلطان علاءالدین محمد
(م٦٠٠ه) ٦٥
خوارزمشاه ٦٥
خوافی سید شکرالله خان ٢٢١
خوشحال خان ختك ٦٩١
خوشگو بندرابن داس ٢١١، ٢٣١،
٢٣٩، ٣٠١، ٣٢٣
داود علیخان ٤٥٧
داعی میر سید محمد ٢٥٦
درگاداس ٤١٤
دری شوشتری ٢٤٤
دقاق ابوعلی ١٥١
دولتیار سعدالدین مسعود ٦١
دشاحی بهائی ایرانی ٦٧٧
دهلوی شیخ نظام‌الدین اولیاء (م٧٢٧ه)
راجه رام چندر ٢٨١
رایق غلام علی موسی رضا ملقب به
حکیم باقر حسین خان ٥٢٧
ریچارد جانسن ٤٤٩
رفیع‌الدوله ٣٢٥
رکن‌الدین طغرل بن ارسلان ١٨
رموند مترجم سیرالمتاخرین ٣٥٦
رونی ابوالفرج بن مسعود (م ٤٩٢-
٥٠٨ ه) ٥٤
ریو ٢٢٤
رحمی عبداله‌خان شاهجهانی ٢١١، ٥٢١
سارکیس ٢٦٩
سالار جنك رشید خان ٣٢٨
سقت لاله سکه راج ٢١٣، ٢٤١
امیر سبکتکین (٣٦٦ - ٣٨٧ ه) ٥٢
سرهکتی مولانا قطب‌الدین ٦٣
سرهکتی شرف‌الزمان ٦١
سندهی شیخ محمد حیات ٢٥٩، ٢٥٦
سرخوش محمد افضل ٢١٠، ٢٤١
سعدی لاهوری شیخ ٤١٦
سید احمد پیشاوری ٦٩١
سید سکندر شاه رعنای کاظمی ٦٩١
سید علی المدعو محمد میرخان
احملی ٥٦٣
سید عنایت علیشاه ضیاء جعفری ٦٩٢
سید لعل شاه جگر کاظمی ٦٩١

سید محمد شاہ برق ٦٩١
شادمان خان اورنگ ٤١٦
شادلی علی بن عمر ٢٥٩
شاملو علیقلی خان ١٦٤
شاہ اردان (م ١٠٢٨ ھ) ٣١١
شاہجہان شہاب الدین محمد (١٠٣٧ – ١٠٦٩ ھ) ٤٧ ، ٨٧ ، ١٤٠ ، ١٤٢ ،
١٩١ ، ٢١١، ٢١٥ ، ٢٧٤
شاہ شجاع ٢٢١
شاہ عالم ثانی (١١٧٣ – ١٢٠٥ ھ)
٤٤٧ ، ٤٥٨ ، ٤٩٥ ، ٥١٢
شجاع الدولہ ٣٢٨، ٤٣٠
شجاع الملک امیر الامرا ٢٨٠
شجاع الملک جعفر علیخان ٣١١
سلطان شمس الدین التتمش (٦٠٧–٦٣٣ھ)
٥٣
شفیق اورنگ آبادی ٢٢٩، ٢٣٩، ٤٣٨
٤٤٥
شمس الدین سید ٢٦٩
شوق محمد قدرت اللہ ٤٦٨
شیخ احمد علی سندیلوی ٤٩٤
شیخ فضل اللہ ٣١٧
شیخ معید شیرازی ٢٠٢
شیخ نظامی ١٧٧
صالح خان ٢٩٧
صبا گوپاموی محمد مظفر حسین ٦١٣
صدریار جنگ حبیب الرحمن خان شیروانی
٤٢٤
صمدر جنگ نواب ابو المنصور خان (١١٦٢–
١١٦٦ھ) ٢٩٩، ٣١١، ٤١٧، ٤٣٠
صفوی ابو الفتح سلطان محمد ٤٨٠، ٥١٢
صفوی شاہ طہماسپ حسین (٩٣٠–٩٨٤ھ) ١١،
٩٧، ١٠١، ١٢٥، ٣٤٨
صفوی سلطان محمد خدابندہ (٩٨٥–٩٩٦ھ)
١٥٢
» سلطان حسین میرزا (١١٠٥–٣٥ھ)
٢٩٦
» شاہ طہماسپ دوم (١١٣٥ – ١١٤٥ھ)
٢٩٥
صمصام الدولہ شاہنواز خان ٢٦٠، ٢٧٥
٢٨١ ٤٣٩
صوفی مولانا محمد ماربدرانی ١٣٥
ضیاء الدولہ ٥٤٥
ضیاء الملک نواب ٥٤٠
طالقانی شیخ خلیل اللہ ٣٤٣
طنطاوی شیخ عبد الوہاب ٢٥٦، ٢٥٩
طغرخان احسن ١٩١
ظفر الدولہ فتحعلیخان ٥٦٢
عادلشاہ اسمعیل (٩١٦–٩٤١ھ) ٧٨
عادلشاہ ثانی ابراہیم (٩٨٨–١٠٣٨ھ)
٨٨، ١٢٥
عادلشاہ یوسف ٨٨

عاشق عظیم آبادی آقاحسین قلیخان ٥١٦
٥٢١
عاشقی عظیم آبادی ر.ك عاشق عظیم آبادی
عالمگیر ر.ك. اورنگزیب
« ثانی (١١٦٨-١١٧٣ھ) ٢٣٦
عالمگیری عبدالوهاب ٢٧٤
عاملی شیخ بهاءالدین محمد ٣٤٢
عبدالملك خان امیر محبت الله ٤١٧
عبدالنبی خان فخرالزمانی قزوینی ١٦٨
عبداللطیف میر ١٠٢
عبدالرحمن بن عوف ٦٠
عبدالله خان ٣٣٧
عبدالمقتدر ٣٣٦،١٣٥
عبرتی وزیر علی ٥٣٦
عثمان خلیفه سوم (٢٣-٣٥ھ) ٥١
« نصرة الدین ٦٤
عدنان محمد مجدالدین ٦٤
عرفانی (دکتر) خواجه عبدالحمید ٦٧٨
عظیم الدوله بهادر رحمت مآب نواب کرناتك
(١٢١٦-١٢٣٤ھ) ٥٤٧،٥٢٧
عظیم الشان محمد ٣٢٥
عمدة الامرا ٥٢٧
عمدة الملك امیر خان انجام ٣٥٥
عمر تاج الدین امام برهان الاسلام ٦٣
عمر (خلیفه دوم) ٥١
عوفی محمد بن محمد ٥٩
عیسی قاضی صفی الدین ١٠٢
غازی بیك خان ٤١٧
غازی الدین ٢٦٤
غالب دهلوی ٥٨٥
غجدوانی شاه مسافر ٢٥٩
غزنوی ابوالحسن علی بن عثمان جلابی
هجویری ٥٥
غلام علی خان ٤٤٦
غنی محمد عبدالغنی موفرخ آبادی ٦٤٣
غوری شهاب الدین ٦٦
غوری سلطان غیاث الدین محمود (٦٠٢-٦٠٧ھ)
٥٣
فاخر مکین میرزا ٤٥٢
فراسیس نصاری ٢٧٨
فخری ابن امیر هروی سلطان محمد ٩١
فرخ سیر شاه محمد (١١٢٤ - ١١٣١ ھ)
٣٢٥ ،٣١١،٥
فقیر دهلوی عباسی میر شمس الدین
٤٢٣،٣٠٢،٢٩٦
فیروز جنك عبدالله امیر الامرا ٤٣٠،١٧١
فیروز شاه رکن الدین (٦٣٣-٦٣٤ھ)
٦٧
قادری شمس الله ٢٦٩
قاری بسمل بخاری ٦٩٢
قاسم علیخان آفریدی ٦٩١
قاسم علی خان عالیجاه ناظم بنگال ٣١١
قایم چاندپوری ٣٣١
قباچه ناصر الدین (م٦٢٥ھ) ٦٦،٥٥

قبول کشمیری میرزا عبدالغنی ۲۳۰
قدرت قدرت اللہ خاں گوپاموی ۵۵۲
قزلباش (نادرشاہ) ۳۴۹
قطبشاہ محمد قلی (۹۸۸-۱۰۲۰ھ) ۸۸
قطبشاہ یارقلی جمشید (۹۵۰-۹۵۷ھ) ۸۸
قطبشاہ عبداللہ قطب الملک (۱۰۳۵-۱۰۸۳ھ) ۱۴۱
قطبشاہ سلطان محمد (۱۰۲۰-۱۰۳۵ھ) ۸۸
قطب عالم شیخ نور (م۸۰۸ھ) ۵٦
قلیج طمماج خاں ابراہیم ٦۱
قمرالدین علی الحسینی الناصری ۴۴۸
قمی ملا فریدوں ۳۴۸
کاشانی شرف الدین علی الحسینی ۱۲۴
کاشی تقی الدین محمد ۱۲۴
کامی علاءالدولہ قزوینی ۱۰۱
کرم داد ۲۹۷
گارسں دتاسی ۴٦۸
گجراتی عبداللطیف ۱۴۰
گراہام بیلی ۴٦۴
گلشن سعداللہ ۲۴۱
گنج شکر شیخ فریدالدین (م٦٦۴ھ) ۵۵
گوالیاری محمد غوث شیخ حمیدالدین (م۹۷۰ھ) ۳۲۳
گیسودراز شیخ محمد ۸۲۵
گیلانی شیخ زاہد ۳۴۲
لرڈ کارنوالس ۴۵۹
لرڈ وارن ہسٹنگز ۴۵۸
لودی ابراہیم ۷۵
لودی شیخ شمس الدین فریادرس (م۷۹۰) ۴۵٦
لودی شیر خاں ۲۲۱
لودی علی امجد خاں ۲۲۱
ماہر محمد علی ۲۱۱
ماہم ۹۷
مایل میر غلام علی ۴۰۷
مبتلا مرداں علی خاں ۳۱۱
مجلسی مولانا محمد باقر ۳۴۴
محمد اسحق (ڈاکٹر) ٦٦۲
» شاہ (۱۱۳۱-۱۱٦۱ھ) ۲۷۵، ۲۷۳، ۲۷٦، ۲۹۸، ۳۱۱، ۳۲٦، ۴۱٦
» بن تغلق (۷۲۵-۷۹۰ھ) ۸۷
» صادق ۱۸۹
» صالح شاملوی خراسانی ۵۲۹
» علیخاں ۲۹۵
» عوفی ٦
» قلیخاں ۴۷۷
محمود خاں افغان ۲۹۵، ۲۹٦
» غزنوی (۳۸۸-۴۲۱ھ) ۴۷، ۵۲
مختارالدولہ ۴۷۸
مخدوم شاہ تقی (م۸۲۴ھ) ۵٦
مخدوم جہانیاں سید جلال الدین بخاری ۳۹۳

مخدوم جهان گشت شیخ جلال (م۷۹۰ھ) ٥٦
مخلص آنندرام (م۱۱٦٤ھ) ٣٢٦، ٣٩١
مست ذوالفقارعلی ٥١٤
المستنصر (بالله) (٦٢٣–٦٤٠) ٦٨
مسعود بن سعد بن سلمان لاهوری (م٥١٥ھ) ٥٤
مسیو دتاسی ٤٥٩
مصحفی امروهوی شیخ غلام همدانی ٤٦٣
مظهر جنگ ٤٣٠
معین دکتر محمد ٦٨
مکین محمد فاخر ٥٠١
ملتانی شیخ بهاءالدین زکریا (م٦٤٧ھ) ٥٥
ملک ناصر علیخان ٦٩١
ملک الکتاب میرزا محمد خان شیرازی ٢٢٤، ٦٢٢
منارام ٤٣٩
منهاج سراج ٥٤
موسی بوسی ٢٨١
مولوی ترک علیشاه قلندر نورمحلی ٦٤٧
مولوی محمد حسین خان ٥٨٢
مهابت خان ١٢٠
مهرعلیخان ٢٩٥
میان غلام شاه کلهوره والی سند (٨٦–١١٧٠ھ) ٤٠٢
میراولاد محمد ٤٢٥
میرتهی شیخ غلام محی الدین قریشی ٤٢٥
٤٥٨
میرزا احمد ٢٩٧
» امان الله ١٦٩
» دلاورخان ٦٩١
» رضاهمدانی ٦٩٢
» نظامی قزوینی ١٦٩
میرعبدالحی خان ٢٨٣
میرعبدالسلام خان ٢٨٣
میرعلیشیر (نوائی) ٦
ناجی محمد حسین خان ٣٢٦
نادرشاه ٥، ٢٩٧، ٣٢٧، ٤١٧
ناصرجنگ نواب نظام الدوله حاکم حیدرآباد (٦١–١١٦٤ھ) ٤٣؛ ٢٥٩
ناگوری قاضی حمیدالدین (م٦٩٥ھ) ٥٥
نجم الدوله ٣٢٧، ٤٥٨
نجم الدین کبری ٦٣
نجم طباطبائی محمدرضا ٥٥٩
ندرت حکم چند ٢٤٠
ندرت علی فطرت عطاءالله ٢٧٣
نصرآبادی مولف تذکره نصرآبادی ٢١٠
نصیرالدین حیدرشاه اود ٥٢٤
نظام الدوله (١١٦١–١١٦٤ھ) ٢٧٧
نظام الدین دکتر محمد ٦٩
شیخ نظام الدین اولیاء ٢٣٣
نظام الدین احمد ١٠٩ ١٨١

نظام‌علیخان نواب (۱۱۷۵ - ۱۲۱۸ ھ) ۴۳۹
نظام الملک نواب میر محبوب علیخان بهادر
نظام دکن ۶۴۳
نفیسی سعید ۶۴
نقش علی مولف باغ معانی ۳۹۷
نواب اعظم ۳۱، ۳۶
نواب صدیق حسن خان ۳۸، ۵۹۳
« شاهجهان بیگم والیه بهوپال ۳۸
« نجف خان ۴۴۷
واجد علیشاه پادشاه اود (۱۲۶۳-۱۲۷۲ ھ) ۵۶۰
واقف لاهوری (بتالوی) نورالعین ۴۲۱
واله علی قلی خان ۲۹۴
وجیه‌الدین اشرف ۲۶۲، ۳۱۵
ولیام چمبرز ۲۶۴
ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶ ھ) ۵۲
همایون ناصرالدین (۹۳۷ - ۹۶۲ ھ) ۸۵
۱۰۷
هندی بهگوان داس ۵۰۰
یمین‌الدوله نواب ۲۸۱
یوسف علیخان ۴۴۶

ح- فهرست اماکن

اجمیر ۱۶۹، ۱۷۱
اجودهیا ۳۲۸
اجه ۶۷
احمدآباد ۱۵۴
احمدنگر ۳۹۳
آذربایجان ۱۲۸، ۲۹۵
ارکات ۵۲۷
اریسه ۴۵۷
اسفراین ۶۲
اسفرار ۶۲
اصفهان ۱۳۸، ۲۹۵، ۴۳۰، ۴۷۷
اکبرآباد (آگره) ۳۲۳، ۳۲۵
آگره ۱۶۹، ۱۹۱
الهآباد ۳۲۸
امروها ۴۶۴
اودگیر ۵۲۷
اورنگ‌آباد ۲۵۹، ۲۸۱، ۴۱۸
۴۲۱، ۴۲۵، ۴۳۹
آموی ۶۲
ایروان ۲۹۵
بخارا ۶۲
بریلی ۳۱۷، ۵۵۹
بصره ۳۴۸
بغداد ۱۲۰
بنارس ۳۵۶، ۴۵۹، ۴۷۱
بندرعباس ۳۴۶
بنگال ۴۷۸
بنگاله ۵۳، ۲۲۱، ۴۵۷
بهار ۱۷۱، ۴۵۷
بهوپال (هند) ۳۷، ۵۹۴، ۶۰۷، ۶۱۳

بهکر ۶۸،۶۲
پتنه ۵۵۹،۵۳۷،۴۵۷،۱۷۱
تبریز ۱۲۸
تته ۴۲۱،۴۰۲
حرمادقان ۱۲۸
حونپور(شرقی) ۵۳
جهان آباد = شاهجهان آباد = دهلی ۲۲۲
حیدرآباد(دکن) ۲۷۱،۳۶
خاندیش ۵۴
خراسان ۶۲
خرم آباد ۳۴۸
خوارزم ۶۲
خواف ۲۷۶
داغستان ۲۹۴
دولت آباد ۳۹۳
دهلی ۴۶۴،۴۴۷،۳۲۵،۲۷۷،۶۲،
۵۹۳،۵۸۵
رای بریلی ۴۱۷
ساری ۳۴۹
ساوه ۱۲۸
سجستان ۶۲
سرهند ۲۲۱
سمرقند ۶۲
سنبهل ۳۱۷
سند ۳۴۹
سیستان ۶۳
شاهجهان آباد ۳۲۵

شوشتر ۳۴۸
شهر نو ۶۲
شیخوپوره ۴۵۷
شیراز ۱۲۸
صورت(سورت) ۳۴۹
عظیم آباد(پتنه) ۴۵۸،۳۵۴،۳۱۱
عربین ۶۲
فارس ۱۲۰
فره ۶۲
قزوین ۱۲۸
قسطنطنیه ۱۲۰
قم ۱۲۸
قندهار ۲۹۵
قنوج ۵۵۲
کابل ۱۹۱
کاشان ۱۲۸
کالپی ۲۳۲،۱۲۰
کربلا ۲۹۷
کرمان ۱۲۸
کرماشاهان ۲۹۷
کرناتك ۵۴۷،۵۲۷
کشمیر ۴۱۷،۵۴
کلکته ۴۷۹،۴۵۷
کنبهایت ۶۲
کوفه ۱۲۰
گجرات ۲۵۸ ، ۱۰۹ ، ۵۴
گوالیار ۳۲۳

گورکپور ٤٧٩
گولکنده ١٤١
گیلان ١٢٨
لار ٣٤٩
لاهور ٦٢ ، ٢٩٨
لکهنو ٣١٢ ، ٤٦٤ ، ٥٥٩
لوهاور (لاهور) ١٥٣
ماندو ١٧١
ماوراءالنهر ٦٢
مالوه ٥٤ ، ٢٥٨
محمدپور ٥٢٧
مدراس (هند) ٣٦ ، ١٣٦ ، ٢٩٢ ، ٥٢٧
مدینه ٢٥٩
مرادآباد ٣١٧ ، ٤٦٤
مرشدآباد ٤٥٧
مرو ٦٢
مشهد ٣٤٨
مکه ٢٥٩ ، ٥٤٧ ، ٥٩٣
مونگهیر ٤٥٧
ناگپور ٥٥٩
نجف ١٢٠
نخجوان ٢٩٥
نهرواله ٦٢
نیشابور ٦٢
هرات ٦٢
همدان ١٢٨ ، ١٩١
یزد ١٢٨
یرحرد ١٥٣

غلطنامه

استدعا دارد که قبل‌ازمطالعه این‌کتاب غلطهای زیررا اصلاح بفرمائید . نگارنده امیدواراست غلطهای دیگرکه ممکن‌است بعلت‌حروف ریختگی دراین‌کتاب‌وجود داشته‌باشد بوسیله خوانندگان گرامی‌اصلاح خواهدشد .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
هشت	۲۰	سروآراد	سروآراد
نه	۱۱	ابیس‌الاحساد	انیس‌الاحیاء
یازده	٦	یحمد	محمد
پانزده	۱۸	هندوو	هندو
۱	۱۳	دبتر	دبیر
٥	۲۱	الحواتین	الحوابین
۲۰	۲۱	میحانه	متحانه
۲۱	۲۰	مقالاث	مقالات
۳۱	۱٥	مدارس	مدراس
٥٤	۱۹	الشده	الشدة
٥٥	۱۸	دکریا	زکریا
۸۹	۲۱	اماعلیف	تألیف
۹۳	۲۲	تدکرة	تذکرة

صفحه	سطر	غلط	صحیح
١١٨	٢٠	شریف‌الدیں	شرف‌الدین
١٢٩	٢٣	ملاند	بلاند
١٤١	١١	قطب‌شا	قطب‌شاه
١٦٠	٢١	تعریت	تعریف
٢٠١	١٤	رساله	کتاب
٢٢٥	١٥	توصیح	توضیح
٢٢٥	١٩	قرمشی	قریشی
٢٢٩	١٦	سحن‌اله	سبحان‌اله
٢٣٢	٥	فیص	فیض
٢٣٢	٢١	ستابدار	استاںدار
٢٣٥	١٣	اهمیب	اهمیت
٢٣٩	١٧	شما	شمال
٢٣٩	١٧	امرور	امرور
٢٤٧	١٠	طاهراً	طاهرا
٢٤٨	١٥	)	حدف‌شود
٢٤٩	١٨	و	حدف‌شود
٢٥٦	١	وطا	وطناً
٢٦٩	١٧	شماته	شمامة
٢٧٧	٢٢	دیرسکت	دیر نگذشت
٢٨١	٣	بالاحی‌اؤ	بالاحی‌راؤ
٢٨٣	١٨	ممعیں	متعیں
٢٨٣	١٩	پود	بود
٣٢٥	١١	عش	عیش
٣٦٩	١٥	اکتر	اکثر
٣٧٦	١٩	Beugal	Bengal
٣٧٦	١٩	et eho	of the
٣٩٤	٣	ملکرامی	ملگرامی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٣٩٤	٥	میریسد	مینویسد
٣٩٤	١٤	تدکره	تذکره
٤٠٠	١٤	باعی	رباعی
٤٠١	١٥	دوم	روم
٤٠٤	١٩	مثتوی	مثنوی
٤٠٩	٣٣	ضا	رضا
٤٤٧	١٠	یتنه	پتنه
٤٦٨	١١	تاریح	تاریخ
٤٧٧	٢٠	ملتدن	بلندن
٤٧٨	١٦	کنکا	گنگا
٤٨٩	١٤	«مجله» European Magazine	مجله «European Magazine»
٤٩٦	١٦	تدکره	تذکرة
٥٠٥	١	محنصر	مختصر
٥٢٧	٧	او گیر	اودگیر
٥٢٧	١١	اودگیر	اودگیر
٥٢٧	١١	بمدارس	بمدارس
٥٣١	٢٠	تدکر	تذکره
٥٤٧	٢٠	ا	ا
٥٧١	١٩	نتوی	تتوی
٦٠١	١٣	آنذور	آمررور
٦٠٤	١٥	اقلم	اقلیم
٦٠٧	١	٧٠٦	٦٠٧
٦١٩	١٤	نگارستان	نگارستان سخن
٦٤١	١٩	دکر	ذکر
٦٤٥	١٢	کلمات شعرا	کلمات الشعراء

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶۵۰	۲۰	راماس	راماین
۶۵۷	۲	۱۳۹۰	۱۹۳۰
۶۸۵	۲۱	Lanquages	Languages
۶۸۶	۲۳	طرح نوع	طرح نو
۶۸۹	۳	سعیدء	سعید
۶۹۵	۶	صنایع	صنایع
۶۹۶	۸	شعرائی‌راکه	شعرائی که
»	۱۲	اشعارشرا	اشعار شعرا
۷۰۱	۱۵	کرد	کرد
۷۰۸	۲	و متقدم	حذف شود
۷۰۸	۳	متاحر	معاصر
۷۰۸	۱۲	«اینك چند ابیات .	«ایك چندابیات .
۷۰۸	۲۴	مارسی	فارسی
۷۱۰	۱	حید	وحید
۷۱۲	۴	امالیف	تألیف
۷۱۸	۱۱	[illegible])	حذف شود
۷۲۴	۱۴	تدکره	تدکرة
۷۳۱	۱۷	تذکرةالشعرا	تدکرةالشعرای
۷۳۳	۱۱	۹۷	۹۷ـ
۷۴۵	۱۳	سر	سیر
۷۵۶	۱۱	اللالی	اللآلی
۷۵۷	۱۳	تته کرة	تدکرة
۷۵۹	۹	شیرارنامة	شیرارنامه
۷۶۰	۱	مرار	مرار
۷۶۰	۱	ندکرههرارمرار	تدکرةهرارمرار
»	۱۷	سلسلة نامه	سلسله نامه
»	۱۹	سعدیة	سعدیه
۷۶۱	۵	روضة	روصه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۶۱	۷	اطالبیں	الطالبین
۷۶۳	۱٤	تذکره	۵۸ـ تذکره
۷۶۳	۱٤	تذکرةالاولیاء	۵۸ـتذکرةالاولیاء
۷۹٤	۱۲	تنهاتاریخ‌حسن	تنهادرتاریخ‌حسن
»	۱۳	ذکر ..راآورده	ذکر. . . آمده‌است
۸٤۹	۹	سراج‌اللغته	سراج‌اللغة

تذکر ـ بعلت اشتباه درشماره‌های‌صفحات، عنوان« فهرست‌کتب‌ورجال واماکن » بجای صفحه ۸۲۷ در صفحه ۸۲۸ چاپ شده است وهمچنین صفحه ۸۲۹سفیدمانده است. خوانندگان محترم لطفاً تصحیح‌بفرمایند .